۱۳۱۲
ANNUAIRE DE LA
REVUE DE KABOUL
1933-34
انجمن ادبی
ÉDITÉ PAR LE CERCLE
LITTÉRAIRE DE KABOUL
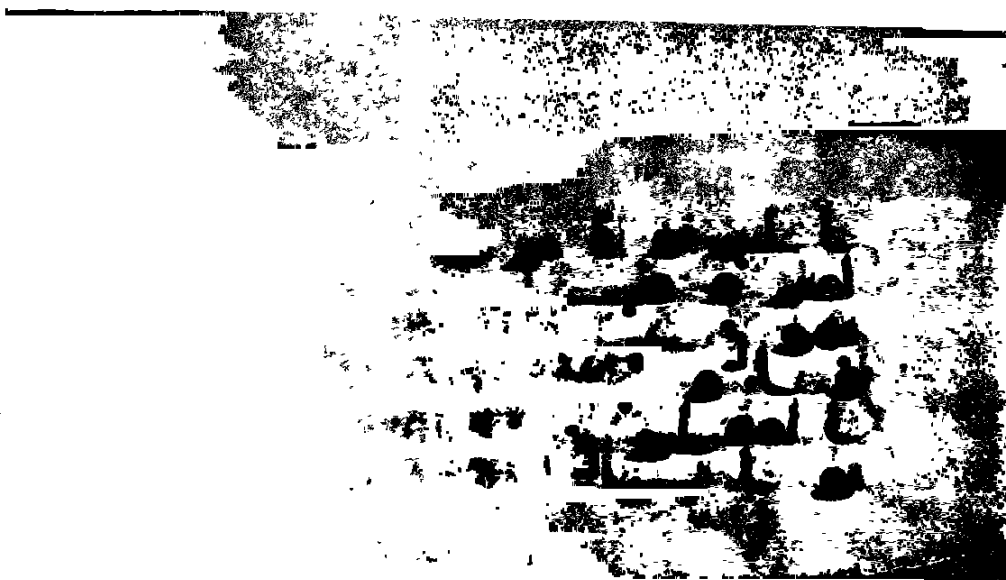
عکس یك ورق قرآن شریف بخط مبارك حضرت علی کرم الله وجهه که در موزهٔ کابل موجود است
Page d'un Coran écrit par le 4ème Khalif (Musée de Kaboul).
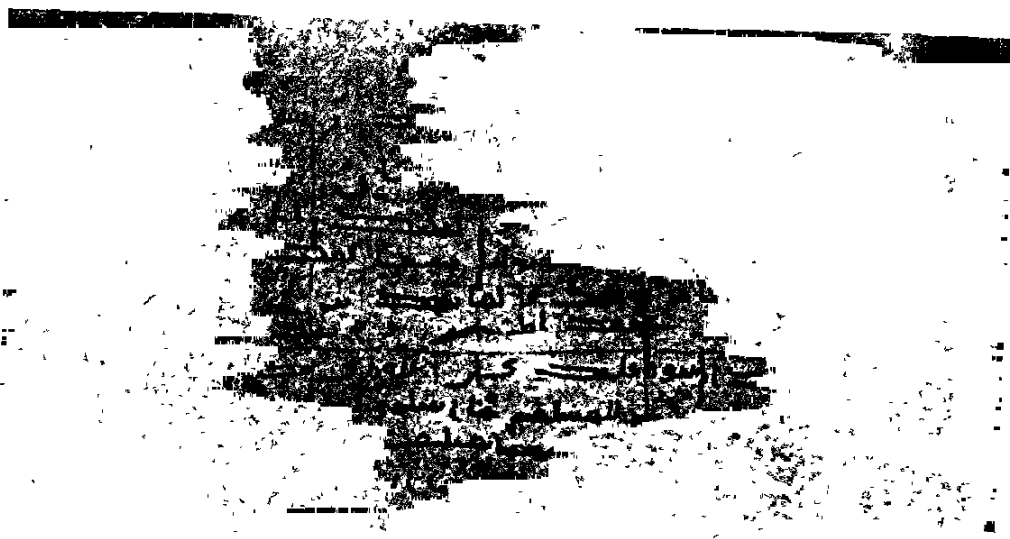
فوتوی نامهٔ مبارك حضرت رسول الله (صلعم) بنام منذر بن ساوی (موزهٔ کابل)
production de la Lettre du Prophête MOHAMMED adressée à MOUNZARI-BINI- SAOUI (Musée de Kaboul).
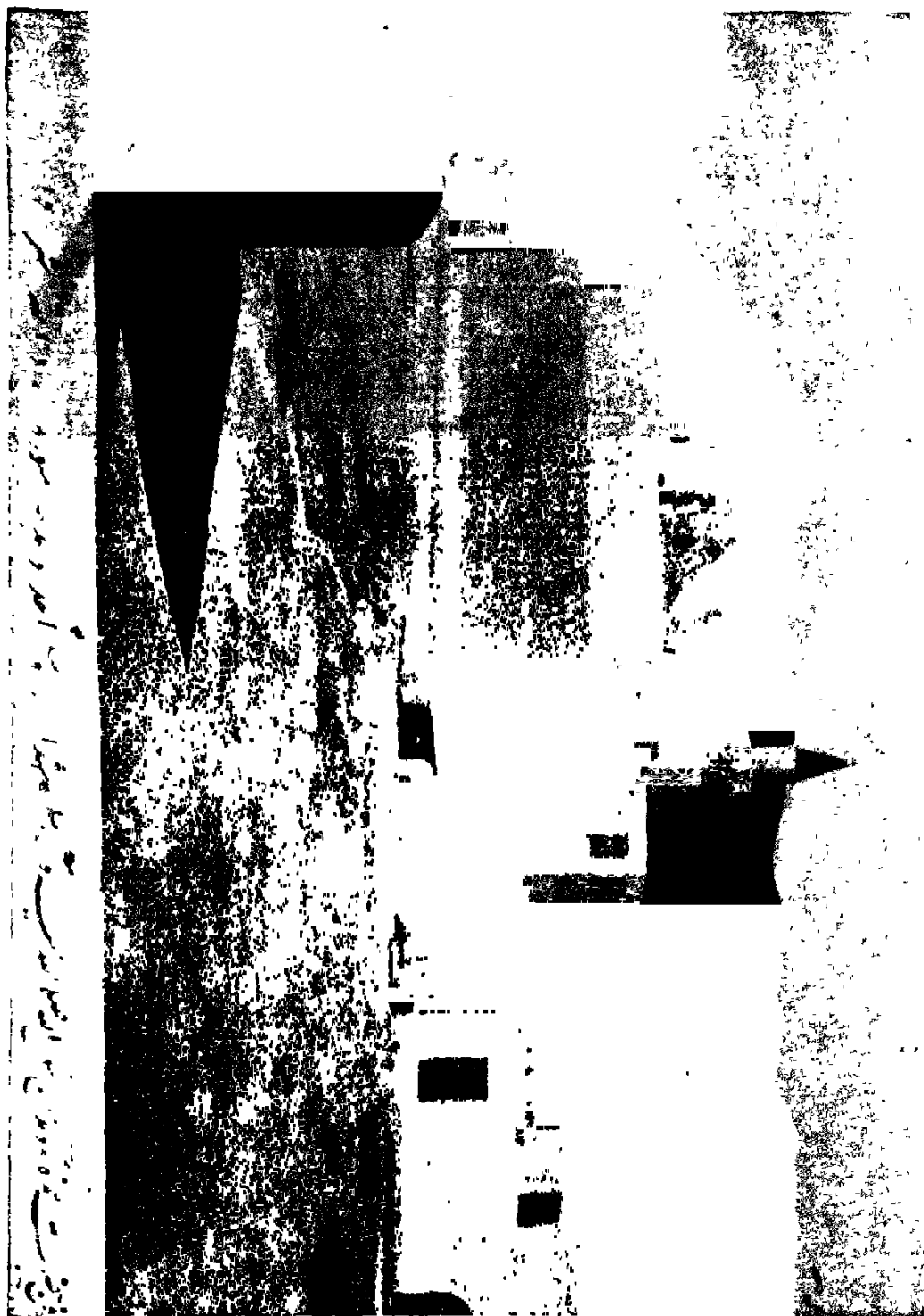
بسم الله الرحمن الرحیم

مقدمه

هیئت انجمن ادبی کابل خدای متعال را خیلی شکر گذار بوده و سپاس میگوید تا در سایهٔ رافت و مراحم مخصوصهٔ شهریار معارف پرور و پادشاه جوان خود اعلیحضرت محمد ظاهر شاه خلدالله تعالی ملکه به نشر سالنامهٔ دومین مجلهٔ کابل موفق نامه و آن را هدیهٔ انظار قارئین عزیز مینماید.

سالنامهٔ سال گذشتهٔ ما یعنی اولین سالنامهٔ مجلهٔ کابل که محصول عصر عرفان پرور شهریار شهید اعلیحضرت محمد نادر شاه غازی است و باوجود ضیق وقت و عدم آماده‌گی مواد و مضمون از بدش که صرف بتوجه و تشویق آن شاه ادب پرور در فرصت قلیلی ترتیب و طبع شده بود با آنهم خوشبختانه جالب توجهٔ اولیای خدم مملکت و غالب فضلا و دانشمندان خارجی گردیده تمجید و تحسین

عموم قدر شناسان علم و ادب تحریراً و شفاهاً بما رسیده و مارا بی اندازه مباهات و مسرت بخشیده و برای تدوین سالنامهٔ سال حاضر مجله بیشتر مایل و مستعد ساخت تا که ما بانهایت قوت قلب و اطمینان مواد و وسایل لازمه را در نظر گرفتیم .

گرچه درعین آرزو و آمالی که ما نه تنها برای سالنامهٔ کابل بلکه برای غالب آثار و نشرات انجمن خود در نظر داشتیم متأسفانه شهادت شهریار ادب پرور شهید واقع شده و این حادثهٔ مؤلمه برای ما و سایر هموطنان مخصوصا اهل فضل و قلم صدمهٔ خیلی بزرگ معنوی بشمار بوده و اطمینانی نداشتیم که ما با وجود یك عالم تأثرات قلبی و اضطراب روحی به تدوین و ترتیب حسان سالنامهٔ که منظور بود موافق شویم ولی با این مراتب ـ تشویق و مراحم بیکرانهٔ شهریار جوان علم دوست ادب پرور اعلیحضرت محمد ظاهر شاه دوباره تا قوت قلب بخشیده و به نشر این سالنامه اقدام نمودیم .

ارباب فضل وصاحبان ذوق مارا بسبب نواقصیکه درین اوراق ملاحظه شود معذور خواهند نداشت چه اگر سهوی رفته و سالنامه موافق بذوق عمومی ترتیب نیافته باشد همانا عذر خود را در فوق تذکار نموده ایم ، ولی باآن هم از قارئین عزیز تمنا داریم تا هرگونه نواقص ومعایب را تقلیل و ایرادیکه در مضامین و موضوعات این سالنامهسنجیده و به نظر شان میرسد کتبا بما اشعار بفرمایند تادر سالنامهٔ سال آتی بقدر ذوق غالب قارئین سالنامهٔ تدوین نمائیم .

« انجمن »

مختصر سوانح ذات همایون

اعلیحضرت محمد ظاهر شاه خلد الله ملکه

ذات اعلیحضرت (محمد ظاهر شاه) پاد شاه افغانستان فرزند رشید اعلیحضرت (محمد نادر شاه) شهید به روز دوشنبه ۲۲ میزان (۱۲۹۳) شمسی در دارالسلطنهٔ کابل قدم به عرصهٔ وجود نهاده اند که فعلاً عمر شریف شان بمرحله بیست سالگی رسیده است .

آغاز تعلیم ملوکانه درسال (۱۲۹۹) شمسی درمکتب عالی حبیبیهٔ کابل الی سال ۱۳۰۱ در صنوف ابتدائی مصروف تحصیل بوده در موقعیکه مکتب عالی استقلال تاسیس شد اعلیحضرت ممدوح شامل مکتب موصوف شده الی سال (۱۳۰۳) شمسی شمولیت داشته در امتحان سالانه کامیاب و دورهٔ مقدماتی مکتب موصوف را بپایان رسانیدند ازحیث اینکه صنوف رشدی را به اصول عصری باید تحصیل نمایند در یوم پنجشنبه ۱۹ سرطان (۱۳۰۳) شمسی بمعیت پدر مرحمت گستر خود اعلیحضرت شهریار شهید که بوزارت مختاری افغانستان در پاریس تعیین شده بودند بغرض تحصیل عازم پاریس گردیده داخل مکتب (اینه ژانسون دو سالی) گردیدند ، دوسال تمام را صرف تعلیم وتعلم درآن مکتب فرموده بعد در جنوب

فرانسه یکسال و شش‌ماه بمعیت پدر معظم خود بودند بعد وا پس به پاریس مراجعت فرموده در یك فامیل محترم فرانسوی موسوم به (دانیه لو) که بعد ها رئیس فامیل مذکور وزیر امور صحیهٔ مملکت فرانسه گردیده بود به مقصد تعلیم و تحصیل گذرانیده بعد از کامیابی دو سال دیگر در مکتب (پاستور) شامل واخذ تعلیم میفرمودند .

در موقعیکه آتش شورش در افغانستان مشتعل و پدر شهید و اعمام محترم شان بعزم اطفای آن نایره عازم وطن شدند ، ذات اعلیحضرت ممدوح به ارادهٔ پدر والا گهر خود به غرض تکمیل تعلیم درفرانسه معطل و درمکتب (کولیژ دومون پی لی) شمولیت ورزیدند ، درتمام ایام توقف خود درپاریس ذات همایونی مرتباً ازجماعت ده الی اول (اعلی) تحصیل نموده ودر عین زمان چه درموقع تحصیلات درفرانسه چه درکابل درتحت نظر وادارهٔ والد ماجد معظم دیانت توام خویش تربیه شده فضائل وعادات بزرگ و بزرگ منشی را از آن ذات دانای فقید پیروی کرده سرمشق مکرفتند .

پس از کامیابی پدر معظم خود بعرش اینکه خود را بعد از همهٔ آن دوره های پر زحمات تحصیل مستعد خدمت وطن دیده و مایل بودند که از کفایت و قابلیت خویش وطن عزیز را مستفید سازند ، لهذا حسب ارادهٔ اعلیحضرت شهید بوطن مألوف مراجعت و بتاریخ ۲۰ میزان ۱۳۰۹ شمسی وارد مرکز شدند.

پس ازورود چون خدمت و تعلیمات عسکری از مسلك برگزیده و موروثی پدر نجیب شان بود لهذا جهت توسیع معلومات و اقتدار خدمت بوطن در تاریخ ۲۷ سرطان ۱۳۱۰ شمسی که مبادی تاسیس و افتتاح دورهٔ اول تعلیمگاهٔ پیادهٔ عسکری کابل بود داخل وشامل تعلیمگاهٔ مذکور شده فنون عصریهٔ عسکری را بدرجهٔ عالی الاعلی درسال ۱۳۱۱ تحصیل وبعد فراغت و کامیابی از حضور پدر تاجدارخود رسماً بوکالت وزارت حربیه تعیین والی جلوس رسمی سلطنت بوکالت وزارت موصوفه تشریف داشته امورآن وزارتخانه را درغیاب عم شجاع

ومحترم خود ازهر جهت بدرستی اداره فرموده کمال فعالیت وقابلیت ذات ملوکانهٔ خویش را بمنصهٔ شهود رسانیدند.

ودر غیبت وزیر معارف افغانستان ذات شاهانه ازطرف اعلیحضرت شهید نیزبوکالت وزارت معارف تعیین شده وامور وزارت موصوفه را ترتیب وانتظام خوبی بخشیدند.

اعلیحضرت محمدظاهر شاه باوجود سن جوان یك ذات فعال، عفیف، متدین وطن دوست ومتواضع، حلیم، متحمل بوده دارای ذکاوت وهوش سرشاری میباشند وبه تمام صفاتیکه ما بوجود مبارك این شهریار جوان خود سراغ داریم یگانه فرزند پیرو وخلف الصدق پدر بزرگ خود بوده ودر تمام ایام شهزادگی از حسن اخلاق وگداره وسلوك خیلی شریفانهٔ خود نسبت به مادونین وسائرافراد ملت تجارب شیرین وخوشگواری داده ودر امور ادارهٔ این دو وزار تخانهٔ مهم ودورهٔ تحصیلات ذات همایونی خویش بدرستی ونهایت خوبی از عهده برآمده اند وامروز که خداوند متعال زمام ادارهٔ این کشور رابکف باکفایت شان سپرده است، باماموریت لایق عهد پدر شهید خود با مراعات خیلی شریفانه پیش آمده وتماماً روش نیکو وخصائل برجسته ومعقول اعلیحضرت پدرشهید خود شان را پیروی مینمایند.

تعهد نامهٔ

اعلیحضرت محمد ظاهر شاه

بمجلس شورای ملی

امروز که اینخادم اسلام به فضل خدای قادر متعال و اتفاق ملت عزیزم به پادشاهی افغانستان انتخاب وسلطنت ما ازطرف جمهورطبقات ملت تائید شده براساس مادهٔ (٦) اصولنامهٔ اساسی مملکت حاضر شده ایم عهد نامهٔ راکه قبول وتعهد آن بما متوجه میشود بمحضر شما نمایندگان ملت قرائت کرده وصورت کتبیآنرا بنام سعادت مملکت امضا مائیم :
به خدای عظیم وقرآن کریم عهدمی کنیم که دراعمال وافعال خود ، خداوند جل شانه را حاضر وناظر دانسته بحفاظت دین مبین اسلام واستقلال افغانستان وحفظ حقوق ملت وحراست وترقی وسعادت وطن به اساس شرع متین محمدی (ص) ومقررات اصول اساسی مملکت سلطنت نمایم ، وبه برکت روحانیت مقدس اولیای کرام رضی‌الله تعالی عنهم برای خود استمداد مینمایم .

بیعتنامهٔ وکلای دارالشورای ملی

بحضور اعلیحضرت همایونی

بسم الله الرحمن الرحیم

به پاس خدمات و فدا کاریهای اعلیحضرت سعید شهید محمد نادرشاه غازی طاب‌الله ثراه وجعل‌الجنة مثواه که این مرد بزرگ برای استقلال ونجات وطن و همچنان ازآغاز جلوس وزمامداری سعادت مندانهٔ خویش تا دقیقهٔ آخرین حیات شرافت مندانه اش در راهٔ حصول سعادت دینیه ودنیویه وحفظ شئونات ملیه وآسایش عمومیهٔ ملت افغانستان ابراز وحیات قیمتدار بزرگوارانهٔ خود را برای استحصال این مقاصد عالیه فدا نموده، هیئت شورای ملی اصالتاً وازطرف مؤکلین خود ها که عبارت ازافراد طبقات ملت افغانستان است وکالتاً به اساس دینی واسلامی که تعیین اولی الامر فرض ذمهٔ ملت است وبموجب اصل (٥) اصول اساسی مملکت اعلیحضرت عزیز ملت محمد ظاهر خان خلف ارشدصالح وسعادتمندومحبوب اعلیحضرت امیرشهیدمحمد نادرشاه را لیاقتاً واستحقاقاً بحیث اولی الامر به امارت سلطنت جلیلهٔ افغانستان قبول و بحضورشاهانهٔ شان طوعاً وصمیماً بیعت مینماید، و قراریکه اعلیحضرت محمد ظاهر خان بمواجهه هیئت شورای ملی و اشراف واعزه و اکابر ملت این ودیعهٔ شریفهٔ امارت را قبول و تعمیل مفاد اصل (٦) اصول اساسی را تعهد فرموده اند ملت افغانستان امیدوار ومترصد است که اعلیحضرت موصوف امور سلطنت مفوضهٔ خویش را مطابق احکام دین مقدس اسلام ومذهب مهذب حنفی رحمت‌الله علیه واصول اساسی مملکت اجرا نموده استقلال وطن وحقوق ملت را محافظه فرمایند، ازخالق متعال برای اعلیحضرت محمد ظاهر خان درانجام این مقاصد خطیر ومهم استعانت و توفیقات مزیده را مسئلت مینمائیم.

۲۷ عقرب ۱۳۱۲
۳۰ رجب المرجب ۳۵۲

۳۵۷۲
۱۱٤۸٤

فرمان پادشاهی راجع به برقراری

ج ، ع ، ج والاحضرت صدر اعظم صاحب

ج ، ع ، ج عم محترم سردار محمد هاشم خان صدراعظم !

خدمات برجسته وجان نثاریهای قابل قدریکه شما در راهٔ سعادت و نجات وطن و ادارهٔ امور آن در ادوار گذشته و هنگام انقلاب مخصوصاً ایام عهده داری تان به صدارت عظمی به اثبات رسانیده اید یك بیك باعث آبادی واعتلای این وطن تسلیم گردیده وطوریکه معلوم است خیراندیشی وکاردانی تان ذریعهٔ خوشبختی افغانستان وبرای مقدرات این مملکت عامل مؤثری شمرده میشود، لهذا شمارا که درنظرمات قدردان مابخداشناسی ووطن خواهی معروف وهم مورد اعتماد تامه میباشید مجدداً برتبهٔ رفیعهٔ صدارت عظمای افغانستان مقرر ومنظور نموده امرواراده میفرمائیم که خودرا صدراعظم سلطنت ماشناخته کابینهٔ خود را بحضور ما معرفی وبعون الله تعالی اجراآت مملکت داری را مطابق اصول موضوعه الآن کما کان اشغال نمائید.

نومره ۲۹۰۱/۱۳۸۹۲ ۳۰ عقرب ۱۳۲۲

معرفی کابینهٔ دولت

بحضور اعلیحضرت همایونی

بحضور مبارک اعلیحضرت شهریاری!

اززیارت فرمان مبارک همایونی نمر (۳۵۷۲/۱۱۴۸۴) تاریخی ۲۷ عقرب که نظر بحسن ظن ذات شاهانهٔ شان خدمات ناچیزانهٔ زمان انقلاب ودورهٔ حکومت اعلیحضرت شاه شهید سعید فدائی را تقدیر وبه رتبهٔ رفیعهٔ صدارت عظمای آنآستان منظور وبمعرفی اعضای کابینه مامورم فرموده اند شرف افتخار حاصل داشته کابینه ام را ذیلاً بحضور مبارک ملوکانه معرفی مینمایم:

ع، ج، ا، ا شاه محمود خان : وزیر حربیه.

» » فیض محمد خان : » امور خارجیه.

» » ا، ا محمد گل خان : » داخلیه.

» » فضل احمد خان سابق معین عدلیه: » عدلیه.

» » احمد علی خان : » معارف.

» » میرزا محمد خان : » تجارت ووکیل وزارت مالیه.

» » الله نواز خان : » فوائد عامه.

ج محمد اکبر خان : مدیر مستقل طبیه.

» رحیم الله خان : » » پست، تلگراف، و تیلفون.

اعضای کابینه نواتی اند که درفوق معرفی شد؛ خود فدائی وعموم اعضای کابینه عهد مینمائیم که وظائف انفرادی ومجموعی خود ها را بکمال صداقت وجان فشانی مطابق اصول موضوعه وخط مشی ملوکانهٔ اعلیحضرت ایفا نموده از خداوند توفیق کامله را درحسن اجرای وظائف خود خواهانیم.

خط مشي حكومت اعليحضرت

محمد ظاهر شـاه

ج ، ع ، ج عم محترم محمد هاشم خان صدر اعظم :

خط مشي حکومت جدیدهٔ ما بر طبق مقررات شرع مطهر و ترویج اوامر دین مبین محمدی صلی الله علیه وسلم بر وفق خط مشی اعلیحضرت شهید و الد مرحوم ما ست که به عون الله تعالی در مملکت عزیز اسلامی ما بهمان اساس همه امور جریان پذیر میگردد ـ و هکذا سیاست امور خارجهٔ این مملکت بر طبق معـاهدات دورهٔ سلطنت اعلیحضرت شهید موصوف با دول متماهده کما کان ادامه خواهد داشت.

خط مشی حکومت اعلیحضرت محمد نادر شاه شهید

اول — حکومت موجوده موافق باحکام دین مقدس اسلام ومذهب مهذب حنفی امور مملکت را اداره و اجرا خواهد کرد و برای اینکه شریعت غرای محمدی (ص) در امور مملکتی قائم ودائم باشد ریاست شورای ملی ووزارت عدلیه مسئول میباشند وشعبهٔ احتساب از امور لازمی این حکومت است، بیك صورت منظم این شعبه دائر خواهد شد، موافق باحکام دین الهی افغانستان بدون امتیاز قومیت ونژاد باهم برادر ودر حقوق مساوی یکدیگر شناخته می شوند، حجاب در افغانستان موافق بدین وشریعت محمدی صلی الله علیه وسلم قائم خواهد بود.

دوم — منع رشوت وشراب نوشی ـ درحال ما مورین حکومت از هر مدار جیکه باشند در وزارت عدلیه به قرآن عظیم الشان عهد خواهند نمود که هیچگاه رشوت وهدیه از اهالی نمی گیرند وبپاك نفسی وپاك دامنی خدمت خلق الله را اجرا می کنند وبدولت متبوعه

خویش ازامروز ببعد خیانت مالی یا عملی نمی نمایند وصادقانه بوظیفهٔ خویش می پردازند جزای شراب نوشی موافق به شریعت محمدی (ص) داده خواهد شد فروش ظاهر و خفیهٔ شراب در تمام افغانستان ممنوع است اهالی بساختن شراب مجاز نیست در خانهٔ که شراب ساخته شود یا دکانیکه شراب بفروش شد دولت چون تحقیق کرد و به ثبوت رسید ضبط می شود و اشخاص جزای شرعی خواهند دید اگر به مامورین حکومت ثبت شد که شراب می نوشد علاوه از جزای شرعی از ماموریت طرد می شود، تبعهٔ خارجه ازین حکم مستثنی است.

سوم — امورحربیهٔ افغانستان برای حفظ استقلال ونگهداشت امنیت مملکت. ـ حکومت موجوده میخواهد یك قشون منظم با اسلحهٔ ساحت جدید تشکیل کند و رعایت توجه باین مسئله که حیات وممات افغانستان وابستهٔ اوست صرف می نماید و برای اینکه صاحبمنصبان نظامی ما تعلیم یافته شوند واز علوم وفنون حربی دنیای متمدن واستعمال آلات وادوات حرب بدانند مکتب حربیه زود اززود تشکیل و ترتیب میگردد، مسئلهٔ گرفتن عسکر صورت قومی وخوش رضا جاری می شود.

چهارم ـ ادامه وبرقراری واستحکام مناسبات افغانستان بادول خارجه ـ مثل زمان امان الله خان مناسبات افغانستان بادول خارجه که جریان داشت جریان خواهد کرد وحکومت موجوده دوستی وسلوك مرعوب دول متحابه را نسبت به افغانستان آرزو وخواهش دارد وهم حکومت موجوده باتمام موجودیت خود برای حفظ واستقلال افغانستان وارائه کردن نظر دوستانه وخیر خواهانهٔ خویش بادول معاهدین حاضر وآماده است.

پنجم ـ امورداخله ـ وزارت داخله درتعین حکام ومامورین ولایات وحکومتی های اعلی وکلان وباقی حکام اهتمام وتوجهٔ تام خواهد کرد که کار به اهل کار داده شود وفهرست مامورین خویش را به مجلس انتخاب خواهد داد تاغور وتحقیق کرده شود وهم برای ترمیم وتعمیم تیلفون وتلگراف سعی وکوشش خواهد نمود وانتظام پوسته را بصورت خوبترین وآسانترین تامین خواهد نمود برای ترمیم راه های عبورومرور موتر، گادی زود اززود توجه خواهد نمود.

ششم — مالیات را وزارت مالیه بصورت خوب ادار خواهد کرد و کوشش خواهد نمود که تمام ولایات اقساط مالیه را مثل سابق به خزینهٔ دولت تادیه کنند، محصولات گمرکی هم در گمرك جاهای ولایات مثل سابق گرفته میشود، باقیاتیکه در ملك مانده باشد بطریق مراعات جمع میشود اما تسهیلات داده خواهد شد تا اشخاص باقی ده خوار و پریشان نشوند و هم دولت دچار زحمت نگردد، آنچه حکومت های سابق نسبت به باقیات حکم معافی در اعلانها نموده اند منظور است.

هفتم — تجارت و زراعت: - افغانستان امروز از بیشتر بیشتر باین شعبه کار احتیاج دارد ومیخواهد با دول ایران ایطالیا، فرانسه، بریطانیا، اتحاد جماهیر اشتراکیه، امریکا، بلجیم، جرمنی، جاپان وغیره دولیکه آرزو داشته باشند مناسبات تجارتی خود را باز کنند و از دول متمدن درین راه استفاده نماید وراهٔ آهن را زود از زود آغاز کند ومعادن افغانستان را بکار بیندازد، نهرهای آب برای زراعت تعمیر نماید حکومت موجوده میخواهد وسایل زراعتی دنیای متمدن را تااندازهٔ امکان در زراعت افغانستان تطبیق نماید.

هشتم — علم و فن برای ترقیات دینی و دنیوی افغانستان از اهم ضروریات شمرده میشود وحکومت حاضره اینمسئله را خیلی اهم میداند، هر وقتیکه شورای ملی تشکیل و وکلای ملی جمع شوند امیداست راهٔ خوبتری نسبت باینمسئله یافته شود که تا ملت خودرا برای حفاظت خویش عملاً مستعد ساخته بتواند.

نهم — شورای ملت: - وکلای ملت از تمام اهالی بمرکز میرسند، صورت انتخاب بطور سابق بوده وکلارا اهالی از دانشمندان وعلما وصادقان وبهی خواهان که ملت بر آنها اعتماد کلی داشته باشد انتخاب خواهند کرد ووزرای دولت وحکام، مسئول وکلای ملت خواهند بود، ریاست شورا حق تفتیش خواهد داشت، ورئیس شورای ملت از طرف وکلای ملت انتخاب میشود.

دهم — صدر اعظم بانتخاب ومنظوری شاهانه تعین میشود، وصدر اعظم کابینهٔ وزرا را تشکیل کرده بحضور شاهانه معرفی می نماید ومنظوری حاصل می کند.

تعزیت و تهنیت کور دیپلوماتیک

بحضور اعلیحضرت همایونی

بیانیهٔ ع، ج شیخ السفرا

اعلیحضرتا،

ازطرف همقطاران محترم وازجانب خودم، افتخاردارم باعلیحضرت شما عمیق ترین احساسات همدردی ومراتب تسلیات ما را درسوگواری عظمی‌اعنی فقدان وضیاع اعلیحضرت پادشاه محمد نادرشاه که اعلیحضرت شما وافغانستان را متالم گردانیده است، تقدیم داریم.

امیدواریم که تمام این همه مظاهرات همدردانهٔ که با اعلیحضرت شما ازهمه اطراف میرسد الم واندوهٔ شمارا تااندارهٔ تسکین وبارطاقت وتوان فرسائی‌راکه بااعلیحضرت شما نسبت باین سانحه تحمیل میشود، تخفیف نماید، اعلیحضرت شمارا درین موقع جلوس تان به تخت افغانستان سلام نموده آرزوهای دوستانهٔ مارا که برای ترقی وپیشرفت کامل تمام اموروکارروائیهائیکه بمقصد تحکیم دولت افغانیه واستقلال آن وسعادت ملت افغان دارند، ابرازواظهار میداریم.

نطق اعلیحضرت بجواب شیخ السفرا

جناب شیخ السفرا:

ازاحساسات همدردی شما وهمقطاران محترم تان که درین موقع غم انگیز سانحهٔ شهادت پدرمعظم ما نسبت بما ابرازفرمودید کمال تشکر داریم.

فی الحقیقت این صدمهٔ جانکاه برای ما ومملکت ما اسباب آنچنان کدورت وتاثیراتی است که فراموش نخواهد شد، اما خیلی خوش وقتیم که معاضدت ووفاداری بسیار صادقانهٔ ملت ما وهم مظاهرات پر لطف دول دوست ومتعاهد افغانستان، موجب تخفیف این صدمهٔ ناگوار واقع وتاحدی باعث تسلی ما شده است.

ضمناً ازاظهارات دوستانه ونیات خیرخواهانهٔ تان نسبت بجلوس ما به تخت شاهی افغانستان اظهارقدردانی وامتنان نموده ازاینکه باتائیدات الهی که آرزوی یگانهٔ ما تشئید وتائید مناسبات صمیمانهٔ افغانستان مستقل بادول دوست اوست، بشما اطمینان داده خواهشهای نیك خودمانرا برای سعادت ملل وممالك شما اظهار میداریم.

واقعهٔ شهادت اعلیحضرت

شاه شهید محمد نادر شاه غازی

پادشاه فقید افغانستان

پادشاه نجات بخشا ، شهریار ترقیخواه ، محصل یگانهٔ استقلال وطن ، احیا کنندهٔ شئون ومفاخر تاریخی افغانستان، تاجدار علم و ادب پرور، مربی ومروج تمدن صحیح عصر ، خادم ودوستدار شریعت اسلام ، فرزند فوق العادهٔ افغانستان « اعلیحضرت محمد نادرشاه غازی » وآن وجود شریف وگرامیکه تمام آرزوها و آمال مقدس ملی ما را گنجینهٔ بی پایان وبحر بی کرانی بود (شهید راهٔ محبت و خدمت وطن گردید) انا لله وانا الیه راجعون .

اعلیحضرت محمد نادرشاه غازی را دست غدر و خیانت یکنفر غداری شهید کرده دوازده ملیون نفوس بیچارهٔ این کشوررا تعزیه دار گردانید ! همان شهریاریکه وطن پرور، ملت نواز، ترقیخواه ، دوستدار علم و ادب بوده تمام مدت حیات شریف وراحت و آسایش خود و خانوادهٔ نجیب خود را فدای خدمت و آسایش این ملت کرده بود !

اعلیحضرت محمد نادرشاه مدت سی سال تمام ازعهد اولین مرحلهٔ رشد وجوانی تا رمق آخرین حیات مثل یك عاشق شیدا بوطن و ملت خود علاقه مندی داشته ، و پروانه وار بحول شمع وطن میگردید ، گاهی داخل صنف عسکر شده بنام کند کمشری ، غندمشری ، جنرالی ، نایب سالاری ، سپه سالاری برای بلندی شان و عظمت ملت و مملکت خدمت میکرد ، هنگامی بنام رئیس نظمیهٔ مشرقی وخان آباد وغیره گرد مذلت و بدبختی را از چهرهٔ اهالی وطن شسته راحت و سعادت آنها را تأمین میفرمود ،

شهریار فقید افغانستان اعلیحضرت محمد نادرشاه شهید

اعلیحضرت محمد نادر شاه غازی آن شاه مظلوم و آن فرزند دلسوز و عاشق وطن بدرجهٔ شهادت فایض گردید، همان پادشاهیکه در راهٔ تحصیل استقلال افغانستان یك قائد نیرومند و برای نجات افغانستان ازآتش بیداد نفاق و شورش خانمانسوز گذشته جان عزیز خود و برادران و یك جمع کبار و صغار خانوادهٔ نجیب خودش را درمعرض تهلکه انداخته، جان، ناموس، سعادت و شرافت این ملك و ملت را تأمین کرده بود.

همان شهریار بزرگ و نیرومندی که بپاداش آن خدمات برجسته و بزرگ، تقدیر و حق شناسی این ملت به اریکهٔ شاهی جلوس فرموده خزاین خالی مملکت را مملو ازسیم و زر، سامان و اسباب تاراج شدهٔ دولت را چندین مراتبه زایدتر تکمیل و امنیت را در سرتاسر کشور قایم و اشرار را بکلی قمع کرده وتشکیلات عسکری، پولس، معارف، مطبوعات انجمن های علمی، ادبی، دارالفنون، عمرانات، عمارات عالیه، شوسدها، مخابرات، تنلیات، شفاخانه های حربی، دارالایتام، درالمجانین و بالآخره تمام لوازم مملکت وحوائج مهمه وضروریهٔ که یك ملت بآن محتاج است همه را بعملیات خارقه نمائی درطرف چهارسال و چند ماه مدت زمامداری خود تکمیل و مورداستفاده قرار داده بود، همان شهریار لائق مارابالآخره درمحفلی که بروزچهارشنبه ۱۶ عقرب ساعت (۳) بعدازظهر به تقریب تقسیم انعامات برای طلاب افغانی درچمن مقابل قصر دلکشاه ترتیب داده شده بود و این شهریار معارف پرور مطابق مرسوم همه ساله برای طلاب مکاتب شهر محض تشویق به علم و عرفان بدست حق پرست خود انعام داده و دست با عاطفهٔ پدری را بسر وروی هر کدام نوازش میداد، درچنین محفل شریف درچنین مجمع متبرك، در جائیکه ملایك آسمان بعلم دوستی و شفقت پدرانهٔ این شهریار نسبت باولاد افغانستان احسنت ورحمت میفرستاد! دفعتاً یك شخص ناپاکی موسوم بعبدالخالق تفنگچهٔ ازآستین غدروخیانت برآورده و سه زخم التیام ناپذیری بقلب وسینهٔ آنوجود مقدسیکه کعبهٔ آمال تمام ملت افغانستان بود وارد نمود.

اعلیحضرت محمد نادرشاه غازی شهید و خانوادهٔ نجیب شان از لحاظ شرافت برجسته گی اخلاق، خدمات مهمه وانواع فداکاری ها وجان بازی هائیکه بملت و کشور افغانستان نموده اند محبوب خاص و عام این ملت بوده عساکر، مامورین، طلاب مدارس

وسایر طبقات هر کدام شان را چون جان عزیز خود دوست داشته و ابداً مایل نبوده وتیستند که اقلاً خاری بپای شان اذیت نماید، ولی بد بختانه برخلاف توقع وانتظار عموم اینچنین شخص با بکاری ارتکاب رذیلانه کرده و جلب بغض و نفرت عموم را نسبت بخود نمود. مراتب قدر شناسی و وفا داری این ملت حق شناس را خوانندگان عزیز درسطور آتی یعنی آغاز جلوس شهریار موجوده، فرزند صالح ونجیب اعلیحضرت محمد نادر شاه فقید بخوبی میدانند.

پس ازان بروز دوم واقعهٔ شهادت مراسم تشییع جنازه و تدفین آن شهید راهٔ سعادت مملکت افغانستان که درروز پنجشنبه ۱۷ عقرب گرفته شده بود، درروزمذکوربدون آنکه از طرف دوائر رسمیه اعلام شده باشد عموم طبقات فوج فوج وگروه گروه چون سیلاب مواجی در اطراف سرك سمت مشرق ارگ وطول جادهٔ استقلال ووزارت حربیه ومسجد عیدگاه ـ بایك عالم تأثر واندوه دیده میشدند که از تقدیم بیعت با علیحضرت محمد ظاهر خان درسلام خانه فراغت یافته وبطرف مسجد عیدگاه برای ادای نماز جنازهٔ آن شهید سعید راهٔ خدمت وطن می شتافتند، از جلو دروازهٔ شرقی ارگ الی مسجد عیدگاه و تپهٔ مرنجان افراد قطعات عسکری وصنوف متعددهٔ اهالی درحالیکه تماماً غوطه خوار امواج حزن واندوه والم فوق العاده بودند دیده می شدند. عساکر با فاصلهٔ مختصری از هم استاده و تفنگ های خودرا به علامت تعزیت معکوساً بدوش افگنده بودند. ومقرر گردیده بود که جنازهٔ آن پادشاه معظم وشهید راهٔ وطن به حمل موتر به مسجد عیدگاه (جهت ادای نماز جنازه) وازآنجا بعد فن آبائی شاه شهید به تپهٔ مرنجان نقل داده شود، همان است که درساعت ۱۱ روز جنازهٔ آن شهید سعید به حمل موتریکه به اقسام گل ها تزئین شده ووقار وعظمت مخصوصی بخود گرفته بود، از ارگ خارج و درحالیکه درجلو آن قطعات عسکری باعلم های شریف وبه عقب آن وزراء مهین ها، رؤسا واعضای مجالس اعیان وشوراء جمعیت العلما ومشائخ وصاحبمنصبان بزرگ نظامی وملکی بایك عالم اندوه وتأثر وآه وفغان آنرا مشایعت میکردند. به تأنی طرف مسجد عیدگاه بحرکت افتاده و درعرض راه برجنازهٔ مبارك شاه شهید ازهرطرف گلها نثار وغلغله های تکبیر وتهلیل آمیخته باغریو وفغان شنیده میشد، وبهمین ترتیب به ساعت ۱۱ ونیم دقیقه به دروازهٔ مسجد عیدگاه واصل و دربن موقع از طرف قطعات عسکری با نواعی

موترکه و آداب عسکری ادای سلام و احترام گردیده و موتر حامل جنازهٔ آن شهید سعید جنت مکان درمیان غریو و فریاد و فغان عموم طبقات داخل محوطهٔ مسجد عیدگاه (که سرتاسر آن ازمنتظرین صلوة جنازهٔ شاهانه مملو بود) گردیده وبدوش صاحبمنصبان بزرگ نظامی وعلمای محترم به محل ادای نماز جنازه نقل داده شد و نماز جنازهٔ آن شاه شهید سعید به جمعیت کثیری (که نظیر آن تاکنون درآنجا دیده نشده وگویا که ملائك ازآسمان جهت اشتراك در نماز جنازهٔ ایشان نازل شده بود) به بهترین طرزی ادا گردید، درخاتمهٔ نماز جنازه وتلاوت ادعیهٔ طولانی کثیره برروح آن شاه سعید وذکرآن محاسن ومزایای تاریخی واسلامی وخدا شناسی وملت پروری ووطن دوستی وخدمات عالی ذات شهریاری که درطول حیات درخشان شان برای ملك وملت افغانستان انجام داده اند واینکه آن جنت مکین طوریکه درین دنیای‌فانی پادشاه معزز و معظم بودند‌در عقبی نیز درزمرهٔ سلاطین شهدا شامل شدند ولی افغانستان ازین ناحیه بواسطهٔ اقدام یك شقی سیه روزگار خسارهٔ زیادی کشید که تلافی آن بجز ازینکه مادست بیعت را بعر زندارشد این شاه شهید اعلیحضرت محمد ظاهر خان داده و بخاندان شریف ونجیب شان یك اخلاص واعتماد کاملی بدل می پرورانیم، بدیگر صورت ممکن نیست؛ از زبان حقائق ترجمان جناب مستطاب نورالمشائخ صاحب به لهجه وآهنگ مخصوص رقت آوری که عموم حضاررا به گریه درآورده بود؛ بیانات مهیج و مؤثر دیگری نیز ایراد گردید و عموم علما، فضلا، امنا، و معاریف ملکی و نظامی حتی عموم طبقات ملت مناقب ومزایای عالیهٔ اخلاقی ومراتب خدمتگذاری وجان نثاری ودیانت پروری وترقی خواهی آن شاه سعید و شهید را تذکرنمودند، بعد از ادعیهٔ کثیره بر روح مبارك آن شاه شهیدجنت مکان وبقای‌عمر واقبال اعلیحضرت محمد ظاهر خان تاجدارجدید افغانستان بهمان تجلیل و احترامات فوق‌العاده جنازهٔ آن شاه شهید راه سعادت و مفخرت مملکت افغانستان را به موتر حمل و بطرف تپهٔ مرنجان با یك آداب و احترامات مجللی نقل دادند ـ لدی‌الوصول به دروازهٔ مسجد عیدگاه مجدداً قطعات عسکری مراسم سلام و احترامات شایانی راایفا کردند و موتر جنازه با تجلیل و وقار مخصوصی بحرکت

افتاد. برای اجرای مراسم تدفین آن تاجدار با فضل و تاریخی افغانستان، جمعیت کثیری از طبقات مختلفه در تپهٔ مرنجان و اطراف آن مشاهده میشد، عندالورود به حدود مدفن جنازهٔ آن شهیدسعید به دوش علمای محترم و صاحب منصبان عسکری و معاریف ملی که هر کدام ازیکدیگر برای تشرف جستن بآن پیشی می گرفتند، به مدفن نقل و بر طبق مقررات اسلامی، آن فخر تاجداران افغانی را که طول حیاتش را یك سلسلهٔ مجاهدات و خدمات تاریخی در راهٔ حصول سعادت خاك افغانستان تشکیل میداد و اخیرا در راه خدمت همین خاك جان عزیز خود را فدا ساخت اطهر پنجشنبه بخاك سپردند.

بعد ازختم فاتحهٔ چهل ذات همایونش درخواست مجازات قاتل ازطرف ملت شده وپس ازینکه قاتل نابکار و معاونین قتل محمود، عبدالله، اسحق خودشان درمحکمهٔ عدلیه بافعال شنیعهٔ خود اعتراف کردند عبدالخالق قاتل و محمود اعدام و عبدالله و اسحق محکوم بحبس دوام گردیدند.

جناب مرحوم مغفور سردار محمد آصف خان
Le Défun Sirdar MOHAMMED ASSEF KHAN oncle de S. M NADIR CHAH

جناب مرحوم مغفور سردار محمد یحیی خان
Le Défun Sirdar MOHAMMED YAHYA KHAN grand'pére de S. M. NADIR CHAH.

جناب مرحوم مغفور سردار محمد یوسف خان
Le Défun Sirdar MOHAMMED YOUSSOF KHAN pére de S. M NADIR CHAH.

یك فوتوی تاریخی که بعد از حصول استقلال در وزارت حربیه گرفته شده

اعلیحضرت غازی محمد نادر شاه شهید و والا حضرتین سردار شاه ولیخان غازی وزیرمختار
و سردار شاه محمود خان غازی سپه سالار و وزیر حربیه

Photographie prise aprés la victoire de la Gueure de l'Indépendance
au Ministére de la Gueure

De gauche à droite : S. M. Nadir Chah, S. A. R. Sirdar Chah Vali **Khan** Ministre **Afghan** à **Paris**, S. A. R. Sirdar Chah Mahmoud Khan Ministre de la Gueure

جامع شریف هرات
La Grande Mosquée de HÉRAT.
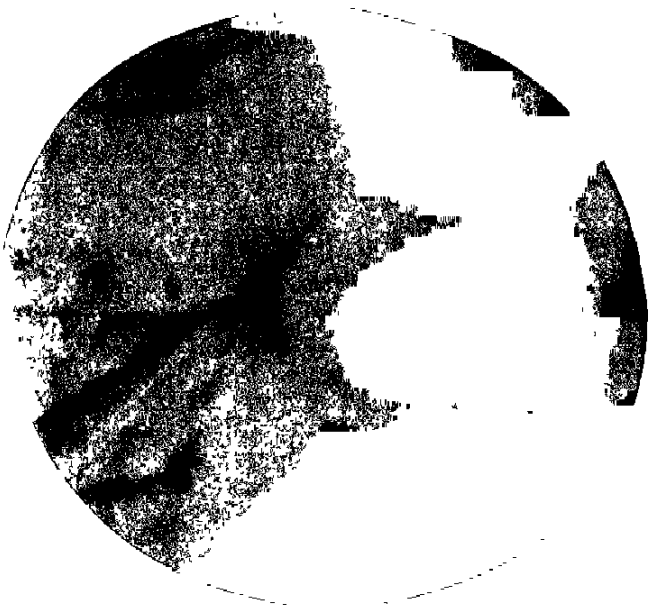
شرافت مآب جناب حضرت صاحب ورالمشائخ

شرافت مآب جناب نقیب صاحب

تتبعات تاریخی :
بقلم آقای محمد یعقوبخان

نژاد افغانیان

سهل ترین موضوع از لحاظ وضاحت مباحث تاریخی و موجود بودن آثار و شواهد مسند کنونی یا مشکلترین مسئله از جهت عدم توجهٔ مورخین وطنی و درهم ساختن حقایق تاریخی موضوع نژاد اهالی عزیز افغانستان است ، چه در صورتیکه اقوام مهاجر آریائی که این سرزمین عزیز یعنی مهد پرورش و گهوارهٔ قدیمهٔ نژاد آریائی در ممالك و امصار بعیده رفته و توطن گزیده اند امروز میتوانند با جرئت اثبات نژاد کرده و تاریخی برای خود تدوین نمایند آیا قوم قویم و ملت تاریخی این سرزمین که میتوان آنرا ابوالآبای آریه نامید نمیشود تاریخ روشنی در موضوع نژاد خود داشته باشند ؟

پس باید اذعان نمود که ذوق شخصی مورخین گذشتهٔ وطن مقتضی همین مسئله بوده که خوانی نژاد اهالی را منسوب باقوامی نمایند که نزد آنها مرقمیتی داشته است همچنان اسناد خود قول اشخاصی را قرار میدادند که آنها بدون زحمت تحقیق و تتبع یکی بعد دیگر متوسل بروایت تخمینی یك مورخی شده اند امثال مورخ فرشته ، تاریخ سلطانی ، خانجهان لودی خورشید جهان و امثالهم

انجمن ادبی کابل که از آغاز تاسیس تاکنون همچه مطالب مهمهٔ ملی یعنی احیای ادبیات ، تاریخ ومشاهیر وباقی شئون قدیمهٔ ملیه پرداخته است ازانجمله موضوع تاریخ قدیم وطن یعنی دورهٔ قبل الاسلام و تاریخ ادبیات ، نژاد و غیره را از لحاظ تحقیقات و نگارش دیگران در نظر داشته است : جناب یعقوب حسنخان که در همین موضوع ذوقی دارند مدت چندی بود که بکسب مطالعهٔ مؤلفات خارجی و داخلی رجوع فرموده و تحقیقات نسبت بنژاد ، خصوصیات تاریخی ملت نجیب افغانستان می نمود و

آخراً بترتیب و تدوین یکعده نوت های مهمی موفق شده و در نظر دارد که آنرا بعنوان تاریخچهٔ قدیم افغانستان یعنی ادوار قبل الاسلام طبع نماید . ضمناً جناب شمری ایشان از جملهٔ آن یاد داشت های سودمند خود عدهٔ را به مقصد اخذ مطالب نژاد اهالی این سرزمین برای سالنامهٔ کابل اهدا نموده است که بنده بترتیب و تسوید آن پرداخته اینك بنظر قارئین محترم میرسانم .

(غلام جیلانی اعظمی)
معاون انجمن

آریه ها

مؤلف در مقدمهٔ کتاب تاریخ قدیم افغانستان که در دست دارد بحث مفصل از مسکن اصلی آریه ها کرده و توضیحات(۱) داده است پس اگر این موضوع را درین مختصر که مقصد ما از توضیح نژاد افغانیان است تکرار کنیم سخن بطول انجامد ، لهذا احتیاطاً از تکرار موضوع صرف نظر کرده و مقصد را بطور آتی مینگاریم .

---

۱ ـ مردم آریه یا هند و اروپائی در سرزمینهای هندوستان شمالی ، افغانستان ، تاجکستان ، ایران ، آرمنیه ، قفقاز ، کل یوروپ ماسوای هنگری لپلاند و روس جنوبی و فن لیند سکونت دارند و حصص دیگر از یوروپ به امریکه ، و افریقهٔ جنوبی ، استرالیا و نیوزیلیند رفته متوطن شده اند هم از نژاد هند و اروپائی میباشند اهالی هنگری ، لپ لیند ، روس جنوبی و فنلیند زرد پوست میباشند .

اهمیت الواح وعتایق قدیم در تاریخ:

عتیقه شناسان ومحققین تاریخی اروپا پس از اینکه مصر در سالهای ۹۹ - ۱۷۹۸ میلادی بدست ناپلیون معروف مفتوح گردید، معروف ومتوجه به تحقیقات تاریخ و تمدن قدیم سرزمین شرق و تهذیب و تمدن ملل مذکوره گردیدند.

گرچه قبل ازین هم مورخین اروپائی از قبیل یونانیها ورومیها خدمتی بتوضیح تاریخ ملل وممالك مشرق کرده بودند ولی این تحقیقات مابعد درمصر مباحث تاریخ گذشته را غالباً مستند ساخته وکشفیات جدیدی را بران افزود، خصوصاً کتیبه هائیکه از سرزمین های قدیم وتاریخی بدست آمد بیشتر برای حل غوامض تاریخی کمك کرده واسناد مهمی بدست محققین داد.

مثلاً موقعیکه نظامیان فرانسوی در قلعه « سینت جولیان » مصروف کار وعملیات بودند اتفاقاً سنگی معروف به « روزیت » بدست آنها آمد که تحریرات منقوره اش به سه رسم الخط وسه زبان بوده و ناپلیون بزرگ آنها را بقصد ترجمه وتحقیق بفرانسه فرستاد ومتخصصین این فن دران شروع به تحقیق نمودند (*) - وپس از استفاده ازین کار به آثار تاریخی ذوق وشوق به مورخین ومتتبعین اروپائی پیدا شده بحفریات وکاوشهای دیگری پرداختند که امروز حیات باقی تاریخ ادوار زندگانی بشر قدیم مرهون همین کیفیت است یعنی آثار مکتشفه از امصار وبلاد قدیمه، کتیبه ها والواح منقوشه بخطوط وعلامه های بشر گذشته بهترین ترجمان حالات وحیات شان بوده ووجود خود آنها از چگونگی حیات وکمیت تمدن و تهذیب ملل مذکوره اظهار و نماینده گی می نمایند مثلاً سومار یها، عیلامیها وآشوریها وغیره شرح تمامی وقایع را بالواح گلی نی رنگ وشمه دار تحریر کرده وآنها را مثل خشت وظروف گلی پخته میکردند، مصریها سنگها و پوست بوته پاپی روس (لفظ انگلیسی پیپر یعنی کاغذ از اشتقاق دانه) می نگاشتند، بالاخره ازین الواح مدفونه - تمدن قدیم و درخشان شرق بدست آمده ومعرفی گردید که سرزمین مقدس شرق مهد پرورش و ولادت انبیای اولی العزم (علیهم السلام) وایشانها معلم ومربی اخلاق، مؤسس تمدن واصول اجتماع وبانی حکومات واهل تدین بوده وبیاد دنیای بشریت ازین صفات ومحاسن ومکارم اخلاق همواره خود سرمشق ها داده اند.

موقعیت اراضی برای سکونت انسانهای قدیم:

واضح است که برای تهیه لوازم زندگانی بشر مطمئنه معتدله مساعد ترین حصهٔ زمین میباشد بنابران برای زندگی و رهایش انسانهای قدیم مورخین ممالك عراق، مصر، شامات وغیره را از لحاظ آب وهوا، سرسبزی و شادابی اراضی موزون دانسته وبرای سکونت اجتماعات انسانی وطی کردن مراحل ترقی مساعد پنداشته اند همچنان از کتب قدیمه (وید) و(آویستا) معلوم میشود که قطعات اراضی (سغد) ماوراء النهر و(آریانه) هرات، (باختر) بلخ نسبت به امروز بیشتر سرسبز وشاداب ودارای جنگل های وسیع ومرغزار های لطیف وکوه های سرسبز ومملو از اشجاری بوده از حیث علف، نباتات هرقسم، طیور، مواشی وغیره وسایل تغذیه انسانی وحیوانی خوبتر برای گذاره وسکونت مساعد بوده. لهذا اگر مهد پرورش وگهوارهٔ تربیت نخستین بشریت را مورخین از لحاظ استعداد خاك ومواد ضروریه طبیعی به اراضی مسکونهٔ فعلی نسل سامی منسوب نموده باشند باهمین دلایل نمیتوان ولایات شمالی افغانستان وماوراء النهر را ازین استعداد بی بهره دانسته ویاآنرا محل سکونت بشر قدیم نتوان شمرد، علاوتاً چین وافغانستان درمنطقه معتدلهٔ شمالی واقع شده برای سکونت انسانها مساعد وموزون میباشد.

گرچه تا هنوز درین ولایات اصولاً حفریاتی شروع نشده تا از خرابه زار وآثاریکه شواهد قدامت این شهرها بشمار است اسباب واسناد لازمه کشف شود ولی باین هم تاجائیکه علمای حفریات خصوصاً هیئت های علمی فرانسه بخصوص که در خرابه زار بلخ تدقیقاتی کرده ونظریاتی اظهار نموده اند معلوم میشود که این سرزمین دریك

(*) شخصیکه این کتیبه ها را خوانده ومعانی آنها فهمیده شد شامپولیان فرانسوی است.
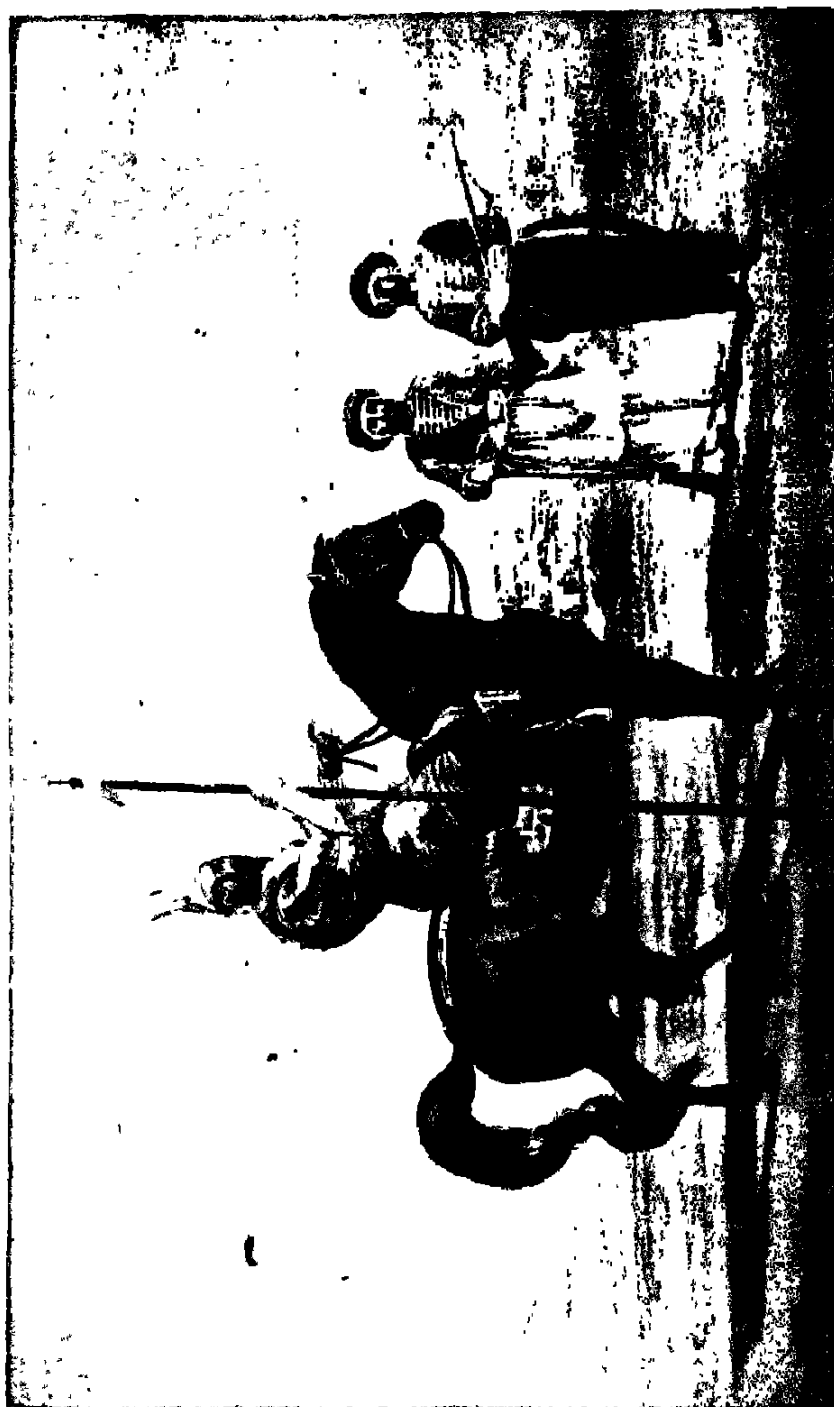
شبه سردار مجاهد وطن وزیر محمد اکبر خان غازی
Portrait du Grand Patriote et Défenseur d'Afghanistan en 19è siécle.
VAZIR AKBAR KHAN GHAZI

سید جمال الدین فیلسوف افغان در مسافرتی که از افغانستان نخستین بار بمصر تشریف برده بود

Philosophe Afghan, SAID DJÉMALU-DDIN pendant son premier voyage en Égypte (1866).

زمانهٔ خیلی قدیمی مهد زندگانی انسانهای بوده که هنوز از تمدن کلده و آثور خبری نبود ـ ویقین است اگر حفریات اصولی درولایات مذکوره اجراء شود آثار وشواهد مهمهٔ دیگری بدست خواهد آمد که تمدن اقوام آریائی اینخاك را نسبت به آثور وکلده بیرقد یمتر ثابت کند ـ

پس تاسی باقوال علمای تاریخ کرده میگوئیم ، که مرکز زندگانی اولیه و مهد پرورش نخستین اقوام آریائی شمال مملکت عزیز ماافغانستان بوده ودر ادوار مختلفی قسمت های عمدهٔ ازینخاك نظر بکثرت وتزاید نفوس خود ویادیگر حوادثیکه درمبر ورحیات انسانی طبعاً واقع میشود مجبور به مهاجرت هاشده ودرجلگه های وسیعه هند وفارس وممالك غربی رفته وقسمتی توطن بهمین خاك های پدری و سرزمین تاریخی خوداختیار کرده ودرعین حال از کوهستانات وجلگه های مساعد وشاداب وطن استفاده نموده اند که اقوام موجودهٔ افغانستان باختلاط جزئی از خونهای بعضی همسایه های مشرق مثل مغل هاوکمی هم از سامی های عهد اسلام باقی همه از بقایای همان آریه های قدیم واخلاف صحیح پدران تاریخی خود میباشند

شهر های قدیمه افغانستان مثل بلخ ، آریانه ، کابل وبست بارعایت اسلوب مدنی در تاریخ های قدیمه معمور ومحل سکونت اجتماعات بزرگی از اهالی خود این سر زمین بوده که هنوز سکندر مقدونی وکوشانی ها درین خاك دست نیافته وقبل از تسلط این حکومات مهاجرت ویاهجوم اقوام سامی در افغانستان مطلق واقع نشده بود پس ازین تشریح مختصر به مرام اصلی خود رجوع مینمائیم .

لغات وزبان که یکی از مهمترین وسایل قرابت انساب انسان واقوام جهان است درینجا بیشتر جلب توجه ما را کرده ولازم افتاد مختصرا از انتساب زبانهای افغانستانی بادیگر السنه آریائی بحثی نمائیم لهذا میتوان فهمید که عموم لغاتیکه اقوام آریائی مثل اروپائیها امریکائی ها (که از یوروپ به امریکه توطن گرفته اند) ، هندی ها ، افغانستانی ها وایرانی ها وغیرهم بدان متکلم اند شاخه های یك اصل یعنی زبان آریه تاریخی بوده دخالت جزئی ونایشری (اما بعد از هجومات مغل ها وسامی های اهل اسلام) که بمرور دهور لغات سامی ها ومغل ها دران تاثیر نموده امروز مورد محاوره وتکلم اقوام مذکوره میباشد ـ اسلاف ومتکلمین السنهٔ موجودهٔ آریه ویاهند واروپائی چندین قرن قبل از ولادت مسیح علیه السلام ازبحراطلس الی رودگنگا ودریای طارم ترکستان مشرق سکونت داشتند

علمای السنه زبانهای آریائی را دربار ده شعبه (   ) قرار گوردن چایلد Gordon Childe تقسیم کرده که ازجمله آن ما فقط سه شعبه را که موضوع بحث بوده ودرآسیا تعلق مخصوصی دارند بیان مینمائیم .

۱ — زبانهای متفرقه فارسی است یعنی زبانهائیکه درکتیبه های قدیمهٔ شاهان هخامنشی ودر گاته ها (سرود ها) وکتب دینی مؤخرتر پارسی ، زند (*) درقید تحریر آمده، وعدهٔ دیگری از زبانهائیکه از ترکستان مشرق الی قفقاز ویوروپ منتشر بود .

۲ — شعبهٔ دومین مشتمل است بزبانهای هندی که بدواً سنسکرت وبازپراکریت های قدیمی وبالاخره زبانهای عصری مروجهٔ هندوستان شمالی مشتق ازآن شده .

---

* میگویند در عهد ویشتاسب شاه بلخ [فردوسی درشاهنامه این بادشاه را گشتاسب نامیده است] که ازملکه او « هوتاوس » نام میبرند زردشت یکی از زبان های علمی ودر باری کتابی را تدوین نموده نام آن را « زند » نهاد ـ « زند » جوز چقماق را گویند که شعله آتش میدهد ـ زند بسیارمشکل بودلهذا شرح آن تحریر ونام آن « پازند » نهاده شد ـ پازندحصه دیگر چقماق رامیگویند ـ یعنی وقتیکه « زند » با « پازند » تصادم خورد جلوه نظر بیاید ـ لیکن این شرح از متن هم مشکل تربوده شرح مزید لاحق آن گردید چنانچه نام شرح دومین اوستا گذاشته شده (سخندان فارس)

این کتابیکه پارسی ها آنرا مقدس میشمارند درزبانی نوشته شده که آنرا عموماً آویستائی میگویند ، واین زبان از زبان کتیبه های شاهان هخامنشی دارای اختلاف است ـ آتش پرستان عقیده دارند که کتاب دارای ۲۱ جلد بود وبحروف طلائی بردوازده هزار پوست گاو نوشته شده بود ـ و میگویند که بعد از زوال سلطنت هخامنشی برباد شد و جزء کیکه بدست آمد بگفتهٔ سکندر یونانی درزبان یونانی ترجمه گردید ـ بعدازان یکی از پادشاهان پارته که در حدود نصف قرن اول میلادی سلطنت میکرد کار جمع آوری آویستا را شروع کرده بود ، اما اردشیر بانی خاندان ساسانی جامع آویستا گفته میشود واز روی نوشته جاتیکه موجود بود وعبارات آویستائی که مردم یاد داشتند آئین دین زردشتی منضبط شد —

مجسمه های کوچك صنعت گریکوبودیك که دراثر حفریات هیئت حفاری وزارت معارف درتپهٔ خزانه ، عقب چنداول، کـ

tes d'Art Greco-Bouddhique découvertes au cours des fouilles entreprises par le
ére de l'Instruction Public à TAPPA-É-KHAZANAH aux environs de Kaboul.
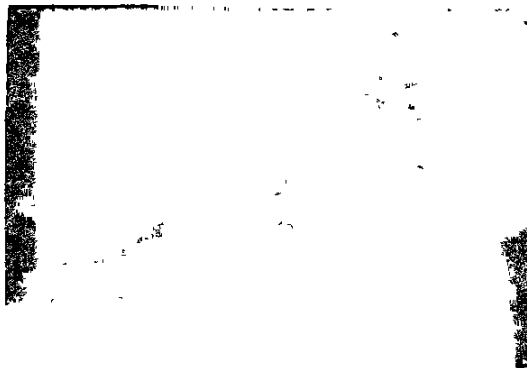
مجسمه های سنگ مرمر که درکوتل خیرخانه بشمال کابل کشف شده (موزهٔ کابل)

:s en marbre découvertes à COTALÉ-KHAIR KHANAH, à quelques kilométres au nord de Kaboul (Musée de Kaboul).

چنانکه پیشتر گفتیم که این سه زبان یعنی سنسکرت ، وفارسی کتیبه های داریوش وگاته های زردشتی بقدری باهم قریب ومتشابه است که لهجه های مختلفهٔ یك زبان واحد معلوم میشود ، بناً علیه این زبان مشترك بمرکز باختری یعنی گهوارهٔ معروف پرورش آریه ها منسوب است وبعد ازین باید آنرا زبان باختری نامید چنانچه این زبان درزمانه‌های ماقبل هم به باختری شهرت داشته وبمرور زمان بطوریکه درعوام امم مرسوم است در نتیجه تاثیر اقلیم وماحول ازجهت سهولت تخفیف وتسهیل درتلفظ واقع میکند لفظ (باختری) را باختی وپساتها (پختو) (پشتو) (پشه‌ای)تلفظ کرده اند - وآن لغاتیکه بین آریه های مسکونهٔ خود باختر وآریانه متداول بود چون زبان ملی وبومی نزد باشندگان شناخته میشد ازان جهت اسم معروف جز آریائی که هنوز ماهیت اصلی آن معلوم نیست نداشت - ولی اقوام مهاجر آریه که ازمرکز وطن دور افتاده ودرمملکت فارس موجوده زندگی میکردند نزد بیگانگان زبان شان باسم فارسی مثل قومیت شان بفارسی شهرت پیدا کرده وبعد ازتسلط وغلبهٔ هخامنشی های (فارس) این اسم « فارسی » بافغانستان هم انعکاس کرده واین شعبهٔ زبان باختری وطن خصوصاً درقسمت های غربی وشمال مغربی بفارسی شهرت یافت .

بالاخره زبانهای سکزی (سیستانی افغانستان) ، سغدی ، ارمی ، وپهلوی ، وفارسی ، ارمری ، وپشتو وزبانهای غلچه ازان مشتق شده ودرعلاقه های متفرق طرف محاوره واقع گردید .

ازین بالاتر رفته می‌بینیم که لاتینی ، یونانی وایرانی‌قدیم وسنسکرت باهم شباهت ومماثلت تامه دارند .

درینجا مناسب آمدکه راجع به ارتباط ونزدیکی لغات زبانهای مختلف آریه یکعده لغات را مختصراً بطور نمونهٔ مثال بقارئین عرض وارائه بدهیم :

عدد

سنسکرت	پشتو	فارسی	هندی	تجاری	نورستانی	انگلیسی	آلمانی	فرانسوی	یونانی	لاتینی
ایکه	یوه	یك	اك ایك	سوم (واو مجهول)	ایو	ون	آینس	ان	ایس	اونوس
دوه	دوه	دو	دو	-	دیو	تو	سوای	دو	دوو	دوا
ترایه	دری	سه	تری	تری	تره	تری	دری	تروه	تریس	تریس
کتواره	سلور	چهار	چار	ستوبر	اشتوا	فور	فیر	کتر	تساریس	کواتواور
پانچه	پنزه	پنج	پنج یا پچ	پس	پوچ	فایو	فنف	سنك	پنی	کوانك
شات	شپگ	شش	چه	سکس	شو	سکس	زکس	سیس	سکس	سیکس
سپتا	اوه	هفت	ست سات	شکت	سدسوت	سیون	زبین	ست	سپتا	سپتم
اشتو	اته	هشت	آتهه	اوکت	وشت	ایت	اخت	ویت	اوکتو	اوکتو
ناوه	نه	نه	نو	نو	نو	نائین	نوئین	نف	ایونیا	نووم
داسه	لس	ده	دس	سك	دوته	تین	تسین	دیس	دیکه	دیسم
ستام	سل	صد	سو	کنتی	-	هندرد	هندرت	سان	سیکاتون	سنتم

فعل حال بودن

سنسکرت	پشتو	فارسی	هندی	انگلیسی	فرانسوی
آسمی	یم	ام . هستم ، استم	هون، آن	ایم	ژو سوی
آسی	ی	ای ، هستی ، استی	این ، هی	آرت	تو ای
آستی	دی	است ، هست	ای ، هی	از	ایل ای

بعض اسما

پشتو	فارسی	نورستانی	هندی	انگلیسی	آلمانی	فرانسوی
ورور	برادر	برا	بهائی ـ بهرا	بردر	برودر	فریر
لور	دختر	جوك	بهین ـ دهی	داتر	تختر	فی
مور	مادر	نو	مان	مدر	متر	
ستوری	ستاره	شتا	تاره	ستار	شترن	ایتول
غوا ـ غوی	گاو	گا	گن ـ گای	کاو	کوه	وش ـ تغو
(ماده)(نر)			(ماده)			(نر)(نر)
آس	اسپ	وشوپ	ـ	هارس	پفرد	شوال
آگی	ـ		اگنی			

تلفظ «نه» یا «نی» در کل زبانهای آریائی یکی است مثلاً

انگلیسی	پشتو	فارسی	هندی	روسی	جرمنی	فرانسوی	نورستانی
نو	نه	نی	نهیں	ـ	نائین	نون	نی

از ارائه دادن توافق لغات فوق اگر خوانندگان محترم را به سر منابع مساحه دهیم ؛ چون این موضوع محتاج به اطلاعات وسیعتری بوده و بیشتر درین قسمت این موضوع بحث مفصل ایراد نمود پس اهل ذوق مدتوانند بکتب السنه و علم الاصوات مراجعه فرمایند و درین قسمت صرف مقصد ما از نشان دادن نمونهٔ از ارتباط باهمی السنهٔ آریائی است که از روی فهرست لغات این طوایف اگر در صد نبرده هم قرابت صوت و نزدیکی حروف داشته باشد ولی به لغات سامی و تورانی هیچ قرابت ندارند مثل طرح ـ قارداش در (ترکی) خال ـ اخ در (عربی) ـ آنه در ترکی ام در عربی مادر در فارسی و قس علی هذا

گهوارهٔ آریه ها

برخی از محققین آسیای وسطی مخصوصاً علاقه جات بین و نواح دریای جیحون و سیحون را مسکن و ماوای ابتدائی آریه ها قرار داده بودند ، غالباً معلومات آنها بعد از تأسیس رایل ایشیاتک سوسایتی لندن (مجلس شاهی آسیائی) (Royal Asiatic Society) و ایشیاتک سوسائتی بنگال ، بر ویدهای هندی و اوستای بختری منحصر بوده ولی دیده می شود که مردم آریه نژاد در قطعات بعیده و وسیع تری منفرق و پراگنده میباشند و درین قطعات تا اندازهٔ که حفریات شده و اشیائیکه مثل ظروف گلی و اسلحه سنگی وغیره از این حفریات بدست آمده شبیه یکدیگر میباشند لهذا علمای تاریخ مجبوراً در تعین و تخصیص مسکن ابتدائی مردم آریه متردد و مذبذب گردیدند و چون برای تعیین محل حقیقی آنها غیر از وید و آوستا دیگر سندی بدست نیست لهذا از روی قیاس و تخمین محققین درین موضوع بدو دسته منقسم شده اند که ما آنها را بعنوان حزب شرق و حزب غرب میدانیم ،

حزب شرق ، دلایل ذکر کرده و آسیای وسطی را مامن ابتدائی آریه ها قرار میدهند .

حزب غربی ، یوروپ و بعضی نقاط غرب مشرق را مسکن ابتدائی آریه ها قیاس میکنند ، لیکن در یوروپ یك موضع را مبدأی آریه ها قرار داده نتوانسته اند یعنی روس جنوبی ، آرمینیا ، اناطولیه ، وادی دریای دینیوب ، لتوانیه و اسکندی نیویا را گهوارهٔ آریه ها خیال میکنند درحالیکه در شرق آسیای وسطی را بالاتفاق منبع آریه ها قرار داده اند ،

مورخین و محققین یکی از جملهٔ دلایل برای تعیین مهد اولی آریه ها مساعدت مواقع جغرافیائی و خوبی آب و هوا و کثرت اشجار و نباتات ممالك را طرف توجه قرار داده اند ، باوجود آن مجبوراند که نامهای اشجار و حیوانات اهلی و وحشی را که در ویدها ذکر شده در نظر گرفته بحث کنند که اینگونه حیوانات

واشجار در کدام خطه یافت میشوند ـ چنانچه پی گائیلز (*) پروفیسر دارالعلوم کیمبرج تنها جلگهٔ هنگری ووادی دینیوب را مسکن ابتدائی آریه ها قیاس میکند ـ ولی گوردن چایلد درکتاب مؤلفهٔ خود « دی ایرینز » یعنی آریه ها جملهٔ مواضع مذکور فوق را مسکن اولی آریه ها فرض کرده بحث عالمانه نموده جمله نظریات را رد میکند مگر رجحان او زیادتر طرف نظریه آسیای وسطی میباشد ـ بهر حال اگر چه بین علمای این فن اختلاف نظر است اما اکثر دانشمندان عقیده دارند که مامن ابتدائی آریه ها اراضی واقعه بین آمو دریا ودریای سیحون وباختر (بلخ) بوده است ـ برای اثبات این عقیده دلایل وتوضیحات آتی را باید درنظر گرفت :

درمقدمهٔ همین بحث گفتیم که باکتریانه (میمنه و مزار) وسغد (بخارا و سمرقند) در زمان قدیم مثل عراق عرب ومصر نسبت به امروز آباد تر وشاداب تر بود وکیفیت سطحی این خطه ایجاب مینماید که جمیع ضروریات ولوازمات انسانی مثل علوفه ، شکار حیوانات وحشی ، زراعت ، تربیهٔ حیوانات اهلی را تهیه وآماده سازد وشکی نیست که انسان هم فطرتاً اینگونه نقاط را بیشتر برای سکونت وامرار حیات خود می پسندد

علاوةً بر خلاف جمیع نقاطیکه بطور فرض وتخمین برای سکونت اولیهٔ آرین ها فکر میشود درین سرزمین که مورد بحث ما است اسمای صحیح آریائی را میتوان یافت مثلاً هرات یا آریانه ، بلخ ویا باکتریه ، بخارا ویا سغدیانه ، قندهار ویا اراکوشیه وامثالها ـ کذا از زبان قدیم آریائیها استنباط میشود که آنها مردمان جلگه نشین بوده فقط دو یا سه موسم را میدانستند واینطور مواسم تنها در اقلیم بری (**) وجود دارد .

از کتیبه های وادی طارم وهم بطوریکه مورخین چینی تقریباً از صد سال قبل المیلاد از مردمانی در شرق ترکستان بحث میکنند سانحی بدست میآید که دیده آید مردمان همین طوایف آریائی متوطنین سغد وشرق ترکستان بوده باشند یعنی میگویند مردمانی را در سرزمین مذکور ملاقات کردیم که چشمهای نیلگون داشتند ـ پس معلوم میشود که آریه ها قبل از میلاد الی دریای طارم رسیده بودند و بر سکندر مقدونی وقتیکه به بخارا حمله آور شده بود با مردمانی مصادف گشت که آنها بزبان آریه تکلم میکردند (۳۲۹ ق ، م) وسکندر ورفقایش از جادر نشینان محلی آنجا اثری ندیده بودند ـ

ولی امروز درین قطعات یعنی سغد وشرق ترکستان که کمتر زبان وشکل وصورت آریه دیده میشود سبب آن است که تقریباً از (۸۰۰) سال قبل المیلاد وتاحدی پیشتر از آن مردم زرد پوست از مشرق اقصی آمده وبین مردم آریه نژاد مخلوط شده رفتند حتی عدهٔ کمی نژاد آریائی در کوه های صعب المرور برآمده سکونت اختیار کردند چنانچه دادیک ها (***) (تاجیک ها) ومتکلمین (****) زبانهای غلچه بدگار وبر ماندگان همین آریه های کوه نشین میباشند ،

---

* P. Giles بعنوان « آریه ها » [برای آریه ها لفظ ویروها را تراشیده] « در کیمبرج هسٹری آف اندیا » مقالهٔ نوشته که آریه ها از دنیوب خروج کرده از راه آرمینیه ویا آسیای ماینور در ایشیا رسیدند .

** اقلیم بری آب وهوای غیر معتدل و دور از بحر را گویند ـ چون بحر نزدیک نمیباشد لهذا آب وهوای اینگونه خطه در زمستان بسیار سرد ودر تابستان بسیار گرم میشود .

*** هیرودوتس مورخ یونانی داد یک نامیده است

**** زبانهای غلچه که باسم زبانهای پامیر معروف است در واخان و حصهٔ مشرق بدخشان افغانستان گفته می شود ، جمله زبانهای این شعبه باستثنای یکی آن شمال هندوکوه گفته میشود ـ زبانهای مذکور عبارت است از شغنی ، سرکولی ، یغنوبی [که در علاقه روسیه گفته میشود] ـ و چهار دیگر یعنی واخی ، اشکاشمی ، سنگلیچی و منجانی (در حدود افغانستان گفته میشوند) ـ جمله این زبانها با یکدیگر قریب ومشابه بوده وواضحاً از فروعات شرقی فارسی شناخته میشوند ـ وهم از روی بعضی لغات با زبان پشتو مشابهت دارند ـ کذا زبان واخی در واخان ، اشکاشمی در گذرگاه پائین دریای پنج ، سنگلیچی در وادی بادق و زیباک [که بطرف چترال میرود] ومنجانی در وادی بالائی آب جرم گفته میشود ـ اسمایکو پیدیای اسلام

هیرودوتس (*) سیت ها ویا اسکائی ها را مغل میخواند ، گوردن چایلد باین قول مورخ مذکور موافقت میکند وتقریباً این عقیده مسلم تر م بنظر میرسد ـ اگرچه بعضی محققین اسکایها (**) ویا سیت ها را نژاد آریائی گفته اند ولی چون مهاجرت سیت ها از شرق زمین ابتدائی بوده وآنها بتعداد قلیل آمده بودند چنانچه این اسکائیهای زرد پوست نظر به خلط وتحلیل شدن با جمعیت های غفیر آریه ها آخر الا وضعیت واخلاق آریه ها را پیدا کرده وباتفاق آنها یعنی آریه های اقارب خود بطرف مغرب حرکت کرده به دولت های آثوری وبابلی تاخت وتاز نمودند وشاهان آثوری دخترهای خود را بامرای اسکائی تزویج نمودند وبخت نصر کبیر (***) (یا بنوخذ) شاه بابل دختر کائی آکسار یز پادشاه بزرگ مادیها را درحباله نکاح خود درآورد ـ ویك حصهٔ همین مردم یعنی اسکائی ها در افغانستان مام داخل شده بودند ـ ولی بعد از اسکائیها زرد پوستان مثل یوئیچی ها وهونها ، قوم واحفاد چنگیز خان بتعداد زیادی خروج کرده غالب ممالك شرق استیلا نمودند وآریه های ساکنین این دیار مقابل این سیلابهای مغلیت خیلی خسته شده نه تنها حاکمیت حاکمهای خود را باختند بلکه صفوت خون آنها نیز در تاثیر آمیزش وهجوم مغولها قدری مغشوش ومختلط گردیده ومخصوصاً آریه های آنطرف رود آموار وادی طارم الی قفقاز وماسکو بیشتر دچار این مرض نسلی یعنی اختلاط خون نژاد اصفر گردیدند ـ واین احوال درغالب ممالك مشرق ومسکن آریه های متوطن شرق دست داد چنانچه وقتاً ما از آنطرف حال هندوکش بخصوص شمال ومملکت ماورای آمو سفر کنیم می بینیم بعضی اقوام بیشتر شباهت مغول دارند مثل ترکستان مشرق وروسیه ـ کذا هزاره جات داخل وطن خود ما بیشتر به مغلها شباهت دارد واین مطلب مبرهن میدارد که درهرقومی از اقوام آریائی که بیشتر آمیزش و اختلاط مغل ها شده آنها بهمان اندازه از خون مغل زیاده تر متأثر گردیده اند ـ واقعاً این امر تاثیرات مهمه در عالم اقوام آریائی نموده است حتی بعضی اقوام آریائی ساکنین غرب مثل روسی ها و غیره نیز ازین مسئله تخلص کریبان نتوانسته اند ـ واین مسئله آمیزش و تحولات خون خیلی در اقوام موثر واقع شده است چنانچه اهالی فنلند وهنگری که اصلاً از نژاد مغل هستند ولی بواسطهٔ اختلاط با اقوام کثیرهٔ آریائی نژاد امروز چهره وسیمای آریائی ها را قبول کرده اند . کذا طبقات ممتازهٔ تورکان قسطنطنیه بواسطهٔ آمیزش با یونانی ها ودیگر اقوام آریائی آنجا امروز تغیر سیمای اجدادی نموده وشبیه اروپائیها شده اند ، کذا عربهای عهد فتوحات اسلام درچین که امروز دارای خط وخال وسیمای چینی ها شده اند . وایست حال اکثر نژادهای مختصری که دربین توده های بزرگ نژاد متقابل داخل شده وطبعاً بواسطهٔ غلبهٔ طرف مقابل قبول سیما وعادات آنها وامی نمایند ، پس اسکائیهای زرد پوست هم بعقیده ماهمینحالت را بین آریائی ها حاصل نموده اند .

باید دانست که تا سال (۲۰۰۰) ق ، م از ظهور آریه ها سرحدات عراق عرب آرمینیا وغیره جاهائیکه سومیریها و عیلامیها وسامی ها سلطنت هائی تاسیس کرده بودند اثری معلوم نمیشود ، کاسی ها درحدود (۱۷۶۰) ق ، م در بابل بحکمرانی رسیده بودند بعد ازین تاریخ ظهور وهجوم حمله آوران آریه ها از طرف مشرق و شمال مشرق دران سرزمین ها مشاهده میشود ـ این فشار وهجوم آریه ها اقوام کاسی را که درمشرق کوهٔ زاگروس سکونت داشتند بطرف مغرب راند حتی در سال سنه ۱۴۰۰ ق م خانداهای حکمران آریه درفرات علیا به تشکیل حکومات پرداختند ـ لهذا ازین قصه میتوانیم استدلال نمائیم که برخلاف نظریات بعض مورخین آریه ها از سمت مشرق بطرف غرب رفته اند نه از غرب بشرق ،

مردمان قدیم آریه در جنگلها زندگانی میکردند ، عقلیات شان گاو گادیها بود ، ثروت مهم شان عبارت از مواشی ومالداری خصوصاً گاو بود وهنوز اسپ را اهلی نساخته بودند ـ وقتیکه هون ها باآریه ها اختلاط وآمیزش نمودند اسپ را اهلی کرده وآریه ها از اینها طریق اهلی کردن اسپ وصورت استعمال آنرا فهمیدند

* ـ مورخ قدیم یونانی ۴۸۴ ـ ۴۲۵ قبل المیلاد ** ـ ایرانی ها اسکائی ها وهیرودوتس آنها را عموماً سیت ها نامیده
*** پادشاه کلدانی بابل ۶۰۴ ـ ۵۶۱ قبل المیلاد ـ ۴ ـ گوردن چایلد .

مجسمه های صنعت گریکو بودیك كه در تپهٔ مرنجان كشف شده (موزهٔ كابل)

Statues d'Art Greco - Bouddhique découvertes à TAPPA-É-MARANDJAN, Kaboul (Musée de Kaboul).
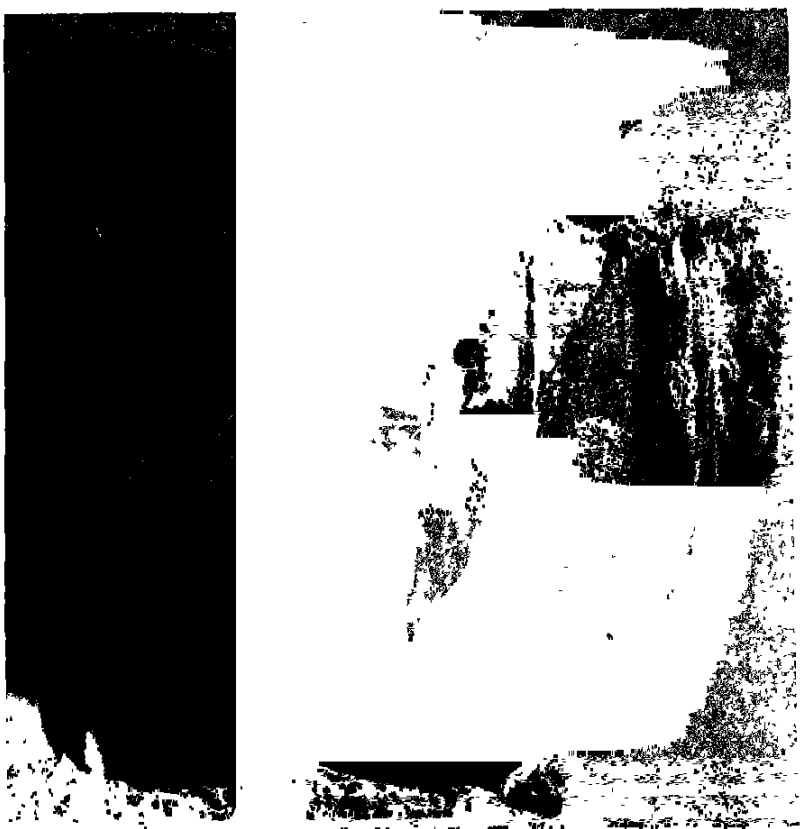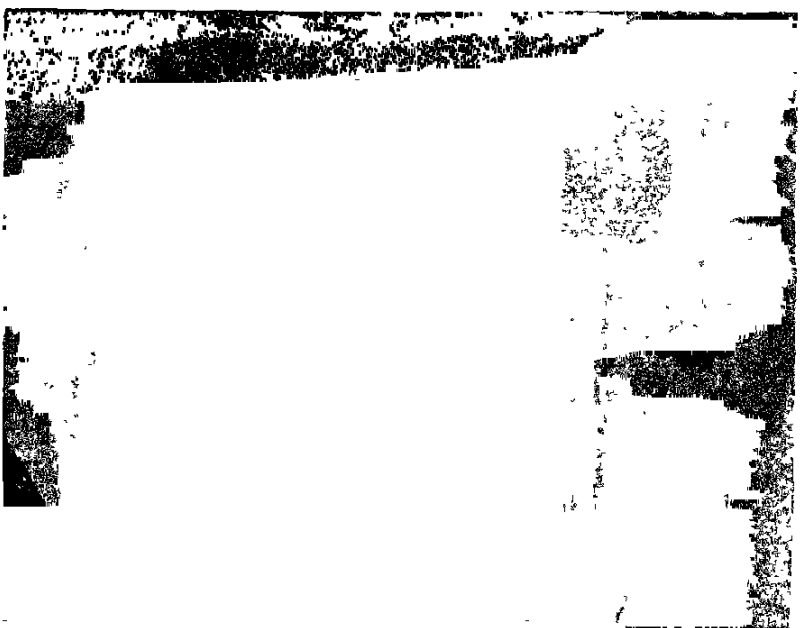
منظرهٔ استوپهای عصر گریکو بودیك كه در تپهٔ مرنجان كشف شده .

Vues des Stupas Greco-Bouddhiques découverts à TAPPA-É-MARANDJAN (Kaboul).

وآنرا تیز رفتار نامیده درعرابه های خود می‌بستند ودرممالك غرب نیز آنرا رواج دادند (*)

تدوین (ویدها) درحدود (۱۴۰۰ – ۱۹۰۰ ق ، م) (**) و (آویستا) درحدود ۵۸۳ ق ، م بعرصهٔ وجود آمد کذا ذکر نام مشترك آریه دلیل برآنست که باختر ونواح آن مسکن اولی آریه‌ها بوده –

حرکت آریه ها ازبلخ طوریکه گفتیم آریه‌ها درآسیای مرکزی تجمع داشته وسپس بواسطهٔ کثرت نفوس وارد بلخ گردیدند واین نقطه را مسکن خود قرار داده به زراعت ومالداری مشغول گردیدند ولی آخرا این سرزمین هم برای شان تنگی کرده وآنها مجبور به نقل مکان و پراگندگی شدند – بعد ازین پراگندگی آریه‌ها اساساً دو شعبهٔ مهم منقسم وموسوم میشوند، یك شعبهٔ هندی ودیگری شعبهٔ ایرانی – گرچه از روی صحت عنوان آیا یکجا بودن وجدا شدن این دو شعبه را معلوم کرده نمی توانیم ولی در زمینه‌ایکه از کتب مذهبی اینها وقومندستهای آینده ارد‌نل تخمین میشود . زمان تدوین سرودهای (ویدها) را سال ۱۴۰۰ ق ، م تخمین واین وقتی است که آریه ها بطرف جنوب مشرق روان شده بکنار دریای اندس رسیده بودند و (ژند) درخود باختر درحدود قرن ششم قبل المیلاد بعرض وجود آمد که ایرانی ها آنرا سند بنای خود قرار دادند اگردرین ادوار آریه ها دریکجا میزیستند لازم می‌آمد که کتابهای مذکور خصوصاً کتاب اولی به زبان مشترك میبود ، پس برای تخمین زمانهٔ وحدت هندیها وایرانی ها یك هزار سال وچیزی بالاتری را تخمین می شود چنانچه محققین هم زمانه وحدت آنها را تا به (۲۸۰۰) ق ، م تخمین نموده اند ویك مورخ دیگر (دومارگن) de Morgan ۲۵۰۰ ق ، م را قرار میدهد – پس از روی این تخمین ها میتوانیم بگوئیم که هندیها وایرانی ها از مرکز ابتدائی خود یعنی باختر (بلخ) در زمانه های (۲۵۰۰ – ۲۸۰۰ ق) ، م از هم جدا شده وبطرف مشرق وجنوب مشرق وبسوی مغرب حرکت کرده اند – وتخمین میکنند که نژاد آریائی درحدود (۸۰۰۰) سال قبل از میلاد بیك زبان مشترك تکلم می کردند –

آویستا سبب مهاجرت اریه ها را چنین بیان میکند . آریه ها ملك خوش هوائی داشته دارای آب های فراوان وزمین های حاصلخیزی بودند – ولی دفعتا ارواح بد نا بها اسیلا نموده زمین را بخ بست وخراب ساخت مالك گنجایش نفوس مزایده را نداشته به هجرت شروع کردند – لذا آویستا وطن اصلی آریه‌ها را (آرین واج) یعنی جای آریه‌ها میـنامد ، میگوید کـه آخر ازین سرزمین بهشتی بواسطهٔ برودت به مهاجرت مجبور شدند وآنها به سغد ومورو (نام کلاسیك این دومقام سوغدیانه ومرجیانه وبنام امروزی آنها بخارا ومروی‌باشد) مسافرت کردند ، ولی قبایل دشمن وملخ آنهارا ازسغد هم کشیدند وبالاخره آنها به بخدی (مملکت بیرقهای بلند) یعنی بلخ امروزی اقامت گزیدند – سپس جنوبی بطرف نیسایه (که بعضی آن را مقصد از نیشاپور خیال میدانند وبعضی به علاقه حولی عشق آباد تطبیق میدهند) – رفتند وبالاخره آنها هرویو یعنی هرات امروزی وواپکرت (کابل امروزی) را مسکن خود قرار دادند – بعداز آن مهاجرین واردهٔ این منازل بدوقسمت تقسیم شدند : ۱ – ارهوویتی (ارا کوشیه یا قندهار) ، هیتومنت (یعنی وادی هلمند) هته هندو (پنجاب) جانب مشرق یعنی درافغانستان امروزی و ۲ – ارونه (طوس) ومرکان (گرگان) ، رگ (ری) ، ورن (گیلان) جانب مغرب یعنی درجا کهای ایران فعلی –

پس از تفصیلاتی که در باب چگونگی حیات ومهاجرت آریه ها آویستا میدهد صریحا معلوم میشود کـه آریه ها بواسطهٔ کدام حادثهٔ طبیعی از آسیای وسطی در بخارا ومرو واز آنجا بعلت دیگر حوادث در بلخ موجوده اقامت گزین شده آخرا بواسطه کثرت احیاء وعدم کفایت آذوقه ومرور زمان چند ما به قسمت

* تاریخ مختصر عالم مصنفه ایچ – جی ولز امریکائی H. G. Wells ** تدوین ویدها در سنه ۱۴۰۹ ق ، م مرجح وزردشت درسال ٦٦٠ ق ، م پیداشده ودرسال ۵۸۳ وفات کرد – اگرچه بعض مورخین تولد او را سال ۱۰۰۰ تعین کرده اند مگر [٦٦٠ – ۵۸۳ ق م] مرجح است – وقتیکه تورانی‌ها از ماورای جیحون به بلخ حمله آوردند زردشت کشته شد .

شده اند که قسمتی از علاقه های متذکرهٔ ایران رفته وقسمتی در شهر های معروفه ومعمورهٔ افغانستان مثل[1] هرات ، کابل ، پشت رود ، قندهار ، اطراف حاصلخیز رود خانهٔ هلمند ، اورپشا ویا بلوچستان ، قطغن وبدخشان ، بولوستان (نورستان چترال ، کنر ، باجور ، دیر وسوات غیره ، گندهارا (جلال آباد وپشاور الی راولپندی) پاکتیا (سمت جنوبی) اقامت گزین شده وقسمت سوم ازکوه های شرق وجنوب افغانستان آنطرف تجاوز کرده درجلگه های سرسبز ومعمور پنجاب وسند وکشمیر وغیره رفته بومیان آنجه دیار رامغلوب نموده به زندگانی پرداخته اند ـ چنانچه از سرودهای اولیهٔ ویدها اسمای بعض جاهای افغانستان معلوم میشود مثلاً کوبها (کابل) کرومو (کرم) گومتی (گومل) سوواستو ـ ومساکن سوات را به کلمهٔ « خانه های خوب ونفیس » یادکرده ـ واز روی سرودهای متاخر معلوم میشود وکه آریه ها دران زمان الی گنگا رسیده بودند ـ

این قوم قوی ، تنومند ، ملحشور واسپ سوار بوده بر تمامی افغانستان استیلا نموده ودرقبیله های متعددی منقسم شدند ، نام کلاسیک علاقه شمال مغربی اندس وافغانستان آریه ورته (اقامتگاه آریه یعنی مردم اهل وشریف) ونام دیگر این مملکت که درادبیات وکتیبه ها نمایان است (اترایاته) یعنی راهٔ شمالی میباشد ـ ممکن است آریه نام کدام قبیله باشد امابعد مفهوم آن شریف وعالی نسب گرفته شد .

والحاصل آریه ها هر قدریکه از جهات شمال بیشتر به افغانستان داخل شده وجمعیت شان می افزود دازلحاظ ضیق خاك میان درجه نوس رایده بطرف جنوب مشرق حرکت کرده میرفتند ونوس متناسبی درین مملکت بطوردایمی اقامت گزین گردیدند ـ این مهاجرتها عموماً تدریجی وبطورقبیله وی بوده بااموال ومواشی وعایله صورت میگرفت .

طوریکه درویدها اسمای بعضی مقامات افغانی وهندی گرفته شده همچنان راجع به بعضی قبایل هم ذکری شده است چنانچه مشهورترین ومهمترین جنگ تاریخی ارمنهٔ ویدی جنگ بزرگ ده پادشاه است که درکنار دریای راوی پنجاب بوقوع پیوست وده قبیله بسرکردگی رؤسا و پادشاهان خود درآن شرکت ورزیدند علت این محاربه غالبا کوششی بود برای تفوق وکسب برتری بهمدیگر ـ اسمای قبایل ده گانهٔ مذکور قرار ذیل است .

۱ ــ الینه ها (؟) — غالبا اهالی شمال مشرق نورستان بودند

۲ ــ پکتهٔ ها — که مراد از پختون ها ویا پشتونهای امروزی میباشد

۳ ــ بهالانس ها — که شاید ساکنین دره بولان چمن قندهار باشند

۴ ــ شیوا ها — بشند گان دریای اندس ـ ولی فعلاً هم اسم موضع معروفی درقرب جلال آباد به شیوه وشکی معروف است

۵ ــ ویشانی ها ، — . . . .

۶ ــ آنو ها — ساکنین کناردریای پروشنی (راوی امروزه)

۷ ــ دروهیوسها — با آنوها قرابت داشتند

۸ ــ ۹ ــ ترو شاها ـ ویدوها دوقبیلهٔ متحده

۱۰ ــ پورو ها — که درکنار مشرق دریای سرسوتی سکونت داشتند

در (ویدها) (۱۴۰۰ ق م) ذکر قبایل وعلاقه های فوق شده مگر درقدیمترین ادبیات آریه راجع به مساکن ابتدائی آنها تذکاری دیده نشود ، ازین رومیتوانیم استنباط نمائیم که مهاجرتهای مذکور بسیار

---

[1] از کیمبریج هستری اف انډیا

در زمان «رگ وید» مردم آریه در پنج قبیله بزرگ تقسیم بودند و هر قبیله شعب متعددی داشت گرچه از زراعت واقف بودند مگر ثروت مهم آنها رمه ها و گله ها شمرده میشد خصوصاً گاو چنانچه از لفظ گاوشتی (یعنی محاربه برای گاو) اهمیت آن کشف میشود. دران آوان آریه ها زندگانی قبیله وی داشتند و استعمال آهن را نمی‌شناختند، البته بعد از زمان رگ وید استعمال آهن را آموختند و تهذیب و تمدن خودرا ترقی دادند.

خلاصه مردم بواسطهٔ این حرکت از مرکز باختر در آریانه (هرات)، غور، اراکوشیه (قندهار و هلمند) بلوچستان، تخارستان (قطغن و بدخشان تا به دریای طارم)، بلورستان (نورستان و چترال و سوات وغیره) پاکتیا (علاقه جات پشتونهای امروزی) تا پنجاب و کشمیر وغیره پراگنده و تقسیم گردیده سکونت پذیرفتند.

راجع بدین این مردم تاحال اسناد صحیحی بدست نیست مگر از روی «رگ وید» (قدیمترین چهار وید) میتوان حدس زد که قبل از زمان رگ وید آنها نیز مثل سایرین عناصر پرست بودند یعنی از عناصر مضر و مخرب خوف نموده به آنها نذر و نیاز میدادند تا از شر آنها ایمن و مصئون باشند و نیز به عناصر مفید مثل آفتاب و ماهتاب وغیره صمیمیت قلبی داشته آنهارا می پرستیدند.

آریه های امروزی را بطوریکه رگ وید می ستاید، اکثر مردمان بلندقامت و متناسب اندام، دارای چهره های خوشنما، موهای انبوه، بینی های باریک و کشیده و متناسب بوده، چنانچه خطوط و جبهه آنها در بین بانام به تمام مناسبت بجز بعضی اقوام مخلوط افغانستان باقی بالعموم ساکنین سمت جنوبی و سمت مشرقی و کل افغانان سرحد آزاد و کشمیر و پنجاب و راجپوتانه مطابق آریه های دیگر ممالک دیده میشود.

پشتون ها یا پختون ها

چنانکه در سطور گذشته گفته آمد که اهالی افغانستان عموماً از نژاد آریه و در زمانه های قدیم قبایل مختلف چندی از مردمان این نژاد در خاک های موجوده آمده و سکونت پذیر شده و آخراً اجتماعی بهم رسانیده اند، لهذا اهالی پشتو زبان افغانستان که اسم قبیلوی شان معروف بدرانی و غلجائی وغیره است و این طوایف بین دیگر برادران آریائی خود یعنی باقی متوطنین اینحاك بشجاعت و وطن پرستی و صحت و تنومندی ممتاز ترند نیز از جملهٔ همان قبایل آریائیهای قدیم اینحاك بوده و باختلاف ضرورت و احتیاج هر قبیله نقطهٔ را برای سکونت و معاشرت خود پذیرفته اند.

در مقدمهٔ کتابیکه راجع باینموضوع مؤلف در دست دارد اشاره نموده است که بشر بعد از طی ادوار سنگی و فلزی باجتماعات مهمه و تشکیل سلطنت ها پرداخته و آهسته آهسته بتهذیب و تمدن قدم گذاشته و ترقی کرده رفته اند. و سپس بواسطهٔ بهبودی و سایل حمل و نقل و ضروریات تجارتی اختلاط با همی بین خود ها پیدا کردند، اقوام چادرنشین و شهر نشین ها برای غلبه و تفوق جستن نسبت بیکدیگر اختلاف نظر پیدا کرده مقاتلات و محارباتی آغاز نمودند و از پیش آمد این حادثات بالضرور اختلاطی در نژاد و انسال آنها واقع گردید، پس از روی این قاعده که امروز در تمام بشریت جاری و نسل خالص را بمشکل در دنیای امروزه میتوان پیدا نمود نمیتوانیم ادعا کنیم که رویهمرفته عموم ملت افغانستان امروزی ما هم از همان نسل خالص قدیمه آریه بوده و تا امروز مستقلاً خون شان همان ماهیت اصلی دوام کرده باشد.

بطوریکه انسال دیگر دنیا بواسطهٔ محاربات و مهاجمات اقوام بیگانه غالباً اختلاطی بهم رسانیده در افغانستان ما نیز چند مرتبه هجوم مغولها و فتوحات اقوام زردپوست که برعلاوهٔ خاك ما در سایر ممالک دیگر حتی در مغرب بخاك گرانبه امتزاج خون نموده است، لهذا گفته می شود که اهالی این خطه نیز ازین گونه امتزاج جزئی خون برکنار نمانده اند.

خصوصاً هجوم مغلهای چنگیزی تاثیر مدهشی در خون اهالی مرکزی این کشور یعنی هزاره جات

موجوده واقع نموده که امروز می بینیم یکعده برادران تاریخی ما هزاره ها در چهره با افغانها بیشتر تفاوت دارند در صورتیکه هزاره ها جز سهم مختصری از خون مغول دیگر نه اصلاً مغل هستند و نه از مهاجرین مغل .

همچنان ممکن است بعد ظهور اسلام در ینجا یک مقدار مختصری از خون عرب در اهالی این خطه امتزاج یافته باشد ولی بهیچ وجه نمی شود که ما امروز یک قوم یا یک عدهٔ کثیری را درین کشور از نسل مستقیم عرب یا سامی بشناسیم .

اگر سلطنت بنی امیه چندی دیگری هم دوام کرده ، و بعد از انحلال خلافت آنها شش صد هزار عرب مقیم ایران ، خراسان و یک قسمت افغانستان بقتل نمیرسیدند ممکن بود که اختلاط عربها بیشتر و بدتر میشود ، یونانیان نیز قبل از اسلام در سالهای ۳۲۷ ـ ۳۲۹ ق . م داخل افغانستان گشته و آنها بالتدریج با بومیان آریه نژاد افغانستان مخلوط گردیدند .

ولی ما سوای اختلاط فوق نژاد زرد و سامی قبل و بعد از اسلام و امتزاج عرب های سامی نژاد بعد از اسلام قوم دیگری با بومیان افغانستان مخلوط نشده است ، زیرا که حدود سلطنت های سامی آشوری و کلدانی (چنانکه در مقدمه کتاب خود مؤلف است که در سال ۵۳۸ ق . م از دست کوروش خاتمه یافته بود) در عین عروج و کمال خود رسیده و در مشرق تا به کوه های زاگروس رسیده بود ، از جهت اینکه درمشرق بجادر نشینان قوی آریائی واقع بودند و آشوری ها و کلدانی ها در مغرب همیشه با دولت قوی مصر می جنگیدند بناءً علیه آنها صرف مشرق متوجه شده نتوانستند ، و نی یهودیها که اولاً در عهد سارگون دوم در سال ۷۲۱ ق . م و ثانیاً در عصر بخت نصر [illegible] پادشاه کلده در ۵۸۶ ق . م بوقوع پیوسته علی الترتیب در ملاقه مدیا و در شهر بابل صورت گرفته بود یهودیهای خارج البلد میبعد در ملل همجوار کاملاً منحل گردیده و یهودیهای بابل بعد از دو اصل در عهد کوروش [illegible] سلطنت هخامنشی واپس بوطن خود یعنی فلسطین [illegible] بوده و مساکن و معابد خراب شدهٔ خود را آباد کردند و بعضی از قبائل یهودیها به مصر و مدینهٔ منوره پناه گزین شدند .

پشتون و افغان

۱ ـ [illegible] باید دانست که استعمال و شیوع لفظ پتهان بدواً در هندوستان شروع شده و غالباً هندیها لفظ پتان و پتهان (جمع پشتون قرار قاعده زبان پشتو و پختو) را محرف نموده پتهان می خوانند و جز حدود افغانها و غیر هندیهای دیگر تلفظ حرف (ښ) را ادا کرده نتوانسته پتان تلفظ هندی را پتهان خواندند ، شکی نیست که هندیها لفظ پتان و پتهان (جمع پشتون و پختون) را محرف نموده به تبعیت لهجه خود موزون ساخته و در مملکت خود رواج دادند . مثلاً در زبان فارسی [illegible] متکلمین فارسی هر جائیکه حروف مذکور بیاید به (ت ، د) معروف فارسی تلفظ خواهند کرد یعنی موتر را موتر ، رووڼ (یعنی آوردن) را راوړل و ډېر (یعنی بسیار) را دیر خواهند خواند ، انگلیسها ت را تلفظ کرده نمیتوانند پس طبعاً تو را ټو تلفظ میکنند ، بعضی اشخاص بالعموم ف را پ میخوانند و یک هندی ف را بعوض (پ) پهه تلفظ خواهد کرد وقس علی هذا .

این کلمه پتهان بدواً در تحریرات قرن شانزدهم بنظر میرسد و (نعمت الله) یک اشتقاق فرضی و اختراع موهومی این کلمه را بذریعه موضوعی خود قرار میدهد که حضرت رسول کریم صلی الله علیه وسلم قیس را بنام پتان یاد فرموده و او را عبدالرشید نامیدند ، مورخ مذکور معنی این لفظ را حصه تحتانی جهاز فرض میکند لیکن تصریح نمی نماید که این اسم در کدام زبان است و ما یقین داریم که لفظ مذکور بهیچ قاعدهٔ سماعی و قیاسی عربی نیست ـ چنانکه در فوق ذکر شده پتان فی الحقیقت تحریف (پښتانه) میباشد.

کلمهٔ پکتها را اولین دفعه در سرود های « رگ وید » مشاهده میکنیم گویا در حدود ۱۹۰۰ و یا ۱۴۰۰ ق ۰ م قبیلهٔ از آریائی‌ها درکوهسار باجور، مهمند ، افریدی،سمت جنوبی الی قندهارسکونت داشته در محاربهٔ ده پادشاه (*) شمولیت جستند - چون هیرو دوتس (**) تلفظ ته را ادا کرده نمیتوانست. لهذا این قبیله شجاع آریائی را پکتین ها و یا پاکتین ها و یا سر زمین پاکتی ایکی میخواند.
بعضی (***) ازمحققین الفاظ فارسی پشت ، پشته (بمعنی کوه بچه وغیره) و لفظ های پکتها و پاکتیای هیرودوتس را تطبیق میدهند واین تطبیق غالباً معقول تراست ، (دارمیستتر) Darmesteter تلفظ پاکتیارا قریب باصطلاح ابتدائی (که یقیناً به تلفظ پکتها نزدیکتر است) شمرده وخیال میکند که پاکتیای هیرودوتس مترادف کدام لفظ مثل پارش تائی ها Parshthyes خواهد بود ، ودرین موقع باید درنظر داشت که شکل (ش) درزدن امروزی نسبت به شکل (خ) قدیمتر است ، بنا بران میتوان قرار قاعده شکل مثل پاکتیاها (که صرف از منابع یونانی میدانیم) به تلفظ امروزی پشت ویاپخت تبدیل شده باشد.

حروف مخلوط rs و r̊s که درآویستا وسنسکرت استعمال شده در زبانهای موجودهٔ فارسی وپشتو اکثراً به (ش) تبدیل میشود ، بنابران لفظ فارسی (پشت) ولفظهای پشتو وپشتی معادل لفظ آویسائی (پرشتی) لفظ مساوی‌سنسکرت‌پرشتهاPrshtha میباشد‌همچان‌لفظ پشتوکشل مساوی‌لفظ آویسائی کریز Kerès وپشتو پشتبدل‌که درفارسی پرسیدن‌است مساوی لفظ‌آویستائی‌پریسPerès وغیره میباشد ، پس لفظ پرشتائی را میتوانیم به پشت ، پخت اظهار وتبدیل نمائیم وعلاوه یك روایت وطنی نیز این اسم را از پشته بمعنی کوه بچه مشتق میداند ، بناءًعلیه احتمال میرود این اصطلاح دربارهٔ مردمانی استعمال شده باشد که در کوه وجبال سکونت وگشت وگذار داشتند از تشریح فوق واضح گردید که لفظ دوم آریائی برای ساکنین کوه وجبال افغانستان قرار تلفظ هندی « پکتهائی » میباشد وهیرودوتس قرار تلفظ خود آن را پاکتیاها وباپاکتیی‌ها میخواند - متکلمین زبان پشتو بمرور زمان آن را پختانه وپشتانه خواندند که تابه‌امروز مروج و معمول است و هندیها آنرا به تلفظ ولهجهٔ خود موزون ساخته پتهان میخوانند -

۲ — افغان : انسائیکلوپیدیای اسلام مینگارد که « استعمال ورواج این لفظ بسیار قدیم است یعنی مؤرخین قرن پنجم الی دهم هجری (معادل یازدهم الی پانزدهم میلادی) کلمهٔ مزبور را استعمال کرده اند ولی مبدأ تسلی بخش برای لفظ مذکور تا حال معلوم نشده - نام « افغان اولین دفعه درتاریخ « العتبی » بنظرمیرسد ، اما اشخاص معاصر همین عهد یعنی البیرونی والادریسی درشرح احوال کابل و قندهار (آخر قرن یازدهم وآغاز قرن دوازدهم میلادی) ذکری ازانها نکرده اند - العتبی بیان میکند که (سبکتگین افغانهارا درفوج خود داخل نمود ومحمود بوقت حملهٔ تخارستان فوجی داشت که عبارت بود از هندیها خلج ها ، (یعنی‌غلجائیها) افغانها و غزنویها - تاریخ بیهقی که زمان چندی مأخر است واقعهٔ مذکوررا تصدیق مینماید و حملهٔ مزبور به سال ۴۱۱ هجری (۱۰۲۰ - ۱۰۲۱ میلادی) بوقوع پیوست - البیرونی صرف یك مرتبه ذکری از افغانها نموده‌است(یعنی درکوه های مغرب هندوستان چندی قبایل افغانی تابه وادی سند سکونت دارند)بعد ازین ادوار اصطلاح افغان ، را وقتا فوقتا تا به ترفیع ونفوذ افغانها به‌پادشاهی هندوستان وغور رسیدن‌شان میشنویم - بالاخره میرویس وبعد احمد شاه ابدالی نام افغانیان جنگجو ودلاور را در دنیا روشن وبلند ساختند »

[*] فصل آریه ها ملاحظه شود.
(**) بعض هندیها‌سرحدات شهرکاسپاتیروس Compathyrose و درمملکت پاکتی ایکی بشمال‌هندیهای دیگرسکونت دارند؛ طریق رهایش آنها تقریباً با باکتریها مشابهت دارد اینها جنگجوترین طایفهٔ هندیهامیباشند لباس‌آنها در وقت حمله خشیارشاه Xerxes پوستین بود و آنهاکمانهای بزرگ و پیش قبض های وطنی داشتند.
سکاق لا کسSkylax را دارای‌کیو مقرر نمود که گذرگاه دریای اندس را کشف نماید، لهذا شخص‌مذکور از زمین‌پاکتی ایکی‌ها روان شده سفاین خود را از طول دریای هندس گذشتانده به بحر رسید - صفحه ۲۶۰ و ۲۰۸ جلد اول صفحه ۱۵۷ و ۱۶۱ جلد دوم تاریخ هیرو دوتس مترجمه حی ، می مکلی انگلیس نیز در حدود قرن‌ششم و پنجم قبل‌المیلاد علاقه مشرق هندوکوه را هندوستان میگفتند.
(***) انسائیکلوپیدیای اسلام.

قرار اظهار انسایکلوپدیای اسلام « نام « افغان » پیش از عهد سبکتگین درکتاب برده نشده ولی آنچه است اینکه چون این کلمه « افغان » برای ساکنین جبال و کوهسار افغانستان معمول و مروج بود لهذا این اصطلاح در قید تحریر آمده بناءً علیه کلمهٔ « افغان » بسیار قدیمی است چنانچه شمس‌الدین سامی مصنف قاموس الاعلام مینویسد « که قوم افغان قوی است نهایت قدیمی و به لسان پشتو تکلم میکنند که به زمرهٔ السنهٔ آریه منسوب است و با لسانهای فارسی و سانسکرت بسیار مناسبت و مشابهت دارد ـ اسم افغان از طرف ایرانیها برای ایشان خطاب کرده شده و حکم اسم عمومی را گرفته است و یك اسم محدث و جدیدی است و ابوالمورخین هیرودوتس در حینیکه از اهالی هندوکوه بحث کرده است نقلاً از سکائی لاکس Skylax اسم افغان را باجزئی تحریفی ذکر میکند » ـ نظریهٔ قاموس الاعلام بصحت قریب تر بنظر میرسد.

قوم پشتون درکوه‌ها و جبال افغانستان سکونت داشته و با آزادی و استقلال وطن خود یك شغف و محبت فوق‌العاده دارند وگاهی مغلوب نشده اند بنابران ایرانیها این مردم کوهسار و آزاد را بنام « افغان » موسوم کرده اند چنانچه سکائی لاکس مامور دارای کبیر نیز این مردم را افغان ویکتی ایکی‌ها گفته است.

مزید بران (*) در سنسکرت آسوافغان و یا آسواکان بمعنی مملکت سواران و درلغت برهمی اپ کائین بمعنی قومیکه موسیقی نداشته باشد مذکور آمده، درزبان ارمنی اوغان و یا اغوان بمعنی ساکنین کوهستان استعمال میشود و اگوان لفظ یونانی نیز همین معنی را دربر میگیرد و بنابران لفظ افغان کمی تحریف نموده هرمعنی که استعمال کنیم به قوم پشتون و یا افغان صادق می‌آید.

چنانکه پیشتر گفته شد که مردم آریه اسپ سوار بوده اسپ را تیزرفتار نامیده بودند، و اولین استعمال اسپ درنواح جیحون و باختر از طرف اینها شروع شده و بعد بمرور زمان وقتیکه قبیلهٔ آریائی پکتها و یا پشتونها درنواح جلال آباد الی قندهار رسیدند اسپ مهمترین وسیلهٔ حمل و نقل و سواری آنها بوده چنانچه فردوسی درشاه نامه شهسواری افغانهارا تمجید مینماید.

بالآخره پشتون دراصل نام قبیلهٔ شجاع و جنگجوی آریائی افغانستان و کلمهٔ « افغان » یك اصطلاح دیگر میباشد.

روبهم رفته طایفهٔ که در افغانستان امرار حیات می نمایند منشعب از یك شاخهٔ اقوام آریائی قدیم افغانستان و من حیث مجموع تمام طبقاتی که درافغانستان امروزی اقامت داشته و موسوم و مشهور بقبایل و قومیت های مختلف میباشد عموماً باجزئی آمیزش خون های بیگانه از یك نژاد واحد و برادران تاریخی همدیگر خود میباشند. (انتها)

(*) از یاد داشتهای فاضل محترم آقای فیض محمد خان وزیر امور خارجه.

نمونهٔ رسامی قربعلی خان صنف رشدی مدرسهٔ صنائع نفیسهٔ کابل

(نقل نقاشی یکی از طاقهای عصر بودائی بامیان)

Reproduction d'un des Ornements des Grottes de BAMYAN par un des élèves des Classes Secondaires de l'Ecole des Beaux Arts de Kaboul
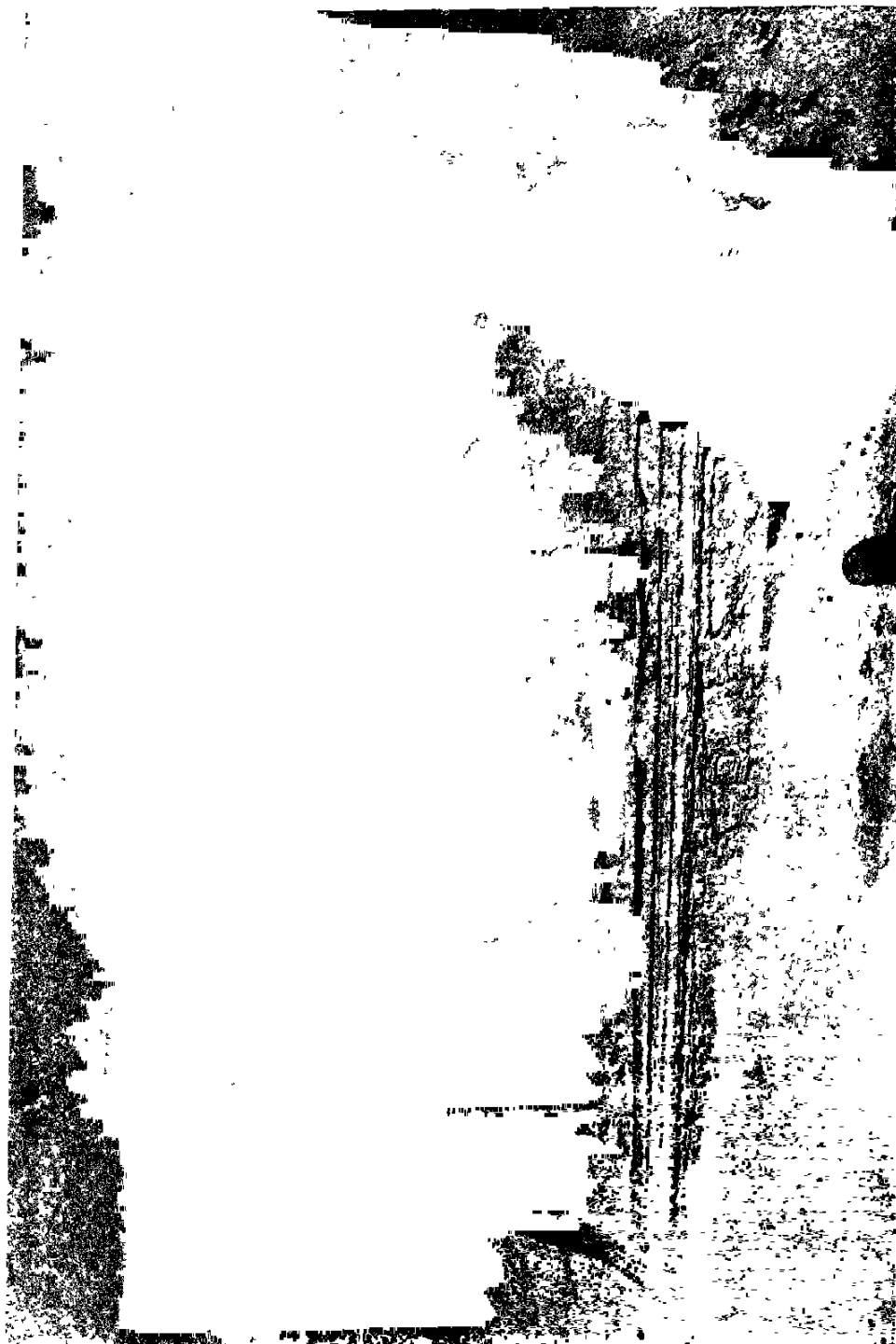
منظرهٔ یك ستوپهٔ گریکو بودیك که در نجراب کشف شده

Vue d'un Stupa Greco-Bouddhique découvert à NÉDJRAO (Au nord de Kaboul)

مجسمهٔ سنگی که از تگاب بدست آمده

Statue en pierre trouvée à TAGAO (Au nord de Kaboul).

عتایق عصر گریکوبودیك که در نجراب کشف شده است

Antiquités Greco-Boddhiques trouvées à NEDJRAO (Au nord de Kaboul)

نگارش جناب غلام جیلانی خان
جلالی عضو انجمن ادبی کابل

جغرافیای طبیعی

افغانستان

افغانستان و ساختمان قدرتی آن :

آقای غلام جیلانی خان «جلالی»

منظرهٔ مجمل : افغانستان مملکتی است در مرکز آسیای جنوبی که جغرافیای طبیعی و نژادی قدیم آن باسم باختر ، خراسان ، وغیره شامل ممالک افغانستان حالیه ، بخارا ، سمرقند ، خوارزم ، خراسان فعلی ، کرمان ، کلسیستان ، بلوچستان ، سند ، پنجاب ، کشمیر است ولی در زمان حاضر مملکتیست در شرق ایران و شمال مغرب هند که از حیث موقعیت جغرافیائی بعد از تبت از بلند ترین ممالک مشرق زمین بوده در بر اعظم آسیا جا دارد ، جبال فلک سای این کشور تاریخی قسمت اعظم خاک این مملکت را در برگرفته در غرب آب ایران و بحصهٔ شمالی انخفاض آسیای وسطی ، از سمت جنوب بسلاسل جبال بلوچستان اتکاء نموده در قسمت شرق خود یک سر نشیبی غیرتدریجی را بطرف وادی هندس (سند) نشان میدهد .

از روی طبقات الارضی در حصص شمال شرق آن که فعلاً همان انخفاض سالف الذکر (یعنی انخفاض آسیای وسطی) وقوع دارد گوشهٔ بحر عظیمی بوده و بحیرهٔ خضررا بامیدان شمالی هند الحاق میداد در حال حاضر بقسمت شمال مملکت مذکور کوهستانات مهم و عظیم الجثهٔ کائن است که از ۳۰۰۰ تا ۵۰۰۰ متر بلندی دارد ، این جبال اکثرا از شرق بجانب غرب صف کشیده علاقجات ماورای خود یعنی (باکتریای قدیم) را از کابل ، قندهار ، هرات که (کندهارا ، آریانا ، اراکوشیای) قدیم باشد منفصل میسازد ، و بسمت انتهای جنوب این کشور دیگر کوهائیکه تا ۲۰۰۰ متر قدی کشد موجود است ، این دو سلسله جبال بوسیلهٔ دشتهای کم زراعت وسیعی که ارتفاع وسطی آن به ۶۰۰ متر میرسد ارم سوا شده تماماً منطقه از کوهستانات پدم و نقاط پست و بلند مربوط است ، سلسلهٔ اساسی جبال شمال بسمت شرق در جائیکه از حدود چین منفصل میشود بداخل پامیرات قد علم نموده به هندوکش موسوم میشود ، این برجستگی عظیم و عجیب ترین نمونهٔ قدرت میادین هموار باکتریا را بسمت شمال و اراضی کابل ، جلال آباد ، قندهار ، سطح بلند غزائی را بطرف جنوب خود گذاشته تمام اودیهٔ راست و چپ ، خود را بوسیلهٔ فلات و دره جات و جداول نقره فام خود شبکه کاری و آبیاری مینماید ، کوه بابا ، کوه سفید غربی ، کوه سیاه که اخیرالذکر در حدود هرات معروف بپوزك است در قسمت وسطی و غربی با هندوکش همراهی نموده دوش بدوش تا مغرب افغانستان روانست سرزمینیکه بطرف جنوب این سلسله یعنی بین هندوکش و کوه بابا بشمال و وادی هلمند بطرف غرب و جنوب موجودیت دارد (بوادی غور) موسوم و از خود دیگر جبال پست و بلندی دارد که بعضاً شرقاً و غرباً و برخی شمالاً و جنوباً ممتد است ، این سلسلهٔ جبال وادی غور یا حصهٔ جنوب بلامل قسمت شمالی افغانستان ، از شدت سرما و برف باری باستثنای چراگاههای معروف از جنگلات مهم برهنه و در هزاره جات مرکزی یك مثلث غیر موزونی را تشکیل میدهد که راس الزاویه آن کوهای جنوب قندهار و هردو ضلع راست و چپ آن را تا جبال کابل و هرات ممتد باید دانست ، قاعده اش جبال شمالی ، اوسط ارتفاع این کوه ها تا ۳۰۰۰ متر بوده قلل

بلندی آن بیش از ۴۰۰۰ متر نیست ، شعبه که از همین جبال در اودیهٔ قندهار پیش رفته دریای هلمند ، ترنک و ارغنداب ارغستان را از هم سوا میگرداند نیز بطرف جنوب مشرق تا حدود بلوچ میدود .

دره جات واقعهٔ متن جبال هزاره بیشتر سنگزار و اراضی موجوده نسبت بامور زراعتی برای مالداری خوبتر مساعد است ، درین محاذ بدون حصص شمالی (ماورای هندوکش) سطوح هموار بندرت دیده میشود .

امادر قسمت جنوب غربی باز هم جبال فوق الذکر وادیهای ولایت هرات ، قندهار را ازمفاصل طبیعی خود بانسان نشان میدهد چنانچه درگوشهٔ از همین میادین یك هموارئ باوسعتی موسوم بدشت بکوا وجود دارد که سطح آن بیشتر از (۱۰۰) کیلومتر مربع بوده ساختمان طبقات الارضی آن باسنگ محلول ودریای هلمند رااز عرض خود عبور میدهد .

ماورای دریای هلمند سمت انتهای جنوب آن ریگستان معروف افغانی کابی است واز باعث وجود شن زار وسیع باران کمتر میبارد حالیکه بجنوب هندوکش مشرق ممد است راودیهٔ دریای کابل ، کرم ، گومل ، مشرف بوده به جانب شرق جنوب کابل وسمت جنوبی ومشرق را دربرمیگیرد (هیئت واویلوف) غالب طبقات ساختمانی این سرزمین را بشمولیت غزنی . قندهار سبزوار . ریگ آمیز وسنگستان نام برده است (*) سلسلهٔ کوه سلیمان که تخت سلیمان (ع) بارتفاع ۴۶۰ متر برقلهٔ اران وقوع دارد ازغرب جنوب کوهات وپشین شروع شده تانهر صوات میرسد ، این سلسله به سه حصه مقسوم است که قسمت اول ازغرب جنوبی بشرق شمالی ممتد است وحصه دوم خود کوه سلیمان میباشد ، قسمت سوم این سلسله جبال تر است که درهٔ معروف خیبر نیز درین حصه وگوشهٔ از سلاسل کوه ـ آنی الذکر (سپین غر) وقوع دارد ، کوه سلیمان باموقعیت فوق الذکر بعتاً ز بلندی بوادی سند سرنشیب شده درحصهٔ مشرق خود را تشکل ثلاث انتها میدهد .

درین وادی کابل وکرم (سپین غر) سد می کشد که از حیث ارتفاع بعد از هندوکش وکوه بابا درجهٔ اول را درافغانستان مالك است .

سطح بلند پامیرات که بنام بام دنیا شهرت دارد در ناحیهٔ شمال مشرق افغانستان افتاده اوسط ارتفاع آن از ۴۲۶۰ تا ۵۰۰۰ متر میرسد . این سرزمین عجیب وغریب از بلندترین مقامات جغرافیائی افغانستان بوده سرنشیبی خاك این مملکت ازین موضع بجانب شمال غرب وجنوب غرب آغاز میشود .

بحیث عموم باید نوشت که بدون اراضی منخفضه مقامات سیستان ، سطح آمو ، جلال آباد که از (۳۳۰ تا ۶۳۰) متر بلندی دارد ، بیشتر سطوح این مملکت مقدر (۱۳۰۰ متر) از سطح آب برجسته است که درقسمت آب وهوا خوبتر تشریح خواهد شد .

آبها : آبهای افغانستان عمدتاً به سه قسمت مهم وسه سمت مختلف (شمال ـ شرق جنوب ـ غرب جنوب) درجریان است از آنجمله آبهای هندوکش غالبا بدو حصهٔ معین یعنی سمت شمال وشرق جنوب بمجاری متعدد طبیعی سر از بر گردیده دره جات ووادیهای فراخی راسیراب وسرسبز میکند ، آبهائیکه

(*) هیئت واویلوف روسی طبقات زمین [کابل] قندهار ، غزنی ، سطح بلند هزاره را باسنگ امیخته تصور نموده و اراضی « قلات » فراه سبزوار ، چخانسور ، جنوبی را ریگ زار وسنگچه نوشته است « این هیئت تنها زمین حلقهٔ هرات وولایات شمال افغانستان را از حیث استعداد زراعتی تعریف میکند » لهذا برای رفع اشتباه کسانیکه این مقامات را سیاحت نکرده اند چیزی باید نوشت : بدون زمینهای دامنهٔ جبال کامل کوهستان غزنی ، حصص ریگستان قندهار ، برخی قسمتهای جنوبی افغانستان دیگر اراضی این نواحی از نقطهٔ نظر استعداد کشتمندی حاصل خیز ترین زمینهای زراعتی افغانستان است زیرا در حال حاضر که [illegible] طرز زراعت اکثراً بامو ، معمولی است صادرات زراعتی لوگر وجلگه کابل ، کوهدامن ، متن غزنی ، شلگر ، قندهار ، هوتکی « سوری » شلمزی قلات ، متن فراه ، چخانسور خوست از سرحدات داخله رالد وتابازارهای هندوغیره حل و نقل میشود ـ این معلومات مارا ، موسیو « ریموند فورن » فرانسوی که بافغانستان سیاحت نموده نیز درجغرافیای خود موسوم به « هندوکش وکابلستان » خوبتر تائید میکند .

جانب شمال اینکوه منشعب میشود بنامهای دریای آمو، دریای کوکچه، دریای قندوز، دریای خان آباد، دریای خلم دریای بلخ، دریای مرغاب وغیره موسوم بوده بعد از آبیاری درهها واودیهٔ وسیع ولایات شمالی افغانستان بعضاً صرف وجذب زراعت و ریگستانها وبرخی هم باوکسوس قدیم رود بار (آمو) وصل میگردد، ساختمان اراضی که این آبشار های قدرتی هندوکش ازان عبور مینماید بدون استعمال قوای مصنوعی ازقبیل اقسام کودها استعداد درجهٔ اول زراعتی را داراست .

حقیقةً زمینهای این مناطق بهترین نمونهٔ قطعات زراعتی وباقی افغانستان بوده قوای نامیه قدرتاً باندازهٔ درزمین مربوط است که درزیر برف نباتات را میرویاند

آبهائیکه بسمت شرق جنوب اینکوه جاریست همچنان طوریکه درفوق ذکرشد قبل از توصل بمجری نهائی خود (دریای کابل) ازقبیل دریای غوربند، دریای جبل السراج، دریای پنجشیر، دریای نجراب دریای تگاب، لهوگرد، الیشنگ، الینگار، دریای کنر، سپس ازآبیاری وشاداب درهها واودیهٔ حاصل خیز سواحل، مجاری ابتدائی خود را تبدیل داده بدون دریای لهوگرد تماما ازجناح چپ رود کابل میریزد که بعد ازان بیك سرنشیبی تدریجی بانخفاض شرق سرازیر گردیده درنهایه بنام لندی سین قسمت عمدهٔ اباسین را تشکیل میدهد ـ وازجناح راست بآن وصل میشود .

آبهائیکه ازجبال مذکور سرچشمه گرفته ازقبیل هلمند، خاش رود هریرود، ملامرغاب فرارود، دریای هاروت بالاخر دریای غزنی وغیره، از کوه بابا وکوه بغمان وکوهای سیاه وسفید برخاسته باهم وبیچ حوب آوری بطرف غرب جنوب درجریان است .

این رودها نیز قبل ازینکه در انخفاض سیستان وریگسان ترکهان منتهی شود وادی غور را عبور نموده بعد از تشامل ممسا و بین بسیار مانند ارغنداب، ترنک، هلمند کک، دریای لورا وغیره وادیهای وسیع گرشك، فراه، قندهار، سطح بلند غلزائی، جلگهٔ هرات، غزنی را سرسبز ساخته در هامون سیستان و ریگستان ترکهان ناپدید میشود .

علاوه برین یکقسمت آبهای دیگر نیز وجود دارد از قبیل دریای گومل، دریای شمل دریای کرم وغیره که از منابع کوه سلیمان و کوه خدی جدران، سپین غر، منبع شده و دریای گومل وکرم سرحدات کوه سلیمان را شگافته سند می ریزد . و دریای شمل بعد از طی درهجات جنوبی و شرق کوهستان جدران از حدود المره شروع بآبیاری نموده وادی جنوبی و مرکزی خوست الی متون و گوشهٔ شمالی کرم را سرسبز میسازد، ولی این دریا از سرحد نمیگذرد وبکشتمندی صرف میگردد .

آب و هوا

در قسمت طبیعی جغرافیا دریافت کیفیت آب و هوا خیلی اهمیت دارد زیرا این جسم طاقتور لازم و ملزوم حیات بشر وحیوان و نبات بوده از هویت آن ساختمان های نژادی و زراعتی مناطق وغیره هم بدرستی اندازه کرده میشود لهذا درین موقع نظر باهمیت موضوع قبل ازانکه چگونگی آب و هوا را بمحل بمحل در حصص آینده شرح کنم اجمالاً هم ذکری ازان باید کرد .

افغانستان چون درمنطقهٔ معتدلهٔ شمالی مابین ۲۹ درجه و ۳۰ دقیقه و ۳۸ درجه و ۳۵ دقیقه عرض البلد شمالی واقعست از بحر تقریباً ۵۰۰ کیلو متر برکنار بوده آب و هوای آن بری است یعنی عموماً تابستان گرم وزمستان سرد میباشد، درفلات غلزائی، کتواز، مقر، غزنی علاقهٔ هزاره در مواسم دی برف زیاد می بارد چنانچه درمناطق اول الذکر بعضاً از یك متر تادومتر ودرهزارهجات از دو تادونیم متر ضخامت برف اندازه شده علاوتاً بنا براکثر با برف باری بادهای پرشور ـ معروف باد (دورك) نیز توام است، از شدت سرما آبهای سیال بر سطح خود تا اندازهٔ یخ ـ می بندد که بعضی اوقات اشترهرهای بار بالای آن میگذرد خلاصه ازآنجائیکه از سطح بحر (۲۴۰۰ متر تا ۳۰۴۵) متر بلندی دارد زمستان آن تادیری طول میکشد، دوزمن حصهٔ مرتفع بدخشانها وهزارجات شامل است .

زمینهائیکه ازسطح بحربانداز‌ۀ (۱۴۰۰ تا ۱۳۰۰) متر وازا۱۷۶۲تا ۲۲۰۰ مترمرتفع است آب وهوای آن معتدل وخوشگوارمیباشد اگرچه درماه‌حل درین‌جاها گاه‌گاهی برفمی‌بارد ولی دوام نمیکند، دره های کابل، چهاریکار، پنجشیر، تجراب ، علاقه جات غزنی، گردیز، زرمت، رود احمد زائی درهٔ میلن ، زائو ، درین قسمت شرکت دارد.

اراضی که از سطح آب بقدر ۶۰۰ متر بلند است مانند حصص قطغن ، مزار، میمنه آب و هوای متفاوت دارند، یعنی تابستان گرم و زمستان سرد متلونی دارد . این اراضی باآنکه از کوه های مهم فارغ است اما بر خلاف ماموک برف گیر ودرجهٔ حرارت درزمستان بعضاً تحت صفر میرود . کم ارتفاع ترین مواضع جلال آباد است که بنابر او سط ۶۰۰ متر بلندی دارد .

این سرزمین دارای آب و هوای تابستان گرم و زمستان نسبتهً نرم را داراست برفباری درین منطقه شاذ اتفاق می افتد . بصورت عموم آب و هوای افغانستان نظر بارتفاعات، دومنطقهٔ عمده دارد که حصهٔ معتدل وبرخی اززوی (شب سرد وار طرف روز گرم تا تابستان گرم وزمستان سرد وخشک میباشد) .

این وضعیت متضاد در آب و هوا ، با کوه های برهنه ، دشتها ، پشته هاییی(مواضعیکه دارای گیاهای متجمع می باشد) مقابل است .

اول : آب وهوای مناطق کوهستان . از ۱۵۰۰ تا ۲۵۰۰ متر ارتفاع تماماً معین است ، مناطق کوهستان کابل ۱۷۶۳ مترحلکهٔ غزنی ۲۲۰۰ متربامیان ۲۵۴۵ متر در مرکز ویك حصهٔ شمال شرق بدخشان درهمین قسمت شامل است .

این مناطق غالباً در تابستان گرم ودرجهٔ حرارت از ۴۰ درجه تجاوز میکند امادرزمستان بعضاً باندازه سرد میگردد که باوجود کثرت برفباری درجهٔ حرارت از ۲۰ درجه سانتیگراد پائین تر میرود. موسم برفباری بسیار اینجاها حدی ودلو، وموسم باران حوت وحمل است مجموع اختلافات جوی بندرت درسالی از ۵۰۰ ملیمتر تجاوز میکند که از آنجمله ۳۵۰ آن از حدی تا حمل تعلق دارد . بلندتر از ارتفاعات فوق الذکر (۲۵۰۰ متر) زمستان هابیشتر سردوزندگی ضدچادرنشینی رامشکل میسازد امااین غلات تاارتفاع ۳۰۰۰ متر پخته میشود .

بادهای که برآب وهوا حاکمیت دارد درزمستان ازشمال ودرتابستان ازجنوب بغرب می وزد .

آب وهوای نقاط مقابل کوهستان از (۱۰۰۰ تا ۱۵۰۰ متر) برای نشوونموی نباتات و اجتماعات بشری فوق العاده مناسب است .

دوم : آب وهوای مناطق پست که ارتفاع آن تا هزار متر باشد قرارذیل است . در شمال باکتریای قدیم (۳۰۰ تا ۴۰۰ متر) نجنوب فلات‌مرتفع خشك، شرق جلال‌آباد ۶۰۰ متر بغرب هرات (۸۰۰متر) جلکهٔ بادغز (۶۰۰ متر) تماما آب وهوای گرم وخشك و تر دارد درین مناطق بیش از سه ماه زیاده از ۴۵ درجه حرارت موجود میباشد ولی باآنهم درزمستان آب وهوای آن بسیار شدید نیست ، بعضی باران‌ها می بارد ، اما آب آن دریك باران از ۶ ملیمتر تجاوز نمیکند ، از روی جغرافیای طبیعی همه این مناطق دشت گفته میشود . باد های گرم دایما ریگ را باطراف (واح) های سرسبزیکه دران درختان انار، خرما ، بیشکر پرورده می شود پراگنده می کند . بهر حال آب و هوای علاقه جات غرب و شرق جنوب افغانستان بطور عموم نسبت بآب وهوای ولایات شمالی افغانستان خوشگوارتر وصحت بخش تر است امراض بسیارکم دیده می شود زیرا ضمناً این آب و هوای خشك غرض دفع جراسیم و امراض مهلك مفیدتر بوده اهالی این سامان تماما قوی طاقتور، دلیر میباشند .

اقسام میوه ها از قبیل انواع انگور، توت ، سیب ، نا ك ، آلو، شفتالو ، خربوزه ، و غیره در همه حصص نیز خوبتر پرورده میشود .

منطقهٔ وقوع ورقبه: افغانستان در مابین ۲۹ درجه و ۳۰ دقیقه و ۳۸ درجه و ۳۵ دقیقه عرض‌البلد شمالی و ۶۰ درجه و ۵۰ دقیقه و ۷۴ درجه و ۵۰ دقیقه ـ طول البلد شرق نصف النهار (گرینویچ) واقع است طول آن از شرق تا غرب (۱۰۰۰ کیلو متر) وعرضش شمالاً وجنوباً (۸۸۰ کیلومتر) رقبهٔ مساوی است بر ۷۰۰ هزار کیلو متر مربع که از خاك فرانسه ۱۵۰ هزار کیلو متر زاید است.

حدود وشکل وقوع: افغانستان کنونی باداشتن برجستگیها وفرورفتگیها تقریباً بشکل مثلث متفاوت الاضلاع واقع است که راس الزاویه آن شرق وهردو ضلع راست وچپش شمالاً سرحد ترکستان شوروی (بخارا خیوا) وجنوباً هند انگلیسی و بلوچستان برقاعدهٔ افقی سرحد کشور ایران تکیه میکند اما ضلع سرحد شوروی کوتاه واز هندوستان و بلوچ قدری دراز تر است.
سرحد کنونی مملکت افغانستان بعد از جنگهای متعددی باخارجی ها از سال ۱۸۸٤ مسیحی تا ۱۹۰۵ معین گردیده وشکل ذیل را اختیار نموده است:

از غرب شمال افغانستان خط سرحدی از ذوالفقار بجانب شرق متوازی جبال هندوکش امتداد یافته ۶۱ ونیم کیلومتر تقریباً بجانب شمال علاقهٔ جمشیدی هرات رود کشك را در چهل دختران (آخرین ایستگاه ترین روسیه) عبور میکند وبعد بطرف شمال مشرق سر کرده رود مرغاب را درحد مروچاق افغانی تقاطع میکند، وکوه های چل را ماریگستان های علیلی ترکمانها گذشته رودبار آمو توصل مینماید (سرحدات مذکوره توسط منارها وتقسیمات طبیعی آنها واراضی مشخص میشود) از نقطهٔ اتصال، خط سرحدی با رودبار آمو (خم آب) تاگوشهٔ شرق غدیر ویکتوریا (درپامیر) رود بار آمو فاصل طبیعی خاك روس وافغانستان است، از کول ویکتوریا خط سرحد، پامیر را قسمتاً بافغانستان گذاشته مابقی را جزو حدود روس مینماید (مطابق فیصلهٔ هیئتهای حدتحشی ۱۸۹۵) بعدها خط سرحد از سلاسل صعب المرور جبال گذشته بکوهای برفدار داخی چین (سرکول) منتهی میگردد.

واز ذوالفقار تاسرکول طول خط سرحدی افغانستان تقریباً ۱۳۲۰ کیلومتر ست از سرکول خط سرحد افغانی بجانب غرب دور کرده ودر یك خط متوازی جبال هندوکش می گذرد عرض افغانستان درین حصهٔ باریك بیشتر از ۱۷ ونیم تا ۲۶ کیلومتر نبوده وقسمی ازین زمین باریك وبلند رو بجانب شرق شمال (موسوم بواخان) تا پامیر ممتد میشود که درآنجا فاصل حدود انگلیسی وروس بوده وخاك افغانستان را؛ درشرق شمال سرحدچین میرساند، ارتفاع این خطهٔ عجیب ومهیب دایم البرف از (۶ هزار متر تا ۸ هزار متر است) ازینجا خط سرحد بهمرای سلسلهٔ کوهای بلند چترال بطرف نورستان میرود ودرنزدیك کوتل دورا (بارتفاع ٤۸۰۰ متر) ولایت چترال را از رود بار دلیحه جدا میکند.

سرحد افغانی وچترال ازین حصه تادره ارنوای عبارت از یك کوه برف داربوده ودرجنوب چترال متصل دره مذکور خط سرحد بارود چترال مقاربت مینماید و وادیهای چترال وباسکول افغانی باهم ملاق میشوند بعدازین خط سرحدی از پهلوی شهر قدیم پشت گذشته در وادی کنر میدرآید. وازآنجا در یك خط معوج بجنوب امتداد یافته علاقهٔ مهمند را عبور میکند، ودر حد پلوشی رود کابل راقطع نموده مستقیماً بجانب جنوب سُفِر وتا تورخم میرسد از سرکول تاتورخم واز تورخم تاکوه ملك سیاه درمنتهای جنوب غربی افغانستان باسرحد افغانی ولایاتی تماس میکند که در جمله سرحدات میباشد.

ازتورخم خط سرحدی بطرف سپین غر (سفید کوه) که سرکوب علاقهٔ آزاد تیراست رفته وازآنجا وادی کرم (مرکزطوائف توری پشتانه) رادوره نموده ازکوتل پیوار (سرحدجاجی) میگذرد بعد ازان برفتار خود دوام نموده از (کتو) سرحد شمال (توچی) گوشهٔ غربی وزیرستان را تماس میکند وبمقام (دوماندی) رود گومل را تقاطع نموده درجنوب رود گومل بخطوط منکسر باسرحد بلوچستان تماس میکند ازین جا خط سرحد بطرف جنوب غربی

روان شده و باز بجنوب شوراوك ونوشکی میدود ومتصل نوشکی ریگستان جنوب هلمند را عبور نموده تقریباً دریك خط مستقیم از بین ریگستان سیستان بجانب غرب تاسرحد فارس ممتد میشود ودر کوه ملك سیاه وجنوب سیستان باسرحد فارس تلاقی میکند ، ازینجا تاذوالفقار خط سرحدی افغان وفارس دریك خط تقریباً مستقیم امتداد پیدا میکند (این همان خط سرحدی است که درسال ۵ ـ ۱۹۰۴ معین شده) .

جغرافیای تاریخی افغانستان : افغانستان نظر بمعلومات صحیح درهردورهٔ ازقرون واعصار ماضی دارای جغرافیای متمایزی بوده قدرت این مملکت بلند کوهستانی را دارای استحکامات طبیعی ومحل حوادث تاریخی وجغرافیائی خلق نموده مولفات هرودوت (Herodote) ستر ابون (Strabon) دستارك (Disearque) مسافرت اسکندر اکبر نگارشات (ارانستن Eratasthene) هیپارك (Hiparque) منجم معروف یونانی سیاحت نامهٔ (هوانگ تسانگ) زوار چینی و دیگر سیاحین صدر اسلام شاهد این مدعاست .

درقرون اخیره که اروپائیان نیز بنوبهٔ خود اهمیت جغرافیائی این کشور تاریخی را فهمیدند وضعیت تاریخی وجغرافیائی افغانستان بار دیگر ازطرف هیئتهای اروپائی مورد بازدید وتحقیقات طبقات الارضی متخصصین مذکور واقع گردیده اینها نیز هر کدام بنوبهٔ خود ازقبیل هیئتهای المتسهای شاهر تهنریها ، داکتربیلو ، فریر موسیو گودار ، مادام گودار ، موسیو هاکن ، جون مارشل ، هئیت واویلوف ، بارتولد ، موسیو ریموند فورن وغیره راجع بمعلومات جغرافیائی افغانستان شرح مبسوطی داده اند که مادرین مورد بسبب طوالت ازتمام همان معلومات صرف نظر نموده تشکیلات حجری افغانستان را مختصراً متذکر میشویم :

تشکیلات حجری افغانستان :

جاهائیکه ازجانب علمای طبقات الارضی درافغانستان دیده شده وبدست بان تحقیقات علمی بعمل آورده شده ذیلاً تحریر میشود :

هندوکش وسلاسل اطراف آن کافرستان (حصوه دامن ، چهاردهی ، جلکهٔ کابل) تشکیلات عهد اول (*) .

درحصص بامیان درمیان احجار آهکی طبقاتی دیده میشود که اکثریهٔ آن عهد اول و احجار کاربونیفر سفلی ومتوسط منسوب است و بوسیلهٔ مطالعهٔ حیوانات و نباتات حجری ، این قسمت بوجود تجاوز تعاقبی سنگهای (اورالی) درافغانستان شناخته میشود و از مشاهدهٔ این احجار با خود فیصله میتوان کرد که تقسیمات (انتراکولتیك) دردو دسته سوا میشود :

اول : اورا لوبر می شن (احجار اورالی کوه روسیه)

دوم : کاربونیفر سفلی و متوسط .

از مطالعهٔ حیوانات و نباتات حصص اورا لوبر می شن وجود مشترك بیوسو (سوما ترینا) آ را ـ نوشوا تزیرینا ، کرانیکو لیفورا ـ را باید فهمید اما به تقسیمات ثانوی (پر می شن) هندوکش اجازه نمیدهد یعنی فهمیده نمیشود . بالاخر وجود احجار دورالیوشین و انتراکولتیك درهٔ پنجشیر شناخته میشود .

***علمای طبقات الارضی تصور مینمایند که قشر اولیهٔ زمین صورت اصلی خود را نتوانسته حفظ کند از طرفی دریا ها واقیانوسها وجریانات در سواحل وصحاری خود تغییراتی داده اراضی نوی باسم اراضی رسوبی تشکیل داد واز طرف دیگر عوامل مرکزی ازقسم آتشفشانها ، زلزله ها وغیره بطریق دیگری شکل سطح زمین را تبدیل نمود چنانچه در نتیجه عوامل مذکور : سطح زمین دائما درحال تغییر شکل بوده و میباشد نهایت الامر تاریخ تغیرات مخصوص بچهار دورهٔ اول ودوم ، سوم و چهارم قسمت شده که هرکدام بعقیدهٔ علمای طبقات الارضی بدوره های هزاران هزار سال بوجود آمده است

بر علاوه به عقیدهٔ آنها یك دورهٔ دیگری هم باد و از فوقالذکر مقدم میباشد که آنرا در فرانسه عهد ازوئیك Azoique فاقد نباتات می نامند .

عهد دوم در درهٔ سرخ آب طبقات احجار عهد دوم موجود است وکذا مقام دوآب میخ زرین همچنان رابطهٔ این احجار همراه طبقات رسوبی و آتش فشانی کشف گردیده و از روی احجار آهکی پیرا دانسته میشود که در عهد اینیت بحران آتش فشانی این علاقه خاموش گردیده است.

عهد سوم در قسمت رسوبات عهد سوم افغانستان از روی استخوانهای (فوسیلی) خیلی فقرات دو علاقهٔ ذیل واضحاً از احجار غیر مطابق کشف شده که آنهم عبارة از اجتماع احجار پلیزانستن درهٔ غوربند و دیگر احجار آهکی دور نوزین سفلی و نومولتیك درهٔ کهمرد میباشد.

یعنی بواسطهٔ همین عدم انطباق (احجار مطابق که بدرستی رو بهم قرار نگرفته باشد) تشکیلات دورهٔ نوزین افغانستان را معلوم میتوان نمود.

عهد چهارم : بحدود کابل در سیاسنگ نقاط احجار آهکی جهیزار های قبل از عهد یخچال ها معلوم میشود (*)

از روی نقشه طبیعی :

۱ـ دامنهٔ جنوبی هندوکش تا بامیان و بحشتر احجار عهد اول

۲ ـ حصص بادغیس هرات و جنوب هرات و اطراف قندهار و جنوب مزار و شمال هندوکش تا بدخشان و از طرف غرب تا شمال مروز کوه یعنی انتهائی ترند ترکستان عهد دوم.

۳ در جنوب قندهار، ریگستان، سیستان تا حدود سرحد، عهد سوم و چهارم.

کوه ها و موقعیت جغرافیائی آن

ا : کوه هندوکش : سلسلهٔ جبال همالیهٔ هند که از سطح پامیر داخل افغانستان میگردد بهندوکش موسوم و تا معبر درهٔ بامیان ممتد است، هندوکش مابین ۳٤ و ۳۷ درجهٔ عرض البلد شمالی و ٦۸ تا ۷۵ درجه طول البلد مشرق واقع است.

این کوه سمت شمال شرق یا شرق افغانستان در لبهای پامیر به کوه همالیه اتصال می یابد در آغاز خود از یك طرف تا اندازهٔ خط فاصل هند شمالی و افغانستان میباشد و از جانب دیگر بدخشان را از میدان جنوب سوا میسازد ارتفاع این سلسلهٔ کوهستانی زاید از ٦٦٥۰ متر است وقلهٔ معروف آن موسوم به تیراج میر (Tiragmir) که بجانب شرق درهٔ نکسان Nuksan و شمال غرب چترال کابل است از سطح آب ۸۳۰۰ متر بلند می باشد، بعض حصص این سلسلهٔ کوهی دائماً در زیر برف مستور بوده از گیاه و علف محروم است، در برخی جاهای این کوه برف کوچ های موسمی نیز بوقوع می آید چنانچه در اوائل بهار بعض معابر قابل مرور هندوکش از خطرات برف کوچ خالی نیست، درهٔ کوشان یکی از دره های این کوه زاید از (۵۰۰۰ متر) ارتفاع دارد، هندوکش اکثر مخزن برفهای دائمی بوده دریاهای مهم افغانستان بجانب شرق و غرب وشمال و جنوب از ان منشعب میگردد، این کوه مانند تالاب های قدرتی تمام سال متدرجاً بدریاهای متعلقه آب میدهد، برخی از دریاهای این سلسله در ایام زمستان و کذا بعض معابر آن از کثرت برف باری و غیره عوارض جوی قابل عبور و مرور نیست، دره های عمدهٔ این سلسلهٔ جبال مابین قندوز و بدخشان و بلخ بطرف شمال عبارة است. از دره های واخان، بغلان انجمن، منجان، جرم، درایم کشم، ارسج، فرخار، درهٔ اشکمش، نهرین، خوست، فرنگ، خنجان اندراب، خنجان، دوآب، سرخاب، وغیره از طرف جنوب درهٔ پیچ درهٔ نور، درهٔ کنر، دره، پشال، باندول، اشپی، اسکین، بعد درهٔ نجراب، درهٔ هزاره، بازارك، باراندره شتل، سالنگ، السك، اشاوه، شکاری، کچاق، چهارده، بامیان، سیغان، کهمرد.

(*) تمام این نقاطیکه در عهد های چهارگانه فوق طبقات حجری مذکور شد اسای احجار وطبقات زمینی میباشد که در فارسی معنی صحیح ندارد بلکه در علم طبقات تقریباً بهمه زبانها یکسان بوده قسم اصطلاحات خاص است که ترجمه نمیشود در رجوع شود علم طبقات زمین.

معابر معروف هندوکش .

انجمن ، خاواک ، باران ده ، شتل ، سالنگ ، کوشان چهاردر ، اق رباط ، وبلو ، دندان شکن . از درهٔ پنجشیر بچهار راه میتوان هندوکش را عبور نمود باین طریق ،

باران ده پل حصار ، خاواك ، بسدان ـ انجمن ، بکران ومنجان . تاجائیکه دیده شده بهترین این چهار معبر راه باران ده است اما مسافت آن خیلی بعید بوده اهمیت آن نسبت بخاواك که در وسط معابر باران ده وانجمن واقع است از حیث عبور ومرور کمتر است .

طول هندوکش از سرحد پامیر تا درهٔ بامیان (٦٠٠) کیلو متر است .

این منطقه بزرگ مرتفع که در حالت وضع غیر منظم کوتل خاواك (٣٦٠٠ متر) کوتل بازارك بیش از (٥٠٠٠ متر) ، کوتل نکسان ٥٠٥٠ متر ، کوتل کاتچپ (٦٩٠٠) متر کوتل سر اشتراك (٥٧٦٠) متر بلندی دارد در حصص شرق شمالی هندوکش جسم همالیه آمیخته باهمان قد واندام غریب ترین نمونهٔ صنع قدرة سلسلهٔ ازاد خود رادر تمایلات حرب آوری تحاب شمال غربی عرض وجود میدهد اما وقتاً که فاصلهٔ مهمی رامی پیماید سر زمین پامیر استقامت مذکور خود را بطرف جنوب غربی تغیر داده این تمایل دومینش هندوکش حقیقی و ازنقطهٔ نظر طبیعی دارای آب وهوای سرد واکثر قلل آن درقسمت مهم سال زیر برف مستور است چشمه ها ، نهرها ، آبشارهای خوشنمای بهر دو سمت راست وچپش سرازیر شده باعث شادابی چندین دره ها وصحرا های وسیع مملکت میگردد .

طبقات مختلفهٔ این کوه درنقاط متعددی که درقسمت ثروتهای طبیعی ذکرخواهد شد مرکب و دارای هر نوع معادن بیش بها وفلزات قیمت دار است ازقبیل لاجورد ، طلا ، نقره ، ابرك ، کبریت ، آهن ، ذغال ، نمك وغیره . نباتات : درفلات مجمعهٔ آن انواعیکه در بوتانیك (علم گیا شناسی) مذکور است گزشته از ان حیوانات اهلی و وحشی ازقسم حمك ، روباه ، سك ، اهو ، خچر ، گورن ، عنکاو ، اسپ اعلی ، گوسفند باقسام کدك ترکی ، قرقلی ، علی ائی هزاره گی مساعدی ، گوسفند بور شکل بورستانی در دامنه ها ودره جات آن بکثرت زندگی میکند .

این کوه بشمولیت فلات متشعبهٔ آن اقسام طیور وحشرات را دارا است ، ساکنین دور و پیش نظر به تحقیقات علمای سوکراتی ، هندوموی حی افغانان جسور وغیور اصلی ونمونهٔ از تربیت شده گان این آب وهوا باید شمرد میگویند همالیه بزرگ کوهاست اما هندوکش نیزچندین مرز بدان کوه پارهٔ دیگر رادرافغانستان بعنوان کوه بابا ، جبال سیاه وسفید از خود منشعب ساخته درخط مستقیم از شمال بطرف غرب روان است هندوکش درافغانستان بدو حصهٔ شرقی وغربی معابر میشود از آنجمله درقسمت غربی خود بطور عمومی شکل یك بادام را دارا است ـ که نوك های آن بنقاط ذیل منتهی میشود :

بغرب تااسپهای بامیان وکوتلهای آق رباط .

بشرق بکوتل خاواك وسلسه بلند جبولی .

طول هندوکش غربی ٢٣٠ کیلومتر است عرض آن بشمال وشمالغربی کابل ١٠٠ کیلومتر ، درقسمت بامیان ٤٠ کیلومتر درکوتل خاواك ٢٥ کیلومتر اندازه شده .

قلل بلند : اوسط بلندی قلل این کوه (٤٥٠٠) متر است .

قلل مهم آن : ازشرق بغرب بقرار ذیلست ، والیان ٥٠٧٠ متر ، خاواك ٤٨٠٠ متر شیتل ، ٤٨٧٠ متر وغیره ، ساختمان این کوتلها تماماً ازسنگ گرایت است .

کوتل ها : بعضی کوتلهای که ازان عبور کردن ممکن است ازشرق بغرب وقوع دارد : — کوتل خاواك

(۳۶۰۰) متر، کوتل سالنگ (۴۳۰۰) متر، کوتل آق رباط (۳۶۰۰ متر) کوتل کوشان (۴۳۰۰ متر) کوتل چهاردر (۴۲۳۶ متر) کوتل پیلو (۳۶۰۰ متر) کوتل دندان شکن (۲۷۰۰ متر) بعضی کوتلهای هندوکش غربی مانند سالنگ فقط در موسم تابستان قابل عبور و مرور است یعنی (از سرطان تا عقرب)

هندوکش غربی که بکلی وحشی و بعضی جاهای آن از نباتات مهم عاری است دیوار مضبوطی را تشکیل میدهد که مزار و بدخشان را (بشمال) از هزاره جات و کابلستان و نورستان (بجنوب) سوا می سازد.

دره ها: کرهٔ کوهستان هندوکش غربی با پنج دره ذیل که هر کدام مشتمل بچند چند دره خورد خورد میباشد بکلی محاط است:

شمال شرق درهٔ اندراب، بشمال غرب درهٔ سرخ آب بجنوب شرق درهٔ پنجشیر و سالنگ بجنوب غرب دره غوربند.

هندوکش شرقی که از بلند ترین سلسله ها و قلل آزاد ترکیب مییابد غالباً عرض آن از (۱۰۰) کیلومتر متجاوز است دره جات شمال شرق و جنوب شرق آن حسب ذیل مقابله باید نمود:

شمال شرق درهٔ خوست و فرنگ بجنوب شرق درهٔ سفید شیر، شمال شرق درهٔ ارسج و فرخار، بجنوب درهٔ کلان پنجشیر، شمال شرق درهٔ باندول، بجنوب درهٔ کشم و درایم، جرم، کران منجان، شمال، شرق درهٔ شغنان بجنوب شرق درهٔ نور، شمال شرق، درهٔ واخان بجنوب درهٔ پیچ اسمار.

علاوةً اکثر حصص هندوکش شرقی را عجالةً طوریکه شاید و باید شرح داده نمیتوانیم ولی تاجائیکه بعضی شعب آن دیده شده ذیلاً از آنها نام برده میشود

یك شعبهٔ کوه سلسلهٔ هندوکش از جانب جنوب شرق کوتل انجمن رخ بجنوب منشعب گردیده درهٔ هزاره را از درهٔ جات نورستان سوا میسازد ولی این شعبه در راس درهٔ غوث بجراب دو شعبه می شود، شعبهٔ بطرف جنوب غرب دور نموده کوتل شب میانهٔ آنمابین ابتدای درهٔ هزاره و درهٔ مراخ بشمال و درهٔ کلان و درهٔ فرخ شاه نجراب را بجنوب تشکیل میدهد، از انجا گذشته حصهٔ سر درهٔ سنجن استقامت خود را بطرف غرب گرفته تا سر کهنه ده گلبهار بدریای پنجشیر منتهی میشود و قسمی جبال جنوب شرق بلوت زار بلاغین، درنامه و کیاوه را سلسله بسته بوادی سولاك و نشته احمد بیگ سرنشیب میگردد، کوتل شب میانه بارتفاع (۴۰۰۰ متر) تقریباً که موقعیت وسطی این شعبه را تشکیل میدهد در انتهای بلندی خود هموار اری دارد و بسر آن تالاب موجود است که عرض و طول آن ۴۰۰ در ۶۰۰ متر تخمین میشود، آب این تالاب عمیق ظاهراً سرریزه نمیکند اما بطرف دره غمك جانب جنوب و بطرف دره کلان سمت شمال در بیخ و کمر کوه بقدر ۶-۶ آسیاوار آب از آن سرچشمه گرفته به تیزی تمام بطرف دریای نجراب و پنجشیر سرازیر میگردد. شعبهٔ جنوب شرق این کوه از سمت چپ درهٔ غوث عبور نموده درهٔ پته دره پچه غان درهٔ شی و اسکین تگاب را از درجات نورستان و پراش غان سوا میگرداند این شعبه باختلاط شعب دیگر وقتا که بجانب شرق جنوب استقامت میگیرد هردو نورستان را که درقدیم به سیاه پوش و سفید پوش موسوم بود تا وادی جنوب شرق احاطه نموده کوتلهای صعب المرور را در بین نورستان و بدخشان تشکیل میدهد از آنجمله کوتل (بارون) بقرار معلومات صحیح ۴ هزار متر بلند است، حصهٔ دیگر این شعب از حدود انتهای اسکین درم درم، را عبور نموده درارض راه شیطان کمان لغمان ختم میشود - اکثر این شعبات کوهستانی بلوت، جلغوزه، ارچه، خنجك وغیره درختان و نباتات کوهی بکثرت دارد - بلکه در بعضی حصص صفحهٔ کوه از جنگل بکلی مستور است.

مقابله مقامات راست و چپ هندوکش شرقی و غربی را از حیث ارتفاع ذیلاً مطالعه مینمائیم.

ازوادی چترال: روغیل، اشتراك، اکرام، سکان (۴۰۰۰ متر)
» » خرتاز، دورا (۵۸۰۰ متر)
» پنجشیر انجمن: خاواك، تال، زاریا، پتیلك، امراز، شوا، بازارك، شیتال (۵۳۰۰ متر)
» جبل السراج: باجگا، سرالانگر (۴۰۰۰ متر)

از وادی غوربند ، کولیان ، کوشان ، گواز باره چهاردره ، کالالاج ، فرنجل ، شبر ، (۵۰۰۰ متر) ارتفاع دارد .

منظرهٔ زمستانی خاواك

معبر خاواك كه نقطهٔ فاصل هندوكش غرب و شرق و یكی از معابر تاریخی و اقتصادی هندوكش است دره دور و دراز پنجشیر را ، درهٔ بخندان اندراب اتصال میدهد این معبر از حیث موقعیت جغرافیائی و عبور و مرور دایمی نهایت مهم است .

خاواك با اینكه لیل و نهاری در دنیای حوادث سیری نموده و نظر بمعلومات تاریخی نام آوران بزرگ و فاتحان مقتدر دنیای ماضی را از خود عبور داده باز هم بحسب خاصیت محل خطرناك و غبار آلود است .

عابرین بعد از طی تقریباً ۱۴۰ كیلومتر مسافه از كابل از آن می گذرند مقیاس الهوا (هواسنج) درین جا به نسبت وادی كوهدامن باندازه (۱۳) انچ پائین میرود در برج دلو اواسط زمستان اكثر وضعیت طبیعی این معبر باینطور ملاحظه میشود ، در اول روز فضا صاف و خاموش میباشد ساعت ۶ و ۴۵ دقیقه صبح آفتاب از افق انجمن طلوع میكند هر چند ضیاء مهر میخواهد اطراف فضا و شعب هندوكش را منور نماید اما بغتتاً وزش هوا كه از سمت مقابل باهتزاز می آید شروع میشود درین حال طبعاً هوای مقابل بكمك آنكه از رود بار حصص شمالی دزدیده بحكم خاصیت محل بصورت غبار تمكاثف یافته صفحهٔ خورشید را غبار آلود میسازد ولی تا جائیكه كثافت ابر باندازهٔ نهائی خود نرسیده باشد اشعهٔ مهر از پردهٔ سفید غبار بخطوط شكسته بر صفحات از برف مستور خاواك می تابد ، قدری پیشتر تیزی هوا بر شدت و پردهٔ ابر غلظت خود افزوده از طلوع به سه ساعت انسان تا وسط خاواك میرسد درفرق كوتل وسعت نظر كمتر و قافیهٔ فضا تنگتر شده میرود كائنات جوی در خروش و حرارت ازین منطقه دفعةً ناپدید میگردد بلكه از صفر ۲۱ درجه پائین میرود .

درعوام مشهور است :

در اثنای عبور از خاواك چیزی باخود باید داشت و باید خورد واقعاً درینجا تاثیرات محیط دماغ را چنان متأثر میگرداند كه انسان خود را بی حس تصور میكند لهذا برای ادارهٔ قوای فعالهٔ وجود و مقابلهٔ حوادث وعوارض جوی چه چیز لازم است ؟ همانا محركیكه اتومات بدن را بكار انداخته دست یا ، الاشه مرده نشود و دوران عاطل نگردد .

درینجا عجیب وغریب یك منظره درنظر انسان تجسم میكند ، فضا سفید ، غبار سفید وسعت نظر محدود فقط مثل راه روم سفید است ، در وسط خاواك ابادی ، وحوش ، طیور ، نیست وبنظر نمی آید زمانیكه مسافر از خاواك فرود می آید شب در سندان میماند درینجا بكنار راست دره كمی از آبادی دورتر چشمهٔ آب گرمی وجود دارد كه بقدر نیم ثانیه دران دست گرفته نمیشود وتخم مرغ را بظرف پنج دقیقه نیم بند میسازد قدری پائینتر درمجرای آب این چشمه اهالی بوجی تالاب سنگی ساخته اند كه دران تااندازه (۴۰) نفر بیك دفعه حمام كرده میتوانند .

چون آب چشمه از منبع تا سطح تالاب قدری فاصله دارد بناءً بسبب تاثیر برودت هوا از حرارت کاهش خود میشكند و معتدل میشود ، این چشمه از سر خاواك در كنار راست دره سندان بفاصله تقریباً ۱۵ كیلومتر واقع است تصور میشود كه درمنبع مذكور معدن كبریت یا آتش فشانی وجود دارد ، زیرا درحالیكه بزمستان درجه حرارت بعضاً از ۲۰ درجه بیشتر تحت صفر پائین میرود اینطور چشمه داغ وجود داشته باشد .

باشد درینصورت عروق زمین تقریباً ۱۰۰ درجه حرارت بکاردارد تا آب آن باین حرارت از سنگلاخ بیرون شود .

ازینجا بطرف اندراب از راه درهٔ سنگستانی دشت شبرمه صلاح باید منزل نمود که تارباط مذکور ٤٥ کیلومتر سرپایانی کوتل خاواك است .

وازین به بعد دامنهٔ کوتل مرغ وتنگی نهرین و وادی قطغن شروع میشود .

دریا های هندوکش

رود ها : رود های عمدهٔ دایمی که از هندوکش می بر آید از سیلابهای موقتی استعانت نموده بجاری انتهائی خود رودبار امو و دریای کابل میریزد ، در ذیل جراًمه حصه بحصه آنرا بطور مختصر مطالعه میکنیم :-

درهٔ غوربند : دریای غوربند که هندوکش را بجنوب غرب احاطه میکند منبعش بشرق ازکوتل شبر است بقدر (۳۲۰۰ متر)

دریای غوربند از غرب بشمال مشرق مسافهٔ ۸۰ کیلومتر ما بین هندوکش و حواشی کوه نغمان را طی میکند بعد بواسطهٔ (گذرگاه) درهٔ کوشان داخل حلقهٔ کوهدامن میشود در ینجا بطرف جنوب شرق میلی نموده درزیر قلعهٔ بلند چهاریکار نحد (عبدالله رح) بدریای پنجشیر می ریزد .

معاونین دریای غوربند از هندوکش سرچشمه میشود وتنها پنج تا شش آن دایمی است که مهم ترین آنها همان است که از جانب سالنگ آمده وارجاج راست قلعهٔ جبل السراج می گذرد .

از ساحل راست ، دریای غوربند چند معاون خورد خورد را ازحواشی کوه یغمان تا خود میگیرد دریای غوربند قریه های ذیل را آبیاری مینماید :-

بوی ، فرنجل ، قلعهٔ دوآب ، چهارده غوربند (۱۹۷۰ متر) سیاگرد ، مرعلم ، برج گلجان ، کره تاز

ب : حصه بامیان غرب کوتل شبر (۳۲۰۰ متر) بواسطهٔ بعضی کوتلها ، انتهای غربی هندوکش معلوم می شود که آهسته آهسته پست شده می رود درین حصه هندوکش بیش از ٤٠ کیلومتر عرض ندارد وعبور ازان بواسطه سه کوتل ذیل هم ممکن است .

بیلو ، آق رباط (۳۶۰۰ متر) دندان شکن (۲۷۰۰ متر)

بجنوب دریای شبر از شرق بغرب جریان دارد وبا دریای بامیان که از سمت غرب می آید ملاق میشود . آبیکه از اجتماع این دودریا بوجود می آید رخ بشمال طرف سرخ آب می رود .

ج : درهٔ سرخ آب : دریای سرخ آب از غرب بشمال شرق جریان دارد وهندوکش را ازفلوات مرتفع شمال جدا میسازد .

این دره درابتدا تنگ است . اما وقتا که از کهمرد ، باجگاه ، دوآب میخ زرین می گذرد قدری فراخ گردیده در نزدیکی برفك (۱۱۵۰ متر) باتلاق تشکیل میدهد ، ومقام دوشی (۸۱۵ متر) با معاون ، دریای اندراب یکجا گردیده از مناطق دوشی عبور مینماید .

بساحل راست دریای سرخ آب . معاون بزرگ آن که موسوم بدریای (سیغان است) وبواسطهٔ الحاق دریای بامیان بزرگتر می شود داخل میگردد .

د ، درهٔ اندراب : درهٔ اندراب :- دریای اندراب هندوکش را از ولایت بدخشان جدا می سازد .

این دریا ازارتفاع (۳۶۰۰ متر) کوتل خاواك منبع گرفته درهٔ بلند آن تامقام سمندان یك گذرگاه سیلابی تنگی است این دریا کم کم عریض شده درحالیکه از شرق بغرب جریان دارد قریه های ده صلاح اندراب سنگ بران ، بنو ، دشت قمرد ، باجگاه ، خنجان وگازان را سیراب می نماید درحد بنو آب آرزو وبنو را که ازسرحد هندوکش بشمال سرازیر

بشمول خود گرفته در دوشی (۸۱۰ متر) این دریا با دریای سرخ آب یکجا میشود ، وبنام دریای غوری از پلخمری حکه یادگار عالمگیر اورنگ زیب است گذشته ازوسط نلان ودرهٔ جلوگیر وعلی آباد بعنوان دریای قندوز قسمت شرق چهاردره را عبور نموده بدریای خان آباد یکجا بسمت شمال درحناح راست دریای آمو از ساحل چپ داخل امو میگردد .

ه : درهٔ پنجشیر : از کوتل خاواك وانجمن شروع گردیده جنوباً تا گلبهار کوه دامن امتداد دارد و هندوکش غربی را ازجبال کوهستان ونورستان علیحده میگرداند .

دریای پنجشیر به همه جادرتنگی سنگتالی عبور نموده درحدود دوآب ، آب درهٔ هزاره درباز ارك آب پاراندہ ودرحدرخه آب شب میانه ودر زیر اناوه آب درهٔ فراج ودر حد پل گلبهار آب دریای شیتل بآن داخل میشود ، دریای پنجشیر درخود درهٔ مذکور بدون چند قریه ذیل بدیگر جا آبیاری نمیکند . سفید چال ، دوآب ، بازارك (۱۹٦۵ متر) انارباغ ، گلباغ ، این دریا وقتا که بحد گلباغ میرسد مجری خود را که بجنوب غرب مایل است دفعتاً بطرف جنوب تبدیل داده از دالان سنگ یلیان درمابین یك تنگی خیلی عمیق به گلبهار میبرآید درینجا در تحت پل نیل آب دریای شیتل به جانب راست از سمت وسط بازار گلبهار بآن وصل میگردد ودرحد ودشیر خانخیل نهر رزاق بعوضهٔ دریاحفرشده مابعد ازان این دریا کوه دامن را از ریزه کوهستان جدا ساخته قدری پایان تر درحدود ده باباعلی ومحمود عراق بادریای غوربند یك جاشده رخ بجنوب شرق از شوتل بنام دریای جاله میگذرد ودرتحت تپهٔ احمدبیک بحد تنگی سربولی آب دریای پنجدرهٔ نجراب را که از شب میانه وخواجه غاربچه غان منبع میشود بآن میریزد ودر دولت زائی خارج درههای تکاب دریای تکاب را باخود گرفته در جلگهٔ سروبی ازجناح چپ بدریای کابل میافتد .

و : درهٔ علیشنگ : رود علیشنگ والنگار نیز ازشعب جنوب شرق هندوکش منبع گرفته اول الذکر متوازی دریای تکاب بطرف جنوب جریان دارد وغرب نورستان را آبیاری مینماید اخیر الاسم که بطرف جنوب دهات سرسبزی را برکنار داشته ازبین کوهها عبور میکند متعاقباً بادریای علیشنگ یکجا شده از طرف چپ بدریای کابل میریزد .

ز : دریای کنر : از پشتهٔ خوف قلعهٔ بلوردواغ پامیر برامده بنام قاشقارشهرت دارد و بمسافهٔ ۱۰ نیم کیلومتر درجنوب جلال آباد متصل مقام کامه در تمرخیل بارود کابل ملحق میگردد ، ازین جهت این دریا بعضاً رودکامه نیز نامیده شده و بجانب شمال این را دریای کاشغر ویلام مینامند .

این دریا در طول مجری خود وادی سرحد آزاد ـ چترال ـ باجور ـ کنر ـ کامه را سیراب ساخته موجب شادابی این علاقه جات میگردد ، و ٤۷۵ کیلومتر درازی دارد .

آب وهوای هندوکش :ـ

آب وهوای هندوکش عموماً مانند دیگر نقاط کوهستانی افغانستان است ، یعنی زمستان آن خیلی شدید است خصوصاً در سر نشیبی شمالی که باد های منجمد ترکستان شدیداً بآن میوزد .

تابستان تا ارتفاع (۳۰۰۰ متر) خوب است چنانچه در چنین ارتفاعات بماه اسد حرارت در سایه تا اندازهٔ (٤۰) درجه دیده شده ولی در بین هوای شب وروز تفاوت زیاد موجود است چنانچه در کوتلهای آق رباط وپیلو (۳٦۰۰ متر) بتاریخ ۲ و ۳ سنبله سنه ۱۳۰٤ حرارت بعد از ظهر ۲۸ درجه و بهشت بجهٔ صبح ۹ درجه مشاهده شده است .

در حله عقرب تا (حوت وحمل) مرکز کوهستان مذکور بکلی درزیر برف میباشد بعد ازان باثر بارانها و حرارت های فوری بهار برف ها بآب شدن آغاز میکند ولی باین قلل بلند دایما درزیر برف پوشیده است .

کوه بابا:

کوه بابا مابین هندوکش و فیروز کوه واقع و بطرف غرب تا مسافهٔ (۲۰۰ کیلومتر) امتداد دارد اوسط ارتفاع این کوه از (۴۰۰۰ ـ ۵۱۴۰ متر) میرسد ، معروف ترین قلهٔ کوه بابا موسوم به (شاه فولادی) تقریباً (۵۶۰۰ متر) بلندی دارد این کوه را از سلسلهٔ هندوکش درهٔ بامیان جدا می سازد عموماً ارتفاع این کوه نسبت به بلندی هندوکش خیلی کم است کوه بابا بطرف غرب با کوه های سفید و سیاه که متوازیاً اول الذکر در شمال و ثانی در جنوب هری رود امتداد پیدا میکند ملحق میگردد ـ دریای بلخ ازسمت شمال این کوه سرچشمه میشود برخی شاخه های این کوه رخ بجنوب غرب منشعب گردیده بشمولیت شمب کوه پغمان تاقندهار پیش میرود بعضی قلل این شاخه ها از (۸۰۰ـ۱۰۰۰ متر) از سطح آب بلند است .

کوه سفید:

سفیدکوه کوهیست متوازی بند ترکستان این کوه کمتر بجنوب مایل بوده شامل سلاسل جنوبی میگردد ، سفیدکوه از مقام چهل برج شروع شده تا گوشهٔ شمال غربی هرات بارود هریرود شرقاً و غرباً متوازی افتاده طول این کوه از (۳۵۲ کیلومتر) زاید است رود مرغاب (مرکس) و برخی معاونین هری رود از دامنه های این کوه منبع میشود . حصهٔ غربی این کوه را سرابند (Saraband) میامند این کوه در جغرافیای افغانستان بنام سفید کوه ذکر است ، حال اینکه بنام فیروز کوه هم یاد شده بلند ترین قلهٔ این کوه (۳۱۶۰ متر) است .

کوه سیاه:

از گوشهٔ غربی کوه بابا شروع شده تا جنوب غرب هرات امتداد دارد منابع دریای خاش رود و خورد رود در همین کوه واقع است ، طول این کوه تا ۶۲۸ کیلومتر و اوسط بلندی آن از ۲۰۰۰ متر تا ۲۳۰۰ متر اندازه شده .

تیربند ترکستان از کوه بابا بجانب شمال واقع و تابالا مرغاب امتداد دارد .

طول این کوه (۲۰۰ کیلومتر) مرتفع ترین قلهٔ آن موسوم بجنگلک (۳۸۹۵ متر) بلند است ، قلهٔ معروف این کوه که نزدیک سرحد ایران واقع است (نقره جنگل مشهور و (۲۹۸۵ متر)ارتفاع دارد .

دریاهای که از جبال فوق سرچشمه میشوند :ـ

ا خاشرود : ازنشیب سمت جنوب کوه سیاه برآمده بطرف جنوب جریان دارد آب این دریاغالباً بآبیاری صرف میگردد ، خاش رود آب بسیار قلیلی را تامرداب مراد میرساند ، اسم این دریا از نام یك ده آن علاقه ماخوذ است در تابستان عبوراز آن سهل میباشد ولی در حین طغیان دریاخیلی تکالیف پیش میکند حتی اکثر چنین اتفاق میافتد که کاروانهای تجارتی بساحل آن تا چند روز به اتراق مجبورمیگردد عرض این دریادر فراه ۱۰۸ متر وعمقش بالغ بر یك متراست

ب هری رود : منابع این دریامتعدد ومعاونین بسیاردارد از آنجمله دودریاکه موجودیت هری رود از آن هاصورت میگیرد موسوم بجنگل آب وتنگل آب است ، اول الذکر از گوشهٔ شرق کوه سفید متصل مقام چهل برج منبع گرفته بخط مستقیم جریان دارد . دوم آن از درهٔ چلاب میبرآید ، این دودریا بفاصلهٔ ۱۷۶ کیلومتر باهم متوازی جانب غرب برفتار خود دوام ورزیده بمقام دولت یارباهم الحاق مینماید و از پسانه بعد این دریا هریرود خوانده میشود ، مسافهٔ طول جریان این دریااز شرق بغرب بالغ (۸۰۰ کیلو متر) بالغ است ، جلگهٔ هرات را بارتفاع (۹۲۰ متر) آبیاری نموده از جنوب

شهر هرات بفاصلهٔ ٥ کیلو ۲۸۰ متر عبور میکند ، شوسهٔ هرات و قندهار نیز درین نقطه بالای دریای مذکور
گذرد پل را که بران ساخته اند ۲٦ طاق دارد ، درین حصه ۱٥ جوی ازان جدا شده ، بقدر چند کیلو
متر پایان تر از هرات مجری خود را سمت شمال غرب تبدیل داده جنگل های دشوارگذاری را عبور مینماید
که خانهٔ حیوانات وحشی است ، هری رود بعد از طی (۱۲۳ کیلومتر) فاصله بطرف غرب هرات بکاشان
توصل نموده بعدازان رخ بشمال منماید ، متعاقباً بمقام ذوالفقار خاک افغان را گذاشته سرحد روس داخل
شده در (واح) (تجن) یاریگستان ترکمان جذب میشود .

اراضی که از هری رود سیراب میگردد خیلی حاصل خیز وشاداب است ، درختان باثمر ازقبیل توت ، ناک ، انگور بانواع بسیار ، آلوبالو ، گلاب دشتی فراوان دارد . بیشتر حصه آبهای این دریا نظر بمساعدت اراضی جانب جنوب است ، عرض این دریا از (۳۲) تا (٤۳) متر میباشد در هنگام ذوب برفها ازجهت آب خیزی عبور و مرور ازان مشکل است در شمال هرات درمقام سیاه یک کشتی کلانی دران حرکت میکند لاکن در زمان کم آبی عمق آن تا ٤ فت میرسد ازین رو کاریزها وانهار بسیاری را ازان کشیده اند وتمام اراضی گرد و نواح آن مانند بهشتی بنظر می آید .

هری رود نه تنها باعث شادابی جلگهٔ هرات است بلکه در قسمت شمال زمین های سرخس و تجن نیز ازان استفاده میکنند ـ طول با اهمیت این دریا (۸٥۰ کیلومتر است) .

ج : رود مرغاب این دریا که معاون مهم آن دره ی کاشان است از نقطهٔ اتصال کوه سفید و تیربند ترکستان سرچشمه می شود و بطرف غرب در وادی با وسعتی جریان دارد . رود بالا مرغاب بعد ازتشامل معاونین چند بقرب قلعهٔ افغانی موسوم بالا مرغاب و قراول خانه رخ بجانب شمال غرب میکند و دریجا رود قیصار بدان می ریزد بعد ازان از مروچاق که بکنار راست دریا کاین است گذشته قدری پایانتر با رود کاشان ملحق میگردد .

علاقه پنجده وآق تپه را که بکنار چپ آن واقع است عبور نموده ازآق تپه رودکشک را با خود میگیرد بعد ازان رخ بشمال برفتار خود دوام نموده از مقام یولاتوبا ده مرو میرسد متعاقباً بعد از طی تقریباً (۹۹۰) کیلومتر در ریگستان قراقم ناپدید میشود سرزمینی را که هریرود ومرغاب دربین گرفته باد غیر موسوم است .

د : دریای بلخ ازمربوطات دریای بلخ وهزده نهر ازین دریا کشیده شده که بعشیر ابی ۰۰٤ ده میشده ازجانب غرب کوه بابا برآمده اولا بطرف غرب و بعد ازان بشمال جریان دارد ، بند برير وادی فراخ وحاصل خیز بلخ بسبب کثرت آبها واشجار دارای آب وهوای نسبتاً خوب است ، شهر تاریخی بلخ از برکت همین انهار مرکز جمعیت بسیاری بوده حالا بر قطعات مذکور مبت اشجار وآثار زیاد است ، آب بلخ بدریای آمو نرسیده بلکه در آخر بشعب متعدد تقسیم گردیده ، در زمین جذب می شود

ه : دریای سنگلاخ از تیربند ترکستان برخواسته ازسرپل و میمنه گذشته شبرغان واندخوی را سیراب میکند اخیراً درصحرا ناپدید میگردد آب این دریا خوش مزه نیست .

کوه یغمان : کوه یغمان درذات خود شعبهٔ از هندوکش است که بجنوب کوه پغما واقع بوده با کوه بابا متوازی گفته میشود ، شاخی ازین کوه دره های سرخ وپارسا وشیخ علی را ازحصص شمالی بهسود هزاره جدا ساخته بطرف شرق درین هزارهٔ پارسا وجلگهٔ کوهدامن فاصل قدرتی واقع میگردد .
این شعبه ازدره استاف گذشته بجانب غرب گل دره و شکردره برفتار خود دوام میکند ازین موضع یک شعبهٔ این کوه بجانب شرق جدا شده کوتل خیرخانه رابشمال شهر کابل تشکیل میدهد وازانجا گذشته پستی وبلندی های کوه ده سبز جبال صافی که جلگهٔ معروف را ازکوهدامن سوا میسازد بوجود می آورد . ولی قسمتی از سرحد شکردره سلسله خود را بطرف شمال میل میدهد بعدازان درحد حوض خاص یغمان

برجوع بجنوب نموده قُلل بلند و پربرف را در بین شرق بهسود و جانب غرب غزنی تشکیل میدهد سلسلهٔ این کوه وقتیکه از بیگتوت می گذرد ارغنده را بطرف جنوب شرق گذاشته دوباره استقامت خودرا بغرب میگیرد هوحدود کوتل سرچشمه یك پیچ دیگر بجانب جنوب خورده دوباره بطرف غرب رجوع مینماید ، کوتل تخت کوه اللندر نیز از مربوطات اینحصه است ، کوه بجانب دریحصه کهنه خمار و جلریز را ازسرنشیبی قاش وفرند از منابع (هلمند) جدا کرده دراطراف (صدمرده) دوحصه می شود ، قسمتی بطرف شرق وجنوب دراق وبلدام را عبور نموده مجری دریای خوات منسبی میگردد وقسمتی بجانب یك سمند ودیمرداد رادربرگرفته تاسرآب غزنی محدود گردد مسجد یکی از کوتلهای مهمایی کوه است که دربین سرآب ومیدان بطرف غرب وردك بقدر (۴۲۰۰) متربلند است هوای تندیکه ازبلندی این کوتل برمیخیزد بسمت جنوب شرق وزیده باعث سرمای شدید غزنی وغالب قسمت سطح مرتفع غلزائی میگردد ، ترکب هم تحت تاثیرهمین شمال سردی دارد درعلاقهٔ جنوب غربی غزنی کوه شاید شاکی وقلعهٔ قرباغ را تشکیل داده دامنهٔ گل کوه را تقاطع میکند ، درحصص جاغوری جبال متفرقهٔ انجا ودایه راتشکیل داده بعدازان ازجنوب ارزگان گذشته بشمال وغرب قندهار تابالا مرغاب امتداد دارد دره جاتیکه بغرب وشمال وشرق وجنوب کوه پغمان افتاده حسب آتی است :-

بغرب و شمال : صرخ، پارسا، دره جات بهسود، سوخته، وادی سرسبز ناهور، مالستان، دایه فولاد، ارزگان ، غاب ، دی کندی ، ایناقستان .

شرق و جنوب : استالف ، گل دره ، شکر دره ، پغمان ، جلگهٔ میدان ، جلریز ، یك سمند ، دی‌میرداد ، خوات ، توری ، قیاق ، گل بوری ، تورکان ، ککرك ، شاکی ، قره‌سنگ ، قرباغ ، زردالو ، تمکی ، رستهٔ مقر ، سنگ ماشه ، دی چوپان ، خاك افغان ، وادی ، ارغنداب ، گزاب .

ازحصص کوه پغمان قسمتیکه ارزگان وگزاب رابا هم اتصال میدهد موسوم است (بهسیرو) قلهٔ این کوه بقدر(۴۳۰۰) مترتقریباً بلندی دارد ودایما درزیر برف مستور است برفهای دامنه ها وپشته های آن که درماه جوزا وسرطان متدرجاً ذوب میشود ایلاق معروف مردمان کوچی مالدارقندهاری است دامنه های آن ازحیث چراگاه مال باوجودسردی مفرط خود اهمیت خصوصی دارد -- (سیرو) برتمام جبال قسمت جنوب هزاره جات حاکمیت دارد ازقلل بلند این کوه جبال حصص هزاره جات (وادی غور) مانند خطوط مستقیم وشکسته بنظرمی آید - تنها افق را کوه بابا میتواند ازدیده بپوشاند .

بسمت جنوب شرق این کوه وادی مستطیل (دوزی) واقع است، این دشت نظربوسعت خود لم یزرع وزمینهای آن باسنگ ریزه وآهك آمیخته سطح سفیدی را تشکیل میدهد مردمان مهاجر کاکری وناقل وخواجك بفاصله های دوردور در آن آبادند - درتابستان سکونت گاه ایلاق کوچی های مال دارقندهاری است .

دریا ها :

دریاهای مهم داتی که بسمت شرق وجنوب یاجانب غرب کوه پغمان وشعب آن درجریان است وازحصص این کوه سرچشمه می شود ذیلاً مطالعه مینمائیم ،

اول : دریا های که بشرق وجنوب کوه پغمان درجریان است :

دریای کابل : دریای کابل یگانه دریای افغانستان است که به بحری ریزد این دریا در قدیم بنام کوفس معروف واز درهٔ اونی مربوط کوه پغمان ازبلندی (۲۷۵۰ متر) که غریباً بفاصلهٔ یکصد کیلو متر ازشهر کابل واقع است سرچشمه میشود ، جریان وسطی این دریادرجلگهٔ کابل آغازمیگیرد .

دریای کابل جلگهٔ میدان راآبیاری نموده در حد پل میدان (سرك قندهار) مجری جنوب شرق خودرا بسمت شمال شرق اندکی تغیر داده به تنگی للندرکه سمت جنوب کوه قرغ واقع است داخل میشود ، بعدازان تنگی مذکوررا عبورنموده بتنگی میدان وگل باغ بجلگهٔ معروف چهاردهی توصل مینماید .

[illegible] جوی‌های متعددی ازان جدا گردیده سرزمین چهاردهی را که ازآباد و سرسبز ترین حصص کابل است شاداب میگرداند ، حوضهٔ دریا از وسط این علاقه عبور نموده از گوشهٔ جنوب غربی شهر دو ماینهٔ دو کوه استحکام‌دار شیردروازه و آسمائی گذشته داخل شهر میگردد . وآنرا بدو حصهٔ متمایز سوا میکند . دریای کابل ازبین تپهٔ مرنجان و تپهٔ بی‌بی مهرو ازشهر خارج گردیده جلگهٔ شرق آنرا آبیاری و بفاصلهٔ چند کیلومتر از کابل رود لوگرد از سمت راست بآن وصل میشود . چندکی پیشتر بسمت جنوب دهسبز بوسیلهٔ دهنه تنگی قارو واردهٔ جلگهٔ سروبی میشود و معاون مهم آن دریای پنجشیر که از تشامل چند دریا تشکیل میشود و درقسمت دریاهای جنوب هندوکش مصرف شده از جناح چپ درموضع که آن را دوآبه میگویند بآن میریزد ، دریای کابل بعداز برداشتن آب دریای پنجشیر وعلینشنگ باخود تنگی (دارکانی) جلگهٔ لغمان ، تنگی های [illegible] عبور نموده بجلگهٔ جلال آباد (٦٢١ متر) داخل میشود . جریان سرنشیبی دریای کابل از جلال آباد آغاز شده بموضع اجتماع بادریای سند انجام میشود .

دریای کنر که جغرافیای آن قبلاً درقسمت هندوکش تحریر شد درجنوب شرق شهرجلال آباد بمقام کامه بدریای کابل میریزد . دریای کابل درجلال آباد بقرب تنگی های لعلپوره (٤٣٠ متر) دشتی را عبور مینماید که سواحل آن از گل وگل بته ها مستور است ، تنگیهای لعلپوره رود کابل را سرحد هند وافغان رهبری نموده بجانب شرق از پاسول ود که داخل علاقهٔ آزاد اغفهٔ مهمند میگردد .

این دریا وقتاکه داخل وادی پشاور میشود از ساحل راست (رود باره) وازجانب چپ رود سوات با آن یکجا شده درجلگهٔ پشاور پیچها و دورها خورده اخیرا از نوشهر میگذرد وبارتفاع (٢٧١) متر برودبار اتک (سند) میریزد .

طول دریای کابل تاسند (٤٦٠ کیلومتر) ودرمجری بالائی خودکم آب است ، بلکه درتابستان تماماً بجلگهٔ کابل وچهاردهی صرف آبیاری میشود امادرحدود مجری وسطی وآخری خود ازتشامل معاونهایش بسیار آب پیدا میکند . درموسم ذوب برفهای کوهستانات کابل وهندوکش (حوت ، حمل ، ثور) آب دریای کابل سیلابی میباشد . ولی این وضعیت طغیانی دریای کابل دوام ندارد وبزودی قطع میشود .

این دریا اگرچه درجلگهٔ جلال آباد حایزوسعت وعمق کافی میباشد امابسبب تندی آب وجریان آن درعلاقهٔ کوهستانی قابل جهاز رانی نیست ، وعبور ومرور ازان بوسیلهٔ مشك وکشتیهای شراعی خورد ممکن است علاوةً درحدود درونه بالای آب یك پل پخته باصول عصری ساخته شده که خط شوسهٔ لغمان وجلال آباد بالای پل مذکور میگذرد .

دریای لوگرد : دریای لوگرد ازدامنهٔ (گردن مسجد) ودیگر داغ وبلندی جانب جنوب درهٔ خوات وردك منبع میشود ، بعدازان رخ بشمال سواحل خودرا درخوات آبیاری نموده ازجبال وردك بطرف مشرق سرازیر میگردد . وقتاکه از تنگی مابین قلات پست شیخ آباد بجلگهٔ شیخ آباد می برآید ، حصهٔ ازان صرف آبیاری وقسمت مهمش بتنگی وردك جریان مییابد درحدود دوآب تنگی بارود کوچك سیدآباد که ازدرهٔ شنز میآید یکجا گردیده تنگی راسیراب وبه لهوگرد داخل میشود درطول جلگهٔ لهوکرد ازسمت شرق دفعتاً رخ بشمال میکند درینجا زمینهای زرخیزراشاداب ساخته از تنگی واغجان بشرق محمدآغه ازدهنهٔ (کوتی خیل) بجلگهٔ چهاراسیا میگذرد ، بعدازان ازبینی حصار کابل علاقهجات شیوهکی راآب داده بجلگهٔ بین بتخاك وکابل ازپل بگرامی بشمال بدریای کابل وصل میشود طول این دریا تامحل تقاطع دریای کابل زیاده از (١٠٨) کیلومتر اندازه نمیگردد .

دریای غزنی : دریای غزنی ازسرچشمه سرآب بطرف شرق سرازیرگردیده ازتنگ بیمشك بحوضهٔ بند (سلطان محمود زابلی) که حالا موسوم بهبند سراج است میگذرد بعد ازان جلگهٔ توری را آبیاری نموده بواسطهٔ جلگهٔ غزنی میشود دریای غزنی این سرزمین را سیراب ساخته بجانب غرب دروازهٔ کابل شهر باشوسهٔ قندهار متوازی

بسمت جنوب رخ بجانب آب ایستاده مقر مانده از عرض شلگر میگذرد و درموضع گیرو با دریای جرم که از منابع رود احمدزائی ازجلگهٔ زرمت عبور میکند و تا اینجا میرسد مخلوط گردیده بجانب شرق مقر بآب ایستاده می ریزد .

دریای غزنی سه معاون خورد خورد هم دارد که موسوم بدریای گل بوری تالاب حسینی ، دریای قره باغ است ولی معاونهای آن مانند خودش در تابستان صرف آبیاری میگردد .

دریای غزنی با شامل دریای سرده علاقهٔ طولانی که واز را از علاقه جات اندری و مقر جدا ساخته کول مقر را تشکیل میدهد .

دریای ترنك : دریای ترنك از دامنهٔ شرق کوه تکی و از وادی وسط مقر برخواسته بطرف غرب جانب چپ شوسهٔ قندهار در علاقهٔ کیلان و آغوجان میگذرد بعد ازان یکتنه معروف (پش) که حد فاصل ولایت کابل و قندهار است نیز علاقه جات مسکونهٔ دو شاخ بزرگ غلزائی (ابراهیم و توران) را از هم جدا میکند، میرسد ، ترنک درینجا آب درهٔ رسنه را با خود گرفته در علاقهٔ توخی بشاه جوی قلات سرنشیب می شود ، طول این جلگه یعنی دشت وسیع توخی را آبیاری نموده در حد شهر قلات بین (خالا) مرکز حاکم نشین و قلعهٔ نظامی قلات رخ بجنوب میکند ، ترنک در حالیکه باین منطقه سواحل جنگلدار کم عرض (چوب گز) را تشکیل میدهد محاذ علاقهٔ جلدك دریای جلدك از جناح راست بآن میریزد بعد ازان سواحل که عرض خود را در بین قلات و قندهار آبیاری نموده در وادی مهمند بقدر (۱۰ کیلومتر) از مجری ارغنداب بآبیاری صرف میشود .

این دریا بقدر (۳۵۲ کیلو متر) در سطح مرتفع غلزائی پیش می رود و با دریای ارغنداب متوازی است این دو دریا یعنی ارغنداب از سمت شمال غربی و ترنك از جانب جنوب غربی بیشتر حصهٔ سطح بلند مذکور را احاطه میکند اگرچه آب ترنک نسبت بارغنداب کمتر است اما نسبت بطول و عرض خود درشادابی اراضی تماماً خود را می بازد .

دوم دریاهائیکه بسمت غرب کوه یغمان جریان دارد :

دریای هلمند : دریای هلمند از سنگلاخ قریب سرچشمهٔ دریای کابل از نشیب غربی کوه یغمان برخواسته منابع آن به قاش و فرنداز ـ موسوم است .

این دریا بزرگترین دریائی است در بین رودبار دجله واتك سابق بنام (ایتی مندر) یاد می شده هلمند از شمال شرق بجنوب غرب کوهستانات هزاره را عبور نموده درگرشك (۸۳۵ متر) داخل دشتهای وسیع جنوبی می شود .

طول این دریا تا کول سیستان به (۱۰۰۰ کیلومتر) بالغ است ولی چون شامل ۶۲ درجه عرض البلد شمالی است اولاً بجانب شمال جریان دارد ودر مسافهٔ نهائی خود ۱۲۳ تا ۱۲۶ ونیم کیلومتر بسمت جنوب برمیگردد و نشیب میشود از منابع این دریا تا فاصلهٔ ۷۸ کیلومتر یعنی الی مقام گردن دیوار معلومات کافی داده نمی توانم — درین حدود استقامت جریان هلمند بجانب حصهٔ شمالی سطح بلند ارت Urt که بارتفاع(۳۰۰۰ متر) واقع است بوده عرضش (۱۲ متر) عمقش از سی سانتی کمتر است ولی رفتار آن بسبب سطح ناهموار کوهستانی نهایت سریع وتند است معاون اول خود را که از درهٔ حاجی خاك میخیزد موسوم بآب سیاه ازهمین نقطه باخود می گیرد بعد ازان از یك وادی عمیق بجانب جنوب تامقام غوج قول که از کوه باباجاملهٔ ۶۱ ونیم کیلومتر دورافتاده می گذرد— درینجا سواحل هلمند را تماماً نباتات متنوعه وعلفهای طولی پوشانده علفزارات مناسبه اند — بعد ازان دو معاون دیگر از سمت راست وچپ موسوم بآب ملاوربان

چهرود ، از مصب این معاونها تا دیوال قول باندازهٔ ٤٤ کیلو متر مسافه ، هلمند بطرف شمال غرب جاریست ولی تا فاصلهٔ چند کیلو متر که ازین موضع به پیش میرود سمت جریان آن بوره غرب استقامت گرفته تا مقام چک ملک چک بقدر ۱۳۶ ونیم کیلومتر دیگر میرود درین موسم بند دیگری بالای آن ساخته شده که غرباً بطرف هرات می گذرد . متعاقباً از جانب شمال چند معاون دیگر بخود گرفته بقدر (۲۱۲ کیلومتر) تا موضع ساخیر سمت جنوب غرب جاری میگردد ـ این نقطه محل تقاطع چند راه از قبیل راه بامیان ، راه میدان ، راه گرشک ، است از مقام ساخیر تا گرشک که ۲٤۶ کیلو متر مسافه درین است سمت حرکت هلمند غالباً بجنوب است ولی بقدر ٤٤ کیلو متر پایانتر از ساخیر رود تیزین بآن ملحق میشود - وبگرمابه که ۸۸ کیلومتر ازموضع اتصال دریای تیزین پایانتر است دریای موسی قلعه بآن میریزد وبقدر ۳۰ ونیم کیلومتر از گرشک بالاتر رود ارغنداب کلانترین معاون هلمند بآن مزج میگردد در قرب گرشک عرض هلمند (۱۰۶٤ متر) میباشد ساحل راست آن ریگستان وکنار چپش کوهستان است لاکن بعضی اوقات که آب هلمند کمتر میشود عرض آن به (۳۲۰ متر) نیز تنزل میکند ، باین سبب در بعضی اوقات عبور ومرور از هلمند دشوارتر است وگاهی آسان ؛ اما بقدر (٥ ونیم کیلو متر) تنزلتر ازین موضع درجائیکه هلمند گذر میدهد بیش از (یکنیم متر) عمق ندارد وعرض شاخهای آن نیز از (۷٥ تا ۱۶۰ متر) اندازه شده ، بحدود قلعه (بست) یعنی (۷۹ کیلو متر) از مقام گرشک پایانتر هلمند بدو قسمت جدا شده یک جزیره را درین تشکیل واز چهار طرف احاطه مینماید .

از موضع مذکور تا بنادر کلان باندازهٔ (۱۲۳ کیلو متر) دیگر باز بطرف جنوب روان است و سپس تا ۲۲۹ کیلومتر رخ بطرف غرب بوده بمقام پل الک ۱۷۶ کیلو متر پایانتر عرض هلمند (٤۲٥ ونیم) متر وعمق آن ٤ متر میباشد هلمند از حدود مذکور بهمین عمق و عرض تا مقام تراکو پیش رفته بعد ازان بسبب وجود تپه های ریگ وسعت آن کمتر میشود متعاقباً سمت رفتار خود را بجانب شمال غرب تبدیل داده تا فاصلهٔ ۷۹ کیلومتر دیگر در سمت حرکت آن فرق مشاهده نمیگردد اما وقتیکه هلمند بسبب آمیزش رود دور بزرگ میگردد وبه مصب خود نزدیک میشود ـ به قسمت جدا گردیده بنام رود سیستان ، رود پوریان رود نادعلی بشکل دال یونانی (Δ) در آخر انخفاض سیستان یک باتلاق موسوم ـ بهامون هلمند (٥۱۰ متر) می ریزد .

سواحل راست وچپ هلمند که درمحل خود گفته خواهد شد تا ارتفاع (۶۳۰) متر خیلی سر سبز ومزروع است که این شادابی اراضی درگرشک تا لندی محمدامین امتداد دارد .

اما بعدازان عرض جلگهٔ مزروع هلمند عموماً درسواحل آن از ۲ تا ۳ نیم کیلومتر است .

رودهلمند ازدریاهای است که دایماً بمجری خود جریان دارد ودرهیچ وقت سال خشک نمی شود ، (*) دریای هلمند چون از سرزمین کوهستانی سرا زیر میشود وجریان آن تند است بناءً برای جهاز رانی مساعد نیست .

دریای ارغنداب : این دریا از حدود شش پر دامنهٔ گل کوه ودرهٔ لومان سرچشمه گرفته بجانب جنوب سطح مرتفع هزاره جات بطرف غرب جریان دارد بوجود مشکه ماشه مرکز حکومت جاغوری را بساحل راست خود عبور نموده با لای آن پل سوختهٔ ارزگان میگذرد بعد ازان مستقیماً بطرف پل جنگل درمابین درهٔ کم عرضی برفتار خود دوام میکند در اطراف درهٔ ملک کوزانگور کوه واقع میشود اما وقتیکه ازپل جنگل می گذرد مجری خود را بجانب جنوب غربی تبدیل میدهد ببعضی درهٔ ملاقه ده ، جریان بیشتر رفته داخل درهٔ ارغنداب میشود ، این دره که در قسمت فوقانی کم عرض است

(*) اندازهٔ جریان دریا :

وقتیکه رفتار هلمند کم باشد مقدار جریان آن در یک ثانیه عبارت است از ۲۰۰۰ مکعب فت

« « « « « بوضعیت معمولی « « « ۵۰،۰۰۰ تا ۶۰،۰۰۰ «

« « « « « تیز « « « ۶۰۰،۰۰۰ تا ۷۰۰،۰۰۰ «

و بسوابط خود آب داده بعد از طی ۳۵۲ کیلومتر مسافه نقرب مقام عیسی خیل بدریای سندی ریزد .

دریای چمکنی : دره‌ی چمکنی‌از کوتل شترگردن وقلات (از ره) برخواسته طول تنگی رقیات را سمت شرق عبور میکند درحدود رمبان آب جو ریکه‌از سمت شمال می‌آید با خود گرفته درزیر قشهٔ جاجی باآب گل غندی یك جا رخ بطرف جنوب میناید .

وقتا که بدرهٔ احمد خیل می برآید آب جوبار میر زکه دران می‌ریزد بعد ازان دوباره بسمت شرق میل‌نموده بعلاقهٔ چمکنی داخل می‌شود . این دریا درعلاقهٔ چمکنی اراضی بسیاری را آیاری نموده و تنکی چیری از خاك افغانی خارج وبعد ازان بکرم می‌ریزد ، دریای چمکنی درتابستان کاملاً چه بدره جات جاجی واحد خیل وچه درجلگهٔ چمکنی صرف آبیاری میشود به احمد خیل وچمکنی علاوه برشادابی زراعت موجب سرسبزی باغها واشجار مثمره انگور وچهار مغز وغیره نیز میگردد ـ طول این دریا در خاك افغان بیش از ۳۵ کیلو متر نیست .

سطح بلند پامیر :

پامیر سطح مرتفع ودر عالم بعد از تبت از نقطهٔ نظر بلندی حایز نومرهٔ اول است این سرزمین در جغرافیا بام دنیا شهرت دارد ، سطح بلند پامیر نقطهٔ اتصال کوه قراقرم ، همالیه ، هندوکش . کیون لن ، تیون شان میباشد ، قسمت اعظم آب رودبار (آمو) که از کول وکتوریا می گذرد از بین برفهای همین سطح مرتفع است ، بلندترین قلهٔ ماؤنت کوف مین (Maunt Kaufmain) بجانب شمال ۵۰۰۰ متر بلندی دارد بصورت مجموع بلندی این سطح مرتفع از ۴۳۰۰ـ۵۰۰۰ متر اندازه شده ، سرزمین واخان مربوط باین سطح بلند ودارای حیوانات عجیب‌الخلقه از قسم غژگاو ، روباه دراز شکل ، گرگهای بور که موهای بلند دارد میباشد ، عموم گوسفندهایکه درواخان تربیه میشود در جسم خود از دیگر گوسفند ها خورد وبکلاتر وکم دمبه بوده موسوم باصطلاح بومیها به کدك است .

دریای آمو : دریای‌آمویا (اوکزوس) قدیم سرحد شمال مشرق افغانستان را تا فاصلهٔ ۸۰۰ کیلومتر در برگرفته از سطح مرتفع پامیر بشمال غرب درجریان است منابع این دریا در پامیر از بلندی ۴۰۰۰ متر شروع میگردد دریای آمودرآغاز از شمال شرق بجنوب غرب نظر بسر نشیبی غیر تدریجی‌سطح بلند بنام پنج یا آب پنجه که علت‌آن بیان خواهد شد خیلی پرشور وشدت رفتاردارد ، درحدود شمال شرق بدخشان بانتهای دشتایش آمو دستهٔ چرخ مهمی زده تقریباً یك مثلث متفاوت الاضلاع را تشکیل میدهد ودر جبال سلسل درواز‌چنان تنگی های عمیق وچقری را عبور میکند که گذشتن بجاب (خواهان) علاقه درواز و درهٔ کلان درواز در نلهای دیوار مانند و دشوارگذار کوهستانی اتفاق افتاده رفت و آمد مردم بومی درین حدود بوسیلهٔ زینه های سنگی وحول ومیخ‌کوب ها است که درقات سنگهای صخره کوفته شده اینگونه معابر را (سولان) می نامند ـ درموسم بهار که زمان ذوب برفهای جبال هندوکش است رفتار این دریا بسیار شدید ولی باز هموزون گفته می شود ـ درین حصص درواز دریای آمو خصوصاً سلسلهٔ معادن لعل بدخشان را ازهم سوا میکند که حصهٔ بطرف خاك روسی وقسمتی را بافغانستان می بخشد .

آمو یکی از معروف‌ترین و مشهورترین‌دریا های تاریخی آسیا است‌که پس از طی (۱۴۰۰ کیلومتر) بدریاچهٔ ارال میریزد اراضی که از جویبارهای‌این دریاچه در افغانستان و چه در خارج آن آبیاری میشود (۸۰۴ر۳۰۸) مربع کیلومتر رقبه دارد ، آمو بعد ازانکه خاك افغانستان را وداع میکند یك چرخ کلانی زده یك زاویهٔ بزرگی را تشکیل میدهد که بعد ازان رخ بشمال غرب میکند و تافاصلهٔ (۳۵۲ کیلومتر) در خاك بخارا وسپس ازان بطول ۱۷۶ کیلومتر سرحد فاصل صوبهٔ سردریا وایالت خیوا بوده از طول مجری‌وادی فراقم به ارال می ریزد .

آمو درخاك افغانستان باهندوکش متوازی ودر بین این دوفاصل یعنی (هندوکش وامو) سرزمین کاملاً است

موسوم به بدخشان وقطغن و باکتریای قدیم که ازشمال شرق بطرف غرب امتداد دارد بجنوب باکتریا اراضی غیر مسکون و از شن و ریگ پوشیده است در ین حصص قریه ها کمیاب و آب وهوا شدید است .

رود های معروف دیگر که از جانب غرب حوض اموسر چشمه گرفته وسمت آن جریان دارد موسوم به بلخاب وسفید آب وآب قیصار است ولی در دشت بلخ قدیم و دو دریای دیگر آن درحدود اندخوی موجودیت خود را میبازند دریای خلم از شمال بامیان از دوآب شاپسند برخواسته متوازی سرك مزار روان است ولی بعوض اینکه با مو بریزد در حدود تاشقرغان و غیره بآبیاری صرف میشود ، دو دریای مهم دیگر که آخیراً مجاری خود را بطرف دریای امو تبدیل میدهد موسوم بهریرود ودریای مرغاب میباشدوقبلاً ذکرشده اما اینها نیز مانند سه دریای مافوق الذکر بدریای امو رسیده نتوانسته هریرود در سرزمین مرو ریگستان ترکمان ودریای مرغاب دروادی قراقم جذب میگردد

معاونین شمال وجنوب شرق آمو : از شمال وجنوب شرق معاون بزرگ امو رود پامیر وپنجه است که اخیر الذکر ذاتاً به آمو موسوم است زیرا پنجه از پنج دریای (پنجه ، پامیر ، اقسو ، شیخ ، غند) تشکیل می شود که هر کدام ازهمین پنج دریا نیز بنام شهرت اقوام مسکونه سواحل زاید از دو دو نام دارد ، گروهی برین است که این لفظ ازدوقریه (پنجه وقریه ماریجا) که بسواحل پنجه واقع گردیده اند مشتق شده بهر حال درینمورد مقصد از تشریح وضعیت جغرافیائی پنجه است ، پنجه در حدود قلعه دامار بهر اقسورا با خود می بردارد ، اقسو و پامیر اگر چه از جهیل وکتوریا که آنرا وود در سال ۱۸۳۸ کشف نمود و ازجهیل چلك ساکتن می گذرد اماً آنرا منابع او گفته میتوانیم .

دریای پامیر در سطح بلند پامیر جریان دارد و بمقام لنگر کشت با دریای آمو ملحق میگردد جهیل چلك ساکتن بارتفاع (۹۰) متر از جهیل وکتوریا در پامیر کاین است و جهیل وکتوریا از سطح مجری پامیر بارتفاع ٤٤٠ متر وقوع دارد دریای پنجه از درهٔ واخجیر برآید واز تشامل همان پنج دریایکه مذکور شد صورت می گیرد گویا دریای آمو تامقام کمبتر بنام پنجه یاد می شود وبعد ازان موسوم بامو است .

رفتار ابتدائی پنجه خیلی سریع است چنانچه از منبع تا سرحد بغرض (۷٥ کیلومتر) (۱۲٤۷ متر) در سطح مجری پنجه تفاوت پستی بهم میرسد ، وقتا که بگنبد بوزئی متصل وادی واخان میرسد سرعت حرکت پنجه کمتر می شود امابعد ازعبور سواحل زیباك واشکاشم باردیگر به تندی خود آغاز نموده باشکل مهیبی درجریان است .

مجری دریای پامیر ازجهیل وکتوریا پامزار تپ درنقاط متصل وادی واخان یعنی درموضع مصب دریای خرگوش بفاصلهٔ ٤٠ کیلومتر ۲۸٥ متر پست میشود واز مزار مذکور تا لنگر کشت که باآب پنجه میریزد درعرض ٦٠ کیلومتر (۸۳۱ متر) می فراید .

تیزی پنجه تامقام سیموت بهمان شدتیکه ذکر شد باق می ماند ولی درین حدازتندی خود باز مانده اشیای سنگین وو زنیکه ازبالا باخود می آورد دراینجا بکنار های خود پرتاب می کند ، پنجه درین حد بسواحل خود چنان تپه های را تشکیل میدهد که از تراکم ـ ریك وسنگهای خورد وبزرگ مانند یك صحرای مخروب غیرقابل گذاره بنظر می آید آثار سبزه وگیاه درهیچ قسمت اینحدود دیده نمی شود ـ حتی درموسم تابستان که آب دریا کمترمیشود ریگهای مذکور باثر وزش بادهای تند بهرطرف روان میگردد .

زمانیکه بوادی فراخ ووسیع میرسد درمقام زنگ دریای پنجه بچند قسمت جدا می شود ، این دریا باوجود خوردی خود دلدل بسیار دارد وآب آن ازیك قسم گل سیاه ممزوج است که در زمان طغیانات اراضی همواری را ازهمین گل سیاه مالامال ساخته باعث رونق زراعت آن حدود میگردد ، دریای پامیر نیز دربعض جاها همه تغییرات تدریجی را نشان میدهد ولی چمن آن نه دلدل دارد ونه گل سیاه ، وسواحل پنجه درین لنگرکشت

... سرسبزی وشادابی خود دارد وهر دو جناح آن از علف و درختان بید ، چنار سفید ، درختهای ... و دیگر جنگلات معمور است اما بعد از یتوک این وضعیت پنجه بکلی تغیر قیافه نموده ودرمقام ... کناره های آن سراسر خشک و آثار ویکتنا نی دارد وگل سیاهیکه بخود داشت در ینجا خنه می شود.

کوهای لنگرکشت و زنک که درآغاز ازهم منفصل بودند ومجری آموارا ان میگذشت درغربی کاله دوباره باهم نزدیک شده تنگه تنگه سد مشکل پنجه از ان عبور میکند ، سپس از ان دریای پنجه بار دیگر بر وسعت خود افزوده سطح آن بعد چند کیلومتر میرسد دریچه پنجه ـ شاخهای متعددی تقسیم گردیده مجموع الجزایر کوچک را تشکیل میدهد که از توته های خرد دار مملو است . این دریا بعد از ده شتار تمام شاخهای خود را باهم یکجا ساخته وسعت رودی را حایز میگردد اما ازمقام ورسی تا ... رفته رفته دوده عرض آن کم شده می رود دریچه ... پنجه آغندرتند و تیزاست ... از اصطکاک کوه ها وسنگلاخهای ... آواز ها و گرمابهای مهیبی بوجود آورده فضای وادی را پرخروش و پر شور میسازد بفاصلهٔ پنج و یک ثلث کیلومتر از سی خانه بعد از انکه آبشارهای چندی را تشکیل میدهد ، باردیگر از مقام ... تا ... درایالت اشکاشم بر عرض خود افزوده کنارهای آن سرسبز و علف زار است ، و حوش و طیور از هر قسم اخصاً مرغ دشتی بسیار دارد ، چند کیلومتر پائین تر از ... باردیگر سطح پنجه تنگ میگردد زیرا ازهردوطرف جبال بلند پیش آمده وپنجه را در بر میگیرد ، بسرحد غاران و اشکاشم بمقام دربندچند آبشار مهم دیگری را نیز تشکیل میدهد که دارای گردابهای متعدد است بعد ازان بمقام چراک رود ارغنداب بآن وصل می شود ، اکثر معاونینیکه در بین لنگرکشت و نامه کوت بآن می ریزد ـ بدون از بعضی آنها تمام این معاونهای پنجه سیلابی وآب آن ـ منحصر بآب برف است ، این معاونهای موقتی فقط درزمان ذوب برفهای شمال بدخشان و سطوح جنوب مجری پنجه آب میرسانند ـ ازان جمله مهمترین معاون پنجه درحدود روشان جنوب بدخشان رود اقسو است که تمام سال جریان دارد ودرهیچ وقت سال خشک نمیشود ـ درمقام سرن بولاک رود شیخ دریا وبعد ازان دریای سوجان بآن می ریزد پنجه از حدود شمالی شهر بزرگه بسرزمین ینگی قلعه میرسد وتقریباً بدو شاخ مهم قسمت میشود که حصهٔ بوضعیت آرام درمجری طبیعی خود جریان دارد وقسمت کثرش بطرف ینگی قلعه ودشت قلعه بیشتر می آید وپایانتر ازان دوباره باهم یکجامیشود جزیرهٔ معروف درقدرا نیز درهمین حصه تشکیل میدهد که سکونتگاه زمستانی افاغنه مالدار قندهاری است ـ درین حصص پنجه بسواحل خود جنگلهای غلوئی می رویاند وحوش وطیور بکثرت وجود دارد وسرزمین درقه نهایت حاصل خیز ولی طوریکه شاید از جمعیت نفوس خالی است . از ینجا قدری پایانتر دریای کوکچه که ازمنده وکش ویفتل منبع گرفته از طول بدخشان ، کشم ودرایم ، خواجه غار گذشته بدخشان را از قطغن سوا میکند بانیزی تمامی سرازیر میگردد وبدشت قلعه بدریای پنجه یعنی آمو می ریزد ـ این معاون دریای آمو تاجائیکه دیده شده خیلی مهم ودرزمان طغیان عبور ومرور از آن بوسیلهٔ مشک وجاله است ، سهٔ پل معروف ولی بطرز قدیم نیز بالای این دریا بسته اند ، از قبیل پل خشتی فیض آباد ، پل مشهد ، پل شیبه ، علاوهٔ هر دو راهیکه از قطغن به بدخشان میرود ، بالای همین دریا میگذرد .

دریای آمو بعد ازان که داخل علاقهٔ آرهنگ یاحضرت امام میگردد وادی سمت جنوب خود را آبیاری نموده مولد نباتات وباغات سرسبز میگردد . نازلتر ازان بجانب شمال غرب شهر حضرت امام یک شعبه آمو باز دوغاله اتفاق پیش آمده یک کولی را بقدر ده کیلومتر مربع تشکیل میدهد وسپس بزاویهٔ منفرجه دوباره باموصل میگردد ـ پایانتر ازین وادیکه مجری آمو درآن واقع شده بسیار تنگ وبکنارهای خود آب تمدید ... اما وقتاکه ازکلوخ تپه وقلعه زال معاون مهم خود دریای قندوز وخان آباد را باخود می گیرد ودرحدود ... (...) داخل میشود سواحل آن سرسبز وشاداب بوده دارای آب وهوای گرم است که برای

زراعت‌ها بد مفید ثابت میشود درینجا تاک ، انگور دشتی‌ها ، انار ، سرخ ، سیب ، ناک ، توت ، اقسام سبزیجات بکثرت کاشته میشود در موضعیکه دریای آمو ایالت کولاب بخارا را از اضلاع قطغن سوا میکند از سلاسل کوه‌ها تجات یافته چند معاون دیگر ، ازقبیل دریای کافرنهان سرخان مدریء ازسمت شمال بان میریزد.

امو بمقام تیك نیك (ایالت خیوا) قدر (۴۰۰۰ مربع میل) اراضی را آبیاری میکند ودرآخر کار آبش کل مخلوط گردیده درمصب خود بشکل دلتای دربحیرهٔ ارال ابدا آرام میگیرد .

کوه سلیمان :

کوه سلیمان عبارت از یك سلسله جبالیست که در اهمیت خود از سلسلهٔ جبال هندوکش کمتر دیده میشود ودر منظرهٔ مجمل هم ذکر شده ، سلسلهای این کوه از غرب جنوب کوات وپشین آغاز گردیده شمالاً جنوباً تا نهر صوات میرسد کوه سلیمان ودامنه های مهیب آن مقر و مامن افاغنه سلحشور و غیور است این کوه بحساب اینکه جبال تراکم دران محسوب شود مرکب از سه سلسله مترادف است ، حصهٔ اول که سرحد مشرق آریانه را تشکیل میدهد و از غرب جنوب بشرق شمال امتداد دارد موسوم بسلیمان مترقی میباشد ، تخت سلیمان (ع) بارتفاع ۹۴۰۰ متر بران وقوع داردقلهٔ دیگرش موسوم به (کسر غر) ۳۷۶۰ متراز سطح آب بلنداست .

قسمت دوم این کوه عبارة است از قسمت عمدهٔ خودکوه سلیمان که گوشهٔ شمالی آن به سفید کوه (سپین غر) توصل میکند اکثر جبال حصص جنوبی ووزیرستان ومسعودستان قسمت شمالی اینکوه را تشکیل میدهد شعب داخلی این کوه که از گوشهٔ شمال پیوار تا انتهای علاقهٔ وزیری ومسعودی امتداد دارد. منبت جنگلات سرسبز وانبوهی است که اقسام اشجار کوهی ازقبیل ، نشتر بلوت ، ارچه ، سرو ، صنوبر ، کاج ، خنجك ، بادام تلخ شجر الحیاة ، اقسام گلهای کوهی ، نباتات مفیده را دارا ست ، طول این جنگلات تنها در خاك افغانستان تخمیناً ۱۰۰ کیلومتر وعرض آن بطور اوسط از ۱۵ تا ۲۰ کیلومتر زاید است سرنشیبی کوه سلیمان از سرحد افغانی بجانب دریای اتك بصورت تلال خاتمه‌می‌یابد در زمستان اگرچه اکثر حصص آن برف گیر است امادرهیچ نقطه برفهای آن تاموسم باریدن دیگر برف باقی نمانده .

حصه سوم ، این کوه عبارت ازکوهای تیراست که بجانب غربی حصص شمال هند قدعلم نموده وسکونت گاه افاغنه آزاد افریدی است

دریاهائیکه ازکوه سلیمان منبع میشود :

دریای کومل : دریای کومل ازکوه سلیمان برخواسته بطرف جنوب شرق جریان دارد طول این دریا ۳۵۲ کیلومتر و بادریای کرم مساوی است لاکن با تشامل معا ونهایش رقباً وسیعتر براسیراب مینماید ، دریای کومل بعد ازآنکه تپه های سرحد را عبور مینماید معاون مهمش دریای ژوب بهاتقدیرطول وعرض ازگند وجبه برآمده بآن وصل میشود ، این دریا ازدره جات گذشته بعضاً بدریای سند می‌پیوندد وگاهی درعرض راه خشك میگردد .

دریای لورا : دریای لورا ازحدود قلعه های گند وجبه مربوط شعب کوه سلیمان منبع گردیده وبسمت شرق درجریان است این دریانظر به تمام دریاهای افغانستان بیشتر به سمت جنوب واقع بوده اگرچه بارودهلمند متصل روان است اماآبش بهلمند نمیرسد

این دریا ازوادی پشین میگذرد، اماچون سطح آن از اراضی متصله پایان تر وقوع دارد بناءً برای آبیاری مفید ثابت نشده طول این دریا ۳۵۲ کیلومتر وعرضش هم کافی است درزمان سیلابها وذوب برف عبور ازان دشوار تر است. دریای لورا در طول البلد (۶۵ ـ ۶۶) بعلاقهٔ شوراوك باعث سرسبزی اراضی آنجا واقع گردیده اخیراً درکول سیستان میریزد .

دریای هاروت : این دریا ازجبال جنوب غرب هرات برآمده بجانب جنوب غرب روان است ، ازین دریا جوهای متعددی را منشعب ساخته باعث سیرابی سواحل و اطراف سبزوار

وار دره میگردد دریای مذکور بدهنهٔ خود دلتای را تشکیل داده که به ۱۵ شعبه قسمت میشود ، اراضی دلتای مذکور حاصل خیز و اشجار متنوعه خصوصاً بید ، گز ، چنار بسیار دارد . این دریا بعد از طی ۱۳۰ کیلومتر در بند آب سیستان می ریزد .

کوه قره باتور :

کوه قره باتور بغرب قندوز ازتلات قلعهٔ زال آغاز گردیده کوتل دشت آمدن مرغ موسوم به ایرگنگک را که حیز شوسهٔ بین خان آباد و مزار است درحصهٔ شمالی اینکوه واقع است قره باتور سمت غرب چهار دره قندوز دفعتاً قد برافراشته بجنوب ممتد میشود اوسط بلندی این دیده میشود از (۲۵۰۰–۲۲۰۰ متر) اندازه میشود این کوه وقتا که بسر بند علی آباد میرسد بطول دریای قندوز و تنگی گرداب چرخ زده بکوتل بتلان دوحصه میشود حصه از ان بطرف شرق شوراب و هرار قاق دور خورده تا نهرین و اشکمش پیش میرود ودرسمت شمال نهرین بار دیگر بجانب جنوب پل «علم گر» پیش رفته از سمت شرق بجبال دوشی متصل میگردد بعد از ان بطرف جنوب غرب شروع بامتداد کرده طول دریای اندراب و سرخاب آنرا از کوه کیان ونیلک بی سوه میکند ، حصه دوم این کوه از کوتل گرداب رخ شمال گذاشته دشت آبدان بیرعلم و سرحد تاشقرغان را تماس میکند بعدها بطرف جنوب غربی دور زده رفته رفته به تنگی رباطک آیبک ختم میشود ـ کویا کوتل تنگی رباطک قره باتور را از کوه دهنهٔ غوری که یکی از شعبات هندوکش است جدا می سازد .

این کوه با تشامل کرهای کله گی و نیلک بی درختهای پسته زیاد دارد که اهالی چهار اطراف پسته و برغنج آنرا برای تجارت حاضر مینمایند .

دوم عنبر کوه :

کوه عنبر کوه بجانب شمال شرقی خان آباد درمابین تالقان وحضرت امام واقع است وادیهای فراخ دشت ارچی و خواجه غار وجلگهٔ خان آباد و تالقان و دریای منکی از چهار طرف اینکوه را احاطه کرده درخت پسته بکثرت دارد وایلاق مردم اوزبکیه است بالای اینکوه هموار و دراطراف وحصص آن گله های بزکوهی بسیار چرا میکنند ـ عنبر کوه نیز (از ۲۰۰۰ تا ۲۵۰۰ متر) بلند است درتغل های آن للمی کارند ، حاصل خیز وملیت نباتات است علاوتاً باستثنای جبال مذکور بعضی کوهای دیگر نیز از قبیل کوه تنگی اشکمش ، کوه ممتی هزهٔ صوف وغیره درحصص شمالی افغانستان وجود دارد که ازحیث موقعیت مستقل بوده بهندوکش رابطه مستقیمی ندارد والبته نظر بداشتن ثروتهای طبیعی از قسم اشجار ومعادن نیز اهمیت خوبی دارد .

کوه سرده :

کوه سرده یک سلسله کوهی است که بشرق جنوب غزنی از بند سرده شروع گردیده بارتفاع ۳۰۰۰–۳۵۰۰ متر بطرف جنوب امتداد دارد ، این کوه درمابین شلگر وکتواز قد برافراشته بشرق آب استاده غزنی بطرف واز خواه دور خورده بسلسلهٔ کوه سلیمان منتهی میشود حصهٔ وسطی این کوه بقسم فلات تشکیل یافته قلل آب بند مقر از شعب آنست برجسته کیهای کوه سرده ازدرختهای مهم عاری دردامنه های آن ترخ بکثرت میروید که هیزم زمستانی اهالی گرد ونواح میباشد .

وادی (دله) مقر که سکونتگاه تابستانی قبائل تامری وغیره است دردامنهٔ انتهای این کوه واقع گردیده است از طرف دیگر اگر هموار بند سرده فاصل گفته نشود این کوه نیز از شعب ـ سپین غر بحساب می رود .

گل کوه :

گل کوه یکی از جبال بااهمیت غزنی و بطرف غرب جنوب غزنی واقع است ، این کوه بدشت هموار و بلند ناهور که ایلاق مردم مالدار هزاره میباشد مشرف بوده یلتنزا و بقایه سلسلهٔ کوه بابا را تقاطع میکند ، قلهٔ گل کوه

باو تفاع ۴۰۰۰ متر دایماً از برف پوشیده است آب ان قلعه ودریای خوردترك قرباغ ازدامنهٔ آن سرچشمه میشود نه آب نور هردامنه این کوه کابی است گل کوه طور یکه نامش معرف میکند باوجود آب وهوای سرد و شدید منبت گل و انواع نباتات است یك نوع بوته درآن میروید که به کیمیا بوته شهرت دارد اهالی انجا عقیده دارند که این بوته خاصیت گوناگونی دارد درموسم بهار بکثرت اتفاق می افتد که دامنهای کوه را گلهای سرخ وابلق چهار برگه ملون گردانیده شکل زمین را لاله گون می سازد، درشعب گل کوه برف وصحنه گلزار چندان بعدی بهم داشته نمیاشد قسمت شمال غربی آن اوج گرفته بکوه مالستان پیوست میشود ، که بعدازان اولاً بجانب شمال و ثانیاً درحدود بهسود بطرف غرب برگشته تا دایزنگی به تشامل جبال دیگر ممتد میگردد ییلاقهای این کوه بقیمت خرید فروش میشود از قبیل پیل تندی وغیره ا

مختصری ازجبال هزاره :

هزاره‌جات مرکزکوهستان وسیعیست کهجغرافیای‌طبیعی آنرا درین سلسله نمیتوانیم پوره عرض‌کنیم زیرا نظر به تسلسل جبال بهم ووقوع قلل وسلاسل متشابه انسان نمیتواند بیك‌نظروصعت آنرا کماهی رسم کند ـ درین مورد اینقدر باید گفت که حصص شرق وجنوبی این ایالت کوهستانی را سلسله کوه پغمان دربرگرفته وحصص شمالی وغربی آنرا جبال هندوکش وکوه‌بابا وکوهای سیاه وسفیداحاطه میکند درمابین این دو سلسله محالات بهسود یکاولنگ، غاب، ایماقستان،دیزنگی ، دیکندی ، مالستان، جاغوری ، دی چوپان، اجرستان ، ارزگان، گزاب افتاده که چهارقسمت خیرالذکرآن را غالباً حالا اقوام مهاجر ونقل افاغنه تشکیل میدهدمحالات مذکور هر کدام ازخود جغرافیای متمایزی دارد که نه تنها ازحیث آب وهوابا‌هم متفاوتند بلکه ازنقطهٔ نظر طبقات وکوائف وقوع نیز فرق نمایان نشان میدهد ، مثلاً بهسود گرم آب های طبیعی وعلامات آتش فشانی دارد وبجبال بلندی محاط است. باهور که بعرض ۳۰ کیلومتر وطول ۶۰ کیلومتر بسمت جنوب شرق بهسود وقوع‌دارد تماماًجبه زار واز شرق جبال سرآب غزنی شمال بهسود بجنوب گل کوه بغرب کوه‌مالستان احاطه اش‌مینمایداین حصه یك‌سطح بلند سرهمواری میباشد که هرگز آثار سنگ وکوه درتمام عرض وطول نسبتاً وسیع آن دیده نمیشود ، در وسط آن تالاب کلانیکه دارای انواع مرغهای‌آبی است نیزوجود دارد مالستان بزاویای حاده ازجبال بلندمحفوظ است‌که این کوه‌ها بجانب غرب وجنوب (مرادینه) بصورت تلات پست‌میشود براست وچپ متن‌علاقه مذکور سرچشمه مالستان خوردك قایمه‌وغیره واقع است‌که زمین زراعتی کمتر داردبشرق وغرب جنوب، دایه وفولاد سرزمین حاصل خیز ومنبت غلات وبقول ، است ، دی چوپان جاغوری ازکوه های نسبتاً پست احاطه شده بدون خاك افغان که کم آب است دوعلاقه دیگر یکه‌زمین کم وآب وافر دارد، غاب، اشکارآباد، خوردك تخته وباقی‌حصص‌دایزنگی دیکندی بعضاً دارای زمینهای مزروعی وبرخی سنگزار وکوهستانی است ، عموماً این علاقه برای تربیه حیوانات اهلی مساعد وچمن‌زارهای‌سرسبز وشادابی دارد جبال این حصه علف مقوی (کمای) بکثرت می رویاند ، یکاولنگ بامیان درسلسلهٔ‌جبال شمالی واقع است ، دربنجا اراضی قابل زراعت کمتر دیده میشود وتربیه حیوانات بیشتر .

کوتل های معروف هزاره :

سراب ، لومان ، مالستان ، کوتل خون، جوقول، شاه طوس ، وغیره است .

جبال مشهور ، سیرو، کوه مالستان ، لعل ، کرمان ، جبال دایزنگی شاه‌طوس است که از موخرالذکر گاه‌گاهی اوازهای عجیب ومهیبی شنیده میشود . قلل هزاره جات غالباًبیش از ۴۳۰۰ متر بلندی ندارد

آب وهوا سطح بلند هزاره جات بدون حصص غربی وجنوبی بحیث عموم سرد است لاکن هوای مالستان وحصص بامیان خنك تر واز دایزنگی نظر باین دوعلاقه هم شدید تر است .

کوهای پاروپا میز :

(Paropamissases) غربی‌ترین جبال افغانستان کوهای پاروپامیزاست‌که مابین فیروز کوه وزاویهٔ که براسطه سرحد روس وایران بشمال‌مغرب افغانستان تشکیل شده موقع دارد ارتفاع قلهٔ‌بلنداین سلسله‌جبال از ۲۰۰۰ مترمتجاوز نیست.

کوهای جنوبی چاکائی:

این سلسله سرحد افغانستان و بلوچستان را درطول ۱۵۰ کیلومتر تشکیل میدهد عرض اوسط آن نهایت الامر بالغ بر ۵۰ کیلومتر است . قلهٔ معروف او که بر بلك تیزمان حاکمیت دارد ۳۰۰۰ متر بلندی دارد .

میرجاوه :

چیزی بیشتر بطرف غرب جبال میرجاوه سرمکی . که حصهٔ ازان در خاك ایران واقعست ، این کوه ارتفاع جبال چاکائی مساوی است علاوهٔ کوه حاجی گك کوه خورد بسته در مابین ، کوه بغان و اومایا که سلسلهٔ کوه کاملست کارا کوه ، شبال کوه بابا کوه کوچکست ، کره و الا کوه خورد بست بجنوب مشرق هزاره جات شمال کوه سفید غربی گذشته بران درحصص مختلفهٔ افغانستان جبال خورد خورد دیگرنیز وجود دارد .

جنگلات طبیعی افغانستان

جنگلات طبیعی تقریباً در اکثر حصص کوهستانی افغانستان وجود دارد تنها نقاطیکه از جنگلات وسیع و مهم عاریست کوهای جانب غربی افغانستان است . کوهای سمت مشرق و هندوکش شرقی وجبال سمت جنوبی وغالب قسمتهای جبال بدخشان وقطغن و کنارامو وغیره بطوری جنگلات مهم وانبوهی را تشکیل میدهد که در بعض حصص صفحات و بغلهای جبال و پشتها از اتصال جنگلات و اشجارخود رو تماما پوشیده شده واین جنگلات اساساً بدو حصه مهم سوا میشود ثمر دار وغیر ثمردار مثلاً کوه قره باتر ، کوهای نهرین ، دوشی کیله گی ، غوری ، تاله برفك ، نیك پی عبر کوه خان آباد ، درهٔ اشکمش ، کوه ممئی ، تالقان درقطغن و جبال کشم ، درایم ، چاآب حصص جرم وغیره در بدخشان علاوه بر دیگر اشجار کوهی پسته فراوان دارد که از حاصلات پسته و بزغنج آن اهالی استفاده خوبی مینمایند .

همچنان جنگل پسته مهمی در حصهٔ شمال مغرب خاك وطن به علاقهٔ قلعهٔ نو هرات موجوده است که در اهمیت و وسعت خود نظیر جنگل پسته ولایت خان آباد میباشد .

جبال پنجشیر ، نجراب ، تگاب ، نورستان ، کنرها ، سپین غر ، جبال حاجی جکی ، منگل ، میلتوه طوطاخیل ، جدران ، ارگون ، تنی ، درگی ، زمبر ، لندر ، کربز وغیره نیز دارای هرنوع درختها است که جلغوزه ، املوك ، جوز ، بادام ، انگور ، سیب وغیره از قسم ثمردار ، نشتر ، ارچه بلوط ، سرو ، کاج وغیره از نوع بی ثمر درانجاها بکثرت وجود دارند اشجار این حصص البته اشجار غیر مثمره وچوبهای عمارتی قابلیت دارند ولی چون اندازه ومقدار جنگلات وطن عزیزما تاحال باصول فنی پیمایش نشده ازان رو راجع بکیفیت تمام جنگلات مذکور عجالتاً معلومات کافی داده نمیتوانیم تنها ازانجمله جنگلات هائی مواضعیکه تحت اندازهٔ مهندسی آمده ذیلاً ازان ذکری مینمائیم :

تمام جنگلاتیکه قابل استفاده است و بدامنهٔ هندوکش از (۲۰۰۰ — ۲۴۰۰) متر ارتفاع واقع شده در مقابل آن جنگلات سمت جنوبی از ۶۰۰ تا ۲۴۰۰ متر وجود دارد ، جنگلات نقاط پست سمت مشرق نظر بارتفاع جنگلات سمت جنوبی باندازهٔ ۳۰۰ متر پایان تر است جنگلات جنوبی اشجار برگه دارکه درتحت آن جنگل خار داروجود دارد عبارت است از درخت بلوط سنگی ، چهارمغز ، انار ، سیب خود رو ، والیسی (قسم پسه کوهی) بادام ، انگور جنگلی ، توت کوهی ، اهورت ، (نوعی از چوب است مابین چهارمغز و بلوط) نشتر ، زردالو ، سرو ، شی بال ، جلغوزه ، چنار ، عناب ، انجیر وغیره .

اکثر جنگلاتیکه در نورستان و کنر موجود می شود درختهای آتی است :

ارچه ۵۵ فی صد — نشتر ۲۰ فی صد — کزهماله ۲۰ فیصد — کرب هماله ۲۰ فیصد — جلغوزه ۵ فیصد

تمام اقسام اشجار مذکور درجبال نورستان و کنر ازیکساله تا ۴۰۰ ساله وجود دارد . قطر آنها مختلف و از ۲ تا ۵ متر تعداد وسعت جنگلاتیکه تحت پیمایش آمده وما آنرا (۱۰) فیصد تمام جنگلات افغانستان تخمین میکنیم بقسم

علاقه					
علاقهٔ کنر	۱۸۰۰۰ هکتار		==	۱۸۰	مربع کیلومتر
» جنوب بارکندی	۱۲۰۰۰	»	»	۱۲۰	» »
» شمال بارکندی	۱۱۰۰۰	»	»	۱۱۰	» »
» گرسالك	۳۹۰۰۰	»	»	۳۹۰	» »
» پارون	٤۹۰۰۰	»	»	٤۹۰	» »
» کامدیش	۱۸۰۰۰	»	»	۱۸۰	» »
» علاقهٔ باشگل	۱٤۰۰۰	»	»	۱٤۰	» »
» هشم ری کوت	۱۰۰۰۰	»	»	۱۰۰	» »
» اسمار	۲۳۰۰۰	»	»	۲۳۰	» »
مجموع	۱۹٤۰۰۰	»	»	۱۹٤۰	» »

بطور اوسط از قرار نقشه و اندازهٔ ، جنگلات این نقاط در فی هکتار از ٤۰۰ تا ۸۷۰ مکعب متر چوب را دارا است که باین حساب مقداری چوبهای علاقه جات مذکور قرار ارقام ذیل حاصل دارد ،

علاقه	مکعب فوت			مکعب متر	
علاقهٔ کنر	۱۰۳۶۸۰۰۰	مکعب فوت	ـ	۲۸۸۰۰۰۰	مکعب متر
» جنوب بارکندی	٦۹۱۲۰۰۰۰	»	»	۱۹۲۰۰۰۰	»
» شمال بارکندی	۷۹۲۰۰۰۰۰	»	»	۲۲۰۰۰۰۰	»
» گرم سالك	۲۸۰۸۰۰۰۰۰	»	»	۷۸۰۰۰۰۰	»
» پارون	۲۸۲۲٤۰۰۰	»	»	۷۸٤۰۰۰۰	»
» کامدیش	۷۷۷٦۰۰۰۰	»	»	۲۱٦۰۰۰۰	»
» باشگل	٦۰٤۸۰۰۰۰	»	»	۱٦۸۰۰۰۰	»
» بری کوت	٥۷٦۰۰٦۰۰	»	»	۱٦۰۰۰۰۰	»
» اسمار	۱۳۲٤۸۰۰۰۰	»	»	۳٦۸۰۰۰۰	»
مجموع	۱ر۱٤۳ر۳٦۰ر۰۰۰	»	»	۳۱ر۷٦۰ر۰۰۰	»

جنگلات سمت جنوبی بشرح اشجاریکه فوقاً ذکر شد از کوه جاجی تا حدود مرغه و برمل و سرحد وزیرستان بطول ۱۰۰ کیلومتر و عرض اوسط ۱٥ تا ۲۰ کیلو متر اشجار ثمردار و چوب مهم عمارتی دارد که از اجمله تنها منطقهٔ جاجی بقرار اندازهٔ صحیح بقدر ۰۰۰ ر۳۱۲ ر۱۸ مکعب متر یا ۰۰۰ ر٦۳ ۰ ر٦٤۷ مکعب فوت دارای چوب میباشد که متباقی حصص سمت جنوبی و دیگر جنگلات افغانستان تا کنون تحت مساحت و اندازه نه آمده در ینجا تنها از آن ها فقط نام برده شد ،

علاوه بر جنگلات مذکور نیستانها و چوب گز و بید خود رو در قندوز و کنار دریای امو و جزیرهٔ در قد وکا رهلمند ، ترلك ، دریای اندراب بفاصله های معین در هر هر موضع وجود دارد که طبعاً اهمیت آن بنسبت جنگلات حصص کوهی کمتر و محل بود و باش حیوانات وحشی از قسم شیر اگراز وغیره و طیور دشتی و جنگلی میباشد از ین نوع جنگلات عجالتاً اهالی برای سوخت و کیه باف وغیره استفاده مینمایند .

بندها و تالابهای طبیعی افغانستان

بندها و تالابهای طبیعی در هر حصهٔ افغانستان وجود دارد که منشأ غرض آبهای دریاها و برخی مترادف آنها واقع گردیده مثلاً تالابهای هندوکش که موضع بوضع دیده می‌شود محل نبعان دریاها و آبهای کوهی قرار گرفته هرگاه سرچشمهٔ یک دریا از رودهای مربوط هندوکش را انسان تعقیب میکند اخیراً یکی از همین تالابهای طبیعی منتهی میگردد اما چون مبنی بحث ما بر اختصار است درینمورد اگرچه ناقص میباشد از بند آبهای قسم دوم آن در ذیل نام می بریم :

آب ایستادهٔ غزنی : این تالاب چنانچه ذکر شد مقر آبهای دریای غزنی و دریای زرمت و آب های سیلابی کتواز بوده بر سطح بلند گلزانی بفاصلهٔ تقریباً ۱۲۰ کیلومتر جنوباً از غزنی و بارتفاع ۲۳۰۰ متر بجنوب شرق مقر وقوع دارد محیط این تالاب زیاده از ۷۰ کیلو متر و عمق آن ٤ متر است ، در وسط خود یک جزیرهٔ خوردی تشکیل میدهد که محل لانهای طیور آبی میباشد آب این تالاب شور و اراضی اطراف آن شوره زار و غیر مزروع است در موسم زمستان که آب آن یخ بسته میکند اهالی اطراف بالای یخ گذشته از خشکهٔ وسطی و برخی مواضع تنک آب آن اقسام مرغها را شکار می نمایند .

تالاب نور : تالاب نور بفاصلهٔ ٦۰ کیلومتر از غزنی در غرب قره باغ و بجنوب نی قلعه بدامنهٔ کل سکره واقع است ، در موسم بهار تالاب مذکور موضع شکار پرندگان بوده بدور ادور آن سبزه های زیاد می روید محیط این تالاب بیش از ۱۰ کیلومتر و عمق آن به ۳ متر اندازه می شود .

هامون زره : هامون زره در جنوب مغرب افغانستان و به شمال غرب چخانسور کائن است سطح آن تقریباً به ۱۷٦ کیلومتر میرسد و در موسم سیلابی دریا ها باندازه توسیع می‌یابد که با هامون سوران یکی می شود .

هامون سواران : هامون سواران بشرق جنوب هامون زره وقوع دارد آبهای خاشرود ، فرارود و دریای هاروت دران می‌ریزد سطح و محیط هامون سواران بعد از قطع سیلابهای موسمی تقریباً به ثلث هامون زره می رسد .

بنداب سیستان : بنداب سیستان در موسم قطع سیلابها بطول ۱۰۵ کیلومتر و عرض ٤۹ کیلومتر تقریباً مقر آبهای دریای هلمند است ، دو بنداب اول الذکر بیزگاه گاهی بسبب تجمع آبهای سیلابهای موسمی توسیع یافته به این بنداب شامل میگردد در قدیم بنداب مذکور بر تمام سیستان حاوی بوده حالافقط بیشتر حصهٔ آب آنرا دریای هلمند تهیه میاید عمق آن با اینکه دریای هلمند در قسمت شمال این بنداب گل وریگ فراهم میکند از میدانهای اطراف بقدر ۱۲۰ متر است .

تالاب ناهور : این تالاب بقسمت شمالی دشت هموار ناهور بفاصله ٤٥ کیلومتر تقریباً در غرب غزنی وقوع دارد طول آن ۱۰ کیلومتر و عرض آن از ۲ تا ۳ کیلو متر است عمق تالاب ناهور متفاوت چنانچه بقرب کنارها یکمتر و در وسط و قسمت شمال خود به ۳ متر میرسد .

این تالاب را چمن سرسبز ناهور از هر طرف در بر گرفته و در اطراف آن سبزه تا یکمتر قد می کشد آب این تالاب سیاه رنگ یعنی با لوش مخلوط است ، در موسم بهار تالاب ناهور محل شناوری اقسام مرغهای آبی از قبیل ، قو ، قاز ، کلنگ ، مرغابی و دیگر جانوران میباشد طوریکه از تالاب مقر (آب استاده) و تالاب نور پرواز می‌کنند درین تالاب می نشیند حتی در کنار آن نظر بهمواری دشت از دور اقسام مرغهای بنظر می‌آیند .

کول شیوه : کول شیوه تقریباً ۸۸ کیلومتر بجانب شمال زیباك و ۳۰ کیلو متر طرف جنوب درواز درحالیکه دریای پنجه بطرف شرق جنوب چرخ زده و یك مثلث حادالزاویه را تشکیل میدهد واقع است طول این تالاب تقریباً ۲۱ کیلو متر وعرض آن از ۱۴ تا ۱۷ کیلو متر اندازه می شود عمق این تالاب ازیك تا ۳ متر متفاوت بوده رنگ آن نیلگون وخوش مزه است . آب آن از تمام جوانب بچمنهای سرسبز و خرم احاطه شده در اطراف آن علف تاکمتر بلندی شود دوردادور این تالاب ایلاقهای تابستانی مردمان مالدار قندهاری وقطغنی بوده . این تالاب بشمولیت وادی سرسبز آن چون درجوار سطح بلند پامیر واقع است شدیداً سرد وبیش از سه و نیم ماه قابل ستقامت مردم مالدار ایلاق نیست تالاب شیوه دارای اقسام مرغهای آبی بوده بهترین شکارگاه تابستانی ولایت بدخشان شمرده می شود .

تالاب قندوز: تالاب قندوز قبل از تعمیر خان آباد دخیلی وسیع و از جنگلهای انبوهی احاطه شده اطراف آن تماماً قرارگاه حیوانات وحشی ازقبیل شیر، گراز ، سیاه گوش ، قره قلاق بود طول آن ۴۰ کیلومتر متوازی دریای خان آباد وعرض آن از ۵ تا ۷ کیلومتر ازچوغه اغاز وغرباً تا شورتپه زیرقندوز امتداد داشت در زمان حاضر بسبب کثرت نفوس در قطع جنگلات وخشکانیدن آب این برکه وسایل لازمه استعمال شده فعلاً اگرچه طول آن به ۲۰ وعرضش از ۲ تا ۳ کیلومتر میرسد اما زارعین وطنی از عرض آن جوهای متعددی بطرف حوضهٔ دریای خان آباد که درجناح شمال آن جریان دارد کشیده اند بنابران درمواضع متعدد عرض آن را ازهم منفصل ساخته عبور ومرور ازان ممکن است ولی با وجود آن دراکثر جاها عمق آن از ۳ متر زاید است .

تالاب بغلان : این تالاب بفاصلهٔ ۹۰ کیلومتر در غرب جنوب قندوز واقع ومحیط آن از ۸ کیلومتر زاید است عمق آب این کول از ۲ تا ۳ متر وتماماً محل شاوری مرغهای آبی میباشد آب آن زرد رنگ وخوش مزه ودورادور آن نیزار وچمن است .

تالاب اشکمش : تالاب اشکمش بفاصلهٔ ۶۰ کیلومتر در جنوب خان آباد مرکز نایب‌الحکومگی قطغن شرقاً وغرباً طولانی وقوع دارد عمق آب آن از یك تا ۳ متر ومحیط آن بر ۱۵ کیلومتر بالغ میباشد ، این تالاب نیز مانند دیگر تالابهای افغانستان اقسام مرغهای آبی دارد و دراطراف آن چنان چمن های سرسبز بعمل می آید که درطول سال گله های اسپ ودیگر مواشی دران می چرد .

تالاب غوری : این تالاب از بغلان بفاصله ۳۰ کیلو متر غرباً بساحل چپ دریای غوری از جنوب بشمال ممتد است عرض آن از یکنیم تا ۲ کیلومتر وطول آن تقریباً به ۷ کیلومتر می رسد در قسمت شمال این کول جنگل غلوی وجود دارد که محل اقسام طیور آبی ودشتی وگراز های وحشی می باشد عمق آب این تالاب درحصص وسطی تاسهمتر میرسد ودرکنارهای آن به اسپ گشتن ممکن است ـ تالاب غوری بهترین شکارگاه ولایت قطغن بوده درهر موسم سال باین موضع میله های شکار مرغ منعقد می گردد وطرز شکار اینطور معمول است که از یکطرف جنگل را آتش می زنند بنابران حیوانات ومرغهای دشتی گله گله ازجنگل خارج گردیده سوارات وصیادان درچمنهای اطراف وشالی پایه ها راه گریز آنها را بسته بوسیله نیزه وتفنگ حیوانات وطیور مذکور را شکار می کنند.

کول پامیر : کول پامیر در دهنه وتنگنای پامیر خورد یا پامیر شور واقع است مجری آب دریای پامیر از جناح شمال آن می گذرد . این کول تقریباً بشکل مستطیل فتاده عرض آن تقریباً ۹ کیلو متر وطول آن به ۱۸ کیلومتر بالغ است . ولی چون این تالاب دراقتهای لندی سطح مرتفع پامیر واقع می‌باشد آب آن در غالب قسمت سال منجمد می‌باشد ودراطراف آن ببیه

...بیرها نباتات نی روید .

تالاب غور : تالاب غور بفاصلهٔ تقریباً ٦ کیلومتر در شرق مجری ابتدائی دریای خاش رود وقو
عرض این تالاب ٥ کیلومتر وطول آن ٧ کیلومتر محیط آن ر ٢٤ کیلومتر بالغ ا
اطراف این تالاب چمن سر سبز وآب آن محل شناوری مرغهای آبی است .

کول جنگک هرات : این تالاب بفاصله ١٢ میل بطرف جنوب شهر هرات واقع وطول آن ١٤ ک
عرض اعظم آن از ٣ ونیم الی ٤ کیلومتر واکثر عمق آن بچهار متر میر
دراطراف خود سبزه ها ونی زار ها تشکیل داده اقسام مرغان آبی دارد .

گذشته بر تالاب های فوق الذکر بطوریکه مذکور شد در هر حصه افغانستان تالابهای خورد خورد
هم وجود دارد که محیط بعضی از آنها بطور اوسط الی ١٠ کیلومتر میرسد از انجمله باتلاقهای تالقان ، بندآ
دوشی کیله گی ، اشکارآباد و باتلاقهای رباط غوریان هرات ، شهرک ، جوین هرات دیزنگی مثلا
وزیر آباد ، بگرامی ، سیاسنگ که عقب بالاحصار کابل ، حوض خاص پغمان ، باتلاق چهار آسیاب قابل ذکر ا

بند های طبیعی : بند های طبیعی در افغانستان زیاد اند که مشهورترین آنها بند امیر هزاره جات ا
چندین رودخانهٔ داخلی مانند هجده نهر را نیز از آب های ذخیرهٔ این سد جریان ی

آبشار ها

آبشارهای طبیعی نظر بوجود مناطق کوهستانی و پستی ها و بلندی های متناسب وغیر تدریجی درافغ
زیاد است که از جملهٔ آبشار های طبیعی معروف آن آبشار تنگ غارو و آبشار های پنجشیر و آبشار اندهای
ومابین خان آباد وقطغن و آبشار خواجه غار پچه غان و آبشار های اندراب و آبشار درهٔ غوث تحراب
تالاب شب میانه سرچشمه می شود و آبشار فرزهٔ کوهدامن و آبشارهای نقاط متعدد هزاره جات و نورستان
وبدخشان میباشد
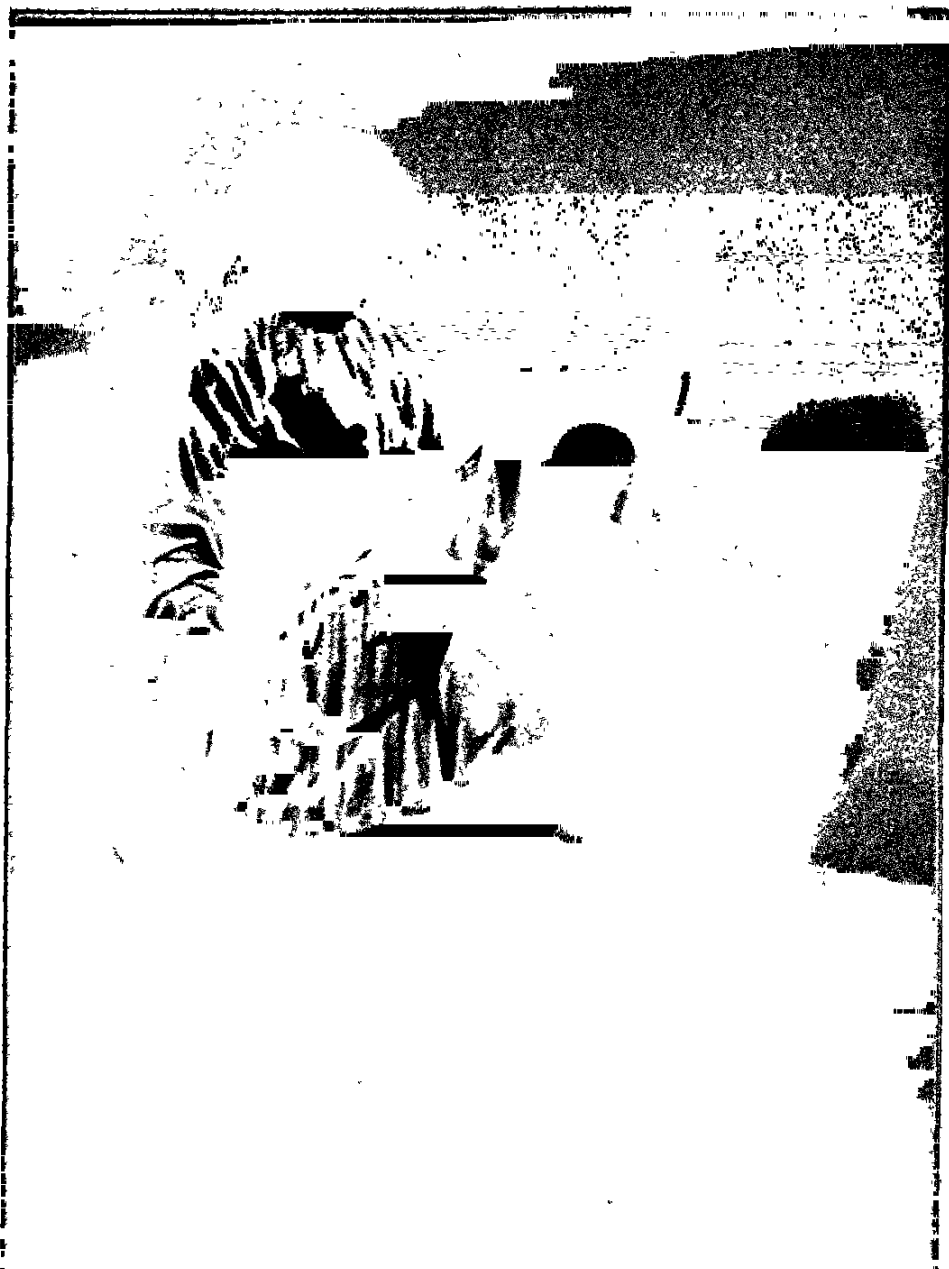
نمونهٔ از قشون ملی افغان در قرن نزدهم
Type de Guerrier Afghan du 19 ém Siécle

معادن افغانستان

آقای محمد احسان خان

بقلم آقای محمد احسانخان معدن شناس
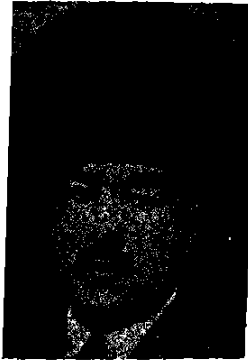
ظاهر است که ترقیات یک مملکت و تأمین ثروت ملی آن وابسته با استحصالات و گرفتن منافع از امور زراعتی و فلاحتی و بکار انداختن ثروت های کانی همان مملکت بوده چنانچه اکثر از ممالک دنیا باین مسئله اهمیت زیاد داده و بالآخره در سایهٔ کوشش و زحمات اجتماعی بدرجهٔ اعتلا و ترقیات محیرالعقول نایل شدند

حکومت متبوع و مقدس ما نیز در همچو مسایل توجهٔ خصوصی فرموده و در ضمن پروگرام وسیعیکه در تمام شعبات فنی و بکار انداختن قوای اقتصادی وطن عزیز ما در نظر گرفته است، راجع به معاینهٔ فنی معادن مکشوفهٔ سابقه و اکتشاف معدنیات تازه و استحصال شان بذریعهٔ ماشین های جدیده بذل مجاهدت میورزد.

باثر همین توجه و تشویق حکومت، ارباب حساس این کار در تحت امور کشف معادن برآمده یک عدهٔ معتنابهٔ معدنیات را از مواضع مختلف کشف و حسن خدمت ملی خود ها را ثابت ساخته و روز بروز حس وطن پرورانهٔ شان بر عدهٔ معادن مکشوفه میافزاید

در نتیجهٔ تحقیقات و کشفیات به تجربه رسیده که وطن عزیز ما از حیث داشتن ثروتهای طبیعی و منابع کانی حایز درجهٔ بلندی میباشد و از مواد کانی و فلزی کمتر چیزی خواهد بود که در خاک وطن مقدس ما یافت نشود

معدنیاتیکه در اثر اتفاقات کشف یا در این سالها اصولاً از طرف وزارت تجارت مکشوف گردیده و نمونه های هریک به مدیریت عمومی معادن رسیده است جملتاً ۵۷۱ معدن میباشد که در نتیجهٔ جمع آوری و تحلیل و تجربهٔ متخصصین فنی ۲۹۹ معدن آن کارآمد و قابل استفاده میباشد و باقی آن در نتیجهٔ معاینه و عملیات فنی عقیم و غیر مفید ثابت شده است.

اینجانب فهرست معادن مکشوفه مفیده و مشهور افغانستان را با تشریحات لازمهٔ آنها بترتیب در ذیل متذکر میشوم.

شمارهٔ عمومی معادن ازینقرار است:

نقره ۲ معدن		آهن ۷۲		مس ۱۰۳		سرب ۱۶		جست، قلعی، سرمه ۱۰		ذغال سنگ ۳۳		گرافیت ۱۱	
مفید	غیرمفید	مفید	غیرمفید	مفید	غیرمفید	مفید	غیرمفید	مفید	غیرمفید	مفید	غیرمفید	مفید	غیرمفید
۲	۰	۴۶	۲۶	۶۳	۴۰	۱۰	۶	۱۰	۰	۲۴	۹	۸	۳

نفت ۱		بیتومن ٤		گوگرد ۲۲		ابرک ۲۵		سنگ ریشه ۲۱		سنگ لشم مقصود ٥		سنگ مرمر ۱۹	
مفید	غیرمفید	مفید	غیرمفید	مفید	غیرمفید	مفید	غیرمفید	مفید	غیرمفید	مفید	غیرمفید	مفید	غیرمفید
۱	۰	۳	۱	۱۶	٦	۱۲	۱۳	۱٥	٦	٤	۱	۹	۱۰

رخام ۳		چونه ۱۵		گچ ۶		نمک ۱۱		بیل‌طوطیا ۲		زاك ۷		نوشادر ۳	
مفید	غیرمفید	مفید	غیرمفید	مفید	غیرمفید	مفید	غیرمفید	مفید	غیرمفید	مفید	غیرمفید	مفید	غیرمفید
۳	۰	۱۰	۵	۶	۰	۸	۳	۲	۰	۶	۱	۳	۰

ترکیبات المونیوم ۲		نیکل ۲		منگانیز ۲		یاقوت و امیتست ۱۰		یشم ۱		لاجورد ۱		کوارتز ورنگهای معدنی پرلو وغیره ۱۶۰	
مفید	غیرمفید	مفید	غیرمفید	مفید	غیرمفید	مفید	غیرمفید	مفید	غیرمفید	مفید	غیرمفید	مفید	غیرمفید
۱	۱	۱	۱	۲	۰	۴	۶	۱	۰	۱	۰	۲۶	۱۳۴

نقره : (Silver)

نقره از فلزات ذیقیمت بوده و از قدیم الایام شناخته شده ودر دوره های تاریخی برای ضرب سکه بکار میرفته است ، وروز بروز قیمت آن نسبت به طلا تنزل میکند

درحالت طبیعی بطور خالص بصورت گرد یا قطعات خیلی بزرگ که گاهی صدها کیلوگرام وزن دارد یافت میشود ترکیبات کانی نقره عبارت است از کیلوراید های نقره و مهم تر از همه سلفاید ها (Sulphides) نقره که ندرتاً خالص وغالباً به نسبت های مختلف با گوگرد ، سرمه ، آرسنک (سم الفار) آهن ، مس وغیره مخلوط میباشد ، بعضی از ترکیبات معدنی سرب و مس نیز مقدار کمی نقره دارند .

یکی از ترکیبات معدنی مهم نقره آرجنتیت (Argentite) میباشد بفرمول (Ag_2S) که دارای رنگ سربی سیاه مایل وتا (۸۷) فیصد نقره دران شامل است .

معادن نقره :

یك معدن مهم نقره در سطح مرتفع شیوه علاقهٔ بدخشان میباشد ، در ازمنهٔ قدیمه نقره را ازسر وادی پنجشیر استخراج میکردند ، ترکیبات معدنی نقره دار درموضع غوربند بسیار دیده میشود ، در بعضی حصه‌های هندوکش ومخصوصاً درعلاقه هزاره جات معادن مهم نقره وجود دارد .

آهن : (Iron)

آهن از نقطهٔ نظر اهمیت در تمدن امروزی بشر درجه اول را حائز است ، وانسانها آنرا در ده قرن قبل از میلاد حضرت مسیح ع شناخته اند ، کشف واستعمال آن درصنعت علت اصلی ترقی بشر گردیده وبنیز دورهٔ آهن شامل حیات تاریخی بشر بوده وتا امروز دوام حاصل کرده است

آهن درطبیعت بمقدار زیاد موجود است ولی بطورخالص یافت نمیشود ، معمولاً آهن باجزای خارجی ترکیب شده احجاری میسازد که آنرا سنگ معدنی می‌نامند وازهمین سنگها آهن استخراج کرده میشود ، مهمترین دستهٔ ، ترکیبات معدنی آهن اوکسایدها (Oxides) وکاربنات های آهن (Carbonates) میباشد از قرارذیل :

۱ — آیرن اوکسایدمقناطیسی بااصطلاح علم‌معدن‌شناسی مگنیتیت (Magnetite) بفرمول (Fe_3O_4) که مقدار آهن آن ازکلیه ترکیبات طبیعی بیشتر و(۷۲) درصد میباشد .

۲ — آیرن اوکساید بفرمول (Fe_2O_3) که بزبان علم معدن شناسی آیرن گلنس (Iron glance) وهیمتیت (Hamatite) نامیده میشود وبه الوان مختلف سرخ ، زرد ، قهوهٔ وغیره موجود است .

۳ — آیرن کاربنات یاسدرت (Siderite) بفرمول ($FeCO_3$) که از بهترین ترکیبات معدنی آهن است .

معادن آهن :

۱ — معدن آهن قسم مگنیتیت (یعنی آهن مقناطیس) بسمت غربی دامنهٔ کوه پغمان در بالائی حصهٔ کوتل سهیل که یکی از بهترین معادن آهن افغانستان و ۷۲ فیصد آهن خالص دارد .

۲ — معدن آهن (قسم رید آیرن اور) در کوه غار موضع جبل السراج که از فابریک برق تقریباً ۲ کیلومتر فاصله دارد و مقدار آهن در آن از ۵۰ تا ۷۰ فیصد است

۳ — معدن آهن (قسم آهن مقناطیس) در کوه خاک لبه موضع ده سبز که دارای (۷۲) فیصد آهن میباشد علاوتاً آیرن پیریت نیز در کوه خاک لبه طرف مشرق حوض خاص وجود دارد .

۴ — معدن آهن (قسم آهن مقناطیس) در کوتل خاواک پنجشیر معدن مفیدی دارد

۵ — معدن آهن (قسم آهن مقناطیس) در قول مار حکری بطرف جنوب قلعهٔ آخند زاده محمد عثمان خان که (۷۲) در صد آهن دارد .

۶ — معدن آهن (قسم آهن مقناطیس) در کوه قبهٔ خواجه صاحب ، علاقهٔ کمری که دارای اهمیت زیاد میباشد

۷ — معدن آهن ، در کوه شاخ برنی که معدن مفیدی دارد .

۸ — معدن آهن (قسم آیرن سلفاید) در کوه بدره که نمونهٔ آن مفید و کار آمد است .

۹ — معدن آهن ، در موضع لولنج غوربند و دارای اهمیت است

۱۰ — معدن آهن (قسم آهن مقناطیس) در ارغنده علیا جانب غرب کافر قلعه که نمونهٔ آن مفید ثابت شده است .

۱۱ — معدن آهن ، در تیجدره بطرف جنوب بت حوض و هم بدرهٔ میاداد میباشد که نمونه های آن در نتیجهٔ جمع آوری مفید ثابت شده

۱۲ — معدن آهن (قسم آهن مقناطیس) در کوه حدود کابل بطرف شمال قلعهٔ شهسوار که نمونهٔ مفیدی دارد و نیز معدن آن در سر کوه به فاصلهٔ ۶ کیلومتر جانب مشرق مار حکری یافت شده است .

۱۳ — معدن آهن (قسم همیت) در موضع رخهٔ پنجشیر معدن مفیدی دارد

۱۴ — معدن آهن (قسم آهن مقناطیس) در موضع کوه دشت موسهی لهوگر که دارای (۷۰ فیصد) آهن میباشد.

۱۵ — معدن آهن (قسم آهن مقناطیس) در کوه سچین دف کوت عمرزی علاقهٔ میدان .

۱۶ — معدن آهن (قسم آیرن پیریت) در کوه شاه بلای آسا ، موضع پنجشیر و آهن (قسم رید آیرن اور) بدهن درهٔ پنجشیر بمقدار وافر بنظر می آید .

۱۷ — معدن آهن ، در کوه اله له موضع غارهٔ کوهدامن و از ۳۰ تا ۴۰ فیصد آهن دارد .

۱۸ — معدن آهن ، در کوه پارانده موضع دزارك پنجشیر که مرکب با مس و تقریباً تا ۸ فیصد مس دارد.

۱۹ — معدن آهن ، در کره جدران بجانب غرب علاقهٔ وزگی و نمونهٔ آن فایده آور است .

۲۰ — معدن آهن (قسم آهن مقناطیس) در کوه شاقول شبرداغ و دارای فلز مس و نمونهٔ آن خیلی مفید ثابت شده است .

۲۱ — معدن آهن ، در سرخ کوتل بطرف شمال قریهٔ ده سرخ هرات و (۷۰) فیصد آهن دارد .

۲۲ — معدن آهن (قسم آهن مقناطیس وهمیت) در میان سیاه تپه و فراخلوم علاقهٔ بهسود معدن عمده دارد که دارای (۵۰) فیصد آهن میباشد .

۲۴ — معدن آهن (قسم آهن مقناطیس) در کوه سنگ زرد علاقهٔ شوار سمت مشرق و تا (۷۰) فیصد آهن دارد .

۲۴ — معدن آهن ، در کوه شاه مسعود بطرف جنوب لاش مرغان ولایت قندهار که معدن مفیدی دارد .

۲۵ — معدن آهن ، در شبلهٔ کوه بچهٔ کرخ ولایت هرات که فلز سرب نیز دران شامل است .

۲۶ — معدن آهن ، در سیاه کوه سمت مشرق و رگ آن از حدود کشکک تاپل درونته امتداد دارد .

۲۷ — معدن آهن ، در موضع علاقه داری گلستان و کوهستان مربوط حکومت اعلی فراه .

۲۸ — معدن آهن ، بفاصلهٔ ۵ کیلومتر بجانب شمال مشرق بهارک (علاقه بدخشان) واقع است ، علاوتاً موضع چهارده معصوم ، وتنگی للندر ، وکوه ده مرنگ کابل ، وکوه سالات لغمان ، وبامیان ، وارزگان وکالو ودرهٔ صوف (مزار شریف) ، وده دادی ومقر وموضع خاك ریز قندهار ، ومواضع قطغن ، وغیره علاقه های افغانستان نیز دارای معادن مهم آهن میباشد .

مس : (Copper)

صنعت استخراج مس درغالب نقاط عالم در ترق است ، مواد کانی مس درطبیعت فراوانند و بهترین آنها عبارت است از کاپر اوکساید یا کوپرت Cuprite بفرمول Cu_2O وکویلن Covelline بفرمول CuS ملاچت وآزورت ملاچت: $(CuOH)_2CO_3$ آزورت: $(CuOH)_2CuCO_3$ ولی ترکیب معدنی مهم مس عبارت است از کاپر گلنس Copper glance بفرمول Cu_2S که گاهی تقریباً خالص و تا (۸۰) درصد مس دارد ودیگر از ترکیبات مهمهٔ این فلز پیریت های مس را میباشد از قبیل کاپر پیریت (Copper pyrites) پیکاك کاپر (Peacock copper) وبورنت (Bornite) وغیره که ترکیبی هستند از کاپر سلفاید وآیرن سلفاید واکثر به فلزات دیگر نیز به نسبت های کم از قبیل جست، نقره ، آرسنك وغیره در آنها یافت میشود، کاپرپیرت بفرمول ($CuFeS_2$) نسبت دیگر ترکیبات کانی مس بمقدار زیاد یافت میشود بهمین جهت برای استخراج مس دارای اهمیت زیاد میباشد .

معادن مس :

معادن مس در افغانستان بکثرت یافت میشود ، مواضع آن ازینقرار است :

۱ — معدن مس در کوه جرغاق کهنه خمار میدان معدن مهم وذخیرهٔ بزرگ مس موجود است که یك معدن قدیمه ودارای اهمیت معدنی بوده تقریباً همه اقسام ترکیبات کانی مس دران یافت میشود .

۱ — معدن مس ، درکوتل خاواك پنجشیر ، معدن عمده دارد .

۱ — معدن مس (قسم کاپر پیرت) درفرنجل غوربند معدن مهم دارد که نقره نیز ازان حاصل میشود .

۱ — معدن مس (قسم کاپر پیرت وغیره) در کوه کرکری وکوه سیاه پینی وکوه سرخ مارشیوه کی وکوه یخدره وکوه منارچکری وقول مشنگی (زیر منارچکری) وکوه یخك وزیر کوه حسین خیل علاقهٔ خورد کابل پیدایش دارد که نمونه های هریك درموزیم خانهٔ معدنی برای نمایش گذاشته شده است .

— معدن مس (قسم کاپر پیریت) درموسهی لوگر سر کوه گندره که تقریباً (۱۵) فیصد مس دارد .

— معدن مس (قسم کاپر پیریت) درموضع جبر علی پنجشیر وهم درموضع تاواخ پنجشیر یافت شده است .

— معدن مس (قسم کاپر پیرت) درموضع چهار آسیا وقسم (کاپراور) درموضع چهل ستون وکوه شیرآباد وجود دارد .

— معدن مس (قسم کاپری پیرت وملاچت) درکوه واصل آباد موجود و دارای اجزای آهن نیز میباشد ، درکوه قرغ وتنگی للندر نیز معادن مس یافت شده است .

۹ — معدن مس (قسم کاپراوکساید) درکوه گل درهٔ کوهدامن یافت میشود .

۱۰ — معدن مس (قسم کاپراوکساید) درکوتل قلیج علاقهٔ کهمرد وهم نمونهٔ مس (قسم کاپرپیرت) از بامیان بدست آمده است .

۱۱ — معدن مس ، در موضع علاقه داری ارغنداب توخی ولایت قندهار.

علاوتاً معادن مهم مس در علاقه های مختلف افغانستان مخصوصاً بدرهٔ صوف و موضع سفیدآب ارزگان وقندهار و مقر وکوهستان جنوبی هرات ونهرین و جلال آباد بکثرت وجود دارد.

سرب : (Lead)

سرب در طبیعت بصورت پلمبوم سلفاید یا گلینت (Galenite) بفرمول PbS و پلمبوم کاربنات یا سیروزت (Cerussite) بفرمول $PbCO_3$ و غیره یافت میشود .

معادن سرب :

سرب در افغانستان معادن مهم دارد ، یك معدن مهم و بزرگ سرب درفرنجل غوربند میباشد که یك معدن قدیمه وچندین مرتبه بکارافتیده است واز ۵۰ تا ۶۰ فیصد سرب دارد

ذخیرهٔ بزرگ سرب درسرك بهسود ورگه های آن سطح زمین ظاهر است تا ۷۵ فیصد سرب دارد علاوه درکوه میان شان ارزگان وموضع مومن قول شیرداغ وکوه غندك وکوه چهل آخورك علاقهٔ کهمرد ونهرین وجرم وعلاقه جات قطغن ودرهٔ صوف وموضع قلعهٔ بی بی گوهر (خاکریز قندهار) و در موضع سرخ درهٔ یکاولنگ وعلاقهٔ میدان ونواحی هرات و موضع تنگ کران و نزدیك اسکادر (علاقهٔ بدخشان) معادن سرب موجود است ، نمونهٔ فلز سرب بسیار اعلی که درنتیجهٔ تحلیل اجزای نقره دران شامل است از موضع زیارتگاه حضرت سید شاه ناصر (علاقهٔ بدخشان) دستیاب شده .

جست ، قلعی ، سرمه: (Zinc, Tin, Antimony)

ترکیبات معدنی جست عبارت است از سفالیرت (Sphalerite) بفرمول Zn S و کالامین (Calamine) بفرمول Zn CO_3 وزنکت (Zincite) بفرمول ZnO وزنك سلیکات وغیره .

معادن جست :

ترکیبات معدنی جست درفرنجل غوربند ، وموضع بلخاب وهزاره جات ، وبامیان ، یافت میشود ، علاوتاً خاك جست از علاقهٔ ژوب استخراج ودرصیقل گری بکارمیرود .

ترکیب معدنی قلعی قسم کیستریت (Cassiterite) درمرتفع ترین نقاط کوهها بین صوفیان وشیرگران علاقهٔ بدخشان یافت شده است.

معادن سرمه :

سرمه نزدیك ارغنداب بشمال مغرب کلات غلزائی ، ودرتپه های وردك بشمال غزنی ، ودر وادی غوربند ، وعلاقهٔ یکاولنگ ، ودرعلاقه جات آفریدی ، و غیره علاقه های مختلف افغانستان یافت میشود ، معدن مهم آن درچهل تن نزدیك زیاك وجود دارد .

ذغال سنگ : (Coal)

ذغال سنگ مهمترین ثروت ممالک معدنی است بعد از اواسط قرن نوزدهم اهمیت پیدا نموده ودر اواخر این قرن ریشه واساس اصلی صنعت گردید .

در طبیعت بمقدار خیلی زیاد یافت میشود وتقریباً از ۷۵ تا ۸۰ در صد کاربون دارد، تحقیقات مهمهٔ معرفة الارضی نشان میدهد که ذغال سنگ وذغال های طبیعی دیگر در نتیجه فساد وتجزیهٔ نباتی تولید شده بدینطریق که درا عصار قدیمه نباتات مذکور درتحت اثر سیلاب ها یادرنتیجهٔ تغیر قشر زمین زیر طبقات خاک وریگ وغیره مستورشده وپس از مدت زیاد مادهٔ آلیهٔ نباتی تجزیه شده کاربون آزاد مانده است .

ازمهمترین دلایلیکه فرض مذکوره ثابت میسازد وجود آثار نباتی و برگ ها درروی بسیاری از قطعات ذغال است .

ذغال سنگ بر سه قسم است :

(۱) انتراسیت (۲) لینت (۳) تورب .

۱ — انتراسیت (Anthracite) دارای رنگ خیلی سیاه است وذغالیست که ۹۵ درصد کاربون دارد باشعلهٔ کم وحرارت زیاد میسوزد بهمین جهت در ماشینهای لکوموتیو استعمال میشود .

۲ — لینت (Lignite) ذغالیست متراکم که از ۵۵ تا ۷۵ درصدکاربون دارد ونسجآنمانند الیاف وشبیه به ذغال چوب است ، حرارت آن چندان زیاد نیست ودرموقع احتراق بادود سیاهٔ غلیظ وتعفن زیاد میسوزد، رنگ آن سیاه مائل بقهوه وآثارنباتی دراغلب نمونه های لینت مشاهده میشود، قسمتی از این ذغال موجود است که سخت وسیاه رنگ میباشد .

۳ — تورب (Tourbe) از ۵۰ تا ۶۰ فیصد کاربون دارد، رنگ آن سیاهٔ دودهٔ ودرموقع سوختن بوی امونیاکی متعفن ازان متصاعد میشود ، تورب از تجزیهٔ بعضی خزه ها ونباتات دیگر در تحت اثر تراکم ومحفوظ ماندن از هوا متحجر شده چنانچه در سطح معادن تورب خزه و شکل نباتی دیده میشود .

معادن ذغال سنگ :

درعلاقه های مختلف افغانستان ذغال سنگ بمقدار وافر یافت میشود، چندمعدن مشهور آن از ینقرار است :

۱ — معدن ذغال سنگ ـ درموضع کوتل خاکی علاقهٔ برفک که دارای معدن بزرگ ورگ های متعدد میباشد جنس ذغال آن نهایت اعلی وبرای استخراج ذغال اهمیت زیاد دارد ، رگهای این معدن از موضع تلک وشورستان نیز دیده میشود .

۲ — معدن ذغال سنگ ـ در موضع ایش پشته ک، معدن مهم وذخیرهٔ بزرگ ذغال درانجا بوده ذغال آن بسیاراعلی وتقریباً تا (۷۰۰۰) کیلوری قوهٔ حرارت دارد ، برای استخراج ذغال نهایت مفید است ودروقت ضرورت مقدار ذغال کارآمد مرکز از این معدن تهیه وذریعهٔ موترهای لاری بمرکز حمل و نقل داده میشود .

۳ — معدن ذغال سنگ ـ در موضع فرح گرد غوربند که رگ های متعدد داشته وآثار همین رگها تاحدود کاوپران (علاقهٔ مسرخ ویارسا) دیده میشود ، از مدت دو نیم سال است که بکارافتیده وفعلاً ذغال آن برای مصارف سوخت رولهای بند قرغه وداشهای خشت پزی ومحروقات زمستانی بخاری های دوایر خدمت میکند .

۴ — معدن ذغال سنگ ـ در موضع نهرین (علاقهٔ قطغن) که جنس ذغال آن بسیار اعلی و قوهٔ حرارت آن تخمیناً (۷۰۰۰) کیلوری است و درجنسیت باذغال هند هیچ تفاوت ندارد.

۵ — معدن ذغال سنگ ـ در کوه تیره متصل قریهٔ بخری جدران معدن آن موجود و هم درکوه بر کوتی نزدیک اسپین تخت وکوه تیره شاهی کوت ذغال (زمانهٔ سوم) Tertiair یافت شده است که تقریباً (۴۰۰۰) کیلوری قوهٔ حرارت دارد.

۶ — معدن ذغال سنگ ـ درکوه کرملک علاقهٔ چهل دختران درهٔ صوف یافت شده که تخمیناً (۵۰۰۰) کیلوری قوهٔ حرارت دارد.

۷ — معدن ذغال سنگ ـ درموضع کولهٔ پدری علاقهٔ کشنده مابین خط فاصل درهٔ صوف وبلخاب معدن بزرگ ومعبدی دارد.

۸ — معدن ذغال سنگ ـ درموضع ازری شهیدان حدود لاغرجوی درهٔ کوت، معدن بااهمیت دارد.

۹ — معدن ذغال سنگ ـ در موضع سنجور علاقهٔ کرخ هرات که جنس ذغال آن بسیار اعلی و تقریباً (۷۰۰۰) کیلوری قوهٔ حرارت دارد.

۱۰ — معدن ذغال سنگ ـ درموضع قریهٔ کندلان وحدود چقماق ملاخیل (ارزگان) معدن بزرگ دارد که دارای مادهٔ گرافیت هم میباشد.

۱۱ — معدن ذغال ـ در موضع کرمان حنگلک علاقهٔ دایزنگی که جنس ذغال آن مثل ذغال معدن سرخ گرد غور بند است.

علاوتاً معدن ذغال درمواضع ذیل مخصوصاً درحدود بالاکا گره (علاقه ده بالای شنوار) وکهی شنوار، واز نمله علاقه جلال آباد، واز بوجوی علاقه شیوه، وتاشقرغان، وخوست، ومیمنه بوغوری وموضع قلعهٔ بیگه هزاره جات، ودرواز (علاقهٔ بدخشان) وذغال قسم باقیمانده نباتات در (موضع کارندهٔ سرای خواجه، وقریهٔ داشمند وتیزین، وتنگی ترکی، وغزگی علاقهٔ خورد کابل،) وغیره علاقه جات افغانستان وجود دارد که دربرخی جاها مکمل و دربعضی مواضع خام است.

گرافیت : (Graphite)

متقدمین گرافیت را سهواً سرب میدانستند بعد معلوم باشد که یک جنس کاربون (Carbon) است که در خشندگی شبیهٔ سرب میباشد.

این جنس کاربون بشکل الیاف در احجار قدیمه مانند سنگ خارا وگنیس یافت می شود، دارای رنگ فولادی و درخشندگی فلزی بوده وبرای ساخت پنسل وخمیر کتالی ها وغیره چیزهای مفید مورد استعمال مهم دارد، جوهر باروت را نیز از گرافیت بدست می آورند.

معادن گرافیت :

گرافیت درافغانستان بمقدار زیاد پیدایش دارد، مخصوصاً در استالف، چهاریکار، کوه جو اترد قطباب (قرغه) شاه کابل خورد (علاقهٔ میدان)، کوه سرخی غازه (علاقهٔ کوهدامن) کوه قرغه، چهرآب، بهسود، ارزگان، نهرین، شنوار، وغیره علاقه های وطن عزیز ما معادن عمدهٔ آن کشف شده است.

نفت (تیل خاك) و بیتومن : (Mineral Oil, Bitumen)

نفت را انسانها از قدیم‌الایام شناخته ولی تا نیمهٔ دوم قرن نوزدهم نتوانسته بودند که از ان طوریکه باید
ستفاده کنند.

نفت روغن معدنی قابل احتراق است که بحالت طبیعی در بعضی حفرات طبیعی تحت‌الارضی وجود دارد و غالباً
رمجاورت چین خوردگیهای قدیمی زمین مشاهده میشود.

نفت طبیعی را که از اراضی نفت خیز یا چشمه های نفت استخراج میکنند مایعی است غلیظ که وزن مخصوص آن
ن ۷۸ ، و ۹۲ ، می باشد وبصورت طبیعی هرگز استعمال نمیشود ، بلکه بوسیلهٔ عمل تقطیر تدریجی مواد مختلفه ازان
ستخراج می کنند . .

روغن پترول : (نفت سیاه) عبارت ازنفتی است مخلوط باقیر وجسمیست مایع وقابل اشتعال که بطور چشمه از
مین ویاازمابین بعضی شیست ها (Chistes) که موسوم به سنگ بیتومن (Bitumen) است خارج میگردد .

بیتومن : ازاحجار یست خاکی یاخاکستری رنگ‌که بسهولت ورقه ورقه شده ودارای مواد قیری میباشد
که ازان نفت وقیر استخراج میشود ، این سنگ درمجاورت اثرشعله سوخته بوی قیر ازان استشمام میگردد
ربوسیلهٔ عمل تقطیر (Distillation) از ۲۰ تا ۲۵ فیصد تیل ازان بدست میآید .

معادن نفت و بیتومن :

چشمه های نفت در تیرپل هرات‌کشف شده ، که نمونهٔ آن درموزیم خانهٔ معدنی وزارت تجارت موجود
است ، وضعیت اراضی سمت جنوبی و مقر نیز برای پیدایش نفت مستعد دیده می شود وجود آن در موضع
لیکان سرای خواجه ، نیز امکان دارد .

بیتومن : که شیست های روغن پترول دارا است ، معدن عمدهٔ آن درصر پل مزارشریف یافت شده
است‌که بوسیلهٔ عملیات عرق کشی از ۱۰۰۰ کیلوگرام بیتومن ۲۰۰ کیلوگرام اسفالت آیل (Asphalte- Oil)
گرفته می شود که چیز قیمت داری بوده برای استخراج تیل نفت و تیل موتر بکار میرود .

علاوتاً معادن بیتومن در تاشقرغان ، وقطغن ، و علاقهٔ مشرق ، نیز موجود است .

گوگرد (Sulphur)

انسانها گوگرد را از قدیم شناخته اند ، در حالت طبیعی بمقدار زیاد بصورت خالص وترکیب یافت میشود
چنانچه در مجاورت اکثر کوه های آتش فشان (Volkan) بطور آزاد وهم مخلوط باخاك وجود دارد ،
بعلاوه ترکیبات گوگرد در اغلب نقاط دنیا یافت شده ومهمترین آنها عبارت اند از سلفاید های
فلزی (Suiphides of Metal) ازقبیل پیریت وغیره وهم سولفاتها (Sulphates) از قبیل کلسیوم
سلفات یعنی سنگ گچ وغیره .

گوگرد در آبهای معدنی نیز محلول است .

معادن گوگرد :

معادن گوگرد در افغانستان فراوان است ، درچینزائی علاقهٔ نرخ میدان ، وغوربند ، وسیغان ، و بهسود ،
و تاله وبرفك ، ودرهٔ صوف ، وکوه سالاب ، وکوه کندگل (علاقهٔ لغمان) ، وکوه پشتهٔ کوه سیاه (علاقهٔ بخدره) ، و
شیرین ، ودرسنگلیچ بدخشان ، وکوه زیارت‌میرسید مراد (علاقهٔ بلخاب) ، وکوه بوکن (علاقهٔ شیرین تگاب میمنه)

وقندهار معادن عمدهٔ گوگرد یافت شده است ، در هرات تکه های خورد آنرا از زمین میکنند ، ذخیره های بزرگ آن در سیستان وهراره‌جات میباشد .

معدن‌سم‌الفار : (یعنی مرکب سنکیا وگوگرد) در قنات سفیدخاک علاقهٔ خاک ریز قندهار ، وباقی مواضع ولایت قندهار ، بمقدارزیادیافت شده است که برای استخراج سنکیامفید ودرصنعت کیمیاوی وغیره بکارمیرود

ابرک : (Mica)

چون ابرک درصنایع شمولیت فوق‌العاده داشته اهمیت ومنافع تجارتی را حایز می باشد لازم است که تشریحات زیاد تری دراین باب داده شود ، زیرا بعضی از هموطنان که به خاصیت مهم و قیمت تجارتی آن علم ندارند تخته های بزرگ آنرا از معدن استخراج نموده میده میکنند وباگل مخلوط کرده برای جلایش دیوارهای خانه ها مصرف مینمایند .

ابرک دارای اقسام متعدد بوده وبطورکلی یکی از صفات متمایزهٔ آن این است که بورقه های نازک جدا شده وهرورق قابلیت انحنا دارد ، ابرک برنگها وصفات مختلفه یافت می شود که همهٔ آنها از هم متفاوت بوده هریك از اقسام آن نسبت به بزرگئی تخته ورنگ وقساوت خود مورد استعمال قرار داده می شود .

یکی ازاقسام آن مسکوویت(Muscovite) یاابرك پتاش نامیده میشود بفرمول $KH_2AL_3Si_3O_{12}$ که جنساً بی رنگ ولی مایل بزردی است وبواسطهٔ اختلاط با مواد خارجی گاهی برنگ سبز و سرخ نیز یافت می شود همه اقسام ابرك از ترکیبات سیلیکات (Silicate) بوده مخصوصاً عنصر پتاس وآلومینیوم وبالعموم کلسیوم ومگنیشیوم دران شامل می باشد واگر عنصر سودیوم جانشین پتاس گردد آن را پاراگونت (Paragonite) یا ابرك ناترون میگویند که برنگهای مختلف ، سفید وصدفی و سبز وبعض اوقات خیره رنگ یافت شده است .

قسم دیگر ابرك را لیپدولت (Lepedolith) یا ابرك لیتون میگویند که از ۵۰ تا ۸۰ فیصد سیلیسیوم دای اوکساید ($Si\ O_2$) دران شامل است ومانند مسکوویت بصورت ورقه ها بوده‌عموماً برنگ های سفید وصدفی وگلابی وندرتاً برنگ سبز وخاکستری دستیاب می شود .

بایوتت : « BIOTITE » یا ابرك آهن ومگنیز یا قسمی است از ابرك مانند مسکوویت بصورت تخته ها بوده و برنگ سیاه ونصواری وتیره وگاهی برنگ سبز ونصواری روشن یافت می شود این ابرك ذاتاً شفاف وبعضی اوقات از باعث وجود آهن غیر شفاف است وتحت تاثیرات طبیعی یعنی در اثر باران وبرف ورطوبت بزودی خراب می شود ، وعموماً بطورمخلوط درسنگ های آتش فشانی قدیم از قبیل گرانت (Granite) وسیه نت (Syenite) ودیوریت (Diorite) وغیره وجود دارد .

در مسکوویت ترکیبات آهن خیلی کم است وغیر موصل حرارت وبرق می باشد از این جهت درعالم تخنیك اهمیت زیاد داشته ومیتوان گفت که درآینده یکی از مواد مهمهٔ صنایع عالیه را تشکیل خواهد داد .

ابرك در ساختن جهازات جنگی وتجارتی وتیلگراف بی سیم بکار میرود ، ودرصنایع دیگر نیز مقام مهمی دارد خصوصاً درآلات برق از قبیل چای جوش ودیگدان وبخاری های برق وغیره استعمال میشود واگر احیاناً ابرك وجود نمی داشت صنایع مذکوره اکمال نمی یافت ، علاوتاً در صنعت گراموفون و درعملیات تجربه خانه ها (Laboratory) مورد استعمال مهم دارد .

چون از ابرك درصنایع استفاده های زیاد میشود بهمین جهت ممالك متمدنه بخریداری ابرك احتیاج داشته میخواهند از مملکتی که معادن ابرك دران بکثرت وجود داشته باشد آنرا خریداری نموده وبذریعهٔ وسیله صنعت وتجارت خود ها را ترقی دهند .

تخته های بزرگ ابرک نسبت به پارچه های خورد آن به قیمت زیادتر فروخته می شود وقیمت آن مربوط به صفائی و درخشندگی و شفافیت و رنگ آن می باشد یعنی هر اندر بی رنگ و شفاف و درخشنده وبدون جغز باشد قیمت آن زیادتر است ، ابرک های سیاه رنگ بقیمت اوسط و ابرک لکه دار بقیمت کمتر بفروش میرسد اگر چه نرخ امروزهٔ آن پوره معلوم نیست ولی چندسال قبل یك کیلو گرام آن از ۲ شلنگ تا ۳ پوند فروخته شده است . واحد قیاس وزن ابرك پوند انگریزی است و به معیار وزن پوند بفروش میرسد .

ابرك در کانادا و سیلون و هندوستان و افریقا و برازیل به پیمانهٔ وسیع تجارت خارجی دارد و معادن فعلی آن که در دنیا موجود است غیر کافی دیده می شود .

خوشبختانه مملکت عزیز ما (افغانستان) از حیث داشتن معادن ابرك مقام بلندی دارد .

معادن ابرك افغانستان غالباً قسم مسکوویت و در بین رگ سنگهای کوارتز ویا رگ سنگهای پگمتت (Pegmatite) بصورت توده ها و انبار ها وجود دارد وغالباً مقدار ابرك دریك تن سنگ تقریباً از ۵۰ تا ۶۰ کیلوگرام است .

معادن مشهور ابرك افغانستان که در نقاط مختلف کشف گردیده از اینقرار است :

۱ — معدن ابرك (قسم مسکوویت) در موضع درهٔ پلوس علاقهٔ تنگ نواب جبار خان مرخ بوده (جلال آباد) معدن خوب و با اهمیت دارد که تخته های بزرگ ابرك از ان استخراج می شود .

۲ — معدن ابرك (قسم مسکوویت) در موضع تبنهٔ درهٔ شصت پنجشیر و هم در کوه تروج موضع مذکور معدن عمده دارد .

۳ — معدن ابرك (قسم مسکوویت) در موضع قریهٔ گاین درهٔ پتهٔ تجراب .

۴ — معدن ابرك (قسم مسکوویت) درکوه تسو بعلاقهٔ جگدلك .

۵ — معدن ابرك (قسم مسکوویت) در موضع عمر خیل میدان معدن وسیع دارد .

۶ — معدن ابرك (قسم مسکوویت) در موضع اسکیی درهٔ پچه غان تجراب .

۷ — معدن ابرك (قسم مسکوویت) در موضع جاغین تکانهٔ سفلی .

۸ — معدن ابرك (قسم بایوتت) در کوه بابا سنگوی ولی تجراب .

علاوتاً معادن ابرك در دیگر نقاط افغانستان خصوصاً در کوتل خیر خانه ، وتنگی هارون خیل ، و برج گلجان غوربند ، و موضع تنگی وزیر ، و کاشمه و اسلام درهٔ لغمان . وکوه سرکی خیل خوگیانی ، و نهرین ، و ارزکان ، و موضع خاك ریز و لاش مرغان قندهار ، و کوه های سمت مشرق ، و شمالی ، و هزاره جات ، یافت شده است .

سنگ ریشه : (Asbestos)

سنگ ریشه یا ابریشم معدنی سنگی است که از زمان قدیم شناخته شده ودر صنعت بافت و صنایع دیگر مورد احتیاج اکثر ممالك دنیا واقع گردیده است ، بهمین جهت اهمیت صنعتی و منافع تجارتی دارد .

این سنگ مثل پیلهٔ ابریشم از تار های نازك تشکیل شده و جمیع خواص ابریشمی را از تاب خوری و نازکی و نامشکنی دارا ست ویکی از صفات متمایزهٔ آن این است که در آتش نمیسوزد ، رنگش سفید و خاکستری ونباتی و سبز است آنرا بزبان علم معادن (اسبستاس) میگویند ، مورد استعمال زیاد دارد ، در ممالك متمدنه ازسنگ ریشه برای عملهٔ اطفائیه بالا پوش ودریشی ودستکش وکلاه و غیره میسازند که هروقت حریق میان آتش رفته اموال و اطفال را بیرون می آورند ، دستمالهائیکه ازان ساخته می شود بوقت چرك شدن در آتش انداخته می شود تاچرك کش سوخته وخودش پاك و صاف گردد و هم ازان

کاغذ میسازند و سندات مهمه را با سیاهی مخصوص که نمیسوزد دران می نویسند که از سوختن محفوظ با
علاوتاً درساختن کوره های گداز و پیوند کردن نل های بخار و صاف کردن بوره و عملیات کیمیا خانه
و بسا چیز های دیگر بکار میرود .

معادن سنگ ریشه :

سنگ ریشه درافغانستان فراوان است ، معادن آن در المرهٔ جدران ، وکوه باکوان علاقهٔ توخی ها
و بطرف شرق کوه هاشم خیل علاقهٔ خوگیانی ، ودرکوه غوج قول علاقهٔ شیرداغ جاغوری ، وعلاقه ه
شنوار ، وکوه اررحاجی ، وعلاقهٔ اسمار ، ونورستان ، ودرکوه دهله موضع پل کلان قندهار ، وغز
و نهرین ، ودروار ، وموضع یخدره ، وبالاخر زیر کاسه برج (کوه شیر دروازهٔ کابل) ، وغیره مواد
مختلف افغانستان یافت شده است .

سنگ شاه‌مقصود و معادن آن : (Serpentine)

سنگ شاه‌مقصود برنگ‌های مختلف زرد ، فستقی ، سبز ، کهربائی وتیره رنگ یافت می شود ، ازا
دانهٔ تسبیح وظروف وسنگهای سرمیزی وپایهٔ چیرک وسنگهای آرایش درست میکنند .

معدن عمدهٔ آن درکوه شاه مسعود قندهار ومعدن شاه‌مقصود سیاه‌در قریهٔ مغل خیل سمت جنوبی ، و شه
مقصود زرد در موضع سنگ غار و وغوربند ، وشاه‌مقصود سبز درموضع ارزگان یافت شده ، بدیگر حه
های افغانستان نیز وجود دارد .

سنگ مرمر ، آهك ، گچ ، سنگ صابون و معادن آنها :

سنگ مرمر - ازاحجار آهکی است که غالباً سفید وگاهی بواسطهٔ مخلوطات دیگر ملون بنظرمی آید چ

قیمت مرمر زیاد است نادراً در استخوان بندی ابنیه بکار برده میشود بلکه بیشتر آنرا در تزئین عمارا
استعمال میکنند ، غالباً تمام حجم سنگ مرمر پارگهائیکه ازان عبورمیکند رنگین هستند واین مسئله برقیم
آن میافزاید ، ولی مرمر های دیگر نیز بواسطهٔ منتهادرجه سفیدی پرقیمت اند بهین جهت مرمرهای سف
را مجسمه سازان خیلی طالب اند .

مرمر سفید آهکی - درساختمان ظروف ودرصنعت مجسمه سازی بکار میرود .

معادن عمدهٔ سنگ مرمر - درعلاقهٔ میدان ، وهزارهٔ بغل ، موضع ده کیك ، وکوه تنگی تجراب ،
کوه یسراق موضع کوتل سفید خاك ، وکوه قرغ ، وکوه خوگیانی ، ومرمر سبزی دار در زیر کاسه بر
موضع خواجه بغرا ، ومرمر بلوردار که چتکه های یاقوت دارد درجگدلك ، وسنگ رخام در موضع قل
الیارمینه ، وهزاره جات ، وقندهار وجود دارد .

سنگ آهك (چونه) - این دسته احجار در طبیعت بمقدار وافر وجود دارد وغالباً در احجـ
مذکور صدفهای کوچك دیده میشود موسوم به (سریت) که بشکل مار پیچ است واین صدفها علامت ممیز
این نوع حجر آهکی است ، این سنگها درتحت اثر حرارت زیاد تجزیه شده تولید آهك خالص یاکلسیو
اوکساید مینماید که در بنائی استعمال میشود .

معدن چونه درسردرهٔ میاداد ، ودامنهٔ کوه ده سبز پشت حوض خاص ، وکوه دوخ علاقهٔ لهوگر

وه قریهٔ طرف غرب دارالفنون ، و در نزدیک قرغه ، ودر حدود بند خورد کابل ، ودرموضع عیسی‌خیل قریهٔ تازهٔ کوهدامن و علاقهٔ شنواری وهزاره جات ، وغیره علاقه های افغانستان بمقدار وافر ت شده است .

سنگ گچ : «GYPSUM» که بزبان کیمیاوی کلسیوم‌سولفات آبدار نامیده میشود درحال طبیعی فراوان بصورت منشوری شکل وشفاف پیدامیشودکه در ۱۲۰ درجه حرارت آب آن خارج شده ودراین حال ریتائی استعمال شده میتواند وچون باآب ترکیب شود فوراً می‌بندد بهمین جهت برای قالب گیری فوق ماده مفید است که ازان قالب برای ساختن مجسمه ها وغیره تیار کرده میشود .

معدن گچ - درسمت غربی چهارآسیاه ، وبشمال مشرق قریهٔ ملکیان ، وموضع شهرآراء کابل ، و تنگ وزیر علاقهٔ تگاب ، وحدود نهر سراج جلال آباد ، وعلاقه جات هزاره وغیره جا های افغانستان داشده است .

سنگ صابون که آنرا بزبان علمی تلک یاستیت (Talk, or Steatite) میگویند رنگ سفید ردی مایل وخاکستری دارد ، وچون بانگشتان مالیده شود ازان لشمی احساس میگردد ، در ساخت لروف وروغن دادن ماشینها وغیره بکار میرود .

معدن آن درکوه تنگی تجراب ، وکوه سالنگ ، وموضع گیاوهٔ تجراب ، وکوه شاخ برنی ، غزنی ، هزاره جات ، وجلال آباد وغیره علاقه جات افغانستان دستیاب شده است .

کوارتز ، امیتست ، یشم ، فیلت سپاد :

کوارتز «QUARTZ» که آنرا بفارسی بلورشیشهٔ یاخاک می‌نامند از سیلیس متبلوره تشکیل شده که‌ازطبیعت فراوان وبشکل منشورهای شش سطحی که بدو هرم شش‌سطح ختم‌شده است بنظر می‌آید ، کوارتز بیرنگ وشفاف را هیالن (Hyalin) نامند که قیمت تجارتی نداشته و بعضی اشخاص ناواقف درنتیجهٔ عدم معلومات نمونه های آنرا الماس تصور میکنند .

واگر کوارتز بواسطهٔ منگانیزدار اوکساید بنفش رنگ شده‌باشد موسوم به امیتست (Amethyst) واز احجار کریمه (جواهرات) است که حایز قیمت واهمیت تجارتی بوده وعلاوه برشفافیت عموماً برنگ های مختلف ، بنفش ونیلگون وارغوانی روشن یافت میشود .

در ممالک یورپ از سنگ امی تست (یاقوت کبود یایاقوت رمانی) برحسب درجات واهمیت آن غالباً نگین های انگشتر وگردن بند های نفیس وگوشواره های ذیقیمت وغیره میسازند ، علاوتاً سامان تجملی قیمتدار دیگری نیز ازان ساخته میشود .

یشم «AGATE» از قسم کوارتز فی شکل واز احجار قیمتی است که دارای الوان وخطوط مختلفه وغالباً بشکل قوس قزح بوده ازان ظروف واسباب سنگی قشنگی میسازند .

فیلت سپاد «FELDSPATH» از احجار آتش فشانی است واز تجزیهٔ آن گردسفیدی باقی می ماند عبارت از کاؤلن (Kaolin) یاخاک چینی که برای ساخت ظروف چینی بکارمیرود .

معادن کوارتز - در کوه آغا علی شمس ، وکوه پغدره ، ولولنج غوربند ، وجلریز ، وغزنی ، وکوه المرهٔ چیتوان ، وکوه قوچ قول شیرداغ ، وارزگان ، وکوه شاه‌مسود قندهار ، وعلاقهٔ کرخ هرات ، ودرهٔ مازیان شتوار ، وپنجشیر ، ولغمان وبلق علاقه های افغانستان یافت شده است ، کوارتز دودی رنگ به درهٔ پاروت تورستان وجود دارد .

معدن مهم امیتست : (یاقوت کبود) بفاصلهٔ ٦٦ کیلومتر شمال شهر قندهار درسنه ۱۳۱۱ کشف و یك مقدار زیاد نمونهٔ آنرا به مرکز آوردند که درفابریکهٔ سنگ تراشی اسباب زینتی قشنگ ساخته و بقیمت‌های گزاف فروخته شد.

امیتست درموضع ارزگان نیز میباشد.

معدن یشم : درموضع شر دوش درکوه شور آبك یکه اولنگ، وجود دارد که اهالی آنجا اسباب سنگی قشنگی از قبیل دانه های تسبیح و غیره ازان میسازند، در موضع سرخ آباد بهسود نیز ممکن است یافت شود.

معدن فیلت سپاد : درعلاقهٔ خوگیانی پیدا شده است و هم معدن فلت سپار مخلوط باپتاسیوم وزاج سفید و بلور سیاه درموضع کوه بچه غازه وجود دارد.

نمك، نیل طوطیا، زاك، نوشادر وغیره :

نمك که آن باصطلاح کیمیاوی سودیوم کلوراید (Na Cl) نامیده می‌شود بدوقسم بدست میاید معدنی و دریائی :

نمك درحال خلوص برنگ و شفاف بوده و بلورهای آن مکعب و منشوری می‌باشد، ولی نمك معدنی از باعث اختلاط باموارد خارجی برنگ سفید و سرخ و زرد و آبی دستیاب می‌شود، معدن آن درجرار های خاك رس محتوی است، زیرا که بدون این حالت درتحت تاثیر نفوذ آب حل می‌شود.

دروطن عزیز ما بصورت معدنی درعلاقه جات شمالی و باقی حصه های افغانستان بمقدار وافر استخراج می شود که مصارف روزانهٔ ما خدمت می کند معادن آن بطور ترتیب از اینقرار است :-

۱ — معدن نمك - درموضع نمك آب علاقه تالقان موجود است که دارای معدن بزرگ و نمك خوب بوده و برای استخراج نمك اهمیت خاص دارد.

۲ — معدن نمك - در موضع چال علاقه اشکمش که نمك آن نسبتاً مخلوط با مواد خارجی و غالباً برنگ سرخ استخراج می‌گردد.

۳ — معدن نمك — درموضع کلفگان در علاقهٔ تالقان
۴ — معدن نمك — درموضع قرلق علاقه رستاق
] هردو معدن مذکور برای استخراج نمك شهرت زیاد دارد.

۵ — معدن نمك - درموضع اندخوی علاقهٔ میمنه، معدن وسیع و مهمی دارد که از چشمه های نمکی بدست آورده می‌شود.

علاوهٔ معدن نمك درموضع نهرین، وقسم شیشه نمك در موضع قندهار، یافت شده ممکن است درموضع شاه توت تنگی سیدان، وکوه زرلج علاقهٔ یکه‌اولنگ و موضع شور تپهٔ مزارشریف و بورستان وغیره علاقه ها نیز معدن نمك یافت شود.

چشمهٔ های نمك دار در موضع درهٔ نمك آب علاقهٔ شنوآری غورنند موجود است که فعلاً درتحت کار و استفاده واقع بوده عمله جات نمك را بذریهٔ عملیات تبخیر (Evaporation) ازان استخراج می‌نمایند.

نیل طوطیا : که یکی از املاح کیمیاوی و موسوم به کاپر سولفات (Cu S O4) می‌باشد، معدن مهم آن در موضع غارشفا بجنوب زیارت میرسید مراد علیه الرحمه (علاقه بلغاب) وکوه جوانمرد قصاب (علاقهٔ میدان) موجود است.

زاك : که در رنگ ریزی برای استحکام و ثابت ساختن رنگ ها وغیره بکار میرود ، یك معدن عمدهٔ آن درموضع آهنگران بامیان وجود دارد که فعلاً فابریکهٔ بوت دوزی و چرمگری و رنگ ریزی وغیره یك پیمانهٔ زیاد ازان کار میگیرند .

علاوهٔ معدن زاك در موضع لولنج غوربند ، وموضع غارشفا کوه زیارت میر سید مراد ، ودرهٔ زولنج یکه اولنگ ، ومیمنه وموضع پنجشیر ، ودیگر علاقه های افغانستان پیدا شده است .

نوشادر : نیز یکی از املاح معدنی ودرموضع غوربند ، ومیمنه ، وسرحد سیستان ومضافات آن یافت می‌شود .

شوره : درغالب نقاط افغانستان خصوصاً درجنوب مغرب ، بمقدار زیاد پیدایش دارد ودر آب کاریزها سرایت می‌کند .

نمك مگنیشیا : از غوربند دستیاب می‌شود ، دیگر املاح کیمیاوی ومواد معدنی را میتوان از اکثر نقاط افغانستان بدست آورد .

رنگهای معدنی :

رنگ های معدنی درهمه علاقه جات افغانستان فراوان است .

۱ — رنگ سرخ معدنی : از کوه قرغ ، وکوه سرخی غازه ، وعلاقه خورد کابل ، وپنجشیر وموضع سرخی غوربند ، وکوه گوهرگین فیروز بهار ، وعلاقه جات مزار شریف ، وغزنی ، وبالاخر معدن عمده وقسم بهترین آن از بامیان بمقدار وافر دستیاب می‌شود .

۲ — رنگ زرد معدنی ـ درموضع غوربند ، وکوه قول سرخی غازه ، وکوه قرغ ، وغزنی ، وکوه گوهرگین فیروز بهار ، وبدهن کاریز خواجه طواف ، وبالاخر معدن عمدهٔ آن دربامیان ، موجود است .

۳ — رنگ نصواری درکوه سرخی غازه علاقهٔ کوهدامن ، ورنگ سفید درموضع کلنگار لهوگر ، ورنگ سیاه درکوه قرغ قریب دارالفنون ودیگر اقسام رنگهای متنوعهٔ معدنی درموضع مختلف افغانستان یافت شده است .

معادن مختلفه :

۱ — ترکیبات الومینیوم (ALUMINIUM) درموضع تنگی واغوجان لهوگر ، وچهار آسیاب یافت شده است .

۲ — نمونهٔ نکل (NICKEL) ازموضع جدران ، دستیاب شده وآهن نکل دار ممکن است درکوه سرخی غازه یافت بشود .

۳ — منگنیز (MANGANESE) معدنیست کاسه که درصنعت کیمیاوی وشیشه سازی وصنعت گل کاری شیشه وغیره استعمال میشود معدن آن درموضع درهٔ کوهدامن یافت شده ونمونهٔ طلا آهن منگانیز دار از زیرك لاغر کوه چهاردهٔ معصوم بدست آمده است .

۴ — باریوم سولفات بفرمول $(Ba\ S\ O_4)$ درموضع فرنجل غوربند پیدا شده وبرای رنگ سازی وقندسازی وغیره بکار میرود .

۵ — سنگ بلور درموضع لولنج غوربند ، وبعضی نقاط دیگر افغانستان یافت شده است .

۶ — سنگ سلیت ازهزاره جات وعلاقه جات مشرقی وبقی نقاط افغانستان بدست می آید

۷ — سنگ آسیا دربسیاری علاقه جات افغانستان یافت میشود خصوصاً درچهل ستون ولهوگر ، وآغا سرای وکوه گوهرگین فیروز بهار ، وغیره جاها .

نمونهٔ از لباس و طرز معاشرت فامیلی قرن نزدهم افغانستان

Costume et Scène de la vie Familiale des Afghans du 19e siècle.

احجار کریمه : Precious - stones

بدخشان از حیث پیدایش جواهر قیمت بها درجهٔ اول دارد ، در علاقه جات مشرقی و کابل وقندهار نیز معادن جواهر یافت میشود .

معدن لاجورد : موضع (درغاران) علاقهٔ بدخشان یك معدن قدیمه است که برای استخراج لاجورد اهمیت خاص را دارا بوده و فایده های زیادی ازان گرفته شده است ، سابقاً کار این معدن بوسیلهٔ دست اجرا می شد بهمین جهت در نتیجهٔ حفریات بی اصول و عدم مهارت کاریگران رگهای اصلی معدن را گذاشته در نقاط غیر مفید کار حفریات را پیش برده اند ، بعد ها رگهای تازهٔ دیگری کشف گردید .
درسابق لعل نیز از بدخشان استخراج میگردید ، بهمین جهت لعل بدخشان شهرهٔ آفاق است .

معدن یاقوت جگدلك : نیز شهرت زیاد دارد و در سابق بیك پیمانهٔ وسیع یاقوت ازان استخراج میکردند تقریباً در بیست موضع این معدن کار انداخته شده و کاریگران آب در نتیجهٔ حفریات غیر فنی رگ های فایده آور را که در عمق معدن است گذاشته اند ، بعضی آثار یاقوت در بین رگ های مرمر سفید ازحدکان بری دره که ابتدای شروع رگ است تا کان خلوت که انتهای رگ میباشد پایان است .

رگ اصلی دراعماق معدن وجود دارد علاوتاً یاقوت درکوه شاه کابل حورد (علاقهٔ میدان) وکوه های چپر ، وموضع لیچه لارم نورستان ، وکوه سرکی خیل خوگیانی ، ومقر ، وکوه غازهٔ کوهدامن ، یافت می شود رنگ های یاقوتی که در صیقل گری استعمال می گردد از موضع باد پش ، وحدود سرگاه (گیاوهٔ نجراب) وغالب نقاط افغانستان دستیاب میشود .

بیرل : (BERYL) یاترشیش درکوه سرکی‌خیل خوگیانی وموضع نورستان یافت شده است

زمرد : (EMERALD) به وایگل دره پیچ ممکن وجود داشته باشد ، تورملین (Tourmaline) از موضع قلعهٔ گل نورستان دستیاب می شود .

معدن سنگ سلیمانی : درموضع درعلی بکاولنگ موجود است .

امیتست : (یاقوت رمانی) از موضع قندهار وارزگان بدست می آید .
مواد معدنی وجواهرات قیمتدار دیگری نیزدرگرد ونواح مملکت بکثرت وجوددارد که یوماً فیوماً برای کشف آن اقدامات بعمل می آید ودر جمله معادن وطن نمره می افزاید . (*)

(*) برای مایش نمونه های معدنیات افغانستان یك موزیم معدنی با صول عصری تاسیس یافته است

مختصر حالات جغرافیائی

و طبقات الارضی حدود سلسلهٔ هندوکش

بقلم آقای سید عبدالاحدخان
دیلوم انجنیر

آقای سید عبدالاحد خان

خوشنودم که حکومت اعلیحضرت همایونی بما و امثال ما موقع داده تا معلوماتی که در امور مختلفه کسب نموده ایم برای اطلاع هموطنان عزیز در معرض اشاعه گذاریم و باز هم لازم است مکرر حکومت متبوعه را ستود که برای نشر افکار ما که وسیلهٔ منحصر به تعمیم معرفت و دانش بین هموطنان است تسهیلاتی فراهم نموده که بنده وسایر افراد این خاك را برای افاده و استفاده تشویق مینماید لهذا این است که در اثر تشویقات و فراهمی وسایل مذکوره خودم بقدر توان خود میخواهم شرحی راجع به حالات جغرافیائی و طبقات الارضی افغانستان بنویسم تا شاید مورد استفادهٔ هموطنان عزیز واقع شود .

سلسلهٔ کوه هندوکش

مهمترین و بزرگترین شاخ هندوکش ازجد پامیر شروع شده به سلسله های غلو در فلات افغانستان و ایران انجام میابد . بطرف شمال حصهٔ این کوه بعضی میدان ها و کوه های کوچك تقریباً متوازی سلسلهٔ کوه مذکور واقع بوده ولیکن بطرف جنوب هندوکش کوه های مختلف بسیار قدیم که اکثر از یك دیگر بسیار دور وبالعموم به هندوکش عموداً واقع بوده یك سلسلهٔ بزرگ را برای خود تشکیل داده ، در بعضی جاها باز متوازی با سلسلهٔ بزرگ هندوکش شده دور ومتواتراً بحدود سیستان علامات خود را نشان میدهند چنانچه از کارتهٔ ذیل خط امتداد و علامات سلسله های فوق بخوبی واضح میگردد .

بأساس نقشه های تکتونك Tektonic (طرز ساخت) که از کارتهٔ مذکور معلوم می شود ، شکستگی ها و سمت های سلسلهٔ شاخهای هندوکش خصوصاً درحدود کابل چندان مشکل وپوشیده نه بوده واضح است که در ینجا از حالات طبقات الارضی و جغرافیائی کوه های ذیل که درافغانستان واقع اند ذکر می شود .

۱ — سلسله کوه پغمان ، ۲ — سلسلهٔ کوهٔ پنجشیر ، ۳ — کوه های کابل با سلسلهٔ سیاه کوه وسلسله کوه کتز ۴ — سپین غر با سلسلهٔ آن .

نقشۂ طبقات الارضی یکحصۂ افغانستان

Carte Gelogique d'une partie
de l'Afghanistan.
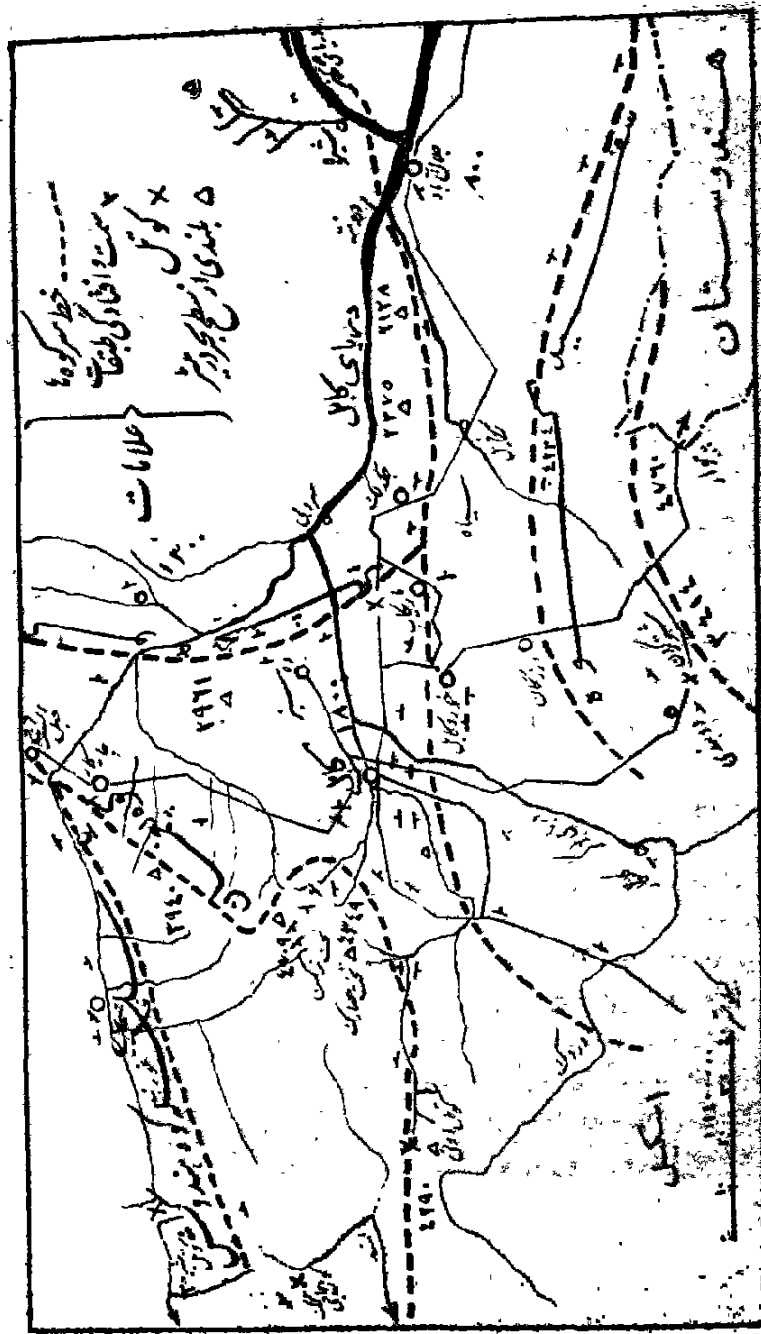
سلسلهٔ کوه پغمان

پنجشیر و وادی غوربند مابین شمال مشرق ـ جنوب مغرب سمت هندوکش واقع بوده و بطرف جنوب آن که بعضی کوه پچها واقع اند یك سرحد ضخیم را تشکیل میدهد در پنجشیر سلیت میتامورونیك (Metamorophic Slate) وگرافیت (Graphite پنسل) ورگ هماتیت (یکقسم ترکیب معدنی آهن است Hämatite) عموداً بر خلاف کوهای بلند هندوکش واقع بوده واز حدود جبل السراج ووادی غوربند شروع شده بطرف درهٔ کالو وکوتل حاجی گك امداد یافته که درآنجا یعنی به کوتل حاجی گك همین رگ ها ترکیب معدنی آهن جبل السراج همراه سنگ چونه دیون (Devonlimestone) (*) وفاسل های (بعضی جانور های سنگ شده) شیریفر (Spirifer) وریشونیلا (Rhynchonella) که شاهد زمانهٔ دیون (Devon) میباشد جمع شده است. دروادی غوربند میان پل ملك و برج گلجان درطی طبقه افتاده ورگه آهن مذکور یك سلسله گرافیت (Graphite) ظهوریافته وبسیار دوردرو نجل درطی طبقه بالائی آهن مذکور چونهٔ کاربون (Karbonaceous Limestone) (کاربون نام یکی از زمانه طبقات الارضی است) ظاهر از رگهای سرپنتین (Serpentine سنگ شاه مقصود) ریده شده است. درینجا تمامی طرز طبقات هندوکش که بسمت شمال مشرق ـ جنوب مغرب امداد یافته است از سبب شورش های زیاد زمین شکسته وخراب شده چنانچه مرسوبات ترتیبر (Tertiar) (ترتیبر یا عهد سوم نام یکی از زمانه های طبقات الارضی است) که بالای این شکستگی های وادی غوربندواقع است شاهد این شکستگی ها وشورش های قدیم است.

درحدود چاریکار معلوم می شود که رگ طبقه افاده سلسله دیون (Devon Series) آهسته آهسته بطرف جنوب دور خورده کوهای پغمان را تشکیل میدهد که طول آن تقریباً ۶۰ کیلومتر ویك بلندی سلسله قله های ۴۰۰۰ متر مرتفع از سطح بحر ساخته شده است.

معلوماتیکه «گریس بخ» (Griessbach) و « هایدن » (Hayden) متخصصین فن طبقات الارضی که درخصوص سنگهای گرانیت مخلوط باهورن بلندی (Hornblendegranite) وطبقات حصه شمالی این کوه داده اند کافی نبوده تاحال حالات طبقات الارضی علاقه پغمان مستور مانده بود. اما بعدها آنچه دریناب تحقیقات بعمل آمده این است که بکنار مشرق کوه مذکور بطرف کابل رگه های بزرگ گنایز Gneis وپگماتیت (Pegmatite) وسنگ سلیت گرانات اورکدار (Granatic Mica Slate) (رقم سنگ خشت چهلستون)بطرف مشرق شمال مشرق امتداد یافته ودرحصه بالائی این کوه باموادسنگ گرانیت (Granite) وسلیت کوارتسیت (Quartz Slate) ومیگنتیت (Magnetite) (یکقسم مواد ترکیبی آهن است) پیوسته شده رگهای بزرگی را تشکیل میدهند.

میگنتیت (Magnetite) پغمان یکی از بهترین آهن های دنیا شمرده می شود که از قرار تجزیه تقریباً ۷۲ فیصد دران آهن موجود است. چون اجزای گوگرد وآرسنك (سم الفار) وفاسفور که یکی از اجزای اسفل برای تحصیل آهن خام است نیز درمیگنتیت (Magnetite) مذکور وجود ندارد، زیرا که وجود گوگرد وآرسنك وفاسفور آهن را زود شکن میسازد، ومهندسین ریخته گری همیشه کوشش دارند که این هرسه اجزاء را اگر دریك مواد ترکیب معدنی آهن موجود باشد حتی المقدور باصول کیمیاوی فنی جدا نمایند، بر طبق اصول فن ریخته گری برای حصول یك تن آهن خام مقدار یك تن کوکس (یعنی ذغال خالص که بعد از عرق کشی ذغال سنگ حاصل می شود) لازم است.

---

* دیون نام یکی از زمانه های طبقات الارضی است. برای کسب معلومات بیشتر درین باره بجدول علیحده که دوره های طبقات الارضی به حروف لاتین و فارسی در آن نگاشته شده رجوع نمایند.

بحصهٔ بالائی کوه پغمان بسمت شمال مشرق رگ های عمودی کوارتسیت Quarzite و سنگهای سلیت خاکی Clayey Slate نیز کشف شده بود که از آنها به بلندی ۳۰۰۰ متر (از سطح بحر) قبل از آنکه بتحت ترکیب برسد خط سیر خود را تبدیل نموده بسمت شمال، شمال مشرق امتداد یافته است. به بلندی ۴۰۰۰ متر (از سطح بحر) سنگ سلیت ابرک دار (Mica Slate) که در ملایمی خاصیت ابریشم را دارد یک زاویه ۳۰ درجه افتاده و بسمت شمال مغرب دور خورده حتی به بلندی ۴۷۰۰ متر (از سطح بحر) که بلند ترین قله های کوه پغمان است نیز خط سیر خود را تبدیل نه نموده اند. همین از ارتفاع ۴۷۰۰ متر طبقات بزرگ سنگ گرانیت (Granite) ظهور نموده درجاها و حصه های مختلف رنگ سرخ گنگز دار ظاهر شده سنگهای گرانیت (Granite) درین موقع بسرعت پوده شده به شکل ریگ در آمده اند و آب برف و باران و هوای تند ریگ های مذکور را دور نموده و بعد از مرور چندین صد سال بعضی میدان ها و کاسه گی ها و حوض ها تشکیل داده است. چنانچه به وجود آمدن حوض خاص پغمان نیز از اثرات فوق است، که شاید اضافه ازین موضوع قابل تشریح باشد و هر کس بداند مثلاً حوض خاص وامثال آن در تحت چه عوامل بوجود آمده.

بدامنهٔ این کوه بطرف علاقهٔ میدان رگ های عمودی جونه و ترکیب معدنی مس (Copperore) و سلیت امفی بول (Amphibol Slate) و ابرک (Mica) ظاهر شده است و رگهای گرانیت (Granite) درهرموضع حایل و رگهای مذکور را در مواضع مختلفه قطع نموده است

عمر سلسله کوه پغمان از قراریکه رگ طبقه افتادهٔ هیماتیت (Hamatite) غور رسی معاینه شد باید که کوه پغمان در زمانهٔ دیون Devon تولید شده باشد و این هم امکان دارد که عمر کوه مذکور از زمانهٔ دیون اول Unter Devon باشد لیکن بهرصورت سلسلهٔ کوه پغمان نسبت به کوهای کابل جوانتر است.

۲ ـ سلسلهٔ کوه پنجشیر:

کوه های پنجشیر از حیث طبقات الارضی شاید بسیار دلچسپ بوده در حدود پنجشیر علیا از کوه هندوکش جدا شده و بعد از آن بحصهٔ سفلای پنجشیر بسمت جنوب شمالی یعنی عموداً بکوه هندوکش واقع بوده الی کابل امتداد یافته است.

ماهیت این کوه ها این است که طبقه های کوه های حصهٔ مشرق چاریکار از حیث تکتونیك (Tectonic فن ساختمان) معلوم شد که بزاویهٔ ۴۵ درجه بطرف مشرق افتاده و سنگ گچ دار مخلوط با جونه و فاسل (Fossil) (حیوان و یا نباتات سنگ شده) نامعلوم را دارا بوده بعد از آن به علاقهٔ نجراب یك سلسله سنگهای سلیت ابرک دار (Mica Slate) وگنایز پگماتیتی (Pegmatitischer Gneis) تبدیل می شود یك قدری دورتر بحصهٔ جنوب علاقهٔ ده سبز جونه ومیرگل (Mergel)(یکقسم گل است) که در آن میگنتیت(Magnetite) نیز موجود است یافت شده است. چون درین سنگها فاسل میکوسراس (Mecoceras Sp.) کشف شده لهذا باید این کوه ها در زمانهٔ ترپاس (Trias) تولید شده باشد. مابین ده سبز و دریای کابل باز یك طرز طبقات کرستالین (Kristallin) وجونه بنظر می خورد که بطرف حصهٔ بالائی دریای کابل امتداد یافته است درین علاقه یعنی درجونه خورد کابل ولوگر علاوه از فاسل (شپریفر و پرودکتس Spiriefer & Productus) که آقایان گریس بخ و هائیدن یافته بودند بنده نیز فاسل های (اوفیسرس ومیکوسیراس وپزویدومونوتس (Ophiceres Sp. & Mecoceras Sp. & Pseudomonotis) کشف نموده ام که شامل زمانه فوق ترپاس استند. بحصهٔ پایان تنگی دریای کابل درحدود سروبی نیز یك ذخیرهٔ جونه یافته شده است ودر آن از زراعت و جود فاسل (میگالیدون و دسیرو کاردیوم (& Megaledon

Discerocardium) گفته میتوانیم که علاقه مذکور بزمانه ترپاس Trias تکوین شده است .
بعضی رگها و طبقات چونه فوق الذکر که در لته بند نیز مشاهده شده آنهم از زمانهٔ ترپاس (Trias) گفته می شوند .

۳ ـ کوه‌های کابل و سیاه کوه و کو های کبر:

کوهـای کابل کو های متعدده که به قرب وجوار شهر کابل واقع اند عموداً به شاخهای دوکوه مذکوردرفوق یعنی کوه یغمان و پنجشیر اتصال یافته است . این کو هـا از سبب اروزیون (Erosioonسائیدن) در پای کابل ولوگر فواصل مختلفه تشکیل داده است که کو های قروغ و کوه آسمائی و کوه شیر دروازه از مقطعات یا تشکیلات مذکوره است . دریں کوه ها اکثر سنگهای میتاموروف (Metamoroph) که در سنگ مذکورسنگ‌گنایز (Gneis) مخلوط برگهای کوارتس (Quartz ـ بلور معدنی) و امفی بولیت(Amphibolite) و سلیت ابرك دار (Mica Slate) زیاد تر حصه گرفته اند . و در بسیاری نقاط دیده شده است که در میان سنگ سلیت ابرك‌دار مواد چونهٔ قلمدار و عدسیه های بلور معدنی جا گرفته اند .

در وادی کابل‌صرف‌چند طبقه‌خوبی شناخته میشوندکه‌یکی‌سمت‌مشرق‌و شمال‌مشرق‌ودوم آن بسمت‌مغرب ، جنوب مغربی امتداد یافته است . تقریباً ۷ کیلومتر بطرف جنوب کابل یك سلسله سنگهای گنایز (Gneis) ظهور یافته که در منطقهٔ گرانات گلمر شیفر (Granat Mica Slate) ، سنگ حشی چهل ستون) با سنگ دیوریت (Diorit)و سنگ‌میلافیر(Melaphyr) یك جا میشوند . این سنگهای سلسلهٔ گرانات گلمر شیفر به فاصلهٔ ۵۰ کیلومیتر امتداد یافته است یعنی رگ مذکور از کوه قورغ شرع شده و بعد از کوه چهل‌ستون گذشته تا حصهٔ زیرین وادی لوگر امتداد یافته است .

درکوه های قورغ ولوگر یك طبقه ویك رگ ضخیم چونهٔ قلمدار با گرافیت (Graphite) بسمت مشرق مغربی امتداد یافته و با منطقهٔ سنگ گرانات گلمر شیفر وصل شده است .

از رگ ها وخطوط سنگهای آتشفشانی (Erptive Stones) معلوم میشود که سنگهای مذکور نقل مکان نموده اند ، زیرا سنگ گنایز زمانهٔ قدیم از سنگهای کوه قورغ که از حیث مقابله جوانتر استند انحصار شده است . چنانچه در وادی لوگر در حصهٔ کری ظاهر شدن مواد ترکیبی معدن مس و آهن اثبات انتقال سنگهای مذکوره را مینماید . اکثر کوه های نزدیك کابل معاینه رسیده و معلوم می‌شود که از حصهٔ مغربی کوه قورغ بسمت جنوب مغربی بطرف علاقهٔ وردك دور خورده و از طرف دیگر (یعنی حصهٔ مشرق) از حدود حصهٔ زیرین وادی لوگر و از حصهٔ مشرق کوتل لته بند گذشته و بعد از آن بسمت شمال مشرق بطرف سیاه کوه و نورستان امتدا دیافته به کوه هندوکش وصل شده است . چونه ترپاس (Trias) کابل اثبات میدارد که سنگهای این علاقه بسیار قدیم بوده چنانچه سنگهای که نزدیك شهر کابل وجود دارند بدون شبهه در زمانهٔ آرشی ایکم (Archäikum) و سنگهای مذکور باستثنای سنگهای که نقل مکان نموده اند در زمانهٔ پالیوسوئیکم (Paläozoikum) تولید شده اند و سنگ گرافیت کوه قورغ در زمانهٔ قدیم دیون (Devon) بوجود آمده است .

سیاه کوه همین کوهیکه از خورد کابل شروع‌شده وبعد از حدود جگدلك عبور نموده به پل درونته امتداد می یابد سیاه کوه نامیده‌میشود.این‌سلسله کوه ازموادمختلفه‌یعنی‌گنایز (Gneis) وسنگ‌سلیت مخلوط‌باهورن بلندی (Hornblende schiefer) وفیلیت (Ppyllite) وچونهٔ قلمدار ساخته شده است . از جملهٔ مواد مذکور درفوق مفید ترین آنها چونه قلمدار است که دارای یاقوت

وشپیل (یکقسم جواهر زمرد نما است) وگرانات (Granat) (یکقسم جواهر یاقوت نما است ورقم سوخته آن در کابل مشهور به ریگ یاقوتی است) بوده ورگ چونه مذکور تقریباً عمودی افتاده بطرف وادی سرخ رود (مشرق) امتداد می یابد بلند ترین قله های این کوه به ۲۱۲۸ متر (از سطح بحر) میرسد. بحدود تنگک رگ ها وطبقه های این کوه بشکل افقی تبدیل شده ودر جاهای مختلفه از مواد سنگ چونه وسنگ سلیت ترکیب یافته است. تکوین این علاقه از زمانه کاربون (Carbon) خیال میشود، زیرا که چونه کرینوئید (Krinoidenlime Ston) شاهد زمانه کاربون (Carbon) است. به عقب سیاه کوه بموضع تنگک سنگهای گرانیتی (Granite) که دیده میشوند نقل مکان نموده اند، زیرا که گرانیت مذکور سلسلهٔ چونهٔ پالیو سوئیکم (Paläozoikum) را از چونهٔ قلمدار قدیم تر جدا نموده است. در تنگی درته دریای کابل سنگهای گنایز (Gneis) را به دو حصه تقسیم نموده که در آنها ترکیب معدنی مس بمقدار قلیل یافت شده و یك زاویه ۵۰ درجه بطرف شمال مغربی افتاده است.

جنوب جلال آباد از میان منطقه الوویون (Aluviun) (جوانترین زمانه طبقات الارضی است) چند کوه های تپه نماه که از سنگهای گرانیت (Granite) وگنایز (Gneis) وچونه قلمدار ساخته شده اند یك زاویه ۵۰ درجه بطرف جنوب مغربی افتاده که فرع غربی آن به سیاه کوه وصل شده است.

از معلومات فوق ظاهر میشود که جمع طبقات سلسلهٔ سیاه کوه ازحدود کابل شروع شده تاسلسله کوه های کنر امتداد یافته واز آنجا بعد به سلسله کوه هندوکش وصل میشود وحصهٔ مغربی این کوه بدون شك وشبه با وادی لوکر تعلقات زیاد دارد.

کوه های کنر

کوهائیکه بجوار جلال آباد بذریعهٔ دریای کنر تشکیل شده است اکثر ازمواد معدنی سنگ سلیت (Slate) وگنایز (Gneis) وسنگ چونه ترکیب یافته. بحصه شمالی شیوه که بلند ترین قله های کوه کنر گفته میشود ارتفاع آن به ۴۰۰۰ متر (از سطح بحر) رسیده، با طبقات عمودی سمت شمال مشرق امتداد یافته از مواد مختلفه سنگهای گنایز (Gneis) وفیلت (Ppyllite) وپیگماتیت ابرك دار (Mica pegmatite) وسلیت امفی بول (Amphibol Slate) ساخته شده است.

بحصه بالای دریای کنر دربعضی جاها سنگهای آن علاقهٔ سنگهای کوه کابل وسیاه کوه ازحیث که نقل مکان نموده اند یك مناسبت خاصی دارد.

سپین غر

سفید کوه از حدود را والپندی به دوشاخ بزرگ ومتوازی شروع شده شرقاً غرباً بسمت افغانستان امتداد یافته وبلند ترین قلهٔ خودرا به سیکارام که ارتفاع آن به ۴۹۶۰ متر (از سطح بحر) میرسد تشکیل داده است. تا بحدود شنوار معلوم شده که سفید کوه از مواد مختلفه سنگهای گرانات (Granat) وگنایز (Gneis) وپیگماتیت (Pegmatite) وسلیت امفی بول (Amphibol Slate) وفیلیت (Phyllite) وکوارتسیت (Quarzite) وچونه وسنگهای ارگس (Erguss) (بوقت سردشدن زمین اولین موادیکه بصورت جامد ته نشین شده است سنگهای ارگس نامیده میشوند) ترکیب یافته است.

طرز طبقات سفید کوه چنانچه درفوق ذکر شد شرقا غربا امتداد یافته ولیکن در حدود خورد کابل وحصار آهسته بطرف لوکر خط سیر خودرا تبدیل نموده است.

بحصه مغربی قله سیکارام کورال (Korall) زمانه ترباس (Trias) یافت شده اند ونیز یك سلسله چونه بسمت جنوب مغربی دور خورده که بایك سلسله زمانه میسو سوئیکم (Mesozoikum) شترگردن وصل میشود. کاوشهای پروکراف قدیم نیز حد سیکارام را بحیث یك کره ومرکز نشان میدهند که ازآنجا بسترهای مختلف شاخهای سفید کوه خصوصا به سرحد افغانستان وهندوستان انگلیسی امتداد پیدا میکند طریق ساخت مذکور را واضح میسازد

بعد دو بندی معدنیات ترکیب معدنی مس و سرپنتین (سنگ شاه مقصود) و سنگ میلافیر (Melaphyr) ظاهر شده و عموداً بسمت مغرب شمال مغربی افتاده و بعضی رگهای باریك زغال نیز درآن یافت شده است . کوهای خروار عموماً از سنگهای میتامورف (Metamorphe) و حصهٔ شمالی شهر غزنی از سنگهای گنایز (Gneis) وگرانیت (Granite) و فیلیت (Phyllite) ساخته شده اند .

درمنطقه تپه سارهای غزنی سلسله کوه هندوکش باختتام رسیده و بطرف جنوب شهر مذکور یك فضای فراخ و مرتفع « آب استاده » و دریای ترنك با کوه بچهای خورد بنظر میخورد درین علاقه فراخ و مرتفع زمانهٔ قدیم مسوسوئیکم (Mesosoïkum) و کرستالین (Kristallin) بنظر نخورده بلکه یك زمانه جوانتر دیگر مشاهده شده که بسیار بسهولت تفریق حصهٔ شمالی از حصهٔ جنوبی میشود .

بطرف مغربی مقر سنگهای یافت شده اند که درآن بعضی طبقات ذغال سنگ که مخلوط با گل است بسمت شمال مشرق امتداد یافته است . درعلاقه مقر علاوه از ذغال سنگ وگرانیت (Granite) که در کانکت (Kontakt) آن مواد معدنی میگنتت (Megnetete) و هیماتیت (Hämatite) و مس پیدا میشود . و درین علاقه احتمال وجود طلا نیز میرود ، درسطح هموار و مرتفع آب استاده نیز طبقات هموار و افقی چونه و سنگهای ارگس (Erguss) جوان که بطرف شمال افتاده اند بنظر خورده و درمنطقه تپه سارها یك پروفیل (Prophile) رنگ آمیز گنبردار سرخ و زرد و همچنان سلیت تون (Ton Slate) بنفش و سبز و سیاه و خاکستری رنگ توجه را جلب نموده بسمت مغربی یعنی بطرف ترنك و دریای ارغنداب و کوه های هزاره امتداد یافته است درمیان سلیت تون خاکستری رنگ اکثر رگهای کوارتس (Quartz) پیدا شده که درآنها سلفید آهن و مس یافت میشود .

درحصهٔ قندهار همین منطقه و باگروپ رنگ آمیز فوق با کرایدی کلك (چونه سا شری کرایدی و باچاك یکی از زمانه های قرن وسطی طبقات لازمی است Kreidekalk) پیوست شده است و همین چونه مذکور از مشرق قلات که درآن سنگ سرپنتین (سنگ شاه مقصود) و سنگ ریشه ، و درارغنداب که آن درسنگ بازالت (Basalt - یکقسم سنگ سیاه رنگ سخت است که در ممالك خارج برای فرش سرك ها استعمال میکنند) یافت میشود شروع شده نزدیك قندهار درمنطقه کاتکت چونه مذکور رگ های طلا با خود دارد .

جمیع طرز طبقات مابین غزنی وقندهار که سمت مشرق مغربی ویا مغرب جنوب مغربی امتداد یافته است حصهٔ ارغنداب بطرف ریگستان سیستان دور خورده ودرآنجا آخرین نقطه منطقهٔ چونهٔ مذکور ختم میشود .

دوره های عمدهٔ طبقات الارضی

برای مزید استفادهٔ خوانندگان مقالهٔ «مختصر حالات جغرافیائی وطبقات الارضی هندوکش»

Principales Formations Géologiques

V.	Quaternaire.		(۲) دور رابع (۱) « ثالث	۵) ادوار جدید
IV.	Cénozoïque ou Terciaire.	Éliogène. Éocène.	(۳) طبقات تاشری — علیا، سفلی (۲) « جوراسی — علیا، وسطی، سفلی (۱) « تریاسی — علیا، وسطی، سفلی	۴) دور ثانی
III.	Mésozoïque ou Secondaire.	Crétacé. Jurassique.	(۵) پرمیان — علیا، سفلی (۴) « کاربون (فحم) — علیا، سفلی (۳) « دیونیان — علیا، وسطی، سفلی (۲) « سیلوریان — علیا، سفلی (۱) « کمبریانی — علیا، وسطی، سفلی	۳) دور اول
II.	Paléozoïque. ou Primaire.	Permien. Carboniférien. Dévonien. Silurien. Cambrien.		۲) دور ماقبل کمبریانی یا قدیم
I.	Archéozoïque.			۱) دور قدیم

باید دانست که دوره های طبقات الارض یعنی تشکیلات زمین نسبیکه درفوق مشاهده میشود ، از پائین بالا میباشد.

❀ ❀
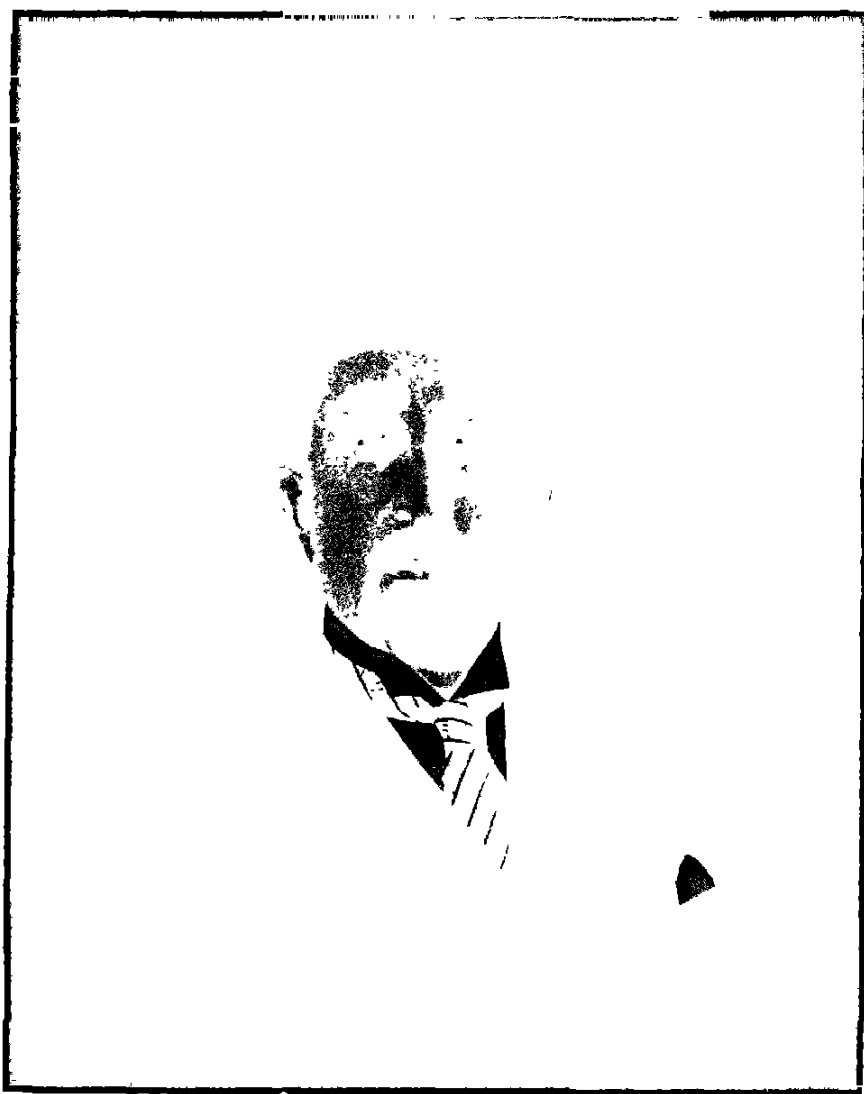
جناب عالیقدر جلالتمآب والاحضرت سردار محمد هاشم خان صدراعظم

والاحضرت ممدوح نظر بسوابق وخدمات برگزیده دراعصار سابق نسبت بخاک پاک وطن، درآغاز حکومت معظم نادرشاهی از حضور شهریار غازی شهید بصدارة جلیلهٔ افغانستان تعین ودرتمام آن دورهٔ درخشان مصدر خدمات برجسته وکارنامهای قابل قدری گردیده درپیشرفت امور وترقیات آن دوره تجربه، کفایت، وحسن خدمات خود را بمنصهٔ شهود گذاردند.

درعهد منور زمام داری تاجدار جوان اعلیحضرت (محمدظاهرشاه) مجددا ذات والاحضرت شان بریاست وتشکیل کابینهٔ دولت مامورشده واینک از بدو تجدید تصدی امور صدارت عظمی الی حال مثل زمان پرافتخار نادرشاهی با نهایت جدیت ومساعی مصروف فراهم آوردن وسائل ترقی وبهبود مملکت بوده، حسن انتظامیکه بحمدالله تعالی درتمام شعب اداری ومجاری امورمملکت دیده می شود نتیجهٔ زحمات خستگی ناپذیر ولیاقت ذاتی این مرد بزرگوار وخیر اندیش حقیقی وطن میباشد

تشکیلات مملکتی

صدارت عظمی

صدر اعظم	:	جناب عالیقدر جلالتمآب والاحضرت سردار محمدهاشم خان .
مشاور اول		ع ، ص . ذوالفقار خان
« دوم	:	« « سید احمد خان
رئیس ضبط احوالات	:	« « محمدشاه خان .
مدیر شعبهٔ اول	.	« خلیل الله خان .
« « دوم	:	« عبدالله خان
« « سوم	:	« محمدحسن خان .
« « اوراق	:	« محمداسمعیل خان .
« « عرائض	:	ص میر عبدالله خان .
مدیر کاتب قلم مخصوص	:	« محمدنعیم خان .
« محاسبه	:	« خواجه ذکرالله خان .

ع ، ص ذوالفقار خان مشاور اول

ع ، ص محمد شاه خان رئیس ضبط احوالات

ع ، ص سید احمد خان مشاور دوم

ع ، خلیل‌الله خان مدیر شعبهٔ اول

ع ، عبدالله خان مدیر شعبهٔ دوم

ع ، محمد حسن خان مدیر شعبهٔ سوم

ع ، محمد اسمعیل خان مدیر اوراق

ص، میرعبدالله خان مدیر شعبهٔ عرائض

قصر صدارت عظمی
Palais de la Présidence du Conseil.

عالیقدر جلالتمآب المراعلی شان والاحضرت سردار شاه محمود خان غازی سپه سالار و وزیر حربیه که همواره درراه حفظ سعادت وامنیت عمومیهٔ وطن جانبازیهای مردانه ومجهودات وطن پرورانه ابراز فرموده مخصوصاً درعهد پر افتخار نادر شاهی درهر گوشه ونواح وطن که آثار بقایای شورش جانستان سوز گذشته مانده حوادث ناخوب رخ میداد همه بحسن تدبیر ونیروی بازوی این فرزند دلاور افغانستان منطفی وخاموش گردیده است .

آخرا از قیمدار ترین خدمات این مرد دلاور حق شناس مساعی ومجهوداتی بود که درآغاز سلطنت شهریار جوان ما اعلیحضرت (محمدظاهر شاه) خلد الله ملکه در راه حفظامنیت عمومیهٔ مملکت وتامین راحت وسعادت ملت خود فرموده اند

امروز ترقیات وشوکت اردوی افغانستان وبهبود امور حربی مملکت مرهون خدمات وحسن کفایت ولیاقت ذات والاحضرت ممدوح بوده ووجود محترم شان خیلی برای وطن مفید وقیمتدار میباشد

وزارت حربیه

وزیر حربیه : ع ، ج ، ۱ ، ۱ نشان والا حضرت سپه سالار غازی سردار شاه محمود خان

یاور وزیر حربیه : ح ، غلام سعید خان غند مشر ثانی .

مدیر تحریرات : ش ، محمد قاسم خان کند کمشر .

مدیر قلم مخصوص : « ، محمد یوسف خان کند کمشر .

دائرهٔ استخبارات

مدیر : ش ، محمد عمر خان کند کمشر

آمر شعبهٔ الف : . . . . . .

« « ب : ش ، محمد ایاز خان کند کمشر .

« « ج : « ، عبد الله خان کند کمشر .

دائرهٔ ارکان حربیهٔ عمومیه

رئیس ارکان : ع ، ش ، محمد عمر خان فرقه مشر ثانی .

معاون رئیس : ح ، مصطفی خان غند مشر اول .

دائرهٔ عمومی حرکات

مدیر : ح ، سراج الدین خان غند مشر ثانی

آمر شعبه ۲ : ش ، محمد امین خان کند کمشر .

« « ۳ : . . . .

ع ، ش محمد عمر خان رئیس ارکان حربیه

دائرهٔ تعلیم و تربیهٔ عمومیه

مدیر عمومی : ح، سید محمد اکبرخان غند مشر ثانی.

آمر شعبهٔ پیاده و سوار: ش، آقا محمد خان کند کمشر.

« « هوا بازی: . . . . .

« « ترجمه : . . . .

مدیر خریطه : ش، میر عبدالسلام خان کند کمشر

ریاست اردو

رئیس اردو : ع، ش س، ع احمد علیخان فرقه مشر اول.

مدیر عمومی مأمورین: ح، عبدالخالق خان غند مشر ثانی.

مدیر اخذ عسکر : ح، حبیب الله خان غند مشر اول.

ع، ش سردار عالی احمد علی خان رئیس اردو

مدیریت صحیه و بیطاریه

مدیر : ش، عبدالباقیخان کند کمشر.

سر طبیب : عزتمند، اطار الاسلام قریشی.

سر بیطار : . . . .

مدیر انشاآت : ح، میر اعظم شاه خان غند مشر ثانی.

مدیریت عمومی نقلیه

مدیر عمومی : ح، محمد یعقوبخان غند مشر اول.

مدیر میخانیکی : ش زکریا خان کند کمشر.

مدیر حیوانات : ش، محمد حسن خان کند کمشر.

ریاست حربیه

وکیل رئیس	:	غ، ش سیدحسن خان فرقه مشر ثانی.
مدیر شعبهٔ هیئت معاینه وتدقیق	:	ح، محمد اکرم خان غندمشر ثانی.
« « اسلحه	:	ش، سربلند خان کندکمشر.
« « جباخانه	:	ح، میر محمدسعیدخان غندمشر ثانی.
« « آلات وادوات غنیه	:	ح، محمداسلم خان غندمشر ثانی.
سلحه دار	:	ح، عبدالرشیدخان غندمشر ثانی.
جبادار	:	ح، محمدعثمان خان غندمشر اول.

ع، ش سید حسن خان وکیل رئیس حربیه

ریاست لوازم

رئیس	:	ع ع ش شیر احمد خان نائب سالار.
معاون	:	ح، حسین علی خان غند مشر ثانی.
مدیر محاسبه	:	ش، خواجه عبدالقیوم خان کندکمشر.
مدیر لوازم	:	« حبیب الله خان کندکمشر.

ع، ع، ش شیر احمدخان نائب‌سالار رئیس لوازم

ریاست قبایل

رئیس	:	ح، سید محمدحسین خان غندمشر ثانی.
معاون	:	ح، شیرباز خان غند مشر ثانی.

ریاست محاکمات

رئیس : ح ، سیدعلی خان غند مشر اول.

معاون : ش ، گل علی خان کندکمشر .

رئیس انجمن اصلاح و ترق : ع ، ش محمدعمر خان فرقه مشر اول

مدیر عمومی اوراق : ش ، عبدالشکور خان کندکمشر

مدیر کلوپ : ش ، ظهور الدینخان کندکمشر .

ع ، ش محمد عمر خان رئیس انجمن اصلاح و ترق

شفاخانهٔ عسکری

سر طبیب : عزتمند داکتر سید عبدالغنی شاه خان

سر جراح : « « نور محمد خان .

معاون : « « سید محمد صالح خان هاشمی

« : « « میر عبدالحق خان .

قوماندانی طیاره

قوماندان : ح ، محمد احسان خان غند مشر اول.

مدیر لوازم : ش ، غلام بهاؤالدین خان کندکمشر .

مدیر دسته : ح ، غلام دستگیر خان غند مشر ثانی .

ح ، محمد احسان خان قوماندان طیاره

قوماندانی مکتب حربیه

قوماندان	:	ع،ش سردار علیشاه خان فرقه مشر اول.
معاون	:	. . . .
مدیر داخله	:	ح،عبدالله خان غند مشر ثانی .
معلم صنف پیاده	:	« لطیف احمد خان غندمشر ثانی.
« « توپچی	:	. . . .
« « استحکام	:	. . . .
« « توپچی	:	ش علی احمد خان کند کمشر .
سر معلم استحکام	:	عزت مند ، مکی احمد بیگ افندی .
« توپچی	:	« ظفر حسن خان
معلم اسپورت	:	. . .
« لسان روسی	:	عزتمند موسیو عبدالرحمن .
« جوجیدس	:	« « ناکاکی .
مدیر مکتب رشدیه	:	ش ، احمد سیرخان کند کمشر .
نگران مکتب احضاریه	:	ع ، ش محمد ابراهیم خان فرقه مشر .
مدیر تعلیمگاه پیاده	:	ح محمد عمر خان غند مشر ثانی.
مدیر « سوار	:	« ، سلطان احمد خان غند مشر ثانی
مدیر « توپچی	:	« ، عبدالغفور خان غند مشر ثانی .
مدیر « خوردضابطان	:	« ، سید صالح محمد خان غند مشر اول .

ع ، ش سردار علیشاه خان فرقه مشر اول.

ریاست فابریکه‌های حربی

رئیس : ع ، ع ، ش سید عبدالله خان .

معاون : . . . .

مدیر تحریرات و اوراق: ش محمد کاظم خان.

« براورد و محاسبه: « محمد جعفر خان

« خریداری : « محمد هاشمخان .

ع ، ع ، ش سید عبدالله خان رئیس فابریکات حربیه

فابریکهٔ آلات حربی

منتظم : ح ، نور محمد خان عند مشر اول.

مدیر محاسبه : ش، ابو ترابخان کندکمشر.

فابریکهٔ نساجی

منتظم : ح ، میر صاحبخان عند مشر اول.

مدیر محاسبه : ش ، یعقوب علیخان کندکمشر.

فابریکهٔ بوت دوزی

منتظم : ش ، میر عبدالرحیم خان کندکمشر.

مدیر محاسبه : « محمد طاهر خان کندکمشر .

قوماندان های عسکری مرکز

فرقهٔ شاهی

وماندان : ع ش سردار اسدالله خان فرقه مشر اول.

اون قوماندان : « « عبدالغنی خان فرقه مشر ثانی.

ع، ش سردار اسدالله خان قوماندان فرقهٔ شاهی

قول اردوی مرکزی

ماندان قول اردو : ع ، ع ، ش ، س ، ا محمد غوث خان نائب سالار.

« فرقهٔ اول « : ع ، ش غلام محمد خان فرقه مشر ثانی .

« « دوم « : « « عبدالغنی خان فرقه مشر اول .

« « سوم « : « « نور محمد خان فرقه مشر اول .

ع ، ع، ش ،س، امحمد غوث خان قوماندان قول اردو

« « توپچی : « « عبدالقیوم خان فرقه مشر اول.

ع ، ش عبد القیوم خان قوماندان فرقهٔ توپچی

قوماندانهای عسکری اطراف

قوماندان عسکری غزنی	:	ع ، ش خان زمان خان فرقه مشر ثانی .
» » قندهار	:	» » عبدالاحد خان فرقه مشر ثانی .
» » فراه وچخانسور	:	ع ، ع ، ش محمد انور خان نائب سالار .
» » هرات	:	ع ، ش محمد شعیب خان فرقه مشر ثانی .
» » مزار ومیمنه	:	» » عبدالغفور خان فرقه مشر ثانی .
وکیل قوماندان عسکری قطغن وبدخشان	:	ح ، محمد علم خان غند مشر اول .
قوماندان عسکری مشرق	:	ع ، ش سردار محمد داؤد خان فرقه مشر ثانی .
» قول اردوی جنوبی	:	» » س ، ع محمد افضل خان فرقه مشر اول .
» فرقهٔ اول قول اردوی جنوبی	:	» » پیر محمد خان فرقه مشر ثانی .
» » دوم » »	:	» » عبدالرؤف خان فرقه مشر ثانی .
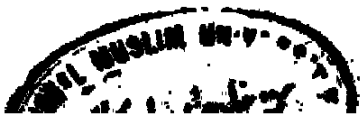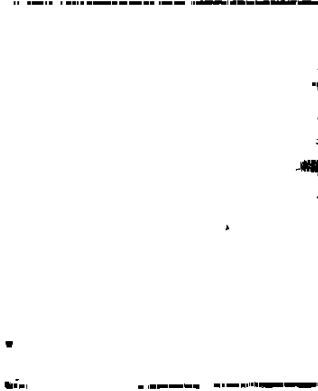
ع ، ش غلام محمد خان قوماندان فرقهٔ اول مرکز

ع ، ش عبدالغنی خان قوماندان فرقهٔ دوم مرکز

ع ، ش نورمحمد خان قوماندان فرقهٔ سوّم مرکز
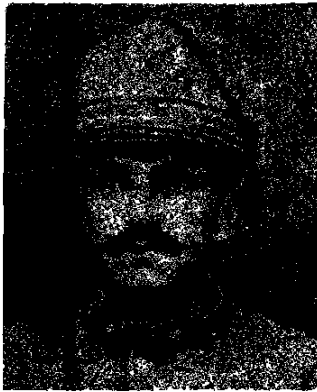
ع ، ش خان زمان خان قوماندان عسکری غزنی

ع ، ش عبدالاحد خان قوماندان عسکری قندهار

ع ، ش محمد شعیب خان قوماندان عسکری هرات

ع ، ش عبدالغفور خان قوماندان عسکری
مزار و میمنه

ع ، ش پیرمحمد خان فرقهٔ مشر عسکری
فرقهٔ اول قول اردوی سمت جنوبی

ع ، ش عبدالله خان فرقه مشر تعلیمگاه
خورد ضابطان قول اردو

ح، محمدعلم خان وکیل قوماندان عسکری قطغن و بدخشان

Les Commandants Militaires.
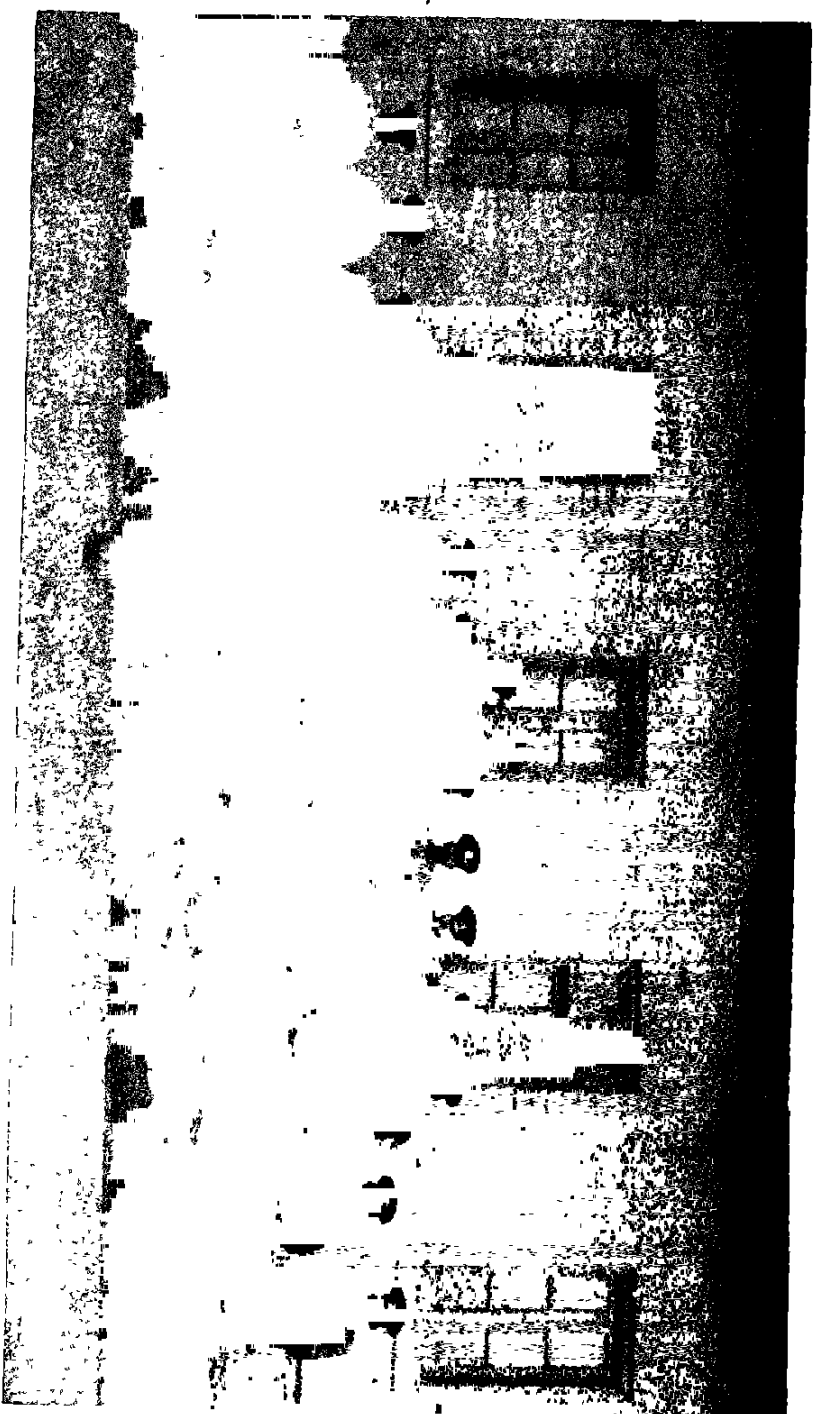
صاحب منصبان محترم وزارت حربیه الی درجه فرقه مشرثانی وغند مشرکه ذات والاحضرت وزیرصاحب حربیه نیز دروسط صف تشریف دارند

Les Officiers du Ministére de la Gueure, en dessus du Commandant (Assis aux centre S. A. R. le Ministre de la Gueure).

صف اول نشسته

۱ — میرک خان فرقه مشر احمدزائی
۲ — سعادت خان فرقه مشر احمد زائی
۳ — اصیل خان فرقه مشر منگلی
٤ — سردار علی شاه خان فرقه مشر قوماندان مکتب حربیه
۰ — سربلند خان نائب سالار جاجی
٦ — غلام نبی خان نائب سالار ناصری
۷ — محمد غوث خان (سردار اعلی) نائب سالار قوماندان قول اردوی مرکزی بارکزائی
۸ — والاحضرت وزیر صاحب حربیه
۹ — محمد نعیم خان نائب سالار بدخشی
۱۰ — زلمی خان نائب سالار منگلی
۱۱ — زرخان نائب سالار وزیری
۱۲ — مهردل خان نائب سالار بارکزائی
۱۳ — سردار اسدالله خان فرقه مشر قوماندان فرقهٔ شاهی
۱٤ — عبدالقیوم خان فرقه مشر توپچی ابراهیم خیل
۱۰ — عبدالله خان فرقه مشر وردکی

صف ۲ نشسته

۱ — مصطفی خان غندمشر معاون ریاست ارکان حربیهٔ عمومیه
۲ — امین الله خان لوامشر هراتی
۳ — محمد هاشم خان فرقه مشر
٤ — محمد عمر خان فرقه مشر ناصری
۰ — احمد علیخان (سردار عالی) فرقه مشر رئیس اردواودین
٦ — سید عبدالله خان شاجی نائب سالار رئیس فابریکات حربی
۷ — غلام محمد خان فرقه مشر تگابی
۸ — فضل احمد خان فرقه مشر فوفلزائی
۹ — محمد احسان خان غندمشر قوماندان طیاره
۱۰ — محمد قاسم خان غندمشر رئیس ارکان فرقهٔ شاهی

صف اول ایستاده

۱ — اعظم گل خان فرقه مشر طوطاخیل
۲ — اصیل خان فرقه مشر وزیری
۳ — سید حسن خان فرقه مشر کنری
٤ — محمد شاه خان فرقه مشر تره خیلی
۰ — محمد هاشم خان فرقه مشر لهوگری
٦ — عبدالغنی خان فرقه مشر قلعه بیگی گردیزی
۷ — عبدالله خان فرقه مشر طوطا خیل
۸ — امیر خان فرقه مشر مسعودی
۹ — غلام نبی خان فرقه مشر هزارهٔ درهٔ صوف
۱۰ — عبدالغنی خان فرقه مشر احمد زائی

صف ۲ ایستاده

۱ — نور احمد خان فرقه مشر هراتی
۲ — داؤد شاه خان فرقه مشر تره خیلی

۳ ۔ عبدالرشید خان خٹک مشر میکرین

۴ ۔ ش علی دوست خان فرقه مشر

ح ، سید محمد اکبر خان مدیر عمومی تعلیم و تربیه

ش ، آقا محمد خان آمر شعبهٔ پیاده وسواری
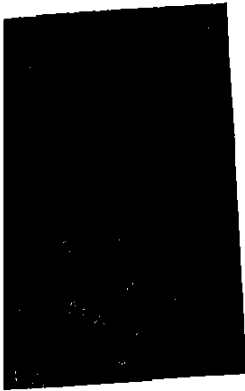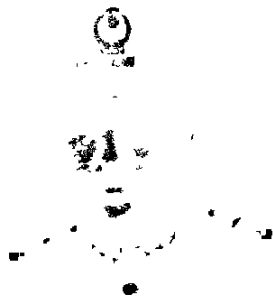
ش ، میرعبدالسلام خان مدیر

ح ، عبدالخالق خان مدیر مامورین

ش، حبیب‌الله خان مدیر احد عسکر

ش ، عبدالباقی خان مدیر صحیه

ح ، میراعظم شاه خان مدیر تعمیرات

م ، محمد یعقوب خان مدیر عمومی نقلیه

ش، زکریا خان مدیر شعبهٔ میخانیکی مدیریت عمومی نقلیه

، سعید خان یاور ع ، ح ، ریر
صاحب حربیه

ش ، محمد قاسم خان مدیر تحریرات

ش ، محمد یوسف خان مدیر مخصوص

د عمر خان مد ستخبارات

ش ، محمد انار خان آمر شعبه ب مدیریت
استخبارات

س ، عبدالله خان آمر شعبهٔ ج مدیریت
استخبارات

لی خان معاون ریاست ارکان
حربیهٔ عمومیه

م ، سراج الدین خان مدیر عمومی حرکات
ریاست ارکان حربیهٔ عمومیه

س ، محمد امین خان آمر شعبهٔ ۲ تشکیلات
دایرهٔ عمومی حرکات

ش ، محمدحسن خان‌مدیر شعبهٔ حیوانات
مدیریت عمومی نقلیه

ح ، محمد اکرم خان آمرشعبهٔ‌معاینه
وتدقیق ریاست حربی

ش ، سربلند خان آمر شعبهٔ اسلحه
ریاست حربی

ح ، میر محمد سعید خان آمر شعبهٔ
جبا خانهٔ ریاست حربی

ح ، محمد اسلم خان آمر شعبهٔ
آلات وادوات‌فنیه

ح ، محمد عثمان خان عضو مسرحماهانه

ح ، حسین علیخان معاون
ریاست لوازم

ش ، خواجه عبدالقیوم خان مدیر
محاسبهٔ ریاست لوازم

ش ، حبیب الله خان مدیرلوازم
ریاست لوازم

ج ، سید محمد حسین خان رئیس قبائل

ج ، سید علیخان رئیس محاکمات

ن ، گل علیخان معاون ریاست محاکمات

س ، عبدالشکور خان مدیر عمومی اوراق

ش ، ظهورالدین خان مدیر کنوب

ج غلام دستگیر خان مدیر دستهٔ
قوماندانی طیاره

ج ، محمد عمر خان مدیر معسکر پیاده

ج ، سلطان احمد خان مدیر تعلیمگاه سواری

ج ، عبدالغفور خان مدیر تعلیمگاه توپچی

وزارت خارجیه

وزیرامور خارجیه: ع ، ج فیض محمد خان .

معین اول : ع ، ص غلام یحیی خان .

« دوم : « « محمد عثمان خان .

ع ، ج فیض محمد خان وزیر امور خارجیه

الف ـ مدیت عمومی سیاسی

۱ مدیر عمومی سیاسی : ع ، سید عبدالله خان .

۲ مدیر شعبهٔ شرق : ص ، محمد شفیع خان .

۳ مدیر شعبهٔ غرب : ص ، عبدالحکیم خان کمیل مدیر

٤ « « مطبوعات: « ، عبدالرؤف خان .

ب ـ مدیریت عمومی تشریفات

۱ مدیر عمومی تشریفات: ع ، عبدالصمد خان.

۲ « شعبهٔ معاهدات: ص محمد حیدر خان .

۳ « « لوازم: . . . . . .

ع، ص غلام یحیی خان معین اول وزارت خارجیه

ج ـ مدیریت عمومی اداری

۱ مدیر عمومی اداری : ع محمد یونس خان .

۲ مدیر مامورین: ص محمد کریم خان .

۳ « شعبهٔ ویزه ، تبعه : « میرمحمد صدیق خان کفیل مدیر .
وتابعیت و قونسلگری

٤ مدیر شعبهٔ محاسبه: « حفیظ الله خان.

د- مدیر عمومی اوراق : ع عبدالغفار خان .

هـ- مدیر شعبهٔ شفر: س محمد ابراهیم خان .

ع ، ص محمد عثمان خان معین دوم وزارت خارجیه

و - دفتر دار خصوصی: « نور محمد خان .
وزیر خارجه
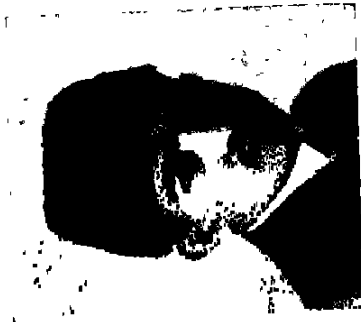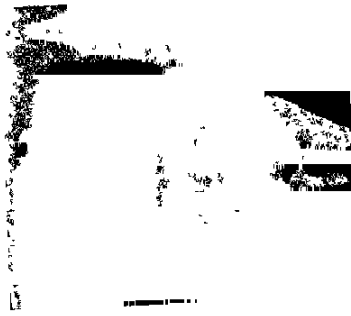
ع، سید عبدالله خان مدیر عمومی سیاسی

ص، محمد شفیع خان مدیر شعبهٔ شرق

ص، عبدالحکیم خان کفیل مدیریت شعبهٔ عرب

ص، عبدالروف خان مدیر مطبوعات

ع، عبدالصمد خان مدیر عمومی تشریفات

ص، محمد حیدر خان مدیر معاهدات

ع ، محمد یونس خان مدیر عمومی اداری

ص ، محمد کریم خان مدیر مامورین

ص میر محمد صدیق خان کفیل مدیریت ویره

ص، حفیظ الله خان مدیر محاسبه

ع، عبدالغفار خان مدیر عمومی اوراق

ص ، محمد ابراهیم خان مدیر شعر

عالیقدر جلالتمآب المراعی نشان والاحضرت سردار شاه ولیخان غازی فاتح کابل وزیر مختار اعلیحضرت در پاریس که والاحضرت ایشان علاوهٔ دیگر خدمات ذیقیمت و شاندار قشونی و کشوری توجهات استقلال؛ در موقعیکه مملکت آخرین مراحل بدبختی خودش را می پیمود با سهیکانه فرزند حق شناس و محسن افتخارات وطن اعلیحضرت محمد نادر شاه غازی شهید خلد آشیان قائد قوای ملی و بفتح کابل موفق گردیدند وذات گرامی شانرا عموم طبقات ملت افغانستان به نظر یك قائد بزرگ و خیر خواه حقیقی خویش دیده ایثارات مردانه و خدمات قابل قدر حضرت معظم له را که در راه حفظ شئونات وطن و ملت خویش ابراز داده اند همیشه قدر و احترام مینمایند.

از آغاز اعزام شدن ذات والاحضرت ممدوح بسمت وزارت مختاری اعلیحضرت تا امروز در امور سیاسیهٔ وطن با نهایت فعالیت و صمیمیت مصروف بوده و درین مسلك نیز مورد سی افادات مهمه بکشور و مملکت خود شده اند.

سفرا و نمایندگان افغانستان .

در خارج

سفارت کبرای اعلیحضرت در انقره

سفیر کبیر : ع ، ج سلطان احمد خان .

کاتب : ص ، فیض محمد خان .

» : » ، عبدالوهاب خان :

ع . ج سلطان احمد خان سفیرکبیر افغانی در انقره

ع . ج سردار شیر احمد خان سفیرکبیر افغانی درطهران

سفارت کبرای اعلیحضرت درطهران

سفیر کبیر : ع ، ج سردار شیر احمد خان .

سر کاتب : ص ، محمد اکرم خان

کاتب : » فضل احمد خان .

سفارت کبرای اعلیحضرت درمسکو

سفیر کبیر : ع ، ج عبدالحسین خان .

سر کاتب : ص ، عبدالحمید خان

کاتب : » سید محمد عثمانخان .

» : » محمد یونس خان .

ترجمان : » حبیب الله خان .

» : » غلام حسین خان .

ع ، ج عبدالحسین خان سفیر کبیرافغانی در مسکو

وزارت مختاری اعلیحضرت در پاریس

وزیر مختار : ع ، ج ، ا ، نشان والاحضرت سردار شاه ولیخان.

مستشار : ع ، ص ، س ، ع اسلام بیگ خان .

کاتب : ص ، سلطان عزیز خان .

« : « محمد شعیب خان.

وزارت مختاری اعلیحضرت در لندن

وزیر مختار : ع ، ج علی محمد خان .

سرکاتب : ص ، جمعه خان .

کاتب : « محمد سرور خان .

ع ، ج علی محمد خان وزیر مختار افغانی درلندن

وزارت مختاری اعلیحضرت درروما

وزیر مختار : ع ، ج محمد قاسم خان .

سرکاتب : ص ، احمد علیخان .

ع ، ج محمد قاسم خان وزیرمختار افغانی در روما

وزارت مختاری اعلیحضرت در برلین

سرکاتب : ص، محمد اسمعیل خان.

ع ، ج حبیب‌الله خان وزیر مختار افغانی در جاپان

وزارت مختاری اعلیحضرت درجاپان

وزیر مختار : ع، ج حبیب‌الله خان.

سرکاتب : ص، عبد الرؤف خان.

ع . ج محمد صادق خان مجددی وزیر مختار افغانی در مصر

وزارت مختاري اعلیحضرت درمصر

وزیر مختار : ع، ح محمد صادق خان مجددی.

کاتب : ص، عبد الرحمن خان.

جنرال قونسلگری اعلیحضرت درهند

جنرال قونسل : ع، ص صلاح الدینخان.

سرکاتب : ص، محمد ابراهیم خان.

کاتب : « صالح محمد خان.

« : « محمد اسمعیل خان.

جنرال قونسلگری اعلیحضرت در تاشکند

جنرال قونسل : ع، ص باز محمد خان.
سر کاتب : ص، علی محمد خان.

جنرال قونسلگری اعلیحضرت در مشهد

جنرال قونسل : ع، ص محمد صدیق خان.
سر کاتب : ص، محمد اختر خان.
کاتب : « محمد عمر خان.
« : « محمد شریف خان.
وکیل الدعوی : « رضا خان هروی.

قونسلگری اعلیحضرت در بمبئی

قونسل : ع، سید عبدالحمید خان.
سر کاتب : ص، محمد آصف خان.
کاتب : «، محمد یعقوب خان.

قونسلگری اعلیحضرت در کراچی

قونسل : ع، یار محمد خان.

سرکاتب : ص، محمدامین خان .

کاتب : « ، محمداحمد خان .

قونسلگری اعلیحضرت درسیستان

قونسل : ع ، گل محمد خان .

سرکاتب : ص، تاج محمد خان .

قونسلگری اعلیحضرت درمرو

قونسل : ص ، عبدالودود خان .

سرکاتب : . . . .

ماموریت ویزهٔ افغانی درپشاور

مامور : ص ، عبدالغفور خان .

سرکاتب : « ، دوست محمد خان .

کاتب : « ، محمد عظیم خان .

ماموریت ویزهٔ افغانی درکویته

مامور : ص ، محمدرحیم خان .

کاتب : « ، الله داد خان.

ع ، ج سردار محمد نعیم خان سابق وزیر مختار افغانستان در روما

ع ، ص صلاح الدین خان سلجوقی
جنرال قونسل افغانستان در دهلی

ع ، ص یار محمد خان جنرال قونسل افغانستان
در تاشکند

ع ، ص محمد صدیق خان جنرال قونسل
افغانستان در مشهد

ع ، عبدالودود خان قونسل افغانی
در مرو

ص ، عبدالرسول خان وکیل التجار
افغانی در پشاور

مراجعت نموده اند

جناب نورعلیخان دیپلوم انجنیر و دکتور انجنیر کیمیا تعلیم یافتهٔ المان

جناب عبدالغفورخان انجنیر تعمیرات تعلیم یافتهٔ الپان

جناب عبدالعلی خان متخصص صراعتانه تعلیم یافتهٔ الپان

جناب میر محمد یوسف خان متخصص زراعت تعلیم یافتهٔ فرانسه

جناب عبدالله خان متخصص دندان تعلیم یافتهٔ المان

ع ، محمدعلیخان لولیمشر تعلیم یافتهٔ ترکیه

Étudiants Afghans nouvellement diplômés des Écoles de l'Étranger.

ع ، عبدالحکیم خان مدیر عمومی پولس

ع ، عبدالرحیم خان مدیر عمومی احصائیه

ص ، عبدالودود خان مدیر مامورین

ص ، بدرالدین خان مدیر محاسبه

ص ، غلام نقشبند خان مامور اوراق
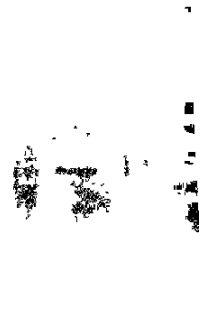
ص ، محمد حسن خان مامور تحریرات

مدیران دوائر ریاست تنظیمیة ولایت شمال

ش، نور احمد خان مدیر دائرهٔ اول

ص، علام حسن خان مدیر دائرهٔ دوم
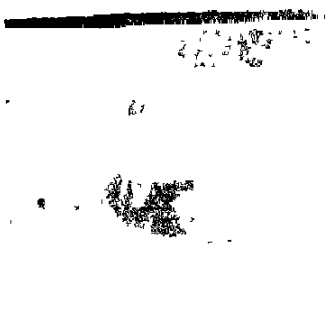
ص، عبدالمقیم خان مدیر دائرهٔ چهارم

ص، عبدالله خان مدیر دائرهٔ پنجم

وزارت داخلیه

وزیر داخله : ع ، ج ۱ ، ا نشان محمد گل خان.

معین اول : ع ، ص عبدالرشید خان .

« سوم : « « نیک محمد خان

ع ، ج ، ا . ا نشان محمد گل خان وزیر داخله

مدیر عمومی پولیس : ع ، عبد الحکیم خان .

« « احصائیهٔ نفوس: « عبد الرحیم خان .

« _ مامورین : ص ، عبدالودود خان .

« محاسبه : « بدر الدین خان .

مامور اوراق : « غلام نقشبند خان .

مامور تحریرات : « محمد حسن خان .

ع ، ص عبدالرشید خان معین اول وزارت داخله

ع ، ص نیک محمد خان معین سوم وزارت داخله

وزارت عدلیه

وزیر عدلیه ع، ج فضل احمد خان.

رئیس تمیز : ج، ف عبدالرب خان.

وکیل رئیس جمعیة العلماء: « « ملا بزرگ صاحب.

ع، ج فضل احمد خان مجددی وزیر عدلیه

رئیس اصلاحیه : ع، ص امین الله خان

مدیر تحریرات : ص، عبد السلام خان

مدیر مامورین : « محمد میر خان

مامور محاسبه : « محمد ناصر خان.

ح ، ف عبدالرب خان رئیس تمیز

ع ، ص امین‌الله خان رئیس اصلاحیه

ص ، عبدالسلام خان مدیر تحریرات

ص ، محمد میر خان مدیر مامورین

ص ، محمد ناصر خان مامور محاسبه

د محمد ایشان خان معاون اول

ع ، ص عبدالحمید خان رئیس مطابع

ع ، سید محمد رسول خان معاون دوم

محمد نوری خان مدیر رسمکو گرافی
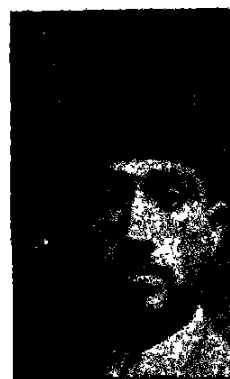
ص ، سید محمد داؤد خان خطاط

ص ، عبدالغفور خان « برشنا » رسام

ص، میر حسام الدین خان مدیر محاسبه

ص ، محمد سرور خان خزانه دار
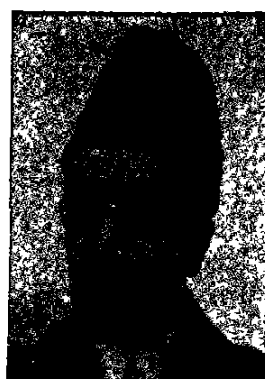
وزارت مالیه

وکیل وزارت مالیه : ع ، ج ، میرزا محمد خان .

ریاست محاسبات

معین اول ، رئیس : ع ، ص ، محمد حسین خان .

مدیر عمومی : ع ، محمد اسلم خان .
معاشات و مصارفات کل

مدیر واردات : ص ، غلام حسن خان .

« خزائن : « عبدالحق خان .

« تحصیلی بقایا : « محمد حسن خان .

ریاست اداری

معین دوم ، رئیس : ع ، ص ، غلام مجتبی خان .

مدیر بودجهٔ عمومیه : ع ، محمد انور خان .

« مامورین : ص ، محمد افضل خان .

« معاش و مصرف : « محمد هاشم خان .
مرکزی

« تحریرات : « محمد رضا خان .

« اوراق : « محمد حسین خان .

مامور تصفیهٔ ولایات : « عبدالرحیم خان .

« « مرکزی : « محمد عثمان خان .

مشاور مالی : عزتمند ، موسیو منچولی .

ترجمان : ص ، محمد عثمان خان .

ع ، ص محمد حسین خان معین اول وزارت مالیه

ع ، ص غلام مجتبی خان معین دوم وزارت مالیه

ریاست ضراب خانه

رئیس	:	ع، ص، غلام قادر خان .
معاون	:	ص، غلام رسول خان
مدیر محاسبه	:	« محمد سرور خان .
ماذون	:	« عبدالنبی خان .
مامور تحلیل	:	« عبدالوهاب خان .
« «	:	« نورالحق خان.

ریاست عمومی مطابع

رئیس	:	ع، ص، عبدالحمید خان .
معاون اول	:	ع، سید محمد ایشان خان
« دوم	:	« سید محمد رسول خان .
مدیر زنکوگرافی	:	ص، محمد نوری خان .
خطاط و رسام	:	« سید محمد داؤد خان .
رسام	:	« عبدالغفور خان .
متخصص	:	عزتمند اتوموزر .
مدیر محاسبه	:	ص میرحسام الدین خان.
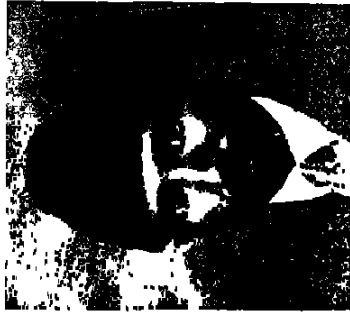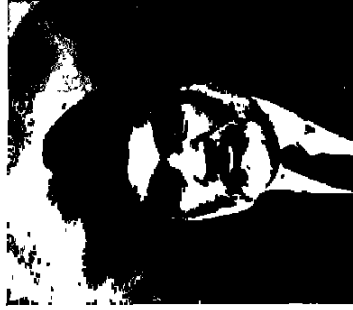
ع ، محمد اسلم خان مدیر معاشات ومصارفات

ص ، غلام حسن خان مدیر واردات

ص ، عبدالحق خان مدیر خزائن

ص ، محمد حسن خان مدیر تحصیلی بقایا

ع ، محمد انور خان مدیر عمومی بودجه

ص ، محمد افضل خان مدیر مامورین

ع ، غلام رسول خان معاون ضرابخانه

ع ، ص غلام قادر خان رئیس ضرابخانه

ص ، محمد سرور خان مدیر محاسبه ضرابخانه

ص ، محمد هاشم خان مدیر معاش مصرف مرکزی

ص ، محمد رضا خان مدیر تحریرات

ص ، محمد حسین خان مدیر اوراق

وزارت معارف

ع ، ج سردار احمد علیخان وزیر معارف

وزیر معارف : ع ، ج سردار احمدعلیخان

معین : ع ، ص عبدالجبار خان .

معاون ریاست تعلیم و تربیه : « « ، هاشمخان شایق .

عضو تعلیم و تربیه : عزتمند ، امین عالی بیگ .

« « « : « ، جمال الدینخان .

« « « : ص ، شیخ محمد رضاء خان .

مدیر تفتیش و مامورین : « ، عزیز الرحمن خان .

مفتش : ص ، عبدالغفار خان .

« : « ، محمد آصف خان .

مدیر تحریرات : « ، محمد قاسمخان .

« تنظیمات : « ، عبدالله خان .

مامور محاسبه : « ، محمد یونس خان .

مامور اوراق : « ، عبدالله خان .

سکرتر و معلم سکوت : « ، محمد یعقوبخان .

ع ، ص عبدالجبار خان معین وزارت معارف

شعبات مربوطهٔ مرکز

رئیس فاکولتهٔ طبی : عزتمند ، حسن رشاد بیگ .

رئیس دارالعلوم عربیه : ع ، ص ، قاری عبدالرسول خان .

وکیل مدیریت مکتب حبیبیه : ص ، محمد نبی خان .

مدیر مکتب استقلال : عزتمند موسیو بوانی .

» » نجات : عزتمند ، داکتر ایون ،

» » صنایع : ص ، غلام محمد خان .

» » دارالمعلمین : » ، سید محمد فاروق خان .

وکیل مدیریت مکتب غازی : » ، عبدالعمار خان .

» » زراعت : » ، محمد زمان خان .

مدیر موزه : » ، غلام محی الدین خان .

سر معلم مکتب اول شهر : » ، فرمان علیخان .

» » دوم شهر : » ، محمد کبیر خان .

» » بی بی ماهرو : » ، غلام حسن خان .

» » شیوکی : » ، آقا محمد خان .

» مکاتب چهاردهی : » ، عبدالغفور خان .
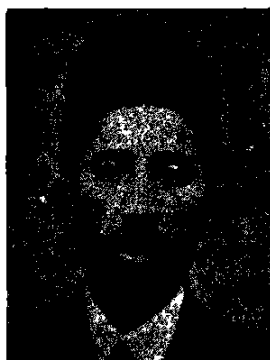
ع ، ص هاشم خان شاىق معاون رياست
تعليم و تربيه

ص ، شيخ محمد رضا خان عضو رياست
تعليم و تربيه

ص ، عزيزالرحمن خان مدير تدقيق
ومامورين

ص ، محمد آصف خان مفتش

ص ، محمد قاسم خان مدير تحريرات

ص ، عبدالله خان مدير تعليمات
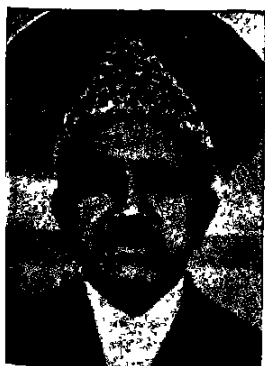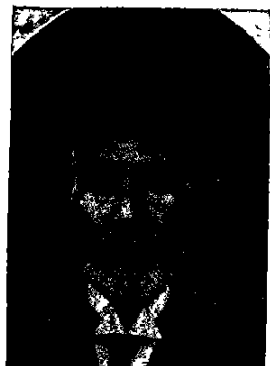
ص، محمد يونس خان مامور محاسبه

ص، عبدالله خان مامور اوراق

ص محمد يعقوب خان سكرتر انجمن كشافان

ع، ص قاری عبدالرسول خان رئیس
دارالعلوم عربیه

ص، محمد نبی خان وکیل مدیریت
مکتب حربیه

ص، پروفسر غلام محمد خان مدیر
مکتب صنائع نفیسه

ص، سید محمد فاروق خان مدیر
مکتب دارالمعلمین

ص، عبدالغفار خان مفتش وکیل
مدیریت مکتب غازی

ص، محمد زمان خان وکیل مدیریت
مکتب زراعت
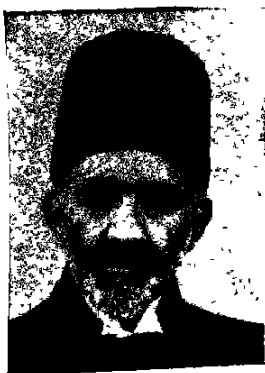
ص، غلام محی الدین خان مدیر موزه

ع ، عبدالقیوم‌خان‌مدیر عمومی گمرکات

ع ، محمدکریم خان مدیر عمومی تجارت

ص ، محمدزمان خان مدیر مجلهٔ اقتص

ص، سید محمد سرور خان مدیر مامورین

ص ، محمد عنایت‌الله خان مدیر محاسبه

ص میر محمد ضیاءالدین خان مدیر تحریرات

ص، عبدالودود خان مدیر اوراق

ع ، ص غلام حیدر خان رئیس فیصلهٔ
منازعات تجارتی

ص ، محمود خان مدیر حمل و نقل
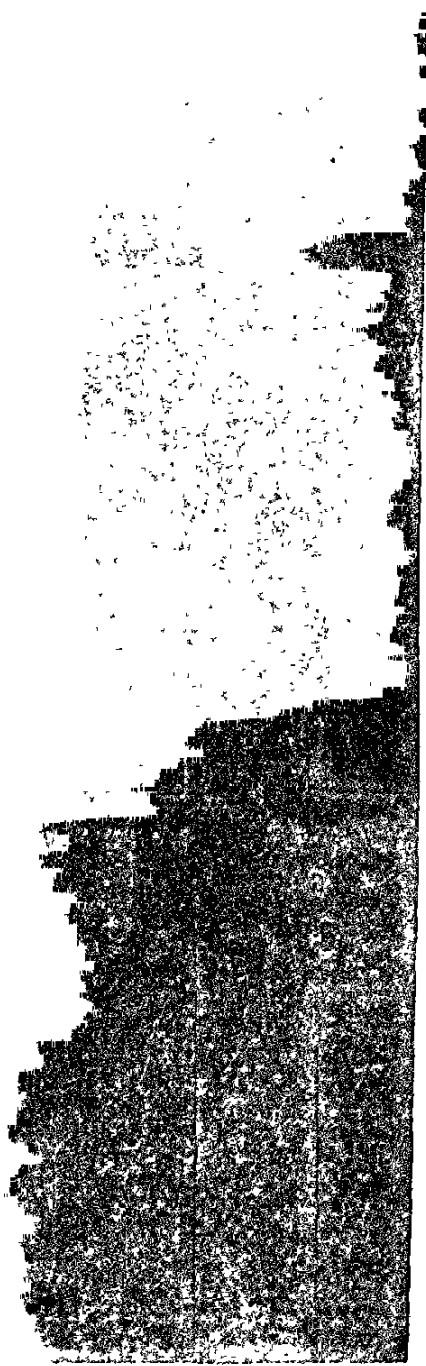
عمارت جدید تربیهٔ حیوانات واقع ده بوری (کابل)
Nouveaux Établissements d'Élevage à Kaboul.

وزارت تجارت

وزیر تجارت : ع ، ج میرزا محمد خان .

معین اول : ع ، ص محمد حسین خان .

« دوم : « « غلام غوث خان .

مدیر عمومی گمرکات : ع ، عبدالقیوم خان .

« « تجارت : ع ، سردار محمد کریم خان

« « ترجمانی : ص ، عبدالمجید خان .

ع ، ح میرزا محمد خان وزیر تجارت

مدیر مجله اقتصاد: ص محمد زمانخان ترکی

« زراعت : . . . . . .

« مامورین : ص ، سید محمد سرورخان .

« محاسبه : « محمدعنایت الله خان .

« تحریرات : « میرمحمدضیاءالدینخان .

« اوراق : « عبدالودود خان .

سرکاتب اداره : « عبدالحسین خان .
محاسبهٔ شرکتها

ع ، ص محمد حسین خان معین اول وزارت تجارت

رئیس فیصلهٔ : ع ، ص غلام حیدرخان
منازعات تجاریه

مدیر حمل و نقل : ص ، محمود خان
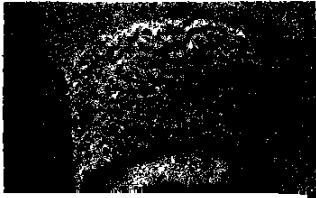
ع ، ص غلام غوث خان معین دوم وزارت تجارت

وزارت فوائد عامه

وزیر : ع ، ج الله نواز خان .

معین ع ، ص نصر الله خان .

ع ، ج الله نواز خان وزیر فوائد عامه

مدیریت عمومی فابریکات

مدیر عمومی : ع ، سردار غلام محمد خان .

مدیر فابریکهٔ : . . . .
گوگرد سازی

منتظم و متخصص: ص ، مقبول الحق خان
گوگرد سازی

مامور فابریکهٔ نجاری : . . . .

متخصص رنگمالی : عزتمند کتنر المانی

« دکمه سازی : « سرماینرت المانی .

مامور فابریکهٔ نساجی : ص عبد الغفور خان .
مرکز

مامور تعمیرات جبل السراج: « امیر محمد خان .

متخصص « « : عزتمند مستر ما نیکهٔ المانی .

ع.ص نصر الله خان معین وزارت فوائد عامه

مدیریت عمومی معابر

مدیر عمومی : ع ، سعد الدینخان .

مهندس : عزتمند ، مستر تسیمهٔ آلمانی .

اورسیر : « ، جعفر علیخان .

مدیریت عمومی تعمیرات

مدیر	:	ع ، عبدالغیاث خان .
مامور محاسبه	:	ص ، محمد موسی خان .
متخصص	:	» عبدالغفور خان .

مدیریت محاسبه

مدیر محاسبه	:	ص ، عبدالکریم خان .
مامور محاسبه	:	» عبدالاحد خان .

مدیریت جشن

مدیر	:	ص ، غلام محی الدینخان .
معاون	:	» نوراحمد خان .

مدیریت مهندسی

مدیر	:	ص ، نظر محمد خان .
مهندس	:	» اورنگ زیب خان .

مدیریت برق

مدیر	:	ص ، عبدالعلیخان .
انجنیر سب استیشن	:	» غلام محمد خان .
» برق قندهار	:	» امیرالدینخان .
مدیر مامورین	:	» عبدالحسین خان .

مدیر تحریرات	:	ص ، محمد علیخان .
« اوراق	:	« حبیب الله خان .
مامور خزانه	:	« قیام الدین خان .
معاون مامور خزانه	:	« سید امیر خان .
ترجمان لسان انگلیسی	:	« محمد افضل خان .

ماموریت پشمینه بافی قندهار

مامور	:	ص ، نظام الدین خان ،
متخصص	:	عزتمند مستر کمپیر المانی .
مامور نجاری دارالفنون	:	ص ، نور احمد خان .

مدیریت تعمیر سرک مشرقی

مدیر	:	ص ، شیخ عبدالله خان .
مامور محاسبه	:	« عبدالحنان خان .
کندکشر انشاآت	:	ش ، محمد افضل خان .

ع ، غلام محمد خان مدیر عمومی ذیرمکات

ع ، سعدالدین خان مدیر عمومی معابر

ع ، عبدالغیاث خان مدیر عمومی تعمیر

ص ، عبدالکریم خان مدیر محاسبه

ص ، نوراحمد خان معاون مدیریت حسن

ص ، نظر محمد خان مدیر مهـ

ص ، عبدالعلی خان مدیربرق

ص، غلام محمد خان دیپلوم انجنیرالکتریک

ص، امیرالدینخان دیپلوم انجنیرالکتر
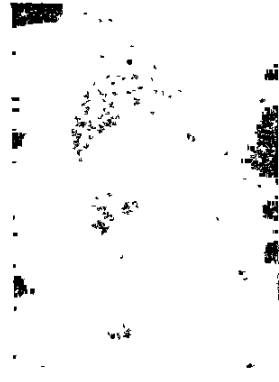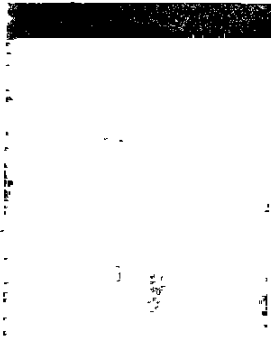
، عبدالله خان رئیس شرکت تنویرات

ص، محمد عمرخان مدیرمحاسبه شرکت تنویرات

ص، محمد نعیم خان دیپلوم انجنیرالکتریک

ص ، عبد الحمید خان مدیر مامورین
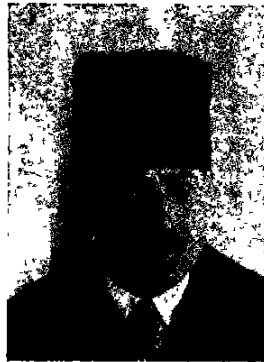
ص ، محمد علیخان مدیر تحریرات

ص ، حسب‌الله خان مدیر اوراق

ص ، شیخ عبدالله خان مدیرمعابر سرک مشرق

ریاست صحیه

رئیس صحیه : ج، محمد اکبر خان.

شعبهٔ اداری

مدیر مجموعهٔ صحیه : ص، عبدالرشید خان.

مامور محاسبه : « محمد محسن خان.

سرکاتب تحریر : « محمد عمر خان.

« اوراق : « سیدعبدالرؤف خان.

ج، محمد اکبر خان رئیس صحیه

سرکاتب مامورین : ص محمد ابراهیم خان.

ترجمان المانی : « عبدالرشید خان.

« انکلیسی : « عبدالرشد خان.

« ترکی : « محمد ناصر خان.

مدیریت شفاخانهٔ ملکی

مدیر : ص، عبدالغفار خان

منتظم مکتب طبی : « غلام سرور خان.

شعبهٔ فنی

مشاور	:	عزتمند جناب داکتر رفقی کامل بیک .
سرطبیب	:	« فؤاد بیک .
داکتر	:	« ربیع حکمت بیک .
«	:	« ولی الدین فرحان
«	:	« رشیدالدین خان .
«	:	« عبدالعزیز خان .
«	:	« کرم الهی خان .
«	:	« میر عبیدالله خان .
«	:	« حمدالله خان .
«	:	« محمد موسی خان .
«	:	« سیدگر خان .
«	:	« عنایت الله خان .

ص، عبدالرشید خان لطیفی مدیر مجلهٔ صحیه

ص، محمد محسن خان مامور محاسبه

ص، سید عبدالرؤف خان سرکاتب اوراق

ص، محمد ابراهیم خان سرکاتب مامورین

ص، عبدالغفار خان مدیر شفاخانهٔ ملکی
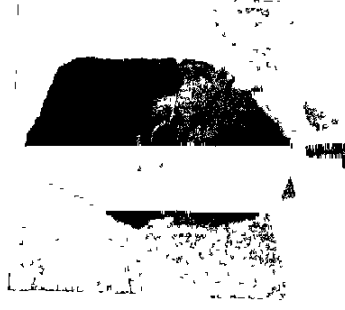
ص، غلام سرور خان منتظم مکتب طبی
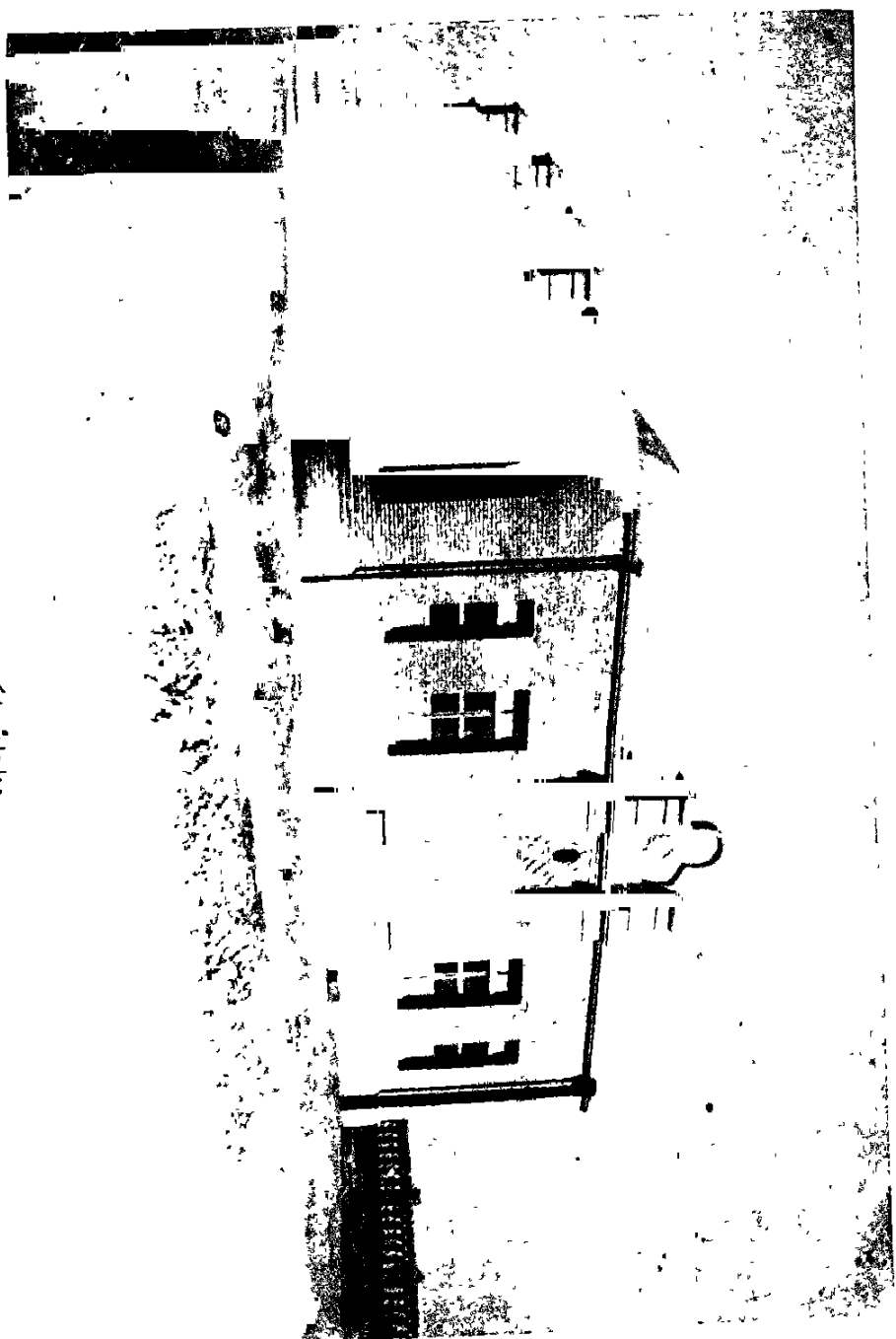
شفاخانهٔ ملکی هرات
Hôpital Civil de HÉRAT.

عزتمند رفقی کامل بیگ مشاور فنی ریاست صحیه و باقی داکتران شفاخانه های ملکی کابل

عزتمند دکتور فؤاد بیگ

جناب، دکتور رفقی کامل مشاور

عزتمند دکتور ربیع حکمت بیگ

عزتمند دکتور ولی الدین خان فرحان

عزتمند، جلال فایق بیگ داکتر دندان

عزتمند، داکتر رشیدالدین خان

عزتمند داکتر عبدالعزیز خان

عزتمند داکتر کرم الهی

عزتمند داکتر عبدالله خان

Les Docteurs des Hopitaux Civils de Kaboul.
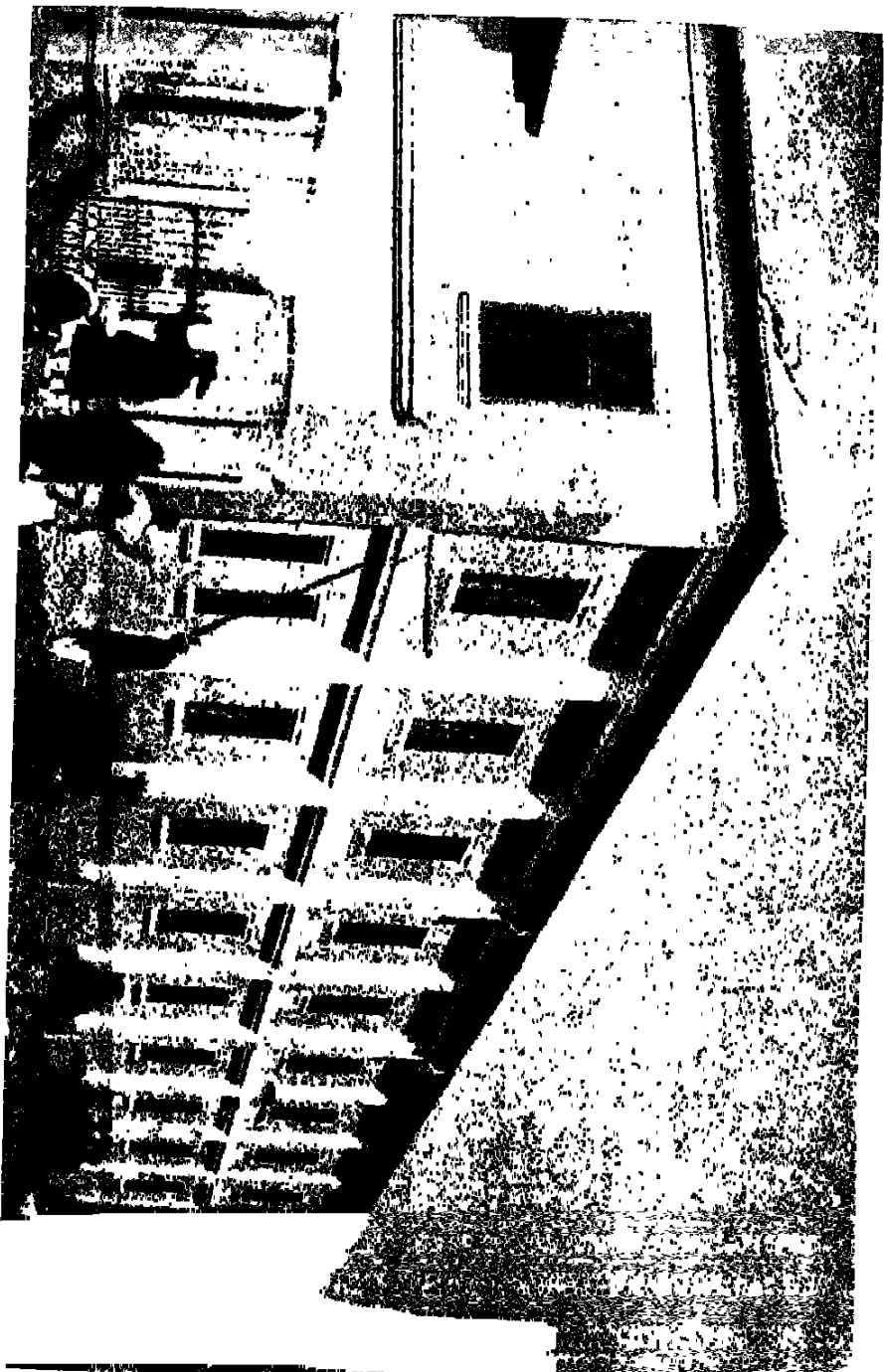
منظرهٔ خارجی عمارت جدید وزارت معارف

Nouveau Bâtiment du Ministére de l'Instruction Publique.

ص ، غلام احمد خان مامور محاسبه

ص ، محمد سعیدخان مامور محاسبات خارجه

ص ، عبدالمجید خان سرکاتب پست

ص ، عبدالفتاح خان سرکاتب شعبهٔ تلگراف وتلفون

ص ، عبدالخالق خان سرکاتب شعبهٔ ارتباط خارجی

ص ، غلام غوث خان وکیل شعبهٔ مامورین وتحریرات
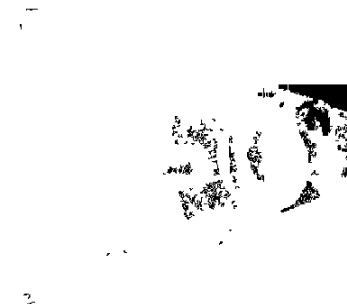
ص ، پاینده محمد خان سرکاتب اوراق

ص ، محمد حسین خان انجنیر رادیو
الکتریک

ص ، عبدالمجید خان متخصص تلفون

ص ، غلام جیلانی خان مامور
حمل و نقل

ص ، محمد امان خان منتظم تلگراف
سمدار
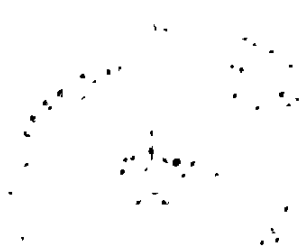
ریاست پوست. تلگراف و تیلفون

رئیس : ج، رحیم الله خان.

مامور محاسبه : ص، غلام احمد خان.

« محاسبات خارجه: « محمد سعید خان.

سرکاتب شعبهٔ پوست : « عبدالمجید خان.

ج، رحیم‌الله خان رئیس پوست، وتلگراف وتیلفون

سرکاتب شعبهٔ تلگراف وتیلفون : ص عبد الفتاح خان

« « ارتباط خارجی : « عبد الخالق خان.

« « مامورین وتحریرات: « غلام غوث خان.

« « اوراق : « پاینده محمد خان.

متخصص : « محمد حسین خان.

ترجمان : « غلام فاروق خان.

تشکیلات ولایات وحکومتی‌های اعلی

وحکومتی های کلان

ولایت کابل

والی	:	و، ج محمدعمرخان .
مستوفی	:	ع، ص سیدحبیب خان .
قاضی مرافعه	:	ف، مولوی صالح محمدخان .
قوماندان کوتوالی	:	ح، طره‌بازخان .
رئیس خزانه عمومی	:	ع، ص نظر محمدخان .
مدیر گمرك	:	. . . . .
قاضی ابتدائیه	:	ف، ملا احمدخان .

و، ج محمدعمرخان والی ولایت کابل

مدیر تحریرات	:	ص، عبدالوحدخان .
وکیل مدیر پست تیلفون و تلگراف	:	« علام صفدرخان .
مامور معابر	:	« جلال الدین خان .

ع . ص سید حبیب خان مستوفی ولایت کابل

ح . طره‌بازخان قوماندان کوتوالی کابل

کبر خان قوماندان کوتوالی

ص ، خواجه مهماب الدین خان
مدیر گمرک
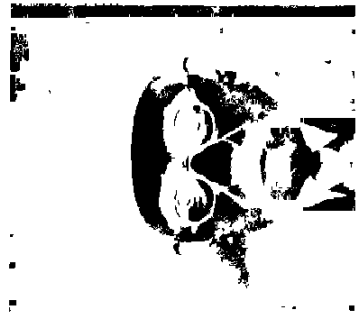
ص ، میرعلام فاروق خان مدیر
خارجه

الرحمن خان مدیر تحریرات

ص ، احمد شاه خان مدیر عمارات

ص ، میر محمد ولی خان مدیر
شفاخانه

ان مدیر خزانه

ص ، صالح محمد خان مدیر معارف

ولایت قندهار

وکیل نائب‌الحکومه: و، ج، س، ۱ غلام فاروق خان.

مستوفی : ع، ص عبدالله خان.

وکیل قاضی مرافعه: ف، ملاحمه خان.

قوماندان کوتوالی : ح، محمد اکبر خان

مدیر گمرک : ص، مهتاب الدینخان.
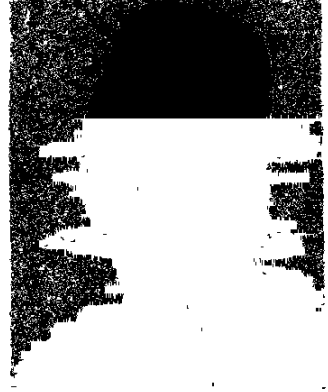
و، ج س، ۱ غلام فاروق خان وکیل نائب الحکومة ولایت قندهار

قاضی ابتدائیه : ف، اختر محمد خان.

مدیر خارجه : ص، میر غلام فاروق خان.

« تحریرات : ص حبیب‌الرحمن خان.

« مخابرات : « احمد شاه خان.

« شفاخانه : « میر محمد ولیخان.

« خزانه : « سیف‌الله خان.

« معارف : « صالح محمد خان.

رئیس فیصلهٔ منازعات تجاریه : ع، ص سید محمد اکرم خان.

مامور زراعت : ص، عزیزالله خان.

« معابر : « محمد عمر خان.

« برق : « فضل احمد خان.

« فابریکهٔ نساجی : « نظام الدینخان.

ولایت هرات

نائب الحکومه : و، ج عبدالرحیم خان نائب سالار.

مستوفی : ع، ص عبدالوهاب خان.

قاضی مرافعه : ف، ملا احمد علی خان.

قوماندان کوتوالی : ح، حاجی محمد عظیم خان

مدیر گمرک : ص، غلام حیدر خان.

قاضی ابتدائیه : ف، ملا عبدالباقی خان.

و، ج عبدالرحیم خان نائب الحکومة

مدیر خارجه : ص عبدالعزیز خان.

مدیر تحریرات : « امیر محمد خان.

« مخابرات : « پاینده محمد خان.

« شفاخانه ملکی : « عبدالرحمن خان.

مامور زراعت : « عبدالرؤف خان.

« خزانه : « عبدالوهابخان.

« معارف : « سعدالدینخان.

منتظم تلگراف : « عبدالاحد خان.

رئیس فیصلهٔ منازعات تجارتی : ع، ص غلام نبی خان.

نگران معابر : « نوروز علیخان

ع، ص عبدالوهاب خان مستوفی

ج حاجی محمد عظیم خان قوماندان کوتوالی
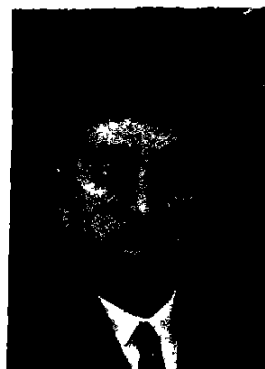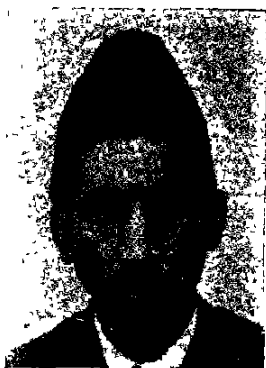
ص غلام حیدر خان مدیر گمرک

ص عبدالعزیز خان مدیر خارجه

ص امیر محمد خان مدیر تحریرات

ص، پاینده محمد خان مدیر عمارات

ص، عبدالرؤف خان مامور زراعت

ص، غلام نبی خان رئیس فیصلهٔ منازعات تجارتی
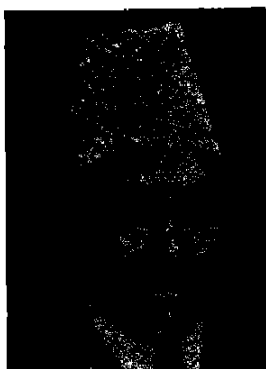
ع ، ص عزيزالله خان مستوفی

ج ، عبدالرحیم خان وکیل قوماندان
کوتوالی
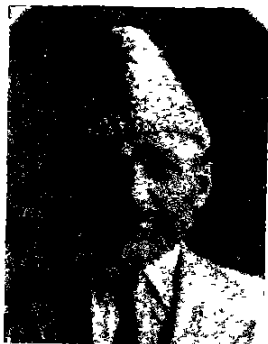
ص ، محمد قاسم خان وکیل
مدیریت گمرکات

ص ، سید محمد مومن خان مدیر
خارجه

ص ، عبدالغفور خان وکیل مدیریت
تحریرات

، محمد امان‌خان مدیر مخابرات

ص ، رحمت‌الله خان وکیل
مدیریت زراعت

ص ، محمدزمان خان مدیر مدافعه‌ملی

ولایت مزار شریف

و ، ج عبدالجمیل خان وکیل نائب الحکومه

وکیل نائب الحکومه: و ، ج عبدالجمیل خان .

مستوفی : ع ، ص عزیزالله خان .

قاضی مرافعه : ف ، ملا میر محمود خان .

وکیل قوماندان کوتوالی: ح ، عبدالرحیم خان .

« مدیریت گمرک : س ، محمد قاسم خان .

قاضی ابتدائیه : ف ، ملا رجب خان

دیر خارجه : ص ، سید مؤمن خان .

دیر تحریرات : « ، عبدالغفور خان .

« مخابرات : « ، محمد امانخان .

کیل مدیر شفاخانه : « ، محمد رحیم خان .
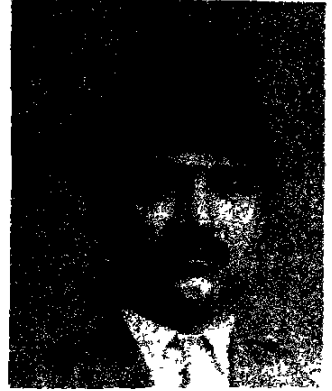
دیر دفع ملخ : « ، محمد رمانخان .

امور خزانه : « ، میر سکندرشاه خان .

« معارف : « ، عبدالسلام خان ؛

نتظم تلگراف : « ، غلام سرور خان .

ئیس فیصلهٔ منازعات تجارتی : ع ، ص محمد شاه خان .

امور موزیم : « ، حاجی سلیم خان .

ولایت قطغن و بدخشان

وکیل نائب الحکومه	:	و ، ج شیر محمد خان .
مستوفی	:	ع ، ص محمدسرور خان
قاضی مرافعه	:	ف ، ملا احمد خان .
قوماندان کوتوالی	:	ح ، فقیر شاه خان .
مدیر گمرك	:	ص ، محمد انور خان .
قاضی ابتدائیه	:	ف ، گلدست خان .

و ، ج شیر محمد خان وکیل نائب الحکومه

وکیل مامور خارجیه	:	س ، میر امان الله خان .
مدیر تحریرات	:	« شاه عبدالله خان .
« مخابرات	:	« میرزا نیك محمد خان .
« مدافعهٔ ملخ	:	« خلیل الرحمن خان .
مامور طبیه	:	« سلطان محمد خان .
« زراعت	:	« سخیداد خان .
« خزانه	:	« عبدالرشید خان .
« معارف	:	« فدائی احمد خان .
رئیس فیصلهٔ منازعات تجارتی	:	ع ، ص میان فضل احمد خان .
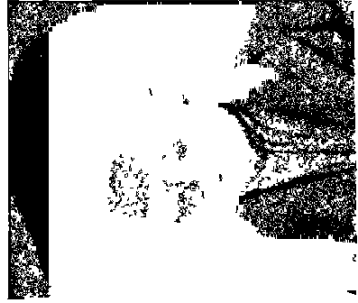
ع.ص محمد سرور خان مستوفی

ح ، فقیر شاه خان قوماندان کوتوالی

ص ، محمد انور خان مدیر گمرک

ص ، شاه عبدالله خان مدیر تحریرات

ص ، خلیل الرحمن خان مدیر مدافعه ملکی

ص ، سحیداد خان مامور زراعت
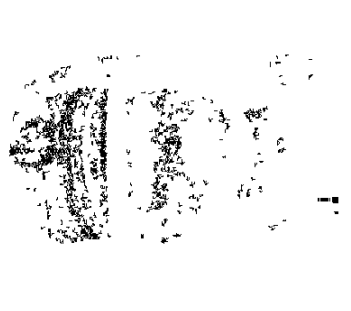
شیر احمد خان سررشته دار اعلی
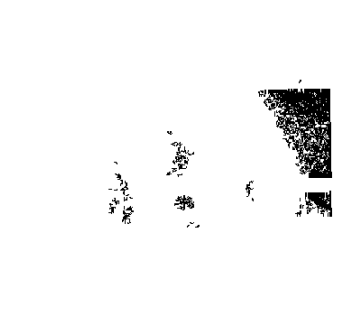
ف ، ملافیض محمد خان قاضی مرافعه
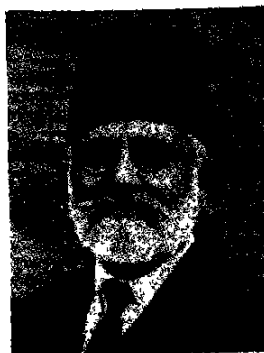
ح ، سید محمد امیر خان قوماندان کوتوالی

ص ، عبدالکریم خان مامور گمرک

ص ، محمد اسمعیل خان مدیر خارجه

ص ، فضل محمد خان مامور تحریرات
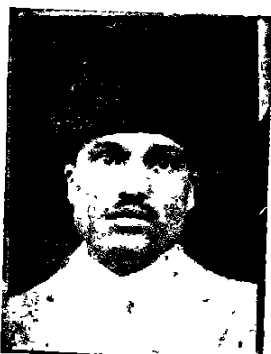
محمد یوسف خان وکیل مدیریت شفاخانه

ص ، محمد اصغر خان مدیر حصهٔ اول مهرسراج

ص ، عبدالاحد خان مامور معارف

حکومت اعلای مشرقی

حاکم اعلی وقوماندان عسکری: ع ، ش سردار محمد داؤد خان

سررشته دار : ص ، شیر احمد خان .

قاضی مرافعه : ف ، ملا فیض محمد خان .

قوماندان کوتوالی : ح ، سید محمد امیر خان .

مامور گمرك : ص ، عبدالکریم خان .

قاضی ابتدائیه : ف ، ملا محمد اسحق خان .

ع ، ش سردار محمد داؤد خان حاکم اعلی و قوماندان عسکری مشرقی

مدیر خارجیه : ص ، محمد اسمعیل خان .

مامور تحریرات : « فضل محمد خان .

مدیر شفاخانه : « ضیاء الحق خان .

« نهر سراج : « محمد اصغر خان .

مامور زراعت : « پاینده محمد خان

مامور خزانه : « محمد جانخان .

مامور معارف : « عبدالاحد خان .

منتظم پسته، تیلفون وتلگراف : « محمد علم خان .

سرکاتب استخبارات : « عبدالشکور خان .

مامور معابر : « عبدالوکیل خان .

حکومت اعلای سمت جنوبی

حاکم اعلی وقوماندان عسکری : ع، ش، س، ع محمد افضل خان .

سرشته دار : ص. عصمت الله خان

قاضی مرافعه : ف. ملاعبدالجلیل خان.

قوماندان کوتوالی : ش، مدد خان .

قاضی ابتدائیه : ف. سیدکاظم خان .

ع، ش، س، ع محمد افضل خان حاکم اعلی.

مدیر خارجه : ص، محمد امین خان .

« معارف :

« طبیه : ص یار محمد خان .

« معابر : « مدد خان .

مامور تحریرات : « غلام حیدر خان

« رگمرك : « عبدالمجید خان .

« زراعت : « عبد الکریم خان .

« خزانه : « جمال الدین خان .

منتظم تیلگراف : . . . . . .

مامور پسته : ص، غلام علی خان .

ص ، عصمت‌الله خان‌سر رشته دار
اعلای جنوبی

ف ،ملا عبد الجلیل‌خان قاضی مرافعهٔ
سمت‌جنوبی

ش ، مدد خان قوما
سمت‌ج

ف ، ملاسیدکاظم خان‌قاضی ابتدائیهٔ گردیز

ص ،محمدامین‌خان مدیرخارجهٔ سمت‌جنوبی

ص ، یار محمدخان مدیر

ص ، غلام حیدرخان مامور تحریرات
حکومتی اعلای جنوبی

ص،عبدالمجیدخان‌مامورگمرک‌مرکزی
گردیز
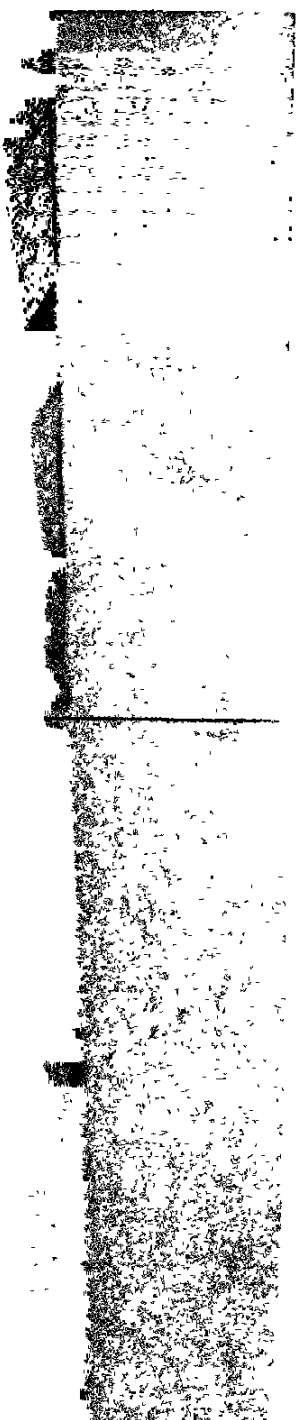
تعمیر جدید بالاحصار گردیز که در سال ۱۳۱۲ تکمیل یافته

Nouvelle Construction de BALA-HISSAR de GARDEZ (Forteresse Militaire dans la Province du Sud).

حکومت اعلای میمنه

وکیل حاکم اعلی : ع ، ع ، ص عبدالرزاق

سرشته دار : ص ، محمد اسلم خان .

قاضی مرافعه : ف ، ملا محمد یوسف خان

وکیل قوماندان کوتوالی : ش ، محمد سرور خان .

مدیر گمرك : ص ، فخرالدینخان .

ع ، ع ، ص عبدالرزاق خان وکیل حاکم اعلای میمنه

قاضی ابتدائیه : ف ، ملاعبدالرؤف خان .

مدیر خارجه : ص ، عبدالشکور خان .

مامور تحریرات : « ، محمد کریم خان .

« طبیه : « ، محمد جانخان .

کفیل مامور زراعت : « ، آقا رحیم خان .

مامور خزانه : « ، عبدالحمید خان .

وکیل مامور معارف : « ، عبدالستار خان .

حکومت اعلای فراه وچخانسور

وکیل حاکم اعلی و قوماندان عسکری : ع ع ش محمد انور خان نائب سالار

سر رشته دار : ص، نور محمد خان

قاضی مرافعه : ف، عبداللطیف خان

قوماندان کوتوالی : ش، غلام حیدر خان .

مامور گمرك : ص، محمد حسن خان .

ع ع ش محمد انور خان وکیل حاکم اعلی قوماندان عسکری فراه و چخانسور

ابتدائیه : ف، حاجی ملا احمد خان .

تعمیرات : ص، میر بهاؤالدین خان .

تحریرات : ص، غلام محمد خان .

مخابرات : « محمد نبی خان .

طبیه : « محمد ابراهیم خان .

زراعت : « سید محمد شفیع خان .

خزانه : « محمد امین خان .

معارف : « گابدین خان .

م تلگراف : « عبدالاحد خان .

حکومت کلان شمالی

حاکم کلان : ع ع خواجه محمد خان .
مدیر مالیه : ص ، عبدالرؤف خان .
قاضی ابتدائیه : ف ملا عبدالجلیل خان .
قوماندان کوتوالی : ش ، شیر احمد خان کندکمشر .
مامور گمرك : ص ، علی محمد خان .

حکومت کلان غزنی

حاکم کلان : ع ، ع آدم خان .
مدیر مالیه : ص ، محمد ناصر خان .
قاضی ابتدائیه : ف ، ملا صاحبجان خان .
قوماندان کوتوالی : غ ، عین‌الدین خان تولیمشر .
مامور گمرك : ص ، محمد عمر خان .

حکومت کلان دایزنگی

حاکم کلان : ع ، ع محمد اکبر خان .
مدیر مالیه : ص ، محمد سعید خان .
قاضی ابتدائیه : ف ، ملا جلال‌الدین خان .
قوماندان کوتوالی : غ ، محمد بی خان تولیمشر .
مامور گمرك : ص ، محمد علیخان .

حکومت کلان لوگر

حاکم کلان : ع ، ع ، حاجی ملك خان .

مدیر مالیه : ص ، محمد رفیق خان .

قاضی ابتدائیه : ف ، ملا صالح محمد خان .

وکیل قوماندان کوتوالی: ب ، محمد حسن‌خان بلوکمشر

مامور گمرك : ص ، نور الحق خان .

حکومت کلان گرشك

حاکم کلان : ع ، ع دوست محمد خان .

مدیر مالیه : ص ، میا جان خان .

قاضی ابتدائیه : ف ملانور الحق خان .

قوماندان کوتوالی : غ ، عبدالاحد خان

مامور گمرك : . . . .

حکومت کلان قلات

حاکم کلان : ع ، ع محمد رفیق خان .

مدیر مالیه : ص ، محمد یعقوب خان .

قاضی ابتدائیه ف ، ملاسید خان .

قوماندان کوتوالی : . . . .

مامور گمرك : ص ، سید احمد خن

ع ، ع خواجه محمد خان حاکم کلان شمالی

ع ، ع آدم خان حاکم کلان غزنی
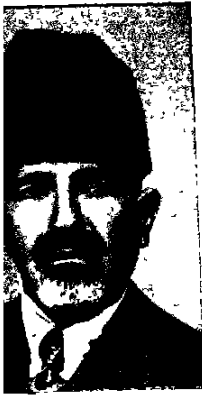
ع ، ع محمد اکبر خان حاکم ک
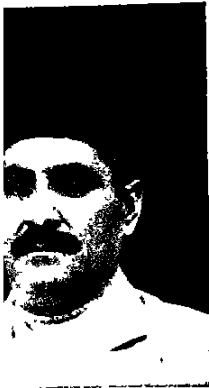
ع ، ع حاجی ملک خان حاکم کلان لو گرد

ع ، ع دوست محمد خان حاکم کلان گرشك

ع ، ع سید آقا خان حاکم کا

ع ، ع محمد امیر خان حاکم کلان بدخشان

ع ، ع محمد هاشم خان حاکم کلان اسمار

ص، عبدالله خان منتظم تلگراف سیمدار قندهار

ص، عبدالاحد خان منتظم تلگراف هرات

ص، غلام سرورخان منتظم تلگراف بی‌سیم مزارشریف

ص، محمد علم خان مدیر مخابرات مشرق

ص، عبدالوکیل خان مامور مصارف مشرق

حکومت کلان ارزگان

وکیل حاکم کلان : ع ، ع شاه بزرگ خان .

مدیر مالیه : ص ، نظام الدین خان .

قاضی ابتدائیه : ف ، ملاعبد الحلیم خان .

قوماندان کوتوالی : غ ، عیدی احمد خان تولیمشر .

مامور گمرك : ص ، شرف الدین خان .

حکومت کلان شبرغان

وکیل حاکم کلان : ع ، ع سید آقا خان .

مدیر مالیه : . . . .

قاضی ابتدائیه : ف ، ملا محمد امین خان .

قوماندان کوتوالی : غ ، محمد اکرم‌خان تولیمشر .

مامور گمرك : . . . .

حکومت کلان بدخشان

حاکم کلان : ع ، ع محمد عزیز خان .

مدیر مالیه : ص ، عبدالمجید خان .

قاضی ابتدائیه : ف ، ملامحمد غوث خان .

قوماندان کوتوالی : غ ، محمد رفیق خان‌تولیمشر .

مامور گمرك : ص ، فخر الدین خان .

حکومت کلان اسمار و کنر ها

حاکم کلان : ع ، ع محمدهاشم خان

مدیر مالیه : ص ، بابه جانخان .

قاضی ابتدائیه : ف ، ملا عبدالغفور خان .

قوماندان کوتوالی : غ ، شیرمحمد خان تولیمشر .

مامور گمرك : . . . .

دورهٔ دوم شورای ملی افغانستان

شورای ملی افغانستان که از برجسته ترین خدمات و کارنامه های درخشندهٔ عهد پرافتخار نادر شاهی است دورهٔ اول آن با نتایج سودمندی باختتام رسیده و نمایندهای آندوره صادقانه اداز تکالیف مأموریت نموده مرخص گردیدند.

اینک دورهٔ دومین آن که مجدداً انتخابات نمایندگان بامر شهریار جوانبخت افغانستان اعلیحضرت محمد ظاهر شاه خلد الله تعالی ملکه صورت گرفته و وکلای ملی بمرکز حاضر شده بودند بروز پنجشنبه ۳۱ جوزا بسالون بزرگ دارالشورای ملی کابل درصورتیکه مامورین دوایر، اعضای مجلس محترم اعیان، جمعیت العلما ودیگر معززین ملی حضور بهمرسانیده بودند، ذات ملوکانه درساعت (۱۰) قبل از ظهر تشریف آورده وبنطق ذیل مجلس را افتتاح فرمودند:

سواد نطق ملوکانه

بسم الله الرحمن الرحیم

بنام خداوند متعال دورهٔ دوم تقنینیهٔ شورای ملی را افتتاح مینمائیم واز روحانیت پاك صاحب لولاك مستدعی هستیم که شورای ملی بطوریکه آرزوی ما وتمام بهیخواهان مملکت است دراوضاع اجتماعی افغانستان ترقی محسوسی را مؤسس گشته دولت وملت از آن مستفید شوند شورای ملی از اساسات ضروری نظام اجتماعی وموافق باوامرشرع مطهر اسلام است اعلیحضرت شهید سعید که عشق مفرطی بسعادت ابنای این خاك داشتند برای اینکه ترقیات مملکت را باجریان اجتماعی وفق داده اساس متینی را درجهانبانی افغانستان یادگار بگذارند شورای ملی را تشکیل و تأسیس فرمودند.

چنانچه دیدیم دورهٔ اول تقنینیهٔ شورای ملی نتائج خاطرخواهی بخشید.

نهایت خوشوقتیم که دردورهٔ حکمرانی خود روفق آمال ونظریات وطنخواهانهٔ آنشاه مبرور شورای ملی را درمملکت عزیز خود تثبیت و برقرار کرده اینك پس از حضور وکلای ملت درمرکز بکمال میل ومسرت دورهٔ دوم تقنینیهٔ شورای ملی را افتتاح مینمائیم امید واثق داریم که وکلای این دوره وظائف خود را بکمال درستی ووطنخواهی وبی آلایشی انجام داده دورهٔ وکالت شان منتج اثرات نیك وخشگواری گردد.

درینجا لازم میدانیم بوکلای محترم اظهار نمائیم که مقصد اساسی از تشکیل شورای ملی تأمین اساس وحدت واتفاق ملی است، مادامیکه جمعیت ها وافراد یك ملت بهمه معنی وصورت باهم متفق واز نقطهٔ نظر واحدی بمنافع ملیهٔ خود متوجه نشوند جریان پیشرفت وآسایش درآن مختل ومعطل میماند وآن ملت قامت شهامت را راست نتوانسته وازهمهٔ ملل عقب افتاده قادر بحل مشکلات شبارروزی که ازوفور احتیاجات بشری تولید میشود نخواهندشد شورای ملی اساس حاکمیت ملیه است ومقصود ازتشکیل شورای ملی آن است که حاکمیت ملیه را بواسطهٔ اصول وقوانین متین بردوام داشته ملت وحکومت را برای پیشرفت وتعالی بیك نقطهٔ نظر مسعد ومتفق سازد بعضی اشخاص از بیعلمی تصور میکنند ملت چیز دیگر وحکومت چیزی دیگریست حالانکه حکومت وملت ازهم جدا نیستند حکومت ازملت و برای حل مشکلات وپیشرفت آمال ملت است پادشاه وکابینه وشورای ملی متفقاً برای پیشرفت مقاصد ملت وترقی وتعالی مملکت کارمیکنند ومشکلات شبارروز مملکت را حل وفصل مینمایند. شورای ملی نقشه های صحیحی برای پیشرفت وترقی وامور مدنی وعمرانی مملکت طرح وشرفت ترقی زراعت، تجارت، معارف، امورعمرانی مملکت ورفع احتیاجات ملت ومملکت اساسات نافع وسودمندی وضع مینماید.

بخدای قادرتوانا خیلی شکر گذاریم که از بدو تأسیس شورای ملی تاکنون وکلای محترم شورای ملی افغانستان خدمات برگزیده انجام داده وبرای سعادت حقیقی ملت ومملکت بدرجهٔ اعلی سعی وکوشش نموده اند

وشکر الله ملک و ملت نتائج خوب مساعی کابینهٔ دولت شورای ملی را دیده و می بینند. حکومت حاضرهٔ ما عیناً اساس راه و روش حکومت اعلیحضرت شهید سعید تشکیل یافته ومنظور یگانهٔ ما اعلای دین و استحکام شریعت نبوی بوده وهست از خداوند جل شانه میخواهیم : اخلاق حمیدهٔ اسلام درملت نجیب افغانستان همیشه برقرار واستوارماند :

جای بسیار شکر است که به همان اساس متینی که اعلیحضرت شهید سعید رحمة الله علیه در امور اداری واجتماعی مملکت وضع فرموده اند مملکت دارای قشون منظم بوده امور تجارت، وزراعت، معارف، عمران، صحیات وتمام اموریکه مربوط بوظائف دولت است بروفق آرزوومرام انجام گرفته ودرهمه شعب مدنی پیشرفت نمایانی حاصل گشته .

جناب والاحضرت سردار محمد هاشم خان صدر اعظم با کابینهٔ محترم شان و مامورین کشوری و لشکری خدمات و تکالیف خودها را بکمال صداقت و پاك نفسی انجام داده و میدهند والحمدالله درسرتاسر مملکت امنیت تامه موجود و سائل عمرانی زیادی بوجود آمده است .

شرکتهای اقتصادی و صنعی واحداث طرق و شوسه ها، حفر انهار، بند ها، تعمیر پل ها، اصلاحات بلدی که قسمت عمدهٔ امور مدنی مملکت را تشکیل میدهد دائماً درپیشرفت بوده وهست و می توان امید وارشد که افغانستان عزیز در زودترین موقعی مراحل ترقی خودرا پیموده و خود را ازتمام احتیاجات عصری مستغنی گرداند .

همچنین سیاست امور خارجی مملکت بر همان اساس زمام داری پدر بزرگوارم اعلیحضرت شهید سعید با همه دولت های دوست ومعاهد دوستانه دوام دارد

درخاتمه از خدای قدیر بازی کم که به ملت و مملکت عزیز ما مواقع درخشان تری نصیب فرماید و به من وشما و سائر رجال مملکت توفیق خدمت گذاری را کرامت و ارزانی دارد .

❋ ❋ ❋

پس ازنطق ذات ملوکانه ع، ج عبدالاحدخان رئیس شورای ملی بوکالت عموم وکلا نطق آتی را بحضورشاهانه عرض و قرائت نموده

سواد نطق رئیس شورای ملی

اعلیحضرت شهریار محبوب ما ! بمناسبت افتتاح دورهٔ دوم مجلس شورای ملی بحضور پادشاه عزیز و قائد اعظم خود تبریکات صمیمانه را عرض و تقدیم نموده عافیت وسلامتی ذات همایونی وسعادت ملت ومملکت افغانستان را از خدای حی توانا آرزو واستدعا می نمائیم !

اعلیحضرتا ! ما ماموریت داریم احساسات بی آلایش واحترامات قلبیه و تعهد فدویت و وفاداری عامهٔ ملت را بحضور مبارك عرض واطمینان بدهیم که ملت افغانستان در سایهٔ تدابیر نیکوی اعلیحضرت غازی شهید رحمة الله علیه وبعد ها دورهٔ مسعود زمام داری شما از هر جهت مامون وآرام بوده دقایق مسعودانه وآسوده بسر می برند اگرچه جراحات مفارقت و فقدان اعلیحضرت شهید سعید از قلوب ملت التیام ناشدنی است ولی خدای پاك را هزاران شکر و سپاس میگوئیم که با این ضیاع بزرگ جبران ناپذیر افغانستان بی سرپرست نمانده وبد خواهان وطن عزیز ما که خیال تباهی ما را درسر داشتند بمقاصد شوم خود کامیاب نشده ووجود مقدس همچو شما را باداره مملکت و تأمین آمال وتمنیات ملت تائید وزمام ادارهٔ کشور بکف کفایت شما تفویض شده و بسایهٔ دانش ولیاقت خداداد اعلیحضرت همایونی ومساعی جمیلهٔ اعمام بزرگوار تان وسایل خوشبختی ملت موجود وفراهم است . نصایح حکیمانه و فرمایشهای سودمندی را که درین موقع ایراد فرموده اید امیدواریم بر طبق آن خدمات صمیمانهٔ خود را طوری انجام دهیم تا رضائیت کاملهٔ خداوند تعالی جل شانه و خورسندی اعلیحضرت همایونی را حاصل داشته بیشتر مصدر اعتماد و اطمینان ملت واقع شویم ضمناً بحضور مبارك یقین و اطمینان می دهیم که با اعلیحضرت شما همیشه وفادار بوده و اعلیحضرت شما را در تمام اعمال جلیل تان تائید و پیروی خواهیم نمود . درخاتمه بروح آن شهید راه سعادت وطن که بانی ومؤسس شورای ملی در افغانستان شده ودرین مورد مثل سایر موارد احسان بزرگی بقوم وملت فرموده اند تحیات فرستاده از خداوند تعالی سلامتی وکامیابی اعلیحضرت شما ونهضت و ترقی مملکت افغانستان را آرزو و نیاز می نمائیم .

جلالتمآب ع ، ج والاحضرت سردار محمدهاشم خان صدراعظم صاحب نطق آتیرا بحضور ملوکانه و عموم وکلای ملی ایراد نمودند.

سواد نطق والاحضرت صدراعظم صاحب

اعلیحضرتا ! نسبت بآن حصهٔ فرمایش همایونی که درین نطق غرای خویش راجع بخدمات هیئت حکومت خویش اظهار فرمودید من از طرف خود و کابینهٔ وزراء بحضورتان عرض می کنم ، چون افغانستان عزیز یك خطهٔ اسلامیه و مدفن آباء واجداد و نیاکان ما و محل امیدواری تمام عالم اسلام است برما خدام خود حقوق زیادی دارد لهذا خدماتی را که من و کابینهٔ وزرا درراه فراهم آوری اسباب سعادت و ارتقای افغانستان حسب نظریات اعلیحضرت شما که عیناً بر طبق خط مشی اعلیحضرت شهید نورالله مرقده می باشد انجام داده و می دهیم بیش از ایفای یك وظیفهٔ ایمانی و وجدانی که فرض ذمت هر فرد افغانی است نمیباشد .

اعلیحضرتا ! من و کابینهٔ وزراء و عموم مامورین ملکی و نظامی و بالاخره تمام ملت دیانت طویت افغانستان که وطن عزیز خود را فوق العاده دوست داریم واز دل و جان برای سعادت و اعتلای ملت و مملکت خود بذل مقدرت می ورزیم امروز بکمال عجز و نیاز بدرگاه خالق بی نیاز شکرگذاریم که از لطف و کرم خود ما نند شمایك شاه جوان بخت جامع الاوصاف متوکل علی الله خلف رشید آنشاه شهید را که عمر گرانمایهٔ خود را درراه حصول مفاخر تاریخی وحفظ شرف و شئونات ملی افغانستان نثار کرده اند بر اریکهٔ سلطنت خود مشاهده می کنیم و تماماً آرزو داریم تا جان و مال واولاد خود ها را در امتثال اوامر همچو شمایك پادشاه دیانت اکتناهی نثار کنیم که تمام فضایل دینی و اخلاق ومحسنات جهانبانی را از پدر نامدارتان اکتساب کرده اید .

در خاتمه ترفیع درجات اعلیحضرت غازی محمد نادرشاه شهید را خواستاریم که نگران حسن اوضاع افغانستانند ویقیناً امروز روح پاك شان ازین افتتاح دومین دورهٔ دارالشورای ملی که ازجملهٔ مؤسسات قیمتدار شان است خیلی شادمان میباشد ومزید موفقیت وکامیابی اعلیحضرت شما را که تحت ظل تان امروز وطن عزیز ما از هر حیث وهرجهت مأمون ومصئون و قرین افتخار است از درگاه رب العزت مسئلت نموده می گوئیم که خداوند شما را بلندتر از پدرنامورتان درقلوب عامهٔ ملت افغانستان وعالم اسلام محبوب وهردلعزیز بسازدو بما توفیق را رفیق گرداند تاحسب میل وارادهٔ شما خدمت ملك و ملت خود را انجام دهیم و افوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد.

ریاست عالی مجلس شورای ملی

هیئت رئیسه :

رئیس شورای ملی	:	ع ، ج عبدالاحد خان .
معین	:	. . . .
منشی	:	ص ، عبداللطیف خان .
معاون منشی	:	« عبدالباقی خان .
سر کاتب مجلس	:	« عطا محمد خان .
« محاسبه	:	« فیض محمد خان .
« اوراق	:	« عبدالودود خان .

ع ، ج عبدالاحد خان رئیس شورای ملی

وکلاء :

وکیل شهر کابل	:	ع ، ج عبدالاحد خان .	مربوط ولایت کابل
» »	:	ص غلام محی الدین خان .	» »
» شش کروهی	:	» سید محمد خان .	» »
» پغمان	:	» عبدالظاهر خان .	» »
» لوگر	:	» سید عباس خان .	» »
» وردك	:	» عبدالقیوم خان .	» »
» میدان	:	» مولوی عبدالقدوس خان .	» »
» سیغان و کهمرد	:	» احمد جان خان .	» »
» بامیان	:	» سلطان علیجان .	» »
» چاریکار	:	» عبدالستار خان .	» »
» تگاب	:	» سید اکبر خان .	» »
» نجراب	:	» احمد علی خان .	» »
» ریزه کوهستان	:	» عبدالقدوس خان .	» »
» پنجشیر	:	» ولی محمد خان .	» »
» سرخ ویارسا	:	» عبدالعلی خان .	» »
» غوربند	:	» فقیر محمد خان .	» »
» جبل السراج	:	» سرفراز خان .	» »
» کوهدامن	:	» سید احمد خان .	» »
» غزنی	:	» شهاب الدین خان .	» »
» مقر	:	» حاجی عبدالقیوم خان .	» »
» جاغوری	:	» نادر علی خان .	» »
» کتواز	:	» محمد قجیر خان .	» »
» دایزنگی ودایکندی	:	» سید غلام رضاء خان .	» »
» بهسود	:	» میر محمد علی خان .	» »
» یکاولنگ	:	» میر حبیب‌الله خان .	» »
» سروبی	:	» محمود خان .	» »

محل		نام	مربوط
[illegible]کیل کوچی دامانی کتواز	:	ص عبدالرحیم خان .	مربوط ولایت کابل
« شهر قندهار	:	« عبدالقیوم خان .	« ولایت قندهار
« حکومت دند	:	« گل بدین خان .	« «
« قلات	:	« محمد فضل خان .	« «
« کدنی	:	« شیر علیخان .	« «
« دهراهود	:	« غلام دستگیر خان .	« «
« تیرین	:	« فیض الله خان .	« «
« دهله	:	« حاجی گل محمد خان .	« «
« چلدك	:	« عبدالعزیز خان .	« «
« ارغستان	:	« عبدالصمد خان .	« «
« حکومت گرشك	:	« محمد موسی خان .	« «
« پشت رود	:	« عبدالرزاق خان .	« «
« ارزگان	:	« محمد شاه خان .	« «
« اجرستان	:	« میر افضل خان .	« «
« کوچی پشت رود	:	« دوست محمد خان .	« «
« شهر هرات	:	« محمد شریف خان .	« ولایت هرات
« بلوکات وعلاقه داریهای مرکز	:	« ملا فضل حق خان .	« «
« غور	:	« میر محمد محسن خان .	« «
« سبزوار	:	« محمد سرور خان .	« «
« غوریان	:	« محمد عزیز خان .	« «
« کشك وگلران	:	« محمد یعقوب خان .	« «
« قلعهٔ نو	:	« سلطان محمد خان .	« «
« بالا مرغاب	:	« ملا عبدالباقی خان .	« «
« اوبه	:	« حاجی سید محمد عمر خان .	« «
« تولك	:	« دوست محمد خان .	« «
« شهرك	:	« ملا رحمت الله خان .	« «
« چخچران	:	« عبدالعزیز خان .	« «

وکلای دورهٔ دوم شورای ملی افغانستان

Les Députés de la Deuxiéme Législature d'Afghanistan.

وکلای ولایت کابل

Les Députés de la Province de KABOUL.

وکلای ولایت قندهار

Les Députés de la Province de KANDAHAR.

وکلای ولایت هرات
Les Députés de la Province de HÉRAT.

وکلای ولایت مزار شریف
Les Députés de la Province de MAZAR-I-CHÉRIF.

وکلای ولایت قطغن و بدخشان
Les Députés de la Province de KATAGHAN-BADAKHCHAN.

وکلای حکومت اعلای سمت مشرق
Les Députés de la Province l'EST.

وکلای حکومتی اعلای سمت جنوب
Les Députés de la Province du SUD.

وکلای حکومات اعلای میمنه وفراه
Les Députés des Provinces de MAIMANAH et de FARAH.

وکیل شهر مزارشریف	:	ص عبدالکریم خان .	مربوط	ولایت مزارشریف
« علاقه‌داریهای مربوطهٔ مرکز (حکومت مهرشاهی)	:	« رجب علیخان .	«	«
« سنگ چارك	:	« ملا نورالدین خان .	«	«
« تاشقرغان	:	« حاجی محمد ناصر خان .	«	«
« آیبك	:	« میرزا کلان خان .	«	«
« سرپل	:	« قاری محمد عظیم خان .	«	«
« آقچه	:	« محمد شریف خان .	«	«
« بلخ	:	« شیر زمان خان .	«	«
« دولت آباد	:	« ملانورالله خان .	«	«
« درهٔ صوف	:	« طوره بیک خان .	«	«
« شبرغان	:	« میر محمد اسلم خان .	«	«
« شهر خان آباد	:	« غلام حیدر خان .	«	ولایت قطغن و بد
« قندوز	:	« عبدالغفور خان .	«	«
« نهرین	:	« سید محمد خان .	«	«
« حضرت امام	:	« ملاصاحب نور خان .	«	«
« اندراب	:	« ملا بابه خان .	«	«
« غوری	:	« نائب خوشوقت خان .	«	«
« تالقان	:	« ملا محمد اکرم خان .	«	«
« مرکز بدخشان	:	« محمد ذاکر خان .	«	«
« رستاق	:	« برهان الدینخان .	«	«
« درواز	:	« ملا واکی خان .	«	«
« کشم	:	« ملا حسین خان .	«	«
« جرم	:	« غلام نبی خان .	«	«
« چال واشکمش	:	« میرفضل احمد خان .	«	«
« ینگی قلعه	:	« بابه جان خان .	«	«
« شهر جلال آباد	:	« محمد انور خان .	«	حکومت اعلای
« سرخ رود	:	« سید محمد صادق خان .	«	«

وکیل مهمندره :	مر عبدالله خان .	مربوط حکومتی اعلای مشرق.
« شنوار :	« محمد ظفر خان .	» »
« کامه :	« میان عبدالغفور خان .	» »
« لغمان :	« حاجی عبدالقادر خان .	» »
« نورستان :	« ملك عالم خان .	» »
« کجهٔ خوگیانی :	« شیر علی خان .	» »
« حصارك غلجائی :	« ملا محمد امیر خان .	» »
« حکومت کلان کنرها :	« ملا مجاهدین خان .	» »
« بر کنر (درهٔ سین) :	« محمد امین خان .	» »
« درهٔ پیچ :	« محمد حسن خان .	» »
« رودات :	« میا جانخان .	» »
« کنر خاص و کوز کنر :	« سید جانخان .	» »
« کوچی ننگنهاری :	« محمد هاشم خان .	» »
« گردیز :	« شهنوار خان .	« حکومتی اعلای جنوبی
« زرمت :	« محمد نعیم خان .	» »
« ارگون :	« سید حبیب شاه خان .	»
« خوست :	« صاحب جانخان .	» »
« » :	« میرزا محمد خان .	» »
« جدران :	« بیك محمد خان .	» »
« منگل :	« بدك خان .	» »
« مرکز و علاقه‌داربهابیرون‌سونه :	« ابوالقاسم خان .	« حکومتی اعلای میمنه
« تکاب شیرین :	« سید ابولخیر خان .	» »
« اند خوی :	« ملا چهاریارقل خان .	» »
« قیصار :	« ملا عبدالرحمن خان .	» »
« دروزاب و گرزیوان :	« عبدالرحمن خان .	» »
« مرکز فراه :	« سلطان محمد خان .	« حکومتی اعلای فراه
« بکواه و خاشرود :	« غلام سرور خان .	» »
« چخانسور :	« نور محمد خان .	» »

ریاست مجلس عالی اعیان

رئیس : ع ، ج میر عطاء محمد خان .

معاون اول : ع ، ص حاجی محمد اکبرخان.

« ثانی : « « عبدالرحیم خان .

رئیس تمیز : ف ، ملاعبدالله خان .

اعضای مجلس : ص ، سردار گل محمد خان .

« « : « حافظ عبدالغفارخان .

« « : « حاجی خیر محمد خان .

ع ، ج میرعطا محمدخان رئیس مجلس‌عالی‌اعیان

اعضای مجلس : ص ، حاجی عطامحمد خان .

« « : « عبدالحکیم خان .

« « : « سردار محمد سرور خان .

« « : « معادالله خان

« « : « شرف الدینخان .

« « : « جان محمد خان .

« « : « سیدیاقوت شاه خان .

« « : « ملك رحمدل خان .

« « : « ایشان امام‌الدینخان .

« « : « شاه‌محمود خان .

ع ، ص حاجی محمد اکبر خان معاون اول مجلس اعیان

اعضای مجلس : ص حاجی عبدالرحیم خان .

» » : » غلام معروف خان .

» » : » عبدالحمید خان .

» » : » خان آقا خان .

» » : » محمد رسول خان .

» » : » عبدالصمد خان .

» » : » عبدالغفور خان .

» » : » حاجی عبدالحکیم خان .

» » : » سید فیض الله خان .

» » : » حاجی میرزا محمود خان .

» » : » عبداللطیف خان .

» » : » امین الله خان .

» » : » محمدعمر خان .

» » : » عبدالستار خان .

» » : » میر محمد علی خان آزاد .

» » : » سید احمد خان .

» » : » علی احمد خان .

» » : » عبدالرحمن خان .

ع ، ص عبدالرحیم خان معاون دوم مجلس اعیان

حضراتیکه جدید عضویت مجلس اعیان عز تقرر حاصل نموده اند.
از راست به چپ : ۱ ـ محمد حسن خان مهمند ۲ ـ خداداد خان ۳ ـ جلال الدینخان وردک ۴ ـ سردار محمد سرور خان
۵ ـ سید احمد خان ٦ ـ نظر محمد خان زرمی .
Les Nouveaux Membres du Sénat.
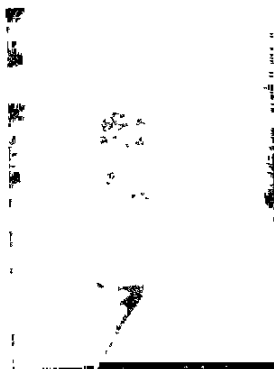
ع، عبداللطیف خان منشی ریاست
شورای ملی

ع ، ص محمد یوسف خان رئیس دائرهٔ نسلگیری
و تربیهٔ حیوانات

ص ، سید محمد خان منشی ریاست مجلس
اعیان

ذوالفقار خان سرحد دار دکه

ص ، محمد موسی خان مدیر عامهٔ ریاست
تربیهٔ حیوانات

ص ، میر علی احمد خان مدیر هوتل کابل

عبدالغفور خان وکیل سر مامور
پولیس کابل

ش، سید کمال خان مدیر محبس ده مزنگ

ص ، غلام رضا خان مدیر محاسبهٔ
قوماندانی کوتوالی کابل

اعضای مجلس	:	ص محمد حسن خان.
» »	:	» خدا داد خان.
» »	:	» نظر محمد خان.
» »	:	» ملك محمد اصغر خان.
» »	:	» جلال الدین خان.
» »	:	» دیوان حکم چند.
منشی »	:	» سید محمد خان.
سرکاتب تحریرات مجلس	:	» محمود خان.
» انجمن تحقیقیه	:	» محمد انور خان.
» » تدوین اصول	:	» سید محبوب خان.
» محکمهٔ تمیز	:	» نظام الدین خان.
» محاسبه	:	» محمد یوسف خان.
» اوراق	:	» محمد اکبر خان.

ریاست بلدیهٔ کابل

رئیس	و ، ج گل احمد خان.
معاون رئیس	ص ، سید جلال الدین خان .
ترجمان	« کمال الدین خان .
مدیر تحریرات	« عبدالله خان .
« محاسبه	« محمد ابراهیم خان .

و ، ج گل احمد خان رئیس بلدیه

مامور خزانه	:	ص ، محمد عثمانخان .
« تحصیلی	:	« تاج محمد خان .
مامور نمبر موتر و گادی	:	« بابه جانخان .
نگران	:	« عبدالحنان خان .
مهندس	:	عزتمند مستر ژه ساهلو.
«	:	ص ، تاج الدین خان .
پیمایشی	:	« محمدحسین خان.
«	:	« غلام غوث خان .

ع ، سید جلال الدین خان معاون

ص ، عبدالله خان مدیر تحریرات

ص ، محمد ابراهیم خان مدیر محاسبه

ص ، محمد عیان خان مامور خزانه

رؤسای بلدیه

ع، غلام یحیی خان رئیس بلدیه هرات
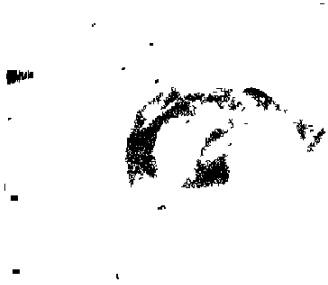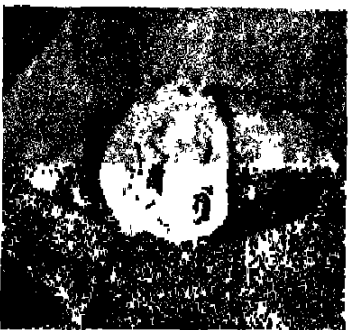
ع، میر عبدالسلام خان رئیس بلدیه خان آباد

ع، سلطان احمد خان رئیس بلدیه جلال آباد

ع، غلام حیدرخان رئیس بلدیه گردیز

Les Chefs des Municipalité

نقشه کش	:	ص، عبدالمجید خان
» »	:	» رمضان علی خان .
مفتی،کار میزی	:	» ملا فتح محمد خان
معمارباشی مهندسی	:	» محمد نعیم خان .
» میزی	:	» حشو خان .
نجارباشی »	:	» محمد زمان خان
مامور تفتیش وسنجش	:	» محمد نعیم خان .
» اوراق	:	» عبد الواحد خان

رؤسای بلدیهٔ مراکز ولایات وحکومتی های اعلی وکلان

قندهار	:	ع، سید محمد اکرم خان
هرات	:	» غلام یحیی خان .
مزار شریف	:	» عبد الجبار خان .
خان آباد	:	» میر عبدالسلام خان.
جلال آباد	:	» سید محب علی شاه خان
گردیز	:	» غلام حیدر خان .
میمنه	:	» صالح محمد خان
فراه	:	» محمد حسین خان .
غزنی	:	. . . .
چهاریکار	:	. . . .

تشکیلات دوائر حضور

وزارت دربار

وزیر دربار : ع ج والاحضرت سردار احمدشاه خان.

معین « : ع ، ص محمد حیدر خان .

مدیر تنظیمات : ص عبدالرحیم خان .

« محاسبه : « محمد علیخان .

« تقلیه : « میر اکبر خان .

ع ، ج سردار احمد شاه خان وزیر دربار

خزانه دار : ص ، سراج الدینخان .

ناظر کارخانهٔ طباخی : « حاجی نظر محمد خان .

وکیل فراش باشی : « عبدالرشید خان .

موتروان باشی : « خواجه محمد خان .

ع ، ص محمد حیدر خان معین دربار

ص ، عبدالرحیم خان مدیر تشریفات وتنظیمات

ص . محمد علیجان مدیر محاسبه

ص ، میرا کبر خان مدیر عملیه

ص ، سراج الدین خان مدیر خزانه

ص . عبدالرسد خان وکیل فراشباشی

ص ، خواجه محمد خان موتوران باشی عمومی

حافظ نور محمد خان مدیر شعبهٔ اول

ع ، عبدالاحد خان مدیر شعبهٔ دوم

ع ، سراج الدین خان مدیر شعبهٔ سوم

ر ، غلام قادر خان وکیل مدیر شعبهٔ
چهارم

ع ، ص خواجه جان گل خان رئیس دائرهٔ
خصوصی حضور

جناب فاضل آقای سید مدثر خان طرازی
مترجم زبان عربی و تورکی

عبدالرشید خان مترجم زبان انگلیسی

ص ، محمد حیدر خان مترجم زبان فرانسوی

ص ، محمد حسن خان مترجم زبان انگلیسی

دار التحریر شاهی

سرمنشی حضور ملوکانه: ع٬ ج محمد نوروز خان.

مدیر شعبهٔ اول : ع٬ حافظ نور محمد خان.

« « دوم : « عبدالاحد خان.

« « سوم : « سراج الدینخان.

کفیل « چهارم : « غلام قادر خان.

غ. ج محمد نوروز خان سرمنشی حضور ملوکانه
ورئیس محترم انجمن ادبی

مترجم عربی و ترکی : س٬ سید مبشر خان طرازی.

« انگلیسی و اردو : « عبدالرشید خان.

« « « : « محمد یعقوبخان.

« فرانسه : « محمد حیدر خان.

سرباوریت حربی حضور همایون

سرباور حربی حضور : ع، ش سید محمد شریف خان فرقه مشر اول

معاون سرباور : « « محمد لطیف خان « « ثانی .

یاور حربی حضور : « « فیض محمد خان « « ثانی .

« « « : ح ، محمد صفر خان غند مشر اول .

« « « : « شیر محمد خان غند مشر اول

ع ، ش سید محمد شریف خان سرباور حربی حضور

یاور حربی حضور : ح ، عبدالغنی خان غندمشر ثانی .

« « « : ش ، عبدالله خان کندکمشر .

« « « : « ، محمد حسین خان « .

« « « : غ ، عبدالله خان تولی مشر

« « « : « ، محمد افضل خان « .

« « « : « ، غلام محمد خان « .

سرکاتب تحریرات : ص ، پاینده محمد خان .

مصاحبین حضور ذات ملوکانه

م ، ص حاجی محمد نواب خان

ع ، ص محمد سرور خان
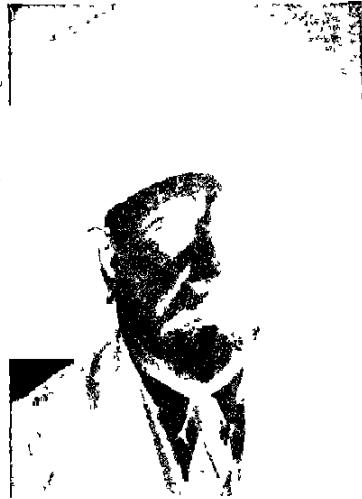
م ، ص صالح محمد خان

م ، س سلطان احمد خان

یاور های حربی حضور ذات شاهانه

ع ، ش محمد لطیف خان فرقه مشر
معاون یاور حربی حضور

ع ، ش فیض محمد خان فرقه مشر یاور حربی حضور

ح ، محمد صفر خان غند مشر اول
یاور حربی حضور

شیر محمد خان غندمشر یاور حربی حضور

ح ، عبدالغنی خان غند مشر یاور حربی حضور

ح ، عبدالله خان غندمشر یاور حربی حضور

ش ، محمد حسین خان کندکمشر یاور
حربی حضور

Les Aides de Camps de Sa Majesté.

يك منظرهٔ قصر دلكشا

Une Vue du Palais de DÉLKOUCHA (Palais Royal à Kaboul)
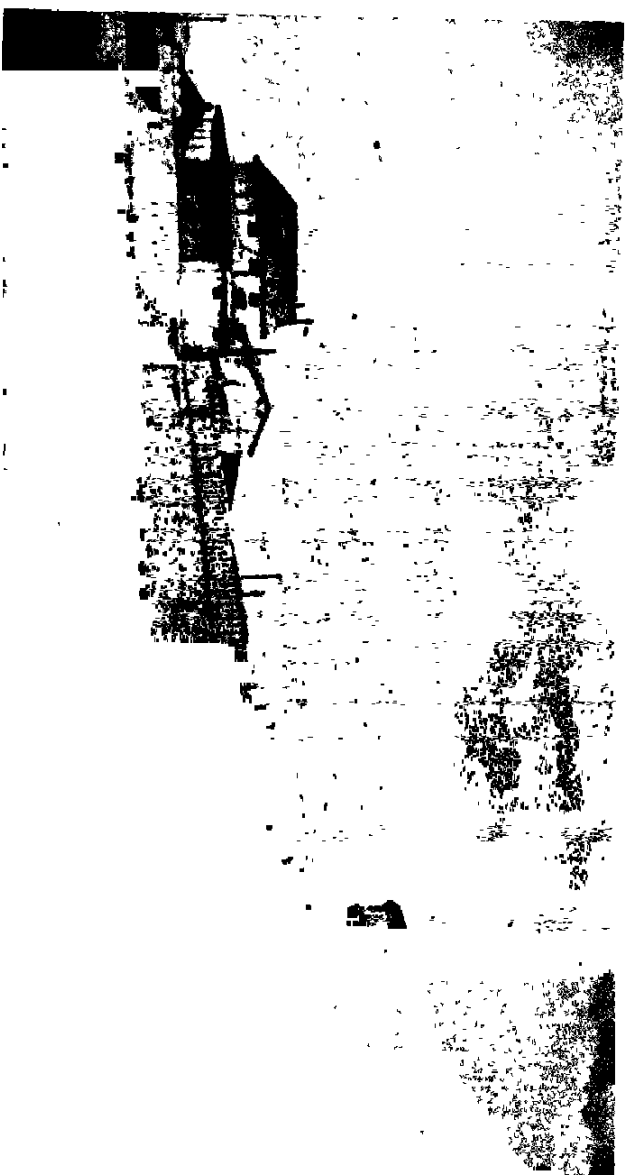
دور نمای برج شمالی و یك قسمت از ارگ شاهی
Une Partie du Forteresse de l'ARG (Citadelle Royale à Kaboul).

دائرهٔ قلعه بیگیت ارگ شاهی

قلعه بیگی	:	ع ، ش عبدالغنی خان فرقه مشر.
سرکاتب محاسبه	:	ص ، غلام علی خان .
کاتب تحریرات	:	« محمد عمر خان .
گدامدار	:	« خرم‌دل خان .
مامور توقیفخانه	:	« سراج الدینخان .

ع ، ش عبدالغنی خان قلعه بیگی ارگ

اجراآت دوائر مملکتی

امور حربیه

دراثر توجهات دولت و مجهودات خستگی ناپذیر والا حضرت سردار شاه محمود خان غازی سپه سالار و وزیر حربیه ، امور حربیهٔ افغانستان روز مره ترقی و پیشرفت مینماید .

این ترقیات امور عسکری افغانستان منحصر بخود مرکز بوده بلکه در تمام نقاط مملکت مشاهده میشود چه نظر بتوجه و مساعدت وزارت جلیلهٔ حربیه ، قوماندانها وصاحبمنصبان محترم عسکری ولایات و اطراف مجهودات و مساعی درین باره بکار برده عیناً پیرو افکار و نظریات قائد محترم خود میباشند .

اردوی امروزهٔ افغانستان به خوب ترین اسلحه و تجهیزات حربیهٔ عصری مجهز بوده مالک تعلیم و تربیهٔ صحیح ودارای روح اطاعت و سلحشوری بوده تحت دسپلین (انضباط) میباشد .

قشله های قشونی در مرکز کاملاً تعمیر شده و در ولایات بلافاصله تعمیر می پذیرد تعمیر این قشله ها عموماً از نقطهٔ نظر صحیه بوده برای اقامت عسکر ها از هر جهتی خوش آیند است .

از تعلیم گاهای عسکری کابل ومکتب حربیه وقتاً فوقتاً ضابطان و صاحبمنصبان کامیاب خارج می شود چنانچه از نفری صاحبمنصبان موصوف تا حال عدهٔ زیادی در صفوف مختلفهٔ اردو های مرکز و ولایات داخل شده اند .

در سال ۱۳۱۲ تعلیم گاهای پیاده ، توپچی ، سوار ، دوره های دوم خود را اکمال کرده و بدورهٔ سوم آغاز نمودند ، صاحب منصبانیکه درین سه کامیاب برآمدند هر کدام مورد الطاف و انعام حکومت متبوع واقع گردیدند .

کذا تعلیمگاه خورد ضابطان فرقهٔ شاهی وقول اردوی کابل درین سال بکمال موفقیت بوده ، خورد ضابطان کامیاب آن مورد نوازش و مکافات دولت واقع شده ودر قطعات عسکری شامل گردیدند .

مدیران این تعلیم گاها مورد تقدیر ودر ازای خدمات لایق خود نشان خدمت گرفتند .

دربیوسته به مکتب حربیهٔ کابل و اصول تعلیم و تربیهٔ طلاب آن ازقسم ورزش و عملیات واقسام سپورتها توجهٔ زیادی مبذول شده ویکعده ازطلاب مکتب حربیه که دورهٔ تحصیلات خودرا باکمال رسانیده بعد از اخذ شهادتنامه علی الاصول بقطعات مؤظف گردیده اند .

نمایش سکاوت در جشن استقلال ۱۳۱۲ که از طرف والاحضرت وزیر صاحب حربیه ملاحظه می شود
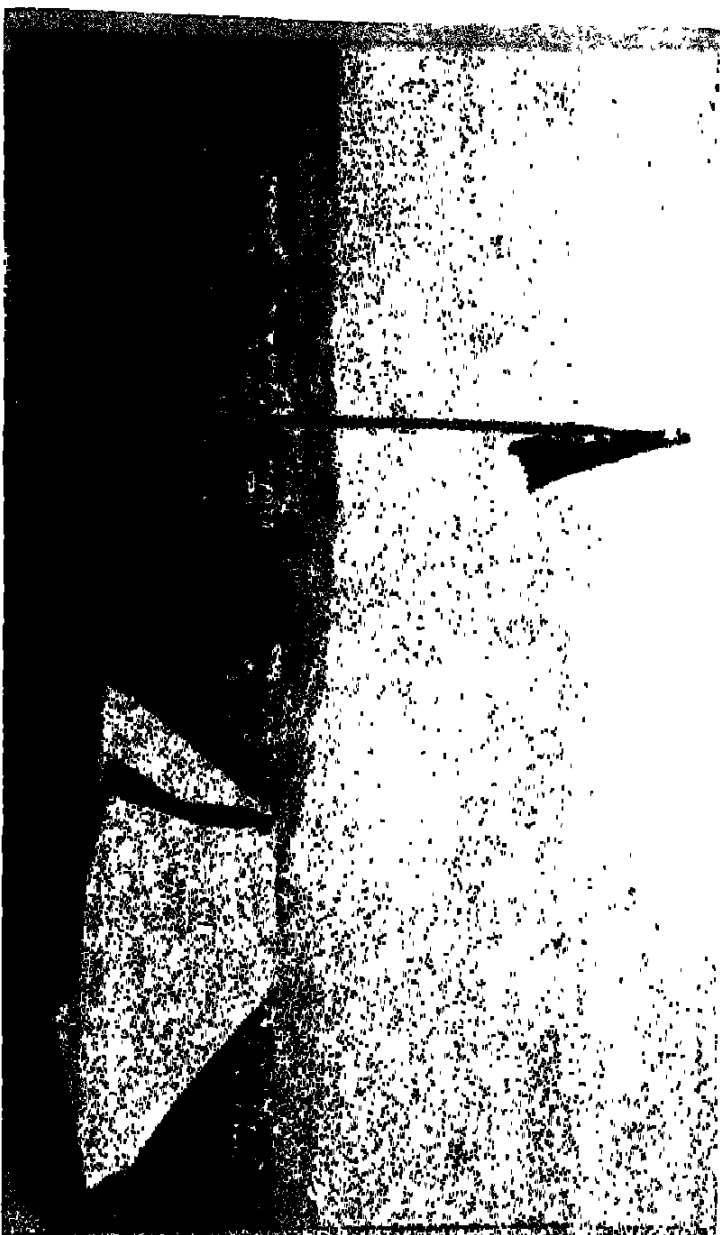
(Kaboul 1312)

عایش سکوت در جشن استقلال ۱۳۱۲ بعد از ادای سلامی بیرق ملی
Mandeuvre des Boy-Scots Pendant les Pètes de l'IndéPendance KABOUL 1312

اجراآت دوائر ملکی

نظر به خدمات و حسن وفاداری که عموماً عساکر افغانستان نسبت به دولت و مملکت خود ظاهر ساختند در ۲۹ عقرب ۱۳۱۲ به معاش عموم افراد و خورد ضابطان ترفیع و علاوه به تمام افراد و خورد ضابطان و عموم صاحب منصبان یك یك نشان صداقت اعطا شده.

برای اینکه عموم افراد عسکر در حال صحت و سلامت بدون دق مانده بامراض مبتلا نشوند از دوائر صحیهٔ کشوف (انعکسیون) امراض مختلفه شده اند.

اجمال اجراآت و کارروائیهای امور حربیهٔ مملکتی در سال ۱۳۱۲ قرار آتی است:

۱: ترتیب پروژه های اردو و تطبیقات آن نتایج خیلی صحیح داده است. هیچیك مسئلهٔ سوقیات و حرکات عسکریه نبوده که نتیجهٔ موفقانه نداده باشد.

۲: تقسیمات وضع الجیش:

قبلاً تقسیمات عسکریه بدون از نقطهٔ نظر وضع الجیش و اکثریاً بدون یك مقصد بوده بصورت پراگنده که قطعه بهرجا وضع شده بحال خود مانده بود. اخیراً این تقسیمات بصورت اساسیه گردیده طوریکه وضع الجیش یك قطعه نظر بایجابات عمومیهٔ وضع الجیش تقاضا میکرد احضار کرده شده است که فی الحال وضع الجیش اکثر قطعات اردو بصورت اساسیه ترتیب و اجرا شده و متباقی آن نیز در تحت غور و تدقیق میباشد.

۳: تقرر دو دسته کمیساریت یکی بحدود شمالی افغانستان ویکی در حدود غربی مملکت لزوم دیده شد که اکنون کمیساری های مذکور به نقاط لازمه توظیف گردیده، علاوه، از اینکه بانتظام و تسهیلات امور سرحدیه مکلفند حل و فصل بعضی معاملاتیکه در سرحدات دول همسایه و افغانستان ظهور کند نیز توسط کمیساری های مذکور کرده میشود.

۴: یکی از تهانه جات هرات (دهنهٔ ذوالفقار) که موقعیت مناسبی برای سرحدداری داشت لزوم تقرر یکنفر سرحددار دیده شده وعنقریب یکنفر سرحددار از مرکز مقرر و اعزام خواهد شد. تا برای اشخاصیکه از (هرات بممالك همجوار عبور ویا از آنجاها به هرات ورود میکنند) پاسپورت وغیرهٔ شان را ملاحظه نموده درینخصوصات، تسهیلات پیش کند.

۵: به نسبت رفع بعضی تکالیف اشخاصیکه از بندر (تروغیل) بدخشان بخارج ویا داخل افغانستان مرور وعبور میکردند لزوم یك سرحدداری درمنطقهٔ مذکوره که (قبلاً عبارت از یك تهانه بود.) نیز دیده شده و اکنون یکنفر سرحددار برای اجرای امور سرحدداری مذکور موظف شده است.

۶: لایحهٔ وظایف سرحدداری، تدوین و ترتیب گردیده وجهت غور و تدقیق بمجلس عالی شورا فرستاده شده است که بعد از تدقیق ومنظوری وصحهٔ مقامات عالیه، امور سرحدداری نظر به لایحهٔ مذکوره در محل اجرا گذاشته میشود.

۷: راجع به اموال گریزی که (از طرف عساکر موظفهٔ سرحدات دستیاب میشود) یك لایحهٔ موقتی الی زمانیکه لایحهٔ اساسیهٔ آن از طبع برآمده توزیع شود تعیین و ترتیب گردیده به قومانداناق قطعات مربوطه فرستاده شد که نظر بآن اجراآت نمایند.

۸: به نسبت تشبیهات وتعیین قطعات ولوایح حرکات وغیره امور عسکریه به خریطهٔ طوبوغرافی احتیاجات زیاد دیده میشد، برای اجرای این مقصد، یك مدیریت خریطه، در دوائر ریاست ارکان حربیهٔ عمومیه جدیداً تشکیل گردیده است.

۹ ، برای اینکه افراد اردو بصورت عصری دارای تعلیم و تربیه شوند مکتب خورد ضابطان تاسیس و از تمام ولایات افغانستان یك تعداد مکفی نفری لایق اخذ گردیده است ، واز طرف معلمین باکفایت تحت تعلیم صحیح و اساسی گرفته شده اند . طلاب این مکتب بعد از فراغ تعلیم و تربیهٔ معینهٔ عسکریه خارج گردیده به حیث خورد ضابط به قطعات عسکریه موظف میگردند .

۱۰ ، برای اینکه طلاب یك معلومات عمومیه استحصال نموده مستعد برای شمول مکتب حربیه شده بتوانند لازم دیده شد تا مکتب اعصاری تاسیس گردد ، درمکتب مذکور از اولاد های معززین افغانستان شمولیت ورزیده تعلیمات دروس اینها هم بعد از تعمق و مداقهٔ زیادی درتحت یك پروگرام منتظم ترتیب گردیده است و تلامیذ مربوطهٔ این مکتب هم بعد از تکمیل دروس معینهٔ پروگرام به مکتب حربیه و شعبات مختلفه داخل میگردند .

۱۱ ، در فرقه ها و قول اردو ها یك عده از اشخاص برگزیدهٔ افراد سائر انتخاب و تحت پروگرام جداگانهٔ که از طرف این دائره ترتیب وتصدیق شده است تحت تعلیم و تربیهٔ عصری تری آمده و نتائج خوبی گرفته شده .

۱۲ ، چون موزیك در روح عساکر تاثیرات زیادی داشته و از جملهٔ عوامل تشجیع عسکری شمار میرود ، لهذا یك تعلیمگاه جدید تاسیس گردیده است و پروگرام این تعلیمگاه هم بروفق کورس های موزیقی دول مترقیه ترتیب و در تحت تعلیم معلم عصری موزیك مصروف تکمیل دروس تعلیمات مرجوعهٔ خود هستند .

۱۳ ، چون اردو بداشتن انجنیران طوبهای جدید احتیاج شدیدی دارد لهذا یك کورس انجنیری در شرف افتتاح است وطلاب آن هم تکلیف کرده شده است تا ازین رهگذر ، اردودارای انجنیران لایقی گردد .

۱٤ ، درعموم پروگرام های اردو مداقه و سنجش بعمل آمده بعد از اصلاحات زیادی بهر صنف عسکری جدا جدا توزیع و درمعرض تطبیق گذاشته شده است .

۱۵ ، در جملهٔ بست صاحبمنصانیکه جهت اخذ تعلیم و تربیه به تعلیمگاهای صنوف مختلفه شامل میگردند امسال افزود کرده شده است .

۱٦ ، تالیف و ترجمهٔ تعلیمنامه ها و کتاب های مفید و نوت های تدریسی مکاتب و تعلیمگاه های عسکری قسماً طبع و قسماً تحت طبع و بعضاً تحت غور و مداقه میباشد .

۱۷ ، ترئید صحایف مجموعهٔ اردو و تکثیر مندرجات وموضوعات مفیده بر علاوهٔ مقالات مسلکی از قبیل روحیات عسکری و اختراعات موضوعات تاریخی و غیره .

۱۸ ، تبدیل فورم البسهٔ صاحبمنصبان وکتاب منسوبین قطعات اردو بطور مناسب ساخته شده تاساختمان البسهٔ عسکری مختلف نبوده به یك رنگ و یك نسق باشد . ضمناً تعمیم و ترویج قماش های وطنی و ترتیب اصولنامهٔ البسه تهیه کرده شده .

۱۹ ، تالیف و ترتیب اصولنامه ها و لوائح و تعلیمنامه ها : ۱ ـ جلد اول تعلیم نامهٔ پیاده . ۲ ـ جلد ۲ تعلیمنامهٔ پیاده . ۳ـ جلد اول تعبیهٔ پیاده . ٤ـ جلد پنجم تعبیهٔ هوا بازی . ٥ـ تعلیمنامهٔ سواری . ٦ـ وضع اسامی پرزه های تخنیک طیاره . ۷ ـ وضع اسامی پرزه های ماشیندار کولت . ۸ ـ تالیف کتاب های تعبیهٔ اسامی صنف توپچی . ۹ ـ اصولنامهٔ مبارزهٔ برچه . ۱۰ـ اصولنامهٔ خدمات داخلیه . ۱۱ ـ اصولنامهٔ خدمات داخلیهٔ مکتب حربیه . ۱۲ـ غور وتعدیل وظائف قرارگاه قول اردو ودوائر وزارت حربیه . ۱۳ ـ اصولنامهٔ وظایف عسکری سرحداری . ۱٤ ـ اصولنامهٔ مراسم

جنازهٔ عسکری وتجهیز وتکفین ، اسقاط وخیرات نفری عسکری (طبع و توزیع گردیده است). ۱۵- اصولنامهٔ مکافات ونشانها . ۱۶- اصولنامهٔ تقاعد . ۱۷- لایحهٔ خریداری و استعمال ماشیندارهای سیستم جدید. ۱۸- لایحه برای جمع طیارات اتفاقی نظر بطیران ووظایف شان که اساسی طیورگذاشته (ولایحهٔ مصوبهٔ آن بقوماندانی طیاره فرستاده شده) . ۱۹- تعیین درجات کتب عسکری که اولتر کدام وپس ازان کدام کتابها از زبانهای خارجه نظر باحتیاج وضرورت اردوها ترجمه گردیده قطعات توزیع شود. ۲۰- لایحه درخصوص صورت تراجم و تعیین حق الزحمهٔ مترجمین نظر به لسانهای مختلفه اجنبی. ۲۱- پیشنهاد تشکیلات ژاندرمه . ۲۲ - لایحه درباب اینکه برای اردوهای محتشم افغانی کدام نوع اصول تعلیم وتربیه اتخاذ شود . ۲۳ - لایحه درخصوص وسائط تطبیق تعلیم و تربیه . ۲۴ - لایحهٔ مکاتب خورد ضابطان ولواحق آن . ۲۵- لایحهٔ بند برائی . ۲۶- لایحه در باب رخصتی وغیر حاضری مستخدمین مکتب حربیه . ۲۷- لایحهٔ خدمات تعلیمگاها . ۲۸- تعیین هیئت مصححین جهت تصحیح تراجم لسانهای اجنبی .

۲۰ : فابریکات حربی البسهٔ عموم افراد عسکری را تهیه ، و علاوه تسرهای سعید ساخت وطن را که در فابریکه های نساجی وطنی برای البسهٔ عسکری ساخته شده رنگ آمیزی نوده و نظر به سالهای گذشته قماش بهتر و قیمت مناسب برای وزارت حربیه تمام شده .

۲۱ : تاسیس یک خیاط خانهٔ عمومی دروزارت حربیه که درهرسال البسهٔ عموم قشون مملکت را ساخته میتواند.

۲۲ : خریداری و تدارک موترها برای حمل و نقل قشون اطراف .

۲۳ : تنظیم عموم شفاخانه های عسکری درمرکز و ولایات .

۲۴ : تعمیرات عسکری :

۱- تعمیر مکتب حربیه در بالاحصار کابل بصورت عصری که طبقه اول آن درشرف اختتام است و تسطیح و نهال شانی باغ آن تکمیل شده .

۲- تعمیر عمارت عصری جهت ادارهٔ فرقهٔ شاهی .

۳- اکمال و توسیع عمارت کلوپ عسکری درمتصل میدان طیاره .

۴- تعمیر عمارت عصری جهت نشیمن طلاب مکتب احضاریهٔ حربیه درموضع باغ شهرآرا معهٔ تمام لوازم آن از قبیل مطبخ ، تحویل خانه ، وپهره دارخانه وغیره .

۵- تعمیر دیوار احاطهٔ باغ مکتب احضاریه .

۶- تعمیر عمارت درموضع باغ چرمگر جهت نشیمن معلم تعلیمگاه پیاده .

۷- تعمیر چهاونی برای نفری حاضرباشها معهٔ عمارت عصری برای نشیمن نفری افسران .

۸- تعمیر یک پارک جدید برای افراد در فابریکهٔ حربی .

۹- تعمیر منزل دوم سر دروازهٔ تعلیمگاه پیاده وتوپچی .

۱۰- تعمیر پهره دارخانه ها و تحویل خانه های مکمل جدید در تعلیمگاه توپچی .

۱۱- تعمیر پهره دارخانه ها و اسطبل در تعلیمگاه پیاده .

۱۲- تعمیر موترخانهٔ مکمل برای موترهای نقلیه درموضع شیرپور .

۱۳- تعمیر اسطبل وگدام گاه جهت حیوانات فرقهٔ شاهی درشیرپور .

۱۴- تعمیر اسطبل جدید جهت حیوانات قول اردوی مرکزی .

۱۵ـ تعمیر گدام و پهره دار خانه هما معهٔ حوض آب برای حیوانات نقلیه در تعلیمگاه سواری .

۱۶ـ تعمیر حبا خانه دو بالاحصار غزنی .

۱۷ـ تعمیر بارکهای دومنزله و یك منزله برای افراد نظامی در غزنی .

۱۸ـ تعمیر چهاونی منتظم و گدام جهت آذوقه در فراه .

۱۹ـ تعمیر شفاخانه بطور عصری در فراه .

۲۰ـ تعمیر جبخانه در فراه .

۲۱ـ تعمیر تهانه جات متعدد سرحدات در فراه .

۲۲ـ تعمیر تهانهٔ جدید در ماروچاق هرات .

۲۳ـ تعمیر قشلهٔ عسکری در میمنه .

۲۴ـ تعمیر یك چهاونی جدید در حلال آباد که با کمال رسیده و عسکر ها دران رهایش میکنند .

۲۵ـ تعمیر چهاونی کنر خیبر که یك قسمت آن تعمیر شده مابقی آن در تحت تعمیر است .

۲۶ـ چهاونی کامه که کار تعمیر آن جاری و در سال آتی اکمال خواهد گردید .

۲۷ـ تعمیر پوستهٔ جدید عسکری واقع چغسرای که کار آن جاری و قریب اختتام است .

۲۸ـ تهانهٔ جات سرحدی .

الف : تهانهٔ اول ، دوم ، سوم سرکانی تعمیر و اکمال گردیده .

ب : تهانه های تورخم ، پاینده خاك ، هفت چاه ، کنگر غندی تعمیر و اکمال شده.

۲۹ـ تعمیر چهاونی جدید اسمار شروع و کار آن جاری است .

۳۰ـ تعمیر چهاونی جدید در وزیری ، قرارگاه فرقه و باغ عمومی ساخته شده و چهاونی عسکری آن تحت تعمیر است .

۳۱ـ تعمیر عمارت سرحد داری دکه .

۳۲ـ تعمیر یك قشلهٔ عسکری در بالاحصار گردیز که گنجایش یك فرقه را دارد .

۳۳ـ تعمیر یك قرارگاه جهت نشیمن قوماندان فرقه در بالاحصار گردیز .

۳۴ـ تعمیر یك مسجد بزرگ درخارج بالاحصار .

۳۵ـ تعمیر قشلهٔ عسکری (برای یك فرقه) در خوست ، تحت تعمیر .

۳۶ـ تعمیر چهاونی عسکری درالمرهٔ جدران .

۳۷ـ تعمیر چهاونی عسکری (برای یك کندك) در تپهٔ باد آسیای گردیز .

۳۸ـ تعمیر چهاونی عسکری (برای یك کندك) در تپهٔ ریگی گردیز .

۳۹ـ تعمیر دو تهانه به کوتل تیره .

معاینه انداخت تعلیمگاه خورد ضابطان قول اردو بحضور والاحضرت وزیر صاحب حربیه که بعضی از دیگر وزرای محترم هم حضور دارند

S. A. R. le Ministre de la Guerre et de nombreux Personnages Civils et Militaires assistent à l'Examen de tir du Cours de Perfectionnement Militaire du Corps d'Armée de Kaboul.
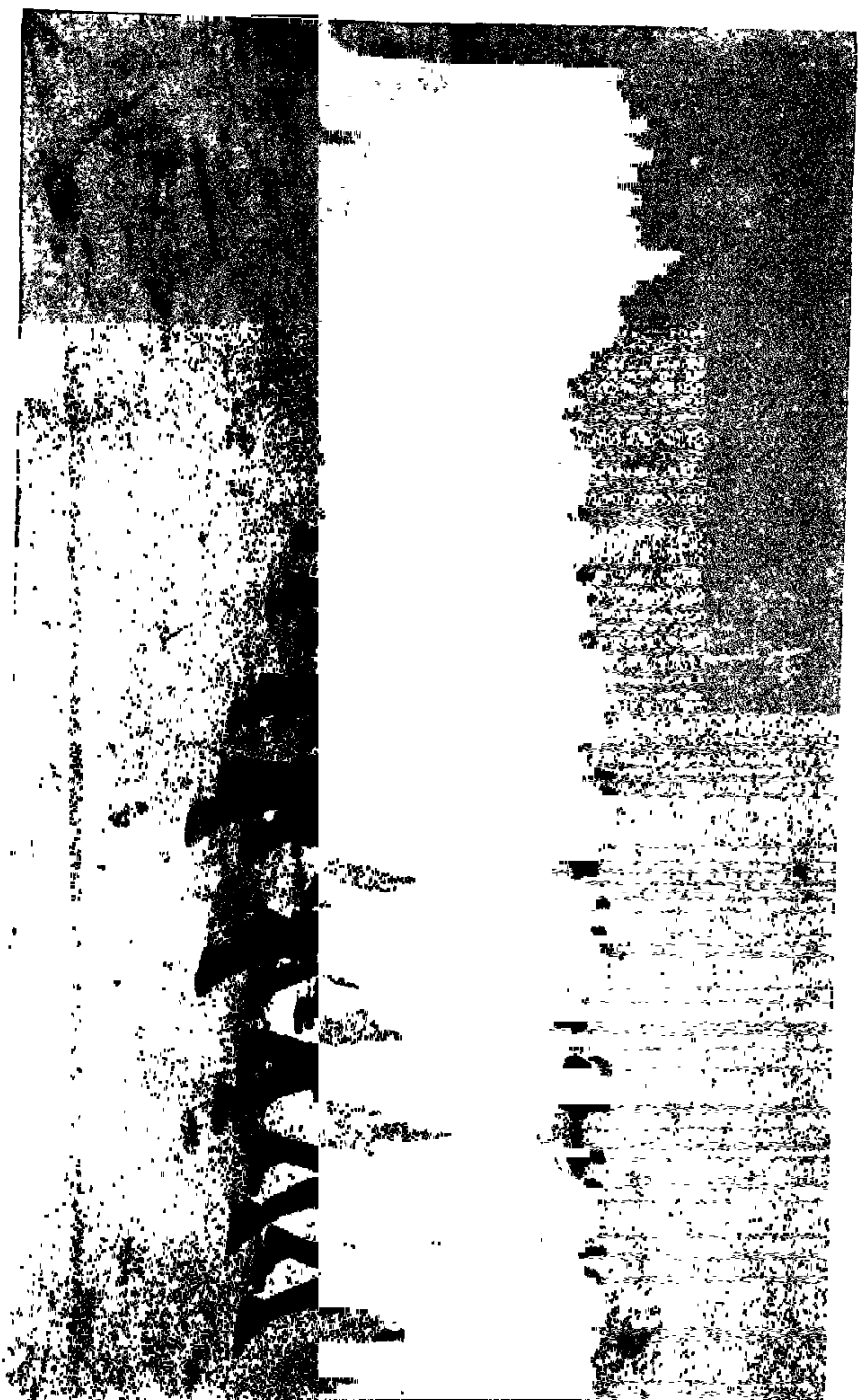
يك قطعه پيادهٔ فرقه شاهى
Un Groupe de l'Infanterie de l'Armée Royale
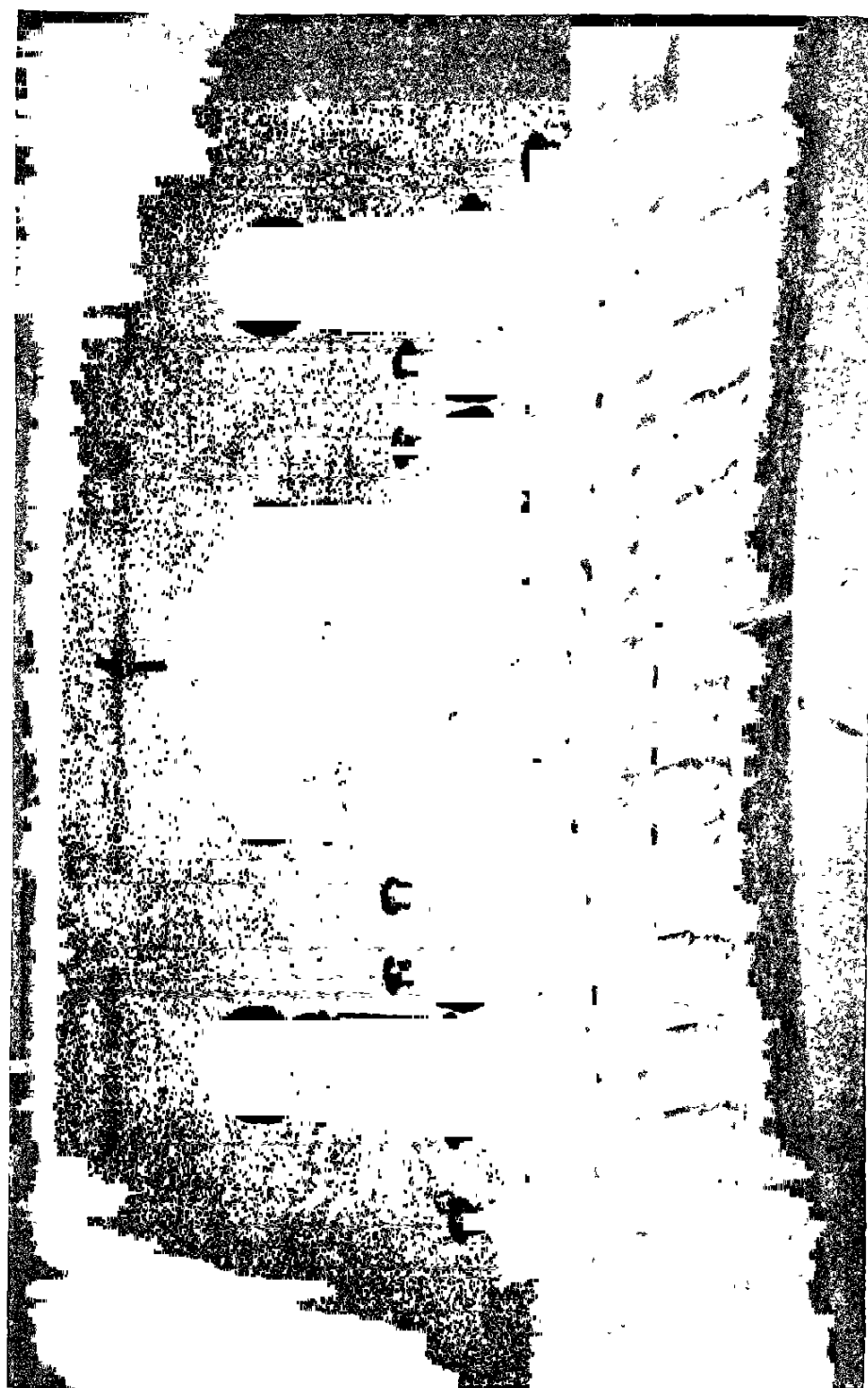
یك قسمت از طلاب مکتب حربیه که در سال ۱۳۱۲ کامیاب برآمده و شهادتنامه حاصل کرده اند
Les Officiers nouvellement promus de l'École Suppérieure de Gueure.
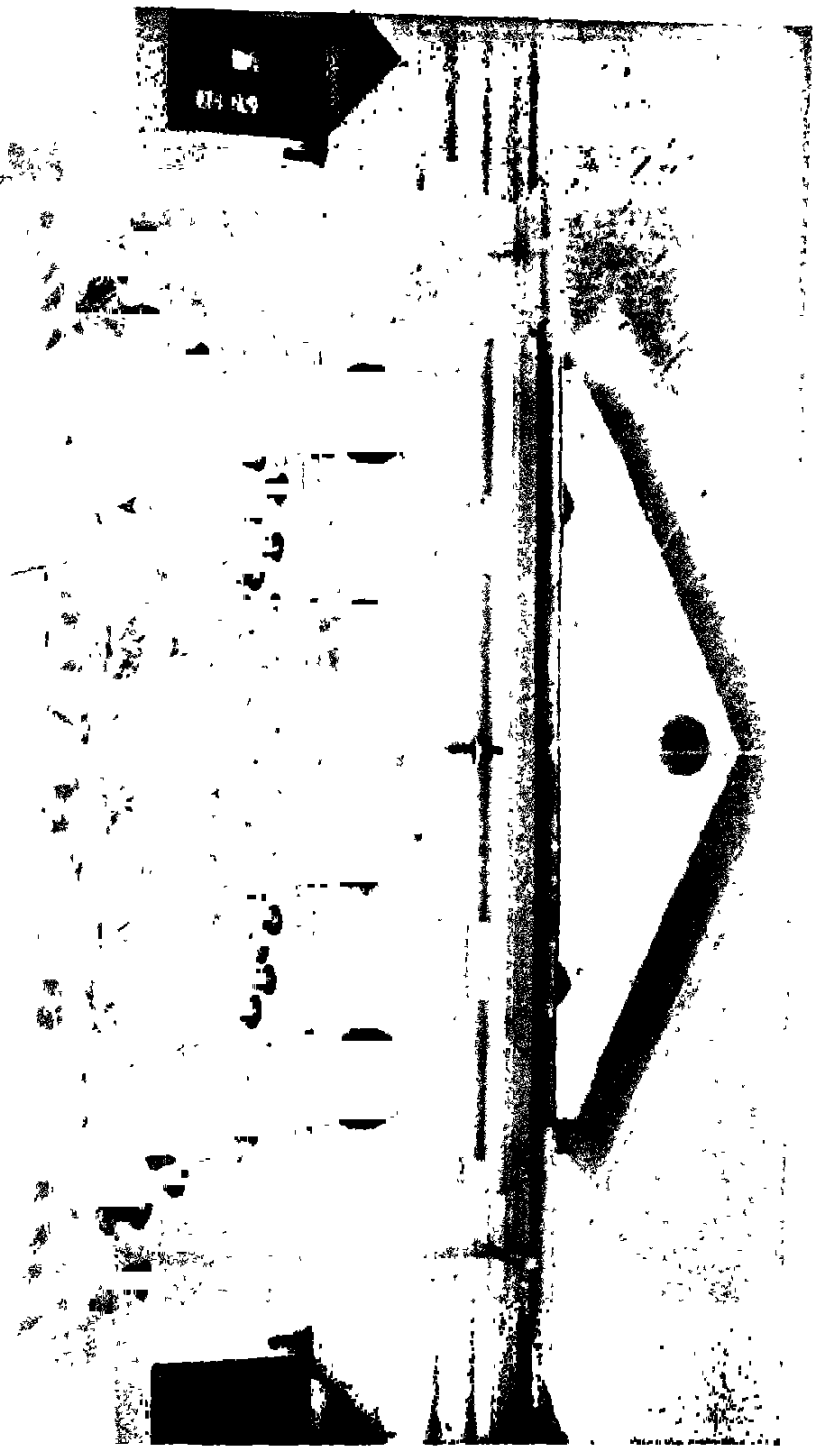
ع • ش سردار علیشاه خان قوماندان مکتب حربیه با معلمین و یك قسمت از طلاب مکتب موصوف

Général ALI CHAH KHAN Commandant de l'École Suppérieure de Gueure avec les **Professeurs** et une partie des Élèves de cette École
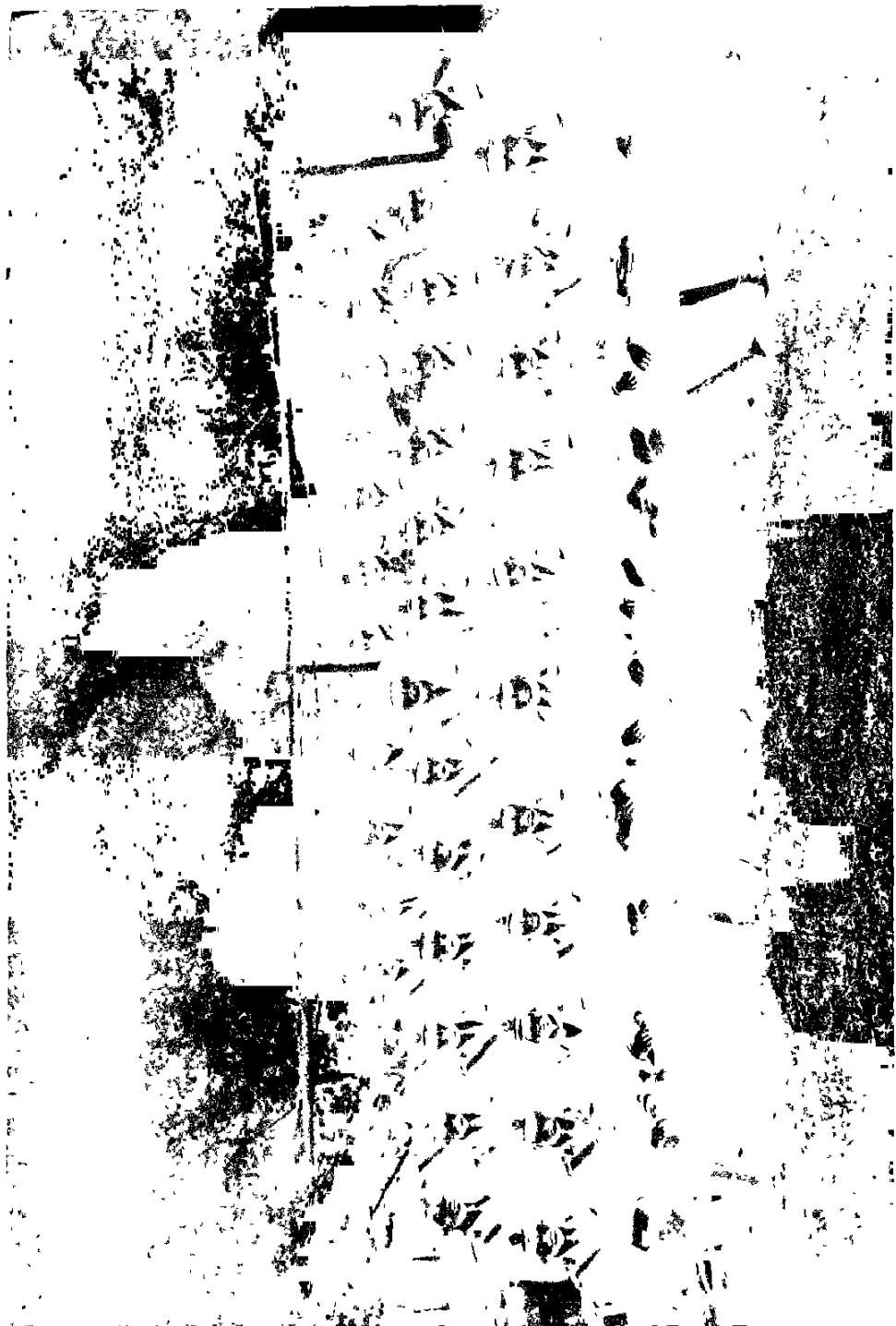
ج ، محمد احسان خان قوماندان هوابازی با پیلوت‌ها و میخانیک های مربوط قوماندانی مزبور

Colonel MOHD EHSAN KHAN Commandant de l'Aviation avec les Pilotes et les Mécaniciens du Département de l'Aéronautique
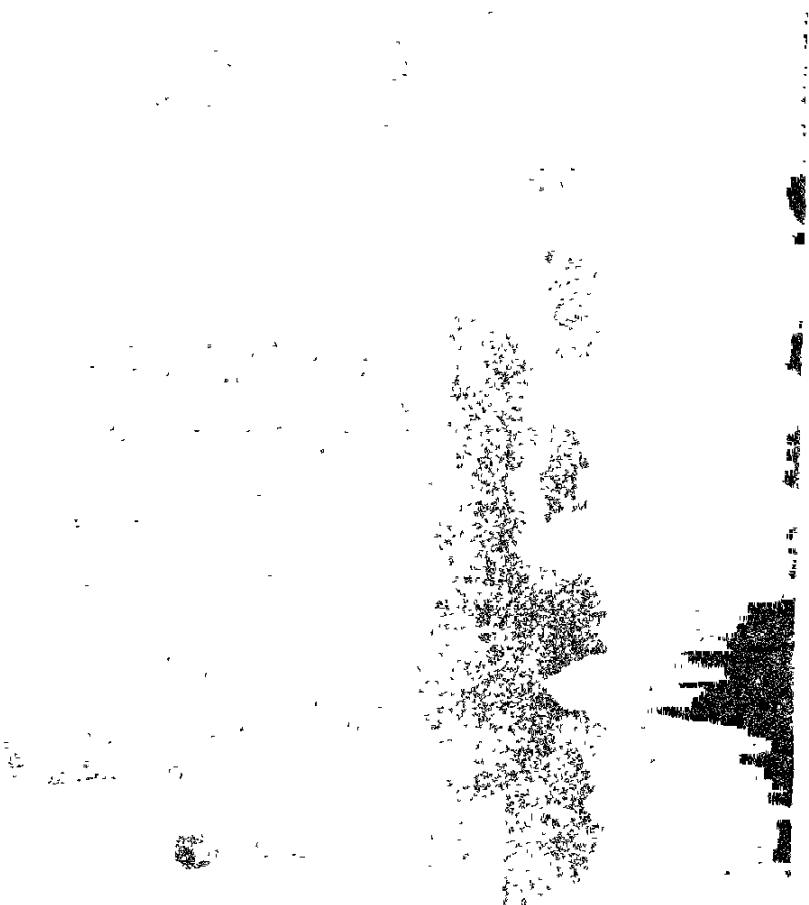
تیم والی بال وزارت حربیه
Groupe de Wali-ball du Ministère de la Gueure
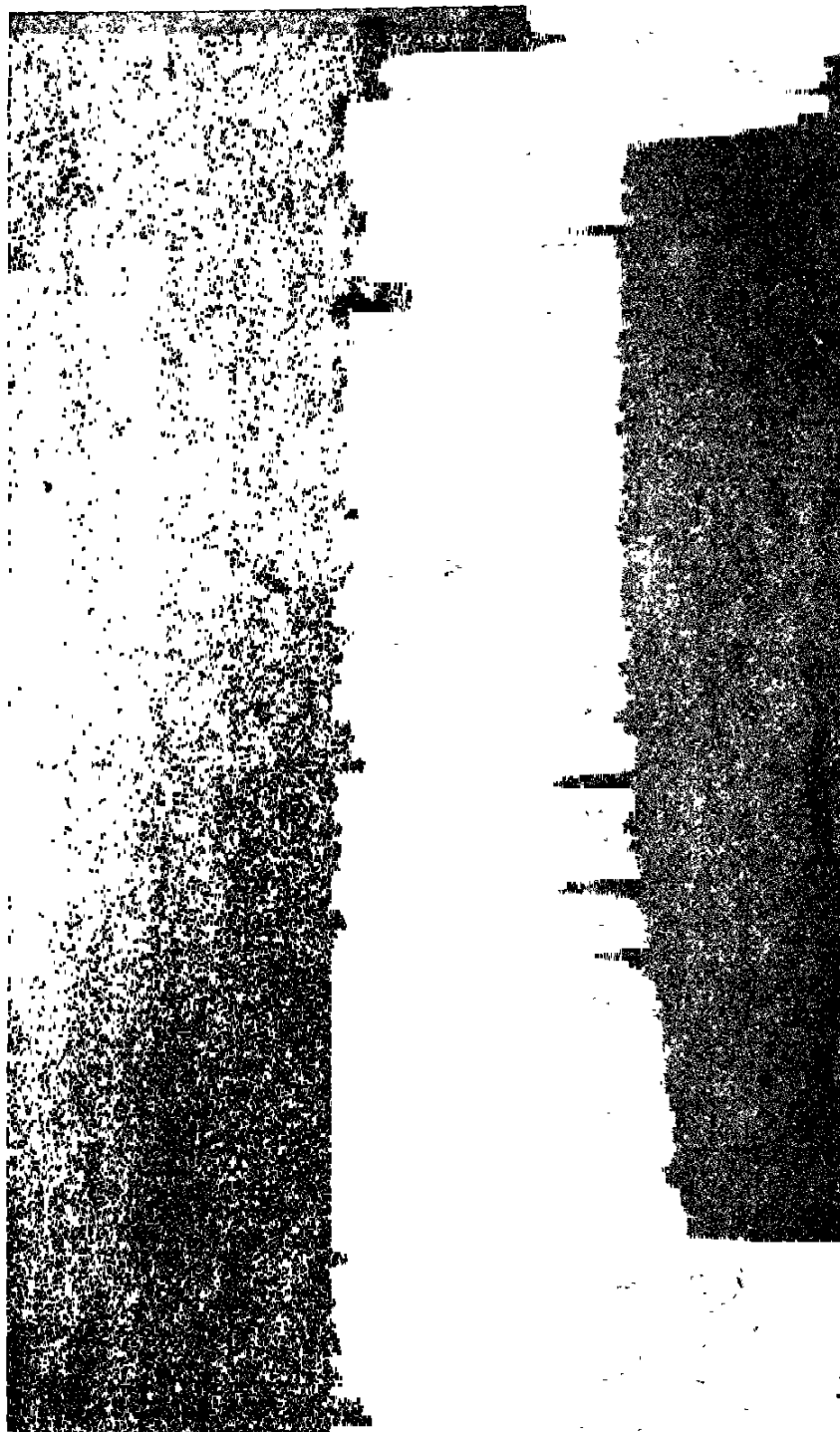
ع ٠ع ش سردار محمد داؤد خان فرقه مشر عسکری و حاکم اعلای مشرق و صاحبمنصبان عسکری آنجا

Général Sirdar MOHAMMED DAOUD KHAN Gouverneur Général et Commandant Militaire de la
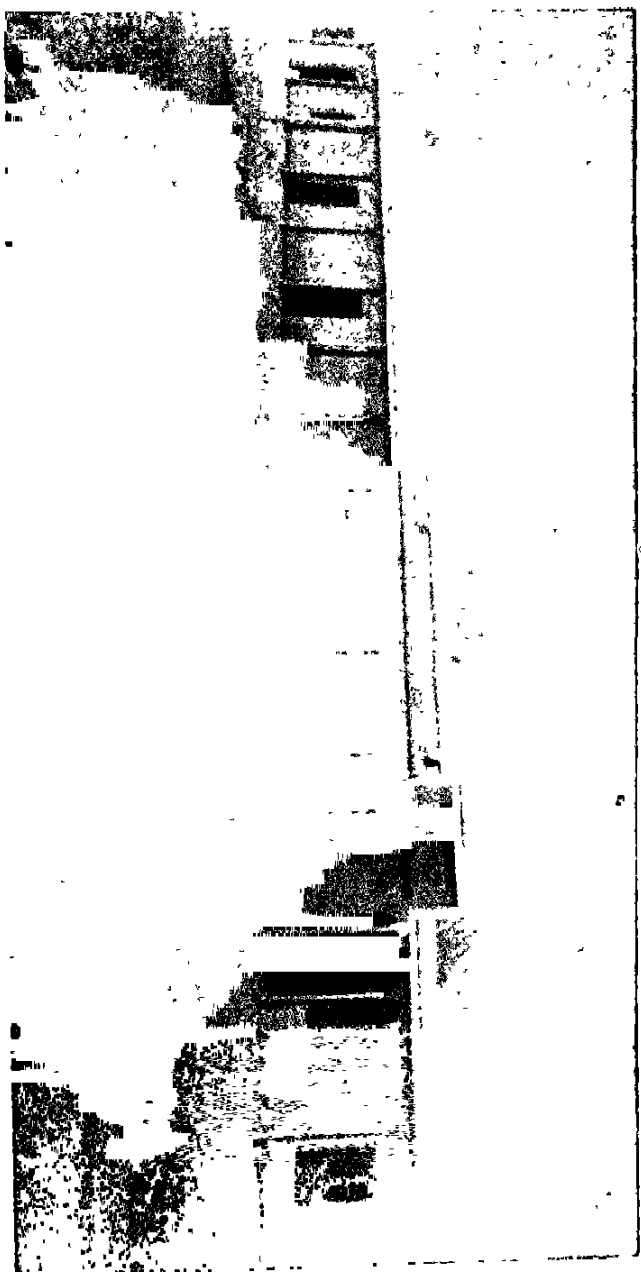
یك حصه از بیت‌الحدم های ماما خیل مشرق که سال گذشته جدید تعمیر شده

Une parties des nouvelles Casernes bâties en 1311 (MAMA KHÉL. Prov. de l'Est).
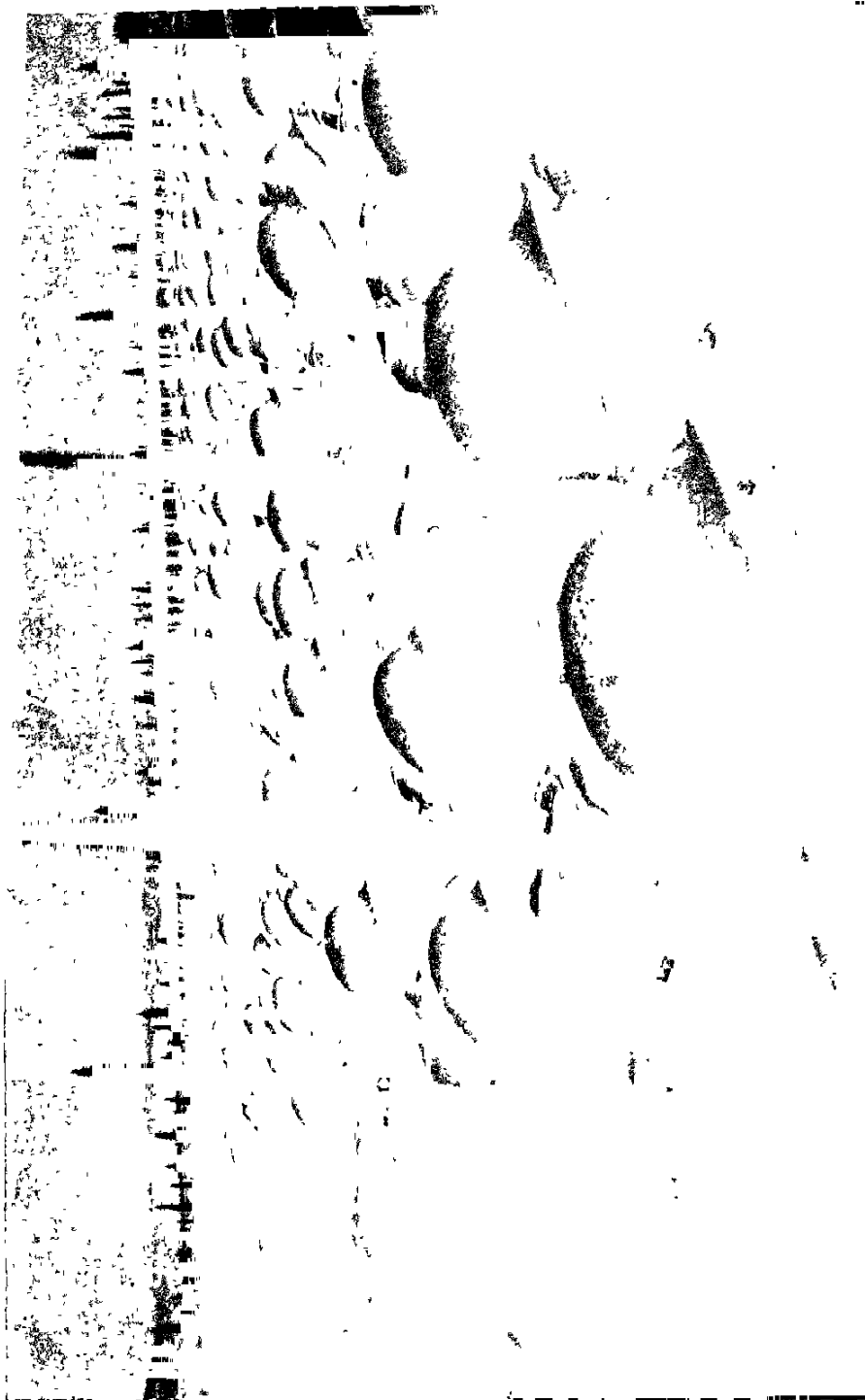
از تنظیمات سال ۱۳۱۲ قشون مشرقی، یکعده از صنف پیادهٔ جلال آباد
Un Groupe de l'Infanterie de l'Armée de DJELALABAD (Prov. de l'Est).

سرک سمت مشرق ـ که کار آن درین سه جاری و فعلاً بحد کوه قریب درونه رسیده است

Une Vue des Travaux de la Nouvelle Route KABOUL-INDES (Prés du Mont de DAROUNTA au bord du Fleuve Kaboul).

از عمرانات سال ۱۳۱۲ مشرق
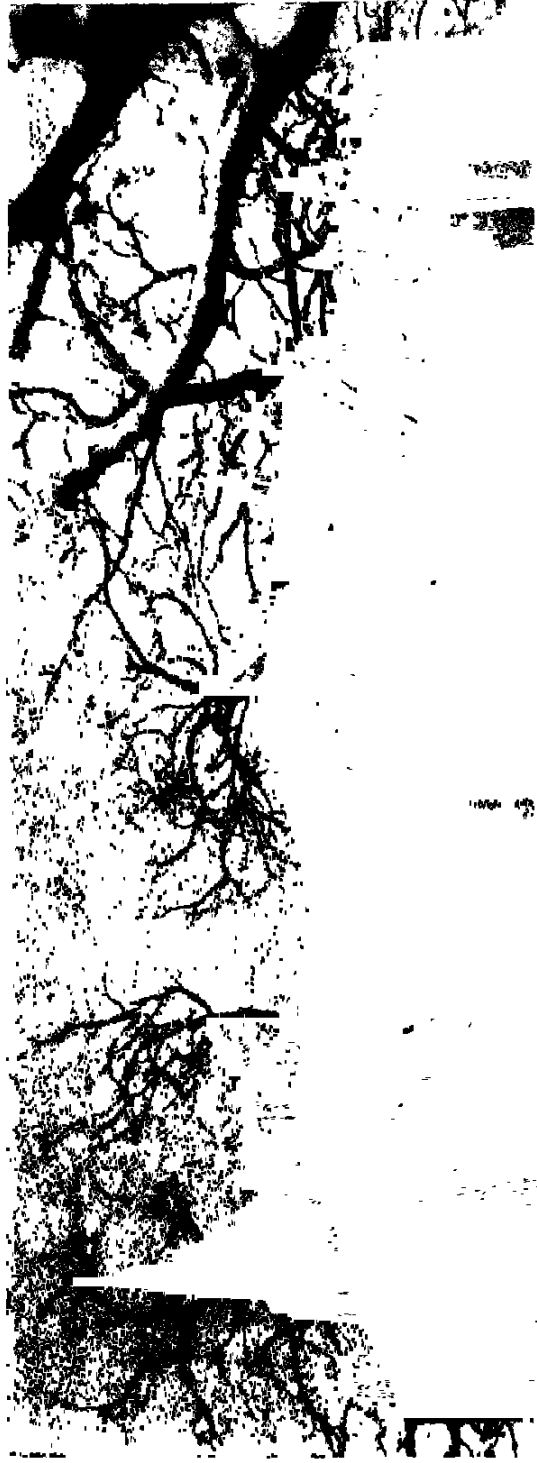
یکی از اطاق های دایرهٔ فرقه مشرعسکری در علاقه وزیری جلال آباد
Un des Bâtiments, Construits en 1312, pour les Officiers de la Province de l'Est à VAZIRI (Djelalabad).
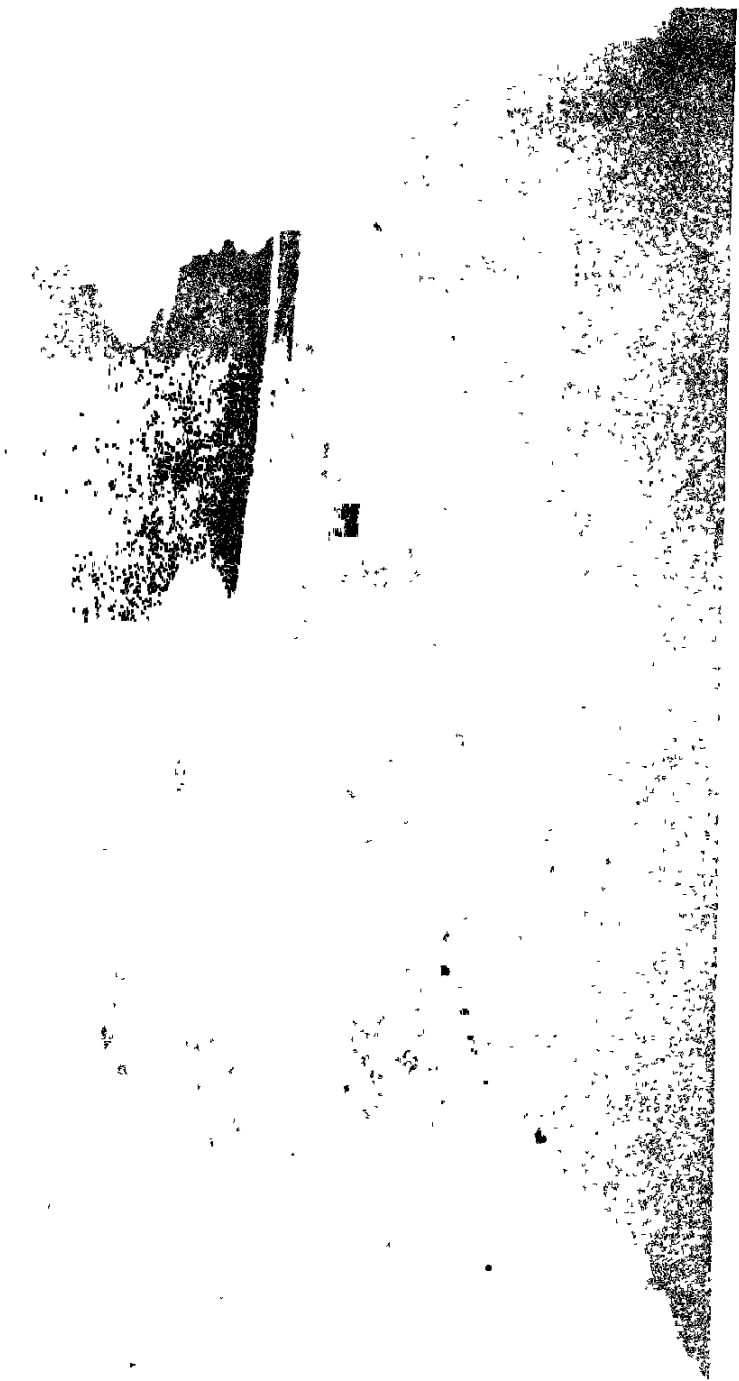
سرك درونته ـ كه كار آن درين سنه جارى و فعلاً تحد كوه قريب درونته رسيده است
Une Vue des Travaux de la Nouvelle Route KABOUL-PESHAWAR (Près du Mont de DAROUNTA au bord du Fleuve Kaboul).
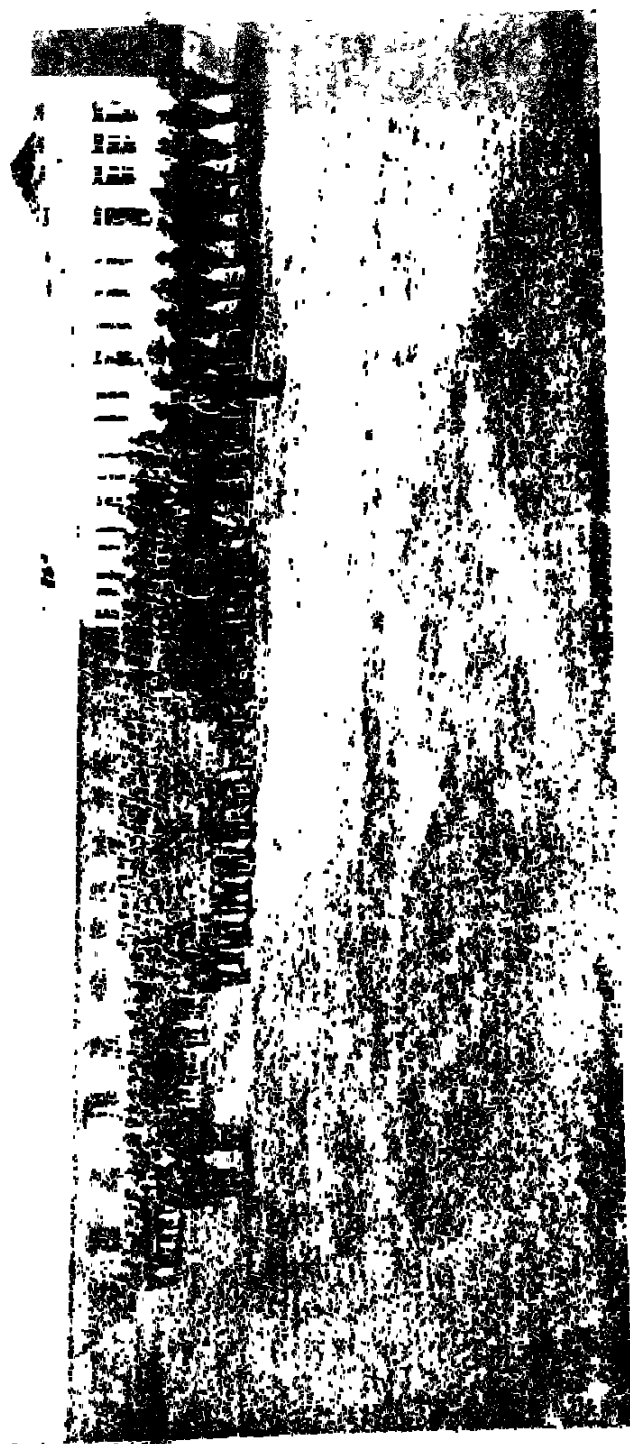
یک حصه از عساکر گردیز در قشلهٔ عسکری

Un Groupe des Soldats de la Division de GARDEZ devant leurs campements (Prov. du Sud).

بالا حصار گردیز
که کار تعمیر آن در ۱۳۱۲ باتمام رسیده
Nouvelle construction de BALA HISSAR de GARDEZ (Forteresse Militaire dans la Province du Sud).

از تعمیرات جدید سال ۱۳۱۲ مشرقی

تهانهٔ جدید محافظین راه جلال آباد و دکه
Modèle des Postes Militaires, nouvellement construis
à la Frontière INDO-AFGHANE

از تعمیرات جدید سال ۱۲۱۲ مشرقی

تهانهٔ جدید محاذی راه جلال آباد و دکه
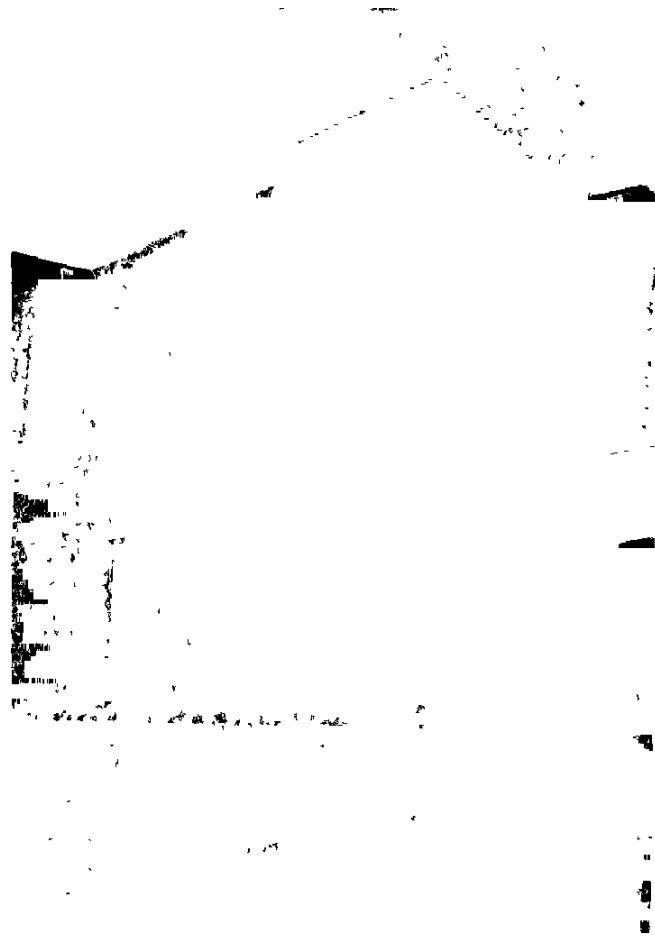
Modèle des Postes Militaires nouvellement construi-
à la frontière INDO-AFGHANE

میدان ارگ قندهار که مغازه ها ودیوار های چهار چمن آن جدید تعمیر شده

La Place de l'ARG et le nouveau jardin public à Kandahar

صاحب منصبان فرقهٔ عسکری فراه

Les Officiers du de la Division de FARRAH.

مداومین تعلیمگاه عسکری فراه
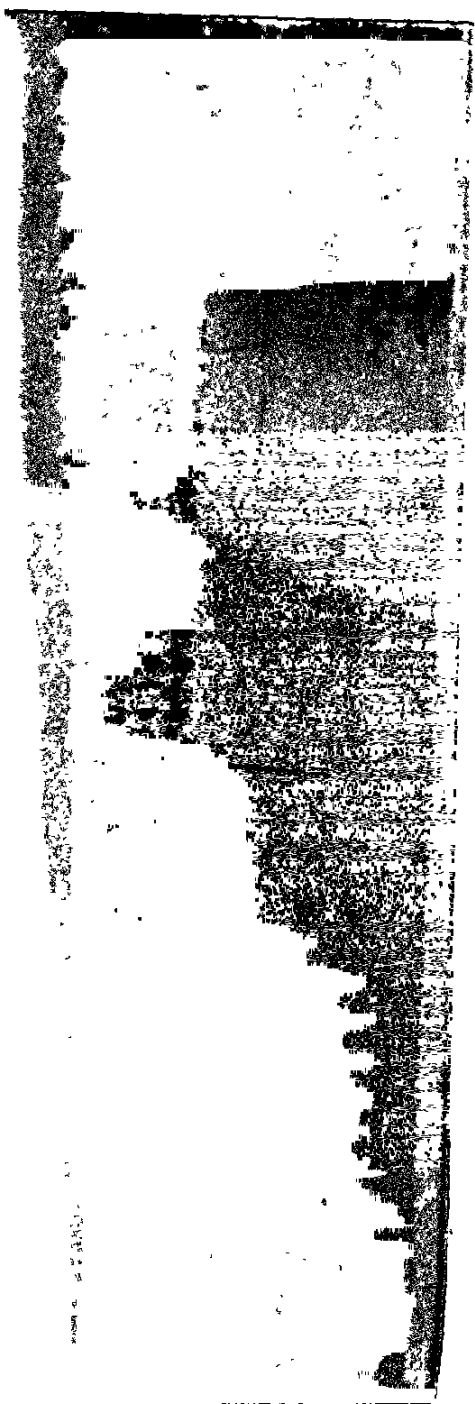
Les élèves du Cours de Perfectionnement Militaire de Farah.
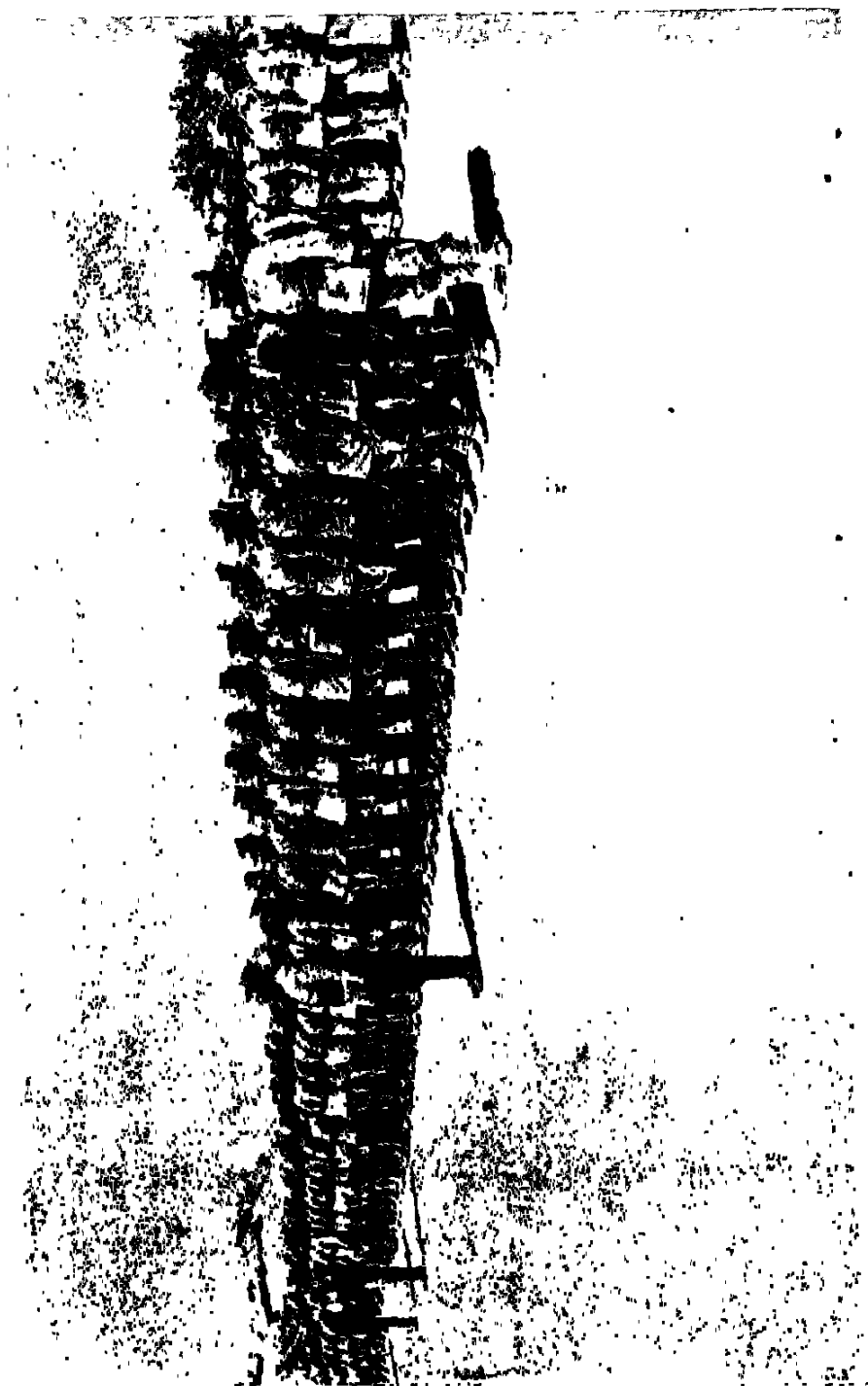
یك قطعه از عسکر پیادهٔ هرات

Un Groupe de l'Infanterie de la Division de Hérat.

دورهٔ اول تعلیم گاه خورد ضابطان قول اردوی مرکز

Les Élèves du Premier Cours de Perfectionnement Militaire des Sous Officiers du Corps d'Armée de Kaboul

گروپ منصبدارهای سمت جنوب
Groupe des OFFICIERS de la Province du SUD.

دورهٔ دوم تعلیمگاه خورد ضابطان قول اردوی مرکز

Les Élèves du 2ê Cours de Perfetionnement Militaire des Sous Officiers du Corps d'Armée de Kaboul.

یك قطعه از عساكر اركون

Un groupe des Soldats de la Province du Sud (Orgoun).

امور خارجیه

امور خارجیه مطابق خط مشی اعلیحضرت فقیدشهید به بهترین صورتی جریان داشته و مناسبات صحیحهٔ سیاسیه با دول متحابه قائم و برقرار است.

یکعده از جملهٔ اجراآت امور خارجیه درذیل ذکر می شود:

۱ : برقراری روابط سیاسی باجاپان و تقرر عالیقدر حلا لتمآب حبیب الله خان بحیث وزیر مختار در دربار توکیو.

۲ : امضای قرارداد تعریف تجاوز از طرف ع ، ج علی محمد خان وزیر مختار اعلیحضرت در لندن ، با حکومات شوروی ، استونیا، لتونی ، ایران، پولیند ، رومانیا وترکیه.

۳ : ارسال نماینده بکنفرانس اقتصادی درلندن.

٤ : مقرر نمودن نمایندهٔ جدید افغانستان درکنفرانس خلع سلاح.

٥ : تعین قونسل درجده.

٦ : تغیر و تبدیل بعضی از سفرا و نمایندگان افغانی در خارج.

۷ : تعاطی معاهدهٔ مودت بین دولتین علیتین افغانستان وحکومت سعودیه . (حجاز)

۸ : ابتیاع یك عمارت قشنگ ومناسب برای حجاج افغانی در مکهٔ معظمه توسط ع ، ح ، والا حضرت سردار احمد شاه خان وزیردربار شاهی افغانستان ووقف نمودن آن بصورت مجانی برای اقامهٔ حجاج افغانی.

۹ : امضای قرارداد تعین خط سرحدی حدود غیر معینه بین دولتین افغانستان وایران بتاریخ ۱۷ حوت سنه ۱۳۱۲ دروزارهٔ خارجهٔ کابل بتوسط اختیارداران مملکتین علیتین که ازطرف حکومت افغانستان ع ، ح فیض محمد خان وزیر امورخارجیه، وازطرف حکومت ایران ع ، ج محمد تقی خان اسفندیاری سفیرکبیر دولت شاهنشاهی ایران درکابل برای عقد آن تعین شده بودند.

امور داخله

امور داخله علاوه بر انتظام و رونق یافتن دیگر کارهای داخلی و اداری در شعبهٔ پولیس خیلی ترقی نموده و در تعلیم و تربیهٔ افراد آن سعی بلیغی بکار برده شده است ، درین سال بتوسط پولیس سارقین دستگیر و اموال مسروقه پیدا و بصاحبان آن مسترد شده ، امنیت عمومیه در تمام ولایات قائم و برقرار است و درین سنه یکصد سوار ژاندارمه و یکصد پولیس بایسکل سوار جدیداً در قوای امنیهٔ کابل تشکیل و نفری کمبود قطعات تکمیل شده و نسبت به تهیه و تدارك اسلحه و تجهیزات و لوازمات پولیس و کوتوالی اقدامات لازمه اتخاذ گردیده است ، علاوه بران بوسیلهٔ وزارت داخله در حکومتی ها و علاقه داری ها عندالزوم تغیر و تبدیلی بعمل آمده و دریاب حکومتی ها و علاقه داریهای جدیدالتاسیس برای رفاه اهالی غور و دقت بکار برده شده ، چون احصائیهٔ نفوس قبلاً ترتیب نگردیده بود درسال حاضر مدیریت عمومی نفوس در وزارت داخله جدیداً منظور و به ترتیب احصائیهٔ نفوس بصورت صحیح شروع نموده است و یك حصهٔ زیاد احصائیه مکمل و بصورت نفوسی اخذ عسکر اجرا گردیده ، ع ، ج ، ا ، ا نشان محمد گل خان وزیر داخله رئیس تنظیمیهٔ ولایات شمالی درسال ۱۳۱۲ با اختیارات مفصلی به ولایات شمالی اعزام گردید ، ع ، ش محمد افضل خان فرقه مشر قوماندان قول اردو و حاکم اعلای سمت جنوبی و ع ، ش سردار محمد داؤدخان فرقه مشر قوماندان عسکری و حاکم اعلای سمت مشرق مقرر شدند .

در بعضی مناطق حکومتی ها و علاقه داری های افغانستان عمارات جدید برای نشیمن حکام و علاقه داران و همچنان در سرحدات افغانستان تهانه های جدیدی ساخته شده .

از ولایات و حکومات یك عدهٔ پولیس برای اخذ تعلیم در کابل احضار و در تحت تعلیم و تربیه گرفته شده اند که بعد اخذ تعلیم بمحل ماموریت خود مراجعت نمایند . علاوتاً دیگر اقداماتی که در امور داخله شده مختصر آن قرار آتیست :

۱ ـ توسیع تشکیل قوماندانی کوتوالی مرکز کابل .

۲ ـ وضع لوائح تحقیقات ابتدائیهٔ مجرمین .

۳ ـ محابس که سابقاً بصورت عصری نبوده فعلاً در ولایت کابل و بعضی دیگر ولایات بصورت منتظم و عصری اصلاح گردیده است ، در مرکز کابل یك محبس عمومی بصورت عصری با تمام ملحقات آن تعمیر و باکمال رسیده .

۴ ـ نسبت به تعیین و تفریق درجات پاسپورت و سایر اجراآت مسائل متعلقهٔ آن اقدامات درستی اتخاذ شده است .

۵ ـ حکومات و علاقه داریهائیکه جدیداً تاسیس یا تغیر و تبدیل یافته :

۱ ـ محیط شش کروهی کابل که سابقاً ذریعهٔ چهار علاقه داری مستقیماً از طرف ولایت کابل اداره میشد ، حصهٔ چهاردهی بحکومت درجه ۲ ، و علاقه داری چهار آسیاب مربوط آن ، و حصهٔ اول بتخاك بحکومت درجه ۳ بگرامی ، و حصه ۲ بتخاك بحکومت درجه ۳ ده سبز تبدیل و تشکیل گردیده .

۲ ـ حکومت کلان لهوگرد که سابقاً حکومت مذکور بحیثیت درجه اول بود لهذا عندالزوم بحکومت کلان تشکیل یافته و حکومات درجهٔ دوم میدان و وردك از مربوطات آن قرار داده شده .

۳ ـ علاقه داری کلنگار بحکومت درجه ۲ تبدیل یافته علاقه داریهای ازرو و محمد آغه مربوط آن قرار گرفت .

۴ ـ درخوشی لهوگر یك علاقه داری جدید تشکیل و مربوط حکومت کلان آن جا قرار داده شد.

۵ ـ علاقه داری قره باغ به اسم حصه ۲ اسپ تبدیل شده.

۶ ـ توحید ادارهٔ حکومتی های آقچه، و شبرغان، سرپل ولایت مزارشریف چون لازم بود بنابران از اینها یك حکومت کلان تشکیل گردیده مرکز آن شهر شبرغان انتخاب شده، قرقین وخمیاب که سابقاً یك علاقه داری ومربوط حکومتی آقچه بود و تقریباً ۴۰ میل از آقچه دور و بکنار دریای جیحون واقع است ازحیث وسعت و کثرت نفوس و دیگر خصوصیات لزوماً از حکومتی آقچه مجزا و بحکومت درجه ۳ تبدیل و مستقیماً بحکومت کلان شبرغان مربوط و مرکز حکومتی درقرقین مقرر گردیده؛ و درخمیاب یك علاقه داری تشکیل و مربوط حکومتی قرقین گردیده است. کذا در آقچه بر سه علاقه داری یکی در خانقاه، یکی در منگه جك، یکی در مردیان تجویز و تشکیل شده.

۷ ـ علاقه داری نهرشاهی بنابر کثرت نفوس و وسعت محیط به حکومتی درجه اول تبدیل و در دهدادی علاقه داری جدیدی مقرر و مربوط حکومتی مذکور گردیده، کذا علاقه داری چهارکند نیز که سابقاً مستقیماً از طرف نائب الحکومگی اداره میشد بهمین مناسبت به حکومت مذکور مربوط گردید.

۸ ـ کشنده و بویقره که از مرکز خیلی دور بود وهر کدام ازین دو علاقه از طرف یکنفر علاقه دار اداره میشد و مستقیماً مربوط نائب الحکومگی بودند ازحیث بعد مسافه و کثرت نفوس و وسعت محیط و سائر ملاحظات، کشنده بحکومتی درجه ۳ تبدیل و علاقه داری بویقره بر آن مربوط گردید

۹ ـ حکومتی درجه ۲ بلخ لزوماً بحکومت درجه اول تبدیل و حدود آب با حکومتی های دولت آباد و نهر شاهی مزار نو تعیین و تحدید گردیده است.

۱۰ـ درکلدار که ساحل نهر جیحون واقع است لزوماً از حیث بعد مسافه و کثرت نفوس و وسعت محیط آن در آنجا یك علاقه داری جدید تشکیل گردیده و مربوط حکومت تاشقرغان شده.

۱۱ـ حکومتی درجه سوم قندوز ولایت قطغن و بدخشان بحکومت درجه دوم تبدیل و قلعهٔ زال مربوط حکومت مذکور، یك علاقه داری تشکیل و بآن مربوط گردیده است.

۱۲ـ تشکیل حکومت درجه سوم؛ برای سه ماه در طول سال بمنطقهٔ دشت ایش و شیوه مربوط حکومت کلان بدخشان از حیث اینکه محل مذکور در وقت بهار جای اجتماع طوائف مالدار است.

۱۳ـ یك علاقه داری نظر توقعیت آن بمربوطهٔ حکومت خوگیانی سمت مشرقی به اسم ماما خیل تشکیل گردیده.

۱۴ـ علاقه داری موزائی به حصهٔ اول، وعلاقه داری سرکی بحصهٔ دوم و علاقه داری متاخان سمت جنوبی به حصهٔ سوم زرمت مسمی گردید.

۱۵ـ علاقه داری شرن باسم یوسف خیل و علاقه داری برلك باسم سلطان خیل تبدیل شده.

۱۶ـ علاقه داری شیرین تگاب میمنه نیز بنابر وسعت اراضی و کثرت نفوس و غیره ملاحظات لزوماً بحکومتی درجه دوم تبدیل ودر دولت آباد علاقهٔ مذکور یك علاقه داری تجویز و بآن مربوط گردیده است.

۱۷ـ علاقه داری پیرون سوهٔ میمنه بحکومت درجه اول (پشتون کوت) تعدیل و علاقه دارییهای المار و کوهستان بآن مربوط گردیده است.

۱۸ـ علاقه داری قیصار بحکومت درجه سوم تبدیل گردیده.

۸ـ در ولایت خوی سه علاقه داری یکی در قرم قول، یکی در قورغان، یکی در خان چهار باغ تجویز و تشکیل شده.

۲ـ در ولایت مزار و حکومتی اعلای میمنه دیگر تعدیلات هم کرده شده و اجرای آن نظریات و تشکیلات بسال ۱۳۱۳ زیر نظر گرفته شده و در بودجهٔ سنهٔ مذکور تکلیف گردیده است.

۹ـ تعمیر منازل برای بعضی حکومتی ها و علاقه داریهائی که سابقاً محل ادارهٔ درستی نداشتند:

۱ ـ تعمیر حکومت کلان شمالی اکمال یافته.

۲ ـ « حکومت کلان لوگر اکمال یافته.

۳ ـ « حکومت وردک اکمال یافته.

۴ ـ در نقطهٔ پیچ آب جهت اداره و نشیمن مامورین منسوبهٔ حکومتی کلان دایزنگی عمارت موزونی تعمیر یافته و یکرسته بازار جدیدی در مرکز حکومتی کلان دایزنگی ساخته شده.

۵ ـ برای نشیمن و محل ادارهٔ حکومتی محال بهسود در حد راقول عمارت تعمیر و تکمیل گردیده است.

۶ ـ برای نشیمن مامورین حکومتی دایکندی در موضع خدر عمارت تعمیر و تکمیل گردیده است.

۷ ـ برای حکومت یکاولنگ تعمیر محل ادارهٔ حکومتی شروع گردیده که در هذه السنه مکمل خواهد شد.

۸ ـ تعمیر منزل دوم حکومتی کلان قلات.

۹ ـ « منزل دوم قوماندانی کوتوالی حکومتی کلان قلات.

۱۰ـ « محبس حکومتی کلان قلات.

۱۱ـ « عمارت جدید عصری برای حکومتی مرغاب هرات اکمال یافته.

۱۲ـ « عمارت ها و مقامات برای نشیمن دوائر رسمی و حکومات مربوطهٔ ولایت قطغن و بدخشان.

الف ـ تعمیر حکومتی رستاق اکمال شده است.

ب ـ « حکومتی کشم اکمال یافته.

ج ـ « حکومتی جرم اکمال شده است.

۱۳ـ تعمیر حکومت محلی سرخ رود اکمال یافته.

۱۴ـ « حکومتی کلان کنر ها جاری و الی اخیر سال باختتام میرسد.

۱۵ـ « حکومت محلی شنوار اکمال گردیده.

۱۶ـ « علاقه داری محلی شنک تحت تعمیر.

۱۷ـ « علاقه داری محلی نگار تحت تعمیر.

۱۸ـ « یک عمارت جهة نشیمن حکومتی لغمان و ادارهٔ خزانه و کوتوالی آنجا و ترمیم سرای حکومتی لغمان بانضمام جای سابقهٔ حکومتی و اطاقهای متعلقه و همچنین ترمیم مساجد، و تعمیر جاهای موزون برای ادارهٔ تیلفون و پسته و دکاکین برای رفاهیت اهالی کرده.

۱۹ـ تعمیر عمارت مکمل جهت حکومتی اعلای فراه و چخانسور.

۲۰ـ « عمارت برای قوماندانی کوتوالی و محبس و توقف خانه در فراه

۲۱ـ تعمیر عمارت عصری جهت مامورین حکومتی بکواه .
۲۲ـ « عمارت موزون درمنطقهٔ گلستان برای ادارهٔ علاقه داری گلستان وکوهستان .
۲۳ـ « علاقه داری لاش وجوین وتمدید یك رسته بازارجدید دراینجا .
۲ ؛ تعمیرات عمومیه .
۱ ـ تعمیر مسجد خرقهٔ نبوی (ص) واقع شهر فیض آباد بدخشان که بمرور زمان خراب شده بود .
۲ ـ « وترمیم بعضی مقامات تاریخی درولایت قندهار: ۱ تعمیرمنار یادگار جهاد میوند ومقابر شهداء ، ۲ مقبرهٔ مدافع مشهور وطن جناب میر ویس بابا ، ۳ ترمیم مقبرهٔ اعلیحضرت احمدشاه بابا .
۳ ـ تعمیرات مختلفه در ولایت قندهار: ۱ عمارت متصل پل ارغسان ، ۲ عمارت بزرگ کوهکران ، ۳ ترمیم سلاخانه و دیگرمواضع درداخل ارگ قندهار، ٤ تعمیرتهانه‌های داخل شهر قندهار .
٤ ـ تعمیر یك عمارت عصری برای هوتل درارگ قندهار .
٥ ـ « دکانهای عصری درسمت جنوب میدان ارگ قندهار .
٦ ـ میدان ارگ قندهار که سابقاً یك میدان عادی بوده ، دریناواخر میدان مذکوررا یك باغ عصری ساخته ودراحاطهٔ آن دیوار تعمیر شده و برای اهالی تفریحگاه موزون گشته است .
۷ ـ تعمیر دکانهای جدید وعصری به‌دوطرفهٔ دروازهٔ بازار کابل قندهار .
۸ ـ « دکانهای موزون وجدید به سمت شمالی دروازهٔ هرات قندهار .
۹ ـ « یك عمارت درباغ سردهٔ قندهار .
۱۰ـ اصلاحات بلدی در شهر قدیم و جدید هرات .
۱۱ـ تعمیر وتاسیس هوتل جدید در هرات .
۱۲ـ احداث باغ درمرغاب هرات .
۱۳ـ ساختن دکانها درکشك هرات
۱٤ـ احداث باغ عمومی در شهر خان‌آباد دریك موضعی که دارای موقعیت خوب و برای آن (۲٤٤٤٤) متر مربع زمین اختصاص داده شده ، و نوریه یکدسته سامان موزیك .
۱٥ـ تهیهٔ دوعددکشتی جهة حمل ونقل موترها وغیره اشیای مال‌التجاره به دریای قندوز، درولایت قطغن .
۱٦ـ تعمیر و ترمیم و تجدید عمارات و نهال شانی باغات دولتی در سمت مشرق که دران سمت نسبت بواقعهٔ انقلاب بکلی خراب و برهم شده بود .
۱۷ـ تکمیل سامان ولوازم دولتی وادارات و عمارات سمت مشرق که دراثر انقلاب بتاراج رسیده بود .
۱۸ـ کارتهانه های راه حلال آباد ودکه شروع وازان جمله تهانه های اول، دوم وسوم جوره‌گلی وتهانهٔ باریکاب باختتام رسیده .
۱۹ـ اصلاحات امور بلدی شهر میمنه .
۲۰ـ تاسیس شهر جدید و تمدید بازارها و عمارات انفرادی در مرکز حکومتی اعلای فراه .
۲۱ـ تعمیر یك باب هوتل جهت رفاهیت مترددین بطور عصری در فراه .
۲۲ـ « یك عمارت عصری برای کلوپ که دارای باغ و میدانها برای اقسام ورزش ساخته شده .
۲۳ـ « هوتل درمحل دل آرام فراه جهت رفاهیت مترددین .
۲٤ـ « یك رسته بازارجدید درفراه .

پل گل باغ تعمیر سال ۱۳۱۲
Le Nouveau pont de Gol-Bagh (KABOUL)

از تعمیرات جدید سال ۱۳۱۲ ولایت خان آباد

پل جدیدیکه در فرخار ساخته شده و موسوم به پل ملاقردن میباشد

Le Nouveau Pont de Molakourdan e Khanabad

Nouveau bâtiment de la Poste Centrale à Kaboul
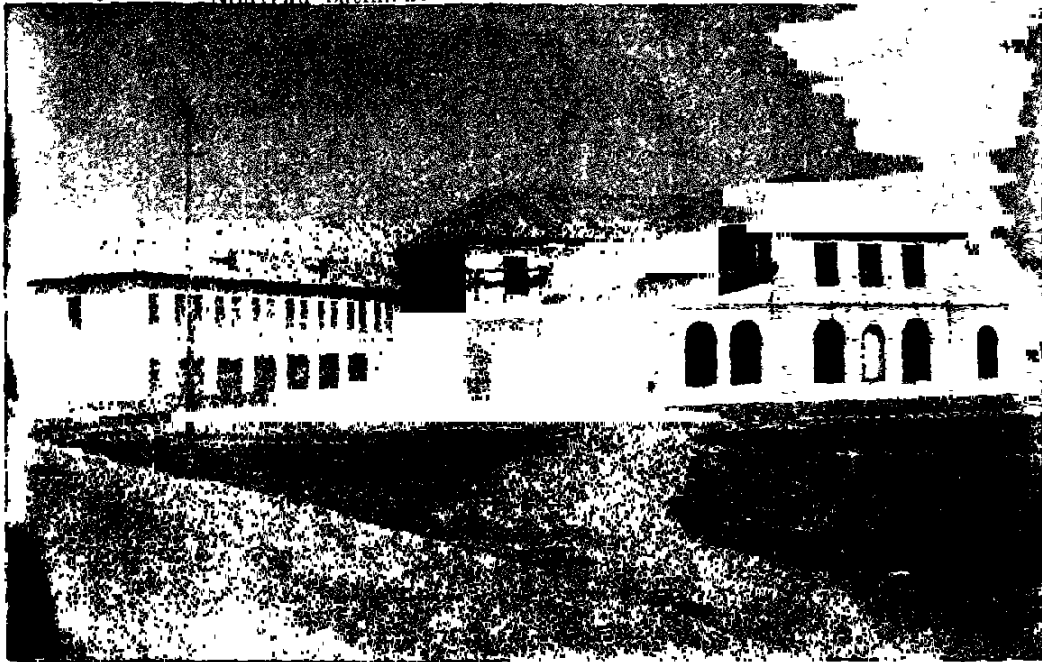
تعمیر جدید عمارت پوسته خانهٔ مرکزی کابل

محبس ده مزنگ
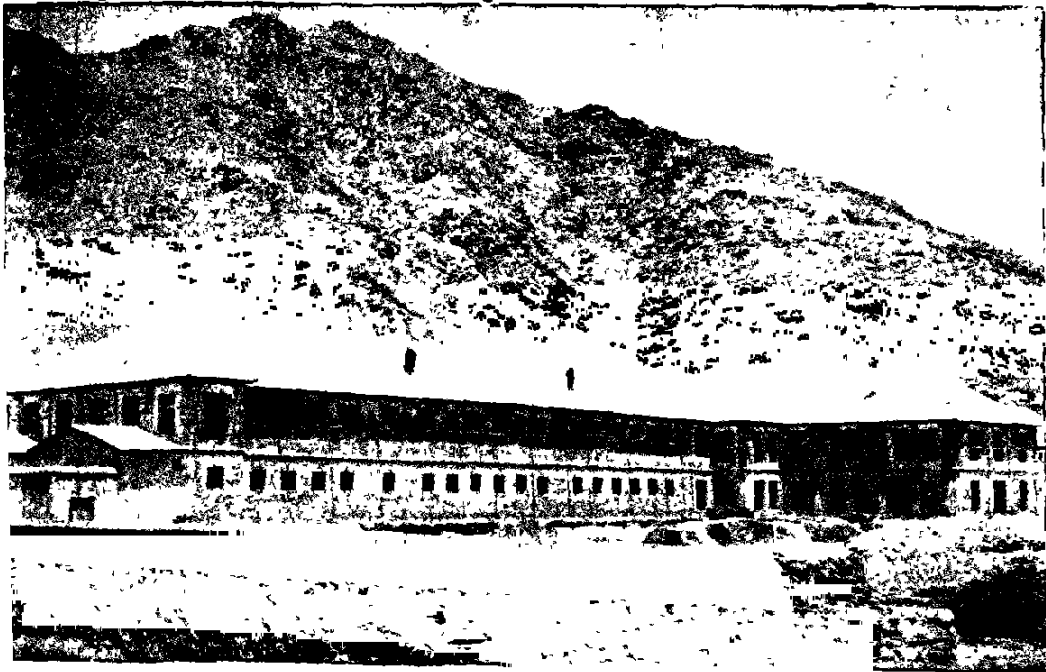
که تعمیرآن درسال ۱۳۱۲ تکمیل شده و تماما مطابق قواعد عصریه میباشد.

Nouvelle Prison à Kaboul, organisée suivant les méthodes modernes

عمارت ریاست نسل گیری و تربیه حیوانات واقع علی آباد (کابل)
Nouveaux Établissements de Zootechnie et de Sélection à Kaboul

از تعمیرات جدید سال ۱۳۱۲ مشرق پل شیلهٔ تاق جلال آباد

پل سراچۀ علیخان
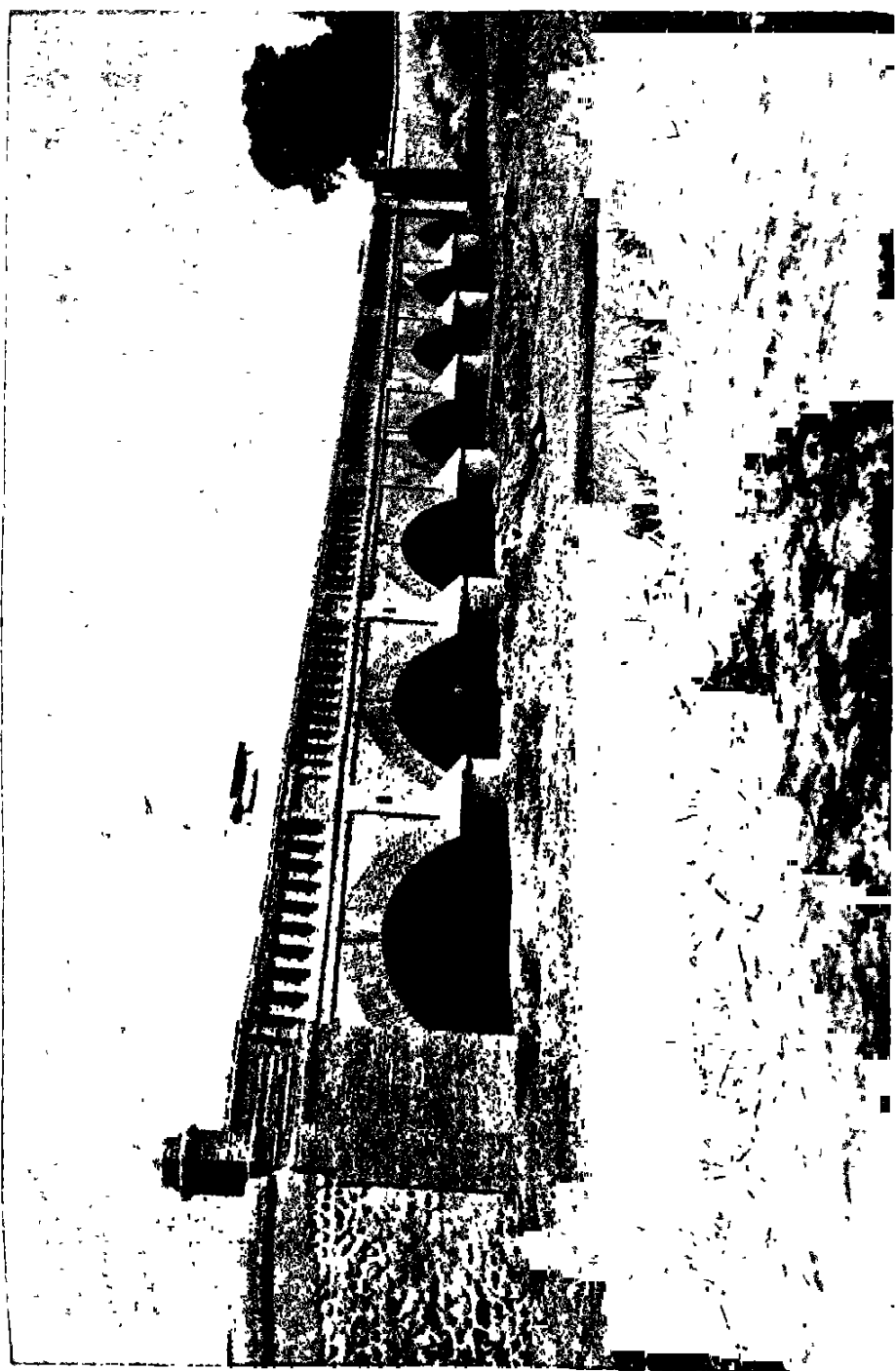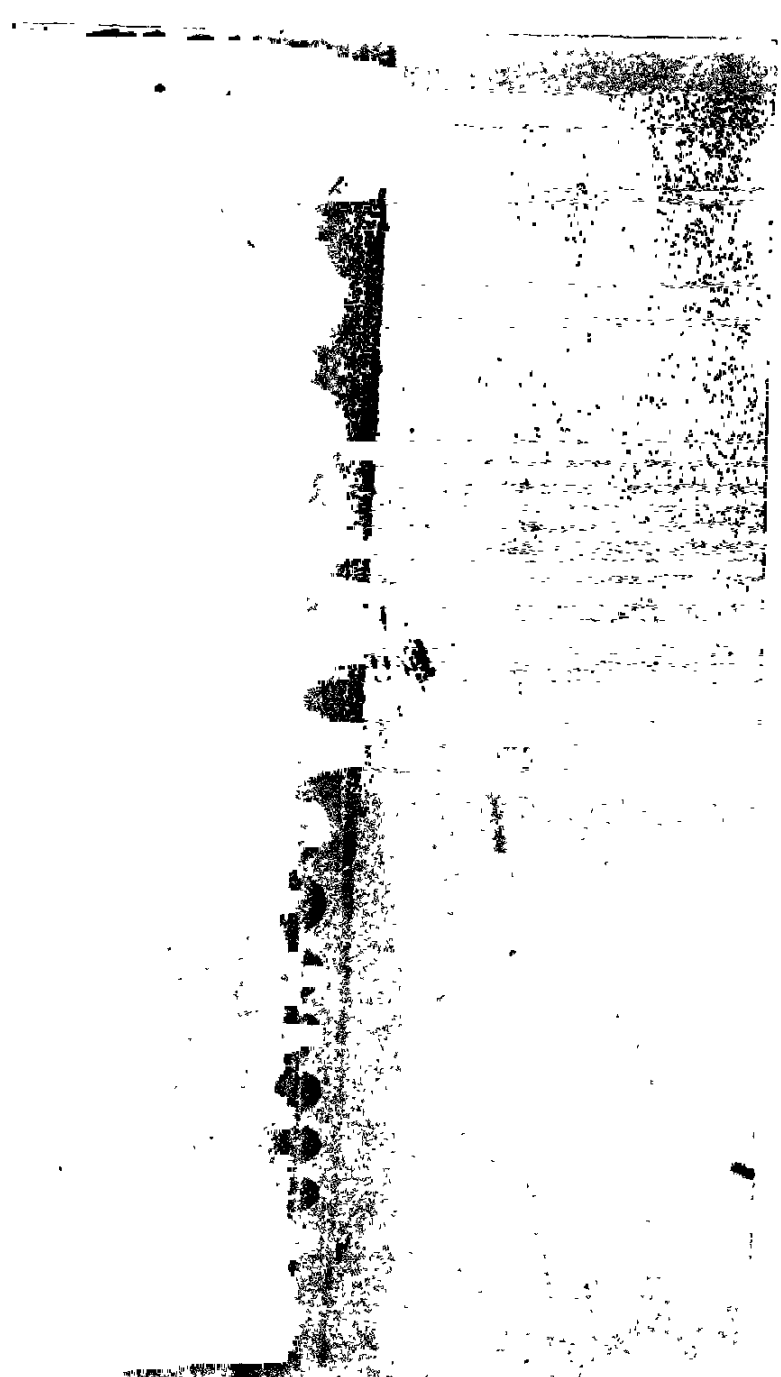
Un des Nouveaux Ponts sur la Route KABOUL-INDES (Le pont de SÉRATCHAL ALI KHAN).

کاسه بند نهر سراج جلال آباد که درین سنه کار مذکوره تمام رسیده و آب دره به نهر مذکور جاری گردیده.
Barrage de NAHRÉ- SÉRADJ dont les travaux se sont achevés depuis peu (Prov. de l' Est.)

پل سراجهٔ علیخان در جلال آباد

Nouveau Pont de SÉRATCHAI ALI KHAN à DJELALABAD (Sur la Route Kaboul- Peshawar).
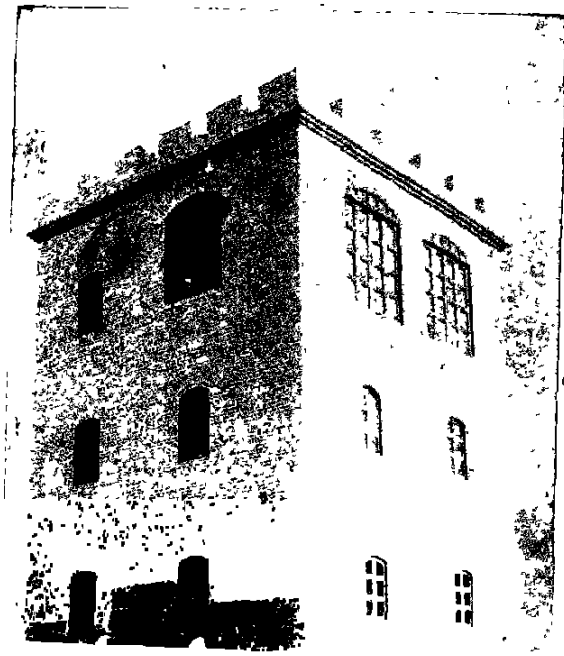
عمارت باغ سرده (قندهار) که جدیداً از طرف بلدیه تعمیر شده

Nouveau petit Villa dans le jardin de SARDEH à Kandahar

عمارت پل کلان ارغنداب قندهار که جدیداً تعمیر شده و در شرف تکمیل است

Le Nouveau Pont d'ARGHANDAB sur la Route Kandahar-Hérat
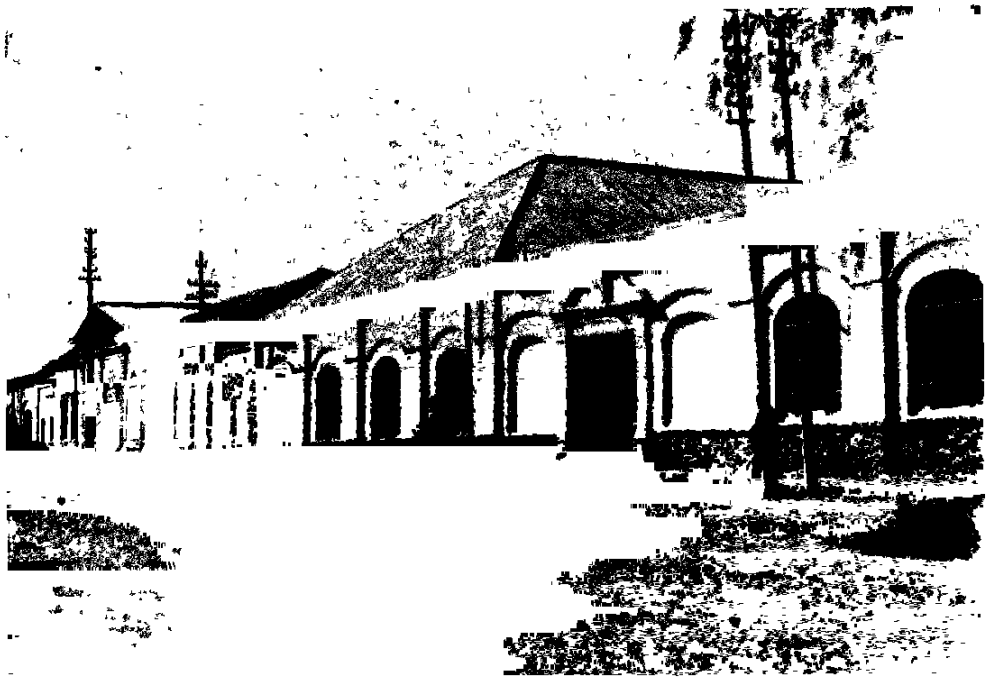
عمارت جدید مطبعهٔ عمومی در کابل
Nouveaux Bâtiment de l'Imprimerie Générale a Kaboul.
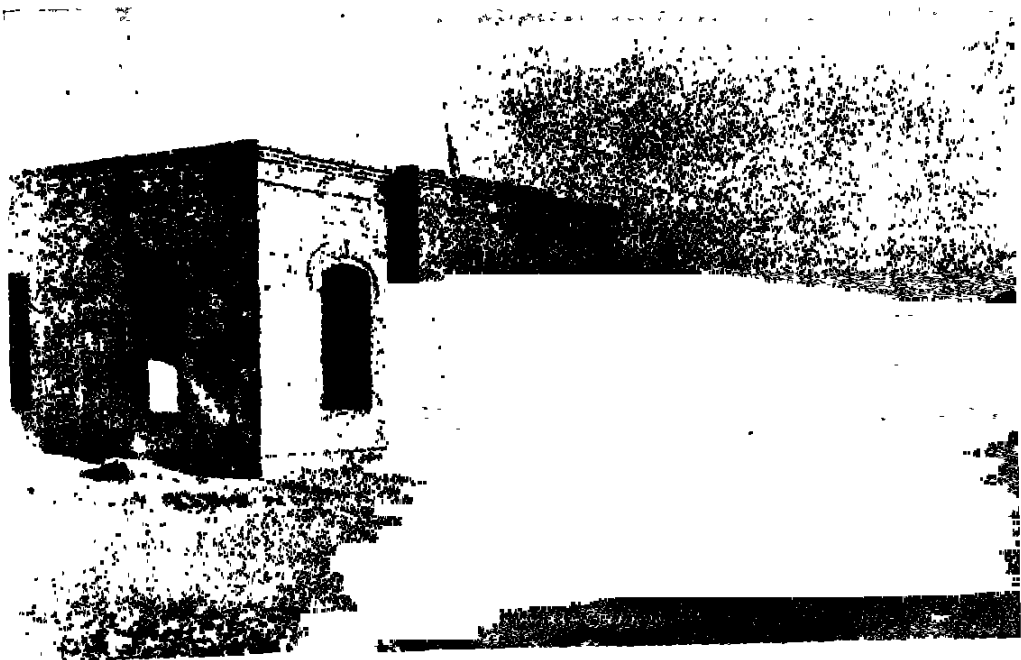
تعمیر هوتل جدید در قندهار که در شرف تکمیل است

Type des nouveaux postes de Police à Kandahar

تعمیر جدید تهانهٔ پولیس در قندهار

Nouveau poste douanier entre Kandahar-Tchaman

Nouveau Grand Pont d'ARGHASSAN à Kandahar (sur la Route Kandahar-Tchamam
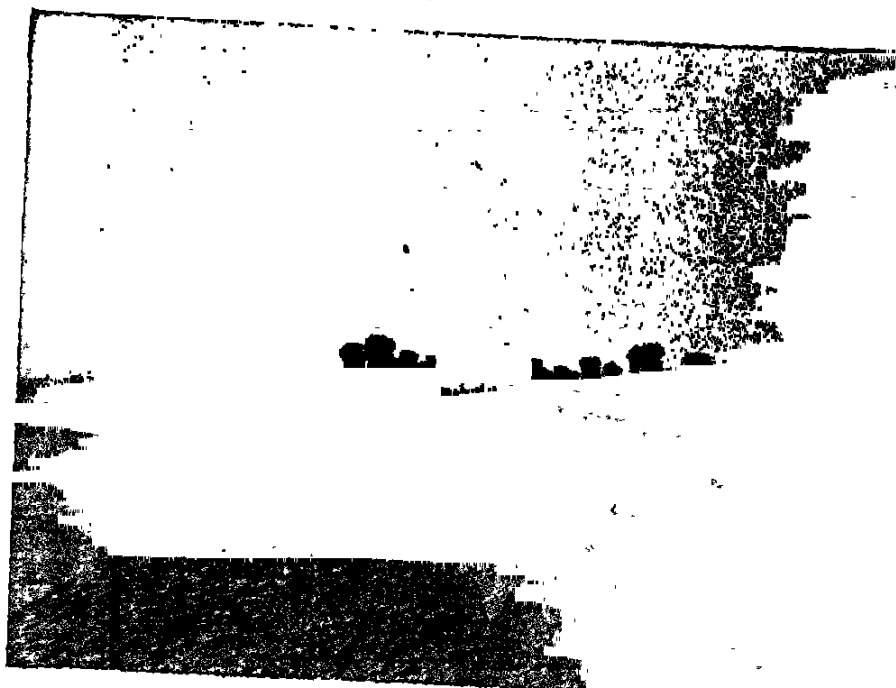
پل کلان که در ارغسان قندهار جدید تعمیر شده
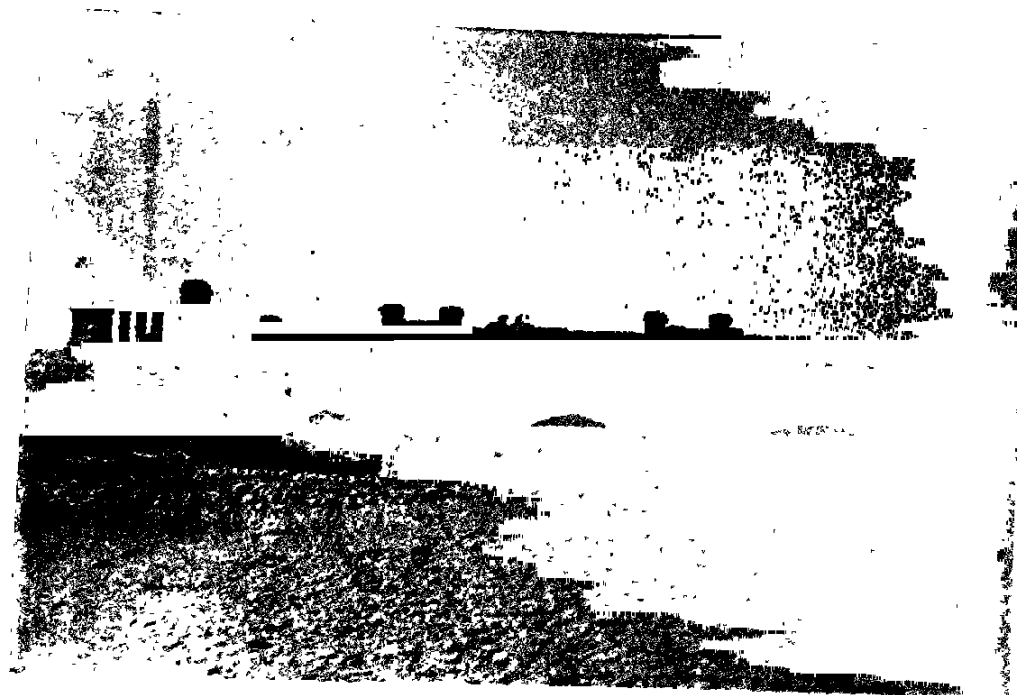
پل خورد که در ارغسان قندهار جدید تعمیر شده

Nouveau Petit pont d'ARGHASSAN à Kandahar (sur la Route Kandahar-Tchaman)
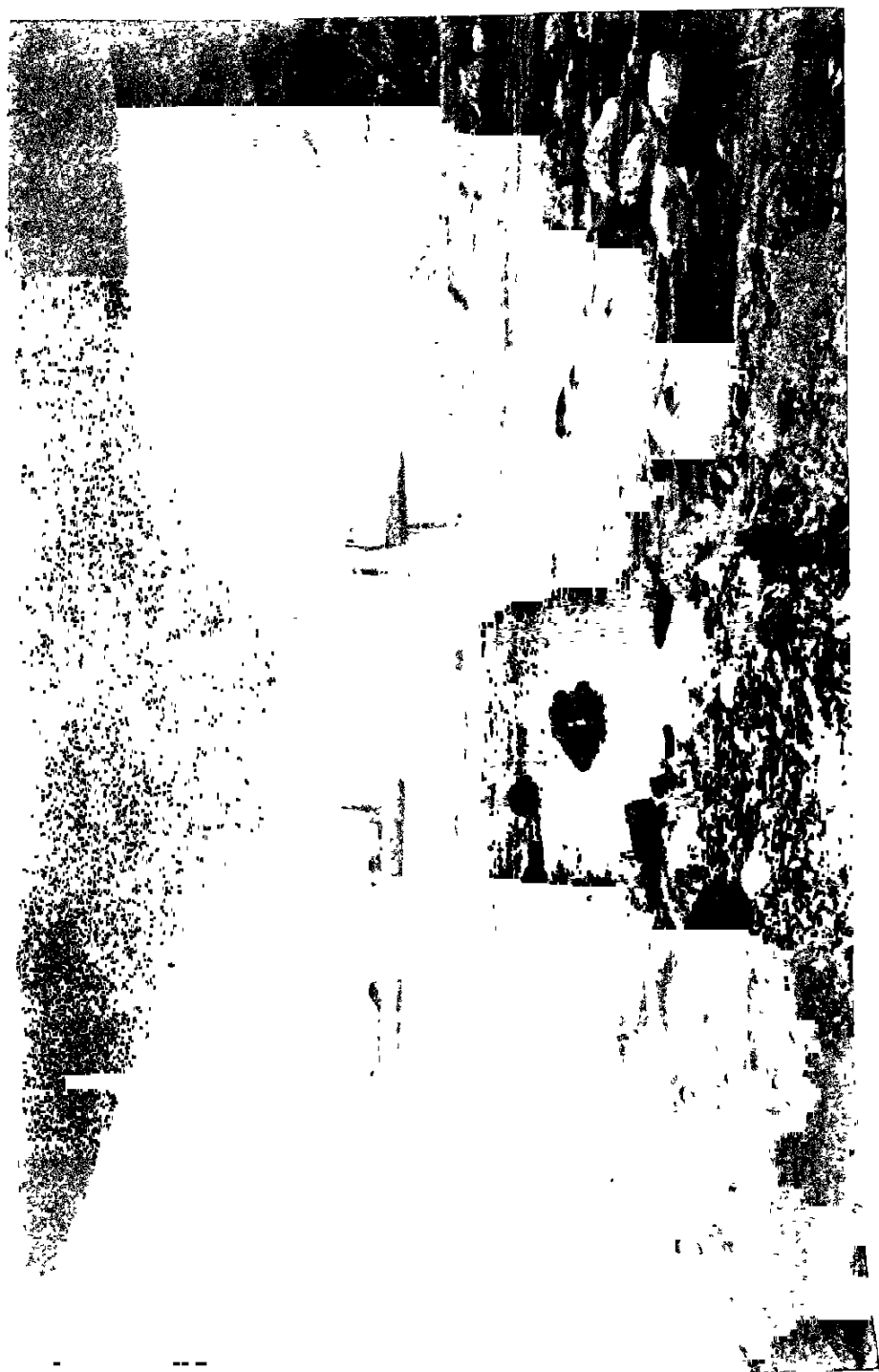
پل حدیدیکه در حدود چشت تعمیر شده

Pont en fer nouvellement construit à TCHECHT (Hérat).
(Vue d'ensemble)
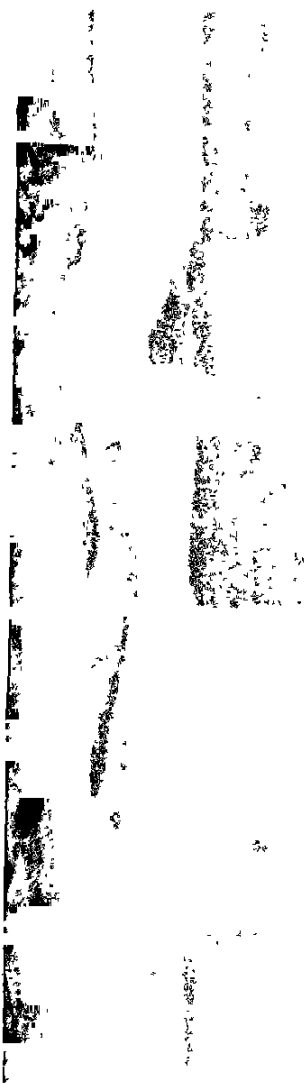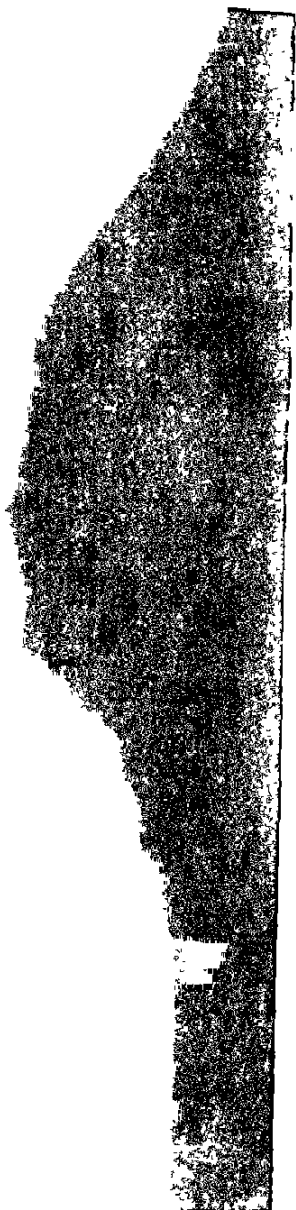
این پل در حدود چشت بروی رود هریرود از آهن تعمیر یافته و تعمیر آن
درعقرب ۱۳۱۲ باتمام رسیده است .

Pont en fer nouvellement construit à TCHECHT (Hérat).
(Vue de près)

دائرۀ مهندسی ریاست تنظیمیۀ مزار و میمنه
از طرف چپ به راست ، (۱) فتح محمد خان نقشه کش، (۲) محمد حسین خان مهندس افغانی تعلیم یافته جرمنی، (۳) هرکش مهندس
آوستریائی سرمهندس دائرۀ مهندسی، (٤) ولی محمد خان نقشه‌کش

Les Membres du Bureau d'Architécture des Provinces du Nord
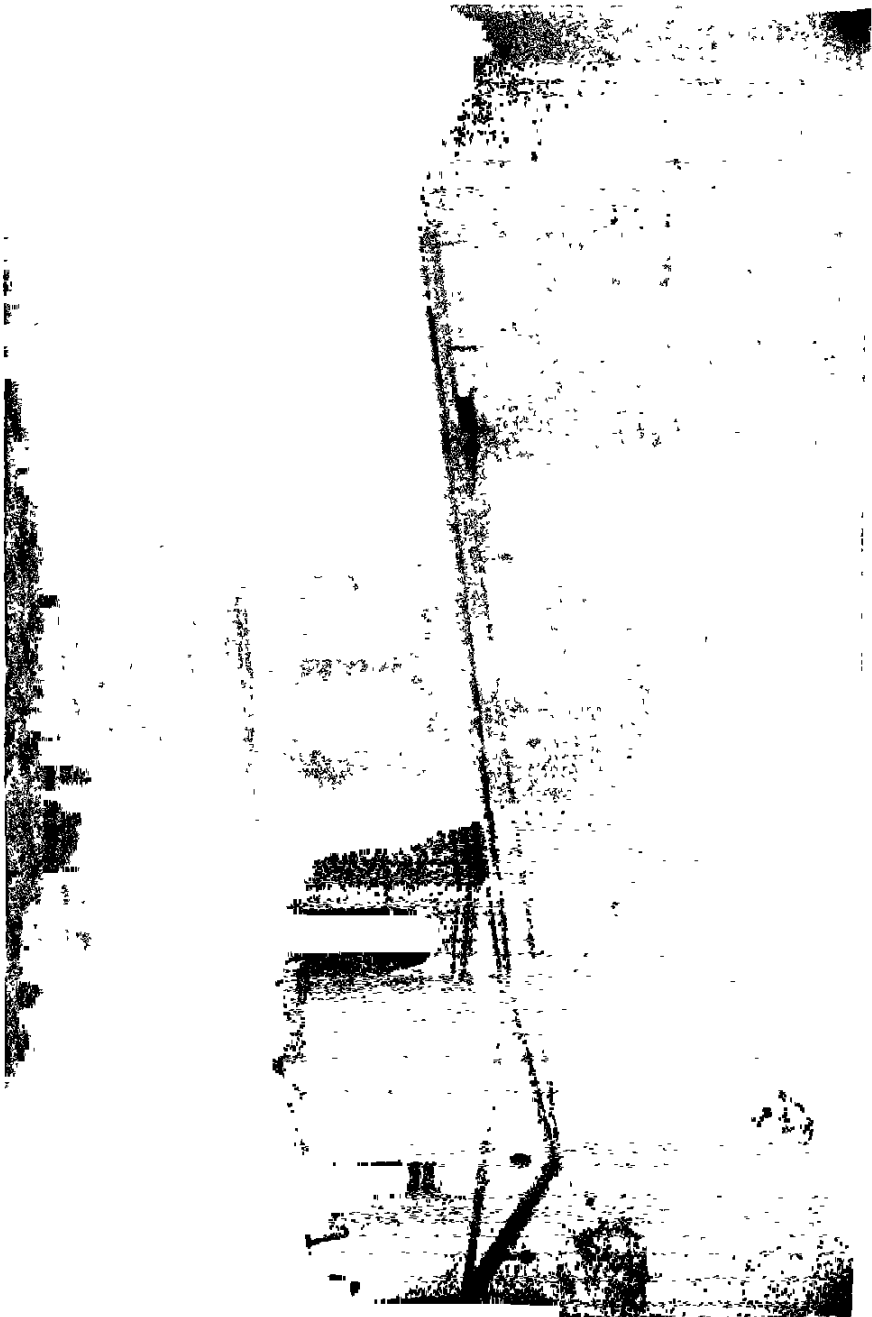
هوتل جدید در مزار شریف

Hotél en constructions à Mazar-I-Chérif

ساخته شده است ، که عکس شهر مذکور قبل از آبادی و عکس یك بازار جدید آن نیز برداشته شده .

د : شبرغان هم مثل آقچه است که آبادی آن زیر نظر گرفته شده و برای تدارکات و اجراآت لازمه در آنجا نیز یك ماموریت بلدیه تشکیل شده است .

هـ : در شهر تاشقرغان نیز درهذة السنه بلدیه تشکیل شده و به اینصورت امور بلدی آنجا تحت مراقبت و انتظام و انضباط آورده شده .

و : درصرپل مثل تاشقرغان بلدیه تشکیل و امور بلدی آنجا تحت ادارهٔ درست گرفته شده .

ز : بلدیهٔ که در اندخوی از طرف حکومتی اعلای میمنه تجویز گردیده بود ، ازطرف ریاست تنظیمیه منظور گردیده است .

٦ : دراثر ممانعت بازارهای سیار و تشویق آبادی در حکومتی های قرقین و دولت آباد و کشنده ، شورتپه بازارها و دکان های جدید ساخته شده و کذا در اثر تشکیل علاقه داری در قلعهٔ زال در آنجا نیز بازار ساخته شده .

۷ : روضهٔ حضرت سید ناعلی کرم الله وجهه ترمیم گردیده و جاده های جدید وسیع باطراف آن کشیده شده و این موضع متبرك مرکز شهر قرار داده شده ، سه جادهٔ وسیع بطرف شرق ، شمال ، جنوب کشیده کار ، جادهٔ غربی آن جاری وعنقریب تمام می شود .

۸ : درشهر مزارشریف به تاسیس یك موزیم خانه اقدام کرده شده و آثار قیمتدار تاریخی در آن جمع گردیده است .

۹ : یك مکتب قالین باقی تاسیس گردیده شاگردان در ان به آموختن صنعت قالین باقی بطرزیکه در ولایت مزار معمول است مصروف اند .

۱۰ : برای انتظام و ترقی امور تجارت هم اقدامات لازمه کرده شده و از آنجمله بتاسیس شرکتها کوشش شده و تاحال ۳ شرکت در مزار ، ۲ در آقچه ، ٤ در اندخوی ، ویك در میمنه تاسیس گردیده است .

۱۱ : درخصوص امنیت ولایات شمالیه هم اقدامات لازمه بعمل آمده است ودران جمله اتم بیگ شریر مشهور که یگانه مخل امنیت آنولایت شناخته میشد به اثر اقدامات ریاست تنظیمیه در ولایت مزار درقریهٔ کاریز با رفقای خود ازطرف مامورین وقراولان حکومت مقتول گردیده اند .

امور عدلیه

در امور عدلیه بتأمی وتعقیب افکار شریعت پرورانهٔ حکومت عادله انتظام صحیحی پیداشده ودر ترویج وتعمیم مقررات شرع شریف مساعی بکار رفته‌قضاة ومفتیان‌ومامورین‌پاك نفس‌انتخاب ومقرر گردیده‌میگردد چنانچه ازآغاز دورهٔ فرخندهٔ نادرشاهی تاحال‌مامورین عدلیه مطابق خیالات شریعت پرورانهٔ آن پادشاه‌شهید بصیر ودانا و شهریار دیندار حاضرم قرار نموده وبانهایت صداقت وامانت ایفای وظیفه مینمایند .

علاوتاً وزارت عدلیه درباب تدقیق وغوررسی عرائض اهالی هدایات لازمه بمحاکم شرعیه‌صادر وبوارسی عرائض،عارضین وغوررسی وتدقیق‌فقرات حقوقیه وجزائیه وغیره مشغول بوده اصولنامه و لوائحی که ربطی بامور وزارت عدلیه داشته بترتیب وتنظیم آن پرداخته است .

اینك تعداد فیصله‌جات صادره را واصولنامه هائیرا کەدروزارت موصوف توجه نموده شده مختصراً درذیل ذکر مینمائیم :

۱ : اصولنامهٔ نکاح ، عروسی ، ختنه سوری .

۲ : اصولنامهٔ تعزیه داری .

۳ : تعداد فیصله جات صادرهٔ ریاست اصلاحیه	۱٤۰	فقره
٤ : تعداد فیصله جات صادرهٔ تمام محاکم شرعیه	٥٦۱۹	»
٥ : تعداد وثائق شرعیه صادرهٔ محاکم مرافعه وابتدائیه	۷۳۰۸٤	»

امور مالیه

درین سنه بوسیلهٔ وزارت مالیه بودجهٔ مملکتی به پیمانهٔ وسیع و اصول صحیح و منتظمی تدوین و بمقامات مربوطه برای غور و تدقیق سپرده شد که هیچگونه مشکلاتی از رهگذر بودجه واقع نگردیده است .

باوجودیکه هیچیك مالیاتی که بعلت تحمیل آن تکلیف شاقه بوده باشد جدید مقرر و وضع نشده اما از باعث بکار انداختن بعضی منابع جدیده و توسعه و تکثر امور واردات از قبیل آبادی وعمران اراضی زراعتی وغیره ۹فیصد در عموم عایدات امساله نسبت بسال گذشته اضافه گردیده است .

محاسبات ماضیه وحالیه چه در مرکز وچه در ولایات ، بحسن صورت تصفیه وهکذا برای تحصیل باقیات سنوات ماضیه چون در سابق اساسنامهٔ مکمل وجود نداشت لایحهٔ اساسی وضع و تدوین شده است تا باقیدهان اذیتی نرسد باساس لائحهٔ مذکور اشخاص نادار اصولاً معاف وباقی اشخاص مراعتاً تحدید قسط شده وازین رو یکمقدار پول زیاد بخزاین دولت تحویل وهم اشخاص باقیده از تکالیف فارغ گردیده اند .

مالیات باقساط مقرره ومواعد معینه بصورت مرغوبی که به اهالی و به حکومت تکلیفی عاید گردیده جمع و تحویل داده شده ، کذا برای بدست آوردن ثروت و بکار انداختن منابع عایدات مساعی لازمه بعمل آمده که درین راه امور مالی مملکت قدم های وسیع می بردارد تا ثروت وطن ترقی یافته و دولت بتواند باجرای پلان های بزرگی که از جملهٔ آرزو های ترقیخواهانهٔ اوست اقدام ورزد . علاوه از تشکیلات موجودهٔ وزارت مالیه یك مشاور مالی از خارج نیز استخدام گردیده است .

برای توسعه و ترقی امور مطبع عمومی از قبیل حروف ، کاغذ ، رنگ و غیره لوازم و اسباب ماشین و آلات طباعتی توسط ریاست مطابع و برای توسعه و پیشرفت امور صراخانه تماماً لوازم و ادوات کیمیاوی و سامان لازمه که عوامل مهم آنست تهیه شده و نسبت بگذشته از توسعهٔ تشکیلات و غیره اجراآت وسعت لازمه بعمل آمده است .

امور معارف

امور معارف در اثر توجهات معارف پرورانهٔ اعلیحضرت همایونی نظر به توسیع مکاتب و تعمیم و تربیهٔ
ل چه در ولایات و چه در مرکز رونق و انتظام خوبی یافته و تمام نواقصیکه در اصول تعلیم مکاتب بود
شده است ، صورت امتحانات مدارس باصول خیلی صحیح بعمل آمده و طلاب بوجه احسن توانستند
تیجهٔ امتحانات کامیاب شوند ، درین سال یکعدهٔ کافی طلاب از مکاتب عمومی و دارالعلوم عربیه و
الحفاظ فارغ التحصیل و یك عده از طلبه که از مکاتب عالی فارغ التحصیل گردیده بفاکولتهٔ طبی شامل
اند . همچنان عدهٔ از فارغ التحصیلات معارف بقصد کسب تخصص بدارالفنونهای امریکا و اروپا
ام گردیده اند .

بودجهٔ معارف نسبت به سال گذشته تزئید یافته، سامان و لوازم تکمیل و انواع سپورت در مدارس عملی
قامات مخصوص برای اینکار تخصیص داده شده، مکاتب متعدد خانگی در اطراف مملکت و مکاتب ابتدائی
مرکز تاسیس و یکعده اطفال مملکت تازه داخل این مکاتب جدید گردیده اند، برای اینکه تمام وسائل
بیه در وزارت معارف موجود باشد کتب کلاسی و تعلیمی زیاد تالیف و تهیه شده است .

در سنهٔ گذشته فاکولتهٔ طبی درخود مرکز تشکیل و تاسیس شده و عدهٔ از کامیابان دیگر مکاتب در آن
رهٔ دوم قدم نهاده ازمکتب طبی که سه سال قبل تاسیس شده بود عدهٔ کامیاب آمده و در شفاخانهای مرکز
روف عملیات میباشند .

علاوتاً وزارت جلیلهٔ معارف درجمع آوری آثار عتیقه سعی بلیغی نموده که فعلاً موزهٔ کابل ترقی شایانی کرده
ته درینهٔ مرنجان و تجراب و قلعهٔ هزارهای چنداول حفریات اجرا گردیده و نتیجهٔ خوبی بدست آمده است ،
آ از حفریات میدانات مربوطهٔ ولایت کابل یکمقدار مسکوك طلائی شاهان غور و غیره بدست آمده
نوجه در قسمت مسکوکات موزهٔ کابل خیلی چیز های نفیس علاوه شده .

رخصتی موسمی طلاب مدارس درین سنه از لحاظ رفتاری و شدت سرمای کابل از موسم تموز بزمستان
یل داده شده و برای اینکه در ساعات تعلیم شان نقصی وارد نشود برای طلاب مدارس عالیه نان چاشت
از بودجهٔ معارف تعیین گردیده است ، در وزارت معارف عمارت بزرگی برای دوائر وزارت تعمیر ،
لتبین سابق دوائر وزارت برای کلوپ معارف تخصیص داده شده ، برای مکتب صنائع نفیسه عمارت
زولی تعمیر و قریب الاختتام است ، در عمارت مکتب استقلال وحبیبه توسعه داده شده و برای مستخدمین
ارت معارف اپارتمان تعمیر و کار آن باتمام رسیده . در حکومتی اعلای فراه درین سنه مساعی زیادی نسبت
قیات امور عرفانی بعمل آمده مخصوصاً تعمیر یك منزل عالی که دارای باغ وهمه گونه لوازم است بناشده
رای مکتب آنجا تخصیص داده شده است .

وزیر جدید معارف که شخصاً از اولاد های فارغ التحصیل خود مکاتب افغانستان و درجات عالیهٔ تعلیمات را
مرکز وممالك خارجه دریافت نموده اند باکمال جدیت و فعالیت مشغول گذاشتن اساس صحیح ومعقول
مطابق احتیاجات و روحیات ملت درمعارف بوده و امید است در مدت قلیلی وزارت معارف بتواند آرزو
ی حکومت بمعارف پرور خود را که نسبت به ترقی و تعالی این وطن دارند ، برآورده سازد .

نقشۂ افتادۂ تعمیر تپۂ مرنجان
شمال
طاقچۂ اخیر کشف شدہ
محل پیدائش طلا و نقرہ
۲۱ - ۳
محل پیدائش کوزۂ استخوان
طاقچہ دران مجسمۂ اول کشف گردید
غرب
محل پیدائش مجسمہ
۱۰ فٹ = ۱ انچ
جنوب
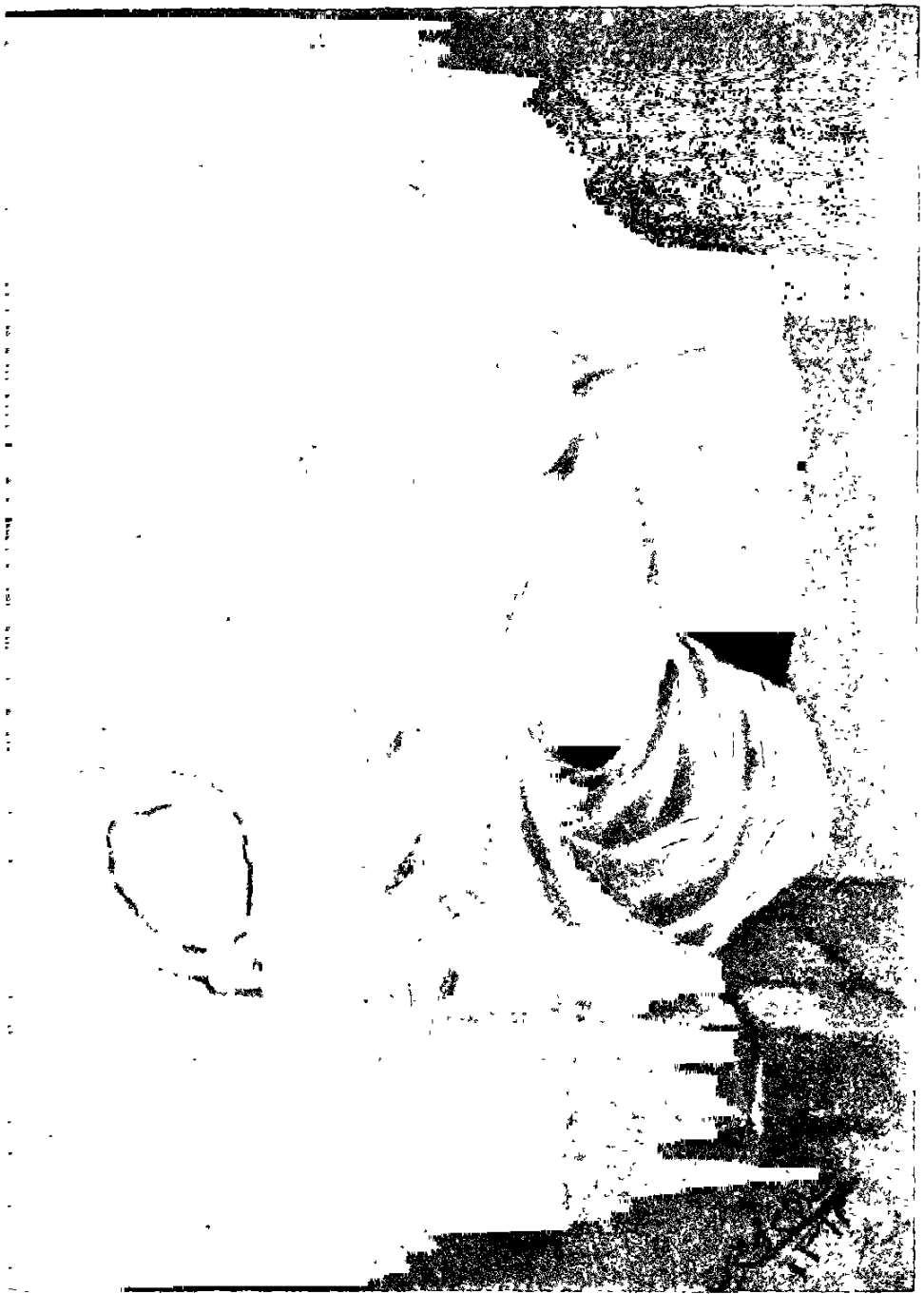
نمونهٔ رسامی یکی ازطلبهٔ مدرسهٔ صنائع نفیسهٔ کابل
Spécimen du dessin d'un des élèves de l'Ecole des Beaux Art de Kaboul

امور تجارت و زراعت

امور تجارت ، زراعت ، درین سال‌ها پیشرفت شایان نموده شرکتهای تازهٔ تاسیس شده دوائر اقتصادی منظم و تزئید و تکثیر در محصولات گمرکی بعمل آمده ، توسعه وحفظ جنگلات و احداث جنگلات جدیده در تمام ولایات وحکومات اعلی اهتمام و رونق خوبی یافته است ، حتی تخم‌های اشجاریکه در افغانستان نبوده ودر خارج موجود وقابل پرورش بآب وهوای افغانستان است از خارج جلب ودر نظر گرفته شده که جبال ما اشجار سرسبز ومشجر شود .

کذا از سال های متمادی چندین رقم اشیائیکه هیچ مفید احوال اهالی نبوده واز جملهٔ چیزهای تجملی بی‌فائده بشمار می‌آید به افغانستان وارد میگردید ویکمقدار زیاد پول افغانستان بآن واسطه به ممالک خارجه صادر میشد ونیز بعضی سامان درخود وطن تهیه و ساخته میشود که نسبت باجناس خارج بمراتب بهتر و نظیف‌تر است ورود آنچنان چیزهای تجملی واینگونه اجناس بافغانستان ممنوع قرار داده شده که بملت فائدهٔ خوبی ازین اقدام عاید میگردد .

همچنین درتمام شعبات تجارتی اجراآت مفید ومعقولی بعمل آمده که هرکدام آن اهمیت ومقام مخصوصی را در تجارت واقتصادیات مملکت ما مالک میباشد . ذیلاً یکعده اجراآت وکارهائیکه درامور تجارت وزراعت شده اجمالاً بصورت مختصر ذکر میشود ،

۱ ، در اطراف ونواحی کابل جنگلات توسعه داده شده ویکمقدار نهال زیاد درجنگل کته پلوان غرس شده است .

۲ ، یك حصه زمین کافی در بینی حصار برای فوریهٔ هر قسم نهال اشجار و بته تخصیص یافته است ، کذا درجنگل باغ شاه چنار های رقم نیله باصول فن زراعت تربیه شده که استفادهٔ خوبی ازان بعمل خواهد آمد .

۳ ، یکهزار جریب زمین برای اشجار عرعر وبریه و سفیدار تعین شده که در هر جریب چهار لك قلمه نهال غرس شود .

٤ ، بموجب هدایات دولت تمام ولایات و حکومات اعلی به تکثیر جنگلات اقدام نموده و راپور نهال‌شانی را بوزارت مربوطهٔ خود داده اند .

٥ ، قبلاً نگهبانی جنگلات پسته بصورت اساسی ودرست نمی‌شد بولایات هدایات صادر شده است که عوض درختهای پسته‌که خشك شده باشند نهال جدید بنشانند واهالی را نگذارند که بقطع آن اقدام نمایند در ولایات بموجب هدایت عمل و در سال حاضر امور جنگلات پسته منتظم گردیده .

٦ ، در باب شیرخشت نیز مانند پسته اقدامات بعمل آمده و از چهاریکهٔ شیرخشت نیز مبلغی حاصل و عاید دولت شده است .

۷ ، برای اینکه در امور ها فنی بوده میخانیك نیز باشند بغرض رفاه اهالی و تجار مکتبی بنام مکتب در ایوری ومیخانیکی تاسیس شده که متعلمین این مکتب‌کنون مشغول تعلیم نظری وعملی‌میباشند ومعلمین قابل برای آن انتخاب شده ،

۸ ، اسباب و وسائل کارآمد دوائر مالیه ، فوائدعامه ، داخله و پوسته و تلگراف ، مطبعهٔ عمومی مدیریهٔ وزارت تجارت از خارج تهیه و آماده شده است .

۹ : شرکت (پشتون) قندهار از مؤسسات خیلی نافع سال مذکور است چه تجار آنجا اخیراً ضرر تجارت انفرادی را دانسته و توجه رهنمائی دولت بتاسیس آن شرکت اقدام واز خساره هائیکه به تجارت میوهٔ قندهار واقع میشد عملاً جلوگیری می نمایند، وصادرات میوهٔ خشک وتازه مخصوصاً از ولایت قندهار در خارج توسیع یافته است.

۱۰ : از جملهٔ شرکت های جدید التاسیس یکی شرکت امید کابل است که البسهٔ عساکر مملکت را از منسوجات وطنی تهیه میکند چنانچه در سال مذکور علاوه بتدارک البسهٔ عسکری یکمقدار کافی از اقسام کشمیره ها برای فروش عمومی هم حاضر کرده توانست.

۱۱ : دیگر از شرکت های مهمه شرکت پطرول کابل از حیث انتظام واردات نفتی خیلی مفید میباشد.

۱۲ : اصولنامهٔ گمرکی سابقاً دارای موادی بود که قسماً در پیشرفت امور تجارت موانعی می نمود لهذا درین سال با نهایت دقت وحسن توجه تعدیلات کاملی در آن بعمل آمده.

۱۳ : همچنان چهار یک کشم که از عایدات ترازینی، دولت استفاده می نمود درین سنه کاملاً برای تجار واگذار گردید وبیر محصول صرفیات داخلی بقصد مرفه الحالی اهالی وتجار کاملاً معفو گردید.

۱٤ : یك شعبهٔ نسلگیری (بر علاوهٔ دائرهٔ نسلگیری علی آباد) درقریهٔ خواجه ملای کابل تاسیس شده که دران حیوانات تربیه می شود.

۱۵ : بعلاوه بندهائیکه از آغاز سال دوم جلوس اعلیحضرت شهید در نقاط لازمهٔ مملکت تعمیر گردیده درین سنه بند مچلغو در سمت جنوبی تحت تعمیر است که این بند خیلی مفید بحال زراعت آن حصهٔ مملکت واقع میشود.

۱٦ : تفصیل تزائد عایدات گمرکی وزراعتی امور تجارت وزراعت مملکتی وتعمیراتیکه درخود مرکز درین سنه بعمل آمده قرار آتیست.

الف تزاید عایدات :

۱ : شعبهٔ گمرکات، واردات وصادرات سال ۱۳۱۱ نسبت به سال ۱۳۱۰ درواردات ۳۰ فیصد ودر صادرات ۱۰ فیصد زیاد شده است.

۲ : عایدات گمرکی سنه ۱۳۱۲ نسبت به سال ۱۳۱۱ ده فیصد زیاد شده است.

۳ : شعبهٔ محاسبه : عایدات عمومی وزارت تجارت سالتمام ۱۳۱۲ نسبت به سال ۱۳۱۱ بیست فی صد اضافه شده است.

ب تعمیرات :

۱ : تعمیر گمرك قلعهٔ محمود خان : این عمارت بصورت اساسی بوده و برای گمرك نهایت موزون است زیرا تمام لوازم ادارهٔ گمرکی درآن موجود واز هر حیث مکمل است.

۲ : تعمیر دکانهای چمن حضوری : رستهٔ دکانهای مذکور بصورت عصری بوده و برای مفاد عمومیه ساخته شده است.

۳ : تعمیر دوا خانه عمومی : دواخانهٔ مذکور برای حفظ اساسی ادویه جات وتقرر بعضی معالجه خانه ها از قبیل دندان سازی وغیره ساخته شده واز هر جهت مکمل وعصری است.

٤ : تعمیر سرای عبدالرحمن خان : در سرای مذکور گاراج های منظم با اطاقهای متعدد ساخته شده وشعبهٔ مدیریت حمل ونقل وبعضی شرکت ها ودوائر دیگر نیز دران اقامت دارند.

۵ : تعمیرا پارتمان : عمارت مذکور برای رهایش مستخدمین خارجی متعلقهٔ وزارت تجارت تخصیص داده شد
٦ : تعمیر فابریکهٔ سنگ تراشی .
۷ : تعمیر ماشین خانه چهاراره .
۸ : تعمیر عمارت رنگریزی .
۹ : تعمیر عمارت مکتب زراعت و پیله خانه : عمارت مذکور بصورت عصری بوده و برای مکتب زراعت و پیله کشی نهایت موزون است .
۱۰ : تعمیر عمارت تربیهٔ حیوانات .
۱۱ : ترمیمات باغ بابرشاه : باغ بابرشاه که سابقاً یك باغ عالی ودر اثر مرورزمان وعدم پرداخت بهم و خراب شده بود از طرف حکومت متبوعه بآن توجه شده ترمیمات زیادی در عمارات و مزار بابرشاه و دیگر خاندان بابری که درآنجا مدفون اند ومسجد سنگی وباغچه های آن نموده وعلاوه حوض های موزون جدید در حصص لازمه آن ساخته و در احاطهٔ آن دیوار بزرگی آباد کرده و مذکور را به نسبت سابق دوچند بهتر و موزونتر ساخته است .
۱۲ : تعمیرات داخلی وزارتها : تعمیر منزل دوم وزارت تجارت وتخصیص آن برای کلوپ وبعضی دو دیگر وهمچنین تعمیر منزل دوم وزارت مالیه و ترمیم داخلی وزارت خانه‌ها از قبیل رنگمالی وغیره.
۱۳ : تعمیر گمرك ارغنده : عمارت مذکور برای ادارهٔ گمرکی ارغنده تعمیر واز مدتی است که مامور گمرکی درآن اقامت دارند .
١٤ : ترمیم بند حورد کابل .
۱۵ : ترمیم دکانهای متعدد مربوط وزارت تجارت .
١٦ : فروش املاك : ازطرف دولت مقررشده تایك اندازه املاك مزروعی بفروش رسانیده شود تا کسانیکه ضاعت هستند مالك املاك گردیده ومرفه الحال زندگانی نمایند ویکمقدار زمین مزروعی وباغی جهت آسا مهاجرین داده شده که صورت آن قرار ذیل است :

۱ : بفروش رسانیده شده : املاك باغی ۱٤۱۰۸ اصله . املاك مزروعی ۸۰٦٤ جریب .

۲ : برای مهاجرین داده شده . باغی ۱٤۳ اصله . مزروعی ۳۲۰ جریب .

۱۷ : مدافعهٔ ملخ : ملخ که یکی از حشرات موذیه واضرار آن بهمه معلوم بوده وهیچ مملکتی نیست که د مضرات فلاحتی این پرندهٔ موذی شده باشد .

این پروانهٔ مضر دربعضی حصص شمالی افغانستان از سالهای درازی موجود بوده وبه کشت وزر ضرر میرسانید واهالی تااندازهٔ مقدور بمدافعهٔ آن می‌پرداختند اما ایام انقلاب فرصت خوبی باین حش مضر بخشیده ومردم کمتر متوجهٔ دفع آن شده توانستند وباین واسطه در حصص شمالی خصوصاً وا مزارشریف وقطغن وبدخشان بیشتر مشغول گذاشتن تخم وقایم نمودن مچك خود گردیده وتوانستند تایك اا بمزارع نقصانات وارد نمایند ، حکومت که برای رفع واصلاح تمامی نقصانات ملی متوجه است این مسئله و مورد دقت و توجه قرار داده وچارهٔ اساسی برای دفع آن سنجیده متخصصین ماهر دفع ملخ استخدام و ا های مدافعهٔ ملخ که مرکب از مدیریت ها و ماموریت ها است بایك بودجهٔ وسیعی منظور نموده ا.

این هیئت ها اقدامات اساسی راجع بدفع نموده و حصهٔ زیاد آن را معدوم ساخته است . اگرچه ملخ بکلی نشده واثرات آن کم کم دربعضی مزارع یافت میشود ولی چون برای دفع آن به نهایت جدیت و فعالیت مش اجراآت اند امید است که به بسیار زودی زراعت آن سرزمین از اضرار آن خلاصی یافته و اهالی

مصروفیت مشغول گردیدند. اینک مختصر اجراآت هیئت های مدافعه ملخ در مزار شریف و قطغن را با صورت تشکیلات آن و مواضعیکه مورد حملهٔ ملخ واقع شده در ذیل تصریح میداریم:

هیئت مربوطهٔ ولایت مزار شریف:

هیئت مربوطهٔ مزار شریف باشتراک یکدستهٔ شش نفری از متخصصین شروع به عملیات و مواضع زای ملخ را کشف نموده در اوائل برج حمل سال ۱۳۱۲ بوسائل نشر ادویه و غیره امور فنی اقدام به مبارزه نمودند درین اقدام اهالی مزار شریف هم از حمیت وطنی دست نکشیده بوسائل مختلفهٔ وطنی از قبیل کشیدن تخم ملخ و حریق آن در موقع پرواز و حفر خندقها و افگندن ملخ در بین آن، و از طرف شبها به اتلاف آن از معاونت هیئات متخصصین دریغ نکرده مردمی خود را در مقابل این آفت تشریک مساعی و استقامت بخرج داده و نگذاشتند که [illegible] شود.

هیئت مربوط ولایت قطغن و بدخشان.

هیئت مربوط ولایت قطغن و بدخشان به کشف اماکن و مواضع تخم ملخ تا حد امکان کوشیده و از حکومت برای اینچنین اشخاص (آنهائیکه تخم ملخ را جمع آوری میکردند) جوائز و انعامات مقرر داشته بود تا اهالی بصورت رضاء و اختیار خود بجمع آوری تخم این آفت تباه کن اقدام کنند و در نتیجه همین عملیات هر روزه چندین خروار تخم ملخ در مناطق محلهٔ جمع آوری گردیده و عمال آن انعام خود را دریافت می نمودند که مقداری جمع شده تخم ملخ از طرف هیئت مقرره سوختانده می شد باین ترتیب امور مربوطه به کشفیات سپری شد، اما بعضی مناطق دیگر در قطغن موجود بود که لازم می نمود تحت تحقیقات و نظر دقیق قرار داده شود تا مجدداً ظهور حشرهٔ مذکور مورث زیان و خسران نگردد لهذا مناطق مشبوهه از آغاز سال جاری طرف توجه قرار داده شد و عملیات ممکنه درآن باره اجرا گردید.

اسامی مواضع و اراضی که مورد حملهٔ ملخ قرار گرفته و عملیات در آن اجرا شده برحسب ذیل است:

الف: ولایت مزار شریف: ۱: آقچه. ۲: دولت آباد. ۳: تاشقرغان. ٤: شبرغان. ٥: بلخ. ٦: مرکز مزار شریف و توابع آن. ۷: خرم وسارباغ، روئی ودوآب. ۸: درهٔ صوف. ۹: سنگ چهارك. (۱۱۸۸۳۰ جریب عملیات شده).

ب: ولایت قطغن و بدخشان: ۱: خان آباد. ۲: تالقان. ۳: حضرت امام صاحب. ٤: قندوز. ٥: غوری. ٦: بغلان. ۷: اشکمش. ۸: اندراب. ۹: خنجان. ۱۰: تاله و برفك. ۱۱: نهرین. ۱۲: کشم. ۱۳: رستاق. ۱٤: ینکی قلعه. (۹۲۸۲۰ جریب زمین عملیات شده).

ج: ولایت کابل: ۱: بامیان با تمام توابع آن. ۲: سیغان وکهمرد. (۹۹۳ جریب زمین عملیات شده).

صورت تشکیل هیئت مدافعهٔ ملخ

۱: شعبهٔ مرکزی در وزارت تجارت.

۲: مدیریت در مزار شریف با سه ماموریت.

۳: مدیریت در ولایت قطغن و بدخشان با چهار ماموریت.

٤: ماموریت های ملی که مقامات آن ذیلاً توضیح میشود.

الف: بامیان. ب: سیغان وکهمرد. ج: تاله و برفك. د: غوری. هـ: بغلان. و: خرم وسارباغ، وروئی ودوآب. ز: درهٔ صوف. ح: سنگ چهارك.

متخصصین

رئیس ومعاون تخنیکی، متخصص مبارزه، حشره شناس، دیده بانی پرواز.

قسمتی از منزل ع ، ح ۱۰۱ نشان والا حضرت سپه سالار غازی وزیر صاحب حربیه
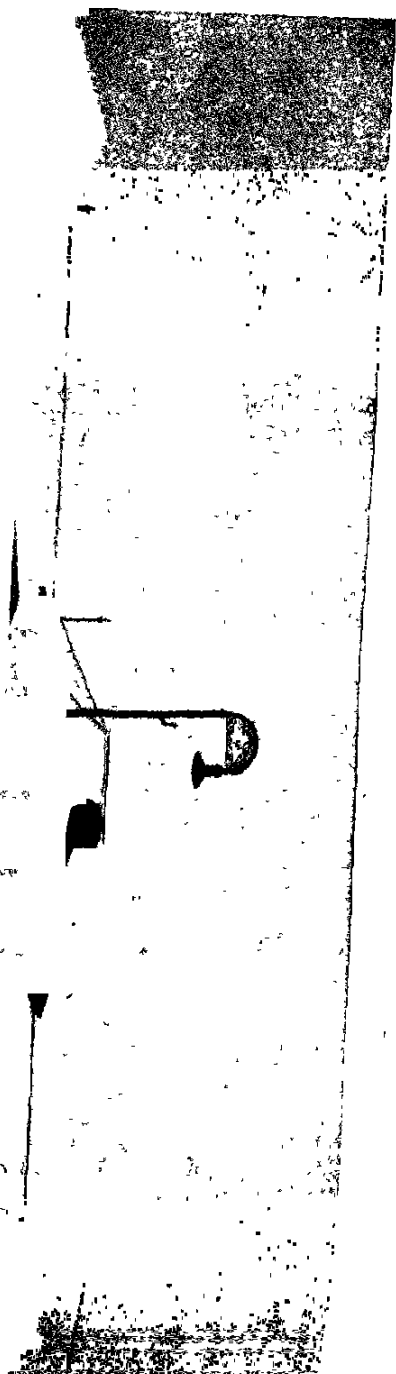
قسمی از منزل ع ، ح ، ا ، ا لشان والا حضرت سپه سالار غازی وزیر صاحب حربیه
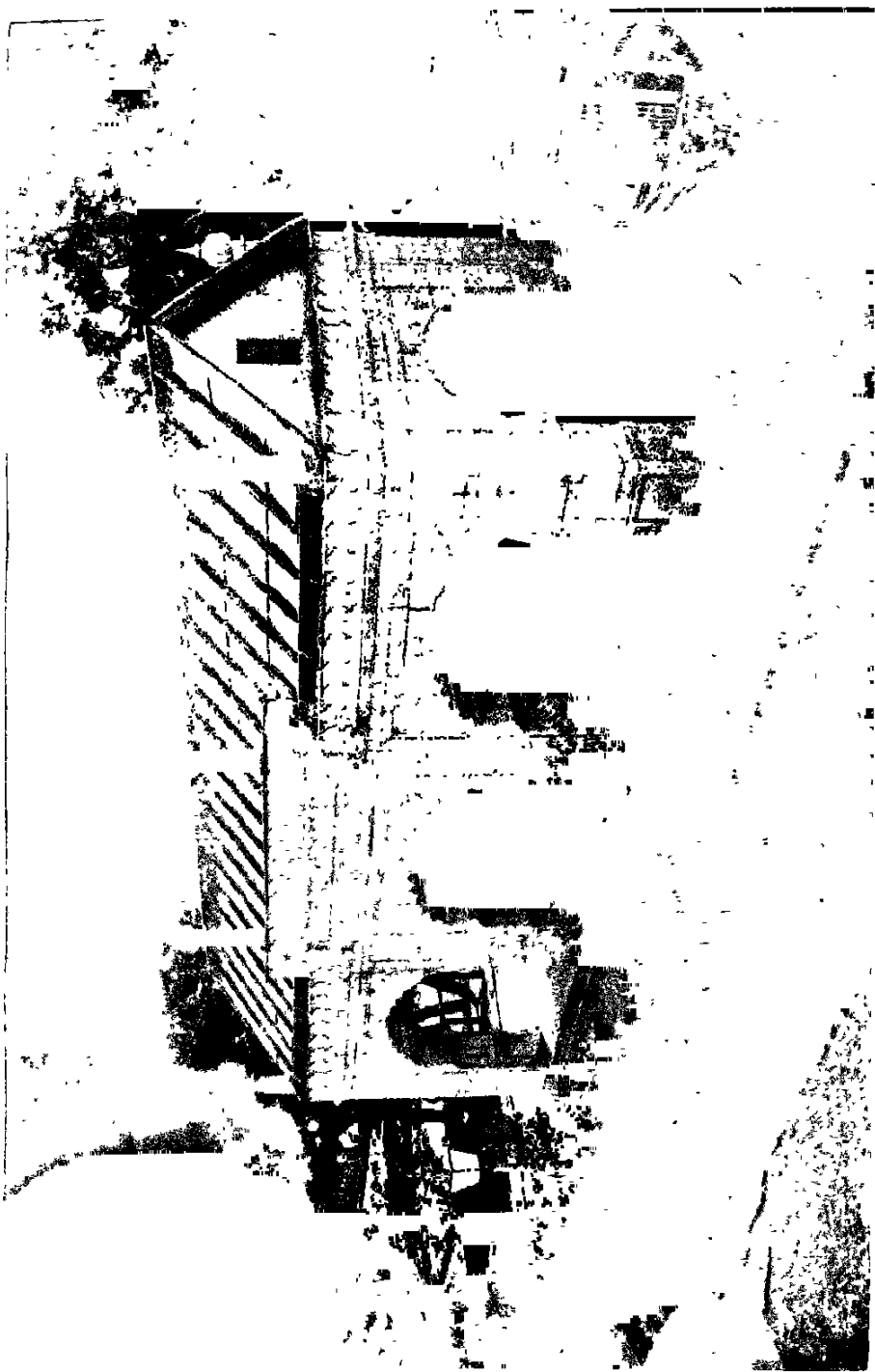
مسجد سنگی بابرشاه (کابل) که در عصر اعلیحضرت شهید سعید ترمیم یافته

[illegible] BABOUR CHAH à Kaboul, restaurée sous le règne
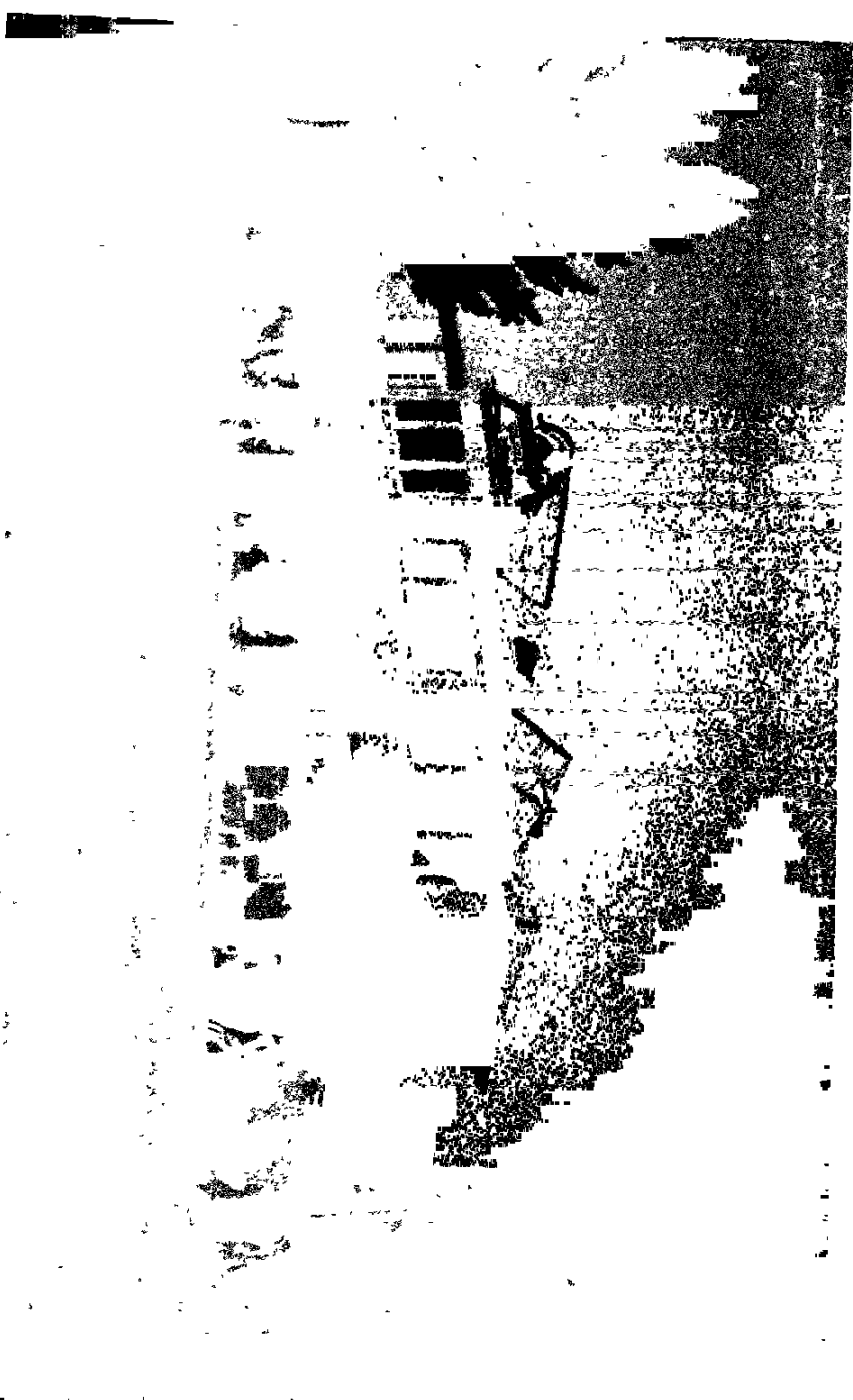
عمارت دوا خانه وحفظ ادویهٔ کیمیاوی طبی که درعصر نادرشاهی تعمیر و درهمین اوقات نزدیك تکمیل شده است .

Nouvel Entrepôt des Matiéres Chimiques et Médicinales à Kaboul.

جادهٔ بازار شاهی
Une Vue de BAZAR-I-CHAHI (Kaboul).

از تعمیرات سال ۱۳۱۲ ولایت کابل

فابریکهٔ نجاری مرکز
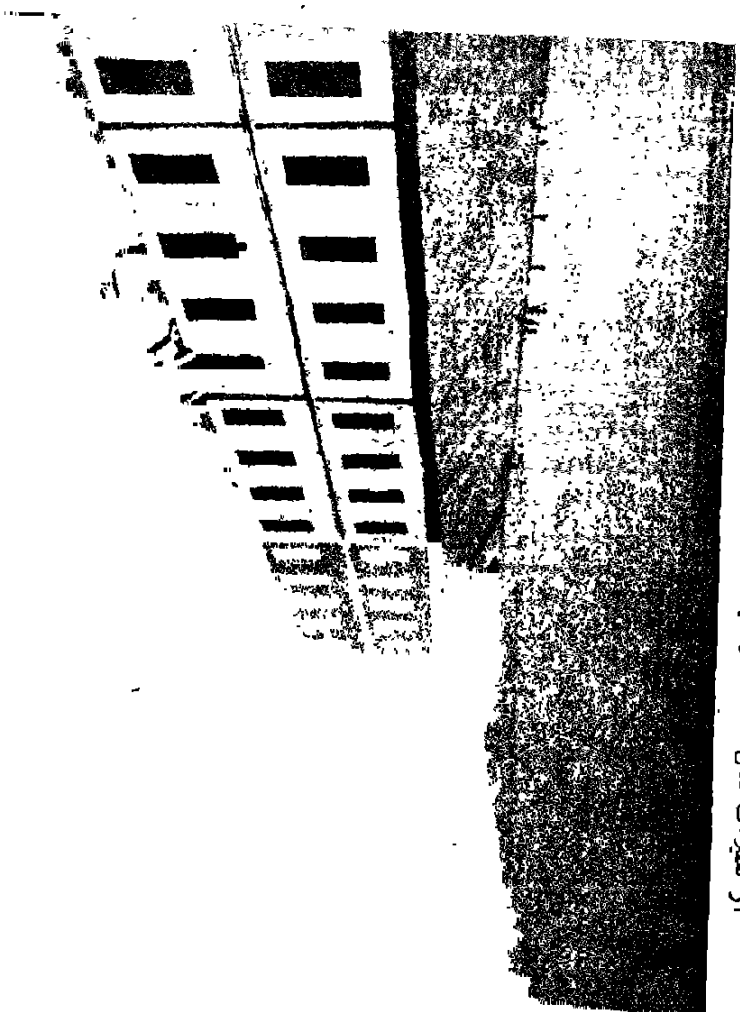
Nouvelles Fabriques de Meuble et de Menuiserie Générale à Kaboul.

عمارت جدید مکتب صنائع نفیسه در کابل
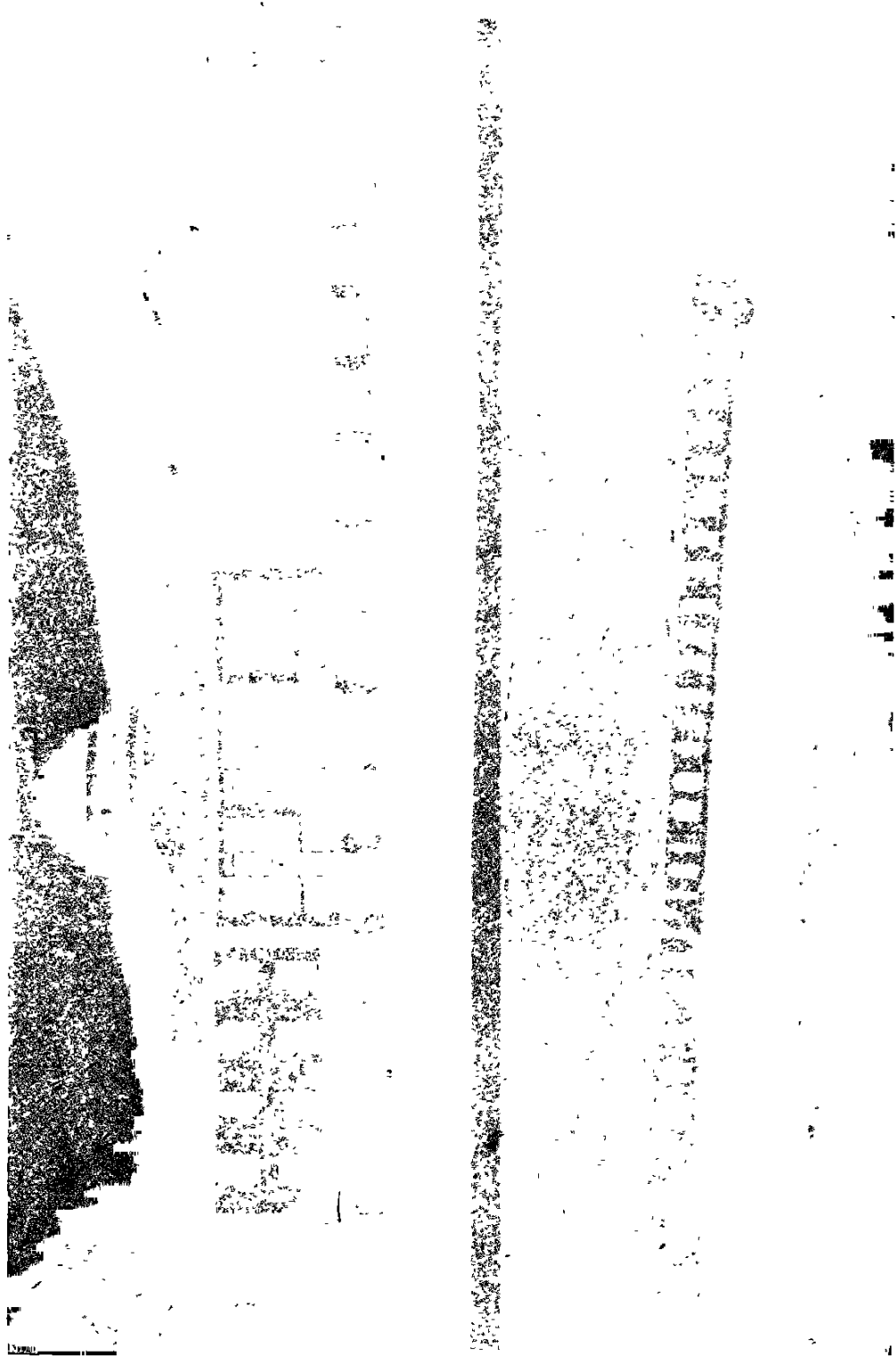
Nouveaux Bâtiments de l'École des Beaux Arts à Kaboul.
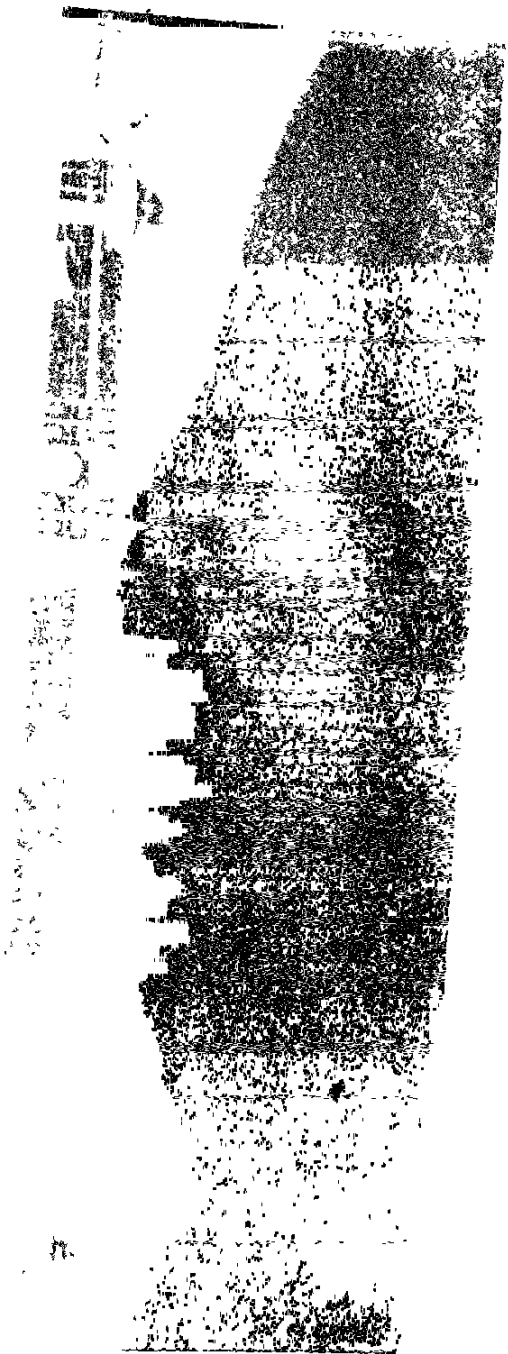
از عمرانات جدیده گمرک مرکز کابل واقع قلعهٔ محمود خان

Nouveau Bâtiment de la Douane Centrale à Kaboul.

امور فوائد عامه

از چندی بود که حکومت متبوعهٔ ما در اثر نیات نیك و نظریات پسندیدهٔ که نسبت به ترقیات مملکت خود داشته وهمیشه مشغول فراهم آوری اسباب ارتقا و آرامی ورفاهیت ملت عزیز خویش میباشد و برای ادارهٔ امور رفاهٔ عامه که بوزارت ودوائر مختلفه امور آن اجرا می شد، وجود و تاسیس یك وزارت را که در آن بالنسبهٔ فوائد عامه اجراآت و اقدامات شود در نظر داشت چنانچه بماه جوزای سال ۱۳۱۲ ؛ موفق به تاسیس آن گردید، اگرچه این وزارت هنوز جوان ومرحلهٔ اولین خود را می پیماید ولی باوجود آ نهم متوجه منابع معید گردیده است .

هیئت اداری این وزارت از اشخاص لایق و اهلیت دار انتخاب گردیده بدواً چون این وزارت عمارت مناسبی نداشت لهذا درحصهٔ شرقی شهر یك عمارت بصورت عصری برای آن تعمیر شده وهمه گونه لوازم واسباب اداری آن تکمیل گردید .

اکنون این وزارت از بدو تاسیس و تشکیل خود بامور نافعه پرداخته درکشیدن جاده ها و تعمیر مقامات لازمه وغیره اقدامات می نماید .

امید است درآتیهٔ قریبی این وزارت خیلی ترقی کرده مصدراستفاده عموم واقع شود. سامان کارآمد خود را این وزارت از قبیل تراکتورهای برف پاکی ولوازم سرك سازی و اسباب تعمیر وغیره بلا فاصله از خارجه و داخله اکمال می نماید .

ازجمله اجراآتیکه بوسیله وزارت فوائد عامه در ین سه عملی شده مطالب آتی است :

۱ : تعمیر و ترمیم پل‌های اطراف و بعض حصص مرکزکابل .

۲ : احداث وترمیم شوسه های مرکز ونواحی کابل ومربوطات آن .

۳ : مزارمتبرك حضرت تمیم انصار رضی الله عنه بصورت خیلی منظم تعمیرو بنا شده است چه این روضهٔ مبارکه ازسالیان درازی بودکه از طرف‌حکومات سابقه تعمیر نشده بود لهذا ضرورت تعمیرآن را شهریار دین‌دار شهید اعلیحضرت محمد نادرشاه مغفوراحساس فرموده وامر باعمارآن‌صادرکردند، اینك‌کار تعمیر روضهٔ مبارکه موصوف باتمام رسیده است .

٤ : تعمیر مینار یادگار خدمت و شهادت عبدالوکیل خان نائب سالار مرحوم .

٥ : تنظیم و ترتیب جشن های استقلال ونجات وتکمیل سامان ولوازم آن .

٦ : فابریکهٔ گوگرد سازی : حاصلات ساخت گوگرد فابریکهٔ مذکورنسبت بحاصل سنوات گذشته در سال ۱۳۱۱ خیلی زیاد بوده و از سبب حریق فابریکهٔ مذکور به اکثریه ماشینها نقصانات تولید گردیده ودراواخر سال۱۳۱۲ اصلاحات پرزه ها وغیرهٔ آن شروع گردیده وچند پایه ماشین اصلاح گردیده امید است که بطور اساسی تماماً نواقص فابریکهٔ مذکور رفع و حاصلات گوگرد روز افزون‌گردد .

۷ : فابریکه نجاری مرکز : این فابریکه بهبود وترقی‌نموده هرنوع‌مو بل‌از قبیل میز های‌کار و میزهای‌چای خوری ومیوه خوری وچوکی های بازودار وبی بازو وکوچ وسیت ها والماری وغیره یومیه بتعداد

لازمه تکمیل مینماید و ازینرو تماماً حوائج دوائر تکمیل گردیده وعلاوتاً برای فرمایش شائقین حاضر بوده واز هر نوع مودل فرمایشی را بصورت مرغوب تکمیل مینماید .

۸ ، فابریکهٔ سنگتراشی : این فابریکه نیز ترقی یافته ازاقسام سنگهای معدنی مملکت ماظروف و سامانات نفیسه از قبیل میوه دانی و خاکستر دانی سگریت وسنگ های سر میزی و پایه‌های چراغ برق وغیره بصورت بسیار قشنگی درین فابریکه ساخته میشود. علاوتاً کار سنگی تعمیرات دوائر رسمی از قبیل پیزاره و سنگ فرش داخل اطاق وزینه وغیره تماماً ذریعهٔ فابریکهٔ مذکور اجرا میشود ، وهم در فابریکهٔ مذکور یك شعبهٔ حکاکی دائر است که نگین های لاکت وانگشتر وغیره زیورات ودکمه را از سنگ های قیمت ولاجورد وغیره سنگهای معدنی میسازد .

۹ ، فابریکهٔ رنگ مالی : فابریکهٔ مذکور تحت نگرانی متخصص المانی دائر است که نفری کاریگر ها علماً تعلیم یافته و بکار های مالش کاری که طرز جدید رنگمالی است خیلی ماهر گردیده اند هر نوع موبل و چوب کاریهای اطاق وغیره رابقرار اصول صحیح رنگمالی می نمایند وکار شان خیلی جالب توجه و قشنگ میباشد .

۱۰ ، فابریکهٔ دکمه سازی : بزیر اثر یك نفر متخصص المانی دائر ونفری کاریگران آن تعلیمیافته و ماهر گردیده اند. هر رقم دکمه های اعلای بالاپوشی مردانه و زنانه، وپیرهنی و دریشی واز هر رقم شاخی واستخوانی ومصالهٔ نی ساخته میشود قیمت آن خیلی مساعد است .

۱۱ ، کارخانه بیت بافی و چوکی دوزی : این کارخانه ترقیات خوبی نموده سیت های اعلی هر رقم بیت بافی وبرکاری میشود و یومیه تعداد لازمه فرمائشات تکمیل میگردد

۱۲ ، فابریکهٔ نساجی فابریکهٔ مذکور بهبود حاصل کرده حوائج البسه‌های بهاری عسکری رارفع نموده و ضمناً اقسام کشمیره های نخی نفیس وگا مسکوت های نخی درین فابریکه بافته می شود که قیمت آنهم خیلی مساعد است .

۱۳ ، فابریکهٔ بنیان وجراب باف : بنیان های پشمی ونخی وسدی نفیس هر رقم مردانه و زنانه وجراب های پشمی ونخی خیلی اعلی دران بافته میشود قیمت اشیای مذکور خیلی مساعد است .

۱٤ ، فابریکهٔ نجاری دارالفنون . فابریکهٔ مذکور تکمیل گردیده، دروازه وکلکین های هر رقم تعمیرات حکومتی را باصول عصری خیلی به سرعت تکمیل مینماید. فهرست تعمیراتیکه دروازه وکلکین های آن بانصب آهنجامه به اصول درست درسال ۱۳۱۲ ذریعهٔ این فابریکه تکمیل گردیده قرار ذیل است :

اول ـ تعمیر شرکت تنویرات ۲ ـ تعمیر وزارت تجارت ۳ ـ تربیه حیوانات واقع ده بوری ٤ ـ تعمیر گاراژ های ترمیم موتر ها ۵ ـ تعمیر گاراژ های وزارت تجارت و معارف ٦ ـ تعمیر اطاق نان خوری وزارت تجارت ۷ ـ دکانهای اندرابی ۸ ـ دوائر صدارت عظمی ۹ ـ دکانهای چمن حضوری ۱۰ ـ تعمیر باغچهٔ ارگ شاهی ۱۱ ـ فابریکهٔ نختابی جبل السراج .

۱۵ ، فابریکهٔ نختابی جبل السراج : فابریکهٔ مذکور در شرف تاسیس است . تعمیر آن قریب به اکمال رسیده ویك تعداد لازمه ماشین ها بسته گردیده .

۱٦ ، فابریکه پشمینه بافی درقندهار : فابریکهٔ مذکور در وسط سال ۱۳۱۲ تاسیس یافته واکثریه ماشین های مذکور بسته گردیده .

۱۷ ، فابریکه های که تعمیر وجریان آن را وزارت فواید عامه تصمیم نموده .

۱ ، فابریکهٔ سنگ لاجورد : تماماً ماشین های لازمه سنگ لاجورد وارد گردیده ، عنقریب ماشینها نصب و شروع بکار مینماید .

۲ ، فابریکه کاغذ سازی : چون فابریك عمده و دارای ماشینهای متعدد میباشد نصب آن در نظر است .

۳ ، فابریکهٔ قند سازی : از جرمنی خریداری شده که قریباً بمرکز وارد و بکار انداخته خواهد شد .
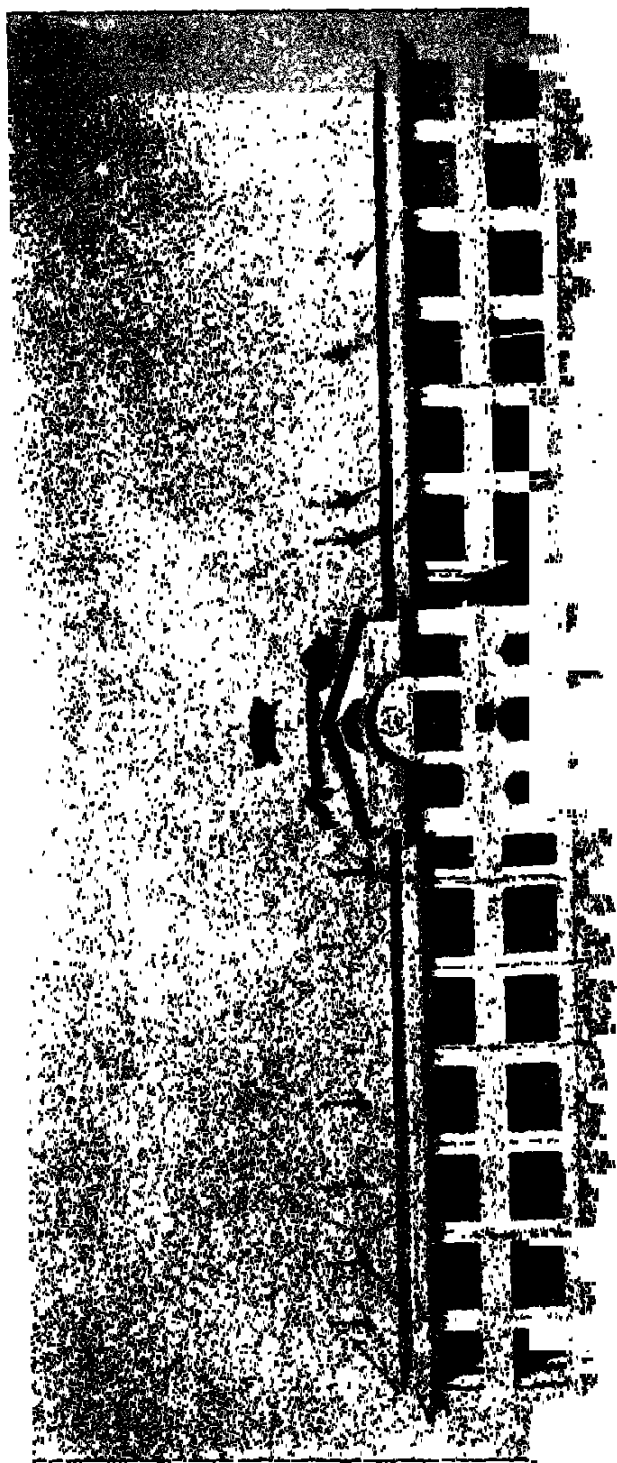
روی کار تعمیر وزارت فوائد عامه طرف جنوب

Nouveaux Bâtiments du Ministère des Traveaux Publics.

منظرهٔ سمت غربی عمارت جدید وزارت فوائد عامه

Nouveau Bâtiment du Ministère des Travaux Publics (Vue de côté).
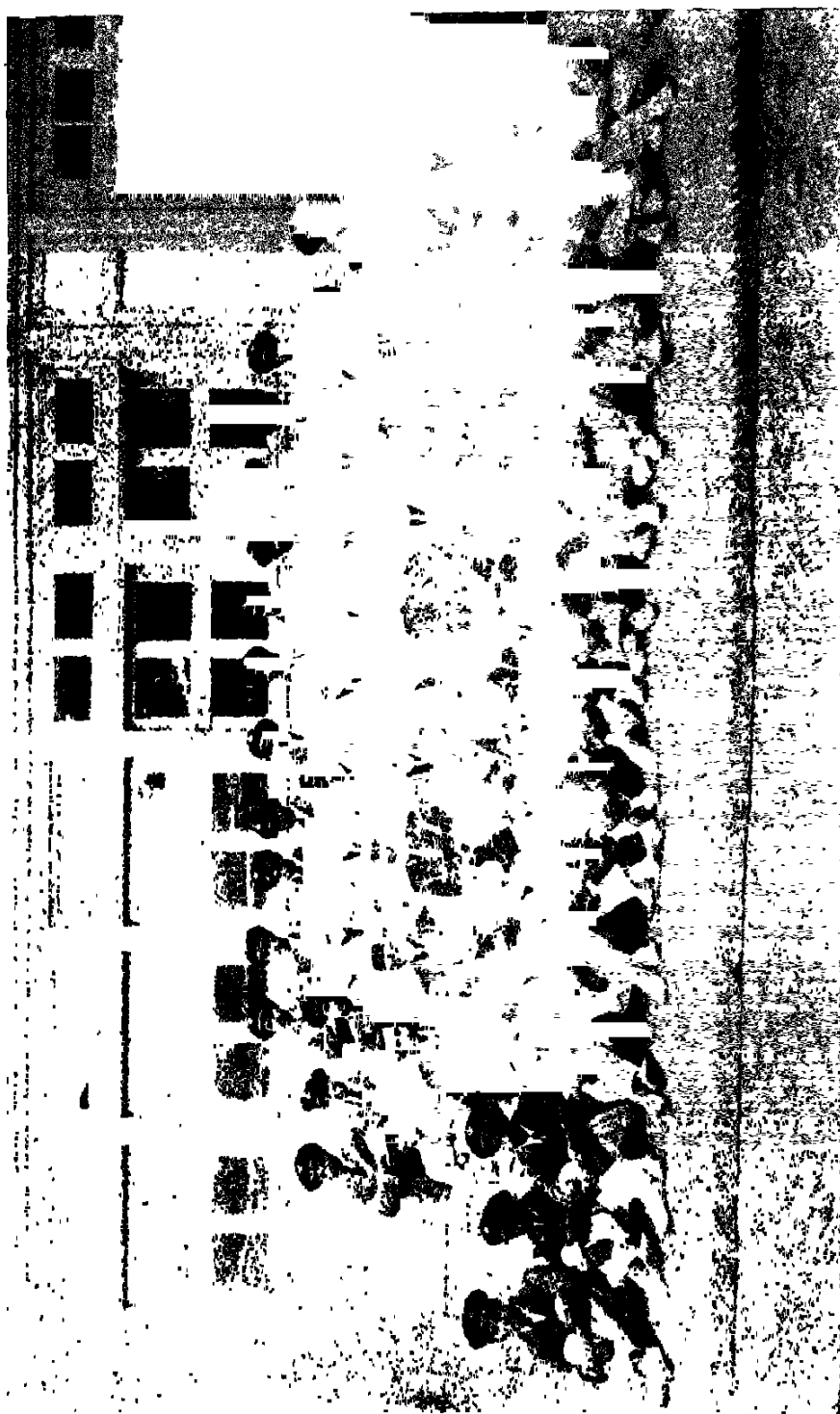
حلالتمآب رئیس مستقل صحیه بادکتورهای شفاخانه های مرکزی و طلاب مدرسهٔ طبی

S. Ex. le Chef Autonome de la Santé Publique, avec les Docteurs des Hopitaux Centraux et les Élèves de l'École de Médecine-

عزتمند سید عبدالغنی شاه خان
سرطبیب شفاخانهٔ عسکری مرکز

عزتمند نورمحمد خان داکتر شفاخانهٔ
عسکری مرکز

حمیت مند میرزین العابدین خان کمیل
سرطبیب فرقهٔ شاهی از فارغ التحصیلان
حود مرکز ، متخصص امراض داخلی
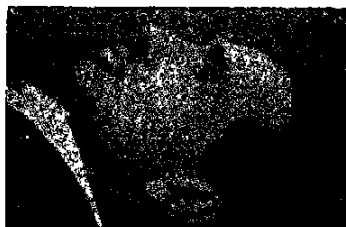
ص ، نورالحق خان داکتر افغانی
فارغ التحصیل ترکیه

ص، میرعبدالغنی خان داکتر افغانی
معاون داکترهای حضور ، ازفارغ
التحصیلان حود کابل

ص، عطاءالله خان متخصص رادیو ایکسریز
که از تعلیمیافته‌های حود کابل وامور تخنیکی
رادیو را درهند تحصیل نموده است

ص، عبدالغفور خان داکتر افغانی
معاون سرطبیب شفاخانهٔ عسکری که
طبابت را درهندوستان تحصیل کرده

امور طبیه

بامور طبیه درین سال ترقی شایانی داده شده شفاخانه ها چه درولایات وچه درمرکز توسیع
داکترهای ماهر ولائق بقصد معالجه وتداوی افراد مریض اشغال کرده شده چنانچه راپور تعداد نفر
که در شفاخانه ها معالجه وصحت یاب شده اند دائماً در مجلهٔ صحیه ودیگر جرائد وطن نشر گردیده است

حکومت متبوعهٔ ما همه وقت نگران اوضاع صحی ملت عزیز خود بوده و آرزو دارد که تمام ذر
و وسائل معالجه در وطن عزیز ترویج داشته باشد ، دراثر اوامر و هدایاتیکه ریاست صحیه داده شده ا
بتأمی آن در همه نقاط مملکت معاینه خانه ها ودواخانه های متعدد دائر وبذرائع گوناگون به تداوی ومع
اهالی پرداخته شده است چنانچه دراکثر قریه جات نزدیك شهر معاینه خانه ها برای آن چنان اشخا
مریضیکه تاشهر رسیده نمیتوانند تاسیس یافته است که دکتور ها دران جا ها مریضان را معاینه نمو
علاج صحیح مینمایند .

برای اینکه ادویهٔ تاره همیشه بمرکز رسد درریاست مستقلهٔ صحیه ترتیبات خوب اتخاذ شده است .

مکتب طبی که از ابتدای ۱۳۱۰ آغاز وتأسیس شده تاحال عدهٔ محصلین آن دورهٔ تعلیم علمی را طی نموده وکن
به تجربیات عملی در تحت نظر دوکتوران صحیح مصروف تحصیل میباشد .

موسسهٔ فن قابله گی روی کار است و یك عده محصلات شامل ومشغول تحصیل اند که نتیجهٔ کامیابی او شا
به مساعیات لازمه تحت نظر است ، ونیز در باب مکتب کمپوندری ودوکتوری ونرستاری توجه مخصو
بکار میرود .

رفقی سنا توریم که یکی از موسسات مهمهٔ شهریارملت پرور شهید است بتاریخ برج اسد ۱۳۱۲ بدست حق پر
اعلیحضرتش افتتاح شده مریض ها دران داخل گردیده وفعلاً امور مذکور خیلی به انتظام جریان داشته مریض
بدرستی پرستاری ومهمانی میشوند .

علاوه به امور متذکره که حکومت متبوع و والا حضرت صدراعظم صاحب بقصد تامین صحت عمو
درنظر داشته و بمنصهٔ عمل رسانیده ، یك باب شفاخانهٔ جدید درعلی آباد ویك باب شفاخانهٔ دیگر درحصه جا
دارالفنون به اسم شفاخانه سناتوریم اناثیه تاسیس شده.

امور پست ، تیلفون ، تلگراف

امور پست و تیلفون و تلگراف درین سال از هر جهة ترقیات فوق‌العاده نموده چه برای تسریع وصول پسته تجاویز نافعه اتخاذ و پسته نسبت به سابق زود تر بمراجع خود مواصلت مینماید ، پسته خانه های دیگر درمواضع ومقامات لازمه باز و به تشکیلات خود افزوده است . عمارات ناموزون و کوچك پسته خانه های سابقه به عمارات عصری قشنگ تبدیل یافته است و نیز در شعبهٔ تلگراف توجه لازمه مبذول شده و بتاسیس تلگراف خانه های جدید پرداخته آمده و امور تلگرافی رونق خوبی یافته است . وهمچنین سلسلهٔ تمدید لین تیلفون به یك پیمانهٔ وسیع بمقامات لازمهٔ مملکت جاری گردیده وعلاوتاً حصهٔ زیاد تیلفونهای مرکز کابل به سنترال بتری تبدیل و لین‌های آن درزیر زمین تمدید و بعد ازین در نظر است که تمام لین های تیلفون به سیستم اتوماتیك وبطور عصری تبدیل یابد .

در سال حاضر محصول پستهٔ هوائی نیز تعیین گردیده که جداول آن از مطالعه قارئین محترم سالنامه می گذرد .

از مهم ترین ترقیات امور مخابراتی امتداد لین تیلفونست که از مرکز به قندهار و از آنجا بحکومتی اعلای فراه واز فراه بهرات واز آنجا به میمنه و از میمنه بمزارشریف وسپس بولایت قطغن و بدخشان مواصلت نموده واز مرکز هر ولایت و محال شعبه از آن به سرحدات وحکومتی های مربوطهٔ آن کشیده شده ، بالاخره از مرکز مزار لین مذکور از طریق درهٔ شکاری دوباره بکابل اتصال مینماید که بابن حساب تمام ولایات و حکومات اعلی وکلان و حکومتی‌های درجه اول و بعضی علاقه داری ها بواسطهٔ تیلفون بخود مرکز کابل مستقیماً ارتباط مخابراتی را مالك شده است .

درنظر گرفته شده که بین کابل ومزار ، بین کابل وقندهار حمل پوسته بذریعهٔ موترهای پوستی دولتی بعمل آید ، واین موترهای دولتی برای مسافرین نیز تسهیلاتی فراهم مینماید . موترها بروزهای معین حرکت کرده و برای حمل و نقل مسافرین کمك بزرگی میرساند .

امور پوسته اصولنامهٔ معین که مدار ومقیاس عموی پوست شناخته شود نداشت دستورالعمل پوستی از طرف ریاست پست وتلگراف وتیلفون ترتیب وپس از تصویب مقامات لازمه در معرض اجرا گذاشته شده .

همچنان نرخ محصولات تلگرافی داخله قبل ازین انتظام صحیح نداشت اکنون قواعد مفصل برای آن وضع گردیده است .

برای اجرای محاسبات معاملات بین‌المللی و تصفیهٔ محاسبات پستی و تلگرافی خارجی دایرهٔ محاسبات (چیك آفس) ودایرهٔ مامورین جدید ، مطابق دیگر وزارات در ریاست پوست و تلگراف و تیلفون تشکیل گردیده است .

دستگاهٔ تلگرام بی سیم کابل وهرات که از کار افتیده و کهنه گردیده بود بعوض آن دو دستگاهٔ دیگر بسیار جدید و عصری خریداری شده وبرای ولایات دیگر نیز در نظر گرفته شده که دستگاه های جدیدی خریداری و در آنجا ها نصب گردد .

جدول محصولات

ممالک مرسل		ایران [illegible]	عراق	فلسطین	مصر	ممالک اروپائی بدون برطانیهٔ کبیر و آیرلند و ممالک [illegible]
	گرام	١٤	〃	〃	〃	〃
محصول	پول	٥٠	٥٠	١٥	٥٠	٤٠
	افغانی	١	١	٢	١	٢
	گرام	٢٨	〃	〃	〃	〃
محصول	پول	٤٥	٧٠	٩٠	٩٥	١٠
	افغانی	٢	٢	٣	٢	٤
	گرام	٤٢	〃	〃	〃	〃
محصول	پول	١٥	٤٠	٥٥	٩٠	١٥
	افغانی	٣	٤	٥	٤	٦
	گرام	٥٦	〃	〃	〃	〃
محصول	پول	٦٠	١٥	٥٥	٩٠	٥
	افغانی	٤	٥	٦	٥	٨
	گرام	٧٠	〃	〃	〃	〃
محصول	پول	٥٥	٨٥	٥٠	٨٥	٥٠
	افغانی	٥	٦	٨	٧	١٠
	گرام	٨٤	〃	〃	〃	〃
محصول	پول	٥٥	٥	٩٥	٣٠	٤٥
	افغانی	٦	٨	٩	٩	١٢
	گرام	٩٨	〃	〃	〃	〃
محصول	پول	٢٠	٣٠	٩٥	٨٠	٤٥
	افغانی	٨	٩	١١	١٠	١٤
	گرام	١١٢	〃	〃	〃	〃
محصول	پول	١٥	٥٠	٤٠	٢٥	٤٠
	افغانی	٩	١٠	١٣	١٢	١٦
	گرام	١٢٦	〃	〃	〃	〃
محصول	پول	٦٠	٢٠	٣٥	٢٠	٨٥
	افغانی	١٠	١٢	١٥	١٤	١٨
	گرام	١٤٠	〃	〃	〃	〃
محصول	پول	٢٠	٩٥	٣٥	٢٠	٢٥
	افغانی	١١	١٢	١٦	١٥	٢٠
	گرام	١٥٤	〃	〃	〃	〃
محصول	پول	٦٥	٦٥	٨٠	١٥	٨٠
	افغانی	١٢	١٤	١٧	١٧	٢٢
	گرام	١٦٨	〃	〃	〃	〃
محصول	پول	٩٠	٨٥	٢٥	٦٠	٧٥
	افغانی	١٣	١٥	١٩	١٨	٢٤
	گرام	١٨٢	〃	〃	〃	〃
محصول	پول	٥	٥٥	٢٠	٥٥	٢٠
	افغانی	١٥	١٧	٢١	٢٠	٢٧
	گرام	١٩٦	〃	〃	〃	〃
محصول	پول	٥٥	٤٠	٢٠	٥٥	٧٠
	افغانی	١٥	١٨	٢٢	٢١	٢٨
پستهٔ هوائی	گرام	٢١٠	〃	〃	〃	〃
محصول	پول	٩٠	٠	٢٥	٥٠	٤٠
	افغانی	١٦	٢٠	٢٤	٢٣	٣٠
	گرام	٢٢٤	〃	〃	〃	〃
محصول	پول	٩٥	٢٠	٦٠	٩٥	٤٠
	افغانی	١٧	٢١	٢٥	٢٤	٣٢
ملاحظات						

پوسته خانه های داخلی افغانستان

۱ : — پوسته خانهٔ کابل .
۲ : — « غزنی .
۳ : — « چهاریکار .
۴ : — « دایزنگی .
۵ : — « کتواز .
۶ : — « قندهار .
۷ : — « پشت رود .
۸ : — « زمین داور .
۹ : — « قلعهٔ جدید .
۱۰ : — « قلات .
۱۱ : — « ارزگان .
۱۲ : — « هرات .
۱۳ : — « ته کی سر .
۱۴ : — « مزار شریف .
۱۵ : — « تاشقرغان .
۱۶ : — « قرمتیه .
۱۷ : — « قطغن .
۱۸ : — « فیض آباد .
۱۹ : — « جلال آباد .
۲۰ : — « طورخم .
۲۱ : — « لغمان .
۲۲ : — « اسمار .
۲۳ : — « سمت جنوبی .
۲۴ : — « خوست .
۲۵ : — « ارگون .
۲۶ : — « پیوار .
۲۷ : — « فراه .
۲۸ : — « چخانسور .
۲۹ : — « میمنه .
۳۰ : — « اندخوی .

بر علاوهٔ پسته خانه های فوق سه پوسته خانهٔ دیگر نیز در همه سنه جدید تأسیس و دایر شده اند که ذیل است :

۳۱ : — پوسته خانهٔ لهوگرد .
۳۲ : — « شبرغان .
۳۳ : — « کنرخاص .
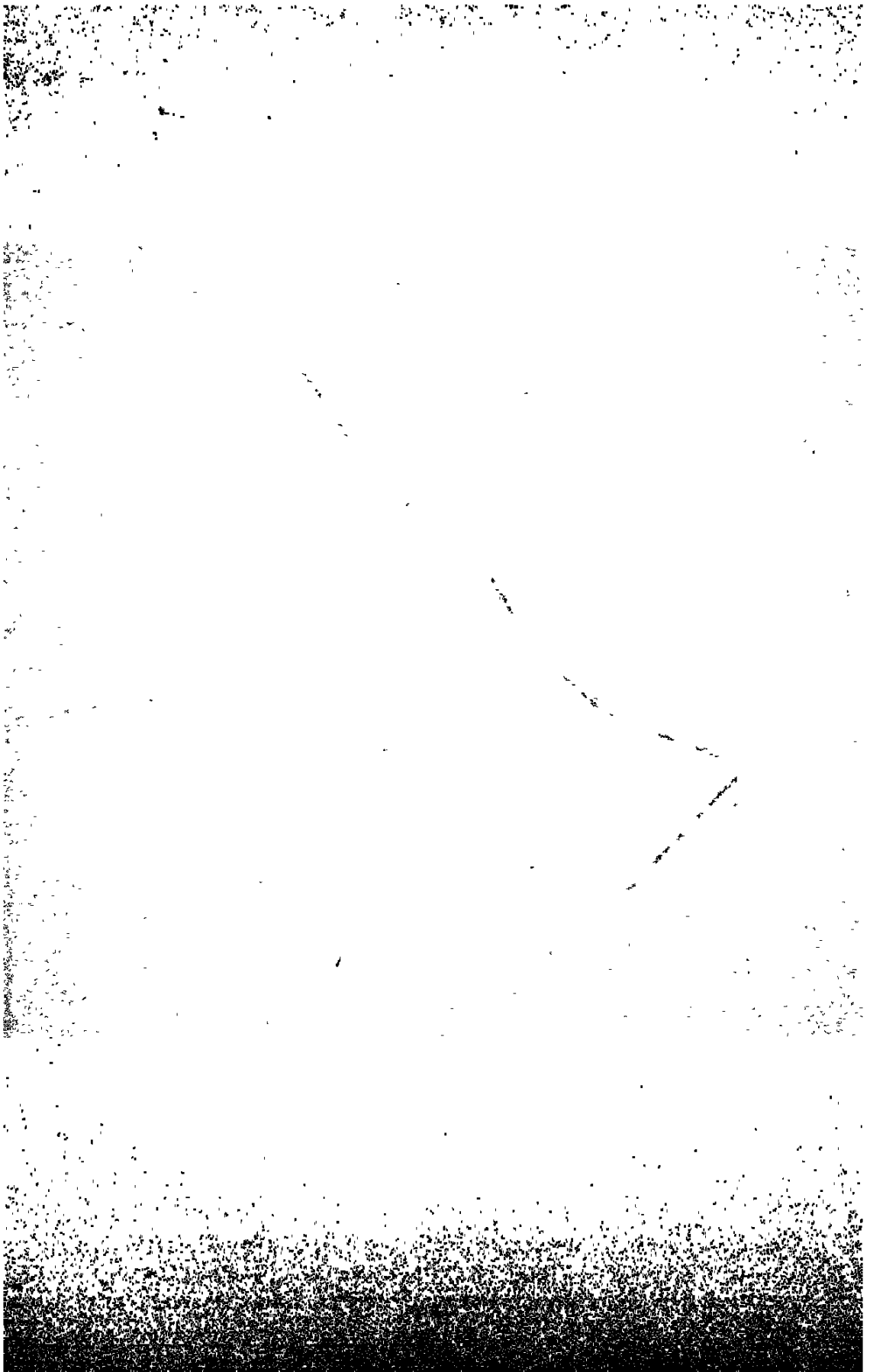
مجلس محترم شورای ملی

سال سوم دورهٔ اول شورای ملی بتاریخ ۲۵ ثور ۱۳۱۲ به نطق غرای اعلیحضرت شهید فقید افتتاح یافته و از طرف وکلای شورای ملی که بعد از اکمال رخصت سنوی دارالشوری مجدداً حاضر شده بودند جوابیهٔ مبنی بر خدمات قیمت دار شهریار دانا و خاندان نجیب شان قرائت گردید، شورای ملی دورهٔ اول خویش را بکمال جدیت و امانت بسر رسانیده و مؤکلین از وکلای خویش کمال رضائیت داشته و شورای ملی تمام اموری را که بشئونات ملی و مفاد دولتی مربوط بوده با نهایت خوبی انجام داده است.

اخیراً بتاریخ سوم عقرب وکلای شورای ملی برای مرخصی سنوی سال سوم بحضور شهریار شهید مشرف گردیده و از حضور اعلیحضرت ممدوح مورد تلطیف و نوازش مخصوص واقع و به گرفتن نشانهای خدمت نائل افتخار گردیده باوطان خود مرخص شدند وحسب معمول برای تدقیق بودجه وامور لازمه از جملهٔ وکلا موقتاً یکعده انتخاب گردیده و بمرکز معطل ماندند.

بعد از شهادت اعلیحضرت غازی شهید، وکلای شورای ملی که در مرکز معطل بودند و وکلای قریهٔ کابل که به موجب اصل (۳۳) اصولنامهٔ اساسی بمرکز دعوت‌شده بودند و وکلائیکه به جملهٔ مشاهیر ولایات و حکومتی‌های اعلی با بیعت نامه های ملت بحضور همایونی اعلیحضرت محمد ظاهرشاه شرفیاب گردیده بودند، دو ثلث هیئت وکلا را تشکیل، ودر ریاست شورای ملی اجتماع کرده اعلیحضرت همایونی محمد ظاهر شاه به مجلس شورای ملی تشریف برده تعهدی را که بر حسب مادهٔ (٦) اصولنامهٔ اساسی به اعلیحضرت شان راجع میشد در حضور مجلس شورا ایفا واجرا نمودند.

برحسب ماده (۲۹) اصولنامهٔ انتخابات بتاریخ ۱۵ دلو ۱۳۱۲ از حضور اعلیحضرت همایونی محمد ظاهرشا به عموم ملت افغانستان امر انتخاب وکلای دورهٔ دوم شورای ملی صادر و اعلان پادشاهی به تمام نقاط افغانستان توزیع وفرستاده شد که وکلای عموم ملت افغانستان برحسب تعلیمات اصولنامهٔ انتخابات، انتخاب و به مرکز اعزام شوند.

مجلس عالی اعیان

این مجلس که یکی از مؤسسات دورهٔ سلطنت اعلیحضرت نادر شاه شهید است در سنه ۱۳۱۰ از نقطهٔ نظر وطن پروری وملت خواهی تاسیس ورئیس واعضای آن از ذوات بصیر ومتجرب مملکت انتخاب شده است.

مسلم است که اساساً وظائف این مجلس درمملکت عزیزما برطبق سائر مجالس که درملل راقیه متشکل است معین بوده خوشحتانه بااتباع ورعایهٔ احکام شرعیه مصروف عملیات است. دردنیا در هرنقطه که این مجلس به عنوان (سنا) یا (اعیان) تشکیل دارد به دووظیفهٔ مهمه مؤظف است یکی تشریك مساعی درترتیب مواد اصولی بامجلس شورای ملی که به عنوان (مبعوثان) یا (وکلا) نیز یاد میشود ، دومین مصروفیت درامور مهمهٔ مملکت که مخصوصاً این مجلس به شمولیت درین امر اختصاص دارد که باین نسبت دوانجمن مرکب ازاعضای مجلس تشکیل گردیده است، یکی بنام انجمن تدوین اصول ودیگری به عنوان انجمن تحقیقیه انجمن تدوین اصول بوظیفهٔ ترتیب دادن اصولنامه های موضوعه یعنی درحصه همان وظائفی که مجلس اعیان اساساً به مجلس شورای ملی تشریك مساعی می کند مؤظف میباشند. انجمن تحقیقیه دیگر حصه موظفهٔ این مجلس را ایفا میکند که مشارکت درامور مهمهٔ مملکتی است. مسائلیکه در دوایر اجرائیه پیچیده ولاینحل واقع شده وفیصله آن متقاضی تدقیق وصرف افکار عمیقانه بوده است در زمرهٔ دیگر معاملات مهمهٔ غورطلب جهت غور وتدقیق ذریعهٔ انجمن موصوف باین مجلس محول وحل وفصل میگردد.

هکذا واقعات مستند بقرائن وامارات که درمجالس مشاورهٔ ولایات فیصله شده وجهت استماع اعتراضات محکومین فیصله های مذکوره مرجع متعینی ایجاب مینمود از نقطه نظر عدالت پسندی وخیر اندیشی اعلیحضرت شهید برای آنکه طریقهٔ عدل وانصاف به محور صحیحی درشرف جریان بوده ومحکومین اگر شکایه واظهار تظلمی داشته باشد مرجع صالحه برای استماع ومزید غور درواقعه متعین باشد ایفای این وظیفه را باین مجلس امر صادر فرموده اند، که یك هیئت جداگانه از اعضای متعینهٔ مجلس به صورت تمیز واقعات وارده را حل وفصل مینماید.

صورت مصوبات لوائح اصولی وفیصله ها واجراآت این ریاست خیلی زیاد است که وقتاً فوقتاً درجرائد وطن نشر یافته وعموم هموطنان عزیز از ان آگاهی دارند.

ریاست بلدیهٔ کابل

درین سال امور بلدیه از هر جهة ترقی و پیشرفت خوبی نموده چنانچه نواقص شهر و حصص ماموریتهای مربوطهٔ بلدیه تحت اصلاح آمده است در پاکی و صفائی محلات و نشاندن آبروها برای آبهای راکد و کثافات که در کدام حصهٔ باقی مانده بود نهایت جدیت و فعالیت بعمل آمده و در پخته کاری سرکهای مربوطه و تنظیف و ترتیب بازارها و رسته ها و تعمیر و ترمیم مساجد و عمارات و مقبره ها بذل مساعی شده است و همچنین در ترتیب احصائیهٔ تولدی وفوتی و ورود و اشیای خوراکه و ارزانی نرخهای ارزاق کمال اهتمام بکار رفته است که اینك یك حصهٔ اجراآتیکه بوسیله بلدیه شده ذیلاً تشریح داده میشود :

برعلاوهٔ تکمیل عمارات و مساجد و مقبره ها و غیره و جدیدهائی که در سال گذشته نا تمام مانده بود تعمیر مساجد و مقبره ها و عمارات و اجراآت آتی بعمل آمده است :

۱ ـ مساجد شریف شهر کابل که اکثراً خراب بوده تعمیر و ترمیمات لازم داشت در هذه السنه سی و یك مسجد تعمیر و ترمیم یافته .

۲ ـ مقبرهٔ تیمورشاه مرحوم که از ابتدای آبادی آن الی حال نیم کاره مانده و تا اینوقت از طرف حکومت های سابقه هیچ توجهی بآن طرف نشده بود درین دورهٔ درخشان بر حسب ارادهٔ سنیهٔ اعلیحضرت محمد نادرشاه شهید خلدآشیان ترمیمات و اصلاحات لازمهٔ آن تحت اجرا گرفته شده .

۳ ـ تعمیر یك حوض قشنگ از سنگ مرمر در زیارت جبیر و تمیم انصار رضی الله تعالی عنهما و آوردن آب ذریعهٔ نل از چشمهٔ زیارت خضر علیه الرحمه در آنجا جهت آبیاری نهالها و باغ ملحقهٔ آن .

۴ ـ مقبرهٔ خواجه دوست خاوند علیه الرحمه که متصل حمام جدید بلدیه است بصورت مرغوب تعمیر شده و هم در نظر است که تمام مزارات متبرکه و مساجد شریفهٔ شهر کابل و نواحی آن برحسب امر و ارادهٔ اعلیحضرت شهید سعید غفر الله له مندرجاً بصورت مناسب جدید تعمیر و آباد شوند .

۵ ـ پخته کاری سرك چمن حضوری از محل قلعهٔ محمود خان ... تا زیارت شاه شهید علیه الرحمه تحت تعمیر است و پخته کاری دیگر سرکهائیکه قبل پخته کاری بود اکمال گردیده .

۶ ـ تعمیر سه کداء تیل خاك در مواضع لازمهٔ شهر صورت می ...

۷ ـ راجع به مخزن آب یغمان و کانال توجهات ... اقدامات گردیده تعمیرات و ترمیمات لازمه بعمل آورده شده که بهمه جهة آب مستقل بود و از ... جریان ... محفوظ میباشد .

۸ ـ بنای باغی بنام باغ ذخیره در موضعی مشهور به (باغ قاضی) که درین باغ سابقاً برای ذخیرهٔ یخ می‌گرفتند چون موضع مذکور برای یخ گیری موزون بوده و یخ هائیکه از آن گرفته میشد بطور صحی نمیبود لهذا بوسیلهٔ بلدیه جدیداً در آن نهال های مثمر و غیر مثمر غرس و گلکاری لازمه گردیده و یك باغ عالی و عصری ساخته شده است تا مورد استفاده و تفریح گاه اهالی همان حصهٔ شهر باشد .
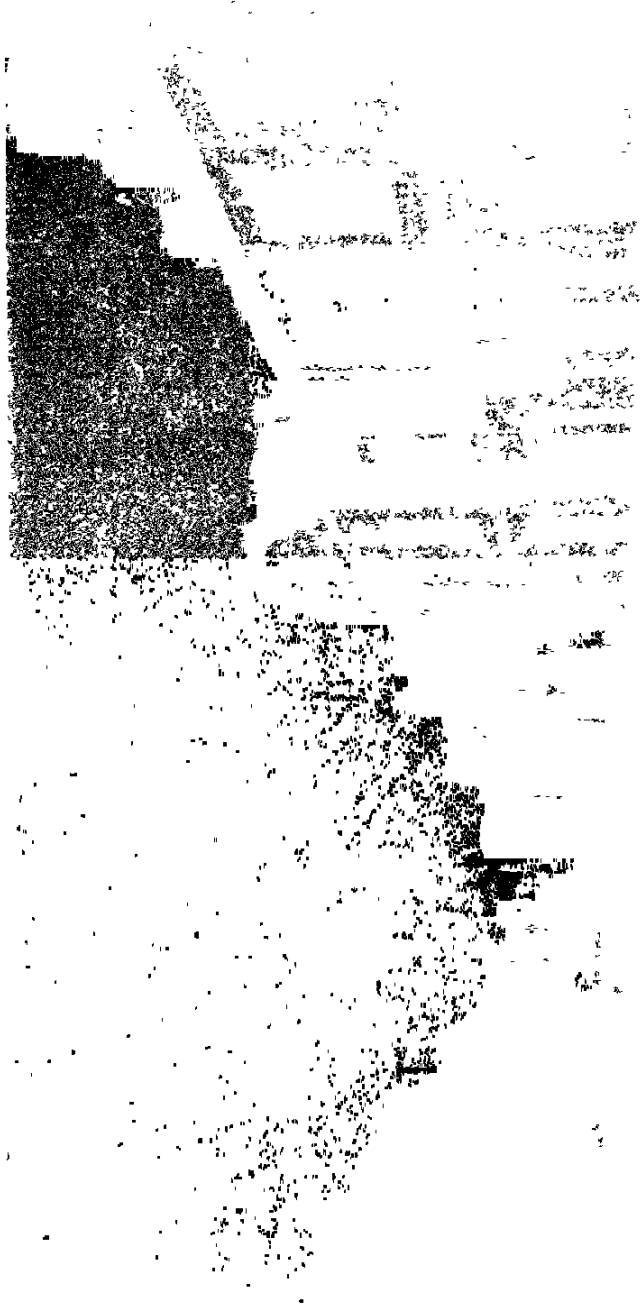
یك منظرهٔ بازار جدید اندراب (کابل)
Une Vue du Nouveau Quai d'INDARABI (Kaboul).
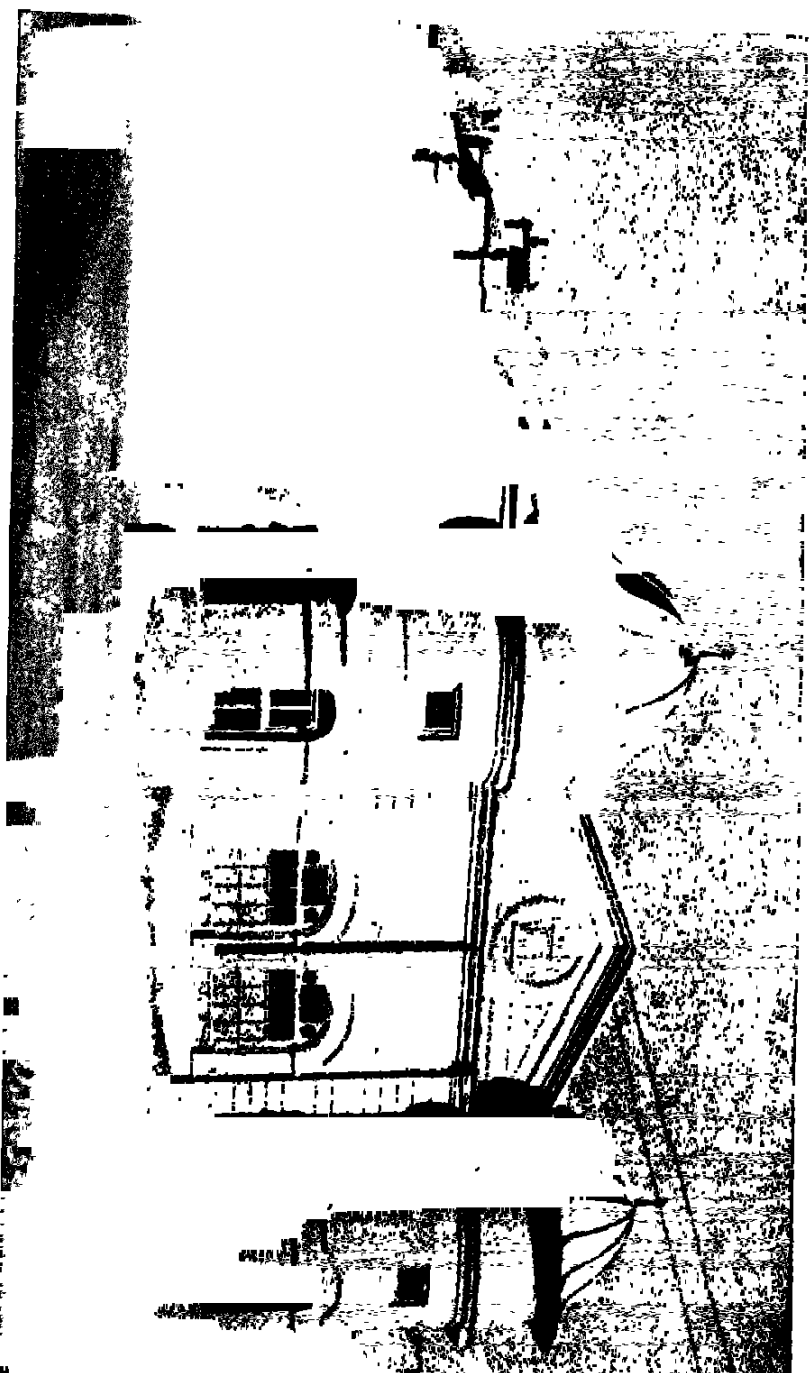
قسمت الحاقیهٔ عمارت وزارت خارجیه که در سال ۱۳۱۲ تعمیر و تکمیل شده

Annexe du palais du Ministére des Affaires Étrangères à Kaboul.
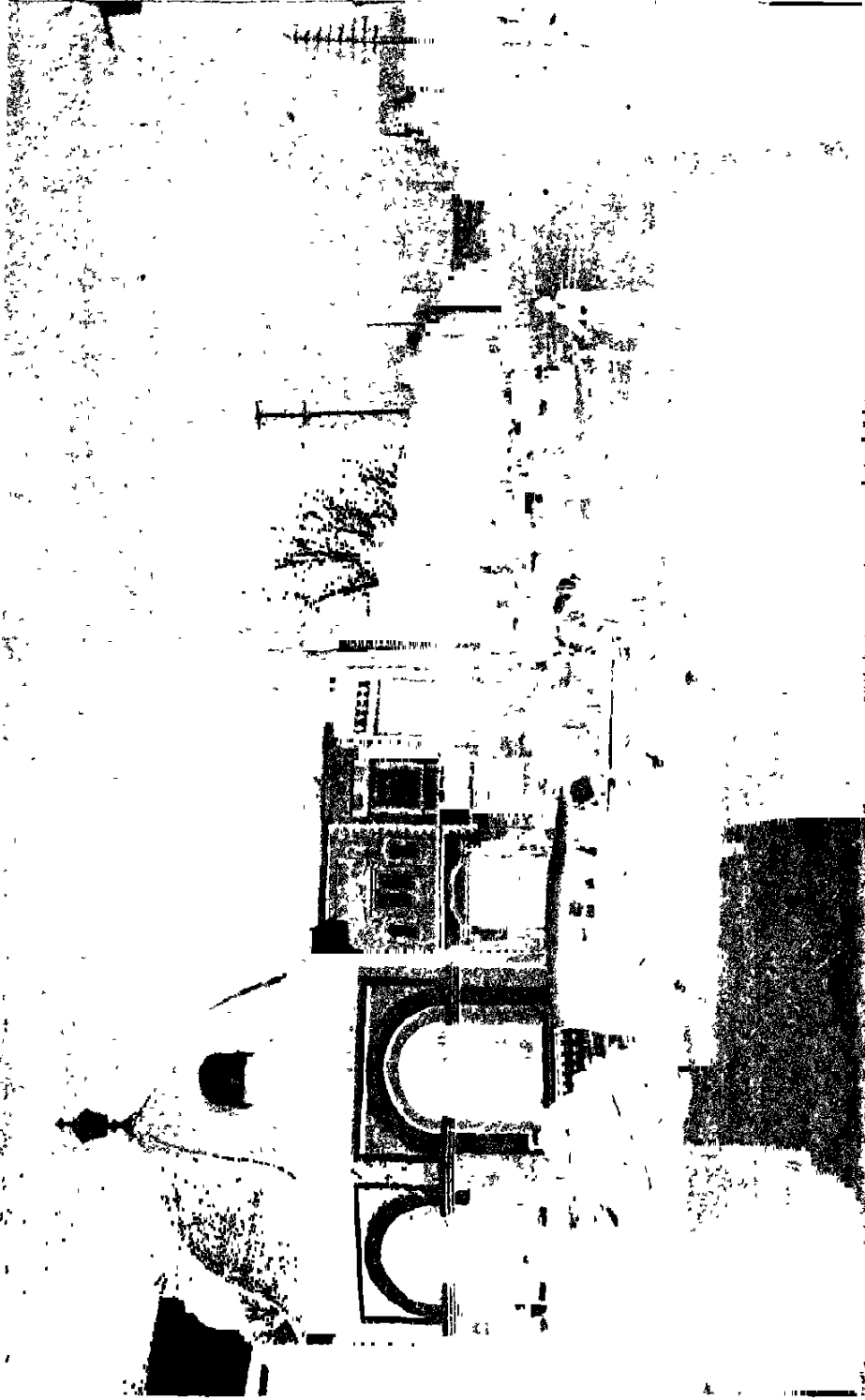
جادهٔ بازار شاهی محاذ پل باغ عمومی کابل
وتانک جدید پطرول
Une Vue de BAZARI CHAHI et le nouveau Relai d'Essence (Kaboul).

حمام جدید بلدیه

Nouveaux Etablissements des Bains à Kaboul

۹ . تعمیر جادهٔ باندرابی وبخته کاری آن وساختمان دکان های جادهٔ مذکورکه تماماً به اصول فنی وعصری بنا واکمال گردیده .

امور بلدی ولایات واطراف .

بطوریکه درین سنه درامور بلدی خود مرکز اصلاحات مهمی شده اموربلدی ولایات واطراف نیز داخل مراحل خوبتری گردیده واصلاحات درامور شهری نموده است .

تعمیرجاده های داخل شهرهاوتعمیر رسته های دکاکین وکشیدن آبروهـاوترمیم مقامات تاریخی ومساجد ومقابرمتبرکه واحداث بعضی باغ های عمومی وتعمیر پل هـای متعلق خود شهرونواحی شهروغیره امور راجعه بارزاق واقدامات درخصوص تنظیفات شهری ازجملهٔ کارهای سال ۱۳۱۲ بلدیه های ولایات واطراف شمرده می شود .

مطبوعات وطن

مطبوعات فعلی وطن عبارت از جرائد و مجلات آتی است :

۱ : جریدهٔ اتحاد مشرقی مؤسسهٔ سال ۱۲۹۸ شمسی درتحت ادارهٔ جناب شمس الدین خان قلعتکی.
۲ : جریدهٔ اتفاق اسلام هرات مؤسسهٔ سال ۱۲۹۹ شمسی درتحت ادارهٔ جناب میر محمد عثمانخان.
۳ : جریدهٔ بیدار مزارشریف مؤسسهٔ سال ۱۳۰۰ شمسی درتحت ادارهٔ جناب عبدالصمدخان مجاهد.
۴ : جریدهٔ اتحاد خانآباد مؤسسهٔ سال ۱۳۰۰ شمسی درتحت ادارهٔ جناب شاه‌عبدالله‌خان بدخشی.
۵ : جریدهٔ طلوع افغان قندهار مؤسسهٔ سال ۱۳۰۰ شمسی درتحت ادارهٔ جناب عبدالحی خان حبیبی.
۶ : جریدهٔ انیس کابل مؤسسهٔ سال ۱۳۰۶ شمسی درتحت ادارهٔ جناب محمدامین خان خوگیانی.
۷ : جریدهٔ اصلاح کابل مؤسسهٔ سال ۱۳۰۸ درتحت ادارهٔ جناب برهان الدین خان کشککی.
۸ : مجلهٔ اردوی افغان مؤسسهٔ سال ۱۳۰۰ شمسی درتحت ادارهٔ جناب سید محمداکبر خان.
۹ : مجلهٔ آئینهٔ عرفان کابل مؤسسهٔ سال ۱۳۰۳ شمسی درتحت ادارهٔ جناب هاشم خان شایق.
۱۰ : مجلهٔ صحیهٔ کابل مؤسسهٔ سال ۱۳۰۶ شمسی درتحت ادارهٔ جناب عبدالرشید خان لطیفی.
۱۱ : مجلهٔ حی‌علی‌الفلاح کابل مؤسسهٔ سال ۱۳۰۹ شمسی درتحت ادارهٔ جناب میرزا میرغلام خان.
۱۲ : مجلهٔ اقتصاد کابل مؤسسهٔ سال ۱۳۱۰ شمسی درتحت ادارهٔ جناب محمد زمان خان تره‌کی.
۱۳ : مجلهٔ ادبی هرات مؤسسهٔ سال ۱۳۱۱ شمسی تحت‌نظر انجمن ادبی هرات.
۱۴ : مجلهٔ پشتوی قندهار مؤسسهٔ سال ۱۳۱۱ شمسی درتحت نظر انجمن ادبی قندهار.
۱۵ : مجلهٔ بلدیهٔ هرات مؤسسهٔ سال ۱۳۱۱ شمسی درتحت ادارهٔ جناب عبدالله خان احراری.

این جرائد شریفه و مجلات نفیسه از آغاز ادوار انتشار هر کدام به مساعی و مجاهدات خستگی ناپذیر مدیران و کارکنان لائق و فاضل خود تاامروز مصدر خیلی خدمات باقیمت و سودمندی برای وطن خود شده و افادات خوبی باهالی کشور نموده اند.

سالنامهٔ کابل مراحل جدید عموم این مطبوعات وطن را به کارکنان محترم شان تبریک گفته از خدای متعال بقای آنها را خواستار و توفیقات مزیدهٔ کارکنان محترم شانرا طالب است.
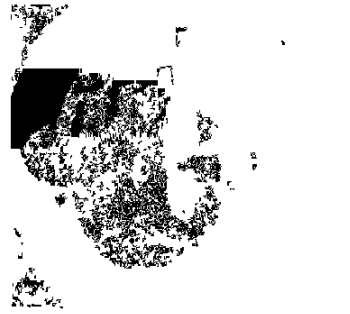
جناب برهان‌الدین خان کشککی مدیر روزنامهٔ شریفهٔ اصلاح

جناب محمد امین خان خوگیانی مدیر جریدهٔ شریفهٔ انیس

جناب میر غلام خان مدیر مجلهٔ شریفهٔ حی علی الفلاح

جناب محمد عثمان خان رئیس انجمن ادبی قندهار
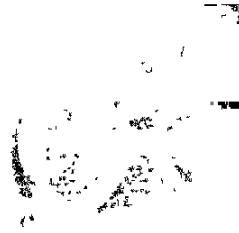
جناب عبدالحی خان حبیبی مدیر جریدهٔ شریفهٔ طلوع افغان

جناب میر محمد عثمان خان مدیر جریدهٔ
شریفهٔ اتفاق اسلام

جناب میر عبدالعلی خان مدیر انجمن
ادبی هرات

جناب عبدالصمد خان مدیر جریدهٔ
شریفهٔ بیدار مزار شریف

جناب میرزا سید محمد خان مدیر جریدهٔ
شریفهٔ اتحاد خان آباد

جناب شمس الدین خان قلعه‌گی مدیر
جریدهٔ شریفهٔ اتحاد مشرقی
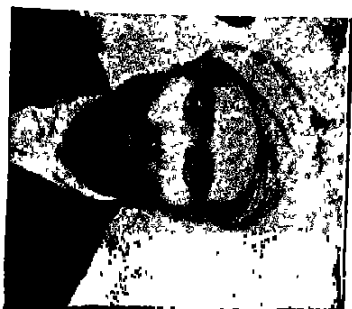
امور مطابع

اگر چه در وطن عزیز ما از مدتی مطابع موجود و امور طباعتی در جریان بود ولی در ادوار سابق بقدریکه لازم بود عطف نظری در موضوع این امر مهم نشده ، گاهی بصورت جزء جزء تحت ادارهٔ دولتی و زمانی درفابریك بزرگ ماشینخانه ملحق گردیده یك اساس مستقلی بخود نداشت .

گویا موافق بمقتضیات عصر در انشاء وتوسعهٔ این عنصر مهم تعالی مطبوعات مملکت که یگانه وسیلهٔ نشر علوم ومعارف ، و تعمیم وتکمیل آن از ضروریات مملکتی شمارمیرود هیچگونه مجاهدتی بعمل نیامده ومطبعهٔ محدودی که از حیث سامان و لوازم طباعتی بکلی ناقص و هنوز مراحل ابتدائی خود را پوره نه پیموده بود ، موجود و حوائج طباعتی مملکت را بخوبی رفع کرده نمی توانست .

تا آنکه یگانه راد مرد بصیر ، شهریار معارف پرور ایبخاك پاك اعلیحضرت شهید سعید ، پس ازآنکه وطن را به نیروی همت و مردانگی خویش از ورطهٔ هلاك نجات بخشیدند ، نسبت به عشق و علاقه مندی فطری که بمطبوعات وطن عزیز داشتند توجه عمیقی درقسمت مطابع مملکت مبذول فرموده ، دائرهٔ علیحدهٔ بنام (ریاست عمومی مطابع و مسکوکات) تشکیل و ضمناً چون محل مناسبی هم برای مرکز مطبعه موجود نبود امر بتعمیر یك عمارت بزرگ عصری (که از هر حیث گنجائش آلات وادوات فنی مطبعوی را داشته باشد) صادر فرمودند .

بعد ازانکه تعمیر اساسی این بناء با تمام رسید ، چون مطبعه فاقد همه گونه وسائل و آلات طباعتی بود ، شهریار علم دوست فقید اولاً تورید یکدستگاه ماشینهای اتوماتیك (آف زیت) را که از تازه ترین سیستم های عصری و دارای ماشینهای متعدد ، دستگاه های عکاسی و دیگر آلات جدیده است باصرف مبالغ هنگفتی منظوری اعطاء فرمودند . ماشین ها و دستگاه مذکور متصل وارد و ذریعهٔ متخصصین ماهر زگر و بکار انداخته شده یکعده از نفری کارگران مطبعه هم برای آموختن زینکوگراف و طبع رنگه بزیر دست متخصصین مذکور داده شد که نفری مذکور هم بمدت کمی باخذ شهادتنامه نائل گردیدند .

سپس که کارگرهای وطنی موفق به اجرای زینکوگرافی وطبع رنگه گردیده وامورمطبوعات و جرائد ومجلات و کارهای دوائر دولتی را مستعد بطبع شدند اعلیحضرت شریعت پرور رحمةالله تعالی علیه که آرزوی یگانهٔ از سالیان درازی نسبت بطبع قرآن عظیم الشان بدل میپروراندند این ارادهٔ شریفه را بصحنهٔ عمل آورده امر فرمودند تا بزودی هرچه تمامتر آلات و وسایل کارآمد طبع قرآن مجید را بهر مبلغی که انجام شود تدارك نموده و قرآن مقدس را بطبع برسانند .

همان بود که ریاست عمومی مطابع در سال ۱۳۱۲ بتأسی خیالات شریعت خواهانهٔ اعلیحضرت شهید سعید درصدد آن برآمده حروف عربی ، کاغذ ، قلم و دیگر اسباب و مالزمهٔ طبع فرقان حمید را به بهترین صورتی از استانبول و دیگر نقاط جلب نموده در اوائل سرطان سال مذکور (۱۳۱۲) بطبع قران کریم آغاز نمود که اکنون طبع قرآن عظیم در مطبعهٔ کابل جاری وباین صحت و زیبائی سابقهٔ در وطن عزیز ندارد .

در پایان سال گذشته باساس همان نظریات ترقیخواهانهٔ ذات شهریار فقید سعید ریاست مطبعه از حضور ج.ع.ج.والا حضرت صدراعظم صاحب منظوری تورید چندد ستگاه دیگر ماشین های اتوماتیك را که از تازه ترین سیستم های عصری است و تسهیلات زیادی بامورمطابع میرساند حاصل نموده ، خصوصاً

ستگاه حروف ریزی که مقدمتر از همه طرف احتیاج مطبعه بوده وهمه ساله تورید حروف از خارج مبالغ ...یه را ایجاب میکرد .

برای دستگاه های مذکور که قریباً بمرکز رسیده و بکار انداخته می شود جای مناسبی درمطبعه تعمیر تکمیل شده .

ماشینهای که جدید خواسته شده ازین قرار است :

اول : یکدستگاه بزرگ اتوماتیک (تفتروك) که این دستگاه برای طبع آثار مهمه از قبیل چکها ، بانکنوتها ، نوت وثایق، فوتوها ومیناتورهای رنگین ویکرنگ و امثال آن وعبارت از ۱۰ الی ۱۲ پایهٔ ماشین (اتوماتیك) است .

دوم : دستگاه حروف ریزی (اتوماتیك) که آنهم دارای چندین پایه ماشین بوده روزانه (٦٦) پوند وزن حروف از حروف ۱۶ پنت بدرجهٔ آن ساخته می شود .

سوم : ـ دستگاه بزرگ دیگر اتوماتیکی (اشترو توفی) که این دستگاه از حروفیکه برای طبع آماده شده میباشد قالب گرفته فوراً حروف را دوباره میدهد تا دیگر احتیاج صرف شود . طبع این دستگاه نیز خیلی شیس و ماشین های متعددی دارد .

چهارم : ـ ماشین اتوماتیك برای صحاف که کتاب را وقایه میکند وفورمه هائی را که از طبع خارج شده باشد جمع کرده سیم دوزی میکند .

پنجم : ـ ماشین کاغذقاقی اتوماتیك که فورمه های طبع شده را قات و ترتیب میکند .

یکمده ازاجراآت امورطباعتی راکه درسال ۱۳۱۲ ریاست مطابع نموده دیلاً باطلاع قارئین محترم میرسانیم :

۱ : حروف چینی روزنامهٔ شریفهٔ اصلاح :		۲٤۰۰	صفحه
۲ : « « قرآن مجید، کتب، مجلات، اوراق وصحائف متفرقه:		۱۵۳۱۲	»
۳ : خطاطی کتب و دفاتر حسابیه وغیره	:	۳۰۰۰	»
٤ : صحافی، دوخت ، وقایه و شبکه	:	۱۸۵۵٤۰	جلد
۵ : ترتیب و کاغذقاقی	:	۱۸۵۵٤۰	»
٦ : کلیشه‌های ساده ورنگین ومهرها وعناوین وغیره	:	۱۸۰۰	صفحه
۷ : پاکتهای کیره‌دار وبدون کیره به سایزهای متنوعه	:	۵۰۰۰۰	قطعه
۸ : طبع سکوك ، کتب ، اوراق، دفاتر وغیره	:	٤۵٤۸٦۰۰۰	صفحه
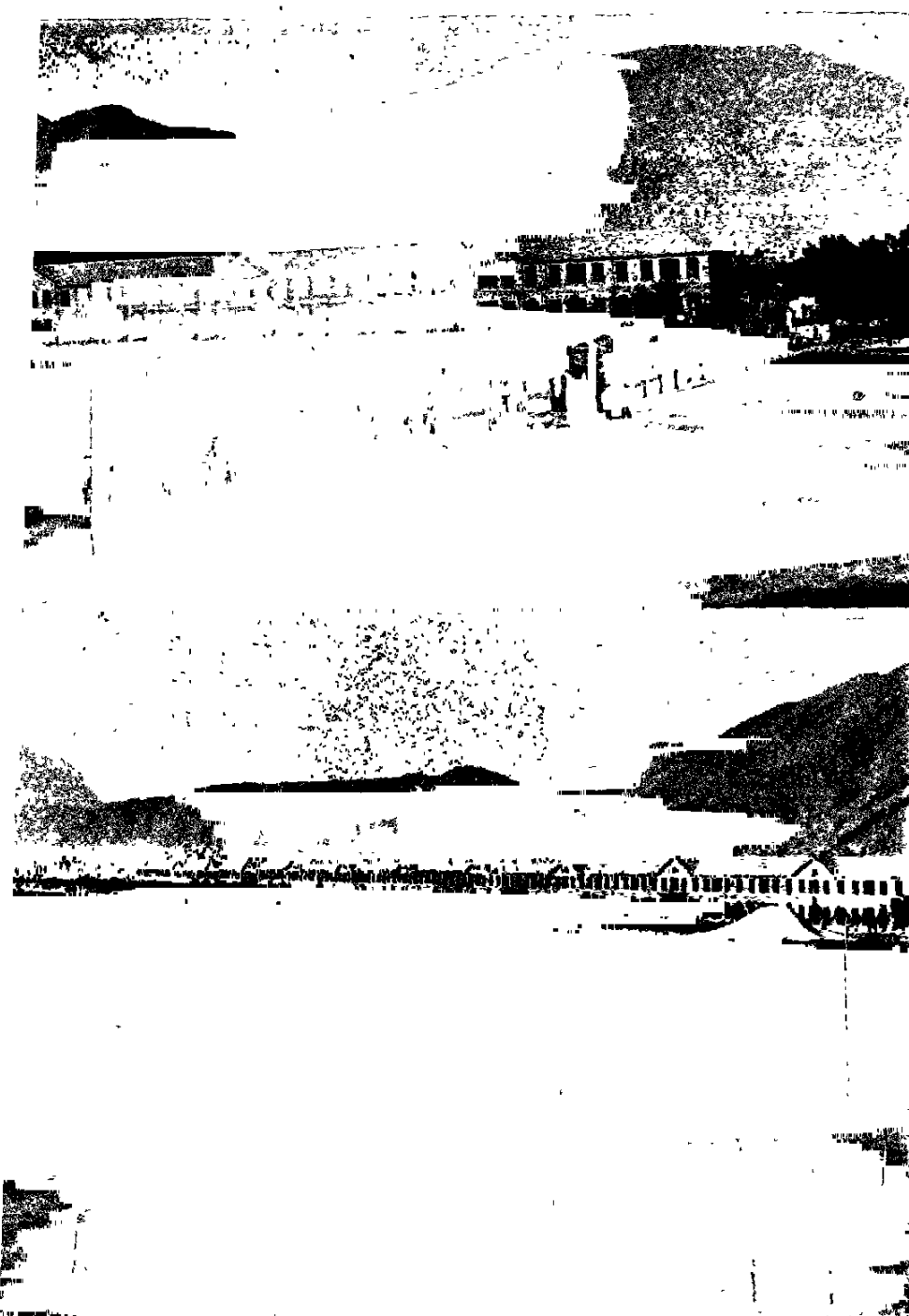
دکانهای جدید چمن حضوری کابل
Nouveau Quartier de TCHAMAN-I-HOUZOURI à Kaboul.
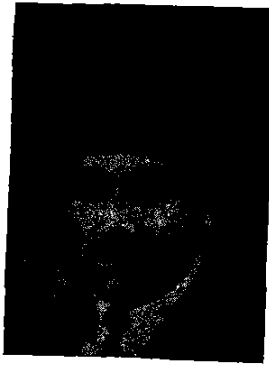
ست محمد خان اعاشی معاون

ع ، ص عبدالمجید خان رئیس شرکت اسهامی

ع ، خیر محمد خان مدیر عمومی محاسبه

، عمر خان مدیر عمومی شرکت
در هند

ع ، سید کریم خان نمایندهٔ شرکت
در قندهار

ع ، ص غلام حیدر خان رئیس شرکت
پطرول

ص، حبیب الله خان نمایندهٔ شعبهٔ شهری
شرکت اسهامی
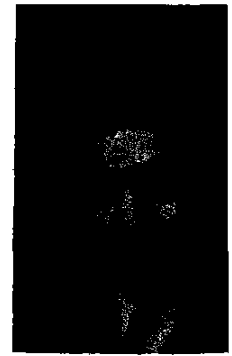
شرکت اسهامی ملی افغان

یکی از مؤسسات نافعهٔ ملی که برای حفظ و انتظام امور اقتصادیات ملی و رونق مالی مملکتی تاسیس شده شرکت اسهامی کابل است .

در تاریخ سه سال قبل از لحاظ فتوریکه بامور مالی مملکت واقع شده و پول افغانی و تجارت افغانی نواقص مهمی را دچار گردیده بود ، شهریار دانا اعلیحضرت محمد نادر شاه شهید لزوم تاسیس این شرکت را احساس فرموده و به تشکیل و تاسیس آن مقام صدارت عظما ارادهٔ سنیه را امر رسمی اصدار فرمودند . پس از ان مقام صدارت عظما وسیلهٔ وزارت تجارت بدوین سرمایه و تشکیل اعضا و وضع پروگرام و اساس نامهٔ شرکت و تعمیر های شرکت متوجه گردیده در سال ۱۳۰۹ شرکت موصوف اصولاً آغاز بکار نموده بود اینک درین سه شرکت اسهامی توسیع و انتظام ز ائدالوصفی ارحاصل نموده است که ما درین مختصر جای ازان بحث می نمائیم :

شرکت اسهامی اولاً بتاریخ ٤ دلو ۱۳۰۹ با سرمایهٔ ٥ ملیون افغانی تاسیس یافته منجملهٔ آن چهار و نیم ملیون را حکومت و ٥ لك متباقی را بعضی از تاجران سهیم گردیده و ابتداءً اجرای معمولات آن در تحت ادارهٔ وزارت جلیلهٔ تجارت منحصر بوده الی ابتدای سنه ۱۳۱۱ از سرمایهٔ حقیقی آن یك ملیون جمع و فروش باقی اسهام آن ملتوی و معطل مانده شعب اجرائیهٔ آن بدو حصه که مرکز آن در کابل و یك شعبهٔ آن در پشاور تمرکز داشت منقسم و در ماه سنبله ۱۳۱۰ از آنجا که توجهات حسنه و ارادات سنیهٔ اعلیحضرت شهید سعید سراپا در راه ترقی و تعالی امور مادی و معنوی این مملکت مبذول بود پس از غور و تدقیقات مدققانه صورت تشکیل اداری و عملیات شرکت مذکور بملاحظهٔ اینکه سرمایهٔ آن وسیع و مانند یك انستوت تجارتی دنیا اعتباراتی را حائز و در راه اقتصادیات مملکت خدمتی نموده بتواند بتصویب مجلس عالی وزرا از تاریخ ۲۸ سنبله ۱۳۱۱ باسم شرکت اسهامی ملی افغان مامور و موسوم و عدهٔ از تاجران مملکت باخذ سهمیه ها درین شرکت شامل شده ادارهٔ شرکت موصوفه مستقلاً در دست تجار داخله واگذار و سرمایهٔ ابتدائی آن ۳٥ ملیون تعین کرده شد که از آنجمله ۱۰ ملیون سهم آن در آخر سال ۱۳۱۱ فروش و منجمله سی فی صد آنرا حکومت متبوع مان سهیم گردیده متباقی اسهام آن برای سه سال آینده موکول و شرکت اسهامی ملی افغان از ۹ ثور ۱۳۱۲ باساس تشکیلات جدیده باجرای امور موظفهٔ خود اقدام کرده در تصدیر اشیای پیداوار افغانستان بخارج و تورید اشیای ما یحتاج افغانستان که در ذیل انحصار اوست بنرخ مناسب و در ست اول از خارج صرف مساعی ابراز داده جداول واردات و صادرات نقدی و جنسی ، و روابط بانکی خارجه و صورت تشکیلات اداری و بودجهٔ معاش و مصرف شرکت موصوفه را بمطالعهٔ هموطنان محترم خود گذاشته علاوةً بعضی امتیازاتی را که حکومت متبوع مان برای توسعه عملیات شرکت اسهامی ملی افغان اعطا فرموده است متذیلاً تذکار میدهد :

۱ : امتیاز خرید و فروش مسکوك داخله وخارجه وصرافی ، تهیه سکه خارجه ونقره وطلای کارآمد حکومت ، خریداری مایحتاج ومایلزمه جنسی دوائر حکومت که تعلق میگیرد بواردات از خارج ، فروش مواد معدنی وتجارتی افغانستان درخارج حقوق تبادله خزائن داخله باساس مصوبه جلسه تاریخی ۲۸ سنبله ۱۳۱۱ مجلس عالی وزرا درذیل ۱٥ مواد .

۲ : امتیاز انحصار واردات قند وشکر ازخارج بافغانستان بتصویب مجلس عالی شورا و مجلس عالی وزرا وصحه سنیهٔ پادشاهی از تاریخ اول سنبله ۱۳۱۲ الی مدت ۷ سال درذیل ۱٦ مواد .

۳ ـ امتیاز انحصار واردات موتر وسامان کارآمد موتر از خارج بافغانستان بتصویب مجلس عالی وزرا و منظوری حضور مبارك شاهانه .

۴ ـ امتیاز سهم ۳۰۰۰۰۰ جلد پوست قره قلی با ساس تقسیمات ردیف (ب) مادهٔ اول لایحه انحصار تجارت پوست قره قلی وتصویب مقامات صلاحیت دار .

۵ ـ اشتراك سهم ۱۰۰۰۰۰۰ ـ افغانی از جملهٔ اسهام شرکت انحصار پطرول .

عمارت شرکت اسهامی نیز در تحت تعمیر است که منزل اول آن در سال ۱۳۱۳ بسر میرسد این عمارت یکی از عمارات معظم وعالی پای تخت خواهد بود مصارف اولیه آن تا اندازهٔ یك ملیون افغانی در نظر گرفته شده .

تشکیل هیئت شرکت اسهامی

هیئت مدیرهٔ شرکت اسهامی :

رئیس افتخاری ع ، ج میرزا محمد خان وزیر تجارت :

ع ، عبدالمجید خان .

« ، دوست محمد خان ایماق .

« ، غلام حیدر خان مختار زاده .

« ، محمد عمر خان .

« ، سید کریم خان .

« ، عبدالخالق خان

مامورین مرکزی

رئیس شرکت	:	ع ، ص عبدالمجید خان .
معاون عمومی	:	ع ، دوست محمد خان .
مدیر عمومی محاسبه	:	« میرزا خیر محمد خان .
کفیل مدیر اجرائیه	:	ص ، محمد امین خان .
نمایندهٔ شعبه شهری	:	« حبیب الله خان .
سرکاتب تحریرات واوراق	:	« غلام علیخان .
« شعبهٔ انحصار موتر	:	. . . .
« « حمل و نقل	:	. . . .
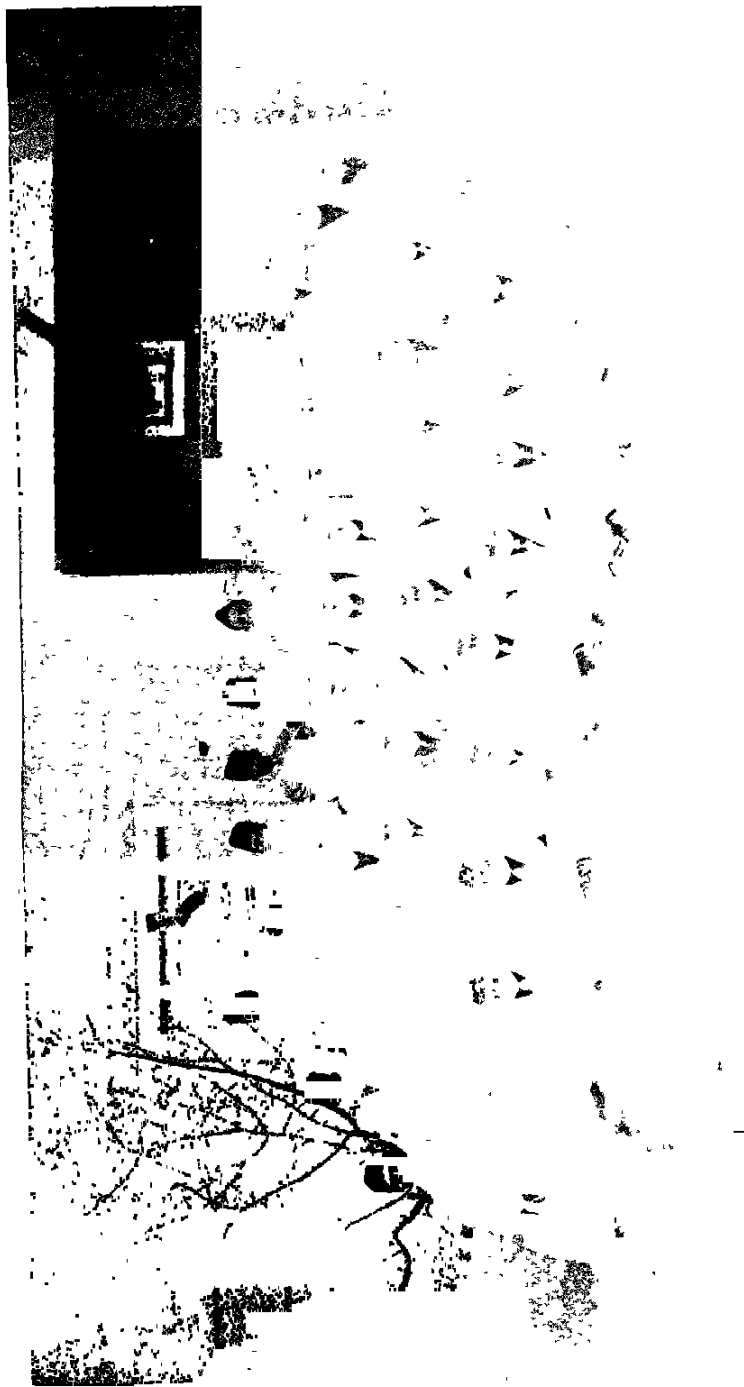
گروپ عموی هیئت مدیرهٔ شرکت اسهامی
Conseil Général des Fonctionnaires de la Banque Nationale Afghane.
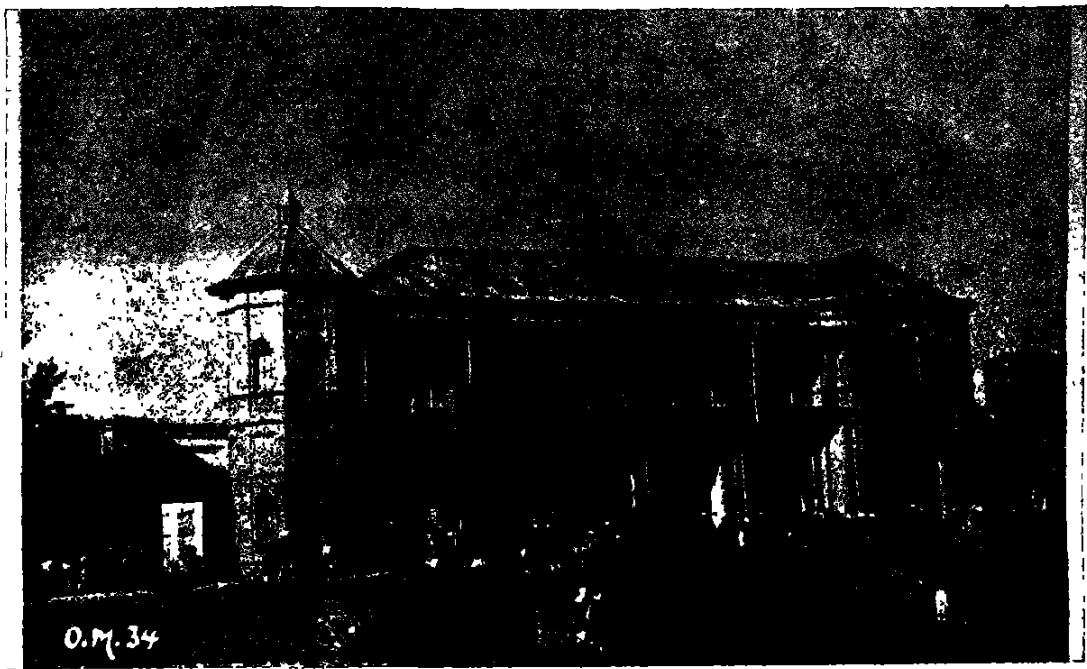
شرکت اسهامی
CHÉRKATÉ ASHAMI (Banque Nationale Afghane)

منظر پل هارتن وهوتل گذرگا
ولب دریای کابل از طرف کوه آسمائی عکس گرفته شده
Une partie du la ville de Kaboul (Vue prise aux environs du Pont de Harton
et l'Hotèl de Gouzarga)

نمایندگان شرکت در داخلهٔ افغانستان:

۱ :	نمایندهٔ غزنی		ص ، محمد عثمانخان .
۲ :	«	قندهار	ع ، سید کریم خان .
۳ :	«	فراه	« رحمن خان .
٤ :	«	هرات	« عبدالخالق خان .
٥ :	«	میمنه	ص ، حاجی محمد ابراهیم خان .
٦ :	«	اندخوی	« میرزا شاه محمد خان .
۷ :	«	مزار شریف	ع ، سید محسن خان .
۸ :	«	قلعهٔ جدید	ص ، میرزا محمد شفیع خان .
۹ :	«	کلات	. . .
۱۰ :	«	دکه	ص ، عبدالرؤف خان .
۱۱ :	«	مشرق	« عطا محمد خان .

نمایندگان شرکت درخارج:

۱ :	نماینده و مدیر عمومی هند	ع ، محمد عمر خان .
۲ :	« پشاور	ص ، میرزا خان محمد خان .
۳ :	کفیل نمایندگی کراچی .	« محمدیعقوبخان.
٤ :	« « چمن	« میرزا عبدالرؤف خان .
٥ :	« « لندن	« عبدالقادرخان .
٦ :	نمایندهٔ برلن	« عبدالرؤف خان .

وارده و صادرهٔ عمومی شرکت اسهامی الی اخیر برج حوت ۱۳۱۲ :

وارده ٤١ پول ـ۸۱۲٤۰٥٥۰ افغانی .

صادره ۷٤ « ـ۲٦۳۸۳۲۷۱ «

خریداری اموال جهة حکومت الی اخیر

برج حوت ۱۳۱۲ : ۱٤ « ـ۱۱٥۸٤۹٦۳ «

بودجهٔ عمومی شرکت اسهامی درسنه ۱۳۱۱ : ۸۲ « ـ۲۷۹٦۹ «

« « « « ۱۳۱۲ : ـ۳۷۰۸٥۹ « ٤۹۰۹۰ کلدار، ۷۳۱٦ پوند

صورت مخابرات مکتوبی دوائر مرکزی کابل شرکت اسهام الی اخیر حوت ۱۳۱۲

نومرهٔ مکاتیب دوایر مرکزی شرکت اسهام : (۱۳۸٥۰)

فروش صادراتی مملکت توسط شرکت اسهام ، ـ۲٦۲٤۰۹٤ افغانی .

ارتباط شرکت با بانکهای خارجه :

۱ : امپیریل بانک هند .

۲ : کنتوارنت سیونال دسکونت دی پاریس شعبهٔ بمبائی .

۳ : « « « « « پاریس

٤ : دویچ بانک دس کنتوگزل شافت برلین « برلین

٥ : ویست منستر بانک لمیتد لندن

٦ : « « « « پاریس

خریداری قند و شکر شرکت اسهامی : خرید ۸۷۳٦۲٥ افغانی ، فروش ٥۰ پول ـ٦۲۷٦۲٦ افغانی .

شرکت تنویرات

این شرکت روز بروز ترقی کرده رفع احتیاج عمومی مینماید . نواقص لین ها و ماشین و آلات رفع گردیده هیچگونه سکته گی در تنویرات منازل وغیره واقع نمیگردد ، محاسبات این شرکت باصول بهترین ترتیب و تنظیم یافته شرکاء کمال رضائیت از مامورین اداری داشته ، هر وقت می توانند ، بدفتر محاسبات رجوع نموده معلومات حاصل دارند

جاده های عمومی وبعضی جاده های داخلی شهر سویر باهم و تسهیلات خوبی برای عابرین پیش کرده است .

بعضی اجراآت شرکت تنویرات درذیل ذکر میشود :

۱ : درحصهٔ نوآباد ، دامنهٔ کوه آسمائی لین جدید تمدید گردیده .

۲ : درحصهٔ بالا قلعه ، حدود عاشقان و عارفان لین جدید زده شده .

۳ : در شهرآرا لین جدید امتداد یافته .

٤ : دردکانهای جدید جنب حضوری جدید این زده شده .

۵ : عمارت شرکت خیلی مقبول و عصری تعمیر ومکمل گردیده .

٦ : درده افغانان برج جدید تعمیر گردیده .

۷ : از پول عایدات شرکت ، شرکت یك مقدار منافع را بشرکاء تقسیم نموده است .

برای رفاه اهالی از طرف دولت کمك ومعاونت معسائی بعمل میآید یعنی از فابریکهٔ الکتریك دولتی قوهٔ مکفی به قیمت خیلی نازل باین شرکت داده میشود .

دایرهٔ زراعت ونسلگیری

وتربیهٔ حیوانات

یکی ازموسسات مفیدیکه مملکت ما قبلا فاقدآن بود ودرعهد حکومت اعلیحضرت نادرشاه شهید دارای آن گردیده دائرهٔ زراعت ونسلگیری وتربیهٔ حیوانات است .

این دایره دردوسال قبل ازطرف شهریار شهید اراده شده ودر قریهٔ علی آباد عمارات وجاهای لازمهٔ تربیهٔ حیوانات وطیور بالای املاك شخصی شهریار ممدوح تعمیریافته واقسام حیوانات وطیورقابل نسلگیری وحبوبات ونهال ازممالك خارجه جلب وبوسیلهٔ متخصص ماهر شروع بکار شده است .

اکنون این موسسه دارای بهبودی ورونق درستی شده وبودجهٔ مناسب وموروفی دارد یکمقدار طیور وحیوانات مفید درین موسسه تاحالاتربیه ونسلگیری شده ودرامور زراعت تجربه های نافعی بعمل آورده است .

قرار پروگرامیکه این دایره دارد پس ازموفقیت کامله در مرکز شعبات آن دردیگر نقاط مملکت هم تاسیس خواهد شد .

دایرهٔ نسلگیری وزراعت علاوه ازان اقدامات که راجع به تربیه وپرورش حیوانات مختلفه وقتاً فوقتاً بعمل آورده ودامنهٔ عملیات آن تدریجاً درتحت توجهات حکومت وسیعتر شده است جدیداً به تاسیس یك شفاخانه برای معالجه امراض مختلفهٔ حیوانات نیز پرداخته وداکتر لایق وادویهٔ لازمه وسامان مکفی برای شفاخانه مذکور تهیه دیده است . حیوانات به هرگونه امراضیکه مبتلا شوند به شفاخانهٔ مذکور معالجه میشود ، این شفاخانه به حیوانات اهلی خیلی مفید واقع شده است .

اصولنامه ها و لوائحی که درسال ۱۳۱۲ تصویب شده

۱ : « اصولنامهٔ وظایف مدیریت های تحریرات

۲ : « « « « « مامورین .

۳ : « « « « « اوراق .

٤ : « « استعفای مامورین ملکی وعسکری .

۵ : « « بلدیه .

٦ : « « تشکیلات اساسی .

۷ : « « ویزه و اقامت اتباع خارجه درافغانستان

۸ : « « توقیف خانه و حبس خانه ها

۹ : « « مراسم تعزیه داری .

۱۰ : « « « نکاح، عروسی و ختنه سوری .

۱۱ : « « فروش اموال تحویلخانه های دولتی .

۱۲ : « لایحهٔ ورود و نمایش مال التجاره خارجه در افغانستان .

۱۳ : « « انحصار قند و شکر .

۱٤ : « « « تیل پطرول وغیره تیلهای کارآمد موتر

۱۵ : « « شرکت پشتون قندهار در موضوع فروش میوه‌تر و خشک قندهار در خارج .

۱٦ : « « اخراجات پوست واستعمال پول مستحصله فروش آن .

۱۷ : « مادهٔ واحده راجع به احد محصول تفنگ های شکاری .

۱۸ : « ضمیمهٔ اصولنامهٔ حاضری و رخصتی مامورین

۱۹ : « « اصولنامه حاضری و رخصتی مامورین راجع رخصتی مستخدمین وعمله فابریکات و دوایر و افراد عسکری و پولیس .

۲۰ : ضمیمهٔ تعدیل اصل ۱۵ اصول اساسی .

۲۱ : ٦ فقره تصاویب متعلق به امور خارجه (تفصیلات آن دراجراآت امورخارجه تذکار یافته).

۲۲ : راجع به تحقیق نشانهای حکومت سابقه .

۲۳ : « به تعین هیئت تدقیق بودجه سال ۱۳۱۳ مملکت ازجملهٔ اعضای مجلس شورا .

۲٤ : « به الغای محصول صرفیات داخله، فرق فیات چهاریکه کشتم، سبز مندئی و بارانه که در ریاست های بلدیه اخذ می شد .

اعطاي نشان

ذواتیکه از حضور اعلیحضرت شهید و اعلیحضرت همایونی محمد ظاهر شاه نائل به نشان گردیده اند:

سردار اعلی : ع ، ح دوکتر هربرت شوربل وزیر مختار دولت آلمان در کابل.

» » : » » ون چن روکلاسی وزیر مختار دولت بهیهٔ ایطالیا در کابل.

» » : » » موسیو البرت بودار وزیر مختار دولت بهیهٔ فرانسه درکابل.

» » : ع ، ص اسلام بیک مستشار وزارت مختاری افغانی در پاریس در اثر حسن صداقت و خدمت او.

» » : ع ، ش سردار علی شاه خان فرقه مشر اول قوماندان مکتب حربیه » » » و خدمت او.

استور درجه اول : پروفیسر ژوزف هاکن مدیر موزه لیمه معلم مکتب نورو رئیس حفریات فرانسه در افغانستان.

» » » : ص حاجی محمد سعید خان سابق مدیر گمرك هرات در اثر حسن خدمت و صداقت او.

» » » : محمدعتیق خان طالب العلم افغانی در برلین. » » »

» » دوم : مستر تاکاکی جاپانی معلم جوجید سو مستخدم وزارت حربیه.

نشان صداقت : عموم صاحبمنصبان و افراد عسکری که به مملکت خود ابراز صداقت کرده اند.

نشان خدمت : ع ، ح عبدالاحد خان رئیس و ع ، ص عبدالحق خان معین و ص عبداللطیف خان منشی و یکصد و دوازده نفر وکلای دورهٔ اول شورای ملی.

» » ح محمد قاسم خان غند مشر رئیس ارکان حربیهٔ فرقه شاهی که در تعلیم و تربیهٔ نفری تعلیمگاهٔ خورد ضابطان فرقهٔ شاهی زحمت کشیده.

» » ع ش عبدالله خان فرقه مشر که در تعلیم و تربیهٔ نفری تعلیمگاهٔ خورد ضابطان قول اردوی مرکزی ابراز همت نموده.

» » یکنفر برکمشر و پنج نفر افراد اسپور شاهی که در آوان انقلاب خدمت کرده اند.

» » عموم صاحبمنصبان و افراد عسکری که در قضیهٔ تجاوز اشرار وزیری خاك خارجه خدمت کرده اند.

افتتاح رفقی سناتوریم

در دورهٔ اعلیحضرت نادر شاه شهید، افغانستان رو به ترقی نهاده و نهضت مخصوصی در تمام رشته های وطن نمایان گردید قشون تنظیم، امنیت در وطن تامین، معارف تعمیم یافت مؤسسات عام المنفعه افتتاح و تاسیس شد. که ازان جمله یکی رفقی سناتوریم بوده و قبل از زمان افتتاحش مختصر ذکری ازان در سالنامهٔ گذشته کرده بودیم اکنون در سال ۱۳۱۲ بتاریخ چهارشنبه (۱۴) سنبله رفقی سناتوریم بحضور رجال بزرگ دولتی، اعزه، معاریف داخلی و نمایندگان محترم خارجی بدست حق پرست اعلیحضرت شاه شهید افتتاح یافت که درین جا ازلحاظ اهمیت بنا و موضع آن معلومات مختصری ذکر میگردد.

رفقی سناتوریم در دامنهٔ سلسله جبال (کافرکوه) که غرب کابل را احاطه کرده و از طرف دیگر این دامنه بوادی سرسبز و شاداب چهاردهی منتهی میشود واقع و مساحهٔ سطحیهٔ که برای آن تخصیص داده شده بالغ بر (۹۷،۵۰۴ متر و ۲۹ سانتی) مربع میشود ازان جمله ۲۷۴ متر و ۶۹ سانتی مربع برای عمارت سناتوریم و (۹۴۲۷۹ متر و ۶۰ سانتی) مربع جهت باغ، که این بنا در وسط تعبیه گردیده تعیین یافته است.

این سناتوریم بر یك سطح مائل واقع و ازنقطهٔ نظر ژئولوژی کوهی که درعقب آن موقعیت دارد از اراضی ولکانیك وسنگ های آن ازگرانیك متشکل است. سلسلهٔ کوهای عقب سناتوریم از شرق جنوبی لشمال غربی ممتدومتوجه و در دامنهٔ طرف غربی جبال مذکور بمرورزمان بعضی برآمدگیها وفرورفته گیها احداث شده که سناتوریم علی آباد در وسط یکی از فرورفته گیهای مذکور وقوع یافته واین ترتیب دراهمیت صحی آن مدخلیت تامی دارد.

زمین سناتوریم ازطبقات ریگ دارتشکیل یافته وطبقهٔ غیر قابل نفوذ این اراضی از سطح زمین به عمق زیادی واقع بناءً علیه ازنقطهٔ نظرمایل بودن زمین وخاصیت طبقهٔ ریگزار اراضی تماماً خشك وعاری از رطوبت بوده آب هائی راکه به زمین جذب می شود به زودی دفع مینماید واین خصوصیات درسناتوریم خیلی حائز اهمیت است.

اعلیحضرت شهریار شهید بروز افتتاح رفقی سناتوریم

درموقع افتتاح رفقی سناتوریم لایحهٔ ازطرف رفقی بیک عرض وقرائت می‌شد

S. M. la Roi Martyr, le jour d'Inauguration de RIFKI SANATORIUM. (Vue prise au moment où le Dr. RIFKI BEY lit son discours).

منارهٔ ساعت وزارت حربیه که درسال ۱۳۱۲ تعمیر وبناپافته بود
Un coin nonvellement construit du Ministère de la Gueure

یکی از اوصاف دیگر این سناتوریم وقوعیت آن در مدخل فرورفته‌گی کوه است و کوهایکه عقب آنرا احاطه کرده اند سناتوریم راتماماً ازباد شمالی محفوظ داشته است. محفوظ بودن سناتوریم ازباد شمالی که اززروهای سلسله، هندوکش بوزیدن آغاز کرده و تاحدودیکه می رسد هوای سرد منتشر و موجب تحولات هوائیه میگردد یك امر معتنابها میباشد وقوعیت سناتوریم علی آباد درفرورفته گی کوه آنرا ازخطر تحولات آتیه هوائیه مصئون کرده است. سناتوریم بطوری انشا و تعبیه شده که دربین آن وکوه یك فاصله وجود دارد ودربین فاصله انواع اشجار وگلها غرس وکاشته شده. مقصد اساسی وصحی در غرس این اشجار تخفیف حرارت منتشره سنگهای کوه است که به سبب تابش آفتاب کسب میکنند. فاصله دربین بنای سناتوریم وکوه وغرس اشجار در آن، ازیکطرف برای تخفیف حرارت سنگ ها در روز وسیلهٔ خوبی بوده و از جانب دیگر طبقات هوائیهٔ آن مانع رسیدن حرارت به بنای سناتوریم میشود حرارت که ازطرف شب ازسنگها نشر میشود آنهم برای گرم نگهداشتن هوای سناتوریم و عدم ظهور تحولات هوائیه خدمت میکند وهوای شب وروز سناتوریم را بحالت اعتدال محافظه مینماید که این موضوع ازنقطهٔ نظر صحی اهمیت زیادی را حائزاست. وگذشته ازین فاصلهٔ بین بنای سناتوریم وکوه وغرس اشجار دران حرارت راکه سنگها درموسم تابستان انتشار مینمایند نیز ازالهٔ وبرطرف مینماید. خصوصیت دیگری که موجب مزیت سناتوریم شده این است که جهت آن بطرف جنوب متوجه است وازین لحاظ ازندوطلوع الی وقت غروب معروض به تابش آفتاب واثرات اشعه شمسیهٔ میماند. سناتوریم در وادی سرسبز وزمرد فام چهاردهی منظرهٔ دلربا وفرحت افزائی را حائزاست واین وقوعیت کیف ومعانی آن را دوبالا کرده مزیت مخصوصی بآن بخشیده است وادی سرسبز چهاردهی هوائی راکه به سناتوریم میرسد کاملاً تصفیه کرده ازهرنوع گردوغبارپاك وباطراوت مخصوصی می رساند تقرب آن به شهرکابل هم ازنقطهٔ نظرتامین هرگونه مایحتاج ومایلزم سناتوریم شایستهٔ تذکروصفت است که درصف دیگر محاسن آن قراریافته.

سناتوریم دروسط باغ بزرگی که مملو ازهرنوع اشجار، بته ها، گلها پارکها و بکمال اهتمام تنظیم شده قراریافته، ترتیب این باغ به کیف صحی وطراوت هوای آن خیلی افزوده

است. درسناتوریم وباغ آن ازدومنبع آب آورده شده که برای نوشیدن واستعمال آب یاری بمصرف میرسد ۱ : آب چشمه باعتبار صفائی ، خاصیت کیمیویه باکتورلوژ ویه این آب ازتمام آب های موجوده شهر کابل ونواحی آن جمع است . واین آب بواسطهٔ ماشین (ها یکی بذریعهٔ آب و دیگری بواسطهٔ الکتریك بکار انداخته شده) در حوض های ... که بدامنهٔ کوه بیك نقطهٔ مرتفع تعبیه میشود وآبهای ذخیره شده بعدازرسیدن بماشین فلتر بغرض نوشیدن واستعمال بمقامات لازمه توزیع میگردد .

۲ : این هم بدو واسطه (ماشین الکتریك وآبی) ایصال میگردد ودرحوض جداگانه که بدامنهٔ کوه برای آن ساخته شده واصل و بمصرف میرسد ویك قسمت آن بحوض ها ئیکه جهته اطفای حریق وغیره بقسم احتیاطی در هر چهار کوشهٔ سناتوریم ترتیب گردیده ذخیره میشود . تمام اقسام شفاخانه به سستم جدید تعمیر گردیده وترتیبات تسخین مرکزی والکتریکی را حائز میباشد . تسخین مرکزی مخصوص ایام زمستان وشدت سرما بوده بحداصغر (۲۵) سانتی گراد حرارت انتشار میکند وتمام خدمات داخلی سناتوریم ازقبیل توزیع اطعمه ودعوت خدمتگاران وغیره بذریعه تاسدس الکتریکی انجام می یابد . بنای سناتوریم یك بنای مرکزی ودرعقب آن بفاصلهٔ محدودی دیسپانسر ، اپارتمان نرس (محل نشیمن سرپرستار) آشپز خانه ودوبی خانه وتحویل خانه اوتوخانه ، بیت الخدمه هاودوائر مربوطه واقع گردیده است .
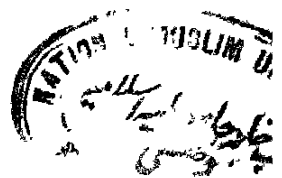
نمونهٔ خطاطی قدیم افغانستان

(که در کلکسیون جناب قاری صاحب عضو انجمن ادبی موجود است)

Spécimen d'Ancienne Calligraphie d'Afghanistan.

نمونه ایست از خط نستعلیق فاضلهٔ محترمه خانم مرحوم سردار عبدالقدوس خان اعتمادالدولهٔ افغانستان (متوفا در سال ۱۳۰۶)
که این مخدرهٔ فاضلهٔ اعلی با هرگونه اوصاف و کمالات قابل وصف تا هنوز در کابل امرار حیات مینماید
Spécimen d'Ecriture d'Une Femme Contemporaine de Kaboul

جناب مرحوم سردار عبدالقدوس خان اعتمادالدوله که از خدام صادق و فعال وطن بوده
در سال ۱۳۰٦ درکابل وفات کردند

افتتاح جادهٔ درهٔ شکاری

بطوریکه افغانستان همیشه مورد پرورش و اصلاحات وطن پروانهٔ شهریار فقید اعلیحضرت محمد نادرشاه غازی وخاندان نجیب شان واقع شده ودر ادوار خد متگذاری این فرزندان نجیب خود مصدر خیلی خوشبختی ها گردیده است عمران جادهٔ درهٔ شکاری نیز ازهمین قبیل کار نامه های درخشنده واقدامات بزرگ این فرزندان نامی افغانستان بشمار می رود .

جاده ها که بمنزلهٔ عروق دربدن یك مملکی بوده ، امورامنیت واقتصادیات ، روابط حسنه اجتماعی . اتحاد ملی همه وابسته بآن است متاسفانه درسالیان متمادی وطن ما ازداشتن اینگونه جاده های مهمه محروم مانده بود ، مخصوصاً دو ولایت عمده وچندین حکومتی های صفحات شمالی وطن نکلی ازمرکز وحصص جنوبی خاك ماجدا ودر حال دوری مانده از فوایدیکه مذکور آمد بی بهره بوند اینك خوشبختانه می بینیم که درعصر تاجدار شهید بتوجه ومساعدت صدر اعظم دانای وطن والاحضرت سردار محمدهاشمخان سرك درهٔ شکاری که سمت بوسیع کوهستانی این حصه وپهناوری وسختی جبال هندوکش که هرکس مشکلات آنرا میداند سرك مذکورا عماریذیرفته وحصه شمالی ومرکز وحصه جنوبی(بلکه تماماً قطعات خاك وطن) را بهمدیگر وصل می نماید .

اهمیت سرك شکاری از نقطهٔ نظر تجارت :

راهیکه قبلاً از کابل سوی ولایات شمالی ویا از آنجا بکابل پیموده میشد از کابل تاآغه رباط سرك موار آنجا مسافرین مجبور بودند کوتل های صعب العبور آغه رباط ، دندان شکن ، چمبرك ها ، قره کوتل را عبور نمایند . مخصوصاً مال التجاره درایام تابستان ذریعهٔ حیوانات در ۲۵ روز ودرزمستان اگر برف کم میبود بار حمات تحمل فرسائی درمدت یکماه وارد منزل مقصود میکردید ، واگر احیاناً بارندگی تواتر داشته و انقلابی دراوضاع جوی رونمای شد عبور ازین کوتل ها خارج ازحد امکان بوده ومال التجاره بواسطه بندش راه مدتها معطل وضربهای شدیدی به تجارت مملکت وارد می نمود ، امازراه شکاری که ازدرهٔ شکاری عبور کرده باوسایل نقلیهٔ عصری مثل موتر های لاری بزرگ راه ۳۰ روزه را(علاوه از رفع خساراتیکه ازین باعث بقافله ها وارباب سرمایه وارد میشد) سه روز قطع مینماید مسلم است که اینگونه تسهیلات ترقیات شایانی را درامور اقتصادی مملکت واقع می نماید .

تسهیلات درروابط عمومی مملکت :

ولایات (مزار ، قطغن) که ذریعه جادهٔ شکاری بکابل وصل میشود وغیر ازاهمیت تجارتی ازنقطه نظر امور زراعتی وفلاحتی آن هم قابل استفاده میباشد ، مثلاً بعضی سال ها که سرما شدت می نمود وراه عبور ومرور مسدود می شد ، بجز طبقات متمول که تحمل بحران های سنگین ارزاق را می توانند ، طبقات کم بضاعت که قوهٔ استطاعت آن ها ضعیف است تقریباً از حیث تنگی ارزاق دچار عسرت می شدند ودرهمین سال ها که اهالی مرکز به اینگونه بحران ها دست وگریبان بودند اهالی مزار وقطغن ازوسعت ارزاق محیط خودها همیشه از انبارهای غله وگله های گوسفند مستغنی بوده ضمناً ازنبودن خریدار شکایت می کردند ، زیرا وسیلهٔ عمدهٔ تجارت آنها مواد حیوانی وغله بوده وبواسطه صعوبت ومشکلات راه کابل نمی توانستند ازین تجارت چیزی استفاده کنند کذا در موسم سرما برای بکاربردن از محروقات همیشه

اهالی شهر کابل ذغال جلغوزه بلوط حتی ارچه را از اشخاصی ابتیاع می کنند که آنها جنگلهای کوهی طبیعی نواحی قریهٔ کابل را بدون رعایت کدام اصول فنی قطع نموده به بازار عرضه میدارند.

سرك درهٔ شکاری می تواند مواد غذائی مزار و قطغن و ذغال سنگ علاقه جات تاله و برفك را بکابل نقل داده و تدریجاً این نواقص و مشکلات تجارتی داخله را رفع نماید. هم چنان در سالهایکه خدا نخواسته آفات ارضی یا سماوی بزراعات ولایات شمالی صدمهٔ برساند اهالی آنجا میتوانند از ارزاق و غله ولایت کابل استفاده نمایند.

اهمیت اجتماعی:

یکی از عوامل بزرگی که در ایجاد اتحاد در تجانس اخلاق و عادات طبقات مختلفهٔ یك مملکت موثر است، همانا اختلاط و امتزاجی است که بین افراد بوسیلهٔ تجارت و دادوستد و آمیزش و رفت و آمد تولید میشود، پس در محیط هائیکه عوائق طبیعی از قبیل جبال رفیع و دره های پرخم و پیچ وغیره وجود دارد طبعاً در اختلاط اقوام بهمدیگر موانعی تولید میکند، که از همه اولتر برداشتن موانع و عوائق مذکوره یکی ازالزم ترین اصلاحات اجتماعی شمرده میشود گویا تسطیح سرك درهٔ شکاری و رفع زحمات و تکالیف که در راههای سابق بمسافرین دست میداد این نقیصه را هم از بین برداشت، واکنون در مدت سه روز بدون احساس زحمت افراد کابل می توانند بولایات شمالی رفته با برادران متوطن مزار و قطغن خود و از آنجا بکابل آمده از اخلاق و عادات و طرز معیشت و آداب معاشرت همدیگر استفاده نمایند.

این است از فوائد اقتصادی اجتماعی جادهٔ شکاری که فوقاً بدان اشاره شد. اصول اقدامات و ترتیب ساختمان این شوسه را هم در سطور آتی به نظری قارئین میرسانیم:

اعلیحضرت محمد نادر شاه شهید و جناب عالیقدر جلالتمآب صدراعظم صاحب بمقصد ارتباط ولایات مملکت و تنظیم امور اقتصادی وطن در سال ۱۳۰۹ احداث سرك مذکور را اراده فرموده و پروژهٔ ساختمان آن بوسیلهٔ وزارت تجارت مرتب شده بتاریخ ۱۰ حمل ۱۳۱۰ آغاز بکار و هیئت منتخبهٔ کار بموضع مذکور اعزام گردیده و مطابق پلان مرکز آغاز بکار شده لاینقطع کار جاری بود و بتاریخ ۱۰ اسد ۱۳۱۰ عالیقدر جلالتمآب میرزا محمد خان وزیر تجارت برای اخذ اطلاعات دقیقه واعطای دساتیر جدیده ووارسی بجزئیات امور بایك هیئت از حضور والا حضرت صدراعظم صاحب از مرکز عازم درهٔ شکاری شدند و عملهٔ کاریگر و ترتیب جریان کار را قرار آتی تعیین فرمودند:

کاریگران از اهالی قریه		برای	متر مسافه		نفر فعله هر روزه
آنجا		برای	۹۷۶۵	متر مسافه	۵۰۰ نفر فعله هر روزه
»	سرخ و پارسا	»	۸۳۷۱	» »	۵۰۰ » »
»	بامیان	»	۹۷۶۵	» »	۵۰۰ » »
»	سیغان و کهمرد	»	۲۰۹۹	» »	۲۰۰ » »
»	تاله و برفك	»	۱۸۰۰۰	» »	۳۰۰ » »
		»	۴۸۰۰۰	» »	۲۰۰۰

غیر از نفری فوق برای امور مشکله مثل سرنگ پرانی وغیره به تعداد ۲۹۰۸ نفر تقریباً عملهٔ انشاآت نیز هر ساله در امور سرك مشغول کار بوده اند در قراردادی که اهالی مذکور راجع بختم کار راه سازی باحکومت کرده بود چنین قید شده بود که مسئول قلت و کثرت عمله خود شان بوده ولی حکومت لوازم کار را از طرف خود آماده می نماید. حکومت نیز این ترتیب را تصویب نموده به ادخال فعلهٔ اطراف و جوانب عملیات راه سازی را سریع تر نمود.

ما چیزیکه درحین اجرای کارقدری تکالیف واردی کرد آذوقه رسانی وما یحتاج نفری عمله کار بود ، درحالیکه نواحی قریبهٔ درهٔ شکاری غیر مسکون بوده ولوازم مذکوره از نقاط بعید حمل می شد ، ولی با آنهم حکومت متبوعه بجدیت تمام کافهٔ حوایج عمله را از قبیل خوراك وپوشاك ، محروقات وغیره بخوب ترین شکلی تامین نمود که عمله وتمام مامورین تسطیح راه درهٔ شکاری از هر جهت مطمئن وآسوده بودند . وبالاخره بعد از مرور سه سال یعنی از اسد ۱۳۱۲ کار سرك شکاری از دهنه شکاری تادهنه غوری اختتام یافت ، اولین ابلاغیهٔ که راجع بختم کار سرك شکاری درمطبوعات دیده شد بتاریخ ۱۸ اسد ۱۳۱۲ بود که مجله اقتصاد باتکامل اطلاع متخذهٔ خود فوق العادهٔ نشر نمود .

(اهالی وطن از تصمیم حکومت راجع بساختمان شوسه شکاری مسبوق ومنتظر نتیجه بودند . اینك باکمال مسرت مژده میدهیم که شوسهٔ مذکور بتاریخ ۲۱ اسد تسطیح و انجام پذیرفته بتاریخ ۱۹ اسد اولین موتر از سرخك بین به مزارشریف حرکت نمود ویك موتر از مزار شریف که حاوی خربوزهٔ غوری بود بتاریخ ۲۱ اسد ازدره کاروان عبور نموده ، بتاریخ ۲۲ اسد وارد کابل شد) گویا موتر حامل خربوزه اولین موتری بود که محصولات ولایات شمالی مملکت راه عبور از سرکیکه دردوران حکومت نادرشاهی تسطیح شده ویکی از یادگارهای بزرگ عهد مصلح نادرشاهی بحساب می رود بکابل حمل نمود . متعاقب آن بتاریخ ۷ عقرب جناب عالیقدر جلالتمآب والاحضرت صدر اعظم صاحب اراده فرمودند تا سرك درهٔ شکاری رابطور رسمی شخصاً افتتاح نمایند، لهذا ، ع ، ج عبدالاحدخان رئیس شورای ملی وع ، ج فیض محمدخان وزیر امور خارجه وع ، ج میرزا محمدخان وزیر تجارت وسایرین درحالیکه شرف معیت والاحضرت ممدوح را حائز بودند بساعت ٦ صبح روز مذکور از مرکز عازم درهٔ شکاری شدند ؛ بعد از ورود شان شرحیکه از نظر خوانندگان میگذرد راه را افتتاح فرمودند .

سواد نطق والاحضرت صدر اعظم صاحب

بروز افتتاح سرك درهٔ شکاری

حضار محترم ! خدای متعال را شکر گذارم که امروز در سایهٔ شهریار وطن پرور افغانستان اعلیحضرت محمد نادرشاه غازی امور مملکت عزیز بلافاصله تنظیم شده ومدارج بلند ترقی را می پیماید .

درین دورهٔ درخشنده نظر بحسن نیات وعشق وعلاقهٔ مخصوصیکه ذات شاهانه برای پیشرفت امور وسعادت ملك وملت خود دارند خوش بختانه می بینیم که کارهای سود مند ومطالب خیلی نافع که تماماً مقرون بصرفه وصلاح مملکت است از حضور ملوکانه امر واراده وبوسیلهٔ هیئت دولت ایجاد وتاسیس میشود .

بنده خیلی خورسندی وافتخار داشته وایزد متعال را مجدداً حمد وسپاس میگویم که درعصر چنین پادشاه ترقیخواهٔ دانا شرف خدمتگذاری افغانستان وطن عزیز خود را دارا بوده ومورد نوازش پادشاهٔ محبوب نسبت بایفای اینگونه خدمات نافعهٔ ملی بنده وهیئت کابینهٔ من واقع می شود !

احراز موقعیت ها وماموریت ها البته دریك کشور برای افراد خیلی حظ وافتخارات دارد ، ولی اگر مامورین وعهده داران امور درحدود وظیفه وفرایض خدمتگذاری خود بی اعتنا بوده وقلباً علاقهٔ نداشته باشند البته مسئولیت آنها بنزد خدا وجامعهٔ ملی خیلی سنگین است ، پس من از سایر مامورین محترم افغانستان تشکر میکنم که آنها درراه ایفای وظیفه وحسن تطبیق اوامر وارادات اعلیحضرت همایونی درهیئت واجزای کابینهٔ این خادم وطن مجاهدانه کوشیده ووسائل خورسندی خاطر مارا همیشه فراهم نموده اند .

یکی از نمونه های مهم ... که ... وزیر صاحب تجارت، تعمیر این جادهٔ درهٔ شکاری است که جناب شان از آغاز کار وصدور امر ملوکانه مطابق هدایات و نظریات ما متوالیاً باخبری از کار وتهیهٔ وسائل وعمله کارگر وغیره امور متعلق براه سازی را نموده واینک موافق آرزوی ما جادهٔ شکاری تعمیر شده است برای تسطیح این طریق مهم درین موضع که بکوهای بلند محاط است تهیه نفر کارگر یک امر مهم وازتهیه مواد خورا که برای یک جمعیت کثیر ورسانیدن اسباب وآلات راه سازی بازآن مهم تر بود صرف مساعی وکوشش وزیر صاحب تجارت قابل تقدیر وتحسین است که به مدت کم و بصورتیکه آرزوی حکومت بوده کار این جاده بزرگ باختتام رسید، همچنان از تمام مامورین که وظایف مفوضهٔ خود را بدرستی انجام داده واز تمام افراد کارگر واز جمیع خوانین وکلان شوندگان واهالی اطراف که باقوام خود درین خدمت اشتراک نموده اند اظهار خورسندی ورضایت نموده اوشان را سعادتمند میدانم که درین خدمت بزرگ مملکت خود اشتراک نموده هریک بقدر سهم خود حصه گرفتند.

گرچه درین شوسه صرف زحمت مأمورین ومول حکومت شده واهالی صادق اینحدود مساعی و مجهودا یکه فراموش شدنی است ابراز نموده اند ولی بایدداست که درنتیجه وطن عزیز ما دارای یک طریق مهم حیاتی شده واین شوسه تمام قطعات مهمهٔ حیات مملکت را بهمدیگر وصل مینماید، چه درسالیان دراز بواسطهٔ این سلسله کوهای عریض وطویل هندوکش ولایات شمالی وحصه های جنوب ومرکز ازهم جدا واز مواد اقتصادی منافع اجتماعی واتحاد معنوی وروابط ملی اهالی این دوحصه نسبت بهمدیگر خود محروم وبیگانه مانده بودند.

بخاطر دارم سالهائی را که در کابل قحطی غله وما یحتاج خورا که واقع شده واهالی خیلی دچار عسرت گردیده بودند ولی عیناً درهمان سالها در ولایات شمالی انبار های غله بواسطهٔ کثرت مقدار وقلت خریدار خراب وضایع شده خسارات هنگفتی را برای اهالی ایجاد میکرد وهمچنان درسالهائیکه آفات درمزروعات ولایات شمالی واقع میگردید اهالی آن نمیتوانستند ازغله وآذوقهٔ ولایت کابل استفاده نمایند.

کذا بواسطه نبودن طریق سهل مسافرت اهالی این دوحصه نمیتوانستند بدون کدام امر مهم ضروری زحمت مسافرت یکماهه این راه صعب ومشکل را متحمل شوند، لهذا نکلی از عادات ومراسم طرز زندگی ووحدت اخلاق خودها بیگانه بوده اهالی ولایات شمالی اهالی کابل را واهالی کابل اهالی آن ولایات را باوجود وحدت مذهبی ونژادی غریب وبیگانه می پنداشتند.

پس خیلی امروز جای خورسندیست که درعهد همایون اعلیحضرت محمد نادرشاه غازی این طریق مهم ساخته شده واهالی این دوخطه میتوانند در ... دوسه روزی با وسایل نقلیات عصری وبکمال سهولت وآسانی باهمدیگر خود رفت آمد داشته از مواد تجارتی جات های همدیگر خود استفاده نمایند.

در نتیجه امید وارم این طریق مهم که ما مبارک درهٔ شکاری اش مینامیم فی الحقیقت درآیندهٔ قریبی برای تأمین روابط اخوتانه وترقی اقتصادیات اهالی مملکت ما طریق سعادتی شمار خواهد آمد.

درخاتمه سعادت وترقیات روز افزون وطن عزیز وحصول سعادت ملت افغانستان را از خدای متعال استدعا نموده بنام خدای پاک وبافتخار اعلیحضرت محمد نادرشاه بزرگ این شوسه را افتتاح مینمائیم.

سپس ع ، ج میرزا محمد خان وزیر تجارت نطق آنرا بحضور مبارک والاحضرت صدر اعظم جواباً عرض وقرائت نمود.

سواد نطق ع ، ج وزیر صاحب تجارت

والا حضرت معظماً ! افتخار دارم که امروز در محضر این حضرات که به افتخار تشریف آوری ذات والای شما برای افتتاح شوسهٔ شکاری درین موضع حضور بهمرسانیدهٔ اند بگویم :

این پروژهٔ بزرگ را که تاکنون در افغانستان سابقه ندارد ودرخور پروگرام های دول بزرگ امروزهٔ دنیاست مطابق اوامر وارشادات ذات ملوکانه ووالاحضرت صدر اعظم صاحب بدستیاری رؤسا وفعلهٔ اقوام اطراف وجوانب این موضع ما صاحب منصبان وعملهٔ انشاآت وسایر مامورین دولت حسب مطلوب بسر رسانیده ایم . بلی دروقتیکه اجرای کار جاده شکاری روی دست گرفته شد از منابع مخصوصی که شاید فقدان فضائل روحانی غالب تر از اغراض انشان بود بیهم این حمله که چنین کار بزرگ که حکومات قبل را حتی بردن نام آن بوحشت می انداخت نه امکان بسر رسیدن دارد ونه افغانستان به این قبیل امور سابقه دارد » استماع میگردید ، ولی ما طوریکه در کار های خارقه نمای مرد جلیلی مانند اعلیحضرت محمد نادرشاه غازی ووالاحضرت شما اطلاع داشتیم وسوابق زحمت کشی وخدمت گذاری ان آلا ئش ثابت نما واضح بود . اتکاً به تائید خداوندی واطاعت اوامر شما نموده بدون اینکه این پروپاگندهای مغرضانه که فضائل معنوی را متزلزل می‌ساخت درما ادنی تأثیری تولید کند شروع بکار نموده تاحدیکه اقتدار شخصی اجازه میداد اوامر وهدایاتی را که شما اعطا میفرمودید بموضع عمل گذاشتیم تا اینکه لله الحمد تعالی به الطاف خداوندی وقوه تدبیر وحکمت عملی حکومت مصلح موفق گردیده بطلان عقاید مغرضین را امروز اثبات میکنم .

کار ساختمان سرك از اوایل آغاز تاکنون بطور طبعی جریان داشته ، تمام سهم داران اجرت پیشه و مامورین و مهندسین در تطبیق نظریات وآمال حکومت مطبوعه که در مواقع مقتضیه کتباً از وزارت تجارت بایشان تبلیغ میشد وبا در مواقع ورود خودم در اینجا به ایشان ایراد میگردید کما حقه سعی کردند و عملی نمودند وهمان بود که بعد از معاودت هر بار از سرك شکاری اوضاع ساختمان را تا تمام کوائف همیشه بحضور عرض کرده ام

طوریکه اجمالاً والاحضرت فرمودند این جاده یکطرف صفحهٔ دیگری در تاریخ اصلاحات دورهٔ مصلح نادرشاهی باز میکند و از طرف دیگر امید است مصدر خدمت مهمی در امور اقتصادی و معنوی ملت افغانستان گردد .

چون والاحضرت در ضمن فرمایشات خود الطافاً از خدمات ناچیزانهٔ بنده اظهار رضائیت فرمودند ، لهذا عرض میکنم من شخصی مصدر خدمت بلند تری طوریکه آرزو داشتم نشده ام وچیزی که توانستم و حقیقةً باعث افتخار من است تنها تطبیق آمال اعلیحضرت غازی ووالاحضرت شما است که عهدهٔ مربوطهٔ خود را بزعم خودم بصداقت انجام دادم ، درخاتمه افتتاح این شوسه را به اعلیحضرت غازی ووالاحضرت وسائر ملت افغانستان تبریك گفته از خدای مهربان التماس دارم که حکومت متبوعهٔ ما را زیادازین در تحت هدایات شهریار فهیم وکار آگاه آن بموفقیات بزرگتری نائل گرداند .

بالجمله طوریکه بدکار رفت شوسهٔ شکاری که یکی ازمفید ترین ومهم ترین کارهای که تاکنون در تاریخ افغانستان عملی شده افتتاح ومحل استفادهٔ عامه قرار یافت ـ

جادهٔ شکاری مزایای زیادی دارد که ماتنها بذکر مختصر آن قناعت نمودیم امید است کافهٔ ملت نجیب افغانستان قدر وقیمت همچه امور را که دردوران حکومت فعلی عملی میشود دانسته وقیمت خدمات این حکومت شریف خود را بیش از پیش بدانند .

افتتاح نهر سراج مشرق

نهر سراج سمت مشرقی همان نهریست که درسال ۱۲۹۰ شمسی حفر آنرا اعلیحضرت امیرحبیب الله خان اراده کرده بود. شروع خط سیر این نهر ازبرابر پل درونته اتخاذ شده وتا یك حدی بکنار سرك لغمان ممتد وباستقامت قلعهٔ بختان ازدریای سرخ رود عبور وبرشیله باقی وقلعهٔ شاهمرد خان ودشت سیاه مردان وکاریز میر گذر کرده وتقریباً چهارده هزار جریب زمین لامزروع وخارهٔ سمت مشرقی را مشروب وقابل زرع می نماید.

در زمان اعلیحضرت سراج الملته والدین کار حفاری نهر مذکور جاری ولی بواسطهٔ شهادت اعلیحضرت موصوف ازسنهٔ ۱۲۹۷ تاسنهٔ ۱۳۰۲ شمسی کار آن کاملاً بحال تعویق وعدم پرداخت مانده بود. درسنهٔ ۱۳۰۳ عصر امانیه دوباره بکار نهر مذکور اقدام ویك مبلغ کافی برای آن دربودجه منظوری داده شد، اما متاسفانه باوجود مصرف زیاد بازهم کارهای باقیماندهٔ آن به تکمیل نرسیده وبحال خراب ماند.

درسنه ۱۳۱۱ عصر شهریار وطن پرور ترقی خواه اعلیحضرت محمدنادرشاه شهید که تمام منابع وقسمتهای مهمهٔ اقتصادی وعمرانی وطن تحت توجهٔ شاهانهٔ شان قراریافته وبه‌تعمیربندها وحفرانهارامر بارادهٔ خویش را صادرفرمودند، آبادی وتکمیل نهرسراج را نیزحکم فرموده وپول مکفی‌جهة انجام کار مذکور در بودجهٔ وزارت تجارت وزراعت منظوری دادند وازهمان سنه بامراقبت مخصوص ع، ش جناب سردارمحمد داؤد خان فرقه مشر قوماندان عسکری وحاکم اعلای سمت مشرقی کار نهرسراج‌جاری شده بود اینك بتاریخ روز دوشنبه دهم ثور ۱۳۱۳ شمسی‌کارنهر مذکور تماماً به تکمیل رسیده‌ورسماً ازطرف قوماندان موصوف درحضور جم غفیری ازمشاهیر واهالی آنجا افتتاح ونطق های متعددی دربین تعاطی شد وبالاخره بکمال موفقیت آب رود خانه درنهر مذکور جاوی گردید حقیقتاً اقداماتیکه در اکمال حفروآبادی این نهرازطرف شهریار شهید گردیده واختتام آن درعهد درخشندهٔ اعلیحضرت محمدظاهرشاه نجیب می‌شود خیلی قابل امیدواری وخورسندی است چه وجود این نهر میتواند عمرانات ومزروعات جلال آباد رادوچند ساخته ویك باب تازهٔ درترقیات زراعت وفلاحت وطن عزیز ایجاد نماید. ضمناً سالنامهٔ کابل ازمساعی ومجهوداتیکه قوماندان صاحب موصوف درین مسئله ابرازفرموده اند تشکرات صمیمانه نموده به جناب شان عرض تبریك می نماید.

انجمن کشافان

در تربیهٔ کشافان درین سنه سعی مخصوص بعمل آمده ، وبعوض ع ، ج علی محمدخان قوماندان کشافان ع ، ج سردار احمدعلی خان وزیر معارف تعیین و در نفری سرپچه ها دوازده نفر افزود گردیده است .

درجشن استقلال طلاب اسکوت در رسم گذشت اشتراك ورزیده و بحضور ج ، ع ، ج والاحضرت صدر اعظم صاحب در حالیکه عموم وزرا و کور دیپلو ماتیك تشریف داشتند نمایش خوبی نشاندادند .

طلاب اسکوت در سال ۱۳۱۲ بمعۀبلوك مشران و معلمین خود ها برای کمپ تعلیمی به دوده مست یغمان ، بیکتوت ، چهار منار ، دارالفنون ، رفته و از طرف اعلیحضرت فقید شهید عرفان پرور ، کمپ های ایشان ملاحظه و ازطعامیکه طبخ نموده بودند تناول‌فرموده و طلاب مذکوررا مورد نوازش و تلطیف مخصوص خویش قرار دادند

اعلیحضرت همایونی محمدظاهر شاه درآنموقع که سرپرست طلاب اسکوت بودند نیز کمپ های سکوت را ملاحظه فرموده وایشانرا نسبت بجدیت و انتظام آنها تمجید و نایل به تحسین فرمودند.

ادارۀ کشافی نسبت بروابطیکه با انجمن کشافان عالم دارد درسال ۱۳۱۲ باانجمن کشافان ۴۸ ممالك دنیا مکاتبه نموده است .

تمدید سرکهای جدید

چون حکومت متبوعهٔ ما مشغول فراهم آوری تمام وسائل راحت و آرامی و رفاهیت ملت و ترقی و تعالی مملکت بوده و آرزو دارد وطن عزیز از هر جنبه ترقی و پیشرفت نماید، به وارسی همه امور مخصوصاً به تنظیم و تسطیح خطوط مواصلت به اطراف و نواحی مملکت نهایت توجه و مساعدت نموده تمام سرکهای سابقه که قابل ترمیمات لازمه بوده ترمیم و علاوتاً جاده های نافع متعددی در تمام نقاط لازمه تمدید و تسطیح کرده است که اینک از تذکار سرکهائیکه ترمیم گردیده از حیث طوالت مضمون صرف نظر نموده و تنها سرکهائی را که تازه تمدید گردیده ذیلاً بمطالعهٔ هموطنان عزیز میرسانیم :

	کیلو متر		متر
۱ ، تمدید سرك از حد چهار راهی عقب ورقهٔ شاهی الی قشلهٔ عسکری شیرپور	۱	—	۵۰۰
۲ ، « سرك دروازهٔ لاوری به بالاحصار و از بالاحصار بطرف شهدای صالحین الی زیارت حمد وتمیم انصار رضی الله تعالی عنهم	۱	—	۵۰۰
۳ ، تمدید سرك از حد مینار یادگار شهادت عبدالوکیل خان نائب سالار مرحوم تا سرك قلعهٔ هاشم خان	۲	—	۸۰۰
۴ ، تمدید سرك جدید رفقی سناتوریم و اتصال آن به سرك دار الفنون و پخته کاری آن	٤	—	
۵ ، « از ریش خور الی چهار آسیاب و اتصال آن به سرك لوگر	٤	—	۸۱۵
٦ ، « « پل قندهاری محمد آغه تا سرك لوگر	۱۲	—	۱۹۸
۷ ، « « بادخاب روغنی از طریق ده دوشنبه و تخش آباد و اتصال آن به سرك گردیز	۹	—	۱٤۸
۸ ، تمدید سرك از پل علم الی قریهٔ خوشی لوگر	۱۳	—	۱۹۸
۹ ، « « « پورك الی قریهٔ دادوخیل وزرغون شهر و اتصال آن سرك سرخ آب لوگر	۱۵	—	۲٤۸٫۵
۱۰ ، تمدید سرك از کلنگار الی کوتل دیوانگی	۲٦	—	۳۹٦
۱۱ ، « « سرك قندهار تا کتواز	۳٦	—	۵۹٤
۱۲ ، « « « سرك کتواز براه محمود خیل الی موش خیل و خود خیل	۸۲	—	۳۳٦
۱۳ ، « « « از قریهٔ سرکی خیل جاغلان به سمت کتواز الی ندی	۲۷	—	٤٤۵
۱٤ ، « « « حد قلعهٔ نظرخان تا حد شهیدان حصهٔ اول اندر	۱۱	—	۳٤٦
۱۵ ، « « « مقر علاقه داری ناوه و اتصال آن به کتواز	٦۷	—	۸۹۰
۱٦ ، « « « بهسود به سمت جاغوری الی کوتل لومان	۳۹	—	٦٤۳
۱۷ ، « « « کوتل لومان الی سنگ ماشه	۲۷	—	٤٤۵
۱۸ ، « « « کوتل لومان تا سرك قیسار به حد قره باغ غزنی .	۳٦	—	۵۹٤
۱۹ ، « « « تامیان به دایزنگی و اتصال آن به دولت یار مربوط ولایت هرات	۲۳۳	—	۲٤۸

ولایت قندهار:

	متر	کیلومتر
۱ : تمدید سرك ارتخته پل الی مانده	—	۸
۲ : » » ارزگان از پل ارغنداب الی حکومتی دهله	۹۹۰	٦۰
۳ : » » ارحکومتی کلان قلات تا حکومتی هوتکی	٤۸٥	۹۱
٤ : » » از قلات الی شکی	٥٤٤	۳۳
٥ : » » ارشکی تا حوت قول حاغوری	۲٤۸	۱٥
٦ : » » ازمرکز نشت رود تا ناوه		
۷ : » » ارحکومتی کلان پشت رود تا حکومتی گرم سیر	۸۹۰	٦۷
۸ : » » ار حکومتی کلان نشت رود الی موسی قلعه رمین داور	۹۹۰	٦۰

ولایت هرات.

	متر	کیلومتر
۱ : تمدید سرك ار اوبه الی علاقه داری دولت بار واتصال آن به دایزنگی	۷۹٥	٤٥۷
۲ : » بین گلران و هرات		

ولایت مزار شریف.

۱ : تمدید سرکهای عریض و مستقیم در شهر مزار شریف
۲ : » سرك ار شهر مزار شریف به دهدادی
۳ : » سرکهای جدید در آقچه .
٤ : » سرك در علاقه داری شوربه

ولایت قطغن و بدخشان :

	متر	کیلومتر
۱ : تمدید سرك ار سرك درهٔ شکاری ار راه غوری به خان آباد	٥٦۰	۱٥٤
۲ : » ارخان آباد به تالقان و ار آنجا به علاقه داری خواجه غار و ارانجا به حکومتی حضرت امام صاحب .	۹۰۰	۱٤٤
۳ : تمدید سرك از خان آباد به گردابی		
٤ : » » ار خان آباد به قندور و ار آنجا الی باش آبدان	٥۲۰	٥۱
٥ : » » ار خان آباد تا حکومتی اسکمش	۸٤۰	۷۰
٦ : » از خان آباد تا مرکز بهرین	٥۰۰	۸۰
۷ : » » از خان آباد الی فرخار	٦٤۰	۳۸
۸ : تمدید سرك از فیض آباد الی ارگو و درائم و تشکان و حکومتی کشم تا کلفکان	٤۸٥	۹۱
۹ : » » از فیض آباد تا حکومتی جرم	۹۹۱	٥٤
۱۰ : » » از فیض آباد الی علاقه داری شهر بزرگ	۱۸۸	۷۳
۱۱ : » » از کنبد کشم براه پل بیگم بطرف رستاق	۳۹٦	۲٤
۱۲ : » » ار روستاق تا علاقه داری چاه آب	٤۹٥	۳۰
۱۳ : » » از رستاق تا پل شیبه	٥۹٤	۳٦
۱٤ : » » از رستاق تا ینگی قلعه	۹۹۱	٥٤

حکومتی اعلای مشرقی :

	متر	کیلومتر
الف ، بذریعهٔ مدیریت تعمیر سرك مشرق ،		
۱ ، تمدید سرك جدید مشرقی از بتحاك الی سموح های ملا عمر	۰۰۰	۱۷
۲ ، » » جدید مشرقی ار طرف میان سروبی وکته سنگ	۰۰۰	۶
۳ ، » » از کمکی خیبر تادکه	۵۰۰	۴
ب ، بذریعهٔ مأموریت معابر حکومتی اعلایٔ مشرقی :		
۱ ، تمدید سرك از لغمان به سمت اسمار تاچغه سرای	۷۸۲	۱۰۹
۲ ، » » بهر دو طرف شهر جلال آباد از دو رائی درونته و کابل الی پل سراچه علیخان	۵۶۷	۱۷
۳ ، سرنگ پرانی در تنگی درونته و دیوارلب دریای کابل .		

حکومتی اعلای جنوبی :

	متر	کیلومتر
۱ ، تمدید سرك از گردیز تاغزنی	۱۸۸	۷۳
۲ ، » » ازگردیز تا مررکه	۶۴۳	۳۹
۳ ، » » ارسر روضه بطرف ارگون		
۴ . » ازارگون الی اورجانه زیروك	۲۹۸	۱۸
۵ ، » » از ارگون الی سروتی	۲۹۸	۱۸
۶ ، » » ار سر روضه الی‌شرین کنوار	۲۴۸	۱۵
۷ ، » » ازلك دیوار ررمت بطرف کنوار		
۸ ، » » ارحدود دم عدی منگل الی کوتل سروتی		
۹ ، » » ار مرکز خوست الی صبری	۴۴۵	۲۷
۱۰ ، » » از مرکز خوست تا سید خیل حدران	۷۴۲	۴۵
۱۱ ، » » ازحد سرحد کرم براه لکن وهارون‌خیل وطورابوی سرحد	۵۴۴	۳۳
۱۲ ، » » از مرکز خوست الی تنی خوست	۴۴۵	۲۷
۱۳ ، » » از مرکز خوست تا جاجی میدان	۵۴۴	۳۳

حکومتی اعلای فراه و چخانسور :

۱ ، تمدید سرك بین انار دره وفراه

۲ ، » » ار مرکز چخانسور به‌علاقه داری نهرشاهی و نادعل و از آنجا به علاقه داری چهار برجك و از مرکز بکوا به سمت علاقه داری گلستان وکوهستان .

۳ ، تمدید سرك از مرکز حکومتی اعلی به علاقه داری بالا بلوك .

۴ ، » » درعلاقه داری های لاش‌جوین وچای گوته وچای برك وچشمهٔ توکل .
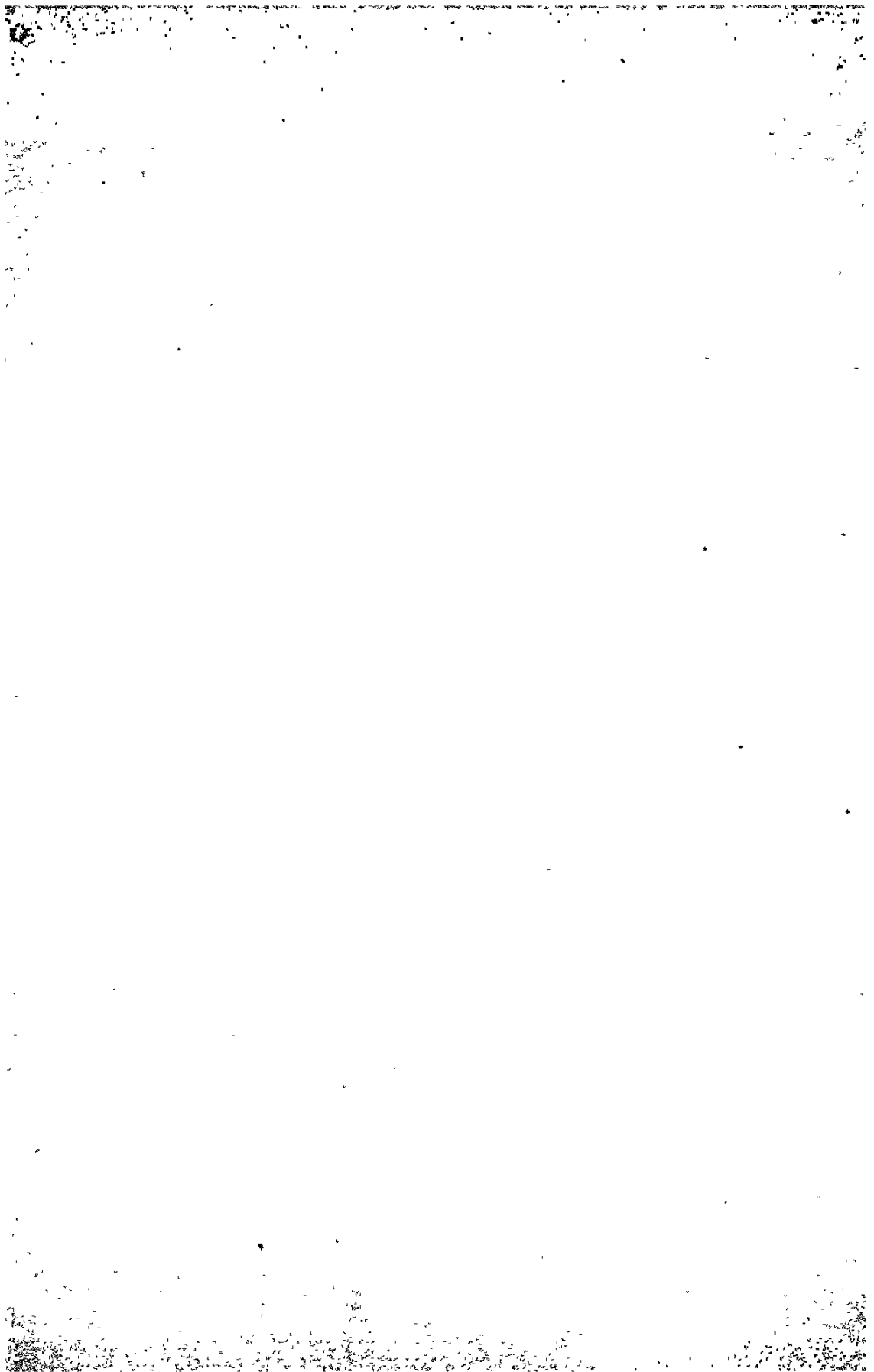
تعمیر پلها

ولایت کابل :

۱ : تعمیر پل دریای چمچه مست که سرك رفقی سناتوریم ودارالفنون را اتصال میدهد
۲ : تعمیر پل گلباغ .
۳ : تعمیر پل درسرك پل چرخی .
٤ . ترمیم پل متصل سدغاری .
۵ : ترمیم پل حمچه مست وکنارهای آن .
٦ : تعمیر پل بگی وردك که کار آن جاریست
۷ : تعمیر پل ریگای غوربند

ولایت قندهار :

۱ : تعمیرمجدد پل به سرك ارزگان که بطرف حکومت دهله تمدید شده .
۲ : تعمیر پل ارغنداب .
۳ . « « ارغسان (اراکوسیا) .
٤ : تعمیر پل دیگر درارغسان .
۵ : تعمیر پل شاه جوی .
٦ : « جهل دو پل درشبله‌های معار ارغسان .
۷ : « دو پل درحکومتی پشت رود .
۸ : دو پل بین مقر وقلات درحد شاه جوی .
۹ : معبر شیله دب ومعبر جدید ترناك .

ولایت هرات :

۱ : تعمیر پل درموضع شرخاش هرات .
۲ : ترمیم پل مالان .
۳ : تعمیر پل درخواجه چشت .

ولایت قطغن و بدخشان :

۱ : تعمیر پل دریای بنگی .
۲ : تعمیر پل درفرخار .
۳ : تعمیر پل درقندز .

مدیریت تعمیر سرک مشرق :

الف : درحصهٔ ولایت کابل .

۱ : تعمیر شش پل ودو معبر ارتجاك الی تنج هدی ملاعمر .

۲ : تعمیر سه پل درحصهٔ رود چناری (کار آن جاری است) .

ب : درحصهٔ حکومتی اعلای سمت مشرق .

۱ : تعمیر پل سرخ آب (کار آن جاری است) .

۲ : تعمیر پل نظر آباد .

۳ : تعمیر پل کجبو .

٤ : تعمیر پل شیلهٔ ناق .

۵ : « سه پل درجلال آباد .

٦ : « سه پل درسراچه علیخان جلال آباد .

۷ : « پل درحدود دشت چوره گلی .

۸ : « ده پل در دکه .

از تعمیرات سال ۱۳۱۲ مشرق

پل چوره‌گلی سمت مشرق
Le Pont de TCHORA-GALI sur la Route Kaboul-Indes.

پل واقع نظر آباد که داخل خط سرک جدید مشرق است
Un des nouveaux Ponts sur la nouvelle Route KABOUL-INDES. (Nazar Abad Prov. de l'Est).

پل دریای بنگی (خان‌آباد) که ترمیم یافته

Le pont de la rivière de Bangui restauté en 1312 (Khanabad).

مسجد و جایگاه مبارك خرقهٔ مطهر حضرت نبوی (صلعم) در قندهار

Batiment et Mosquée de KHÉRQA-I-CHÉRIF (Menteau du Prophète) à Kandahar
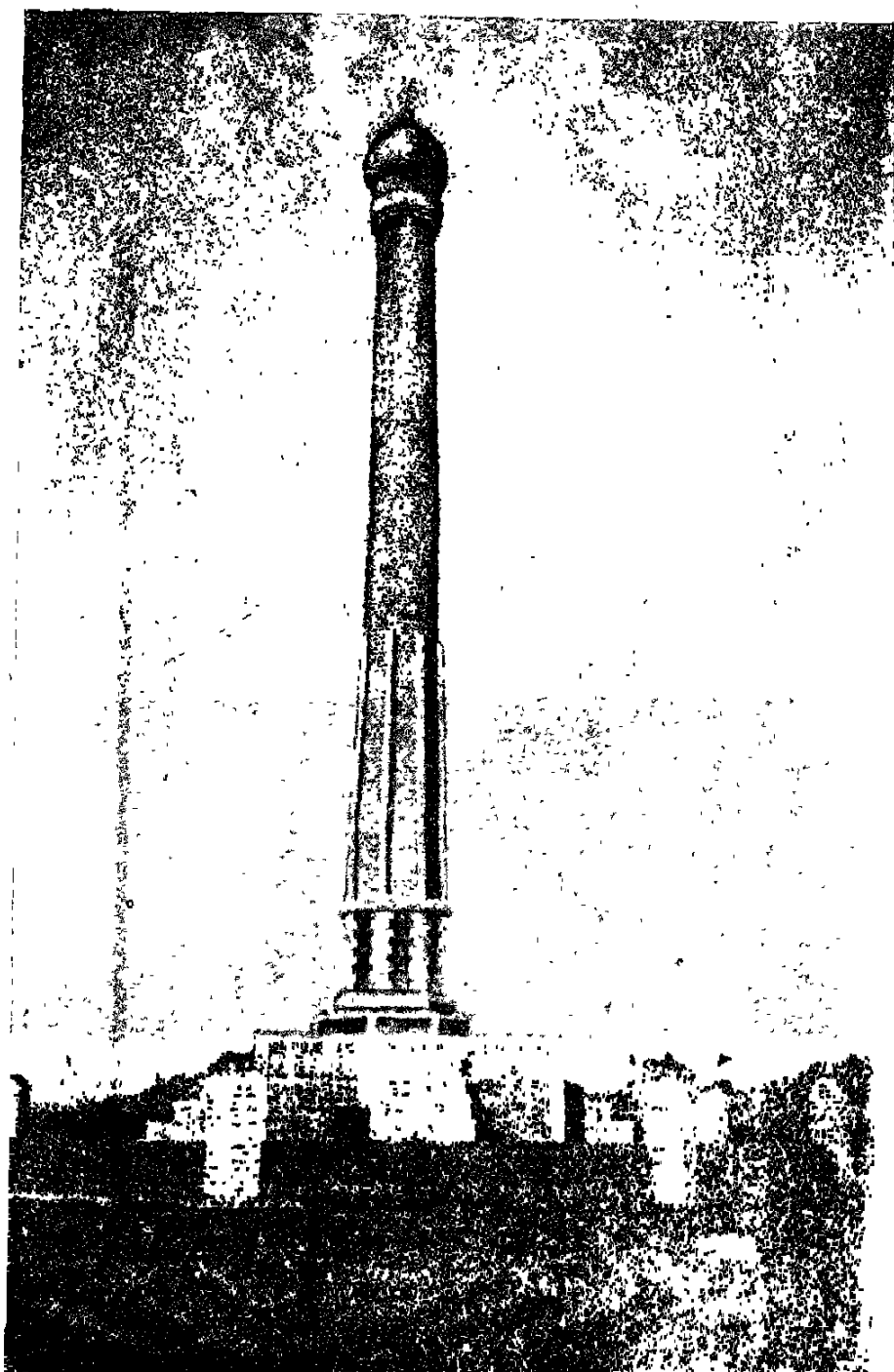
منار یادگار شهداء میوند که در دورهٔ نادر شاهی نسبت
بقدر شناسی از فداکاران وطن و احیای نام ایشان در سال ۱۳۱۲ بنا و تعمیر یافته

Monument Commémoratif des Martyrs de la Gueure de MAY-WAND
construit sous le Régne de S. M NADIR CHAH (Kandahar)

غور

قلب مملکت با افتخار و تاریخی ما ، یا مرکز صدور اوامر جهان مطاع شاهان نامدار غوری سرزمین رفیعهٔ غورات امروزه بود . این سرزمین عزیز در قرن پنج و شش اسلام با ملحقات شرق و شمالی اش که مقصد از تولك ، فرسی ، شهرك ، چنچران ، جوند ، هزاره جات حالیه باشد بنام غرجستان معروف بوده با عمرانات و ترقیات مخصوصی در قلب مملکت افغانستان جا داشت .

درعهد غزنویان که غزنه پایتخت بود ، غور جستان بصورت یك ایالتی اداره میشد ، ولی درعهد شهنشاه بزرگ سلطان غیاث الدین غوری فیروزکوه که مسقط الراس این خانواده و درعهد پدر و عم بزرگوارش اعمار و ترقی پذیرفته بود رسماً پایتخت سلطنت قرار گرفته عرفی صورت ایالت نشینی را اختیار کرد .

تمدن غرجستان مخصوصاً درعهد غوریان به اوج ترقی رسیده مهندسی اصلا و نام آوران اینجاك شمار رفته و با ترقیات بلخ همسری می نمود . خرابه زار امروزه : تیوره ، شهرك ، فیروز کوه وغیره نقاط عظمت گذشتهٔ این سرزمین را بخوبی نمایندگی مینماید و جمعیت اینجاك دران عهد ثلث جمعیت تمام مملکت را از حیث خوبی آب و هوا و ترقیات مدنی تشکیل میداد ، ولی متاسفانه در فتنهٔ مغل بعد از خرابی و احراق بلخ اهالی این خطهٔ نامی با مغل وحشی فوق العاده مبارزه و مقاومت کرده آن گروه خون ریز تمام نفوس را قتل عام و همه عمرانات آن را بلافاصله خراب و احراق نمودند . غورات ازان زمانهٔ اسف آور الی حال بهمان وضع ویرانی مانده اخیراً قلعهٔ تیوره جدید ، پرچمن ، پساند که فعلاً به اسم غور معروف است تا سال ۱۳۱۲ به عنوان یك حکومت درجه اول ازطرف ولایت هرات اداره میشد و دیگر ملحقات قدیمهٔ آن ازقبیل : تولك ، شهرك ، چنچران بحکومتی های مختلف تقسیم و از روی مجزا شده مستقیماً از مرکز هرات اداره میگردیدند . ولی درین عصر فرخنده که شهرهای تاریخی وطن مورد توجه قرار گرفته خوشبختانه غور درین سنه بحکومت کلان تبدیل یافت که صورت تشکیل جدید غورات و تشکیل حکومت کلان بادغیس که نیز بحکومت کلان تبدیل یافته قرار آتی است .

الف : حکومت کلان غورات :

۱ : مرکز نفس غور ـ ۲ علاقه داری پساند ـ ۳ علاقه داری پرچمن ـ ٤ حکومت تولك ـ ٥ علاقه داری فرسی ـ ٦ حکومت شهرك ـ ۷ علاقه داری فراه رود ـ ۸ حکومت چنچران .

ب : حکومت کلان بادغیسات .

۱ : مرکز حکومتی قلعهٔ مرغاب ـ ۲ علاقه داری جوند ـ ۳ حکومت قلعهٔ نو ـ ٤ علاقه داری قادس ـ ٥ حکومت کشك ـ ٦ علاقه داری گران.

بطوریکه این خطهٔ مهم تاریخی جلب توجه حکومت ترقیخواه خود را نموده و در تشکیلات اداری ترقی کرده است امیدواریم در سایهٔ این حکومت عم خوار بزودی غورات تاریخی احراز موقعیت عالی مدنی خود را نیز بتواند .

نظریات علمای روسیهٔ شوروی

نسبت به صنائع تاریخی افغانستان

ازقلم پروفیسور دیکه عضو انجمن
علمی شرق شناسی کل روسیه

صنائع افغانستان هنوز آنقدر کم در تحت تدقیق و مطالعه آمده که برای جوینده ، مملکت پراسرار و مخفی را جلوه میدهد . اثرهای مخصوصی درباب صنائع نفیسهٔ تاریخی در افغانستان اشاعه نیافته است وفقط نظریهٔ مختصر نگارشات سیاحین وآنهم که بصورت عمومیه رقمطرازی نموده اند اگر دقت شود خیلی پر معنی ودر محتویات خود شعب مختلفه را داراست .

تمثالهای صنائع افغانستان بچندین عوالم مدنی ذیمدخل است . اولی به عالم مدنیت بودا و دومی درمحیط صنائع اسلام . علاوه بر آن مکشوف گردیده که آثار باختری های قدیم که با مدنیت ایران قدیم ارتباط دارد موجود است . در باب آثار معماری مدنیت های متنوعهٔ هر دورهٔ از تصنیف قابل تقدیر اکادیمیك بارتولد (اجمال جغرافیای تاریخی ایران سنه ۱۹۰۳) معلومات گرفته میتوانیم وهمچنین بعضی معلومات متممه در (مجلهٔ شرق جدید) که در سنه ۱۹۱۷ بطبع رسیده و درخصوص نتائج علمی هیئت اعزامیه (ایکسپدیسیون) که از طرف المانها دراوال جنگ عالمگیر وارد افغانستان شده بودندو توضیحات بسیطی میدهد دیده میشود . چون مقصود اساسی ایکسپدیسیون مذکور ایفای وظایف حربی و سیاسی بود بناءً علیه درمسائل علمی رول ضمنی بازی کردنه ونسبت به صنائع تاریخی وآثار عتیقه بعضی مشاهدات بعمل آورده وعکسهای برداشتند .

ازآثارصنائع بودا در افغانستان بت های عظیم الجثه وسموچهای که دارای تزئینات برجسته ومنقش ومصوری باشد در بامیان موجود است . (درین باب دوکتور

ولیچسیلاو) در نطق خود که بحضور مجلس کمیسیون افغانی درانجمن علمی شرق شناسی کل روسیه درسنه ۱۹۲۲ ایراد نموده است متذکر میشود ملاحظه کنید و درخصوص عمارت نوبهار که ازعمرانات ادوار قبل از اسلام و در بلخ وجود دارد بارتولد توضیح میکند (صحیفهٔ ۹ ـ ۱۰) که این عمارت در عصر دهم در حالت ویرانه دیده شده است. جغرافیادان ایرانی آنرا عمارت یاد شاهان قدیم ایران مینامد ولی بحقیقت قریب تر عقیدهٔ بارتولد است مبنی به توضیح جغرافیا دانان عرب که میگویند. نوبهار معبد آن دینی است که شهنشاهان چینی و شاهان کابل معتقد آن بودند، یعنی بودایان شرح ساختمان معبد مذکور را در قرن نهم ابن الفقیه میدهدوازاو بیشتر در قرن هفتم از طرف زائربو دائی سوآن تسان نیز تشریح گردیده که در معبد مزبور چندین مقدسات بودائی مدفون و بطرف شمالی زمینهٔ بله ها راه داشت و در وقتیکه سوان تسان حضور داشت تاصد عدد صومعهٔ بودائی در بلخ موجود بودچقدر حفریات این موضع پر ثمر خواهد بود و چقدر چیز های جدیدی درفن صنائع قدیمه ما را خواهد آموخت! حفریات این موضع قراریکه مجلهٔ فرانسوی در سنه ۱۹۲۲ اطلاع میدهد ازطرف موسیوفوشه در بلخ آغاز گردیده است و در آنجا اکتشافات جدیده را انتظار میکشد و برای مطالعات صنائع یونان، بودا، مساعدت خوبی خواهد نمود که خط مشی اساسی مقاصد علمی خود را تعقیب کند.

سلطنت یونان و باختریان که عظمت و جلال آن نصیب قرن دوم قبل المیلاد است میبایستی آثار عتیقهٔ آن در ناحیهٔ هندوکش وهمچنین اراخوسی (ناحیهٔ علیای دریای هلمند با پا یتخت قندهار) مانده باشد. در این مواضع ممکن است که آثار صنائع حقیقی باختر ها ظاهر شده هم در تمثالهای قدیمه صنائع چین تأثیر آن امکان مکشوفیت دارد.

قرن دوم قبل ازمیلاد دراین خصوص هیرت نیز تصدیق ولی شاوان تکذیب میکند.

در قسمت غربی باختریان قدیم از خرابه های شهرباختری قدیم نیملك (اسم سابق آن وکراتیه یا) سیاحین ذکر میکند هکذا احتمال دارد آثارآرتا کوانهٔ قدیم در موضع بالا حصار هرات چنانچه توماشك (۱) حدس میزنند پیدا شود. ندرمایر (رئیس و فدامانی)بسمت شرق

(۱) بارتولد «اجمال جغرافیای تاریخی ایران سنه ۱۹۰۳ صحیفهٔ ٤ ـ ۲۵»

جنوب بلخ قدیم از ازمنهٔ خیلی قدیم که نکتی ویران گردیده اند متذکر میشود و این آثار قدیم که عبارت از مینار های بزرگی است و از خشت پخته آباد شده بود به عصر زوزآسترا (زردشت) تعلق دارد و از باختریها بحیث قدیمترین مرکز تمدن آریانی که بما معلوم است حکایت میکند . حصار های گلی که تا بیست متر عرض دارد در شمال آن آباد شده باید تعلق باین عصر داشته باشد . این حصاریا دیوار بزرگ درغرب تاقی که مردم بومی آنجا شهر قدیمی آنرا می خوانند ختم میشود .

شکل ساختمان حصار مذکور منکسر و بطول ۸۰۰ متر و عرض ۶۰۰ متر میباشد . وعموم ساختمان ابنیه عبارت از ارتفاع (۱۰ متر) است که درروی میدان چمن زارآباد و با دیوار های مرتفع ازگل و خندقهای عریض محصور میباشد . در قسمت انتهائی سمت جنوبی آن بالاحصارش واقع است .

درعرض راه تاشقرغان و ایبك ابنیهٔ قدیمی موجود وغالباً اردورهٔ زورآسترا خواهد بود . بفاصلهٔ چند ساعت راه در دشت بطرف شمال شرقی تاشقرغان قصهٔ واقع است که ملاشك از اهل باختریان میباشد .

مادامیکه بصنائع اسلامی افغانستان غور شود ما همچنین می بینم که خیلی کم اکتشافات بعمل آمده است . صنائع اسلام درحدود افغانستان اهمیت زیادی که دارد برای فهمیدن صنائع قرون وسطی آریانی میباشد که قسماً درشعبهٔ مدنیت افغانستان موجوده کاملاً آنرا تمثیل میکند . وآن برکهم درمقالهٔ خویش راجع به معماری اسلام درایران نیز نسبت به نشریات زارهٔ (یادگار های معماری ایران) خاطر نشان میکند که برای توسعهٔ صنعت معماری ایرانی دراکثر شعب آن تا هنوز تحقیقاتی بعمل نیامده است ، ومشارالیه مینویسد که یادگار های عربستان ، فارس کرمان ، خراسان وغیره نظر بیادداشتهای مسافرین واطلاعات عمومیه برایما پر اسرار معلوم می شود .

اما ضمناً درافغانستان باید بعضی مسائل تاریخ این صنائع معماری صورت حل و فصل را بخود حاصل کنند . بعقیدهٔ (وان برکهم) لازم است که دورهٔ ترقی نقاشی های مدارس درهرات جستجو بشود ولی درآنجا آثار تاریخی بسرعت بخروب میگردد وراهنمای صحیح و تالیفاتی دراین خصوص موجود نیست . خانیقوف که مدت پنج ماه درهرات توقف نمود درباب

آثار تاریخی آن هیچگونه معلوماتی نمیدهد . در تصنیف سالاوین که در سنه ۱۹۰۷ در زیر عنوان (یادگارهای صنائع مستظرفهٔ اسلام) اشاعه یافته در قسمت اولین آن فقط در باب مینار هـای غزنی افغانستان ذکر میکندکه آنهم قبلاً از طرف فرگیثوسون (تاریخ صنعت و معماری هند و شرق ، بزبان انگلیسی) نشر شده است. در باب آثار معماری اسلام در افغانستان که چقدر و بچه حالت در حال حاضر میباشد مثلاً بارتولد و بدرمایر در تصنیفات فوق‌الذکر خویش معلومات میدهند و چنانچه ایت هم در باب سه دایه طـاق بزرگ نزدیك دروازهٔ غربی بلخ شرح میدهد که قرارگفته سـاکنین آنجا از آثار مسجد جامع ، چهارسوق ، مسجد سبز است و نیز خرابه های مدرسه ایست که سبحـان قلی خـان زمامدار نصف دوم قرن ۱۷ عیسوی آن بلاد عمران نموده است . هکذا خرابهـای دیگر است که از طرف چنگیز خان مخروب گردیده ، واحتمال دارد که تخریب آن به دورهٔ تعلق داشته باشد که چنگیز خان شهر بلخ را خراب نمود. در مزار شریف مقبرهٔ خلیفه علی (کرم الله وجهه) که در سنهٔ ۱۴۸۱ عیسوی سلطان حسین تیموری آباد کرده بود ، موجود است . نظر بمشـاهدات هیئت اعزامیهٔ المان که فقط داخل مقبرهٔ شکل قدیمی آنرا نشان میدهد اما از طرف خارج مقبره بواسطهٔ الحاقات بی مذاق تماماً تبدل یافته است و همچنین خرابهای قرون ۱۳ ـ ۱۴ عمارت اسلام گمان میرود که موجود باشد .

حال نظری بطرف هرات می اندازیم . درآنجا فخرالدین کرد بالاحصاری در سنه (۱۲۵۸ـ۱۳۰۷ عیسوی) آباد کرده است که حـال هم وجود دارد . بارتولد فقط درباب عالیترین ابنیه داخل شهر که عبارت از مسجد جـامع باشد و در سنه ۱۲۰۱ عیسوی از طرف غیاث‌الدین سلطـان کرد عمران و در قرون ۱۳ـ۱۴ بازترمیم گردیده متذکر میشود . نظر به مشاهدات هیئت اعزامیه المانی گویا مسجد مذکور در ازمنهٔ مختلفه ترمیم و تعمیر گردیده و در حال حاضر هم در اثر توجهٔ امیر بصورت مرغوبی صیـانت میشود و در اعصار خیلی مابعد از آن (نسبت بزمان انشاء آن) دیوارهای حیاط جامع مذکور باخشت های منقش مزین وبروی آن بطرز عمارات خراسـان ازکاشی کاو شده است وبطرف شمـالی مسجد حجرهٔ کوچکی بشکل مربع ساخته شده که دروازهٔ درآمدن آن خیلی منقش ورخ آن بطرف شرق است . عمارت مذکور بشکل و نقش خود ، مسجد سرخ خراسـان را بیـاد میدهددر

اطراف شهر هرات مصلای خیلی قشنگ واقع است . مصلای هرات از سه عمارت مدرسه مرکب بود و مادام کدایت دیده بود دو طاق با چهار مینار آن که ابنیهٔ گنبد مانندی را تشکیل میداد با مقبره های بعض اهل تیمور و معبد بزرگی که دومین مسجد جامع هرات محسوب میشد باقیمانده بود بقرار گفتهٔ اسفراری این عمارت در اواسط قرن پانزدهم عمران شده بود .

بارتولد خاطر نشان میکند که نظر بمعلومات هولدیچ (همسایهٔ هند سنه ۱۹۰۱ صحیفه ۱۴۲-۱۴۳) این عمارات در حال حاضر وجود ندارند، زیرا امیر افغانستان عبدالرحمن خان در سنه ۱۸۸۵ عیسوی در اثر اصرار مهندسین انگلیسی که در آن زمان محاصرهٔ هرات را از طرف روسها انتظار می بردند امر به تخریب آن داد .

تخریب آن معلوم است که کامل بوقوع نپیوست ، زیرا هیئت اعزامیهٔ المانی معلومات میدهد که در مصلی حاضراً ۹ دانه مینار باقی مانده که از آنجمله چهار مینار در ابتدا تعلق بیک عمارت داشته و همچنین در ابنیهٔ کوچک گنبدی ، عکس ابنیه مخروبه تا جائیکه ما معلومات داریم وجود ندارد این مثال روشن و ثابت میسازد چقدر لازم است که برای تحقیقات و عکس برداشتن آثار تاریخی افغانستان و طبع و نشر آن عجله باید کرد . در قرب هرات زیارتگاه شیخ عبدالله انصاری (رح) در قرن پانزدهم عمران گردیده موجود است . احاطهٔ وسیع آن شصت متر در چهل متر است که در آن لوح سنگهای کوچک قبر ها خیلی زیاد میباشد دیوارهای حیاط قسماً کاشی کاریست . بطرف جنوب شهر پلی واقع است (مقصد مؤلف از پل مشهور مالان است که بالای دریای هریرود آباد گردیده) در عصر شاه عباس غالباً عمران گردیده است .

از غزنی قدیم که در قرن دهم پایتخت سلطنت وسیعی بود یکی از مراکز علم و هنر بشمار میرفت خرابه هائی (در ۲۵ کیلومتری غزنی موجوده) تا حال باقی مانده است شهر غزنی را در قرن ۱۲ - ۱۴ چندین مراتبه خراب کردند بقرار گفتهٔ بالاوین غزنی در اواسط قرن ۱۲ در مرحلهٔ اولین قتل عام خراب شد در وقتیکه علاوالدین حسین به استثنای مقبرهٔ سلطان محمود و دو مینار (که یکی آنرا بعدهٔ فرگیوسون ترمیم کرد) جمیع آثار تاریخی را منهدم نمود . محمود مسجد خیلی قشنگ از سنگ مرمر و گرانیت آباد کرد که

شرح حصار هرات و بالاحصار آن با فوتوها در کتاب هملتن (افغانستان سنه ۱۹۰۵ صحیفهٔ ۱۵۷ - ۱۵۸ - ۱۶۱)

در شاهنامه از آن تعریف و توصیف شده است. اگر در غزنی حفریات شود خیلی عجیب خواهد بود که ازطرز ساختمان عمرانات آثارجوان معماری اسلام درافغانستان واضح شود.

درقندهارآثارمعماری اسلام به اعصار خیلی قریب تعلق دارد. بعضی یادگار های عجیب درکابل هم واقع است. ازآنجمله بیشتر قابل توجه مقبرهٔ تیمور (آخرقرن ۱۷) که عبارت ازعمارت گنبدی به شکل هشت زاویه ایست که ازخشت پخته ساخته شده. دوم مسجد عیدگاه است که بطرز هندی آباد گردیده بالای سلسله کوه های غربی استحکامات عصر نادرشاه (۱۷٤۷) موجوداست این تفصیلات مختصر اریادگارهای اعصار مختلفهٔ صنائع معماری اسلام درافغانستان که گمان میرود هنوزجامع بدست نشان میدهد که قطعاً ازحیث تاریخ صنائع مستطرفه مطالعات و تدقیقات بعمل نیامده لازم است که سنجش معماری یادگارهای تاریخی بعمل بیاید و فوتوهای اعلی ازهریك یادگار با توصیحات لازمهٔ آن برداشته شود بعد ازآن هم ازحیث طرز معماری و هم از نقطهٔ نطرنقاشی مطالعات و تدقیقات بعمل آید و با معلومات متوصلهٔ ماقبل تطبیقات بشود و خصائص طبعی معماری اسلامی افغانستان و اهمیت آن در تکامل صنعت معماری ایران و همچنین واضح شود که معماری سمت جنوبی و جنوب شرقی افغانستان با صنائع اسلامی هند تا چه پایه ارتباط دارد.

سائرشعب صنائع اسلام درافغانستان و همچنین تقریباً درتحت مطالعه و مداقه نیامده است بیشتر ازهمه آغازصنعت نقاشی و مصوری خورده (مینیاتور) «افغانستانی» (اگر باین معنی امکان داشته باشد که اظهار عقیده بشود) واضح گردیده است که دران شاخی از مینیاتور ایرانی که اول از هرات (که مکتب مینیاتور هرات نامیده میشد) اقتباس شده است. درعصر تیموری‌ها هرات یکی ازعمده ترین مراکز مدنیت نقاشی آن عصر محسوب می‌شدودر زمان شاه‌رخ (۱٤۰۵-۱٤٤۷) بهمت و کوشش شهزاده باسونگور (۱٤۳۳) که حامی و مدارعلم ومعرفت بود انجمن علمی (اکادمی) صنعت کتب تاسیس گردید (۱) که برای ترقی میناتور (نقاشی ومصوری کوچك) بطرزملی آن خیلی اهمیت داشت. این انجمن علمی برای ترقی خطاطی، نقاشی ومجسمه سازی به‌اساس دستورات جدیده نیز استفاده میشد وآخرین دورهٔ درخشان خود را درعصرسلطان حسین بایقارهٔ (۱٤٦۹-۱۵۰٤)

(۱) کتاب کیونیل میناتوری مشرق اسلامی. منطبعهٔ برلین سنه ۱۹۲۲. صحفه ۲۵-۲٦.

گذشته اند و در سنه ۱۵۰۷ هنگامیکه هرات دستخوش یغما گردید انجمن علمی هم بحیات خویش خاتمه داد ، در کارهای مکتب هرات اگرچه تغیرات زیادی نظر رایزانیت بعمل آمده بود اما بازهم نفوذ صنعت چین مشاهده میشود زیرا اینکه مناسبات مستقیمه باچین در آنوقت موجود بود تصاویر دست حیات الدین قالیه که درسنه ۱۴۱۹ به پیکن درجملهٔ اعضای سفارتی که بانجا اعزام شده بود رفته و فقط پس ازسه سال اقامت مراجعت نمود وکدوسل (درصحفه ۲۶ تصور میکند که آیا او در تابلوی طرزچین جمعیت (خسرو ، شیرین موسیقی چیان) راکه درروی قماش ابریشمی ساختهٔ ماپرنده گک که بلاشك بقلم رسام چینی کشیده شده است رسم کرده ؟ در تابلوی مذکور بزبان فارسی عبارت ذیل نوشته شدهٔ « درهرات از طرف یکنفر ـــای رسم شده » دربین نوشتهای قلمی که درهرات نوشته شده کتاب « مواجنامه » قلمی خیلی عالی ۱۴۳۶ را مخصوصاً متذکر میشویم که درکتبخانهٔ ملی باریس موجوداست .

بهزاد رسام هم بمکتب هرات تعلق داشت بهزاد یکی ازرسامان نادری است که مورخین ایران درخصوص او توضیحات جزئی میدهند که ماهم نسبت به او از ایشان معلومات داریم بهزاد درحدود سنه ۱۴۴۰ تولد و ازصغرت درهرات بدربار سلطان حسین میرزا آغاز بخدمت نمود مورخین استاد او پیر سید احمد تبریزی را می فرمایند وحامی مخصوص بهزاد میرعلی شیر نوائی شاعر و وزیر بود ازسنه ۱۴۶۸ الی ۱۵۰۶ بهزاد بریاست انجمن علمی هرات مؤظف شده و پس ازآن در تبریز زندگانی و خدمت میکرد و تاسنه ۱۵۱۴ حیات داشت . با ذکر این اجمال ما می بینیم که بهراد قسمت زیاد عمر خود را درهرات صرف کرد ودر آنجا بین افکار عالی شهر مجلل ومنور آن دورهٔ استعداد طبعی او عنصهٔ ظهور برآمده وکامل شد . حقیقةً هرات چنین شهری مترقی بود چنانچه درضمن تعریف وتوصیفیکه بابرمیرزا ، ازهرات مینماید نسبت به باغ های خیلی قشنگ وبناهای منقش ازگچ وچوبه که درزیر درختان واشجار قوی هیکل آباد بود حکایه میکند ومارتین درکتاب بزرگ خود راجع به نقاشی (۱) استعداد وقابلیت رسام مذکور را درنقش مناظر طبیعی ومصوری ذیروح که او مشغول آن بود تشریحات قابل تقدیری میدهد . ضمیمهٔ کتاب « سفرنامه » که درسنه ۱۴۶۷ ازقلم او برآمده است صورت کامل تصنیفات رسام مذکور را درجمیع یادگارهای تاریخی که از

(۱) مارتین رسامی میناتور ونقاشی ایران هند وترکیه سنه ۱۹۱۲ .

خاتمه اش بمنصهٔ ظهور پیوست و تحقیقات آخرین بما نشان میدهد تشخیص و تعیین کردا، گرکار مکتب هرات و مخصوصاً از بهزاد در خود هرات وهمچنین در سائر شهرهای افغانستان جستجو شود خیلی مفید ثابت خواهدشدوباین ذریعه ممکن خواهد شدکه کتب قلمی از منه مابعدهم پیدا بشود، زیرا حیات ادبی ونقاشی هرات اگرچه ضعیف شد ولی تا اواخر قرن شانزدهم قطع نگردید ودر ینخصوص تشریحاتیکه میللر و درباب رسم ها دادیم با شیای نفیسه میناتوریکه درکتب خانهٔ اسلامی مرکزی قازان موجوداست (حزه امیر خسرو دهلوی سنه ۱۵۸٤) که درهرات بزیور قلم آراسته شده است (۱) شهادت میدهد .
نسبت به صنعت نقاشی کوچك (میناتور) صنعت خامك و زر دوزی افغانستان اسلامی کمتر تحت مطالعه آمده است . آثار قلیلی که معلوم شده است خیلی دلچسپ است . چنانکه ظاهر است بدوخت قماشها ئیکه مخصوصاً در دورهٔ مغلیها کهبازروسیم ورسمها رنگارنگ دوخته میشد شهرت مخصوصی راحائزبود(۲) منبت کاری حصص غربی افغانستان در روی برنج خیلی معروف است. ودیگ معروف هرات ساخت ۱۱٦۲، آنرا خوب تمثیل میکندکه درباب آن واسیلوفکی (معلومات راجعه بعلوم عتیقه روسیه درصحفهٔ ۳۳ دیگ برنجی هرات سنه ۱۹۱۰ هجری) معلومات میدهد. ازاسلحهٔ منقش طرزمخصوص خنجر های دودمهٔ افغانی است که باسلحهٔ هنداسلامی مشابهت دارد . درکتلاك نمایشگاه صنائع اسلامی مونشین سنهٔ ۵۵۹ یك سلسله عکسهای اسلحهٔ منقش ومزین اعصار ۱۳۰۰ تا ۱۵۰۰ عیسوی ساخت هرات چهاپ شده است (کتلاك ونومره ۲٤۳، ۲۳۷، ۲۳۹) ندرماند متذکر میشود که دزکاروانسرایها و خانهای قدیمهٔ افغانستان خاتمکاریهای خیلی قشنگ در چوب وأرسیهای خیلی عالی چوبی دیدهٔ میشود . درین هیچ شبهه نیست که صنائع افغانستان چه در ادوار قبل ازاسلام وچه بعدازآغازآن (حتی فقط نظر به بعضی آثار تاریخی خیلی قلیلیکه تحت مطالعه آمده) بذات خود مستقلاً و اختلاطیکه با سائر مدنیت ها نموده خیلی عجیب است درباب آن لازم است که مطالعات وتدقیقات وسیع وتعمق کرده شود. برای اجرای این مقصود اول به اول باید هیئت های علمی مهمی درافغانستان عملیات بکند بعدازآن بصورت مرتب معلومات واکتشافات مستحصلهٔ تاریخی وادبی تحت مطالعات دقیقه آورده شود .

(۱) مجلهٔ موزیم ویستنك قازان درسنه ۱۹۲۱ نومره ۱ — ۲ میلر درباب یك کتاب قلمی ایرانی و پرلیسوردینکه تذکاراست صنائع مشرق .(۲) بارتولد صحفهٔ ۳۵ .

کور دیپلوماتیك مقیم دربار کابل

سفارت کبرای دولت اتحاد جماهیر اشتراکیهٔ شورائیه :

سفیر کبیر	:	ع ، ج لیوند ستارك .
مستشار	:	جناب ریکس .
آتشهٔ نظامی	:	« الکسندر بیندیکتو .
سرکاتب دوم	:	آقای مارتونی .

سفارت کبرای دولت شاهی ایران :

سفیر کبیر	:	ع ، ح میرزا محمد تقی‌خان اسفندیاری .
مستشار	:	جناب عبدالحسین خان صدیق اسفندیاری .
آتشه	:	آقای احمد قدیمی .
دکتور	:	« دکتور سیف .

سفارت کبرای دولت جمهوری ترکیه :

سفیر کبیر	:	ع ، ج ممدوح شوکت بیگ .
مستشار	:	جناب وهبی لبیب بیگ .
سرکاتب	:	« سعدالله فرید بیگ .
دکتور	:	آقای دکتور فواد بیگ .

سفرائی که در سال ۱۳۱۲ به دربار کابل وارد شده اند

ع ، ج ممدوح شوکت بیگ سفیر کبیر ترکیه

ع ، ج دکتور کورت تسمیکی وزیر مختار آلمان
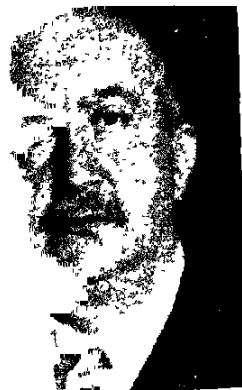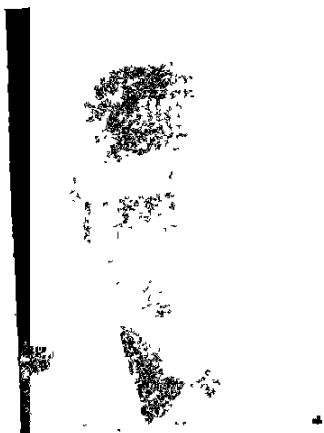
عالیقدر جلالتمآب « کونت فرانسسکو مریانو » وزیر مختار فقید دولت جلیلهٔ ایطالیا مقیم کابل که جناب معزی‌الیه در سنهٔ جاریه تازه برسم ایلچی گری دولت متبوع خود وارد کابل شده و حضور اعتماد نامهٔ خود را بحضور ملوکانه تقدیم نداشته بود که متاسفانه بروز دو شنبه ۲۱ ثور ساعت ده ونیم شب دفعتاً بمرض سکته پدرود حیات نمود .

میت معزی الیه از طرف رجال دولت ما و هیئت کور دیپلوماتیک نهایت محترمانه در تپهٔ شیرپور مشایعت و دفن گردید .

سالنامهٔ کابل بنوبهٔ خود اظهار تاسف از وفات وزیر مختار موصوف نموده بباز ماندگان شان عرض تسلیت مینماید .

Ambassadeur et Ministres nouvellement arrivés à Kaboul.

وزارت مختاری دولت برطانیه :

وزیر مختار	:	ع ، ج سرریچارد میکانیکی .
مستشار	:	جناب کپتن راین .
آتشهٔ نظامی	:	« لیوتننت کالونل آر ، ام ، لوکارت .
دکتور	:	آقای میجراچ ، اچ ، ایلیوت .
سکرتر	:	« کپتن ، ای ، دبلیو فیجر .
« مشرقی	:	« خان بهادر سکندر خان .

وزارت مختاری دولت جمهوری فرانسه :

وزیر مختار	:	ع ، ج البر بودار .
سرکاتب	:	جناب شارل گیر .

وزارت مختاری دولت جمهوری المان :

وزیر مختار	:	ع ، ح دکتور کورت تسمیکی .
آتشه	:	آقای اولهر .

وزارت مختاری دولت شاهی ایطالیا :

وزیر مختار	:	ع ، ج کوم فرانسسکو مریانو .
پیش نماز	:	آقای پادر گاسپانی . .
ترجمان	:	« پناکیو .
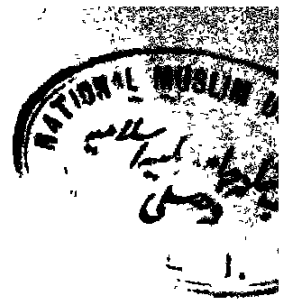
وقایع مهمهٔ جهان

در سال ۱۳۱۲

س ، آقای احمد علی خان

بقلم آقای احمد علی خان

طبیعی است که دردورهٔ یکسال درزمینه های مختلف حیاتی ساکنین جهان واقعات متعددی کسب وجود میکند که هر کدام بجای خود حایز اهمیت مخصوصه میباشند اما بدیهی است که تعداد ومعیار اهمیت وقایع حادثه هرسال فرقی دارد وبهمین اساس درسال ۱۳۱۲ نسبت به سال گذشته بسا واقعات مهمی بوجود آمده است که تاثیرات مهمی دراوضاع حیاتی عالم وارد نموده است .

فضای یورپ درپایان سال ۱۳۱۲ کمافی السابق تاریك وابرهای بی اعتمادی و بحران اقتصادی وسیاسی درآن چرخ میزند . اقدامات سیاسیون مغرب درراه بهبود وضعیت مالی واستقرار اعتبار وامنیت ، ناکام برامده است . کنفرانس معروف خلع سلاح درشدت بحران دست وپا میزند . کنفرانس اقتصادیات جهان دراثر سیاست داخلی امریکا ناکام قطعی برآمد . جاپان ازمجمع اتفاق ملل خارج میشود . الهان انجمن اقوام وکنفرانس خلع سلاح هردو راوداع میگوید . ایطالیا بغرض تجدید نظر در معاهدات بمنظورسقوط مجمع اتفاق ملل نقشه معاهدهٔ چهارگانه واخیراً تغیر هویت مجمع ملل را پیشنها میکند — هتلریزم المان را سراسر فراگرفته به اطریش و هنگری وسائر ممالك دانیوب سرایت میکند . هتلر ، یهودی ها را ازالمان تبعید میکند ودراثر مراجعت آنها بفلطسین تصادمات خونینی بین اعراب ویهودی ها بعمل می آید . الهان درراه الحاق اطریش بخاك خود اقدامات میکند . موسیو هریو صدراعظم سابق فرانسه و وزیر فضائی آن مملکت به روسیه مسافرت میکند ودرنتیجهٔ قرابتی دررویهٔ سیاست آن دومملکت بعمل می آیدرد شبهه جزیره بالقان

یکطرف ائتلاف صغیر منتهای فعالیت درعالم سیاست بخرج میدهد وطرف دیگر سائر ممالک بالقان خصومت های دیرینه را فراموش نموده درراه اتحاد بالقان صرف مساعی میکنند در شرق نزدیک، عراق ملک فیصل پاشاه وزعیم ملی خود را ازدست میدهد و به اساس نقشهٔ پان عربیزم منازعاتی بین ابن سعود وامام یحیی بوقوع می پیوندد افغانستان شهریار محبوب وبزرگترین قائد تاریخی خویش رافاقد میشود- درترکستان چین مملکت جدید اسلامی تشکیل میگردد - در اثر شناختن امریکا روسیه را صحنهٔ سیاست شرق اقصی صورت دیگر میگیرد رقابت جاپان وامریکا درموضوع حاکمیت محیط کبیر وانبساط قوای بحری بمنتهای شدت میرسد درامریکای جنوبی منازعاتی که از دوسال باینطرف در اثر اختلافات سرحدی بین جمهوریت های آن قطعه بوقوع پیوسته است جریان دارد خلاصه سال۱۳۱۲ مملو از یکسلسلهٔ وقایع بارزی است که ما قرارآتی به شرح مهمترین آن مبادرت میورزیم :

کنفرانس خلع سلاح :

در سالنامهٔ سال گذشته تحت عنوان کنفرانس خلع سلاح معلوماتی درج نموده بودیم، چون امور کنفرانس اختتام نیافته و بواسطهٔ بعضی پیش آمد ها ونظریات دول تاکنون نتیجه مثبت ظاهر نشده گذارشات مابعد کنفرانس خلع سلاح را از بدو سال ۱۳۱۲ تا اخیر سال مذبور ذیلاً در برابر انظار قارئین گرام میگذاریم :

قبل از حلول سال ۱۳۱۲ درکمیسیون عمومی وکمیسیون سیاسی کنفرانس مذاکرات دراطراف پلان فرانسه جاری بود، چون فرانسه ها همیشه قرارداد های امنیت را بر خلع سلاح ترجیح میدهند، درین پلان شان هم پروژه تعهدات امنیت زیاد بود به همه صورت پیشنهاد ها تحت مذاکرهٔ کمیسیون سیاسی قرارگرفت وکمیسیون مذبور بعد از مذاکرات زیاد و ترمیمات وبعدبلایکه ازطرف دول دیگر پیشنهاد شد، مواد پروژهٔ معاهدات ذیل برای تدقیق و ترتیب به کومیتهٔ مخصوص که رئیس آن موسیو (پولیتس) نمایندهٔ یونان و نائب رئیس کمیسیون عمومی و سیاسی بوده سپرده شد؛ تابعد از غور و تدقیق واپس بکمیسیون عمومی تقدیم دارند :

۱ — عدم توسل بقوت درمخالفت های بین المللی : (پیشنهادی فرانسه و انگلیس) که انگلیس ها میخواستند صورت معاهدهٔ آن مخصوص ممالک اروپا بوده خاصهٔ عمومیت را به تمام ممالک دنیا نداشته باشد چون این معاهده باساس معاهدهٔ تحریم جنگ (میثاق پاریس نامیان بریان کیلوگ) که خاصهٔ عمومیت را بر تمام دنیا داراست ترتیب شده بود، ازهمان اول پیشنهاد از طرف دولت علیهٔ ایران، افغانستان و ترکیه تحت تنقید واقع شده خاصهٔ عمومیت را بر تمام دنیا خواستگار شدند .

خلاصه وقتیکه مسائل مذکور دوباره دراثنای مذاکرات بأثر پروژهٔ معاهدهٔ تحدید وتقلیل سلاح که از طرف مکدونالد رئیس الوزرای انگلستان تقدیم شده، جاری بوده وبعد از تدقیق کومیته مذکور تحت مذاکره آمد، نظر بمرام حکومت افغانی، ایران و ترکیه اکثر هیئت های دول در اثنای تقریر خود صورت عمومیت داشتن (عدم توسل بقوه را در مخالفت های بین المللی) تائید نمودند، خلاصه هیئت اتازونی واتحاد جماهیر شوروی هم دران شامل بودند، وهمان روز اکثر روز نامه های اروپا به کامیابی دول ثلاثهٔ شرق (افغانستان، ایران وترکیه) تقریظی نوشتند .

۲ — تعریف تعرض پیشنهاد هیئت اتحاد جماهیر شوروی : تعریف تعرض را هم بعضی از ممالك اوروپائیه
وص اروپا خواستگار بودند ، مگر این مسئله هم نظر باصرار هیئت ثلاثه مشرق و اتحاد جماهیر شوروی و اکثر دول
گر در مذاکرات آتیهٔ پروژهٔ معاهدهٔ تقدیمی انگلستان صورت عمومیت را اختیار کرد . اگرچه فیصله درین
به بداخل کمیسیون عمومی کنفرانس خلع سلاح داده نشد مگر درنتیجهٔ همین مذاکرات قرارداد تعریف تعرض
اثنای کنفرانس اقتصادی درلندن بتاریخ ۳ ماه جولائی در بین ممالك ذیل بامضاء رسید :

اول : بین اتحاد جماهیر اشتراکی شوروی وافغانستان ، استونیا ، لتوف ، ایران ، پولیند ، رومانیا و ترکیه .

دوم بین ترکیه ودول اتحاد صغیر اروپائی ، (رومانیا ، یوگوسلاویا و چکوسلواکیا)

قرارداد تعریف تجاوز را پولیند به ۱۵ سپتامبر امضا کرد .

تصویب قرارداد تعریف تجاوز ازطرف لاتویا بتاریخ ۱٤ نومبر .

لیم دادن تصویب نامهٔ قرارداد تعریف تجاوز ازطرف افغانستان بحکومت شوروی ـ ۲۰ اکتوبر امضای
ارداد تعریف تجاوز بین اتحاد جماهیر شورائیه ولتوانیا ـ ۵ جولائی .

حکومت فنیلند قرارداد تعریف تعرض را تصویب نموده بتاریخ ۳۱ جنوری ۱۹۳٤ بحکومت شوروی تسلیم داد .

۳ ، تشخیص متعرض ، پیشنهاد هیئت بلژیك که درمذاکرات آتیه دراثنای مباحثات دراطراف پروژهٔ
دیمی انگلستان نظر به تصویب کومیتهٔ مخصوص صورت اختیاری را اختیار نمود که هریك ازدول درین
معاهده داخل شود یا نه شود اختیار دارد . فیصلهٔ قطعی درین باب ازطرف کمیسیون اجرا شد .

٤ ، تعاون باهمی (پیشنهاد فرانسه) : صورت معاهدهٔ تعاون باهمی بعد از اجرای فصل تعرض وتشخیص آن
صوص ممالك بر اعظم اروپا پیشنهاد شده بود ، که حکومت انگلستان خارج ازان است ، درین مسئله
ون بعضی ممالك اروپائی طرفدار شده نمیتوانست ، اگرچه فیصله دران خصوص بعمل نیامد مگر اکثر هیئت
ای دول از صورت اختیاری بودن آن درکومیتهٔ مخصوص آن بحث راندند . بتاریخ ۱۹ مارچ ۱۹۳۳
مطابق ۲۵ حوت ۱۳۱۱ دروقتیکه باساس پروژهٔ فرانسه تا موافقتهای زیاد حاصل شده بود وقریب بود
نفرانس دراثر بعضی مخالفت های دول بزرگ اروپائی انحلال یابد ، رئیس الوزرای حکومت انگلیس
روژهٔ معاهدهٔ مشهور خودرا که تمام دنیا بروزنامه های خود ازان بحث راندند ، بکمیسیون عمومی کنفرانس
لع سلاح تقدیم نمود .

این پروژه نسبت به پروژه های دیگر مکمل او باساس اکثریت بعضی موافقت های عمومی ترتیب یافته
ست و باین سبب ازطرف جمیع نمایندگان دول که درکنفرانس خلع سلاح اشتراك داشتند بحسن صورت
لقی شد ، و اولاً اساس مذاکرات آینده وبعد ازمذاکرات مفصل اساس معاهدهٔ آینده تقلیل
تحدید سلاح قرار گرفت . پروژهٔ معاهدهٔ تقدیمی انگلستان دارای قسمت ها و فصول متعدد می باشد ،
ام قسمت ها وفصول آن ماده بمادهٔ تحت مذاکرهٔ کمیسیون عمومی کنفرانس قرار گرفت ، درقسمت اول آن
ه عبارت ازمواد تعهدات امنیت بود اگرچه فیصلهٔ قطعی ازکمیسیون عمومی داده نشد ، بازهم صورت تعهدات
تمم پروژهٔ که درفوق تحت بحث پلان فرانسه تحریر شده قرار گرفت .

درقسمت دوم که عبارت ازخلع سلاح است مباحثات زیادی بروی کار آمد ، درمسئله تعداد عسکر تحت السلاح
دورهٔ خدمت عسکری ولغویت عسکر دائمی برای ممالك براعظم اروپا (انگلستان خارج) مخالفت های
یادی بین هیئت المان که خواهان حق مساوی درتسلیحات است وهیئت فرانسه بروی کار آمد ، اگرچه بشرایط
وصیه بعضی موافقت های جزوی حاصل شد ، مگر فیصلهٔ درین خصوص بعمل نیامد .

دراثنائیکه مذاکرات تعداد قوای عسکری درکمیسیون عمومی زیر بحث بود ، بکومیته مخصوص (افکتو) دربارهٔ
وای عسکری وتشکیلاتیکه باساس عسکری مثلا پولیس ژاندارمه وغیره موجود باشد ، ازتمام دول تحت مذاکر

هیئت کانفرانس تقلیل اسلحه درجینوا که نماینده های افغانی هم دران شاملیت دارند.
(۱) ع ، ج عبدالحسین خان سفیر کبیر افغانستان مقیم مسکو. (۲) ع ، ش محمد عمر خان رئیس ارکان حربیهٔ عمومیه

از جلسات اخیر کنفرانس معروف تقلیل اسلحه درجینوا ، که نمایندگان افغانی بر دران شمولیت دارند، در وسط که نشانی شده به طرف راست : ع ، ح علی محمد خان وزیر مختار افغانی درلندن (رئیس نمایندگی افغانستان) پهلوی شان ع ، ش محمد عمرخان رئیس ارکان حربیه عمومیه نمایندهٔ حربی افغان درکنفرانس مذکور

قرار گرفت که کدام قسم این قوه‌ها که دارای کدام خواص باشد بحساب تعداد قوای عسکری گرفته شود تشکیلات پولیس مملکت ها که از طرف نمایندگی افغان بکومیته مذکور داده شده بود به حضور نمایندهٔ افغان تدقیق واضافتاً خارج از تشکیل عسکری وحربی شناخته شد.

در فصل تحدید آلات حرب هم اگرچه فیصلهٔ قطعی آن بقرائت دوم پروژه محول مانده است باز هم تا یک اندازهٔ که موافقت ها حاصل شده عبارت از مواد ذیل است:

۱ — قطر توپ های سیار سنگین در آینده از ۱۱۵ ملی متر تجاوز ننمایند و تا زمانیکه توپ های (۱۱۵) ملیمتره جای تمام توپ های سنگین دیگر را نگیرد، استعمال توپ های سیار (۱۱۵) ملیمتره هم مجاز خواهد بود و بالاتر از اندازهٔ مذکور تماماً لغو قرار داده شود.

۲ — در مسئلهٔ تانکهای موجوده اکثریت طرفدار لغویت تمام تانکها می باشد و یک جبهه طرفدار آن است که تانکهای بلند تر از وزن ۱۶ تن لغو گردد، و هر مملکت از یک تعداد معین زیاده نداشته باشد.

۳ — در مسئلهٔ قوای هوائی دو جبهه موجود است اول جبهٔ که لغویت طیاره رانی عسکری را تماماً خواهانند اما بشرطیکه طیاره رانی ملکی زیر اثر بین المللی اجرا یابد و دیگر جبهه که برای هر مملکت یک تعداد طیاره معین را منظور می کند اما بمباردمان هوائی را موقوف داشته طیاره رانی ملکی را بین المللی می خواهد.

هیئت افغان هم در مواد فوق ترمیمات لازمه را نظر به پروژهٔ تقدیمی انگلستان مانند سایر دول پیشنهاد نموده طرفدار به اکثریت بوده است و در مسئلهٔ بمباردمان هوائی که پروژهٔ مذکور بمباردمان را در مناطق دور دست مملکت برای احتیاجات پولیس اجازه میداد، هیئت افغان برای مفاد بشریت لغویت بمباردمان هوائی را بصورت قطعی کاملاً و بدون استثنا پیشنهاد کرده و تقویت اکثر هیئت های دول را حائز گردیده است

قسمت های دیگر پروژه هاهم که عبارت از قسمت های کنترول وغیره میباشد ماده بماده تحت مطالعه قرار گرفت بر هر قسمت و ماده ترمیمات تمام دول افزوده شده فقط فیصله قطعی دربارهٔ هیچکدام از مواد بعمل نیامده مقرر گردید تا در مطالعهٔ آینده دوباره بهر ماده مذاکره شده فیصله ورای قطعی دربارهٔ آن داده شود.

قرائت اول پروژهٔ معاهدهٔ تحدید وتقلیل سلاح وقتی باختتام رسید که تعطیل تابستانی کنفرانس شروع گردید باثر توصیهٔ مستر هندرسن رئیس کنفرانس چنان قرار داده شد که هیئت های ممالک ذی دخل در مسائلیکه موافقیت بین آنها موجود نیست در تماس بوده ذریعهٔ مذاکرات خصوصیه راه حل را جستجو نمایند، تا در قرائت دوم پروژه مخالفی موجود نبوده، امور کنفرانس که تمام عالم بشریت انتظار نتیجهٔ آن را دارند، بسرعت کامیاب گردد چنانچه به اثر آن و بقرار خواهش کنفرانس، هندرسن بپای تخت های ممالک بزرگ اروپا مسافرت کرده و با رؤسای دول مذاکره ومفاهمه نموده و هم اجتماعات خصوصیه هیئت های بعضی ممالک اروپائی وامریکائی در پاریس وگاهی در جینوا تشکیل یافت، در نتیجه قبل از آنکه کنفرانس بکار آغاز کند پروژهٔ کنترول ومدت امتحان که فرانسه وانگلستان وبعد از آن امریکا وایتالیا بران موافقت حاصل کردند ظهور نموده ودو روز پیش از اجتماع کمیسیون عمومی خلع سلاح از طرف (سرجان سایمن) وزیر خارجه برطانیا به بیروی دفتر کنفرانس قرائت وتقدیم شد. وهمان روز حکومت المان که همیشه خواهان تساوی حقوق در تسلیحات است وپروژهٔ مذکور را منافی حق وخواهشات خود میدانست. انفکاک هیئت خود را از کنفرانس خلع سلاح وجمعیت اقوام ذریعه تلگرام برئیس کنفرنس ومنشی عمومی مجلس اقوام اعلان کرد، ازان روز به بعد یعنی بعد از انفکاک المان از کنفرانس خلع سلاح که مهم ترین اعضای آن بشمار میرفت کنفرانس وتمام امور آن به بحران دچار شده تاحال که چندین ماه از آن میگذرد، اجتماع دیگر هیئت های دول برای مقصد خلع سلاح در جینوا صورت نگرفت اگرچه در اثنای تعطیل کنفرانس مذاکرات سیاسی بطریق دیپلوماتیک درمیان دول ذی علاقه برای واپس داخل شدن المان به کنفرانس خلع سلاح جریان دارد مگر نتیجهٔ مثبتی تاحال بظهور نپیوسته است.

نهضت ترکستان چین — اعلان مملکت مستقل اسلامی

خواجه نیاز حاجی رئیس جمهور ترکستان چینی

یکی از وقایع مهمیکه در اوائل بهار سال ۱۳۱۲ در وسط قارهٔ آسیا کسب وجود نمود مسئلهٔ نهضت ترکستان چین و اقدامات ۱۳ ملیون نفوس اسلامی برای استحصال آزادی و تشکیل حکومت مستقل ملی است. تذکر گذارشات این نهضت اگرچه از نقطه نظر واقعات بین المللی هم خالی از اهمیت نیست ولی ما به لحاظ همجواری و همکیشی بمراتب بلند تری بدان اهمیت داده و آنرا در جملهٔ بزرگترین واقعات سال ۱۳۱۲ عالم اسلام و مشرق حساب میکنیم

ترکستان چینی منطقهٔ ایست عموماً دشتی که از سه طرف شمال و غرب و جنوب محصور به رشتهٔ کوهستانی « تیانشان » و « التائی » و « پامیر » و « قراقرم » واز طرف شرق جانب صحرای اعظم گوبی باز است .

این منطقه همانطوریکه در مرکز حایز جلگها ودشتهای وسیعی میباشد در قسمت کوهستانی که اصلاً سرحدات طبیعی غیر قابل عبوری برای آن مملکت تشکیل داده است حایز دره های هولناك وصعب العبوری است که رودخانه های خروشان « میرآقسو » - « کاشغر » - « یارکند » از آنها عبور نموده رود خانه معروف « تارم » را تشکیل و به دریاچه های لب نور میریزد .

وسعت خاك این مملکت تقریباً ۱۶۰۰۰۰۰ کیلومتر مربع است. ساکنین آن اکثراً ترك - قرغیز - تنگ ها و ازبکها وغیره وعدهٔ ایشان تقریباً به ۱۳ ملیون بالغ میگردد ومذهب عموم ایشان دیانت مقدس اسلام است زبان اهالی عموماً ترکی و تنگانی ها که در شهرهای شمال بود وباش دارند وعدهٔ شان بچند هزار میرسد چینائی تکلم میکنند . رویهمرفته ساکنین این منطقه در البسه وصورت ساختمان منازل با ساکنین مناطق پامیر و نورستان افغانستان شباهت تام دارند . مرکز این مملکت تا این اواخر (اورمچی) و بلاد معروف آن (آق‌سو) (امی) (کاشغر) (ختن) یارکند) و غیره است .

منطقهٔ بین تیان شان - التائی - پامیر ، که از نیم قرن باینطرف معمولاً باسم ترکستان چین یا ترکستان شرق یادمی شود در ازمنهٔ قبل الاسلام یعنی زمانیکه در صحنهٔ آسیا دو مملکت بزرگ ترکی یکی باسم ترکان شرق (مرکب از چین و منگولیای امروزه) و دیگری بعنوان ترکان غربی تشکیل شده بود جزء قلمرو ترکان غربی بود . بعد از شیوع اسلام وبعد از خروج چنگیز وتهاجمات مغول اقتدار دول مجاور ضعیف گردیده مدتی مغولها دوران تاخت وتاز نمودند سپس حکومت ملی به دفعات تاسیس وبرداشت ان از قومی به قومی تحویل یافت چنانچهٔ آخرین سلطنت ملی آن سلطنت یعقوب خان است که از ترکستان روس آمده بکمك زعمای ملی حکومت مستقلی در کاشغر تاسیس نمود .

از نیم قرن باینطرف مهاجرین چینائی از صحراهای بی آب وعلف چین به مناطق نسبتاً شاداب این ممالك سرکشیده چون دست شان قوی گردید حکومت چین از ضعف ونقاهت زعمای ملی استفاده نموده آن علاقه را بتصرف خویش درآورد واهالی را به زیر سخت ترین پنجهٔ فشار واستبداد حکمرانان خویش گرفت - اقوام این سرزمین چون اصلاً جنگجو وحریت پسند میباشد به دفعات برعلیه چینائی ها قیام نموده اند چنانچه مهمترین جنبش های ایشان واقعهٔ « اوشطوخان » وجنبش (غوجالر) وهمراهان او میباشد .

علل قیام ترکستان چین را طوریکه جراید مینگارند آنی و فوری نیست بلکه از نیم‌قرن باینطرف یک سلسله جورها، ستم ها، تجاوزات و مظالم مختلف الشکل حکمرانان چینی موجبات رنجش فوق العادهٔ اهالی را فراهم آورده اخیراً رواج بدعت ها و مظالم دیگری موجب انفلاق مواد متراکمه گردید

جراید ترکی علت قیام ترکستانی ها را کثرت مهاجرت چینائی ها به ترکستان دانسته می نویسد بعد از سقوط خاقانهائی که چین اصلی را به منچوریا و مغلستان و ترکستان وصل نمودند سیل مهاجرت چینائی ها به اراضی سبز و زرخیز منچوری، مغلستان و ترکستان شروع شد و چون حکمرانان این مناطق همه چینائی بودند به تدریج اراضی حاصل خیز را ازدست ترک‌ها گرفته و به هموطنان خویش تفویض نمودند و بیچاره ترک‌ها را به اراضی بائر و سنگلاخ راندند.

ولی موجبات عمدهٔ قیام ترکستانی ها اصلاً سوء اداره و مظالم نایبان چینائی ها است که به اداره مملکت خود موفق شده نمیتوانند تاجه رسد به سرپرستی خاک دیگران حکمرانان چینی درین منطقه حکومت مطلقه مستبدانه را جاری نموده از هر رهگذر بر اهالی جبر و ستم وار هیچگونه تجاوزات بحقوق مسلمانها خودداری نه نموده اند. این حکمرانان خود مختار عسکری که مقر ایشان (ارومچی) بود آنی بفکر اداره و رفاه اهالی نبوده . بحیل مختلف اموال اهالی را ضبط و ذخیره پولی برای خویش تهیه میکردند . علاوه براینکه اراضی صاحبان املاک را برای هموطنان خویش میگرفتند درین اواخر چنین اعلان نموده بودند که هیچ زمین داری راساً نمیتواند از اراضی خویش استفاده کند بلکه تمام اراضی متعلق بحکومت است و عایدات آن تماما بحکومت تعلق میگیرد مسلمانان بومی در احراز و اشغال مقامات اداری و رسمی حقی نداشتند و حکمرانان برای جلب ثروت تجارت و فروش مقامات اداری را شروع نموده هر رتبه را بمقدار پولی میفروختند و ابداً بفکر راحت اهالی و آبادی ممالک نبودند همین بود که ترکستان عوض اینکه پیشرفت و ترقی کند
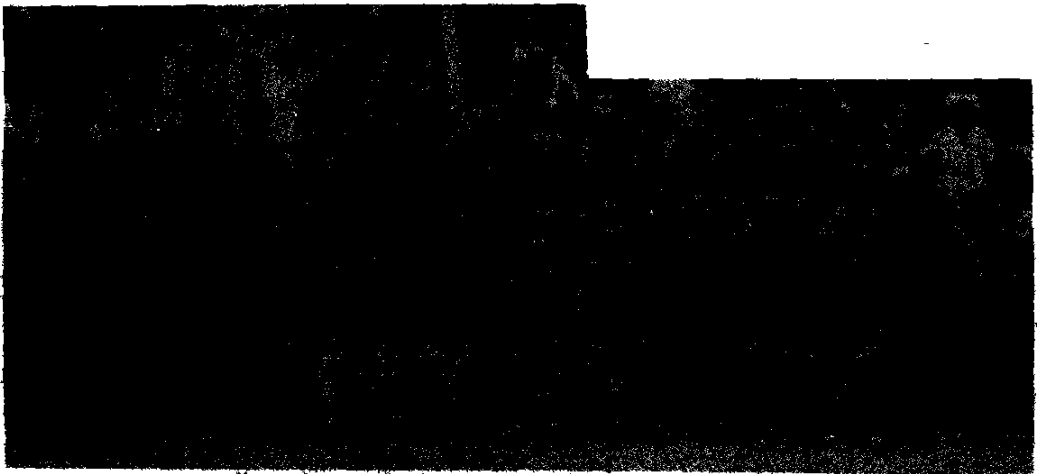
لیدران حکومت جدید اسلامی کاشغر (ترکستان چینی)، نشسته شخص چهارم تیمورشاه و شخص پنجم از چپ سرکردگان بزرگ میباشند

[illegible] عقب رفته تعمیم و تعلم بکلی نابود . صنعت بکلی سقوط ، مراکز علمی نابود و طلاب و منورین [illegible] وحشت آنها مقتول گردید . خلاصه پس از اینکه حکومت چین به تورکستان دست یافت پنجال خویش [illegible] به حلقوم اهالی مظلوم فرو برده اساس سلطنت و امنیت ، وظلم واستبداد را قرارداد چنانچه مورخین در طی [illegible] سال زائد از ۵۰ قتل عام را معترف هستند .

آنچه که درین اواخر بیشتر اهالی را به غلیان آورد دومسئلهٔ عمده بود یکی اینکه چینائی ها علاوه بر مظالم اداری اهانت به دین را شروع نموده مسلمانان را به دین بودائی دعوت می نمودند و دیگر اینکه حکمران چینی به زور میخواست با دختر یکی از نجبای شهر ختن ازدواج کند . این دومسئله تجاوز به دین و به ناموس اثرات سوء شدیدی بد و آدر شهر ختن و بالاخره در سراسر مملکت تولید نمود تا اینکه تمام شهرهای ترکستان شرقی کومل کاشغر - ای - آق سو یکی بعد دیگری برعلیه حکومت چین قیام نموده زعمای ملی از قبیل جنیب بیگ لیدر قوم قرغز وخواجه نیاز محمد لیدر ترك وغیره اقوام و بستگان خویش را به اقدامات ضد حکومت تشویق نمودند . در نتیجه تمام عمارات حکومتی را آتش زده حکمرانان شهرها بعضی مقتول و بعضی فرار نمودند و چون قوای عسکری چین درین وقت مصروف محاربات شرق اقصی بود باینطرف رسیده نتوانسته و بالاخره قوا و سلطه چینی کاملاً مضمحل گردید بتاریخ ۱۲ ثور انقلابیون به شهر قدیم کاشغر شبخون برده بعد از محاربهٔ شدیدی که دران عدهٔ زیاد چینی ها مقتول و دارائی انها تاراج گردید شهر را متصرف شدند . تنها شهر جدید کاشغر در مقابل تعرض مسلمین کمی مقاومت نشان داد زیرا حکومت چین دسته فوجی برای کمك قوای خویش فرستاده بود اما این دسته فوج هم عاجز آمده و بتاریخ ۲۷ ثور انقلابیون شهر جدید کاشغر را نیز متصرف شدند . بعد ازین چینی ها یکی در سراسر مملکت نفوذ و قوای خویش را از دست داده انقلابیون به تمام ترکستان شرقی دست حاکمیت یافتند

ترکستانی ها درنظر دارند حکومت جمهوریت مستقل اسلامی تاسیس وتشکیل نمایند . وسعت خاك این حکومت جدید التاسیس اسلامی تقریباً یك ملیون و شش صد هزار کیلومتر مربع . جمعیت ان تقریباً ۱۳ ملیون و مرکز ان شهر (آقسو) خواهد بود .

از اطلاعات اخیر معلوم میشود که در بین اقوام داخلی مملکت جدید ترکستان چینی نفاق واقع خواهد بود باهمدیگر درزدو خورد میباشند وافق سیاست آنجا تاریك و تاحال روشن نشده است .

والاتی لامه رئیس روحانی تبت که درسال گذشته فوت شد

نهضت آزادی خواهی در تبت :

در طول سال ۱۳۱۲ نهضت آزادی خواهی در تبت هم پیدا شده و نفوذ حکومت چین تقریباً از تمام صفحهٔ جنوب غربی آن مملکت قطع گردید وآلائی لامه پیشوای مذهبی تبت در ماه دلو وفات کرده تعین جانشین او از میان اطفال (بقرار رسم مذهبی) بعمل می آید . تاکنون هرج مرج و بی انتظامی در تبت حکمفرماست .

سقوط اعتبار مجمع اتفاق ملل ـ برامدن جاپان و المان:

طبیعی است که بعد از اختتام جنگ های بزرگ عالم بشریت قهراً بطرف ایدآل صلح و امنیت شتافته همیشه در صدد تشکیل وضعیت جدیدی بوده است که بتواند اسباب امنیت وسعادت بشر را تأمین کند. صفحات تاریخ بخاطر دارد که بارها ساکنین جهان بعد از تلفات سنگین خونین ستکار امنیت شده، وموضوع صلح وصلاحیت دنیا را در هر موقع سیاسیون و علما از قبیل (سن اگوستن) (دانت) پاپ گره گوار ۵ و ۷ هر کدام به نحوی تجویز و پیشنهاد نموده و «ژورژ پودی براو» پادشاه بوهم چنین تصور میکرد که اختلافات و محاربات بین المللی در اثر انعقاد کنفرانس سیاسی مذهبی تصفیه خواهد شد. بعد از جنگ های ۳۰ ساله و جنگ های مذهبی صلیبی وجنگ های انقلابی اشخاص متعدد، مخصوصاً طبقهٔ روحانیون ازدرمصالحت پیش آمده میخواستند شیرازهٔ عالم بشریت را جمع و امنیت پادوامی را دران استقرار بخشند.

همین طور بعد ازینکه جهان در طی ٤ سال جنگ عمومی چه درمیادین جنگ و چه در شهرها مدهش ترین تلفات را متحمل شد، غرش لایقطع ٤ سالهٔ طوپ هر کس و هر ملتی را به داد وفریاد آورده از هر زبانی آوازهٔ صلح وصلاح و استقرار امنیت عمومی وتشکیل مؤسسه هائیکه بتواند امنیت آتیه جهان را ضمانت کند استماع میشد وطوریکه یکی ازفلاسفهٔ اروپا میگوید برای صلح عمومی جنگ عمومی لازم است «حقیقةً جنگ عمومی مستلزم آن شد که مسئله امنیت عمومی عالم بیش از بیش مورد بحث قرار گیرد درمیان افکاری که سیاسیون بعد ازجنگ درین موضوع اظهار نموده اند مهمترین آن نظریهٔ «گلادستون» است که میگوید در روابط ملل حقوق بیدقائم مقام قوه گردد.

بالاخره موسیو (ولسن) رئیس جمهور امریکا این افکار ونظریات پریش رامجتمع نموده بتاریخ ۲۷ می ۱۹۱٦ اساس تشکیل مجمع اتفاق ملل را پیشنهاد نمود و پارلمان فرانسه هم بتاریخ ۵ ژون همان سال اساس تشکیل انجمن اقوام را تصویب کرد. بتاریخ ۱۱ اپریل ۱۹۱۹ مرامنامهٔ مجمع اتفاق ملل که عبارت از ۲٦ ماده میباشد وقسمت اولی معاهدهٔ صلح ورسای را تشکیل میدهد تنظیم وتصویب وبتاریخ ۱۰ ژانویه ۱۹۲۰ مرعی الاجرا گردید.

عدهٔ عمومی دول عضوجامعه ملل (٥٦) است که از آنجمله ۲۹ دول آن عضو اصلی و باقی اعضائی اند که بعد از تصویب مرامنامه رکنیت مجمع اتفاق ملل راحاصل نموده اند.

بعد ازتشکیل مجمع اتفاق ملل چند مملکت بتواریخ مختلف از عضویت آن خارج شده اند، ازآنجمله است: جمهوریت کوستاریکا در ۲٤ سپتامبر ۱۹۲٤، اسپانیا درماه می ۱۹۲۸، برازیل در سپتامبر ۱۹۲۸.

حالا که ازعلت بمیان آمدن مجمع اتفاق ملل وصورت تشکیل آن دانسته شدیم بایستی متذکر شویم که اگر چه صورت تاسیس انجمن اقوام را مستر ولسن رئیس جمهور عصر جنگ عمومی امریکا پیشنهاد نموده ودر اثر اجتهاد دول فاتح بمیان آمد ولی ناگفته نماند که درمیان دول فاتح هم فرانسه و انگلیس به آن علاقهٔ تام دارند ومخصوصاً فرانسه آنرا بهترین وسیلهٔ پیشرد مرام سیاسی خویش میداند. چون در مجمع اتفاق ملل دست انگلیس و فرانسه بیشتر نفوذ دارد واکثر مواد مرامنامه آن بمنافع سیاسی این دومملکت وضع شده است ودرجلسات آن همیشه ریاست بدست سیاسیون و نمایندگان این دومملکت میباشد به منظوری که عبارت ازعدالت بین المللی وتامین صلح جهان وتصفیهٔ مناقشات ملل بصورت منصفانه باشد اجراآت کرده نتوانست واین عدم کفایت مجمع ملل درین دوسال اخیر درموقع محاربات شرق اقصی وجنگ های ممالک امریکای جنوبی عملاً بمشاهده رسیده ثابت شد که آواز مجمع ملل را درهیچ مورد حتی کوچکترین مملکتی هم نمیشنود.

ممالک مغلوب که درراس آنها المان را میتوان حساب کرد اگرچه بعد از تصویب مرامنامهٔ انجمن اقوام عضویت آن موسسه را حاصل نموده اند اما طبعاً از تشکیل چنین انجمن که تمام اقدامات آن بنفاد فاتحین تمام میشود خوش نبوده آنرا «کلوب فاتحین جنگ» نامیدند وهزارها مقالات درباب بی کفایتی وعدم لزوم آن نشر کردند وحتی بدین زبان هم اظهار نظریه نموده اند که انجمن اقوام روح رقابت را در ملل تازه نگاه میدارد.

همین است که درسال ۱۳۱۲ دو مملکت بزرک جاپان و المان که بصورت دایمی درجلسات انجمن اقوام شرکت داشتند بنا برجهاتی که ذیلاً متذکر میشویم یکی بعد دیگری ازین مجمع بین المللی خارج شده اند.

قارئین محترم مسبوق اند که پارسال شرق اقصی صحنهٔ آشوب و محاربات چین و جاپان گردید، در نتیجه مملکت جدیدی بنام «منچوکو» درعلاقهٔ منچوریا تشکیل گردید. البته دنیا موجبات این جنگ را بخوبی بداند و هویدا است که اصلاً منظور جاپان ازین کشمکش تامین بازاری برای فروش مال التجاره تهیهٔ اراضی برای مهاجرین و ساکنین روز افزون خویش میباشد یعنی واضح گفته شود جاپان بنام دفاع حقوق خویش وتامین امنیت شرق اولاً تجارتگاه ثانیاً ملکت مستقل وبالاخره مستعمرهٔ جاپانی دراراضی چین درنظر دارد.

مجمع اتفاق ملل به تاسی منظور موسسین خویش طوریکه بظاهر اهلیت اصلاح چنین مناقشه را ادعا میکند شروع به مداخلت وتحدید نموده بالاخره کومیته مرکب از نماینده گان ۱۹ مملکت برای مطالعه واصلاح وضعیت شرق اقصی فرستاد. حینکه کومیته پس به اروپا مراجعت وصورت مطالعات خویش را به انجمن ملل رویت داد در جلسهٔ فوق العاده بتاریخ ۱۲ فوریه تشکیل ودرنتیجه را پورتی تهیهٔ نمودند که مطابق آن جاپان را سراسر مسئول محاربات شرق اقصی قرارداده وتمام ممالک را ذریعه متحد المآلی از شناختن رسمی منچوکو حداً منع نمودند.

نسبت مسئولیت ها به جاپان وعدم شناختن مملکت منچوکو حکومت جاپان را مجبور نمود که زبان وزیر امورخارجه خویش چنین اظهار کنند «جاپان ۱۳ سال باروح مسالمت کارانه عضو مجمع اتفاق ملل باقی ماند ولی چون فعلاً درباره معاهدات بین او ودول معظمه توافق نظر موجود نیست وانجمن اقوام اقدامات صلح جویانهٔ اورا درشرق اقصی بسوء نظریات تعبیر میکند ودر مسئلهٔ تشکیل منچوکو بین او ومجمع اتفاق ملل اختلافات اساسی موجود است لذا جاپان مطابق مادهٔ اول فقرهٔ سوم قرارداد مجمع اتفاق ملل از تاریخ ۲۰ مارس ۱۹۳۳ (اول حمل ۱۳۱۲) خویش را ازان موسسه منفصل میداند»

علت برآمدن المان ازمجمع ملل چندان تفصیلی ندارد وطوریکه مسبوقیم بعدازینکه تمنیات المان مبنی برمساوات حقوق تسلیحات پذیرفته نشد فن نورات وزیر خارجه آن مملکت نظریه انفصال حکومت خویش را ازکنفرانس خلع سلاح ومجمع اتفاق ملل بتاریخ ۲۱ میزان ابلاغ نمود.

درماه اخیر سال ۱۹۳۳ (٦ دسامبر) انجمن بزرگ فاشیست ایطالیا پیشنهاداتی مبنی برتغیر هویت و مرامنامهٔ مجمع اتفاق ملل پیشنهاد نمود اما فرانسه وانگلستان بعد مفاهمه وزرای خارجه خویش ازموافقت چنین امر استنکاف ورزیده صریحاً پیشنهادات ایطالیا را رد نمودند. چون مجمع اتفاق ملل امسال دو عضو بزرگ خویش را ازدست داد سیاسیون فرانسه درنظر دارند که روسیه را به رکنیت انجمن اقوام شامل نموده باین وسیله تادرجهٔ جای جاپان والمان را مملو سازند.
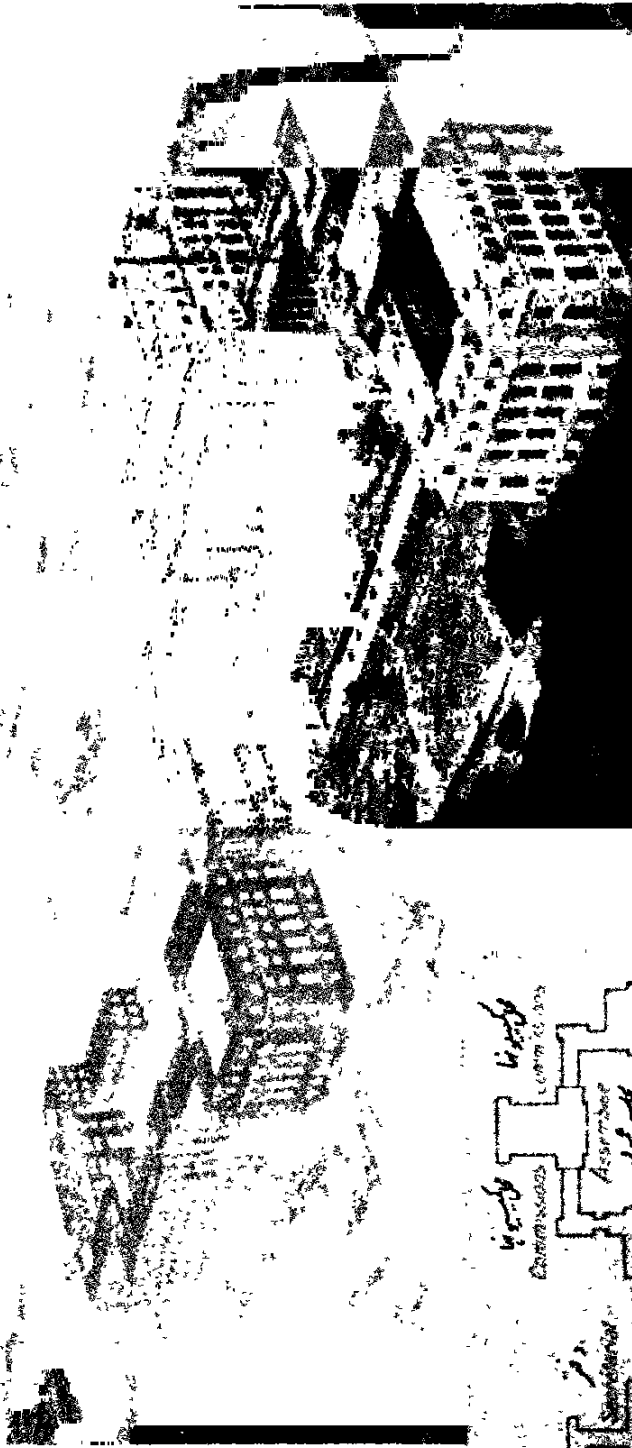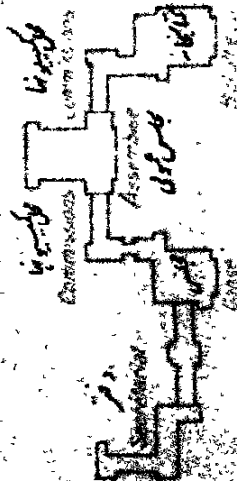
عمارت جدید مجمع ملل که از پول عانه متمولین بزرگ و دول عضو مجمع بشرکت بهترین مهندسین عالم در جنوا ساخته شده

ایران :

منازعه شرکت نفط ایران و انگلستان که بأثر الغای امتیاز وارسی تولید شده بود بشورای انجمن اقوام در جینوا بین مملکتین معاهده موقتی امضا شده وسپس بتاریخ ۱۰ ثور در طهران بین حکومت ایران و شرکت نفط انگلستان معاهدهٔ جدید امضا شد وقرار این معاهدهٔ نزاع نفط به منفعت طرفین خاتمه یافت .

درین سال بعضی اشخاص از قبیل تیمورتاش وزیر دربار و اسعد وزیر جنگ بجرم مفسدت وخیانت از طرف حکومت ایران گرفتار ومحاکمه شدند ایران درسال ۱۳۱۲ اقدامات مؤثری در بهبود اوضاع اقتصادی خود مبذول داشته وتمدید خطوط آهن را طرف توجه مخصوص قرارداد ، اختلافی که بأثر جزیرهٔ باسعید و بین مملکتین ایران وانگلستان تولید شده بود به منفعت ایران خاتمه یافت .

اعلیحضرت شاه ایران که اخیراً به ترکیه مسافرت نموده

قره خان قائم مقام کمیسار ملی امور خارجه اتحاد شوروی دروسط سال به طهران مسافرت رسمی نموده با اولیای امور دولت ایران ملاقات کرد .

درین مسافرت قره خان وبعداران بعضی مسائل اقتصادی ازقبیل اصول فیصله حسابات صادرات برنج ازایران و واردات قند از شوروی مابین مملکتین فیصله یافته است ومسائل دیگری مانند موضوع حق ترانزیت ازخاک شوروی وغیره هنوز تحت مذاکره میباشد.

اعلیحضرت رضا شاه پادشاه ایران چندین دفعه درین سال بشمال وجنوب مملکت ایران مسافرت کردند .

بتوجهات اعلیحضرت پادشاه ایران درین سال دولت ایران مراحل مهمهٔ اقتصادی را طی کرد درتوزید وبکارانداختن فابریکهای نساجی وقند سازی وصحت سازی وغیره توجه کاملی مبذول گردید روی هم رفته مملکت دوست و هم جوار ما ایران درین سال به طی مراحل عمدهٔ ترقی وتعالی نائل گردید .

کابینهٔ جدید ایران
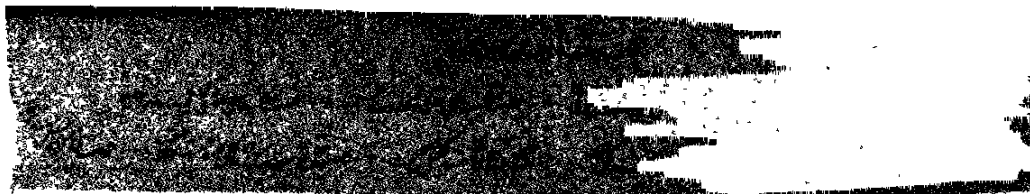
کنفرانس اقتصادی جهان:

برای رفع و چاره سنجی بحرانات اقتصادی که اکناف دنیا را فرا گرفته بود بسال گذشته انعقاد یك کنفرانس اقتصادی در نظر گرفته شده بود چنانچه در اثر آن شصت و شش ممالك دنیا به شمولیت در کنفرانس مزبور دعوت و افغانستان هم مدعو بوده و شامل شده بود. قبل از انعقاد کنفرانس کمیسیونیکه برای تهیهٔ زمینهٔ کنفرانس معین شده بود مسایل قابل بحث در کنفرانس را تعیین و علاوتاً پیشنهاد کرده بود که ممالك دنیا الی نتیجهٔ کنفرانس یعنی در اوقات جریان محافل کنفرانس یك متارکهٔ گمرکی را اختیار کنند، یعنی در اوقات جریان کنفرانس هیچ یك مملکت از منع ادخالات و یا ازادت محصولات اقداماتی ننماید، ممالك دنیا در مد و کنفرانس بابعضی عبارات شرطیه به متارکه موصوفه موافقت نمودند، ولی طوریکه کنون از جراید معلوم میشود، چون کنفرانس اقتصادی به نتیجه نرسیده رسماً ملتوی شده، لهذا ممالك دنیا نوتهای تعقیبیه بدفتر کنفرانس فرستاده و ازمسئلهٔ متارکهٔ گمرکی صرف نظر نموده اند، بهر صورت کنفرانس اقتصادی بتاریخ ۲۲ جوزای ۱۳۱۲ درعمارت تازه ساخت (موزیم) درلندن منعقد و بنابر اهمیت فوق العادهٔ که داشت خود شاه انگلستان آنرا افتتاح و نطق افتتاحیه را بالسنهٔ انگلیسی و فرانسه ایراد نمود، بعدها مذاکرات کنفرانس بصورت جلسهٔ عمومی جاری و نمایندگان ممالك افکار حکومات خودها را در ضمن نطق خود بیان نمودند چنانچه هیئت افغانستان هم پیشنهادات خود را بموقعش بکنفرانس مزبور تقدیم نموده است، بعد اختتام جلسهٔ عمومی و نطق های نمایندگان کنفرانس مذکور به دو کمیسیون اقتصادی منقسم گردید یکی کمیسیون که دران مسائل تجارتی و گمرکات و انحصارات وغیره بحث می شد و دیگری کمیسیون مسکوکاتی که دران مسائل بانکهای مرکزی و اساس سکه و نرخ معین مسکوکات دنیا وغیره تحت مداقه گرفته شده بود، چون عموماً اساس تجارت و اقتصادیات و جریان بانك ها تعیین اساس سکه و نرخ معین مسکوکات است، لهذا کمیسیون مسکوکاتی به معین نمودن اساس سکه که آیا طلا باشد یا نقره و استقرار نرخ مسکوکات صرف مقدرت نمود و هم مسئله اساس ذخیرهٔ بانك های دنیا که فیصد چند کفایت میکند تحت بحث گرفته شد طوریکه معلوم است عموماً اساس ذخیرهٔ بانك الی انعقاد کنفرانس اقتصادی فیصد ۳۲ معین بود، ولی هنگام جریان کنفرانس در کمیسیون مسکوکاتی پیشنهاد شد که اساس ذخیره فیصد ۲۵ کفایت خواهد کرد در مسئلهٔ اتخاذ اساس سکه چون همهٔ ممالك بریك نهج نبوده، ممالکیکه ذخیرهٔ طلا بسیار دارند از قبیل فرانسه و سویس بتعین اساس سکه بر طلا مقر بودند و بعضی ممالك دارای نقره از قبیل چین و مکزیك وغیره بتاسیس اساس سکه بر نقره اصرار داشتند، همچنان نسبت به استقرار نرخ مسکوکات چون عموماً تنزل پول یك مملکت برای واکسپورت یعنی اخراجات آن مفید ثابت می شود، لهذا بعضی ممالك از باعث عدم توازن تجارت شان نمی خواستند فوراً نرخ مسکوکات مستقر شود، بدینجهت چون مسایل مسکوکاتی اساس همه اقدامات کنفرانس مذکور بود درصورتیکه به مسایل مسکوکاتی و تعین قیمت اشیا موفقیق حاصل شده نتوانست، کنفرانس روی سقوط نهاد چنانچه جلسات عمومی و کمیسیون های کنفرانس موصوف بتاریخ ۱۵ اسد ۱۳۱۲ معطل گردیده صرف دفتر کنفرانس و دارالکتاب آن برای مساعد ساختن زمینه به کار مداومت دارند و نمایندگان دنیا بممالك خودها عودت نموده اند.

شاه انگلستان کنفرانس اقتصادی جهان را در لندن افتتاح میکند (جوزا - ۱۳۱۲)

کنفرانس [illegible] که در خلال اوقات انعقاد کنفرانس اقتصادی لندن در پاریس منعقد شد (جوزا ۱۳۱۲ شمسی)

قرارداد چهارگانه :

مفکورهٔ عقد قرارداد دول کبیرهٔ اروپائی مبنی بر تمرکز دادن رویهٔ سیاست متقابله خویش نسبت بمسایل بین‌المللی یکی از افکار قدیمه ایست که بعد از ۱۹۱۳ حینیکه دول از محاربات بالقان خلاص میشدند درکنفرانس‌ها استماع می شد .

بعد از جنگ عمومی سیاسیون غالباً باین امر اشاره نموده میخواستند بین دول معظمه عضو دائمی مجمع اتفاق ملل قرارداد وائتلافی بعمل آید اما بمناسبت عدم موافقت دول صغیره این نظریه متروک گردید .

در ماه ژوییه ۱۹۳۱ برای اولین دفعه فکریهٔ متارکهٔ ده ساله سیاسی بین المان و فرانسه بروز نمود - حین مسافرت «برونینگ» وداکتر کورتیوس درپاریس فرمول های زیادی برای عملی ساختن این نظریه سنجیده شد اما هیچ کدام نتیجه نداد - سپس حین مسافرت « موسیو لاوال » و « بریان » صدر اعظم و وزیر امورخارجه فرانسه به برلین وبعدازان در کنفرانس لوزان بین « فن پاپن » و « موسیو هریو » دوباره این مسائل مورد بحث قرار گرفته صدر اعظم المان اشتراک مساعی و فکریهٔ اتحاد دول کبیرهٔ اروپائی را پیشنهاد نمود . اگرچه درین وقت بمناسبت اینکه به امتیاز مجمع اتفاق ملل رخنه وارد نشود پیشنهاد او مسکوت عنه گذاشته شد معهذالک تا اندازهٔ درداخل نظریات او قرارداد « مشورهٔ مشترکه » بین انگلستان و فرانسه بتاریخ ۱۳ ژوییه ۱۹۳۲ عقد گردید .

هرفون هاسل سفیر کبیر آلمان

سر رونالد گراهام سفیر کبیر بریطانیه

آنکه حقیقةً طرفدار وروبکار آورندهٔ « قرارداد دول چهارگانه » است موسیولینی میباشد ، مشارالیه اولین دفعه بمقام « تورن » در نطق ۲۳ اکتوبر ۱۹۳۲ لزوم اشتراک مساعی دول بزرگ اروپائی را پیشنهاد و بتاریخ ۱۸ مارس سال حاضر عملاً پروژهٔ درین زمینه ترتیب و صدراعظم و وزیر امورخارجه بریطانیا را برای مطالعهٔ آن بروما دعوت نمود .

موسیولینی درخلال این پروژه میخواست برخلاف ماده ۱۹ قرارداد مجمع اتفاق ملل راهی برای تجدید نظر معاهدات بگشاید ، همین نکته فرانسه ولهستان ، ممالک ائتلاف صغیر را وادار نموده که درآن تعدیلاتی بعمل آرند .

همین طور صدر اعظم بریطانیا اگرچه اصلاً و اساساً با موسولینی موافقت نظر داشت. اما برای اینکه کنفرانس خلع سلاح را از مشکلات بیرون و دول صغیره را از هیجان بدر کند قرارداد چهارگانه را بیشتر به اساس اتحاد کولگ و عدم صرف قوه نزدیک ساخت. بالاخره فرانسه برای تامین مقام و اعتبار مجمع اتفاق ملل این نکته را اضافه نمود که چون قرارداد بین چهار مملکت عضو دائمی انجمن اقوام انعقاد میشود بنا است در حوصهٔ آن مؤسسه و به احترام شئونات و مواد قرارداد آن بعمل آید.

موسیو دوژوونل سفیر کبیر فرانسه

خلاصه در مدت ٤ ماه که از ۱۸ مارس یعنی تاریخ ترتیب پروژهٔ اولیهٔ موسولینی تا ۸ ژون تاریخ امضای آن میگذرد تعدیلات زیادی در نظریات موسولینی بعمل آمده و متن آخرین پروژه که با روحیات مجمع اتفاق ملل مطابق و بتاریخ ۱۸ ژون در قصر ونیز بین موسولینی و سفرای کبار انگلستان، فرانسه و المان به امضا رسیده است قرار آتی است:

ماده اول. معاهدین راجع به تمام مسائل مربوطه خود شان اتحاد عمل را مراعات نموده متعهد میشوند در حوصهٔ مجمع اتفاق ملل در تعقیب و به سیاسی اجتهاد ورزند که بین تمام دول صلح را صیانت و محافظه نماید.

مادهٔ دوم. آنچه که مربوطه قرارداد مجمع اتفاق ملل و مخصوصاً مادهای ۱۰، ۱٦، ۱۹، (*) باشد معاهدین مصمم میشوند که در اطراف آن بین خود سنجش و رسیدگی نمایند و تصمیم قطعی در اطراف آن وظیفهٔ خود مجمع اتفاق ملل است.

سنیور موسولینی رئیس الوزرای ایطالیا

مادهٔ سوم: معاهدین تماماً متعهد میشوند که برای تامین کامیابی کنفرانس خلع سلاح منتهای کوشش بخرج دهند و اگر بعد از ختم کنفرانس مخصوصاً مسئلهٔ درین زمینه بین خود آنها عرض وجود کند بمطالعهٔ آن پرداخته قرار انتصاب این قرار داد حل آنرا از مجرای صلاحیت فیصله نمایند.

مادهٔ چهارم: ـ معاهدین راجع به تمام مسائل اقتصادی که پهلوی منافع مشترکه برای اروپا داشته باشد و مخصوصاً برای استقرار وضعیت اقتصادی در دایرهٔ هدایات مجمع اتفاق ملل بین خود تبادله نظر خواهند نمود.

ناگفته نماند که احترام قرارداد مجمع اتفاق ملل، معاهدهٔ «لوکارنو» معاهده تحریم جنگ «بریان کولگ» و معاهده عدم صرف قوه که پروژهٔ آن به ۱۱ دسامبر ۱۹۳۲ در ژنو ترتیب و نمایندگان کنفرانس خلع سلاح بتاریخ ۲ مارس ۱۹۳۳ آنرا پذیرفته اند جزو اعظم قرارداد دول چهارگانه و تمهید متن آنرا تشکیل میدهد.

(*) این سه ماده برای احترام استقلال ملل و عدم تجدید نظر معاهدات وضع شده.

قرارداد چهارگانه بعداز همه تعدیلاتی که درمدت ٤ ماه در ان بعمل آمده است مستقلاً چیز جداگانه وجدیدی نیست وچون منظور مرتین اولیهٔ آن یعنی تجدید نظر معاهدات واقداماتی که منجر به سقوط امتیاز انجمن اقوام میشد ازان کاست گردید درقطار سائرمعاهدات صلح به اسم ورسم دیگرو به تغییر جزئی معاهدهٔ دیگری علاوه گردید که بین چهار آهنین معاهدهٔ صلح ورسای ، قرارداد مجمع اتفاق ملل و سائر معاهدات لوکارنو، کولگ که بعد از جنگ در راه تامین صلح عقد شده اند محصور میباشد .

وضعیت آیرلیند :

دی ولیرا ومطالبات اواز حکومت انگلستان :

معمولاً کلمهٔ آیرلیند به جزیرهٔ اطلاق میشود که بطرف غرب جزیرهٔ انگلستان واقع واز جانب شمال - شرق وجنوب مشرق محدود به کنال شمال وکنال سن ژورژ وباقی اطراف آنرا او قیانوس اطلس محصور نموده است .

آیرلیندابتدا منقسم به ٥ ولایت ورئیس حربی، آنهارا اداره می نمود واز قرن ٥ تا ٩ کانون بزرگ علمی ومنبع تمام اروپای غربی بشمار میرفت . انگلستان درقرن ١٢ ازنفاق ومخالفت های رؤسای بومی استفاده نموده در خاك جزیرهٔ آیرلیند تجاوزات نمود وهانری دوم پادشاه آن مملکت در ١١٧٢ شخصاً در آنجا مسافرت نموده آیرلیند را مطیع ومستعمرهٔ انگلستان ساخت ودر قرن ١٧ « کرامول » دیکتاتور انگلستان آنرا « دومینین » انگلیس قرارداد . چون آیرلندی ها اصلاً از نژاد « سلتی » ومذهب آنها بطور عمومی کاتولیك می باشد طبعاً بعلت اختلاف نژاد ومذهب یکسلسله مخالفت ها حتی مجادله درطی قرون بعد بین آیرلیند وانگلستان بوقوع پیوسته است . چون خاك آیرلند استعداد زراعتی ندارد عدهٔ زیاد ساکنین آن به امریکا مهاجرت نموده اند وبدین اساس از ١٨٥٠ تا امروز ساکنین آن تقریباً از ٩ ملیون به چهار ونیم ملیون رسیده یعنی نصف شده است .

در ١٨٤٨ آیرلندی ها به اشارهٔ ملیون های مهاجرین خویش به امریکا پروژهٔ یکنوع آزادی داخلی (هوم رل Home Rule) ها به پارلمان انگلستان پیش نموده وبعد از جر وبحث طولانی وتعدیلات حزب ملی موسوم به (سن - فن Suine Feines) دراثر کمك های مالی مهاجرین خویش مقیم اتازونی انقلاب نموده تمنیات خود را حاصل نمودند . حینیکه انگلستان مصروف جنگ عمومی شد آیرلندی ها از پارهٔ قیوداتی که (هوم رل) بر آنها تحمیل نموده بود کناره جوئی نموده بنای شورش را گذاشتند وبروز دوشنبه عید پاك ١٩١٦ تصادمات خونینی در (دوبلن) مرکز مملکت برپا وآتش مخالفت دیرینهٔ بین انگلستان وآیرلندی را تازه گردانید ، در ٢٤ دسامبر ١٩١٧ « لاید جارج » کنفرانسی دردوبلن دایر نموده وپروژهٔ آزادی وسیعتری برای آیرلند ترتیب نمود، بتاریخ ٢١ ژانویه ١٩١٩ پارلمان باکثریت تمام استقلال آیرلیندرا اعلان نموده ونمایندگان مملکت عوض اینکه به لندن بروند دردوبلن مجتمع شدند . حکومت جدید فوراً باب مخالفت های جدی را با انگلستان کشوده تا اینکه درنتیجه بعد از دوسال بتاریخ ٦ دسامبر ١٩٢١ متارکه بعمل آمده حکومت انگلستان رسماً آزادی آیرلند راشناخت اما در عوض سیاسیون انگلیس ازاختلاف مذهبی ساکنین جزیره استفاده نموده صورت وحدت ایرلند را شکستند قسمی که ولایت (ایولستر Ulster) را که بجانب شمال جزیره واقع وپنج یك خاك آیرلند راتشکیل میدهد ومنبع آنها پروتستان میباشد کافی السابق دومینین انگلستان باقی گذاشته تنها به آیرلند جنوبی کاتولیك مذهب آزادی دادند .

برای اینکه وضعیت امروزهٔ ایرلند وموضوع اقدامات دی ولیرا بخوبی فهمیده شود باید به این مسئله دقت نمود که آیا آزادی که انگلستان در ١٩٢١ برای آیرلند جنوب قائل شده است چطور وبچه اساس است ووسعت آن تاکجا است . بدیهی است که این آزادی ، آزادی واستقلال مطلقه نیست وقیوداتی که ١٨ مادهٔ معاهدهٔ آزادی ١٩٢٠ به آیرلند تحمیل نموده است قرارذیل است؛

دی ولیرا قائد ملی و رئیس حکومت آیرلند

آیرلند مانند کانادا واسترالیا وزیلاند جدید وغیره به پایهٔ مساوی مربوط امپراطوری انگلستان است حکمران عمومی که نمایندهٔ امپراطور انگلستان میباشد بمشورهٔ وزرای آیرلند ازطرف شاه انگلستان انتخاب میشود ـ اعضای پارلمان حکومت آزاد آیرلند حینی که انتخاب میشوند سوگند وفاداری به شاه انگلستان میخورند ـ انگلستان حق مراقبت ومحافظهٔ سواحل آیرلند را دارد ـ آیرلند به تناسب جمعیت قشون متعددتر از انگلستان نگاه کرده نمیتواند ـ آیرلند سه ملیون پوند بعنوان مالیات اراضی سالانه به انگلستان میپردازد ولایت « اولستر » حصهٔ از آیرلند شمالی کماکی السابق دومینین انگلستان است .

باین قیودات آیرلند دردایرهٔ اتحادیهٔ ملل بریطانیا حکومت آزادی است که اصول دموکراتی درآن تقویت گرفته وبه اساس آن « دیل » شورای ملی درا ثر آرای عمومی انتخاب میشود قوای قانونی بدست دو مجلس ومبعوثان است انتخاب نمایندگان بصورت مستقیم بعمل می آید وهر دو رت که از ٤١ سال بالا باشد در انتخابات شامل ه میتواند (عمر منتخبین برای مجلس سنا ۳۵ سال قید شده است) شخص شاه را نائب السلطنه نمایش میدهد فقط درا ثر رضائیت وزرای آیرلند انتخاب میشود قوهٔ اجرائیه بدست مجلس اجرائیه است که مرکب از عضو ویك رئیس میباشد واین رئیس را پارلمان آیرلند انتخاب می نماید . آیرلند مانند سایر ملل بحقوق مساوی ومجمع اتفاق ملل است وسفرا به ممالك خارجی ارسال کرده میتواند

حالا که ازچگونگی وضعیت قدیم آیرلند و اوضاع آن مملکت درتحت رژیم نیمه مستقل ۱۲ ساله اخیر مطلع یم به شرح مختصرا سامی خویش می پردازیم که آیا موسیو « دی ولیرا » کیست؛ زکیست وپروگرام او رت از چیست ؟

موسیو « کالون دی ولیرا » اصلاً منصوب یك خانوادهٔ قدیم اسپانیولی است که بجنوب جبال پیرنه درعلاقهٔ باسك سکونت اقامت داشته وبعدها به آیرلند سکونت اختیار نموده است . مشار الیه سال ۱۸۸۱ متولد وبعد از تکمیل تحصیلات خویش در دارالعلوم دوبلین بسن ۲٤ سالگی بحیث پروفیسر د سه شهرت یافت بعد از ۱۹۱۰ درا ثر ذوقی که بکارنامه های اشخاص معروف یورپ داشت داخل اسیات شده آنی از مظاهرات وطن پرستی خودداری ننمود وبهمین واسطه باعدهٔ از مظاهرین وانقلابیون وس گردید ۱۹۱۷ از حبس رها ودر ۲۵ اکتوبر سال مذکور نمایندگان شورای ملی اورا بحیث رئیس نتخاب نموده وازین تاریخ باینطرف اولین قائد ملی آیرلند بشمار میرود . دی ولیرا چندین مرتبه محبوس مد از هرخلاصی مسافرتی به امریکا نموده است ودرهیچ جا حه درسفر وچه درحضر لمحهٔ از اقدامات استقلال راهی خودداری ننموده است تا اینکه بشرحی که متذکر شدیم انگلستان بتاریخ ٦ دسامبر ۱۹۲۱ حقوق ادی آیرلند راشناخت .

فتح حزب جمهوریت پسندان درانتخابات ۱٦ فوریه ۱۹۳۲ آیرلند منتج ازین شد که درپارلمان جدید ب کارگر وجمهوریت پسند همدست شده بتاریخ ۹ مارس سال مزبور به اکثریت ۸۱ رای درمقابل ٦۸ « دی را » را به ریاست حکومت آزاد آیرلند انتخاب نمودند وازین تاریخ حایز اکثریت پارلمانی گردید .

دی ولرا در نظر دارد که آخرین رشتهٔ رابطهٔ بین آیرلند و انگلستان را گسیخته حکومت جمهوریت آزادی روی کار آرد ومواد عمدهٔ پروگرامی که از دو سال بایطرف تعقیب میکند و اساس مطالبات اورا از حکومت انگلستان تشکیل میدهد یکی الغاء پرداخت سه ملیون پوندی است که سالانه انگلستان بعنوان مالیات اراضی دریافت میدارد. اساس وضع این مالیات این است که حکومت انگلستان از سال ۱۸۷۰ الی ۱۹۰۹ برای دهاقین آیرلند مبالغی برای خریداری اراضی از صاحبان املاک پرداخته بود. حکومت انگلستان این مبالغ را قروض شخصی تصور میکند و آنرا به وضع و دریافت سه ملیون پوند مالیات سالانه میخواهد جبران نماید اما دی ولرا مبالغی را که انگلستان پرداخته جزو قروض عمومی حساب میکند و چون بعد از یکه آیرلند از بعضی مطالبات خویش در آیرلند شمالی دست کشید با انگلستان چنین قرار گذاشته شده بود که تمام قروض عمومی بین‌مملکتین لغو شود، دی ولرا از روز یکه ریاست حکومت را عهده دار شده است به الغاء پرداخت مالیات مذکور میکوشد.

مسئلهٔ دومی که دی ولرا الغاء آنرا از حکومت بریطانیا مطالبه میکند مادهٔ چهارم معاهدهٔ ۱۹۲۱ است که قرار آن اعضای پارلمان آیرلند بایست دست به شاه انگلستان سوگند وفاداری بخورند.

کوششاتی که از طرف دی ولرا رئیس اجرائیهٔ حکومت آزاد آیرلند برای الغاء این دو مسئلهٔ بعمل آمده است تاحال نتایج مثبت نداده وقرار معلوم حکومت انگلستان از تغییردادن معاهدهٔ فوق الذکر جداً احتراز میکند. دی ولرا از همان اوائل ایام حکومت خویش استقرار جمهوریت آزاد آیرلند تعمیل سائر مواد پروگرام خویش را در نظر دارد اما وضعیت داخلی بشرحیکه ذکر میکنیم اورا مصروف ومنتظر موقع مساعد نموده است.

علاوه بر حزب جمهوریت خواهان وحزب اعتدالیون «کوسگراو» که بعد از اقتدار یافتن حزب اول الذکر پس باشد اجرا جرائد وجود حزب فاشیستی «پیراهن نیلی ها» را به سرکردگی ژنرال (Oduffy) در آیرلند خاطر نشان میکنند در حقیقت وجود این احزاب حزبی تازهٔ نیست بلکه دو سه سال قبل هم وجود داشت ودی ولرا بکمال بصارت این موضوع را از اول فهمیده و طوریکه متذکر شدیم چون اکثریت پارلمانی را یکمك احزاب کوچك کارگر وغیره حاصل نموده بود یعنی بزبان دیگر حکومت وحزب او بصورت اطمینان بخش حایز اقتدار نبود به اصلاح وضعیت داخلی پرداخته در اوائل سال جاری پارلمان را منحل وتجدید انتخابات را شروع نمود ودر نتیجه قبل از یکه سائر احزاب صورت رسمی پیدا کنند درمقابل تمام احزاب دیگر اکثریت مطلقهٔ ۱۵۲ کرسی را درمقابل ۷۹ حاصل نمود وبدین منوال تا امروز توانست از تهاجمات ومظاهرات احزاب جلوگیری نموده آزادانه به تعمیل پروگرام آزادی خویش بپردازد.

انگلستان مطالبات آزادی خواهانهٔ آیرلند را به قیودات گمرکی پاسخ داده وازین راه باقتصادیات آیرلند صدمات سختی وارد میکند وتاحال برای تغیر دادن قیودات معاهده ۱۹۲۱ صورت مسالمت نشان نداده است.

ممکن آیرلند به الغاء سوگند وفاداری وپرداخت مالیات وتشکیل حکومت جمهوریت آزاد در آیرلند جنوبی موفق شود اما الحاق آیرلند شمالی پروتستان به آیرلند جنوب تاحدی امکان پذیر نیست. اینها یکسلسله سؤالاتی است که آینده جواب قطعی آنهارا خواهد داد.

بغاوت آثوریهای عراق:

در ماه سرطان واسد ۱۳۱۲ در ولایت موصل بین بغاوت کنندگان آثوری واعراب عراق تصادمات خونینی بوقوع پیوسته است . آثوریهای بین النهرین علیا اصلاً اعتقاد مسیحیونی اند که دراوائل

قشون عراق پس از سرکوبی آثوریها [illegible] مراجعت می‌نمایند [illegible] از طرف راست [illegible]

قرن ۵ مسیحی در بیرانس اقامت داشتند تاامروز درمناطق کوهستانی شمالی موصل امرار حیات مینمایند. عدهٔ آثوری ها ۷۰۰۰۰ ودرتمام ادوار تاریخی ترك ها واعراب بمناسبت مخالفت مذهبی آنهارا زجر وتوبیخ نموده اند. پس ازینکه عراق در ۱۹۳۲ مستقل میشود آثوریها برای ادای عرضحال خود بحکومت « بغداد » درآمده مظاهرات راشروع نمودند. رئیس ایشان « مارشیمون » یکشخص جوان عالمی است که تحصیلات خویش رادرانگلستان نموده ودرمیان اقوام خویش مقام بزرگ روحانی رااشغال نموده است وقتیکه مشارالیه برای افتتاح مذاکرات باحکومت عراق به بغداد می‌آید حکومت اورا بجرم تخلف از انقیاد مرکز محبوس میکند ودرنتیجه اغتشاش خونانگیزی بین آثوری ها واعراب واقع میشود. صورت حادثه را عراقی ها چنین تفسیر میکند که یك عده انقلابیون (۱۵۰۰ نفر) که درشامات پناه‌گزین بودند با اسلحه وارد عراق شده اند وآثوری ها ادعا دارند که تقریباً ۷۰۰ نفر شان درنتیجه حملات کرد ها بقتل رسیده است. خلاصه آنچه که حقیقت دارد این است که بعد از حبس « مارشیمون » تصادم مدهشی بین آثوری ها وقوای عراق بعمل آمده ودرنتیجه رئیس انقلابیون تبعید وبه جزیرهٔ قبرس پناه‌گزین شده است .

سلسلهٔ منازعات امریکای جنوبی :

مریکای جنوبی از دو سال
ینطرف صحنهٔ یکسلسلهٔ
سازعاتی است که فضای
ن قطعه را تیره نموده
اکثر آن با وجود مداخلت
مجمع اتفاق ملل تا امروز
یصله نشده است. امریکای
جنوبی تقریباً مرکب از ۲۰
جمهوریت کوچك و بزرگی
ست که از حیات آنها
چندان زیاد نمیگذرد و
رین اواخر در اثر
سازعات سرحدی وظهور

ارکان ریاست فوق العادهٔ قوهٔ اجرائیهٔ کوبا (در وسط سن مارتن رئیس جمهور موقتی)

حزاب مخالف حکومت های محلی و بروپاگند های مصره یکی بدیگر دست و گریبان شده و بهم درآویخته اند،
باگذارشات این صحنه را به منتهای اختصار حین شرح میدهیم :

قبل ازهمه جمهوریت « بولیوی » و « پاراگی » داخل منازعه شده اند وعلت مناقشهٔ ایشان این
ست که بولیوی بواسطهٔ وجود همسایه خویش شیلی دست به اوقیانوس کبیر ندارد و برای اینکه دستی به اوقیانوس
طلس پیدا کند علاقه « شاکو Chaco » را مطالبه میکند . پاراگی در حین دو معاهدهٔ متعاقب
۱۸۷٤ و ۱۸۸۲ به آن علاقه حاکمیت داشت آنرا خاك لاینجزای خویش میداند . بعد از وقوع محاربات
مجمع اتفاق ملل وکمیتهٔ ممالك مجاور در اثر پیشنهاد و تقسیم منطقهٔ متنازع فیه طرفین را بصورت موقت
شتی داده اند .

هنوز محاربهٔ این دو مملکت جریان داشت که دو جمهوریت دیگر « کولومبی » و « پیرو » داخل نبرد
گردیدند . علت تنازع این دو مملکت نتیجهٔ حملاتی است که بتاریخ ۳۱ اگست ۱۹۳۲ در علاقهٔ سرحدی
لیتسیا Leticia) بوقوع پیوسته است . حکومتین فوق الذکر هر کدام تعرض دسته قشون طرف مقابل را
ر علاقهٔ فوق الذکر خاطر نشان نموده مسئولیت را بگردن یکدیگر می اندازند، مجمع
تفاق ملل حکومت کولومبی را ذیحق دانسته تخلیهٔ ناحیهٔ مذکور را به مملکت مخالف امر داده است .

« کیوبا » در دورهٔ سال ۱۳۱۲ دچار انقلاب داخلی مدهشی گردید که آتش آن از طرف حزب
مخالف حکومت افروخته شده بود درنتیجه حزب مخالف فایق آمده ورئیس جمهور (ماشادو Machado)
ذریعهٔ طیاره به جزیرهٔ « ماهاما » فرار نمود . وزیر حربیه و وزیر خارجه و چندنفر صاحب منصبان دیگر
که طرفدار رئیس جمهور موصوف بودند همه فرار اختیار نمودند منازعات دوحزب وآتش انقلاب مدت

یک دسته از توپخانهٔ ثقیل پاراگی که بمقابل بولیویا بجنگ میرود

مدیدی در بندر «هاوان» وسائر نقاط مملکت اشتعال داشت. اتازونی برای حمایهٔ تبعهٔ خویش چند سفینهٔ جنگی را به بندر «هاوان» فرستاد. رئیس جمهور جدید موسیو (سسپد Cèspeds) هنوز کاملاً از ابتداء حرب رژیم قدیم مطمئن نشده وطرف سوئی قصد بی نتیجه واقع شده بود.

خلاصه، طوریکه متذکر شدیم درطی سال ۱۳۱۲ فضای قطعهٔ امریکای جنوبی سراسر تاریک ودرهر مملکی به علل مختلف محاربات سرحدی، انقلابات داخلی، منازعات احزاب، اضطراب سیاسی کسب وجود نموده است. درماه می در (پیرو) دراثر سوئی قصد رئیس جمهور بقتل میرسد. در (برازیل) و (ایوراگی) احزاب سیاسی اغتشاشات برپا میکنند ارژانتین، محصور میشود در «شیلی» رئیس جمهور «الکساندری» از کنگره اقتدار مطلقه مطالبه میکند در (کیوبا) و (اکوادور) آتش انقلاب داخلی مشتعل میشود واثرات آن در (مکزیک) سرایت میکند. بعضی ازین منازعات هنوز خاموش نشده وبرخی پس از تسکین موقتی مجدداً وخامت پیدا نموده قسمی که هنوز فضای امریکای جنوبی تیره وتار است.

وفات اعلیحضرت ملك فیصل شاه عراق:

قارئین محترم ازوقوع حادثهٔ ناگوار وفات اعلیحضرت ملك فیصل و منتخب شدن پسرش امیر غازی بشاهی عراق مطلع اند چون فقید مزبور یکی از زعمای ملی کار آگاه عرب و اولین پادشاه عراق مستقل و یکی از قائدین بزرگ نهضت عربیه شمار میرود و در اثر خدماتیکه دردورهٔ زمامداری خود علت عراق نموده در شرق مقام بزرگی را احراز نموده است شرح مختصر سوانح حیاتی او پرداخته اخیراً بصورت ایجاز ذکری از پسرش شاه حاضرهٔ عراق مینمائیم :

اعلیحضرت امیر فیصل شاه فقید عراق

اعلیحضرت ملك فیصل سومین پسر شریف حسین شریف حجاز بتاریخ ۱۸۸۵ در طایف متولدشده و ایام صباوت را تا سن ۷ سالگی در دامان تربیهٔ والدین و در قبیلهٔ بنی عبده بسر برده است. در ۱۸۹۳ حینیکه شریف حسین به استامبول مسافرت می نمود فیصل نیز با او همراه شده وتا ۱۹۰۸ در آنجا به تحصیلات خصوصی مشغول بود و در ۱۹۰۵ با دختر عموی خویش ازدواج نمود.

چون پدرش بسمت شریف مکه انتخاب گردید با وی به مکه مراجعت نموده و یکسال بعد از طرف اهالی جده بصفت نماینده به پارلمان ترکیه اعزام گردید.

حینیکه قضایای جنگ عمومی در میادین اروپا دوام داشت و اعراب موقع نهضت را غنیمت شمرده سر مخالفت و منازعه را با ترک ها گرفته بودند شریف مکه فیصل را به قیادت قوای مناطق شمال برگزید در نتیجه بعد از جد مقابله با قوای ترك موفقیت حاصل نموده در ۳۰ دسامبر ۱۹۸۱ فاتحانه داخل دمشق شد و با تجلیلات استقبال گردید.

اعلیحضرت امیر غازی شاه جدید عراق

پس از استقرار صلح در ۱۸ نوامبر ۱۹۱۸ از طرف پدر خویش شریف مکه به کنفرانس صلح پاریس اعزام شده واز طرف فرانسوی ها در پاریس به احترام زیاد استقبال شد. یکسال بعد در اوایل ۱۹۱۹ پس به سوریا مراجعت نمود سپس بقصد سیاحت اروپا عازم لندن شد وتا ۸ ماه مارس ۱۹۲۰ درآنجا اقامت داشت حین مراجعت معظم له از طرف کنگرهٔ سوریه به پادشاهی شام انتخاب گردید. چون درین وقت رقابت انگلیس و فرانسه وآمال استعمار جویانه آن دو مملکت در شرق قریب بمنتهای شدت رسیده بود وانگلیس با اعراب وعده هائی نموده بود که نماد فرانسه موافقت نمیکرد اقدامات ملك فیصل منافی

نظریات [illegible] از طرف حکومت فرانسه ژنرال گورو، یادداشتی مشتمل بر چند ماده به ملك فیصل فرستاد. اگر چه شاه سوریا با بعضی مطالبات حکومت فرانسه صورت موافقت هم نشان داد اما ژنرال موصوف بتاریخ ۱۴ ژویه ۱۹۲۰ بصرف قوه داخل سوریا شده دمشق را فتح و اعلیحضرت فیصل را مجبور بمسافرت لندن نمود و بدین منوال حکومت جدید التاسیس سوریا به قیادت امیر فیصل منقرض گردید.

چون حین اقامت امیر فیصل در لندن وضعیت داخلی عراق که از طرف انجمن اقوام تحت قیمومیت انگلیس قرار داده شده بود مغشوش بود انگلیس ها برای رفع اغتشاشات و هنگامهٔ داخلی امارت عراق را بوی تفویض نمودند؛ ملك فیصل این تکلیف را به دو شرط قبول نمود یکی انگلستان حکومت عراق را برسمیت بشناسد و ثانیاً در موقع متقاضی بوی استقلال عطا کند انگلستان این دو پیشنهاد موافقت نموده و فیصل بعراق عزیمت نمود و در بغداد شورای ملی عراق بتاریخ ۲۳ اوت ۱۹۲۱ تاج عراق را بوی تفویض نمود.

اوائل سلطنت ملك فیصل در عراق مصادف به مشکلات گردیده از یکطرف وهابیها که حجاز را متصرف و اعلیحضرت علی برادر بزرگ فیصل را خلع نموده بودند شرق اردن (امیر آن عبدالله برادر دیگر ملك فیصل میباشد) و عراق را تهدید می نمودند و از طرف دیگر مسائل سرحدی عراق و ترك و اصرار مملکت اخیر الذکر بانفصال موصل موجبات نگرانی حکومت عراق را تولید نموده بود.

در اکتوبر ۱۹۲۲ حکومت مشروطه در عراق قائم گردید و برطبق معاهدهٔ در ۱۹۳۰ انگلستان استقلال آنرا شناخت دوسال بعد در ماه اکتوبر ۱۹۳۲ عراق عضو مجمع اتفاق ملل شناخته شده و بدین منوال یکی از آمال دیرینه ملیون عراق عملی گردید.

در ۱۵ ژون ۱۹۳۳ ملك فیصل بصورت رسمی مسافرت بانگلستان نموده از طرف شاه انگلستان شخصاً در لندن باحترام زیاد استقبال شد و از انجا پس از چندی بعرض علاج خویش عازم برن پایتخت سویس گردید چندی نگذشته بود که تصادم آثوریها باعراق شعله ور گردید و امیر فیصل بتاریخ ۲ اگست ذریعهٔ طیاره برای وارسی امور بغداد مراجعت نمود چون شورش مذکور فرونشست بتاریخ ۱۵ دسامبر مجدداً ذریعهٔ طیاره برای ادامهٔ معالجهٔ خویش به برن عازم گردید. اعلیحضرت فیصل چند روز در پایتخت سویس اقامت نموده و بتاریخ ۷ سپتامبر (۱۵ سنبله) دفعةً در اثر سکتهٔ قلب وفات نمود بعضی ها ادعا دارند که معظم له را زهر داده اند و برخی برآنند که خود کشی نموده است اما در اثر تفحصات دکتوری تمام این حدسیات بی اساس ثابت شده است و صورت اصلی واقعهٔ این است که اعلیحضرت فیصل از مدتی بمرض ضعف قلب دچار بود و بهمین علت برای معالجه خویش در سویس عزیمت نموده بود و درین حال بی احتیاطی بزرگی نموده بقسم گردش فراز کوهی بالا شده بود چون قلبش طبعاً ضعیف و مریض بود مقاومت نتوانسته چند ساعت بعد معظم له دفعتاً وفات نمود.

جسد اعلیحضرت فیصل را تا مقام (Brindisi برندیسی) باحترامات شایانی بطریق زمین آورده سپس (Despatch دسپیچ) سفینه بریطانوی جسد فقید عرب را تا قلندیه براه بحر آورد از آنجا ذریعهٔ طیاره بتاریخ ۱۵ سپتامبر وارد بغداد گردید بعد از آدای نماز و تعمیل مراسم مذهبی و ملی به احترامات شایانی دفن گردید.

وفات اعلیحضرت ملك فیصل برای ملت عراق و هوا خواهان نهضت عرب و عالم شرق فقدان بزرگی است.

در اثر وفات معظم له شورای ملی عراق بتاریخ ۱۱ سپتامبر جلسهٔ فوق العاده تشکیل نموده مطابق قانون اساسی ۱۹۲۴ پسرش امیر غازی ولیعهد عراق را به پادشاهی برگزیدند امیر غازی در مکه معظمه متولد شده و اوان صباوت را در دامان جد خویش شریف حسین بسر برده است در ۱۹۲۲ با پدر خویش به عراق آمده و قرار قانون اساسی ۱۹۲۴ که سلطنت را در خانواده ملك فیصل ارثی قرار میدهد ولیعهد برگزیده شده است تعلیمات ابتدائی را بصورت خصوصی نزد معلم انگلیسی در خود مملکت فرا گرفته و باقی دورهٔ تحصیلات خویش را در مکاتب لندن گذرانیده است معظم له حین مسافرت اخیر پدر خویش به اروپا و سویس به مسافرت های داخلی و امور مملکت داری صرف مساعی نموده است. قرار کفایتی که بخرج میدهد امید است عراق مستقل به قیادت او به تمام امال ترقی خواهانهٔ خود کامیاب آید

امریکا رسماً حکومت شوروی را میشناسد:

بعد از اینکه در اثر انقلاب ۱۹۱۷ امپراطوری (تزاری) لغو و حکومت جماهیر اشتراکیهٔ شوروی کسب وجود نمود تا مدتی دول معظمهٔ اروپائی بعلت تغییر رژیم حکومت روسیه از شناختن رسمی حکومت جماهیر اشتراکیهٔ شوراوی اباورزیدند.

فرانکلن روزولت رئیس جمهور اتازونی

در کنفرانس «کن» Canne که تمهید کنفرانس ژنو ۱۹۲۲ میباشد ممالک متحدین اعلان نمودند: که اگر حکومت جماهیر شوروی میخواهد از طرف دول معظمه شناخته شود باید فقرات آتی را مراعات کند: «حمایهٔ اموال شخصی، تادیهٔ قروض، اجرای کنتراتها، الغای پروپاگند مخرب، عقد معاهدات عدم تعرض با همسایگان».

نظریات حکومت اتازونی درین وقت نسبت بروسیه با نظریات دول اروپائی فرقی نداشت و بوته که به تاریخ ۹ دسامبر ۱۹۲۳ (مستر لولج) رئیس جمهور آنوقتهٔ امریکا بحکومت روسیه فرستاده است چنین است: «حکومت امریکا ابداً مایل نیست که با روسیه قطع روابط کند اما این را نیز میگوید که با مملکتی که وظایف بین‌المللی را احترام نکند داخل مناسبات شده نمیتواند اگر روسیه متعهد تادیهٔ قروض مملکت و رفع خسارات هموطنان ما نشود شناختن او حاضریم».

حکومت روسیه درین وقت تمام پیشنهادات امریکا را قبول نموده خواستگار شد تا برای حل قروض و سائر مسائل لاینحل علیها کنفرانسی تشکیل دهند اما حکومت امریکا ازین امر استنکاف ورزیده ومسئلهٔ شناختن رسمی روسیه ذریعهٔ امریکا تا امروز باقی ماند.

روی همرفته موجبات قرابت روسیه و امریکا از ۲ سال باینطرف عرض اندام نموده و آنچه که امریکا را وادار به شناختن روسیه نموده است دو علت عمده است که تمام موجبات کوچک را در بر میگیرد: یکی حاره حوثی آلام بحران اقتصادی و فکریهٔ یهودی اوضاع مالی امریکا و دیگر انبساط اقتدار و حاکمیت ژاپون در شرق اقصی و محیط کبیر که منافع دو مملکت بزرگ عالم روسیه و امریکا تصادم میکند.

طوریکه در تمهید مقاله متذکر شدیم دول معظمه اروپائی ابتدا تا چند سالی از شناختن رسمی روسیه ابا ورزیدند (انگلستان و فرانسه او را در ۱۹۲۴ شناختند) اما چون قطع روابط با یک مملکت بزرگی چون روسیه که دامنهٔ خاکش در آسیا و اروپا امتداد دارد امکان نداشت و روسیه هم تا اندازهٔ به مطالبات ایشان صورت موافقت نشان داد یکی بعد دیگری او را شناختند. پس از تشکیل رژیم «هتلریزم» و مخالفتی که با کمونست ها نشان داد روابط روسیه با همسایگان چه بلکه با بعضی ممالک مثل لهستان و رومانی (بمناسبت مسئله لاینحل سارابی) که امکان بهبودی نداشت بیش از بیش به اساس مناسبات دوستانه محکم گردیده و یکسلسله معاهدات عدم تعرض نه فقط با همسایگان مستقیم خویش بلکه با فرانسه و اکثر ممالک بالقان عقد نمود. اخیراً بعد از مسافرت موسیو «هریو» صدر اعظم سابق فرانسه و موسیو «کوت» وزیر فضائی آن مملکت تغیرات عمیقی در رویهٔ مناسبات سیاسی روسیه و فرانسه بعمل آمد خلاصه روسیه بیش از بیش در قطار دول معظمه اخذ مقام نموده و اعتبارات بین‌المللی را احراز نمود و تنها چیزیکه برای تکمیل اعتبار و مقام

دنیائی او باقی مانده بود شناختن امریکا بود و بس - اگرچه ممالک متحده امریکا بصورت غیر مستقیم داد و ستد تجارتی با روسیه داشت اما تا امروز حریف او بشمار میرفت .

بعد اینکه سال گذشته « مستر هوور » رئیس جمهور حزب جمهوریت طلبان برطرف و مستر روزولت حزب دموکرات رئیس جمهور انتخاب گردید. امریکا از نقطهٔ نظر وضعیت مالی خیلی ناتوان وامریکائی ها دست به فلاح اقتصادی خویش چشم امیدی به « روزولت » داشتند اما متاسفانه درطی سال جاری ملاحظه رسید که برعکس اوضاع مالی واقتصادی امریکا بدترشده است وکنفرانس اقتصادی «واشینگتن» و بالاخره کنفرانس اقتصادی جهان درلندن هیچکدام به علاج آلام اقتصادی امریکا موفق نشد همین بود که باوجودیکه مسئلهٔ قروض ممالک متحده ورفع خسارات شخصی امریکا را روس ها مسکوت عنه گذاشته بودند دفعةً مستر روزولت تلگرامی به عنوان کالینن بتاریخ ۱۰ اکتوبر کشیده ورسماً حکومت جماهیر اشتراکیه شوروی را شناخت .

لیتوینوف کمیسر ملی امور خارجهٔ اتحاد شوروی

عامل دیگری که قرار تذکرما درقرابت روسیه وامریکا دخالت دارد پیشرفت های نظامی واقتصادی ژاپون درشرق اقصی وتقویت حاکمیت آن مملکت در محیط کبیر است .

اشغال « منچوریا » و « جیهول » وتشکیل حکومت جدید منچوکو بصورت صریح منظور اساسی محرک واقعاتی را که ازدوسال باینطرف بعدازمسابقهٔ مقدس بوقوع پیوسته است تشریح میدهد وبه اثبات میرساند که قوائی درشرق اقصی بوجود آمده واین قوا میان تصادم قوای چین، قساوت استحکامات عسکری روسیه ، دوری امریکا به توسعه وانبساط خویش سرگرم است .

مناسبات روسیه وجاپان دربین اواخر درشرق اقصی صورت دیگری بخود گرفته بعد از تشکیل مملکت منچوکو جاپان برای انهدام نقطهٔ نفوذ روس درشرق اقصی بزبان ارباب امور این مملکت مسئله فروش راه آهن شرق چین را روی کار آورده و بمبلغ ۵۰ ملیون ین خریدار شده است لذا جاپان واضحاً درصدد است تادست نفوذ روسیه را بهر قیمتی که تمام شود از شرق اقصی و محیط کبیر کوتاه نماید .

امریکا اگرچه ۶۰۰۰ میل بحری از چین دورافتاده وبظاهر منافع و دلبستگی او باین مملکت بزرگ معلوم نمیشود اما در حقیقت نسبت به روسیه امریکا بیشتر به منافع تجارتی خویش درچین و مجمع الجزائر شرق الهند وقع میدهد و بالاخره برای محافظهٔ مستملکات خویش جزائر فیلیپین دلچسپی زیادی به حاکمیت محیط کبیر دارد .

روسیه وامریکا هردو به اساس منافع تجارتی و به منظور بارهٔ مسائل دیگر شدیداً آرزومند اند که چین هرطوری باشد حیات خارجی داشته باشد . اگرچه روسیه ابتدا پیشرفت های نظامی جاپان را درانجین بنظر بیطرفی نگاه میکرد اما اخیراً چون اقدامات کومینزم درچین ناکام برآمد و راه آهن شرق چین معرض فروش افتاد تغییر نظریه داده است . اتازونی برای فروش مال التجارهٔ خود چین را بهترین بازاردنیا تصور میکند و بهیچ صورت فروگذار شده نمیتوانند که ۴۰۰ ملیون مشتری از دستش برود. اتازونی ازجهت اقدامات عسکری جاپان آیندهٔ تجارت خویش را در شرق اقصی در خطر می بیند ورقابت در ازدیاد قوای بحری بین جاپان

و امریکا بکمال فعالیت رسیده و اتازونی هیچ صورت چه از نقطهٔ نظر حفظ مستملکات وچه از نقطهٔ نظر تا. بازار تجارتی حاکمیت دیگران را بمحیط کبر متحمل شده نمیتواند حالا از مفاد چند سطر فوق بوضاحت معلـ میشود که زمینهٔ برای مقاربت روسیه و امریکا به تدریج مساعد گردیده و روسیه که از سالها منتظر بود از طرف امریکا رسماً شناخته شود بمرام خویش نائل گردید .

چون مستر روزولت درتلگرامیکه بعنوان کالینین فرستاده بود خواستگارشده بودتا نمایندهٔ برا مراکرات به امریکا اعزام نماید حکومت روسیه موسیو لیوتونف کمیسر دولت در وزارت خارجه را برا این امر به امریکا فرستاد در نتیجه بتاریخ ۱۷ نوامبر (۱۵ عقرب) حکومت امریکا رسماً حکومت شورو را شناخته وروابط سیاسی عادی به ارسال سفرا به مملکت یکی دیگر بین ایشان قائم گردید .

اصلاً شناختن امریکا روسیه راچندان اهمیت بزرگی نداشت اما آنچه که اهمیت این واقعه را دوبالا م این است که حرکت امریکا در موقع ناریکی بعمل آمد که مناسبات روسیه و جاپان تیره شده بود .

ارباب سیاست مسکو معتقد اند که استقرار روابط دیپلوماسی باواشنگتن وضعیت ایشان را در شر اقصی بهتر خواهد ساخت زیرا روسیه امکان تهاجم ژاپون را در سائبریا فراموش نمیکند . بعضی مولف روسیه ادعا دارند که چون بزرگترین فروشگاه مال التجاره امریکا است و نمیتواند این بازار رایگان به جاپانی ها بگذارد و بهمین اساس در آتیه قریب امریکا وژاپون درمحیط کمر دست وگریبا خواهند شد و آنوقت دوستی روسیه چیز قیمتداری خواهد بود .

خلاصه روسها ازین امر نهایت اظهار مسرت می کنند و آنرا بزرگترین فتح دیپلوماسی خود تصور می نمایند

فعالیت سیاسی ممالك بالقان :

سبه جزیرهٔ بالقان که از قرن ۱٤ الی قرن ۱۹ جزء امپراطوری ترك بود بعد از جنگ روس و تر صورت دیگری بخود گرفت و اقوام مختلف یونانی ، سربی ، سلاو ، بلغاری ، ترکی ، البانی ، هر کدام در اثر جانبازی های مبارزین وملیون خود در قرن ۱۹ استقلال خویش را حاصل نموده رفتند چنانچه در ۱۸۲۹ یونان مستقل وسربی ورومانی صاحب استقلال داخلی شد ، در ۱۸۵۹ رومانی استقلال کامله را حاصل نمود . در ۱۸۷۸ سربی ومونته

نشست کابینه ازچپ براست پوینکاره ...

نگرو حایز استقلال و بلغاری صاحب استقلال داخلی گردید بالاخره در ۱۸۸۵ رومانی به بلغار ملحق شده و دست سلطهٔ ترك ازین ممالك بکلی کوتاه گردید . در ۱۹۱۲ ممالك مسیحی بالقان به استثنا

روماني برعليه ترك ها متحد شدند سپس چون بلغاريا تفوق مطلقه را دعوی میکرد برعليه او قيام نموده بعد از شکست او در ۱۹۱۳ اراضی آن مملکت را تا حدی بین خود تقسیم نمودند. درین وقت چون آتش جنگ عمومی شعله ورشد ممالك بالقان به دودسته تقسیم گردید. ترکیه و بلغار طرفدار المان ومبری ویونان و رومانی به طرفداری متحدین قیام نمودند چون در نتیجه سه مملکت اخیر الذکر فاتح برامد بازاراضی وسیعی را بین خود تقسیم نمودند.

نزدیکی ایطالیا و مجارستان: ملاقات سوبیچ معاون وزارت خارجهٔ ایطالیا با کمبوس رئیس الوزرای بلغار (در صوفیه)

بهمین اساس بعد از جنگ عمومی تااین اواخر وضعیت ممالك بالقان بنابر مخاصمت های دیرینه خیلی تیره وتار واعادهٔ روح مسالمت واتحاد دران شبهه جزیره ازمشکلات بود. اما درین اواخر و علی الخصوص درسال ۱۳۱۲ فضا روشن شده رفته فرمان روایان ورجال سیاسی هر مملکتی از در مسالمت وصلح پیش آمدند. چنانچه ملاقات ها ومسافرت های رسمی شاهان. عقدمعاهدات مودت وعدم تعرض، ملاقات های رجال سیاسی، تشکیل کنفرانس ها برای رفع مشکلات هرکدام قدم های بزرگی است که در راه وحدت آمال واتحاد بالقان برداشته شده میرود

ملاقات های رسمی :

(۱) ملاقات اعلیحضرت الکساندر اول شاه یوگوسلاوی و اعلیحضرت شارل دوم رومانی بتاریخ ۲۳ ژانویه در « سنیایا ».

(۲) مسافرت شاه و ملکهٔ یوگوسلاوی در ترکیه بتاریخ ۳ سپتامبر.

(۳) ملاقات اعلیحضرت شارل دوم رومانی واعلیحضرت بوریس بتاریخ ۳۰ اکتوبر.

(٤) ملاقات اعلیحضرت الکساندر اول یوگوسلاوی و اعلیحضرت بوریس.

(٥) مسافرت رسمی شاه وملکهٔ بلغاری دررومانی (دسامبر).

(٦) مسافرت رسمی شاه و ملکهٔ بلغاری در یوگوسلاوی (ماه اکتوبر).

عقد معاهدات :

(۱) معاهدهٔ دوستی و بی طرفی که در ۱۹۲۹ بین ترکیه و بلغاری منعقد شده بود در اثر مسافرت صدر اعظم و وزیر خارجهٔ ترکیه در صوفیا بتاریخ ۲۸ سنبله برای ۵ سال دیگر ادامه یافت .

(۲) عقد معاهدهٔ مودت و عدم تعرض ترك و یونان بتاریخ ۱٤ ستامبر در انقره .

(۳) » » » » » ویوگوسلاوی بتاریخ ۲۷ نوامبر در بلگراد .

قارئین محترم در طی سال ۱۳۱۲ حتماً در موارد مختلف مقاله های مبسوطی در اطراف وضعیت سیاسی بالقان و ائتلاف صغیر ملاحظه فرموده اند ، ما درین مختصر همین قدر تذکار میدهیم که ائتلاف سه مملکت رومانی ، یوگوسلاوی و چکوسلوواکی یعنی سه مملکتی که بعد از جنگ بمیان آمده اند در اثر کوشش سیاسی فرانسه بعمل آمده و امروز در صحنهٔ سیاست بین المللی رول مهمی را بازی می کند .

سایر ممالك بالقان که مدت مدید در موارد مختلف بهم دست وگریبان بودند امروز آهسته آهسته بهم نزدیك شده میروند ، ترکیه که مدت ۵ قرن در تمام این شبه جزیره تسلط داشت امروز رویهٔ خیلی مسالمت کارانه را پیش گرفته و رول مصالحت دهنده را بازی می کند .

در میان ممالك بالقان آنکه از همه بیشتر چه قبل از جنگ (در ۱۹۱۳) وچه بعد از جنگ صدمه دیده و بیشتر خاك خود را باخته است بلغاریا است نارضائی وعدم مصالحت این مملکت با سائرین ، علی الخصوص بایوگوسلاویا و یونان مشکلترین سدی در راه انجام اتحاد بالقان شمار میرود معذالك قراریکه متذکر شدیم بعد از یك سلسله مسافرت های رسمی شاهان ورجال سیاسی و بعد از عقد معاهدات دوجانبه بین ترکیه ، یونان یوگوسلاوی ، رومانی بالاخره زمینهٔ مساعدی فراهم شده معاهدهٔ اتحاد بالقان یابه تعبیر اروپا معاهدهٔ لوکارنو بالقان بتاریخ ۲۱ دلو در شهر آتن در حالیکه زنگهای کلیساها و ترانه های ملی ملل بالقان نواخته می شد امضا گردید . انتظار میرود بلغاری و البانی نیز در آتی شامل آن شوند .

هتلر و یهود :

مهاجرت یهودیان به فلسطین وتصادم ایشان بااعراب:

یکی از بزرگترین حوادث اجتماعی که بعد از انتصاب هتلر بصدارت آلمان بوقوع پیوسته است مسئله تبعید یهودیها از آلمان وتصادماتی است که در اثر مهاجرت آنها به فلسطین بین ایشان واعراب بوقوع پیوسته است .

فون هندنبورگ رئیس جمهور و هر هتلر رئیس الوزرای آلمان در یك نمایش حزب نازی

هتلر موسوم به « دشمن یهود » و هتلریزم ضدیت یهود را جزء اصول اساسی خود قرار داده است چنانچه در کتابی که هتلر خودش تالیف و به « جنگ من » موسوم میباشد موجبات تنفر و ضدیت خود رابایهود سراسر اظهار نموده است ازین جهت هندن برگ قبل از یکه مقام صدارت مملکت را به هتلر تفویض کند از مخالفت یهود او را بازمیداشت . اما چون یهودیها بواسطهٔ ثروت ودارائی خوددر آلمان نفوذ زیاد پیدا نموده حتی در پارلمان آن مملکت کرسی های زیاد احراز نموده بودند . چنانچه در میان ۵۰۸ نفر نمایندگان ریشتاغ ۱۰۸ نفر کمونیست و ۱۲۱ نفر سوسیالیست بود وروی هم رفته دست یهودیها قوی شده بود وعلاوه برین چون از لحاظ

تمول و ثروت خود به آلمانی ها صورت تکبر و نخوت نشان میدادند وعلمای ایشان پروپاگند و انتشارات مضره برعلیه حکومت آلمان می نمودند هتلر که از طفلی با آنها مخالفت داشت از ترس اینکه مبادا انقلابی درمملکت تولیدشود علانیه به مخالفت یهودیها برامد وحینیکه به اقتدار رسید عزم نمود تاعناصر آلمانی تبارا از بین بردارد. اگرچه این اقدام او تااندازهٔ شدید است اما دراطراف حسن وقبح آن آراء مختلف است.

یک منظره از زد و خورد های اعراب و یهود در بیت المقدس

اما از نقطهٔ نظر وطن دوستی، علی الخصوص درصورتی که حقیقةً یهودی ها اقتدار فوق العاده در شئونات اداری وسیاسی مملکت داشته وذریعهٔ سرمایه آلمان را تسخیر نموده باشند و پروپاگند های برعلیه آن مملکت نموده باشند مقبول است خلاصه بعدازینکه هتلر و حزب او مقتدر میشوند دست یهودی ها را چه از پارلمان چه از بانک ها وچه ازادارات دولتی وتمام موسسات به انواع مظاهرات کوتاه نموده آنها را ازآلمان تبعید نمودند.

درین وقت اگرچه فرانسه صورت استقبال کارانه به یهودی ها نشان داده کمیتهٔ برای جلب مهاجرین آنها واعزام ایشان به شام تشکیل میدهد اما یهودی ها به فلسطین سرزمینیکه سه هزارسال قبل اجداد آنها دران اقامت داشت مراجعت میکنند و ازاینجا سلسلهٔ مصادمات ایشان باعراب شروع میشود.

یهود کهن ترین خانوادهٔ بشری ازهزاران سال باینطرف سرگردان نقاط مختلف عالم دور رده از خود وطن و کانون ملی ندارند. مهاجرت یهود به فلسطین امر تازهٔ نیست تاریخ نظر چنین مهاجرت شانرا بکرات نشان میدهد. در ۸۵۸ ق م سیروس شاه ایران چون مناطق شام وفلسطین را فتح میکند فرمانی صادر وبه یهودیان اجازه میدهد تابه فلسطین مراجعت نموده به آبادی معابد خویش مشغول شوند. این واقعهٔ کهن تاریخی که در ۸۵۸ ق م ذریعهٔ فرمان داریوش بوقوع پیوسته بود بعداز جنگ عمومی در ۱۹۱۸ در اثر اعلان (بالفور) انگلیس دوباره عیناً تکراری شود وبه تمام یهودیان عالم اطلاع داده میشود که برای آنها کانون ملی در فلسطین زیرنفوذ مجمع ملل وتحت الحمایگی انگلیس تشکیل شده است. وباوجودیکه از ترس احتمال بحران وازلحاظ اینکه اراضی اعراب ازدست شان نرود تعداد مهاجرین را محدود نموده بودند

م (۲۵۰۰۰۰) نفر در فلسطین منقسم گردید . در شهر بیت المقدس که تقریباً ۱۰۰۰۰۰ جمعیت
رد (۵۵۰۰۰) یهود و در بندر قایفه که‌حایز (۶۰۰۰۰) جمعیت می باشد ۳۵۰۰۰۰ یهود جاگزین گردید .
'صه بعد از جنگ عمومی و بعد ازینکه فلسطین تحت الحمایه انگلستان قرار گرفت در اثر دعوت یهود یها
ت های آنها در فلسطین تقویت گرفته و تعداد آنها در تمام شهرها و نقاط مملکت عراتب بلند گردید .

مسئلهٔ اعراب :

طوریکه متذکر شدیم بعد از تشتت و پراگندگی که از هزاران سال در یهود تولید گردیده مدتی است
ایشان رجوع بفلسطین نموده اند و معنی بزرگ فلسطین سیدمحمد امین هتلر را دشمن اعراب تصور نموده میگوید
اثر مطالم او یهود به فلسطین مراجعت کرده و از کثرت آنها ترس آن میرود که مملکت یهودی بمیان
ده اعراب آسیا از اعراب افریقه جدا گردند . ازین هم بیم دارند که مبادا مثل شام شمالی و جنوبی
طین‌هم بدو حصه منقسم شود . یهودی‌ها فیصلهٔ مجمع اتفاق‌ملل و دعوت انگلیس و فرانسه را حجت آورده
اجعت اقوام خویش را به فلسطین و خریداری‌اراضی را از اعراب جایز تصور میکنند . بدین جهات از
زیکه یهودی ها ازالمان به فلسطین مراجعت نموده اند تصادمات خونینی بین ایشان و اعراب بوقوع پیوسته
ـ که مختصر آنرا ذیلاً متذکر می شویم .

اعراب از تاریخ ۲ نوامبر ۱۹۱۷ که بطور رسمی حمایت یهودیان در فلسطین اعلان شده صورت
ت نشان داده اند در ۱۹۲۱ حینیکه فلسطین تحت الحمایهٔ انگلیس شناخته شد منازعهٔ خون آلودی بین
دیان و اعراب در حیفا بوقوع پیوست چهار سال قبل واقعه بهمین شدت در بیت المقدس و تمام مملکت رخ
. از آنوقت بعد اقلیت اولادهٔ اسرئیل تقویت گرفت چنانچه در احصائیه ۱۸ نوامبر ۱۹۳۱ درمیان
کنین فلسطین که مجموعه آن بیشتر از یك ملیون می‌باشد (۷۶۰۰۰۰ مسلمان) (۱۷۵۰۰۰ یهود)
۹۰۰۰۰ غیر ازین دو فرقه می‌باشد) .

افکار مسلمین را پیشنهاداتی که اخیرا در پراگ مورد بحث قرار داده شده بود بشور آورد زیرا
پلان داکتر ارترابن تمام یهودیهای فراری المان باید به فلسطین مسکن شوند . ابتدا چنین امیدی‌رفت
ز ۵۰ هزار تا یك لك نفر یهود را در امریکا و تقریبا همین قدر هر دیگر را بسائر ممالك جا خواهند داد
اگر اینها بفلسطین مراجعت نمودند بدین اساس بتاریخ ٤ عقرب و چند روز بعد در حیفا ، قایفا ، نابلوس
ـ المقدس مظاهرات و تصادمات مدهشی بین مسلمین و یهود بعمل آمد طوریکه اخیرا از مجرای جرائد
بده میرسد حکومت شوروی حاضر شده است که ملجائی به یهودیان فراری آلمان داده درمنتها
شرق سایبریا متصل به منچوریا جمهوریت یهودی باسم ...ی روبی‌جان تشکیل نماید قرار اظهارات
و " سمی دوویچ " نائب رئیس اجرائیه شوروی مساحهٔ سطحیهٔ این مملکت اگر تشکیل شود ٤ ملیون
ار یعنی تقریباً سه بار فلسطین خواهد بود و از تاریخی ناین مملکت استقلال داخلی داده خواهد
که عدهٔ یهودیان مهاجرین به (۳۰۰۰۰) رسید .

اعلحضرت ابن سعود شاه عربیهٔ سعودیه
(نجد و حجاز)

اعلحضرت جاجه حمید الدین امام یحیی شاه یمن

ا. فیصل شهزاده و سرلشکر افواج عربیهٔ سعودیه

سیف الاسلام ولیعهد و فرمانده قشون یمن

شبه جزیرهٔ عرب :

کشمکش بین ابن سعود وامام یحیی:

شبه جزیرهٔ عرب که مدت مدیدی جزو امپراطوری ترک بود در اثر قضایای جنگ عمومی پارچه پارچه شده ودر آن یکعده ممالك آزاد - نیمه مستقل وتحت الحمایه خارجی تشکیل شده است . دو مملکت قسمت شمالی که به بحرمدی تراانه متصل است عبارت است از شام وفلسطین که هنوز تحت الحمایه فرانسه وانگلیس میباشد .

درسال ۱۹۲۳ ازقسمت شرق خاك فلسطین ۸٦ هزار کیلومتر مربع مجری ومملکت شرق اردن امروزی را تشکیل داده است که امیر عبدالله تحت اثر انگلیس درآن سلطنت میکند . بین این مملکت وخاك ایران، عراق امروزی متین ترین حکومت عربی است که در ۱۹۳۲ استقلال خویش را حاصل وعضویت انجمن اقوام پذیرفته شده است . در قسمت مرکزی جزیرهٔ که حجاز و نجد را دربر می گیرد امروز مملکت واحدی وجود دارد که من حیث وسعت خاك وسعترین مملکت جزیرة العرب را تشکیل میدهد این مملکت دراثر یك سلسلهٔ جنگ های حجاز و نجد که بالاخره بنفاد شاه نجد خاتمه گرفته است نیان آمده وامروز عبد العزیز ابن سعود آنرا اداره می نماید .

درمنتها الیه جنوب عربی جزیرة العرب کنار بحر احمر یمن مرکب از حاشیهٔ ساحلی است که یك ملیون جمعیت دارد وآنرا امام یحیی خانوادهٔ زیدی اداره می نماید این مملکت بعد از ۱۹۱۳ استقلال خویش را از ترکها حاصل نموده است در حاشیهٔ جنوبی وجنوب شرق جزیرهٔ عدن ، حضرموت ، عمان قاضی است که تحت نگرانی انگلستان میباشد

چون اصلاً درنقشهٔ تاسیس وتشکیل این ممالك تفرق است بعود ممالك معظمه مداخلت تام داشت وهرکدام آن اصلاً دراثر علیه مرام سیاسی یك مملکتی وجود آمده است واصلاً سکنه جزیره هم اعلنا قایل بفرق دیده نشین میباشند دراثر مخالفتهای قومی و تصادم منافع بعود در اوور تشکیل آنها منازعات واختلافات سرحدی بسیار بین عراق ، و نجد ، نجد ویمن ، یمن و حجاز بوقوع پیوسته است .

کشمکش اخیر بین (نجدی) ابن سعود ملك حجاز و نجد و امام یحیی والی یمن از همین منازعه های سرحدی است و نقاط منازعه فیه بین آنها قرار آتی است

(۱) نجران : در شرق یمن واقع است سکنهٔ آن اسماعیلی یعنی سنی بطریقهٔ شیعه دارند و چون امام یحیی همکیش آنها می باشد حق حکمرانی نجران را ادعا می کند اما اهالی برغم اینکه قسما سنی و حنبلی هستند میلان زیادی باین سعود دارند . علاقهٔ نجران از عرصهٔ چند سال تحت الحمایهٔ ابن سعود است چنانچه امام یحیی نیز این تحت الحمایگی را قبول نموده است ولی درعین حال مذاکرات را در موضوع فیصلهٔ قطعی منطقهٔ مذکور با ابن سعود شروع نمود وقبل از اینکه مذاکرات به نتیجهٔ واصل شود قوای یمنی باشغال آن مبادرت داده است

(۲) عسیر : علاقهٔ عسیر بجانب شمال یمن واقع واز ۱۸۷۱ تا ۱۹۱٤ مربوط ولایت یمن بود . در ۱۹۱٤ تحت نفوذ بریطانیا آمده وقرار معاهدهٔ مکه ۲۱ اکتوبر ۱۹۲٦ تحت حمایهٔ حکومت نجد وحجاز قرار گرفت حال امام یحیی آنعلاقه را خاك یمن ادعا نموده عشایر را برعلیهٔ حکومت سعودی می انگیزاند از ترغیب اهالی برای تخلف از حکومت سعودی خود داری نمی کند .

(۳) مسئلهٔ ادریس : ادریس در ۱۹۱۱ بتشویق ایطالوی ها بر علیه عثمانی ها قیام نموده ودر خاتمه محاربهٔ مشهور ... حیران اعلان استقلال نمود . این مملکت جدید التاسیس در سواحل بحرخزر

از « حدیده » الی « برکه » امتداد داشت . چون ادریس ملاحظه نمود که مملکت کوچك او درمیان دول نسبتاً بزرگه حجاز ، نجد و یمن استمرار حیات نمی‌تواند بعد ازوفات‌خویش در ۱۹۲۳ پسرش علی را ولیعهد و عبدالعزیز پادشاه نجد را وصی خود اختیار نمود . چون بندرهای ساحلی این مملکت منافذ طبیعی یمن را تشکیل میدهد امام یحیی بدان چشم دوخته واین وصایت را بنظر تعرض نگریست حین محاربات نجد و حجاز امام یحیی مقام حدیده و شهرهای مهم ساحلی را اشغال نمود . بعد از ختم محاربه شاه نجد که درعین زمان مالك حجاز هم شد بنا بحقوق وصایت باقی خاك ادریس را اشغال نموده حسن برادر ادریس را درآنجا امیر تعیین نمود . در ۱۹۳۲ حسن عصیان ورزیده و به امام یحیی پناه برد بناء علیه طرفین بمذاکره پرداخته پیشنهاد نمود که اراضی مقبوضه طرفین تمام تخلیه شده و مملکت ادریس کما فی السابق استقلال داده شود ولی امام یحیی در اثر این عذر که طهامه از سواحل طبیعی یمن است پیشنهاد اورا رد نمود .

این بود مبدأ اصلی اختلافات که طبعاً جزئیات دیگری در دوران آنها جمع وعواقب کشمکش طرفین را تیره نمود . قرار یکه جرائد اخبار می نویسند موافقت نظر تا حدی بین طرفین پیدا شده و امید است از وقوع محاربه بین این دو مملکت اسلامی جلوگیری شود .

صورت نزاع مذبور که بقرار تشریحات فوق بشکل مذاکره ومفاهمه دربین حکومتین جاری بود در ۱۳ ثور ۱۳۱۳ به محادلهٔ حقیقی عساکر طرفین منجر شد در نتیجه پس از زد وخورد مختصر افواج سعودی خاك یمن پیشروت کرده سپاه یمن را شکست دادند و بزودی مقام (حدیده) را متصرف شدند (ثور) و پیش قدمی و تعرض خود را بجانب صنعا مرکز یمن ادامه دادند چنانچه درعین زمان خبر قتل وفوت شاه یمن در جرائد نشر شده و بلافاصله مذاکرات صلح در بین حکومتین جاری گشت و بالاخره بتاریخ ۲٤ ثور متارکه اعلان گردید اکنون نیز مذاکرات صلحیه جریان دارد .

اتحاد جماهیر اجتماعی اشتراکی روسیه :

در ۱۳۱۲ اتحاد جماهیر شوروی در سیاست بین‌المللی سهم بزرگی گرفت مطبوعات روسیه بنشر نطق های لیدران سیاسی کامیابی های جدید جماهیر شوروی را گوشزد کردند معاهدات عدم تعرض با ممالك محیطه ومجاور سویت از فنلند تا افغانستان (باستثنای بعضی ممالك) از کامیابی های بزرگ روسیه محسوب میرود قرارداد تعریف تجاوز بین روسیه و بعضی ممالك (و از آنجمله افغانستان) عقد گردید بین روسیه ، فرانسه ، چکسلواکیه و بعضی ممالك دیگر تصدیق معاهده مبادله شد در بین سال انارول و همسایه روسیه سویت را بر سمیت شناختند روابط دوستانه بین سویت و ترکیه مستحکم و مناسبات آن با ایران رنگ اصلاح گرفت ، اوضاع جاپان و تغیرات شرق اقصی باعث اضطراب لیدرهای سیاسی سویت گردید قشون سرخ در سرحدات شرق اقصی تقویت یافت عساکر عراقیه وجوه تصادم جاپان و سویت و نتیجه تغیرات منچوریا و آمال جاپان را در توسیع دائره امپراطوریت آن در آسیا مورد غور و مطالعهٔ عمیق قرارداده در ماه ثور حکومت سویت درمورد فروش حقوق خط آهن شرقی چین رضایت داد مگر مذاکرات توکیو راجع بموضوع فروش خط آهن به نتیجه خوش نرسید اوضاع داخلی روسیه تا اندازهٔ

ستالین رئیس طبقهٔ رنجبران و کمانیست روسیه

ملاقات موسولینی ولیتوینوف در روما

اصلاح بافت بهار سال به خشکی گذشت . در سال ۱۳۱۳ بعضی اشخاص بجرم تخریب پلان های سویت محاکمه و ۳۵ نفر روسی باهتمام شرکت درین امر اعدام شدند . مهندسین انگلیسی و روسی که مستخدمین شرکت « میترو پولیتن ویکرز » بودند بالزام تخریب پلان محاکمه شدند جریان این محاکمه مولد هیجان در خارج گردید . در قسمت علوم و معارف از همه مهمتر پرواز باوجی های سویت است که بارتفاع ۱۲ میل پرواز کرده ریکارد پروفیسر پیکارد را فسخ کردند درین سال پس ازانکه اتازونی روسیه شوروی را برسمیت شناخت باب روابط اقتصادی و سیاسی بین مملکتین متقابلاً مفتوح گردید دراواخر سال پالیسی روسیه در مقابل جاپان عوض شده و زعمای امور روسیه در ضمن نطق های شدید اللهجی که در مواقع مختلفه ایراد نمودند آمادگی قوای روسیه را راجع بمقابله پیش آمدهای خارجی گوشرد کردند از طرف دیگر پس از نزدیکی وقیام روابط سیاسی بین روسیه اوضاع ظاهرا در جاپان روبخوشی گذاشته و سفیر جدید جاپان در اتازونی درموقع ورود به خاك آن مملکت در محضر نمایندگان مطبوعات صریحاً اظهار نمود که جاپان بهیچ وجه با اتازونی و با روسیه شوروی نبرد نخواهد کرد جنگ با اتازونی ویا روسیه مستلزم حرب با چندین مملکت دیگر بوده معذالك اگر جاپان بچنین پیش آمد های نادرت بجرب کند مثل این است که بدست خویش حود کشی نموده و حالانکه جاپان هرگز دستتقبل حسن اوضاع حاضر نخواهد بود .

باتمام این اوضاع افق سیاست در شرق اقصی درطول سال گرد وغبار آلود بوده و همیشه افکار سیاسیون را بخود مشغول داشته است . درقسمت ساختمانهای مهم صنعتی و اکتشافات علمی درین سال بیر موفقیت های بزرگی نصیب دولت شوروی شده خاتمه نهر کانال بین بحرا در بالتیك و بحر سفید که ۲۲۷ کیلومتر عرض وطول دارد ودرسال ۱۹۳۱ شروع شده بود ، وصعود کامیابانه بالون شوروی به ارتفاع ۱۹ هزار متر ، از مهمترین آن میباشد .

تجارتی هند و جاپان اعطا کرد حکومت جاپان وفد سیاسی در خصوص مذاکرهٔ معاهدهٔ جدید تجارتی بهند اعزام داشت در ماه قوس حکومت هند مسودهٔ قانون جدیدرا که وضع ترئید محصول را بر اموال ارزان جاپان تصویب میکرد تهیه نمود ارباب صنعت نساجی لنکشایر در سال ۱۳۱۲ وفدی بهند اعزام و بافابریکه داران بمبئی در خصوص عقد معاهدهٔ تجارتی تعاطی افکار زد در اواخر برج جدی زلزلهٔ مدهشی در ایالات بهار و اوریسه و نیپال هند واقع و منجر بخسارات فوق العادهٔ مالی و جانی اهالی هند گردید برای تهیهٔ وسایل راحت مصیبت رسیده گان ترتیبات مهمهٔ معاونت و کمک گرفته شد.

سوریا و فلسطین :

میجر جنرال آرتر ووشاپ کمیسر اعلای انگلیس درفلسطین
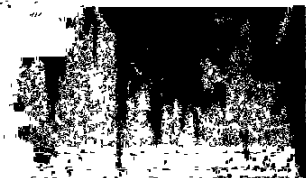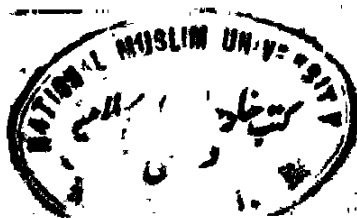
در سوریا ولبنان فرانسوی درطول سال امنیت بود ، پارلمان سوریا چون بر علیه معاهدهٔ فرانسه وسوریا شدیدا مخالفت کرد بنابران اجلاس بطور غیر معین ملتوی گردید ، در فلسطین بسبب ورود یهودیها اوضاع اعراب دگرگون گردید مسلمانان برعلیه مهاجرت یهود بفلسطین پروتست نموده مبادرت بتظاهره کردند ولی حکومت مانع آن گردید چون مسلمانان قبلاً اعلان تظاهر کرده بودند از تکلیف حکومت انکار کرده در ٤ عقرب بیست هزار نفر اجتماع نموده شروع بتظاهره کردند ، قوای دولتی ممانعت کرده بالآخره کار به زد و خورد کشید قریب دوصد نفر مسلمان مجروح وشماره [illegible] نفر شهید شدند ، این واقعه در تمام شهرهای فلسطین اثر کرده در همه جا مسلمین شروع بتظاهره کردند . عدهٔ از زعمای مسلمین دستگیر شدند چون مسلمین فلسطین خلع سلاح شدند ، بنابران تضییق یهود وروية خاص داری حکومت راحت وطمانیت آنها را دستخوش اضطراب و پریشانی ساخته است

کونت دو مارتل کمیسر اعلای فرانسه درسوریا

برحسب شمارهٔ جدید اهالی فلسطین یك ملیون است که هشت صد و پنجاه هزار آن مسلمان صاحب خانه وکسب وملك اند واهل آنجا حساب می شوند مهاجرت ومدعیات یهود در آنجا کلی خلاف عدالت و انصاف است بندرگاه جدید « حیفا » درفلسطین در سال ۱۳۱۲ افتتاح گردید .

جاپان :

مملکت جاپان درین سال فعالیت سیاسی مهمی را سردست گرفته و هم دچار مصائب اقتصادی و سیاسی زیادی بود، سیاست افراطی به سرکرده‌گی جنرال اراکی وزیر حربیهٔ زمینه جنگ را با روسیه و امریکا آماده می‌ساخت

جنرال اراکی وزیر حربیهٔ سابق جاپان وعامل بزرگ جنگجویی

سایتو رئیس الوزرای جاپان

و موقت بودن جنجول و عدم نقاط چین، انتظار حوادث جنگ را خیلی شدت بخشیده بود ولی در اخیر سال بعد از استقرار روابط دیپلوماسی بین روسیه و امریکا و نیز از باعث مشکلات مالی، پارتی جنرال اراکی اقتدار خود را حفظ نتوانسته ناچار شد استعفا داد و سیاست صلح جویانه‌تر درجاپان روی کار آمد.

جنرال هایاشی وزیر حربیهٔ جدید جاپان

اعلان امپراطوری نائب السلطنهٔ مانجوکو :

پرنس پوئی امپراطور مخلوع چین و نائب السلطنهٔ دولت مانچوکو درهمه دلوی تشریفات زیاد درحضور رجال ملی وجاپانی ومنگولی اعلان امپراطوری نمود و دولت جدید را درامور سیاسی شرقی مهمی درکرد
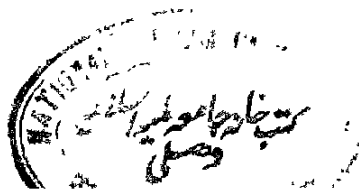
چین :

در ۱۳۱۲ سلسلهٔ محاربات چین و جاپان در حدود علاقهٔ واقعهٔ بین دیوار اعظم و ولایت جیهول ادامه یافت و بالاخره جاپان این علاقه (جیهول) را به مانچوکو شامل ساخت و واقعات حرب درین علاقه واقعاً درخور مطالعه است. چین اضافه از (۳۰۰) هزار قشون مسلح را درعلاقهٔ جیهول تمرکز داده بود حکومت جاپان در ۲۳ فروری اعلام داشت که این افواج را از علاقهٔ جیهول اخراج نماید، چون مطالبهٔ جاپان از طرف دولت نانکین رد گردید قشون متحدهٔ جاپان و مانچوکو حمله آور گردیده و به سهولت افواج چین را مضمحل وجیهول را متصرف شدند

هانری پوئی امپراطور سابق چین و نائب السلطنهٔ مملکت مانچوکو که در اواخر سال ۱۳۱۲ - امپراطور مانچوکو اعلان شد

در ماه عقرب چند نفر از مخالفین حکومت نانکین در فوکین اعلان مطلق العنانی نموده و مملکت چین را بجنگ جدیدی تهدید کردند ولی بزودی سرکوبی شدند حصص مهم ولایت زچوان بدست کمونست ها افتاد در سنکیانگ ترکستان چین مسلمانان نهضت کرده حکام چین را طرد و حکومت مستقلی تشکیل دادند

حکومت چین در اروپا و امریکا مساعی زیادی برای حصول امداد بعمل آورد ولی تاکنون به نتیجهٔ درستی نرسیده، روی همرفته، وضعیت عمومی چین دچار اختناق شدیدی میباشد

چیانگ کای شک جنرال معروف چین
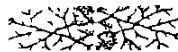
جمهوریت ترکیه :

در ۶ عقرب سالگرهٔ دهمین سال جمهوریت ترکیه با نهایت اجلال وگرمجوشی در ترکیه پذیرائی گردید وعدهٔ از اعاظم رجال نظامی وسیاسی ممالک خارجه درین جشن شمولیت ورزیده بودند ترکیه موفقیت مهم سیاسی را درین سال حاصل کرد ومناسبات دول بالقان که در تاریخ باستانی ترکیه به آن دولت خوب نبود در پرتو افکار غازی مصطفی کمال اصلاح شد در ۲۲ سنبله حکومت ترکیه ویونان بر معاهدهٔ عدم تجاوز بر سرحدات امضا وحفظ مندرجات معاهده را تضامن کردند.

یک منظره از جشن سال دهم جمهوریت ترکیه ونطق افتتاحیهٔ غازی مصطفی کمال
(رسم گذشت عسکری گرد بنای یادگار فتح)
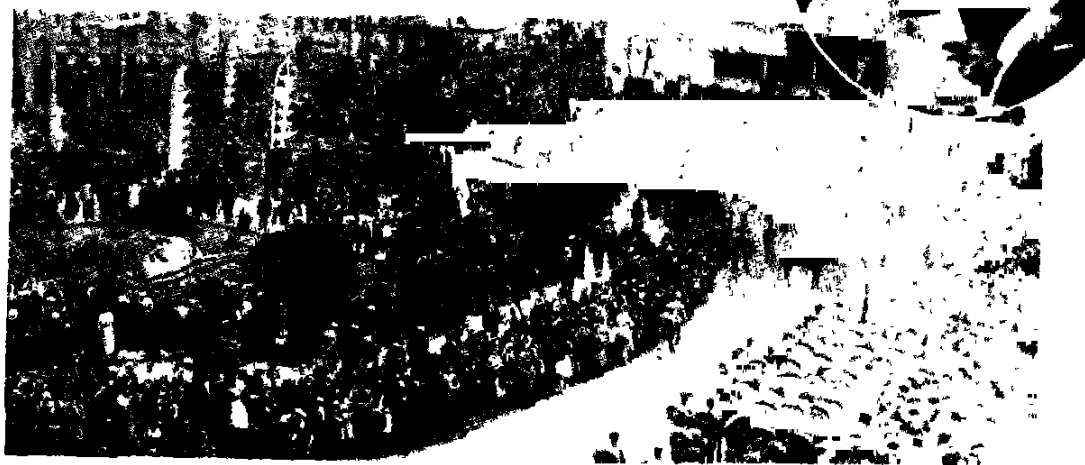
عقد این معاهده در بالقان به طور عجیبی انعکاس کرده اولیای امور آن دولت تصور کردند که این معاهدهٔ بلغاریه را [illegible] به حوزهٔ اتحاد [illegible] میدان [illegible] در همین سال معاهدات دوستانه وعدم تعرض بین ترکیه وممالک رومانیه ویوگوسلاویه صورت گرفت مسافرتهای آقای توفیق رشدی بیگ وزیر امورخارجهٔ ترکیه بروسیه وایران وسائر ممالک اثرات خوشگواری در تحکیم مناسبات ممالک همجوار ترکیه افگند مسئلهٔ حدود بین ایران وترکیه حل وفصل گردید، اوضاع اقتصادی ترکیه خیلی بهبودی نموده گرفته صادرات خشکبار آن در امریکا واروپا رو به ترقی گذاشت فابریکهای متعدد ومعدنی درمملکت تاسیس شد کثرت عرصهٔ احساس وگوگرد ترکیه درشام ... قبل معرفت است در ۱۱ قوس عمارت عدالت معروف اسلامبول آتش گرفت.

❊ ❊

انگلستان :
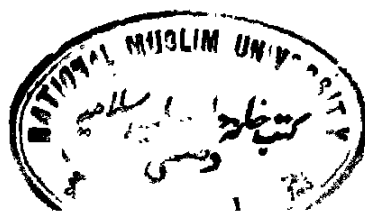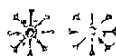
آشنائی ایدن سیاستمدار انگلیس موقع مسافرتیکه برای مذاکره امور تخفیف اسلحه در پایتخت های اروپائی نموده است (شخص اول از طرف راست - در وسط بارُن فن نورات وزیر خارجهٔ آلمان)
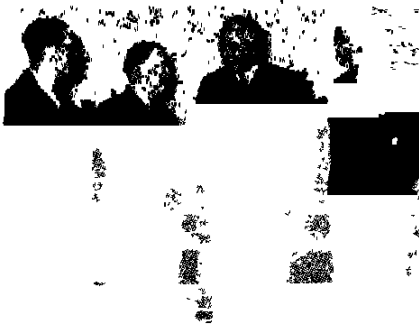
در سال ۱۳۱۲ وضع تجارتی انگلستان صورت اطمینان بخشی بخودگرفته علائم وآثاری در بهبود وترقی تجارت مشهود گردید ، باعقدمعاهدات تجارتی بامالك مختلفه زمینهٔ توسیع معاملات تجارتی انتظارمیرودتوسیع گردد در سال (۱۳۱۲) رقابت ومسابقت تجارتی ژاپن با انگلستان ازیاموافقی اندازه موجب اضطراب ونگرانی شد معهذا وضع تجارت داخلی انگلستان اطمینان بخش وصنایع آهن ،پولاد، آلات برق منسوجات وپشم جلی ترقی یافت بیکاران انگلستان قدری کم شد ومهاجرات اجرت کمتر گردید .

سال (۱۳۱۲) در انگلستان خشك سالی پیش آمد بعضی مقامات آتش گرفت ، دوطیاره انگلیسی برای اولین مرتبه قلهٔ اپورست را عبور کرد
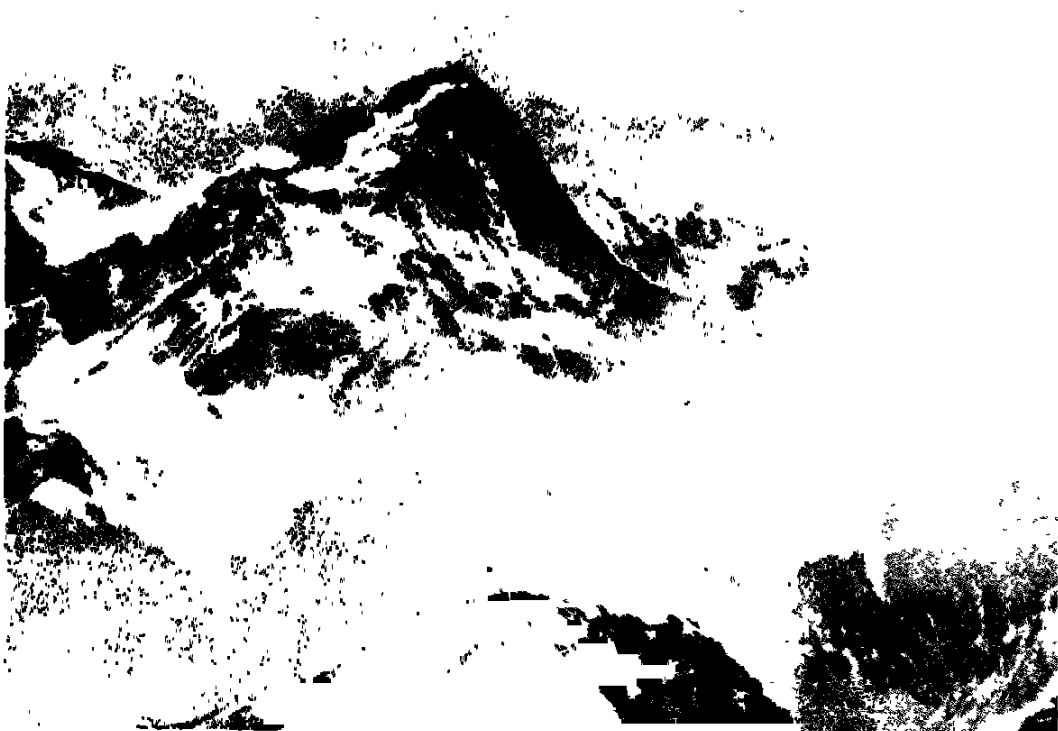
بلندترین نقاط قلهٔ اپورست همالیه که ۸۸۸۲ متر ارتفاع دارد ودربهار سال گذشته بواسطهٔ طیاره های انگلیسی عبور و عکس برداری شده است

فرانسه :

گاستون دومرگ رئیس جمهور سابق و صدراعظم حالیه فرانسه

در ۱۳۱۲ برای فرانسه سال خوشی نبود درین سال کابینه های متعددی تشکیل و سقوط نمود و بواعث آن بحران های سیاسی و مالی بود. حکومت فرانسه در ۱۳ سرطان بر علیه قبایل اعراب بربری در جنوب کوه اطلس (در شمال افریقا) عسکر کشیده بحرب شروع کردند در نتیجه قبایل طاعت فرانسه را قبول کردند.

در ایام کرسمس حادثهٔ ناگواری درفرانسه واقع شد چه قطار آهن لاکنی (۱۵ میل دور تر از پاریس) بایك قطار دیگر تصادم نموده (۲۰۰) نفر هلاك و عدهٔ زیاد مجروح شدند

در اوائل سال ۱۹۳٤ بسبب اختلافات حزبی کابینه های متعدد و متواتر سقوط نموده، وضعیت کسب وخامت کرد جماعه دزرد و خورد های پاریس ۱۸ نفر مقتول و متجاوز از ۲۲۰۰ نفر مجروح گردیدند کشف غش بزرگی در مدینه شهر بایون که عامل آن ستاویسکی روسی الاصل و مبلغ عبارت از ۲۰۰ ملیون فرانك بود وضعیت را سخت تر ساخته پس از انجا رمسار الیه مو سبود و مرگ رئیس جمهور سابق را بتشکیل کابینه دعوت نموده و نامبرده کابینه را از تمام پارتی ها (بجز سوسیالیست ها و کمونستها) درماه داو تشکیل داد اما اوضاع داخلی تاکنون اصلاح نشده است

اتازونی:

در ۱۳۱۲ تیرگی و بحران مالی و اقتصادی در همه اکناف اتازونی مشهود بود انظار تمام مردم بطرف مستر روزولت که تازه از طرف ملت بریاست انتخاب شده بود متوجه گردید اوضاع بانک‌داری ناگهان وخیم شده دهشت غریبی مراکز اقتصادی را فرا گرفت

اتازونی در تجدید اصلاحات داخلی و اعادهٔ فلاح و بهبود اوضاع تجارتی و احوال زارعین از تجارب بزرگ کار گرفت در (۱۳۱۲) مستر روزولت با روسیه‌سویت معاهدهٔ منعقد داشته اتحاد جماهیر شوروی را رسمیت اعتراف نمود، تغیر پالیسی خارجهٔ اتازونی و اعتراف رسمیت شوروی و قیام روابط دیپلوماسی با آن مملکت صفحهٔ جدیدی بروی سیاست عالم کشید رقابت اتازونی با جاپان و کنفرانس بحری سنگاپور، روی همرفته مطالبی است که در صحنهٔ سیاست عالم افکار سیاسیون و زمامداران را بخود مشغول داشته است .

در اتازونی روزولت در قسمت حصول قروض خارجی اتازونی که بالای ممالک اروپائی است کوشش نمود باوجود آمدن مکدونالد رئیس الوزرای انگلیس و موسیو هریو نمایندهٔ فرانسه هیچ فیصلهٔ را بدست آورده نتوانست .

بلجیم :

در ۲۹ دلو شاه بلجیم که بقلهٔ کوه (روچردومارس) صعود میکرد از کوه سقوط کرده هلاک شد ولیعهد دیوک آف برابان پسر شاه متوفی به بساط شاهی بلجیم برداشته شد .

اعلیحضرت البرت اول شاه فقید بلجیم

اعلیحضرت لئوپولد سوم شاه جدید بلجیم

داکتر دلفوس صدر اعظم آستریا

آستریا:

درطول سال، پروپاگند نازی درآستریا شدت یافته ، میان حکومت آستریا والمان کشیدگی زیاد تولید کرده چنانچه دراخیر سال مرور مملکت اول الذکر شکایت نامهٔ به مجمع ملل تقدیم نموده علاوه برین تمایل زیادی بسوی رژیم فاشیستی وایطالیا نشان داده و بالاخره دراوائل امسال رسماً فاشیستی اعلان گردید.

دیوکا صدر اعظم مقتول رومانیه

رومانیه:

موسیو دیوکا رئیس الوزرای رومانیه در ... (۲۹ دسمبر ۱۹۳۳) از دست سه نفر ... (... ، کارانیکار ...) بمقام سینا بقتل رسیده ... داخلی روی کار آمد
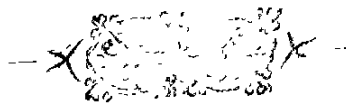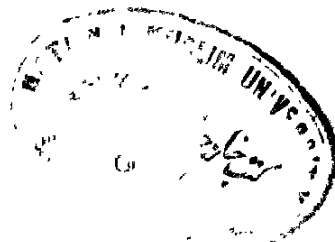
ملاقات دیپلو ماتها

درسال ۱۳۱۲ رجال سیاسی دول . در ممالك ومراکزحکومات ذیعلاقه باندازهٔ سیاحت ملاقات احرا نموده اند که خارج تصوراست ، درنقشهٔ طول سیاحت وآنمملکت که بیشتر حنهٔ دیپلوماسی را اختیار کرده بخوبی ارائه گردیده است ، سیاحت و ملاقات دیپلوماتهای وپا بیشتر در پاریس ، لندن ، جینوا ، و دیگر چندمرکزاروپا بعمل آمده است رباحصائیه ملاقاتهای متذکره قرار ذیل است .

ملاقات بین پادشاهان	.	۱۸	دوعه
«	« صدراعظم ها	۳۷	»
«	« وزرای خارجه :	۹۱	»
«	« وزرای مالیه .	۱۷	»
«	« دیگر رجال مهم .	٤٤	»
جمله ملاقاتها		۲۰۷	»

در اثنای تمام ملاقاتهائیکه در فوق تشریح یافته باندازهٔ ۱۰۰ ر۲۳۳ کیلومتر قطع ده شده .

خطوطیکه درنقشه بصورت نقطه نشان داده شده خط حرکت پادشاهان میباشد .
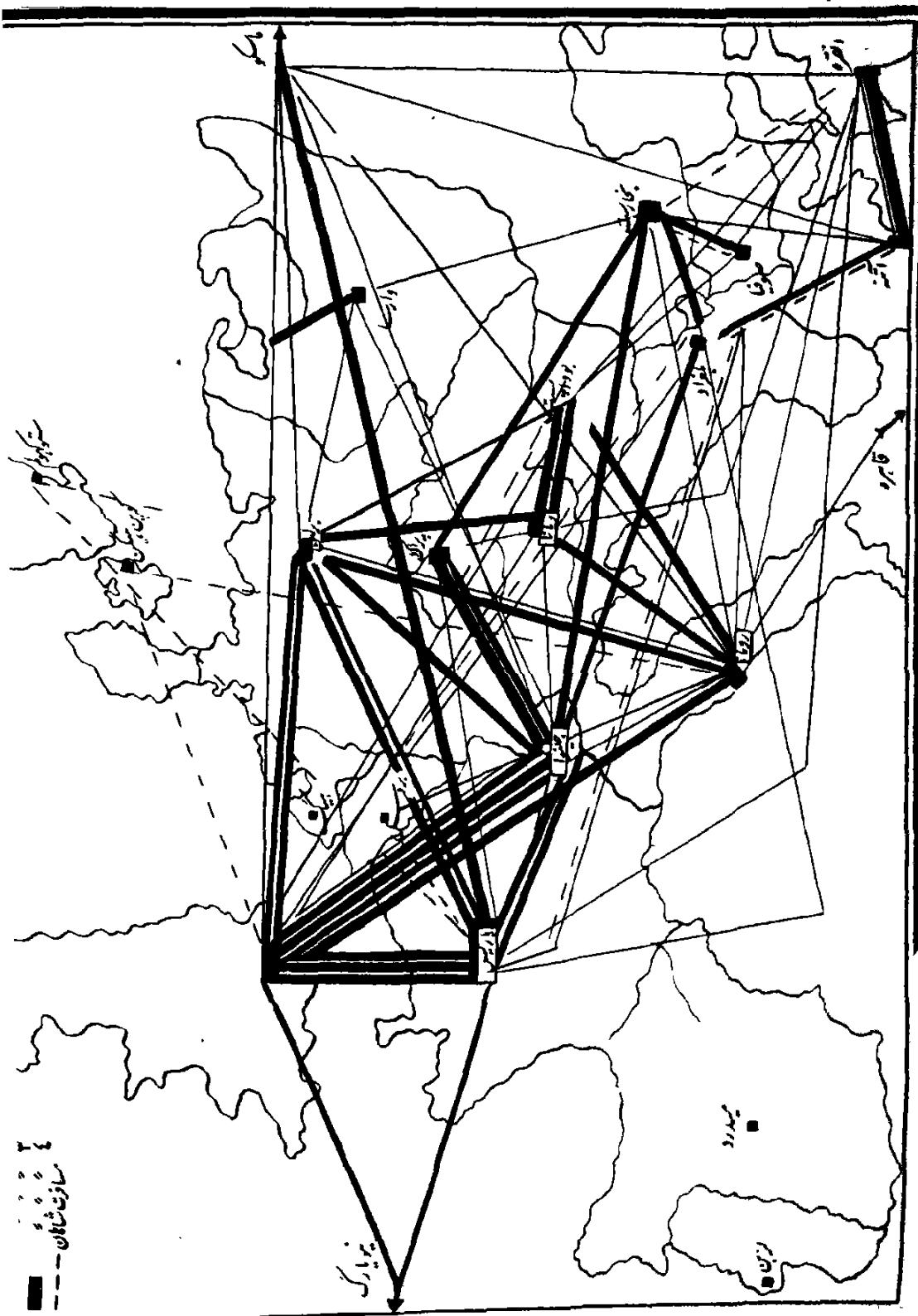
سیاحینی که درسال ۱۳۱۲

بافغانستان آمده اند

نمره	اسم	تابعیت	ورود	خروج
۱	موسیو جهرماکیں	چکوسلاوی	۱۳ حوت ۱۳۱۱	۱۳ حمل ۱۳۱۲
۲	« ایفولودهالی	ایطالیه	۲۳ حوت ۱۳۱۱	۲۲ حمل ۱۳۱۲
۳	عزتمند امین عالی بیگ	ترك	۱۳ حمل	تاحال خارج نگردیده
٤	مستر کیمپر	المان	۲۵ «	۳۰ ثور
۵	« ارنست بورشرس	«	۳۰ «	۱۹ ثور
٦	« مسر	«	۱۲ ثور	۱۷ «
۷	« والتر مایکه	جرمنی	۲۳ «	۳۰ «
۸	موسیو الوارری	ایطالوی	۲٦	
۹	مستر ستیا دیو شوری	هندی	۱۵ جوزا	۲۹ جوزا
۱۰	« جی میك	امریکاء	۱۸ «	۲٦ «
۱۱	« اس دی شکر ونکاتا	هندی	۲۰ «	۲۹ «
۱۲	« شکیچی یومورا	جاپان	۱۱ سرطان	۲۹ سرطان
۱۳	سردار پرتاب سنگهه	هندی	۱۲ «	۲۳ «
۱٤	موسیو ایف تریژر	فرانسه	۱۹ «	۲۰ «
۱۵	« دمیکو چرانی	ایطالوی	۳۱ «	۱۹ اسد
۱٦	مسترل ایم فترس و یك نفر خانم و دو نفر ملازم سعهٔ هندی	امریکا	۱۸ اسد	۱۲ «
۱۷	عزتمند ولی الدین فرحان	ترك	۷ «	
۱۸	مستر شکیچی ابی	جاپان	۲٤ «	۳۲ «
۱۹	« جان والمزلی	برطانیه	۲٦ «	۳۱ اسد
۲۰	« عبدالله جان	«	۲٦ «	۳ سنبله
۲۱	« فضل الرحمن	«	« «	«
۲۲	« سردار محمد	«	۳۲ «	۸ «
۲۳	« بیرلی	«	۳ سنبله	۱٦ «
۲٤	« اوربنر و یك نفر ملازم	امریکا	۳ «	۱٦ «
۲۵	مستر پی ـ ایچ ـ نر	امریکا	۷ حمل ۱۳۱۲	۱۰ حمل ۱۳۱۲
۲٦	مستر جان پی اسپرول	«	۷ «	۱۰ «
۲۷	عزتمند محمد ادیب عبدالعزیز	فرانسه شام	۱۲ «	۲٤ «
۲۸	خانصاحب حاجی صورت خان و یکنفر باز محمدخان ملازم معیتاو	برطانیه	۲۱ «	۲۸ «

نمره	اسم	تابعیت	دخول	خروج
۶۵	سردار راجا سر گوربخش سنگه با ۲۹ نفر معیتی	»	۲۳ »	۷ سنبله
۶۶	» پالکروزی	جرمنی	۴ »	
۶۷	» میخائیل کیس	»	۱۶ »	۱۸ میزان
۶۸	کی کوماتسو و ملازم مذکور	جاپانی	۱۵ »	۱۱ »
۶۹	موسیو جرائی	ایطالیا	۱۵ »	۱۱ »
۷۰	فرسه تمعهٔ خانم او	فرانسه	۱۹ سنبله	۴ »
۷۱	» بریس	برطانیه	۲۰ »	
۷۲	مستر نکاولی	ایطالیه	۲۳ »	
۷۳	» بریك آف	المانی	۲۰ میزان	۲۶ »
۷۴	گلبرت دوسل	امریکائی	۲۹ »	
۷۵	مستر فان یساوتس	المانی	۱۴ سنبله	۱۱ میزان
۷۶	والر بیست کسس	امریکائی	۲۱ »	۴
۷۷	مستر عمر حیات ملك	برطانیه	۲۸ »	»
۷۸	مستر ضیاءالدین		۲۸	۴ »
۷۹	مستر عبدالحق و یك نفر ملازم		» »	» »
۸۰	مستر رستم هندی	برطانیه		
۸۱	شاشراف		۴ میزان	۱۴ میزان
۸۲	کیخسرو	»		
۸۳	هرراین کپور		» »	۱۱ »
۸۴	موسیو ارندر نائید	هنگری	۱۸ »	۴ عقرب
۸۵	جناب علی محی الدین الحسینی	فلسطین	۲۲	
۸۶	محمد امین الحسینی			
۸۷	جناب داکتر سر محمد اقبال			
۸۸	مستر هدی حسن	»		
۸۹	غلام رسول	»	»	
۹۰	جناب سر راس مسعود حمید	»		
۹۱	مستر عبدالحمید ترجمان قونسلگری دهلی	»		
۹۲	جناب سید سلیمان ندوی			
۹۳	موسیو میسل دومارویچ	پولیند	۵ قوس	۹ قوس
۹۴	موسیو مکس ماسوت	فرانسه	۱۰ »	۳ جدی
۹۵	آقای غلام حسن خان	ترکستان شرقی	۳ جدی	۶ حوت
۹۶	قربان الله خان و دو نفر ملازم	»	» »	» »
۹۷	مستر تهرس و خانم او	امریکا	۲۸ دلو	
۹۸	جارج تیگرت و ملازم او	»		
۹۹	مستر مهجر شمونا کا	جاپان	۱۳ حوت	
۱۰۰	کوستر بك	جرمنی	۱۹ »	۲۲ حوت

اسم	تابعیت	ورود	خروج
۱۰۱ [illegible] آف یهودی	ایران	۳۰ »	
۱۰۲ [illegible] خالد رجب بیگ و خانم او	ترک	۱۲ عقرب	۲۵ عقرب
۱۰۳ » احمد رمزلی و خانم او	»		
۱۰۴ » داکتر رفعت	»		
۱۰۵ مستر یوشی جی اوی ها را	جاپان	۱۲ قوس	
۱۰۶ » کبزوتنا کا			
۱۰۷ موسیو اتو نووکس	فرانسه	۲۲ »	
۱۰۸ » ایس موریس و خانم او	المانی	۱۷ جدی	
۱۰۹ » تنا کا		۲۵ »	۱۱ دلو
۱۱۰ » یاماموچی	جاپانی	۲۵ »	۲۸ »
۱۱۱ » یاما ما تو			
۱۱۲ » وادیا ایف	برطانیه	۲۱ دلو	۲۹ »
۱۱۳ » کی کاگا و ابعهٔ ملازم	جاپانی	۲۹ »	
۱۱۴ » آقای عبدالقادر خان	ترکستان‌شرقی	۲۵ حوت	
۱۱۵ مستر عبدالعزیز	هند	۲۷ »	

مستخدمین خارجی درافغانستان

عزتمند ، ظفر حسن بیگ سرمعلم
توپچی مکتب حربیه

عزتمند ، خالدرجب بیگ متخصص موزیك

عزتمند ، امین عالی بیگ عضو دائرهٔ
تعلیم وتربیهٔ وزارت معارف

عزتمند ، حسن رشاد بیگ رئیس فاکولتهٔ طبی

عزتمند ، موسیو بوالی مدیر مکتب عالی استقلال

عزتمند ، داکتر ایون مدیر عالی مکتب حجلت

عزتمند ، موسیو فرلسی معلم مکتب عالی استقلال

عزتمند ، موسیو گاریک معلم مکتب عالی استقلال

عزتمند ، موسیو کورتا معلم مکتب عالی استقلال

Les Employés Étrangers en Afghanistan.

سیو بودوان معلم مکتب عالی استقلال

عزتمند ، موسیو هیف معلم مکتب عالی استقلال

عزتمند ، هر فدرس معلم مکتب عالی نجات

، هر بوبهاستر معلم مکتب عالی نجات

عزتمند ، هر کراوتر معلم مکتب عالی نجات

عزتمند، داکتر بروکل معلم مکتب عالی نجات

د، هر کراکرفون شوارتسن فلد
معلم مکتب عالی نجات

عزتمند، هر بورگهارد معلم مکتب عالی نجات

عزتمند، هر گلوبیك معلم مکتب عالی نجات

Les Employés Étrangers en Afghanistan

عزتمند دکتور ماسیولی ایطالوی مشاور
وزارت مالیه

عزتمند اوتو مورر المانی متخصص مطبعه

عزتمند زیدان بدران مصری عضو ریاست
تعلیم و تربیه وزارت معارف

عزتمند ایس - ایم - دین معلم رسامی
مکتب صنایع نفیسه

عزتمند مستر کیر المانی انجنیر
فابریکهٔ پشمینه باف قندهار

عزتمند مستر تسمبه المانی مهندس
معمار وزارت فوائد عامه

Les Employés Étrangers en Afghanistan.
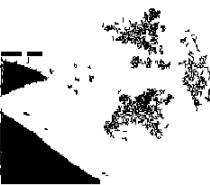
عزتمند اورنگ زیب خان مهندس
وزارت فوائد عامه

عزتمند محمد حسین خان مهندس نهر
جدید خان آباد
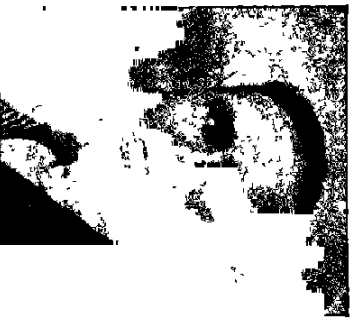
عزتمند مستر سالیلوف روسی مهندس
ریاست بلدیه

ص ، دماکاری شاه جان معاون ریاست
تربیهٔ حیوانات

عزتمند رحمت الله خان متخصص زراعت

عزتمند سلطان محمود خان بیطار ریاست
تربیهٔ حیوانات

Les Employés Étrangers en Afghanistan.

سرمایه های بزرگ

در برابر بحران عالمگیر

بقلم جناب سید قاسم خان «رشتیا»
عضو انجمن ادبی

آقای سید قاسم خان « رشتیا »

جمی وایت متمول معروف انگلستان

از بحران اقتصادی، که درین چند سال اخیر به همهٔ عالم طاری شده، وقتیکه سخن گفته میشود، وضعیت اختناق معاملات، افلاس بانکها و زیاد شدن بیکاران، مد نظر انسان مجسم میگردد. اما مسئلهٔ دیگری که اختلاف کوچکی با قضیهٔ فوق دارد، بیشتر اذهان کنجکاو را مشغول ساخته میتواند: سرمایه های معروف در میان این تشنجات دنیای مریض بچه حال در آمده است؟ آنانکه متمولترین اشخاص عالم بشمار می رفتند بمقابل طوفان عمومی چه قسم مقاومت وررزیده می توانند؟ آیا ملیون های شان در هوای منقلب تبخیر شده یا اینکه کم و بیش به حفظ آن موفق آمده اند؟

لارنس بارتی متمول انگلیسی

تفتیش این مسئله آنقدریکه گمان میشود آسان نیست. زیرا ممتازان خوش بخت همان طوریکه در موقع نفع آرام و نزاکت شعار بودند، در وقت نقص و خساره مندی نیز خود را بسهولت از دست نمیدهند. بنابران هنوزهم مطمئن ترین منابعیکه در دست است احصائیه های مالیات میباشد. اما اظهارات مامورین بطور اجباری اصل حقیقت را منعکس نمینماید، در اکثر ممالک دفتر مالیات نسبت به اصل سرمایه به عوائد سالانهٔ آن بیشتر

توجه میکنند. معهذا ملاحظهٔ این احصائیه های رسمی یك اندازه معلومات مفیدیرا ارائه کرده می تواند.

ملیونر چیست؟

زبان عادی برای تعیین یك شخص بسیار متمول کلمهٔ (ملیونر) و برای کسی که تمول افسانوی داشته باشد کلمهٔ (ملیاردر) را استعمال میماید. باید دانست که این دو کلمهٔ بذات خود چیز بزرگی را خاطر نشان نمیمایند زیرا یك اندازه یا پیمانهٔ معینی را نمایندگی نمی‌کنند.

اتوکاهن متمول امریکا

آیا فرانسوی را که یك ملیون فرانك یعنی سالانه پنجاه هزار فرانك عایدات دارد، ملیونر میتوان گفت؟ به این حساب چقدر ملیونر هائی وجود خواهد داشت بدون آنکه خود شان موقعیت خود را بدانند

ملیونر آلمانی که همراه یك ملیون مارك خود ۶ برابر ملیونر فرانسوی متمول است، اهمیتش بیشتر ولی مقابل ملیونر امریکائی بایك ملیون دالر و مخصوصاً در برابر ملیونر انگلیسی که یك ملیون پوند دارد، چیزی نیست.

بعضی اشخاص دیگر لقب ملیونر را به کسانی میدهند که عوائد سالانهٔ شان بیك ملیون برسد بحساب فرانك و مارك لقب ملیونر احتیاج ندارد. به حساب دالر ملیونر ها ازیك حلقهٔ کوچك متنازتجاوز نمینماید وخاصتاً به پوند، اگر حساب شود ۵ فیصد مدنظر گرفته شود سرمایهٔ ملیونر باید ۲۰ ملیون پوند یا ۱۷۰۰ ملیون فرانك باشد. بهرحال تعریف اهمیت ندارد بلکه اعداد را ملاحظه باید کرد.

احصائیه ها چه میگویند؟

از روی عقیدهٔ عمومی امریکا خاك کلاسیك ملیونر ها است و در حقیقت درآنجاست که انسان با بعضی از قارون های معتبر و روشناس مقابل می شود، اما شاید متمول انگلیسی محکم تر و زیاد تر باشد، زیرا در ۱۹۲٤ در انگلستان ۶۰۱ بهرچنان اشخاصی

حساب شده بود که سالانه ۵۰۰۰۰ پوند عائد داشته گمان می شد سرمایهٔ هرکدام به یك ملیون پوند برسد .

سرن مارکن متمول معروف انازونی

بحران اقتصادی این تعداد را تقلیل داده ، اما هنوز هم در سال ۱۹۳۲ میلادی ۵٤۰ ملیونر وجود داشت تعداد اشخاصیکه سالانه ۱۰۰،۰۰۰ پوند عایدات یعنی دوملیون پوند سرمایه دارند نیز از ۱٤٤ به ۱۷۵ نفر ترقی کرده ازین ، معلوم میشود که متمول انگلیسی بواسطهٔ واقعات عمومی چندان فشار ندیده است .

برخلاف ملیونر های امریکائی بشدت متأثر شده اند .

در ۱۹۲۹ که سال ریکارد رفاهیت شناخته شده ، در اتازونی ٤۳،۰۰۰ نفر ملیونر دالر که عائد سالانهٔ شان ۵۰،۰۰۰ دالر است وجود داشت . اما در۱۹۳۲ عدهٔ اشخاص مربور از ۱۹،۰۰۰ تجاوز نمی‌نمود این بخت برگشتگی درمیان « سوپر ملیونر ها » یعنی آنهائیکه عواید سالانهٔ شان بالاتر از یك ملیون دالراست محسوس تر میباشد زیرا سوپر ملیونر های اتازونی بسال ۱۹۲۹ میلادی ۵۱۳ نفر حساب شده ولی در سال بعد فقط ۱٤۹ نفرباقی مانده بود در ۱۹۳۱ به شهر نویارك که قریب نصف « مولتی ملیونر های »(۱) امریکائی دران سکنی دارد تنها مولتی ملیونر ۹۰ ساله موسوم به « جان ـ د ـ راکفلر » باقیمانده بود که عاید اش از یك ملیون تجاوز

راکفیلرامریکائی بو(ویسرش) که متمول‌ترین افراد عالم شناخته میشود

می کرد (بطور صحیح ۱،۱۰۰،۰۰۰ دالر) . پسر مشار الیه « جان ـ د ـ ح ـ راکفیلر » که در ۱۹۲٤ یعنی قبل از نصفهٔ اخیر دورهٔ رفاهیت بحساب ۶،۲۷۸،۰۰۰ دالر عایدات ، مالیات می پرداخت در ۱۹۳۱ بدفتر مالیات بیش از نیم ملیون عاید ، قلمداد ننمود باید دانست که قانون مالیاتی اتازونی در مورد سرمایه های بسیار بزرگ آزادی

(۱) کسانیکه چندین ملیون سرمایه دارند

مخصوصی دارد به اینقسم که هر کس در معاملات خود بیش از اندازهٔ عواید سالیانهٔ خود متحمل نقص گردید، از تادیهٔ مالیات معاف میشود.

بهمین جهة است که مقتدر ترین صرافان عالم «جان پیرپن مورگن» درسنوات ۱۹۳۰ تا ۱۹۳۲، توانست که یك پول مالیات نپردازد و اسمش در فهرست ملیونر ها داخل نباشد. این داخل نبودن اسم او در فهرست، افلاسش را نشان نمی دهد

درآلمان نیز سرمایه های بزرگ خیلی تقلیل یافته است، زیرا متمولین آنجا بیشتر ازبحران اقتصادی، در اثر انفلاسیون (۱) اخیر خیلی صدمه خورده بودند. چنانچه در ۱۹۱۳ به تعداد اشخاصیکه بیش از یك ملیون مارك سرمایه داشتند به ۱۵،۵۰۰ نفر می رسید اما ده سال بعد عدهٔ آنها فقط ۰۰۰، ۵ نفر حساب می شد. سرمایه های بالاتر از ۱۰ ملیون مارك را قبل از جنگ عمومی ۲۲۹ حساب کرده بودند، ولی پس از جنگ عمومی تنها ۳۳ از آن باقیمانده بود. بسال ۱۹۲۶ هنوزهم ۴۹ نفری وجود داشت که عایدات سالانهٔ خود را بیش از یك ملیون مارك ادعا می نمودند. لاکن درحال حاضر این طبقه تقریباً بکلی از احصائیه ها مفقود گردیده است. آخرین احصائیهٔ مالی آلمان که بابت سال ۱۹۲۸ انتشار یافته عدهٔ ملیونرهای مارك را ۲۹۹۴ نفر ظاهر میسازد که از آنجمله فقط ۱۸۰ آن بیش از ۵ ملیون سرمایه دارند. یقین است که از آن تاریخ به بعد تقلیل مهمی در عدهٔ مزبور رخ داده خواهد بود.

بعضی قربانی های معروف

وقتی از خساراتیکه بر «مولتی ملیونر ها» وارد شده سخن بمیان می آید، لازم است مابین کسانیکه سرمایهٔ شان کاملاً غرق شده و اشخاصیکه فقط از یك کمقیمت شدن عمومی متأثر شده اند، تشخیصی بعمل آید. با وجود این، قربانی های «افلاس های بزرگ» درین سال های اخیر خیلی کم است. مهمترین قربانی های افلاس، «ایوار کروگر» شاه گوگرد

(۱) رواج فوق العادهٔ نوت که پول را بکلی از قیمت می اندازد و در سال های بعد از جنگ در آلمان قسم خطرناکی واقع شده و اقتصادیات آن مملکت را بکلی برباد ساخت.

است که عایدات سالانه اش در ۱۹۲۸ به ۲ ملیون کورون (سکهٔ سویدن) میرسید و ٤ سال بعد موقع انتحار خود ۹۳ ملیون دالر قرض شخصی و ۷۵ ملیون دالر قروض متفرقه‌را باقی گذشت

بنی متمول معروف فرانسه

نظیر این واقعه، حال بربادی برادران «انسول» امریکائی (از اهل شیکاگو) است که تجارتخانهٔ عمدهٔ شان در سال ۱۹۳۳ ورشکست ومعادل ۲۵ ملیون دالر خسارهٔ را متحمل گردید، علاوه برین در جملهٔ افلاس های بزرگ بعد ازجنگ ورشکست مؤسسات «سوسوکی» شرق اقصا را نیز حساب میتوان کرد که درسال ۱۹۲۷ قروض آنها به ۲۰۰ ملیون دالر مبالغ شده بحالت واژگونی درآمد، متمول «الفرد لووستن» صنعت گر معروف بلجیم نیز در زمان «کری بازار» بزرگ ابریشم مصنوعی تقریباً مساوی به اندازهٔ فوق‌الذکر بود وهرکس بیاد دارد که نامبرده چگونه در وقت احساس ورشکست ازطیاره خود را به بحرشمال انداخت.

خسارات صنعتی انازونی

اگرچه سرمایه های بزرگ خصوصی درحالت استواری ومتانت معرض خطربورسه واقع نمیشوند، واضح است تبدلات بورسه بالای آن ها شدیداً نفوذ نموده می توانند زیرا که درمعاملات عموماً بکاغذ نوت تبدیل میگردند پس وقتیکه نوت تنزل مینماید یك قسمت تنزل مؤثر درسرمایه های مربور وارد میشود که بی اهمیت تلفی کردن آن غیرممکن است. کوچك ترین دارندگان اوراق (اسهام) درهرلحظه می توانند همراه بانك مفاهمه نموده مبلغ صحیح سرمایهٔ خودرا درك کنند اماسهم داران بزرگ این کاررا اجراء کرده نمی توانند چه درموقع تنزل سنجش حسابات برای آنها خسارات مهمی رانتیجه میدهد. معهذاسهم داران عمده درمعاملات مجبورند سرمایه خود را بافرضیات سهمی بورسه حساب کنند. لهذابایددرموقع بحران خسارتی را که بر صنعت گران بزرگ وارد شده بامدنظر گرفتن همین نکات اندازه نمود.

بزرگ ترین سرمایه های معلومیکه امروزباقی مانده، مثل سابق دردست خاندان راکفیلر میباشد، حتی قدرت راکفیلرها درین اوقات اخیر ترقی مزید یافته است به این معنی که

بدریج، داماد، جان ـ د ـ راکفیلر پیر ـ مدیر عمدهٔ (چیربنگ) گردیده است که رقابت آن
اعت مورگن راخیلی خساره مندساخته است . راکفیلر که درمنابع تیل خاك با «هنری ویتروتگ »
نعت گرمعروف انگلیس وهولندی رقابت دارد ، همیشه موسسات خود را با نهایت حزم
احتیاط اداره کرده است ' ازطرف دیگر اسهام راکفیلر درین اوقات اخیر دربورسه
بت بدیگر اسهام صنعت امریکائی موقعیت ممتازی دارد . بهرحال اسهام جماعت (ستیند
د آیل) که قسمت عمده سرمایهٔ راکفیلر را تشکیل میدهد باندازهٔ یك پنجم تنزل یافته است ، درزمان

سعادت وپیش رفت اقتصادیات که سال ۱۹۲۹ مشاهد
سرمایهٔ خاندان راکفیلر به استثنای ۵۵۷ ملیون
دالر که جهت امور علمی وخیریه وقف شده به یك میلیار
دالر تخمین میشد ولی در ست ترین نقطهٔ بحران یعنی
دراوایل سال ۱۹۳۲ تمول آن خاندان از (۲۰۰)
الی ۲۵۰ ملیون دالر تجاوز نمی نمود . امااز آن وقت
به بعد قراریکه مطنهٔ بورسه نشان میدهد ، گویا ثروت
مزبور دوباره مضاعف شده است .

هاری فورد صاحب کارخانجات معروف موترسازی امریکا

میلن ممول معروف سفیر و وزیر خزانه سابق امریکا

دومین متمول آتازونی
« هنری فورد »
و پسرش « ایدزل
فورد » میباشند که
سرمایه‌شان بسال ۱۹۲۸ یك میلیار و دوصد ملیون دالر
ندازه شده بود ، فورد همیشه افتخار خویش را درین دیده
ست که درمسابقهٔ بانك ركنار واسهامش ازعملیات وال
ستریت (بازار صرافی نیویارك) دور باشد . بهمین
سبب ازروی سنجش های بورسه سرمایهٔ او تخمین شده
ی تواند اما محدود شدن حاصلات کارخانجات
موتر سازی فورد وتنزل دیگر تجارتخانه های بزرگ
توموبیل ، انسان را بفکر می اندازد که فورد بیزار

بحران اقتصادی صدمهٔ زیادی را متحمل شده و اکنون سرمایه اش در حقیقت پیش از یك دهم زمان سابق نمیباشد .

حالت سومین متمول امریکائی یعنی برادران «میلن» را بر همین منوال قیاس میتوان نمود. «اندریو ــ و ــ میلن» سفیر و وزیر سابق خزانهٔ امریکا ، وبرادرش «ریچرد ــ ب ــ میلن» که تازه فوت کرده است ــ موسسین صنعت الومینوم امریکا و مهمترین شرکای (الومنیوم کمپنی آف امریکا) بشمار می روند

علاوه بر این برادران مذکور در صنعت برق (وستنگ هوز) و صنائع نفت خاك (گلف آیل) در بانکها و کمپنی های بحرپیمائی و غیره منابع مهمی را دارا هستند . در ۱۹۲۹ ثروت ایشان ۲۰۰ ملیون دالر حساب شده بود . از آن پس اسهام (الومنیوم کمپنی) ۲۵ فیصد تنزل نمود و به ۲۵ فیصد قیمت اصلی خود رسیده بود

امادرین اوقات دوبارا استحکام پیدا کرده است . حاضراً ثروت برادران میلن باید در حدود ۱۰۰ ملیون دالر باشد

متمولین معروف صنائع معدنی امریکای جنوبی نیز بچنین قسمت های بدی گرفتار آمده اند ازآنجمله معتبر ترین آنها « شاه مس » موسوم به «گیوجنهیم» و (شاه قلعی) «پاستینو» (بولیویائی) میباشند . ولی خسارت بلند تریکه وارد شده در «صنائع جوان» است . صنائع جوان عبارت اند از ابریشم مصنوعی ، گراموفون ، رادیو ، هوابازی وغیره در وقت رفاهیت و سعادت اقتصادی بعضی اسماء کسب شهرت نموده بود مثل «داویدسارنوف» مؤسس «رادیو کاربوریشن» .

این اشخاص دوباره زمین خورده ، اکنون در جملهٔ مولتی میلیونر های امریکائی محسوب نمی شوند .

در آلمان و اروپای مرکزی

خساراتیکه در ثروتهای عمدهٔ آلمان وارد آمده اگر باندازهٔ امریکا نباشد در وخامت از آن کمتر هم نخواهد بود . درسالهای اخیر قبل از بحران ، متمولترین اشخاص آلمان شخص تازه واردی موسوم به « فرید ریش فلیك » صنعتگر معدنیات بود که ابتداء در سلیتسیای

علیا جا گرفته و بعد در مؤسسهٔ بزرگتر صنائع سنگین ریوهر (ویرینیگت ستاهلورك) موقعیت ممتازی احراز نمود. ثروت مشارالیه وقتیکه باوج کمال خود رسیده بود (۵۰۰) میلیون مارك تخمین می شد. ازآن وقت به بعد تنزل کرده اما فلیك با تدبیر ماهرانهٔ نفوذ خود را بالای یك موسسهٔ دیگر المان غربی موسوم به (ارینیش برونکوهل) توسیع داده به اینوسیله توانست که سرمایهٔ خود را مجدداً استواری به بخشد. برخلاف فلیك که بزحمت شخصی خود کسب تمول نموده بود، « فریتز تهیسن » معادن ذغال و ذوب کاری را که ۲۰۰ ملیون قیمت می شد ازخانه وادهٔ خود به ارث برده، اما قیمت مربور ازآن وقت به بعد خیلی تنزل نموده است. در جملهٔ سرمایه داران بزرگ آنکه کمتر صدمه دیده «اوتووولف» میبا شد که قبل از بحران با (۱۰۰) ملیون مارك خود درجهٔ سوم را دربین متمولین مملکت احراز کرده بود حالانکه «کروپ» معروف که پیش از جنگ عمومی دربین تمامی سرمایه داران آلمانی درجه اول را داشت، ازباعث انحلال فابریکهای اسلحه سازی خود، اسمش از قطار متمولین بسیار بزرگ محو گردید.

اوتوولف متمول آلمانی

دراروپای مرکزی مملکتی که درآن متمول ترین صنعت گران وجود دارد المان نه بلکه چکوسلواکیه است. این شخص (تیشلك) «شاه ذغال» است که رگهای وسیع ذغال سنگ را مالك میباشد. شاخ خاندان تیشیك که در شهر پراگ (پایتخت) جای دارد، ومنافع بانکی بزرگی را دارا بوده ثروت شان بدو ملیون کورون چکوسلواکیه می رسد، از بحران جرصدمهٔ خفیفی را متحمل نشده است.

تیسن سرمایه دار آلمانی

درانگلستان وفرانسه

علاوه برین درجملهٔ سرمایه دارهائیکه بمقابل بحران خوب مقاومت نموده اند، چند نفر فرانسوی وانگلیسی را نیز تذکار مینمایند. برخلاف امریکا و آلمان، انگلستان و فرانسه تنها ممالکی هستند که دران ها سرمایه های شخصی در صنائع مخصوصه تودیع شده است. درانگلستان « ایرل آف ویگ » (ازخاندان آبجوفروش های گینس)

لرد ایوک متمول انگلستان

از پدرش دو ملیون بوند سترلنگ ارث برده درفرانسه «ژیله» صنعتگر ابریشم کاری و «هنسی» رئیس فابریکهای کوبیاك همراه تاجر گندم فروس «اوی لوبی دریفیور» در قطار مولتی مليونر ها، درجه اول را حائز شد.

تا همین چندسال پیش در خارج گمان میکردند که فرانسوا کوتی مالك کارخانه جات عطر سازی، متمول ترین صنعت گران فرانسه

میباشد. اما درحقیقت سرمایه های مشارالیه بواسطهٔ بحران خیلی تقلیل یافته و نیز تلفات بولیکه از درك هـای مختلفه مخصوصاً بسبب دعوی تباه کننده یك طلاق برایش رخ داد، به اعتبار ثروت نامبرده صدمهٔ شدیدی وارد نموده است دربین صنائع آهن کاری خاندان «وندل» شهرتی بسزا دارد ولی «شبندر» اسلحه ساز علاقهٔ کروپ نیروکه اسمش به تمام عالم معروف است اکنون درقطار میلیونر های بزرگ تعلق می گیرد

[illegible] تی ژروا

ثروتهای محفوظ

اما بغیر از ثروتهـای صنعتی، یك نوع سرمایه های دیگری هم وجود دارد که بواسطهٔ نوعیت خود از عوارض وحادثات محفوظ تر معلوم می شوند

این ثروتها را می توان «محفوظ» یا «راکد» تسمیه نمود زیرا اسهام عوائد مشخص واقساط معین واجاره های مطمئن داشته، بصورت املاك غیر منقوله وغیره نمایش می یابد. در مواقع انقلابات اقتصادی و پولی بهترین وسیلهٔ حفظ سرمایه این است که مالکین دارائی خودرا بقسم طلا یانوت های بانکی که به اعتبار طلا باشد، بیاندوزند.

وبسا سرمایه داران بهمین وسیله متشبث گردیده اند. به دلائل زیادی که نام بردن آنها اسباب طولانی شدن مقال میشود، این طریقهٔ اندوختن پول، درمورد سرمایه های بسیار بزرگ، لا اقل درممالك اروپائی استعمال شده نمی تواند. ولی در مشرق زمین مخصوصاً

و هندوستان که مهمترین سرمایه ها بواسطه طلا و سنگهای قیمتی تشکیل شده، طریقهٔ مزبور
بسیار خوبی عملی می شود. در حقیقت این گنج ها یکی از تبدلات اقتصادی خلاص نیستند،
به قیمت های درست ترین و قشنگ ترین [illegible] ها تغیرات بازار پنبه هندی را تعقیب میکند
واقعاً بهترین خریداران الماس ها و دیگر احجار قیمتی، زمین داران بزرگ هند می باشند
وقتیکه حاصل پنبه کسر می کند اسم هندوستان از فهرست بازار جواهرات گران بها مفقود
می گردد و بنابر آن قیمت آنها کم می شود و همینکه وضعیت پنبه اصلاح می یابد - چنانکه درین
چند ماه اخیر مشاهده شده - متمولین هندی سر از نو الماس و جواهر خریداری کرده نرخ
آنها دوباره بلند می گردد

نوابهای هند

ظفر الملک و الممالک نظام الملک نظام الدوله نواب
ان علی خان بهادر فتح جنگ نظام حیدرآباد دکن

از حالا اذعان حاصل شده که سرمایه های هندی نسبت بسرمایه های غربی بحران را خوبتر تحمل کرده است با وجود این آنها سرمایه های مزبور که اکثر اوقات به اعداد عجیب و غریبی تماس داده می شود چه اهمیت دارند؟ تعین اندازهٔ صحیح آنها مشکل است زیرا که وسائل تفتیش وجود ندارد. بزرگ ترین سرمایه های هندوستان را عموماً به نظام حیدرآباد نسبت میدهند که از قرار معلوم خزینهٔ او به تنهائی بیش از ۱۰۰ میلیون پوند سترلنگ ارزش دارد و از جواهرات مرکب است. عوائد سالانه نظام که مخصوصاً از درک مالیات های ارضی و امور فلاحی خودش تشکیل می یابد قبل از بحران به چهار میلیون سترلنگ بالغ میگردید. "گایکوار" راجه بروده که در تمول نسبت به اول الذکر درجهٔ پست تری دارد ۳۰ میلیون پوند را مالک خواهد بود. اما آغا خان که در مجامع غربی شهرت بیش است در عالم سرمایه داری اهمیت زیادی دارد و همین وضعیت او را از تبدلات بین المللی زیادتر متاثر می سازد

آغاخان

اگر مالکین بزرگ طلا و الماس، هندیها می باشند بالمقابل معادن طلا و الماس که بهترین

آنها در افریقای جنوبی واقع است به خاندان های انگلیسی متمول تعلق دارد در آن جمله برادران «جوئل» برادرزادهٔ «باراتوی» معروف «شاه الماس» بدرجهٔ اول حساب می شود که اقلاً ۱۵ ملیون سترلنگ را مالك اند

املاکین بزرگ در اروپا

در اروپا سرمایه های بزرگ «محفوظ» که از عملیات مالی معاملات مسعود اقتصادی یا منافع جنگ بوجود می‌آید، در املاك غیر منقوله و متصرفات ارضی صورت متقابله می یابد یکی از بهترین نمونه های آن بواسطهٔ شعبهٔ فرانسوی «روتشیلد» تهیه شده که بر خلاف روتشلد لندن و ویانا دارائی خود را بصورت محافظه کاری کامل اداره می کنند همچنین «سر بازیل زاهاروف» یونانی که سهم دار عمدهٔ کارخانهٔ

دیوك آف وست مینستر بزرگترین ملاکین انگلستان

اسلحه سازی انگلیس موسوم به «ویکرس» وشرکت بزرگ کارینوی بوت کار لو بشمار می‌رفت، امروز هم عوائد خوبی دارد و با وجود مدمانی که برایش رسیده هنوز هم از جملهٔ ثروتمندترین مردمان اروپای قدیم محسوب میشود.

درانگلستان محسوس ترین ضربتی که به توان لارد های زمین دار وارد آمده، از باعث بلند شدن مالیه بود معهذا «دیوك آف وست مینستر» اخیراً از روی مالیات های عایداتی، سرمایه خود

لارد ایرلی یکی از مردمان انگلستان وصاحب ...

را ۴۰ ملیون پوند اعلان نموده است. درچکوسلواکیه ودول بالتیک (استونیه ، لیتوانیه ، لیتونیه وفنلاند) زمین داران بزرگ تقریباً بکلی ازبین رفته ولی در هانگری ، وپولیند ملاکین وضعیت خودرا محکم کرده اند . اراضی خاندان مجارستانی « ایسترهنری » مثل املاك سنیوری (خانی) « کونت پوتوکی » لهستانی با شهرادگان « راوربوبل » ودرسلیشیای علیا (المان) اراضی « پرنس پلس » دروسعت مثل ولایات حقیقی میباشند ، بحران فلاحتی اروپای مرکزی وجنوبی آنها را متأثر ساخته اما اندازهٔ خسارات ایشان نسبت به ثروتهای بزرگ صنعتی کمتر است .

ثروتهای شاهی

به همین نظریه لازم است ثروتهای خصوصی شاهان یا شاهان سابق را نیز ذکر بکنیم سرمایه های مزبور به مناسبت وسعت دول مربوطهٔ آنها نیست . مثلاً اگرباد شاه ایطالیا یقیناً متمول ترین سلاطین باشد دارائی خصوصی شهرادهٔ (لیچتنستین) باوجود کوچکی ولایتش ازجملهٔ ثروتهای مهم بشمار می رود . « ویلیم » دوم قیصر سابق المان درموقع ازدست دادن تاج وتخت ، خوشبختانه ملیون های متعددی را از تمول خود حفظ کرد . تایکروز پیشتر ازجنگ عمومی دارائی سلطنتی پروشیا به تنهائی ۷۵۳ ملیون مارك تخمین می شد . به اثر دعوی چندین سالهٔ این مسئلهٔ که دارائی دولتی مزبور بکدام کس تعلق میگیرد ، واصطلاح « املاك سلطنتی » چه قسم تعبیر شده می تواند ، ویلیم دوم به این کامیابی موفق آمد که یك حصهٔ کلی اراضی مزبور به عنوان مصالحه وقرارداد تجارتی برایش حفظ بشود . قیمت این املاك جنساً واجب الاداء بوده به ۱۵ ملیون مارك بالغ میگردد . ثروت خصوصی او درسالهای اخیر سلطنتش از ۲۰۰ ملیون مارك تجاوزمیکرد . قسمت عمدهٔ دارائی مشارالیه به شکل داخل معامله میشود به قسمیکه عوائد به اصل سرمایه هیچ نسبت ندارد . معهذا قیصر سابق برحسب ظاهر متمول ترین آلمانها بشمار می رود .

معاملات تجارتی وصرافی

دورهٔ های پر آشوب ــ مثل همین اوقاتیکه حاضر آنرا طی میکنیم ــ از یك حیثیت دیگر برای معاملات خیلی مساعد میباشد. این دوره ها اثر وتبهای فوریهٔ را بوجود می آورد که اکثراً بنیان بزرگی که تعمیر یافته بنیان شان ویران می شود. تاریخ عصر جدید مثال های زیادی را از اساس « ترقیها » و « انحطاط ها » در بر دارد. ده سال قبل وقتی « شاه انفلاسیون (۱) » المانی موسوم به « هیوگوستینز » وفات کرد سرمایهٔ متروکه او بر ۲۰۰ ملیون مارك طلا که درآن زمان مبلغ فوق العادهٔ بشمار می رفت بالغ شده بود. یك سال بعد سرگشته گی اقتصادی بر ورثهٔ او طاری گردید زیرا پسرانش به اصول انفلاسیون که پدر شان بسیار دوست داشت، وفادار باقی مانده بودند. همین قسم یك پیش آمدی برای انفلاسیونیست های (طرفداران انفلاسیون) اطریش « کاستگیونی بورل» سر زده معامله دار برلینی موسوم به « جاکوب میکائیل » نسبت به اشخاص اول الذکر بیشتر مقاومت نمود اما در ۱۹۳۲ شرکت او سقوط کرده، خودش هم که شخصاً بیش از صد ملیون مارك را دارا بود، بجز بقایای ثروت خود را نجات داده نتوانست.

به کرات اتفاق افتاده که معامله داران تجارتی، وقائع خطرناك اختنـاق اقتصادی خود را در حضور محاکم عدلیه به ختم رسانیده اند. مثلاً ارسال و مرسول تقلبی در انگلستان، عملیات صرافی « اوستریك » در فرانسه واقدامات پرخطر « گوالینو » در ایطالیا، همه تشکیل افتضاح آمیزی در محاکم قضائی عرضه شده است. و سر منابع خطیریکه بکلی قانونی وصحیح بوده محکوم بعدم و زوال گردیده، از آنجمله ورشکستگی بانك « دار مستیدتر اوند ناسیونال بانك » که ثروت خصوصی مدیر خود، « جاکوب گولد سمدت » را که پس از جنگ متمول‌ترین صراف آلمان بشمار میرفت، فرو برد؛ در اطریش مدیران بانك های « رنگرت » و « ایپر نفسیت » نیز به‌مثل « جاکوب گولدسمیت» دچار فلاکت گردیدند، و ارکان شعبهٔ « روتشیلد » ویانائیز باوجود قرض پنج ملیون پوند که از طرف اقارب لندنی شان برای آنها داده شد، نجات یافته نتوانستند. اما ازهمه سنگینتر خساراتی است که بر اثر ورشکستی « وال ستریت » درخزان ۱۹۲۹ و جنبش تنزل ما بعد آن، بر معامله داران امریکائی وارد آمد.

---

(۱) انفلاسیون: رواج فوق العادهٔ نوت که مقابل آن اعتبارا طلا یانقره موجود باشد.

« طرفداران تنزل » و « طرفداران ترقی »

لازم است تذکر داد که در امریکا ، در سالهای بحران هرقسم معاملهٔ تنزل دهنده را یک عمل نهایت مخالف اخلاق می دانند و اشخاصیکه به اینطور اجراآت می کنند حسودانه عملیات خود را پنهان نگه دارند. بعضی دعاوی پر ولوله و تفتیشات پارلمانی کم و بیش ظاهر کرده است که صرافان وصنعت گران بسیار معروف ، بواسطهٔ معاملات تنزیل دهنده ، جهته جریان دادن تجدید سرمایهٔ خود ها کوشش دارند ، یکی از امثال بسیار برجستهٔ این طریقه اقدامات «وارنر برودرز» اربابان صنائع سینما می باشد که همراه یکنیم ملیون دالر برخلاف اسهام شرکت خود عملیات نموده اند

این وسعت نه تنها در نیویارک بلکه در اغلب نقاط مهمهٔ اروپا جریان و ترقی دارد. «شبو سائیم امستردام» (هولند) یک مرکز بزرگ معاملات بورسه ئی (مربوط به ترقی و تنزل پول) بین المللی شده است. در جملهٔ اشخاصیکه درین طریقه بهتر موفقیت حاصل نموده اند دو نفر دیگر شهرت زیاد دارند. یکی « رودیوس گونیگس » صراف امستردام که ابتدا در صنائع سنگین « ریناو وستفالی » آلمان کار میکرد ، و دیگر « فرتیزمنهیمر » صراف ، که او هم از اهل آلمان بوده در وقت مناسب توانسته بود موقعیت بلند خود را از سر بگیرد و اکنون از متمول ترین تجار اروپائی بشمار می رود. یقین است حسش سریع ترقی پول والی سریت « دیزار جدالی نیویارک » از تابستان ۱۹۳۲ به بعد و مخصوصاً از اوایل سال ۱۹۳۳ به انتظار بین المللی سرمایه های بزرگ جدید کمک زیاد رسانیده خواهد بود. سقوط دالر و تجدید قیمت بورسهٔ قیمت ها ، که نتیجهٔ آن بود ، موقع مساعدی برائی گرفتن منافع بورسه ئی تهیه کرده است و نیز یک معامله باهوشمندی زیاد در مورد نقره و معادن آن اجرا شده است به این امید که فلز مزبور در آیندهٔ نزدیکی دراعتبار پول باطلا بطور رقابت کار خواهد داد

از همه این معاملات که در آن ها ملیونهای خطیر دالر بصرف رسیده چه نتیجه میتوان گرفت ؟ این مسئله هنوز پیش بینی شده نمیتواند اما تمامی تجارب گذشته به انسان میفهماند که از جملهٔ کلیهٔ اشخاصیکه بواسطهٔ معاملات بورسه ئی اتفاقی دفعتاً متمول شده اند فقط عدهٔ مختصری توانسته اند که آن تمول را برای خود حفظ نمایند.

تاریخ های دانستنی

تدوین جناب فاضل قاری عبدالله

قبل از طوفان :

(۱) ترتیب ایام هفته وتعین روز هفتم برای استراحت بامر الهی .
(۲) صنعت خیاطی و پوشیدن لباس .
(۳) زراعت ، نخستین شخصیکه بدان قیام ورزیده قابیل است پسر آدم علیه السلام .
(٤) رعایهٔ مواشی ونخستین شخصیکه برعایهٔ مواشی پرداخت (هابیل) پسر آدم است .
(٥) قربانی کردن (براه خدا) نخست هابیل وقابیل قربانی کرده اند .
(٦) قتل عمد ، نخست مرتکب این عمل شنیع قابیل مذکور است .
(۷) بنای شهرها ، حنوك پسر قابیل نخستین شخصی است که شهر ساخته .
(۸) چادر نشینی ، نخست شخصی درچادر نشینی (یابال) است از اولادهٔ حنوك
(۹) عود ومزمار برای یوبال برادر یابل مذکور ایجاد یافته .
(۱۰) ایجاد آلات مس وآهن برای توبال قائین نام بوده از اولادهٔ حنوك .
(۱۱) نجاری وکشتی سازی نخستین کشتی نوح علیه السلام است که برای نجات از طوفان ساخت ،

حدوث طوفان در : (۲۳٤۸) ق م

افشردن وسید ساختن انگور ۲۳٤۱ « «
ایجاد گاوآهن و داس . ۲۳۰٤ « «
ایجاد خشت پخته برای برج بابل . ۲۲۳٤ « «
غرس زیتون وغیره وایجاد آرد ودرهمین اوقات درمین آتش پرستان وسائرین
ستاره پرستی ظهور نمود ۲۲۰٤ « «
صنعت بافتن پشم ریشم وناقوس . ۲۱٥٤ « «
ظهور بیلوس معلم فلکی مشار الیه دقیق ترین قسمتی را درعلم فلك برای کلدانیها تألیف نمود ۲۱٥٤ « «
خیاطی ونقش ونگار رخت ورنگ سرخ . ۲۱۰٤ « «
مبداء ظهور بت پرستی درگروه صائی . ۲۰٥۹ « «
گنج کاوی معادن . ۲۰۲٤ « «
صناعت مس ۲۰۱۹ « «

گداز اشیای معدنی . ۲۰۰٤ ق ، م

رنگدادن اشیای معدنی ۱۹۵٤ « «

دعوت حضرت ابراهیم خلیل صلوات الله علی نبینا وعلیه السلام درسرزمین کنعان . ۱۹۲۱ «

ایجاد شمشیر وحربه . ۱۹۰٤ «

شاید بزرگترین هرم درجیزهٔ مصرهم درین سالها بوده در عهد ملك رشووو .

برادرش بوشعوار شاهان سلسلهٔ چهارم وبرخی های اهرام مصر را (۱۱۹٤) قبل از میلاد بنا داشته اند

ایجاد تیر وکمان . ۱۸۸٤ ق م

ایجاد سلاح وسپر ۱۸۵٤ «

آغاز سواری اسپ ۱۸۲٤ «

ساختن آئینه های معدنی ۱۸۰٤

صنعت حجاری ۱۷۷٤

مسئله عروض را که عبارتست از ثبوت دوار مربع مربع در عهد بوتمس سوم ازفراعنهٔ مصر ازحاشیه سکندریه قبل دادند . وبروایت بعضی مسئله های مصر را در سنه ۱۲۳٤ ق م تعمیم کرده اند

ظهور فن خواندن ونوشتن ۱۷۲۲ ق م

آغاز دوار بین المللی ۱۷۰٤

سیر شمسی دوائر سیاره ۱۶۵٤ «

ترتیب مصریها سال شمسی را به (۳۶۵) روز ۱۶۰٤

وجود دارچینی ۱۵۸٤

رنگ زدن وخون شدن از عروق ۱۵۶٤

رفتن صنعت چینی در اروپا ۱۵۱۸

استعمال دوای قی آور ۱۵۰٤ « «

استعمال صیادها درمصریها ۱٤۹٤ « «

حمام مروجه که تاحال شایع است ۱٤۷٤ « «

ساختن مصریها تجرهٔ مریس را — ۱٤۲٤ « «

گویند رسم خریطه ها در مصر هم درین قرن بوده درعهد سزوتیرس سومین پادشاه ازسلسله دوازدهم بعضی اختراع . رسم خریطه رادر (٥٦٤) ق م میگویند .

کشف معدن آهن وقتیکه کوه ایدا واقع درجزیرهٔ کریت یا کندیه در مجمع الجزایر بحر سفید آتش فشانی نمود. درین زمان مصریها رنگهای مختلف ونقش رادر تصویر بکار بردند ـ ۱٤۰۰ ق م

استعمال حصار وزره ـ ۱۳۸٤ « «

وجود اره وبرمه ـ ۱۳۷۹ « «

ایجاد رنده وپرکار ـ ۱۳۰٤ « «

اختراع (منزوله) آله بامقیاس سایه زوال ـ ۱۲۸٤ « «

اختراع دولاب خرف ودر تاریخ فلاسفه اختراع آن را بحرسیس فیلسوف اسقوئی نسبت کرده اند ـ ۱۲۰٤ « «

ساعت استخوان فیل ـ	۱۱۸۴ ق م
ترتیب لشکر منظم در مصریها ـ	۱۰۰۴ « «
ظهور هومر شاعر یونانی ـ	۹۰۰ «
ترتیب قوانین لیکورگ که در اسپارت از بلاد یونان ـ	۸۸۴ « «
وجود مقناطیس ـ	۸۰۴
آغاز تاریخ اولمپیا در یونانیها ـ	۷۷۶ « «
دخول کتابت در بلاد یونان ـ	۷۵۴
آغاز تاریخ کلدانی ـ	۷۴۷ «
مشق جنگ در سفائن ـ	۷۳۸ «
عمل لنگر برای کشتی ـ	۷۲۴ «
استعمال ریاضیات ـ	۷۱۴
آغاز استعمال کتابت بحروف ابجد در مصر و ترک کتابت قدیم هیر و غلیفی در عصر آبساماتکوس سر سلسلهٔ دولت بیست و ششم ـ	۶۶۰
دوره بودن فینیقیها بحرا در گرداگرد افریقا و ترقی در (۶۳۶) گفته ـ	۶۵۴
ارسطا تالیس اولین فیلسوف یونان و او نخست شخصی است که بدرس علوم طبیعی اشتغال ورزیده و خاصیت کهربائی را بواسطهٔ حکاک کشف نموده ـ	۶۴۰
تقویم خسوف ماه ـ	۶۲۴
بودا رئیس آئین بودائی در همین سنه تولد یافت.	
اختراع شطرنج و نرد ـ	۶۰۸ «
مولد فیثاغورث فیلسوف یونانی موجد قسمت فلاسفه ایطالوی و او را نخستین معلم طبیعی شمرده اند کتابی بنام (موافقتهای طبیعی) تالیف نمود و در آن آرای نیکوئی را در سماع و تناقل یعنی قوه متنوعه جذب و رنگهای ضوء را بیان کرده ـ	۵۶۴
آغاز تسلط و حکمرانی بواسطهٔ کورش شاه آریانی و در این وقت مقیاس (آلهٔ دمگری) در بلاد یونان استعمال یافته ـ	۵۵۴ « «
موکسمزه فیلسوف واضع شرایع ادبیه چین که او را کون فوتس یا کون فوتسو میگویند ـ	۵۴۹ « «
غرس نهال تاك و زیتون در جنوب فرانسه ـ	۵۲۴ « «
ایجاد پنسل ـ	۴۹۴ « «
ظهور زردشت از بلخ سردستهٔ آتش پرستان ـ	۴۸۷ «
ظهور هرتوس یا هردوت نخستین مورخ در بلاد یونان ـ	۴۸۰ « «
آغاز استعمال بلور آتشی که اشعهٔ آفتاب را دریك نقطه فراهم آورده در جسم مقابل به بعد مخصوص آتش میزند ـ	۴۶۴ « «

مولد بقراط. طب را نخست بقراط تدوین نمود پیش از وی این علم در بین بنی اقلیموس راز پوشیده و میراث بوده که خلف از سلف میگرفت و در اصل از واضعین اصول طب مانند شیرون کنتوری و اسکولاب که هر دو در دستهٔ معبودان باطل یونان جا دارند گرفته بودند. از این جهت بقراط را در طب مخترع میدانند

است بدوازده سال ساخت وپس از چند قرن بواسطهٔ زلزله افتاد و بعضی مس آنرا از یهود خریده

بر (۹۰۰) شتر حمل و نقل دادند ـ ۲۸۸ ق م

بنای منارهٔ فاروس در اسکندریه در عهد تسلط بطلیموس فیلادلف که در سابق ذکر یافت ـ ۲۸۲ » »

علم ترکیب آلات ـ ۲۵۰ » »

استعمال تلمبه های بزرگ برای اطفای آتش ـ ۲۳٤ » »

استعمال مقیاس ساعتی ـ ۲۱٤ » »

ایجاد تنور های عام برای نان پختن ـ ۱۷٤ » »

آغاز تسلط رومانیها بر بلاد یونان و این تسلط واسطهٔ دخول تمدن در بلاد روما شد ـ ۱٦٦ » »

بردن ساعتهای آبی را بروما ـ ۱۵۸ » »

رسم و تصویر نقاع زمین ـ ۷٤ » »

دخول صابون در بلاد فرانس ـ ۵٤ »

اصلاح و تعدیل ژولیوس قیصر رومانی حساب سال شمسی را به (۳٦۵) روز (٦) ساعت ـ ۵۰

کشف نوشادر ـ ٤٤ » »

ترکیب تریاق ـ ۱٤ » »

میلاد مسیح (ع) و بواسطهٔ آن صورت دنیا تشکل تازهٔ تغیر پذیرفت ـ ٤ ب م

آغاز تاریخ میلادی که تاکنون مستعمل است و دربین قرن شاگردان مسیح (ع) کتبی ۵ »

را که اساس دین مسیحی میباشد از روی عقیدهٔ شان عبارت است از انجیل چهارگانه و کتاب اعمال رسل

ورساله های پولس و یعقوب و پطرس و یوحنا و یهودا را نوشته اند در اواخر این قرن یوحنا

در جزیرهٔ بطمس منفی شد و در آنجا سفر رؤیا را نوشت

ظهور جالینوس طبیب و اتساع دائرهٔ طب ـ ۱۵۰ » »

غرس نهال تاک در بلاد آلمان ـ ۲۵۰ » »

ایجاد آسیب در بلاد اسکاتلند و شاید اختراع قطب نما در حین هم دربین اوقات بوده ـ ۳۰۰ » »

اولین مجامع دینی که در عالم نصرانیت مسکون گشته ـ ۳۱۸ » »

۳۸۵ » »

استعمال زین اسپ ـ و دربین سنوات تئودوسیوس دوم قیصر قسطنطنیه سال تعیین و جوه

در نزد روما و رسم مکتبی همیشه اعتباری داشته وضع نمود.

انتونیوس اصول رهبانیت را دربین نصارا در مصر وضع نمود و ازین جهت

مشارالیه را پدر راهبها میگویند ـ ٤۰۰ » »

وضع ناقوس در کلیسه ها و نخست شخصی که در کلیسه ناقوس گذاشت پاولینوس بود اسقف

نولا از شهرهای ایطالیا ـ ٤۵۰ » »

دخول کرم ابریشم در اروپا و آزاد و فرار راهب از بلاد چین در عصا های خود پنهان کرده ۵۰۰

آورده اند و برخی آوردن کرم ابریشم را در سنه ۵۲۲ پنداشته.

درین قرن فن نوشتن و خواندن در بلاد روس داخل گشته .
ایجاد آسیای مراکب در روما . در بعضی از کتب اختراع آسیای آبی را به بلیساویوس نام
شخصی رومانی نسبت نموده یعنی مشار الیه اختراع کرده ٥٥٥ ب م

تاسیس مکاتب یومی برای تعلیم ـ ٥٢٩ « «

آغاز استعمال تاریخ میلادی و نخستین شخصی که آغاز باستعمال آن کرد دیونیسیوس اسقوفی بود
بعدها مردم از و پیروی کردند و تا آن وقت نصاری تاریخ روما نرا استعمال میکردند که آغاز آن ٧٥٣ « «
تنقیح نظام و قوانین ملکی نام یوستینیانوس قیصر قسطنطنیه و اخر این قوانین اساس
امور مدنیت در اروپا گردید ـ ٥٣٤ « «
استعمال آئینه برای دریچه و روزن ـ ٥٥٠ « «
چاپ حروف در چین ـ ٥٩٣ « «
وجود قلم ـ ٦٠٠ « «
ابتدای تاریخ هجری و تمدن عرب و فهم مسلمانان بموردین جمع قرآن کریم اولاً در عهد خلیفه اول
رضی الله عنه بوده آغاز جمع حدیث در عهد خلیفه دوم رضی الله عنه بوده برای استناد احکام ـ ٦٢٢ « «
استخراج شکر بوره از نیشکر ـ ٦٢٥ « «
آغاز تدوین قوانین که حرمینها فاتح ایطالیه در کتب جمع نمودند ـ ٦٤٣ « «
وضع پوسته در قلمرو اسلامی در عهد معاویه رضی الله اولین خلیفه از بنی امیه ـ ٦٦١ « «
آتش که یونانیها در مدافعهٔ لشکر اسلام از محاصرهٔ قسطنطنیه استعمال میکردند و کالینیکوس نام سوری
مخترع آن بوده و در وسط آب نیز افروخت . و گویند اهالی چین بسیار پیشتر آنرا استعمال میکردند ٦٧٣ « «
بنای شفاخانه ها در اسلام در عهد ولید ابن عبدالملک مشار الیه درهمین سال بکرسی خلافت جلوس کرده ٧٠٥ « «
ساخت کاغذ از پنبه . کاغذ در چین اختراع شده ٧١٤ « «
ساخت سجاده شاید در اروپا باشد ٧٤٠ « «
ترجمه منطق و بعضی کتب در هیئت و مناظر ات بزبان عرب و وضع فقه حنفی و مالکی در عهد ابوجعفر منصور
دومین خلیفه عباسی بوده ٧٥٤ « «
صنعت ملمع کاری از نقره مصنوعی ٧٦٠ « «
توجه عرب بعلوم قدیمه و اشتغال آنها بتهذیب لغت و ترتیب قواعد عربیت . در ینوقت ابوعبیده
لغت را تدوین نموده خلیل عروض ، هرازماز نی صرف و قطرب مثلث را درلغت وضع نمودند و اینها
همه درعهد هارون رشید پنجم خلیفه عباسی بوده که درهمین سنه بخلافت رسیده ٧٨٦ « «
ترقی فلاحت و شیار کشت در المان ٨٠٠ « «

ساعت را در فرانس هم درین سنه برده اند زیرا هارون رشید برای کرلوس پادشاه فرانس ساعتی فرستاد
که بی نهایت اعلی و خوب بود و این ساعت دوازده صورت شکل سواره و ظرفی از مس باعدهٔ
از کره ها نصب داشت کره ها ازین هم درظرف مذکور افتاده صدا از آنها بر می خاست هر صورت
جزی داشت که چون آواز کره ها تمام میشد او بسته میگشت رجال فرانس از مشاهدهٔ آن متحیر

گشته پنداشتند که جادو خواهد بود یاجن آنرا بحرکت می‌آرد ، هرگاه شاه فرانسه با آنها موافقت می نمود ساعت را خراب میکردند تاعلت حرکتش را دریابند .

درین قرن بیدای معلم ، رئیس دیرو برموت بانگلتره ظهور کرد ومحترم لقب یافت، مشار الیه اسباب جزر و مد را بحدس و تخمین دریافت نمود ـ بعد ها معلم اسحاق نیوتون اسباب جزر و مدرا بدلیل ثابت ساخت .

وضع فقه امام شافعی رح ٨١٣ ب ، م

درهمین سنه مامون الرشید بخلافت رسیده به ترجمهٔ کتب فلسفی و علمی پرداخت مؤلفین از تالیفات فیثاغورس و افلاطون و ارسطالیس وبقراط و جالینوس و اقلیدس و بطلیموس و غیره ذخیرهٔ بزبان عربی فراهم آوردند .

جای تردید نیست که این خلیفه به بسیاری از علوم میل و رغبت داشته خاصه درفلکیات ، رصد خانه برای نظر دراحوال نجوم و حساب سیر آنها بنا کرد . میل دائرهٔ فلك البروج را بر دائرهٔ استواوی تحریر نموده از روی امتحان ٢٣ درجه و ٣٥ دقیقه برآمد . » »

ابو عبدالله محمد و هر دو برادرانش یعنی احمد و حسن را که هرسه پسران موسای ابن شاکر خوارزمی اند برای معرفت مساحت قطر کرهٔ زمین برگماشت و موافق بقول قدما (٨٠٠٠) میل برآمد . » »

ابو عبدالله را مخترع جبر و مقابله نیز میگویند و بعضی دیوفانتوس یونانی را (در قرن پنجم تاششم میلادی) واضع این فن میدانند . شاید ابو عبدالله اولین شخصی است در اسلام که مبداع ازین فن نافع بهر تقدیر عرب درعلوم فلسفی و طبیعی و فلکی وطبی عصهای عروج رسید بلکه علم جبوابری را در قرن ده ومابعد عرب، وضع کرد واز عرب اروپا گرفت تاکمال امروز رسید » »

وضع فقه امام حنبل رح ٨٥٠ » »

درین سنه عبدالله ابن معتز عباسی علم بدیع را وضع نمود

درین سنوات عرب نهال ترنج را ازهند بعمان و بعدها بصره و عراق برده اند وسنتره را از اروپا بمشرق آورده سنتره را بقول بعضی ازچین به پرتقال نقل نموده ولی چون عرب آنرا از پرتقال باز بمشرق آوردند نام پرتقال بران گذاشتند ٩١٠ » »

استیلای عبدالرحمن اخرملقب بناصر بربلاد اندلس ـ مشار الیه قرطبه را کرسی خلافت ساخت وآنرا مانند بغداد مرکز علوم نمود کارخانه های بزرگ درقلمرو خود تاسیس کرد تا علوم و معارف در مملکتهای آن حدود انتشار کامل یافته از ثمر آن چنان برخوردند که دیگران را نصیب نشد زیرا فن زراعت را بمنتها درجه رسانیده زراعت خرما ، خربوب ، پنبه توت و نیشکررا رواج دادند (بعضی گویند نیشکر را نصارای فرنگ از طرابلس شام بجزیرهٔ سیسیلیا برده ازانجا بعد درممالك جنوبی اسپین هم رواج یافت) درین اوقات مردم بومی آن بلاد بصنعت بالا کردن آب بواسطه ارت نیز پی بردند ٩١٢ » »

صنعت کاغذ سازی ازپنبه در (قرن یازدهم م) شائع گشت و از انجا باروپا نقل شد اهالی اندلس بتجارت و بحر پیمائی وغیره دست یافتند ترجمه ابن رشد کتاب ارسطالیس را سبب ترقی مدارس اندلس درجبر و مقابله و حساب گردید بحدیکه عرب مردم اصلی اسپین را درنهال شانی بنر اندازی و مضمون بندی اشعارقابل ساختند خلاصه‌ذخیره‌اندوزی اسپانویها از موائد علوم درمدت اقامت عرب دران سرزمین یگانه سبب نشر معارف درزمین تاریك اروپا گردیده ـ هنوز دو هزار جلد کتب عربی از عهد خلفا در کتابخانه اسپین میگویند موجود است ٩١٢ » »

ابدال خط کوفی بخط بغدادی ـ مخترع آن ابن مقله وزیر مقتدر بالله عباسی است ـ ظهور امام ابو الحسن اشعری امام اهلسنت و جماعت نیز درین سالها بوده . ٩٣٠ » »

کشف معدن نفت و ترمنتینیا ٩٦٩ » »

تولد شیخ الرئیس ابوعلیسینای بلخی ـ ۹۸۰

اولین ساعت رقاصك دار ـ مخترع آن پاپ سیلسترس دوم است ودر هنگامیکه راهب بود، مشار الیه رقوم هندسه را نیز باروپا برده ـ ۹۹۰

تسلط حاکم بامرالله در مصر و ظهور دیانت درزیه ـ ۹۹۶

بنای دارالحکمت درمصرکه حاکم بامرالله تعمیر نمود و در عهد سلطان صلاح الدین ایوبی ویران گشت ـ ۱۰۰۴

آغاز وضع قوانین و ظهور تمدن و عمران در روس ـ ۱۰۱۶

وضع قوانین سواره ها ـ ۱۰۷۰

ایجاد آسیا های بادی ـ ۱۰۸۰

پیشرفت احوال جمعیت سیاسی در اروپا بسبب اطلاع آنها در ایطالی بکتابی از کتابهای قانون یوستینیانوس ـ ۱۱۳۷

آغاز انتباه اروپا و میل آنها بعلوم و فنون و ظهور اصلاح در دواوین امرا و تاسیس مکاتب در فرانسه از آغاز جلوس لوی هفتم ـ درین اوقات نیشکر را فرنگیها ازطرابلس شام بایطالی برده‌اند ـ ۱۱۴۰

تاسیس اکادمی (مجلس علمی) در فیرنسا مرکز بلاد توسکانا از ایطالی مؤسس آن پولد دالدوك اعظم است . ـ ۱۱۴۶

مولد امام رازی از مشاهیر فلاسفهٔ اسلام ـ ۱۱۵۰

نقل رسم رقم هندسی بعرب ـ ۱۱۹۸

ایجاد شیشه های عدسی برای دوربینها ـ ۱۲۲۰

نمك سود کردن گوشت و ماهی ـ ۱۲۵۰

نل برای آب کشی ـ ۱۲۵۳

تاسیس شفاخانهٔ کورها در پاریس ـ ۱۲۵۵

اشتراك وکلای رعایا درمشوره های عمومی در ممالك انگلیس بعدها سائردول ازو تقلید نموده‌اند ـ ۱۲۶۵

ایجاد دوربین های دراز ـ ودرین سنه از چربو شمع ساخته نامش شمع کافوری گذاشتند ـ ۱۲۹۰

عمل ساعتهای دقیقه دار در اروپا ـ ۱۲۹۵

بردن آسیای بادی را باروپا ـ ۱۲۹۹

ساختن آئینه های بلوری در بلاد ونیه از ممالك ایطالیا ـ ۱۳۰۰

آغاز الغای مقاتله های دینی و امتحانهائی که برای فحص دعاوی در اروپا مقرر بود ـ ۱۳۱۵

تاسیس مکتب برای انواع بازیها در شهر طولوزه و ازان فائدهٔ بسیاری باروپا رسید ـ ۱۳۲۸

اختراع باروت دراروپا مخترع آن شوارس نام راهبی بود از عسه بعضی گویند باروت درسنه ۱۳۵۸م استعمال یافته ـ اگرچه درچین چندین قرن پیشتر باروت معروف بود ـ ۱۳۳۵

استعمال اسلحهٔ ناریه در فرانس اما انگلیس پیش ازو استعمال میکرد چه تا این وقت رجال فرانسه استعمال اسلحهٔ که از مسافهٔ دور آدم را بکشد ننگ و مخل شجاعت میداستند ـ ۱۳۴۵

عمل کاغذ از تکه پاره ها ـ ۱۳۴۶

ایجاد توپ و گله در اروپا ـ و در چین از سنه ۶۱۷ ق ، م استعمال میشده ـ ، ۱۳۵۰ ـ ب م

استخراج عرق که نوعیست از مشروبات ـ درین اوقات اسطرلاب و قطب نما در اروپا
ساخته شده ـ گویند اینریکوس ـ شاه پرتکال در ساخت آنها مداخله داشته ـ » » ۱۳۸۰

اختراع ورق گنجفه در فرانس تحفهٔ تفریح پادشاه که دیوانه گشته بود ـ بعضی گویند که
در سنه ۱۲۸۵ گنجفه از آسیا باروپا رفته و در سنه ۱۲۹۹ در ایطالیا شیوع یافته ـ » » ۱۳۹۲

کارخانهٔ تریاق و عقاقیر طبی در شهر لیسبا ـ » » ۱۴۰۰

عمل کلاه انگریزی (برابیط) در فرانس مخترع آن شخصی بوده از سویسره ـ » » ۱۴۰۴

تصویر با رنگهای روغنی » » ۱۴۱۰

ظرف سازی شبیه بچینی در اروپا ـ » » ۱۴۱۶

شفاخانهٔ طاعون در بندقیه ـ » » ۱۴۳۰

استعمال پوسته در اروپا ـ » » ۱۴۳۲

اختراع صنعت طبع ـ کوتنبرك اختراع آن نمود و نخست انجیل را بزبان لاتینی طبع کرد
و چند نسخهٔ آنرا برای فروش همراه شریك خود بپاریس برد ویك جلد را بقیمت (۲۰) لیره
فروختند و پیش ازان بصد لیره فروش شده بود . چون همه نسخه ها را در صفحه و سطر یك » »
رنگ یافتند وعلاوه که یکسان سطر با رنگ قرمزهم نوشته شده بود مردم پنداشتند که قوهٔ سحر و
جادو نوشته شده و سطر های قرمز هم خون شیاطین نگارش یافته ـ هرگاه مشارالیهما حقیقت
حال را نمیگفتند و هیئت شورای پاریس آنها را رها نمیکرد نزدیك بود گیر بیایند ـ » » ۱۴۳۶

آغاز کنبدیها در بلاد ایطالیا ـ » » ۱۴۴۱

اساس مکتب واتیکان در روما و این از اولین مکاتب معتبرهٔ ایتالیاست ـ » » ۱۴۴۷

کندن صورت برقالب که عبارتست از نقش برمس وچوب از اختراعات توماز و فینجر ورکراست
۱۴۵۲ مشارالیه از بلاد فلورنسا بوده ـ بعضی ظهور این اختراع را (درسنه ۱۴۶۰) گفته ـ » » ۱۴۵۳

مهاجرت بقیهٔ اهل معارف با کتب خود ها از قسطنطنیه باروپا بسبب استیلای دولت ترك برقسطنطنیه
و بواسطهٔ آنها علم فلکیات و علم طبیعی از اوهام باطل مقدوس گردید ـ مجمع علمی در شهر بیران
تجدید یافت . پولس توسکانلی (میل) یعنی آلهٔ تعیین این دو انقلاب را بلند ساخت این میل بزرگترین
آلهٔ فلکی دنیاست ـ » »

درین سنه لورنزودو ، ساعتی بدیع برای پاپ ساخت که علاوه بر تعیین اوقات حرکات آفتاب و
سیاره ها وکسوف و بروج و سائر تقلبات فلکی را نشان میداد . » »

اختراع هیدوگرافی که عبارتست از فن تخطیط بحور ، بحیره ها ، نهرها و سائر آبها طوریکه رسم
وشکل کنار بحرها و خلیجها ، تنورها جزیره ها ، راسها ، قناتها ، بوغازها ، صحراها وغیره را نشان
میدهد مخترع آن هنری نام شخصی از ملاحها بوده ـ . » » ۱۴۶۳

ایجاد کارخانهٔ بافت پارچه ابریشمی در لیون از علاقهٔ فرانس ـ » » ۱۴۶۶

اکتشاف کهربائیت وواسطه آن تحت طبیب انگلیسی گردید که گلبر نام داشت
واز شهر کول چستر بود ـ » » ۱۴۸۶

اکتشاف راس امید وآنرا بارتالومودیاس کشف نمود » » ۱۴۸۶

اکتشاف امریکا وآنرا کریستوف کولمبس جنوائی کشف کرد ـ » » ۱۴۹۲

در این اوقات سررشتهٔ پوسته وقانون در ممالك روس اجرا یافته — ۱٤٩٨ ب م

اکتشاف راه هند شرقی از جهت راس امید — ۱٥۱٥ « «

تأسیس مکتب ملکی ودار العلوم ومطبعه در فرانس — ۱٥۲٠ « «

ساخت چقمق تفنگچه — ۱٥۳٤ « «

رواج فن طبع در بلاد روس — ۱٥٤٥ « «

ساخت سوزن دوخت در انگلتره — ۱٥٦٠ « «

استعمال تنباکو وعمل سگار — ۱٥٦۳ « «

ساخت کارد سروج وبیشتر از سنگ یاصدف کاردی ساختند — ۱٥٧٠ « «

ایجاد تفنگ چند تیره یادو میله — ۱٥٧٦ « «

اکتشاف سنگ مقناطیس ارضی وآنرا روبرت نورمان نام شخصی کشف نمود — ۱٥٧٩ « «

ایجاد آلهٔ تقسیم میرانها — ۱٥٨۱ « «

اکتشاف علاقهٔ سیرها

اصلاح حساب سنه شمسی به (۳٦٥) روز و (٥) ساعت و (٤٩) ثانیه وآن را پاپ گریگوریوس سیزدهم اصلاح نمود فرق حساب سنهٔ شمسی در بین اروپا وایشیا از همینجا پیدا شده — ۱٥٨۳ « «

آغاز طبع جرائد ونشر آن در بلاد انگلیس وبعضی در (۱٦۳٠) میدانند — ۱٥٨٨

ایجاد چرخه تار تابی هندی واین اولین کارخانهٔ نف پنبه در انگلتره بوده بعدها در قرن هفدهم در فرانسه نیز رواج یافت — در این اوقات آینه در اروپا اصلاح گردیده وورق قلعی در پشت آن زدند — ۱٥٩٠ « «

ساخت تلسکوپ وآن دوربینی است که برای دیدن اجسام بسیار دور وضع شده — مخترع آن گریگوری المانی یابوحنای لیرسهی بوده — ۱٥٩۳ « «

درین اوقات گلیلی ایطالوی دوران کرهٔ ارض را ثابت نمود پیش ازین که یك نام شخصی از بلاد پروشیا در سنه ۱٤٧۳ از دوران زمین بحث کرده بود بلکه فیثاغورث ویکی از شاگردان او دو هزار سال پیش همین سخن میگفتند درین اوقات گلیلی مذکور بند ولی را اختراع نمود وموکیس معلم آنرا از بهر وقت مقیاس مقرر کرد وساعی ساخت دارای رفتار منتظم تا ساعت باندك مدت باین خوبی رسید. « «

نیز گلیلی مذکور درین اوقات بوزن ثقل هوا قائل گردید وشاگردش در سنه ۱٦۳٠ باثبات رساند که این ثقل معادل است باثقل ستونی از آب بارتفاع (۳۲) قدم وستونی از قلعی بارتفاع (۲٨) قیراط ومیزان البرودت اختراع نمود که مدتی آنرا بنوهٔ تر ویشیلی میگفتند واخیراً پاسکال فرانسوی در سنه ۱٦٤۳ آنرا تکمیل نمود وهمدرین قرن مؤلفات ادبی یوحنا در بلاد ایطالی ظهور کرد واو نخستین شخصی است که ببطلان اثرات علم نجوم قائل گشت ودر نتیجه از اعتبار منجمین کاست وتا آنوقت بدربار شاهان اروپا قدر ومنزلتی داشتند. « «

اکتشاف توابع مشتری — ۱٦۱٠ « «

اختراع ماشین ضرب سکه — ۱٦۱٧ « «

ایجاد مکرسکوب (دوربین بزرگ نما) وآنرا زخیر ماجانس هولاندی یادربیل نام شخصی ایجاد نمود — ۱٦۲٤ « «

معرفت حرکت دوران خون وآنرا ولیم هاروی فیلسوف انگلیسی دریافت — ۱٦۲٨ « «

ایجاد ترمامتر بصورت موجودهٔ (مقیاس الحرارة) وآنرا دربیل هولاندی که سابقاً از او ذکر شد ایجاد نمود — ۱۶۳۸ ب م

ولادت اسحاق نیوتن فیلسوف انگلیس مشارالیه معلوماتی ازخود بروز داده ودر جمیع اعمال متعلقه علوم طبیعیه وفلکیه تأملی بخرج رسانده. یکروز سیبی ازدرخت بزمین افتاد از آن بقوهٔ جاذبه (یعنی بقانون ضابط انتظام تمام عالم) پی برد قوهٔ دافعه را که ضد اوست برای حصول تعادل نیز استنباط کرد. اگرچه دیکارت نیم قرن پیش ازین ازمسائل دقیق سخن رانده بود اما این فیلسوف بیانی روشن تر شرح داد وعلما دنبالهٔ اورا درین باب گرفتند — . ۱۶۴۲ »

زراعت برنج درامریکا — ۱۶۴۷ »

اولین آلهٔ کهربائیت را ادسون وکریکه هولاندی که اورا اوتو دیکریك نیز گویند ساخته وبواسطهٔ آن دوفی فرانسوی عالم طبیعی آنرا بر دو نوع قسمت کرد یکی زجاجی ودیگری روتنجی - وچون الکتریك دربعضی اجسام بسیار ودر بعضی اندك می باشد نوع اول را مثبت ودوم را منفی نامیدند. »

درین اوقات کردینال ریشیلو وزیر لوی سیزدهم شاه فرانس درپاریس از برای ارباب علم انجمنی تأسیس کرد و رصدی بنا نمود که تاکنون معروف است ونیز باغی از برای نباتات ساخت رئیمر دنمارکی از سرعت رفتار ضوء درین اوقات بحث راند. »

ماریوط فرانسوی هم درین سه قرن سرعت سقوط اجسام را کشف نمودکه مبنی برحسب مقاومة هوا وحجم جسم میباشد -- ۱۶۶۰ » »

ایجاد آلة مفرغة الهوا وآنرا اتودیکریك مذکور در (مکدبرك) ازبلاد پروشیا ایجاد کرد وآنرا تلمبه هوا نیز گویند — ۱۶۵۳ » »

علوم طبیعه نیز درینوقت پیشرفت نمود هیئت دانشمندان درپیسا معلم سماع وخواص ضوء وحرارت وغیره مشغول شدند —

عمل شیشهٔ که حدوث باران ازان معلوم میشود — ۱۶۵۵ »

اکتشاف اکسیژن ومکتشف آن داکتر بریستلی انگلیسی است — ۱۶۷۴

ودرین اوقات شارل نام معلمی میکروسکوب را اختراع نمود واز برای نظاره وحصول صور اجسام که دارای امتداد اندك باشد بکار میرود — . ۱۶۷۴ » »

اختراع شیشهٔ جاذب ضوء — . ۱۶۷۵ » »

آغاز ترقی ملت روس بواسطهٔ ترویج علوم وفنون وصنائع مهم در ممالك آنها ازهنگام جلوس پترکبیر درین اوقات حرکات ستارهای دمدار کشف شده — ۱۶۸۲ » »

ایجاد شیشه های آتشی — ۱۶۸۷ » »

عمل پوش مراکب — ۱۶۹۰ » »

درین اوقات ساوری انگلیسی مقناطیس صنعی را اختراع نمود آله های بخار نیز ایجاد یافت ونخست داکتر پاپین فرانسوی آغاز بعمل آن نمود. آلهٔ مفرغة الهوا نیز بیشتر تکمیل گشت چنانکه بعد ها در ترکیب و اصلاح آن فقط تغیر اندکی پیش آمده. » »

درین سنه گلوانی معلم کهربائیت حیوانی را کشف نمود وبنام او منسوب گشت چنانکه آنرا (گلوانیه) میگویند مشارالیه از بولونیای ایتالیاست کهربائیت حیوانی بلمس حاصل میشود. بعدها فولته معلم آنراتو ضیح وستون کهربائی را وضع نمود وکرویکس ها عکس بعمل وضوهای کهربائی آن را بکار برد. » »

آبله کوبی چیچك به چیچك — ۱۷۱۳ » »

اختراع نوت نقدی درفرانسه —	۱۷۱۵ ب م
دوربین —	« « ۱۷۲۳
اختراع ماکوی پران بافت ومخترع آن (کی) نام انگلیسی است	« « ۱۷۳۸
وضع شیشه های اکرومتیك (عدسیه بی رنگ) برمیکروسکوب و موجد آن سلیك معلم بوده	۱۷٤۰ « «
درین اوقات لیبرکهن معلم برلینی مکرسکوب شمسی را اختراع نمود و نامش مکرسکوب شمسی ماند زیرا استنارهٔ جسمی که رؤیتش مراد است درین مکرسکوب بواسطهٔ ضیای ذاتی آفتاب می شود نه بواسطهٔ ضیای طلی در سه کارخانه های ریخته گری آهن در انگلتره بوجود آمد	« «
اختراع شیشه لید و مخترع آن موشیندرك وکوبوس اند این شیشه درقریه لید اختراع وبنام آن منسوب گردید —	« « ۱۷٤۷
تقسیم کردن متخصصین جغرافیا ، زمین را باراضی اولیه و ثانیه و ثالثه وغیره —	« « ۱۷۵۰
اختراع آلهٔ برقگیر و مخترعش فرانکلن امریکائی است —	۱۷۵۲ تا ۱۷۵۳ « «
اختراع ماشین خیاطی در بلاد انگلیس —	« « ۱۷۵۵
تاسیس مکتب کورو کر و گنگ در پاریس ـ بعدها در سائر ممالك اروپا ترویج یافت درین مکاتب کورو کر را خواندن و نوشتن ور ناصی یاد میدهند —	« « ۱۷٦۰
اختراع ماشین رشتن و مخترع آنها رگربوز نام انگلیسی است	« « ۱۸٦٤
اختراع انجن بخاری روات انگلیسی مخترع آن بوده	« « ۱۷٦۵
اکتشاف آیدروژن و آنرا کاوندلس داکتر انگلیسی کشف نمود. بعد ها ماگیر معلم ترکیب آب را از اکسیژن و آیدروژن در یافت وازین دو عنصر آب بوجود آورد.	« «
ازان بعد بوزیهٔ فرانسوی دانشمند معروف ظهور کرد و در تحلیل و ترکیب ثانوی آب معارف صحیحی بیاد گار گذاشت و آن معروف ست تولد کیمیای عاریه گردید —	« « ۱۷٦٦
آغاز کشتمندی پنبه در بلاد امریك ـ	« « ۱۷٦۹
بنای شفاخانهٔ ایتام در مسکو ـ	« « ۱۷۷۰
معرفت نایتروژن مکتشف آن داکتر روسفورد است ـ	« « ۱۷۷۲
ظهور فن تنویم مسمر نام داکتر المانی بکشف آن پرداخت ـ وهمدرین سنه بشنل نام امریکائی تارپیدوی تحت البحری را اختراع نمود	« « ۱۷۷٦
اکتشاف اورانوس و آنرا هرشل انگلیسی کشف نمود بعدها دیگر سیارات جدید هم کشف گردید هرشل در تلسکوب نیز اصلاحاتی نموده ـ	« « ۱۷۸۱
اختراع بالون ـ	« « ۱۷۸۳
اختراع ماشین بخار برای ساعتی کارت رایت نام انگلیس آنرا اختراع نمود	« « ۱۷۸۵
ایجاد ماشین میخسازی موجدش پرکنیز امریکائی است و درین سنه فچ امریکائی کشتی بخاری ایجاد کرد. و فولتن نام شخصی دیگر ازامریکا در ۱۷۹۳ کشتی بخاری دیگری بمیدان کشید.	۱۷۸۷ « «
ایجاد مطبع میکانیکی که خود بخود طبع میکند و موجد آن نیکولسون انگلیسی است ـ ۱۷۹۰ و همدرین سنه مردوك انگلیسی غاز را برای تنویرات استعمال کرد. ایجاد ماشین پنبه که پنبه را ازینبه دانه جدا	« «

حیکند موجد آن ویتنی امریکائی است ۱۷۹۳ ب م

اختراع بطاریه برق (بتری برق) که درگداز و تلگراف کهربائی استعمال می شود، مخترع آن ولتای اطالوی است در۱۷۹٤ و برخی گویند اختراعش را در ۱۸۰۰ » »

اختراع ماشین شانه کردن پشم و پنبه ویت مور امریکائی موجد است — ۱۷۹۷ » »

اختراع مطبعه سنگی لویس سنفلدر باعی الیانی آنرا اختراع کرده و درین قرن سوسور که در علم کائنات جو اولین شخصی ست آلات مقیاس رطوبت را اختراع و در خصوص شبنم، باران و برف اظهار افکار صحیحی نموده و در سنه (۱۸۰۰ ب م) مرد — ۱۷۹۹ » »

آبله کوبی چیچك از گاو مخترع آن وارد گنر نام انگلیسی است ـ ۱۸۰۰ » »

ایجاد ماشین میکانیکی بافت که بدون معاونت دست خود بخود بافت قماش می کند مخترع آن جاکرنا فرانسوی است — ۱۸۰۱ » »

درین سنه بیاطی نام شخصی سیارهٔ دیگری را کشف نمود و نام آنرا (سریس) گذاشت. درین قرن کیلوب نام شخص دیگری که مشغول تجارب مقناطیسی بود و اظهار نمود که معادن دیگری هم قابل آنست که مقناطیس شود و وجود عنصر متحد وخفی حرارت را معین ساخت که اسپال نام شخصی یکقرن پیش از آن بحث کرده وآنرا عنصر ربانه نام نهاد. بعدها مشیل نام شخص سومی تشعشع آنرا بر خط مستقیم وانعکاس از سطح آئینه معدنی وانحصارش در یك نقطه وقتیکه آئینه مقعر باشد. ثبوت کرد. درین قرن ناپلیون بوناپارت مجموع قوانین کوتیشی را وضع واغلب دول اروپا آنرا دستور العمل ساختند خصوصاً درامور تجارتی اکتشاف سیارهٔ سوم (پلاس) که اولبرس نام شخصی کشف آن نمود ودوسال بعد عالم فلکی دیگری که هاروك نام داشت سیارهٔ چهارمی را کشف کرد و نامش دسته گذاشت از آن بعد عدهٔ ستارگان مکتشفه از (۱۲۰) تجاوز نمود ودرقدیم یکی از آنها هم معروف بوده — ۱۸۰۲ » »

ساخت حوضهای کهربائی و چنانکه درسابق ذکر یافت کرویکس هامکس ساختن آن پرداخته — ۱۸۰٤ » »

ظهور نخستین جهاز بحری که از نیویارك تا فیلادلفیا در بلاد امریکا سفر کرد — ۱۸۰۷ » »

استعمال شکنجه های بخاری — ۱۸۱٤ » »

اختراع سینوگراف (مختصر نویسی) را مری نام هولاندی نموده درین سنه چراغ گاز در لندن پیدا شد — ۱۸۱٦ » »

و نیز درهمین سنه ۱۸۱٦ لای یك فرانسوی ستاتسکوب آله معاینهٔ امراض را اختراع نمود.

اختراع ایلیکترو دینامیك که فرعی است از علم طبیعی و حوادث صادره از تفاعل کهربائی و مقناطیسی از آن معلوم می شود. مخترع آن ارستید معلم طبیعی است که از قصهٔ کرپنهاکن بوده از بلاد سوح — ۱۸۲۰ » »

ظهور کهربائیت بواسطهٔ حرارت و آنرا سیبیك معلم کشف نمود — ۱۸۲۱ » »

خواندن شمپولیون فرانسوی خط هیرو غلیفی را که خط قدیم مصر است — ۱۸۲۲ » »

فهرست اجسامی که از جو سقوط یافته از قبیل سنگ وآهن وغبار وغیره. اربو فرانسوی متخصص طبیعی ترتیب این فهرست را از سنه (۱٤۷۸) قبل المیلاد تا (۱۸۲٤) بعدالمیلاد گرفت وعدهٔ آن را زیاده بر (۲۵۰) شمر دولی در صحت آن بعضی انکار نموده بدلیل آنکه در طرف (۳۰) سال بعد از (۱۸۲٤) بیش از (۵۰) نوبت سقوط روی داده — ۱۸۲٤ » »

اختراع مقناطیس برقی وهنری نام امریکائی آنرا اختراع نموده — ۱۸۲۸ » »

اختراع راه آهن و آنرا جارج و روبرت ستیفانسون انگلیزه اختراع نمود و اولین سفر آن از لیورپول تا مانچستر بوده — ۱۸۲۹ ب م

اختراع ماشین خیاطی و مخترعش تموبای فرانسوی است . ودرین سنه فلتر (آله تقطیر مائعات) را سمسن انگلیسی اختراع نمود . — ۱۸۳۰ « «

اختراع گوگرد فاسفور متداول امروزه را شاریای فرانسوی اختراع نموده — ۱۸۳۱ « «

وهمدرین سنه سوواژ نام فرانسوی اختراع پروانه را در جهاز بحری نمود . وی نینگ نام شخص سومی از امریکا ماشین کمل هراف را برای کوریه نمودن گیاه ایجاد کرد .

اختراع ماشین درو و مخترع آن شیلی هسی نام امریکائی است — ۱۸۳۳ « «

اختراع تفنگچهٔ حرحدار کولت امریکائی مخترع آن است — ۱۸۳۵ «

اختراع ماشین ارمور امریکائی است ودرین سنه تلگراف سیمدار برق را (ویت ستون) انگلیسی اختراع نمود . ۱۸۳۶ « «

و پیش از ان مورس نام امریکائی در ۱۸۳۲ تلگراف سیمدار برق را باصول دیگری اختراع نموده بود .

اختراع ستریوسکوپ (دوربین دوچشمه) برای تفرج و مخترع آن وانسون انگلیسی است ـ ۱۸۳۸ «

اختراع ساعتهای برق و آنرا ساتسهل نام شخصی از مونیخ مرکز باویریا اختراع نمود و بعد از یکسال وانسون اصلاحش کرد . ودرین سنه (رابر) تجه را گودیر نام امریکائی ـ «

وهم عکاسی را لورنس فرانسوی اختراع نمود ۱۸۳۹ « «

وهمدرین اوقات نوسف نسفور نایس فرانسوی فوتوگراف را اختراع نمود و از سنه ۱۸۱۳ ابتدا کرده بعدها باشتراك دیوگر پاریسی در سنه ۱۸۳۹ انجام نمود و درین سنه فوکس سالبوت انگلیسی صورت اشیا را بر ورق اختراع کرد و در سنه ۱۸٤٥ مشهور شد و بر انتظامات حربیه و اصلاحات ملکی و عسکری وتاسیس مدارس رشدی در ممالك آن وضع گردید . « «

عمل آلهٔ ذسترای وابورها وآنرا اریکسون مهندس اسوجی درهنگام اقامت در ممالك متحدهٔ امریکا اختراع نمود و پیش از دوکی نام فرانسوی (سنه ۱۷۲۷) فکری درینباب کرده بود ـ ۱۸٤٤ « «

تلگراف بری درین سنه امتداد یافته .

اختراع سمت ـ جانسن انگلیسی مخترع آنست — ۱۸٤٥ « «

ودرین سنه تایر رابری برای عراده تامپسن امریکائی اختراع نموده .

اختراع توربین ومخترع آن فرانسس امریکائی است — ۱۸٤۹ « «

امتداد تلگراف بحری - ۱۸۵۰ « «

(لو موکوتیف برق) را وائل امریکائی اختراع نمود — ۱۸۵۱ « «

اختراع کائروس کوپ آله که توازن جهاز های طیاره وغیره را نگه میدارد . مخترع آن فوکانت فرانسوی است . — ۱۸۵۲ « «

اختراع دوپلکس تلگراف که در یك آن از دو طرف مخابره میکند مخترع آن کنی آسترالیائی است — ۱۸۵۳ « «

ترکیب فولاد ازچودن وآنرا بسمر انگلیسی ترکیب نمود همدرین سنه رنگهای مصنوعی « «

اختراع کوید — ۱۸۵۶ ب م

اکتشاف پترول — ۱۸۵۸ « «

اختراع دا ینامو مخترع آن ماچی نوتی ایتالوی است — ۱۸۶۰ « «

اختراع توپ ماشیندار مخترع آن کیت لینگ امریکائی است. ودرین سنه کورهٔ برق اختراع گردید. ونیز تصویر متحرك را که نوعی از سینما است سلرس امریکائی اختراع نمود — ۱۸۶۱ « «

اختراع ماشین تایپ ومخترع آن سول‌ز امریکائی است. ودرین سنه داینامیت را نوبل نام سویدی اختراع نمود — ۱۸۶۷ « «

آغاز سفر در خلیجی که دولت ترك حفر نمود وباهتمام دولیبس فرانسوی انجام یافت. این خلیج بحرابیض رابا بحر احمر اتصال داده وبواسطه آن آسیا از افریقا جدا گردیده ۱۸۶۹ « «

اختراع سلولائید. مخترع آن هایت امریکائی است ۱۸۷۰ « «

ایجاد تلگراف خود نویس وموجدآن تامسن انگلیسی است. ودرین سنه ادیسن دانشمند امریکائی تلگراف (گوردروپلکس) را که بایك سیم دریك وقت چهار نفر باهم مخابره میکنند. ایجاد نمود ۱۸۷٤ « «

ایجاد تیلفون (بیل) امریکائی موجد آنست ۱۸۷۶ « «

ایجادفونوگراف وموجدآن ادیسن امریکائی است ودرین سنه پیوندکردن فلزرا بواسطهٔ برق تامسن امریکائی بروی کار آورد. وانجن احتراق داخلی را اتوی المانی اختراع کرد ۱۸۷۷ « «

گروپ برق اختراع ادیسن مذکور است. ۱۸۷۸ اختراع قوس برق مخترع آن برتس امریکائی است ودرین سنه موتر پترول را شیلان امریکائی اختراع کرد ۱۸۷۹ « «

ماشین قیماغ را دولوال سویدی اختراع نموده ۱۸۸۰ « «

ایجادابریشم مصنوعی (سند) مخترع آن شوان انگلیسی است ۱۸۸۳ « «

ایجاد ترماین بخاری. مخترع آن مارشنز انگلیسی است ودرین سنه دباغت چرم را شولیز امریکائی اختراع نمود ۱۸۸٤ « «

اختراع باروت بی دود. مخترع دی ایل فرانسوی است ۱۸۸۶ « «

اختراع ماشین حروف چینی ومخترع آن لیس تن امریکائی است ۱۸۸۷ « «

اختراع ماشین حساب. مخترع بروز امریکائی. ودرین سنه فلم عکس را گدوایست ون نام امریکائی ایجاد کرد ۱۸۸۸ « «

ایجاد سینما وموجد آن ادیسن امریکائی است ۱۸۹۳ « «

ایجاد تلگراف بی‌سیم. موجدآن پریس انگلیسی است. ویکسال بعدمارکونی نام ایطالوی نیز بایجاد آن باصول دیگر موفق شد. ونیز درسنه ۱۸۹۵ اکسریز (اشعهٔ رونتجن) رونتکن المانی کشف نمود ۱۸۹۵ « «

اختراع انجن دیزل، مخترع آن دیزل المانی است ۱۹۰۰ « «

اختراع رادیو. مخترع ستبل فیل امریکائی است. ودرین سنه کورن المانی در نقل عکس بواسطهٔ تلگراف سیمدار موفق گردید ۱۹۰۲ « «

ایجاد طیاره. برادران ریت امریکائی اختراع آن نموده اند ۱۹۰۳ « «

اختراع چراغ (گروپ) رادیو ومخترع آن دی فارست امریکائی است ۱۹۰۷ « «

اخذ نایتروجن از هوا ۱۹۱۳ « «

ایجاد طیاره هلیوکاپتر. موجد آن ری بن انگلیسی است ۱۹۱۶ « «

اختراع طیارهٔ آتوگرو (خودگرد) مخترع سیروای امریکائی است ۱۹۲۰ « «

اختراع تیلی ویزیون. مخترع آن بی ارد امریکائی است ۱۹۲۶ « «

مبدأ ظهور کاغذ

اگر در اواسط قرن پانزده حینیکه (گیوتامبرگ) Gutembergue المانی (تیپوگرافی) یعنی سیستم چهاپ حروف متحرك را ایجاد کرده بود غیر ازکاغذ های خانبالغ یوستی، کاغذ های پارچه وجود نمیداشت تاحروف‌متحرك روی صفحات آنها گردش کنند، گاهی چهاپخانه وامور مربوطهٔ آن انبساط وتوسعه حاصل کرده نمیتوانست ایجاد حروف متحرك چهاپ موارد استعمال پیدا کرده رواج و عمومیت کلی نخود گرفت. پس چون رول کاغذ درمدنیت مغرب خواص عمده پیدا کرد لازم دیدیم اوراق تاریخ عمومی مدنیت را ورق گردانی نموده تجسس کنیم درچه عصری کاغذ وارد اروپا شده، چطور استعمال آن در اکناف یورپ رواج یافته واولین موارد استعمال آن چه ها بوده.

اسم کاغذ که بزبان فرانسه (پاپیه) Papier میباشد ازکلمهٔ لاتینی (پاپی روس) Papyrus استخراج شده، لیکن اصلاً به موادی اطلاق می شد که غیر ازمغز نبات (پاپی روس) که مصریان از آن کاغذ درست میکردند مواد دیگری بود. اصول ساختنهان آن عبارت ازین بود که ابتدا ازمواد مذکور ورقه ها درست کرده افقاً روی هم میگذاشتند، بعد یك‌یك سطوح مذکور رامرطوب کرده بالنکرفشار داده هموارمی نمودند و بالاخره درآفتاب خشك میکردند.

درقرون وسطی بعضی اوقات همین اسم (پاپی روس) را به (پاپیه) یعنی کاغذ های پارچه اطلاق میکردند، بعضی مولفین درآثار خود (پاپی رو) (Papiro) و (پاپی را) (Papira) نیز ذکر کرده اند حتی دریك جائی (شار تاپومبی‌سینا) (Charta Bombicina) که آنرا نه (کاغذ ابریشم) بلکه کاغذکه ازشهر بامبیکس (Bambysc) قریب الپ آمده باشد میتوان ترجمه کرد وهم اسم برده شده و (شارتا کوتی نیا) (Charta Cuttunéa) که کاغذ پارچه‌ای میتوان نامید هم وجودداشت. کاغذ آخیر الذکرکه دراغلب مضامین ازان اسم برده شده غیرمواد (پاپی روس) که عبارت ازالیاف نباتات بوده وبعد ازمدتی خم وشکست پیدا میکرد یکنوع خمیرهٔ بود که آنرا بطریق ذیل تهیه میکردند: ابتدا پارچه های

تکه تکه کهنه را جمع کرده درآب تر میکردند بعد توسط چکش های چوبی یادندانه های چکش نمای چرخی که بشکل پره آسیاب بود و اصلاً آنرا آسیاب هم می نامیدند و بکمک آب حرکت میکرد پارچه های پوسیده را لت مینمودند. در نتیجه تحلیل اجزای پارچه خمیره بدست میآمد که کاغذ هـای پارچه معمولهٔ قرون وسطی را ازآن درست میکردند. پارچه های که درساختمان این نوع کاغذ هـا بکار رفته اند اصلاً خوب معلوم نیست وحالا تمیز داده نمیشود که کدام کاغذ پارچه وکدام پنبئی میباشد، لیکن ازروی تجربه میکر وسکوپی یکی ازاوراق قدیمه اینقدر معلوم میشود که ازپارچهٔ کتانی وشاهدانه ساخته شده اند.

در میان اقوام قبل ازهمه چینائی‌ها بفکر افتاده اند تا این نوع کاغذ را درست کنند وازروی روایاتی که عموماً طرف قبول افتاده معلوم می‌شود اول کسی که اصول فوق را اختراع کرده است (تسای لون) (Tsai-Loun) چینائی بوده که در قرن اول بعد ازمسیح به ایجاد آن نائل شده است موجدمذکورازساکنین (لی یانگ) (Lei-Yang) ایالت «هونك — چه او» (Hung Tchéou) ولایت هونان (Hounan) بشمال «کانتن» (Cantan) بوده است — این کاغذ مدت چند قرنی ازچین خارج نشده بود تااینکه درجنگ شاهزاده گان ساسانی بر چین غلبه یافته کاغذ را برای اولین دفعه در ۷۵۱ مسیحی به ایران آوردند بعد یك فابریك مهم کاغذ سازی در سمرقند تاسیس گردید واین صنعت جدید بقرار شهادت «طالبی» نویسنده قرن یازده شهرت خوبی پیدا کرده بود ازسمرقند کاغذ به سرعت تمام در تمام عالم اسلام انتشار یافت زیرا بقرار اظهارات رشیدالدین در ۷۹۴ یعنی تقریباً نیم قرن بعدبازارکاغذ فروشی دربغداد تشکیل شده بود چنانچه بعضی نمونه های این کاغذ ها که عبارت ازنوشتجات قلمی عربی ویك ورق حل مسائل ریاضی است (فعلاً درموزیم ملی پاریس موجود است) که درسنه ۹۷۰ بعد ازمسیح درشیراز نوشته شده است. دربریتش موزیم انگلستان نیز همعصر این قبیل اسناد تاریخی وجود دارد.

درطی قرن نهم ودهم تاوجو دیکه (پاپی روس) یعنی قرار تعبیر عبداللطیف عربی داکتر بغداد که درکتاب مسافرت تحریری قرن ۱۲ خویش آنرا (کاغذ گیاه مصری) ترجمه کرده است درمصرموجود بود اعراب دمشق کاغذ پارچه‌ای راوارد قاهره واسکندریه نمودند. کاغذ (پارچه های کهنه) که بر طبق اصول چینائی‌ها ساخته می‌شد توسط اعراب در «تری‌پولی» (Tripoli) وشام وبعد دراسپانیا وجاتی وا (Jativa) منتشر گردید.

طرز ساختمان کاغذ وارد (کوردو) (۱) (Cordou) مرکز خلافت اسلام در اسپانیا گردیده از آنجا به اوروپای مسیحی منشعب گشت یهودیان اسپانیا برای اولین دفعه درقرن ۱۲ اسباب کاغذ سازی مغرب زمین را ایجاد کردند کشیش آنوقت (کلنی) (Cluny) که موسوم به «پیغ موغیس» (Pierre Maurice) بود و معمولا اورا «پیغ» متبرك میگفتند (۱۱۵۷ ـ ۱۰۹٤) در طی زیارتی از اسپانیا بعض حصص مضامین معاهده (Talmud) (تلمود) را بر اوراق پارچه ثبت یافت زیرا در کتبی موسوم به (معاهدات برعلیه یهودیان) مرقوم است که مواد اوراق (تلمود) «پارچه های کهنه و یا کدام شی پست تر دیگری» میباشد لیکن کشیش مذکور عقیدهٔ خود را نسبت به مواد مذکور تغیر داده بود و آنهم پسانها معلوم شد که از نقطهٔ نظر بروپاگند های مذهبی بوده است .

بعد از اخراج مورها (اعراب) از اسپانیا شاهان « اراگون » (۲) (Aragon) اسباب کاغذ سازی یهودیانرا وسیلهٔ خوبی برای جلب عایدات در مملکت خویش یافته بعضی فرامینی که مخصوصا درآن قطار فرمان ۸ فوریه ۱۲۷۳ جیم اول (Jaime. I) را میتوان حساب کرد نسبت مالیات بندی آسیاب های آنها صادر کردند . چنانچه در اسناد قدیمهٔ تاج «اراگون» در « برسلون » دقیقا نوعیت این مالیاتهای شاهی مذکور است .

این فابریك های کاغذ سازی یهودیان در « اکزاتی وا » Xatuia یا (ژاتی وا) (۳) قریب « والانس » در قرن ۱۲ شهرت بسرا داشته وازطرف مسافرین با تمجید و ستایش زیاد یاد میشد چنانچه ادریسی در کتاب تعریفات اسپانیا اشارهٔ بآنها نموده است بعدها در اثر زجر و تصدیعی که به یهودیان میرسانیدند فابریکهای فوق به شهر های دیگر نیز انتقال یافت چنانچه یهودیان ابتدا بطرف شمال اسپانیا مهاجرت نموده ابتدا صنعت خود را در شهر « ژغن » Jérone وازآنجا بخاك فرانسه انتقال داده در شهر ناربن Nerbune (٤) و « پرپی نان Perpignan (٥) و Monpellier (من پولیه) (٦) برقرار نمودند . در اواخر قرن ۱۳ آسیابهای کاغذ سازی در ین قسمت ها وحتی قسمت های شمالی ودر (شامپانی) نیز تاسیس

---

(۱) شهری است در اسپانیا که مرکز خلافت خاندان بنی امیه بود ودر آن آثار عمرانات ومساجد بزرگ اسلام معمور بوده .

(۲) حصهٔ شمال شرق اسپانیا میباشد که به ولایت تقسیم شده بود و پایتخت آن (ساراگس) بوده است ومدت مدیدی در قرون وسطی مملکت مستقل بود . (۳) شهری است در ایالت (والانس) اسپانیا .

(٤ ـ ٥ ـ ٦) شهر های جنوبی فرانسه که قریب سرحدات اسپانیا واقع اند .

گردید. بعد از اینکه یهودیان دسته های زیاد کاغذ را به فرانسه و آلمان و ایطالیا وارد کردند اسبابهای دیگری در (ترواز) Teoyes (۱) و «نورامبرگ» Nuremberg (۲) و مخصوصاً در «فابریانو» Fabriano (۳) که در آنجا به بعضی مراتب اکمال هم نائل گشت تاسیس گردید. طوریکه کاغذ خانبالغ پوستی درقرن ۸ مقام پاپی روس را گرفته بود کاغذ پارچه نتوانست به آن سرعت جانشین کاغذ پوستی گردد زیرا کاغذ اخیرالذکر ویا این نوع اوراق چرمی که از ابر گامنا Pergamena نیز میگفتند و در شهر «برگام» باپوست بز و گوسفند که بمالش سنگ صیقل میکردند ساخته شده بود بواسطهٔ دوام و صفت کلفتی خود مورد دقت عموم شده بود.

امپراطور آلمان فریدریك دوم (Frederic II) پاشاه سسیل (۱۲۵۰ - ۱۱۸٤) استعمال کاغذ پارچهٔ را بجهت عدم دوامش قدغن نمود لکن آلفونس پادشاه بصیر «کاستیل (۱۲۸٤-۱۲۵٤) در استعمال هردو نوع کاغذ احکامی صادر کرد که کاغذ پوستی مخصوص امور مهمه کاغذ های پارچه‌ای برای سائر چیزها استعمال شود با وجودیکه کاغذ پارچه‌ای ضدیت های سلاطین را نسبت به تعمیم خود متحسس شد معذا لك در اثر صفاتی که در وجود او مضمر است سدا یدوارده را برطرف کرده جانشین کاغذ پوستی گردید - درمیان قدیم‌ترین اسناد اروپائی که روی صفحات کاغذ پارچه نوشته شده میتوان نوشتجات قلمی لاتین را که ازدیر «سیلوس» اسپانیا قریب «بورگس» بدست آمده متذکر شد. یکی از آن اسناد عبارت ازکتاب Glassairelatiu میباشد که زیاده از دوصد صفحه دارد بعضی صفحات آن در اوراق پوستی پیچیده شده اند در اثر تجزیه واضح نمودند که کاغذ کتاب مذکور از الیاف کتان خیلی تحلیل شده ساخته شده و اوراق آن با صمغ سرش گردیده است درهردوطرف صفحات آن بازبان «وزیگوتی» Wisigothique تحریر شده و از روی آن می شود تاریخش را به قرن ۱۲ موکول ساخت.

غیر از کتاب مذکور اسناد دیگری نیز از یادگارهای آن عصر موجود است چنانچه درمیان اسناد قدیمهٔ «باسلون» معاهده الفونس شاه بصیر «کاستیل» روی کاغذ پارچه‌ای موسوم به

(۱) شهر شمال شرق فرانسه.
(۲) شهر آلمان (۳) شهر ایطالیا.

شارتاکمیونی Chartacamm unis موجود است وعلاوه بر آن درکتابخانهٔ « اسکوریال »
ترجمهٔ کتاب ارسطو اززبان لاتینی نیز وجود دارد .

درین عصر هنوز هم کاغذ نسبتاً قیمت بلندی داشت تااینکه مود عمومی البسه نخی لباسهای
پشمی را ازبین برده برای صنعت کاغذسازی زمینهٔ ترقی راوسیع ساخت یلی بارچه های کهنه
البسه جات برای ساختمان کاغذ کمك زیادی کرد و درنتیجه قیمت کاغذ پارچهای نسبت بکاغذ
پوستی تنزل نمود

درآن فرصتی که راهبین صفحات کاغذ پوستی را ناخن زده تراش میکردند وکاپی نوشته جات
قلمی نویسندگان قدیم را شسته برای احتیاج خود صفحات سفید آماده میکردند اگر کاغذ
پارچهای بنوبهٔ خود ظهور نمیکرد وصفحات سفیدش را برای مضامین محتاجان وشاعات مختلفه
تقدیم نمیکرد شاهکارهای ادبی قدما همه ازبین میرفت . پس رول کاغذ چه ازنقطهٔ نظر تاریخ
تجارتی وتخنیکی وچه ازروی انبساط مدنیت فوق العاده قابل ملاحظه است

اختراعات

گلولهٔ سوراخ کنندهٔ زره پوش

سرابرتها وفلید صاحب موسسهٔ اسلحه سازی در شهر شفیلد (انگلستان) راجع به اختراع مهمی فوق العادهٔ عجیبی که موتر های زره پوش را سوراخ میکند توضیحاتی داده چنین گفت .
یك مرمی که قطر آن ۳۷ ونیم سانتی بود به یك تختهٔ فولادی که مخصوصاً بعرض حفاظت تانك ثقیل وحهارات زره پوش‌جنگی ساخته شده بود ودر سرعت ۳۷ ونیم سانتی بود فیر شدگلولهٔ مذکور بدون اینکه بشکند صفحهٔ فولادی را سوراخ وتکهٔ را از آن جدا ساخت که وزن آن ۳۲۰ کیلوگرام بود .
سرعت سیر آن بقدری بود که پس از عبور از صفحهٔ فولادی ۹۰ میل دور تر افتاد و باندازهٔ کم آسیب بگلوله رسیده بود که ممکن بود مجددا آن را استعمال نمود

اختراع آلهٔ عکاسی جدید

یکی از طیاره های امریکا در این اواخر توانست که از ارتفاع (۲۱) هزار قدم ذریعهٔ دستگاه عکاسی شهر هائی را که در امتداد ۲۵۰ میل باشد از هرطرف عکس بردارد چنانچه سن فرانسیسکو ، ومونت شان را که مسافت بین آنها (۲۵۰) میل است عکس برداری نموده قوهٔ این دستگاه عکاسی اشعهٔ نوری است که ماوراء سرخ است وآن دقیق ترین دستگاه عکاسی است که علم توانسته اخیرا آن را اختراع نماید واز وی اینگونه کارهای حیرت آور را استفاده کند .

برای مبارزه بایخهای شمالی

چیشریکف مهندس شوروی اختراعی کرده که برای تسلط طرق بحری شمالی اهمیت زیادی دارد. اختراع مذبور عبارت از دستگاهی است که باسرعت زیادی آب می پراند لولهٔ آب که باسرعت ٦۰ الی ۹۰ متر در ثانیه سیر میکند هرآنچه که بر سرراه باشد حتی جسم های سنگی را هم خورد میکند استعمال این دستگاه درکشتی های یخ شکن تسهیلات زیادی برای پیشرفت کار یخ شکن ها فراهم میآورد .

مخلوط فلز جدید

یکی از علمای شیمیاوی مخلوط جدیدی تهیه نموده که از فلزات مخصوصه است وصد یك آن مس میباشد این مخلوط دارای خاصیت مخصوصی است که ابداً زنگ نمی زند ، ومانندآینه صاف وصیقلی میگردد ، وممکن است آن را بواسطهٔ حرارت کمی نرم نموده وموقعیکه سرد شد مانند فولاد محکم میگردد .

رادیوی تحت البحری

دوکتر مهندس فرانسوی دستگاه بی سیمی اختراع نموده اند که بواسطهٔ آن ممکن است باتحت البحری‌ها دراعماق دریامکالمه کنند این اختراع تحت تجربیات زیادی درآمده وموفقیت کامل ازان دیده شده وبنابرین ممکن است بین تحت البحری ها که در دریا مشغول شنا هستند باسایر کشتی های روی دریا وغیره هم صحبت گردد .

جاروب میکانیکی

در خیابانهای پاریس جاروبهای میکانیکی موسوم به عراده های دستی باچهار چرخهٔ اطفال که بدست میبرند بکار انداخته اند که دربین دستگاه چرخی اسطوانه ایست که بقوت تمام از طرف خود گردیده وخیابانها را به کمال خوبی نظیف مینماید .

آدم مصنوعی

تنها احتیاج ، محرك ایجاد نیست بلکه یك قوهٔ ابداع وابتکار درانسان موجود است که اورا به ایجاد انگشت های ازفولاد موفق نموده است که پارچهٔلطیفی را چنان محکم بیافد که انگشت بشر قادربهمچو عملی نباشد وهمین قوهٔ ابداع است که اکنون جای گزین تمام اعضای وعضلاة عمالهٔ بشری گردیده وبه استعانت وقوهٔ الکتریکی تمام کارهای که انسان انجام میدهد ، بهتر ودقیق تر انجام دهد این ادم مصنوعی باشکال مختلفه ساخته شده بعضی ازآنها صورت شخص باهیکل کامل میباشد که بنام (روبو) نامیده شده و بجای (متر سك) که مادرمزارع وفالیز های خود نصب میکنیم آنها اورا درباغها ومزارع وتاکستانها وفارنجستانهای خود برای ترساندن وحوش وغیره نصب مینمایند وبسیاری از کارهای انسان را « روبو » یا « متر سك » میکانیکی (همین طور باید آنرا نامید) انجام میدهد . درفلوریدا شخصی است که دارای چشمهای الکتریکی میباشد وبانواع فواکه فرضاً سنگترهٔ رسیده را از نارس ، وزرد آن را ازسبز چنان بخوبی تشخیص داده وبموقع خود دانه دانه بدقت می چیند که اشخاص دیگر باچشمهای عادی قادر به انجام آن عمل نیستند ، دربعضی از کارخانه های بزرگ شخصی است که همیشه درآتشخانه ذغال سنگ کارخانه چشم دوخته که همیشه میزان فروزش آتش را بیك حال نگاه دارد ، این ادم مصنوعی هیچ وقت ازین کار خسته نشده آتش را بیك میزان معین مراقبت کرده نگاه میدارد واز رنگ‌لهیب‌فروزان آتش قوت وضعف‌انرا تشخیص داده بطوریکه متخصص ترین آتش اندازان ، قادربه انجام آن نیستند ؛

آدم مصنوعی دیگری بشکل دختر ساخته شده (٢٤) ساعت بدون انقطاع با ماشین تحریر کار میکند واحتیاجی بخوردن غذا واستراحت ندارد یکی از کمپانی های تلگراف امریکا این دختر مصنوعی را به ریاست ونظارت (١١٠) نفر مستخدمه درکمپانی مزبور گماشته که مراقبت نمایند تا احدی از آنها در انجام وظائف خود تعلل نورزند واین وظیفه را بهتر ازرئیس اداره انجام میدهد . از همین قسم آدمهای مصنوعی یا انسان میکانیکی برای پاسبانی هم ساخته اند که تمام شب بیدار وهمینکه احساس مینماید دزدی نزدیك شده زنگ اخبار را بصدا درمی آورد یکنوع دیگرآن است که مامور اطفای حریق وآب پاشی است که غالباً درسقف تجارتخانه های بزرگ منصوب وهمینقدر که حس بکند دریك گوشه حریقی حادث گردیده فوراً آن آدم مصنوعی بهمان نقطهٔ مخصوصی که حریق حادث شده شروع به آب پاشی میکند وهمین آدم میکانیکی از باز شدن دهان لولهٔ آب اماکنی را که حریق بآنها سرایت

نکرده است جلوگیری نموده و هم او مامور تلمبه ها بوده موقعیکه آب کم است آنها را باز و وقتیکه زیاد است می‌بندد و در ترکیب و ایجاد این اشخاص میکانیکی طریق تفنن نیز پیموده اند تاجائیکه شخص از شرح و تفصیل آن دچار شگفت و اعجاب میشود، مثلاً جواب تلفون را داده و آنچه به او میگویند به ارباب خود یا تیلفون اطلاع میدهد، مهمترین امتیازی که انسان آہنی یا آدم مصنوعی (میکانیکی) موثر در زندگی و حیات اجتماعی دارد تحمل او در کار کردن است که چه بدون خستگی اتصالاً قادر است کار کند مثلاً یکنفر کارگر در آتشخانهٔ کارخانه نمی تواند دائماً چشم به آتش دوخته مراقبت نماید زیرا بالاخر حرارت او را اذیت میکند ولی انسان میکانیکی بر عکس، این عمل را علی الدوام انجام میدهد علاوه از ان کارگر مزبور هرگاه چشمش دراثر این کار خراب شد صاحب کارخانه مجبور است او را متقاعد و مستمری برای او تعین کند ولی در استخدام انسان میکانیکی این فکر آنی وجود نخواهد داشت دریکی از کارخانه های نیوجرسی امریکا اعلان الکتریکی بزرگی بامخارج هنگفتی ایجاد گردید موسسهٔ مزبور همیشه از مستحدی که مامور روشن و خاموش کردن اعلان مزبور بود شکایت داشت زیرا بدقت بموقع خود شاسی های الکتریك را فشار نداده اکنون باین کار گماشتن یك آدم میکانیکی چنان بدقت این عمل انجام می شود که هیچ انسان دقیقی قادر بانجام آن نیست و این دقت عمل او هم بواسطهٔ این است که بمحض افتادن سایه بچشم او متأثر گردیده عمل خود را مرتب انجام میدهد، همچنانکه درموسسات بانکی نیز این عمل انجام شده زیرا بمحض اینکه درد وارد موسسه گردید وسایهٔ او چشم انسان میکانیکی را درآنجا متاثر کرد فوراً زنگ اخطار بصدا درمی آید.

ماشین حساب و باطل نمودن تکت پسته

لارد ملچت درحالیکه نمایش اشیای مجرب تجارت درواتیب سی لندن افتتاح نمود در خطهٔ افتتاحیهٔ خود متعلق سوال خوش بیان اوضاع تجارت آتی را که میگویند عالم امروزه در امور تجارت مجرب ترشده مرود تصریحات داده اظهار نمود: کسانیکه طرفدار عقیدهٔ مذکور میباشند یقیناً درین نمایش اشیای متعددی را مؤید عقیدهٔ خود خواهند یافت چه بعضی لوازم در نمایش جدیده از آن قبیل اشیا فراهم گردیده کاریکه قبلاً در چند روز انجام می شد حالا ذریعهٔ آن در یك ساعت ختم شده میتواند بر علاوهٔ آن آنها خواهند دید که بعضی اشیای نایاب نمایش آن کار ها را بدون غلطی با نهایت آسانی تکمیل کرده میتوانند که تا این وقت محتاج دقت دماغهای عالی عالم انسان بوده، مامورین پسته که شب و روز نفری زیادی را برای باطل ساختن تکت ها و مهر و لاك کردن لفافه ها استخدام و دران کارانهماك میورزند، خواهند دید که دماغ انسانی برای آنها حساب آلهٔ جدیدی را اختراع نموده که در هر ساعت تقریباً (۱۲ الی (۱۰) هزار تکت را بمعاونت یکنفر باطل ساخته میتواند، این ماشین جدید خیلی قابل تقدیر است چه پول زیادی را استفاده خواهد نمود، چندی قبل دوعدد این ماشین بطور تجربه بکار انداخته شده بود مليون ها پاکت و مراسلات را در ظرف ۱۵ روز کشیده و تکت آنها را باطل نموده است یك ماشین جدید محاسبه نیز در نمایش مذکور نشان داده شده که بدون غلطی اعداد را شمار مینماید، درین اواخر یك ماشین جدیدی اختراع گردیده که از تایپ معمولی بزرگتر نبوده برای محاسبات دکاندارها خیلی مفید ثابت شده، نمایش مذکور قفل جدیدی را برای دفاتر تهیه نموده که بدون معاونت انسان ظاهر خواهد کرد که بعد از ختم شدن وقت دفتر کدام شخص نزد او آمده بود و تا چقدر وقت آنجا ماند، تایپ

جدیدی نیز اختراع گردیده که بدون معاونت انسان می تواند سواد سه هزار مکتوب را در ظرف یکساعت بردارد علیهذا چنان ماشین جدیدی بدست آمده که در هر ساعت ۲۵ هزار ادرس را بر مکاتیب و پاکتها تحریر مینماید. »

عکس خودرا خود برداشتن

مستر ولیم مار بری، طریقهٔ را ایجاد نموده که مطابق آن هرکس میتواند عکس خود را خودش بردارد. این ایجاد آنقدر سود مند ثابت شده که یکنفر کار را که در اواحق مسکن موجد کار میکرد و موجد اشتباه داشت که مرغهایش را دزدی می کند گرفتار ساخته توانسته است.

بناءً علیه ایجاد مذکور برای دزدهای عصر حاضره نیز خطرهٔ بزرگی را تولید مینماید چه می تواند عکس آنها را بدون آنکه خبر شوند بردارد قرار ضرب‌المثل معروف « ضرورت ما در ایجاد است » مستر ولیم ماربری با وجود اشتباه به هیچ طریقه سرب کار را در حین دزدیش گرفته نمی توانست بناءً علیه تا چندی بعد از دست ربادی به این فکر رسید که طریقهٔ را ایجاد نماید که مطابق آن هرگاه دزدی برای دزدی کردن مرغ های او در مرغانچه بیاید بدون آنکه بداند عکسش برداشته شود چنانچه کیمرای خصوصی را در مرغانچه به این طریق گذاشت که هرکس در مرغانچه داخل شود شر آن باز گردد بعد از آن آلهٔ دیگری را ایجاد نمود که هر وقت سارق روی خود را ازدروازهٔ متقابل کیمرا آشکار سازد کلیك (تك زدن برای گرفتن عکس) را خود بخود به انداختن ممکن ساخته بتواند چنانچه به این ترتیب سرب کار وقتیکه وارد مرغانچه گردید عکسش برداشته شد موجد، عکس را گرفته در محکمهٔ محلی دعوی دایر کرد و عکس را بطور شاهد پیش کرد که در آن مرغ در دست مجرم بود بوقت محکمه قاضی استفسار کرد که عکس مجرم را کدام شخص برداشته است مدعی جواب داد که خود مجرم چنانچه تمام احضار ازین جواب متحیر شدند.

توپ جدید طیاره

پاریس ۵ عقرب. - قرار اطلاع یکی از جرائد هفته وار پاریس در کارخانهٔ موران سولنر یك رقم توپ جدیدی جهة گذاشتن در طیاره ها ساخته شده که تجربه های ابتدائی آن بعمل آمده نتیجهٔ قناعت بخشی داده است وزارت فضائی فرانسه قبلاً نیز ساختن یکنوع توپ جدید را برای طیاره ها به پارلمان فرانسه اطلاع داده بود.

رابر ترکیبی

مؤسسهٔ کیمیاوی لینن گراد راپور موفقیت خود را در بارهٔ حصول رابر ترکیبی از انسی میلین به حکومت سویت تقدیم نموده است، شعبهٔ تحقیقات امور کیمیاوی لینن گراد نمونه های متعددهٔ این رابر ترکیبی موسسهٔ کیمیاوی لینن گراد را تحت امتحان دقیق خود گذاشته به اثبات رساند که رابر موسسهٔ مذکوره از مواد مختلفه خام ترکیب یافته در سا امور از رابر اصلی اعلی تر است، شعبهٔ تحقیقات امور کیمیاوی ادعا می نماید که مصرف حصول رابر ترکیبی کمتر از رابر اصلی بدست می آید در مستقبل قریبی موسسهٔ مذکوره را این اقدام، قابل این امر خواهد ساخت که ذخائر عظیم الشان رابر ترکیبی را حاصل دارد.

تارپیدوی زنده

از خبریکه ما تازه از توکیو گرفته ایم فابریکات دولتی جاپان ساختن تارپیدو گی قیام نموده اند که از تارپیدو های

تارپید وی زنده
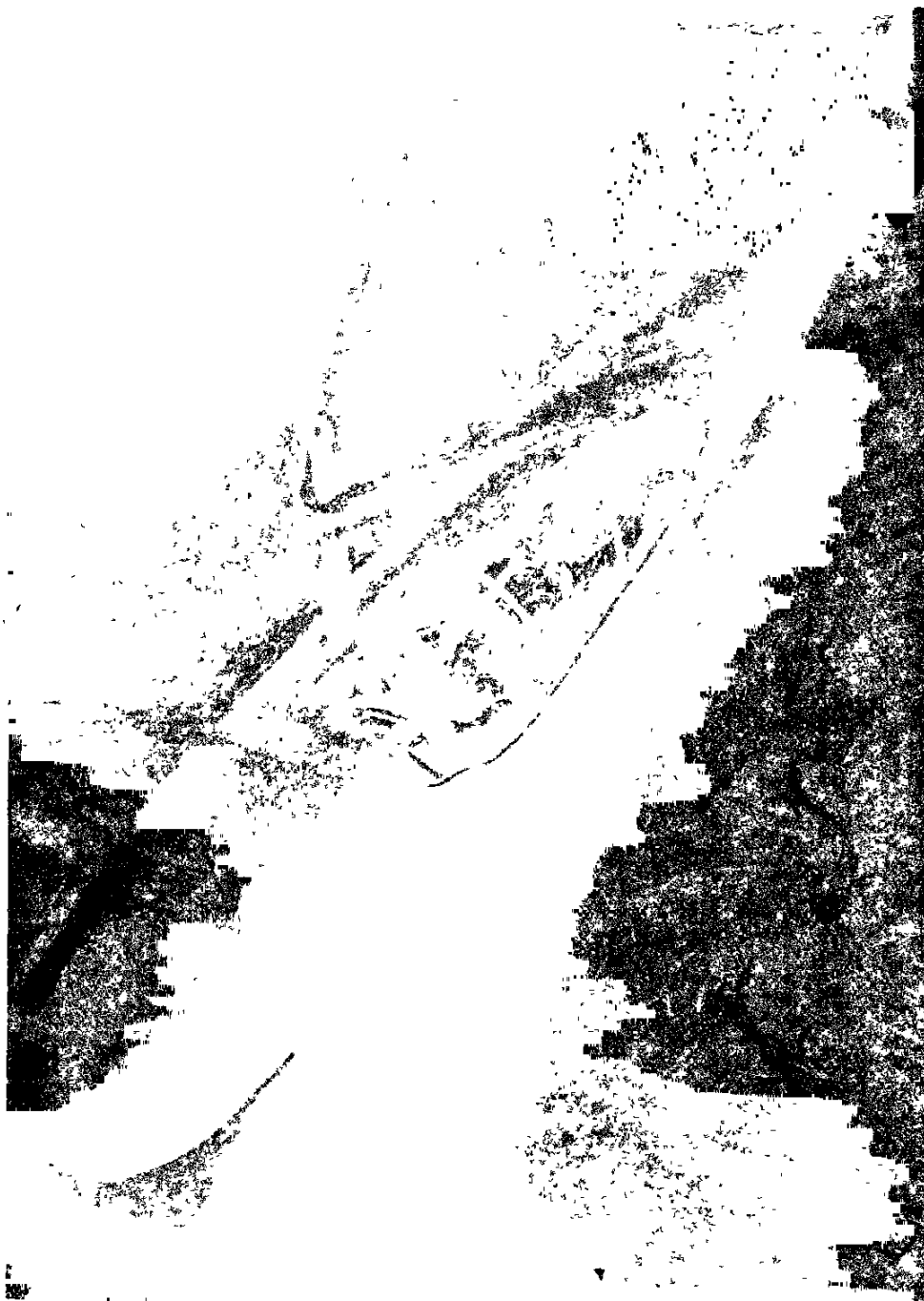
عمومی دنیا فرق کلی دارد. و تارپیدوی مذکور از نیقرار است که شخص در بین آن جای گرفته و می تواند ذریعهٔ سکان بهر طرف میل نماید، در ینصورت درصد اصابت به جهاز دشمن ممکن است، یعنی چون زمام اداره و حرکت تارپید و بدست شخص درایور آن است می تواند با اراده و خط حرکت معین خود جهاز دشمن را تعقیب کند.

اگرچه شخصیکه در بین تارپیدو جای دارد حیات خود را فدا مینماید مگر مرگ او البته به نابود کردن چندین نفر دیگر از طرف دشمن و جهاز دشمن مبادله میگردد که به این وسیله خدمت بزرگی بمملکت خود کرده خواهد بود.

در اوائل همین سال وزارت حربیه جاپان برای همچه کاری داوطلب خدمت اعلان نمود و چهار صد نفر را خوش برضا دعوت کرد تا جهته تجربه حیات، خود را فدای این خدمت نمایند ولی بالمقابل دعوت دولت یعنی به عوض چهار صد نفر پنج هزار نفر حری خود شان را بوزارت حربیه معرفی نمودند.

توپ جدید

روح سلحشوری انتشار زیادی در جاپان مخصوصاً پس از فتوحاتیکه در شرق اقصی نصیب عساکر جاپان گردید، پیدا کرده است انظار جاپانی ها متوجه شئون نظامی خود گردیده و اصلاح آن مورد کمال توجه قرار گرفته است از طرف دولت جاپان ادارهٔ تشکیلات خاصی برای مطالعهٔ انواع و اقسام غاز ها و تهیهٔ آن تاسیس گردیده است که متخصصین عالی رتبه شمی در آن عضویت دارند اخیراً یکی از صنعتگران بزرگ جاپان اختراع جدیدی نموده و تقدیم وزیر جنگ جاپان کرده و اختراع مزبور مورد شگفتی و اعجاب محافل سیاسی و فنی واقع گردیده است این اختراع عبارت از توپ کوچکی است که از حیث وزن (٤٥) کیلوگرام سنگینی آن است و در هر دقیقه ٦٠٠٠ گلوله بدون اینکه صدائی از آن شنیده شود فیر می کند و چیزیکه در اختراع مزبور مهم است آنکه فقط کار می کند و هیچگونه صدائی ندارد و بدیهی است که استعمال آن در حمله های شبانه مفید و برای پیش قراولی سپاه منتهی درجه مورد استفاده است.

پودر جدید روشنی بداز

برلین یکی از مخبر های المان به اختراع جدید یک سفوف نیلی رنگی کامیاب شده که اگر یکمقدار از آن در یک آلهٔ مخصوص سوحانده شود ظلمت شب را به روشنی که عیناً مانند روز باشد مبدل می سازد مخبر مذکور عقیده دارد که ازین پودر میتوان در محاربتی که بهنگام شب واقع شود کار گرفت.

صندوق آهنی جدید

یکی از مهندسین امریکا صندوق آهنی جدیدی را اختراع نموده که وقتی دزد بخواهد آنرا باز کند یا بشکند یا از موضع قفل بدهد غازی از آن بیرون می آید که چشم را کور کرده و حالت شبیه به بیهوشی برای دزد دست میدهد جدیداً چند نفر دزد درصدد بر آمده خواسته اند یکی از بانکهای شکاگو دست بزنند بمحض اینکه مشغول باز کردن یکی از صنادیق شده غاز مزبور باعث کور شدن چشمهای ایشان گردیده و پولیس رسیده آنها را دستگیر نموده است.

وسیلهٔ گرم کردن اطاق

شرکت (وستنهاوس) که بزرگترین کمپانی برق دنیاست اخیراً طریقهٔ خاصی را برای گرم نمودن منازل و اطاق های بدون دستگاه مخصوص اختراع نموده و این طریقه معری از اسرار صنعت و اختراع است آنچه تصوری رود عمل گرم نمودن را بوسیلهٔ روغن مخصوص که بدیوارهای اطاق میمالند و مولد حرارت است انجام میدهد و تقلیل و تزئید حرارت حسب ارادهٔ شخص است.

گلولهٔ آدم افگن

روزنامهٔ (سندی ویفری) از برلین اطلاع گرفته که یکنفر انجنیر المانی موسوم به (اوتوفیشر) چنان یك گلولهٔ جدیدی را اختراع کرده است که بواسطهٔ آن انسان از یك نقطه به نقطهٔ دوری پرتاب شده و سلامت در آنجا میرسد - این گلوله یا (فوزه) آدم افگن ٦ متر بلندی دارد و در امتحان اول که در جزیرهٔ اوگن صورت گرفت (بروتوفیشر) برادر انجنیر مربور بوسیلهٔ آن ٢٠ کیلومتر دور افگنده شده. صحیح و سلامت بزمین فرود آمده. نامبرده درموقع پائین آمدن گلوله پاراشوتی راکه دران تعبیه شده باز نمود و به این قسم بدون صدمه بزمین نشست. مدت طیران گلوله (١٠) دقیقه و ٢٦ ثانیه دوام کرده بود هر دو برادر مزبور بواسطهٔ این اختراع شان که درصورت تکمیل یکروزبهترین وسیله برای رسیدن انسان ها به سیارات خواهد شد از طرف (انجمن اختراعات) المان جوائز بزرگ و نشانهای معتبر حاصل نمودند.

چشم برق برای کورها

متخصصین علم معالجهٔ انگلستان چنان چشم برق را برای کورها ایجاد نموده اند که اکثریه از شفاخانه های معالجه چشم آنرا در طرز معالجهٔ خود شامل کرده تا حال یك تعداد زیاد کورها را بینا ساخته اند، یکی از متخصصین علم معالجه چندی قبل بیان نمود که کامیابی چشم برق ٧٢ فیصد میباشد چناچه بسیاری از کورها را باین وسیله صحت یاب ساخته است، از سالهای درازی متخصصین معالجه چشم درپی معلومات طرز علاجی بودند که مطابق آن وقتیکه شبکیه (ریتینا) چشم منفصل گردد دوباره بحال اولیه اش آورده شود، شبکیه چشم مانند فلم کیمرا میباشد چناچه ممکن است در بعضی کوائف از چشم بیفتد، معالجین چشم برای اعادهٔ اوضاع سابق شبکیهٔ چشم دائما مریض را برروی میخسپاندند و تا هفته های زیاد بهمین طریق نگاه میداشتند تا شبکیه بحالت اولیهٔ خود آمده بتواند، بعضی جراحان پشت چشم را نیز بطریق گوناگون داغ میکردند تا شبکیه آن را دوباره بحالت اصل بیاورند. جراحان عصر جدید طریق معالجهٔ قدیمی را گذاشته برق را در معالجهٔ خود شامل کرده اند، درین طرز علاج جریان زبردست برقی استعمال میگردد چنانچه قطب (الیکترود) خصوصی را استعمال نموده تهیج پیدا می کند که باعث اعاده شبکیه میگردد در نتیجه شبکیه دوباره بحالت اول عودت می یابد اگرچه این طرز علاج تاحال از عهدهٔ امتحانات خیلی وسیع برآمده نتوانسته ولی با این هم تا اندازهٔ که استعمال شده کامیاب ثابت گردید.

موتر یک چرخه

در انگلستان بنام « دی ناسفر » موتر یک چرخه اختراع کرده‌اندکه یک الی ۲ نفردرآن نشسته وسفر کرده می‌توانند ، راکبین مزبور در وسط خود موتر که بشکل یک عرابهٔ بیرونی موتر وخیلی بزرگ است جامیگیرند . ماشین موتر بانشیمن گاه اشخاص درو سط عراده جادارد وهردو در گردش عرادهٔ بزرگ بیک حال باق بوده وروی گوت های کوچکی بالای عرادهٔ بزرگ میلغزد ، هرگاه جای نشیمن وماشین بالا برده شود بذریعهٔ وزن آنها مرکز ثقلت تغیر مییابد ودراثر همین تغیر موتر که بقرار فوق از یک عراده مرکب است متحرک میگردد .
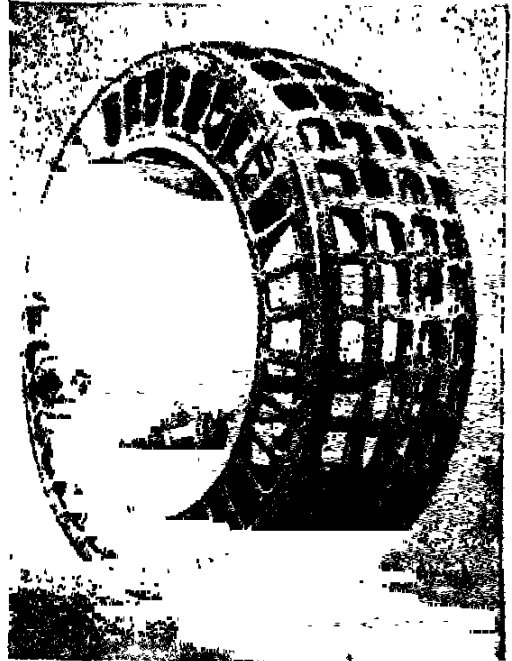
ماشین این موتر فقط دونیم اسپ قوت دارد . در زمان تجربه ، این موتر بایک ماشین کوچک سرعت خوبی نشان داده تا ٤٨ کیلو متر فی‌ساعت قطع کرده توانست . ادارهٔ این اتوموبیل به اساس بایسکل است که بذریعه وزن جسد راکب اداره میگردد به این قسم که اگر راننده بطرف راست میل کند موتر بطرف چپ دور مینماید وبرخلاف .

اکنون عدهٔ زیادی ازعلمامشغول‌مطالعه میباشند ، برای ادارهٔ آن لنگر های مخصوص به مثل لنگر های مخصوص شبیه‌به لنگرطیاره وغیره‌تعبیه می نمایند .

اگرچه قراریکه درتصویر آن دیده می‌شود این موتر از شبکهٔ فلزی تشکیل یافته ومد نظر را کب را شبکهٔ مزبور باید بگیرد ولی باید دانست که از روی اصول فیزیک چون جالی تا به سرعت حرکت کند نظر را نمی‌گیرد وشفاف میشود .

آلهٔ معلوم کردن ساختمان قشر زمین

دو نفر عالم فرانسوی موسوم به هولویک ولوزی پس از تجربه های زیاد چنان آلهٔ را اختراع کرده اند که بواسطهٔ آن می‌توان ساختمان قشر زمین را بدون تحقیقات مخصوصه معلوم نمود ، این آله عبارت است از یک بر ومتر (میزان فشار هوا) و یک ذره بین و چند اسباب مخصوص دیگر ، اختراع این آله در عالم طبیعیات اهمیت فوق العادهٔ دارد زیرا تاکنون معلوم است‌که ساختمان اراضی بسیار اشکال داشت .

غاز جدید

موسیو برته و موسیو دوریه منتظمین مؤسسهٔ ادویهٔ فرانسه بعد از تجارب طویله اعلان کرده اند که آنها چنان غاز مهلکی را دریافت نموده اند که هیچ ماسکهٔ موجوده در راه دفاع آن مزاحم شده نمی توانند وعلاوه می نماید که طرز ساخت غاز مذکورآن قدر سهل است که تمام ضروریات دفاع ملی فرانسه درظرف ۸ روز تهیه شده می‌توانند آنها از اظهاراسرارغاز بحدی خودداری دارند که حتی بحکومت فرانسه‌هم ترکیب واجرای آن را تاآن وقت اظهار نمی کنند که دشمن بر حدود فرانسه حمله نماید .

مقیاس جاذبه

مخترعی از امریکا آلهٔ دقیقی برای قیاس جاذبهٔ قمر اختراع کرده که دقت آن در نهایت ظهور است چه در بین جاذبیهٔ واقع برسطح زمین و بر ارتفاع چند قدم بخوبی فرق مینماید . میگویند این آله برای بحث از معادن زیر زمین بکار می‌آید زیرا اثر معادن برین آله آشکار است که تاثیر میکند .

مقناطیس الکتریکی

برای بلند کردن گلوله های توربیدو از بین بحر

در انگلستان مقناطیس الکتریکی برای کشیدن گلوله های توربیدو از بین بحر ترتیب شده و این آلهٔ جدید بقوای بحری آن دولت اضافه گردیده است ، بقسمیکه درین اواخر درمشقهای حربی بحری هم آنرا استعمال میکنند ، این آله یك مقناطیس الکتریکی است و ۱۵۰۰ کیلوگرام وزن دارد ، معلومات صحیح درین باره پوره نشر نیافته مگر اینقدر معلوم شده که این آله برای کشیدن پارچه های فلزی وگلولهٔ توربیدو از قعر بحر و از چنان عمق ها کامیاب گردیده است که تاحال اشخاصیکه در قعر دریا با ادوات سیر مینمایند به آن کامیاب نگردیده اند .

طیارهٔ که در آب غرق نمیگردد

شرکت طیاره سازی معروف انگلستان موسوم به (آرمسترونگ ـ سیدلی) ساختن طیاراتی شروع نموده که بوسیلهٔ آلات مخصوصه قطعاً در آب غرق نمیشود ، موتر این طیاره به هوا سرد میباشد و ذریعهٔ عراده در خشکه و بواسطهٔ سلیپر های مخصوص در آب نشسته میتواند ، بدنه وبالهای آن دارای چنان بالونهای است که بوقت ضرورت بوسیلهٔ بمبه هائیکه در خود طیاره نصب است با هوای زیر فشار آمده ، پر میگردد و اینقسم طیاره ساعتها در روی آب مانده غرق نمیشود ، طیارهٔ جدید مذکور مخصوص کشاف و بمباردمان است .

اتوژیر جدید

شرکت اوتوژیر سازی انگلیسی موسوم به (سر وا کمپی) ساختمان پنج عدد اتوژیر سفری را از طرف وزارت حربیهٔ برطانیه فرمایش گرفته است . (اتوژیر، طیارهٔ را میگویند که از یك نقطه عموداً بلند میشود) این طیارات در جنس بزرگترین این رقم طیارات خواهد بود که تاکنون در انگلستان ساخته شده . ماشین این طیارها (۶۰۰) اسپ قوت دارد . سرعت انتهائی ۲۵۶ کیلومتر وسرعت وسطی ۲۰۰ کیلومتر فی ساعت است . سرعت آن در وقت نشستن فقط ۳۲ کیلومتر در ساعت میباشد . برای پرواز این نوع اوتوژیر میدانیکه ۶۵ متر طول داشته باشد کفایت میکند .

ماشینکه سیخ های آهنی را کج کرده مثلث ومدورمیسازد

جوانی از اهل مصر موسوم به احمد عثمان اسماعیل که فعلاً مامور دستگاه «جبل الزیتون» میباشد اخیراً باختراع یك ماشین که سیخ های آهنی را کج کرده حلقهٔ مثلث ومدور بسازد موفق گردیده است استماع این اختراع جم غفیر منهدسین را بشك انداخته مخترع را احضار نموده بااو مذاکره ومباحثه کرده اند ولی مخترع بادلایل واضحه آنهارا قانع نمود بفکر مهندسین مزبور این اختراع در استعمال خطوط آهن قابل اهمیت است .

اختراع ماشین رخت‌شوئی

اکادمی سائنس بلدیهٔ مسکو به‌اختراع چنان یك ماشین برق رخت‌شوئی موفق گردیده که بذریعه آن هم صابون کم مصرف میرسد وهم لباس را پاره نمیکند اکادمی مذکور صد عدد ماشین های مذکور را به اهالی مسکو تقدیم نموده تا ازآن استفاده وتجربه بنمایند .

راکت جدید

(یوگنسی نام) مهندس که مخترع راکت جدید ازمخاطرات جهاز های بحریه بوده وادعا می نماید که این راکت بذریعه ملاحان آن جهازیکه در شرف غرق‌شدن باشد فیر گردیده و به اینوسیله جهازات دیگررا ازموضع خود اطلاع میدهد درزمان نمایش معلوم شد که ، مقصدکلی این راکت حفاظت جان راکبین آن جهازیست که دچار مخاطره گردیده باشد درآن وقت این راکت چنان روشی رابوقت فیرخود تولید میکند که ازفاصلهٔ ۲۰ میل بنظر میرسد این راکت که درآب انداخته شود نیز خودبخود روشن گردیده خیز بلندی مینماید ، راکت مذکور درآخرین خط سیرخود نیز چنان روشنی تولید می کند که یارا شوت به‌آن وابسته است قرارمعلوم این روشنی آخرین از (۱۰۰ الی ۱۲۰) ثانیه دیده میشود. در نمایشی که یکی ازین راکت ها انداخته شد بعد از ۹۸ ثانیه منفلق گردیده وراسا درفضا بلندشد ولی سببی که سحاب فضای آسمان را احاطه نموده بود اثرروشنی آن بسیار زیاد محسوس نگردیده محققین اندازه مینمایند که سایر خرابی های موسمی بر کارروائی راکت اثر بدی انداخته نمی تواند .

کبریت جدید

یکی ازامریکائی ها کبریت جدیدی اختراع کرده که تمام نمیشود به این معنی که یك چوب آنرا ممکن است هزاران دفعه بدون اینکه تمام شود روشن کرد ، این چوب کبریت یکچوب فلزی است که باموادکیمیائی به‌عمل آمده عیناً به شکل چوب کبریت است وبعد از استعمال آن خاموشش می کنند ودرقطی میگذارند تا هرچنددفعهٔ دیگر که میخواهند مورد استعمال قرارمیگیرد .

ترازوی جدید

درین اواخرجدیداً ترازوساخته شده ، بعلاه آنکه‌وزن صحیح پارسل ها را نشان میدهد پول محصول آنرا نیز ظاهر میسازد اندازه میگردد که‌این‌شکل وقت اولیای امور بسته را دراجراآت اداره پارسل تقریباًمناصفه میسازد این ترازوی جدیدیکه بذریعهٔ برق عملیات مینماید قطع نظر ازیك الهٔ خوردی‌که وزن صحیح‌را نشان میدهد داروای یك « لوکل لیور » و « ۸ زون لیور » میباشد وقتیکه پارسل بر اسکیل مانده‌می شود وزن صحیح آن بدست می‌آید بعد به « زون لیور » فشارداده می شود فی الفور پول تکت بسته آنراظاهرمی‌سازد و به اینطریق استفاده از وقت ممکن گردیده است چه هردو امور متعلقه پارسل را بیکوقت واضح میگردانند .

ماشین تفریق کردن تخم

در امریکه ماشینی ساخته اند که تخم گندم‌را ازتخم ثالث تفریق میکند ، واین ماشین بدون معاونت انسان ذریعهٔ برق کارمیکند .

آلهٔ عکاسی جدید

درانگلستان کمرهٔ عکاسی ایجاد نموده اند که بصورت کاریکاتور عکس می‌بردارد .

عینك جدید

دکتور (لیورولدهاین) طبیب مریض خانهٔ کیل درآلمان عینك جدیدی اختراع کرده است که بجای آنکه برروی چشم بگذارند مستقیماً داخل چشم قرار داده میشود یعنی داخل پلکان چشم وروی حدقه وبمثابهٔ دندان مصنوعی برای دهان میباشد .

این عینك ها بقدری خوب صیقل وصاف شده که پس ازانکه روی حدقهٔ چشم داخل پلکان قرارگرفت چشم را خسته نکرده وموجب تهیج غشای داخلی چشم نمیشود وشخصی که آنرا استعمال میکند در وهلهٔ اول اندکی ناواحت اگت ولی طولی نمیکشد که عینك درجای خود مستقر وتکلیفی ازان احساس نمیشود .

چوب مصنوعی

در مکتب آیوهٔ امریکه ازتنتل جواری وپوست حوچوبی ساخته اند که خیلی محکم است حتی میخ هم بسختی دران داخل شده میتواند ، خوبی این چوب اینست که بهر شکل وبهر اندازهٔ که مطلوب باشد ریخته میشود .

آلهٔ فلم سینما

در جرمنی آلاتی تازه‌ای ساخته شده که فلم سینما را درده ثانیه شسته وخشك ومکمل میماید ، حالانکه قبل از وجود این آله اینکار ساعت ها وقت بکار داشت .

بعوض گروپ فلزی

کمپانی مشهور مارکونی گروپ الکتریك،شیشهٔ رادیو، گروپ ساخته است که از فلز است .

انتقال تصاویر

آله ای که بوسیلهٔ داکتر ولادیمیرك روزیکن اختراع شده وآنرا (ایکونسکوب) یعنی تصویربین میامند تاثیرات مهمی دربرطرف کردن مشکلات تلویزیون بخشیده است امروزبهای تلویزیون دوش بدوش رادیو زیت بخش صالون های مجلل گردیده ودراعداد آثارتحمل ناشکوه به شمار می‌آید وامروز کار علم واختراع بجائی رسیده درعوض آن که صورت را ازفواصل بعیده به نقاطی نقل‌کنند عکس منظره مجلس را باتمام آرایش زیبی که داردازمحلی بمحل دیگرنقل می‌کنندوشما می‌توانیدهمان‌گونه که در منزل‌خودتا کمال راحت‌آرمیده اید منظرهٔ وقایعی که درهزارمیلی‌شما بوقوع می‌پیوندد تماشا کنید. آنچه را که علمادرآرزوی آن‌بودند قبلاً بتحقیق‌حاصل کرده یعنی تصاویر رازنقاط بعید میتوان درست باامواج‌صوت بجای‌دیگرانتقال دادواز جنبهٔعلمی قضیه دارای‌هیچ گونه اشکالی‌نیست فقط مطابق‌قول داکتر روزیکن باید بعد ازین راجع بمشکلات‌اقتصادی وتجارتی آن بحث کرد یعنی سعی نمود تااین اختراع مفیددردسترس عموم قراربگیردچون بوسیله آله‌که داکترمزبوراختراع کرده دیگرهیچگونه اشکال‌عملی درزمینه تلویزیون موجود نمیباشد .

بطوری این اسباب جدید کارراآسان کرده تنها یك نگاه بآن می تواند شما را به اهمیت آن واقف گرداند وقتیکه به اندازهٔ کافی نوراین آله سیر میکند درست مثل یك دستگاه عکاسی میتواند تصاویر را ازنقاط دوردست به نقطهٔ منظورانتقال بدهد به علاوه بواسطهٔ حساسیت زیادی که آلهٔ مزبور نسبت بنور دارد تلویزیون تنها عکس اطاق عمل را منتقل نمی کند بلکه عکس قسمت خارجی را هم درهوا نشان میدهد بالاخره آلهٔ مزبور را میتوان به منزلهٔ چشم تلویزیون دانست بی اینکه دارای جنبهٔ میکانیکی آن باشد چون این اسباب دارای ماشین ها وچرخ های گوناگون ونیز صفحات گردنده . نیست وعملاً هیچگونه مانعی دوراه وصول به مقصود را ایجاد نمیکند ومثل یك چشم مصنوعی عمل مهم انتقال را بانجام می رساند . ولی باهمه‌مزایائی که برای این آله ذکر کردیم باید بدانیم فضیلت تقدم برای کسی است که تلویزیون را اختراع کرده زیرا آن اختراع مهم بوسیلهٔ داکتر روزیکن را برای پیداکردن این آله هدایت نموده است واگر

بخواهیم ارزش این آله را بفهمیم بایستی تلویزیون را از نظر اهمیت دور نداریم . یکی از مسائل مهم در تلویزیون اینست که تصویر را در صفحه ناقل بگذارند تا به فوریت به آن مسافت بعیدی که درنظر دارند برسد اختراعاتی که اخیراً درقسمت عکس الکتریکی ومتنوعات آن به عمل آمده ودستگاهای که بروی زمینهٔ آن ساخته اند این عمل را آسان گردانیده است این دستگاهای مخصوص دارای چنان قدرتی است که می تواند نور را بزودی به امواج الکتریکی تبدیل کند تاآنکه بتوان آن امواج را بوسیلهٔ سیم یا رادیو به نقطهٔ معهود انتقال داد وقتی این دستگاهارا مورد استفاده قرار میدهیم هرقسمت از تصویر به نسبت روشنی وتاریکی هوا باامواج قوی یاضعیف الکتریکی تبدیل میابد و بفوریت این امواج به نقطهٔ که باید آنرا دریافت کند میرسد وآنجا بواسطهٔ وجود اسباب انتقال امواج الکتریکی به امواج نوری مبدل میشود وتصویر کاملاً درآنجا مرئی ومشهود میگردد ساده ترین طریقی برای انکه چنین عملی را بزودی انجام دهیم اینست : صفحه که محل برای عکس الکتریکی بتواند واقع شود برداریم وآن را وسیله برای انتقال تصاویر قرار بدهیم وبفوریت این عمل انجام خواهد گرفت باهمین وسیله دونفر فرانسوی چندین سال قبل یعنی به سال ۱۹۰۶ موفق شدند عکس نقشه های ساده را بمعاونت ٦٤ صفحه عکس الکتریکی انتقال بدهند . برای آنکه بخواهیم عکس روشن و شفافی بگیریم بایستی شخصاً نقاط تاریك وروشنی ۷۰۰۰۰ نقاط مختلف تصویر اصلی راعکس بگیریم ولی طبعاً اینقدر امواج را نمی توان بفوریت انتقال داد چون اقلاً درحدود ۱٤۰۰۰۰ سیم لازم دارد که فیمابین فرستنده ودریافت دارنده موجود باشد وازین جهت که ناگزیریم تصویر راکوچك کنیم وآنرا هم به قطعات کوچك تقسیم نمائیم تاعمل انتقال آسان گردد به این ترتیب باداشتن یك سیم ویا یك دستگاه رادیو به مقصود خواهیم رسید فعلاً تمام تجارب کنونی مربوط به تلویزیون روی این اصل مبتنی شده است چون باهر وسیله که بکار برند خواه صفحات گردنده باشد یا سیمهای سوراخ دار باشد درهر صورت قسمت مختلف مجلس که باید عکس آن انتقال داده شود باید بواسطه اختلاف نقاط تاریك وروشن امواج الکتریکی تولید شود واین امواج مجدداً درهوا برود و تبدیل بامواج نور گردد در نقطهٔ که امواج را دریافت میدارد همان امواج روشنائی نقاط را تحت مراقبت قرار خواهد داد و بهمین وسیله سرعت هرچه تمام تر عمل انتقال انجام می پذیرد .

حفاظت جهازات تحت البحری

زوارق تحت البحری را ... مخصوص آله اختراع کرده که در مواقع شکست وغرق شدن جهازات مزبور بکمك آن ... روی آب آمده راکبین ... زورق وغیره خود را ... داده میتوانند و نیز توسط بی سیم از مراکز مربوطه استمداد مینمایند .

این آله که در تجارب کامیاب شده است، برای استعمال تحت البحری ها، خصوصاً در وقت جنگ خیلی مفید ثابت میشود .

پراشوت بزرگ

درامریکا پراشوت (چتری نجات) بزرگی اختراع گردیده است که ۲۴ متر قطر دارد و این پراشوت برای مقصد فرود آوردن محل نشیمن کامل مسافرین که در طیاره میباشد بکار میرود. ودر امتحان این پراشوت، باوزن (۱۲۰۰) کیلوگرام سرب از خانهٔ طیاره بزمین انداخته شده وسالم و به آهستگی بزمین فرود آمده است. برای کشیدن پراشوت بزرگ یك پراشوت کوچك اتومانیك وصل گردیده است این پراشوت کوچك به آهستگی و بذریعهٔ ماشین بواسطهٔ امر پیلوت باز میگردد و نشیمنگای پیلوت و مسافرین را مکمل باز جای بلند نموده درحالیکه طیاره خود بخود بزمین میافتد، به آهستگی، سلامت پائین میآورد.

این پراشوت برای دوازده نفر مسافر جای دارد، واز ابریشم ساخته شده دکه وچنگک های آن پیش پیلوت وصل میباشد واین چنگک ها خانهٔ مسافرین را از دیگر اعضای طیاره رها میسازد، این پراشوت بزرگ درمدت سه ثانیه باوزن ۱۲۰۰ کیلوگرام بازمیگردد وبسرعت ۳، ۵ متر فی ثانیه بزمین فرود میآید، بواسطهٔ این اختراع قیمت دار احتمال خطر پیلوت ومسافرین تقریباً بکلی قطع میشود، وشاید دراندك زمان در طیارات سفری عموماً خانه های نشیمن مسافرین از دیگر اعضای طیاره جدا ساخته شود. این پراشوت نه تنها برای نجات مسافرین استعمال خواهد شد بلکه درزمان حرب خیلی وظائف عمده را اجرا خواهد کرد.

سپاهی مصنوعی

درشهر نیو یارك در یکی از نمایشها آدم مصنوعی یا (سپاهی مصنوعی) نمایش داده شد ، این آدم مصنوعی در جنگ آینده تغیرات زیاد را تولید خواهد کرد . این آدم مصنوعی خیلی بزرگ و از فولاد ساخته شده و در پیش روی آن موتری که چهل اسپ قوت دارد نصب بوده واداره آدم مصنوعی بذیعهٔ رادیو می شود. این آدم بزرگ مصنوعی راه رفته و تفنگ فیر کرده می تواند ، حتی میتواند بم های دستی و شمشیر را استعمال کند .

مقناطیس جدید

یکی ازمهند سین‌کهر بانوعی از آهن را باختراع تهیه نمودکه می‌تواند مواد معدنی را تماماً جذب نماید ودیگر فائده اش اینست که بعضی ازمواد معدنی را از خاك جدا میکند وممکن است مخترع بتواند آنرا تکمیل نموده ودر معادن طلا ونقره برای جدا نمودن خاك از فلز مذکور استعمال نماید .

بزرگترین کشتی طیاره بردار عالم که تازه در انگلستان ساخته شده وهرمیس نام دارد وبام آن میدان طیارهٔ وسیعی میباشد

جائزهٔ نوبل

الفرید برن هارد نوبل Alfred Bernhard Nobel کیمیادان و مهندس معروف سویدن بتاریخ ۲۱ اکتوبر سنه ۱۸۳۳ در شهر ستاکهالم متولد گردید اولاً درسویدن و بعد در سینت پترس برگ روسیه تحصیلات عالی خویش را به پایان رسانیده و بوطن خویش عودت نمود در ترکیب و تحلیل کیمیاوی مواد انفلاقیه تتبعات عمیقی نموده در سنه ۱۸۶۲ دینامت و در سنه ۱۸۷۶ مریش سرنگک برانی و در سنه ۱۸۸۹ باروت بی دود را اختراع نمود از جهت شیوع و تعمیم اختراعات خود مالك پول سرشاری گردید تا آنکه در ۱۰ دسمبر سنه ۱۸۹۶ درسان ریمو وفات نمود و قرار وصیت او و تصویب حکومت سویدن قسمت بزرگی از دارائی او برای جوائز نوبل وقف گردید تا برای کسانیکه در شعب طبیعیات، کیمیا، طب، ادبیات، امنیت، اختراع مفید و اثری عام المنفعهٔ بی مانندی ازخود یادگار گذارند بطور صله و جائزه داده شود چنانچه در وصیت نامهٔ خویش می نویسد. عوائد و منافع من بقرار آتی قسمت شود :

یکحصه برای شخصیکه مهمترین اختراع و اکتشافی درعالم طبیعیات کرده باشد، یك حصه برای کسیکه خوبترین کشف و اصلاحی درعلم کیمیا نموده باشد حصهٔ سوم برای شخصیکه در علم وظائف الاعضا یا طب معلومات جدیدی را کسب کرده باشد، حصهٔ دیگر برای شخصی داده شود که برجسته ترین اثری مشتمل بر نظریهٔ عالی و بلند درحوزهٔ ادبیات ازخود بیادگار بگذارد و حصهٔ دیگر بر شخصی داده شود که درراه تائید اخوت ملل والغا یا تخفیف عساکر و تاسیس وازدیاد مجامع امنیه خوبترین خدمتی کرده باشد، جوائز طبیعیات و کیمیا را اکادمی فنون سویدن واقع ستاکهالم و جایزهٔ طب را مؤسسهٔ طبیهٔ کارولین ستاکهالم وجایزهٔ ادبیات را اکادمی ستاکهالم و جایزهٔ صلح و آرامش راهیئت پنج نفری منتخبهٔ شورای ملی سویدن مشخص و اجرا خواهند نمود : من خواهش خودم را تاکید اظهار می نمایم که در تشخیص واستحقاق جائزه، قومیت را هیچ گونه رعایه ننمایند. جائزهٔ مذکور نخستین بار در دهم دسمبر سنه ۱۹۰۱ که سال پنجم وفات نوبل بود اجرا گردید.

شورای ملی سویدن راجع با عطای جوائز قواعدی مقرر کرده و از قواعد مذکور مواد ذیل است : اگر در عرض سال شخصی مستحق جائزه پیدا نشد وجه جائزه تا سال دیگر امانت گذاشته شود و چون درین سال هم مستحقی پیدا نشد در انوقت پول جائزه در بنای مؤسسهٔ خیریه بیادگار نوبل بمصرف برسد هرگاه دریکسال دو نفر مستحق یك جائزه گردند. پول جائزه در بین هر دو بصورت مساوی تقسیم شود و ازسنه ۱۹۰۴ علاوه بر افراد مجالس را نیز مستحق جائزه قرارداده اند.

اسامی اشخاصیکه درظرف ۲۵ سال گذشته جوائز نوبل را حاصل کرده اند قرار آتی است :

طبیعات

سنه	اسم گیرندهٔ جائزه		اسم مملکت
۱۹۰۹	۱ ـ مارکونی	G. Marconi.	ایطالیا
	۲ ـ براون	F. Braun.	جرمنی
۱۹۱۰	وان دروالس	J. D. van der Waals.	هالیند
۱۹۱۱	واین	W. Wien.	جرمنی
۱۹۱۲	گوستاف دالین	Gustaf Dalén.	سویدن
۱۹۱۳	کامر لینغ اونیس	H. Kamerlingh Onnes.	هالیند
۱۹۱۴	فون لایو	M. von Laue.	جرمنی
۱۹۱۵	۱ ـ و، ه، بریگ	W. H. Bragg.	بریطانیا
	۲ ـ و، ل، بریگ	W. L. Bragg.	»
۱۹۱۶	داده نشد		
۱۹۱۷	بارك لا	Prof. Charles G. Barkla.	بریطانیا
۱۹۱۸	پلانك	M. Planck.	جرمنی
۱۹۱۹	ستارك	J. Stark.	»
۱۹۲۰	گیولیوم	C. E. Guillaume.	سویتزرلیند
۱۹۲۱	آین ستاین	Albert Einstein,	جرمنی (یهود)
۱۹۲۲	نایلز بوهر	Niels Bohr.	دنمارك

طبیعات

سنه	اسم گیرندهٔ جائزه		اسم مملکت
۱۹۲۳	ملیکن	R.A. Millikan.	امریکا
۱۹۲٤	سیگ باهن	K. M. G. Siegbahn.	سویدن
۱۹۲۵	(۱) فرانك	Jas. Franck.	جرمنی
	(۲) هرتز	Gust. Hertz.	«
۱۹۲٦	پیرن	Jean Perrin.	فرانس
۱۹۲۷	(۱) کامپ تن	Arth. Compton.	امریکا
	(۲) وِلسن	C. T. R. Wilson.	برطانیا
۱۹۲۸	رچروسن	O. W. Richardson.	«
۱۰۲۹	دوك دو بروگی	Duc L. V. de Broglie.	فرانس
۱۹۳۰	رامن	C. V. Raman.	هند
۱۹۳۱	داده نشد		
۱۹۳۲	هایسن برگ	W. Heisenberg.	جرمنی
۱۹۳۳	(۱) ویراك	P. A. M. Dirac.	برطانیا
	(۲) ارون شیرو دنگر	Erwin Schroedinger.	جرمنی

کیمیا

سنه	اسم گیرندهٔ جائزه		اسم مملکت
۱۹۰۹	اوست والد	W. Ostwald.	جرمنی
۱۹۱۰	والاش	O. Wallach.	«
۱۹۱۱	مادام کوری (خانم)	Marie Curie.	فرانس
۱۹۱۲	(۱) گریك نارد	V. Grignard.	«
	(۲) ساباتیا	P. Sabatier.	«
۱۹۱۳	ورنر	A. Werner.	سویت زرلیند
۱۹۱٤	رچردز	T. W. Richards.	امریکا
۱۹۱۵	ولستارتر	R. Willstatter.	جرمنی
۱۹۱٦	داده نشد		
۱۹۱۷	« «		

کیمیا

سنه	اسم گیرندهٔ جایزه		اسم مملکت
۱۹۱۸	هابر	Prof. E. Habér.	جرمنی
۱۹۱۹	داده نشد		
۱۹۲۰	نرنست	Walther Nernst.	»
۱۹۲۱	سادی	Fred. K. Soddy.	برطانیه
۱۹۲۲	ایستن	F. W. Aston.	»
۱۹۲۳	پریگل	Fritz Pregl.	آستریا
۱۹۲۴	داده نشد		
۱۹۲۵	زیگ موندی	Richard Zsigmondy.	جرمنی
۱۹۲۶	سویدبرگ	T. Svedberg.	سویدن
۱۹۳۷	وای لاند	Heinrich Wieland.	جرمنی
۱۹۲۸	ونداس	Adolf Windaus.	»
۱۹۲۹	(۱) هاردن	A. Harden.	برطانیه
	(۲) وون ایولرچلپن	H. von Euler Chelpin	سویدن
۱۹۳۰	فیشر	Hans Fischer.	جرمنی
۱۹۳۱	(۱) باش	Carl Bosch.	»
	(۲) برجیس	Friedr. Bergius.	»
۱۹۳۲	لانگ میور	Irving Langmuir.	امریکا
۱۹۳۳	داده نشد		

طب

سنه	اسم گیرندهٔ جایزه		اسم مملکت
۱۹۰۹	کوشر	T. H. Kocher.	سویت زرلیند
۱۹۱۰	کوسل	A. Kossel.	جرمنی
۱۹۱۱	گل‌ستران	A. Gullstrand.	سویدن
۱۹۱۲	کارل	A. Carrel.	امریکا
۱۹۱۳	ریشي	C. Richet.	فرانس

طب

سنه	اسم گیرندهٔ جایزه		اسم مملکت
۱۹۱۴	بارانی	R. Barany.	آستریا
۱۹۱۵	داده نشده		
۱۹۱۶	» »		
۱۹۱۷	» »		
۱۹۱۸	» »		
۱۹۱۹	بوردی	Jules Bordet.	بلجیم
۱۹۲۰	کروغ	A. Krogh.	دنمارك
۱۹۲۱	داده نشد		
۱۹۲۲	(۱) هل	A. V Hill.	برطانیه
	(۲) میر هوف	O. Meyerhof.	جرمنی
۱۹۲۳	(۱) منتك	E. G. Banting.	کانادا
	(۲) میك لیود	Dr. J. J. R. Mcleod.	»
۱۹۲۴	آین توون	W. Einthoven.	هالند
۱۹۲۵	دادا نشد		
۱۹۲۶	فیبگر	Johan Fibiger.	دنمارك
۱۹۲۷	جارگ	Wagner Jauregg.	آستریا
۱۹۲۸	نیکول	Dr. C. H. Nicolle	فرانس
۱۹۲۹	(۱) هاپکنس	F. G. Hopkins.	برطانیه
	(۲) آیك مان	C. Eijkmann.	هالیند
۱۹۳۰	لاند ستاینر	Dr. Karl Landsteiner.	امریکا
۱۹۳۱	واربرگ	Otto Warburg.	جرمنی
۱۹۳۲	(۱) شرنگ تن	Charles S. Sherrington.	برطانیه
	(۲) آدریان	E. D. Adrian.	»
۱۹۳۳	مورگن	Thos. H. Morgan.	»

ادبیات

سنه	اسم گیرنده جائزه		اسم مملکت
۱۹۰۹	لاگرلوف	Selma Lagerlof.	سویدن
۱۹۱۰	هایز	P. Heyse.	جرمنی
۱۹۱۱	مایترلنگ	M. Maeterlinck.	بلجیم
۱۹۱۲	هاپتهان	G. Hauptmann.	جرمنی
۱۹۱۳	رابند رانات تیگور	Rabindranath Tagore.	هند
۱۹۱۴	داده نشد		
۱۹۱۵	رومین رولاند	Romain Roland.	فرانس
۱۹۱۶	فون هابدن ستام	Verner von Heidenstam.	سویدن
۱۹۱۷	(۱) گجلی رپ	K. Gjellerup.	دنمارك
	(۲) بون توپیدان	H. Pontoppidan.	»
۱۹۱۸	داده نشده		
۱۹۱۹	کارل سپتلر	Carl Spitteler.	سویت زرلیند
۱۹۲۰	هام سون	Knut Hamsun.	ناروی
۱۹۲۱	اناطول فرانس	Anatole France	فرانس
۱۹۲۲	بی ناونتی	J. Benavente.	هسپانیا
۱۹۲۳	ییتس	W. B. Yeats.	آیرلیند
۱۹۲۴	ریمانت	Wladislau Reymont.	پولیند
۱۹۲۵	برنارد شا	G. Bernard Shaw.	برطانیه
۱۹۲۶	دیلیدا (خانم)	Signora G. Deledda.	
۱۹۲۷	برگسن	Henri Bergson.	فرانس
۱۹۲۸	اوندست (خانم)	Mrs. S Undset.	ناروی
۱۹۲۹	مان	Thomas Mann.	جرمنی
۱۹۳۰	لیوس	Sinclair Lewis.	امریکه

ادبیات

سنه	اسم گیرندهٔ جایزه		اسم مملکت
۱۹۳۱	کارل فلد	Erik A. Karlfeldt.	سویدن
۱۹۳۲	کالز وردی	John Galsworthy.	برطانیه
۱۹۳۳	بوین	Ivan Bunin.	روسیه

امن

سنه	اسم گیرندهٔ جایزه		اسم مملکت
۱۹۰۹	(۱) بیرنات	A. M. F. Beernaert	بلجیم
	(۲) باروں دواستورنیلی	Baron de C. d'Estournelles.	فرانس
۱۹۱۰	دایرهٔ بین المللی امن	International Peace Bureau.	سویت زرلیند
۱۹۱۱	(۱) آسر	T. M. C. Asser	هالیند
	(۲) فراید	A. H. Fried	آستریا
۱۹۱۲	ایلی هورت	Elihu Root	امریکا
۱۹۱۳	لافونتن	H. La Fontaine	بلجیم
۱۹۱۴	داده نشده		
۱۹۱۵	» »		
۱۹۱۶	» »		
۱۹۱۷	صلیب احمر جمعیت بین المللی جنیوا	International Red Cross Geneva	سویت زرلیند
۱۹۱۸	داده نشده		
۱۹۱۹	ودروو لسن	Woodrow Wilsoon	امریکا
۱۹۲۰	بورگوائیس	L. Bourgeois.	فرانس
۱۹۲۱	(۱) برانتینگ	K. H Branting.	سویدن
	(۲) لانگ	C. H R. Lang.	ناروی
۱۹۲۲	نانسن	F. Nansen.	»
۱۹۲۳	داده نشد		
۱۹۲۴	» »		
۱۹۲۵	(۱) داس	C. G. Dawes.	امریکا

امنیت

سنه	اسم گیرندهٔ جائزه		اسم مملکت
۱۹۲۵	(۲) چمبرلین	A. Chamberlain.	برطانیه
۱۹۲۶	(۱) بریان	Astride Briand.	فرانس
	(۲)ستریسمان	G. Stressmann	جرمنی
۱۹۲۷	(۱) کوید	Ludwig Quidde	»
	(۲) بوی سان	Ferd. Boisson	فرانس
۱۹۲۸	داده نشده		
۱۹۲۹	کیلاگ	F B Kellogg.	امریکا
۱۹۳۰	سودربلوم	N. Suderblum.	سویدن
۱۹۳۱	(۱) بتلر	Dr. N. M. Butter.	امریکا
	(۲) اید مز (خانم)	Mrs. John Adams	»
۱۹۳۲	داده نشده		
۱۹۳۳	»		

نگارش آقای محمد صدیق خان
رادیو میخانیک قوای هوائی کابل

رادیو تیلی میخانیک

آقای محمد صدیق خان

چون اختراعات غیرالمعمول هر روز در دنیا پا به عرصهٔ وجود میگذارد و علما درین راه برای عالم بشریت زحمات فوق‌العاده را متحمل شده و مخصوصاً ملل خویش را مستفید می گردانند.

رادیو تیلی میخانیک نیز یکی از آله های دلچسپ فن تخنیک است که علما برای تکمیل آن سعی می‌ورزند تا بدرجهٔ انتهائی آنرا تکمیل نموده و فوایدی را که در نظر دارند از آن اخذ نمایند

لهذا کتابیکه راجع باین آله تحریر شده بنده آن را ترجمه نموده و امید وارم در دورهٔ ترقی پرور اعلیحضرت جوان بخت موفق بطبع آن شده و خدمتی برای تزئید معلومات ارباب تخنیک وطن نموده باشم.

حاضراً از معلومات تخنیکی این آله صرف نظر نموده و مختصر معلوماتی را در اطراف آن بمطالعهٔ هموطنان عزیزم می گذارم

رادیو تیلی میخانیک:

یکی از دلچپ ترین و مقبول ترین آله های میخانیکی دنیا آلهٔ رادیو تیلی میخانیک است که نسبت بآن در ذیل تشریحات داده می شود:

رادیو تیلی میخانیک عبارت از آن آلهٔ میخانیکی است که بذریعهٔ آن می توان در مسافه ها طیاره ها را بدون پیلوت و موترها را بدون دریور و کشتی‌های بحری و تحت‌البحری را بدون ملاح و توپها و گلوله های (مینی) نمبر(۱) را بدون وسایط اداره نموده شهرها و کارخانه ها را بدون تهدید این تسویر کرد. این اختراع (رادیو تیلی میخانیک) یکی از شعبات رادیو تلگراف و تلیفون بوده و اساس آن به سه ماشین منحصر است:

۱ : ماشین مرسله که در استاسیون نصب میباشد و اوامر لازمه بذریعهٔ آن فرستاده میشود.

۲ : ماشین آخذه امواج الکتریکی که در کشتی یا طیاره و یا موتر و یا غیره نصب است اوامر فرستاده شده را اخذ می دارد.

۳ : ماشین مخصوص که امواج الکتریکی اذیت کنندهٔ و دیگر ماشین ها را دفع میدارد، همراه ماشین آخذه نصب می باشد.

چون امواج الکتریکی بذریعهٔ مرسله فرستاده میشود با وجودیکه تمام قوه اش درراه صرف شده و یکحصهٔ کم آن در آخذه اخذ میگردد ولی آنهم برای حرکت دادن حراقهٔ تلیفون کفایت میکند اگر این مشکلات حل گردد و قوهٔ که از ماشین مرسله فرستاده میشود کامل به آخذه سرسر برسد درینصورت تمام مشکلات رادیو تیلی میخانیک وغیره حل خواهد شد لهذا برای حل این مسئله متخصص امریکائی فلیاس توماس انجنیر « ویستونگ الکتریک کمپانی » کوشش کرده است و تاینکدرجه کامیاب هم شده است.

خدمات وفوائد رادیو تیلی میخانیك بدرجهٔ عالی است که نمی توان درین ورق پاره ها تشریحات آنرا گنجانید علی الخصوص خدمات عسکری آن دارای اهمیت فوق العاده بوده درجنگهای آینده خیلی کارهای نمایانی از استعمال آن عمل خواهد آمد. اما تاحال بدرجهٔ انتهائی یانهایه تکامل نرسیده ومحسوس میگردد که مشکلات وموانع برای تکمیل آن در پیش است معهذا میتوان گفت که ماهرین ومخترعین این فن عنقریب به تکمیل آن موفق وکامیاب گردیده وممکن است درحیات عالم بشریت خدمات مهمی را انجام داده ودراکثر شعبات حیاتیهٔ انسان تطبیق داده شود ، هویدا است که اگر تیلی میخانیك بپایهٔ تکامل برسد بدون گفتگو درامور فزیکی مسائل حربی ، بحری ، بری وهوائی تغیرات کامل پیدا خواهد شد .

معلومات تاریخی

اولاً در سنه ۱۸۹۳ میلادی درانگلستان متخصص معروف از قبیل (ایر یست) (چارلس دیوانس) یك آلهٔ تیلی میخانیك را ساخت که این آله می توانست بسهولت درطیاره استعمال گردد ولی چون طیاره بصورت موجوده در آنوقت وجود نداشت پس ممکن بود آلهٔ مذکوررا برای متحرك ساختن (مقانزمه) توپ وهر نوع آلهٔ میخانیکی بکار برند .

چندی بعد پروفیسر آلمانی (هرگران) یك آلهٔ مشابه بآلهٔ فوق الذکر ساخت که نسبت به آن بانتیجه‌تر بود چنانچه بتوسط این آله رادیو ، بالون مخصوص فشار هوا اداره شده می توانست .

درعین اجرای این عمل ادیسن مشهور نیز همین قسم تجربه را تحت تدقیق قرار داده وبذریعهٔ امواج برق رادیو مودل طیاره (یعنی طیارهٔ کوچك) را متحرك واداره نمود .

از شروع سنه ۱۹۰۳ انجنیر اسپانیولی تولس کیوریدو عملیات مزبوررا تحت تدقیق قرارداده در سنه ۱۹۰۶ کامیاب گردید که بذریعهٔ امواج رادیو یك کشتی بی ملاح کوچك را اداره نماید . بعد ازین موفقیت وعملیات شاندار وبااهمیت دنبالهٔ تجارب این شعبه بیشتر درموقع آغاز ترقیات قوای هوائی گرفته شده تطبیقات جدید شروع گردید وتیلی میخانیك را جهت ادارهٔ طیاره بکار انداختند .

از سنه ۱۹۰۸ به بعد درین شعبه عملیات وتجارب زیاد بکار برده شد ولی یکی ازین عملیات وتجارب یك نتیجه مثبت واصل نگردید زیرا درآن زمان رادیو وطیاره بحد ترقی موجوده نرسیده بود .

درسنه ۱۹۰۹ پروفیسر آلمانی (وی هرت) جدیانه داخل عملیات گردیده واظهار نمود که بذریعهٔ هیچ آلهٔ تیلی میخانیك طیاره را درمسافه‌ها اداره نمی توان کرد تایك آلهٔ میخانیکی دربین طیاره نصب نشود تاکه موازنه آن بذریعهٔ این آله اداره گردد زیرا هویدا است که طیاره در زمان پرواز بوضعیت مخالفت هوا مقابله کرده واز موازنه خارج می‌شود واگر پیلوت بذریعهٔ جلو وغیره طیاره را اداره نکند البته مانند سنگ از هوا بزمین خواهد افتاد پس دریصورت لازم است قبل از نصب کردن آلهٔ تیلی میخانیك در طیاره یك آله دیگر وضع ونصب گردد ، تابذریعهٔ آن همان اثرات که طیاره را بی موازنه میسازد دفع کند ، واین آله باید کار شخص زنده را در طیاره انجام دهد .

همچنان از ابتدای سنهٔ مذکور در امریکا راجع باختراع طیاره اتوماتیك سعی بلیغی بکار برده شده و (مارك آن تون) انجنیر معروف ، طیارهٔ کوچکی را درهوا متحرك ساخته واداره کرد وموفق شد که طیارهٔ مذکور را چند دفعه بالای بحر بر واز بدهد وازهمان جائیکه درهوا بلند شده بود درهمان جافرود آورده و بنشاند .

بعد در سنه ۱۹۱۰ (هاموند) متخصص این فن در اطراف آلهٔ رادیو تیلی میخانیك تجارب بعمل آورده و پس از آن در سنه ۱۹۱۲ روبرت نام داخل عملیات گردید .

حکومت امریکا به تکمیل و کامیابی رادیو تیلی میخانیك خیلی دلچسپی نشان داده وآنرا برای خدمات عسکری خیلی بااهمیت میدانستند و برای متخصصین این فن خیلی معاونت ها نموده است .

یگانه مملکتی که از آلات میخانیکی تایك اندازه نتیجه حاصل نمود آلمان است زیرا در اول محاربه بین المللی بصورت بسیار مخفیانه (زمنس) انجنیر آلمانی برای تکمیل تارپیدوی هوائی ، (فوگر) برای تکمیل طیارهٔ اتوماتیك کار میکردند اگرچه نتایجی که آنها ازین عملیات بدست آورده بودند ناقص بوده و نمی توانستند که بصورت ماهرانه آن را در ساحهٔ عملیات درآرند با وجود آنهم از زحمات این دو متخصص تا یکدرجه نتیجه گرفتند چنانچه بتاریخ ۲ مارچ ۱۹۱۷ درجوش محاربهٔ بین المللی در بندر نیوپورت وحصص آن که عساکر متحدین ضد آلمان موضع گرفته بودند ملاحظه گردید که یك کشتی حربی آلمان بسمت شان سر راست می آید وبذریعهٔ این کشتی حربی انفلاق فوق العاده . تولید گردیده (احاطه ۱۲) متری را ازهم پاشید وبعد ازآن معلوم گردید که هیچ کسی در کشتی مذکور موجود نبوده وحرکت وعملیات انفلاق درآن کشتی خود بخود بانجام میگرفت ، این مسئله یك تاثیر فوق العاده دربین متحدین ضد آلمان بخشیده وآنها را سراسیمه ساخت زیرا برای آنها خیلی عجیب بود که کشتی بدون انسان چالان واداره شده وخود بخود باستقامت صحیح رفتار نموده ومواد انفلاق خودرا درساحل بحائیکه برای متحدین زیاد خساره وارد میکرد پرتاب نموده توانسته است . بعد از چندی این مسئله را حل ودانستند که کشتی مذکور بذریعهٔ رادیو اداره گردیده الحاصل وطیارهٔ که دربالای آن به هوا بود وسیلهٔ ادارهٔ آن بود . درینوقت آلمانها وقت را غنیمت شمرده واولین دفعه از همه بیشتر رادیو را برای اداره کشتی ها وغیره در مسافه ها استعمال کرده وموقع اولین را اخذ کردند .

آلمان ها در ۲ ستمبر ۱۹۱۷ کشتی دوم را که بذریعهٔ رادیو اداره میشد باز در بندر نیوپورت برای پرتاب نمودن مواد انفلاق ارسال نمودند ولی از طرف فرانسوی ها تخریب شد .

ازین تاریخ بعد فن تیلی میخانیك دربین عموم متحدین ضد آلمان برای خدمات عسکری موجب جلب توجه گردیده وسعی کردند تا نتیجهٔ قطعی حاصل نمایند برای اجرای این پلان در شروع سال ۱۹۱۸ وزارت حربیه فرانسه درتحت اداره کپتان (بوشر) یك کمیسیون متخصصین را تشکیل داد تا این مسئله را حل نماید .

در اخر سنه ۱۹۱۸ این کمیسیون نتیجهٔ شانداری حاصل نمود چنانچه در ۱٤ ستمبر درمیدان طیاره شیستی شکل نمبر ۱ پرواز آزادانهٔ طیارهٔ که دارای سکان میخانیکی بود بذریعهٔ رادیواداره واجرا شد واین طیاره مدت پنجاه ویکدقیقه سمت های مختلف بقدر صد کیلومتر مسافه را قطع کرد ، پرواز دوم درهجده هم ماه مذکور بعد

ازکمی اصلاحات سکان و حصه های متحرك موازنهٔ طیاره صورت گرفت شکل نمبر ۲ این تجربه در حکومت اتازونی تأثیر فوق العاده نموده و وزارت حربیهٔ حکومت مذکور یك سلسله اقدامات نموده و بایك اندازه نتیجه از پرواز طیاره های که بذریعهٔ رادیو اداره میشد حاصل و بدست آورد خلاصه پس ازین تاریخ این فن جدید قدم در مرحلهٔ ترقی گذاشت و ازسنه ۱۹۲۱ نظر به زحمات انجنیر های ماهر از قبیل پرشیرون و شوز و غیره این فن به نتیجهٔ اصلی رسیده و طیارهٔ بی پیلوت بذریعهٔ رادیو نه تنها از زمین بلکه از هوا بتوسط طیارهٔ دیگری که در هوا پرواز میکرد اداره میافت . در اثر این نتایج برجسته که از تجارب متعدده بدست آمد ترقیات این فن در دیگر اقوام نیز اثرکرده و هریك از ملل در حل و دریافت آن به سعی شروع نمودند و میخواستند که اولتر از همه در مسائل بحری برای ادارهٔ گلوله های مین (گلوله های متحرك که از یك کشتی بر دیگر کشتی انداخته میشود) بذریعهٔ طیاره در هوا از رادیو تیلی میخانیك کار گرفته و گلوله را از ساحل بذریعهٔ رادیو تلگراف استعمال نمایند درعین زمان موفقیت به این مسئله برای عالم عسکری خیلی با اهمیت بوده و مجبور بود که نتیجهٔ قطعی حاصل نماید .

نتیجهٔ که بعد از تجربیات و کوشش های زیادی که در راه تکمیل رادیو تیلی میخانیك ازطرف ماهرین دول نموده شد نتیجهٔ که بدست آمد این بود که در امریکا کشتی زره پوش (ایوا) بذریعهٔ امواج برقی در مسافه های بعیده در حالیکه در کشتی مذکور یکنفر هم موجود نبود بطور دل خواه اداره کرده شد .

بعد ازین شوزگان صاحبمنصب اتازونی یك اصول جدیدی وضع کرد اصول مذکور این بود که موتر ها را بذریعهٔ رادیو تلگراف درمسافه های بعیده اداره میکرد . نامبرده در اکثر تجارب خود مشهور گردید، آلهٔ او مانند سائر آلات رادیو سیم هوائی نداشت بلکه تنها یکطرفی بود که ازهوای فشار داده شده پر بود اساس آلهٔ مذکور برسه آلهٔ آخذه ، قوت دهنده ، و دفع کننده مبنی بود و این سه آله تمام حرکات اورا انجام داده و هر امر لازمه را بذریعهٔ ریلی (۱) نقل میداد ، علاوه برین مشارالیه آلهٔ مذکور را در

اولین موتر که در ایون امریکا ذریعهٔ رادیو اداره شده است

(۱) ریلی آلهٔ مخصوصی است که در تخنیك عامه استعمال میشود .

موتری که دارای هارن وزنگ بود نصب کرده و بدون درایور چالان واداره می‌نمود و حتی هارن وزنگ را استعمال میکرد این اتوموبیل خیلی بسهولت حرکت میکرد، ایستاده می‌شد و درمسافهٔ یک کیلومتر نتیجهٔ شایانی داده بود.

بالاخره امریکائیان راجع به رادیو تیلی میخانیک تجارب عدیده نموده و فرانسوی ها نیز عملیات زیادی کرده و بلکه یک عده متخصصین را در تحت ادارهٔ ژنرال فریه مقرر نموده تا درین راه تحقیقات نمایند و این هیئت تا یکدرجه به عملیات خویش موفق گردیده و توانستند که طیاره و کشتی ها را از مسافه ها اداره نمایند.

اهمیت خدمات رادیو تیلی میخانیک در قشون

درقرن گذشته تخنیک حربی به آهستگی ترقی نمود دول محارب نظر به اساس اسلحهٔ حربی یکی بردیگری غالبیت نداشت زیرا تمام دول دارای یکنوع اسلحه بوده تنها در تنظیمات و ترتیبات و سوقیات متفاوت بودند و کامیابی آنها منوط به تنظیمات آنها بود اما درقرن موجوده وضعیت قشونی تخنیکی خیلی با عجله تغیر یافته و بسرعت ترقی نموده است در جنگهای آینده علوم تخنیکی رول مهمی را بازی خواهد کرد و آلات موفقیت دول یکی بردیگر اسباب اعدام بشر، تانک، طیاره گاز های زهر دار خواهد بود و اگر آلهٔ رادیو تیلی میخانیک مکمل گردیده و نواقص آن رفع شود در انجام خدمات و وظائف عسکری تأثیرات فوق العادهٔ خواهد بخشید وطرز محاربه را بکلی تغیر خواهد داد.

استعمال، و معلق کردن بم ها در جهات حرب بذریعهٔ رادیو تیلی میخانیک اجرا خواهد شد و در مواقع محاربه که جهات غبار آلود وپردود میباشد و نمی توانند توپچی ها گلوله را بهدف برسانند رادیو تیلی میخانیک می‌تواند بسهولت گلوله های توپها را اداره کرده و بهدف برساند. علاوه بران رادیو تیلی میخانیک درحرب گاز ها هم معاونت کرده می تواند و می‌توان بذریعهٔ رادیو، بالونهای گاز را در محاذ دشمن معلق ساخت نمره ٦ - و نتیجهٔ درستی حاصل نمود رادیو تیلی میخانیک در محاربهٔ تانکها و موترهای زره پوش ها نیز مقام مخصوصی دارد وآله های متحرک فیر کننده بدون درایور خیلی بسهولت می تواند در منطقهٔ دشمن ولو موانع زیاد داشته باشد اجراآت خوبی ندارد و این نوع اجراآت ذریعهٔ تیلی میخانیک از طرف متخصصین عسکری امریکائی تجربه و استعمال گردیده.

خدماتیکه از تیلی میخانیک درقوای هوائی شعبات عسکری گرفته میشود بااهمیت وپر قیمت است تیلی میخانیک و هوا بازی درکرهٔ ارض وسیلهٔ حاکمیت بشر میباشد هوا بازی و رادیو تیلی میخانیک را نمی توان بادیگر اختراعات مقایسه نمود زیرا این فن بود که بشر را به اینقدر موفقیت رسانیده توانست طیارهٔ اتوماتیکی بوجود آورده وبدون پیلوت بذریعه رادیو آن را اداره نماید این ترقی هوا بازی مارا وادار می‌سازد تاذکر کنیم درآینده رادیو تیلی میخانیک چه نوع کار های
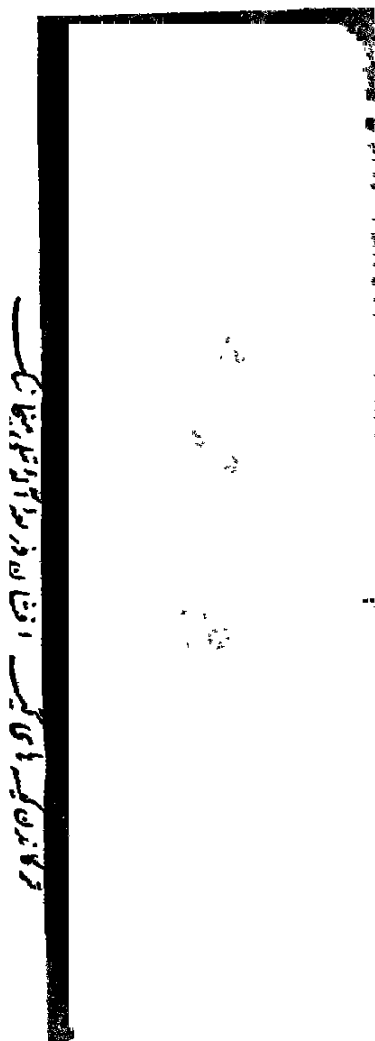
فوق‌العاده را انجام خواهد داد یکی از انجنیر های نامدار فرانسه م . پرشیرون درسنه ۱۹۲۴ طیارهٔ اوتوماتیك آینده را که خیلی عجیب بود (حاضر ساخته واستعمال کرده است) رسم نموده وگفته بود که این طیاره از عجائبی نیست که خیالی وسرسری تصور گردیده وبرعملی شدن آن تعجب وانکار شود بلکه برای عملی گردیدن آن اسناد ودلائل قناعت بخشی موجود است ونیز انجنیر مذکور یکطریقهٔ دیگر را پیشنهاد کرده و عقیده داشت که در آیندهٔ قریب می توان از زمین ریل های هوائی را بذریعهٔ رادیو تیلی‌میخانیك اداره کرد، واین ریلها حامل پسته وسامان تجارتی بوده ومسافرین درارتفاعات ۱۲ تا ۱۳ کیلو متر که درآنجا هوا از سطح زمین ٤ تا ٥ دفعه خفیف‌تر است پرواز خواهد کرد وبه اینصورت سرعت رفتاررا می‌توان فی ساعت از (٤٠٠ تا ٥٠٠) کیلو متر ترقی داد .

هرگاه باین گونه طیاره ها وریل ها به این اندازه ارتفاعات مسافرین پروازداده شود درآن حال حتمی ولازمی است که اطاقهای نشیمن مسافرین مملو از هوای ثقیل وبدرجه کفایت ساکنین آن باشد تا تکلیف مسافرین رفع شود وهکذا بواسطه آله های که درطیاره نصب خواهد شد می توان طیاره را بدون نشستن درهوا گردش داده وبیش از حد معین پرواز داد .

علاوه از آن درین طیارات حاذادن مواد سوزنده مثل چرب وغیره هم زیاد بکار نبوده وبلکه مسافرین را می توان درمسافه های دور از یك طیاره بدیگر طیاره حمل ونقل داد واین نوع تجارب کنون اجرا وعملی شده ویك نتیجه درخشانی از آن حاصل گردیده است .

درین اواخر یکی از ژنرالهای انگلیس موسوم به مولی روم پیش نهاد نموده است که باید درموتور های زره پوش قوماندانان قلم تیلی میخانیك وجود داشته باشد تا ذریعه طیاره کشفیاتیکه بعمل می آید واوامریکه داده می شود ذریعه این قلم تحریر ونقشهٔ منطقه حرب را رسم نماید . کذا درمناطق حرب زمانیکه اوامر تحریری برای ماذونان لازم باشد بوسیلهٔ قلم مذکور می توان هدایات را بسهولت اعلان نمود . ممکن است این نظریه نیز پایه اکمال را طی نماید ، وشاید ازین قبیل اختراعات حربی که تعلق به رادیو تیلی میخانیك دارد بسی تکمیل یافته واز انظار بواسطهٔ اهمیت وحربی بودن آن مخفی مانده باشد .

ممالك عالم

مملکت	قطعه بر	طرز حکومت	مساحهٔ مربع کیلومتر	نفوس	مرکز	ملاحظات
افغانستان	آسیا	شاهی	٧٩٦ر٥٢١	١٢ر٠٠٠ر٠٠٠	کابل	مسلمان
الف :						
آذربائیجان	«	جمهوریت شورائیه	٨٥ر٩٦٣	٢ر٥٧٥ر٤٠٠	باکو	اکثر اهالی مسلمان
آربج فریستیت	افریقه	امپراطوری برطانیه	١٢٨ر٥٨٠	٦٢٨ر٨٢٧	بلوم فونتین	
آسام	آسیا	»	١٣٧ر٣٠٣	٨ر٦٢٢ر٢٥١	شیلانگ	یکی از ولایات هند است
آسترالیا	اوقیانوسیه	»	٧٠٣ر٨٥٠	٦ر٦٢٣ر٧٥٧	کین بیره	
آسترالیای شمالی	»	»	١ر٣٥٦ر١٢٠	٤ر٦٥٤	پورت داروین	یکی از حصص استرالیا
جنوبی	»	»	٩٨٤ر٣٤١	٥٨٠ر٨٤٩	ایدلید	» » » »
» غربی	»	»	٢ر٥٢٧ر٥٣٠	٤٣٨ر١١٣	پرت	» » » »
آستریا	اروپا	جمهوریت	٨٣ر٨٥٧	٦ر٧٣٢ر٦٢٥	ویانه	
آگره	آسیا	امپراطوری برطانیه	٢١٢ر٧٢٧	٣٥ر٦١٣ر٧٨٤	آگره	یکی از حصص هند
آگره واوده	»	»	٢٧٥ر٢٩٢	٤٨ر٤٠٨ر٧٦٣	اله آباد	» » » »
آن هالت	اروپا	جمهوریت	٢ر٣١٤	٣٥١ر٤٧١	دیساؤ	یکی از اتحاد جماهیر اشتراکیهٔ شوروی
آیرلیند (آیرش فری ستیت)	»	دولت آزاد داخل امپراطوری برطانیه	٦٨ر٨٩٥	٢ر٩٧٢ر٨٠٢	دبلن	
آیرلیند شمالی	«	شاهی برطانیه	٣١ر٥٦٤	١ر٤١٧ر٤١٧	بلفاست	
آیسلاند (جزیره)	«	شاهی مربوطه دنمارك	١٠٢ر٨١٩	١٠٨ر٦٤٦	رایکیاویك	
آیوری کوست	افریقه	مستملکهٔ فرانسه	٣٢٣ر٩٢٥	١ر٨٦٦ر٣١٦	بنگرویل	ربع اهالی مسلمان است
ابی سینیا (حبشه)	«	شاهنشاهی	١ر١٢٠ر٤٠٠	١٢ر٠٠٠ر٠٠٠	عدیس ابابا	« «
اتحاد افریقای جنوبی	«	امپراطوری برطانیه	١ر٢٢٣ر٣٢٨	٨ر٠٧٢ر٨٠٠	پریتوریه	
اتحاد جماهیر اشتراکیهٔ شورائیه	اروپا آسیا	جمهوری شورائی	٢٢ر٤٥٩ر٢٩٣	١٦٢ر١٤٣ر١٠٠	ماسکو	
« « « روسیه «	«	«	٢٠ر٥٥٩ر٨١٠	١١١ر٥٩٢ر٨٧٠	«	
ماثیر	آسیا	تحت حمایهٔ عرب سعودی	٣٥ر٩٠٠	٧٥٠ر٠٠٠	ابوعریش	مسلمان

مملکت	قطعهٔ بر	طرز حکومت	مساحهٔ مربع کیلومتر	نفوس	مرکز	ملاحظات
اجمیر میرواره	آسیا	امپراطوری برطانیه	٧ر٠٢١	٥٦٠ر٢٩٢	اجمیر	از ولایات هند برطانوی
ارجنتائن	امریکه جنوبی	جمهوریت	٢ر٨٠٢ر٤٣٦	١١ر٨٤٦ر٦٥٠	بوئنس آیرس	
ارمنستان	آسیا	جمهوریت شورائیه	٢٩ر٦٦٠	١ر٠١٣ر٨٠٠	ایروان	
اری تریا	افریقه	ایطالیا	١١٩ر٠٠٠	٦٢١ر٧٧٦	آسمارا	اهالی آن مسلمان میباشند
استونیا	اروپا	جمهوری	٤٥ر٢٢٢	١ر١١٧ر٠٣٨	تالین (ریوال)	
افریقهٔ جنوبی غربی	افریقه	تحت انتداب برطانیه	٨٣٥ر٩٥٤	٢٥٨ر٩٠٥	وندهویك	
افریقهٔ غربی فرانسوی	»	مستملکه فرانس	٤ر٦٥٩ر٧٠٧	١٤ر٥٧٥ر٩٧٣	داکار	ربع اهالی مسلمان است
» استوائی »	»	مستملکه فرانس	٢ر٢٥٥ر٨٧٠	٣ر١٩٢ر٢٨٢	برازاویل	
البانیا	اروپا	شاهی	٢٧ر٥٣٨	١ر٠٠٣ر٠٦٨	دورازو	یگانه سلطنت اسلامی در اروپا است
البرتا	امریکه شمالی	امپراطوریت برطانیه	٦٦١ر١٦١	٧٣١ر٦٠٥	ایدمانتون	درکانادا واقع است
الجزایر	افریقه	مستملکات فرانسه	٢ر١٩٦ر٢٩١	٦ر٥٥٣ر٤٥١	الجزائر	اسم عربی آن مغرب الوسط میباشد
امارات ابوسابی	آسیا	مشایخ تحت حمایه برطانیه	١٥ر٦٠٠	٨٠ر٠٠٠	ابوسابی	مسلمان
انام	»	امپراطوری تحت الحمایه فرانسه	١٤٧ر٦٠٠	٥ر١٢٢ر٠٠٠	هانوی	واقع هندچینی
انتی گوا	جزائر غرب الهند امریکه	امپراطوری برطانیه				رجوع شود بجزایر لیورد
اندورا	اروپا	جمهوریت	٤٥٢	٥ر٢٣١	اندورا	تحت حمایت مشترکه فرانسه و هسپانیه
انگلستان	»	شاهی	١٣١ر٧٦١	٣٧ر٣٠٤ر٩١٧	لندن	
انگولا (افریقهٔ غربی پرتگالی)	افریقه	مستعمرهٔ پرتگال	١ر٢٥٥ر٧٧٥	٤ر١٨١ر٧٣٠	لوآندا	
اوبانگی شاری	»	مستملکه فرانس	٤٩٣ر٠٠٠	١ر٠٩٠ر٠٨٤	بانگوئی	نصف اهالی آنجا مسلمان میباشند
اوده	آسیا	امپراطوری برطانیه	٦٢ر٥٦٥	١٢ر٦٩٤ر٩٧٩	لکهنؤ	
اورکنی (جزایر)	اروپا	امپراطوری برطانیه	٩٧٥	٢٤٠ر١٠٩	کرك وال	
ازبکستان	آسیا	اتحاد جماهیر شورائیه	١٧٦ر١٠٠	٤ر٧٥٣ر٨٠٠	تاشکند	
اوکراین	»	جمهوری شورائیه	٤٥٢ر٢٠٠	٣١ر٦٠٨ر٢٠٠٤	خارکوف	در اتحاد جماهیر اشتراکیه شورائیه شامل است

مملکت	قطعهٔ بر	طرز حکومت	مساحت مربع کیلومتر	نفوس	مرکز	ملاحظات
اولدن برگ	اروپا	اتحاد جرمنی	٦ر٤٢٤	٥٤٥ر٧٤٩	اولدن برگ	
اونتریو-اینهی دوبیا	امریکه شمالی	امپراطوری برطانیه	١ر٠٦٨ر٥٤٤	٣ر٤٣١ر٦٨٣	تورونتو	
ایران	آسیا	شهنشاهی	١ر٦٤٣ر٥٥٨	١٠ر٠٠٠ر٠٠٠	طهران	اکثر اهالی آن مسلمانست
ایطالیا	اروپا	شاهی	٣١٠ر١٤٠	٤١ر٨٠٦ر٠٠٠	روما	
ایطالیا بامستمکاتش	«افریقا	«	٢ر٤٢١ر٦٧٠	٤٣ر٠٠مر٥٢١	«	
ایکو ادور	امریکه جنوبی	جمهوری	٤٥١ر١٨٠	٢ر٥٠٠ر٠٠٠	کوئی تو	
ب :						
بارباد وس (جزیره)	غرب الهند امریکه	امپراطوری برطانیه	٤٣٠	١٧٣ر٦٧٤	بریج تاون	
باسوتولیند	افریقه	» »	٣٠ر٣٤٣	٦٥٠ر٠٠٠	ماسیرو	
باشقر	اروپا	اتحاد جماهیر اشتراکیه شورائیه	١٥١ر٨٢٠	٢ر٩٧٥ر٤٠٠	اوفه	
برار	آسیا	امپراطوری برطانیه	٤٦ر٠١٥	٣ر٤٤٣ر٧٦٥	امراوتی	یکی از ولایات حیدر آباد دکن که تحت اداره انگلیس است
برازیل	امریکای جنوبی	جمهوری	٨ر٥١١ر١٨٩	٤١ر٠٧٩ر٠٠٠	رایو دی جیرو	
برالقطر	آسیا	شیخ تحت الحمایهٔ برطانیه	٢٢ر١٠٠	٢٦ر٠٠٠	البیداء	مسلمان
برطانیه	اروپا	امپراطوری	٣٨ر٣٤٢ر٤٥٠	٤٩٢ر٠٨١ر٠٠٠	لندن	امپراطوری برطانیه
برما	آسیا	امپراطوری برطانیه	٦٠٥ر٢٧٧	١٤ر٦٦٥ر٦١٨	رنگون	از ملحقات هند
برموداس (جزیره)	امریکه شمالی	» »	٤٩	٢٧ر٧٨٩	هیملس	
برودہ	آسیا	مهارا جائی تحت الحمایه برطانیه	٢١ر٠٤٨	٢ر٤٣٣ر٠٠٧	برودہ درهند	
برونزویك	اروپا	اتحاد جماهیر جرمنی	٣ر٦٧٢	٥٠١ر٦٧٥	برونزویك	
برونی	آسیا	سلطان تحت الحمایه برطانیه	٦ر٥٠٠	٣٠ر١٦٢	برونی	در جزایر شرق الهند مسلمان
بریمن	اروپا	اتحاد جماهیر جرمنی	٢٥٧	٣٣٨ر٨٤٦	بریمن	یکی از ایالات جرمنی
بلجیم	«	شاهی	٣٠ر٤٤٤	٨ر١٢٩ر٨٢٤	برسلز	
بلغاریا	«	«	١٠٣ر١٤٦	٦ر٠٦٧ر٠٠٠	صوفیا	
بلوچستان برطانوی	آسیا	امپراطوری برطانیه	١٤٠ر٤٤٥	٤٦٣ر٥٠٨	کویته	یکی از ولایات هند برطانوی-مسلمان

مملکت	قطعهٔ بر	طرز حکومت	مساحه مربع کیلومتر	نفوس	مرکز	ملاحظات
بلوچستان (قلات)	آسیا	خانی تحت الحمایهٔ برطانیه	۲۰۸ر۲۵۳	۴۰۵ر۱۰۹	قلات	مسلمان
بمبئی و سند	»	امپراطوری برطانیه	۳۲۰ر۱۶۵	۲۲ر۲۰۹ر۱۶۸	بمبئی	از ولایات هند
بنگال	»	» »	۱۹۹ر۰۱۵	۵۰ر۱۲۲ر۵۵۰	کلکته	یکی از ولایات هند
بوریات و منگول	»	اتحاد جماهیر اشتراکیه شورائیه	۳۷۶ر۳۷۷	۵۷۴ر۴۰۱	درخنی اودسك	
بورنیوشمالی برطانوی	»	امپراطوری برطانیه	۸۰ر۵۶۱	۲۷۰ر۲۲۳	سنداکان	ازجزایر شرق الهند مسلمان
بورنیوی هالندی	»	مستملکه هالند	۵۵۰ر۰۰۰	۲ر۱۹۴ر۵۳۳	بنجرماسین	» مسلمان »
بوسنیا و هرزك (هرزی گووینیا)	اروپا	شاهی یوگوسلاویه	۵۱ر۲۰۸	۱ر۸۸۹ر۹۲۹	ساراجی و	از ولایات یوگوسلاویه
بولیویا	امریکای جنوبی	جمهوری	۱ر۳۳۲ر۸۰۸	۲ر۹۷۴ر۰۰۰	لاپاز	
بوهیمیا	اروپا	جمهوری چکوسلواکیه	۵۲ر۱۲۵	۶ر۶۷۰ر۰۸۲	پراگ	
بویریا		اتحاد جماهیر جرمنی	۷۵ر۹۹۶	۷ر۳۷۹ر۵۹۴	میونخ	
بهار و اوریسه	آسیا	امپراطوری برطانیه	۲۱۵ر۳۷۸	۳۷ر۵۹۰ر۳۰۶	پتنه	ازولایات هند
بهوتان	»	مهاراجه تحت الحمایه برطانیه	۴۶ر۰۰۰	۲۵۰ر۰۰۰	پوناکه	به شمال هند وقوع دارد
بیچوانالیند	افریقه	تحت حمایه برطانیه	۷۱۲ر۰۰۰	۱۵۴ر۹۸۳	سرووی	
بیدن	اروپا	اتحاد جماهیر جرمنی	۱۵ر۰۷۰	۲ر۳۱۲ر۴۶۲	کارلس روه	
پ :						
پاپوا (جزائر)	اوقیانوسیه	امپراطوری برطانیه	۲۳۴ر۷۷۰	۲۷۶ر۱۲۵	پورت مورس بی	
پاراگوی	امریکهٔ جنوبی	جمهوری	۲۸۸ر۰۱۹	۱ر۰۶۵ر۰۰۰	ایسیشن	گرانچاکو که بین بولیویا و پاراگوی متنازع فیه است مساحهٔ آن ۳۶۶ر۶۶۲ مربع کیلومتر
پاناما	امریکهٔ وسطی	جمهوری	۷۴ر۵۲۲	۴۶۷ر۴۵۹	پاناما	
پرتگال	اروپا		۹۸ر۱۱۹	۶ر۶۹۸ر ۳۴۵	لزبن	
» با مستملکات » آسیا افریقه			۲ر۱۹۲ر۹۰۰	۱۴ر۷۹۰ر۰۰۰	لزبن	
پرنسیپ و سنت توماس	افریقه	مستملکهٔ پرتگال	۹۴۴	۶۳ر۸۴۹	ساوی تومی	جزائر
پروشیا	اروپا	اتحاد جرمنی	۲۹۲ر۶۹۵	۳۸ر۱۷۵ر۹۸۹	برلین	
پنجاب	آسیا	امپراطوری برطانیه	۲۵۸ر۵۹۱	۲۳ر۵۸۰ر۸۵۱	لاهور	یکی ازولایات هند
پولیند	اروپا	جمهوری	۳۸۸ر۳۹۰	۳۲ر۱۳۲ر۹۳۶	وارسا	
پیرو	امریکهٔ جنوبی	»	۱ر۳۷۸ر۳۶۰	۶ر۲۳۷ر۰۰۰	لیما	

مملکت	قطعۂ بر	طرز حکومت	مساحت مربع کیلومتر	نفوس	مرکز	ملاحظات
ت :						
تاتارستان	اروپا	اتحادجماهیراشتراکیه‌شورائیه	٦٧ر٠٦٠	٢ر٧٠٠ر٥٠٠	قازان	
تاجکستان	آسیا	« « «	١٤٥ر٨٦٧	١ر١٨٧ر٥٠٠	ستالینگراد (دوشنبه)	
تانکاینکا	افریقه	امپراطوری برطانیه	٩٤١ر٠٥٢	٥ر٠٦٤ر٨١٩	دارالسلام	
تانو توا	آسیا	اتحادجماهیراشتراکیه شورائیه	١٦٥ر٠٠٠	٦٢ر٠٠٠	خیم بلدار	
تاهیتی وغیره (جزایر)	اوقیانوسیه	مستملکۂ فرانسه	٤ر٠٠٠	٣٩ر٩٢٠	پاپیته	اوقیانوسیای فرانسوی
تبت	آسیا	تحت حمایۂ چین	١ر١٥٠ر٠٠٠	٢ر٠٠٠ر٠٠٠	لاهاسه	
ترانسوال	افریقه	امپراطوری برطانیه	٢٨٦ر٠٥٣	٢ر٠٨٧ر٦٣٦	پریتوریه	یکی از حصص اتحاد جنوب افریقه
ترکستان چینی	آسیا	اعلان استقلال نموده	١ر٤٢٥ر٠٠٠	٢ر٧٠٠ر٠٠٠	اورومچی	
ترکمنستان	«	اتحادجماهیراشتراکیه‌شورائیه	٤٤٣ر٦٤٩	١ر١٥٦ر٣٠٠	عشق آباد	
ترکیه	اروپاآسیا	جمهوری	٧٦٢ر٧٣٦	١٣ر٦٦٠ر٢٧٥	انقره (انگوره)	
تریندادوتوباگو	امریکه	امپراطوری برطانیه	٥ر١١٧	٤١٢ر٧٨٣	پورت اوسپین	
تسمانیا	اوقیانوسیه	« «	٦٧ر٨٩٤	٢٢٧ر٤٧٣	هوبارت	
تمور (مجمع الجزائر)	آسیا	مستملکه پرتگال	١٨ر٩٨٩	١ر١٤٦ر٦٦٠	دلی	قسمتی مستملکه پرتگال وقسمتی مستملکه هالیند
توگولیند برطانوی	افریقه	تحت انتداب برطانیه	٣٣ر٧٧٢	٢٩٣ر٧١٧	هو	مربوط ساحل طلائی
« فرانسوی	«	« « فرانسه	٥٦ر١٦٩	٧٥٠ر٠٦٥	لوم	
تونس	«	بیک تحت الحمایه فرانسه	١٢٥ر١٣٠	٢ر٤١٠ر٦٩٢	تونس	
تونکن	آسیا	تحت حمایۂ فرانسه	١١٥ر٧٠٠	٨ر٠٩٧ر٤٢٩	هانوئی	
تونگا (جزایر)	اوقیانوسیه	تحت حمایۂ برطانیه	١ر٠٠٢	٢٩ر٤٣٩	نوکوآلوفا	جزائر فرندلی هم می گویند
تورنگیا	اروپا	جزء اتحاد جمهوری جرمنی	١١ر٧٦٦	١ر٦٠٩ر٣٠٠	ویمار	
ج :						
جاپان	آسیا	امپراطوری	٣٨٢ر٠٧١	٦٤ر٤٥٠ر٠٠٥	توکیو	
« بامستعمرات	«	«	٦٨١ر٤٩٠	٩١ر٧٩٢ر٦٣٩	«	
جبل الطارق	اوروپا	امپراطوری برطانیه	٥	٢١ر٣٧٢	جبل الطارق	
جبل دروز	آسیا	تحت انتداب فرانسه	٦ر٠٠٠	٦٠ر٠٠٠	سویدا	
جرمنی	اوروپا	جمهوری اتحادی	٢٩٥ر٥٦٦	٦٥ر٣٠٠ر٠٠٠	برلین	
جورجیا (گرجستان)	«	« شورائیه	٧٠ر٠٩٤	٢ر٩٢٤ر٦٠٠	تفلیس	
جوهور	آسیا	سلطان تحت حمایۂ برطانیا	٢٢ر١٤٨	٢٨٢ر٢٣٤	جوهور بهرو	یک ریاست ملایا

مملکت	قطعهٔ بر	طرز حکومت	مساحه مربع کیلومتر	نفوس	مرکز	ملاحظات
ج :						
چکوسلواکیا	اروپا	جمهوری	۱۴۰ر۳۹۴	۱۴ر۷۲۶ر۱۵۸	پراگ	
چلی	امریکای جنوبی	»	۷۴۱ر۷۶۷	۴ر۲۸۷ر۶۶۵	سنت یاگو	
چوزن	آسیا	امپراطوری جاپان	۲۲۰ر۰۰۰	۲۰ر۲۶۲ر۹۵۸	سیول	به کوریا نیز معروفست
چو واشیا	»	اتحاد جماهیر اشتراکیهٔ شوروی	۱۷ر۹۲۰	۹۰۹ر۱۰۰	جوق سرای	
چین	»	جمهوری	۱۲ر۴۵۲ر۶۰۰	۴۷۴ر۷۸۷ر۳۸۳	نانکین	
چین خاص	»	»	۵ر۸۳۹ر۵۰۰	۴۴۴ر۴۷۸ر۳۸۶	نانکین	فعلاً ازامپراطوری چین همینقدر باقیمانده
چینل آی لیندر (جزایر)	اروپا	امپراطوری برطانیه	۲۲۲	۹۳ر۰۶۱	ست هیلر	در رودبار انگلستان واقع است
ح :						
حجاز	آسیا	شاهی	۴۴ر۳۰۰	۹۰۰ر۰۰۰	مکهٔ معظمه	یک جزء دولت عربیهٔ سعودیه است
حضرموت	»	سلاطین عرب	۱۵۱ر۵۰۰	۱۲۰ر۰۰۰	ماکلا	
حیدرآباد	»	نظام تحت حمایهٔ برطانیه	۲۱۴ر۱۷۹	۱۴ر۳۹۵ر۴۹۳	حیدرآباد دکن	بزرگترین ریاستهای هند است
د :						
داغستان	اروپا	جمهوری شورائی	۵۷ر۳۲۰	۹۰۱ر۵۰۰	محج قلعه	اکنون در تقسیمات اروپا آمده اکثر اهالی آن مسلمانست
داقار	افریقه	مستملکهٔ فرانس	۱۵۷	۵۳ر۹۸۲	داقار	
دانزیک	اروپا	شهر مستقل	۱ر۹۵۱	۴۰۷ر۵۱۷	دانزیک	
دلماشیا	»	یوگوسلاویا	۱۲ر۷۴۵	۶۲۱ر۴۲۹	راگوسا	از ایالات یوگوسلاویا
دنمارک	»	شاهی	۴۳ر۹۳۴	۳ر۵۵۰ر۶۵۱	کوپن‌هاگن	
دومه‌نیکا	امریکا	جمهوری	۴۸ر۷۱۰	۱ر۲۰۰ر۰۰۰	سانتودومینگو	ازجزائر غرب الهند
دهلی	آسیا	امپراطوری برطانیه	۱۵۳۶	۶۳۶ر۲۴۶	دهلی	از ولایات هند برطانوی
دهومی	افریقه	مستعمرهٔ فرانسه	۱۲۲ر۱۰۰	۱ر۱۱۳ر۰۰۰	پورتونووو	ربع اهالی آن مسلمان میباشند
ر :						
راجپوتانه	آسیا	تحت حمایهٔ امپراطوری برطانیه	۳۳۴ر۶۴۸	۱۳ر۳۰۸ر۷۸۱	-	مجموعهٔ ریاستهای هندی

مملکت	قطعهٔ بر	طرز حکومت	مساحه مربع کیلومتر	نفوس	مرکز	ملاحظات
راس تری توری	قطب جنوبی	مستملکه برطانیه	٢ر٠٠٠ر٠٠٠			
روآنده اوروندی	افریقه	تحت انتداب بلجیم	٥٤ر٨٠٠	٣ر٤٥٠ر٩٣٧	اوسوم بورا	
رودیشیای جنوبی	افریقه	امپراطوری برطانیه	٣٨٩ر٣٧٤	١ر١٠٩ر٠١٢	سالس بری	
رودیشیای شمالی	افریقه	امپراطوری برطانیه	٧٤٥ر٧٦٠	١ر٣٨٥ر٣٩٦	لونگستن	
روس سفید	اروپا	اتحاد جماهیر اشتراکیه شورائیه	١٢٥ر٩٥٠	٥ر٢٩٠ر٣٠٠	منسك	
رومانیه	اروپا	شاهی	٢٩٤ر٩٦٧	١٨ر٠٢٥ر٢٣٧	بخارست	
ریاستهای متحدهٔ ملایا	آسیا	رؤسای محلی تحت حمایه برطانیه	٧١ر٦٠٨	١ر٧١٣ر٠٩٦	کوالالامپور	اهالی آن مسلمان میباشند
ریاستهای ملایا	آسیا	تحت حمایه برطانیه	٥٨ر١٨٤	١ر٥٢٨ر١٠٠		مندوب برطانوی در جوهور سکونت دارد اهالی آن مسلمان میباشند
ری یونین (جزیره)	افریقه	مستملکه فرانسه	٢ر٥١٢	١٩٧ر٩٣٣	سن ینر	
زنجبار (زنزبار)	افریقه	سلطان تحت حمایه برطانیه	٢ر٦٤٢	٢٣٥ر٤٢٨	زنجبار	
س :						
سار	اروپا	تحت ادارهٔ جمعیت اقوام	١ر٨٨٨	٨٠٥ر٧٣٤	ساربروك	درسنه ١٩٣٥ آراء ملی رای گرفته خواهد شد که بحال موجوده راضی هستند یا تابعیت المان یا فرانسه .
سارواك	آسیا	راجه تحت حمایه برطانیه	١٠٨ر٨٠٠	٦٠٠ر٠٠٠	کوچنگ	راجه مملکت یکنفر انگلیس است.
ساردینیا (جزیره)	اروپا	شاهی ایطالیه	٢٤ر٠٩٠	٩٧٣ر١٢٥	کاگلیاری	
ساس کات جیوان	امریکه شمالی	امپراطوری برطانیه	٦٥١ر٨٧٦	٩٢١ر٧٨٥	رجینا	یکی از ولایات کانادا
سالویدور	امریکه وسطی	جمهوری	٣٤ر١٢٦	١ر٤٥٩ر٥٧٨	سان سالویدور	
ساموآی غربی (جزیره)	اوقیانوسیه	تحت امداد برطانیه	٢ر٩٣٤	٤٦ر١٥٠	آپیا	
سان مارینو	اروپا	جمهوری	٦١	١٣ر٩٤٨	سان مارینو	
سا رابیکا	افریقه	مستعمرهٔ ایطالیه	٧٣٨ر٠٠٠	١٦٤ر٦٠٧	بنغاری	اهالی آن مسلمان است
سپتزبرجن (جزائر)	اروپا	ناروی	٦٣ر٠٩٥	١ر٥٦٣	لانگ‌هیرباین	
ستریت ستلمنتس	آسیا	امپراطوری برطانیه	٣ر٩٦٥	١ر١٤٦ر٩٨٤	سنگاپور	اکثر « «
سخالین جنوبی (کارافوتو)	آسیا	مستملکهٔ جاپان	٣٦ر٠٩٠	٢٩٥ر١٩٦	تویوهارا	
سسلی (صقلیه)	اروپا	شاهی ایطالیه	٢٥ر٧٣٨	٤ر٢٦٨ر١١٦	پلرمو	

مملکت	قطعهٔ بر	طرز حکومت	مساحهٔ مربع کیلومتر	نفوس	مرکز	ملاحظات
سکاتلند	اروپا	شاهی برطانیه	۱۷۱ر۷۷	۵۵۴ر۸۴۲ر۴	ایدن برا	
سکم	آسیا	مهاراجهٔ تحت حمایه برطانیه	۰۴۷ر۶	۷۲۲ر۸۱	تم لونگ	یکی از ریاستهای هند است
سکسنی	اروپا	اتحاد جرمنی	۹۸۶ر۱۴	۱۳۸ر۹۹۶ر۷	درسدن	
سلواکیه		چکسلواکیه	۹۷۵ر۷۰	۷۰/ر۰۰۰ر۳	براتسلاوه	
سلوینیا		یوگسلاویه	۲۰۸ر۱۶	۴۶۴ر۰۵۵۰ر۱	راگرب	
سماترا	آسیا	مستملکهٔ هولند	۰۳۵ر۴۲۳	۵۷۰ر۲۳۸ر۸	بنکولن	از جزائر شرق الهند
سنت هلینا (جزیره)	افریقه	امارت تحت حمایه برطانیه	۱۲۲	۹۴۷ر۳	جیمزتاون	محبس و محل فوت ناپولیون
سن کیانگ (ترکستان چین)	آسیا		۱ر۴۲۷,۰۰۰	۲ر۵۰۰ر۰۰۰	ارومچی	در مملکت انقلاب است
[illegible]	اروپا	امارت [illegible] برطانیه	۱۷,۳۵۹	۱۱۷,۸۷۷	[illegible]	
سویتزرلند	اروپا	جمهوری اتحادی	۴۱,۲۹۰	۴,۰۶۶,۴۰۰	برن	
سودان فرانسوی	افریقه	مستملکهٔ فرانسه	۱,۴۵۳,۷۷۵	۲,۸۵۵,۶۵۸	کائس	تمام اهالی آن مسلمان است
سودان مصری انگلیسی	افریقه	مستملکهٔ مشترکه مصر و برطانیه	۲,۶۰۹,۸۰۰	۵,۶۰۵,۸۴۸	خرطوم	
[illegible]	افریقه	مستملکهٔ ایطالیه	۵۰۰,۰۰۰	۱,۰۰۰,۸۱۵	موگدیشو	
[illegible]	[illegible]	[illegible] برطانیه	۱۷۶,۰۰۰	۳۴۴,۷۰۰	بربره	
[illegible] فرانسوی		مستملکهٔ فرانسه	۲۳,۰۰۰	۸۷,۷۷۸	جبوتی	عموم سکنهٔ آن مسلمان است
[illegible]	امریکا جنوبی	مستملکهٔ هولند	۱۲۹,۱۰۰	۱۵۵,۸۸۸	پارامریبو	نام دیگر آن گیانای هولندی است
سوریه	آسیا	تحت انتداب فرانسه	۱۲۷,۰۰۰	۱,۶۲۰,۰۰۰	دمشق	اکثر اهالی مسلمان است
سویدن	اروپا	شاهی	۴۴۸,۹۸۰	۶,۱۹۰,۳۶۴	ستاکهالم	
سیام	آسیا	شاهی	۵۱۸,۱۶۲	۱۲,۳۵۵,۰۰۰	بنکاک	یک خمس « »
سیرالیون	افریقه	امارت تحت حمایه برطانیه	۷۲,۳۲۴	۱,۶۷۲,۰۵۷	فری تاؤن	نصف
سیلان (جزیره سراندیپ)	آسیا	امارت تحت حمایه برطانیه	۶۵,۶۰۸	۵,۳۰۶,۸۷۱	کولومبو	جزیره است به جنوب هند
سیلبس (جزائر)	آسیا	هولند	۱۲۰,۰۰۰	۴,۲۲۶,۵۸۶	مکاسر	از جزائر شرق الهند اکثر اهالی مسلمان است
سینیگال	افریقه	مستملکهٔ فرانسه	۲۰۱,۳۷۵	۱,۵۸۴,۲۷۳	سن لوئی	نصف اهالی مسلمان است
ش :						
شاد	افریقه	مستملکهٔ فرانسه	۱,۲۴۸,۰۰۰	۱,۰۵۳,۰۰۶	فورت لامی	تمام اهالی آن مسلمان است

مملکت	قطعه بر	طرز حکومت	مساحه مربع کیلومتر	نفوس	مرکز	ملاحظات
شرق اردن	آسیا	امارت تحت انتداب برطانیه	۱۶ر۲۲۰	۲۶۰ر۰۰۰	امان	اکثر اهالی آن مسلمانست
شرق الهند	آسیا	امارات تحت حمایه هولند برطانیه فرانسه جاپان ۰ امریکه	۱ر۹۰۰ر۱۳۴	۶۰ر۷۳۱ر۰۲۵		ارجزائر شرق الهند تقریباً کل اهالی آن مسلمان است
سمرگ لیپ	اروپا	اتحاد جرمنی	۳۴۰	۴۶ر۶۶۰	بوکی بورگ	یکی از ایالات جرمنی
شیلند (جزائر)	۰	شاهی برطانیه	۱ر۴۲۶	۲۵ر۵۲۰	لرویك	
شیخ سعید	آسیا	تحت حمایهٔ برطانیه	۱۶	۱ر۰۰۰	ساحل عرب	
ص .						
صحرای عربی هسپانوی	افریقه	مستملکه هسپانیا	۲۸۵ر۲۰۰	۳۲ر۰۰۰	ویلاکسنروس	
صربیا	اروپا	شاهی یوگوسلاویا	۴۸ر۳۵۰	۲ر۹۱۱ر۷۰۱	بلگراد	
صوبه سرحد	آسیا	امپراطوری برطانیه	۳۴ر۷۵۴	۲ر۴۲۵ر۰۷۶	پشاور	یکی از ولایات هند
صوبهٔ متوسط		،	۲۱۲ر۶۵۴	۱۲ر۰۲۸ر۸۶۳	ناگپور	از ولایات هند
ط :						
طرابلس غرب	افریقه	مستعمره ایطالیه	۸۷۵ر۳۲۳	۵۷۲ر۷۰۰	طرابلس	تمام اهالی مسلمان می باشد
طنجه		شهر بین المللی	۳۷۳	۷۰ر۰۰۰	طنجه (شهر)	اهالی آنجا مسلمان میباشد
ع						
عدن	آسیا	امپراطوری برطانیه	۱۹۴ر۰۰۰	۵۵ر۰۰۰	عدن	اهالی آن مسلمان میباشند
عراق		شاهی	۳۷۰ر۹۷۷	۲ر۸۴۹ر۳۰۰	بغداد	اکثر اهالی مسلمان میباشد
عرب سعودیه	آسیا	شاهی	۲ر۶۰[illegible]۰۰	۱۰ر۰۰۰ر۰۰۰	مکهٔ معظمه	» »
عمان	۰	تحت اثر برطانیه	۱۵۰ر۶۷۵	۵۰۰ر۰۰۰	مسقط	گوادر در ساحل بلوچستان از مستملکات عمان و اهالی آن مسلمان است
ف .						
فاک لیند	امریکاء جنوبی	امپراطوری برطانیه	۳ر۰۰۰ر۰۰۰	۳ر۱۰۱	ستیلی	
فرانس	اروپا	جمهوری	۵۵[illegible]ر۰۰	۴۱ر۸۳۴ر۹۲۳	پاریس	
فرانس و مستملکات آن	تمام قطعات عالم		۱۲ر[illegible]ر۸۲۰	۱۰۴ر۴۷۶ر۸۰۰		
فلسطین	آسیا	تحت انتداب برطانیه	۲۶ر۳۰۰	۱ر۰۳۵ر۱۵۴	یوروشلیم بیت المقدس	بیشتر از دو ثلث اهالی آن مسلمانست
فنلند	اروپا	جمهوری	۳۸۸ر۳۱۷	۳ر۶۶۷ر۰۶۷	هلسنگی هلسنگفورس	

مملکت	قطعهٔ بر	طرز حکومت	مساحه مربع کیلومتر	نفوس	مرکز	ملاحظات
فورموسا (تائیوان)	آسیا	مستملکهٔ جاپان	۳۵ر۹۷۴	٤ر٥٩٤ر١٦١	تای هوکو	جزیره
فیرو (جزایر)	اروپا	« دنمارک	۱ر٤٠٠	۲۱ر۳۵۲	تارنزمان	
ق :						
قبرس	آسیا	امپراطوری برطانیه	۹ر۲۸۲	۳٤۷ر۹۵۹	نکوسیا	از جزائر مدیترانه
قرغزستان	«	اتحاد جماهیر اشتراکیهٔ شورائیه	۱۹٦ر٧٤٠	۱ر۱۵۹ر۹۰۰	فرونسی	
قره قلپاق	«	« « «	۱۱۹ر۵۷۱	۳٤٦ر۰۰۰	توکوس	
قزاقستان	«	اتحاد جماهیر اشتراکیه شورائیه	۲ر۸۱٤ر٦۰۰	۷ر۲٦۰ر۵۰۰	المتا	دو ثلث آن مسلمان است
ک :						
کانادا	امریکای شمالی	امپراطوری برطانیه	۹ر۵۵٦ر۸۱۷	۱۰ر۳۷٦ر۷۸٦	اتاوا	دومینیون
کانگوی بلجیمی	افریقه	مستعمرهٔ بلجیم	۲ر۳۸۵ر۱۰۰	۹ر۵۸٤ر۹۳٦	لی پولدویل	
« فرانسوی	«	« فرانسه	۲٤۰ر۰۰۰	٦۹۸ر۷۵۳	برازاویل	
کریت (قرطش)	اروپا	یونان	۸ر۲۸٦	۳۸٦ر۲٤۷	کانیا	جزیره
کریما (قریم)	«	اتحاد جماهیر اشتراکیهٔ شورائیه	۲۵ر۸۸۱	۷۹۳ر۷۰۰	سمفروپول	نصف اهالی مسلمان است
کشمیر	آسیا	مهاراجه تحت الحمایه برطانیه	۲۱۸ر۲۱۹	۳ر٦۹۹و۰٦۵	سری نگر	درهند
کمبودیا	آسیا	شاهنشاهی تحت الحمایه فرانسه	۱۸۱ر۰۰۰	۲ر۸۰٦ر۰۰۰	نوم پن	هند چینی
کوان تونگ	«	تحت اجارهٔ جاپان	۳ر٤٦۲	۹۵۵ر۷٤۱	دایرن	از ملک چین
کوانچووان	«	تحت اجارهٔ فرانسه	۸۵۰	۲۵۰ر۰۰۰	فوت بیارت	
کوچن چینا (چین کوچک)	آسیا	شاهی تحت الحمایه فرانسه	٦۸ر٦۰۰	٤ر٤٦۷ر۳۵۲	سیگون	از هند چین است
کوراکائو	امریکه	هولند	۱ر۱۳۰	۷٦ر۲۹۹	ولیم ستاد	از جزائر غرب الهند
کورسیکا (جزیره)	اروپا	فرانس	۸ر۷۳۰	۲۸۹ر۸۹۰	اجاکسیو	
کورشیا سلاوونیا	«	یوگوسلاویا	٤۳ر۸۷٤	۲ر۷۳۹ر۵۹۳	زاگریب (اگرام)	از ولایات یوگوسلاویا
کورگ	آسیا	امپراطوری برطانیه	٤ر۰۹۷	۱٦۳ر۰۸۹	مرکاره	از ولایات هند برطانوی
کوریا (چوزن)	«	امپراطوری جاپان	۲۲۰ر۷٤۱	۲۱ر۰۵۸ر۳۰۵	سیویل (کائیجو)	جزء جاپان خاص قرار داده شده

مملکت	قطعهٔ بر	طرز حکومت	مساحهٔ مربع کیلومتر	نفوس	مرکز	ملاحظات
کوستاریکا	امریکای مرکزی	جمهوری	٥٨ر٠٠٠	٥٢٩ر٦٩٠	سان‌جوزی	
کولمبیای برطانوی	امریکهٔ شمالی	امپراطوری برطانیه	٩٢١ر٦٢٦	٦٩٤ر٢٦٣	ویکتوریا	ازولایات کانادا
«	«جنوبی	جمهوری	١ر١٥٠ر٢٢٠	٨ر٢٢٣ر٠٠٠	بوگوتا	
کویت	آسیا	شیخ تحت حمایه برطانیه	٥ر٠٠٠	٥١ر٠٠٠	کویت	درساحل شرق جزیرة العرب
کوینزلیند	آسترلیا	امپراطوری برطانیه	١ر٧٣٦ر٥٢٤	٩٦٥ر٩٣٤	برسبین	یکی ازولایات آسترلیا
کیمرون برطانوی	افریقه	تحت حمایه برطانیه	٨٨ر٢٩٧	٧٧٤ر٥٨٥	بوئیا	سابقاً از مستعمرات جرمنی بود
کیمرون (فرانسوی)	افریقا	تحت انتداب فرانسه	٤١٨ر٢١٥	١ر٩٠٠ر٠٠٠	یوانده	سابقاً ازمستعمرات جرمنی بود
کینیا	«	امپراطوری برطانیه	٥٨٢ر٣٧٤	٣ر٠٤٩ر٩١١	نیروبی	قسمتی مستعمره و قسمتی تحت حمایه برطانیه است
کیوبا	امریکا	جمهوری	١١٤ر٥٢٤	٣ر٧٦٨ر١٩٢	هاوانا	ازجزائرغرب الهند
کیوبك	امریکای شمالی	امپراطوری برطانیه	١ر٥٣٩ر٥٢٢	٢ر٨٧٤ر٢٥٥	کیوبك	یکی ازولایات کانادا
گابون	افریقه	مستملکه فرانسه	٢٧٤ر٨٧٠	٣٨٨ر٨٩٩	لیبرویل	
گرینلیند (جزیره)	امریکهٔ شمالی	مستعمره دنمارك	٢ر١٧٥ر٦٠٠	١٤ر٣٥٥	سد برودن	
گوا	آسیا	مستملکه پرتگال	٣ر٨٢٩	٥٧٠ر٤٢٦	نوگوا	به ساحل هند واقع است
گواتیمالا	امریکه وسطی	جمهوری	١٠٩ر٧٢٤	٢ر٠٠٤ر٩٠٠	گواتیمالا	
گوادلوپ (جزایر)	امریکه	مستعمره فرانسه	١ر٧٨٠	٢٦٧ر٤٠٧	باستر	از جزائر غرب الهند
گولدکوست	افریقه	امپراطوری برطانیه	٢٠٣ر٦٠٠	٣ر١٦٣ر٥٦٨	آکرا	
گیانای برطانوی	امریکای جنوبی	امپراطوری برطانیه	٢٣١ر٧٤٤	٣١٢ر٤٩٨	جارج تاؤن	
« فرانسوی	« «	مستملکه فرانسه	٨٨ر٢٤٠	٣٢ر٥٩٦	کاین	
« هالیندی	امریکه جنوبی	مستملکه هالیند	سوری نام	١٥٥ر٨٨٨	پاراماریبو	

مملکت	قطعه	طرز حکومت	مساحهٔ مربع کیلومتر	نفوس	مرکز	ملاحظات
گیمبیا	افریقه	امپراطوری برطانیه	۱۰ر۷۰۶	۱۹۹ر۵۲۰	باتهرست	
گیورن سی (جزیره)	اروپا	مستملکه برطانیه	۶۵	۳۹ر۴۰۶	سان پیر	
گینی پرتگالی	افریقه	« پرتگال	۳۶ر۱۲۵	۳۶۴ر۹۲۹	بولامه	
« فرانسوی	افریقه	مستملکه فرانسه	۲۵۰ر۸۷۵	۲ر۲۳۴ر۶۹۲	کوناکری	ربع اهالی مسلمان است
« هسپانوی	«	« هسپانیه	۲۶ر۱۵۹	۲۰۰ر۰۰۰	سانتا ایزابل	
لاتویا	اروپا	جمهوری	۶۵ ر۷۹۰	۱ ر۹۰۰ ر۰۴۵	ریگا	
لاؤس	آسیا	شاهی تحت حمایهٔ فرانسه	۲۳۱ ر ۴۰۰	۹۴۴ ر ۰۰۰	اوینت شان	
لای بیریا	افریقه	جمهوری	۹۵ ر ۴۰۰	۱ ر ۵۰۰ ر ۰۰۰	مونروویه	
لبرادور (جزیره)	امریکه شمالی	امپراطوری برطانیه	۳۰۶ ر ۸۰۰	۴ ر ۵۰۰	بیل هاربر	
لبنان	آسیا	تحت انتدب فرانسه	۱۰ ر ۵۰۰	۸۰۵ ر ۰۰۰	بیروت	
لب	اروپا	اتحاد جمهوری حرمی	۱ ر ۲۱۵	۱۶۳ ر ۵۷۷	دت مولد	
لتاکیه	آسیا	تحت انتداب فرانسه	۶ ر ۵۰۰	۲۸۳ ر ۰۰۰	لتاکیه	
لتوانیا	اروپا	جمهوری	۵۳ ر ۲۴۲	۲ ر ۳۴۰ ر ۰۳۸	کاوناس (کوونو)	
لکسمبرک		سرداری اعظم	۲ ر ۵۸۵	۳۰۰ ر ۷۴۸	لکسمبرک	
لیختن ستاین	اروپا	سرداری	۱۵۷	۱۰ ر ۲۱۳	وادوز	
لیورد (جزائر)	امریکه	امپراطوری برطانیه	۱ ر ۸۶۲	۱۲۶ ر ۴۰۰	انتیگوا	از جزائر غرب الهند
مرتی نیک	امریکه شمالی	مستملکه فرانسه	۹۸۷	۲۳۴,۶۹۵	فوردوفرانس	از جزائر غرب الهند
موریتانیا	افریقه	«	۸۳۴,۸۵۰	۳۲۳,۴۹۸	سن لوئی	
ماریشس (جزائر)	«	برطانیه	۱,۸۶۵	۴۰۵,۵۲۹	پورت «	
مالتا (جزائر)	اروپا	مستعمره	۳۱۶	۲۴۴,۰۰۲	ویلیتا	
مالدیو (جزائر)	آسیا	سلطان تحت حمایه برطانیه	۲۹۸	۷۰,۴۱۳	مالی ککک	
مانچوکو	«	امپراطوریت تحت حمایهٔ جاپان	۱ ر۱۹۳ ر۷۰۰	۳۴,۰۸۴,۹۸۰	هسین	
مانتوبه	امریکه شمالی	امپراطوری برطانیه	۶۵۲,۲۱۸	۷۰۰,۱۳۹	وی نیک	یکی از ولایات کانادا
ماورای قفقاز	آسیا	جمهوری شورائیه	۱۸۵,۷۱۷	۶,۵۱۶,۸۰۰	تفلیس	
مدراس	«	مستملکهٔ برطانیه	۳۶۸,۴۳۸	۴۶,۷۴۸,۶۴۴	مدراس	یکی از ولایات هند
مدغاسکر	افریقه	فرانسه	۶۲۷,۳۲۷	۳,۷۰۱,۷۷۰	تانا ناریو	جزیره نصف اهالی مسلمان است
مدیرا (جزائر)	«	پرتگال	۷۳۹	۲۱۰,۲۲۶	فونچال	
مراکش فرانسوی	«	امپراطوری تحت حمایهٔ فرانسه	۴۲۰,۰۰۰	۵,۶۳۰,۲۷۱	رباط	

مملکت	قطعهٔ بر	طرز حکومت	مساحهٔ مربع کیلومتر	نفوس	مرکز	ملاحظات
مراکش هسپانوی	افریقه	شریف تحت حمایهٔ هسپانیه	۲۸٬۰۰۰	۷۷۴٬۰۰۰	طیطوان	
مصر	»	شاهی	۹۹۴٬۳۰۰	۱۴٬۱۶۸٬۷۵۶	قاهره	
مکاؤ	آسیا	مستملکه پرتگال	۱۰	۱۵۷٬۸۰۵	ماکاو	بندرگاه چینی
مکسیکو	امریکه شمالی	جمهوری	۱٬۹۶۹٬۱۵۴	۱۶٬۵۲۴٬۶۲۹	مکسیکو	
مکلنبرگ ستیراتیر	اروپا	از اتحاد جمهوری جرمنی	۲٬۹۳۰	۱۱۲٬۰۵۲	سیرانیز جدید	
» شوبرن	»	» » »	۱۳٬۱۲۷	۶۷۴٬۴۰۱	شوبرن	
ملاکا (جزائر)	آسیا	مستملکه هالیند	۷۵۵٬۴۷۵	۴۲۷٬۲۱۱	تربیت	
منگولیا (مغولستان)	»	جمهوری ملی معلی تحت مراقبت چین	۱٬۵۲۵٬۷۰۰	۱٬۸۰۰٬۰۰۰	ارگا (اولان بوتورشوتو)	
موراویا	اروپا	یکی از ولایات چکوسلواکیه	۲۲٬۳۱۱	۲٬۶۶۲٬۸۸۴	برنو	
موریتانیا	افریقه	مستملکه فرانس	۸۹۰٬۰۰۰	۲۸۹٬۱۸۴	موراگو	
موزمبیق افریقهٔ شرقی پرتگالی	»	مستعمرهٔ پرتگال	۷۷۱٬۱۳۳	۳٬۹۹۵٬۸۳۱	لورن کومارکس	
موناکو	اروپا	سرداری	یک و نیم	۲۴٬۹۲۷	موناکو	
میسور	آسیا	مهاراجه تحت الحمایهٔ برطانیه	۷۶٬۳۳۷	۶٬۵۵۷٬۸۷۱	میسور	
میکولان	امریکه شمالی	مستملکه فرانس	۲۱۵	۴۹	سن پیر	
میمل	اروپا	جزء لیتوانیا	۲٬۴۱۷	۱۴۶٬۹۱۴	میمل	
مین (مان) (جزیره)	»	شاهی برطانیه	۵۷۲	۶۰٬۲۳۸	دگلس	
ناتال	افریقه	امپراطوری برطانیه	۹۱٬۳۸۲	۱٬۴۲۹٬۳۹۸	پیتر مارتس برگ	یکی از ولایات اتحاد افریقهٔ جنوبی
ناروی	اروپا	شاهی	۳۲۲٬۶۷۱	۲٬۸۱۷٬۱۹۴	اوسلو	سابقاً اوسلو را کریسچیا نامی گفتند
نایجر	افریقه	مستملکه فرانسه	۱٬۱۷۹٬۵۰۰	۱٬۵۴۲٬۷۱۴	زندر	اکثر اهالی مسلمان است
نایجریا	»	امپراطوری برطانیه	۹۶۵٬۱۸۷	۱۹٬۹۲۸٬۱۷۱	لاگواس	
نجد	آسیا	شاهی	۱٬۰۷۲٬۰۰۰	۲٬۰۰۰٬۰۰۰	ریاض	جزء دولت عربیه سعودیه
نجران	آسیا	داعی تحت حمایهٔ عرب سعودیه	۳۵٬۹۰۰	۷۵۰٬۰۰۰	ابو عریش	
نکاراگوا	امریکهٔ وسطی	جمهوری	۱۱۸٬۴۵۳	۷۵۰٬۰۰۰	ماناگوا	
نوواسکوشیا	امریکه شمالی	امپراطوری برطانیه	۵۵٬۴۹۶	۵۱۲٬۸۴۶	هلی فکس	
نیاسالیند	افریقه	تحت الحمایهٔ برطانیه	۱۰۳٬۴۸۲	۱٬۶۰۳٬۴۵۴	زومبا	

مملکت	قطعه بر	طرز حکومت	مساحهٔ مربع کیلومتر	نفوس	مرکز	ملاحظات
نیپال	آسیا	شاهی	۱۴۰٫۰۰۰	۵٫۶۳۹٫۰۹۲	کتمندو	بشمال هند
نیدرلاندز (هالیند)	اروپا	»	بهالیند مراجعه شود	۸٫۰۶۱٫۵۷۱	امستردام	
نیوبرونزویک	امریکه شمالی	امپراطوری برطانیه	۷۲٫۴۷۸	۴۰۸٫۲۱۹	فریدریکتن	یکی از ولایات کانادا
نیوزیلند (جزائر)	اوقیانوسیه	» »	۲۶۹٫۳۹۶	۱٫۵۴۱٫۲۷۶	ولینگتن	
نیوساوتهویلز	»	» »	۸۰۱٫۳۹۶	۲٫۶۰۰٫۴۲۸	سدنی	یکی از ولایات آسترالیا
نیوفوندلند	امریکه شمالی	مستعمرهٔ برطانیه	۱۱۰٫۶۷۷	۲۸۱٫۶۲۴	سنت جان	
نیوکلیدونیا	اوقیانوسیه	مستملکه فرانس	۱۸٫۴۹۹	۶۲٫۹۱۹	نومیا	جزیره
نیو [illegible] برطانوی	»	تحت انتداب برطانیه	۲۴۰٫۸۶۰	۳۹۶٫۹۵۸	رابایول	
نیوهبریدیز	جزائر	تحت الحمایهٔ فرانس برطانیه	۱۳٫۲۲۴	۵۱٫۰۰۰	ویلا	
واتیکان	اروپا	شاهی روحانی	۴۴	۷۱۱	واتیکان	
والفش (خلیج)	افریقه	تحت انتداب برطانیه	۱٫۱۱۳	۲٫۳۰۰		
ورتم برگ	»	جمهوری اتحاد جرمنی	۱۹٫۵۰۸	۲٫۵۷۹٫۴۵۳	ستوگرت	
وکتوریه	اوقیانوس	امپراطوری برطانیه	۲۷۲٫۶۱۰	۱٫۸۱۸٫۰۸۰	ملبورن	یکی از حصص آستریلیا
ولایت راس امید افریقا		»	۷۱۷٫۳۱۳	۲٫۷۸۲٫۷۱۹	کیپ تاؤن	یکی از ولایات اتحاد افریقه جنوبی است
وینزویلا	امریکه جنوبی	جمهوری	۹۱۲٫۰۵۰	۳٫۲۱۶٫۰۰۰	کاراکاس	
وولگا	اروپا	اتحاد جماهیر اشتراکیه شورائیه	۲۷٫۲۴۶	۶۲۲٫۶۵۵	انجلز	
ویستفالیا	»	جمهوری اتحاد جرمنی	۲۰٫۲۴۱	۴٫۸۲۶٫۸۸۵	اینس	یکی از حصص پروشیا
ویلز	-	سرداری	۱۹٫۳۴۳	۲٫۵۹۳٫۰۱۴	کاردف	یکی از حصص یونائیتد کنگدم
هالیند (نیدرلانز)	اروپا	شاهی	۳۴٫۲۰۰	۸٫۰۶۱٫۵۷۱	امستردام	اکثر این مملکت از سطح بحر پست است
«مستملکات اروپا آسیا امریکه			۲٫۰۶۴٫۶۰	۶۹٫۰۲۲٫۶۰۰	»	
هاندوراس	امریکه وسطی	جمهوری	۱۵۴٫۳۰۸	۸۵۹٫۷۶۱	تیگوسیگال پا	
هاندوراس برطانوی	»	امپراطوری برطانیه	۲۱٫۵۳۵	۵۱٫۳۴۷	بلائیز	

مملکت	قطعۂ بر	طرز حکومت	مساحۂ مربع کیلومتر	نفوس	مرکز	ملاحظات
هانکانگ	آسیا	امپراطوری برطانیه	۱٬۰۱۲	۸۴۹٬۷۵۱	وکتوریه	در ساحل چین
هانگری (مجارستان)	اروپا	شاهی	۹۳٬۰۷۲	۸٬۶۸۸٬۳۴۹	بوداپست.	
هائیتی	امریکه	جمهوری	۲۷٬۴۴۴	۲٬۵۵۰٬۰۰۰	پورتوپرنس	حکومت بدست حبشیان است
هس	اروپا	اتحاد جمهوری جرمنی	۷٬۶۹۲	۱٬۳۴۷٬۲۹۵	دارمستات	
هسپانیه	»	جمهوری	۵۰۳٬۰۷۵	۲۳٬۸۱۷٬۱۷۹	مادرید	
همبرگ	»	شهر آزاد داخل اتحاد جمهوری جرمنی	۴۱۵	۱٬۱۵۲٬۴۸۹	همبرگ	
هند	آسیا	امپراطوری برطانیه	۴٬۶۷۵٬۶۱۶	۳۵۲٬۹۸۶٬۸۸۰	دهلی	خمس اهالی مسلمان است
» برطانوی	»	مستملکه برطانیه	۲٬۸۳۳٬۵۱۰	۲۷۰٬۵۶۱٬۳۵۳	دهلی	
» پرتگالی	»	» پرتگال	۳٬۸۰۷	۵۷۹٬۹۶۹	نیوگوا	
» چینی فرانسوی	»	تحت حمایۂ فرانسه	۷۴۱٬۲۵۰	۲۱٬۵۹۹٬۵۸۳	سیگون	
» ریاستی	»	تحت حمایۂ برطانیه	۱٬۸۴۲٬۱۰۶	۸۰٬۸۳۸٬۵۲۷		بچندین ریاست های علیحده منقسم است
» فرانسوی	»	مستملکه فرانسه	۵۱۳	۲۹۰٬۴۶۰	پاسیچری	
یاقوتیه	»	اتحاد جماهیر اشتراکیه شورائیه	۲٬۹۰۰٬۰۰۰	۳۱۲٬۵۰۰	یاکوتسک	
یمن	»	امام	۶۲٬۰۰۰	۱٬۰۰۰٬۰۰۰	صنعا	
یوروگوی	امریکه جنوبی	جمهوری	۱۸۶٬۹۲۶	۱٬۹۴۱٬۳۹۸	مانتی ویدیو	
یوکاتان	امریکه شمالی	»	۳۸٬۵۰۸	۳۸۶٬۰۹۶	میریدا	یکی از حصص مکسیکو
یوکون	» »	امپراطوری برطانیه	۵۳۶٬۳۰۵	۳۸۴٬۷۹۰	داسن	
یوگندا	افریقه	تحت حمایۂ برطانیه	۲۴۳٬۹۷۳	۳٬۵۰۳٬۵۳۴	انتبی	
یوگوسلاویه	اروپا	شاهی	۲۴۸٬۶۶۵	۱۳٬۹۳۰٬۹۱۸	بلغراد	
یونان	»	جمهوری	۱۳۰٬۱۹۹	۶٬۴۸۰٬۰۰۰	ایتهنز (آتنه)	
یونائیتد کنگدم	»	شاهی.	۲۴۱٬۸۰۰	۴۴٬۷۹۰٬۴۸۵	لندن	

جزائر

مملکت	قطعهٔ برو بحر	طرز حکومت	مساحهٔ مربع کیلومتر	نفوس	مرکز	ملاحظات
آزور	بحر اتلانتیک	مستملکات پرتگال	۲ر۵٦۵	۲۵۳ر۵۹٦	پونتاویل گارا	قریب ساحل افریقه شمالی
آستریلیا	اوقیانوسیه	امپراطوری برطانیه	۷ر٦۳۵ر۹٦۸	٦ر۳۷٦ر۸۹٦	کانبرا	
اسپنشن	افریقه	مستملکه برطانیه	۸۸	۲۲۰	جورج تائون	
الدرنی	اروپا	«	۸	۲ر۷۰۰	سنت این	
انتی گوا	جزائر غرب الهند امریکه	امپراطوری برطانیه			سینت جوهن	رجوع شود بجزائر لیورد
اندمان و نیکوبار	آسیا	« «	۸ر۱٤۰	۲۹ر٤٦۳	پورت بلیئر	مربوط هند برطانوی
اورکنی	اروپا	امپراطوری برطانیه	۹۷۵	۲٤ر۱۰۹	کرکوال	
باربه دوس	غرب الهند امریکه	امپراطوری برطانیه	٤۳۰	۱۷۳ر٦۷٤	برج تائون	
بالیارات	اروپا	مستملکه هسپانیه	۵ر۰۱٤	۳۷۵ر۱۰۱	پاما	
بحرین	آسیا	شیخ تحت اسداد برطانیه	۵۵۲	۱۲۰ر۰۰۰	منامه	در بحر عمان
برطانیه	اروپا	شاهی	۲۲۸ر۲۷۵	٤٤ر۷۹۰ر٤۸۵	لندن	
برموداس	امریکه شمالی	امپراطوری برطانیه	٤۹	۲۷ر۷۸۹	هیملتن	
بسمارک	اوقیانوسیه	امپراطوری برطانیه	٤۰ر۲۰٦	۱۸۸ر۰۰۰	راباول	
بورنیو برطانوی (بورنیوی شمالی)	آسیا	امپراطوری برطانیه	۸۰ر۵٦۱	۲۷۰ر۲۲۳	سنداکان	از جزائر شرق الهند
بهاما	جزائر غرب الهند امریکه		۱۱ر٤۰٦	٦۲ر۰۰۰	ناسو	
پاپوا	اوقیانوسیه	امپراطوری برطانیه	۲۳٤ر۷۷۰	۲۷٦ر۱۵۲	پورت مورسبی	
پیرم	آسیا	مستملکه برطانیه	۱۳	۱ر۷۰۰	پیرم	مربوط بعدن
پرنسیپی و سنت توماس	افریقه	مستملکه پرتگال	۹٤٤	٦۳ر۸٤۹	ساؤ تومی	
پرنس ادورد	امریکه شمالی	امپراطوریت برطانیه	۵ر٦۵٦	۸۸ر۰۳۸	شارلت تاؤن	
ترستان دا کنها	بحر اتلانتیک	مستملکه برطانیه	۱۳۵	۲۰۹	اون برك	

مملکت	قطعهٔ روبحر	طرز حکومت	مساحه مربع کیلومتر	نفوس	مرکز	ملاحظات
ترك	امریکهٔ شمالی	مستملکه برطانیه	٤٢٩	٤٬٨٨٦	گراند ترك	ازجزائر غرب الهند
تاهیتی	اوقیانوس	« فرانسه	٤٬٠٠٠	٣٩٬٩٢٠	پاپیته	اوقیانوسیای فرانسوی
ترینیدادوتوباگو	امریکه	امپراطوری برطانیه	٥٬١١٧	٤١٢٬٧٨٣	پورت آسپین	
تسمانیا	اوقیانوسیه	« «	٦٧٬٨٩٤	٢٢٧٬٤٧٣	هوبارت	
تمور	آسیا	مستملکه پرتگال	١٨٬٩٨٩	١٬١٤٦٬٦٦٠	دلی	قسمت مستملکهٔ پرتگال و قسمتی مستملکه هولند
تونگا	اوقیانوسیه	تحت حمایهٔ برطانیه	١٬٠١١	٢٩٬٤٣٩	نوکوآلوفا	جزائر فرندلی هم میگویند .
جاپان	آسیا	امپراطوری	٣٨٢٬٠٧١	٦٤٬٤٥٠٬٠٠٥	توکیو	
جرسی	اروپا	مستملکه برطانیه	١١٧	٥٠٬٤٥٥	سنت هیلیر	
جمیکا	امریکه	امپراطوری برطانیه	٢٣٬٧٥٠	١٬٧٢٧٬٠٠١	کنگستن	
چینل آی لیندز	اروپا		٢٢٢	٩٣٬٠٦١	سنت هیلیرز	دررودبار انگلستان واقع است
دومه نیکا	امریکا	جمهوری	٤٨٬٧١١	١٬٢٠٠٬٠٠٠	سان تودومینکو	ازجزائر غرب الهند
ری یونین	افریقه	مستملکه فرانسه	٢٬٥١٢	١٩٧٬٩٣٣	سن پیر	
زنجبار	«	سلطان تحت حمایهٔ برطانیه	٢٬٦٤٢	٢٣٥٬٤٢٨	زنجبار	
ساردینیا	اروپا	شاهی ایطالیا	٢٤٬٠٩٠	٩٧٣٬١٢٥	کاگلیاری	
سالومون (سلیمان)	اوقیانوسیه	طوایف الملوك تحت حمایهٔ برطانیه	٣٧٬٨٥٨	٩٤٬٠٦٦		مرکز معین ندارد
ساموآ غربی		تحت انتداب برطانیه	٢٬٩٣٤	٤٦٬١٥٠	آپیا	
سان پیر	امریکهٔ شمالی	مستملکه فرانسه	١٤١	٤٬٠٣٠	سان پیر	
سایبریای جدید	آسیا	« اتحاد جماهیر اشتراکیهٔ شورائیه	٢٩٬٠٠٠			
سای مان	امریکهٔ شمالی	مستملکه برطانیه	٢٧٣	٥٬٩٨٧		مربوط بجزیرهٔ جیمکا
سپتز برجن	اروپا	ناروی	٦٣٬٠٩٥	١٬٠٦٣	لانگ هرباتن	
سخالین جنوبی (کارافوتو)	آسیا	مستملکه جاپان	٣٦٬٠٩٠	٢٩٥٬١٩٦	توریوهارو	
سسلی	اروپا	شاهی ایطالیائی	٢٥٬٧٣٨	٤٬٢٦٨٬١١٦	بلرمو	
سقوطره	افریقه	مستملکهٔ سلطان قشن تحت حمایهٔ برطانیه	٣٬٥٧٦	١٢٬٠٠٠	تاماریدا	
سماترا	آسیا	مستملکه هالیند	٤٢٣٬٠٣٥	٨٬٢٣٨٬٥٧٠	بنکولن	
سنت هیلینا	افریقه	امپراطوری برطانیه	١٢٢	٣٬٩٤٧	جیمز تائون	محبس و محل موت ناپولیون
سوسائیتی	اوقیانوسیه	مستملکهٔ فرانسه	٣٬٩٤٠	٣٩٬٩٢٠	پاپیته	
سیشیلیز	افریقه	برطانیهٔ	٤٠٤	٢٨٬٢١٧	وکتوریا	
سیلون (سراندیب) لنکا	آسیا	امپراطوری برطانیه	٦٥٬٦٠٨	٥٬٣٠٦٬٨٧١	کولومبو	جزیره‌ایست بجنوب هند

مملکت	قطعه بر و بحر	طرز حکومت	مساحهٔ مربع کیلومتر	نفوس	مرکز	ملاحظات
می لج بیز	آسیا	مستملکهٔ هولیند	١٢٠٬٠٠٠	٤٬٢٢٦٬٥٨٦	مکاسر	ازجزائرشرق الهند
شیتلیند	اروپا	شاهی برطانیه	١٬٤٢٦	٢٥٬٥٢٠	لرویك	
غرب بحرالکاهل	بحرالکاهل	تحت حمایهٔ برطانیه	٣٠٬٨٠٥	١٥٣٬٢٣١	اوشن آیلند	
فاك لیند	امریکهٔ جنوبی	امپراطوری برطانیه	٣٬٠٠٠٬٠٠٠	٣٬١٠١	ستیلی	
فرانز جوزف	اروپا	مستملکهٔ اتحاد جماهیر اشتراکیهٔ شورائیه	٢١٬٠٠٠	٢٠		درمنطقهٔ منجمدهٔ شمالی واقع بوده غیرآباد است
فورموسا (تائی وان)	آسیا	جاپان	٣٥٬٩٧٤	٤٬٥٩٤٬١٦١	تای، هوکو	
فیرو	اروپا	دنمارك	١٬٤٠٠	٣١٬٣٥٢	تارزمان	
فیجی	اوقیانوسیه	امپراطوریت برطانیه	١٨٬٣٤٤	١٨٥٬٥٧٣	سووا	
قبرس	آسیا	«	٩٬٢٨٢	٣٤٧٬٩٥٩	نکوسیا	ازجزایرمدیترانه.
قطب جنوبی		امپراطوریت برطانیه				درمنطقهٔ جنوبی واقع بوده غیر مسکون است.
کریت	اروپا	یونان	٨٬٢٨٦	٣٤٥٬١٤٩	کاندیا	جزیره
کریلیا	آسیا	اتحاد جماهیر اشتراکیهٔ شورائیه	١٤٦٬٩١٥	٢٩٠٬٨٠٠	تروزاوودسك	
کوراکائو	امریکه	هولیند	١٬١٣٠	٧٦٬٢٩٩	ولیم ستاد	ازجزائرغرب الهند
کورسیکا	اروپا	فرانس	٨٬٧٣٠	٢٨٩٬٨٩٠	اجاك سیو	
کوکوس	آسیا	مستملکهٔ برطانیه	٢ و نیم	١٬١٤٢	کیلنگ	درجزائرشرق الهند
کیپ ورد	افریقه	پرتگال	٣٬٨٤٥	١٥٣٬٧٣٨	پرایا	
کوریا موریا	آسیا	مستملکهٔ برطانیه	٧٥	١٠٠	کوریا موریا	
کومور	افریقه	فرانسه	٢٬١٦٧	١٢٦٬٢٠٨	روزی	در بحر هند
کینیری	بحر اتلانتیك	هسپانیا	٧٬٢٧٣	٥٦٤٬٨٧٣	سان تاکروز دوتی تیرف	
کیوبا	امریکه	جمهوری	١١٤٬٥٢٤	٣٬٧٦٧٬١٩٢	یادانا	ازجزائرغرب الهند
لابوآن	آسیا	مستملکهٔ برطانیه	٧٣	٧٬٥٠٦	وکتوریه	جزائرشرق الهند
لکادیو	«		١٬٩٢٧	١٦٬٠٤٦	محل	مربوطهٔ مدراس
لیورد	امریکه	امپراطوری برطانیه	١٬٨٦٢	١٢٦٬٤٠٠	انتیکوا	ازجزائرغرب الهند
مارتی نیك	امریکهٔ شمالی	مستملکهٔ فرانسه	٩٨٧	٢٣٤٬٦٩٥	فوردوفرانس	« « «
ماریشس	افریقه	برطانیه	١٬٨٦٥	٤٠٥٬٥٤٩	پورت لوئی	
مالتا	اروپا	مستعمرهٔ برطانیه	٣١٦	٢٤٤٬٠٠٢	ویلیتا	
مالدیو	آسیا	امپراطوری تحت حمایهٔ برطانیه	٢٩٨	٧٠٬٤١٣	مالی	

مملكت	قطعهٔ بر	طرز حكومت	مساحهٔ مربع كيلومتر	نفوس	مركز	ملاحظات
مدغا سكر	افريقه	مستملكهٔ فرانسه	٦٢٧٫٣٣٧	٣٫٧٠١٫٧٧٠	تا نا ناريو	جزيره،نصف اهالى آن مسلمان است
مديرا	«	« پرتگال	٧٣٩	٢٢٦٫٢١٠	فون چال	
ملا كا	آسيا	« هولند	٧٥٥٫٤٧٥	٤٢٧٫٢١١	ترنيت	
ميكولان	امريكه شمالى	« فرانسه	٢١٥	٤٩	سن پير	
مين مان	اروپا	شاهى برطانيه	٥٧٢	٦٠٫٢٣٨	دگلس	
مان كوچو		تحت انتداب جاپان	٢١٤٩	٦٩٫٦٢٦	كورول	
ناورو	اوقيانوسيه	تحت انتداب برطانيه	٢١	٢٫٣١٦		
نوازيملا	اروپا	مستملكه شوراتى	٩٢٠٫٠٠٠	١٠٠		
نورفورك			٣٦	٩٩٢	كنگستن	
نوواسكوشيا	امريكه شمالى	امپراطورى برطانيه	٥٥٫٤٩٦	٥١٢٫٨٤٦	هلى فيكس	
نيكوبار واندمان	آسيا	«	٨٠٫١٤٠	٢٩٫٤٦٣	پورت بلير	از ولايات هند
نيكولاى ثانى	اروپا	مستملكه شوروى	٦٠٠	٤		
نيوزيلند	اوقيانوسيه	امپراطورى برطانيه	٢٦٩٫٣٩٦	١٫٥٤١٫٢٧٦	ويلنگتن	
نيوفوندلينڈ	امريكه شمالى	مستعمرهٔ برطانيه	١١٠٫٦٧٧	٢٨١٫٢٦٤	سندجان	
نيوكيلدونيا	اوقيانوسيه	مستملكه فرانسه	١٨٫٤٩٩	٦٢٫٩١٩	نوميا	
نيوگنى برطانوى	«	تحت انتداب برطانيه	٢٤٠٫٨٦٠	٣٩٦٫٩٥٨	راباپول	
نيوهبريدى	اوقيانوسيه	تحت الحمايهٔ فرانسه و برطانيه	١٣٫٢٢٤	٥١٫٠٠	ويلا	
ورانگل	آسيا	مستملكه شوراتى	٤٫٦٩٠	٦٠		
وندورد	امريكه	امپراطورى برطانيه	١٫٣٣٥	١٨٨٫٤٣٩	ست جارجز	
هانكانگ	آسيا	امپراطورى برطانيه	١٫٠١٢	٨٤٩٫٧٥١	ويكتوريه	در ساحل چين
هاهيتى	امريكه	جمهورى	٢٧٫٤٤٤	٢٫٥٥٠٫٠٠٠	پورتوپرنس	حكومت بدست حبشيان است

ولایات ممالك جماهیر متحده امریکا
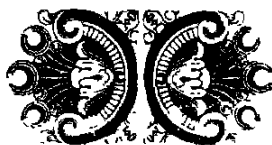
مملکت	قطعهٔ بر	طرز حکومت	مساحهٔ مربع کیلومتر	نفوس	مرکز	ملاحظات
آرکانساس	امریکه	جمهوری	١٣٨٬١٣٢	١٬٨٥٤٬٤٨٢	لتل راك	یکی ازجماهیر متحدهٔ امریکه
آریزونا	»	»	٢٩٥٬١٣٤	٤٣٥٬٥٧٣	فونکس	» » » » »
آیودا	»	»	١٤٥٬٢١٠	٢٬٤٧٠٬٩٣٩	دی موین	» » » »
اداهو			٢١٧٬٢٦١	٤٤٥٬٠٣٢	بویز	» » » » »
الاباما		»	١٠٥٬١٤٥	٢٬٦٤٦٬٢٤٨	موت گومری	» » » » »
الاسکا		»	١٬٦١٨٬٧١٤	٥٩٬٢٧٨	جونو	ازایالات» » »
الی نوئس	»	»	١٤٦٬٧٥٦	٧٬٦٣٠٬٦٥٤	اسپرنگ فیلد	یکی از » » »
اندیانا			٩٤٬ ٥٣	٣٬٢٣٨٬٥٠٣	اندیاناپولس	» » » » »
اوته			٢٢٠٬١١٥	٥٠٧٬٨٤٧	سالت لیك سی	» » » » »
اوری گون		»	٢٥٠٬٤٤٠	٩٥٢٬٧٨٦	سیلم	» » » » »
اوکلاهوما		»	١٨١٬٤٤٠	٢٬٣٩٦٬٠٤٠	اوکلاهوما	» » » » »
اوهایو			١٠٦٬٢٨٩	٦٬٦٤٦٬٦٩٧	کولمبس	» » » » »
پنسلوانیا			١١٦٬٨٧٢	٩٬٦٣١٬٣٥٠	هریس برگ	» » » » »
پورتوریکو			٨٬٨٩٦	١٬٥٤٣٬٩١٣	سان یوان	مستملکه » »
تکساس			٦٨٨٬٦٤٣	٥٬٨٢٤٬٧١٥	آستن	یکی از » » »
تنی سی			١٣٤٬٦٦٩	٢٬٦١٦٬٥٥٦	نیش ویل	» » » »
جزایر بیرنگ	»		٣٧٬٨٤٠	١٬١١٦	اونالاچکا	مستملکه» » »
جورجیا			١٥٣٬٤٩٠	٢٬٩٠٨٬٥٠٦	اتلانتا	یکی از » » »
دیلاویر			٦٬١٣٨	٢٣٨٬٣٨٠	دوور	» » » » »
رود آیلند			٣٬٢٣٢	٦٧٨٬٤٩٧	پراویدنس	» » » »
ساموآ	اوقیانوسیه	»	١٩٧	١٠٬٢٠٤	پاگوپاگو	مستملکه » »
ساؤت داکوتا (داکوتای شمالی)	امریکه	»	٢٠١٬٠١٥	٦٩٢٬٨٤٩	سپارك	یکی از » » »
ساؤت کارولینا (کارولینای جنوبی)	»		٨٠٬٢٥٨	١٬٧٣٨٬٧٦٥	کولمبیا	» » » »
فلوریدا	»		١٥١٬٩٣٩	١٬٤٦٨٬٢١١	تالاهاسی	» » » » »
فیلیپین (جزایر)	آسیا		٢٩٦٬٢٨٥	١٢٬٢٠٤٬١٠٠	مانیلا	مستملکه » »
کالیفورنیا	امریکه	»	٤٠٩٬٩٧٣	٥٬٦٧٧٬٢٥١	سکرامنتو	یکی از » » »
کانال پاناما			١٬٤٢٢	٣٠٬٧٤٥	بالبوا	مستملکه» » »
کانساس			٢١٢٬٧٨٠	١٬٨٨٠٬٩٩٩	توپیکا	یکی از » » »
کانکتیکت		»	١٢٬٨٥٩	١٬٦٠٦٬٩٠٣	هارت فورد	» » » » »
کنتکی			١٠٨٬٨٣٣	٢٬٦١٤٬٥٨٩	فرانکفورت	» » » » »
کولمبیا			١٨١	٤٨٦٬٨٦٩	واشنگتن	مستقیماً تحت ادارهٔ رئیس جمهور امریکه میباشد .

مملکت	قطعهٔ بر	طرز حکومت	مساحه مربع کیلومتر	نفوس	مرکز	ملاحظات
کولوریدو	»	»	۲۶۹ر۲۱۴	۱ر۰۳۵ر۷۹۱	دن ور	یکی از جماهیر متحدهٔ امریکه
کوآم (جزیره)	اوقیانوسیا	»	۵۳۴	۲۰ر۸۵۵	آگانا	مستملکه » »
لیوزیانا	امریکه	»	۱۲۵ر۶۲۵	۲ر۱۰۱ر۵۹۳	بتن	یکی از » »
ماساچوستس	»	»	۲۱ر۴۰۸	۴ر۲۴۹ر۶۱۴	بوستن	» » » » »
مسوری	»	»	۱۷۹ر۷۹۰	۳ر۶۲۹ر۳۶۲	جیفرسن	» »
مشی‌گن	»	»	۱۵۰ر۱۶۲	۴ر۸۴۲ر۳۲۵	لنسنگ	» » » » »
مونتانا	»	»	۳۸۰ر۷۰۶	۵۳۷ر۶۰۶	هلینا	» » » »
میری‌لیند	»	»	۳۱ر۹۲۶	۱ر۶۳۱ر۵۲۶	اناپولس	» » » » »
میسس‌سپی	»	»	۱۲۱ر۳۷۵	۲ر۰۰۹ر۸۲۱	جیکسن	» » » » »
مین	»	»	۸۵ر۵۷۰	۷۹۷ر۴۲۳	آگستا	» » » »
مینی سوتا	»	»	۲۱۹ر۳۱۷	۲ر۵۶۳ر۹۵۳	سنت پال	» » » »
نارت داکوتا (داکوتای شمالی)	»	»	۱۸۳ر۴۶۰	۶۸۰ر۸۴۵	بمر	» » » »
نارت کارولینا (کارولینای شمالی)	»		۱۳۵ر۷۸۷	۳ر۱۷۰ر۲۷۶	رلی	» » »
نبراسکه	»	»	۲۰۰ر۷۶۹	۱ر۳۷۷ر۹۶۳	لنکن	» » » »
نیوادا	»	»	۲۸۶ر۶۷۵	۹۱ر۰۵۸	کارسن سی	» » » »
نیوجرسی	»	»	۲۱ر۲۹۹	۴ر۰۴۱ر۳۶۴	ترن تن	» » » » »
نیومکسیکو	»		۳۱۷ر۶۰۹	۴۲۳ر۳۱۷	ساتافی	» » » »
نیوهمپ شایر	»		۲۴ر۱۹۲	۴۶۵ر۲۹۳	کانکارد	» »
نیویارک	»	»	۱۲۷ر۴۳۳	۱۲ر۵۸۸ر۰۶۶	البنی	» » »
واشنگتن	»	»	۱۷۹ر۰۳۲	۱ر۵۶۳ر۳۹۶	اولمپیا	» » » »
وایمنگ	»		۲۵۳ر۵۸۷	۲۲۵ر۵۶۵	چی ان	» » » » »
ورجن (جزایر)	»	»	۳۴۴	۲۲ر۰۱۲	سنت تامس	مستملکهٔ » »
ورجینیا	»	»	۱۱۰ر۳۹۹	۲ر۴۲۱ر۸۵۱	رچمند	یکی از » » »
ورمانت	»	»	۲۴ر۷۷۰	۳۵۹ر۶۱۱	مونت پیلیا	» » » » »
وس کانسن	»	»	۱۴۵ر۲۰۵	۲ر۹۳۹ر۰۰۶	میدیسن	» » » » »
ویست ورجینیا (ورجینیای غربی)	»		۶۲ر۵۹۸	۱ر۷۲۹ر۲۰۵	چارلسن	» » » »
هوائی (جزائر)	»	»	۱۶ر۵۹۳	۳۸۰ر۵۰۷	هونولولو	» » » » »

نفوس شهر های بزرگ عالم

اسم شهر	مملکت	نفوس
لندن	برطانیه	٧ر٧٤٢ر٢١٢
نیویارك	جماهیر متحدهٔ امریکه	٦ر٩٣٠ر٤٤٦
توکیو	جاپان	٥ر٣١١ر٠٠٠
برلین	جرمنی	٤ر٢٨٨ر٣١٤
پاریس	فرانس	٣ر٧٧٣ر٠٠٠
شیکاگو	امریکه	٣ر٣٧٦ر٤٣٨
ماسکو	اتحاد جماهیر اشتراکیهٔ شورائیه	٢ر٧٨١ر٣٠٠
اوساکا	جاپان	٢ر٤٥٣ر٥٧٣
لینن گراد	اتحاد جماهیر اشتراکیهٔ شورائیه	٢ر٢٢٨ر٣٠٠
بوینس آیرس	ارجنتاین	٢ر٢١٤ر٧٠٠
فیلادلفیا	امریکه	١ر٩٥٠ر٩٦١
ویانا	آستریا	١ر٨٦٨ر٣٢٨
دی ترایت	جماهیر متحدهٔ امریکه	١ر٥٦٨ر٦٦٢
شنگهائی	چین	١ر٥٣٩ر٠٠٠
هانکاو	»	١ر٥٠٠ر٠٠٠
کلکته	هند	١ر٤٨٥ر٥٨٢
پیکن	چین	١ر٢٩٧ر٧١٩
سدنی	آسترلیا	١ر٢٦٢ر٤٤٠
لاس انجلس	امریکه	١ر٢٣٨ر٠٤٨
وارشاو (وارسا)	پولیند	١ر١٧٨ر٢١١

نفوس شهر های بزرگ عالم

اسم شهر	مملکت	نفوس
بمبائی (بمبئی)	هند	١٬١٦١٬٣٨٣
رایودی جنیرو	برازیل	١٬١٥٧٬٨٧٣
گلاسکو	اسکاتلند	١٬٠٨٨٬٤١٧
همبرگ	جرمنی	١٬٠٧٩٬٠٩٢
هانکانگ	چین	١٬٠٧٥٬٦٩٠
قاهره	مصر	١٬٠٦٤٬٥٦٧
ملبورن	آستریلیا	١٬٠٢٨٬٣٠٠
روما	ایطالیا	١٬٠٠٨٬٠٨٣
بوداست	مجارستان (هنگری)	١٬٠٠٦٬١٤٠
برمنگهم	برطانیه	١٬٠٠٢٬٤١٣
هانچاو	چین	١٬٠٠٠٬٠٠٠
استانبول	ترکیه	١٬٠٠٠٬٠٠٠

بندرگاهاي بزرگ بحری عالم

اسم بندرگاه	مملکت	طرفیت جهارات وارده	
نیویارك	امریکه	۲۶ر۶۴۷ر۰۰۰	تن
لندن	برطانیه	۲۰ر۱۴۳ر۰۰۰	»
همبرگ	جرمنی	۱۸ر۲۵۳ر۰۰۰	»
انت ورپ	بلجیم	۱۶ر۹۱۵ر۰۰۰	»
راٹر دام	هالند (نیدرلاندز)	۱۴ر۹۳۸ر۰۰۰	»
مارسیلز	فرانسه	۱۳ر۵۸۳ر۰۰۰	»
لیورپول	برطانیه	۱۳ر۰۳۵ر۰۰۰	»
کوبی	جاپان	۱۱ر۹۸۷ر۰۰۰	»
جنوا	ایطالیا	۹ر۶۷۶ر۰۰۰	»
سوتھمٹن	برطانیه	۹ر۲۰۷ر۰۰۰	»
بریمن	جرمنی	۷ر۳۹۹۰۰۰	»

کتابخانه های بزرگ دنیا

اسم کتابخانه	مملکت	تعداد کتب		تفصیلات
کانگریس (شورای ملی) واشنگتن	امریکا	کتب مطبوعه	٤'٦٣٣'٤٧٨	کتابخانهٔ کانگریس (شورای ملی) امریکا که در واشنگتن واقع است از حیث شکوه و عظمت عمارت بزرگترین کتابخانهٔ عالم است و تنها زمینی که داخل عمارت مذکور است ٧ و نیم جریب بوده و مبلغ ٧٠ ملیون افغانی در آبادی این بنا بمصرف رسیده است .
		نقشه	١'١٠٠'٤٢٨	
		تصاویر	٥٢٤ ' ٣٢١	
		کتب چینی	١٥٣'٤٨٩	
		« جاپانی	١٤ ' ٣٥٣	
		مجموعهٔ کل	٧'٧٠٧'٢٩٦	
ملی پاریس	فرانس	کتب مطبوعه	٤'٠٠٠'٠٠٠	
		کتب چینی	٢٠'٠٠٠	
		کتب قلمی	١٢٥'٠٠٠	
		مسکوکات و نشانها	٢٠٥'٠٠٠	
		تصاویر	٣'٠٠٠'٠٠٠	
		مجموعهٔ کل	٧,٣٥٠'٩٠٠	
لینن گراد	روسیه	کتب	٤'٨٣٢'٩٤٨	
		رسائل	٣٣١'١٠٠	
		مجموعه	٥'١٦٤'٠٤٨	
یونیورستی نیویارك	امریکا	کتب	٤'٨٦١'٠٥٧	
یونیورستی ماساچوستس	«	کتب	٤'٨٣٢'٦٨١	

اسم کتابخانه	مملکت	تعداد کتب		تفصیلات
کتابخانهٔ لینن	روسیه	کتب	۳٬۹۰۰٬۰۰۰	
کتابخانهٔ عمومی	امریکا	کتب	۳٬۰۶۰۸٬۴۲۹	کتابخانهٔ عمومی نیویارك که تنها مصارف عمارت آن بمبلغ ۹۰ ملیون افغانی رسیده است، علاوه بر کتابخانهٔ مرکزی ۶۰ کتابخانهٔ دیگر به‌نقاط مختلفه نیویارك داشته و ازانجمله یك کتابخانهٔ آن وقف نابینایان میباشد که آنها به لمس دست کتب را مطالعه مینمایند.
برتش موریم لندن	انگلستان	کتب مطبوعه	۳٬۲۰۰٬۰۰۰	
		» قلمی	۵۳٬۶۵۰	
		اسناد خطی	۸۵٬۰۰۰	
		مواهیر	۱۸٬۰۰۰	
		پاپیروس	۲٬۸۵۰	
		کتب مطبوعهٔ شرقی	۱۲۰٬۰۰۰	
		» قلمی شرقی	۱۶٬۴۰۰	
		مجموعهٔ کل	۳٬۴۹۵٬۹۰۰	
کتابخانهٔ دولتی پروشیا برلن	جرمنی	کتب مطبوعه	۲٬۲۸۷٬۸۲۱	
		» قلمی	۵۹٬۱۴۷	
		مراسلات خطی	۴۱۶٬۴۱۵	

اسم کتابخانہ	مملکت		تعداد کتب	تفصیلات
		نقشہ جات	۳۷۱٬۸۲۱	
		تصاویر	۲۱۰٬۰۰۰	
		مجموعہ	۳٬۳۴۵٬۲۰۴	
یونیورسٹی الیناویس	ممالک متحدۂ امریکا	کتب	۳٬۳۰۰٬۰۵۰	
یونیورسٹی بنسلوانیا	«	کتب	۲٬۸۱۸٬۲۴۸	
« اوہایو	«	«	۲٬۷۲۰٬۳۴۹	
« کانیکتیکت	«	«	۲٬۳۲۱٬۴۷۴	
« کالیفورنیا	«	«	۲٬۳۰۴٬۰۴۵	
کتابخانۂ ملی ویانا	آستریا	مطبوعہ	۱٬۲۵۰٬۰۰۰	
		رسائل	۱۰۰٬۰۰۰	
		کتب قلمی	۳۵٬۰۰۰	
		کتب مطبوعۂ قدیم	۹٬۰۰۰	
		مراسلات خطی	۶۰٬۰۰۰	
		نقشہ	۱۱۰٬۰۰۰	
		تصویر	۲۰۰٬۰۰۰	
		پاپیروس	۹۶٬۰۰۰	
		مجموعہ	۱٬۷۰۶٬۰۰۰	
کتابخانۂ دولتی بوبریا میونخ	جرمنی	کتب مطبوعہ	۱٬۶۷۰٬۰۰۰	
		کتب خطی	۵۰٬۰۰۰	
		مجموعہ	۱٬۷۲۰٬۰۰۰	
یونیورسٹی کیمبرج	انگلستان	کتب مطبوعہ	۱٬۲۵۰٬۰۰۰	
		کتب قلمی	۱۰٬۰۰۰	

اسم کتابخانه	مملکت		تعداد کتب	تفصیلات
		نقشه	۱۷۵٬۰۰۰	
		مجموعه	۱٬۴۳۵٬۰۰۰	
یونیورستی ستراسبورگ	جرمنی	کتب مطبوعه	۱٬۳۰۰٬۰۰۰	
		سائر اشیا	۱۰۰٬۰۰۰	
		مجموعه	۱٬۴۰۰٬۰۰۰	
کتابخانهٔ ملی میدرید	هسپانیا	کتب مطبوعه	۱٬۲۱۰٬۵۲۰	
		" " قدیم	۲٬۴۱۲	
		" قلمی	۳۰٬۱۷۲	
		اسناد خطی	۲۰٬۴۷۰	
		تصاویر قلمی	۳۰٬۰۰۰	
		تصاویر مطبوعه	۱۰۱٬۲۰۰	
		مجموعه	۱٬۳۹۴٬۷۷۴	
یونیورستی مسوری	جمهیر متحدهٔ امریکا	کتب	۱٬۲۴۴٬۷۹۵	
یونیورستی آکسفورد	انگلستان	کتب مطبوعه	۱٬۲۵۰٬۰۰۰	
		کتب قلمی	۴۰٬۰۰۰	
		مجموعه	۱٬۲۹۰٬۰۰۰	
" میشیگن	جمهیر متحدهٔ امریکا	کتب	۱٬۲۷۶٬۷۰۹	
" امستردام	هالند	کتب مطبوعه	۸۰۰٬۰۰۰	
		رسائل	۴۰۰٬۰۰۰	
		کتب و مکاتب قلمی	۶۰٬۰۰۰	
		مطبوعات قدیم	۲۰۰	
		مجموعه	۱٬۲۶۰٬۲۰۰	
" تکساس	جمهیر متحدهٔ امریکا	کتب	۱٬۲۲۰٬۷۸۶	
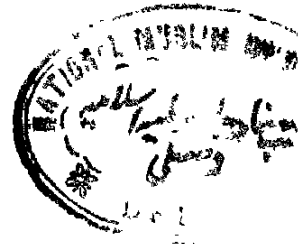
اسم کتابخانه	مملکت		تعداد کتب . تفصیلات
کتابخانهٔ حربی پاریس	فرانسه	کتب مطبوعه	۱٫۰۷۰٫۰۰۰
		« قلمی	۱۱٫۷۰۰
		تصاویر مطبوعه	۱۲۰٫۰۰۰
		کتب مطبوعه قدیم	۲٫۰۰۰
		مجموعه	۱٫۲۰۴٫۲۰۰
یونیورستی ونکانسن	جماهیر متحدهٔ امریکا	کتب	۱٫۲۰۲٫۱۸۸
کتابخانه شاهی (بروسلز)	بلجیم	کتب مطبوعه	۸۰۰٫۰۰۰
		« قلمی	۳۱٫۲۰۰
		نقشه	۳۴٫۶۰۰
		تصاویر مطبوعه	۲۶۷٫۷۰۰
		مسکوکات و نشانها	۵۴٫۰۰۰
		مجموعه	۱٫۱۸۷٫۵۰۰
یونیورستی منسوته	جماهیر متحدهٔ امریکا	کتب	۱٫۱۷۰٫۰۴۸
کتابخانهٔ ملکتی ستوت گرت	جرمنی	کتب مطبوعه	۷۷۷٫۳۲۲
		رسائل	۲۷۳٫۶۴۳
		کتب قلمی	۲٫۸۶۲
		« مطبوعه قدیم	۴٫۶۶۹
		مجموعه	۱٫۰۶۵٫۸۲۶
یونیورستی آیووا	جماهیر متحدهٔ امریکا	کتب	۱٫۰۵۸٫۲۵۷
« ویانا	استریا	«	۱٫۰۵۰٫۰۰۰
« میونخ	جرمنی	« مطبوعه	۹۰۰٫۰۰۰

اسم کتابخانه	مملکت	تعداد کتب		تفصیلات
		کتب خطی	٣ر٥٠٠	
		تصاویر قلمی	٤ر٥٠٠	
		مجموعه	٩٠٧ر٥٠٠	
کتابخانهٔ شاهی کوپن هاگن	دنمارک	کتب مطبوعه	٨٥٠ر٠٠٠	
		" قلمی	٣٠ر٠٠٠	
		" مطبوعهٔ قدیم	٤ر٠٠٠	
		مجموعه	٨٨٤ر٠٠٠	
کتابخانهٔ ملی استاکهلم	سویدن	کتب مطبوعه	٨١٥ر٠٠٠	
		" قلمی	٣ر٢٠٠	
		مجموعه	٨١٨ر٢٠٠	

احصائیهٔ قوهٔ برق آبشار های دنیا

مملکت	قوهٔ آبشار ها — بکار انداخته شده (قوهٔ اسپ)	بکار انداخته نشده (قوهٔ اسپ)
آسیا :		
افغانستان	۲٫۰۰۰	۵۰۰٫۰۰۰
ایران	۰	۲۰۰٫۰۰۰
ترکیه	۵۰۰	۵۰۰٫۰۰۰
جاپان	۳٫۵۰۰٫۰۰۰	۶٫۰۰۰٫۰۰۰
چین	۱٫٦۵۰	۲۰٫۰۰۰٫۰۰۰
عرب	۲۵٫۰۰۰	٤٫۰۰۰٫۰۰۰
سیام	۱٦٫۰۰۰	غیر معلوم
کوریا (چوسن)	۹۰٫۰۰۰	۵۰۰٫۰۰۰
ممالک آسیائی اتحاد جماهیر شورائیه اشتراکیه	۹۱٫۰۰۰	۸٫۰۰۰٫۰۰۰
هند	۳۰۰٫۰۰۰	۲۷٫۰۰۰٫۰۰۰
هند چین فرانسوی	۰	٤٫۰۰۰٫۰۰۰
مجموع	٤٫۰۲٦٫۱۵۰	۷۰٫۷۰۰٫۰۰۰
افریقا :		
ابی سینیا (حبشه)	۰	٤٫۰۰۰٫۰۰۰
اتحاد افریقهٔ جنوبی	۷٫۰۰۰	۱٫٦۰۰٫۰۰۰
افریقهٔ جنوب غربی برطانوی	۰	۱۵۰٫۰۰۰
افریقهٔ شرقی «	۳٫۲۰۰	٤٫۷۰۰٫۰۰۰
افریقهٔ شرقی پرتگیز	۰	۳٫۷۰۰٫۰۰۰
افریقهٔ وسطی برطانوی	۰	۱٫۲۰۰٫۰۰۰
الجزایر	۱۳۰	۲۰۰٫۰۰۰
انگولا	٤٫۰۰۰	٤٫۰۰۰٫۰۰۰
ای ریطریا	۰	ناقابل اعتنا
بی چوا نالند	۰	۲۰٫۰۰۰
تانگانیاکا	۸۰۰	۲٫۷۰۰٫۰۰۰

مملکت	قوهٔ آبشارها بکار انداخته شده (قوهٔ اسپ)	قوهٔ آبشارها بکار انداخته نشده (قوهٔ اسپ)
تونس	۰	۳۰ر۰۰۰
داهومی و آوری کوست (ساحل عاج)	۰	۱ر۴۵۰ر۰۰۰
رایودو اورو	۰	ناقابل اعتنا
رودیشیا	۲ر۵۰۰	۲ر۵۰۰ر۰۰۰
سودان فرانسوی	۰	۱ر۰۰۰ر۰۰۰
سومال ایطالوی	۰	ناقابل اعتنا
سومال برطانوی	۰	» »
سیرالیون	۰	۱ر۷۰۰ر۰۰۰
سنگال	۰	۲۵۰ر۰۰۰
طرابلس	۰	ناقابل اعتنا
طنجه	۰	۵۰ر۰۰۰
کانگوی بلژیک	۱۵ر۲۵۰	۹۰ر۰۰۰ر۰۰۰
کانگوی فرانسوی	۰	۳۵ر۰۰۰ر۰۰۰
کیمرون	۰	۱۳ر۰۰۰ر۰۰۰
گامبیا	۰	ناقابل اعتنا
گینی پرتگالی	۰	
گینی فرانسوی	۰	۲ر۰۰۰ر۰۰۰
گولد کوست (ساحل طلا)	۰	۱ر۴۵۰ر۰۰۰
لایبریا	۰	۴ر۰۰۰ر۰۰۰
مداغاسکار (جزیره)	۱۰۰	۵ر۰۰۰ر۰۰۰
مراکش	۰	۲۵۰ر۰۰۰
مصر	۰	۶۰۰ر۰۰۰
نایجیریای برطانوی	۰	۹ر۰۰۰ر۰۰۰
مجموع	۳۲ر۹۸۰	۱۸۹ر۵۵۰ر۰۰۰

امریکهٔ جنوبی :

مملکت	بکار انداخته شده	بکار انداخته نشده
ارجنتاین	۳۵ر۰۰۰	۵ر۰۰۰ر۰۰۰
ایکوادور	۶ر۴۰۰	۱ر۰۰۰ر۰۰۰
برازیل	۶۴۰ر۰۰۰	۱۵ر۱۰۰ر۰۰۰
بولیویا	۱۳ر۵۰۰	۲ر۵۰۰ر۰۰۰
پاراگوی	۲۰۰	۲ر۰۰۰ر۰۰۰
پیرو	۵۵ر۰۰۰	۴ر۵۰۰ر۰۰۰
چلی	۱۱۴ر۰۰۰	۲ر۵۰۰ر۰۰۰

مملکت	قوهٔ آبشارها: بکاراندا خته شده (قوهٔ اسب)	بکاراندا خته نشده (قوهٔ اسب)
کولمبیا	٢٣٥ر٠٠٠	٤ر٠٠٠ر٠٠٠
گیانای برطانوی	٠	٢ر٥٠٠ر٠٠٠
گیانای فرانسوی	٠	٥٠٠ر٠٠٠
گیانای هالندی	٠٠	٨٠٠ر٠٠٠
ونزویلا	١٣ر٠٠	٣ر٠٠٠ر٠٠٠
یوروگوی	٠	٣٠٠ر٠٠٠
مجموع	٩٠٢ر١٠٠	٤٣ر٧٠٠ر٠٠٠
امریکهٔ شمالی:		
الاسکا	٣٦ر١٠٠	١ر٠٠٠ر٠٠٠
پاناما	٢٠ر٥٠٠	٥٠٠ر٠٠٠
جزائر عرب الهند	٣٢ر٥٠٠	١٥٠ر٠٠٠
سالوادور	١٥ر١٠٠	٢٠٠ر٠٠٠
کانادا	٦ر١٢٥ر٠٠٠	١٨ر٠٠٠ر٠٠٠
کوستاریکا	٣١ر٤٠٠	١ر٠٠٠ر٠٠٠
گواتی مالا	٢٣ر٠٠٠	١ر٥٠٠ر٠٠٠
مکسیکو	٤٩٤ر٠٠٠	٦ر٠٠٠ر٠٠٠
ممالک متحدهٔ امریکه	١٤ر٨٨٥ر٠٠٠	٣٨ر٠٠٠ر٠٠٠
نکاراگوا	٤٠٠	٨٠٠ر٠٠٠
نیوفاوندلند	١٦٠ر٠٠٠	٤٠٠ر٠٠٠
هاندوراس	٢ر٤٠٠	١ر٠٠٠ر٠٠٠
مجموع	٢١ر٨٢٥ر٤٠٠	٦٨ر٥٥٠ر٠٠٠
اوقیانوسیه:		
آستراليا	٢ر٠٠٠	٦٠٠ر٠٠٠
بورنیو ونیوگینی	٠	٧ر٥٠٠ر٠٠٠
تسمانیه	٧٥ر٠٠٠	٧٠٠ر٠٠٠
جاوا	٦٠ر٠٠	٨٠٠ر٠٠٠
جزایر فیلیپین	٥٠٠	١ر٠٠٠ر٠٠٠
جزایر هوائی	٣٢ر٢٠٠	١٠٠ر٠٠٠
سماترا	٢٠ر٠٠٠	٢٠٠٠ر٠٠٠

مملکت	قوهٔ آبشارها	
	بکار انداخته شده (قوه اسپ)	بکار انداخته نشده (قوه اسپ)
فلپاین	۲۱ر۵۰۰	۱ر۵۰۰ر۰۰۰
نوزیلند	۱۵۷ر۰۰۰	۲ر۵۰۰ر۰۰۰
مجموع	۳۶۸ر۲۰۰	۱۶ر۷۰۰ر۰۰۰

اروپا :

مملکت	بکار انداخته شده (قوه اسپ)	بکار انداخته نشده (قوه اسپ)
آستریا	۷۰۰ر۰۰۰	۱ر۶۶۰ر۰۰۰
آیسلاند	۴ر۰۰۰	۵۰۰ر۰۰۰
اتحاد جماهیر اشتراکیهٔ شوراتیه حصهٔ اروپائی	۳۵۵ر۰۰۰	۸ر۴۲۵ر۰۰۰
استونیا	۱۸ر۸۰۰	۱۲۵ر۰۰۰
البانیا	۱ر۰۰۰	۵۰۰ر۰۰۰
ایطالیا	۴ر۸۴۰ر۰۰۰	۳ر۸۰۰ر۰۰۰
برطانیا	۴۰۰ر۰۰۰	۸۵۰ر۰۰۰
بلجیم	۷ر۰۰۰	نا قابل اعتنا
بلغاریا	۵۰ر۰۰۰	۱ر۲۰۰ر۰۰۰
پرتگال	۴۸ر۰۰۰	۳۰۰ر۰۰۰
پولیند	۹۰ر۰۰۰	۱ر۴۰۰ر۰۰۰
ترکیهٔ اروپائی		نا قابل اعتنا
جرمنی	۲ر۰۰۰ر۰۰۰	۲ر۰۰۰ر۰۰۰
چیکوسلواکیا	۱۵۵ر۰۰۰	۱ر۰۰۰ر۰۰۰
دنمارک	۱۱ر۰۰۰	۲۰ر۰۰۰
رومانیا	۱۰۹ر۰۰۰	۱ر۶۰۰ر۰۰۰
سویتزرلیند	۲ر۳۰۰ر۰۰۰	۲ر۵۰۰ر۰۰۰
سویدن	۱ر۶۷۵ر۰۰۰	۵ر۰۰۰ر۰۰۰
فرانس	۲ر۳۰۰ر۰۰۰	۵ر۴۰۰ر۰۰۰
فلاند	۲۵۰ر۰۰۰	۱ر۸۰۰ر۰۰۰
لاتویا ولتوینیا	۵ر۰۰۰	۱۰۰ر۰۰۰
مجارستان	۳ر۰۰۰	۱۷۵ر۰۰۰
ناروی	۱ر۹۰۰ر۰۰۰	۹ر۵۰۰ر۰۰۰
نیدرلاندز	۷۲۵	۱۷ر۰۰۰
هسپانیا	۱ر۰۰۰ر۰۰۰	۴۳ر۰۰۰ر۰۰۰
یوگوسلاویا	۲۱۲ر۰۰۰	۳ر۰۰۰ر۰۰۰
یونان	۸ر۰۰۰	۲۵۰ر۰۰۰
مجموع	۱۸ر۴۴۲ر۵۲۵	۵۵ر۱۲۲ر۰۰۰

خلص احصائیه

قطعهٔ ر	قوهٔ آبشارها: بکار انداخته شده (قوهٔ اسپ)	قوهٔ آبشارها: بکار انداخته نشده (قوهٔ اسپ)
آسیا	٤ر٠٢٦ر١٥٠	٧٠ر٧٠٠ر٠٠٠
افریقا	٣٢ر٩٨٠	١٨٩ر٥٥٠ر٠٠٠
امریکای جنوبی	٩٠٢ر١٠٠	٤٣ر٧٠٠ر٠٠٠
« شمالی	٢١ر٨٢٥ر٤٠٠	٦٨ر٥٥٠ر٠٠٠
اوروپا	١٨ر٤٤٢ر٥٢٥	٥٥ر١٢٢ر٠٠٠
اوقیانوسیا	٣٦٨ر٢٠٠	١٦ر٧٠٠ر٠٠٠
مجموع کل	٤٥ر٥٩٧ر٣٥٥	٤٤ر٣٢٢ر٠٠٠

یکی از آبشارهای بزرگ مملکت استونیا که کارخانهٔ برق شهر ریول را بکار می اندازد .

تاریخچهٔ مختصر آسیا

برعلاوهٔ دیگر مضامین درین سالنامه خواستیم که [illegible] تاریخچهٔ مختصر [illegible] ولی برای اینکه قسمت زیادی را در اوراق سالنامه اشغال [illegible] اجمالاً درج گردید امید واریم در سالنامه های مابعد مان تاریخچهٔ [illegible] ممالک عالم را در دسترس انظار قارئین محترم سالنامهٔ کابل بگذاریم

آسیای وسطی

درمقالهٔ اول تاریخچه زیر عنوان [illegible] گفته شد که آسیای وسطی ترکستان حالیه، میدان جیحون وسیحون و بلخ الی وادی طارم مهد آریه های قدیم بود و هشت هزار سال قبل از میلاد حمله آریه ها دران یکجا بود و باش داشتند - در حدود ۲۵۰۰ ق ، م آریه های هندی و ایرانی از گهوارهٔ خود یعنی باختر جدا شده بهند وستان و ایران رفته سلطنت های جداگانه را بنا کردند - علاوةً آریه ها اسپ را اهلی ساخته در نواح هند وکوه در عرابه های جنگی استعمال نمودند و اسپ سواری را درعراق وغرب رواج دادند دین زردشتی نیز از همین سرزمین بروز نموده است .

آریه هائی که به ایران رفته بودند اوّلا سلطنت ماد ها و بعد هخامنشی ها را تأسیس نمودند - در عهد هخامنشی ها ترکستان زمین الی سیحون تحت سلطنت آنها بود - (۵۳۹ - ۳۲۳ ق ، م) .

درسنه ۳۲۷ ق ، م سکندر مقدونی در افغانستان داخل شده بخارا و نواح آنرا اشغال نمود اما درترکستان شرقی چادرنشینان آریائی آزاد بودند - بعد ازمرگ سکندر حصهٔ شرقی سلطنت اورا سیلوکس نکاتور گرفت و در عهد سیلوکسی ها بلخ تحت قیادت دیودوتس آزاد گشته ودیودوتس بخارا و نواح آنرا نیز اشغال نمود .

هونها (هیونگنو) : غرب وشرق منگولیا را اشغال نموده یوئیچی ها را از انجا راندند (۱۷۷ - ۱۶۵ ق ، م) - یك حصه یوئیچی ها بطرف جنوب وحصه دیگر آن ساکاها را درترکستان شرقی شکست داده بطرف تیان شان راندند - پس در آغاز قرن میلادی مغل ها با آریه ها امتزاج واختلاط شروع نمودند - درین زمان چندین

شهرهای مستقل در ترکستان بوده از انجمله ختن مهمترین آنها شمار میرفت. بعد از آن یك قسمت آریه‌ها در واخان و نواح آن آمده آباد شدند. در اثنای سال ۱۲۰ و ۱۰۱ ق م چینی ها سلطه خود را تا کاشغر توسیع دادند. دین بودائی‌ها در قرن دوم قبل‌المیلاد در دیار ترکستان رسید.

درین اوقات یوئیچی های علاقه بلخ ومزار افغانستان تدریجاً اقتدار وغلبه حاصل نموده وبالاخره تحت سلطنت کانشکای کبیر در قرن دوم میلادی شاه چین را شکست داده کاشغر ختن ویارکند وغیره را گرفتند بخارا نیز در تحت سلطنت او بوده.

در تهذیب و تمدن این دیار تا سر زیادی از چینی ها باقی بود. تمدن باختری یونانی نیز نفوذ داشت از آغاز قرن سوم الی هفتم میلادی بودائیت اوج وکمال را نایل شده از انجمله تنها در ختن ۱۰۰ خانقاه و ۵۰۰۰ راهب زیست مینمودند، و ادبیات هندی رواج داشت.

هفتالیت ها : از شمال دیوار چین حرکت نموده در ۴۲۰ میلادی (انفتالیت‌ها یا هونهای سفید). در ساحهٔ جیحون و سیحون رسیده تا به ۱۴۰ سال سوهان جان ایران بودند، حتی ترکها در صفحه ترکستان نمودار شده در ۵۶۷ میلادی بامداد نوشیروان قوه ایفتالیت ها را محو کردند ایفتالیت ها در اهالی نواحی محل شدند. مرکز عمده آنها بامیان و بلخ بود

در قرن هفتم میلادی شاه تنسیر و سک ـ ... بامداد ترکان غربی برقسمت عربی وادی استیلا یافت ترکان از ۵۴۶ الی ۷۰۵ میلادی در تمام ترکستان غلبه داشته اولا متحد بوده و بعد در دو حصه تقسیم شدند. از ۵۵۰ الی ۶۵۰ آزاد ومستقل بودند و خلاف ایران همراه دولت روما اتحاد نموده بودند. چینی‌ها آهسته آهسته ومابین آنها منازعات انداخته زنگارد، تاشقند، فرغانه، بخارا، خلم وغیره را اشغال نمودند.

سلطنت عربها : بعد از ان اسلام ظهور نموده و در عهد خلافت ولید اول (بنی امیه) قتیبه بن مسلم (در ۷۰۵ ـ ۷۱۴ میلادی) فتوحات حیرت انگیز را نموده، بیکند بخارا، سمرقند، خوارزم، فرغانه، تاشقند الی کاشغر را تصرف نمود کاشغر در آن آوان سرحد سلطنت بزرگ چین بود اسلام درین ادوار تدریجاً در ترکستان نفوذ و تاثیر بزرگی نمود. خصوصاً در عهد عمر بن عبدالعزیز عدهٔ زیاد از اهالی خراسان و ترکستان داخل اسلام شدند.

سوق لشکر خان تاحکمران کاشغر و ختن در اواخر قرن دهم بدین اسلام مشرف گشت مرو و نواح آن وخراسان مرکز اشخاص اهل تشیع بود که بالاخره بطرفداری بنی هاشم خلافت بنی امیه را برانداختند اما در حقیقت این تحریکی بود علیه عرب ها که اقتدار وسلطهٔ آنها را بر اندازند -- درین زمان ابومسلم سیار از طرف مروان دوم حاکم مرو بود بعد از تاسیس خلافت بنی عباسیه اشخاصی بر خواستند که طرفداری بنی فاطمه را شعار خود گرفتند. درعهد مهدی عباسی درسنه ۷۷۶ هجری بغاوت ابن مقنع بقاعدار در ترکستان صورت مخوف وخطرناکی را گرفته بود حتی ابن مقنع در قلعهٔ سیاه محصور شده خود را بزهر قاتل هلاك ساخت.

طاهریها : بدوران خلافت بنی عباسیه خاندان طاهر در مرو سلطنت طاهری را تاسیس کردند تا که یعقوب لیث صفاری آنرا درسنه ۸۷۳ میلادی بر انداخت بعد نصر اول از اولاد سامان سلالهٔ سامانی را تاسیس نموده بخارا را پای تخت خود قرارداد. این خاندان سامانی بخارا، در ۹۹۹ میلادی خاتمه یافت وغزنویها در ترکستان و خراسان تسلط و اقتدار پیدا کردند.

در دورهٔ سلطنت سامانی در سرحد شمالی آن قبیله اوئی غور یك سلطنت ترکی را بنا نهاده و از کاشغر تا بحیرهٔ ارال تسلط یافت. اولین شاه آنها بوقوخان بود که شهر بلاساغون را نزدیك کاشغر تعمیر نمود. و

بغرا خان که به دین اسلام مشرف شده بود از همین سلاله میباشد - ایلک‌خان کاشغری بخارا را تصرف نموده میخواست بلخ را نیز متصرف گردد مگر سلطان محمود غزنوی آن را شکست فاحش داد - ایلک‌خان در ترکستان و محمود غزنوی در افغانستان و هند در نشر و تبلیغ اسلام سعی بلیغ نمودند.

سلطنت کاشغر در حدود ۱۰۶۰ سلاله دیگر اوئیغور منتقل شد که موسس آن یعنی ابراهیم را الپ ارسلان سلجوقی در جنگ بکشت.

قره خانیها : این خانواده های اوئیغور را بنام قره خانی یاقره خطائی موسوم میکنیم در حدود ۱۱۲۳ میلادی قره خطائی ها خروج نموده کاشغر، یارقند، ختن و ترکستان را فتح کردند - نام موسس قره خطائی هائی لی، لیو، باشی بود و نام خود را گورکان نهاد و در همین سنوات سلطان سنجر سلجوقی در مرو پایتحت خود را قرار داده و از خوارزم الی آکسس سلطنت میکرد وقره خطائی ها به ایمای خاک خوارزم بطرف مملکت سلطان سنجر حمله آوردند و سلطان (۱۰۰٫۰۰۰) عسکر را گرفته و آکسس را عبور کرده در وادی دیرغم با آنها نبرد آزما شده هزیمت خورد.

بعد از وفات سلطان سنجر سلجوقی درسنهٔ ۱۱۵۷ میلادی سلطنت سلاجقه در ترکستان محو گردیده و خراسان به خوارزم شاه ایل ارسلان تعلق گرفت - قره خطائی ها درسنه ۱۱۷۱ میلادی به حدود خوارزم حمله آورده بالای خوارزمی ها فتح حاصل کرده از سلطان خوارزم باج سالیانه ستانیده واپس بوطن خود عودت نمودند - علاؤالدین محمد پسر تکیش بر تخت نشسته باج دادن را موقوف نموده نه زمین قره خطائی ها حمله آورد مگر شکست فاحش خورد اما در سال دوم دو باره حمله برده تا فاراب را فتح کرده عودت نمود. در اثنای که محاربات مابین خوارزم شاهی ها و گورکان ها جاری بود از شرق یک بلای عظیم به صورت چنگیز خان بوجود آمد.

باید ملاحظه نمود که درین دورهٔ اسلام بخارا، سمرقند و شهرهای دیگر ترکستان مراکز بزرگ علوم دینی ومدنی اسلام بود -

سلاله چنگیز خان : درین مختصر عنوان تاریخ چنگیزخان را مفصلاً بیان نموداما درین مورد همین قدر گفته میتوانیم که چنگیزخان از قوم مغل باشندهٔ شمال صحرای گوبی درسنه ۱۱۶۲ میلادی پیدا شده وپس از رسیدن سن رشد بهمراه شهنشاه چین تسین نام اتحاد نموده قبیلهٔ باغی بوئیرنورها را به شجاعت وشهامت شکست داد، چندی بعد خان قریت ها یعنی طغرل را شکست داد و آن قبیله را مطیع خود ساخت، در ۱۲۰۶ میلادی مجلس امرای قوم را منعقد نموده لقب چنگیزخان یعنی « پادشاه بسیار قوی » را اختیار نمود نام حقیقی او تموچین بود.

تائی یانگ خان پادشاه قبلهٔ مسیحی نیمان‌ها خلاف چنگیز خان لشکر کشی کرده وشکست خورده بقتل رسید وپسرش کچلوک فرار نمود و بدربار گورخان قره خطائی درسنه ۱۲۰۸ میلادی رسیده مورد نوازش شاه مذکور شد، چنانچه گورخان دختر خود را باو داد - مگر کچلوک لشکر قوم خود را فراهم آورده بامداد محمد شاه خوارزم وعثمان شهزادهٔ سمرقند خلاف خسر خود تعرض نموده بلاساغون را اشغال نموده قره خطائی را مقهور ساخت چون خودش عیسائی نسطوری بود مسلمانهای آن دیار را بیدریغ بکشت، چندی بعد باثر تبلیغ زوجهٔ خود دختر گورخان بودائیت را اختیار نمود - بعد از سقوط قره خطائی ها سلطنت محمدشاه تامرکز ترکستان وسعت یافت وسمرقند پایتخت او قرار داده شد، وکچلوک خان بر کاشغر، ختن و بارکند حکمران بود.

در اثنای این سنوات چنگیز خان درفتح چین مشغول بوده اما فتح مکمل آن بدست اولادهٔ او بوقوع پیوست - بهرحال چنگیزخان (۲۰۰۰۰) عسکر به محاربهٔ کچلوک خان سوق داد، کچلوک خان تعرض فوج مذکور را شنیده فرار نمود لیکن فوج چنگیز اورا دستگیر نموده بکشت، وعلاقهٔ ترکستان شرق

تحت تسلط چنگزخان درآمد پس از آن اولاً در بین چنگیز خان و سلطان محمد شاه خوارزم تعلقات دوستانه بوده مگر آخرالذکر بعضی تاجران رعیتی چنگیز خان را کشته باعث تحریک چنگیز خان و تخریب ترکستان، خراسان ایران، وغیره گردید چه همینکه سلطان محمد خوارزم شاه مرتکب قتل تجار مذکور می شود چنگیز خان بغرض انتقام فوراً لشکر کشی نموده بخارا، سمرقند، تاشکند وشهر خوارزم را اشغال نموده خوارزم را از صفحه دنیا محو نمود، وسلطان محمد شاه هم نزدیک استرآباد مرد وپسر شجیع ودلاور او یعنی جلال الدین فوج خوارزم شاهی را جمع نموده درابتدا بعضی فتوحات خوبی برخلاف چنگیزخان نموده امابالاخره از باعث بی اتفاقی امرای خود مغلوب ودر سنه ۱۲۳۱ میلادی از دست یکنفر کرد بقتل رسید.

چنگیز خان من حیث فتوحات و وسعت سلطنت بزرگترین فاتح وشهنشاه دنیا شمار می آید اما قتل عام وانسان کشی های او یک لکه بد نمای است که بردامن فتوحات مغولهای چنگیزی باقی ماند چنگیز درسن ٦٤ سالگی مرد وسلطنت او ازبحیره زرد الی پولیند امتداد داشت

بعد از وفاتش سلطنت وسیعهٔ او فیمابین پسرانش تقسیم شده وجیحون با یک قسمت کاشغر، بدخشان، بلخ وغزنین تحت تسلط پسر دوم او چغتائی درآمد ـ وخاندان چغتائی تا ۱٤٦ سال (یعنی تا ۱۳۷۰ میلادی) طول کشید حتی تیمور این دودمان چغتائی را برانداخت پای تخت چغتائی آلمالیغ نزدیک کلجه امروزی دروادی ایلی بوده ـ این شاه رعیت خود درعدل وانصاف بود ـ بدوران سلطنت این دودمان علمای دین اسلام نفوذ واقتدار فوق العاده را پیدا کرده در ادبیات خدمات قابل قدر نمودند ـ درسنه ۱۳۲۱ خانی چغتائی بدو حصه تقسیم شده یکی خانهای ماوراء النهر و دیگر ازجته یعنی از مغلستان که درحدود آن رنگاربا وقسمت بزرگ ترکستان شرقی وغربی داخل بود.

آخرین خان چغتائی کازان خان بنهایت ظالم وبی رحم بوده چنانچه رؤسای آن دیار تحت قیادت امیر قزغان آنرا شکست داده کشتند ودرعوض بابان قلی را بادشاه خود قبول کردند بعد از قتل قزغان درقندز پسرش عبدالله صدراعظم بادشاه چغتائی گشته پایه تخت را به سمرقند نقل داد چون عبدالله مذکور بابان قلی را قتل نموده بود لهذا بابان سلدوز وحاجی برلاس اتفاقاً بر او خروج نموده عبدالله را شکست دادند.

دراثنای این هرج ومرج تغلق تیمور خان رئیس جته بامداد دیگر رؤسا از کاشغر بر آمده به سمرقند حمله آورد، حاجی برلاس گریخت ومملکت دردست تیمور خان افتاد.

دودمان تیموری .

تیمور لنگ که درین وقت ۲۷ ساله بوده ملازم حاجی برلاس بود، نزد تغلق تیمور خان آمده در اثر صداقت و مذاکرهٔ مؤثر خود سمرقند را پس گرفت و رؤسای کاشغر فیمابین خود مجادله نموده پس به کاشغر رفتند

درسال آینده سنه ۱۳٦۱ میلادی (۷٦۲ هجری قمری) خان جته مغل باز به سمرقند حمله آورده پسر خود الیاس خواجه اوغلان را حکمران سمرقند مقرر نمود تیمورلنگ اولاً مشیر او بوده بالاخره ازسمرقند گریخت وبعد از زحمات ومشقت های زیاد لشکر مکملی را فراهم آورده سمرقند را از آلیاس خواجه اوغلان تصرف نمود دراواخر سنه ۱۳۷۰ میلادی بر کل علاقه های چغتائی های مغول تصرف نموده وبنیاد خاندان تیموری را نهاد

تیمور بعدازچنگیز خان دومین فاتح بزرگ دنیا میباشد، ایران وقفقاز وروس جنوبی، دمشق، افغانستان وهندوستان رافتح کرد سلطان بایزید اول را شکست داده اسیر نمود، پایه تخت او سمرقند بود وقتیکه بغرض فتح چین لشکرکشی نمود در راه وفات کرد.

بعد از وفاتش پیر محمد نواسهٔ او در سمرقند پادشاه شد ، اما خلیل سلطان پسر تیمور از قندهار لشکرکشی کرده سمرقند را بگرفت و پیر محمد را ولیعهد خود مقرر نمود شاه رخ پسر دیگر تیمور حکمران هرات دعوی وراثت نمود اما قوت مقابله را ندیده به هرات، سیستان ، خراسان ومازندران وغیره قناعت کرد .

سلطان خلیل اگرچه خصایل پسندیده داشت مگر خیلی مطیع زوجه خود شاد ملك بود ، بنابران امرای او خلاف او بغاوت نموده زیر قیادت خدایداد اورا اسیر و سمرقند را اشغال کردند شاه رخ ازین واقع خبر شده فوراً لشکرکشی نموده سمرقند را اشغال نموده پسر خود الغ بیک را به سمرقند حکمران مقرر نمود الغ بیک یك پادشاه فاضل وعالم ، هیئت دان و ریاضی دان بود ، بعد از وفات پدر خود شهنشاه سمرقند گردید — دوره سلطنت سی هشت سالهٔ اورا میتوانیم دوره طلائی ترکستان بگوئیم ، در سمرقند علما و فضلا وماهرین سائینس بدور الغ بیک جمع شده بودند .

عبداللطیف پسرش که اورا از دست علاءالدین درهرات از مرگ نجات داده بود الغ بیک را کشته به سمرقند پادشاه شد ، اما دیری نگذشت که ابوسعید بن میرانشاه پسر سوم تیمور ، تخت سمرقند را گرفته کل مدعیان تاج و تخت را مغلوب نموده صاحب ماوراءالنهر، ایران شمالی و افغانستان گردید . مگر در سنه ۱٤٦۷ درمعاملات آذربائیجان مداخلت بیجا نموده شکست فاحش خورده از دست شهزاده یادگار میرزا بقتل رسید .

بعد از آن مابین اخلاف تیموری خانه جنگی ها واقع شده بالاخره محمد خان شیبانی از نسل جوجی پسر اول چنگیز خان سمرقند را اشغال نمود وشهنشاه بابر بعد از محاربات زیاد در ترکستان ، ازراه افغانستان گذشته در هندوستان امپراطوری بزرگ مغلیه را تاسیس نمود ، پس سلاله تیموری بعد از سلطنت و خانه جنگی ها تا ۱٤۰ سال سلطنت کرده از ترکستان زمین محو شدند میتوانیم بگوئیم که عهدشاهان تیموری بامنور ترین و بهترین ادوار مسلمانان اندلس همسری میکند، ادبیات اسلام بدرجهٔ کمال رسید، تصانیف اکثرا در عربی و بعضی درفارسی بوجود آمد ، اما میر علی شیر نوائی وزیر شهر هرات به ادبیات جغتائی ازهمه بیشتر خدمت نمود

شیبانی ها : بعد از مرگ چنگیز خان دشت قپچاق که عبارت است از نواح غدیر ارال ، وشمال بحیرهٔ خزر و هردو کنار دریای والگا به تقسیم جوجی بزرگترین پسر چنگیز خان رسید، شیبان پسر پنجمین جوجی بوده نام از بکها را در قرن پنجم معروف ساخت، اما مؤسس حقیقی اقتدار از بکها ابوالخیر از نسل شیبان در ۱٤۱۳ میلادی پیدا شده بود، ابوالخیر خوارزم ویك قسمت ترکستان را فتح نمود بعد از مرگ او پسرش محمد شیبانی ملقب به شاهی بیگ سمرقند وماوراءالنهر را اشغال نموده تاسیس دودمان شیبانی را نهاد .

خان شیبانی در سنه ۱۵۰۰ میلادی مطابق ۹۰٦ هجری ماوراءالنهر را فتح کرد اما ظهیرالدین بابر پادشاه نودار شده سمرقند ، سغد ، میان قول ، قرشی وغیره را اشغال نمود وتنها بخارا را بدست ازبك ها ماند لیکن درسال دوم شیبانی خان باز حمله آورده بابر را هزیمت داده وبابر بطرف کابل گریخت وشیبانی خان فتوحات خودرا توسیع داده رفت حتی درسنه ۱۵۱۰ شاه اسمعیل صفوی کل ایران را فتح نموده به خراسان تعرض نموده شیبانی خان را نزدیك مرو شکست داده بکشت وتمام ماورالنهر از اقتدار ازبکها بر آمد . بابر ازقتل شیبانی خان وقوف یافته از کابل حرکت کرده به ماوراءالنهر داخل شده فوج ازبکها را که زیر قیادت همره سلطان بودند شکست فاحش داد . سنه ۱۵۱۱ درهمین اثنا فوج ایرانی هائیکه شاه اسمعیل فرستاده بود به کمك بابر رسیده وبابر به سمرقند داخل شده کل ماوراءالنهر را اشغال کرد ، لیکن باوجود معاونت فوج ایرانی دگربار شکست خورد وبطرف کابل رخ نمود . وسلاله شیبانی تا ۹۹ سال درماوراءالنهر سلطنت کردند .

منار جامع امیـــر در بخارا

اخلاف جوجی خان بعد از مرگ تیمور در والگای سفلی سلطنت خود را قائم کردند ،

دودمان استراخان : در اواخر قرن شانزدهم میلادی یار محمدخان از شهزاده گان روس شکست خورده به ماوراء النهر پناه آورد ، شاه عبدالله که بزرگ ترین شاهان شیبانی میباشد خواهر خود را به پسرش جانی خان ازدواج نمود . بعد از کشته شدن عبدالمؤمن آخرین پادشاه شیبانی امرای ترکستان تاج وتخت را به جانی خان تقدیم نمودند اما او چون سبّار پیر بود به پسر خود دین محمد تفویض نمود ودین محمد درجنگ با ایرانیها کشته شد و باقی خان برادرش زمام سلطنت در دست گرفت ، درین عهد شاه عباس صفوی حمله آورده مگر در نواح بلخ شکست فاحش خورده به مشکل جان خود را سلامت برده توانست . چندی بعد امام قلی خان زمام سلطنت بدست گرفته به عدل و انصاف و دیانت حکومت کرده و آسیای وسطی باردوم منور ومتمول و با امن شد بعد از خلع اختیاری ورفتن او بطرف مدینهٔ منوره مابین خاندان استراخان خانه جنگی ها واقع شده و خانهای خیوا هم درین محاربات شرکت ورزیدند .

درعهد سلطنت سبحان قلی خان سفرای اورنگ زیب شهنشاه هندوستان واحمد دوم سلطان ترکی بدربار او رسیده روابط دوستانه را قایم کردند (۱۶۷۰) میلادی مطابق ۱۱۱۲ هجری .

دورهٔ نادر شاه در سنه ۱۷۳۶ میلادی نادرشاه افشار خروج نموده پسر خود رضا قلی خان را بغرض فتح بلخ واندخوی وغیره فرستاد لیکن رحیم بی قوماندان عسکری بخارا وایلبرس حکمران شیردل خیوا هم متحد شده رضا قلی خان را شکست فاحش دادند مگر نادرشاه بعد از فتح وتاراج وقتل عام دهلی میانین امرای بخارا تحم عاق و شقاق کاشته بخارا و بعد خیوا را اشغال نمود .

منگت ها : محمد رحیم بی وزیر بخارا از کشته شدن نادرشاه درسنه ۱۷۴۷ میلادی وقوف یافته وابوالفیض شاه آخری سلاله استراخانی را کشته بخارا را غصب نموده قبیله منگت ازبکها را برسر اقتدار آورد . بعد از وفاتش معصوم عمزاده محمد رحیم بخارا را اشغال نمود وچندی بعد با بهرام علی خان مؤسس خاندان قاچاری آویخته اورا در مرو کشته مرو را تصرف نموده برکل خراسان اقتدار حاصل کرد ، این پادشاه بسیار ظالم وبیرحم بود . پسرش حیدر طغری با کاکا های خود جنگ وجدال نموده درسنه ۱۸۲۶ بمرد .

بعد از وفات حیدر بچه سومین او امیر نصرالله بعد از خانه جنگی مختصر در بخارا داخل شد . درعهد او شهر سبز فتح شد وخان خوقند بواسطهٔ عهد نامهٔ کهنه بادام خوجند را تفویض و امیر بخارا را سلطان خود تسلیم نمود . لیکن چندی بعد خان خوقند با برادر خود اتفاق نموده علاقه را پس گرفت و امیر بخارا بار دگر بطرف خوقند لشکر کشی نموده و به هوس توسیع سلطنت پرداخت .

درین آوان عسکر روسی تحت قیادت جرنیل پیروویسکی در نواح ترکستان رسیده بودند می بایست که امیر بخارا کل اهالی ترکستان را جمع و متحد نموده خلاف دشمن مشترک حرکت کند مگر نامبرده با خیوا آویخت دولت برطانیه پیشرفت روسی ها را دیده بدربار امیر نصرالله سفیر ها فرستاد لیکن امیر نصرالله آنهارا بقتل رسانید وسفیر روسی بی نیل مرام از دربار بخارا برگشت .

بعد از مرگ او سید مظفرالدین بر تخت نشست ، سید مظفرالدین وقتیکه درسنه ۱۸۶۵ درفتح خوقند مصروف بود ، جرنیل روسی چیرنیف نام تاشقند را اشغال کرد و مظفرالدین خلاف او اعلان جهاد نموده بالاخره از دولت مسلح تر و منظم تر روسی مغلوب گردید .

بعد ازین روز مره نفوذ دولت مشارالیها در تورکستانات پیشرفت کرده وشهرها باستثنای حکومات نیم مستقل خیوا وبخارا و بعضی خان نشین ها یکی بعد دیگری بدست دولت روسیه تزاری مفتوح گردید تاانیکه درسال ۱۹۱۷ انقلاب کبیر روسیه شروع شده بخارا وخیوا نیز فاقد استقلال داخلی خود گردیده در سال ۱۹۲۳ تشکیلات علاقه جات مذکور بنام تورکمنستان ، تاجکستان ، ازبکستان ، مجدداً ترتیب یافته وعموماً از طرف کمیتهٔ جماهیر شورویه ماسکو اداره می شود .

ایران

ایران مملکت مستقلی است که مساحت آن ۱٫۶۴۳٫۵۵۸ مربع کیلومتر و نفوس آن ۱۰٫۰۰۰٫۰۰۰ نفر میباشد

درزمانه های بسیار قدیم، آریه ها از حوالی پامیر و نواحی شمال افغانستان منتشر شدند بعضی از آنها درهٔ رود سند را مسکن خود قرار دادند و برخی دیگر در منطقهٔ آریائی خود افغانستان و ایران موجوده اقامت گزیدند . و همین اقوام اخیر الذکر را ایرانی ها می نامند مهم ترین قبائل ایرانی (مدها) و (فارس ها) و (باختریها) میباشند در سنه ۵۵۹ قبل از میلاد امپراطوری مده بواسطهٔ کوروش منقلب و اقتدار بدست فارسها افتاد کوروش بعد ازحصول اتحاد کمبد ابیها و مصر بهانه کمیت اضطرابات آور شاه لیدیه را در(۵۵٤) قبل از میلاد مضمحل و آسیای صغیر را فتح کرد بعد بطرف کمبد ابیها متوجه شده، بابل را در(۵۳۸ قبل از میلاد) متصرف شد و به این قسم حاکم مطلق تمام آسیای غربی گردید ودر زمان داریوش اول (۵۲۰ ـ ٤۸۵ قبل ازمیلاد) امپراطوری ایران به اوج کمال خود رسید زیرا از یکطرف دارهٔ حکومت نظم ونسقی پیدا کرد و از طرف دیگر سرحدات آن وسعت زیادی یافته علاوه بر مصر (که در زمان کامبیز ضمیمه آن گردید) پنجاب، حوضهٔ سند و یك قسمت ستیا را شامل بود اما جرص لیاقت ادارهٔ شاهان ایران نقل ن جسارت یونانیها که رهنمای آن زنی معروف جوانی اسکندر مقدونی بود امپراطوری ایران را در زمان داریوش منقلب ساخت پس از مرگ اسکندر (۳۲۳) سال آیران زیر اقتدار دومان سیلوکیی افتاد وبعد از آن بدست پارت هاروت (۲٤٦) قبل ازمیلاد .

در سنه ۲۲٦ عهد مسیح (ع) (ارتا کزرکزس)اسم ساسانی بمقابل پارتها قیام نموده در ایران سلسلهٔ ساسانی را که تاسنه ٦۲۵ موقع استیلای عربها دوام داشت تاسیس کرد ، حاکمیت این سلسلهٔ اخیر الذکر که تا (۱۲۲۰) پایدار بود بر اثر مخالفت هائی که درعربستان بوجود آمد رسمی گردید، به این قسم حکام آزادی یافته شهزاده گان ترک وایرانی و سرداران خراسانی دولت های علیحده تشکیل دادند به قسمیکه برقابت خلفا، سلسله های متعدد از قبیل طاهریه و صفاریه وآل بویه وسامانیان بلخ وبلاخره غزنویه غزنهٔ کابل که یك مدت طولانی بر تمام ایران حکومت نمودند؛ روی کارآمد . سلسله های مزبور بواسطهٔ سلاجقه منقرض شدوبعد در(۱۱٤۹) خوارزمی‌ها جانشین سلاجقه گردیدند. درقرن (۱۳) دولت ایران بمقابل عساکر چنگیزخان مقاومت نتوانسته به تصرف مغل ها درآمد ومغلها تا (۱٤۰۵) درآنجا برسر اقتدار باقی بودند دوسال بعد ترکمانها خاندان گوسفند سیاه (قره‌قویونلو) (۱٤۰۷) و (۱٤٦۸) را که بعدها بواسطهٔ خاندان ترکی دیگری موسوم به گوسفند سفید (آق قویونلو) (۱٤٦۸ ـ ۱٤۹۷) منقرض شد تشکیل دادند ودرعهد سلسلهٔ موخر الذکر بود که جنگ های مذهبی بین ایرانیها و ترکی ها بوقوع پیوست.

اغتشاشات داخلی در زمان حکومت خاندان صفویه از اهل سادات اردبیل (۱٤۹۹ ـ ۱۷۳۲) دوام یافته بالاخره یك نفر شخصیت مبرز ودلیر موسوم به نادرشاه افشار سلطنت صفوی هارا خاتمه داده لشکرکشی های زیادی بهند، افغانستان نموده دولت مقتدری بنا کرد ولی پس از وی در(۱۷۷۹) خاندان قاجار ترك برسر اقتدار آمده درقرن (۱۹) اراضی وسیعی را به روسیه سپرد وآخرین شاه قاجار (احمدشاه) پس از انقلابات طولانی در سال (۱۹۲۵) بطورقطعی خلع شده بتاریخ ۱٤ دسمبر (۱۹۲۵) اعلیحضرت (رضا شاه پهلوی) سپه سالار سابق ورئیس الوزرا از اولاد خود ایرانی به سلطنت انتخاب شد، قانون اساسی به اصول مشروطیت سلطنتی که بتاریخ ۳۰ دسمبر (۱۹۳۰) وضع وآخرین دفعه در ۱۲ دسمبر ۱۹۲۵ تعدیل یافته است .

خاندان شاهی : رضاشاه پهلوی بتاریخ ۱٦ مارس ۱۸۷۸ بمقام رشت تولد و به ۱۷ دسمبر ۱۹۲۵ به شاهی انتخاب شده است

طهران - قصر بهارستان (شورای ملی)

اولاد :

	اسم	لقب	تاریخ تولد	موضع تولد
۱	محمد رضاء پهلوی	شاهپور ولیعهد	۲۶ اکتوبر ۱۹۱۹	طهران
۲	علی رضاء «	شاهپور	اول مارس ۱۹۲۲	«
۳	غلام رضاء پهلوی	«	۱۳ اپریل ۱۹۲۳	طهران
٤	عبدالرضاء «	«	۱۹ اگست ۱۹۲٤	«
۵	احمد رضاء «	«	۱۷ ستمبر ۱۹۲۵	«
٦	محمد رضاء «	«	۳ اکتوبر ۱۹۲٦	«
۷	حمید رضاء «	«	٤ جولائی ۱۹۳۲	«
۸	شمس الملوک شاه دخت		۱۸ اکتوبر ۱۹۱۷	«
۹	اشرف الملوک «		۱٦ اکتوبر ۱۹۱۹	«
۱۰	فاطمه خانم «		۳۰ اکتوبر ۱۹۲۸	«

برما

برما جزو امپراطوری برطانیه است، مساحهٔ آن عبارت از ۲۷۷ر۶۰۵ مربع کیلومتر و نفوس ۶۱۸ر۶۶۵ر۱٤ نفر میباشد. گمان میرود که بومیان قدیمی برما نژاد سیاه پوست بوده که بقایای آنها در جزایر اندمان که در زمانهٔ قدیم یکی از قطعات برما بوده تا حال میباشند. باشنده گان امروزی برما اخلاف قبایل فعلی هستند که وقتاً
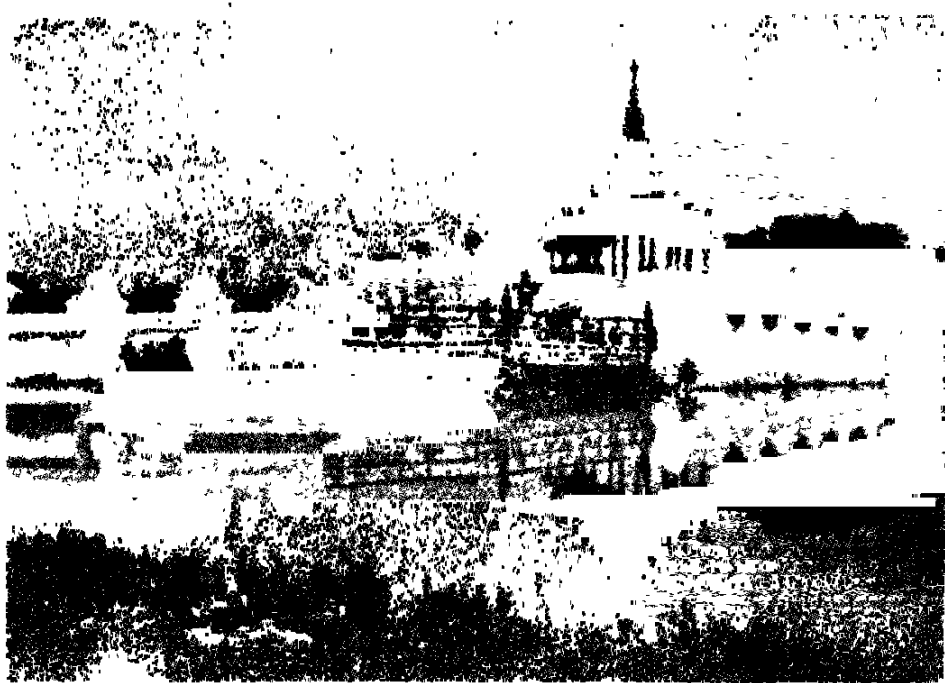
یك منظره از شهر ماندلی (برما)

فوقتاً ازچین غربی و تبت مهاجرت کرده بکنارهای ایرادوی و شالوین حرکت کرده به اراکان توطن گزیده اند ، تهائی ها یا شانها در ایالت های شان وسیام رسیده در برما استیلا نمودند .

دین براهمی به برما اثر کرده و جانشین دین قدیم گردید بعدها دین بودائی شیوع و نفوذ پیدا کرده دین برهمنی را برانداخت مذهب برمائیها تا حال همان بودائیت میباشد .

قبل از غلبهٔ پادشاه (اناورهتا) ذکر حمله روسای قدیم افسانه بشمار میآید اما تاریخ از اناؤرهتا ذکر میکند ومشارالیه در سنه ١٠٥٤ میلادی دودمان پاکان را تاسیس نمود ، نامبرده وده نفر جانشین او اولین حکمرانان حقیقی تمام مملکت برما میباشند از جملهٔ آنها بعضی شاهان دردین خود بسیار محکم و راسخ بودند (اسدا) بهترین‌معابد بودائی را شاه کیان زتا تعمیر نموده بود - چون‌شاه آخرین این‌خاندان سفرای قوبلی خان را کشته بود لهذا عسکر قوبلی خان انتقاماً حمله‌آورده این دودمان را برانداخت درسنه ١٢٨٧ سلالهٔ شان برسر اقتدار آمده لیکن درین دورهٔ ٢٥٠ ساله طوایف الملوك در برما حکمفرما بوده روسای خوردخورد برای حصول برتری با هم قتل وقتال داشتند بالآخره درسنه ١٥٣١ خاندان تونگواستیلا نموده سلطنت برمائی را مجدداً منظم ساختند تا بین شوبهتی (١٥٣١ - ١٥٨٠) بامداد جرنیل مشهور خود مربوم مرتبان اراکان و پیگورا اشغال نموده پای تخت قدیم‌سیام یعنی ایودهیا را نیز فتح‌کرد لیکن فتوحات اوولیسرش وسایل برما را خراب نمود بالاخره سیامی ها به برما حمله آوردند و اراکانی ها هجوم آورده پیگورا در دادند در اثنای این خرابی ها بواسطهٔ شاه مذکور اناوك تیلون غلبه نموده سلطنت را دوباره زنده ساخته پیگو را پایه تخت خود مقرر نمود اخلاف اناؤك تیلون آوا را مرکز حکومت قرار دادند لیکن سلطنت آنها بسیار ضعیف بوده وشاهان چین از یک ومانچو برمای علیا حملات آوردند و این خاندان درسنه ١٧٤٠ خاتمه یافت شویهوی الکیایه عسکر شاهی بونگو را هزیمت داده درعرصهٔ هشت سال کل مملکت برما را تحت تسلط و حکمرانی خود آورده سلطنت اواز سنه ١٧٥٢ الی ١٧٦٠ میلادی دوام نمود .

پرتگالی ها اولین قوم اروپائی است که به خاك برما ورود آمده تجارتخانهٔ را بپا کرده و بازنان برمائی ازدواج نمودند ارمنی ها و اولاد پرتگالی ها در فوج برمائی ملازمت میکردند انگلیسها و دچها نیز در برما تجارتخانه های جزوی قایم کردند مگر انگلیس ها در سنه ۱۷۰۹ در سیریام یك فابریکه را بنا نمود و تلنگ ها آنرا در سنه ۱۷۴۳ در داده زرمین هموار کردند و انگلیس ها در نیگرایس فابریکهٔ دیگری را تعمیر نمودند حتی در سنه ۱۷۵۹ شاه الگپایه حمله آورده کل نفری قلعه را بقتل رسانید و قتیکه دوپلی (حاکم فرانسوی درهندجنوبی) دو جهاز برای محافظت سریام روانه نمود الگپایه حمله مصداران فرانسوی را بکشت .

پسر دوم الگپایه (۱۷۶۳ ـ ۱۷۷۶) به منی پور حمله برده هزار ها نفر را به اسارت برد و به سیام حمله برده پای تخت ایودهیا را اشغال نمود فورا بعد ازاین واقعه چینی ها به برما هجوم آوردند و برمائی ها بعد از چهار سال چینی هارا اخراج نمودند ـ

بودا و پایه (۱۷۸۲ ـ ۱۸۱۹) پسر الگپایه تخت را گرفته اما راپوره را پای تخت خود قرارداد واراکان رادر سلطنت خود ملحق نموده (۲۰۰۰۰) اراکانی را به اسارت به آوا پای تخت خود برد سلطنت بودا پایه از جمله سلطنت برمائی سابقه وسیع تر بوده بعد از مرگ او پسرش پاك بیداؤ (۱۵۱۹ ـ ۱۸۳۷) بر تخت نشست چون بالای اراکانی ها ظلم و وحشت زیاد از طرف حکومت اجراء میشد آنها به تعداد زیاد به جینا کانگ (آسام) پناه آوردند و حکومت برما به آسام و منی پور بار دگر حمله آورد و سنه ۱۸۲۴ فوج برمی سرحد مشرق هند را عبور کرده حکومت انگلیسی مدون شاه برما را شکست داد از روی معاهده یندابو علاقه آراکان ، تاینسرم ، آسام و منی پور را انگلیسها سپرده ملیون روپیه را بأقساط بطور تاوان جنگ ادا نمود و نیز یك سفیر انگلیسی بدربار آوا مقرر شد ، در سنه ۱۸۵۲ جنگ دوم برما بوقوع پیوسته وانگلیسها علاقهٔ پیگو را در حدود مملکت خود الحاق کردند ومعاهدهٔ دوم منعقد شد ، مدون شاه برما ، بروما ، پاریس ، واندن هیئت ها روان کرده با ایطالی و فرانس معاهدات نمود ، شاه مذکور در سنه ۱۸۷۶ مرد

آخرین شاه برما تهیبا بود او بر سرکت انگلیس (۲۳۰،۰۰۰) روپیه ـ الزام اینکه آنها باغیان برما را تحریك وتحریص می نماید عاید نمود بدین سبب انگلیس ها خلاف او اعلان جنگ داده وشاه برما را شکست و برما را در حدود سلطنت برطانیه در سنه ۱۸۸۵ داخل نمود ، شاه برما بهمرای عیال و اطفال خود به هندوستان تبعید و پادشاهیت برما محو و نابود گردید

برما که اصلا جزء جزیره نمای هند چینی است تاحال یك ایالت هندوستان شمرده میشود اما کنون این تجویز در نظر است که از هند مجزا گشته طرز حکومت آن بصورت یك مستملکه جداگانه برطانوی تبدیل گردد .

برونی

برونی مملکتی است برساحل شمالی بورنیو که به قبیلهٔ سلطنت عظیم الشان تاریخی برونی میباشد مساحهٔ کشور آن ۶،۵۰۰ کیلومتر مربع و نفوس آن ۳۰،۱۶۲ نفر است ، واز سنه ۱۸۸۸ م این مملکت در تحت حمایهٔ برطانیا قرار یافته .

چنانچه در تاریخ بورنیو مذکور گردیده بانی سلطنت اسلامی درین سرزمین سلطان (محمد) نام است که در اواسط قرن ۱۵ مشرف بدین حنیف اسلام گردیده بود ، قبل ازان برونی اسماً تحت حمایهٔ جاوا بود ، وسالیانه یك مرتبان عرق سپاری بطور علامت تحت الحمایگی به جاوا ارسال می شد .

جهازات ماگلان جهان نورد که در سال ۱۵۲۱ م بدهانهٔ دریای برونی لنگر انداز گردیده واین شهر را

ملاحظه نموده اند درباب شان و شوکت دربار سلطان بوبقه و عظمت عمارات شهر اطلاعات را بدالوصف درج کرده اند .

سلطان بوبقه مرد شجاع و جنگجوئی بود که بر تمام سواحل بورنیو ، جاوا و ملاکا هجومات فاتحانه نموده برای وسعت حکمرانی خود سعی و همت ورزیده است . سلطان مشارالیه در بین اهالی مملکت محبوبیت خاصی یافته تاحال اهالی بر قدش احترام نموده و از روح مشارالیه استعانت میجویند .

در قرون ۱٦ ، ۱۷ ، ۱۸ ، ۱۹ م در اثر جنگهای متوالی ئیکه با پرتگالی ها ، هسپانویها ، انگلیسها و بت پرسانیکه در حصهٔ مرکزی سکونت داشتند بوقوع پیوست ، قوای برونی رو به تحلیل رفته و بالاخره در وسط قرن ۱۹ حصص بزرگ این مملکت بحری و مملکت ، را جای سارا واك و شرکت برطانوی بورینوی شمالی تعلق گرفت

درسال ۱۸۸۸ م باقیماندهٔ این مملکت بکلی تحت الحمایهٔ برطانیا قرارداده شد ، درسنه ۱۹۰٦ سلطان محمد جمال العالم اختیارات اداری مملکت را بمامور انگلیسی تسلیم نمود

مرکز حکومت برونی شهر دارالسلام ، و سلطان کنونی احمد تاج الدین اخوذالحمر و الدین است .

بلوچستان

بلوچستان حاضر اداری ۱٤٠،٤٤٥ کیلو متر مساحه و ٤٦٣،٥٠٨ نفر نفوس است این مملکت از مربوطات خاك های جغرافیائی قدیم افغانستان و بمرور دهور دست خوش استیلاءها و حوادث مختلفه گردیده اجمالاً راجع بآن قرار آتی می نگاریم .

اولین سند تاریخی در خصوص بلوچستان تاریخ هرودوتس یونانی است بقرار روایت او این اراضی باسم قبیلهٔ میکیها Mykians شهرت داشت ودرقرن ٦ ق م داراشاه فارس بآن مسلط گشت اسم مکدان ایالت ساحلی بلوچستان شاید از اسم همین قبیله ماخوذ باشد آورده اند که سیروس ایرانی در حین سفر خود از بین این ملك نقصانات شدید را متحمل گردیده وعدهٔ کثیر عسکرش تلف شده اما تاورود اسکندر درهند حالات داخلی این مملکت کمتر معلوم بوده اسکندر بوقت مراجعت خود از هند عسکر خود را درسه حصه تقسیم نمود دستهٔ درسر کردگی خودش ازراه بلوچستان ومکدان بطرف ایران حرکت کرد دسته دیگر درتحت فرمان نارکس Nearchus متصل ساحل بطرف بابل درکشتی ها سفر نموده دستهٔ سوم که مشتمل بربعضی مریضها و یك دسته فیل بوده درزیر اثر کریتیرس Craterus از راه کویته و بلوچستان شمالی داخل ایران گردید بدینگونه هرسه دستهٔ فوق حالات صحیح این مملکت را تحریر نمودند که الحال از قدیم ترین ماخذ تاریخی این مملکت شمرده میشود دردورهٔ ساسانیها بلوچستان بالعموم جزو مستملکات ایران بود ودرعهد خلافت حضرت عمر فاروق رض عسکر اسلام به سرکردگی عبدالله ایالت مکدان را فتح نمود اما عربها ازین مقام تاچند سال دیگر پیش نرفتند ، حضرت عثمان رض برای کشف معلومات داخلی هند شخصی را ازهمین راه به هند فرستاد ، درخلافت حضرت معاویه رض تخمیناً درسنه ٦٦٤ مسلمانان تاسرحدات سنده پیش قدمی نمودند .

محمد بن قاسم درسنه ۷۰۷ برای تسخیر سنده از جانب حجاج بن یوسف فرستاده شد محمد بن قاسم اولاً شهر ارمابیل را بدست آورد ازانجا بدیبل حمله برد ازآن وقت تاقرن (۱۰) بلوچستان جزو امپراطوری عرب بوده بعد از ضعف داخلی خلفای عباسی بلوچستان نیز مثل سائر ممالك دیگر ازدست شان بیرون برآمد . از سنوات ٤٥٠ تا ٦٠٠ هجری سلاطین غزنوی وغوریان افغانستان دوباره باسترداد بلوچستان قیام کرده و درتحت ادارهٔ شاهان وطنی خود بسر میبرد ، در سالهای ۱٥۹۰ - الی - ۱٦۳۸ بلوچستان ازمتفرقات امپراطوری مغول هند به شمار میرفت بلوچی هاکه نسلاً آریه اند

قسمتی درعهد مهاجرت عمومی آریه ها از شمالی افغانستان درین خاك آمده آباد گردیدند وقسمتی هم درقرن ۱۱ـ ۱۲ از ایران بواسطهٔ سلاجقه اخراج گردیده درین ناحیه متوطن شدند، آنها بزودی مکدان غربی را فتح نموده وبلندی های قلات را متصرف شده نتوانستند ویك عدهٔ شان از بلوچستان عبور کرده دروادی سند هم آباد گردیدند .

براهوی ها Brahuis که از نژاد دراویدین اند در قلات قلات زندگی میکنند در قرن ۱۷ در سرکردگی کمبار Kambar یکی از سرداران قبیله مذکور مقتدر گشته را جای هندو را برطرف وحکومت اسلامی را دراینجا تاسیس کردند بعد از او عبدالله بر سر اقتدار آمد ومشارالیه وادی زرخیز کچ گنداوار Kaehgandavar را فتح نمود درهمین وقت بود که نادرشاه افشار بر قندهار تسلط یافت و عبدالله پسر باو بیعت فرستاد کمی بعد عبدالله در جنگ بوابان سند به واسطهٔ ناصرخان مقتول گشت که یکی از شاهان بزرگ بلوچستان بشمار میرود بعد ازقتل نادرشاه افشار احمد شاه ابدالی شهنشاه بزرگ افغانستان دوباره بلوچستان را استرداد نموده بخاك وطن ملحق و ناصر خان حاکم سابقه آنجا را به حکومت بلوچستان کماکان السابق برقرار نمود ولی ناصرخان در ۱۷۵۸ شورشی برپا نمود، بلوچها بعد از زد وخورد مختصر مغلوب گردیده میثاق نامهٔ به پای تخت تقدیم و وعده داد که اعلیحضرت احمد شاه واولاد شانرا همیشه درمحاربات با عساکر خود کمك نماید وهیچ گاه از مرکز مملکت و احکام شاه افغان سرکشی نداشته باشد، درسنه ۱۷۹۵ ناصرخان در گذشت در ابتدای قرن ۱۸ سیاح معروف انگلیسی پوتن جر Potinger نام در بلوچستان سیاحت نمود واز آن به بعد انگلیس ها در معاملات داخلی بلوچستان توجه خصوصی معطوف نمودند در جنگ اول افغان و انگلیس دستهٔ قشون انگلیس بر قلات حمله آور گردیده ومحراب خان با (۴۰۰ نفر) درآن جنگ کشته شد ناصر خان پسرش را انگلیس بجای او تعیین کرده ودرسنه (۱۸۴۱) بلوچستان را تخلیه نمودند درسنه ۱۸۵۴ جنرال جیکب Jacob انگلیس موفق بامضای معاهده باخان قلات گردید و بلوچستان درتحت حمایه انگلیس در آمد .

ناصرخان درسنه ۱۸۵۶ فوت نمود ودرعهد امارت خدادادخان جانشینش شورشهای متعددی بظهور پیوست درسنه ۱۸۷۵ انگلیس کپتان سندی من Sandeman را برای اطفای آتش بغاوت فرستاد ازین تاریخ به بعد نفوذ انگلیس دراینجا پیشرفت وترقی انتهائی نمود ودرسنه ۱۸۷۹ کوئته و اضلاع متصل آن بتصرف انگلیس در آمد

بورنیو

بورنیو یکی از جزائر مجمع الجزائر شرق الهند است که بجنوب شرق آسیا مابین بحیره چین وبحیره جاوا وآبنای مکاسر واقع گردیده، مساحهٔ آن قریباً ۷۲۵ر۰۰۰ کیلو متر مربع ونفوس آن ۳ر۰۰۰ر۰۰۰ میباشد این جزیرهٔ کوهستانی دارای معادن مهم قیمت دار وجنگلات وسیع است

اهالی این جزیره از نژاد های چینی وملایائی ونگریتو (سیاهان پست قد) و اختلاط این اقوام با یکدیگر وعرق سفید میباشد، اهالی ساحل نشین بورنیو اکثراً مسلمان واهالی که درمرکز زندگانی دارند بت و روح پرست اند در حصهٔ جنوب شرق بورنیو آثار قدیمه معابد براهمی موجود است، ازین آثار چنان مکشوف میگردد که درقرن ۶ مسیحی تمدن هندی درین مملکت نفوذ یافته است، اما چگونگی آن از نظر تاریخ پوشیده مانده وچیزی بنظر نمی آید .

کتب تواریخ چینائی بیان میکند که درقرن هفتم مسیحی یکی از شاهان قطعات شمال شرق بورنیو تحایف وهدایا بامپراطور (فغفور) چین فرستاد ودر قرن ۱۵ مسیحی در یك حصهٔ جزیرهٔ مذکور چینی ها توطن

یکی از مناظر سراواک «بورنیو»

گزیدند از آن زمان تا حال مهاجرت چینی‌ها در بورنیو دوام داشته کنون باندازهٔ ۲۵۰،۰۰۰ نفر نژاد چینی در آنجا سکونت اختیار نموده اند .

در تاریخ جاوا مذکور است که شمال جزیرهٔ بورنیو را انگکا وجیا امپراطور ماجاپاهت (جاوا) فتح نموده بود و درکتاب سلسلهٔ شاهان برونی که در کتاب خانهٔ شاهی برونی ضبط است چنین معلوم می شود که در قرن ۱۵ الك برتا نام حکمران بورنیوی شمالی که تحت حمایهٔ امپراطوران ماجاپاهت بود بجزیره نای ملایا بغرض سیاحت رفته مشرف بدین اسلام گردید واز سلطان جوهور اسم محمد ولقب سلطان ونقارهٔ نوال یافت ، سپس از جوهور به مملکت خود عودت نموده وخود مختار شد ، بعد ازان به مدد الشریف سلطان برکت که اصلاً از طائف حجاز بود وباخاندان شاه مذکور وصلت نموده بود دیانت اسلام را دران سرزمین تبلیغ نمود و در مابین دوجزیرهٔ کایاو رنگ وچومین سدسنگی بنا نمود که تاحال باقیمانده وسلاسلهٔ همین سلطان محمد است که تاکنون در برونی سلطنت و حکمرانی دارند .

در اواخر قرن یازده مسلمانان جاوا وجزائر گرد ونواح که بغرب وجنوب بورنیو واقع اند نیز در آن جا رفته تأسیس سلطنت نموده اند

بواسطه اطلاع نامی بورت از وجود این جزیره این شد که درسنه ۱۵۱۱ البوك رك پرتگالی سه جهاز به ملاکا فرستاد ، از کشتی این جهازات اتفاقاً به بندرامو یانه رسیدند بعد ازان با سلاطین بورنوی ، پرتگالی ها باب مراودات تجارتی را کشودند و درسنه ۱۵۷۳ م هسپانویها نیز سعی ورزیدند که مفاد تجارتی دربورنیو حاصل نمایند اما ناکام گردیدند درسنه ۱۵۸۰ م هسپانویها به جنگ آغاز نمودند وسلسلهٔ این محاربات از سنه ۱۵۷۳ تا سنه ۱٦٤٥ م دوام یافت اگرچه سلطان برونی نگذاشتند هسپانویها در مملکت شان تسلط بیابند اما بواسطهٔ دوام این جنگ ازقوای شان کاسته گردید .

قبل ازین درسنه ۱٦۰٤ هالیندیها و درسنه ۱٦۰۹ انگلیسها ساحل بورنیو رسیدند وتجارتخانه هائیکه صورت قلعهٔ جنگی ودارای اسلحه ناریه بود در آنجا بنانهادند درسنه ۱۷۳۳ سلطان بنتم (جاوا) حقوق تجارتی ومفوضات خود را که دربورنیو داشت به هالیندیها بخشید ودرهمان زمان سلطان سولو که ادعای سلطنت حصص شمالی جزیره را داشت حقوق خود را بانگلیسها گذاشت وآنها بربعضی حصص مملکت قابض گردیدند امارؤسای محلی درسنه ۱۷۷٤ قلعه برطانوی را مسمار نمودند ودرسنه ۱۸۰۹ هالیندیهارا مجبورکردند که تمام قلعه جات خود را تخلیه نمایند بعد ازان اروپائیها را دربحر نیز تعاقب نموده وجهازات تجارتی آنها را تباه می نمودند .

درسنه ۱۸۱۱ چون جاوا موقتاً به برطانیه تعلق گرفته بود سلطان بنجرماسین از برطانیه معاونت خواسته وتحت الحمایه‌گی اورا قبول نمود ودرسنه ۱۸۱٦ چون جاوا دوباره قرار معاهده ، از طرف انگلیس ها بهالندیها واگذار گردید بنجرماسین نیز تعلق بهالیند گرفت وایشان نصف مملکت را برای خود گرفتند ونصف دیگر برای سلطان باقیماند .

بعد ازان بمرور ایام آهسته آهسته هالیندی ها تمام حصص جنوبی بورنیو را متصرف شدند بالاخره درسنه ۱۸۹۱ حصهٔ تحت اثر برطانوی وحصهٔ تحت اثرهالیندی تعین یافت ودرآن باب معاهدهٔ بین دولتین عقد وامضا گردید .

درحصص شمالی اگرچه اثر برطانوی در اواخر قرن ۱۸ بکلی زائل گردیده بود امادرسنه ۱۸۳۹ شخص انگلیسی جیمس بروك نام بیك جهاز مسلح به سارا واك رفت ومقابل مرکز حکومت (کوچک) لنگر انداخته ودر حالیکه اهالی برعلیه سلطان طغیان نموده بودند ازجهاز بالای شان گلوله باری آغاز نمود

این مسئله به نفع سلطان تمام و اهالی به سلطان اطاعت ورزیده از طغیان ایستادند؛ چون سلطان برونی دید ها دریافت که مرد انگلیسی شخص رسمی نیست نسبت به محبوبیت که او داشت حاکمی خطهٔ وسیع ساراواک اورا برگماشت.

در سنه ۱۸۴۵ قوهٔ بحری برطانوی قوهٔ بحری اهالی بورنیو را درجنگ خلیج (مرادو) محو نمود و دو سال بعد ازین واقعه لنگرگاه جزیره (لابوان) را از سلطان برونی گرفت درسنه ۱۸۷۲ درساندکان یکی از شرکتهای انگلیسی تجارتخانهٔ دایر نمود ودرسنه ۱۸۷۸ سلطان (سولو) تمام ادعائیرا که نسبت به حقوق خود به شمال بورنیو داشت بدین شرکت تجارتی انگلیس فروخت و در سنه ۱۸۸۲ شرکت مذکور با اجازهٔ حکومت برطانیه با وجود اعتراضات حکومت هالند وهسپانیا ومخالفتهای شدید اهالی حصهٔ مذکور را متصرف شدند. این شرکت به همین حصه اکتفا نکرده سال بسال حصص گرد ونواح را بزور پول یا زور متصرف گردیده بوسعت خود افزود وجنگهای خونینی بهر برای انجام این مقصود دربمدت جاری بود بالاخره بعد از وفات محمد صالح قائد ملی درسنه ۱۹۰۰ قوهٔ اهالی مضمحل گردیده وبعد از چند سال بکلی سقوط اختیار کرد.

از طرف دیگر درسنه ۱۸۸۸ سر چارلس جاسن از طرف سلطان برونی بعد از وفات عموی خویش جانشین وراجهٔ ساراواک گردیده بود وحکومت خود را تحت الحمایهٔ برطانیه اعلان کرد ودر همان سال برطانیه سلطنت برونی را درتحت حمایهٔ خویش درآورد

بورنیوی شمالی (برطانوی)

بورنیوی شمالی مملکتی است مستعمرهٔ برطانوی که در شمال جزیرهٔ بورنیو واقع وتحت ادارهٔ شرکت برطانوی است مساحهٔ آن عبارت از ۸۰٫۵۶۱ کیلو متر مربع و نفوس آن ۲۷۰٫۲۲۳ نفر است که جملهٔ مسلمان می باشند عایدات سالیانهٔ این مملکت به ۴۰۰٫۰۰۰ پوند بالغ می گردد

تاریخ این مملکت با تاریخ مملکت بورنیو توأم ودرآنجا ذکر شده است مرکز آن سنداکان است.

بورنیوی (هالندی)

بورنیوی هالندی مملکتی است درجنوب وغرب بورنیو که مساحهٔ آن عبارت از ۵۰۰٫۰۰۰ کیلومتر مربع و نفوس آن ۲٫۱۹۴٫۵۳۳ نفر است مرکز آن بنجرماسین است، راجع بتاریخ این مملکت بتاریخ بورنیو رجوع شود.

بهوتان

بهوتان مملکت مستقلی است که مابین تبت وهند و صفحات شمالی همالیه واقع میباشد.

مساحهٔ آن مساوی ۴۶٫۰۰۰ کیلومتر مربع بوده واهالی آن عبارت از ۲۵۰٫۰۰۰ نفوس است که تبتی الاصل وبه (بهوتیا) موسوم اند.

تاریخ قدیم این مملکت در پرده های تاریک از نظرها پنهان مانده. دراواخر قرن نهم امواج تبتی به مملکت بهوتان هجوم آورده شاهان محلی هندی واهالی هندی الاصل را از آنجا خارج ومملکت را متصرف گردیدند.

تشکیل سابقهٔ بهوتان چنین بود: مملکت بهوتان علاوه بر جایداد روحانیون به ۹ ولایت منقسم بوده

وهم ولایت را یك رئیس اداره می نمود حکومت مرکزی مشترکاً از طرف یکنفر شاه روحانی (دهرم راجا) و یکنفر شاه اداری (دیب راجا) بواسطهٔ مجلس وزرای دایمی خاندانی که وزارت ارثاً بایشان تعلق میگرفت انتظام و اداره می شد.

بهوتانیان یك حصهٔ آسام را اشغال و در سنه ۱۷۷۲ بکوچ بهار هجوم و راجای آنجا را محبوساً باخود بردند، اهالی کوچ بهار از انگلیس ها طلب امداد نموده و به معاونت انگلیس ها راجای خود را از چنگال بهوتانیان نجات و رهائی بخشیدند.

بعد از آن در سنه ۱۷۷٤ م به میانجی گری تاشی لامهٔ تبت نزاع انگلیس و بهوتان فیصله و معاهده بعمل آمد در سنه ۱۷۷٤ و سنه ۱۷۸۳ سفرای انگلیس باین مملکت بغرض تشویق تجارت اعزام شد اما هیچ نتیجهٔ حاصل نگردید.

در سنه ۱۸۲٦ انگلستان آسام را متصرف و هم سرحد بهوتان گردیدند، در سنه ۱۸٤۱ علاقهٔ دوارکه از مملکهٔ بهوتان بود بحکومت برطانوی آسام ضم شده و بعوض آن سالانه یکهزار کلدار قرار شد به حکومت بهوتان تادیه شود.

بواسطهٔ اینکه واقعات سرحدی تکراری شد واختطاف واقع می گردید از طرف برطانیه سفیری به حکومت بهوتان در سنه ۱۸٦۳ جهت تصفیهٔ امور اعزام گردید، بهوتانیان نمایندهٔ انگلیس را حبس و بزور بالایش راجع بأراضی متنازع فیه معاهده را به مفاد خود امضا نمودند چون سفیر مشار الیه خود را نجات بخشیده عودت نمود وایسرای عدم موافقت و قبولیت معاهدهٔ مذکور را رسماً اعلان نمود و در سنه ۱۸٦٥ م به بهوتان تجاوز نمودند در ابتدا اهالی بهوتان قلعهٔ دیوان گری را فتح نمودند اما بالاخره هزیمت یافته تمام علاقهٔ (دوار) را ازدست دادند. و درمقابل راضی شدند یکمقدار پول بعوض آن بگیرند

درسنه ۱۸۸٥ رئیس ولایت تونگ سا، بررؤسای ولایت دیگر غالب آمده و چون (دهرم رجا) فوت شد (دیب راجا) بعوضش دهرم راجا گردیده از امور ملکی دست کشید. در سنه ۱۹۰۷ رئیس تونگ سا، به اتفاق آرای رؤسای روحانی و اداری و وزرا و اهالی مهاراجای بهوتان انتخاب شد.

درسنه ۱۹۱۰ بهوتانیان مراودات خارجهٔ خود را بانگلیسها سپردند و درعوض یکصد هزار کلدار سالیانه حکومت برطانیه به بهوتان میپردازد.

درهمین سال حکومت چین اعلان قیمومیت خود را بهوتان نمود اما مقبول و مستند نیفتاده از طرف انگلیس ها رد شد

مهاراجائیکه در سنه ۱۹۰۷ انتخاب شده بود (اوگ ین وانگ چوك) در سنه ۱۹۲۷ فوت و عوض او پسرش مهاراجا (جك می وانگ چوك) بر قرار شده است.

تبت

تبت ازمستعمرات چینی است، مساحه آن عبارت از ۰۰۰ر۵۰ ۱ از امربع کیلومتر واهالی آن ۰۰۰ر۰۰۰ر۲ نفوس میباشد

باید دانست که تاریخ تبت بسیار قدیم است اگرچه قسمت بزرگ آن محض افسانه میباشد مؤرخین چینی درقرن یازده (ق ۰ ۰) ذکر چادرنشینان ایالت (کوکونور) را میکنند (نور ـ در زمان فعلی غدیر را میگویند) وتحریرات تاریخی تبی از قرن پنجم ودوم (ق ۰ م) الی سال (۹۱٤) میلادی یك فهرست شاهان نشان داده شده.

یک منظرهٔ شهر لاسا

میگویند که درعهد شاه (لها ـ تو توری ـ یان تسین) تعلیمات اولین بودا از راه نیپال به تبت رسیده ـ شاه چهارم این سلاله (نام ـ ری ـ سونگ ـ تسین) بود که درسنه ۶۳۰ میلادی مرد ـ در عهد این پادشاه تبتی ها حساب وعلم طب را از چین یاد گرفتند و درین ادوار آنها امنیت و آرای زیاد را صاحب شدند. پسر با شکوه او یعنی (سونگ تسین ـ گام ـ پو) در سن سیزده سالگی به تخت نشسته تا سالهای دراز سلطنت کرد درعهد او بودائیت شیوع زیاد یافت و این پادشاه الف بارا در تبت رواج داد که اساس آن بر ابجد هندی که درکشمیر مستعمل بود میباشد والحاصل این پادشاه فتوحات خود را در شمال تا قایل گیانگ در مغرب تا لداخ و در جنوب تا خلیج بنگال توسیع داد ـ اما در سنه ۷۰۳ میلادی برهمن ها خلاف اجانب بر انگیخته آزاد شدند.

پسرش بعد از وفات پدر خود تا غدیر کوکو فتوحات خود را رسانیده و درسنه ۶۶۳ بر چین هجوم برد اما چینی ها خلاف او بپیشرفت مقابله نموده تا به لهاسه رسیدند. (تسوك ـ تسین) نواسهٔ (مانگ ـ سونگ ـ مانگ تسین) در اشاعت بودائی کوشید ودختر خاقان چین را درحبالهٔ نکاح خود آورد ـ از بطن او (تی سونگ دی تسین) تولد شد واین پادشاه یکی از بزرگترین وبا شکوه ترین شاهان تبت میباشد که فتوحات تبت را زیاد و در تعلیم واشاعه بودائیت مساعی بلیغه را بکار برد ـ پسرش جانشین اوگشته درمملکت خود قانون مساوات را نافذ نمود.

در عهد (رال ـ پا ـ چین) احکام بودائیت مکمل و بصحت تحریر شده و در عهد او بهمرای چین محاربهٔ شدیدی واقع گردیده در سنه ۸۲۱ میلادی بین شان مصالحت گردید تا به (رال پا چین) سلسلهٔ شاهها را (شاهان متدین) می نامیدند زیرا که در راه بودائیت خدمات شایانی نمودند.

آخرین شاه مذکور را برادرش لنگدرمه نام کشت والی سه سال سلطنت کرد بعداز قتل او سلطنت تبت مابین دو پسرش تقسیم گشت و بودائیت رو به زوال گذاشت اما در سنه ۱۰۱۳ میلادی بعضی مبلغین بودائی از هند وارد شده بودائیت را دوباره زنده نمودند.

درقرنهای دوازدهم وسیزدهم قوه پیشوایان دینی بودائی بسیار ترقی کرد حتی قبلای خان یك اسقف بودائی را نزد خود طلبیده (وقتیکه برشرق تبت قبضه کرده بود) بعداز دوازده سال اورا اختیارات شاهی داده به تبت روان کرد ـ ازین زمانه یعنی ۱۲۷۰ الی ۱۳۴۰ میلادی ۲۱ اسقف یکی بعد دیگری حکمران تبت بودند. بعداز زوال حکومت اسقف (پاك مودو) خروج نموده سلالهٔ را تأسیس کرد که دوازده نفر تا ۱۶۳۰ حکمرانی نمودند.

درقرن چهارده، پانزده، شانزدهم دردین بودا انقلاب روی داده، راهب های کلاه زرد بروی کار آمدند (بیشتر راهب های کلاه سرخ بودند) مابین این دوفرقهٔ مذهبی یعنی راهب های کلاه سرخ و زرد مناقشه ومناظره ها به وقوع پیوست. اسقف کلاه زرد موسوم به (سونام ـ گیا ـ تسو) مذهب خود را تا به مگولیا تبلیغ نموده ویك رئیس مگولیا اورا به (دلائی لاما) ملقب ساخت ـ پس لقب دلائی لاما باینطور بوجود آمده وتاحال مروج است.

دلائی لامای پنجم بدربار شهنشاه چین به پیکن رفته بطور یك پادشاه مستقل پذیرائی کرده شد بعد از مرگ این دلائی لامای پنجم کبیر (بالعموم این دلائی لاما به همین لقب موسوم میباشد) مابین تبتی ها نفاق وشقاق رونما گردیده وچین بنابر نفوذ لاما درمانچوریا ومگولیا وتبت درمملکت تبت تسلط پیدا کرد ـ ودراوائل قرن هجدهم حکومت چین یك نماینده خود را ملقب به (امبان) در لاسا قایم نمود.

بعدازان دو (امبان) تعین شد یکی برای امورخارجه ودیگری برای شعبهٔ حربیه این امبانها درانتظامات تبت

مداخلت نموده ودر سنه ۱۷۵۰ حکمران تبتی را کشتند تبتی‌ها به انتقام برخواسته کل چینی های مقیم تبت را بقتل رسانیدند شهنشاه چین (چیان لنگ) عساکر فرستاده سلطهٔ چین را مکرراً قایم وقوهٔ امبانها را مستحکم نمود.

درسنه ۱۷۸۸ گورکه‌ها (که در نیپال عروج وتفوق حاصل کرده بودند) به تبت حمله برده یك حصهٔ آنرا فتح نمودند مگر چینی‌ها ازین واقعه خبر شده فوراً لشکری را ترتیب داده درسنه ۱۷۹۲ گورکه‌ها را شکست کامل داده وتا به پای تخت نیپال یعنی کهتمندو رسیده صلح را منعقد کردند وچون خیال کردند که درین تعرض غالباً دست انگلیس است لهذا تبت را برای اجانب کاملاً مسدود و ممنوع قرار دادند، در سنهٔ ۱۸٤۱ (۵۰۰۰) دوگره از راه کشمیر به جنوب تبت حمله بردند اما تبتی‌ها آنها را کاملاً مستاصل نمودند درسنه ۱۸۵۵ گورکه‌ها حملهٔ دیگری نموده کامیاب شدند از تبت ده هزار روپیه سالانه وحق تجارت آزاد را حاصل کرده سفیر خود را به لهاسه مقرر نمودند.

ازقرن سیزدهم اروپائیها وقتاً فوقتاً به تبت رفته معلومات مفیده را حاصل کرده اند حکومت انگلیسیهٔ هندوستان ازسنه ۱۸۷۲ کوششها نمود که بهمراه ای حکومت مرکزی تبت روابط قائم کند مگر تبتی‌ها همیشه از نفوذ و رسوخ انگلیس ترسیده از قیام روابط استنکاف نمودند. امادر سنه ۱۹۰۳ حکومت انگلیس از پیشرفت روسیه بیدار شده یك هیئت را بهمراه کندك مسلح بطرف تبت روان کردند وتبتی‌ها از راه جنگ پیش آمدند وانگلیس تبتی‌ها را شکست داد زیرا که تبتی‌ها غیر منظم واسلحهٔ خوبی نداشتند دلائی لاما از لهاسه بطرف مکولیا گریخت درسنه ۱۹۰٦ انگلیس بهمراه چین شرایط صلح را چنین طی نمود که علاقهٔ تبت به هیچ دولت اجنبی تعلق نخواهد داشت وتبت (۱٦٦۰۰۰) پوند بطور تاوان جنگ خواهد داد.

درسنه ۱۹۰۷ انگلیس وروس معاهده نموده سلطه چین را در تبت تسلیم کردند و ما بین خود عهد بستند که در معاملات وانتظامات داخلی تبت مداخلت نخواهد کرد.

چین از حمله سنه ۱۹۰٤ انگلیس خوف نموده برای پیش بندی حمله دیگری یك عسکر تهیه کرده وفوج چین درسنه ۱۹۱۰ به لهاسه رسید. لاما واتباع او بطرف هندوستان گریختند وچینی‌ها در تبت قوه وسلطهٔ خود را استحکام دادند. درسنه ۱۹۱۱ انقلاب چین بیا شد وتبتی‌ها عسکر چینی را از تبت رانده قسمت بزرگ مملکت را مجدداً گرفتند. دلائی لاما واتباع او وایس به (لاسا) عودت نمودند. درسنه ۱۹۱۷ چینی‌ها بار حمله کردند مگر شکست خوردند سپس تبتی‌ها همرای انگلیس دوست وبا چین دشمن گردیدند.

درسنه ۱۹۱٤ محاربهٔ عمومی بیا شده وتبتی‌ها یکهزار نفر بطور کمك به برطانیه دادند درسنه ۱۹۲۰ نمایندهٔ انگلیس درشهر ممنوع لهاسه (زیراکه تبتی‌ها ولاماها ادخال خارجیها را درحدود تبت ممنوع قرار داده بودند لهذا شهر لهاسه خصوصاً بنام شهر ممنوع هم موسوم میشود) بطور سفیر رفت ودرسنه ۱۹۲۲ قرار درخواست حکومت تبت شهر ممنوع لهاسه بواسطهٔ تلگراف باهندستان الحاق یافت تبتی‌ها خیلی خوش مزاج، شجاع، دلاور بوده وبسیار شوق بموسیقی، رقص وسرود دارند.

ترکیه

ترکیه درحال حاضر دارای ۲۷۵ر٦٦۰ر۱۳ نفوس ومساحهٔ آن عبارت است از ۷۳٦ر۷٦۲ مربع کیلومتر.

قرن سیزدهم زمان انقلابات بزرگی بوده است، امپراطوریت روم روبه تنزل نهاده وسلطنت بروس شروع به ترقی نمود، ترویج علوم وتاسیس مکاتب دائرهٔ خیالات ومعلومات اروپائی را وسعت بخشید. در انگلستان وحدت ملی از اختلاف نارمن‌ها وساکسون‌ها به تکمیل رسید. چارترکبیر امضا یافت واولین پارلمان ملی تشکیل شد (۱۲۱۵ درزمان جون John) درشرق جنگ های صلیبی بنقصان مسیحیون خاتمه پذیرفت. دراقصای شرق چنگیز باعساکر وحشی خود چین وآسیای وسطی را غارت کرده اولادهٔ او درعرصهٔ پنجاه سال بزرگترین سلطنتی را تشکیل داد که از بحیرهٔ چین تا پولیند شرقاً وغرباً واز دشت قپچاق تا خلیج فارس شمالاً وجنوباً
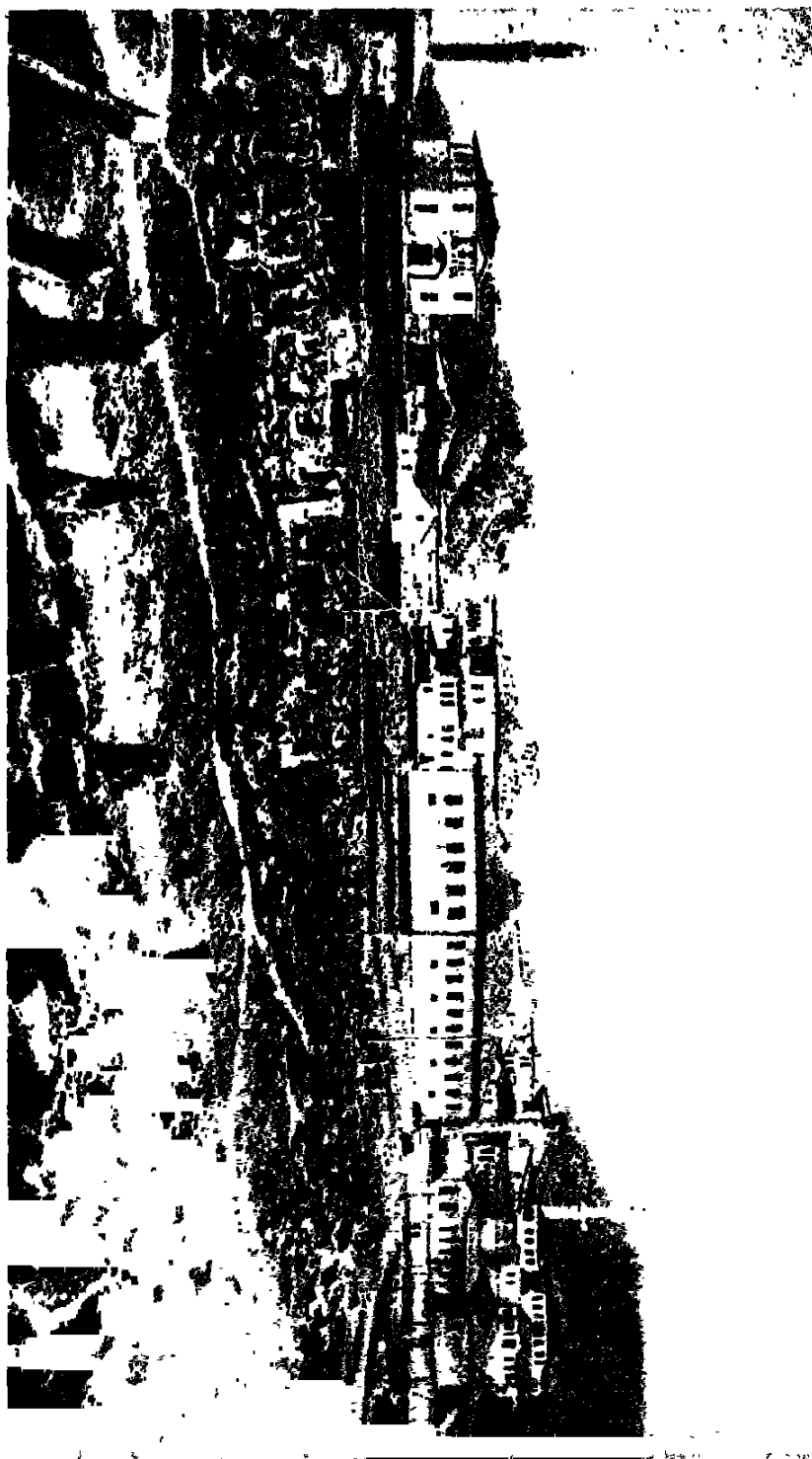
شهر جدید الفره درمیان حرابه های قدیم

وسعت داشت درهمین وقت ترکان عثمانی نیز بتحریکات خودمشغول گشته بالاخره موفق به تاسیس حکومتی گشتند که تاامروزدامنهٔ آن امتداد دارد . اما ازمهم مسایل تاریخی است که باید دانست این ترکان غیوراز کجا وچگونه موفق بتاسیس این سلطنت وفتوحات بزرگ گردیدند .

در میدانهای سنگ آریاوگوبیا بعضی اقوام خانه بدوش از ایام قدیم زندگانی میکردند واکثر به دسته جات خورد خورد تقسیم وبجانب جنوب وغرب حمله آور میگردیدند . مشهورترین این قبایل ایغوربوده که بنام یوچی سلطنت باختر ازشاهان یونانی افغانستان را غارت نموده امپراطوری بزرگی راکه مرکز آن شهربلخ امروزه بود در آسیای وسطی تشکیل دادند .

عدهٔ از این قبایل درکنار رود ولگا ، اورال وکسپین متوطن گردیدند . درقرن ششم این ترکها اقتدار زیادی یافتند وچون سلطنت عرب رو بتنزل نهاد خلفای عباسی بآنها محتاج گردیده از دوی بزرگی ازآنها تشکیل دادند . ازین بعد ترکهامتواتر برعلیه خلفاء شوریده حکومت های مستقل را دربعضی از نقاط ایشیا مانند نیشاپور وفارس وغیره تاسیس نمودند وبالاخره حکومت اسلامی را درا ناطولیه نقل دادند .

حکومت های سلاجقهٔ ایران وخراسان بواسطهٔ خوارزم شاهیان منقرض گشت وبه این شاهان از بعضی قبائل ترکی بحیرهٔ خزر کمك میرسید همین قبائل را مؤرخین اروپاء جد ترکان حالیه میدانند وقتیکه حملات چنگیزی روی کار آمد ترکها نیز مجبوراً بجانب غرب حرکت نمودند ودرآسیای صغیر ومصر حکومتهای مستقلی را تشکیل دادند اجداد عثمانی ها نیز باگله گوسفند خود بجانب آسیای صغیر آمده باجازهٔ سلاطین سلجوق روم در اناطول متوطن گردیدند بعدها سلطان سلاجقهٔ روم (علاء الدین) برآنها بدگمان شد واین دستهٔ ترکان در ۱۲۲۷ عیسوی بسرکرده گی سلیمان شاه از اناطول خارج گردیدند درینوقت عدهٔ شان بیش از چهار هزار بود ودرعبور از رود فرات سردار شان غرق شد ترکان این حادثه را بد شگونی گرفته عدهٔ که هنوز از رود نگذشته بودند بسرکرده گی ارطغرل بسرسردارمذکوربجانب اناطول بازگشتند ودر آنجا ازعلاء الدین اقطاعی درخواست کردند چون عدهٔشان کاسته بودعلاء الدین آنها رادرقرا جاداغ متصل انقره قامروزه زمین بخشیدند وچون حکومت سلاجقه راهموار کمك می نمودند سلطان درحق شان بیش از پیش مراعات می نمود ارطغرل در ۱۲۸۸ بعمر ۹۰ سالگی درگذشت وپسرش عثمان اول جانشین اومقرر گشت باوجودیکه سلطان درینوقت دچار مشکلات بوده وایالات اویکی بعد دیگری از مرکز مجزا واعلان استقلال می نمودند درین همه مشکلات عثمان باکمال جوانمردی به ولینعم خود کمك می نمود وچند بار عسکر یونانی ها را شکست داد . در ۱۳۰۰ علاء الدین درگذشت وامپراطوری سلاجقه تجزیه یافت ، عثمان نیز از موقع استفاده کرده اعلان استقلال نمود ازین جهت مؤرخین عثمانی اورا پادشاه نخستین خود میشمارند . پسرش اورخان غازی که یکی از فاتحین بزرگ عثمانی است تا بروسه فتح نمود واز ۱۳۲٦ تا ۱۳٥٤ حکومت کرده است .

درآخر قرن چهاردهم بایزید یلدرم داخل اروپا شده کمی بعد قسطنطنیه را محاصره نمود در ۱۳۹٥ مسیحیون اتحاد بزرگی برعلیهٔ او تشکیل داده عسکر متحده از رود دینوب عبور نموده بمقام نکوپولس (بلغار امروزه) باعثمانیها مقابله کردند اما تاب حملهٔ یلدرم را نیاورده شکست فاحش خوردند و یکی از برادران شاه فرانسه نیز بقتل رسید وقتیکه عسکر غیور ترك مشغول فتوحات بودند بلای ناگهانی بر ایالات شرق آن نازل گردید یعنی در همین موقع تیمور کورگانی مانند برق از سمرقند برخواسته درظرف اندکی از بغداد تاماسکو فتح نمود ودر ۱٤۰۱ خارجیه را بدست آورده داخل ترکیه گردید وشهرسیواس Siwas را تسخیر وغارت نمود واز آنجا به جانب شام وبغداد وبعدا بطرف شمال حرکت کرد ودر انگوره بالشکر ترکان درآویخت . عثمانی ها بسبب خیانت بعضی ازمامورین شکست خوردند وبایزید باسرداران بزرگ اسیر گشته وبعد از هشت ماه اسارت درگذشته ودولت عثمانی را بحالت ابتر وپریشانی گذاشت .

در ۱۴۱۳ محمد اول بسلطنت رسیده شورشهای داخلی را تا اندازهٔ فرونشانده وخرابیهای تیمور را اصلاح کرد وسفیری بدربار وینس فرستاد وباراول دستهٔ جهازات عثمانی را مرتب نمود.

درقرن پانزدهم محمد ثانی که درتاریخ بمحمدفاتح مشهوراست شورشهای داخلی را رفع وعسکر را ترتیب نمود ودرمدت پنجاه وسه روزقسطنطنیه رافتح وبآن داخل گردید۱۴۵۳وبعد ازکمی بجانب شمال رفته حصهٔ جنوبی صربیه راهم فتح نمود ودر۱۴۵۶ ایالات بوسنه هرزی گوینا ، والاچیا ، البانیه وماسی بیگر وضمیمهٔ دولت عثمانی گردید. اهالی وینس نیز بعضی مقامات ساحلی را بحق عثمانی ها گذاشتند ، کمی بعد ۱۴۷۸ کریمیا نیز فتح گردید. درقرن شانزدهم اقتدار ترکها (درعهد سلیمان باشکوه) بانتهای ترقی رسید بلگراد وجزیرهٔ رودس فتح گردید عسکر عثمانیها از رود دینوب گذشته بمقام موهاکس لوئی دوم سلطان هنگری را شکست داده شهر بودا پست را بدست آوردند ۱۵۲۸ وچون ازآنجا برگشتند فردیناند برادر شارلکن (چارلس پنجم) داخل جرمنی شده‌اما دریوقت تعرض ایرانیها (درزمان شاه طهماسپ) در آذربایجان بکوش سلطان رسیده واورا مجبور ساخت که ترك فتوحات گفته بجانب شرق آید در یوقت تبریز را فتح نموده وتمام ارمینیارا بدست آورد.

خیرالدین پاشا امیرالبحر ترکی دریوقت کشتی های وینس را تباه نمود ، الجزائر وسیاری جاهای افریقهٔ شمالی را بدست آورد، در ۱۵۴۸ ارض روم ، جارجیا فتح گردید وایران معاهدهٔ صلح را امضاء نمود ۱۵۵۵ ، حدود سلطنت عثمانی دریوقت از بغداد تامراکش شرقاً وغرباً واز سرحدات جرمنی تا خلیج فارس وعربستان شمالاً وجنوباً وسمت بادت وبحراسود کاملاً بحر عثمانی گشت.

درقرن هفدهم که دسته از شاهان بحکومت رسیده بنای عیاشی گذاشتند درامور مملکت وعسکر ترکها روز بروز ضعف راه یافته مملکت درخطر افتاد و بیچریها شورشهای متواتر کردند مسیحیون ازخانه جنگی ها استفاده کلی نمودند معاهدهٔ مشهور سلواتروك Silwatrok سیلاب فتوحات عثمانی را دراروپا خاتمه داد.

درقرن هجدهم شاه سویدن (چارلس ۱۲) بمقام پولتاوا Pultawa از پطر کبیر شکست خورده به شاه عثمانی پناه آورد وروسیه اورا در اراضی ترکیه تعاقب نمود. عساکر اسلامی متصل رود پرت پطر کبیر را باعسکرش محاصره نمودند وقریب بود که همه تسلیم شوند اما سر عسکر ترکیه (بالتجی محمد پاد شا) خیانت نموده درخواست ملکه کاترین را قبول ومعاهدهٔ صلح را باشرایط بسیار نرم امضاء نمود ۲۱ جولائی ۱۷۱۱، کمی بعد استریا حمله آورده بلگیرید را متصرف گردیدند وروسها بار دیگر بر ممالک‌عثمانی تعرض نمودند ودر ۱۷۲۷ ترکها بمقابل شاه اشرف افغان شکست خورده سلطنت اورادرایران برسمیت شناختند معاهدهٔ اتحاد بین دولتین عقد وسرحدات طرفین مقرر شدند درقرن نزدهم مسایل شرقیه بروی کار آمد وهمینکه در ۱۸۱۴ کانفرانس وی یانامنعقد شد ودول اروپائی ازناپلیون نجات یافتند دولت عثمانی محل متنازع دولت های اروپائی گشت ، استریا ازهیئت کانفرانس بقای دولت عثمانی وشمول او را بموافقت اروپائی خواهش داشت اما روسیه اباء نموده عثمانی را ازدایرهٔ حقوق بین‌الملل خارج‌گذاشته میخواست که آن‌را در بین خود تجزیه نماید وسیاسیون اروپائی‌هرحادثه را بدقت ملاحظه می‌نمودند ومقصد هر دولت (بدون روسیه) این بود که هر ملتی که در املاك سلطنت عثمانی چشم بدوزد فوراً ازو جلوگیری نموده بحد خودش باز دارند ازینجهت در ۱۸۱۵ مشغلهٔ شاروزسیاسیون اروپا مسئله شرق بود ومراد از مسئله شرق‌سلطنت عثمانی بود که باقیماند، یا تجزیه گردد، واگر تجزیه گردد چگونه؟ واگر بر حال ماند از ملل کوچك مسیحی که تابع سلطان هستند چگونه طرفداری وحمایت کند. ظهور مسئله شرق باراول از ۱۸۲۵ - ۱۸۲۹ آغاز شد دروقتیکه یونانی ها بغاوت کرده ممالك مسیحی را بامداد خوددعوت نمودند میترنش وزیر استریا سعی نمود که دول اروپائی گوش بآواز آنها ندهند اگرچه قتل عام ساکاز وبدار اویختن رو حانیون بزرگ مسیحی درقسطنطنیه به میترنش موثر نیفتاد ولی ملل اروپائی را افسرده خاطر ساخته جماعه جماعه

برای اعانه ومدد هم کیشان خود بجانب یونان رفتند و پول زیادی به یونان فرستادند نیکولس زار روسیه با شاه انگلستان اتفاق کرد تا از سلطان استقلال یونانی را طلب نماید این مخاره سه سال طول کشید ولی اثری نه بخشید. سلطان از محمد پاشا والی مصر معاونت خواست ومشار الیه یك دسته جهازات ترکی مصری را بمعاونت فرستاد انگلستان، روسیه وفرانسه متحداً جهازات خودرا بآب های یونان فرستاده جهازات مصری را تباه نمودند وکمی بعد روسیه از دیوب عبور نموده بجانب قسطنطنیه پیشقدمی نمود سلطان مجبور را معاهدهٔ ۱۸۲۹ ادریانوپل را امضاء و استقلال یونانی ها را اعتراف کرد وحرکت جهازات را در دنیوب ودردانیال آزادی داد علاوتاً خسارهٔ جنگ را نیز قبول نمود وکمی بعد فرانسه الجزیره را گرفت.

مسئله دوم شرق: از حمله محمد علی والی مصر بر سوریه وتسخیر آن بوقوع آمد زیرا شکست عثمانی باعث بغاوت وشورش اناطول گشته سلطان مجبور از زار روسی امداد خواست زار فوراً قشون خودرا بقسطنطنیه فرستاد این مداخلت روسیه باعث پریشانی انگلیس وفرانسه گشته سلطان را مصلحت دادند که سوریه را به محمد علی واگذارد.

سوم مسئله شرق: از ۱۸۳۹ شروع ودر ۱۸٦۱ خاتمه پذیرفت.

افواج ترکیه در تحت سرکردگی خسرو پاشا از دریای دجله بر میگشت دربین راه باعساکر شاهی محمد علی برخوردند. محمد علی بدار بود لشکر ترك را عقب نشاند وازین کامیابی چنان مسرور گشت که فتح اناطول در دماغش جا گرفت واعلان نمود که شخص سلطان سوء قصدی ندارد محض می خواهد مامورینکه در وظیفه خود کوتاهی کرده اند بسزا رساند انگلیس ودر روسیه این عزم بزرگ اورا خلاف سیاست خود دیدند زیرا انگلیس میترسید اگر محمد علی قوی گردد بسهولت راه هند را مسدود خواهد نمود همچنین روسیه خیال داشت ترکها را اصلاح وتقویت نموده مقابل خود یك سد بزرگی تشکیل دهد ازین رو هردو محمد علی پادشاه را مجبور نمودند که سوریه را تخلیه نماید ومحمد علی مجبور گردیده که مطالبات این دو دولت قوی را پذیرد. بعد ازین انگلیس مناسب دانست که ترك ها را از تحت حمایه روسیه نجات دهد ومعاهده نام آبنا ها در ۱۸٤۱ با دول بزرگ اروپا امضاء نمود تاهیچ کدام جهازات جنگی خود را درآبنا های دانیال و باسفورس شناور نسازد در نزد سلطان عهد برار شد که ممالکش را از تجزیه مصئون دارد باین واسطه سلطنت عثمانی در زمرهٔ حقوق دول اروپا داخل شد.

چهارمین مسئله شرق از ۱۸۵۲ شروع ودر ۱۸۵٦ خاتمه پذیرفت روسیه از جاه طلبی خود دست نکشیده دولت عثمانی را آدم مریض نامیده محو است او را تجزیه نماید چنانچه در ۱۸٤٤ که زار بطرف انگلستان سفر کرد فکر خودرا درمسئله شرق چنین اظهار نمود (در خصوص دولت عثمانی بین من وورزا من دو فکر موجود است یکی دولت عثمانی را بحالت نزع ودیگری مرده میدانند اما بهر حال هیچ چیز مانع مرگ فوری میگردد) ودر ۱۸۵۲ زار روسیه بسفیر انگلیس نوشت: وقت آنست که این جسد مرده (دفن شود.) وعزم نمود که قسطنطنیه را متصرف گردد این مسئله باعث ظهور چهارمین مسئله شرق گردید انگلیس خواست که روسیه را ازین عزم باز دارد ازینجهت بادول اروپائی مشوره نمود وامپراطور استریا تائید انگلستان نموده بروتست بروسیه داد اما ناپلیون سوم فرانسه ومملکت ساردینا وانگلیس هرسه متحد گشته جهازات وعساکر خودرا بمعاونت عثمانیها فرستاده خواستند که بحریه روسیه را در بحر اسود تباه کنند. برای تصفیه این جنگ کانفرانس پاریس در ۱۸۵٦ انعقاد یافت ودر آن تضمین گذاشتند که در بحر سیاه ورود دیوب جهازات جنگی روسیه شناوری نکند وسلطان درعوض حقوق مساوات به نصارا داده جزیهٔ آنان را بخشید.

پنجمین مسئله شرق بواسطهٔ مداخلت روسی بظهور آمد، روسیه نصارای سلاوی، سرویه ومانتی نگرو را طرفداری نموده ترك ها شورشیان را شکست داده عدهٔ زیادی از آنها را کشت، درچنین وقت بارك سلطان عبدالحمید بسلطنت رسید واصول مشروطه در مملکت جاری ومجلس پارلمان آن بطرز اروپا تشکیل یافت ولی اروپائیان خصوصاً روسیه قانون اساسی را اعتبار نداده درخواست کردند که ممالکی را

ضمیمهٔ مملکت خود نموده استقلال عثمانی ها را که در خطر عظیم افتاده بود تحفظ نمود. مصطفی کمال بعد از بدست آوردن این مقامات و قیام امنیت داخلی اعلان جمهوری کرد و خودش رئیس جمهور منتخب شد و درین مدت کم دولت ترکیه را چنان ترقی داده که مؤرخین اروپائی که چندی پیشتر آن را مرد مریض یا جسد مرده می نامیدند الحال مجبورند که در توصیف آن مقالات بدهند، و بزرگی و فعالیت مصطفی کمال را اعتراف نمایند

جاپان

جاپان مثل برطانیهٔ کبیر مملکت بحری است و مشتمل بجزائر متعدد است که رقبهٔ آن ۳۸۲٫۰۷۱ مربع کیلومتر و نفوس آن ۶۴٫۴۵۰٫۰۰۵ نفر است ـ جاپانی ها مملکت خود را نیپون Nippon یعنی مطلع شمس می نامند، اهالی آن که بالغ بر (٦٤) ملیون است کاملاً از نژاد زرد میباشد.

قبل از قرن نهم میلادی واقعات جاپان مبنی به روایات و افسانه ها بوده است که ما آن را وقایع تاریخی گفته نمی توانیم ـ قدیم ترین امپراطور جاپان از روی فهرست روایات کوچکی ـ جیمو Jimu، نام دارد که تخمیناً (٦٦٠) ق، م زندگانی کرده است و اکثر مورخین برین اتفاق دارند که جمیع امپراطوران جاپان تا امروز از نسل همین شخص بوده اند و خانوادهٔ موجودهٔ امپراطوری از مدت تقریباً دو و نیم هزار سال بر سر اقتدار است

در اوائل، جاپانی ها نیز مثل چینی ها از مردمان خارجه متنفر بودند اما در نیمهٔ قرن (١٦) نفوذ ممالک خارجه درین مملکت شروع به ترقی نمود ـ در سال (١٥٤٣) یک سیاح پرتگالی موسوم به پنتو Pinto بار اول در خاک جاپان قدم گذاشت اهالی جاپان با او سلوک نیک کردند ـ چاپچه چندی بعد عدهٔ زیادی از ملغین مسیحیون داخل جاپان شدند و یکی ازین نفر ان فرانسس کزیویر Francis Xavier نام داشت که از فرقهٔ جزوئیت Jesuits بوده ـ این شخص به مدت کمی در مقصد خود کامیابی زیادی حاصل کرد و عدهٔ کثیر جاپانی ها دین مسیح را قبول کردند ولی دیری نگذشت که نفوذ رفتار این ملغین جاپانی ها را از خود متنفر ساخت و روبه رفته این نفرت شان بدرجهٔ رسید که در (١٨٣٠) جاپانی ها اعلان نمودند که اگر شخص اجنبی داخل جاپان شود فوراً بقتل برسد، و نیز هیچ یک از اهالی جاپان از خاک وطن خود قدم بیرون نگذارند اما این سیاست نفرت انگیز جاپانی ایشان را بار اول ضربتی شدیدی از جانب اضلاع متحدهٔ امریکه رسید حکومت امریکه در (١٨٥٣) یکدسته جهازات را بسر کردگی کمودور پیری بجاپان فرستاد تا درباب تجارت و حفاظت ملاحین امریکائی که در سواحل جاپان مشغول صید ماهی میباشند با حکومت جاپان مذاکره نماید ـ کمودور پیری بجاپان رسیده نزد شوگن، وزیر اعظم جاپان عرضداشت خود را پیش نمود شوگن معاهدهٔ تجارتی را امضاء نمود ـ اهالی جاپان این را خلاف سیاست خود تصور کرده برعلیه شوگن اقدامات نمود، در نتیجه اقتدار شوگن را ضربتی شدیدی رسید و برعکس آن امپراطور مقتدر گشت، اما در نتیجهٔ شورش های داخلی یک از تبعه انگلیسی رچرد سن بنام Richard Son به قتل رسید، حکومت انگلیس فوراً جهازات خود را فرستاده کاگوشیما را بمبارد نمودند، جاپانی ها درین جنگ خود را عاجز یافتند و از قوهٔ دول اجنبی واقف گردیده سیاست خود را فوراً تغیر دادند، و درین کوشش افتادند که بهر طریقیکه ممکن باشد خود را مثل دشمن آراسته نمایند ـ در سال (١٨٦٧) امپراطور متسوهیتو Mutsohito سر اقتدار آمد درین وقت عمرش از (١٥) سال بود، در عهد این امپراطور که تا (١٩١٢) طول کشید جاپان از هر حیث ترقیات نمود، در بدو سلطنت شوگن نیز برطرف گردید و تمام اختیارات بشخص امپراطور تعلق گرفت پای تخت نیز از مقام کیوتو شهر یدو نقل داده شد و نام آن را توکیو گذاشتند (١١٦٨).

یک منظره از شهر کوتو

خلع شوگن واقتدار میکادو دورهٔ جدیدی را در ژاپن ایجاد کرد که مورخین ژاپن آنرا دورهٔ میجی یعنی روشن نامیده اند ـ ترقی ژاپن از همین سال شروع می‌شود.

ادارهٔ مملکت را به مودل اروپائی تشکیل دادند، و مملکت برای قبول مدنیت صحیح و ترقیات عصری مفتوح گردید و چون ژاپانیها ذکی و زحمت کش و استعداد خوبی دارند بزودی علوم و فنون و تمدن غربی را در ملك خود مروج ساختند مخصوصاً عسکر و بحریهٔ خود را قسمی تشکیل دادند که با مهمترین دول اروپا و امریکا همسری کرده بتوانند در نتیجه همین ترقیات بوده که در سال (۱۸۹٤) مملکت چین را با آن بزرگی و عظمت آن مغلوب نمود، و بموجب معاهده شیمونسکی Shimonski که در ۱۷ اپریل (۱۸۹۵) امضا یافت پورت آرتر، جزیره تائی لیتونگ وجزیرهٔ فارموسا معهٔ جزائر پیکادورا بجاپانیها سپردند و نیز مملکت چین (۲۰۰) ملیون تیل را که معادل (۱۷۵) ملیون پوند میشود تاوان جنگ بجاپانیها دادند.

کمی بعد یعنی در سال (۱۹۰٤) جنگ بین روس و جاپان درگرفت اما بعد از محاربات زیادی روسها به امضای معاهده پورتس ماؤت مجبور گردیدند این جنگ که تا مدت (۲۰) ماه طول کشید کاملاً بفائدهٔ جاپانیها بود و روسی ها در بحر و بر شکست های متواتری را متحمل گشتند در (۱۹۱٤) در جنگ عمومی جاپانیها بر علیهٔ جرمنی اعلان حرب داده تمام مقبوضات آنرا که درچین و بحرالکاهل ودر شمال خط استوا بوده فتح نمودند.

جاپان امروزه: مملکت جاپان که وسعت و دارای نفوس زیاد است ومانند دول معظم دیگر دارای مستعمره میباشد، از این حیث چشم را بمقبوضات چین دوخته است چنانچه اولاً کوریا را بدست آورده، وبعد ازان متوجه منچوریا گردیدند تا بالاخره آنرا نیز فتح نموده ضمیمهٔ مملکت خود گردانیدند

واقعات منچوکو واستقلال آن مملکت درین سالهای موجوده همه سرروی جاپان ونمونهٔ از عظمت وترقیات کشور مذکور محسوب می شود.

صنعت وحرفت امروزهٔ جاپان بدرجهٔ ترقی کرده که در رقابت تجارتی از اکثر دول معظم دنیا پیش رفته و اکثر بازارهای تجارتی را بدست آورده اند.

حکمران موجودهٔ جاپان هیروهیتو Hirohito است که به ۲۵ دسمبر ۱۹۲۶ بسلطنت رسیده.

جاوا

جزیرهٔ جاوا که یکی ازمجمع الجزایر شرق الهند است به جنوب مشرق آسیا واقع است. اهالی هند و چین و عرب از زمانه های قدیمه باین دیار رفت وآمد داشته از طرق وشوارع تجارتی آن کاملاً باخبر بودند اما اهالی اروپا تا قبل از مسافرت مارکوپولو (در قرن ۱۳ مسیحی) از وجود این جزیره بکلی بی اطلاع بوده اند

باشندگان این جزیره از نژاد ملایا ودین آنها دین حنیف اسلام و مذهب شان حنفی و شافعی است.

در قرن اول عیسوی ساکنین دیارهند باین جزیره وارد شده رفته رفته دین خود را در آنجا رواج دادند و بعد تا مدت یکهزار سال تاریخ این جزیره مبهم و تاریک مانده ولی از آثار مخروبه و معابد وعمارات آن وقت معلوم می شود که کیش بودائی وسلطنت سیلند را که مرکز آن درسماترا بود، درین سر زمین قائم بوده است از تواریخ اسلامی مکشوف میشود که در قرن ۱۲ عیسوی کیش ساکنین آنجا شیوائی بوده وچهار سلطنت مستقر جداگانه که حکمران یك از هندوان محلی بود در آنجا

چون سلطان سلیم عثمانی در سنه ۱۵۱٦ م بسوریا هجوم آورد امرای دروزی با او متفق گردیده بر علیه ممالیك داخل جنگ گردیدند و بعد از فتح مصر سلطان سلیم سلطنت دروزرا تحت ادارهٔ خویش درآوردهٔ وامیر معان را به مکافات معاونت او به امیری دروز برگماشت ، اولادهٔ امیر معان خطهٔ حکمرانی خود را وسعت بخشیده اکثر نقاط سوریای جنوبی را تصرف نمودند .

در سنه ۱٦۱٤ بر علیه سلطنت عثمانی علم بغاوت برافراشتند ولی پاشای دمشق ایشانرا هزیمت داد وامیر دروز به ایطالیا پناه گزین گردیده بعد از مرور پنج سال به مملکت خود عودت نمود وتا سنه ۱٦۳۳ بطور حکمران مستقل دوباره سلطنت نمود بالاخره بمقابلهٔ عساکر عثمانی شکست خورده وبدست ایشان اسیر واعدام گردید .

بعد ازین واقعه خانه جنگی ها درآنجا دوام پیدا کرده مملکت صورت طوائف الملوکی اختیار نمود در اخیر امرای خانوادهٔ شهاب حیثیت ریاست کل را مالك گردیدند وتا سنه ۱۸٦٤ دائما بر علیه حکومت عثمانی بغاوت از طرف دروزیها دوام داشته و در مقابل عساکر عثمانی شکست نصیب ایشان میگردید در سنه مذکور لبنان تا اندازهٔ استقلال داخلی موفق گردید اما در حدود سویده شورشها خاتمه پذیر نشده صورت دایمی بخود اختیار نمود وقبیله اطرش قوت پیدا کرد

در اثناء حرب عمومی تا اواخر سنه ۱۹۱۸ با حکومت عثمانی از در مخالفت پیش نیامدند بعد از آن با امیر فیصل بن شریف حسین متفق گردیدند وچون سلطنت عربی دمشق را فرانسویها در سنه ۱۹۲۰ برانداختند با فرانسوی ها داخل مذاکره گردیده در سنه ۱۹۲۱ حکومت جداگانه جبل دروز را تحت انتداب حکومت فرانسه تشکیل داده وسلیم پاشا الاطرش را بریاست انتخاب ومقرر نمودند .

در سنه ۱۹۲۵ فرانسوی ها از موافقه که در سنه ۱۹۲۱ با دروز نموده بودند ابا آوردند ودروزیها به مخالفت قیام نموده با مسلمین اهل سنت اتفاق ودسته های قشونی فرانسوی را شکست دادند اما در سنه ۱۹۲۷ در مقابل فرانسه شکست خوردند .

در سنه ۱۹۳۰ م فرانسوی‌ها تشکیلات جدیدی در دروز نموده واز طرف فرانسه حاکم درآنجا تعین نمودند . مرکز دروز السویدا نام دارد .

جزائر شرق الهند

جزائر شرق الهند که بزرگترین مجمع الجزائر عالم است بجنوب مشرق آسیا وشمال مغرب استرالیا وبین بحر الکاهل و بحر هند بدو طرف خط استوا واقع گردیده است تعداد جزائر کوچك و بزرگ اینجا بر هزار بالغ میگردد

جزیرهٔ نیوگنی ، بورنیو ، سماترا ، جاوا ومجمع الجزائر ملاکا ، مجمع الجزائر فلپائن وجزائر تیمور وغیره از جزائر بزرگ جزائر شرق الهند بشمار می آیند .

جزیرهٔ نیوگنی جزء اوقیانوسیه بشمار می رود بنابران تاریخ آن در تاریخ اوقیانوسیا ذکر خواهد شد فلپائن که تحت الحمایهٔ امریکاست و بورنیو ، سماترا ، جاوا تاریخ هر یك جداگانه نگاشته آمد ـ به لحاظ آنکه تاریخ این جزائر بعد از رسیدن اروپائی ها به آن ارتباط دارد دریجا نیز ضمناً ذکر میگردد .

از مطالعات طبقات الارضی معلوم میگردد که در ازمنهٔ قدیم جزائر مذکور از یکطرف به قطعهٔ آسیا از جانب دیگر به قطعهٔ آسترالیا وصل است .

قدیم ترین اهالی بومی از نژاد سیاه پست قد (نگریتو) بودند بعد ازان اقوام عرق سفید و متعاقب آن منگولیائیها درآنجا متوطن شده و ازین اختلاط نسل ملائی بعمل آمد . در ازمنهٔ تاریخی هندی و چینی و عرب نیز درین سر زمین وارد شده و با اهالی بومی از دواج و تا حدی آمیخته گردیده اند و اکثر اهالی جزائر شرق الهند مسلمان میباشند .

زبان ملائی عموماً بوجودیکه هر حصه جداگانه زبان دارند فهمیده می شود و رسم الخط آنها عربی است از اروپائیها اول پرتگالیها در سنه ۱۵۰۹ وارد این جزائر گردیدند درسنه ۱۵۱۱ البوکرک قائد پرتگالی شهر ملاکا را که در جزیره نمای ملایا واقع است تصرف نموده بود جهازات خود را بجزائر ملاکا فرستاده این جهازات در راه بجزائر جاوا و مدورا و سوم باوا و غیره تصادف نمودند ، سه سال بعد جهازات دیگر پرتگالی بجزیرهٔ تریت رسیده و آنرا مرکز تجارتی و حربی این جزائر قرارداد .

درسنه ۱۵۱۹ هسپانوی ها تحت ریاست فرد یناند میگلن جهازات خود را برای اکتشافات جدید و استملاک به راه جنوب امریکه اعزام نمود و آنها در سنه ۱۵۲۰ به فلپائن و بورنیو و بالاخره بمولا کار رسیدند یکی ازین جهازات از راه جنوب افریقه به هسپانیه عودت نمود و این گردش گردش اول دور دنیا محسوب می شود .

درسنه ۱۵۲۵ و سنه ۱۵۲۸ هسپانوی ها برای نفری خود در جزائر مذکور قوت و کمك فرستادند ولی در سنه ۱۵۲۹ در معاوضه (۲۵۰,۰۰۰) طلا هسپانوی ها دائرهٔ نفوس خود را در شرق جزائر مولاکا محدود ساخته و غیر ازجزائر فلپائن باقی جزائر شرق الهند را برای پرتگالیها واگذار گردیدند ، چون درآن زمان سلاطین اسلامی جوهور و جاوا و آچین و بن تانگ و برونی قوی بودند پرتگالیها بجز تجارت نتوانستند موفق باستیلای آنجاها گردند بلکه مخاصمت این سلاطین قوهٔ پرتگالیها را مضمحل نمود .

درسنه ۱۵۷۹ و بعد ازان تجار برطانوی باین جزائر برای جلب منافع تجارت مرچ سیاه ، دارچینی ، هیل ، میخك (چهارمصالح) وارد شدند در سنه ۱۵۹۶ جهازات مسلح تجار هالندی برای رفع انحصار تجارت پرتگالیها راجع به چهارمصالح اراده نموده و وارد این دیار شدند مدتی گذشته بود که پرتگالیها شکست یافته نفوذ خود را یواش یواش از دست دادند ودرسنه ۱۶۰۲ شرکت شرق الهند هالندی تاسیس یافت و در همین سال هالیندی ها با سلطان آچین روابط دوستانه برقرار نمودند ودرسنه ۱۶۰۶ با سلطان جوهور عقد اتحاد بسته ودرسنه ۱۶۰۸ پرتگالیها را به ۱۲ سال متارکه مجبورگردانیدند ، درسنه ۱۶۰۹ از طرف هالند اولین والی درین دیار تعیین یافت ، درسنه ۱۶۱۱ شهر جاکاترا واقع جاوا را مرکزخود قرار دادند درسنه ۱۶۱۹ نام آنرا به (بتاویا) تبدیل گردانیدند چنانچه تا حال باویا مرکز است ودرهمین سنه انگلیسها معاهده نمودند که هردو شرکت باهم متفق بوده و برای اخراج پرتگالیها کار نمایند ، برای این مقصود هالندی ها بزودی داخل مجادله با پرتگالیها گردیده و جهازات حلیف دران مواقع بکمك ایشان رسید .

درسنه ۱۶۳۷ که میعاد معاهدهٔ مذکور باختتام رسید هالندی ها بقوهٔ خود متکی شده بشدت تمام با پرتگالیها درآویختند و بنادر ایشان را که در هندوستان و ملایا داشتند تصرف کرده و به نفوذ آنها خاتمه دادند .

درسنه ۱۶۷۲ بین هالند و انگلیس جنگ بوقوع پیوست اما درسنهٔ ۱۶۷۴ معاهده بین دولتین امضاء یافت و انگلیسها از جزائر شرق الهند صرف نظر نمودند .

درسنه ۱۶۷۴ تا سنه ۱۷۴۹ اقتدارهالندیها در جزائر شرق الهند بدرجهٔ منتهائی بود و با اهالی بومی بشدت رفتار نموده و ایشان را مانند عبد استعمال می نمودند ، اهالی ازین رویه بستوه آمده بار ها برای

تجارت خود قیام نمودند اما چون قوای بری و بحری هالندیها قوی بود ایشان موفق شده نتوانستند و از پیش بیش مظالم بالای شان اجرا کرده مردها را قتل می نمودند و زنان را برای تمتع گرفته مایملک ایشانرا نیز ضبط می کردند .

شرکت هالندی ازمنافع غیر صحیح که بذرائع تشدد حاصل میکرد به سهم داران شرکت پول زیاد میدادند

بعد از سنه ۱۷۴۹ هالندی ها در جزائر شرق الهند از باعث سوء اداره و تشدد بیجا و نقص تجارتی و تقلبات مامورین رو به انحطاط گذاشت ، و افواج بقدر کفایت نتوانستند نگهدارند و سادریکه اموال تجارتی از آنجا ها صادر می گردید نیز به سبب عدم محافظین قاچاقیان بکثرت اموال را می گذشتاندند و باین واسطه در انحصار تجارتی ضرر کلی متوجه شرکت گردید ، از دیگر طرف دزدان بحری و بری نیز جسارت نموده محل امنیت گردیدند . در آخر شرکت مجبور گردیده رجوع بحکومت نمود و حکومت هالند در سال ۱۷۹۸ شرکت را برطرف کرد و درسنه ۱۸۰۳ حکومت هالند اصلاحات جزائر شرق الهند را تجویز نمودند ، اما بواسطهٔ جنگ ناپولیون و مفتوح شدن بدست او جزائر شرق الهند به فرانسه تعلق گرفته و از طرف دولت مشار الیها مامور فرانسوی در آنجا اعزام و اصلاحات را بروی کار آورد .

در سنه ۱۸۱۰ انگلیسها که با فرانس مشغول زد و خورد بودند جهازات جنگی خود را از هند بجزایر شرق الهند فرستاده جاوا و بعضی جزائر دیگر را متصرف شدند در سنه ۱۸۱۴ بموجب معاهده (ویانا) جزائر مفتوحه دوباره به هالند داده شد هالندیها از سنه ۱۸۳۰ باصلاحات شروع نموده و از دیگر جانب بارؤسای جزائر یکی بعد دیگر داخل جنگ شده حصص باقیمانده را بتصرف خود در آوردند .

درسنه ۱۸۷۳ هالندیها جنگ سی ساله را باحین شروع نمودند و درنتیجه سماترا را تصرف شده بعد در سنه ۱۸۷۴ لمبوك را بیر گرفتند . درسنه ۱۹۰۸ با پرتگال جزیره تیمور را تقسیم نمودند .

اکنون از جملهٔ جزائر شرق الهند جزائر فلپائن بامریکه و حصه مشرق جزیرهٔ تیمور به پرتگال و حصهٔ شمالی بورنیو به برطانیه و باقی تمام جزائر به هالند تعلق دارد .

چین

مملکت چین که یکی از بزرگترین ممالک عالم میباشد درقسمت شرق آسیا واقع شده ساحهٔ آن باستثنای روس اسیائی از براعظم اروپا متجاوز است و ساکین آن قطعه ربع نفوس دنیا را تشکیل میدهد در ازمنهٔ قدیم این مملکت رقبهٔ بزرگی را حاوی بودولی بمرور ایام بواسطهٔ اختلافات و کشمکش های داخلی وخارجی بعضی ایالات آن ازان مجزا شد وعظمت آن کاسته گردید ، اقوام وطوائفیکه دربین سرزمین آبادند بطوریقین گفته نمیتوانیم که مسکن اصلی آنها کجا و ازکدام نسلند - لیکن نظر به شکل وصورت وتدقیقات علمی که بعمل آمده منسوب به نژاد زردی شوند . بهر صورت یکی ازقدیم ترین ملل دنیا بوده درتهذیب وتمدن جداگانهٔ خود ازسائر ممالک عالم مخصوصاً اروپائیها سبقت کاملی حسته بودند .

اختراعات و ایجادات که بیادگار گذاشته اند عبارت از کاغذ و باروت سازی ، پارچه های نخی وابریشمی نقاشی ، معماری ، حجاری ، قطب نما وغیره میباشد که برقدامت تهذیب آنها دلالت میکند - اول پادشاه تاریخیکه درمملکت مذکور بوده فوهی است وزمان زندگی اورادرسنه ۳۴۶۸ قبل المیلاد ضبط نموده اند و بعضی مورخین چینی اورا ازدرجهٔ انسانی بلندتر تصور کرده اند لکن مورخ مشهور چینی سی ماتسین Seima Tsien هوانگتی را در ۲۶۹۸ ق.م امپراطور مشهور تاریخی دانسته وابتدای تاریخ چین را از او میگیرد ، این شخص حدود

قدیمترین مذهب چینی ها تا حدیکه تاریخ معلومات میدهد پرستش خدای واحد بود اما بطریق بسیار ساده و از باعث کم عقلی و نادانی خود چیز های عجیب و غریب را بآن مخلوط می ساختند و رفته رفته این مذهب مبدل به پرستش قوای طبیعیه گردیده علاوه از پرستش آفتاب و مهتاب و ستارگان تماماً وهم پرستی لکن بعد از چندی که کونفوسش فیلسوف چینی پیدا شده مذهب او را قبول نمودند و بعد در ۶۵ میلادی مذهب بدها از هند داخل چین شد و الحال یك عده کثیر چینی ها پیرو این مذهب میباشند بر علاوه از مذاهب فوق یك عده قابل ذکر چینی ها مسلمان میباشند در اواخر قرن دوازدهم و ابتدای قرن سیزده میلادی از نژاد مغول اشخاص در چین بوجود آمد که شرق و غرب را متزلزل ساخته سیلاب فتوحات آنها سر تا سر مشرق زمین را فرا گرفت. و هریك از آنها در ایام ترك تاری و کشورکشائی خویش مدنیت های صد ساله را خراب نموده بلاد قشنگ را طعمه آتش نمودند و اکثر سلاطین و امرا را از پا در انداختند و علاوه آن صدها هزار نفوس بیچاره را مقتول، علوم و فنون برباد، و ثروت عمومی تاراج گردید یکی ازین اشخاص سردار طائفه مغول چنگیز خان بود که در ابتدای قرن سیزدهم گوشه شمال غرب چین را میدان تاخت و تاز ساخته در عرصهٔ کمی فتوحات وسیعه نمود و شاه چین هرقدر جلوگیری کرد ممکن نشد و قریب بود که خودش ناکام شود فورا معاهدهٔ صلح را امضاء نموده سالانه یك رقم گزاف را بطور خراج قبول کرد نمود. چنگیز خان در یکی از حملهای خویش تقاء چین خاص (۱۲۱۳) در ایالت شان تنگ (۹۰۰۰۰) نفر را بقتل رسانید شخص دیگر ازین خاندان قوبلائی خان است که در ۱۲۵۹ سلطنت رسیده مملکت مغول را ترقیات زیادی داده وسعت آنرا بدرجهٔ انتها رسانید چنانچه از بحر منجمد شمالی تا ابنای ملاکا شمالاً جنوباً و باستثنای هند و عرب و حصهٔ غربی آسیا تاجدار کل شرق گردید مدت بیست سال با سگ ها رد و خورد نموده خاندان آنها را که ۳۲۰ سال دوام نموده بود بخاتمه رسانید و در ۱۲۸۰ قوبلائی خان اعلان امپراطوری نموده لقب شت سو را اختیار کرد و خاندان او موسوم به یوین Yuen گشت این شخص شهر پیکن را بنا کرد. پای تخت را آنجا نقل داد این شوکت و عظمت مغول ها تا عرصهٔ تخمیناً پنجاه سال دوام نمود سپس بار دیگر انقلابات داخلی و نفاق ها در مملکت چین بروز نموده خاندان مغول منقرض میگردد، بعد از سقوط سلالهٔ مغل خاندان مینگ که خالصاً چینی بودند شهنشاهان چین شدند. در عهد این دودمان تا به جاوا و سیلون لشکرکشی شده انام در حدود سلطنت چینی داخل گردید، جهازرانان چینی تا به خلیج فارس رسیده بودند. خاندان مینگ از ۱۳۶۸ - ۱۶۴۴ میلادی دوام نمود.

مانچو ها از شمال مشرق چین حمله آورده پیکن را اشغال کردند در سنه ۱۶۴۴ تا ۱۵۰ سال حکمرانان لایق سلطنت کردند اما بعدازان دورهٔ جهالت و لاعلمی شروع شده حکومت صدمات شدیدی را متحمل میشود.

درین دوره اشخاص مدبر و عالم در چین یافت نمیشد و یا اگر پیدا می شد بمقابل ملیون ها نفوس بی علم کاری کرده نمیتوانستند علاوه بران بعضی دسته های مردم از کثرت پریشانی مجبوراً دامی برای صید روزی باز نموده هزارها نفوس ساده و بیچاره را محض برای دستیاب نمودن لوازمات حیات خویش مبتلای اوهام پرستی و اعتقادات ضعیفه نموده از جادهای تهذیب و تمدن بجادهٔ کهالت و نادانی سوق میدادند بر علاوه آن کثرت استعمال افیون کاملاً آنها را ضعیف النفس ساخته و سبب آن مداخلت انگلیسها بوده زیرا که از موقع استفاده نموده یك مقدار زیاد تریاك را برای فروش داخل مملکت آنها می نمودند هر قدر حکومت عاجز چین انکار میکرد تشدد انگلیسها بمقابل زیاد شده میرفت در نتیجه دو جنگ در بین آنها بمسئلهٔ تریاك بوقوع پیوست. که کاملاً بفتح انگلیسها انجامید محاربه ۱۸۹۴ با جاپان و از دست دادن کوریا و شورش باکسر ۱۹۰۰ - ۱۹۰۱ و حقوق حاصل نمودن اروپائیان در بنادر تجارتی دلالت بر ضعف آنها میکند.

بواسطهٔ این غفلت و نادانی حکمداران و تجاوزات اجانب در هر گوشهٔ ملك دسته های خفیه تشکیل گردیده و برای حکومت جمهوری اقدام نمودند زیرا که وطن پرستان ترسیدند که اجانب امروز و فردا چینه

را غصب نمود اهالی را محکوم و مغلوب خواهند ساخت اما به نتیجه از این حد و جهد وطن پرستان برای چین فائده نرسید. در ۱۹۱۲ میلادی سلطنت به جمهوریت تبدیل شد. و اولین رئیس جمهور چین «سون یات سن» کانتی منتخب گردید.

در اثنای جنگ عمومی اتحادیون یعنی بریطانیه، فرانس، جاپان وغیره چین را مجبور کردند که بر علیه جرمنی اعلان حرب نماید. یك حزب برخلاف اعلان حرب و دیگری موافقت نمود در نتیجهٔ مخالفت برای خانه جنگیها پیدا شد. بعد از اختتام حرب عمومی در چین وطن پرستان و کمونست ها و اعتدال پسندها وغیره حزبها بوجود آمده شدیداً چین مبتلای خانه جنگی و بدامنی گردید بالآخره در سنه ۱۹۲۸ وطن پرستان از نانکن خروج نموده کل چین را تصرف نمودند. لیکن مقبوضات چین یعنی منگولیا، منچوریا، ترکستان چینی و تبت عملاً از حدود چین خارج گردید، جاپان در سنه ۱۹۳۳ با چین جنگ و منچوریا را مجزا نموده دراینجا «پوئی» (آخرین شهنشاه منچوری چین) را شهنشاه منچوریا مقرر نموده اند

چترال

ریاست چترال به انجام شرق هندوکش به سرحد شرق افغانستان بین اسمار و بدخشان و کشمیر و سوات و باجور واقع بوده مساحهٔ آن ۱۰،۰۰۰ مربع کیلومتر و نفوس آن ۸۰،۰۰۰ نفر است که عموماً مسلمان میباشند، اهالی بومی قدیم آن بنام (خو) یاد میشوند و زبان ایشان (خووار) است، اکثر اهالی موجوده از همان نژاد (خو) میباشند، ولی قوم دیگری (روناس) نام از صفحات شمالی هندوکش دراینجا آمده متوطن و حاکم گردیده اند

دو هزار سال قبل چترال یکی از مراکز مهم دین بودائی بود، چینی ها نیز بر چترال استیلا یافته و تا اواسط قرن ۱۸ مسیحی در آنجا اقتدار داشتند اما حکومت محلی به مهترهای چترال تعلق داشت.

در ابتدای قرن ۱۸ «بابا ایوب» نام که یکی از سلالهٔ تیموری بود از شمال پنجاب وارد این دیار شد بعد از آنکه نسل مهترهای اصلی چترال منقطع گردید، محترم شاه که از اولادهٔ «ایوب» بود مملکت را از تسلط و استیلای چین نجات بخشیده زمام امور را مالك وخود را مهتر اعلان نمود، امروز مهتری چترال بخانوادهٔ مشارالیه نسلاً بعد نسل باقیمانده است.

در سنه ۱۸۷۶ مسیحی «مهتر امان الملك» تحت الحمایگی مهاراجای کشمیر را قبول نمود، بعد از وفات او در سنه ۱۸۹۲ م ـ ۳ سال در خانوادهٔ مذکور نفاق دوام داشت «عمراخان» خان جندول ازین نفاق استفاده برده بسیاری حصص چترال را تصاحب نمود. بالآخره «شجاع الملك» بمعاونت افواج انگلیسی در سال ۱۸۹۵ میلادی بر حکومت قایم گردیده تاکنون به مهتری چترال برقرار است. مرکز چترال نیز چترال نام دارد

حجاز

سرزمین مقدسیست برای اسلام که در شمال آن ماورای اردن، درمشرق آن نجد و در جنوب آن علاقهٔ عسیر و تهامه و درغرب آن بحیرهٔ قلزم واقع است مساحهٔ آن ۲،۶۰۰،۰۰۰ مربع کیلومتر و نفوس آن بالغ بر ۱،۰۰۰،۰۰۰ نفر میباشد. باشندگان حجاز، عرب اما در شهر مکهٔ معظمه ومدینهٔ منوره وجده مسلمانهای خارج از قطعات مختلفه دنیا نیز آمده توطن گزیده اند.

حضرت ابراهیم علیه السلام در سنه ۱۹۲۱ ق، م در شهر «اور» نزدیك (بابل) تبلیغ توحید باری تعالی را
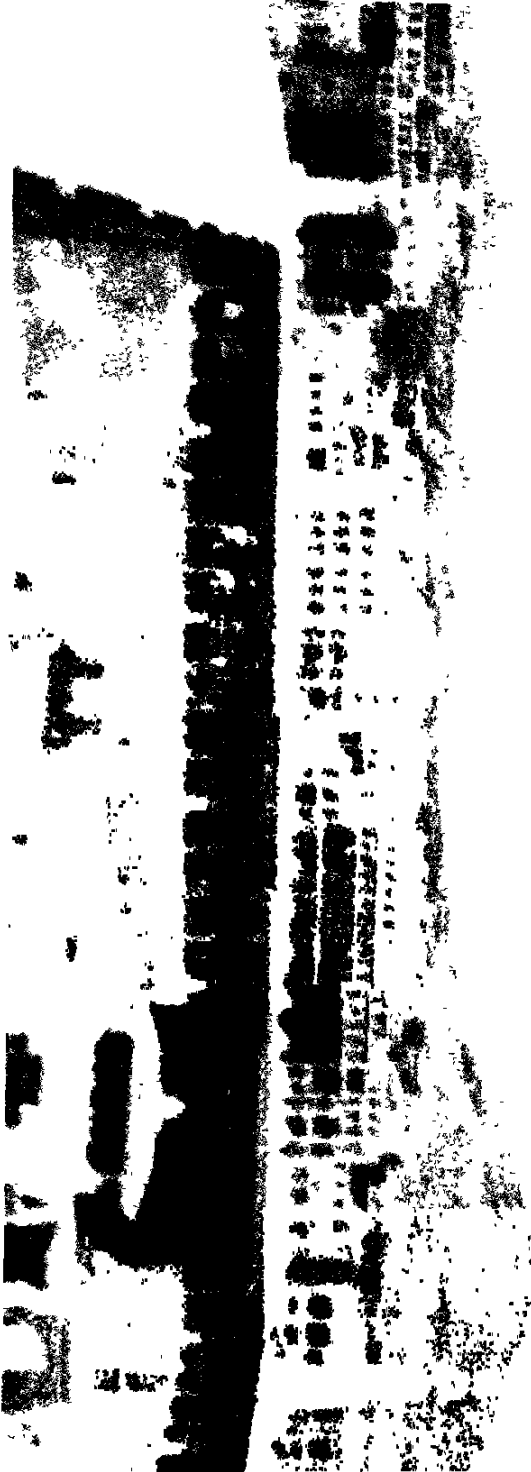
ستاله شریف منظرهٔ دور نمای شهر مکه معظمه و حرم مبارک

آغاز فرموده اند. بعد بحکم خدای تعالی حرم محترم خود یعنی حضرت هاجره علیها السلام و طفل صغیر خود یعنی حضرت اسمعیل علیه السلام را به وادی مکه معظمه آوردند بعده، حضرت ابراهیم علیه السلام و پسر شان بحکم خدای تعالی بنای خانه کعبه را گذاشتند. بعداً اولاد اسمعیل زیاده شده قبیله قریش مکه بوجود آمد اولاد اسمعیل علیه السلام را عرب عاربه میگویند

قصی، از اولاد حضرت اسمعیل علیه السلام شهر مکه معظمه را توسیع داد، اهالی مکه معظمه به تجارت مصروفیت داشتند چنانچه در تابستان بطرف شامات و در زمستان بطرف یمن اموال تجارتی خود را می بردند چون کعبه را حضرت ابراهیم و حضرت اسمعیل علیهما السلام بنا نهاده بودند لهذا آنجا برای تمام اهالی عرب مقام مقدس و متبرک بود و عربها از هر نقطه عربستان برای طواف می آمدند نزدیک مکه معظمه مسابقه بازار عکاظ سالانه قایم میشد و عربها در آن پهلوانان شمشیر زنی، اسپ دوانی ادبیات و بلاغت را میدانستند ابتداً خانه کعبه از آلایش بت پرستی پاک و منزه بوده و خدای واحد لاشریک در آن پرستش میشد بعدها افکار شرک و بت پرستی در آنها جاگرفته و بیت الله را صنمخانه ساختند چنانکه در حین بعثت حضرت پیغمبر صلی الله علیه وسلم شمارهٔ بتان که در خانه کعبه بود به ۳۶۰ میرسید.

در ایام طفولیت رسول الله صلی الله علیه وسلم (ابرهه) یکی از رؤسای پادشاه حبشه به مکه معظمه حمله آورد تا آنرا مسمار نماید اما تمام لشکر و فیل های او باراده حضرت باری محو و نابود گردید محمد رسول الله صلی الله علیه وسلم در سنه ۵۶۹ میلادی یا چهل سال پیش از سنه هجری در مکه معظمه تولد شدند این زمان بود که عرب در ظلمت و جهالت و رسومات قبیحه گرفتار بود پیغمبر ما ص مشعل نور هدایت را افروخته نه فقط عرب بلکه تمام دنیا را از نور هدایت و اخلاق حسنه منور و روشن ساخت.

حضرت رسول الله صلی الله علیه وسلم را پیش از اعلان نبوت به لقب «امین» یاد می کردند رسول الله صلی الله علیه وسلم امین، عفیف، صادق، راست گو و نهایت شفیق و کریم و صاحب خلق عظیم بوده در عالم بشریت اخلاق صحیح انسانی را تعلیم میدادند این پیغمبر اقدس و رحمت للعالمین چنان درس وحدانیت خدای تعالی و روح ایثار و فروتنی را به اصحاب (رض) خود دمیده بود که آنها تا ۱۳ سال جور و جفای فوق العادهٔ مخالفین را در مکه معظمه برداشت کردند حتی رسول الله صلی الله علیه وسلم آنها را اجازهٔ هجرت از مکه معظمه دادند و در آخر خود خاتم النبیین همراه صدیق راسخ خود یعنی حضرت ابوبکر رض بطرف مدینهٔ منوره هجرت فرمودند و در مدینه اولا طرح مواخات را میان انصار و مهاجرین ماندند و انصار (رض) از خلق عظیم نبی آخرالزمان ص متاثر گردیده از هیچگونه ایثار و لطف به برادران مهاجر خود خود داری نکردند مشرکین مکه قرار نه نشسته و خواستند که نور خدا و ندی را کش کنند چنانچه به مدینهٔ منوره حمله آوردند لیکن در سنه ۲ هجری در غزوهٔ بدر هزیمت فوق العاده یافتند در سال دوم در غزوهٔ احد محاربه به وقوع پیوست اگر چه مسلمانها شکست خوردند لیکن لشکر ابو سفیان از خوف مسلمانها پیشرفت نکرده پس به مکه عودت کردند بعد ازین غزوات و سریه ها بوقوع پیوست. لاخره در سنه ۸ هجری مکه معظمه فتح شد لیکن مرکز نبوت بدستور سابق مدینه منوره ماند و تقریباً کل عرب مفتوح و داخل دائره اسلام گردید

بعد از رحلت حضرت (رسول اکرم) صلی الله علیه وسلم در بعضی نقاط عرب ما سوای مدینهٔ منوره و مکه معظمه اغتشاش بواسطهٔ خروج مسیلمه کذاب پیدا شده لیکن استقلال مزاج و همت قدمی حضرت ابوبکر صدیق (رض) و محاربت خالد (رض) همه را رفع نمود، پس در عهد خلافت راشده چهار یار کبار (رض) مدینه منوره مرکز خلافت اسلامیه بود و در عهد عمر فاروق رض شامات را خالد بن ولید (رض) و ایران را سعد بن وقاص (رض) و مصر را (عمرو) بن العاص (رض) فتح کرد.

- بعد از شهادت حضرت عثمان (رض) خلافت اسلامیه بدو مرکز قرار گرفت که حضرت علی کرم الله وجهه در مدینهٔ منوره بامر خلافت می پرداختند و حضرت معاویه دمشق را محل ادارهٔ خود قرار داده بودند -

بعد از استعفای حضرت امام حسن رض سرزمین حجاز مرکزیت خویش را باخته یکی از ایالات قلمرو خلافت بنی‌امیه گردیده در سنه ٦٨٠ ع حضرت معاویه رض رحلت نموده و یزید اول متمکن تخت خلافت گردیده ئی حضرت امام حسین رض و اکثر اهالی حجاز از خلافت یزید انکار نموده مقابل او قیام نمودند، بعد از شهادت حضرت امام حسین رض عبدالله ابن زبیر رض در سنه ٦٨١ ع در مکه معظمه اعلان خلافت نمودند دو سال بعد ازین واقعه افواج بنی امیه بر مدینهٔ منوره استیلا نموده شهر مدینه را تماماً مورد نهب و تطاول افواج خود قرار دادند، بنابرین مسئله اهالی حجاز از سلطنت بنی امیه به تنگ آمده به خلافت عبدالله ابن زبیر تمایل خود را نشان دادند و حصص جنوبی حجاز و جزیرةالعرب از حصه خلافت بنی امیه منفک شده ضمیمه قلمرو خلافت عبدالله ابن زبیر که مکهٔ مکرمه مرکز آن بود گردیدند ولی در سنه ٦٩٢ ع عبدالله ابن زبیر وفات کرده ئی حصهٔ متصرفه او دوباره بخلافت بنی امیه تعلق گرفت در سنه ٧٥٠ ع سلطنت بنی امیه منقرض شد و امور خلافت به خاندان عباسیه منتقل گردیده مرکز خلافت از دمشق به بغداد انتقال نمود

در سنه ١٢٥٨ دستگاه خلافت بغداد بدست هلاکوخان چنگیزی منهدم شده و حجاز در حدود خلافت فاطمی مصر درآمد، ترکان عثمانی در سنه ١٥١٢ مصر را فتح کردند و حجاز تحت تسلط خلافت سلطان ترکی قرار گرفت ترکها حکام عربی را بنام شریف بر حجاز مقرر میکردند در آغاز قرن نوزده میلادی وهابیها حرمین الشریفین را اشغال نمودند سلطان ترکی والی مصر محمدعلی را برای فرونشاندن وهابیها مقرر کرد چنانچه در سنه ١٨١٧ ابراهیم پاشا قائد مصر آنها را شکست داده پای تخت آنها را گرفت و والی مصر تا سنه ١٨٤٥ به حجاز حکمرانی میکرد بعد از آن سلطان والی خود را راساً از استانبول فرستاد

چون عربستان بصورتیکه باید و شاید تحت نفوذ و رسوخ ترکان نبود لهذا در سنه ١٩٠٠ سلطان عبدالحمیدخان فیصله نمود که به حجاز خط آهن تمدید شود چنانچه در سنه ١٩٠٨ خط آهن تا مدینه رسید و عربها بدرستی تحت اداره خلافت ترکیه درآمدند در همین سال حسین بن علی امیر مکه مقرر شد

در ایام جنگ عمومی جهارات انگلیس وعده کمک‌های زیادی نموده و آنرا اشغال کردند و حسین بن علی بر علیه ترکها اقدام نموده مکه معظمه و طائف را از ترکها گرفت اما فخری پاشا تا سنه ١٩١٩ مدینه را مدافعه نموده و وقتیکه از استنبول برای او حکم تسلیمی رسید به شریف حسین تسلیم نمود. شریف حسین در سنه ١٩١٦ خود را شاه حجاز اعلان کرد و پسرش امیر فیصل در مجلس صلح (ورسای) در سنه ١٩١٩ از طرف شریف حسین نمایندگی می‌کرد

در اوائل سنه ١٩١٩ روابط شریف حسین با ابن السعود شاه نجد خراب شد و لشکر ابن سعود فوج شریف حسین را در تربه شکست داده خیبر و تربه را اشغال کردند.

شاه حسین در سنه ١٩٢٤ خود را خلیفه خواند تا عالم اسلام او را معاونت نماید بنابر آن عبدالعزیز ابن سعود بر علیه حجاز اعلان جنگ داده فوراً طائف را اشغال نمود. شاه حسین خود را از خلافت خلع نموده و خلافت را به پسر خود علی واگذار نمود علی مکه معظمه را تخلیه نموده بطرف جده فرار کرده به جمع آوری فوج کوشش کرد ابن سعود در ماه دسمبر سنه ١٩٢٤ مکه معظمه را اشغال کرده بطرف جده پیشرفت نموده آنرا محاصره نمود لیکن در فتح آن کامیاب نشد اما فوج مذکور همه بنادر را گرفت و علی جده را تخلیه نمود بدین وسیله کل حجاز تحت تسلط ابن سعود آمد عبدالعزیز ابن سعود در ماه جنوری سنه ١٩٢٦ پادشاهی خود را اعلان کرد.

برطانیه در سنه ١٩٢٥ قطعهٔ عقبه و معان را اشغال نمود که در دوران جنگ عمومی بحجاز شامل شده بود در ماه مئی سنه ١٩٢٧ فیمابین برطانیه و ابن سعود معاهده بامضا رسیده دولت برطانیه استقلال ابن سعود را تسلیم نمود و مرکز سلطنت ابن سعود ریاض میباشد و حجاز یک ایالت آن است.

حضرموت

علاقهٔ ایست در ساحل جنوبی عرب که یمن در مغرب آن و عمان در مشرق و صحرای جنوبی در شمال آن واقع است مساحت آن ۱۵۱٬۵۰۰ مربع کیلومتر و نفوس آن ۱۲۰٬۰۰۰ نفر می باشد و درعلاقه حضرموت قبور حضرت هود علیه السلام و حضرت صالح علیه السلام موجود است در حضرموت ما سوای آب باران دیگر آب جاری نیست اما چاهها و چشمه ها بسیار زیاد است

نام حضرموت بسیار قدیمی است و مورخین یونانی نام آنرا بتحریف حروف ذکر کرده اند از خرابه های وادیهای دووان و عدیم منکشف می‌شود که حضرموت در از منه قدیم تهذیب عالی و ترقی زیادی را صاحب بوده. اکثر اهالی اخلاف قحطان می باشند عدهٔ زیادی از سادات و بعضی مهاجرین که از شمال آمده اند و بعضی مخلوط النسل (کنیز های حبشی و عربها) نیز می باشند.

سادات، روسای مذهبی شمرده می شوند و قبایل دیگر که یک جزء آنها چادرنشین و جزء دیگر ده نشین می باشند بدو فرقه تقسیم می شود، یکی را (قاینی) و دیگری را (کثیری) می نامند، قاینی ها را از جنوب مغرب عرب سادات خواسته بودند که آنها را از عادات بادیه نشین ها حفاظت نمایند اما حالا حکمران حقیقی مملکت شده اند و پای تخت آنها مدر (مکله) می باشد، برای رؤسای این قبیله از طرف نظام حیدرآباد دکن لقب سپه سالاری داده شده است که نسلا موروثی شده است چرا که یکعدهٔ عربها در عسکر نظام داخل می باشند و کثیریها عدهٔ زیادی بطرف جاوا و سماترا هجرت کرده اند و آنها هم سلطانی در حضرموت دارند اما حالا حکومت هالندی بر توطن کثیری آنها در جزائر مذکور قیود نهاده است زیرا که این عربهای درین جزیره ها رفته خلاف حکومت نصاری هالندی سازش ها می کنند.

سلطان قاینی بهاب ابن عواص ابن عمر در سنه ۱۹۲۴ وفات کرد. اگر در حضرموت سیاحت مزید و حفریات شود معلومات خیلی مفید تاریخی بدست خواهد آمد.

حیدرآباد دکن

حیدرآباد دکن بزرگترین وتوانگرترین ریاست هند است مساحت آن ۲۱۴٬۱۷۹ مربع کیلومتر و نفوس آن ۱۴٬۳۹۵٬۴۹۳ نفر و عواید سالیانهٔ آن (۸۳٬۷۷۵٬۰۰۰) سکه عثمانی حیدرآبادی می باشد. تاریخ این خطه پیش از قرن ۱۸ جزو تاریخ کشور هند بوده است، بانی و موسس ریاست کنونی حیدرآباد میر قمرالدین خان پسر بزرگ غازی الدین خان فیروزجنگ است، فیروزجنگ از سپه سالارهای افواج اورنگ زیب عالمگیر بوده نسبش به شیخ شهاب الدین سهروردی و از او به خلیفهٔ اول رض منتهی می‌شود، میر قمرالدین خان دارای القاب متعددی از قبیل چین قلیج خان فتح جنگ نظام الملک، آصف جاه بوده است، نظام الملک نخستین مرتبه در سنه ۱۷۱۲ از طرف شاه عالم اول صوبه داری والی دکن مقرر گردید وقتیکه نادر شاه افشار بر هند حمله آورد و سلطنت مرکزی مغولیه را تحت فشار گرفت نواب آصف جاه از وقت استفاده کرده حکومت دکن را عملا مستقل نموده فرمان روائی این خطه را برای اولاد و احفاد خود بارث گذاشت. چون آصف جاه در سنه ۱۷۴۸ ترک حیات گفت در بین پسران او اختلاف و منازعهٔ برخاست و ضمناً تجار انگلیس، فرانسه هم بکمک کردن، منازعین دامن زن نائره نزاع در بین آنها گردیدند بالاخره پسر سومین مشارالیه ملقب به صلابت جنگ به پشت گری امداد فرانسه بر دیگر برادران غالب آمده جانشین پدر گردید ولی در عهد حکومت او علاقه های وسیع قلمرو او را طائفه مهراته تصرف کردند در سنه ۱۷۶۱ برادر کوچک او نظامعلی خان بر علیه صلابت جنگ برخاست

را او را از سلطنت خلع نموده خود وارث تخت و تاج پدر گردیده و بعداً دفعهٔ طائفه مهراته نیز قیام نموده علاقه های از دست رفته خود را از غنیم استرداد نمود در سنه ۱۷۶۸ کمپنی ایست اندیای انگلیس علاقه سرکار شمالی را در عوض (۹۰۰ر۰۰۰) کلدار سالانه بطور پیشکش وفراهم آوردن عده از عسکر هنگام ضرورت باهم مقاوله نموده و درین خصوص فرمانی نیز از نظام علی خان بدست آوردند.

درسنه ۱۷۹۵ هنگام محاربه نظام با طائفه مهراته فوج انگلیس از ایفای خدمت انکار نمودند بنابرین تخلف، نظام بامری خود شکست یافته و علاقه دولت آباد که سالیانه سی و پنج لك کلدار عایدات و مالیه او بود از قلمرو نظام جدا شده به تصرف مردم مهراته درآمد بعد ازین واقعه مقاوله نامهٔ قبل را با انگلیسها فسخ نموده و فرانسویها را برای تعلیم و تربیه افواج خود استخدام نمود و بعدها در بین انگلیس و فرانسه نایرهٔ جنگ مشتعل شده و بالاخره فرانسویها شکست خورده انگلیسها دوباره نفوذ و رسوخ خود را درین خطه قائم و مستحکم نمودند درسنه ۱۸۰۳ نظام علیخان ترك زندگی نموده و پسر بزرگ او، سکندر جانشین پدر گردید و علاقهٔ برار را که قبلاً مردم مهراته تصرف کرده بودند دوباره بدست آورد در سنه ۱۸۲۴ خراج و مالیه علاقهٔ سرکار شمالی را به انگلیسها گذاشت و درسنه ۱۸۲۹ از دار حیات رحلت نموده و ناصرالدوله پسر بزرگ او بنظام دکن مقرر گردیده اداره و انتظام علاقه برار و رایچور را به انگلیسها واگذار نمود بشرطیکه از عایدات سالانهٔ آن تنخواه سپاه وقشون را تادیه کرده و ما بقی را واپس به نظام بسپارد درسنه ۱۸۵۷ ناصرالدوله از دنیا انتقال نموده و افضل الدوله پسر بزرگ او بجای پدر نشست درسنه ۱۸۶۰ غیر از علاقه برار تمام علاقه ها وحصص دیگر را دوباره استرداد نموده از سایر عواید و باقیات ملك صرف نظر نمود درسنه ۱۸۶۹ افضل الدوله بدرود زندگی نموده محبوب علی خان پسر خورد سال او وارث پدر گردید و به نیابت او حسب وصیت پدرش سالار جنگ و شمس الامرا تعین یافت درسنه ۱۸۸۴ دورهٔ نیابت و وکالت او باختتام رسیده خود محبوب علی خان مستقیماً فرمان روائی می نمود ودرسنه ۱۸۹۴ قانون مشروطه را اعلام نمود درسنه ۱۹۰۰ قانون مذکور تعدیل پذیرفت ودرسنه ۱۹۰۲ محبوب علیخان علاقه برار را درعوض سالانه (۲۵ر۰۰۰ر۰۰) کلدار بطور مستمری برای انگلیسها گذاشت و ازعدهٔ سپاه خود نیز کاسته بدوازده هزار فوج شخصی قائم گردید درسنه ۱۹۱۱ طومار حیات را پیچیده و پسر بزرگ او میر عثمان علیخان جانشین و وارث پدر گردید و پسر بزرگ خود حمایت علیخان اعظم جاه را از طرف خود ولیعهد و وارث تخت تعین نمود درسنه ۱۹۳۱ درمقام پس دختر سلطان عبدالمجید سلطان سابق ترکیه موسومه (درشهوار) را برای پسر بزرگ خود اعظم جاه عقد و تزویج نمود.

ساراواك

مملکتی است تحت حمایهٔ بریطانیای کبیر که در حصهٔ شمال شرق جزیرهٔ بورنیو واقع است مساحهٔ آن مساوی ۱۰۸ر۸۰۰ کیلومتر مربع بوده اهالی آن عبارت است از ۶۰۰ر۰۰۰ نفر که اکثریهٔ آن مسلمان میباشند و محاصل سالانهٔ آن ۴ر۲۴۲ر۹۰۹ دالر است.

اصلاً مملکت ساراواك به سلطان برونیك تعلق داشته درسنه ۱۸۴۲ م جیمس بروك (انگلیسی) بعوض خدمات جنگی خویش باداره قسمی از ملك مذکور تعیین یافت درسنه ۱۸۶۱ م جیمس مذکور قسمتی از مملکت سلطان برونی را بحکومت خود الحاق وضم نمود درسنه ۱۸۶۳ حکومت برطانیا استقلال آنرا شناخت ودرسنه ۱۸۶۸ بروك فوت شده بعوض او برادر زاده اش سرچارلس بروك مقام اورا اشغال نمود ودر سنه ۱۸۸۸ م حکومت برطانیا حسب درخواست (راجاه) ساراواك را تحت حمایهٔ خود قرارداد.

درسنه ۱۹۰۴ م قسمتی از بورنیوی شمالی را بقرار معاهده به مملکت خود ملحق ساخت درسنه ۱۹۱۷ چارلس جانس نیز فوت شده پسرش به مقام او نائل آمد. راجای کنونی سرچارلس وایز بروك ومرکز حکومت شهر کوچنگ است.

سای بیریا

بدواً درزبان روسی علاقهٔ تاتار خان قوچوم را که برکنار دریای ایرتش (یك معاون دریای اوب) بود وکاسکها آنرا در سنه ۱۵۸۱ میلادی فتح کرده بودند سی بیر میگفتند، سپس این اصطلاح به تمام علاقه جات آسیای شمالی که روس متصرف شده بود معمول گردید، نفوس سای بیریا ۸٫۲۳۸٫۰۰۰ ومساحه آن ۴٫۵۰۰٫۰۰۰ کیلومتر مربع میباشد.

قدیم ترین باشندگان این دیار (پیلنیسی ها) بودند، بعد از آنها (اوگروسمویدها) مجبور به فرار شده در قرن سوم قبل از میلاد کوهای الطائی وسلسله سیان را عبور کرده به سای بیریا داخل شدند.

اوگروسمویدها از استعمال مصرع صنعت وزارعت باخبر بوده درصنعت آلات وزیورات، نقره وطلامهارت بلندی داشتند نیز رقبه وسیع سای بیریا را زیر کاشت آورده بودند، می‌توانیم که بگوئیم که تمدن آنها نسبت به مهاجرین بعد تر بسیار بلند بود.

هشت قرن بعد قبیله های ترکی حاگاسها داوئی غور ها از اوطان خود رانده شده وباین سرزمین رسیده اوگرو سمویدها را مغلوب نمودند، ترکها از استعمال آهن واقف بودند و صنعت آن را هنوز ترقی داده آنرا محض برای تزئینات استعمال میکردند سلطنت ترکها تاقرن سیزدهم میلادی دوام نمود حتی مغلهای چنگیز خانی را برانداختند.

دراوائل قرن شانزدهم فراریهای تاتاری از ترکستان وارد شده قبایل پراگنده سای بیریا را مغلوب ومفتوح نمودند، زارعین، چرمگرها، سوداگر ها وملاها از ترکستان درین سرزمین وارد شدند، بعد طوائف الملوکی برکنار دریای ایرتش ودریای اوب برپاشد حتی خان ایدیگار را تحت سلطه خود آورده وباخود متحد نمودند، درین زمان روسی ها در یورال استحکامات و قشله ها را بنا کرده پیشرفت نمودند خان مذکور باآنها نبرد آزما و مغلوب شد وسرای او در سنه ۱۵۵۵ به ماسکورفته تادیه باج سالیانه را بدربار ماسکو قبول نمودند یرمق رئیس قبیله کاسك درسنه ۱۵۸۰ با ۱۶۳۶ نفری خود از یورال گذشته به سای بیریا داخل شده درسال ۱۵۸۱ (الیسکا) پایتخت خان قوحوم را محاصره کرد.

یرمق درسنه ۱۵۸۴ بدریای ایرتش غرق گردید وکاسکها پس بوطن خود عودت نمودند لیکن بعد ازان شکاریها ومخاطره جوها هرسال داخل سای بیریا شده رفتند وحکومت ماسکو آنهارا معاونت وتحریك می نمود، این نفری بطرف جنوب یعنی ترکستان جرئت نکرده پیشرفت خود را بطرف مشرق ادامه دادند ودرهمین اثنا حکومت ماسکو قلعه ها را میساخت ومزدورها را روان میکرد به قشله های عسکری آذوقه وغیره بهم رسانند.

درعرصهٔ ۸۰ سال روسی ها بدریای امور وساحل بحرالکاهل رسیدند، البته این پیشرفت سریع از باعثی بوجود آمد که تاتارها وترکها متحد بوده قوه مدافعه نداشتند تونگوسها در (۱۰ ـ ۱۶۰۷) برای حصول استقلال خود محاربات نمودند بالاخره درسنه ۱۶۲۳ مغلوب گردیدند، روسیها درسنه ۱۶۲۷ به کناردریای لنا رسیده قلعه یاکتسك را درسنه ۱۶۳۷ تعمیر نمودند ودو سال بعد آنها به بحیرهٔ اوکاتسك رسیدند — بوریاتها تا ۱۶۴۳ باروسی ها قتل وقتال را شروع کردند بالاخره درسنه ۱۶۵۰ جرنیل روسی خابروف کنارهای دریای امور را در تصرف آورد تاسنه ۱۸۵۷ میلادی کاسکهای روسی ودهقانها در اطراف تمام گذرگاه دریا آباد ومتوطن شدند — وحکومت چین در سنه ۱۸۵۷ وبواسطه معاهده سنه ۱۸۶۰ تسلط واستیلای روس را درین دیار تسلیم نمود.

شهر اوپسال

حکومت تزاری مجرمین خود را در سای بیریا تبعید میکرد.

بعد از انقلاب بالشویکها در سای بیریا تحریکات خلاف بالشویکها پیدا شده و آنها را (فوج سفید) نام نهادند و افواج جاپان، فرانس، برطانیه و امریکه بآنها معاونت نمودند قائد فوج سفید جنرال کولچك بوده تمام سای بیریا را فتح کرد اما بالاخره شکست خورده در سنه ۱۹۲۰ بدست (فوج سرخ) اسیر گردیده اعدام شد.

حال سای بیریا به جندین جمهوریتهای ساویتی منقسم است یعنی بوریات، مغل، جمهوریه شرق اقصا، قرغزستان وغیره.

سوماترا

جزیرهٔ بزرگیست بجنوب جزیره نمای ملایا مساحهٔ آن ۴۲۳۰۳۵ کیلومتر مربع و نفوس آن عبارت از ۸۲۳۸۵۷۰ نفر است اهالی آن از نژاد ملایائی و با خون هندی و عرب امتزاج یافته و تقریباً تمام آنها مسلمان و بشجاعت و استقلال‌خواهی ممتاز و معروف اند.

باوجودیکه اهالی حصص جنوبی سوماترا مسلمانند باز هم در زیر نفوذ و تاثیر مراسم و عادات تاریخی ملی خود واقع گشته، با بنسب مادری اند یعنی نسب خویش را از طرف مادر اهمیت داده وارث، اناث را می شناسند نه ذکور را، به تعبیر دیگر ارث تعلق باناث گرفته اولاد ذکور از ان محروم شناخته میشوند.

در قرن اول مسیحی اهالی هند به سوماترا رفته ودر آنجا توطن گرفته و سلطنت تاسیس نمودند این سلطنت در قرن ۷ بر تمام جزیره حاوی گردید چنانچه در قرن سوم مورخ مشهور عبدالله بن احمد بن خردادبه ندیم معتمد خلیفه متوفی عباسی (۲۸۰) ه در کتاب المسالك و الممالك و دیگر مصنفین عرب از سلطنت عظیم‌الشان بودائی سوی وجیا که مرکز آن پالم (پانگ) است در کتب خویش ذکر نموده اند.

اگرچه سلطنت مذکور بچند حصه تقسیم شده بود اما ششصد سال بعد از ان نیز با کمال شوکت قائم بوده آثار معابد برهمی و بودائی آن تا این زمان موجود است. در قرن ۱۳ عربها بر آچین استیلا یافته و اکثر اهالی آن به مذهب اسلام مشرف شدند بعد از ان در مرور چند سال شاهان حصص دیگر نیز بدین اسلام در آمده و قریباً تمام اهالی سوماترا، آئین اسلام را برگزیدند و تاقرن ۱۷ سلطنت های اسلامی آچین، اندریوره دیلی، پاداںگ، پالم بانگ، جامبی مینانگ کاباو آن کمال شوکت و عظمت را دارا بودند و از ان جمله سلطنت آچین در عهد سلطنت سکندر مودا جزیره نمای ملایا را نیز فتح نموده پرتگالیها را بمراتب شکست و هزیمت داد بعد از ان اروپائیها قدم در آنجا نهادند در سنه ۱۵۰۹ پرتگالی‌ها تجارتخانهٔ تاسیس نمودند، در اواخر قرن ۱۶ هالندیها، پرتگالی ها را رانده خودشان بجای آنها نشستند، در ابتدای قرن ۱۷ (۱۶۰۲) انگلیسها نیز به سوماترا وارد گردیدند.

بعد ازان تا سه صد سال تاریخ این مملکت را یك سلسله جنگهای مهیب و خونریزی که باهالندیها نموده اند اشغال کرده است.

در سنه ۱۶۶۴ م (اندر یوره) در سنه ۱۶۶۶ (پاوانگ) تحت نفوذ هالندیها قرار گرفت سلاطین (پالم بانگ) در سنه ۱۶۵۴ و سنه ۱۸۱۹ م هالندیهای که در آنجا نفوذ ودست پیدا کرده بودند بکلی از مملکت خویش راندند اما بالاخره در سنه ۱۸۵۱ م هالندیها قوای سلاطین را نابود ساخته بر مملکت متصرف شدند ودر دیلی و جامبی و مینانگ کاباو از سبب خانه جنگیها استفاده و پیشرفت نمودند ولی رؤسای محلی ممالك مذکور تا آخر قرن ۱۹ از عزم استقلال خواهی خویش نکاسته بر علیه هالندیها قیام می نمودند.

که حصص شرق هند چینی را تحت حمایهٔ خود گرفته بود جنگ شد و یکمرتبه جهازات جنگی فرانسوی به بنگاک رسیدند

بالاخره در سنه ۱۸۹٦ معاهدات راجع باستقلال سیام و حدود آن سلطنت دولتین برطانیه و فرانسه باهم منعقد نمودند ولی بعد از آن بواسطهٔ الغای کاپیتولیسیونها چهار ریاست ملایا برای انگلیس و بعضی قطعات غرب به فرانسه واگذار گردید

(فرا پراجادهی پوك هعم) پادشاه سلالهٔ (چکری) در سنه ۱۹۲٦ بر تخت نشست و بتاریخ ۲٤ جون ۱۹۳۲ مشروطیت را قبول و اعلان نمود .

مراودات خارجه — این دولت از ابتدا با چین و هند و دول همسایهٔ خود روابط داشت - در ابتدای قرن (۱٦) اهالی پرتگال با شاهان این مملکت روابط سیاسی و اتحادی پیدا کردند و در اواخر همین قرن جاپانیها نیز داخل مراودات شدند در قرن هفده اهالی هالیند و فرانسه و برطانیه نیز باب مراوده را مفتوح نمودند .

درسنه ۱۸۲٦ با برطانیه ، درسنه ۱۸۳۳ با امریکه ، درسنه ۱۸۹۸ با جاپان ، درسنه ۱۸۹۹ با روس درسنه ۱۹۲۰ با جماهیر متحدهٔ امریکه در ۱۹۲٤ با جاپان درسنه ۱۹۲٦ با دنمارك فرانس ، هالیند و پرتگال و هسپانیه و سویدن و درسنه ۱۹۲۷ با ناروی و ایطالیه و بلجیم و لکسمبورگ و درسنه ۱۹۲۸ با جرمنی و در سنه ۱۹۳۱ با سویزرلند معاهدات نمود

سیلون

جزیرهٔ بزرگیست که درمنتهای جنوبی هندوستان واقع بوده وازمستملکه برطانیه میباشد مساحهٔ آن ۲۵٫٦۰۸ مربع میل و نفوس آن تخمیناً ۵٫۳۰٦٫۸۷۱ نفر است اهالی آن کما بیش از هفتاد قوم مخلوط بوده و ازانجمله به تعداد ۳۱۰٫۰۰۰ نفر مسلمان هستند وعده (سنهالی) ها از همه بیشتر است بودائیها به تعداد ۲٫۷٦۹٫۸۰۵ وهندوها ۹۸۲٫۰۷۳ ونصاری ٤٤۳٫٤۰۰ نفر میباشد

بودائیت درقرن سوم قبل از میلاد در سیلون داخل شده بود .

در ادبیات برهمی ها جزیرهٔ سیلون (لنکا) بود و یونانیها و رومیها آنرا (تاپروبین) میخواندند و ملاحین وسوداگران مسلمان آنرا سراندیب گفتند پورتگیزیها آنرا زیلون نامیدند که نام امروز سیلون از همین اسم مشتق است .

بومیان قدیم جزیرهٔ سیلون به (وداهیها) موسوم و حال عدهٔ ودهیها فقط تخمیناً چهار هزار است .

در کتاب رزمی هندو ها موسوم به راماین مذکور است که راون پادشاه لنکا زوجهٔ رام چندر یعنی سیتارا به جبر برده بود ، لهذا رام چندر با فوج خود پل آدم را عبور کرده لنکا را مفتوح وراون را به قتل رسانید .

جزیرهٔ سیلون تاریخ قدیمی دارد که نام آن مهاونسه یعنی (شجرهٔ نسب بزرگها) میباشد این تاریخ حاکیست که درسنه ۵۰٤ ق.م (وجایه) اولین شاه سینهالی بهمراه تابعین آریائی خود از خلیج بنگال سفر کرده به جزیره فرود آمد و پادشاه کل جزیره شد و با یك خانم بومی ازدواج نمود سینهالی ها در شمال
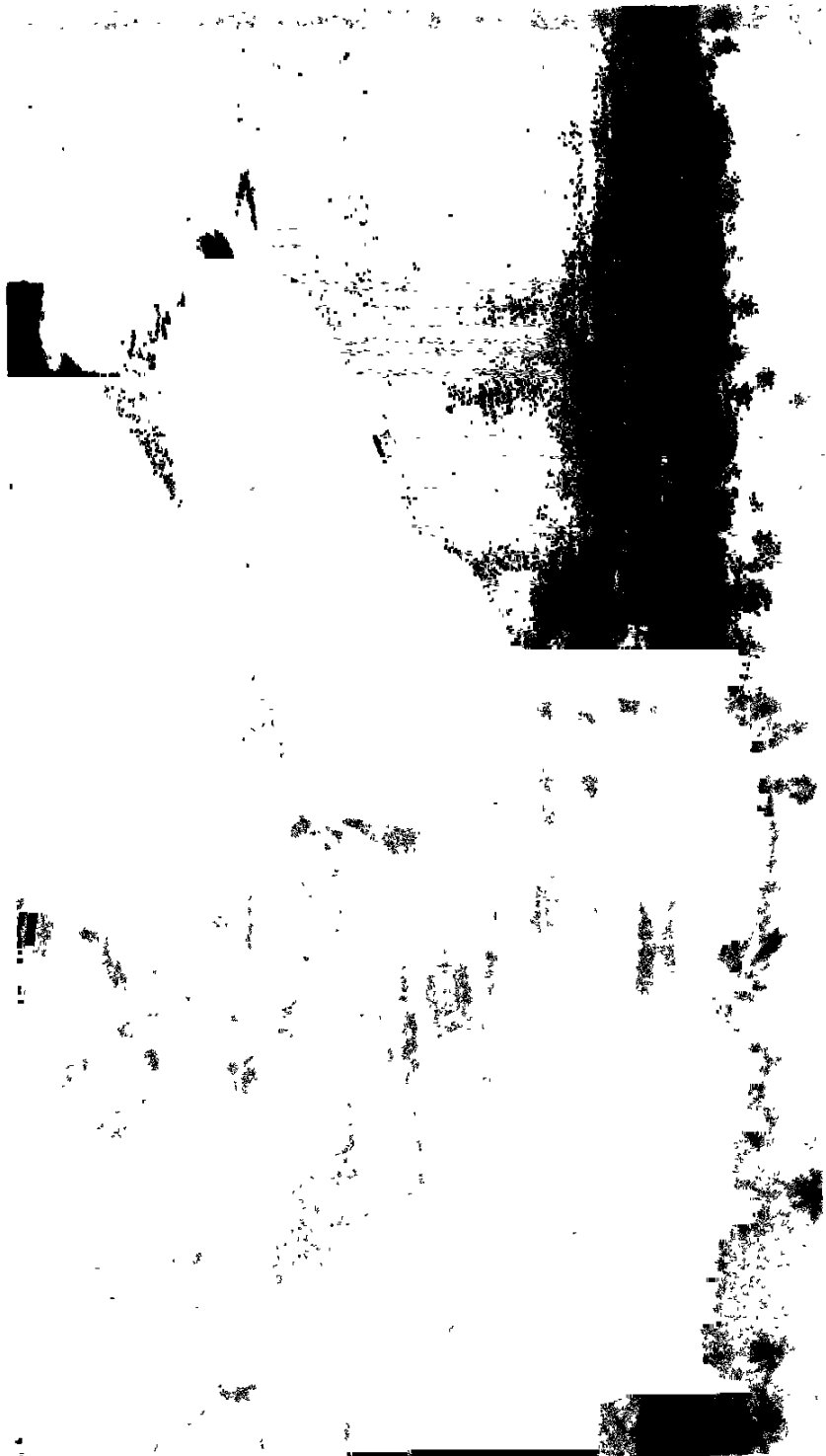
یکی از مناظر سیلون

(دموله) که یك ساحهٔ وسیع و هموار یست آباد شده و بواسطهٔ بهترین وسیله های آرسانی عالم بشر اراضی آنجا را قابل زراعت و کاشت ساختند ـ نام قدیمی این خطه پی هینی و قدیمترین پایتخت شاهان سینهالی (راجارته) بود، بعد (انورد پوره) را پایتخت خود قرارداده و تا زمانهٔ طویلی سلطنت کردند، در سنه ۳۰۷ ق ، م (ماهنده) قسیس بودائی بهمراه یك پسر راجه اشوك به جزیره وارد شده به تبلیغ بودائیت پرداخت و سپس بودائیت در تمام جزیره تدریجاً نشر شد.

وقتاً فوقتاً حمله آوران از هند جنوبی به سیلون حمله آورده حصهٔ شمالی و مرکزی آنرا فتح میکردند حتی از قوم تامل شخصی (ایلاله) نام تخت آنوردپوره را تصرف نمود لیکن یك پهلوان سینهالی (دوتی گیمونو) نام (۱۹۰ ق م) آنرا کشته حکومت سینهالی را مجدداً زنده ساخت.

در سنه ۲۷۵ میلادی یك مبلغ مسیحی به جزیره رسیده تبلیغ دین مسیح را آغاز نمود بهرحال تاریخ سیلون درعهد شاهان سینهالی یك تاریخ خانه جنگی ها و زمانهٔ امن و آرامی و حملات پادشاهان و عساکر هند جنوبی است ـ شاهان پی هینی یعنی (لنکای شمالی) و رؤسای (روهونه) و (مایارته) « قطعات جنوب لنکا » مابین خود محاربات داشتند بالاخره (پروگرام باهو) درسنه ۱۱۵۳ میلادی تاج پی هینی را بر سر نهاده روهونه و غیره را فتح کرده درسنه ۱۱۵۵ میلادی پادشاه کل لنکا شده اقتدار و وقار سینهالیها را زنده ساخت، این پادشاه به پیگو (در برما) و هند جنوبی حمله برده بود اگرچه عهد او را (زمانه طلائی لنکا) می نامند لیکن لشکر کشی و عاید نمودن محصول گزاف او باقتصادیات مملکت صدمهٔ بزرگ رسانیده و اهالی را به خوردن سبزی جات مجبور و قتل حیوانات را جنایت بزرگی قرارداده بود.

درسنه ۱۴۰۸ شاه (وجایه باهوی چهارم) سفیرچینی را اهانت نموده بود بنابران عسکر چینی برای انتقام به سیلون حمله آورده پادشاه را اسیر و به چین بردند و تا سی سال جزیرهٔ سیلون باجگذار چین بود (بتاریخ چین رجوع شود)

وقتیکه پرتگالیها تحت سرکردگی (فرانسکو دوالمیده) در سنه ۱۵۰۵ به جزیره رسیدند هفت پادشاه مستقلاً سلطنت میکردند و با یکدیگر دشمنی و محاربات داشتند در سنه ۱۵۱۷ پرتگیزی ها در کولمبو باجازهٔ پادشاه کوته قلعهٔ را تعمیر نمودند و آنها به تبلیغ دین مسیحی سعی بلیغ میکردند و ماهیگیران سینهالی مسیحیت را اختیار کردند چنانچه درین روزها عدهٔ مسیحیون لنکا بالغ به (۴۵۰) هزار و مجملهٔ آنها ۹۵ فیصد رومن کاتولیك میباشند، لیکن وحشت و بربریت پرتگالیها در راه تبلیغ مسیحیت مسلمانها و بودائیهارا به دشمنی و نفرت آماده ساخت، چنانچه وقتیکه (دچها) و انگلیسها باین سرزمین رسیدند آنها را ناجی شمردند.

امیرالبحر هالندی (سپیل برگ) در سنه ۱۶۰۲ به ساحل مشرق سیلون فرود آمد و پادشاه (کاندی) پذیرائی او را نموده استمداد خواست تا پرتگالیهای مغرور را اخراج نمایند دچها بعد از تیاری در سنه ۱۶۳۸ فوج کشی کرده جمله قلعه های مشرق را از پرتگیزیها گرفتند درسنه ۱۶۴۴ نیگومبو را اشغال کرده و در سنه ۱۶۵۶ کولمبو و در سنه ۱۶۵۸ جفنه را فتح کردند پس باستثنای علاقهٔ کاندی جمله مقامات ساحلی بدست دچها افتاد و پادشاه کاندی آزاد ماند ـ پرتگیزیها تا عرصهٔ ۱۴۰ سال و دچها هم همین قدر مدت در سیلون حکمرانی کردند، پرتگیزیها وحشت و بربریت را بکار برده مملکت را خراب کردند. دچها اگرچه محصول زیاد بالای رعایا مقرر کرده بودند با وجود آن هم حکومت آنها نسبتاً خوبتر بوده و اهالی در هر شعبه ترقی نمودند.

انگلیسها در سنه ۱۷۶۳ از مدراس بدربار پادشاه کاندی سفیر فرستادند اما نتیجهٔ نبخشید درسنه ۱۷۹۵ یك قطعه عسکر انگلیس به سیلون حمله برده در مدت کمتر از یك سال جزیره را به تصرف خود درآوردند ـ بدواً ادارهٔ آن ازمرکزمدراس میشد لیکن مردم ازین طریق حکومت ناراض گشته و

تفاوت کردند بنابران در سنه ۱۷۹۸ سیلون یك مستملکه تاج برطانوی گردید - قرار معاهده (آمینز) در سنه ۱۸۰۲ میلادی رسماً به برطانیه تعلق گرفت و درسال دوم فوج انگلیس به کاندی حمله برده آنرا اشغال نمود.

حکومت انگلیسی سرکها را در تمام سیلون تمدید نموده جنگلها را صاف وزراعت قهوه را شروع کردند بعد درخت سنکونا (که کونین ازان گرفته می شود) وکشت چای را داخل نمودند کوکو و درخت رابر را نیز رواج دادند، این زراعت موجب واردات زیادی برای سیلون میباشد.

تعلیم در سیلون سیار زیاد است، چنانچه عدهٔ تعلیم یافته گان ۵۹۴ر۵۳۷ر۱ نفر که ازآنجمله (۴۰۰) هزار دختر میباشند و تخمیناً ۳۸ هزار دختر انگریزی دان هستند.

شام (سوریه)

شام از سنه ۱۹۲۰ میلادی باینطرف زیر حمایهٔ فرانسه است، واز مغرب به بحیرهٔ روم و از جنوب فلسطین، از طرف مشرق عراق عرب و ازطرف شمال به ترکیه محدود است. مساحهٔ آن عبارت از ۰۰۰ر۱۲۷ مربع کیلومتر ونفوس آن ۰۰۰ر۶۲۰ر۱ نفر می باشد.

نام و حدود آن در توریت معلوم نیست اغلبا گمان می رود که نام (سیریا) شام، تحریف نام بابلی سوری باشد، پیش از رومیها حدود آن معین و معلوم نبود اما در اواخر سلطنت رومیها آن را (سیریا) نامیدند که مسلمانان آنرا شام می گویند.

آثار غیر منظم قدیم وعتایق تاریخی ظاهر می کنند که در زمان قبل از تاریخ هم در سیریا بشر زیست داشته ودر ازمنهٔ تاریخی اقوام مختلفه هم بر آن آزما شده در حدود آن آباد شده رفته اند اما عدهٔ سامیها در اکثریت بود - بعده آرامیهای سامی هجوم آورده شام را اشغال و نفوس آن را در خود مدغم نمودند.

سیریا قبل از حمله و اشغال مصریها به دولتهای خورد خورد مستقل منقسم بود و در اواخر قرن شانزدهم قبل المیلاد هتیت های شمال شام و سارگون اکد جنوب شام را تصرف نمودند در قرن یازدهم و چهاردهم قبل المیلاد هتیت ها بامداد حادر نشینان صحرا هجومات می آوردند و چندین رؤسای محلی در صدد آن بودند که یوغ مصر را از دوش بیندازند - وبالاخره مصر کل مفتوضات خود را در شام از دست داد و بعد از عهد (اینوفیس) چهارم (۱۳۷۶-۱۳۶۶ ق.م) اقتدار مصر تماما سقوط نمود.

در قرن دوازدهم قبل المیلاد رامیس دوم فینیقیه را تا بیروت فتح کرد و در عهد رامیس سوم از طرف آسیای صغیر و یورپ بر آب حملات شروع شده حتی قوم فلسطینیها بر ساحل نزدیك عسقلان قائم شدند - جانشینان رامیس تسلط خود را در شام از دست دادند و شیشك شاه مصر موسس سلاله بیست و دوم در سنه ۹۲۸ ق.م کوشش نمود که اقتدار قدیم مصر را در شام زنده کند، اگرچه تا اندازهٔ فتوحاتهم نمود مگر اثر آنها دوام نکرد، بعد ازین زمانه تاثیر مصر کلیهٔ محو شد. شامیها درابتدا بت پرست بودند و نام بت بزرگ آنها (بعل) وزوجهٔ آن بعله بود.

در سنه ۱۰۵۰ ق.م آتوریها بطرف مغرب پیشرفت ناتمامانه نموده قوم (ختیه) وهتیت ها را برانداختند در قرن هشتم ق.م سارگون سوم بشام حمله برده هتیت ها را کاملاً برانداختند، اما آرامی ها شهرهای مهم سیریا را از دست نداده آهسته آهسته کل مملکت را اشغال کردند - قریباً در قرن دهم قبل المیلاد اسرائیلی ها زیر قیادت حضرت داؤد علیه السلام قسمت بزرگ سیریا را تصرف نمودند وفینیقیهای شام با

یك بازار شهر بیروت

امپراطوریها مراودات دوستانه داشتند درسنه ۷۳۲ قبل المیلاد تگلدت پالیسر دوم دمشق را فتح کرد و هم فیمابین دولت آثوریها و سلطنت مصر مملکت متنازع فیه بود.

درهمین قرون فینیقیها که یك قومی ازاقوام شام هستند ودران اوان بهترین ملاحین وتجار بودند اولا بر ساحل شام وبعد ازان درقبرس سسلی ، کورسیکا و افریقه شمالی رفته ودرآنجا متوطن گردیدند ، کارتاج (درنواح تیونس امروزی) مهمترین شهر نوآباد ومستعمرهٔ بود که بالاخره با سلطنت روما جنگ نموده از تعدی وبی انصافی روما (درسنه ۱٤٦ ق م تباه و برباد گردید - هینی بال یکی از بزرگترین قوماندانهای عسکری دنیا ازهمین قوم بوده - فینیقیهای شام درزرگری ، حساب ، مس گری وصنائع دیگر مهارت فوق العاده داشتند وتحریر را در مغرب آنها رواج داده اند.

بعد از زوال آثوریها مصریها تا چندی شام رااشغال نمودند مگر بخت النصر دوم بابلی سلطنت خود را استحکام داده باردوم شام را تحت تسلط سلطنت کلده درآورد.

بعد از سقوط سلطنت کلده ازطرف کوروش هخامنشی درسنه ۵۳۸ شام زیر اثر سلطنت ایرانی درآمده ستراپی پنجم را تشکیل داد - فینیقیها در بحریه ایران سهم بزرگی داشتند.

اسکندرمقدونی بعد ازجنگ اسوس (۳۳۳ ق م) در شام داخل شده لیکن شهرساحلی (تائیر) اجازهٔ دخول درشهر راانداد سکندر بمحاصره پرداخته بعد از جنگ هفت ماهه (تائیر) را فتح کرده هشت‌هزارنفر اهالی آنجا را قتل وسی هزار نفر را بطور غلام فروختند.

بعد از فتح اسکندر شام فیمابین سیلوکس (شاه شام وایران) وپتولمی (شاه مصر)متنازع فیه بود حتی بالاخره سیلوکس آنرا گرفت - دودمان سیلوکس بعد از وفات انتیاکس چهارم (۱٦٤ ق م) رو به زوال نهاد چنانچه شهرهای ساحلی شام آزاد گشتند (و درسنه ۸۳ وسنه ٦۹ ق م) پادشاه ارمینیه شام را اشغال نمود.

در (٦٤ ق م) قوماندان عسکر روما یعنی پومپی شام را فتح کرد و شام یك ایالت رومی شناخته شد وبعد از تقسیم سلطنت وسیعهٔ روما در دو شاهنشاهی (شاهنشاهی مغربی وشاهنشاهی مشرق) شام در سهم شاهنشاهی مشرق روما داخل شد).

ساسانیها در عهد پرویز (یعنی خسرودوم (۵۹۰ - ٦۲۸ میلادی) باسلطنت رومه جنگ نموده وتا به قسطنطنیه رسیده و شام را اشغال ودر سنه ٦۱۱ میلادی انطاکیه ودرسنه ٦۱۳ میلادی دمشق ، درسنه ٦۱٤ فلسطین ودرسنه ٦۱۹ مصر را فتح کرد . اما این فتوحات کم دوام بوده و شاهنشاه هرقل درسنه ٦۱۰ میلادی بر تخت نشسته محاربات را خلاف ساسانیهای ایران شروع نموده شامات راپس گرفت - درقرن هفتم میلادی اسلام ظهور نموده ودرعهدخلافت حضرت‌عمر رضی‌الله تعالی‌عنه دمشق درسنه ٦۳۵ میلادی بدست مسلمین فتح شد و درجنگ فیصله کن و بزرگ یرموك (ماه اگست سنه ٦۳٦ میلادی ، فوج هرقل شکست فاحش یافته وشام به تصرف مسلمین آمد) .

بعد از خلفای راشدین رض دمشق دارالخلافهٔ امیر معاویه رض قرار داده شد گویا شام مرکزخلافت بنی‌امیه تا سقوط آنها بود - دراثنای خلافت امیر معاویه درسال ٦۷۰ میلادی پیشرفت مشهور عقبهٔ بن‌نافع و تاسیس شهر قیروان بوقوع پیوست - وکابل، سجستان ، مکدان وقندهار در خلافت اسلامیه داخل شد - در زمان خلافت بنی‌امیه در دمشق غازیان اسلام فتوحات زیاد نمودند بعد از خاتمهٔ وسقوط خلافت بنی‌امیه در (۷۵۰ میلادی) مرکز خلافت از شام به عراق عرب منتقل و شام یکی از ایالتهای بنی عباسیه بود ، خلافت بنی عباسیه از سنه ۷۵۰ الی سنه ۱۲۵۸ میلادی دوام نمود. درین زمان در شامات تبدلات زیاد بظهور

رسید ـ زنگی شاه موصل قریب سنه ۱۱۴۰ میلادی شام شمالی را فتح کرد و فرزند نجیب و دیندار او نورالدین زنگی، شام وغیره را مفتوح و خلاف نصاری و محاربات صلیبی جهد نموده مصر را نیز فتح کرد، نورالدین زنگی در سنه ۱۱۷۴ فوت شد و سلطان صلاح الدین کبیر شام و فلسطین و مصر را قبض کرد.

در سنه ۱۲۶۰ عسکر هلاکوخان بعد از فتح و تخریب بغداد سلطنت الناصر را مغلوب نموده شامات را تباه کرد اما شاهان مملوک بحری مصر مغلها را شکست داده شامات را در تصرف خود آوردند.

تیمور در سنه ۱۴۰۰ رؤسای شام را نزدیک حلب شکست داده شام را گرفت اما بعد از وفاتش شام باردیگر در حیطهٔ اقتدار مصریها درآمد.

در سنه ۱۵۱۶ میلادی ترکان عثمانی نه فقط شام را از ممالک مصر قبض نمود بلکه خود مصر را هم گرفتند.

از آن زمان تا سنه ۱۹۱۸ میلادی شام تحت تصرف ترکان بود که جنگ عمومی برپا شده شام زیر اثر اتحادیون فاتح یعنی (فرانسه، و برطانیه وغیره) درآمده بعد از مباحثه و کشمکش زیاد قطعهٔ شام بفرانسه تعلق گرفت یعنی ساحل آن راساً زیر حمایهٔ فرانسه و داخل شام به امیر فیصل مرحوم (شاه عراق عرب) زیر حمایهٔ فرانسه داده شد، لیکن عربهای وطن پرست این اقدامات را بنظر استحسان ندیده آزادی مکمل خود را خواهش نمودند و در نتیجه فرانس لشکرکشی نموده دمشق را گرفت و امیر فیصل فرار نمود و کل شام راساً تحت کنترول فرانسه درآمد.

فرانسه در شامات ایالتهای خورد خورد ساخته اتحاد و یکرنگی ملت را پراگنده نمود و اهالی آن دیار خلاف این رفتار فرانسه احتجاج و مظاهرات نموده میروند حال سوریا و لبنان (درین ناحیه عدهٔ نصاری زیاد است) دو ایالات جداگانه و مستقل است اما تحت انتداب فرانسه میباشد.

شرق اردن

شرق اردن مملکت کوچکی است که بشمال آن سوریه، بشرق عراق و نجد، بجنوب حجاز و بغرب آن فلسطین است.

مساحهٔ آن عبارت از ۱۶۲۲۰ مربع کیلومتر و نفوس آن ۲۶۰۰۰۰ عربی باشد که نود فیصد آن مسلم و باقی عرب متنصره ونصف بدوی می باشد.

در قرن اول مسیحی در این مملکت مراکز مهم تمدن یونان و روم بودند و آثارت خانه های آنها تاحال در عمان و جراش و ام القیس موجود است، بعده جزو دولت بنوغسان گردید در سنه ۶۳۷ قوای اسلامی تحت قیادت ابوعبیده(رض) آنرا فتح نمود ازآن تاریخ تاآخر جنگ عمومی تاریخ این دیار جزو تاریخ ولایت شام میباشد در سنه ۱۹۱۸ از دولت عثمانیه مجزا گردیده چند روزه جزو سلطنت شریفیه گردید که تحت اثر فیصل بن حسین در دمشق شناخته می شد.

چون در سنه ۱۹۲۰ قشون فرانسه بر سوریه قابض گردید فیصل را برطرف نمودند بعد ازان این دیار چندی تحت ادارهٔ انگلیسها ماند، در اوائل سنه ۱۹۲۱ شریف عبدالله پسر دوم شریف حسین با یک عدهٔ قوا بغرض تعرض بر سوریه وارد معان گردید انگلیسها او را امیر مستقل ماورای اردن قرارداده ازین اراده باز داشتند ولی چون قبیلهٔ عدوان درسنه ۱۹۲۳ از حکومت امیر عبدالله سرکشی نمود در ابتدای سنه ۱۹۲۴ انگلیسها رسماً امیر مذکور را برقرار داشتند ولی اصلاً بقسم مستعمرات خود شان اداره مینمودند

[illegible] ۱۹۲۷ با امیر عبدالله چنان معاهده نمودند که در حقیقت اثری از استقلال داخلی باقی نماندہ و یك مجلس ملی تشکیل یافت که قرار اصول اساسی حکومت امیر عبدالله را تحت تنقید گرفته می توانست ولی این اساس تعادل حکومت برطانوی قطعاً بی اثر بود - اهالی ازین معاهده تا حال ناراض میباشند . مرکز حکومت عمان است .

عدن

عدن نام یك بندرگاه و علاقهٔ است که به منتهای جنوب مغربی عرب واقع است ، مساحهٔ آن عبارت از ۱۹۴٫۰۰۰ مربع کیلومتر و اهالی ۵۵۱٫۰۰۰ نفوس میباشد از زمانه های قدیم این بندرگاه مابین یورپ و آسیا اهمیت تجارتی داشت، یونانیها آنرا میشناختند ورومیها آنرا قریب سنه ۲۴ قبل ازمیلاد اشغال نموده بودند .

البوکرك پرتکیزی در سنه ۱۵۱۳ بران حمله نموده بود اما هزیمت یافته بطرف هندوستان رفت .

ترکان عثمانی درسنه ۱۵۳۸ آنرا بتصرف خودآوردند در قرن مابعد آن بواسطهٔ ضعف حکومت ترکیه سلطان صنعا بر عدن استیلا یافته تا ۱۷۳۵ حکمرانی کرد حتی شیخ الاحج یوغ اطاعت صنعا را انداخته عدن را مستقل نمود و از نسل او سلطانهای مستقل درآن حکمرانی میکردند .

درسنه ۱۸۳۹ دولت برطانیه آنرا اشغال نموده و تجارت فیمابین یورپ و آسیا باز رونق و فروغ پیدا کرد درسنه ۱۸۵۷ دولت مذکور جزیرهٔ پاریم رانیز به عدن الحاق نمود .

درسنوات ۱۹۰۲ ، ۱۹۰۴ ، ۱۹۰۵ ، ۱۹۱۴ فیمابین سلطنت عثمانی و برطانیه بقرار معاهده حد بخشی آن معین کرده شد ، بدوران حرب عمومی عسکر ترکی برآن حمله آورده (لاحج) (وشیخ عثمان) را اشغال کردند ، لیکن بعد از اختتام جنگ ترکها آنرا واگذار شدند .

بدواً عدن تحت اداره و نظم حکومت بمبئی بوده و در حدود حکومت برطانیه شمرده میشد ، بدوران جنگ عمومی تحت ادارهٔ هائی کمشنر مصر درآمد ، در سنه ۱۹۲۰ راساً تحت انتظام وزارهٔ خارجهٔ برطانیه داخل گردید در سنه ۱۹۲۱ به دفتر مستملکات تعلق گرفت حالا یك مستملکهٔ برطانوی شناخته شده راساً بحکومت برطانیه مربوط میباشد و با هندوستان هیچ رابطه ندارد البته از سنهٔ ۱۹۲۷ حکومت هند مصارف جنگی و سیاسی عدن را کاملاً پرداخته بود و بعد از آن یك ثلث مصارف را پرداخته خواهد رفت .

عراق

مملکت شاهی عراق دارای ۹۷۷ر۳۷۰ مربع کیلومتر مساحه و ۳۰۰ر۸۴۹ر۲ نفر نفوس است .

درازمنهٔ قبل از تاریخ در جنوب عراق نزدیك اریدوقوی بوده که بعض حیوانات امروزی را اهلی کرده و زراعت را یاد گرفته بودند و بواسطهٔ داسهای گلی فصل ها را درو میکردند .

از حفریات منتظم معلوم شده که قدیمترین اهالی مملکت عراق در ازمنهٔ تاریخی سومیریها میباشند و منکشف شده که سومیریها درحدود (۴۰۰۰) ق ، م تهذیب خوبی را نایل شده بودند ، اولین شاه سومیری که حکومت خود را تاحیرهٔ روم وسعت داده بود لوگل زکیزی Logel Rekizi نام پادشاه ارج بود که (۲۷۷۵ - ۲۷۵۰ ق ، م) - سومیریها یك رقم تحریر داشتند که حالا بخواندن آن موفق شده اند

سومیریها سر های خود را می تراشیدند ، لباس پشم را در بر می کردند ، مزرعهٔ خود را بواسطهٔ جویها آب میدادند ، آنها مواشی ، گوسفند و بز داشتند اما از اسپ واقف نبودند ـ آنها فیمابین خود محاربات میکردند ، تهذیب و تمدن ، خط و جهاز رانی وغیره را در عرصهٔ چهار هزار سال ترقی و نمو دادند آثار تجارت و توطن گزینی آنها در هند شمال مغربی از حفریات منکشف شده است احتمال میرود که آنها از راه بحر به هندوستان رسیده باشند .

طرف مغرب این مسکن سومیریها ، قبایل چادر نشین سامی بوده تاقرنهای دراز بهمراه سومیریها تجارت و محاربات میکردند بالاخره یك قاید بزرگ آنها را متحد ساخته و سومیریها را فتح کرده سلطنت سامی را از خلیج فارس الی بحیرهٔ روم توسیع داد (۷۵۰ ق ، م) این سامی ها را ما بنام اکدیها یاد و سلطنت سارگون اول را سومیری اکدی موسوم میکنیم ـ اکدیها تا ۲۰۰ سال بسلطنت دوام کردند ـ از عهد اکدیها الی قرن چهارم و سوم ق ، م سامی ها خط میخی سوماریها را اختیار و زبان سومیری را زبان علمی خود قرار داده بودند .

بعد علامی ها از طرف مشرق و عموریه ها از مغرب به سلطنت اکدی هجوم آورده آنرا زیر فشار آوردند ، مرکز علامی ها شهر شوش بوده آنها نه آریه و نه سامی نژاد می شدند ، عموریه ها همقوم حضرت ابراهیم علیه السلام بودند ، بالاخره بعد از محاربات صد ساله علامی ها بر کل عراق عرب استیلا و غلبه نمودند و شاه بزرگ آنها حمورابی (۲۱۰۰ ق ، م) سلطنت اولی بابل را تاسیس نمود

بعد از صد سال چادرنشینان تازه دیگر موسوم به کاسی ها (Casies) از مشرق به بابل حملات کرده و پادشاه خود را به بابل نشانداده عراده جنگی و اسپ را ترویج دادند .

همچنین سامی های عرب بالای سومیریها غلبه نکرده بودند که در دجلهٔ علیا یك قبیلهٔ سامی دیگر یعنی آثوریها شهر ها را بنا کردند و مهمترین شهر های آسور و نینوا بوده ـ آنها به شراکت هتیت ها بطرف مغرب غارت می بردند ـ سارگون اول آنها را فتح کرده بود اما چندی بعد مستقل شدند ـ شاه میتانی پای تخت آنرا یعنی نینوا را تا یك عرصه اشغال نموده بود ـ آنها خلاف بابل بهمراه مصریها سازوبار داشته از آنها ملهم میگرفتند ـ ودرین آوان آهسته آهسته فن حرب را ترقی زیاد داده استعمال عراده جنگی و اسپ را یاد گرفته اولاً هتیت را مغلوب نمودند و ثانیاً زیر قیادت تکلاث هائی اسیر اول Tiglas Hai بابل را فتح کردند (۱۱۰۰ ق ، م) چون در عراق جنوبی سنگ نبود و نیست ، بابل را شهر خشتی سامی ها و نینوا را که در کوه ها واقع است شهر سنگی شامی ها مینامیم ـ پس تا قرنهای دراز فیمابین نینوا و بابل حکومت و سلطنه بنوبت رد وبدل می شد .

وچون یك قوم دیگر سامی یعنی آرامی ها که شهر مهم آنها دمشق بوده و شامی های امروزی احفاد آنها می باشند . اقتدار و قوت پیدا کرده بودند لهذا آثوری ها تا چهار قرن طرف مصر و غرب پیشرفت نموده نتوانستند ـ بالاخره در سنه ۷۴۵ ق ، م تکلاث هائی اسیر سوم بابل را فتح کرده سلطنت جدید آثوری را تاسیس نموده فلسطین و شامات را فتح کرد ، بعد از وفاتش سارگون دوم از پسر تکلاث سلطنت را غصب نموده پادشاه شد و یهودیهای فلسطین را در سنه ۷۲۱ ق ، م درمیدیا اخراج و تبعید نمود ، اروپائیها همین یهودیها را « قبیلهٔ ده گانه گمشده » می نامند ـ پسر او سینا شرب به مصر حمله برد اما عسکر او از وبا کاملاً مستاصل گردید واین واقعه در توریت هم مذکور است ـ بهرحال نواسهٔ او یعنی اسوربانی پال مصر سفلی را فتح کرد .

سلطنت آثوری بعد از سارگون دوم (۱۵۰) سال دوام نمود حتی یك قوم سامی دیگر موسوم به کلدانیها بامداد دوقوم آریائی یعنی میدیها و فارسی ها در سال ۶۰۶ ق ، م نینوا را اشغال وبابل را پای تخت

خود قرار داده سلطنت دومین بابل را تاسیس نمود اما نینوا در سلطنت میدیها شامل شد. پادشاه آنها کاتی آکساریز بود - این سلطنت کلده تا سنه ۵۳۸ ق،م دوام کرد - بخت نصر دوم (کبیر) در سنه ۵۸۶ ق،م فلسطین را فتح و خراب نموده عدهٔ کثیر یهودیها را به بابل آورد.

کوروش کبیر در سنه ۵۳۹ ق،م بابل را از نابونیداس فتح کرده سلطنت بزرگ هخامنشی را تاسیس نموده بر سامی ها تعرض و استیلا جسته حکومت آریائی را بر پا کرد - در سنه ۶۵۰ ق،م نینوا را فتح کرد، باید دانست که تحریر و طریق حکومت و اسلحهٔ آهنی مرهون اختراع اهالی عراق عرب می باشد.

سلطنت هخامنشی تا ۳۳۱ ق،م دوام کرد، حتی اسکندر مقدونی در ۳۳۱ ق،م نزدیک نینوا افواج ایرانی ها را شکست داده بعد ها بابل را اشغال نمود بعد بطرف شوسه که پای تخت عیلامی ها و بعد مرکز حکومت هخامنشی ها بود پیشرفت آنجارا عوده فتح کرد.

سکندر در ۳۲۳ ق،م در شوسه مرد، بعد از مرگش سلطنت وسیعهٔ او میان جرنیلهای او منقسم گردیده عراق به سهم سیلوکس نکاتور رسیده اما سیلوکس شوسه و بابل را گذاشته انطاکیه را پای تخت خود قرار داد و تا ظهور سلطنت روما و سلطنت پارته ها در تصرف سلاله سیلوکسی ماند، محض یک دفعه شاه مصر پتولمی سوم در ۲۴۵ آن را تا عرصهٔ قلیلی اشغال نموده بود.

درعهد مهرداد دوم Mehr dad II پادشاه پارته ها عراق عرب و بین النهرین یک ایالت معین پارته ها بود، بعد از آن رومی‌ها تعرض نموده عراق گاهی ایالت پارته ها و گاهی ایالت رومی ها شمرده میشد گویا عراق عرب بدوران این دو سلطنت صحنهٔ محاربات بود.

بعد از سقوط پارته‌ها در ایران ساسانی ها خروج نموده بر سلطنت پارته متصرف شده عراق عرب را اشغال نمودند و عراق بدستور سابق فیمابین ساسانی‌ها و رومی ها مملکت متنازع فیه بود، افواج رومی و ایرانی بکرات ازین مملکت عبور و مرور میکردند حتی والیریان شهنشاه روما از دست شاه پور دوم ساسانی هزیمت خورده ساسانی هافتوحات خودرا تا به سر یا ادامه‌دادند (۲۶۰ میلادی) بالاخره عربهای تدمور (پالمیره در یک نخلستان در بین نینوا و شام شهر قدیم بوده که از یک معبر تجارتی ترقی کرده تا به شهر بزرگ رسید) از ضعف رومی ها استفاده نموده شاه پور اول را شکست داده عراق را گرفتند و تا ده سال بران حکمرانی کردند - اوریلیان شهنشاه روما تدمور یهارا برانداخته و عراق عرب رامکررا تصرف نمود - بهرحال ساسانی ها و رومی ها از ضعف یکدیگر استفاده نموده بنوبت عراق را اشغال میکردند، بالاخره در اثنائیکه خسرو دوم و هرقل پادشاه روم باهم نبرد آزما بودند (اولاً ایرانیها غالب شده بودند لیکن بعدها هرقل فاتح شده بود) عربها درعهد مقدس اسلام از جزیرهٔ عرب خروج نموده سلطنت هرقل و سلطنت یزدجرد ساسانی را برانداختند.

عراق عرب در سنه ۶۳۹ میلادی در عهد خلافت حضرت عمر رضی الله عنه بدست سعد بن ابی وقاص (رض) مفتوح گردید و علاقهٔ سامی که آریه ها غصب نموده بودند باردیگر به سامی ها تعلق گرفت - وسامی های عراق عرب بسرعت دین مقدس اسلام را قبول کردند و دین مسیحی و زردشتی رو به زوال نهاد.

• بصره و کوفه در عهد خلافت حضرت فاروق اعظم فتح رض و بعد دو قشلهٔ عسکری بنا نهاده شد بعد، خلافت بنی امیه ازسنه ۶۶۱ میلادی دراینجا شروع گردید. عبدالله بن زبیر (رض) بعد ازوفات حضرت معاویه (رض) در مکهٔ معظمه اعلان خلافت نمود، مختار در اول مرحله بهمراهٔ ابن زبیر اتحاد نموده بود اما بعد جدا شده بطرف کوفه رفت بامداد فارسی ها کوفه را اشغال نموده مستقل شد و ابن زبیر حاکم آن دیار مجبور به فرار

شد . ابن زبیر این وضعیت را مشاهده نموده برادر خود مصعب را حاکم بصره نامیده او را برعلیه مختار اعزام نمود در نتیجه مختار در جنگ کشته شد و عراق در حدود خلافت ابن زبیر شامل گشت .

عبدالملک بن مروان در سنه ۶۹۱ میلادی عراق را فتح کرد و مصعب بن زبیر از دست اهل تشیع بقتل رسید عبدالملک حکومت ایالت عراق را به حجاج بن یوسف تفویض نمود ، حجاج ساوت خارجی ها و ابن اشعث را فرو نشاند ، در عهد خلافت بنی امیه عراق مرکز سازش طرفداران بنی هاشم بوده و ایرانی ها سعی داشتند که بوسایل ممکنه اقتدار عربها را براندازند ـ بالاخره ابو مسلم خراسانی بطرفداری بنی هاشم خروج نموده نزدیک زاب معاون دریای دجله آخرین خلیفهٔ بنی امیه یعنی مروان دوم را شکست داد (۷۵۰ میلادی) و از بنی هاشم ابوالعباس از اولاد حضرت عباس اولین خلیفهٔ بنی عباسیه در کوفه جلوس نمود .

بعد از وخلیفهٔ منصور ، ابو مسلم را بجهتهٔ به کوفه خواسته بکشت و بغداد را بر کنار دجله پای تخت خود مقرر نمود ـ بعضی اشخاص اولاً طرفداری بنی هاشم را شعار خود ساخته بنی امیه را برانداخته بودند بعد آنها طرفداری بنی فاطمه رض را بهانه تراشیده برعلیه بنی عباسیه شورشها بپا کردند ـ منصور به فرونشاندن این جنبش تفاوت ها موفق شد اما در تمام عهد خلافت بنی عباسیه طرفداران بنی فاطمه سازش ها و شورش ها برپا نموده رفتند ـ و فیمابین اهل سنت والجماعت و اهل تشیع سخت اختلافات بود که بالاخره باعث تباهی خلافت گردید .

از خاندان بنی عباسیه ۳۷ خلیفه یکی بعدی دیگری خلافت کردند ، اما اقتدار وقوت حقیقی خلفای عباسیه از زمان ابواسحاق معتصم بالله پسر هارون الرشید بود ـ دراین زمان یعنی تا ۱۲۵۸ میلادی ترکهائیکه معتصم بالله آنها را در فوج خود ملازم گرفته بود بر رضای خود خلیفه را منصب یا خلع میکردند یا بقتل میرسانیدند ـ من حیث عموم و دوره عباسیه مشهورترین دورهٔ اسلام است و عراق عرب مرکز علم و فضل بود ، اما در اواخر اقتدار بنی عباسیه محدود عراق محدود به دجله و فرات ماند

شهزادهٔ آل بویه در ۹٤۵ در عهد خلافت المستکفی بالله به بغداد داخل شده و خلیفه او را به لقب پادشاه ملقب ساخت ـ بعد ازین اقتدار حقیقی سلطنت بدست آل بویه بوده و آنها خلیفه را محض یک هیولا ساخته بودند .

سلاجقه در آسیای وسطی بر سر اقتدار آمده ایران و خراسان را فتح کرده زیر قیادت طغرل در عهد خلیفه قائم بامرالله در سنه ۱۰۵۵ داخل بغداد شده دودمان بویه را محو و اقتدار خلیفه را برحال کردند ـ و خلیفه قائم بامرالله طغرل را لقب سلطان المشرق والمغرب عطا نمود ـ سلاجقه سلطنت خلیفه را بسیار وسعت دادند چنانچه آسیای صغیر ، شام ، یمن ، مکه و مدینه را در حدود خلافت درآوردند ـ اما بعد از وفات ملکشاه سلجوقی سلطنت آنها رو بزوال نهاد و از اقتدار خلفا بکاست .

خلیفهٔ مستکفی بواسطهٔ وقار خلافت را بقوت بازوی خود در عراق زنده سازد ، در عهد خلافت او زنگی شاه موصل اکثر عراق عرب را اشغال نمود و پسرش نورالدین زنگی برخلاف نصاری در محاربات صلیبی فاتح برآمد درو قت صلاح الدین کبیر قسمی از عراق عرب جزو سلطنت مصری ایوبی بود .

در سنه ۱۲۵۸ هلاکوخان بنا بر سازش محمد بن علقمی فارسی ، بغداد را فتح کرده و بدر آتش نموده تمام اهالی را بقتل عام و کتابخانههای بزرگ و قسمتی از بغداد را تباه کرد ، گویا خلافت عباسیه تا ٥٢٤ سال دوام نموده از دست هلاکوخان محو و نابود شد .

بعد ازین ویرانی وتباهی در عراق تا ۸۰ سال بد نظمی و بد امنی بوده و عراق در حدود سلطنت

ایلخانیها (سلالهٔ هلاکوخان) شامل بود - بعد از سقوط ایلخانیها یکی از وزرای مغلی حسن جلائر بر عراق عرب تصرف نموده بغداد را پایتخت خود قرار داد، تیمور گورگانی در ۱۳۹۳ بغداد را اشغال نمود لیکن جلائر حاکم تیموری را شکست داده اخراج نمود - تیمور دوباره در ۱۴۰۱ بار بغداد را گرفته درات خرابی وارد نمود - بعد از وفات تیمور ترکمانیهای قره قیوتلی و آق قیوتلی، علی الترتیب بر عراق مسلط شدند مگر آق قیوتلی در دیار بکر بوده رئیس آنها اوزون حسن عراق و جزیره را فتح کرد لیکن دریں ادوار ترکان عثمانی از طرف غرب و صفویهای ایرانی در شرق بطرف عراق عرب متوجه شدند حتی لالا حسین جرنیل شاه اسمعیل صفوی در سنه ۱۵۰۸ بغداد و موصل را اشغال نموده در حدود سلطنت ایرانی شامل نمود.

بعد ازیں عراق مثل سابق فیمابین ایران و ترکان مملکتی بود متنازع فیه حتی سلطان سلیم خلاف صفوی ها اعلان حرب نموده شاه اسمعیل را شکست داده موصل، عمادیه، رقه و ترک اردلان را در سنه ۱۵۱۲ میلادی گرفت - در ۱۵۳۴ سلیمان باشکوه بغداد را اشغال کرد و بصره دوازده سال بعد بتصرف ترکها افتاد - اما ترکها از باعث حملات و تعرضات ایرانیها در عراق تنظیمات و ترتیبات لازمهٔ حکومت نتوانستند - ایرانیها بواسطهٔ سازش بغدادیها در سنه ۱۶۳۲ میلادی بغداد را گرفتند مگر ۱۵ سال بعد مراد چهارم بغداد را مکرر را در حدود سلطنت عثمانیه شامل نمود - و تا ۱۷۲۴ فیمابین ایران و روم صلح بود حتی نادرقلی خروج نموده با ترکان آویخت لیکن طوپال عثمان پاشا محاربهٔ شدیدی با او نموده و جنگ بی فیصله ماند - همچنان جنگهای ۱۸۲۰ - ۱۸۲۳ بی فیصله بودند.

قبائل عرب هم از ۱۶۳۸ الی وسط قرن نوزدهم وقتاً بوقتاً خلاف ترکها جنگ میکردند و در وقت ضعف ترکان پاشاهای غلام بطور حکام آزاد حکمرانی میکردند لیکن گاهی نوع اطاعت خلیفهٔ عثمانی را از دوش خود نیانداختند.

بالاخره از سنه ۱۸۳۱ تسلط ترکان عثمانی محکم تر شده و بغاوتهای کردها را فرو نشاندند و عربها را به خرید زمین ها ترغیب دادند تا آنها به زراعت مصروف بوده دیگر سرکشی و شورش نکنند، مدحت پاشا کارهای اصلاح و تنظیم را شروع کرد (۱۸۶۹-۱۸۷۲) شرکت جهازرانی ترکی در دریاهای عراق تاسیس شد، جرمنی ها در سنه ۱۸۹۹ برای تعمیر و تمدید خط آهن در عراق مراعات حاصل کردند و تا به آغاز جنگ عمومی از بغداد الی سامره خط آهن تمدید شده بود.

در اثنای حرب عمومی انگلیسها به علاقهٔ بین النهرین حمله برده بصره را اشغال کرده پیشرفت نمود لیکن در قط العمارهٔ ترکها تحت قیادت نورالدین پاشا فوج انگلیس را محصور و باوجود مساعی و قربانیهای زیادت از طرف انگلیسها برای استخلاص آن قشون مذکور را اسیر نمودند، گویا انگلیسها برای استخلاص فرقهٔ مذکور ۲۴ هزار عسکر را قربان نموده بودند اما نتوانستند کاری بکنند - لیکن چندی بعد عربها از باعث تحریکات خارجه خلاف ترکها شده و عسکر انگلیس تحت قیادت جرنیل ماد کل عراق عرب را تا به موصل اشغال نمود.

چون فرانس و انگلیس مجدداً به این اعلان که عربها بعد از خاتمهٔ جنگ مستقل و آزاد خواهند شد آنها را خلاف ترکها آماده کرده بودند لهذا عربها بعد از اتمام جنگ و معاهدهٔ صلح استقلال خود را خواستند - انگلیس ها امیر فیصل را پادشاه عراق عرب ساخته این علاقهٔ بین النهرین را تحت انتداب خود گرفت - عربها برای اخراج انگلیس چندین بار شورشها کردند اما مغلوب شدند مگر نتیجهٔ این شد که برطانیه با امیر فیصل شاه عراق عرب معاهده نموده رضامند گردید که فوج انگلیس از بغداد خواهد برآمد و عراق عرب به مجلس بین الملل داخل خواهد شد.

بصورت غلبه برطانیه راجع بحد بندی عراق در نزدیك موصل بهمراه ترکیه (بعد ازینکه مصطفی کمال پاشاه یونانیها را هزیمت فاحش داده بود) وطرف جنوب مغرب بهمراه ابن سعود چیزی مناقشه و منازعه بود اما معاهده ها انعقاد یافته هر سه دولت مابین خود موافقت نموده اند.

امیر فیصل شاه متوفی عراق در دوران حکومت خود برای تنظیم و ترقی کشور و حصول استقلال کاملهٔ آن خیلی مساعی بکار میبرد و برای این مملکت یك پادشاه جدی و صادق شمرده میشد اخیراً در سال ۱۳۱۲ شمسی در سویزرلند وفات گردیده ملت امیر غازی پسر شاه موصوف را بسلطنت انتخاب نمودند.

خاندان شاهی عراق مسلمان (سنی) مذهب و امیر غازی شاه موجوده بتاریخ ۲۱ مارس ۱۹۱۲ تولد یافته بتاریخ ۱۱ سنبله ۱۹۳۲ میلادی پس از وفات پدرش امیر فیصل بعمر ۲۱ سالگی بسلطنت رسید بعد از جلوس بدختر عمش ازدواج نمود

عرب

جزیرهٔ نمای عرب که در قسمت جنوب غربی آسیا وقوع دارد شرقاً به خلیج فارس و بحر عمان جنوباً به بحرهٔ عرب غرباً به بحر قلزم و جزیرهٔ سویز شمالاً به شام و عراق محاط گردیده است رقبهٔ آن ۱۳ صد هزار مربع میل و ازآنجمله بالغ بر پنجصد هزار مربع میل ریگستان غیر مسکون را تشکیل داده است مشهورترین صحرای آن الربع الخالی یا الدهنا است که رقبهٔ آن از دو صد و پنجاه هزار مربع میل متجاوز و در مرکز عرب قسمت جنوبی آن وقوع دارد در شمال این صحرای بزرگ بکنار خلیج فارس صوبهٔ بحرین افتاده است و درحصهٔ شمال مشرق آن ایالت عمان واقع و مرکز آن شهر مسقط است در جنوب مشرق آن ایالت حضرموت و مهره وقوع دارد به طرف غرب آن صوبهٔ مشهور یمن است که شهر مشهور آن صنعا است از بنادر مهمهٔ آن عدن و حدیده میباشند در مغرب ربع خالی و بطرف شمال یمن صوبهٔ نجران وقوع دارد

در آغاز دین مقدس اسلام این ایالات مسکن عرب متعصب یهود و اکثر مشرکین عرب بوده در شمال نجران ایالت عسیر است که تا بحر قلزم وسعت دارد در شمال عسیر علاقهٔ مخصوصی باسم عقابه واقع و حصهٔ جنوبی حجاز را تشکیل میدهد در شمال ربع خالی ایالت نجد وقوع دارد که از طرف مغرب بایالت حجاز و در شرق بصوبهٔ بحرین و در شمال بصحرای شام محاط گردیده گوشهٔ جنوب مشرق نجد را یمامه می نامند شهرهای مشهور حجاز مکهٔ معظمه ، مدینهٔ منوره و بندرگاه جده است در شمال مشرق نجد ایالت کوچکی باسم خیبر وقوع دارد ، در داخل ربع خالی مابین حضرموت و یمامه الاحقاف علاقهٔ غیر آباد که در سابق مسکن قوم عاد را تشکیل میداده است وقوع دارد . درین ملك وسیع هیچ یك دریائی که قابل کرشتی باشد وجود ندارد قریباً بیشتر حصص آنرا اراضی خشك و ریگستان فرا گرفته اراضی متصل بحر تا درجه قابل سکونت است . قلت آب در مرکز آن سکونت انسان را دشوار بلکه تا حدی ناممکن ساخته است در اکثر حصص آن . کوه های کم ارتفاع که هیچ یك سرسبز نیست وقوع دارد ایالت های یمن و حجاز از حیث زرخیزی درجه اول را احراز کرده است حرارت این کوه های نهایت شدید و باد گرم آن (سموم) برای حیوانات نهایت مضر است ، قسمت مهم کارهای حمل و نقل درین مملکت بواسطهٔ شتر انجام داده می شود ، پیداوار مهم آن خرما است و گذاره بیشتر اهالی بر شیر شتر و خرما می باشد .

این قسمت بوجود دشتهای وسیع و قلت آب در حیات اعراب و حرص و آز حمله آورین اثر مهمی داشته است چه از یك طرف حریت پسندی جبلی ملت و از طرف دیگر وضعیت طبیعی آن برای حمله آورین اشکالات مهمی را پیش میکرده واحیاناً اگر عرب در تحت تصرف یکی از حمله آورین می آمد این صورت دیری دوام

نکرده اداره عرب برای آنان اشکالات خاصی را وارد می‌نمود و همین‌تنها دلیلی است که عرب مورد تاخت و تاز خارجیها کمتر واقع گشته است.

اقوام قدیم : عربها اولادهٔ سام ابن نوح (ع) میباشند مورخین عرب آنها را درسه دسته تقسیم کرده اند.

۱ـ عرب بایده ۲ـ عرب عاربه ۳ـ عرب مستعربه و بعضی دستهٔ دوم وسوم را مخلوط نموده در عرب بایده و عرب باقیه تقسیم نموده اند. مراد از عرب بایده اقوامی است که از آنها حالمرا جز نام چیزی باقی نمانده ومراد از عرب باقیه اقوامی است که عرب موجوده را تشکیل داده‌اند دستهٔ دیگر از مورخین عربها را در چهارطبقه تقسیم کرده اند:

۱ـ عرب بایده یا عرب عاربه ۲ـ عرب مستعربه ۳ـ عرب تابعه ٤ـ عرب مستعجمه.

عرب بایده شامل قبائل مختلفه چون عاد، ثمود، عبیل، عمالقه، جدس، الیم، جرهم، حضرموت، حصور، عبد ضخم، وغیره بود که تمام آن‌ها اولاد لاذان سام ابن حضرت نوح (ع) بودند.

درزمان سابق این اقوام جزیره نمای عرب را درتحت تصرف داشتند ـ احوال مفصل این اقوام درتاریخ‌موجود نیست ولی ازآثار وتعمرات شان که تاامروزدر نجد و احقاف وحضرموت ویمن موجود است میتوان تا یك حدی بحالات تاریخی شان پی برد. مشهورترین این قبایل قبیلهٔ عاد است که درارض احقاف سکونت داشتند. عاد ابن عوص ابن ارم ابن سام که این قبیله بنام او شهرت گرفته اولین شاه تاریخی عرب است، این شاه سه پسر داشت ۱ـ شداد ۲ـ شدید ۳ـ ارم وهریك بعد از دیگری برسر اقتدار آمده‌است،شداد درصحرای عدن مدینهٔارم را بنا نمود ولی امروزهیچ اثری ازآن مشاهده نمیگردد

حضرت‌هود(ع) که‌از قوم عاد بود برای‌هدایت‌این‌قوم‌مبعوث‌شداما این‌قوم‌ازسمع‌شنیدن‌نصایح‌واقوال این پیغمبر اخیراً تباه وبرباد گردید. خدای تعالی برای هدایت قوم ثمود حضرت صالح علیه السلام را مبعوث گردانید.

عرب عاربه : این‌طبقه‌ازاولاد قحطان است، لسان شان درابتداعربی نبوده اما رفته‌رفته‌لسان عربی را از عرب بایده آموختند. قبایل قحطانی بدوحصه قسمت می شود: ۱ـ یمنیه ۲ـ سبائیه درنسب شان علما اختلاف زیاد دارند بزعم بعضی این قوم ازنسل قحطان ابن عابر ابن شالح ابن ارفخشد ابن سام ابن حضرت نوح (ع) بوده فالغ ویقطن که ذکر شان درتورات آمده برادرهای او بودند بعضی دیگر دربن فکراند که معرب یقطن قحطان است، جرب دیگر اورا پسر یمن ابن قیدار ابن حضرت اسماعیل علیه السلام میگویند وقبائل مشهورشان اردی وحمیری است ـ قبائل ازدی شهر سبا را بنا نمودند وملکه‌بلقیس که‌معاصر حضرت سلیمان(ع) بود (اخیراً خانمش بیرگردید) ازهمین قبیله بود

قبایل دیگر این طائفه بهرکنج وکنارعرب منتشر شد (غسان) که بسرحد شام سکونت دارند ازین قبیله است، حکومت قحطانی ها دریمن تاقرن ۷ میلادی دوام نمود در ظهوراسلام این قوم اقتدارزیادی داشته واکثر حصص عرب را استیلا نموده بودند.

عرب مستعربه : مراد ازآن بنوعدنان یا اولادهٔ حضرت اسمعیل (ع) میباشند — این قبائل ازخارج آمده بودند وبدین سبب آنها را عرب مستعربه یاعرب مخلوط خطاب می نمودند لسان مادری حضرت ابراهیم (ع) عربی نبوده دروقتیکه حضرت ابراهیم (ع) حضرت اسمعیل(ع) ووالده محترمه شان (بی بی هاجره) را درشهر مکه معظمه گذاشتند آنها لسان عربی را ازقبیله جرهم که یکی

ل قحطان بوده آموختند وبعد از آن عربی لسان آل اسمعیل گشت . عمر حضرت اسمعیل علیه السلام
نزده سال بود که والدهٔ شان فوت گردید ، حضرت اسمعیل (ع) اراده نمودند که بطرف شام
کایند اما قبیلهٔ جرهم مانع گردیده ودختری از خانوادهٔ عمالقه را باو عقد نمودند چندی بعد حضرت
(ع) بدانجا تشریف بردند و حسب الفرمایش شان حضرت اسمعیل (ع) حضرت سیده بنت مفاض این
از قبیلهٔ جرهم بود تزویج نمود بعد ازان بقرار ارشاد الهی حضرت ابراهیم (ع) و حضرت اسمعیل (ع)
ه را تعمیر نمودند سپس حضرت ابراهیم (ع) بطرف شام رفتند وهر سال برای زیارت خانهٔ کعبه تشریف
ردند یکی از اولادهٔ حضرت اسمعیل (ع) عدنان نام داشت اولادهٔ این شخص ازمشهورترین قبایل
، بشمار میرفت از همین جهت است که این قبیله را بنوعدنان ، اسماعیلیه میگویند .

د نان مشهورترین این قبایل اند ، ربیعه و مضر بودند در قبیلهٔ کنانه (شعبهٔ قبیلهٔ مضر) شخصی بوده
بن مالك ، قریش موسوم است .

ز اولادهٔ این شخص چند قبیلهٔ دیگر بوجود آمده که ازآنجمله بنی سهم ، بنی مخزوم ، بنی تیم ، بنی عدی
الدار ، بنی زهره و بنی عبدمناف بسیار مشهور اند .

عبدمناف چهار پسر داشت ، عبدشمس ، نوفل ، مطلب ، وهاشم حضرت سالار انبیا صلی الله علیه وسلم
دهٔ هاشم بودند (حضرت محمد (ص) بن عبدالله ، بن عبدالمطلب ابن هاشم ، که پیغمبر اخیرالزمان وپیشوای
ان میباشند) پسر عبدشمس امیه بوده که اولادهٔ آن در تاریخ باسم بنی امیه یاد میشوند .

بیار رسول اکرم (ص) مملکت عرب از نقطهٔ نظر تاریخی اهمیتی را حائز نبوده در حلقهٔ ممالك عرمتمدنه
ت در بین اقوام این مملکت وحدت ملی یکقلم نیست و نابود بود وخانه جنگیها کشت و خون دخترکشی ،
خوری قمار وغیره اعمال ناشایسته همیشه عربها را بوادی عدم ومذلت سوق میداد این وضعیت داخلی
موقع را برای همسایگان مساعد ساخته بهرطور وذریعه که میتوانستند یك قبیله را بر علیهٔ دیگر قبیله
کاستند .

بر همین موقع خطرناك دورهٔ جدید تاریخ عرب آغاز می شود یعنی حضرت رسول اکرم (ص) شروع به
بوده دیری نمیگذرد که عربها برخلاف آنچه بودند جامعهٔ متمدن ومهذبی را تشکیل دادند معارف
زبون زد عام وخاص گردید قوهٔ حربی شان به اندازهٔ رسید که تنها بنجات ملت ومملکت خود ازدست برد
ان اکتفا نکرده امپراطوری شرقی روم وایران را نیز در حیطهٔ تصرف خود درآوردند ملت مغلوب
نتیجهٔ این فتوحات دستگیری کرده آنها را ازگرداب جهالت وبدبختی کشیدند در دورهٔ خلافت راشده
۶۲۲ تا ۶۶۱ ع یعنی تقریبا در عرصهٔ ۳۰ سال تمام ایران تا سرحدات افغانستان ، شام ، مصر ، فلسطین
فتح وضمیمهٔ دولت اسلامی گردید .

در دورهٔ امویان که تقریبا (۹۰) سال طول کشید فتوحات اسلامی درشرق تا سرحدات کاشغر و ملتان
جانب غرب تا رود لوار یعنی شمال غرب فرانسه وسعت یافت ، بطرف شمال سرحدات اسلامی تا کوهای
وتحرهٔ سود امتداد دیده بدینگونه درعرصهٔ تخمینا یکصد سال عربها یك امپراطوری بزرگی را تاسیس
. وقتیکه خلافت بنی امیه بروی کار آمد عرب مرکزیت را از دست داده دمشق دارالخلافه قرار
رعهد خلافت عباسیه بغداد دارالخلافه بود گویا عرب بحیث ایالت ماند.
دورهٔ عباسیان را که از (۷۵۰ الی ۱۲۵۸ ع) طول کشید میتوان دورهٔ ادبیات وعلوم وفنون
نامید (یونیورستیها) ودارالفنون های بزرگ اسلامی درهر گوشهٔ ملك برپا گردید ولی بعد ازصد سال
داخلی درهر جانب آن ودرنتیجه ازاقتدار خلیفه کاست . بعوض عرب ایرانیها اقتدار اداری وترکها اقتدار
را تحصیل کردند ، حتی مملکت عرب هم اکثراوقات ازادارهٔ خلفای عباسی خارج بوده .

در قرن (۱٦) ترکان عثمانی عربستان را ضمیمهٔ مملکت خویش نمودند چندی بعد یعنی در قرن (۱۷)
ی ها شورش نموده مستقل گردیدند ولی در (۱۸۷۱) ترکان بار دیگر یمن را تسخیر نمودند .

درآخر قرن (۱۸) نجدی ها اقتدار زیادی در عربستان حاصل نمودند . (اما محمد علی پاشا والی مصر
درابتدای قرن نزدهم) بواسطهٔ پسرش اسمعیل قوهٔ آنها را مضمحل نمود وتاچندی عربستان در تحت ادارهٔ
ین شخص بود اما در (۱۸٤۰ بواسطهٔ واقعات شام محمد علی مجبوراً از عرب دست کشید و بدینگونه تا (۱۹۱٤)
رب در تحت ادارهٔ سلطان ترکیه بود .

در جنگ عمومی انگلیس برعلیه ترکان عثمانی عربها را طرفدار خود ساخت . اولاً با ابن سعود قراردادی
امضا نمودند (دسمبر ۱۹۱۵) بین سر پرسی کاکس Sir Percy Cox نمایندهٔ انگلیس و ابن سعود - درجون (۱۹۱٦)
ریف حسین ابن علی، امیر حجاز نیز برعلیه ترکان عثمانی داخل جنگ گردید و خود را شاه عرب اعلان کرد .
ین اعلان باعث تولید حسد ابن سعود گشت و در نتیجه آن یك جنگ طولانی در بین هردو در گرفت . انگلیس
بتداء طرفدار شریف حسین بوده اقدامات شدید برعلیه ابن سعود نمود اما در ماه می ۱۹۱۹ قشون شریف حسین
رتحت سرکردگی عبدالله شکست خورد و در (۱۹۲۱) سعودی ها خیبر و بعضی مقامات دیگر را بدست آوردند
ر (۱۹۲۲) سرحدات و تصرفات شان تا عمان یمن وسعت یافت . بالاخره در ماه اکتوبر ۱۹۲٤ شهر مکه بدست
شان افتاد و در دسمبر (۱۹۲۵) ابن سعود داخل شهر مقدس گردیده در سال دیگر جده و مدینه را نیز تسخیر نمود
در ۸ جنوری (۱۹۲٦) ابن سعود اعلان شاهی نمود .

دول اروپائی میخواستند که عرب ما بین شیخ های خورد خورد عرب تقسیم بوده همیشه پاشان و پراگنده
شد مگر سلطان عبدالعزیز بن عبدالرحمن آل سعود تقریباً کل عرب را فتح و شیخهای متعدد را مغلوب کرده
رب را یك وحدت ملی بخشیده است .

ازچندی فیمابین ابن سعود و امام یحیی یمن مناقشه بوده حتی هردو پادشاه در اثر تحریکات خارجه به جنگ
اخل شده بودند لیکن در اوایل ماه جون سنه ۱۹۳٤ فیمابین آنها صلح منعقد شده است .

عربیهٔ سعودیه

مؤسس مملکت که از اقوام عربی مسلمان تشکیل شده ، سعود اول است که نوادهٔ او سعود دوم
بن عبدالعزیز وفات (۱۷٦۵) مذهب محمد ابن عبدالوهاب را که (در ۱۷۲۹ : ۱۷۸۷ زیست
ی نمود) قبول کرد و به این قسم ذریعهٔ نامبرده امام های مذهب وهابی که در اواسط قرن (۱۸) توسط
و تاسیس شده بود گردید .

پسر او موسوم به عبدالعزیز دوم ابن سعود و اخلاف او یك امپراطوری مرکزی عرب را تاسیس نمودند
مکهٔ معظمه را در سنه ۱۸۰۳ و مدینه منوره را در سنه ۱۸۰٦ فتح کردند تا آنکه عبدالله ابن مسعود بواسطهٔ
سکر محمد علی ، والی مصر مغلوب و بتاریخ ۱۷ دسمبر ۱۸۱۸ در استامبول محبوس گردید . حکومت نجد
ر از نو بواسطهٔ پسر عبدالله ابن مسعود موسوم به ترکی ابن مسعود و خلف او فیصل ابن مسعود تاسیس یافت .

به اثر اختلافاتیکه فیمابین پسران فیصل یعنی عبدالله سوم و سعود روی داد نجد مصر از نو استقلال خود
ا یافته طعمهٔ امیر ابن الرشید حمل الشمر گردید .
عبدالعزیز سوم درسنه (۱۹۰۱) الریاض را فتح کرده ، حکومت وهابیون را در نجد دوباره برقرار نمود .
لی پنج مقامات ذیل را نیز فتح کرد - (الحسا) ۱۹۱۳ (عسیر علیا) ۱۹۱۰ (امیری جبل شمر) ۱۹۲۱ (حبه)

برتخت جلوس نمود. مسقط مرکز عمان است. وخارج از عرب در بلوچستان بندر گوادر وحوالی آن به امامت عمان تعلقدارد.

فلسطین

فلسطین در ساحل مشرق بحر روم و بدروازه های عرب ومصر و به منتهای قطعاتی واقع است که از آسیای صغیر امتداد یافته به جنوب منتهی می شود، بطوریکه اقوام یهودی تاریخ فلسطین را می سازد مستند واقعات تاریخی این مملکت شمرده می شود، بلکه یهودیها یك جزء درتاریخ آن شامل میباشد.

از آثاریکه معلوم میشود فلسطین هم ادوار سنگی وفلزی را طی نموده است ولی نمی توانیم صحیحاً تعیین نمائیم که سامی ها درکدام زمان فلسطین را تصرف نمودند، علی ایحال در آخر قرون سه هزارم سال قبل از میلاد فلسطین با تمدن مصر، بابل، کریت وغیره شرکت دارد.

و تا زمانهای درازی در فلسطین طوایف الملوکی بوده حتی شاهان مصر در سنه ۱۷۰۰ ق، م تعرضات خود را درآنجا شروع میکنند و شاهان فلسطین با حمله آوران خارج با سیاست مخصوصی پیش آمده یعنی گاهی بهمراه یکی وگاهی بادیگری اتحاد مینمایند، بالاخره سنی اول (۱۳۲۱ ق م) شاه مصر ازخاندان نزدهم به فلسطین حمله آورد، و مملکت مصر راجع به قبض فلسطین با هیتی ها قتل وقتال می نمود، درآخر رامسس دوم (شاه مصر از ۱۳۰۰ ـ ۱۱۶۹ ق م) چون در فلسطین انقلاب برپا می شود مشارالیه فلسطین و یکقسمت سیریا را فتح می کند

درین زمان یکدشمن قوی از طرف جنوب مشرق برای فلسطین نمودار می شود، و فلسطین مابین حمله آوران متخاصم (مصر) و آثوریها، هیتی ها و متانی ها وغیره، سخت زیر فشار گرفتار شده تا قرنها مورد ظلم و جور آنها می شود

بعد ازین ما در زمانهٔ یهود داخل می شویم، درزمانیکه هیچ سلطنت خارجی قوی نبود اسرائیل ها بروز نموده فیمابین همجواران خود تفوق و برتری جستند، باید دانست که ابراهیم علیه السلام جد امجد بنی اسمعیل، وبنی اسرائیل قریب سنه ۱۹۲۱ ق، م در شهر (عراق عرب) نزدیك بابل تبلیغ توحید را شروع نمودند، یعقوب علیه السلام نواسهٔ ابراهیم خلیل(ع) در فلسطین سکونت پذیرفتند، و اسرائیلی ها اولاد یعقوب علیه السلام (که نام دیگر شان حضرت اسرائیل است) در اوایل قرن دوازدهم قبل المیلاد با حضرت موسی (ع)، و قوم شان در فلسطین رسیدند ـ قریب (۱۰۰۰) سال قبل ازمیلاد و حضرت سلیمان علیه السلام بالاخره درآنجا بسلطنت رسیدند، وبعد از آن فلسطین در دوحصه منقسم گشت یعنی جودح و اسرائیل، جودح درجنوب، اسرائیل در شمال واین هردو قتل وقتال داشته بنوبت بالای یکدیگر غلبه حاصل می کردند.

وقتیکه دول همجوار دوباره قوت حاصل کردند آنها در صحنهٔ فلسطین می درآیند، چنانچه شیشك شاه مصردر سنه ۹۳۰ ق،م به فلسطین هجوم آورد، ودرین اوان سلطنت آثوری بطرف مغرب تعرضات را شروع کرده رقیب های مصر، اسیای صغیر وفنیقی ها وعمان وغیره گردید.

تحت حکم و بوآم دوم هادرشاه، یهود، قوهٔ اسرائیل ها بعد از تغیر و تبدیل زیاد با قرود و سلطنت اسرائیلی تا به دمشق وسعت پذیرفت. بعد از وفاتش نفاق و شقاق تولید و قوت اسرائیلی مضمحل گردید. اما قسمت دیگر یعنی در جودح یك پاشاهیت قوی بوجود آمد. ولی فلسطین مابین دو سلطنت قوی یعنی مصر وآثور واقع شده همیشه زیر فشار بود، چنانچه سارگون دوم از سازشهای بنی اسرائیل بهمراه مصر

به تنگ آمده در سنه ۷۲۱ ق ۰م یهودیها را به میدیا فرار نمود ۰ و وقتیکه سلطنت آثوری خراب و سلطنت بابل برپا گردید بخت نصر دوم از شاوت یهودها بقهر آمده فلسطین را خراب و عدهٔ زیاد یهود را ، نمود و عدهٔ زیاد را به بابل آورد (۵۸۰) ق ۰م زیرا که خودیح مصر را بحال سابق صاحب قوت اقتدار دیده خلاف بابل بغاوت برپا کرده بود .

بعد سلطنت هخامنشی تاسیس ۰ و موسس آن کوروش کبیر بابل را در سنه ۵۵۹ ق ۰م مفتوح یهودیهای بابل را پس به فلسطین فرستاد .

در دوران سلطنت هخامنشی های فارسی فلسطین بغاوت نموده بود مگر بزودی فرونشانده شد . در ۳۳۲ ق ۰م سکندر یونانی از فلسطین گذشته مصر را فتح کرد سکندر با یهودیها هیچ غرضی نگرفت و آ را بحال خود شان باقی گذاشت ۰ سکندر ۱۳ جون سنه ۳۲۳ ق ۰م مرد و سلطنت او فیمابین جرنیلهـ او منقسم گردید ۰ یکی از جنرال های هشیار او موسوم به بتولمی مصر و فلسطین را گرف بتولمی به ثالث سیلوکس نکاتور جرنیل دیگر سکندر یعنی آنتی گونوس را در مقام (غازه) (۳۱۲) ق هزیمت داد .

سیلوکس نکاتور پایتخت خود را در انطاکیه قرار داد

انتیاکس (سوم) کبیر از سلالهٔ سیلوکس فلسطین را از خاندان بتولمی در سنه ۱۹۸ ق ۰م بستانید اهالی شهر غازه خلاف حمله آوران مدافعهٔ شدیدی نموده ولی بالاخره مفتوح گردید .

درعهد خاندان سیلوکس چون یکی از شاهان بر علیه یهود فلسطین مداخلت بیجای دینی نموده یهودها تحت لوای جودا ار بغاوت نموده عسکر سیلوکسی‌ها را شکست دادند حتی پادشاه سیلوکس آنها آزادی مذهبی داد

نزدیک (۷۰) ق ۰م فلسطین تحت نفوذ روما در آمد . اما چون یهودها قرار نمی نشستند ، رومیها آ را سخت سرزنش دادند و مرارشان نمودند ، بعد از آن در همین سر زمین حضرت عیسی علیه السلام پیدا می شو بغاوت آخری یهود در سنه ۱۳۵ بوقوع پیوست و رومیها یهود را بطوری سزای سخت داد که بار دیگر سر خود را بالا کرده نتوانستند و فلسطین زیر ادارهٔ حکومت روم دوام نمود .

سلطنت روم در سنه ۳۹۵ میلادی بدو حصه تقسیم شده ۰ فلسطین شهنشاهیت مشرق مربوط شد درین اوا گاه گاهی یهودیها زیر فشار آمده بقتل می رسیدند ، باز هم در فلسطین یک امت حکمفرما بوده که دفعتاً در ۶۱۱ میلادی خسرو دوم شاه ایران ، فلسطین را از شهنشاهی رومای مشرق تصرف نموده ، فلسطین را خراب کرد .

اما در سنه ۶۲۸ هرقل بار دیگر فلسطین را از شاه ایران بگرفت لیکن اقتدار او دوام نکرد چرا مسلمانان عرب در صفحهٔ تاریخ فلسطین نمودار شدند یروشلیم در وقت حضرت عمر (رض) مفتوح گردید لشکر عمر بن عاص(رض) بطرف مصر از همین مملکت گذشت ، در عهد خلفای راشدین ما تحت اسلام بود در ۶۶۱ حضرت معاویه (رض) دارالخلافه را بدمشق نقل داد

در سنه ۶۸۴ میلادی خلیفه عبدالملک قبة الصخره را در یروشلیم تعمیر نمود و این عمارت یکی ازمقبول عمارات دنیا می باشد در سنه ۷۵۰ خلافت بنی امیه محو و بنی عباسیه دارالخلافه را ببغداد نقل دادند ، قر قریب سنه ۹۲۹ بفلسطین خسارهٔ زیاد رسانیدند درسنه ۹۳۶ میلادی مصر بغاوت نموده آزاد گشت و
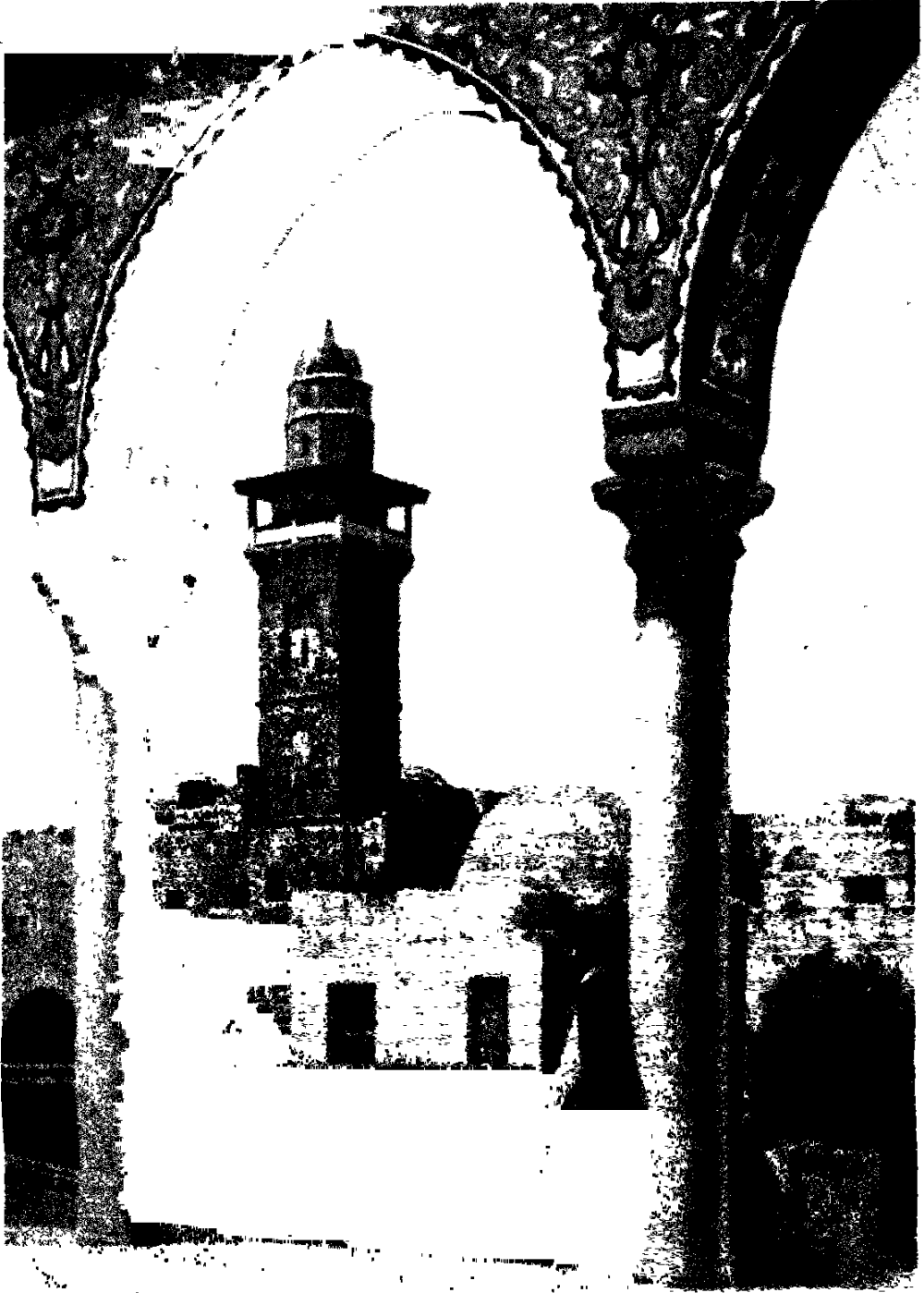
مسجد قبة الصخره در بیت المقدس

عباسی‌ها و فاطمی‌ها (خلفای مصر) تا سنه ۱۰۷۲ میلادی مخاصمت وقتل وقتال دوام نمود. درین سنه ترکمانهای سلجوق ازخراسان خروج نموده بفلسطین حمله آورده یروشلیم ودمشق را اشغال نموده بطرف مصر پیشرفت نمودند، اما مصریها آنهارا شکست داده شهرهای شام را گرفتند.

باید دانست که یروشلیم پایتخت فلسطین برای مسلمانان، یهود و نصاری مقامی است مقدس و هرسه ملت قبضی آنرا حق خود میدانند اما در فلسطین نفوس مسلمان زیاد وآنها درحفاظت آن خون زیاد را ریختانده اند، چون نصاری هم آنرا مولد حضرت (ع) دانسته مقدس می شمارند لهذا از سنه ۱۰۹٦ میلادی جنگهای صلیبی شروع شد نصاری یورپ از مواعظ جوش آوریا دریهای خود خیلی متأثر ومهیج شده دفعهٔ اول (۰۰ هزار-٦۰) نفراز یورپ بغرض گرفتن فلسطین روانه شدند لیکن صرف (٤۰۰۰۰) نفر به یروشلیم رسیده آنرا از جهتی قبض نموده توانستند که مسلما را نفاق وشقاق وخانه جنگی‌ها کم زور ساخته بود. این واقعه درماه جولائی سنه ۱۰۹۹ بزور نمود، وظلمهای نصاری درفلسطین دردل مسلمانان ویهود آن دیار نفوذ نموده عداوت شدید نصارا را پیدا کرد. این تصرف تا ۸۸ سال دوام نمود.

جنگ دوم صلیبی را شاهان فرانس وجرمنی درسنه ۱۱٤۷ بپا نموده ظلم و وحشت های زیاد را نشان دادند، اما خلاف نورالدین زنگی سلطان شام شمالی کامیاب شده نتوانستند، بعد از وفاتش صلاح‌الدین کبیر ایوبی بطور محافظ ومربی اسلام درصحنهٔ تاریخ جلوه‌افروز می‌شود. درزمان نورالدین زنگی مصر را صلاح‌الدین بمعیت شیر کوه قوماندان عسکری سلطان مذکور فتح کرده بود، صلاح‌الدین کبیر فوراً باخراج فرنگی‌ها از فلسطین پرداخته شاه مسیحی یروشلیم را شکست داده اورا مجبور بصلح کرده لیکن نصاری معاهدهٔ صلح را شکستاندند، وصلاح‌الدین ایوبی فوراً لشکر کشی نموده شاه نصاری را شکست دوباره داده در سنه ۱۱۸۷ یروشلیم را گرفت.

جنگ صلیبی سوم درسنه ۱۱۸۹ که (یروشلم را پس قبض کنند) زیرقیادت فریدرك اول شاه جرمنی وشاه انگلستان رچرد بوقوع پیوست.

نصاری قرارمعمول وعادت شان درین جنگ هم بربریت خود را نشان داده مسلمانان غیرداخل‌مصاف را به قتل رسانیدند. عکه‌را بعد ازمحاصرهٔ سه سال گرفته باوجودیکه مسلمانان عکه را پناه داده بودند همه را به قتل رسانیدند، صلاح‌الدین غازی چنان مقاتله شدیدی نمود که لشکر مور وملخ نصارا خائب وخاسر ماندند.

صلاح‌الدین کبیر درسنه ۱۱۹۳ وفات نمود وجنگ صلیبی چهارم وپنجم سنه ۱۱۹۸ وسنه ۱۲۰٤ واقع شد درسنه ۱۲۱۲ پنجاه هزار دختر وبچه یورپی زیر تاثیر متخیلین مصر بطرف یوروشلیم روان شدند تا چیزی را بدست بیارند که آبا واجداد آنها به تحصیل آن موفق نشده بود این گروه هم کامیاب نشد چنانچه اکثریت آنها پس بوطان خود معاودت کرده نتوانستند، وغالباً دربحیرهٔ روم غرق گردیدند.

چهار جنگ صلیبی دیگر که تا به سنه ۱۲۷۲ بظهور رسید اهمیت خصوصی را دارا نبود، تنها در جنگ ٦ درسنه ۱۲۲۹ از طرف مسلمانان به فریدریك دوم جرمنی اجازه داده شد که دریوروشلیم تا ده سال حکومت نماید.

درین آوان مغلهای آسیای مرکزی نموداری‌شوند وآنها درسنه ۱۲۱۸ ایران را فتح کردند شاه دمشق درسنه ۱۲۲۸ ازآنها امداد طلبید مگر آنها درسنه ۱۲٤۰ با سلطان مصر متحد گردیده شام شمالی را تاراج کردند بالاخره از شمال شکست خورده یوروشلیم را قبض واهالی را قتل عام و فلسطین را خراب کردند. مصریها همراه آنها شریك شده نصاری ومسلمانان شام را نزدیك غازه شکست دادند بنا بر

مخاصمت مصر بهـا این مغلها مجبور به عقب نشینی شدند وفلسطین در تسلط سلاطین مملوك مصر درآمد چندی بعد هجوم دیگر مردم وحشی تاتار بوقوع پیوست ، واین مغلهای چنگیزخانی زیر قیادت هلاکوخان بغداد را درسنه ۱۲۵۸ فتح کرده ، آن را کاملاً تباه نمود، ودرسنه ۱۲۶۰ بدمشق حمله آورده وآن را اشغال نموده ، شام را تاراج وغارت کرد، باز بطرف مصر تعرض نمودند مگر بیبرس جنرال سلطان مملوك مصر آنها را چنان هزیمت فاحش داد که مغلها فلسطین وشامات را گذاشته فرار نمودند بالاخره سلاطین مملوك در سنه ۱۲۹۱ اثر باقیماندهٔ حکومت فرنگی ها را ازفلسطین محو و نابود کردند — درسنه ۱۴۰۰ تیمور لنگ به فلسطین حمله برده نصارای فلسطین را مضمحل نمود.

درسنه ۱۵۱۶ فیمابین سلطان سلیم وحکمرانان مملوك مصر جنگ شده مملوکها هزیمت خوردند، و فلسطین دردایرهٔ حکمرانی سلاطین عثمانیه ترکی درآمد سلیمان کبیر در سنه ۱۵۳۷ دیوارهای یورو شلیم را مکرراً تعمیر نمود ـ تاقرن نوزدهم چیزی قابل ملاحظه درآن واقع نشده، البته شیخ های محلی مزارعین را بسیار ایذا می رساندند — از ۱۵۹۵ الی ۱۶۳۴ یك شهزاده ادری فخرالدین بمخالفت ترکها سلطنت لبنانی را تاسیس نموده فلسطین شمالی را تاعکه بگرفت — بعد ازین اروپائی ها بطرف فلسطین متوجه شدند، وچیزی را که بجنگ گرفته نتوانستند بطریقی دیگر پرداختند چنانچه سوداگران فرانسوی درسنه ۱۷۹۱ فابریکه ها ودفتر ها راقائم کردند — نپولین درسنه ۱۷۹۵ بعد ازفتح مصر به فلسطین رسید تا پروگرام حاکمیت شام وشرق قریب را بواسطهٔ تحریص فلسطینی ها خلاف ترکها مکمل نماید — در اول مرحله فوج بی قاعدهٔ عرب وترکها را شکست داده وتاده هزاربندی مسلمانان را بقتل رسانید وقتیکه فوج معظم ترکان به عکه رسیدند نپولین شکست خورده بطرف مصر عودت نمود ـ بعدازسنه ۱۸۴۰ ترکان عثمانی استیلای خودرا بالای فلسطین قوی تر نمودند ـ درسنه ۱۸۴۷ دربین نصاری وفلسطین خصومت روی داد کلیسای یونانی وروسی کاتولیك مجادله داشتند که جای پیدایش حضرت عیسی (ع) به ستارهٔ نشان کند وکدام یکی ازمذهبین حق نشان کردن را دارد ـ چنانچه یکی ازعلل بزرگ جنگ کریمیا (جنگ مابین ترکیه وروس) همین مسئله بود.

درچهل سال آخری قرن نزدهم فرانسوی ها ، روسی ها ، جرمنی ها ، امریکائی ها وغیره درفلسطین آمده آباد شده بانکها وهیئت های تبلیغیه بنا کرده رفتند ـ درسنه ۱۸۹۶ یورپ تجویز نموده که یهودیهارا درفلسطین جای بدهند ـ بالاخره ترکان ازین اقدامات اروپائی خوف نمودند ودرسنه ۱۹۰۶ به حدبندی علاقه سیستائی مصرمابین ترکان وبرطانیه منافشه پدید آمد . قبل ازحرب عمومی درفلسطین اروپائی ها بنام بانکداران، خدام بشر، مبلغین وسوداگران ومدرسین وغیره درآمده بودند ، ویهودیها هم به تعداد زیاد آمده توطن گزیدند ـ گویا احساب خلق رواد شد ، ترکها وعرب های فلسطین وکل عالم اسلام حس کردند که فلسطین هم مثل مصر تحت تسلط انگلیس ویاکدام دولت اروپائی دیگر خواهد درآمد .

جنگ عمومی درسنه ۱۹۱۴ شروع شد ، وترکان نیز باجرمنی اتحاد نموده خلاف انگلیس اعلان جنگ دادند ، امابعد ازشکست جرمنی وترکیه اتحادیون یعنی انگلیس وفرانسه وغیره ، شام وفلسطین وعراق عرب را بین خود تقسیم کردند ، وفلسطین درسهم انگلیس درآمد .

فلسطین به ۱۱ دسمبر سنه ۱۹۱۷ بهانگلیس ها تعلق گرفت ، ازآن روز تااین زمان قرار دعوت برطانیه یهودی‌ها ازهرقطعه مهاجرت نموده به فلسطین میروند .

فیلپائن

مجمع الجزائر فیلپائن درجنوب بحیرهٔ چین وجنوب مغرب آسیا واقع است و از ۷۰۸۳ جزائر بزرگ وکوچک قطعهٔ تشکیل و بنام فلیپ شاه هسپانیا موسوم گردیده است ، میگیلن اولین ملاحیست که بدورکرهٔ ارض مسافرت نموده ودرین جزائر رسیده بنام پادشاه خود فلیپ دوم آنها را فیلپائن نامیده است .

پیش از قرن دهم مسیحی اطلاعات تاریخی راجع باین جزائر در دست نیست ولی از قرائن چنان معلوم میشود که اهالی هند ازراه جاوا بمقصد چین و ازآنجا وارد این جزائرگردیده اند چنانچه رسم الخط قدیم وعدهٔ الفاظ لسان بومی که ازبان سنسکرت ماخوذ است درکتب چینی شاهد این مدعاست و شرحی از مسافرتهای تجار بحری چین درقرن دهم ومابعد آن بدین جزائر ، ذکریافته واحتمال میرود که روابط تجارتی چین مدتی پیش ازان بر قرار بوده است ، دین مبین اسلام بوا سطه تجار جاوا وسوماترا وبورنیو ودیگر جزائر مخصوصاً این جزائر رواج وتعمیم یافته ، چنانچه تاکنون باوجود مزاحم شدید حکومت هسپانوی اکثر اهالی جزائر جنوبی مسلمان می باشند .

بتاریخ ۱٦ مارچ ۱۵۲۱ اولین مرتبه فردیناند میگیلن هسپانوی بدین جزائر وارد شد و بعدازین تاریخ اهالی هسپانیه چهار بار دیگر بدین جزائر هجوم آوردند وبالاخره در سنه ۱۵٦۵ درین جزائر یك شهر را بنا نهاده و در سنه ۱۵۷۲ مانیلا را مرکز حکومت خود قرار دادند .

در سنه ۱۵۷٤ چینی ها تحت قیادت لیماهونگ بر مانیلا هجوم آورده ولی بمراجعت مجبور شدند خلاصه تا سنه ۱٦۰۰ اهالی هسپانیه تمام جزائر فلپائن ماسوای (جزائر جنوبی یعنی مندانائو وسولا وپاواوان) را در تحت تصرف خود آوردند

چون اهالی هسپانیه مسلمانها را درموطن خود بنام مورو یاموری نامیدند بنا بران مسلمین فلیپائن راهم به همین نام موسوم نمودند جنگهای ایشان بمسلمین تا سنه ۱۸۵۰ دوام داشت که در آن سال آخرین قلعه های جولو را تسخیر نمودند ولی آنها بر ذات خود برقرار ماندند ، حکومت داخلی جزائر جنوبی اسلامی تا حال برؤسای محلی تعلق دارد ودر دیگر جزائر کیش مسیحی رومن کاتولیك ترویج یافت .

در سنه ۱۷٦۲ جهازات جنگی برطانوی بر مانیلا هجوم آورده اهل هسپانیه را شکست دادند ولی یك سال بعد از ان تحت اثر شرایط صلح نامه پاریس دوباره شهر مذکور رابه هسپانوی ها تسلیم نمودند .

از سنه ۱۸۷۲ اهالی فلیپائن برای استقلال خود کوشان بوده‌اند درابتدای سنه ۱۸۹۸ در حالیکه درجزائر مذکوراختلال داخلی جاری بود حکومت هسپانیه یك جهاز امریکائی را دربندرمانیلا آتش زد وجماهیر متحدهٔ امریکه برعلیه هسپانیه اعلان حرب نموده درنتیجه قوای هسپانوی رامغلوب وجزائر فلیپائن را متصرف شد .

درین اواخر حکومت امریکا معاهدهٔ راامضا نمود است که بعد از یازده سال برای فلیپائن آزادی نامه داده خواهد شد

قلات (بلوچستان)

خانی قلات بجنوب افغانستان واقع و مساحهٔ آن ۱٤۹٫۳٦۰ مربع کیلومتر است ، نفوس آن ۳۲۸٫۲۸۱ نفر وعموماً مسلمان سنی واز اقوام بلوچ و براهوی میباشند .

قبلاً خانی قلات نیم مستقل وتحت حمایهٔ افغانستان بود . تاریخ ما قبل آن در تاریخ بلوچستان ذکر شده .

در سنه ۱۸۷۹ قرار مقررات معاهدهٔ گندمك امیر محمد یعقوبخان آنرا به تحت الحمایگی انگلیس گذاشت .

بعد ازان اراضی اقوام مری و بوگتی از خانی قلات مجزا گشت ، کویته و بولان ، توشکی و نصیر آباد نیز بطور اجاره در عوض ۲۸۱٫۰۰۰ کلدار سالیانه بانگلیس داده شده ومستقیماً از طرف حکومت هند برطانوی اداره می شود .

بقیه علاقه جات اراضی خانی قلات بر چهار حصه منقسم است : یکحصه تعلق به اهالی بوی داشته که مستقلاً ازان استفاده نموده هیچگونه مالیاتی به خان نمیپردازند . حصهٔ دیگری تعلق به خان دارد اهالی مطابق مقررات موضوعه مالیاتی بخان میپردازند . حصهٔ سوم نوابی خاران که بسرحد ایران واقع و از خانوادهٔ نوشیروانی بوده تحت حمایهٔ خان قلات است . حصهٔ چهارم ریاست (لس بیلا) است که سلطان محمود غزنوی آنرا فتح و عمارات عظیم و قشنگی دران بنا نموده بود ، رئیس (لس‌بیلا) تحت حمایهٔ خان قلات‌است . وعایدات سالیانه‌لس‌بیلا ۳۵٦٫۰۰۰ کلدار است و تعلق به رئیس لس بیلا دارد ، رئیس مذکور از دودمان عبد مناف وقریشی است . رئیس (جام) لقب ، و میر غلام محمد اسم دارد .

خان قلات میر محمد اکرم خان از قوم بروهی است و ملقب به نواب بیگلر بیگی می باشد .

کشمیر

یك ریاست بومی هندوستان و درشمال مغرب هندواقع بوده مساحهٔ آن ۲۱۸٫۲۱۹ مربع کیلومتر و نفوس آن تخمیناً ۳٫٦٦۹٫۰٦۵ نفر است که محصلهٔ آنها ۹٦ فیصد مسلمان میباشد .

درزمانهٔ قدیم آریه‌های افغانستان از بلخ حرکت کرده وبعلاقه کشمیر رسیده بومیان را مغلوب نموده بودند نام سنسکرتی مملکت کاسمیر بود ، در مهابهارت دوقوم کشمر یعنی کسمیره ودراوانها رانژادکشتری هند شمال شمارکرده اند دروقت سکندرمقدونی درکشمررا جای قوی بوده که بهسکندر راطها را اطاعت نکرده بود بالاخره چیزی تحایف به سکندرفرستاد . بعدا زرفتن سکندردرهندوستان چندرگپتای موریا تاسیس خاندان موریارا نهاده کشمررافتح کرد تخمیناً از ۳۱٦ تا ۱۸٤ ق ، م کشمر تحت حکرانی خاندان‌موریا بوده ـ راجه اشوك نواسهٔ چندرگپتادین‌بودائیت رادرین دیار رواج داداما بعد از وفاتش بودائیت روبه زوال نهادو برهمنیت باردیگرتفوق حاصل نمود کوشانشاهان افغانستان (یعنی هوویشکا ، جوشکا وکانشکا) کشمر را فتح کردند ودر عهد کانشکای‌کبیر بحکم شاه مذکور بنقصد عالم دین بودائیت درکشمر مجلسی منعقد کرده راجع بمذهب بودائی ۳ کتاب در زبان سنسکرت تدوین نمودند که بنام « ارابه بزرگتر قانون » موسوم شد بعدازسقوط کوشانشاهی بر همنیت باز زنده شده و بدوران قرن پنجم میلادی‌چندین معابد هنود در کشمیر تعمیر یافت و چندین زائرین چینی در حدود قرنهای ششم و هفتم ازکشمیرگذشتند ، هیون‌تسانگ دو سال درکشمیر (٦۳۱ـ٦۳۳) اقامت کرد ، درین زمان در کشمیر طوائف‌الملوکی بوده درقرن هشتم راجگان کشمر به شهنشاه چین باج می پرداختند .

در حدود سنه ۱۰۰٦ میلادی سنگرام راجهٔ کشمیر بود و تا سنه۱۲۹٤ راجگان هندو درکشمیر سلطنت می‌کردند حتی امیر شاه ملقب به شمس‌الدین تخت را از هندوها غصب نمود در سنه ۱٤۱۲ زین‌العابدین پادشاه کشمیر بود .

در اواخر قرن چهاردهم سکندر پادشاه کشمیر بوده به تبلیغ دین اسلام مساعی بلیغه نموده بود تیمورکورگانی درعهد همین پادشاه به هندوستان حمله آورده سکندر باو اطاعت نموده و باج داد .

یک جوی در درهٔ سرخکر
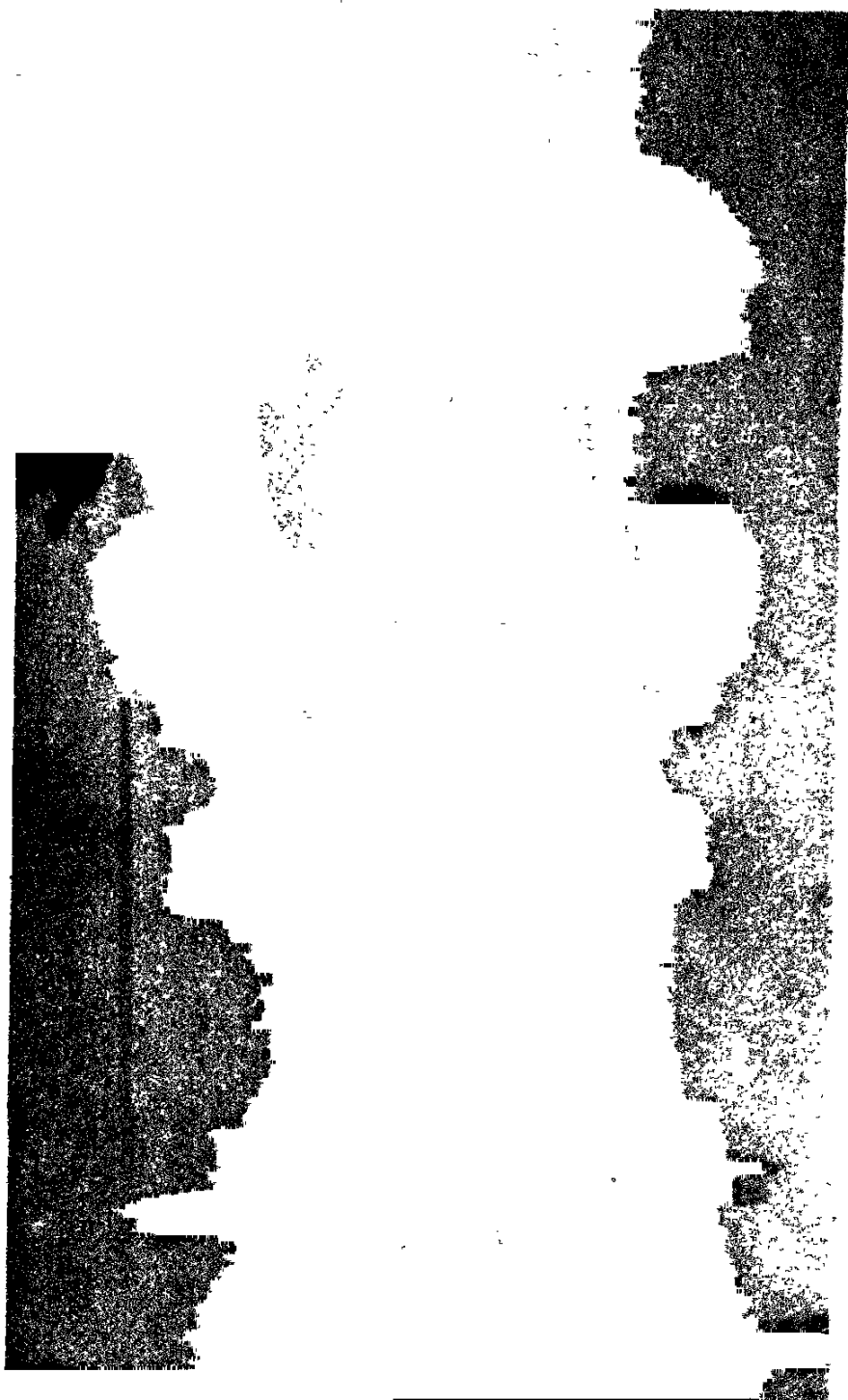
از شاهان مغولیه اکبر پادشاه، کشمیر را درسنه ۱۵۸۸ میلادی فتح کرد و علاقهٔ موزون و خوشنمای کشمیر تفرجگاه شاهان مغولیهٔ گردید و آنها عمارات و باغات جمیل درکشمیر ساختند.

درعهد عالمگیر ثانی شاه مغلیه هندوستان پادشاه افغانستان یعنی احمد شاه ابدالی حملهٔ سومین به هند آورده کشمیر را اشغال کرد وکشمیر یك ایالت افغانستان گردید، حتی رنجیت سنگهه درسنه ۱۶۱۹ آنرا تصرف نمود در وقت جنگ اول سکها و انگلیسها، ازطرف سکها شیخ امام الدین حاکم کشمیر بود رنجیت سنگ ایالت جمون را به گلاب سنگهه را جبوت دوگره تفویض نموده بود وهمین گلاب سنگهه بعد از شکست سکها در جنگ سراؤن (۱۸٤٦) میلادی شرائط صلح را فیمابین انگلیسها وسکها منعقد نمود انگلیسها یکنیم ملیون پوند استرلنگ بطور تاوان جنگ خواستند، چون دلیپ سنگهه راجه پنجاب اینقدر رقم کزاف را ادا کرده نمیتوانست، علاقه کشمیر وهزاره را به انگلیسها تسلیم نمود اما گلاب سنگهه رقم مذکوررا پرداخت وانگلیسها اورا حکمران کشمیر شناختند، گلاب سنگهه حصص باقی ماندهٔ کشمیر را فتح کرده درحدود سلطنت خود الحاق نمود. بعد ازمرگ او (۱۸۵۷) میلادی پسرش زبیر سنگ جانشین او شد. حکمران دیگر مهاراجه پرتاب سنگهه بود، مهاراجه امروزی سرهری سنگهه درسنه ۱۹۲۵ به تخت کشمیر متمکن گردیده است.

کوریا

کوریا عبارت است از یك جزیره نما و ۲۰۰ جزیره های خورد بطرف مشرق مانچوریا. مساحهٔ کل مملکت ۲۲۰٫۷٤۱ مربع کیلومتر ونفوس آن ۲۱٫۰۵۸٫۳۰۵ نفر میباشد — اکثریت مردم درپیشهٔ زراعت شغل دارند، مرکز حکومت شیول است.

بصحت هنوز معلوم نشده که کوریائی ها بکدام نژاد تعلق دارند اما از روی سیما غالباً از نژاد مغلی زرد پوست می باشد، ازتحریرات چینی ها وکوریائی منکشف می شود که اولین پادشا کوریا (دانکون) درحدود ۲۳۳۳ ق،م سلطنت میکرد، پای تخت او (حی ریونك) نام داشت ودرجزائر کانگ وهه معابد تعمیر نمود خاندان این پادشاه تا ۱۰٤۸ دوام وسلطنت کرد.

روایات چینی، وکوریائی مظهر است که: کی ـ تزی مصاحب ومشیر آخرین پاشاه سلاله سوم چینی بمعیت چندین هزار مهاجرین چینی درسنه ۱۱۲۲ ق،م بکوریا رسیده وکوریائی ها اورا پادشاه خود قبول کردند، این پادشاه مصلح معاشرت کوریائی را اصلاح وسرحد کوریا را با امن وفوج منظم درآن مقرر کرد وقانون درست را رواج داد، وکوریا را بنام چاوهسئین موسوم نمود، اخلاف این پادشاه تاقرن چهار ق،م سلطنت کردند، وبعد ازآن خانه جنگی برپا شده ولی هجومات اجانب آنهارابطرف اتحاد واتفاق متوجه ساخت. باوجود خانه جنگی ها کوریا درعلم وعرفان ترقی کرده، ودرقرن چهارم میلادی کوریا مرکز تربیهٔ علمی بوده بودائیت وادبیات وعلم اخلاق چینی را بهمراه رسم الخط چینی بطرف جاپان نشئت واشاعت داد. درسنه ۹۱۳ میلادی وانك مؤسس خانه جنگی ها را رفع کوریا را متحد ودریك حکومت منسلك نموده آنرا بنام کوری موسوم کرد وسونگ دو ـ را پای تخت قرارداده، بودائیت رادین حکومت تجویز کرد.

درقرن یازدهم قوم تنگوسی علاقه مغرب دریای یامورا منقرض نمودند. دروقت استیلای چنگیز خان، وقوبلی خان کوریا هم مورد حملات آنها شده خسارات بزرگی را متحمل شده بود لی تیجو ویا لیتان سلاله وانگ را درسنه ۱۳۹۲ برانداخته برتخت کوریا متمکن گردید. لیتان به اولین شهنشاه مینگ

چین اظهار اطاعت و انقیاد نموده و شهنشاه مذکور به او لقب « شاه » داده جنتری و تاریخ چین را نیز به او فرستاده و ارسال این چیزها در حقیقت علامه ایست که مرسل الیه مطیع و تابع او است ، لی تیجو کوریا را چاوهنین نامیده سیول را پایتخت خود قرار داده ، ودستورالعمل اداری را انفاذ داد وآن تا سنه ۱۸۹۵ جیری تعدیلات رواج داشت اصلاحات جدی را اجرا و بودائیت را الغا نمود ، وچنان قرار داد که اشخاص بشرطی مامور حکومت شده می‌توانند که در ادبیات چین کامیاب شوند ، نیز کامیو [illegible] قربانیهای آدم و زنده بگور کردن آدم پیر را موقوف نمود .

شهنشاهان [illegible] در اداره و انتظام و امنیت مملکت تساهل ورزیدند . لهذا قزاقان بحری جاپان [illegible] در سنه ۱۵۹۲ هائیدی یوشی (نائب السلطنه بزرگ جاپان) (۳۰۰) هزار عسکر [illegible] کوریا مامور ساخت ، چینی ها عسکر بامداد کوریا فرستادند [illegible] جنگ‌های بزرگ و خونریزی بین آنها دوام داشته ، جاپانیها سیول و شهرهای مهم [illegible] را اشغال [illegible] این جنگها باعث خسارات کلی کوریا گردید .

بعد از هائیدی یوشی [illegible] خواسته شد مگر جاپانیها باج گراف از کوریا [illegible] ۱۷۹۰ میلادی [illegible] بعد از آن کوریا جدا افتاده و دول اروپا [illegible] عیسویت را شروع کردند ، لیکن کوریائیها مبلغین فرانسوی و امریکائی را بقتل رسانیدند [illegible] در سنوات ۱۸۶۶ الی ۱۸۷۱ میلادی بعضی حصص کوریا حمله برده خسارات [illegible] بدست آورده نتوانستند . روسیها در سنه ۱۸۶۰ [illegible] را متصرف خود آوردند . چون در کوریا قحط شدید واقع [illegible] به ممالک روس هجرت نمودند ، حکومت روس [illegible] در سنه ۱۸۷۶ جاپان برضای چین همراه کوریا معاهده نمود که فوسان [illegible] برای جاپان باز شد ، [illegible] ممالک امریکه ، جرمنی ، برطانیه ، رملی ، روس معاهدات تجارتی [illegible] در سنه ۱۸۸٤ سیول برای اقامت اجانب باز شد و اجنبی ها در [illegible] اگرچه تا آن زمان موقعیت و امپراطوری چین تسلیم می شد ولی کوریا [illegible] استقلال و آزادی [illegible] در سال ۱۸۹۷ و ۱۸۹۹ تحت فشار دیپلوماتیکی یک عده بندرگاه ها برای تجارت و اقامت [illegible] شد .

لی ودین [illegible] در حدود سنه ۱۸۸۲ ـ سنه ۱۸۹٤ سازشی نموده تا به پادشاهی کوریا فایز شود در [illegible] جاپانیها [illegible] امداد عسکر چین ـ لی ودین ـ کول را بطرف تلست شین [illegible] در سنه [illegible] شده و پادشاه کوریا از چین امداد فوجی خواست چین قرار معاهده به جاپان اطلاعیه روان کرده (۲۰۰۰) سپاهی بکوریا فرستاد جاپان چندی بعد (۱۲۰۰۰) سپاهی بکوریا وارد کرده بعض اصلاحات را پیشنهاد کرد چین جواب داد که باید کوریا کوائف داخلی را خودش [illegible] و جاپان باید پیش از مقاوله افواج خود را خارج کند ـ جاپان این تجویز را رد و حمله کرده ارگ شاهی را اشغال نمود سپس فیمابین جاپان و چین محاربه مشتعل شده کوریا میدان حرب طرفین گردید ـ بالاخره شاه کوریا امپراطوری چین را رد و اطاعت جاپان را قبول نمود ـ حکومت جاپان اصلاحات مفیده را در هر شعبه حکومت داخل و دائر نموده تا ۱۸ ماه حکومت بصورت درست دوام می نمود که لی ودین ـ کول بامداد فوج جاپانی به سیول حمله کرده ملکه را کشت و پادشاه کوریا بسفارت روسیه پناه جست بعد از آن نفوذ و رسوخ جاپان رو به تنزل نهاد و جمله اصلاحات لغو شد ، و حکومت روسی ترتیب و ادارهٔ مالیه کوریا را خراب ساخت و پادشاه کوریا لقب شهنشاه را اختیار کرده . تمام شعبات حکومت بی ربط و

متزلزل ودر تمام مملکت بدنامی و بدنظمی پیا گشت . وروسی ها به تزئید آن سعی می نمودند . جاپان این وضعیت را دیده، اندیشه نمود که کوریا را روس ، ویا یکی از دول اروپا اشغال میکند پس از راه جنگه درآمده در سنه ۱۹۰٤ روس را شکست داد ، و بواسطهٔ معاهدهٔ صلح معاملات خارجه کوریا تحت ادارهٔ جاپان درآورده شد ـ در سنه ۱۹۰۷ پادشاه کوریا به اتمای کابینه کوریائی درحق پسرخود خلع نمود .

جاپان در همین سال قرار دادی را به زور عسکر بالای کابینهٔ کوریائی قبولاند ، یکی از مواد مذکور این بود که؛ فوج مقیم کوریا منتشر کرده شود ، تاایران شورشی بپاشد وجاپان آن را بقوهٔ فوجی خود فرونشاند شهنشاه وکوریا به ۲۹ اگست ۱۹۱۰ تخت وتاج کوریا را برای جاپان واگذار شد . بعد ازین تاریخ کوریا راساً تحت ادارهٔ وتسلط جاپان درامده وتاحال یك مستملکه مهمهٔ جاپان میباشد اما روح آزادی واستقلال کوریائی ها گم نشده ، چنانچه در سنه ۱۹۱۹ اهالی کوریا قریباً به‌تعداد (۲۰۰،۰۰۰) بغاوت غیر مسلح نموده اعلان آزادی خود را کردند ولی‌حکومت‌جاپان فوراً سرکردهٔ آنها را محبوس نمود ، واین بغاوت فرونشت .

ناگفته نماند که بودائیت از قرن دهم الی قرن چهاردهم فوقیت داشت اما بعد ازان دین کانفیوشی رواج یافت وحال هم همین دین ، دین عمومی کوریائی ها میباشد ، آنها پرستش آبا واجداد را نیز ملحوظ دارند ، علاوتاً به شیاطین موهومی نذر ونیاز میدهند تا آنها بقهر وغضب نشوند ـ نصارای یورپ سعی بلیغ در تبلیغ دین مسیحی دارند چنانچه درین اوان ۲۵۰ هیئت مبلغین پروتستانت و ٦۰ هیئت از رومن کاتولیك درکوریا شفاخانه ها ویتیم خانه ها ومکاتب ابتدائی وعالی را تاسیس وانجیل را در زبان کوریائی ترجمه نموده مصروف تبلیغ واشاعت دین مسیحی میباشند

مانچوریا

مانچوریا مملکتی است واقع به شمال مشرق چین خاص و دارای ۳۸۲،۰۰۰ مربع کیلومتر مساحت و نفوس آن عبارت از . . نفر است .

خاك مانچوریا در تاریخ چین از زمانه های بسیار قدیم تاریخ و حصهٔ مهمی را دارست در ازمنهٔ سابقه رئیسهای متعدد هتولی از خاندان خود برای قسمت مانچوریای جنوبی قاس و حکمران بودند ووقتاً فوقتاً خاندانهای قوی ترجیح بر حصص مذکوره دست تعدی دراز میکردند . در قرن دهم میلادی ازین قوم خاندانی موسوم به لیاؤ زمام ریاست را در دست گرفت وآنها نه فقط برقسمت مانچوریا حکومت میکردند ، بلکه قطعات مکولیا وچهلی را نیز در تصرف خود آورده بودند .

درقرن دوازده قوم نوچی ختیانها را برانداخته دودمان کین را بر سر حکومت آورده بودند کین ها که شاخی ازقوم نوچی بودند چین شمالی را گرفتند ازان به بعد مغولها استیلا نموده نوچی‌ها را برانداختند ـ

درقرن شاردهم میلادی مانچوها (که پادشاه فعلی مملکت از همین خاندان است) تحت قیادت (نور هاچو) اقتدار و برتری حاصل کرده بقدری قوی گردیدند که بالاخره در قرن هفدهم میلادی تمام چین را فتح نمودند .

بعد از کشف امریکه دول مغربی بطرف شرق تمایل نمودند و دراکثر حصص مشرق زمین بسرعت پیش میرفتند ولی تهاجمات آنها را (کیانگ هسی) پادشاه آنوقتهٔ مانچوریا در چین معطل کرد .

در قرن نوردهم (۱۸۵۸) بواسطهٔ سؤ ادارهٔ داخلی چین روسیهٔ تزاری بر کل علاقه جات شمالی دریای آمو رقابض گشت ودر سنه ۱۸٦۰ علاقهٔ مشرق آسوری را گرفت و مقارن همین اوقات بعضی دیگر

شهر موکدن

دول مغربی سواحل چین دست یافته تجارتخانه ها بنا نمودند ولی هم امتیازات تجارتی وغیره از حکومت چین حاصل می برداشتند در سنه ۱۸۹۰ جاپان جزیره نمای (لیاؤتنگ) را قبضه نمود ولی دوباره جزیرهٔ مذکور بامداد روسیها به چین مسترد شد متعاقباً خود روسیها بندر آرتور را بیست و پنج ساله اجاره کردند و یکخط آهن از هاربن الی مکدن تمدید نمودند در سنه ۱۹۰۰ روسها قشونی در مانچوریا گسیل نمود تا نفاوت (بکسرها) را فرونشاندند و بعد ها با وجود احتجاج ها در کشیدن قشون خود مسامحه ورزیده ملکه در حدود مقبوضهٔ خویش به تعمیر استحکامات نیز پرداخت.

آخراً این پیشرفت روس در مانچوریا و چین حوصلهٔ جاپان را سرآورده به دولت روس اعلان جنگ داد و محاربهٔ مشهور روس و جاپان بعمل آمد و روسها در آن محاربه مغلوب گردیدند و جاپان بواسطهٔ معاهده پورتسمت مقبوضات روسیه را متصرف گردیده و در علاقهٔ مانچوریا نفوذ زیادی پیدا کرد.

در سنه ۱۷۷٦ شاهان مانچو برای اهالی چین اجازه داده بودند که بعلاقهٔ مکتین ایالت جنوب مانچوریا هجرت کرده آباد شوند و در آخر قرن نوزدهم مجبوراً اجازهٔ اقامت علاقه (کی این) را نیز باهالی چین دادند و عدهٔ زیادی از دهاقین چین شمالی در زمین های لامزروع مانچوریا رفته آباد شدند و در اختتام همین قرن قرار احصائیه تعداد نفوس مانچوریا به چهارده ملیون نفر می رسید که نود و صد هشتاد آن چینی بودند لهذا از مهاجرین چینی و مانچوریهای قدیم اختلاط مهم اسلی شده صرف نفوس خالص مانچوها در علاقهٔ ایکون حصهٔ شمالی مانچوریا باقیماند.

در سال ۱۹۳۳ نظر به تشویق جاپانیها که به مرور چند سال به تعداد مهاجرین چینی افزوده بود احصائیه نفوس مانچوریا به ۲۷ ملیون میرسید که از آن جمله نود فیصد چینی بودند و تا به (۲۵۰،۰۰۰) نفر نفوس جاپانی نیز در آنجا اقامت گزین گردیدند از پس به بعد بواسطه کثرت نفوس خارجی رخنه در استقلال سیاسی مانچوریا پیدا شده وضعیت یك علاقه سرحدی را بین حکومت چین و جاپان پیدا کرده دول خارجه مخصوصاً روس و جاپان بنظر حرص بطرف آن ملاحظه میکردند.

در اواخر همین قرن یعنی قرن ۱۹ دولت چین خیلی کمزور شد و خانه جنگیها در آن سرزمین قائم گردید جاپان موقع را غنیمت شمرده بنام حفظ امنیت مانچوریا و خط آهن خود که بقدر هشصد میل در آنجا دارد یکمقدار قشون زیاد را وارد مانچوریا نمود و به تسلط او خیلی افزوده از معادن و زراعت آنجا کار میگرفت مخصوصاً بقرار معاهده پورتسمت جاپان امتیازات زیادی در مانچوریا حاصل کرد.

ملت چین آخراً بواسطه فشارهای دول اجنبی در سال های ۱۹۰۵ و ۱۹۲۷ بر علیه دول خارجه مثل امریکائیهای شمالی، برطانیه اعتصاب ها کردند و در سال ۱۹۳۱ اعتصاب شدیدی بر علیه جاپان کرده پادشاه موجودهٔ مانچوریا که در آن وقت شاه چین بود وی را خلع نمودند.

بعد از خلع این پادشاه ملت چین میخواستند امتیازات ممالك خارجه را از ساحت چین لغو مخصوصاً نفوذ جاپان را از مانچوریا قطع کنند بالاخره بواسطهٔ خراب شدن یك حصه خط آهن جاپان در مانچوریا الزام جاپانیها بر علیه چینی ها و اعزام یك هئیت تحقیق جاپانی در آنجا و قتل یکنفر صاحب منصب جاپانی بدست چینیها آتش حرب بین چین و جاپان مشتعل گردیده در آخر دولت جاپان استقلال مانچوریا را اعلان نموده شاه موجوده که (هان تنگ) نام دارد و در سال ۱۹۰٦ تولد شده و سن دوسالگی به سلطنت چین رسیده بود و با دختر یکنفر رئیس مانچوریا ازدواج کرده است آنرا دوباره در مانچوریا بسلطنت برقرار نمودند.

گویا مانچوریا عجالتاً دولت مستقل و متحد جاپان به شمار می رود.

مکاؤ و تمور

از مقبوضات وسیع سابق پورتگال در شرق اقصی وجزائر شرق الهند مکاؤ و تمور باقی مانده است .

مکاؤ بندریست ساحل چین پیش دهانهٔ دریای کانتن که مساحهٔ آن عبارت از ۱۰ کیلومتر مربع و نفوس آن مساوی ۱۵۷٫۸۰۰ نفری باشد .

و تمور پورتگالی که عبارت از نصف شرق جزیرهٔ تمور است در جزائر شرق الهند واقع است ، مساحهٔ آن ۱۸٫۹۸۹ کیلومتر مربع و دارای ۴۵۱٫۶۰۴ نفرنفوس است .

در ابتدای قرن ۱۶ بحر پیمایان پرتگالی درقطعات بحر مصروف کشف ، تجارت و فتوحات گردیده در سنه ۱۵۰۱ م دد هند بعقات کوچین و کالی کت تجارتخانه ها تاسیس نمودند ، درسنه ۱۵۰۶ پورتگالیها به جزیرهٔ سیلون وارد گردیدند ، در سنه ۱۵۱۵ م البوکرک درخلیج فارس جزیرهٔ هرمز ، در سنه ۱۵۱۷ مقام گوا در ساحل مالابار ، درسنوات ۱۵۱۲ و ۱۵۱٤ بعضی حصص جزائر مولوکا را در شرق الهند بتصرف خویش درآوردند ، درسنه ۱۵۱۷ به چین ودرسنه ۱۵٤۷ به جاپان وارد شدند .

بعد ازین تاریخ دامنهٔ تصرفات ایشان توسعه یافته ، بنادر متعددی را بر سواحل ایران ومالابار و سیلون و هند چینی و جزائر شرق الهند متصرف گردیدند .

قدیمترین مستعمرات اروپائیها در شرق اقصی بندرگاه مکاؤ است که پورتگالیها درسنه ۱۵۵۷ از دولت چین آنرا باجاره گرفته و تا سنه ۱۸٤۹ پول اجاره را به حکومت چین تادیه می نمودند ، از سنه مذکور به بعد مکاؤ را جزو مستعمرهٔ پورتگال محسوب نموده و از تادیهٔ پول اجاره دست گرفتند . چین اینمسئله را باین شرط قبول نمود که مکاؤ را بدون رضای چین پورتگال بدولت دیگری ندهد و دراخذ گمرک تجارت تریاک با حکومت چین متحد باشد . اما موضوع تحدید سرحد تاکنون فیصله نشده مناقشات باقی است .

مقبوضات پورتگال درجزائر شرق الهند دراثر محاربات با مسلمین و هالندیها و غیره ، یکی بعد دیگری از تصرف پورتگال خارج شد ودر سنه ۱۸۵۹ بموجب معاهده نصف جزیرهٔ تمور به پورتگال و نصف غربی جزیره بهالندیها تعلق گرفت و مسائل سرحدی درسنه ۱۹۰۸ فیصله شد .

مکاؤ و تمور درسابق از یك مرکز اداره میگردید درسنه ۱۸۹۶ م این دو مقام ازهم جدا شده ، مرکز تمور دیلی ، و ازمکاؤ خود مکاؤ است .

قوهٔ پرتگال سعی حد وجهد ورزیدند درنتیجه هالندیها ازین کشمکشها مستفید شدند و بعضی ریاستها که در حصهٔ شمالی جزیره نمای ملایا واقع بودند تحت حمایه شاهان سیام درآمدند .

درسنه ۱۵۲۸ فرانسوی ها ، در ۱۵۹۱ انگلیسها ، در ۱۵۹۵ هالندیها به نواحی ملایا در انحصار تجارتی اهالی پرتگال مداخله نمودند درسنه ۱٦٤۱ اهالی آچین (سوماترا) پرتگالیها را از ملاکا راندند وهالندیها که باآچین درراندن پرتگالیها درآن وقت اتحاد داشتند جانشین پرتگالیها گردیدند پرتگالیها وهالندیها به سبب قوت ومخالفت رؤسای محلی نتوانستند نفوذ پیدا کنند وغیر از بندر ملاکا در آنجا وسعت یابند تنها به انحصار تجارت اکتفا ورزیدند .

درسنه ۱٦۱۳ انگلیسها تجارتخانه مسلحی در حکومت پتی‌تاسیس نمودند ولی در سنه ۱٦۳۰ م رئیس آن بمقاملهٔ هالندیها مقتول وتجارتخانهٔ مذکورمسدود شد .

درسنه ۱۷۸٦ م انگلیسها بندر (پنیانگ) را از سلطان (کیده)ودرسنه ۱۸۱۹ م بندرسنگاپوررا ازسلطان جوهور خریدند .

درسنه ۱۸۲٤ ملاکا را که قبلاً درایام جنگهای ناپولیون تصرف انگلیس آمده بود بمبادلهٔ ازهالندیها گرفتند هرسه این نقاط دراول ازطرف حکومت برطانوی هند اداره میشدند درسنه ۱۸٦۷ م بصورت مستعمره جداگانه تشکیل یافت در سنه ۱۸۷٤ م حکومت پراک تحت حمایه برطانیه قرارگرفت و ریاستهای دیگر بعد ازان یکی بعد دیگری تحت الحمایگی برطانیا را پذیرفتند .

درسنه ۱۹۰۹ م چهار ریاست (کیلانتان ماترانگانو ، کیده ، پرلس) که هفت سال قبل از قرار معاهده ۱۹۰۲ م تحت حمایهٔ سیام تسلیم شده بود ، سیام حقوق خود به برطانیا واگذار نمود

کنون ماسوای ریاست (پالاوان ، ساتوم ، پاتانی وغیره) که تحت الحمایه سیام میباشند ومستعمرهٔ موسوم به ستریت سیتلمنس تحت الحمایه برطانیامی باشند . ملایا بریاسات ذیل منقسم است

پراک سیلانگور ، سونگائی اوجونگ ، جلی بو ، جوهول ، ریمباو ، اولو ، بووار ، جیمبول ، تمراجی ، گونونگ پاسیرای ماس ، پاهانگ جوهور ، کیلانتان ، ترنگانو ، کیده ، پرلس .

مگولیا

کشورمگولیا (مغلستان) سطح مرتفع وسیعیست که درشمال شرق چین واقعشده ومسافهٔ آن تخمیناً ۳ میلیون کیلومتر مربع و اکثر حصص اراضی آن بی آب وغیر مزروع است .

از آغاز تاریخ این سرزمین ، مهد آرامش اقوام سلحشور وخانه بدوشی بوده که درمواقع حوادث خانه برانداز وشهر آشوب ازکشورخود مهاجرت نموده اساس بزرگترین دول متمدنهٔ آسیا واروپا را از بیخ و بن برانداخته ومقدرات آیندهٔ ملل را بطرح دیگری ریختند .

در تحت قیادت وفرمانفرمائی چنگیزخان وسلاله او (۱۱٦۲ و۱۲۲۷ میلادی) مغلستان مرکز امپراطوری نصف جهان آموخته بوده از بحیرهٔ بالتك وبحر سیاه تا بحرالکاهل واز بحر منجمد شمالی تا بحر هند تماماً در تحت تصرف وتسخیر آنها بوده است .

درسنه ۱۲٦۰ قبلای خان نوادهٔ چنگیزخان تمام ممالك چین را تحت تصرف واقتدار خود در آورده وسلالهٔ شاهی یوان را تاسیس وروی کارآورد وتا مدت ۱۰۸ سال مغلستان جز وممالك شاهنشاهی مغولی چینی شناخته میشد . بعد از انقراض سلالهٔ یوان بدست منگها مغلستان از چین جدا گردیده وشکل ملوك الطوایفی اختیار نمود ودرین فرصت شاهان چین با تمام موجودیت خود سعی میکردند که دوباره ممالك چین را

بتصرف خود بیاورند تا اینکه در سنه ١٦٨٩ در مجلس دولونور تمام امرای مغلستان اجتماع نموده سلطنت شاهنشاهان مانچوری چین را قبول کردند ، بعد ازینواقعه تاریخ مغلستان جز و تاریخ چین شمار می رود ، در اواخر قرن ١٩ شاهنشاهان چین از ترس استملاک جاپان و روس اهالی چین را تشویق نمودند تا اراضی وسیعهٔ لامزروع مغلستان را آباد نمایند .

اهالی مغلستان حیات قبیله وی دارند وهر قبیله بنام (چی) که معنی آن توغ است یاد میشود ، علاوه برین هر توغ مالك یك خان بوده و هر خان هم بنام خان نامیده می شود و چند قبیله که از یك صلب و نسل باشند بنام ایماق یاد می شوند .

طرز حکومت .

منگولیا در ششناحیه منقسم است وهر ناحیه در تصرف یك رئیس قومی است وهر رئیس برای اجرای امور اداری یك معاون جنبی دارد که بتصویب حکومت چین معین می شود ، و این ششناحیه یا بعبارت دیگر شش ایماق بچندین هوشن های دیگر منقسم است وهر هوشن راحاکم آن نامامور چینی که ازطرف حکومت معین شده اداره می نماید .

حکومت منگولیا خراج سالیانه را بحکومت چین تادیه مینماید ونیز برای اجرای امورامنیه ، پوسته ، وحربیه عسکری که دراین موقع بکار باشد آماده ومهیا می نماید .

بعد از انقلاب چین حصهٔ که متعلق به روس آسیائی است دراثر تحریك روس جدا شده یك جمهوریت شورائیه تشکیل داده است وحصهٔ شرقی آن ضمیمهٔ امپراطوری جدید مانچوکو گردیده است .

نجد

نجد درمرکز عرب واقع بوده تخمینا سه ملیون نفوس دارد ـ قبایل چادرنشین از ازمنهٔ خیلی قدیم در دشت وتخلستان نجد بهمراهی گله ها و رمه های خود گشت وگذار می کنند مهمترین قبیله های بدویها قبایل شمر ، حرب ، عتیبه ، مؤثر میباشد در جنب نخلستانهای زیاد وجود دارد لهذا بعضی اهالی بشغل زراعت هم دارند .

درسنه ١٨٧١ وقتیکه مدحت پاشا درالحصا تشبث حورد عسکری را بنا نهاد نجد رسماً درحدود سلطنت ترکیه درآمد امادر استقلال داخلی این خطه چیزی تاثیر نینداخته بود جه چه محمد ابن رشید درحائل وعبدالله ابن سعود در ریاض حکمرانی می کردند درسنه ١٨٩٢ ابن رشید خلاف ابن سعود لشکر کشی نموده به مقام عنیزه فتح حاصل کرده حکمفرمای کل نجد گردید ـ بعد جانشین او عبدالعزیز ابن رشید حکمرانی را دوام داده نتوانست واگرچه ترکها برای او امداد رسانیده بودند لیکن ابن سعود در سنه ١٩٠٥ اورا شکست داده در نجد غلبه حاصل کرد ـ ابن سعود درسنه ١٩١٤ الحصار را از ترکان گرفته حدود سلطنت خودرا تا به خلیج فارس توسیع داد اما بدوران حرب عمومی خلاف ترکان با دآن دیی خود جنگ نکرد وبعد از اختتام جنگ عمومی درسنه ١٩٢٠ بعضی حصص عسیر را فتح کرد . در سنه ١٩٢١ حائل ودیگر علاقه امیر جبل شمر را به تصرف خود آورد ودر اواخر ١٩٢٥ شاه حجاز را برانداخته حجاز را اشغال نمود .

درحدود سلطنت سلطان نجد شیخ های متعدد در علاقه ها حکمرانی می کنند وقانون حکومت خالصاً شریعت بیضای اسلامی است ، بعضی وقائع مهمه زیر عنوان عرب وحجاز بیان شده .

نیپال

اولین خانواده های تاریخی نیپال گپتا بوده موسس آن نی مونی Ne Muni نامدارد بعد ازان خانواده های متعددی به سر اقتدار آمد که مشهورترین شان امیر Ahir کراتی Kirati سوماوانشی Somavanshi سوریا وانشی Suryavanshi تکوری Thakuri ویشه تکوری Vaishya Thakury وکرناتاک Karnatak بودند ـ تا سال ۱۳۲٤ وقائع این مملکت به تحقیق معلوم نیست ولی درسال مذکور احای سیمرون Simraun که از محمد تغلق شکست خورده بود به نیپال حمله ورگردیده آنرا فتح نموده ازین خانواده چهار نفر پیهم برسر اقتدار آمدند ولی بعد ازان شهزاده راجپوت جیبدر Gayabhadra malla زمان سلطه یافت حکمدار هفتم این خانواده جیاس تی تی Gayastithi malla از سنه ۱۳۸٦ تا سنه ۱٤۲۹ بعضی قوانین و مراسم طبقات ملی را درملک خود ترویج داد این خانواده درسنه ۱۷٦۸ بواسطه گورکها منقرض گردید . گورکها ازمقابل مسلمانان گریخته اول برکوهای کوماؤن Kumaor حمله آوردند سپس در تحت سرکردگی راجا پرتوی نرائن تصرف نیپال پیش قدمی نموده وآنرا تصرف گردیدند درسنه ۱۷٦٥ انگلیس ها برای کمک راجای کتمند وعسکری در تحت کپیتن کن لوچ Kni loch فرستادند ولی ناکامی مراجعت نمود پرتوی نرائن درسنه ۱۷۷٤ درگذشت پسر بزرگش پرتاپا سینا Pratapasinha بعد از سه سال حکومت درگذشت رانا بهادرشاه پسر پرتاپا سینا بچهٔ خورد سال بوده ازین جهت امور اداری را عموماً او بدست گرفت درسنه ۱۷۹۰ گورکها بر تبت حمله بردند ولی بعد از سه سال جنگ به معاهدهٔ نواکوت Noakote مجبورگردیدند در ۱۷۹۱ ، ۱۷۹۲ معاهدات تجارتی بین انگلیس وگورکها امضا گردید .

درسنه ۱۷۹٥ رانا بهادر ادارهٔ حکومت را بدست گرفت ودرسنه ۱۸۰٥ بواسطه ظلم خود بقتل رسید درسنه ۱۸۱٤ آتش جنگ دربین انگلیس و نیپال درگرفت درنتیجه نیپالیها نمایندهٔ انگلیس را در کتمندو بعضی اراضی را درحق انگلیس قبول نمودند درسنه ۱۸٥۰ جنگ بهادر حکمران نیپال به انگلستان سفر نمود چون بوطن خود بازگشت متوجه اصلاحات بوده وخدمات بزرگی برای نیپال بعمل آورد درسنه ۱۸٥٤ نیپالیها برعلیه تبت داخل جنگ گردید واین جنگ کاملاً بمائدهٔ شان انجامید درشورش هند جنگ بهادر باوجود مخالفت شدید ملت طرفدار انگلیس بوده کمکی برای شان فرستاد وحتی بالاخره خودش بسرکردگی هشت هزار عسکر و ۲٤ توپ برای معاونت انگلیس داخل هند گردید ، درعوض این خدمات انگلیس اورا القاب واسلحه وعسکرش را انعام داد . جنگ بهادر درسنه ۱۸۷۷ درگذشت و برادرش را نادیپ سنگه بهادر برسر اقتدار آمد ولی درسنه ۱۸۸٥ درنتیجهٔ شورش بزرگ به قتل رسیده و شمشیر جنگ به سلطنت رسید که بعد از ٦ سال حکومت درگذشت و برادرش دیب شمشیر جنگ به سلطنت رسید اما بعد ازچند ماه به ترک وطن مجبورگشت وسلطنت را درحق برادرش چندر شمشیر جنگ گذاشت مشارالیه درجنگ تبت وانگلیس طرفداری موخرالذکر بوده کمک عسکری نمود ودرجنگ عمومی نیز طرفداری انگلیس بوده تمام عسکر خودرا برای کمک شان پیش نمود وتقریباً ده هزار نفرشان درایام جنگ درداخل هند وسرحدات آن برای انگلیسها خدمت نمودند ودرجنگ استقلال افغانستان سنه ۱۹۱۹ دوهزار نیپالی به کمک انگلیس آمد .

انگلیس بدوران جنگ عمومی بمهاراجه نیپال وعده داده بود که نیپال استقلال خارجه خواهد داشت چنانچه درین ایام جرنیل بهادر شمشیر سنگه اولین سفیر مهاراجه نیپال است که درلندن مقرر شده .

هند چین فرانسوی

هند چینی فرانسوی عبارت از شرق جزیرهٔ نمای هند چینی واقع است، بشمال آن چین و بمشرق و جنوب آن بحر چین و بمغرب آن مملکت سیام واقع است، مساحهٔ آن مساوی ۷۴۱٫۲۵۰ کیلومتر مربع و نفوس آن عبارت از ۲۱٫۵۹۹٫۵۸۲ نفر است. ادارهٔ مملکت بشش حصه تقسیم شده ۱ کوچین چینا یا حصهٔ جنوبی مستقیماً بصور مستعمرهٔ فرانسه اداره میشود ۲ کوانگ‌چاو وان از مملکت چین بطور اجاره گرفته شده و در چهار مملکت انام، کمبودیا، تانکین، لاؤس تحت‌الحمایهٔ فرانسه میباشند.

مباحثیکه تاریخ انام درباره صورت گرفته، از احاطهٔ جغرافیائی امروزهٔ آن مملکت تجاوز میکند. **بقرار** معلومات موثوقهٔ اولیه ادمی که مردمان بودند وحشی و زراعت پیشه که بواسطهٔ آلات سنگی بسیار ابتدائی زمین را شیار می نمودند و به رؤسای محلی ملوک الطوائفی اطاعت داشته در حلگهٔ دلت (رود سرخ) یا (میکونگ) زیست داشتند. بعد که از تمکن چین مدنیت کسب کردند به این قسم که چینی ها قبل از عهد مسیح بشمال جزیرهٔ هند چین داخل شده، ابتدا آن قسمت را فقط تحت‌الحمایهٔ خود ساخته رسوم و عادات بومی ها هیچ تعرض نکردند اما از قرن قبل از میلاد و مخصوصاً پس از آنکه تونکن بواسطهٔ جنرال چینی موسوم به (مالی وان) در سنه ۴۳ بعد از میلاد فتح شد، حکام مملکت را کاملاً جزو چین ساخته یک ولایت چین محسوب کردند و مهاجرین زیادی از چین درانجا وارد شده عادات، اخلاق، ورسوم مدنیت، زبان، ادبیات، عقائد و مذهب چین را بوجود آوردند. این حاکمیت شدید انقلاباتی را بوجود آورد ولی معهذا در حدود یک قرن دوام کرد و درعین حال ملوک‌الطوائفی از بین رفته، مردم انام به اداره و حکومت منظم و مرکزی عادی شدند. با این همه علاوه بر اخذ مدنیت، قوت ملی پیدا کردند چنانچه درقرن دهم وقتیکه دراثر انقلابات رئیس ملی حکومت چینی را گرفت، دولت انام چنان اتفاق و قوتی را مالک بود که بواسطهٔ آن تا مدت نهصد سال را درتاریخ تمام شبه جزیره بازی کند.

پس از سه سلسلهٔ کوتاه و سلالهٔ (لی‌ها) از ۱۰۱۰ تا ۱۲۲۵ و (تران ها) تا ۱۴۱۳ حکومت کردند و درخلال این اوقات دولت انام همسایگان خود یعنی بعضی اوقات چینی ها در شمال وبیشتر سلطنت (چامپا) درجنوب می جنگید. معهذا در ۱۴۱۴ تا ۱۴۱۸ خاندان (منگ‌ها) موفق شد که دوبارهٔ حاکمیت چین را درانام برقرار کند اما یک نفر انامی موسوم به (لی لوا) سرکردگی نهضت ملی را بدست گرفته مدت ده سال بمقابل چین جنگید و در ۱۴۲۸ فتح کرده اعلان امپراطوری نمود. خاندان (لی) که بواسطهٔ او تاسیس شد تا ۱۷۸۹ حکومت داشت.

درین دورهٔ طولانی سلطنت چامپا فتح شده حکومت انام به آخرشبه جزیره رسید و ازقرن ۱۷ بداخل دولت کامبودجه (کوشنشین جنوبی) نفوذ کرد. بعد جنگ‌های داخلی روی کارآمده، قدرت‌شاهان (لی) کاسته شد. حکمرانان حقیقی انام درقرن ۱۷ و ۱۸ دو خاندان رقیب است که یکی موسوم به (نگوین) درجنوب (کوشنشین‌حالیه) ودیگر (ترینه) در شمال (سلطنت تونکن) حکومت میکردند. جنگ‌های خونین مابین هر دو دولت مربور رخ داده تا درهمین وقت است که اروپائی‌ها شروع به رفت وآمد کردند. نتیجه هیئت‌های کاتولیک بار اول در ۱۶۱۵ به کوشنشین و در ۱۶۲۶ درتونکن بیاده شدند و تجارتخانه‌های شرکت هالندی هم در ۱۶۳۶ درتونکن جا گرفته بعد تجار انگلیسی در ۱۶۷۲ و بالاخره تجار فرانسوی در ۱۶۸۴ درانجا موفقیت نمودند.

اخیر قرن ۱۸ برای انام یک دورهٔ انقلاب داخلی شدیدی بود زیرا بدامنی بمنتهی درجه رسیده، اشرار کوشنشین وبعد تونکن را گرفته رئیس آنها اعلان شاهی نمود (۱۷۸۵) اما یکی از اولادهٔ خان‌های کوشنشین به تحریک اسقف (ادران) به فرانسه متوسل شده لوئی ۱۶ بواسطهٔ معاهدهٔ ورسای (۲۸ نومبر ۱۷۸۷) کمک خود را وعده نمود. با آنکه معاهده اجرا نشد شهزادهٔ مذبور به کمک چند نفر صاحب منصب فرانسوی موفق به دفع انقلاب شده، مملکت را متحد ساخت و سلسلهٔ جدید (نگوین) را تشکیل داده بنام

ژیالونك) بسلطنت برآمد (۱۸۰۲ - ۱۸۲۰).

اخلاف ژیالونك سیاست دیگری را تعقیب نمودند . باین معنی که دست فرانسوی هارا از کار کشیده باآنها رفتار زشت را شروع کردند چنانچه در وقت (تیودیوك) کشتی های جنگی فرانسه بهٔ مداخله و نفی مظاهرات ازقبیل بمباردمان توران (۱۸٤۷) وغیره مجبور گردیدند. و بعد ها دراثر فشارهای مزیدی که بر فرانسویها وارد آمد، ناپلیون سوم وادار بهٔ مداخله گردیده در نتیجه عملیاتیکه به آهستگی اداره میشد، ابتدا جزیرهٔ بولوکوندور) وسه ولایت جوبی (۱۸٦۲) و بعد تمام کوشنشین سفلی به فرانسه تعلق گرفت (۱۸٦٤).

اما (یتودیوك) باوجود از دست دادن قسمت کلی اراضی خویش هنوز هم خود را در نواحی شمالی محکم رده وبالاخره دراثر واقعات متعددیکه از ۱۸۷۳ تا ۱۸۸۹ دوام کرد و بیشتر آن درحصهٔ تونکن واقع ردید ، تمام انام وتونکن وکوشنشین تحت الحمایهٔ فرانسه شد.

پس اردو سلطان کم دوام یك برادر زادهٔ (تیو دیوك) به شاهی انام رسیده، (۱۸۸۵-۱۸۸۹) واز انوقت به بعد نندین نفر دیگر بنام امپراطور تحت الحمایهٔ فرانسه در انام سلطنت نموده اند که آخر آنها (و بتهوی) است (۱۹۲۵).

امپراطور موجودهٔ انام (باؤدائی) و شاه کمودیا (سی سوات موت وونگ) نام دارند .

هانگ کانگ

هانگ کانگ مجموع جزیره و جزیرهٔ نمائی است که بردهانهٔ دریای کانتون بساحل چین واقع است ، ساحه آن عبارت از ۱۰۱۲ را کیلومتر مربع و نفوس آن مساوی ۸٤۹٬۷۵۱ نفر است که ۹٦ فیصد آن چینی می باشد باوجودیکه اهالی اروپا در قرن ۱٦ به سواحل چین وارد گردیده مشغول تجارت شدند ولی تا ابتدای قرن ۱۹ حکومت امپراطوری چین سفرای آنها را بدرجهٔ مساوات قبول نه نموده بلکه بحقارت ایشان نگریسته مانند نمایندگان رؤسای ما تحت باینها رفتار میکرد . وتجار اروپائی را جز به یك بندرگاه معین هرگز اجازهٔ پائین کردن اموال نداده و بجز تاجر مخصوص بدیگر تجار اجازهٔ تجارت نیز نمیداد ، اگر فرضاً یکی از اتباع یکی از ممالك اروپا مصدر جنحه وجنایت میگردید تمام تبعهٔ همان ملت تحت محاکمه قرار میگرفت ، چون تجارت وورود تریاك درمملکت ممنوع بود وتجار برطانوی بیشتر به تجارت قاچاق تریاك مشغول بودند باینواسطه مابین تجار برطانوی وحاکم کانتون مناقشات تولید گردیده واینمسئله باعث شد تا حکومت برطانوی بغرض پیشرفت تجارت تریاك با چین جنگ نماید و پس از محاربهٔ سه ساله دولت چین برای انگلیسها جزیرهٔ هانگ کانگ را واگذار شد .

از سنه ۱۸٤۲ تا ۱۸٤۹ م اساس ثروت هانگ کانگ تجارت تریاك بود ، بعد از ان از هانگ کانگ نفری زیادی بغرض کار کردن در کانهای طلای استرلیا وامریکا رهسپار شده واین مسئله نیز بر ثروت هانگ کانگ افزود .

بعد ها چین در ترقی تجارت تریاك تسهیلاتی پیش نمیکرد دولت برطانیه باردوم در ۱۸۵۷ با چین داخل محاربه گردیده در سنه ۱۸٦۰ جزیره نمای کولون را تصاحب نمود .

منظرهٔ یك بازار هانگ کانگ (چین)

وقتیکه کانال سویز در سنه ۱۸۶۹ افتتاح گردید اهمیت هانگ کانگ دوبالا شد، در سنه ۱۸۹۸ ای استحکام مزید آن مضافات آنجا را ۹۹ ساله با جاره از حکومت چین گرفتند، و باینواسطه یك نقطهٔ مستحکم حربی و مرکز قوای بحری و بندرگاه تجارتی در شرق اقصی گردید، ازینجهت این نقطه بیشتر جالب چه حکومات امریکا و جاپان و بلکه تمام دول دنیا واقع شد.

در اثر کانفرانس واشنگتن که در سنه ۱۹۲۱ و ۱۹۲۲ انعقاد یافت برطانیا متعهد گردید که آنجا را بدرجه اول استحکامات بحریه مستحکم نسازد.

هندوستان

هند(قدیم) تاریخ‌قدیم‌هندوستان در پردهٔ تاریکی واقع شده است، چراکه هنود توجه خود را کاملاً بطرف ...یخ مبذول نکرده اند، وآنهامهابارت را یك ماخذ بزرگ تاریخ می شمارند علی ای حال حفریات بعضی ...مس هندوستان برتاریخ آن خطه‌روشنی انداخته می تواند، چنانچه ماخذ تاریخ ما بالعموم غارها، صخره وستونهای حفریات میباشد، خصوصاًحفریات تکسیلا، موهنجودیرو وهرپا، قابل ملاحظه وکشفیات خوبی را بانموده است. پس می توانیم بگوئیم که پیش از دراویدها مردم درهندوستان بود وباش داشتند ...ماقبل دراویدی می نامیم، بعد از آن مردمیکه آنهارا عموماًدراویدهامیگویند اغلباً از راه بلوچستان ...دوستان داخل شده درااثنای زمانهٔ خیلی دراز تمدن وتهذیب خود را نشونما داده اند، کشفیات وادی ...س ظاهر میکند که درآن زمان شهرهای بزرگ وجود داشت که درآنها آثار رفاهیت وتمدن نمایان باسومارینها تشابه بلکه تمدن قدیم تر را نشان میدهد ظاهر می سازد - جاهن مارشل خیال میکند که معیارحیات دراویدها به نسبت عراق عرب و مصر که معاصرآنها بود بلندتر بود - رنگ این ...دم سیاه بود.

در سنه ۲۵۰۰ ق، م آریه‌ها از بلخ مهاجرت را شروع نموده یك قسمت این آریه های مهاجر از ...های افغانستان عبور نموده به پنجاب رسیدند.

زمان ورود آنها را درپنجاب سال ۱۴۰۰ ق م تخمین می نمایند قسمتی از بومیان قدیمی هند را این مردم به مغلوب نمودند وقسمتی را درخود منحل وقسمتی‌را فرارکردند، آریه های زمان ویدها با بعض فلزات آشنا ...ند، مثلاً آهنگرها، مسگرها، زرگرها درآنها بودند آنها بواسطهٔ عراده‌ها جنگ میکردند دراسپ ...اری مهارت خوبی داشتند البته فیل را تاآن زمان اهلی ودرجنگ استعمال نمیکردند، این‌آریه‌ها از ...ن هندیان قدیم بهرهٔ زیادی گرفته وبعضی عادات ورسومات آنها را اختیار وتمام هند شمالی را اشغال کردند، ...متی ازدراویدها بجنوب کوه بندهیاچل کوچ کرده سلطنت های بزرگ را تشکیل دادند.

باید دانست که تمدن آریه‌های بلخ نسبت به بومیان قدیم افغانستان هم پست‌تر بوده، وآریه‌ها ازبومیان ...م افغانستان سهم بزرگ تمدن‌را یادگرفتند، وهمچنان آنها بهندوستان رسیده تمدن بومیان قدیم هندوستان ...ز خود شامل کردند — البته بعدازآن تمدن وتهذیب بلندی را مالك شدند، کتب دینی آریه ها عبارت

[illegible] ودوکتاب رزمی آنها مها بهارت وراماین می‌باشد ، این آریه ها نسبت به اقوام [illegible]
[illegible] سفید پوست ، بلند قامت وقوی الجثه بودند ، درپنجاب وکشمیر سکونت پذیرفته آن را [illegible]
[illegible] میدان های حاصل خیز گنگا وجمنا را الی بنگال اشغال وحکومت های مستقل ومتعددرا تاسیس نمودند
[illegible] زمان بودا ما ازین سلطنت ها واقفیت کاملی نداریم اما درادوار بودائی قطعه زمینیکه مابین دریای
[illegible] وحکومهای عالیه واقع است مشتمل بر (۱٦) ریاست مستقله بودکه بعضی شاهیت ها وبعضی جمهوریه
های ملی بودند مشهور ترین آنها چهار سلطنت کوساله ، مگده ، مماس ، وآونتی نام دارد در شمال مغرب
این قطعه سلطنت مشهور گند ها را بکنار دریای اندس ودرنواح پشاور بود .

واقعهٔ مشهور هند که تاریخ صحیح آن معلوم است تولد وحیات بودا است که نام اصل اش ساکی منی گوتم ودرسنه ۵۹۸ ق ، م پیداشده بودین بودا امروز در چین ، تبت ، جاپان ، مانچوریه ، منگولیا ، سیام مروج است ، درسال ۳۲۷ ق ، م سکندر مقدونی اول بکنار رود جهلم باپورس شاه پنجاب جنگ صعب نموده او را شکست داد اسکندر تابدریای بیاسی رسیده میخواست تعرض فاتحانهٔ خود را ادامه بدهد اما قوی ازعبوردریا انکار قطعی واولاچار ازآنجا بطرف بابل مراجعت نمود وکمی بعد درشوش درگذشت ، وسلطنت وسیعهٔ او فیمابین قومندانهای عسکری بتولمی ، سیلوکس نکاتور وآنتی گونوس منقسم گشت سیلوکس نکاتور بر علاقه های مشرق ازشام الی باختر تصرف نمود .

بعد از مردن سکندر افغانستان و هندوستان کاملاً استقلال خود را حاصل کردند ، درین ادوار چندرگپتا یکی از وزرای خانوادهٔ نندا در مگده یعنی بهار سلطنت قایم کرده کل هندوستان شمالی را در حیطهٔ سلطنت خود درآورده بنیاد سلاله موریا را نهاد - یونانیها او را سندراکوتس می نامند - چندرگپتا از ۳۲۲ الی ۲۹۸ ق ، م سلطنت کرد .

سیلوکس نکاتور بعد از استحکام سلطنت خود در شامات و عراق عرب و ایران بطرف هندوستان متوجه گشت که آنرا مثل سکندر مکرراً مفتوح نماید - لیکن دید که حریف مقابل او (۶۰۰٫۰۰۰) پیاده (۳۰۰۰۰) سوار و (۳٦۰۰۰) نفر همراه فیل های جنگی و (۲٤۰۰۰) نفر بهمراه عرادهٔ جنگی دارد با آنهم سیلوکس با چندرگپتا بجنگ داخل شده شکست فاحشی یافته و مجبور به صلح شده دختر خود را به چندرگپتا به نکاح داد وکل علاقهٔ پنجاب و وادی کابل را واگذار کرده از چندرگپتا (۵۰۰) فیل عطیه یافته باز بدربار چندرگپتا سفیر خود میگاستینز را در(۳۰۲ ق ، م) مقرر نمود ، چندرگپتا یکی از بزرگترین شاهان هندوستان است که قسمت اعظم هندوستان را بسلطنت واحد درآورد .

درسنه ۲۷۲ ق،م راجه آشوک نواسهٔ چندرگپتا جانشین گشته حامی و مربی بزرگ مذهب بوده ، دین بودائی را رسمی قرار داده برای آن خدمات زیادی کرده و مبلغین این دین را به تبت ، چین ، برما و سیام ، جاوا ، سیلون فرستاد ، بعد از مرگ اودرسنه ۲۲٦ ق ، م اقتدار خانوادهٔ موریا رو به تنزل گذاشت و در مدت ۴۱ سال هفت شهزاده یکی بعد دیگری سلطنت کردند ، بالاخره شاه آخرین برہد را تها نام را درسنه ۱۸٤ ق،م سپه سالار پوش یامتر اسنگا کشته سلالهٔ سنگا را تاسیس نمود .

درحدود سلطنت وسیعهٔ آشوک قسمت بزرگ تر افغانستان ، حصهٔ بزرگ بلوچستان ، سنده ، کشمیر ، نیپال بنگال الی مدراس شامل بود

بعد ازموریا سه سلالهٔ مشهوردر هندوستان سلطنت کردند ۱ - سنگا ۲ - کانوه ۳ - اندهرا - پائی دودمان سنگا پیروان بودا را بیدریغ قتل نموده برهمیت را مکرراً در هندوستان زنده ساخت - خاندان های مذکور قریب سال ۴٦۰ میلادی خاتمه می یابند.

در اثنای قرن دوم قبل‌المیلاد شاهان یونانی افغانستان به هند حملات بردند، مشهورترین آنها دیمتریوس، یوکراتائیدس و منیاندر می باشند خصوصاً میناندر پنجاب فتوحات خود را وسعت داد حتی پوشیامترا او را از وادی گنگا اخراج نمود.

قریب سنه ۱۰۰ میلادی شاهان (سکائی های چادرنشین آسیای مرکزی) و پهلوا ها از راه بلوچستان حمله آورده گجرات و کاتهیاوار را اشغال نمودند و به مرور زمان یوئیچی های بلخ افغانستان متحد و منتظم شده به توسیع سلطنت خود پرداختند بانی آنها کدفاسس اول (۴۰-۷۸ میلادی) بنای سلالهٔ کوشانی را نهاده و وادی کابل را فتح کرده اثرات باقیماندهٔ استیلای یونانیان را برانداخت - جانشینان او هند شمال جنوبی را فتح نموده فتوحات خود را تا بنارس توسیع دادند - اما مشهورترین کوشانهای افغانستان کانشکا می باشد، که پایتخت خود را پروش پوره (پشاور امروزی) قرار داده بود - کشمیر و بهار را فتح و خلاف پارتها تعرضات فاتحانه نمود و بالای خاقان چین ظفر و کامیابی حاصل نموده کاشغر، یارکند، وختن را در حدود سلطنت مقتدر و وسیع خود درآورد - سلطنت کوشانی در هندوستان قریب ۲۳۶ میلادی خاتمه یافت.

بعد ازین، تاریخ هندوستان تاریک است، حتی چندرگپتای اول در سنه ۳۲۰ میلادی سلاله و سلطنت گپتا را تاسیس می نماید، این خاندان از ۳۲۰ الی ۴۸۰ میلادی دوام نموده واین زمان را اکثراً زمان طلائی هندوستان میدانند، چرا درین عهد امنیت تامه حکمفرما بوده ومملکت خیلی زیاد ترقی وتمول را مالک شده، حکومت نهایت متنور و وسیع گردید وصنعت هندی بکمال علوم و فنون، موسیقی، سنگ تراشی، مصوری بدرجهٔ بلندی رسید، پنج شاه بزرگ ازخاندان گپتا سلطنت کردند، حتی ایفتالیت ها یاهونهای سفید شاه اخرین دودمان مذکور یعنی سکنداگپتا نام را برانداخته سلالهٔ مذکور را مستاصل نمودند.

هونهای سفید در سنه ۴۷۰ میلادی شاهان ایران وافغانستان را پامال کرده به تعداد خیلی زیاد به هندوستان هجوم بردند، ظالم ترین وقوی ترین شاه ایفتالیت ها بنام مهیراگله مشهور بود، بالاخره هندیها از ظلم وتشدد فوق العادهٔ او بتنگ آمده اتحاد نموده مهیراگله را شکست دادند، ودر اسیای وسطی نیز ترکها بشراکت ایرانی ها قوت ایفتالیت ها را برانداختند، هونهای سفیدیکه به هندوستان داخل شده بودند بسرعت هند وشده ودر نفوس آنجا مدغم ومنحل شدند.

آخرین شاه مشهور مقتدر در هند شمالی تا حمله مسلمانها (هرشه) نام بود که از سنه ۶۰۶ الی ۶۴۸ میلادی سلطنت کرد، حکومت اوبسیار خوب و وسیع بود.

بعد ازین زمان تاریخ هندوستان واضح بوده واسلام ظهوری نماید

قرار روایات قدیمه در هند جنوبی سه خاندان مشهور حکمران گذشته اند ۱ - پاندیا ۲ - چولا ۳ - چیرا خاندان چولای هند جنوبی را بالاخره ملک کافور جرنیل سلطان علاء الدین خلجی در سنه ۱۱۲۰ میلادی خاتمه میدهد.

اولین حمله و ورود موثر مسلمانان در هندوستان به عهد خلیفه اموی ولید اول بن عبدالملک

دورهٔ اسلام : (عهد خلافت ولید اول من حیث فتوحات مسلمانها مهمترین زمانه میباشد از اندلس تا وادی طارم فتوحات مسلمانها وسعت پذیرفته بود) تحت قیادت محمد بن قاسم از راه بلوچستان در سنده بوقوع پیوست، ومحمد بن قاسم راجه داهر والی سنده را شکست داده تاملتان پیشرفت فاتحانه نمود.

بعد از وفات حجاج بن یوسف وسقوط خلافت بنی امیه این ناحیهٔ هندوستان مکرراً آزاد گردید، ودر هند شمالی راجگان هندوستان انتظام وعسکر درست داشتند، راجه جیپال که پایتختاو بتهندا بود تا لغمان ونواح آن

قطب مینار دهلی (یادگار سلاطین افغان در هند)
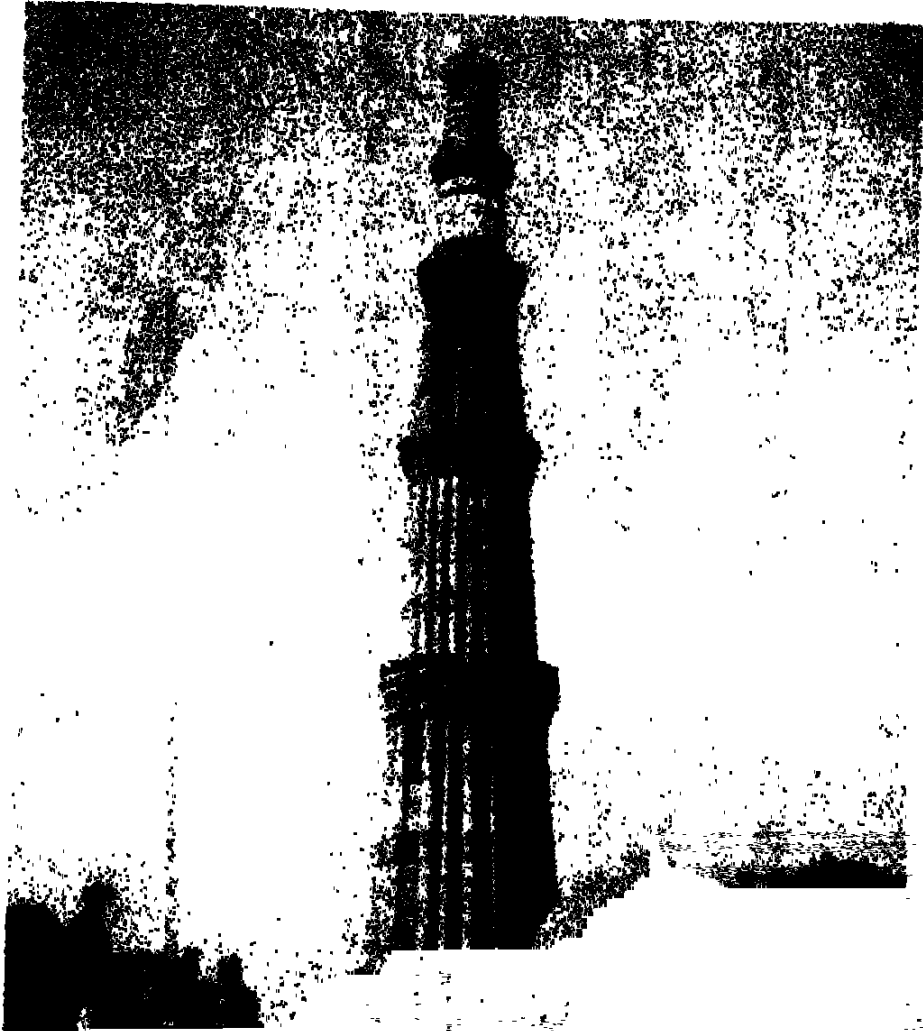
سلطنت میکرد و ازقوهٔ روز افزون امیر سبکتگین اندیشه نموده بحدود مملکت او تجاوز نمود سبکتگین فوراً عسکر خودرا ترتیب داده به کمک ملک حمید لودی فوج متحده هندوها را شکست داده لغمان و جلال‌آباد، کرم، پشاور را گرفت (۹۹۱ میلادی) پسرش سلطان محمودغزنوی که برای اشاعت دین اسلام شغف بکمال داشت بهندوستان تخمیناً هفده حمله نمود. هندوهای هندوستان قریباً در موقع هر حمله متحد و متفق شده بکمال شجاعت و تهورجنگ می نمودند اما محمود به مهارت فوق العادهٔ حربی خود در هر محاربه هندیها را هزیمت می داد. محمود غازی تا وادی دریای گنگا و گجرات کاهیا حملات خودرا برده به راجگان شکست خورده تاج و تخت می بخشید ـ وزر و جواهرات بی حساب که در دیرها و مندرها بیکار جمع شده کل عالم آن زمان را در بحران اقتصادی مبتلا ساخته بود حاصل کرده در نشر علوم و فنون و توسیع تجارت بمصرف رساند ـ درعهد غزنویان پنجاب تحت تسلط مسلمانهای ما تحت محمود بود، محمود یکی از بزرگترین شاهان و قوماندان های عسکری و فاتحین عالم بشمار می رود.

بعد از سقوط غزنویان فاتح بزرگ دیگر شهاب الدین محمد غوری است که بهندوستان حملات برده ملتان، اچ، لاهور را فتح کرد ولی دربار اول پیشرفت خوبی نکرد ـ مگر بعد از دو سال مجدداً حمله برده لشکر زیاد و منظم هندوها را در میدان تراهن برهم زده به دهلی حربیل عزیز خود یعنی قطب الدین ایبك را حاکم مقرر نمود محمد غوری سند و بنارس را نیز فتح کرده بود بعد از وفات سلطان غزنوی قطب الدین ایبك اولین شهنشاه مسلمان درهندوستان گردید و محمد بن بختیار خلجی بنگال را در سنه ۱۱۹۹ فتح کرد ـ قطب الدین تعمیر قطب مینار دهلی را شروع، اما التمش آن را تکمیل نمود.

خاندان غلامان درسنه ۱۲۹۰ خاتمه یافت و درعهد این سلاطین مغلهای چنگیزخانی حملات را شروع کردند، اما سلطان علاوالدین خلجی افغان مغلهای چنگیزخانی را نزدیك دهلی شکست فاحش داد از شاهان مسلمان افغان، علاوالدین اولین کسی است که قریباً کل هندوستان را تحت لوای یك سلطنت واحده در آورد ـ بعد از سقوط خاندان غلجی دودمان تغلقی سلاطین هندوستان شدند لیکن درین ادوار سلطنت واحده هندوستان پراگنده شده در تمام هندوستان روسای قوی مسلمانها حکومتهای جداگانه را تشکیل دادند، و نیز دربعضی قطعات هندوها مستقل و آزاد شده سلطنت ها را تشکیل نمودند ـ در بنگال، مالوه، گجرات و کشمیر پادشاهان مسلمان بودند ـ و دردکن (هند جنوبی) علاءالدین اول بنای سلطنت بهمنی را نهاد.

در سنه ۱۳۹۸ تیمور گورگانی بهندوستان حمله آورده دهلی را خراب نمود، بعد از مراجعتش محمد تغلق به پای تخت خود رسید، بعد از تغلق ها خاندان سادات در دهلی پادشاه شدند بالاخره بهلول افغان از قبیلهٔ لودی در دهلی خاندان لودی را تاسیس نمود.

بابر در سنه ۱۵۲۶ از کابل بر آمده درمیدان پانی پت ابراهیم لودی را شکست داده سلالهٔ مغل را تاسیس نمود، شاهان مغلیه، هندوستان تاسنه ۱۸۵۷ میلادی دوام نمودند.

دردکن هند جنوبی سلطنت بزرگ هندو یعنی وجایانگر از قرن ۱۴ الی ۱۶ میلادی اقتدار داشت، بعد از سقوط سلطنت اسلامی بهمنی پنج خاندان اسلامی دردکن مستقلاً حکمران شدند، درسنه ۱۵۶۵ آنها باهم متحد شده سلطنت هندوئی وجایانگر را بر انداختند سلطنت بابر از دریای اکسس الی حدود بنگال و از همالیه تا گوالیار وسعت داشت، درزمان او بنگال تحت حکومت افغانها بود، چنانچه شیر شاه سوری افغان از حکومت بنگال خروج نموده همایون پسر بابر را ازهندوستان کشیده تا پنج سال بتدبیر و دانشمندی حکومت نمود این شهریار خیلی متمدن و شجاع بود همایون بعد از ۱۶ سال دهلی را مکرراً اشغال نمود مگر سلطنت مغلیه درین عهد بسیار محدود بوده درهرقطعه حکمرانان مستقل حکمرانی میکردند.

پسرش اکبر پادشاه در سن ۱۴ سالگی بتخت دهلی نشسته بامداد بیرم خان بلخی (قوماندان عسکر مغل) در هندوستان فتوحات زیاد نموده سلطنت مغل را نهایت محکم نمود، سلطنت اکبر از کابل وقندهار الی بنگال واز همالیه تا برار وسعت داشت میتوانیم شهنشاه اکبر را موسس حقیقی خاندان مغل بنامیم.

شاه جهان پسر جهانگیر عمارت زیبا خصوصاً عمارت فقید تاج محل را تعمیر نمود وتخت طاؤس بحکم او ساخته شد، در عهد اورنگ زیب سلطان علاقه های جنوبی دکن مفتوح وسلطنت مغل به بزرگترین وسعت نایل شد، پس اورنگ زیب عالمگیر بعد از راجه اشوک، وسلطان علاء الدین افغان وشهنشاه اکبر چنان سلطان دوم بود که تمام هندوستان را تحت حکمرانی یک سلطنت واحد در آورد.

بعد از وفات اورنگ زیب مرهته ها در دکن وسکها در پنجاب قوت پیدا کردند وسلطنت مغلی بسرعت رو بزوال نهادو تاخت وحمله نادرشاه افشار درسنه ۱۷۳۹ وقتل عام وتخریب وتاراج دهلی ازدست او قوهٔ باقیماندهٔ مغلی را صدمهٔ رسانید. که بعد قوت پیدا کرده نتوانست چون قولیچ خان ترك یا اصف جاه که سنی المذهب بوددر دکن وسعادت علیخان ایرانی که از اهل تشیع بود در اوده برای نام اطاعت شهنشاه مغل را تسلیم میکردند ولی درحقیقت آزاد بودند. اما بنگال قاعدتاً مالیه بدهلی می پرداخت.

مرهته های دکن سرعتاً قوت پیدا کرده درگرد ونواح دهلی رسیدند حتی اعلیحضرت احمد شاه ابدالی شهنشاه افغان از پای تخت خود حرکت نموده اولاً سند وپنجاب را فتح کرده وبعد به میدان پانی پت در ۱۷۶۱ مرهته ها را هزیمت کرشکنی داد. شاهان مغلیه قوت خود را باخته دست نگر دیگران بودند حتی انگلیس ها در ۱۸۵۷ بهادر شاه آخرین شهنشاه بی اقتدار مغل را به برما تبعید نمودند.

تاثیرات اسلام درهندوستان، پیش از اسلام جمیع حمله آوران که از خارج داخل هندوستان شدند بسرعت درهندوها منحل شده کاملاً هندو گشتند لکن مسلمانان دین مقدس اسلامی را داخل نموده خداپرستی وعدل ومساوات را رواج دادند، رسومات قبیحه مثل (ستی سوختاندن زن زنده درآتش همراه نعش شوهراو) تقریباً کم کردند، امتیازات قومی هندوها را کاستند.

عمارات بزرگ، پایدار ونهایت جمیل را در سرزمین هندوستان تعمیر نمودند، زبان اردو از اختلاط مسلمانها باهندوها بوجود آمد.

مفکورهٔ وحدانیت خدای تعالی درذهن هندوها از آن موقع پیدا شده معارف را ترقی ووسعت زیاد دادند. وورود اروپائی ها، پرتگیزیها اولین قوم اروپائی بوده که در هندوستان ۱۴۹۸ میلادی آمده، راه تجارت را باز کردند، بعد دچها یعنی هالندیها تفوق جستند، بار انگلیسها وفرانسویها داخل سرزمین هند شده باهم مقاتله کردند حتی انگلیس برهمه اروپائیها تفوق حاصل نمود.

ملکهٔ الیزابت اولاً درسنه ۱۶۰۰ ایست اندیا کمپنی را تاسیس نمود. کپطان هاکنز در دورهٔ انگلیسها: ۱۶۰۸ از شهنشاه جهانگیر برای تعمیر یك تجارتخانه دربندر سورت اجازه گرفت، انگلیس در بحر قوت پرتگالیها ودچها را شکست داده آهسته آهسته تا ۱۶۷۹ تجارتخانهای خود را درسورت، بمبئی مدارس، کلکته، بنگال، قیم کردند اما شهنشاه اورنگزیب از قوت روز افزون وتجاوزات آنها ملتفت شده ازحدود سلطنت خود همه تجارتخانهای انگلیسی را اخراج نمود.

بعد از وفات شاه عالم اول پسر اورنگزیب سلطنت مغل رو بزوال نهاد. و انگلیسها مواضع تجارتی خودرا مکرراً اشغال نمودند.

در سنه ۱۷۵۷ سراج الدوله صوبه دار بنگاله به کلکته هجوم آورده قلعهٔ انگلیسی آنجا را مفتوح نمود و انگلیسها را محبوس و مقتول نمود و مستر کلدیو با یکصده عسکر و جهازات جنگی به غرض انتقام از مدراس آمده میر جعفر سپه سالار سراج الدوله ازین موقع استفاده نموده با انگلیسها خفیةً متحد گردید و سراج الدوله در جنگ اوگلی شکست خورده مقتول شد، و میر جعفر سپه سالار جای اورا اشغال نمود.

شهزاده علی گوهر مغلی که بعد ازان بلقب شاه عالم ثانی معروف گردید بعزم سرکوبی میر قاسم والی جدید بنگال از دهلی روانه و عازم مقابله شد، ولی در عین زمان از فوت پدر خود شنیده بدون مقابله بدهلی برگشته سریر آرای سلطنت شد و با مستر کلدیو هنگام عزیمت از در موافقت پیش آمده به ایست اندیا کمپنی درعوض ادای تادیه سالیانه (۲٤) هزار کلدار سرپرستی مالیه ودیوان بنگاله را تفویض کرد، درین آوان در دکن ۳ حکومت قوی بوی اقتدار داشت:

۱ ـ حیدرعلی میسور ـ ۲ ـ نظام حیدرآباد ـ ۳ ـ مرهته ها.

را گهوناتهه یکی از راجگان مرهته برای حصول تخت پونا از انگلیسها امداد خواست چنانچه انگلیسها مداخلت نموده وحزب مخالف را شکست دادند.

تجاوزات حکومت انگلیسی مدراس، حیدرعلی سلطان میسور، ونظام حیدرآباد را به خصومت و قتال تحریك داد، هر دوشاه مذکور امداد واتحاد مرهته ها را خلاف دشمن اجنبی مشترك خواستند لیکن بواسطهٔ سیاست وران هستنگز نظام حیدرآباد ومرهته غیر جانبدار شدند، باینهم حیدرعلی سلطان میسور بر فوج انگلیسی فتح حاصل کرد. مدراس را محصور نمود حیدرعلی در سنه ۱۷۸۲ وفات کرد و انگلیسها با پسرش تیپوسلطان درسنه ۱۷۸٤ معاهده نمودند.

انگلیسها، نظام حیدرآباد، و مرهته قوت روز افزون سلطان (تیپو) رادیده باهم متحد شده و بوی اعلان جنگ دادند، سلطان تیپو شکست خورد و نصف مملکت خودرا با ۳ ملیون سترلنگ به اتحاد یون تسلیم نمود.

درسنه ۱۷۹۸ لارد ولزلی بهندوستان وارد شده این پالیسی را اختیار کرد که در تمام هند جنوبی باید برطانیه فایق ورؤسای بومی هندوستان زیر حمایهٔ اوباشد، درنتیجه انگلیسها بالای اولشکر کشی کردند، وسلطان تیپو بکمال شجاعت مقاتله نموده شهید گشت، لهذا درتعقیب این نظریه به بعضی راجگان و نواب های آنجا متحد شده طرف مقابل را مغلوب ومجدداً با دیگری موافق شده یکی ازین متحدین سابقه را برمی انداخت تا آخر به تمام حصص هند جنوبی کامیاب گردید، وپس ازین تاریخ دیگر جنرال گورنرها که بروی کار آمدند همین سیاست وطرز عمل را درهند شمالی نیز تعقیب کرد و بلا فاصله بتصرف آن کامیاب گردیدند، مخصوصاً دل هوزی که جنرال گورنر تعین شد این رویه را بانهایت دلچسپی وبجدیت هرچه تمام تر اجرا می نمود. ویکی ازخصوصی ترین طرز تصرف این دل هوزی این بود که هرگاه ازحکمرانان هند شمالی مستقیماً وارث حقیقی نمیماند علاقه اورا متصرف می شد کذا باثر سوء اداره و عدم کفایت حکمرانان محلی نیز حکمران مذکوررا خلع کرده منطقه اورا بتصرف می آورد.

درسنه ۱۸٤۳ چون امیر های سند تحت الحمایه گی را قبول نمی کردند لهذا علاقه سندهه هم درعهد لارد آلن بورو فتح گردیده به سلطنت برطانیه ضم شد.

پنجاب درین آوان تحت تسلط سکها بود، در سنه ۱۸٤٥ سکها دریای ستلج را عبور کرده به علاقه برطانوی حمله بردند، چهار محاربهٔ خونریز بکنار دریای ستلج واقع شده، انگلیسها تلفات زیاد داده بالاخره فتح کردند درسنه ۱۸٤۹ محاربه دومین سکها بوقوع پیوسته وبالاخره سکها شکست خوردند، وپنجاب بسلطنت برطانیه الحاق گردید.

درسنه ۱۸۳۹ انگلیسها ازراه سند وارد افغانستان شده قندهار و کابل وجلال آباد را اشغال نمودند ولی اقوام این سرزمین باتفاق سرداران خود خیلی سختی دفاع کرده تمام قشون برطانی مقیم کابل را قتل وعملکت را از سلطهٔ شان نجات دادند . درسنه ۱۸۵۷ درهند قیام بزرگی مشهور بغزا برضد حکومت برطانی قایم وخسارات هنگفتی بآنحکومت تولید گردید ، ودرهمین سنه ۱۸۵۷ سپاه هندی انگلیسها بهادرشاه آخرین شاه سلاله تیموری را شاهنشاه هند اعلان کرده برای استقلال خودها خلاف انگلیس اقدام نمودند ، ولی بعد ازجنگ یکنیم ساله مغلوب گردیده وشهزادگان مغلیه مقتول وخود بهادرشاه به برما محبوس گردید .

حکومت هندوستان از ایست اندیا کمپنی سلب شده راساً بحکومت برطانیه تعلق گرفت ، وملکهٔ برطانیه قیصرهٔ هند اعلان شد . بعد ازوفات ملکه وکتوریه ایدورد هفتم شهنشاه هندوستان گردید ، ودرین روزها شاه جارج پنجم شهنشاه هندوستان می باشد .

هند پرتگالی

هند پرتگالی از جزیره وعلاقهٔ گوا وجزیرهٔ دیو ودمن که بساحل شرق هند واقع است تشکیل یافته است ومساحه مجموعی آن ۳۸۰۷ کیلومتر مربع ونفوس ۵۷۹،۹۶۹ میباشد .

چنانکه در باب تاریخ مکاؤ وتیمور ذکر نامه است درآخر قرن پانزده پرتگالیها بار اول بساحل هند رسیدند ودر ابتدای قرن شانزدهم باجازت بهادرشاه گجرات ورؤسای محلی برساحل گجرات کاتهیاوار در جزیرهٔ دیو وچند دیگر تجارتخانه ها ومحصن تاسیس نمودند ازان جمله بمبئی بطور جهیز ملکه کتهراین به برطانیه رسید ـ باقی تاحال درتصرف پورتگال ها میباشد .

نوواگوا مرکز حکومت در علاقهٔ گوا برساحل مالابار واقع وازازمنهٔ قدیم درتاریخ مشهور است چنانچه درپوران که کتب مذهبی هندوان میباشد بنام گوواپوری مذکور است ـ اعراب آنرا بنام سنداپور درکتب خود ذکر کرده اند از ابتدای قرن دوم مسیحی تامدت دوازده صد سال روسا خانوادهٔ کدمبا درین سرزمین حکمرانی نمودند ـ ودرسنه ۱۳۱۲ بتصرف مسلمانان آمد که تاشصت سال دراز حکومت نمودند بعد ازان جزو امپراطوری هندو بیجانگر گردید که احوال تجمل وشوکت آنرا عبدالرزاق سمرقندی درکتاب مطلع السعدین درج نموده است بعد ازان ضمیمه سلطنت اسلامی دکن معروف به بهمنی گردید وچون درسنه ۱٤۸۲ تجزیه شد گوا درتصرف یوسف عادل شاه بیجاپور درآمد درسنه ۱۵۱۰ در عهد همین پادشاه پرتگالی ها براین بندر معمور رسیدند که مرکز تجارت هند جنوبی وایران وعربستان وچین بود وجهازات حجاج از همین بندرگاه بحجاز روانه میشدند تجار پرتگالی بدون مقابله داخل شهر شدند لیکن آنرا مملکت مفتوحه قرار دادند ـ یوسف عادل شاه آنها را شکست داد واز شهربدر کرد ولی چند ماه بعد واپس آمدند وتمام اهالی مسلم انجا را ازن ومرد وصغیر وکبیر تهٔ تیغ نمودند در اواخر قرن ۱٦ وابتدای قرن ۱۷ این شهر بکمال شوکت وثروت وعظمت رسید تبلیغ مسیحیت درشرق اغاز گردید اما چون هالندی ها درین کار وارد گردیدند تجارت کم شد (بعد ازین دفعه ها لندی ها ازطرف بحر ومهراته ها ازطرف خشکه برآن حمله آورگردیدند لیکن موضع مذکور را گرفته نتوانستند بالاخره درسنه ۱۷۳۹ با مهراته ها عقد صلح بستند ـ وبعد ازان عروج انگلیسها که حلیف پرتگال اند این خطر را برطرف نموده و تاکنون از طرف حکومت پرتگال بتوسط یک گورنر جنرال اداره می شود .

هند فرانسوی

هند فرانسوی عبارت از چند بنادر متفرقه ایست که در حصص مختلفهٔ هند واقع است . مساحهٔ مجموع آن مساوی ۵۰۸ کیلومتر مربع و نفوس آن عبارت از ۲۸٤٫٤۱۰ نفر بوده و به پنج ناحیه تقسیم یافته است ۱ ـ ماهی ساحل مالابار ۲ ـ کاریکل ۳ ـ پاندیچری ساحل کارومندل ٤ ـ یاناؤن (یانام) بساحل گول کنده ۵ ـ چندرنگر در مملکت بنگال شمال کلکته درکنار دریای اوگلی واقع و مرکز آنها پاندیچری است .

از مقبوضات وسیعهٔ فرانس درهند که (دوپلی) آنرا بتصرف خویش دراورده بود تنها همین بنادریکه ذکر شد باقیمانده وباقی بتصرف انگلیس درامده است .

در سنه ۱٦٦٤ میلادی فرانسویها شرکتی برای تجارت شرق تشکیل نمودند ، شرکت مذکور در سنه ۱٦۷۳ م قریهٔ پاندیچری را خرید اما هالندی ها روزآنرا تصرف نموده ، ودر سنه ۱٦۹۹ واپس آنرا بفرانسه مستردکردند در سنه ۱٦۸۸ در چندرنگر تجارتخانهٔ تاسیس نمودند ، در سنه ۱۷۱۹ م دیگر شرکتهای تجارت خارجیهٔ فرانسه باین شرکت ملحق شده بنام شرکت فرانسوی در هند موسوم وعلاوه از امور تجارت مسایل استعمار نیز باین شرکت محول گردید .

در اثرسیاست متخده ، مامورین فرانسوی درهند با رؤسای محلی راجگان ونوابان متفق شده درحالیکه ریاسات یکی با دیگری در نزاع وکشمکش بودند مصالح سیاسیهٔ خود را سنجیده گاهی طرفداری از یکی و گاهی از دیگری طرفداری می نمودند . وچون انگلیس وفرانسه باهم رقابت تجارتی داشتند هرکدام ازین رؤسا که انگلیس طرفداری می نمود ، طرفداری جانب مقابل را فرانسه می گرفت ، و دربدل طرفداری خود پول یا زمین از آنها حاصل می کرد . زمانیکه انگلیس و فرانسه در اروپا مشغول جنگ می شدند ، شرکتهای طرفین نیز در هند یکی با دیگر می آویختند وطرفداران محلی شان نیز بایشان معاونت می نمود ، و رؤسا در محاربات داخلی خود از فوج شرکتها کار گرفته و دربدل پول ها زمین می دادند ، چنانچه در اثر اینطور محاربات در سنه ۱۷۲٦ م ماهی بتصرف فرانسه درآمد و درسنه ۱۷۳۹ رئیس (تنجور) بندر کاریکل و مضافات آنرا بفرانسه ها بخشید .

زمان اوج فرانسه درهند عهد (دوپ لی) است که در سنه ۱۷٤۲ گورنر جنرال مقبوضات شرکت فرانسوی مقرر گردید و از مناقشات ورثهٔ راجهٔ تنجور نواب کرناتک و نظام الملك اول وجنگهای دول میسور حیدرآباد و مهرته استفاده کرده ویکی از پسران نظام الملك را که فرانسه ازو حمایت می نمود به تخت حیدرآباد دکن بنشاند وعلاقه های وسیعهٔ موسوم به (سرکار) و (کرناتك) را در بدل خدمات برای شرکت گرفت ، در سنه ۱۷٤٦ بر انگلیس غالب آمده مدراس را تصرف نمود ودرسنه ۱۷۵۰ شهر یاناؤن را تاسیس کرد ، وباین ذریعه درتمام جنوب هند نفوذ فرانسه حاوی گردید .

(لبوردونی) از باعث رقابتیکه با دوپ لی داشت او را تنها گذاشته جهازات جنگی را با خود ببرد . و سهمداران شرکت نیز بواسطهٔ مصارف زیادی که دوپلی مینمود ، ناراض گردیده و به خدمات قیمتدار او اهمیت نداده مشارالیه را محبوساً درفرانسه احضار نمودند ، این قدر ناشناسی وتنگ نظری فرانسویها نتیجهٔ وخیمی برای حکومت وملت فرانسه بخشیده منافع مادی ومعنوی ئیکه درهند در اثر تدابیر عاقلانهٔ دوپلی بدست آمده بود ضایع کردند ومقامات جزئیه کاکنون بتصرف فرانسه است آنهم بارها از دست فرانس برامده وباز باو سپرده شده است . چنانچه پاندیچری را از سنه ۱۷٦۳ و باز از سنه ۱۷۷۸ تا ۱۷۸۳ و
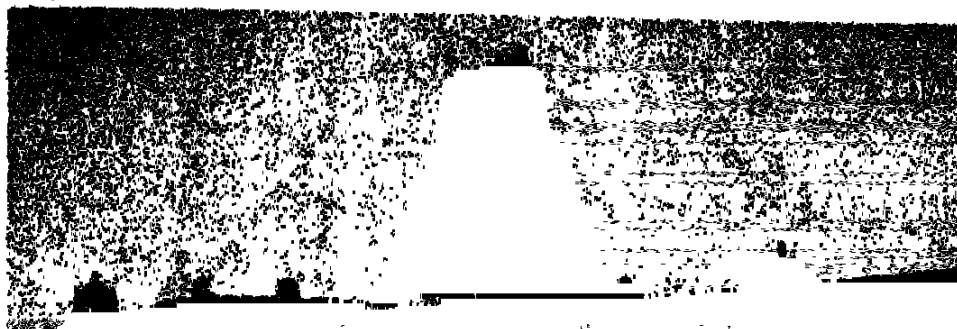
نمونهٔ معماری هند جنوبی « یك عمارت بزرگ در بنارس »

مدرسهٔ فرانسوی درپاندیچری « هند فرانسوی »

بار سوم از سنه ۱۷۹۳ تا ۱۸۱۷ ، و کاریکل را در سنه ۱۸۰۳ و بار دوم در سنه ۱۸۱٤ و ماهی را در سنه ۱۷۶۱ و بار دوم در سنه ۱۷۷۹ و بار سوم در سنه ۱۷۹۳ م انگلیسها متصرف شده و بالاخره بموجب معاهدهٔ سنه ۱۸۱٦ بعد از انهدام تمام استحکامات و بشرط اینکه در آینده استحکامات در آنجا ها بنا کرده نشود بفرانسه گذاشته شده .

یمن

قدیم ترین معلوماتیکه مورخین وجغرافیون یونانی راجع به یمن پیدا کرده اند از قرن سوم قبل از میلاد تجاوز نمیکند ، فقط از روی انجیل همینقدر معلوم میشود که اهالی یمن درقدیم الایام بنام (سب) یا (سبا) یادمیشوند . رومیها ثیست های متعددی را بسواحل این مملکت اعزام کردند ، مردمان حبشه کوشش زیاد نمودند واین خاك را به تصرف خود در آوردند اما در ابتدا موفق نشده فقط در حدود سنه ۵۲۹ میلادی توانستند که آن مملکت را اشغال نمایند . در سنه ٦۰۱ یمنیها خلاف نشدند ومظالم الحبشیانها ازایران امداد خواستند چنانچه فارسیها یمن را بتصرف خود درآوردند به حاکمیت حبشه که عیسویت را درآنجا وارد کرده بودند خاتمه دادند.

درسال دهم هجری حضرت محمد صلعم اولاً حضرت علی کرم الله وجهه و ثانیاً معاذ بن جبل را (رض) برای تبلیغ اسلام باهالی یمن اعزام فرمودند ، پس ازین قسم یمنی ها اسلام را قبول کرده بزیر اداره خلفای اموی وعباسی درآمده تا آنکه درعهد سلسله زیدیه که مدت دوقرن از ۲۰٤ تا ٤۰۹ هجری (۸۱۹-۱۰۱۸) عیسوی حکمرانی داشتند استقلال یافته اما وجود این مملکت به قطعات زیاد تقسیم گردیده ادارهٔ هر کدام بدست یك رئیس محلی افتاد ، صنعا مرکز سلطنت شعبه (صلاحیه) قرار گرفت وسلطنت مذبور بواسطه سلاله (همدانیه) ازبین رفته شاهان موخرالذکر از ۱۰۹۸ تا ۱۱۷۳ دوام کردند ودران تاریخ تمام مملکت یمن به سلسله ایوبیه مصر منتقل گردید این سلسله بواسطه خاندان رسولیه که اولاده یکی از امرای خلیفه عباسی بود منقرض شد .

درسنه ۱۵۱۷ اتراك عثمانی که مصر را فتح کرده بودند به تصرف یمن پرداختند ، قصهٔ این مملکت که بواسطهٔ سلیم اول شروع شده بود بیش از یك قرن دوام نکرد درسنه ۱٦۳۳ امام های ملی برسر اقتدار آمده وترکها مجبور به دست کشیدن گردیدند ، بقسمیکه فقط یك رابطه اسمی تاوقت جنگ عمومی یمن را بترکیه الحاق میداد وپس ازانقراض سلطنت عثمانی آزاد شد .

خاندان شاهی : شاه حاضره جاجه حمیدالدین المتوکل امام یحیی نام دارد که در سنه تولد شده و پسر امام محمد است (مسلمان سعیدی)

اولاد :

۱ ، الهادی محمد سیف الاسلام ولیعهد سلطنت است.
۲ ، شهزاده حسن .
۳ ، شهزاده حسین .
٤ ، « علی .
۵ ، « کاظم .
٦ ، « مطهر .
۷ ، « عبدالله .
۸ ، « ابراهیم .
۹ ، « اسمعیل .
۱۰ ، « جاجه .

نگارش جناب فاضل جلال الدین احمدخان

نظری به آسیا

آسیا بزرگترین قطعه عالم بوده و بواسطهٔ آنکه در شرق شمالی دنیای قدیم وقوع یافته بنام شرق نیز معروف است .

این براعظم شمالاً وجنوباً از ۷۵ درجه عرض بلد شمالی الی ۱۰ درجه عرض بلد جنوبی واقع گشته ، غرباً ، شرقاً از ۲۶ الی ۱۹۰ درجه طول بلد مشرق امتداد یافته است . مساحهٔ آن مساوی (۴۱٫۶۰۰٫۰۰۰) کیلومتر مربع (که تقریباً ثلثی ازعالم مسکون را تشکیل می نماید) بوده ، دارای (۱٫۰۶۷٫۰۰۰٫۰۰۰) نفوس است که بیشتر ازنصف نفوس روی عالم باشد .

جناب فاضل جلال الدین احمدخان عضو تحریری انجمن ادبی که در سالنامهٔ کابل کمک شایانی نموده‌اند

براعظم ایشیا خیلی وسیع واز آن رو آب وهوای آن اختلافاتی بهم رسانیده ، باعث تکون وپیدایش نباتات وحیوانات متنوعه گردیده است . آسیا از حیث جبال وقلل شامخه ، سطوح مرتفع ، میدان های وسیع حاصلخیز ودشتهای غیر مزروع ، بیابان وریگزار های سوزان ، جزائر سرسبز وشاداب ، بحیره های وسیع وپهناور وبالاخره بواسطهٔ سدراو برفستان های شمالی خود درعالم بی‌نظیر بوده وبرسائر براعظم‌های دنیای قدیم وجدید برتری ومحاسنی را حائز ودارا است .

چنانکه همالیه در بین جبال ، قلهٔ ایورست در بین قلل شامخه ، سطح مرتفع تبت دروسط سطوح مرتفعه ، بحیره خزر درردیف ابحار داخلی ، میدان سایبریا از حیث وسعت ، بحیره مردار ونواحی آن از رهگذر شوری آب وپستی زمین ، میدان گنگا وهوانگ هو ازنقطهٔ زرخیزی ، جزیره نمای عرب درقطارجزیره‌نماها از سبب بزرگی ، یاکستک از حیث سردی در صف نقاط مسکونه ، نواحی شرق اردن بواسطهٔ گرمی خود وجرایو یجی از کثرت باران هریك تشخص وامتیاری دارند که بهیچ صورت از آن نمی توان انکار کرد .

برعلاوهٔ آنچه ، مهبط ابوالبشر سیدنا آدم علیه السلام بوده ، وسفینهٔ آدم ثانی نوح علیه السلام نیز درخاك آسیا برروی زمین قرار یافت وتحسین منبع وسرچشمه تهذیب وتمدن شمرده میشود که بعد ها سائر قسمت های دنیا از آن سرمشق های عبرت گرفته ، مستفیض ومنور گردید

خطوط واعداد مروجهٔ کنونی عالم والسنهٔ مهمه نیز ازین سرزمین آغاز ظهور نموده ، مهد وپرورشگاه انبیای جلیل القدر ورهنمایان معروف بشریت تسلیم گشته است .

بزرگترین نژاد های عالم ، سفید پوستها وزرد پوستها ازینجا ظهور نموده ، قدیمترین و بزرگترین کتب سماوی وآبدات تاریخی درهمین خاك نزول وتاسیس یافته اند ، حیوانات اهلی بدون استثنا کاملاً درین قطعه انس گرفته پرورش یافته وبعدها بسائر نقاط عالم پراگنده ومروج گشت . همچنین مزرع اصلی نباتات ، اثمار وحبوبات ماکوله متداول درعالم نیز آسیا بوده ، کشت وکار وطرز استعمال هریك را سائرین از اهالی این سرزمین بیاموختند ، وچنانکه گفتیم آسیا نه تنها درازمنهٔ قبل از تاریخ بلکه درادوار بعد از تاریخ نیز همیشه ومتمادی مبدأ دیانت ، اخلاق ، زراعت ، فلاحت ، صنعت ، حرفت ، تجارت وبحر پیمائی وفنون حرب وکشورکشائی علم وهنر ، تهذیب وبالاخره سرچشمهٔ تمدن بوده وبرسائرنقاط عالم سمت استادی وپیشوائی‌را احراز نموده‌است .

وطن عزیز ما افغانستان در قلب این قطعهٔ بزرگ واقع گشته از حیث تاریخ سابقه درخشان ، یادگار وخاطرات مشعشع وقیمت داری را حائز است . چنانکه از شش هزار سال پیش بلکه افزونتر

زان اهالی این دیار که عبارت از اسلاف بزرگوار افغان باشد مهاجرت اختیار کرده، تمدن سومیریها را بعراق و تمدن (موهنجودیرو) را در وادی سند تاسیس نمودند که تقریباً از لحاظ طرز و اسلوب تمدن واحدی بوده، ومیتوان گفت که در عصر واحدی هم تشکیل یافته است.

آریه ها از ین سرزمین برخاسته ایران، هندوستان و اوروپا را معمور وآبادان ساختند.
فاتحین و کشورکشایان بزرگ عالم اکثر ازین مملکت بوده، ویا بطور مسافرت وتاخت وتاز ازین سرزمین عبور کرده اند.

خلاصه اگر بگوئیم که تاریخ آسیا عبارت از تاریخ مجمل عالم بوده و تاریخ افغانستان مجمل از تاریخ آسیا است بجا گفته خواهیم بود.

مدنیت آسیا بسی قدیم بوده، علایم و شواهد بسیاری ازین مدنیت پرشکوه موجود است آثار نفیسهٔ که مدنیت قدیمترین وصنایع (٦ هزار سال قبل) آسیا را نشان میدهد دراثر کاوشها و حفریات ازبلاد قدیمهٔ سند ودجله بدست آمده است، اگرچه دربین بلاد سند ودجله بعد ومسافهٔ زیادی است. اما آثار عتیقه ئیکه ازین ممالك کشف گردیده باهم شباهت تامی دارند، اگرچه بناهای این دو مملکت در حصص میدانی تعمیر گردیده و در اطراف آن تاچندین کیلومتر بجز میدانهای وسیعهٔ خاکی دیگر چیزی بنظر نمیآید مگر چون درتزئینات سنگ لاجورد بکار برده اند. چنان مینماید که اهالی آنجاها اصلاً از مملکت کوهستانی مشجری بنیادیار رحت اقامت کشیده باشند و نیز از ابنیه ومعابد وقبور آنها این مطلب بخوبی واضح میشود اهالی این ممالك فلز طلا ومس را گداز میکردند. خشت پزی، حجاری، کلالی، زرگری مس گری داشتند از همه گذشته دارای فنون حربی هم بودند،

یگانه مملکت کوهستانی ئیکه بین این دو مملکت واقع ودارای معدن مهم لاجورد است مملکت افغانستان بوده وعقیدهٔ اکثر علما اینست که اهالی کوهستانی افغانستان باید بار رفته وتاسیس مدنیتی نموده اند. واین آثار مدنیت ششهزار سال قبل ظاهر میسازد که افغانستان قبل از ان دارای تمدن وشوکت بوده واهالی آن در دیار مجاور نیز مدنیت خویش را نقل داده و رمغان برده اند

سامی ها از سومیریهائیکه از مملکت کوهستانی رفته و در غرب آسیا دارای مدنیت بودند کسب تمدن نموده اند سومیریها هزارسال باکمال مدنیت وشوکت حیات بسر برده بعد ازان رو بانحطاط گذاشته، وسامی ها که از سومیریها اخذ مدنیت نموده بودند چهار هزار وپنجصد سال قبل از ین جای ایشان را گرفته وبابل را مرکز قراردادند.

پنجصد سال بعد ازان اهل عیلام بابل را فتح کرده مدنیت وزبان ملت مفتوحه را اخذ نمودند، سپس از ان سه هزار سال قبل از ین دورهٔ آشوریها شروع شد و٦٠٦ ق م درفارس سلطنتی عظیم بنایافته شوکت بابل ونینوا را درهم شکست.

از وسط آسیا چهار هزار سال قبل اصناف آرین ها از مملکت باختر (بلخ) وسغد که از وادیهای سر سبز وخرم وآباد دنیا بود بطرف جنوب مشرق بهند وبطرف مغرب با یران وبطرف شمال مغرب باوروپا مهاجرت نموده اند واین مهاجرت صد ها سال دوام ورزیده است.

آبا واجداد چینی های امروزه از وسط آسیا تقریباً پنجهزار سال قبل ازین درچین (شرق آسیا) رفته ودر (هوانگو) رحل اقامت افگنده وبتاسیس قدیمترین دولتی که (چین) تا حال وجود دارد پرداختند ومدنیت ایشان تا کوریا وجاپان رسید.

در جنوب آسیا در هند قدیمترین تمدنیکه بما معلوم شده در سند بوده، وآثاری ازآنجا کشف گردیده که تمدن آنرا بما نشان داده است چنانچه قبلاً به ذکر آن پرداختیم. درزمانیکه سند دارای تمدن بود در جنوب وسطی هند اقوام وحشی (منده) زندگانی داشتند که نسل آنان تاحال بنام بهیل وسنتال وغیره موجود است.

دین اسلام به هر مملکت و هر قطعهٔ دنیا که رسیده است ، رسم الخط ، زبان عرب و سبك مخصوص را در صنایع با خود برده است .

حصهٔ را که ملل باختری در تاریخ آسیای وسطی گرفته اند بیشتر آن به امور حربی و مهاجرت تعلق دارد زیرا در ملل باختر عادتی بود که در هر حصهٔ آن که اثری از جنگ و جدال پیدا می شد ، اقوام دور و نزدیك بآنجا اجتماع نموده متفقاً بحمله و حرب می پرداختند ، مثلاً در ظرف این دو هزار سال چندین دفعه اقوام باختری و آسیای وسطی بر ممالك بعیده تاخت و تاز آورده و بواسطهٔ شجاعت خود بر ممالك متصرف و دولت وسیع تشکیل میدادند ، اما از باعث قلت افراد نتوانستند آنرا مدتی حفظ نمایند . اگر بعد از زمانی باز اقوام خود شان در ممالك مفتوحه هجوم میآوردند از مدافعهٔ آنها عاجز می آمدند

اگر چه سلطنت ملل باختر دوام دار نمی بود ولی چون سلطنت وسیع تشکیل می یافت ، علما ، تجار ، صنعتگر و سیاح بسهولت از یك سر مملکت تا دیگر سر آن رفت و آمد پیدا میکردند و ازین واسطه زمینهٔ مساعدی برای تبادل افکار و نقل تمدن تهیه میگردید

در از منه قبل التاریخ اهالی آسیا در افریقا و اروپا حتی در امریکا در ها نفوذ یافته اند ، اروپا و افریقا اگرچه در آسیا نفوذ یافته اند ، ولی نفوذ آنها موقتی بوده ، چنانچه هکسوس و آتوری ها ، عربها و عثمانیها ، بر مصر ، فنیقی ها بر کارتج و آریاییها و اوارها و مجارها و هونها و تلغارها و عربها و مغلها و اتراك وغیره به اروپا هجوم برده و ممالك افریقا و اروپا را تصاحب و در آنجا سکونت اختیار نمودند که چنانچه تا حال نسل ایشان در آنجاها باقیست . بالمقابل مصریها بسوریه ، و اهل حبشه بر یمن ، یونانی ها و سکندر کبیر و رومی ها به آسیای غربی و در ایام جنگهای صلیبی قوای تمام دول مسیحی اروپائی بر فلسطین هجوم آوردند ، تا هنگامیکه طریق آب و ذهاب خشکه بود آسیا بر قطعات دیگر غالب ، اگر قطعات دیگر به آسیا قدم می نهادند فتوحات شان موقتی می بود .

در سنه ۱۴۹۸ م واسکو دیگاما دریا نورد پرتگالی از راهٔ بحر ساحل هند قدم نهاد و بعد از ان اتباع سایر دول بحری اروپا از قبیل پرتگال ، هسپانیا ، هالند ، فرانس ، برطانیا از پی یکدیگر بنام تجارت وارد ممالك آسیای جنوبی و شرقی گردیدند و در امور تجارت از آسیائیان غالب می آمدند . پس از منازعات و مناقشات داخلی استفاده برده نفوذ خود را توسعه دادند و ممالك را در تحت سلطه و تصرف خویش در آوردند . بعد از ان بین ممالك اروپائی رقابتهای در مسایل آسیا پیدا شده پرتگال اکثری مقبوضات خود را از دست داد مقبوضات هسپانیا در قرن ۲۰ بتصرف جماهیر متحدهٔ امریکا در آمد هالندیها مقبوضات هندی و سیلون و هندچینی خود را به انگلیسها باختند ولی در جزایر شرق الهند توسیع یافتند . فرانسویها از هند منصرف گردیده هند چینی را قبضه نمودند . و بعد از جنگ عمومی جزو اعظم سلطنت عثمانی از و مجزا شده تحت انتداب فرانس و انگلیس قرار گرفت . بطرف شمال روس از راهٔ خشکه سایبیریا و حصص شمالی آسیای وسطی را آهسته آهسته متصرف شده ، و از باعث قلت اهالی و ضعف آنها بدون مشکلات بر آنجاها مالك گردید ، ولی چون در شرق اقصی بادولت جاپان مقابل شد ، شکست فاحش یافت .

در قرن ۱۹ دول مهمهٔ اروپا آسیا را لقمهٔ چرب و شیرین و لایق نموده پنداشته خیالاتی در باب فرو بردن آن در سر داشته و آنرا بین خود تقسیم می نمودند ، اما درین وقت آثار نهضت در آسیا پیدا شد خلاصه در اواخر قرن ۱۹ جاپان رو بترقی محیرالعقول نهاده در مدت قلیلی هم سر و هم قطار دول بزرگ و مقتدر عالم گردید . و چنانکه گفتیم در سائر ممالك آسیا حس نهضت علم بر افراخته و پیش از همه در سال ۱۹۱۹ افغانستان استقلال کامل خویش را حاصل نمود بعد از ان ایران و سیام از حلقه های اثر خارج و امتیازات و مداخلات روپائیها یك یك خود را نجات و رهائی بخشیدند و درین اواخر عراق نیز مستقل شناخته شد ، در سال حاضر سفیر نیپال بدربار لندن پذیرا شد و رو بهم رفته هند جاوا جزائر شرق الهند ، سوریه ، فلسطین نیز خواهان آزادی گشته و از اجانب برخی از حقوق خود را گرفته و در عقب اختناق افتاده اند . حتی و لایات امپراطوری سابق چین نیز برای استقلال خویش مجاهدت ورزیده حکومات علیحده تشکیل داده اند .

بحر منجمد شمالی
مغولستان
ایران
خلیج بنگال
آسیا

تقسیمات وقت

در دنیای کنونی معیاریکه برای تقسیمات وقت مقبول افتاده ، عبارت است از مدت گردش ظاهری ثوابت که علما آنرا یوم نجومی مینامند، وهکذا گردش ظاهری آفتاب ازدایرهٔ نصف النهار تاوصول به‌نصف‌النهار مذکور) مطابق نظریهٔ عامه روز شمسی (یکروز و شب) تعبیر کرده میشود .

ولی ناگفته نماند ، که بقرار نظریهٔ علمای این فن بهر یك از ایام مزبور (خواه شمسی باشد خواه نجومی) نمی توان عدم تفاوت را قائل شد .

به عبارت دیگر هریك از ایام شمسی و نجومی مذکور به نسبت ایام دیگر (از هم قسمان خود) یکفرق وتفاوت خفیفی را دارا بوده ، یکی به نسبت دیگری کوتاه ودراز میشود ، واز آن باعث است که اوسط ایام مذکور را در نظر گرفته وآن را بفرض حساب وتعیین وقت یکروز قرار داده اند . وفرق و تفاوتی که زوال حقیقی (یعنی هنگام وصول آفتاب به نصف النهار) وزوالی که از روی ساعت ظاهر میشود در حالت انتهائی عبارت است تقریباً از ۱۶ دقیقه که تفاوت مذکور را (معادل وقت) می نامند .

از آنجائیکه روز بدوقسم (روز نجومی و روز شمسی) تقسیم یافته لذا براساس آن سال نیز بردوقسم میباشد سال نجومی وسال شمسی .

روز شمسی را که عبارت از واحد قیاسی سال شمسی است به (۲٤) قسمت تقسیم نموده ، هرواحد آن را ساعت نامیده اند .

و هرساعت را به (٦۰) قسمت منقسم کرده برای هریك آن دقیقهٔ و هکذا دقیقه رابه (٦۰)تقسیم نموده برای هرواحد آن ثانیه گفته میشود ، وروی‌هم‌رفته یکسال شمسی متساوی ومرکب از (۳٦٥) روز ٦ ساعت و ۹دقیقه ٦ و ۹ ثانیه است .

وقت معیاری

چون زمان عبورآفتاب ازنصف النهارهای مختلف باوقات مختلفه صورت میگیرد . همان است‌که وقت مقامی هرنقطه نیز به‌نسبت نقاط دیگر اختلاف داشته ،درهر درجه ازخطوط طول بلد (٤) دقیقه تفاوت و فرق مینماید . بواسطهٔ مشکلاتی که در امور مخابرات ازین سبب رومیداد ، مجبوراً برای تسهیلات و رفع تکالیف مذکوره ازوقت‌مقامی صرف نظر ودرهرمملکتی ازممالك یکی‌ازنصف النهارهای آنرا اختیارکرده ، از روی آن وقت‌معیاری را معین‌نمودند .

قبل ازین برای تعیین اوقات معیاری به خطوط نصف‌النهار مراکز (پای تخت ها) ممالك مختلفه اعتبار داده میشد، ولی امروز بنابر تعمیم مخابرات بی سیم وپرواز های طیارات که اوقات معیاری سابقه درینباب نیز مشکلاتی تحمیل می نمود . همان است که برای رفع آن از فرق وتفاوتهای جزئی نصف‌النهار های مراکز مختلفه ممالك همجوار (که کمتر از یکساعت باشد) نیز صرف نظر شده ، از برای همه آن چند مملکت وقت معیاری واحدی تعین کرده شد . مثلاً در زمان سابق نصف‌النهار لندن علیحده وازپاریس وبروکسل ، میدرید وازبن هریك جداگانه بوده ، وتفاوتهای جزئی از قبیل ٥ دقیقه و ۱۰ دقیقه دراوقات معیاری آنها مشهود بود . ولی امروز از تفاوت همه آنها چشم پوشیده ، وقت معیاری نصف النهار رصد خانه گرینویچ ازبرای جمیع آنهاوقت معیاری واحدی قرار داده شد .

جدول اوقات معیاری بلاد مشهوره عالم

هنگامیکه در کابل ساعت ۱۲ زوال می باشد ساعت های ممالک مختلفه اوقات ذیل را نشان میدهند :

شهر	مملکت	دقیقه	ساعت
آتن	یونان	۳۰	۹
استانبول	ترکیه	۳۰	۹
اسکندریه	مصر	۳۰	۹
آکلیند	نیوزیلند	۰	۱۹
الجزیره	الجزائر	۳۰	۷
امرتسر	هند	۰	۱۱
امستردم	هالند	۵۰	۷
انقره	ترکیه	۳۰	۹
اوسلو	ناروی	۳۰	۸
برلین	جرمنی	۳۰	۸
بغداد	عراق	۳۰	۱۰
بلفاست	آئیرلیند شمالی	۳۰	۷
بمبئی	هند	۰	۱۳
بنکاک	سیام	۳۰	۱٤
بوداپست	هنگری	۳۰	۸
بوینوآیرس	برازیل (امریکهٔ جنوبی)	۳۰	۳
برسلز	بلجیم	۳۰	۷
پاریس	فرانسه	۳۰	۷
پشاور	هند	۰	۱۹
تمبکتو	افریقه غربی فرانسوی	٤۰	۷
جنوا	سوت زرلیند	۳۰	۸
دانسیج	دانزیك	۳۰	۸
دبلن	آیرلیند	۳۰	۷
دمشق	سوریه	۳۰	۹
دهلی	هند	۰	۱۳
دین ور	متحدهٔ امریکای شمالی	۳۰	۰
روما	ایطالیه	۳۰	۸
سان فرانسسکو	جماهیر متحدهٔ امریکای شمالی	۳۰	۲۳
ستاکهالم	سویدن	۳۰	۸
سدنی	استریلیا	۳۰	۱۷
سنگاپور	ملایا	۳۰	۱٤

شانگهای	چین	۳۰	۱۵
شیکاگو	جماهیر متحده امریکای شمالی	۳۰	۱
قاهره	مصر	۳۰	۹
کراچی	هند	۰	۱۱
کلکته	بنگال هند	۲۳	۱۳
کوپن هیگن	دنمارک	۳۰	۸
کیپ تاؤن	افریقهٔ جنوبی	۳۰	۹
لاهور	هند	۰	۱۱
لندن	انگلیند	۳۰	۷
لزبن	پرتگال	۳۰	۷
ماسکو	روسیه	۳۰	۹
مانیلا	فلپائن	۳۰	۱۵
مکسیکو	۰	۳۰	۱
مکه معظمه	حجاز	۳۰	۹
میدرد	هسپانیا	۳۰	۷
نیویارک	متحدهٔ امریکای شمالی	۳۰	۲
وارسا	پولیند	۳۰	۸
واشنگتن	متحدهٔ امریکای شمالی	۳۰	۲
ونکودر	کینیدا	۳۰	۲۳
ویانا	استریا	۳۰	۸
وینیپک	کینیدا	۳۰	۱
هانگ کانگ	چین	۳۰	۱۴
هاوانا	کیوبا	۳۰	۲
هونولولو	جزائر هوائی	۰	۲۱
(یوروشلم) بیت المقدس	فلسطین	۳۰	۹
یوکوهاما	جاپان	۳۰	۱۶

نوت:- ساعات ۱۳ و ۱۴ و ۳۰ دقیقه تا ۱۵ و ۳۰ دقیقه که در جدول نشان داده شده ساعات یک ودونیم وسه ونیم بعد از ظهر است. و ساعات ۲۱ و ۲۳ و ۳۰ دقیقه ساعات ۹ و یازده ونیم شب است

مسکوکات خارجه

در سال گذشته اسم و اصناف مسکوکات دول دنیا درج شده بود. چون تجار ما با اکثر ممالک عالم روابط تجارتی داشته و مبادلهٔ پول و غیره می نمایند لهذا برای سهولت مسکوکات دول به مسکوکات افغانی تطبیق داده شده. برای اینکه قیمت ها همیشه تغیر می یابد درین جدول نرخ ماه میزان (اول اکتوبر) را اعتبار داده شد.

اسم مملکت	اسم سکه	معیار	قیمت بافغانی: پول	قیمت بافغانی: افغانی	ملاحظات
آستریا	شلنک	طلا	۴۱	۱	
اتحادجماهیرشوروائیهٔ اشتراکیه	چرواس	»	۴۶	۵۱	
ارجنتائن	پیسو		۶۵	۹	عموما پول کاغذی رواج دارد پیسوی کاغذی مساوی است به ۲۹ر۲ افغانی.
استونیه	کرون	»	۶۸	۲	
ایران	ریال	»	۴۹		
ایطالیا	لیر	»	۵۳		
ایکوادور	سوکر	»	۰	۲	
بلجیم	بلگا	»	۳۹	۱	فرانك کاغذی مساوی است به ۲۸ پول.
بولیویا	بولیویانو	»	۶۵	۳	
برازیل	ملرائس	»	۴۶	۰	پول کاغذی رواج دارد ملرایس کاغذی مساوی است به ۲۰ر۱ افغانی.
برطانیه	پوند			۴۶	پوند کاغذی رواج دارد پوند طلا (۵۰ر۷۶ افغانی) مساوی است
بلغاریه	لیو		۷		
پاناما	بالبوا			۱۰	
پاراگوی	پیسو	»	۶۵	۹	
پیرو	سول		۸۰	۲	
پولند	زلوتی	»	۲	۱	
پرتگال	اسکودو		۴۴		
ترکیه	لیره (طلائی)	»		۴۴	لیرهٔ کاغذی مروج است که قیمت نازل دارد.
جرمنی	رایشمارك	»	۵۸	۳	
جاپان	ین		۹۸	۴	
چیلی	پیسو		۲۲	۱	
چین	دالر	نقره	۸۲		
چکوسلواکیه	کرون	طلا	۲۹		
دنمارك	»	»	۶۸	۲	
دومینیکا	دالر	»		۱۰	
رومانیا	لیو	»	۶	۰	

اسم مملکت	اسم سکه	معیار	قیمت بافغانی پول	قیمت بافغانی افغانی	ملاحظات
سالوادور	کولون	»	۰	۵	
سیام	باهت	»	۴۲	۴	
سنگاپور	دالر	»	۶۸	۵	
سویدن	کرون	»	۶۸	۲	
سوئزرلیند	فرانك	»	۹۳	۱	
فنلاند	مارکا	»	۲۵	۰	
فرانسه	فرانك	»	۰	۵۸	
فلپائن	پیسو	»	۰	۱۵	
کانادا	دالر	»	۰	۱۰	
کولمبیا	پیسو	»	۷۳	۹	
کوستاریکا	کولون	»	۶۵	۴	پول کاغذی رواج داردکولون کاغذی مساوی است به۰،۰۵ر۲ افغانی
کیوبا	پیسو	»	۰	۱۰	
گواتمالا	کوئزل	»	۰	۱۰	
لاتویه	لات	»	۹۳	۱	
لایبریا					سکهٔ برطانوی مروج است .
لیتوانیه	لیتاس	»	۰	۱	
مصر	جی	»	۰	۷۰	
مکسیکو	پیسو	»	۹۹	۴	
نیدرلاندز	گلدار(فلورین)	»	۲	۴	
نیکاراگوا	کاردوبا	»	۰	۱۰	
ناروی	کرون	»	۶۸	۲	
وینزویلا	بولیوار	»	۹۳	۱	
هائیتی	گورد	»	۰	۲	
هاندوارس	لیرا	»	۰	۵	
هانگری	پنگو	»	۷۵	۱	
هند	روپیهٔ کلدار	»	۶۰	۳	
هند چینی	پیاستر	»	۹۲	۳	
هسپانیه	پسیتا	»	۹۳	۱	
یوروگوی	پیسو (طلائی)	»	۳۴	۱۰	پیسوی کاغذی مروج است که قیمت نازل دارد .
یوگوسلاویا	دینار	»	۱۷٫۵		
یونان	دراکمه	»	۱۳		

و مقیاسات، اوزان، مقادیر ومسکوکات جاپان

مقیاسات اوزان ومقادیر ومسکوکات جاپان وتطبیق آن با مقیاسات واوزان ومقادیر ومسکوکات افغانی :

نوع مقیاس	اسم جاپانی	تطبیق آن به مقیاسات افغانی	
طول	ری	۳،۹۲۷۲۷	کیلومتر
	ری (بحری)	۱،۸۵۳۱۸	«
	ری (مربع)	۱۵،٤۲۳٤۷	مربع کیلومتر
مساحت	سوبو	۳،۳۰۵۷۹	مربع متر
	تان (مساوی ۳۰۰ سوبو)	۹،۹۱۷٦۳	آر
	چو (مساوی ۱۰ تان)	۰،۹۹۱۷۳۵	هکتار
حجم	شو	۱،۸۰۳۹۱	لیتر
	تو (مساوی ۱۰ شو)	۱۸،۰۳۹۱	
	کوکو (مساوی ۱۰ تو)	۱۸۰،۳۹۱	هکتولیتر
وزن	مومه	۳،۷۵	گرام
	کین (مساوی ۱٦۰ مومه)	٦۰۰	«
	کوان (مساوی ۱۰۰۰ مومه)	۳،۷۵	کیلوگرام
حجم مجهزات	کوکو	۰،۱	تن
مسکوکات	سن	۸	پول
	ین (۱۰۰ سن)	٤،۹۸۲	افغانی

علاوه بر این مقیاسات متری در جاپان رواج دارد که در تجارت خارجه عموماً استعمال می شود.

احصائیۂ گوسفند ممالک عالم
آسترلیا
١٠٦,٣٨٠,٠٠٠
اتحاد جماہیر اشتراکیۂ شورائیۂ
٨٩,٨٦٠,٠٠٠
جماہیر متحدۂ امریکا
٥١,٩١٠,٠٠٠
ارجنٹائن
٤٤,٤١٠,٠٠٠
اتحاد افریقای جنوبی
٣٥,٨١٠,٠٠٠
جزائر برطانیا
٢٨,١٨٠,٠٠٠
نیوزیلاند
٢٤,١٨٠,٠٠٠
ہند
٢٢,٠٩٣,٠٠٠
یوروگوی
٢٠,٥٦٠,٠٠٠
رومانیا
١١,٩٢٠,٠٠٠
باقی ممالک
١٦٠,٧٦٠,٠٠٠
ایطالیا
٩,٩٠٠,٠٠٠
افغانستان
٤,٩٨٠,٠٠٠

احصائیۂ اتوموبیل سازی سالانۂ ممالک عالم
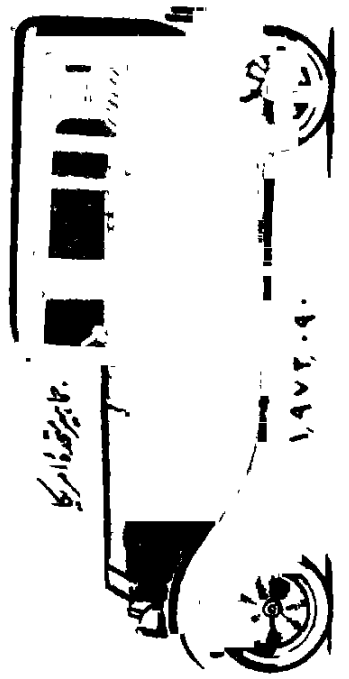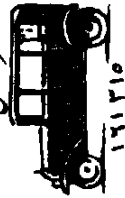
احصائیۂ گاو ممالک عالم

فابریک های نخ‌تابی ممالک عالم

بحساب مشله
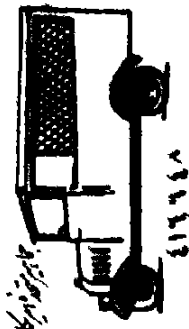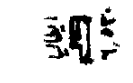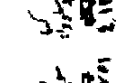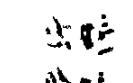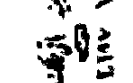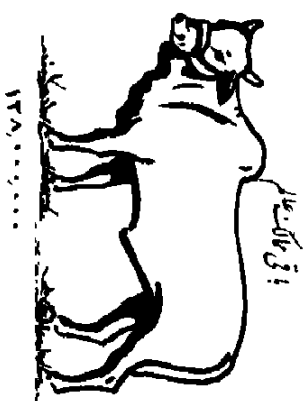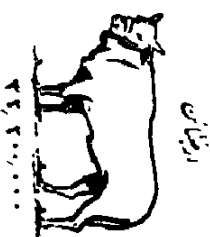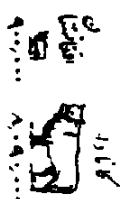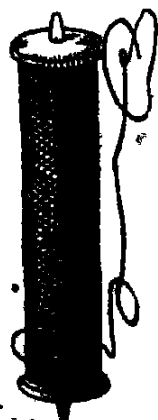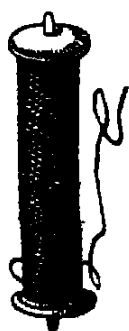
برطانیا	۵۱,۹۰۸۰,۰۰۰	مشله
جماهیر متحدهٔ امریکا	۳۱,۷۰۹,۰۰۰	»
جرمنی	۱۰,۲۳۳,۰۰۰	»
فرانس	۱۰,۱۴۴,۰۰۰	»
جاپان	۷,۷۹۸,۰۰۰	»
هند	۳,۳۱۲۰۰۰	»
افغانستان در شرف تأسیس است		
باقی ممالک عالم	۳۹,۹۱۲,۰۰۰	»

جہازات تجارتی ممالک عالم

بحساب ٹن
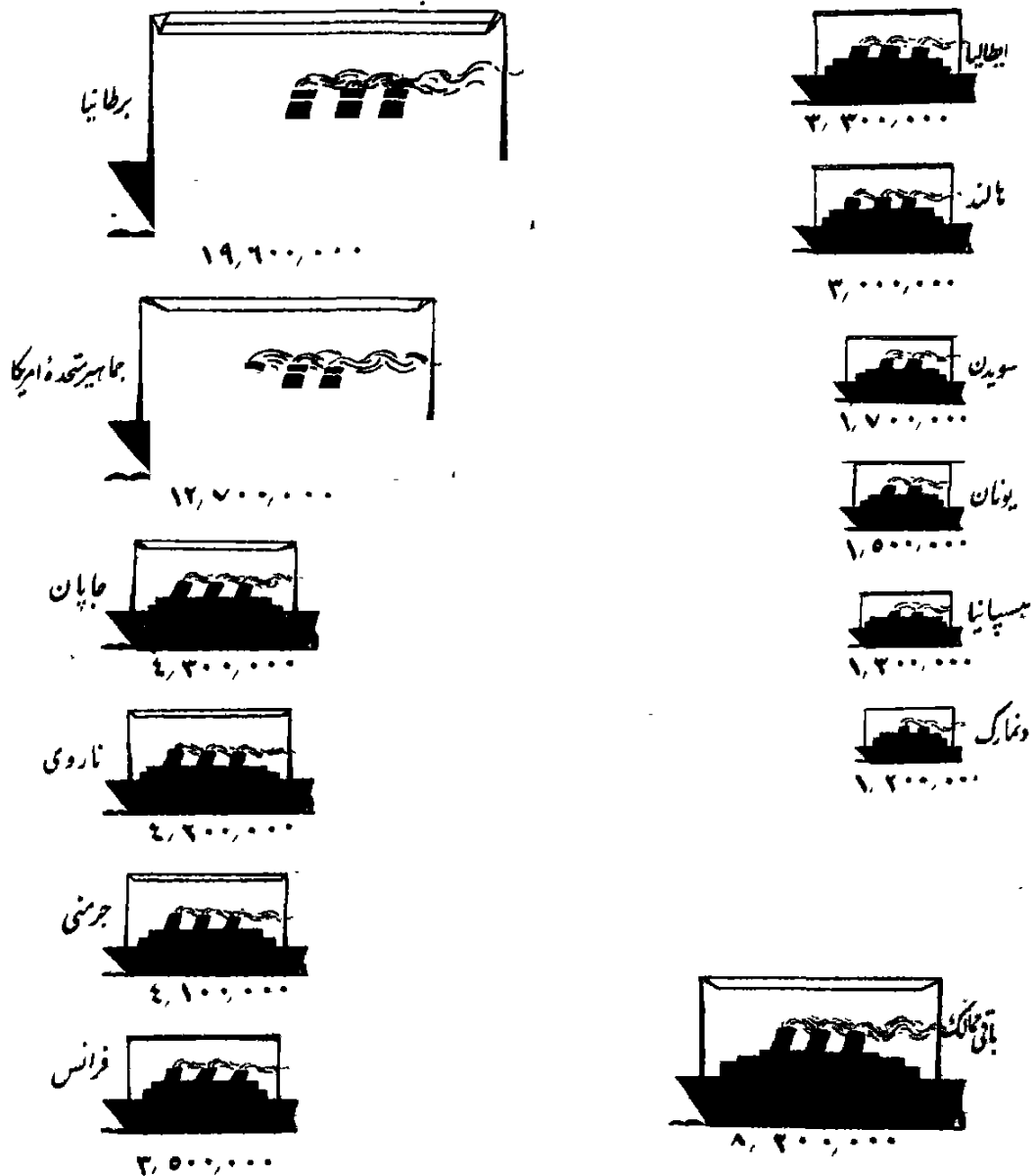
دستگاہ تیلفون ممالک عالم

بحساب فی صد نفر

زهریات و جلوگیری از تأثیر آنها

برای جلوگیری از تأثیرات جانسوز سمیات وعواقب وخیمهٔ آن، از همه بهتر اول آنست که مراجعت به داکتر کرده شود، درصورت عدم دسترس بداکتر لازم است که مطابق هدایات ذیل در پرستاری مسموم کوشش بعمل بیاید.

اطلاعات راجع به مسمومین. عموماً اوضاع مسمومین از دوحال خالی نبوده دیده شود که آیا شخص مسموم اتماً بیهوشی طاری شده، یا اینکه بحالت اصلی خود که کان بهوش است. درصورت دومی مراعات وتعمیل هدایات ذیل ضروری است:

۱ - از همه بیشتر برای مسموم اشیائی خورانده شود که زهر بواسطهٔ تحلیل در آب، قلیت مشاهده در تاثیرات آن تحقیق بعمل آید.

۲ - مسموم را باستفراق وبقی آوردن.

۳ - درصورت ممکن اشیائی به مسموم خورانده شود که در معده از تحلیل سم در آن چنان کیمیاوی یک ترکیبی بوجود آید، که از قطعی حل شدن سم در معده جلوگیری نماید

ولی خوشبختانه بیکصورت هر دو مقصد اول را حین حصول میتوان زد که اول مسموم را تقدار زیادی آب شیرگرم اگر ممکن باشد صابون یا نمك آمیخته خورانده شود، و در صورت عدم دسترس باشیاء مذکور تنها آب شیرگرم نیز کافی است، چه از اثر در کاسباب بطور کافی خوردن آب شیرگرم بوده، وطریق استعمال آن چنین است: اولاً باید ۳ و ۴ گیلاس (متوسط) از آب شیرگرم بمسموم خورانده، به انتظار استفراق آن بود تا قی نماید. واگر در ۳، ۴ گیلاس استفراق وقی نیاید، ضروریست که تا قی نمودن مسموم به خوراندن آب شیرگرم دوام داد چه آب شیرگرم خود بیرمقی بوده، هرقدریکه خورانده شود بهمان اندازه در قی کردن تسهیلات پیش می شد. وعلاوه بواسطهٔ فروبردن (پر) درگلو نیز میتوان تولید استفراق (قی) نمود

معلومات خصوصی راجع بسمیات معروف

۱: آرسنیك:

(سنکیا یا سم الفار) بطور خالص وبدون ترکیب جزی می باشد، واینکه بصورت غیرمستقیم درزهرموش (عبارت از ادویه‌ای است که برای کشتن موش بکار برده میشد) در زهر ملخ (ادویه که برای کشتن ملخ استعمال میشود) و در رنگ های سبز وجود دارد

علامات: علاماتیکه از خوردن آرسنیك در مسموم ظاهر میشود عبارت است از درد معده به طور شدید، استفراق، اسهال، شکم دردی، تشنج در پاها، خشکی گلو، عرق سرد وبالاخره اضطراب فوق العاده.

صورت علاج: نخستین معالجهٔ آن بکثرت و بمقدار زیاد قی دادن است، تا معده کاملاً شسته و پاك شود، وبعد از آن کسترایل (روغن بید انجیر) بمقدار کافی برای مسموم داده شود تا بواسطهٔ آن مقداریکه از سم مذکور در معده تحلیل یافته است دفع شود.

وعلاوه عندالزوم مسموم را گرم نگاهداشته برایش قهوه بدهند.

۲: کاربالك ایسد:

علامات عبارت از زهرسوز بینهایت که اکثریه درلب، روی، دهن، گلوکه بواسطهٔ آن مسموم شده باشد (آبله‌ها ظاهر شده) استفراق میباید. ولی اگر مسموم قسمت زیادی از آن راخورده باشد بدیهی است که بیهوش ودرحالت اغمابزمین افتد

معالجه : فوراً باید معدهٔ مسموم را شسته و پاک نموده برای آن مایعات مسکن از قبیل شیر و تخم خام با شیر بشکر اور داده شود، و علاوه خوراندن اشیای دافع ضعف نیز برای مسموم و صورت فوری ضروری است .

۳ ــ بخار ذغال :

(هوائی‌شدن از غبار و عفونت ذغال) که اکثریه از غازمونو و وجود منقل و بخاری ناقص برای اشخاص پیدا می‌شود علامات آن صورت مختلف بوده ، مطلق شدت تاثیر آن است که نمی توان آن را محدود کرد . و فقط در آخرین مرحلهٔ حیات ، رنگ گوش ، ناخن ، لب سرخ گردیده ، نفس منقطع میشود .

صورت معالجه : اول ، باید مسموم را از اطاقیکه در آنجا مسموم شده است خارج کرده در موضعیکه دارای هوای پاک و صاف است برده شود .

دوم ، در صورت انقطاع و بندشدن نفس دادن تنفس مصنوعی از واجبات است .

سوم ، باید مسموم را بوضعیت افقی (مثل مرده) روی تخت خواب یا زمین هموار خواب داده (گرم) و بحالت سکون باستراحت نگهداشته حتی الوسع از حرکت آن جلوگیری نمایند . و از شور و قال مقال کردن در اطاق مریض نیز اجتناب کرده و بعد از بهوش آمدن مریض را چندروز استراحت داده شود .

٤ ــ ایودین :

(یود) از آنجائیکه در این ایام استعمال تنکچر ایودین بکثرت تداول دارد از اتفاقات گاه گاهی چنین نیز میشود که بعضی اشخاص آن را سهواً خورده مسموم میشوند .

معالجه : اولا باید مسموم را به استفراغ آورده ، بعد از قی باید که قدری نشایسته ، با آرد ترمیده و یا آرد خالص را با آب آمیخته به او بخورانند .

سرب :

سفیدهٔ قاشقاری ، و روغن هائیکه از سفیدهٔ قاشقاری ترکیب یافته باشد و محلول سرب در سکه همه زهر هستند .

علامات : خشکی گلو ، تشنگی زیاد و تولید ذائقهٔ فلزی در دهان ، قولنج ، تشنج دریا ، آوردن عرق سرد و گاه گاهی فالج یا بمسموم آن عارض می شود .

معالجه : اولاً معده را خالی کرده بقدر ۲ مثقال سودیم سلفید (ملح ایسم) در آب حل کرده داده شود . و اگر ضرورت افتد اشیای مقوی خورانیده شود .

سیماب :

رسکه پور (سکه پور) دارچکنه ، کلومل ، وغیره مرکبات سیماب همه زهر اند .

علامات : دهان و لب و زبان سفید میگردد ، ذائقهٔ فلزی در دهن پیدا میشود ، گاهی دهان متورم میگردد ، درد شدید در شکم ، قی خون بلغم آلود ، و پیچ خونی مستولی می شود ، ضعف شدید و تشنج در تمام جسم رخ میدهد و علاوتاً جسم چسپوک و سرد می شود .

معالجه : اولاً ۳ ، ٤ ، ۵ مرتبه قی آورده شود ، و بعد از آن سفیدی تخم خام و یا تخم خام و یا مخلوط تخم و شیر خام ، را بش خورانده شود .

سلورنای ترت (نقره) :

علامات : درد دهان و معده مستولی و لب و دهن اولاً سفید و بعد ها سیاه میگردد ، همچنان قی سفید می آید ، لاکن باندک زمان رنگش سیاه میشود . بهترین علاجش قی آوردن بواسطهٔ آب نمک است ، بعد از آن شیر و یا مخلوط شیر و تخم باید خورانده شود و اگر ضرورت حس شود اشیای مقوی نیز داده شود .

تریاك أفیون :

غیر از خود تریاك لادنم مارفیه کودائی ، هی روئین ، پاری گورك و بعضی ادویهٔ سرفه وامساك ، از محصولات و مرکبات همین زهر (تریاك) میباشد .

علامات : غنودگی که بالاخره به بی‌هوشی مبدل می شود اول نبض بس قوی بوده وبعد از آن آهسته آهسته خفیف میشود تنفس درابتدا قوی ولی دیرترمیباشد لحظه به لحظه سست شده میرود . مردمك چشم خورد میشود، چهره اولا سرخ و بعدها ارغوانی و بالاخره برنگ چکری مبدل می شود .

معالجه : چونکه اشیای قی آور به مشکل تاثیر میکند بنابران مقدار زیاد نمك آب شیرگرم متواتر خورانده شود تا که قی بیاید بهترین علاج خورانیدن قهوهٔ شیرگرم تیره و تکین میباشد .

اگر قهوه مهیا نشود چای معمولی تیره و تکی داده شود وعلاوتا شخص خورنده را باواز بلند صدازده ونگذارندکه بخواب رود ولی اگر بخواهیدکه اورا بیدار نموده و بذریعهٔ راه رفتن وگردش وغیره ازخواب برهانید مفید نبوده وبلکه مرضش بدتر شده می رود .

فاسفورس :

یك جزوی گوگلهای موش‌کش و ادویهٔ دفع کیك مصالح گوگرد است

علامات : درد شدید در معده، خون‌بینی ، پیچ خوردن ، تشنج تمام اعضا

معالجه : بعداز قی دادن ۳ مثقال سودیم سلفید (ملح ایسم) و یامگك بیشتر ادویهٔ مقوی و شیر خورانده شود ، ولی از روغن و اشیای چرب پرهیزداده شود .

غذاهائیکه از باعث دیر ماندن مسموم شده باشد .

اکثراغذیه خصوصاًماهی وگوشت مرغ وکچالوبعدازمرورزمان غیرقابل خوردن ومسموم میگردد .

علامات : قی ، شکم روی اسهال آب مانند که گاهی به خون هم آغشته میباشد ، نبض اولاً قوی بوده وبعد از آن کاملاً ضعیف میشود . لعاب دهن وعرق بدن خود بخود جاری میشود .

معالجه : بعد از دادن قی کسترائل ویا (ملح ایسم) بطور جلاب داده شود اگر ضعف مستولی شود قهوه گرم بغرض تقویت خورانده شود .

سمارق :

بعضی انواع سمارق سمیت دارد، علامات ومعالجهٔ آن عینا مثل سمیت ماکولاتیکه خراب شده‌است میباشد .

کچله و جوهر آن :

کچله ومرکبات وجوهر آن . (سترك نین) برای معالجه ضعف اعصاب بطورادویه استعمال میشود . ونیز برای کشتن سگها وحیوانات مضره بکار برده میشود گاه‌گاه اطفال خورد سال آن را به غلط میخورد .

علامات : اولاً دردست ویا رعشه وبعداز آن تشنج واقع میشود وبالاخره به تمام عضلات جسم تاثیر مینماید، کرخم میشود، دهن بسته میگردد، وتنفس به سختی میشود، وچهره جگری بلکه سیاه میشود.

معالجه : اولاً قی زیاد مکرر آورده شود، ذغال سفوف و میده برایش خورانده شود واز اشیای مقوی پرهیز داده شود

وی رونال لومی نال وغیره :

این ادویه برای زیادت خواب استعمال میشود، واگر از اندازه بیشتر خورده شود خواب نهایت سنگین گردیده بلکه شخص رامی کشد.

معالجه : آن مثل معالجهٔ تریاک خوردن است.

تیزاب ها :

جوهر سرکه، تیزاب شوره، تیزاب نمک، تیزاب گوگرد، تیزاب الکی زلك وغیره تیزاب هازهرهستند.

علامات : درد سوزنده، درد و سوزش شدید در دهن وگلو ومعده. تیزاب درجاهائیکه برسد آن را میسوزاند حتی سوراخ شده، سخت ضیق نفس میگردد، قی واسهال نیز واقع وضعف نیز بدرجه شدید عارض میشود. درچنین حال محلول صابون برای قی آوردن بهتر است، اگر صابون میسر نشود محلول نل واگر آنهم دستگیر نگردد آب صاف کفایت میکند. بعداز قی کردن شیر، تخم، روغن زرد، روغن بادام، ویا مخلوط اینهارا به مریض اشکی بخورانند.

برای تقویت قلب (اروماتیك آمونیا) چند قطره که دریك پیاله انداخته ونوشانده شود مفید است.

اشیای سوزش آور :

ازقبیل آب آهك (جوهر نوشادر) جوهر، سودا کاستك پتاس.

علامات : علامت سمیت ورمش علامات تیزاب ها میباشد

علاج : قی ولی برای محلول نل استعمال نباید کرد، بعدازاینکه معده پاك شود شیر، سفیدی تخم، وشیر مخلوط روغن زرد، وبه روغن بادام بمریض تسکین درد وتقویت گرم گرم خورانده شود.

بهترین معلومات صحی

ملاریا یا تب لرزه.

از مهمترین امراضی که قریب در صدی هشتاد در اولاد این مملکت شیوع دارد ملاریا یاتب لرزه میباشد وهر چندی این مرض آنقدر مهلك و کشنده نیست ولی خون اساس که عموماً بازهر مرضی مدافعه میکند بقدری ضعیف میسازد که جسم را برای قبول و ابتلای امراض مهلکه مثل سینه وبغل، محرقه، وبا، پیچش، سل وغیره مستعد و آماده ساخته ودرنتیجه مهلك ومرگ میرسانند، وی توانیم بگوئیم که اکثر اشخاصیکه بامراض فوق می میرند علت اصلی وشروع آن ازمرض ملاریا بوده است، چه وقتیکه میکروب ملاریا بخون داخل شد قوای مدافعهٔ که در خون بمقابل بروز امراض موجود است ضعیف وکمزور شده وجسم از مقابله ومدافعهٔ این امراض عاجز میآید.

ملاریا ازچه پیدا می شود:

چون در گذشته علت بروز این امراض را هوای خراب دانسته و گمان میکردند خرابی هوا موجد این مرض می شود ازین رو مرض را بر بهمین نام ملیریا موسوم ساختند (ملی یعنی خراب و ریا هوای خراب) ولی در آخرها پس از کشف و تدقیق اطباء معلوم شد که علت بروز این مرض نیز مانند اغلب امراض دیگر، جراثیم مخصوصی است که سرایت آن از یك مریض بمریض دیگر بواسطهٔ پشه ها حاصل شده و رأساً از یك شخص بدیگری نقل نمی شود. یعنی وقتیکه پشه مریض ملاریائی را گزیده و خون مریض را مکید، جراثیم ملاریا که درخون مریض امتزاج داشته میباشد همراه خون در جسم پشه داخل می شود و هنگامی که پشه آدم تندرست دیگری را گزید جراثیم مرض بواسطهٔ نیش پشه داخل جسم و خون آن شخص شده وملریا پیدا می کند، و بهمین ترتیب مرض بوسیلهٔ پشه ازیکی بدیگری سرایت کرده و انتشار حاصل می کند و از همین باعث است که درموقع بهار که پشه ها زیاد می باشند مرض ملیریا شدت و کثرت پیدا کرده و درموسم زمستان که پشه موجود نیست مرض مذکور بندرت مشاهده میشود.

میکروب ملاریا وقتیکه داخل جسم انسان شد، در ذرات سرخ خون که بوسیلهٔ آن جسم نشو و نما و قوت حاصل میکند امتزاج حاصل کرده و بمجرد خوردن از میکروب ذرات سرخ خون لرزه و تب پیدا میشود و ازهمین باعث عوام این مرض را تب لرزه مینامند، میکروب های ملاریا وقتیکه داخل خون شد همان ذرات سرخ خون را که باصطلاح طبی (گلبول) مینامند خورده وبدادن جوجه شروع کرده وباین وسیله میکروبها، خیلی کثرت پیدا میکنند کرات سرخ خون وقتیکه خورده شدند جراثیم ملاریا هم اندام جدا جدا تجزیه شده بکرات دیگر خون حمله برده وبخوردن آن شروع میکنند ودرموقع داخل شدن این جراثیم درذرات سرخ خون دوباره لرزه وتب پیداشده وبهمین ترتیب مرض دور کرده می رود ودرهر دوری ذرات سرخ خون خورده شده ومیکروبهای ملاریا بوسیلهٔ جوجه دادن زیاد شده میروند میکروبهای ملاریا بسه قسم تقسیم میشوند، یك قسمی در (٢٤) ساعت جوجه پیدا کرده ودور لرزه وتب هرروز حاصل میشود، قسم دوم در چهل وهشت ساعت جوجه پیدا کرده ودراین قسمت لرزه وتب یك روز درمیان حاصل میشود قسم سوم درهفتادو دوساعت جوجه پیدا کرده ودورهٔ تب دراین قسمت دوروز بعد بروز میکند که هرسه رقم تب را هر شخصی مشاهده کرده خواهد بود.

بواسطهٔ خورده شدن ذرات سرخ خون، مریض رنگ زرد وضعیف شده وچون وظیفهٔ ذرات سرخ خون رساندن غذا بتمام حصهٔ جسم است، قلت این ذرات درهر حصهٔ بدن کمزوری وضعف تولید نموده وقوهٔ مقابله جسم درمقابل هر مرضی کم میشود، وقتیکه درحصص مختلف جسم ضعف وکمزوری حاصل شد البته استعداد قبول امراض درآن خیلی زیاد شده ومرض کمیم نشوونمای شش کم باشد ودرین موقع میکروب سل باید برسد معلوم است که مرض سل باسانی تولید میشود، همچنان اگرمعده وروده نکندی نشوونماید، در صورت رسیدن میکروبهای پیچش ومحرقه، وبا، باسانی جسم درمعرض حملهٔ این امراض واقع میشود وعکس آن هرگاه نشوونمای این اعضا بوسیلهٔ ذرات سرخ خون بصورت صحیح ومنظم باشد، امراض مذکوره درمقابل مدافعهٔ این اعضا مغلوب شده واندأ مرض پیدا نمیشود واگر مرض تولید هم شد باسانی رفع آن ممکن است پس معلوم شد که کم شدن ذرات سرخ خون جسم را برای قبول هر مرض مستعد ساخته ودر نتیجه بواسطهٔ این امراض دچار هلاکت میشود.

حالا میتوانیم اهمیت وخطرناکی این مرض را از روی تشریحاتیکه دادیم بفهمیم که اجتناب ازین مرض چقدر لازم وضروریست برای نجات ومبتلا نشدن افراد یك مملکت از مرض خطرناك ملاریا

حفظ ما تقدم مرض ملاریا:

اجتناب ازچهار چیز لازم است:

۱ ـ پیدائش پشه را کم کردن: تا اینها میکروبهای ملیریا را باشخاص تندرست رسانیده نتوانسته وملیریا انتشار پیدا نکند،

۲ ـ خود را از گزیدن پشه محافظت نمودن، تا هیچ احتمال داخل شدن میکروبهای ملاریا در خون پیدا نشود

۳ ـ هرگاه از گزیدن پشه ها ناگزیر باشد در بهار استعمال کردن کنین تا اگرجراثیم ملاریا بواسطهٔ پشه در خون داخل هم شوند بذریعهٔ کنین بسهولت هلاك ونابود گردند.

٤ ـ درست معالجه کردن مریضهای ملاریائی بواسطهٔ کنین پلازموکین ، ارسنگ ، فولاد وغیره ، تا اولاً مریضها صحتمند شده از امراض مختلفه که در نتیجهٔ کمزوری جسم وملاریا پیدا میشوند نجات یافته و ثانیاً میکروب ملاریا در خون باقی نمانده از یک موسم بدیگری بواسطه پیدا شدن پشه موجب انتشار مرض ملیریا نگردند .

برای اینکه چهار اصل فوق را خوب ذهن نشین قارئین نمائیم هرماده را ذیلاً مشروح تر بیان میدهیم :

۱ ـ پیدائش پشه را کم کردن چون ظهور و پیدائش پشه در آب های دند و مرداب ها می شود لازم است که بلدیه هرقدر خندقها وچقوریهایکه در گرد و نواح شهر باشد پر ومسدود نماید ، تا آب باران یا برف در خندقهای مذکور جمع نشده وموجب تولید پشه نگردد وهم در کوچه سرشتهٔ آب روها بدرستی کرده شود تا آبیکه بعد از استعمال از هر خانه بیرون می شود داخل آبرو گردیده وبخارج شهر برود وهرگاه داخل آبادیها وگرد و نواح شهر کدام آب ایستاده یا خندق باشد وچارهٔ بیرون کردن آب آن از خندق ممکن نباشد ، باید بلدیه درموسم بهار هر هفته تیل خاک یا کرود آیل (تیل سیاه) که از ذغال گرفته می شود بالای این طور آبهای دند بیندازد ، تا چوچه های پشه که درینگونه آبها پرورش مییابند بواسطهٔ نرسیدن هوای تازه هلاک شوند وهمچنانکه بلدیه وطبقهٔ مراقبت ورسیدگی بتمام اوضاع بلدی دارد همچنان از بین بردن و نابود ساختن پشه و دیگر چیزهائیکه عامل بروز امراض ساریه میگردد از وظائف مهم بلدیه است برای این کارها فقط یک داکتر مخصوص بلدیه لازم است که نقائص صحی را در شهر فهمیده واز روی اصول و فن داکتری برفع ودفع آن همت گمارد .

۲ ـ در صورت وجود پشه که انسان به هیچ وسیلهٔ دفع آنرا نتواند احتیاط و محافظت از شر گزندگان ضروریست و چون غالباً پشه های ملاریه در موقع شب انسان را می گزد بدواً لازم است که در خانه ها (جالی) پاش داده شود تا باین وسیله پشه ها نمیرند و هر کس در زیر پشه خانه بخوابد (در پشه خانه باید پشه قطعاً داخل شده نتواند) یک صورت دیگر هم ممکن است که خود را از شر گزند پشه محافظت نموده بتوانیم اینست که در موقع خوابیدن روی و دست ها و پایها روغن یوکلپتوس یا روغن نعناع چرب کرده شود درین حالت پشه گزیده نمیتواند

ولی در زیر پشه خانه خوابیدن در موسم بهار برای محافظت از شر پشه بهترین چارهٔ میباشد .

۳ ـ اگر از گزیدن پشه قطعاً احتیاط نمودن ممکن نباشد باید در بهار هر شخص استعمال کنین را که کشندهٔ میکروب های ملاریه است عادت داشته باشد و برای حفظ ما تقدم از ملاریا بواسطهٔ کنین ، خوردن ده یا دوازده گرین کنین دو روز در هر هفته کفایت میکند (برای اطفال بتقاضای سن شان داده می شود) اگر بواسطهٔ پشه جراثیم ملاریا درخون هم داخل شوند این مقدار کنین برای کشتن آن و محافظت جسم از ملاریا کفایت میکند

٤ ـ درست معالجه کردن مریضهای ملاریائی بذریعهٔ کنین ، آرسنگ و فولاد نهایت ضروریست . چه این معالجه دوفایدهٔ مهم مضمر است . اولاً تا موقعیکه مریضهای ملاریا صحت کامل نشوند خون شان کمزور و شکار هرگونه امراض مهلکهٔ میگردند . وهم کار خود را بدرستی ایفا کرده نتوانسته ونسل نیز کمزور میشود . دوم اینکه پشه از خود جراثیم ملاریا ندارد ، فقط همین مریضهای ملاریائی است که جراثیم ملاریا را در خون شان جا داشته و بدرستی معالجه نشده می باشند بعد از هر زمستان وقتیکه پشه پیدا شد اینها را گزیده سبب میکروبهای ملاریائی میگردند و آنگاه پشه های مذکور اشخاص تندرست دیگر را گزیده باین وسیله ملاریا سرایت و شدت و انتشار پیدا می کند . بنابران مریضانیکه به تب ملاریا مبتلا می باشند باید بدکتور مراجعه کرده وکم ازکم تا سه ماه معالجه را دوام بدهند که میکروبهای ملاریا بکلی از خون او خارج شوند . خوردن کنین تا سه روز یا یک هفته ممکن است که برای قطع کردن تب ملاریا کفایت کند . ولی

برای بکلی صحت یافتن یك مریض ملاریائی اقلاً سه ماه معالجه لازم است و اکثراً دیده شده است که مریضهای ملاریائی بمعالجهٔ یك هفته ، وقتی که تب را قطع دیده اند ازمعالجه دست کشیده اند در حالیکه میکروبهای ملاریا درخون شان موجود بوده مرتباً خون شان را کمزور ساخته میرود تا اینکه بواسطهٔ کمزوری بمرض مهلك دیگری مبتلا شده دو اسمه بطرف فنا میشتابند درخاتمه البته خوانندگان ازین شرح مبسوط اهمیت وخطرناکی این مرض را دانسته و آنرا سهل نخواهند شمرد

ریزش

علل و وسائل محافظه از آن

شاید مرضیکه نسبتاً شیوع بسیار داشته و انسان بسیار زود بآن دچار میگردد ریزش و خنك زده گی باشد که متعاقب آن زکام و سردردی و سرفه پیش میشود شما هر که دچار شوید ازین مرض شکایت دارد ، اما هیچکدام برای مقابله و مدافعهٔ آن مصدر عملی نمی شوند ، و شاید اینهم سبب باشد که خطر آنرا خوب سنجش نتوانسته و آنرا یك چیز بسیطی تصور مینماید ، حال آنکه مرض بد عاقبت و شدیدی است

اطبا و علما نسبت مردم درین مورد بیشتر اهتمام بخرج داده بحث و کنج و کاوی زیادی در علل و انتشار و عواقب و وسائل علاج و محافظه از آن نموده و در راه همین بحث و تجربیات خویش جراثیم بسیار امراضی را که از عوامل ریزش گمان می کردند تفحص نمودند که از آن جمله جراثیم آتی الذکر می باشد .

میکروب نزلهٔ شعبی و باسیلوس انفلوانزا و باسلوس (فریدلاندر) و جرثومهٔ دیفتری و غیره . ولی بصورت قاطع یکی ازین میکروبهائیکه زیر بحث قرارداده بودند عاملی در اصابت به ریزش ثابت نشد . علیهذا یك برهان علمی قناعت بخش درطریقه انتشار این مرض که سرایت آن چطور واقع میشود تا هنوز اقامه کرده نتوانستند ، چنانچه در نتیجهٔ فحص تحلیل خانه های کیمیوی هنوز هم واضح نشده است که انتشار آن بواسطهٔ اشخاص ، یا اینکه در حال معروض شدن به رطوبت و خنکی حاصل و یا خطر آن در پایان خستگی و اعمال مشقت آور زیاد میشود . چنانچه اطباء تجاربی در بیاب اجرا و مادهٔ را از شخص مبتلا بریزش درچهار استنشاق شخص سالم نقل کرده و این تجربه را چندین دفعه اعاده نموده اند تا آن به نتیجهٔ مبنی واصل نشده و در اکثر احوال سرایت حاصل نگردیده و شخص سالم مبتلا به ریزش نشده است هم چنان احوال طلبهٔ یکی از مدارس را تحت تدقیق و تفحص قرار داده و فرق قابل ذکری در تکوین جسمانی و عادت طلبهٔ که طبیعتاً معروض به ریزش بوده با طلبه ئیکه ازین مرض مبرا بوده اند یافته اند . جز اینکه اولی ها در عمر گذشته شان به ضیق تنفس و انواع تب ها معروض بوده و شاید همین علل باشد که اصابت ریزش را بایشان سهل ساخته است .

یکی از شرکتهای بزرگ بیمهٔ امریکا در یك سال کامل حالت ریزش را بین مستخدمین خویش بحث و تدقیق کرده و در نتیجه برایش ظاهر شده است که این مستخدمین که بالغ بر (٦٧٠٠) نفری شدند از مجموع شان (٦٢٣٣) روز از روزهای کار ضائع شده است که این روزها ماسوای روزهای است که ساعت مضاعفات این مرض و امراض دیگری که از اثر آن تولید شده است ضائع شده می باشد .

همچنان ظاهر شد که حد وسطی عدهٔ اشخاصیکه از مستخدمین شان در هزار ٤٢٫٧ بوده و حدوسطی مدت اشخاصیکه باین مرض گرفتار گردیده بودند ۲٫۲ روز و حدوسطی زمان ضائع شده گی بالنسبهٔ مجموع مستخدمین ۹ فیصد روز از هر فردی بوده است . در سابقه که این شرکت راجع بمرض مذکور نشر کرده است ذکر یافته که :

« اصابت ریزش بین اشخاصیکه داخل خانه ها کار میکنند نسبت به شوفر های موتر های کرائی ۹ فیصد برابر بین افراد امریکائی ٤ برابر بیشتر می باشد . » اما از نقطه نظر مالی ظاهر شده که ابتلاآت ریزش طبقهٔ کارگران امریکا را درسال اقلاً به مصرف نیم ملیون دولار مجبور و خساره مند ساخته است . ازروی این رقم ، دهشت خسارهٔ مادی که در نتیجهٔ این مرض ، گریبان گیر اشخاص می شود ظاهر میگردد ، گذشته ازاینکه چه خطره های حیاتی دیگری از آن تولید می شود .

به هر حال علما باآنکه در جرثومهٔ که سبب خود زده گی میشود اختلاف دارند اما به حقایق عدیدهٔ درین باره اتفاق دارند که اول آن انتشار عمومی آنست وشکی درآن نمی باشد . یعنی درهر ماه های یخی ظهور مینماید و شخصی که یك مرتبه بآن دچار شد استعداد مقابلهٔ آنرا برای یك مدت کمی که بین ٤ و ۸ هفته میباشد درخود پیدا میکند

بهمه حال اگرچه علت مبتلا شدن به ریزش بطور صحیح ، معلوم و کشف نشده است اما درین شکی نیست که جسم را برای مقاومت بسیاری از امراض محلله ضعیف میگرداند . واین هم ثابت گردیده است که قریباً درصدی سی ، این مرض ، مبادی امراض خطرناکیست که انسانرا عاجز ودرمانده میسازد . وهمچنان درصدی بیشتر از هفتاد التهابات ریوی وبسیاری امراض نزله های شعبی ومرض (آسما) ازین مرض تولید میابد . امراض روماتیزم (وجع مفاصل) والتهاب اغشیهٔ مفاصل وقلب ودماغ وغیره نیز از باعث همین مرض بانسان دچار میشود که شاید عواطف این امراض تلف گرده ها یامرض قلب باشد .

از عوامل مهم این مرض وراثت وهوا و وسائل تهویه است چنانچه ملاحظه شده اقطار شمالی که خنك زیاد دارد اهالی آن عادتاً باین مرض مبتلا نمیشوند اما اگر اهالی شهرهای جنوبی امیرش پیدا کنند خیلی قابل قبول این مرض میباشند

علاج این مرض طوریکه اطبا تجربه نزده اند انواع مختلفهٔ داشته وموفقیت های متفاوتی از آنها حاصل شده است ، اما دوای شافی که نفع آن تماماً تجربه شده باشد تاحال بدست نیامده .

ادویهٔ که تا امروز برای معالجهٔ ریزش به کار رده می شود (ارجیرول ، ایودین ، مرکرم ، وکروم ، اورمالین ، افورین ، وازوپن و کافور) وغیره است که این دواها درقوت وتاثیر خود ها بالای مریض اختلافات و تاثیرات متباینی داشته وهیچکس نمیتواندان ها را بدون فرمودهٔ دکتور استعمال نماید .

همچنان استنشاق غاز کلورین نیز تجربه شده وفقط برای وقایه ازین مرض قریب پنجاه در صد تعطیم آن فایده می بخشد .

یکی از اطبای امریکا درمجلهٔ طبیهٔ آنجا نوشته ومیگوید که پاش دادن محلول (بیکلورید زئبق) دربینی وحلق تجربه کرده شود در صورتی که این علاج فایده این محلول را باید در لایه های استخوان روی تزریق نمود . دکتور مذکور موفقیت این عقیده را اطمینان داده وتاکید کرده میگوید که ممکن است این طریقه را بالای خورد ها وکلانها تجربه کرد

چیزهایکه انسانرا به تعویض ریزش بیشتر معروض مینماید : اضطرابات محلی که در بینی و حلق پیدا میشود وهمچنان التهابات لوزتین وغدود وزیادت نموی انساج سخت بینی در جمیع احوال باید از طبیب استشاره نمود چراکه اگر التهاب لوزتین زائل هم شود با آن هم انسان معروض به ریزش میباشد زیرا این مرضی است که در تمام مساکن و کارخانجات ودفاتر عمومیت داشته ومیکروب آن به نسبت همه چیز بانسان نزدیك تر است .

یك شخص اگر مبتلای ریزش وخنك زده گی شد ضرور است که خود را ازمردمان کناره کرده خود ودیگرانرا ازسرایت آن باین وسیله محفوظ بدارد والا درغیر اینصورت یعنی مثلیکه در عصر حاضر است وبای عام خواهد شد .

۲

بهترین وسیلهٔ محافظه از خنك زده‌گی اینست که انسان دارای جسم قوی و توانا باشد ، چنانچه درین باره از روی بحث و تجربه معلوم شده است که صاحب یك جسم قوی نقدریکه یك جسم ضعیف معروض سرما خورده‌گی میباشد نیست . اما چیزیکه دراینجا موجب تاسف میشود اینست ، معیشتی که امروزه مردمان دارند به منع این تعرض کمك نمی نماید

زیرا افراط در گرم‌کردن اطاق های اربنده و غذا ، کثرت اغذیهٔ چرب دار ، سعی و مجاهدت زیاد اعصاب و جسم در کار ، و تمام این ها قلت خواب ، عموماً از قوت مقاومت جسم در مقابل امراض و مخصوصاً مرض ریزش که خرابیهٔ آن در هر جائی انتشار دارد می کاهد

وقتیکه انسان به مقولهٔ « وقایه بهتر از علاج است » قایل شد البته بوسایل وقایه از سرما خوردگی که ذیلاً بیان میگردد متشبث خواهد گردید : نظافت ، اغذیهٔ صحی ، آب نظیف و ستره هوای آزاد ،

این چیز ها خیلی بهتر است از استعمال ادویه جات و انواع تداوی ها که بعد از مبتلا شدن خنك زده‌گی به عمل می آید .

انسان درموقعیکه ظواهر ریزش در وی بروز نمود بایدفورا احتیاطات لازمه را گرفته و سوراخ بینی که مبدأ مرض شمرده میشود اعتنا و آنرا همیشه نظیف و پاك نگهدارد مخصوصا مو‌های بینی‌که تاثیر بزرگی درصحت اشخاص دارد ، ومعروف است‌که این مو ها برای تنظیم حرارت جسم جلد ، حرارت‌اتزار میکند . وهمچنان بینی نیز رطوبت را برای دور کردن مخلفات و اینکه سطح جسم از شدت خشکی محفوظ باشد فراهم می نماید .

اما کمتر اشخاص باین علم دارند که در صدی بیست این حرارت ، وقسمت اعظم این رطوبی‌که ازجسم خارج می شود ، (قبل ازاین که این هوا را ریه های رقیق و لطیف استنشاق نماید) از راه اغشیهٔ بینی برای گرم ساختن و رطوبت دادن هوای که تنفس می نمائیم خارج میشود دراینجا است که دیده می شود وظیفهٔ اساسی بینی طوریکه عدهٔ مردم گمان دارند تنها استشمام نیست بلکه بینی و دهان و حنجره پرده های خولی است که بین جسم و امراض کثیره حایل واقع میشوند .

علی‌العموم کثرت نوشیدن آب درهر وقتیکه ضرورتی بدان حس کند ، مفید است .

اما برای کثرت صرف غذا توصیه نمیشود زیرا مردمان عادتاً بیشتر از اندازهٔ که احتیاج دارند غذا می خورند . مگر اهمیت دراینجاست که انسان چنان غذای صحیٔ را استعمال نماید تا او را بالای امراض مخصوصاً مرض ریزش غالب وقوی بسازد . علیهذا برای جسم اسپورت وورزش‌که نشاط عضلات جسم رابیشتر کرده و به قوت آن میافزاید ضروری میباشد ، وبهتر است‌که این تمرینات بدنی درهوای آزاد اجرا شود .

مهمتر ازتمام اینها اینست‌که جسم بهمان اندازه راحتی‌که احتیاج دارد برخوردار گردد وبایست هرشخصی ثلث روز خویش رادرمقابل ثلث دیگری که مصروف سعی و عمل می شود بخواباند ، اما ثلث سوم لازم است‌که براحت گذشتانده شود درحالیکه غذا و ریاضت بدنی ؟ شامل آن میباشد .

هرگاه تمام این قواعدیکه فوقاً ذکریافت متابعت شده و ضمناً انسان از رطوبت پایها حذر نماید و در مقابل جریان هوا نیز ایستاده نشده از سرایت مرض خود را کناره نگهدارد هیچ جای شك نیست که ازمرض ریزش وسرماخوردگی‌در امان باقی‌مانده و باین وسیله روزی برسد که ابدا وبه این مرض‌وخیم که صحت مردم را افساد کرده از کار و بارشان بازمی دارد پوقی نماید .

تعجب در اینجا است که با تمام چیز های که ذکر شد مردم خطر ریزش را اندازهٔ‌وتخمین نتوانسته وبآن اهمیت لازمه را نمی‌گذارند درحالیکه لازم است درراه مجادله با این مرض یك عادت وسیع ودامنه دارمثلیکه برضد سل نشر شده‌و فائده هم بخشید باید نشر شود .

سوء هضم و علاج آن

مرض بدهضمی در اکثر اشخاص دیده می شود مخصوصا علل آن قرار ذیل است :

۱ : - جویدن بی قاعده : اکثر به غذا را بی اینکه خوب در داخل دهان جویده و میده نمایند می بلعند ، گوئی خوه را در قرت کردن غذا می بینند نه در جویدن ، در حالیکه معلوم است ، غذا اولاً در دهن تحلیل شده و با لعاب دهن مخلوط می شود و بدین وسیله غذا ملایم می شود . هکذا لعاب دهن (کاربوهایدرت) که در غذا موجود است مثل آرد و گندم و غیره هضم مینماید پس اگر غذا خوب جویده نشود ، رطوبت دهن داخل لقمه اثر نمیکند و در بصورت به معده که رسید باعث بدهضمی می شود و از روی اینها معلوم شد که بدهضمی اصلاً مرض نمیباشد ، بلکه (مس ب) علت آن در خود ما موجود است . زیرا اگر دقت نمائیم خداوند بما (۳۲) دندان عطا فرموده است و باید اولا ۳۲ دفعه هر لقمه را بجویم تا لقمه خوب میده شده و لعاب دهن بهر ذره اش داخل گردد و غذا به هضم برسد ، این بی پروائی در جویدن غذا غالباً در اشخاصیکه بجز ابی دندان مبتلا می باشند به نقص خود واقف بوده و به عجله گی غذا میخورند و خوب نمی جوند ، اشخاصیکه باین نوع بدهضمی دچار میشوند از زبان شان فهمیده می شود زیرا روی زبان آنها خیلی پرداشته می باشد و یک پردهٔ سفیدی که در روی زبان است دانه های برجسته Papilla بنظر میرسد اینگونه مریضها نزد خیلی داکتر ها علاج کرده و ادویهٔ بسیار استعمال کرده اند اما صورت نتیجه نشده ، زیرا علاج اساسی آن جویدن مطابق قانون قدرت است .

۲ : - خرابی دندان مثل کرم خوردن دندان که در سوراخهای کرم خوردگی هزاران قسم جراثیم جمع شده و همراه لقمه یکجا داخل معده میگردد ، موجب بدهضمی میشود . زیرا رطوبتیکه در معده موجود است سم این جراثیم را محو و معدوم نمیسازد در بین که بدهضمی جویدن خراب دخالت نداشته و بلکه جراثیم که داخل دندانها می باشند در آن موثر است و علاج آن ترمیم دندان سازی میباشد ، چه وقتی که دندانها اصلاح شد در طرف چند روز دیده می شود که اشتها زیاد شده و وزن بدن ہم بیش میگردد .

۳ : - پرخوردن - پرخوردن باعث ورم جگر بدهضمی مرض میگردد و اکثرا دیده میشود که شخصی زیاد غذا میخورد اما لاغر شده و رنگش همیشه زرد میباشد . هرچند این اشخاص بظاهر خود را مریض نمیگیرند ولی در حقیقت همیشه مریض می باشند و در نتیجهٔ بدهضمی دچار امراض شدید دیگری شده و طاقت روحانی شان کم و بالاخره در عمر شان نقصان واقع می گردد

٤ : - غذای بی وقت خوردن ، یعنی روز چار یا پنج دفعه نان خوردن یا اینکه در ۲٤ ساعت تنها یك مرتبه غذا صرف کردن از علل بدهضمی است زیرا شخصی که چند مرتبه در یکروز غذا میخورد ، یك غذا هنوز در معده اش به تحلیل رسیده نمی باشد که غذای دیگری رسیده و عمل هضم را فاسد میسازد و مثلیکه بالای غذای پختهٔ که آب انداخته شود مزه اش تکلی از بین میرود همانطور عمل هضم بر که تمام نشده و غذای دیگری بمعده برسد موجب سوء هضم میگردد همچنان در ۲٤ ساعت یکمرتبه غذا خوردن نیز مضر صحت است ، زیرا قدرت طبیعی که در معده می باشد معطل مانده و رطوبت معده که خارج می شود و چون معده خیلی به کندی کاری نماید یك غذای معمولی نیز موجب سوء هضم می گردد .

۵ - کمی بعض اجزای غذا ، مثل ویتامین که موجب سوء هضم می گردد .

۶ - نوع غذا مثل سبزی پوسیده ، گوشت های بو گندیده ، میوهای خام و غیره ، وقتیکه داخل معده تندرست شد هضم را خراب میسازد .

۷ - غذا یا آب بسیار گرم یا بسیار سرد خوردن باعث خراش پل حسی غلاف معده شده و باین ذریعه رطوبتی که در معده موجود است خارج نمیشود و موجب بدهضمی میگردد .

۸ ـ استعمال آب بسیار ، شاید بعضی ها بگویند که آب معمولی چگونه تولید سوء هضم مینماید در صورتیکه آب درعمل سوء هضم دخالت تامه داشته آب بسیار درحرارت معده نقصان وارد مینماید .
وسپس همراه لعاب معده مخلوط شده اثراتش را زائل میسازد و معده را کلاب میکند ، وبالاخره موجب بدهضمی میشود اما قبل ازصرف غذا هرگاه شوربا Protines خورده شود رطوبت معده خیلی زیاد خارج شده غذا را به هضم میرساند .

۹ ـ بعضی امراض مثل ملاریا، فقر الدم (انیمیا) مرض دق ، سل ، امراض گرده ، رماتیزم ،امراض جگر ودل باعث بدهضمی میشود .

۱۰ ـ بدهضمی زنهای حامله ، که درنتیجه یك عقدهٔ که بعضی شان پیدا میشود ازغذای خوب نفرت پیدا کرده ودر عوض گل سرشوی ، نان ناسی وغیره را می خورند .

۱۱ ـ بعض اغذیه ثقیل مثل نخود ، باقلاء ، تخم مرغ ، که خیلی زیاد جوش داده شده باشد ، کرم ، پیاز ، کچالو ، هرگاه بسیار خورده شود بدهضمی تولید میکند

۱۲ ـ اشخاص معتاد به عملهای بد ، مثل تماکو ، چرس ، نسکه ، زیادت شراب به بدهضمی دچار می شوند .

خوانندگان محترم البته از روی تشریحات فوق علل پیش شدن سوءهضم را دریافته واز دچار شدن آن احتناب خواهند ورزید وهر چند علل پیش شدن سوء هضم بسیار است ولی فقط مهمترین آنهاکه دربین عموم دیده میشود دربین مقاله ذکر شده است .

خواب پس از غذا

معمولا پس از غذا احساس سستی وخستگی درخود می کنیم وبنظر ما میرسد که بخواب احتیاج داریم ولی باید بدانیم که این احساس حقیقی ندارد وما حسته نمیشویم بلکه فقط علامت اینست که جهاز هضم بکار افتاده وعمل خود را شروع کرده است وخستگی ما مولود خون زیادی است که از تمام اطراف بدن متوجه جهاز هضم شده است اگر دربین وقت خود را تسلیم خواب کردیم جهاز هضم نیز درکار رکود خواهد شد ونمی تواند بخوبی عمل خود را انجام دهد زیرا که درموقع بیداری عمل هضم بهتر ازموقع خواب انجام میگیرد وازین جهت است که درموقع بیداری احساس میکنیم که غذای ماخوب هضم نشده است اگرغذا خیلی سنگین باشد درموقع خواب اعضای داخلی را صدمه زده ومارا دچار کابوس می کند وخوابهای وحشتناك می بینیم بنابراین بایستی پس ازصرف غذا بقدر دوساعت بیدار ماند وورزش های مختصر از قبیل راه رفتن وحرکات سادهٔ دیگر را انجام داد وپس از آن خوابیدن مانعی ندارد ـ این را نیز باید درنظر داشت که ورزشهای سخت وحرکات زیاد بعد ازغذا ممکن است انسا را دچار مخاطره سازد .

کاروتین

کاروتین ـ رنگه زرد زردك ومسکه وشیر وبعضی میوها وبقولات زرد ونارنجی بهترین موانع امراض جهاز تنفس میباشند ونیز درمرض پردهٔ چشم که در پیری عارض میشود مفید است وتولید خون صالح یکی ازخواص آنها وباعث زود التیام یافتن زخم ها ودانه ها می باشند .

غسل وتأثیر آن دربدن وقلب

اگرچه انسان درحولانگاه زندگانی به بسا چیزها محتاج است ولی بیشتر از همه بسلامت مزاج وبرقراری صحت خویش باشد احتیاج دارد زیرا یك انسان تادارای صحت کامل نباشد از عهدهٔ هیچکاری بدر آمده

نتوانسته وهیچیك از احتیاجات لازمهٔ حیاتیه را نمیتواند تکمیل نماید . پس برای هر انسان صحت فرض وبرای وقایهٔ صحت عملی داشتن آن قوانین ، یعنی همان چاره های اصلی که ارباب علوم وفنون با کاوش و زحمت زیاد وتجربه بدست آورده اند نهایت الزم است .

اولین شرط صحت بدنی و تندرستی و جلوگیری از امراض ، نظافت و طهارت است که علمای صحی نیز در اولین صحائف مولفات خود آنرا جا داده و مطالعین را بآن توصیه می نمایند . دین متین اسلام هم پیروان شریعت مطهرهٔ نبویه صلی الله وعلیه وآله وسلم را باین امر تاکید میفرماید

چنانچه شستن دست وپا و روی ، و تمیز نمودن دندانها و دهن و بینی وگوشها و دیگر منافذ وجود را که در وضوهای نمازهای پنجگانه امر و لازم دانسته است عین همین نظافت وطهارت وجلوگیری ازامراض است .

علمای حفظ الصحه هم بالعموم همین قواعد طهارت اسلامی را بحیث صورت تلقی کرده و بتاسی آن تمام کتلهٔ بشریت را دعوت و توصیه می نمایند ولی در وصایای خود نظر به تجارب و اکتشافاتی که حاصل نموده اند پارهٔ احتیاط های لازمه را علاوه می نمایند که و الواقع اگر آن احتیاطها ترض عمل نماید ، بی شبهه مضار زیادی را در خود دارد .

اینك پارهٔ ازان وصایا را اگرچه از روی یك قسمت معلومات خیلی جزئی و محدود است ولی بی لزوم و هدر نمی باشد تحریر نموده و در معرض استفادهٔ مطالعین گذاشته می شود .

۱ ــ نظافت وطهارت : تعریف سادهٔ نظافت تمیز نمودن تمام اقسام وجود است بذریعهٔ غسل ، استحمام ، دلك (۱) ومراد از غسل واستحمام و دلك اولاً پاکی وصفائی بدن است تا چرك و لوثیکه در اثر عرق از گرد وخاك هوا وملبوسات بروی جلد پیدا میشود ازوجود زائل شود دوم گشودن مسامات روی جلد که هوای صاف از آن منافذ کوچك ازاده داخل وجود شده بتواند

۲ ــ دقت در آب غسل : اولین شرط در استحمام و یا غسل اینست که آب غسل بتمام معانی پاك یعنی عاری از گرد وخاك و جراثیم باشد . اگرچه نظر به تجارب (پاستور) آبها بالعموم دارای مکروب میباشند ودر موقع غسل آن آب حتماً دردهان و بینی وگوش و دیگر روادی بدن داخل می شود لهذا ضرورت است که آب تعقیم یعنی به واسطهٔ جوش دادن جراثیم آن کشته و بعد بدرجهٔ لازمه سرد ساخته و بآن غسل شود ، مگر به علتیکه این امر خالی ازاشکال نیست ، یعنی همه کس میسر شده نمیتواند ، لذا چارهٔ آسانترین را باید سراغ کرد . طوریکه کتب صحیه اطلاعات میدهد آب چاهها و چشمه سارها به اندیکه از زمین بر می آیند و عبور از طبقات مختلفهٔ زمین آنرا فلتر کرده میباشد ، نسبتاً احتمال کثافت و آلایش در آن کمتر است .

ازین هم سهلتر آبهای که صابون بآن زود کف می کند وسبزیجات بذریعهٔ آن دراندك جوش ملائم می شود چنانکه برای اطعمه ودیگر استعمالات بیتبه صالح میباشد همکذا برای غسل بیر عاری از شوائب است .

غسل نظر به موضوعیکه ما درآن بحث داریم ومی خواهیم مطالعین را به مفاد و مضار آن آگاهی داده متوجه سازیم دوصورت دارد ، غسل آب سرد وغسل آب گرم .

غسل آب سرد یك غسل بسیارساده وسهل است اما شرطیکه آب باید آنقدر سرد باشد که انسان در اثنای غسل سردی زیاد حس کند و وجود را نجراند زیرا مقصد از غسل زدودن تلوثات بدنیه وباز نمودن مسامات جلدیه است واین مطلب البته بذریعهٔ اینکه بسیارسرد باشد عملی شده نمی تواند ، چه آب بسیارسرد از یك طرف

(۱) دلك یعنی زدودن چرك بواسطه کیسه یا دستمال درشت نمناك از بدن

چرک را در مسامات قائم و مومك میسازد و از طرف دیگر تعادل حرارت بدن را برهم زده خون را بسیار
تحریك و خصوصاً بطرف غشای مخاطی بینی سوق نموده وغشای مخاطی را متورم و روبهمرفته باعث تولید سرفه
و سینه درد و سر دردی و کوفتگی اعضاء یعنی موجب مرض انفلوآنزا میشود . و هم نظر به تجارب دکتور
(رود ولف) و دکتور (بهك) این غسل در دل نیز اجرای تاثیر مینماید . دکتوران مذکور مینویسند که غسل آب
سرد حجم دل را خیلی بزرگ و حرکت نفس را خیلی بطی و رنگ جلد را نیز تغیر داده چهره را نهایت زرد و زار میسازد .

مع الاسف بسیاری از اهالی را می‌بینیم که در مواسم تیرماه و زمستان خواه از مجبوریت یا از عدم اطلاع
و معلوم حفظ الصحه در کنار دریا وجوی و کاریز وغیره با آب نهایت سرد و آنهم در هوای آزاد و خنك غسل
میکنند ، حتی بسیار دیده شده که در وسط زمستان یخ را شکستانده و بین آن غسل کرده اند . حال آنکه این
عمل طوریکه در فوق تذکار گردید چقدر مضرات را شامل میشود . خصوص برای کسانیکه مرض عصبی
و روماتیزم دارند ، قوانین صحیه دستور میدهد که آب غسل میبایستی دارای ۱۵ الی ۳۰ درجه حرارت باشد
و مدت غسل نیز از ده دقیقه بیشتر طول نکشد ، چه حتی اینکه دارای چندین درجه برودت بوده و بان در یك
مدت دراز غسل شود ، اما اگر بطور مول که حفظ الصحه میفرماید عمل نشود گذشته ازاینکه تمام آن مضار
سلف الذکر را جلوگیری مینماید یك قسمت منافع را نیز بوجود عائد میکند ، مثلاً دوران خون را شدت و
افعال عصبیه را انتظام و اوعیهٔ جلد را تقلص و خون را در اعضای داخلیه دفع و سوق نموده بوجود یکنوع
حرارت پیش مینماید ، چنانچه درین اثنا خون یکمقدار زیاد خون به اوعیهٔ جلد رجوع میکند ضربان دل و حرکات تنفس را
هم کمی سرعت میدهد . و این غسل برای اشخاص کم قوه و هم کسانیکه اسپورت می نمایند نهایت ممد میباشد .

غسل آب گرم بهترین غسلها و یگانه واسطهٔ پاکی و صفائی بدن است ، اما مشروط

غسل آب گرم : براینکه از اندازهٔ زیاده دارای حرارت نباشد یعنی طوریکه کتب حفظ الصحه تعیین
نموده ، از ۳۵ تا ۴۰ درجه بیشتر حرارت نداشته باشد ، زیرا اگر حرارت آن
از ۴۰ درجه اضافه شد احتقان دماغ (خون بینی) برای انسان پیش میشود و ازطرف دیگر برعکس غسل آب سرد
که گفتیم حجم دل را بزرگ و سرعت تنفس را بطی میسازد درین جا غسل آب گرم حجم دل را خورد و حرکت
تنفس را تسریع و خون را به نهایت شدت بطرف دل بهجوم می‌آورد .

بنابران توصیه میشود که بآب بسیار گرم غسل نشود و درجات آن که در فوق تعیین گردیده حتماً مرعی
و مدت استحمام هم از (۱۵) دقیقه اضافه‌تر طول نکشد

ظاهر است که معلوم نمودن درجهٔ حرارت و برودت آب ، مقیاس الحراره بکار دارد و این آله در دست
عامه نمی باشد بجز اشخاص معدودیکه فی الجمله مستعد و متمول اند و البته برای متمولین لزوم گفتن این چیزها
آنقدر مهم نیست زیرا خود شان این قدر میدانند و میفهمند و میتوانند مراد ما درین جا آگاهی طبقهٔ پایانتر است
و میتوانیم بایشان بگوئیم که اگر مقیاس الحراره میسر نمی شد اقلاً اینقدر هوش نمایند که آب غسل آنقدرها
سرد باشد که وجود را بلرزاند و هم نه بآن اندازه جوشان باشد که بسوزاند یعنی آب را گرم و سرد کرده و
یکسان اعتدال بآن غسل نماید .

یقین است کسانیکه صحت وجود خود را دوست میدارند از مطالعهٔ این سطور مستفید گردیده اوقات و
دقایقی را که علم حفظ الصحه راجع بآب غسل تعیین و ما آنرا در فوق تا یك اندازه متذکر شدیم به هر صورت
مرعی و عملی خواهند داشت .

شیر ناجوش داده

بسیاری مردم معتقدند که شیر جوشانده خواص و غذائیت خود را از دست میدهد ، یکی از مجامع
علمی امریکا در این موضوع تحقیقات طولانی و عمیقی کرده و چنین نتیجه گرفته است :

۱ ـ وزن اطفالی که شیر جوشانیده تغذیه کرده اند سنگین تر از وزن اطفالی ست که شیر ناجوشیده خورده اند .
۲ ـ طول قامت دستهٔ اول بیش از دستهٔ دوم است .

۳ ـ اطفالیکه پدرانشان بخوردن شیر ناجوش داده معتاد بوده اند زودتر به امراض دیفتری و مرض معده مبتلا میشوند ، تا آنهاکه پدرانشان شیر جوشانده میخورده اند .
بنابرین لازم است مادران شیر را جوشانده باطفال بدهند و از پیروی عقیدهٔ غلط زنانه و عامه پرهیز نمایند .

آب میوه برای اطفال شیرخوار

مطابق آخرین تجربیاتی که در باب ویتامین بعمل آمده ملاحظه شده است که رشد و نموی اطفال بواسطهٔ این ماده فوق العاده خوب می شود ویتامین مخصوصاً در میوه جات تازه زیاد یافت می شود باین لحاظ اگر در آخر ماه اول عمر اطفال با آنها آب انگور ، آب پرتقال ، آب سیب ، آب سنتره و غیره بخورانند برشد و نموی آنها کمک کرده اند و ارجح اینست که آب میوه را با دو یا سه برابر حجم آن با آب جوشیده مخلوط نموده و در بین دو شیر خوردن یک قاشق غذا خوری بخورانند .

جلوگیری از اسهال اطفال شیر خوار

دکتوریکه در بمورد تجربیات زیادی کرده است اظهار عقیده نموده میگوید : اسهال شدید اطفال شیر خوار از کم وزن گردیدن جسم شان معلوم می شود چه در زمان اسهال از بدن اطفال آب زیاد ضایع شده و کم وزن گردیدن اطفال نیز مربوط به ضیاع آب از وجود شان است ، اگر خواسته شود که ضایع شدن آب نقصان یافته و یا بکلی قطع شود لازم می شود برای اطفال موادیکه کرات سفید بیشتر داشته باشد داده شود و برای اینمقصود اولتر از همه قند در خوراک شان افزودن فایده مند است ، چه هر قدر قند زیاد داده شود از ضیاع گلی کوزین Glycogen (مادهٔ آلی که حال نشایسته را دارد) جلوگیری بعمل میآید ، و خلاصه اینکه مواد قندی برای اعضای طفل خیلی با اهمیت بوده و تاثیر زیاد می بخشد .

درموقع قند زیاد دادن به طفل باید از خوراک معتاد او تنها چای کم کرده شود (در زمان اسهال بعضاً چای تیرهٔ سیاه میدهند) (فورمول) استعمال این طریقه در علاج یک اهمیت فوق العادهٔ دارد و علاوتاً دکتور تجربه کننده محلول ذیل را نیز استعمال کرده است ،

سول رنجر یک ثلث ، شیرهٔ برنج ، فی صد شش الی هشت قند انگور .

دکتوریکه در طی شش سال تجربیات در زمان اسهال اطفال قند در خوراک شان ضم کرده است بهیچ وجه ناراض بوده و بلکه برعکس آن ازین تجربهٔ خویش اظهار مسرت مینماید و سایر اشخاص هم در نتیجهٔ استعمال این فورمول (طرز) نتیجهٔ درستی حاصل کرده اند .

دکتور فوق میگوید در زمان وقوع مرض اسهال اطفال باید از خوراک شیر احتیاط لازمه کرده شود و هر قدر که وضعیت اسهال مخوف باشد بهمان اندازه از خوراک شیر باید اجتناب ورزیده شود ، و عوض خوراکهای با شیر آمیخته ، نان دبل بریان شده و آرد کچالو داده شود ، بعد از گذشتن یک مدت نسبتاً زیادی میتوان با احتیاط تمام شیر را در خوراک علاوه کرد .
علاوه بر خوراک قند در موقع اسهال اطفال (آدری نالین) استعمال کرده و اگر استفراغ شدید تولید نمود (سول رنجر) به داخل جسم طفل زرق کرده شود .
این تداوی بعضاً برای مریضان یک حیات تازه بخشیده و در نتیجه وزن در کمترین مدت زیاد می گردد و بالاخره تا بحال ازین علاج یک نتیجهٔ بدی مشاهده نرسیده است .

سرما خوردگی اطفال

بسیاری ازمادران بجیان پرورش و عادات دادن اطفال خود بزندگانی طبیعی و متأثر نشدن ازسرما و گرما، آنانرا درسرما وهوای آزاد سرد در جریان باد های خنك میگذارند، این فکر خطا و سلسلهٔ غلط است، اکثر اوقات این عمل غلط که مخالف با اصول صحی است موجب ابتلاء بامراض سخت ومهلك می شود خصوصاً امراض ریه وسینه،

همان طورعادت دادن طفل به لباس‌های زیاد و پیچیدن او درقنداق و نظایر آن غلط و برای‌آتیهٔ طفل بسیار مضر است.

حمایهٔ اطفال ازسل

اطفالیکه‌ازمادر های مسلول متولد میشوند بهترین طریق محافظه وحمایهٔ ایشان آن است که از والده های شان جداکرده آنها رادر صحرا ودر قصبات ودهات پرورش نمایند.

ازچهل سال باینطرف درفرانسه مؤسسهٔ ازطرف پروفسوردکتور گرانشر تاسیس یافته: اطفالی را که از مادر های مسلول بوجود می‌آیند از والده ها یشان جدا کرده وآنها را دریك دهی‌که جامع شرایط صحی است داخل آن مؤسسه میمایند. این مؤسسه درطرف این چهل سال خیلی خدمات بزرگی ازین جهت برای جامعه نموده است واطفال مذکور خیلی کم بمرض سل دچارشده اند مگر مسئلهٔ جدا کردن اطفال تاکنون از والده‌های شان حسب اختیار والده‌ها بوده است. باین هم خیلی ازوالده‌ها بمفارقت اولاد های خود راضی نمیشوند.

چون تاکنون قابل ترشح بودن سل بهجنین وسرایت آن ثابت وقطعی کشف نشده است، ازآن جهته بعضی پروفسورهای مخالف ومحتاط بنام محافظه وحمایه قطعی حیات اولاد جداکردن طفل را از والدهٔ مسلول آن مجبوری گرفته وبرای آن قانون وضع کرده اند. دکتوررو کس که رئیس مؤسسهٔ گرانشیر است شدیداً باین اقدام اعتراض کرده ودعوی نموده است که اثرکسیون BCG درین خصوص قیمت خود را بدرجهٔ کافی اثبات کرده واگر بعد از ولادت درهفتهٔ اول به نوزاداین دوا از راه دهن داده شود، طفل بخواهش ابوین مسلول خویش بلاتهلکه نزد ایشان مانده می تواند. دکتور مذکوراین قانون مجبوری جدا کردن اولاد را از ابوین اصلاً طرفدار نیست.

خال چیچك

قریباً یکنیم صد سال پیشتر یکی از دوستداران عالم انسانیت باوجود مخالفت های هم عصرانش خال چیچك را ایجاد کرده بر مخلوق خدا یك احسان عظیمی نمود، چه مرض چیچك ازان امراض موزیه ایست که در موقع روزوبای آن تخمیناً درصدی پنجاه نفراز مرضای چیچك را بورطهٔ هلاك میراند، اما درحالت عکس آن یعنی اشخاصیکه خال چیچك زده وبرای مدافعهٔ چیچك وجود را مستعد ساخته باشند درصد دو یا شش نفر ضائع می شوند وازروی این تناسب فایدهٔ خال چیچك را می توان فهمید که تا چه اندازه موجد آن بعالم بشریت خدمت کرده است.

در ممالك راقیه برای زدن‌خال چیچك محتاج به تشویق وتبلیغ ملت نبوده وچون خود مردم بفوائد آن باخبر می باشند برای خال زدن چیچك اولاد های خود بشفاخانه رجوع کرده حکومت هم از روی احصائیه نومولودها والدین رابخال زدن اولاد شان مجبور ساخته وباین وسیله غالبیت ازمرض چیچك محفوظ میمانند

اما در افغانستان تا حال اکثریه اشخاص بفوائد خال چیچک معتقد نبوده وآن را چیزی بی فائده تصور میکنند ، ازین رو اولاد های خود را خال چیچک نزده و روی اطفال معصوم را بدنمای وچیچکی ساخته و بر علاوه بامراض دیگری که در دیگر اعضای جسم درنتیجهٔ چیچک پیدا می شود اطفال را مبتلا ساخته واگر ملتفت شده باشید آغوش اغلبهٔ مادرها را این مرض شوم بواسطه فنای اولاد شان خالی ساخته وشدت مرض شوم مذکور اطفال معصوم را بهلاکت و مرگ می کشاند . در اوائل خال چیچک را از آبله های خود مریض چیچک یا (ارچلک) های خشک شدهٔ مریض مذکور بدست آورده و پس از آنکه آنرا خوب سائیدند به شخص سالم خال میزدند ، اما پس از تجربهای زیاد این اصول غیر مفید ثابت شده و امروز دوای خال چیچک را از گوساله میگیرند .

در دورهٔ حیات انسان سه مرتبه خال چیچک زدن احتیاج دارد که اول آن در دورهٔ طفولیت و دوم سن ده الی دوازده سالگی و سوم در موقع جوانی میباشد . واشخاصیکه خال چیچک زده باشند از مرض چیچک قطعاً محفوظ شمرده نشده و حتی در بعضی اوقات اشخاص معمری که پنجاه سال داشته بمرض چیچک مبتلا شده اند .

بهترین سن برای زدن خال چیچک در دو یا سه ماهگی اطفال میباشد (بشرطیکه طفل تندرست وتوانا باشد) اما اگر وبای چیچک موجود باشد لحاظ عمر را نکرده باید بلا معطلی بخال زدن مبادرت نماید . ولی طفل اگر به امراض ... اسهال ... مبتلا باشد درین حالت تا شفا یافتن طفل عمل خال زدن باید معطل کرده شود . بعد از زدن خال چیچک زیر هدایت آبله کوب چند دقیقه مراقبت لازم است که دوای آب چیچک در جای خال خوب خشک شده و طفل آنرا پاک نکند و تا ده روز بعد از زدن خال در جائیکه خال زده شده می باشد ... و جای دیگر جمع شده و در آنجا دانه های کوچک کوچک نمودار شده که اغلب گمان می کنند ... درحالیکه این آبله های خال چیچک نمی باشد و درین احوال ... لازم داشته و ... باید به طبیب مراجعه شود چهار پنج روز که از عمل آبله کوبی گذشت درجائیکه خال زده میشد دانه های خورد خوردی نمودار شده وآبله ها ظهور میکنند ، درین آبله ها رطوبت و حرارت پیدا شده و بعد از مرور (۱۲) تا (۱۵) روز آبله های مذکور خشک شده و بجای آن از حک تولید میکنند وقتیکه از حکهای مذکور زیرت نشانهٔ خال چیچک برای تمام عمر باقی میماند فعلاً در شفاخانهٔ ملکی و شفاخانهٔ مستورات خال چیچک برای عموم مستورات مجانی زده شده و مردم باید ... این مرض ... برای زدن خال چیچک اطفال خود را در شفاخانه ها بفرستند .

بهترین معلومات زراعتی

سبزی کاری در ماهای بهار

شهور اوائل بهار (حمل وثور) نسبت به تمام ماهای سال برای سبزی کاری زحمت دارتر است زیرا این موسم ، مناسب و مخصوص است برای زرع انواع مختلفهٔ نباتات وامور متعلقهٔ آن از قبیل ، قلبه ، بارو دادن ، آب دادنهای ابتدائی وغیره ، پس باید دهقان درین ماه یک روز را هم عبث بگذرانند ومخصوصاً از روزهائیکه هوا صاف بوده و آفتاب میتابد تحویل استفاده نموده و هر نوع تخم را در موقع مناسب در زمین بفشانند . اینک درینجا طریق زرع انواع مختلفهٔ سبزیجات شرح داده می شود ؛

در سبزیجاتیکه یکجا زرع نمی شوند بهتر است در اول

اول سبزیجاتیکه یکجا کاشته میشوند : بکاشتن پیاز سفید و پیارهای متنوعهٔ دیگر اقدام شود

(اگر قبلا تیرماهی زرع نشده باشد) اما باید دانست که

پیاز در زمین سالم و اندک سخت که فقط سال گذشته بآن بارو داده شده باشد زرع میشود ، دریك آر

(۲۵۰ زرع مربع) تقریباً ۵۰۰ گرام (مساوی نیم پاو) تخم پاش داده شود واگر میل باشد قدری تخم اسفناج (پالك) وکاهوی بهاری هم بآن علاوه شود این دو سبزی قبل از بزرگ شدن پیاز حاصل میدهند . یعنی از بیخ کنده میشوند ونیز اگر درچهار اطراف کرد تخم باقلای کلان (لوبیا وغیره) که یك سبزی گوارا وزود رس است هم پاش داده شود این نباتات درظرف چند روز بسر حد حاصل آمده ودانه های کلان باقلا پیدا میشود ودرهمان وقت حاصل آن بدست میآید ودانه های باقلای مذکوره را جوش داده تازه میخورند وبیز مقداری ازآنرا برای زمستان خشك میکنند . درروی خیابانها (پلوانها) لبلبوی سفید و کلم گلدار وکلم دوبه میکارند وفاصله های بین آنها را همرای تخم ترا تیزك زمینی وگشنیز وغیره نباتات زود رس که همراه طعامهای بهاری صرف میشود پر میکنند ، نباتات اخیره باستثنای کلم و لبلبو که وقت رسیدن آن نیمه است در ظرف یك ماه بزرگ شده و بتصرف میرسند .

اگر تمام این سبزیجات تازه خوری به اصول باغبانی در یك مربع زمین متوسط (دارای ده متر عرض وده متر طول) کاشته شود ، ضروریات و احتیاجات یك خانوادهٔ متوسط را که دارای ۱۰ نفر باشد بخوبی تکافو خواهد نمود . ولی همهٔ این نباتات باستثنای بعضی از اقسام آن برای مصرفیات بهاری است ، لهذا یك باغچهٔ سبزی کاری خانوادگی باید دارای سبزیجات دیگری هم باشد .

۲ ــ زردك : یك مربع زمین دیگری باید برای زردك بهاری زودرس و زردك نیمه هی (که برای زمستان حفظ میشود) تخصیص داده شود ولی زمین آن باید نرم و پس از زرع تخمها کود (پارو) حیوانی به مقدار کافی داده شود ، تخمها بهتر است بعوض اینکه متفرقاً پاش داده شود دریك خط مستقیم کاشته شود اینطور که ابتدای زمین به خطوط ۲۵ سانتیمتری (هر ۲۵ سانتیمتر تقریباً ربع یك گز است) تقسیم شود وبعد درهر خط مذکور زمین باندازهٔ سه سانتیمتر حفر نموده شود و آنگاه تخم در جویهٔ کوچك مذکور پاش داده شود ، یك گرام (نیم یك یك مثقال) برای یك متر مربع زمین کفایت میکند ، به این طریق علاوه بر تمایش عمومی نباتات ، غیشاوه ومراقبتهای دیگر آسان میشود چون زردکها سبز شوند در نوبت اول برگهای آنرا سر میزنند وسبزی مذکور را به حیوانات میدهند وهم ازان یك قسم غذا درست میکنند ، و پس از این سر زدن قوت نبات زیاد شده وبیخ آن (اصل زردك) بزرگ میشود ، علاوه بر این وقتیکه نبات رو به نموگذاشت یکی دو بار زمین آنرا غیشاوه (وجین) و نرم می کنند .

زردك بهاری که رنگ زرد دارد درظرف ۶۰ روز حاصل میدهد ولی بسیار کوچك کوچك میباشد . اما زردکهای نیم ماهی دارای رنگ سرخ و بزرگ میباشد و درماههای اول خزان کنده شده ودرچاههای خاکی برای مصارف زمستانی حفظ میشود .

۳ــ ترب : برای زراعت ترب زمین بسیار نرم و پر قوت بکار نیست و مراقبتهای زیادی هم لازم ندارد واگر دریك مربع کوچك (۴ متر مربع) تخم آن افشانده شود برای مصارف بهاری و زمستانی یك عائلهٔ ده نفری کفایت خواهد کرد زیرا حاصل زیاد میدهد وکمتر فاسد میشود وهر تخم آن بطور قطع حاصل میدهد لهذا دریك مربع کوچك باید از دو رقم تخم ترب که یکی دارای شکل مدور ورنگ سرخ است ودرظرف سه هفته سبز میکند ودریکماه حاصل میدهد ، ودیگر که سفید و دراز شکل بوده درظرف دوماه بزرگ شده هم درشروع تابستان وهم برای زمستان حفظ و صرف شده میتواند کاشته شود ، غیشاوه و نرم کردن زمین برای قسم اول لازم نیست ولی ترب زمستانی را باید چند مرتبه تحت مراقبت گرفت ودر ماههای خزان آنها را چیده درچاه حفظ نمود .

۴ــ شلغم : شلغم ازاول الی ۱۵ ثور کاشته میشود ودر اواخر سرطان و شروع تابستان حاصل میدهد تخم شلغم برای هر متر مربع نیم گرام (ده مثقال) کفایت میکند و بهتر است که ابتدا بدون ترتیب درزمین نرم وزیر وروشده پاشیده شود وبعد تخمها بواسطهٔ شاخی یا خاکروب لب چه زیر خاك گردد آب باران روئیدن نباتات را سرعت خواهد بخشید ، چون سبز شدند آنها را یکه بایدکرد

ودرفاصلهٔ ده سانتیمتر (دو حصهٔ گز) تخم یك بته باید گذاشت شلغم بهاری رنگ سفید وشکل دراز دارد و در تابستان حاصل می دهد، شلغم تیرماهی مدور و سرخ رنگ و بزرگ است و برای زمستان درچاهای خاکی حفظ می شود.

صفات ممیزه شیر ومستخرجات آن

غالباً اشخاصیکه شیر استعمال میکنند خوبی وخرابی آنرا از روی رنگ آن حدس میزنند مثلاً شیری را که رنگ قیماق باشد (یعنی رنگ زرد مایل بسفیدی) ویا دارای یك ورقهٔ ضخیم قیماق باشد آنرا می پسندند و برعکس شیری را که رنگ آن مایل به نیلی ودارای ورقهٔ نازك قیماق باشد خوش نکرده آنرا مفید نمیدانند.
اگرچه علایم مذکوره بیك اندازه صحیح شمرده می شود ولی علی العموم رنگ و ضخامت ورقهٔ قیماق علامهٔ خوبی شیر بوده ومقدار روغنی که در شیر موجود دارد از ان معلوم نمیگردد.
اگر ذرات چربی در شیر بزرگ و رنگ قیماق باشند ورقهٔ قیماق آن ضخیم و برعکس درصورت وجود ذرات کوچك وقلت مادهٔ رنگی در شیر با آنکه بالنسبه شیری که ورقهٔ قیماق آن ضخیم ورنگ خوبی دارد حاوی روغن زیادی هم باشد قیماق آن نازك و کم رنگ میباشد.
از تجارب عدیده که درین باره در ظرف سالها گذشته حاصل گردیده چنین مفهوم میگردد که زردی رنگ مسکه وقیماق بواسطهٔ مادهٔ رنگی که موسوم به کروتین Carotin است میباشد - وجه تسمیهٔ این ماده باسم کروتین ازجهت است که زردی رنگ کاروت Carrot (زردك) بواسطهٔ مادهٔ مذکوره است واگراحیاناً این ماده درزردك وجود نمیداشت رنگ آن زرد نمی بود - اگرچه کروتین عموماً درنباتات سبزهم دیده میشود اما سبب سبزی نباتات مادهٔ دیگری مسمی به کلوروفل Chlorophyll است که مادهٔ مذکوره نباتات را به نظر ها سبز جلوه میدهد.

وهرگاه گاوها نباتاتی را که دارای کیروتین میباشد تغذیه مینمایند مادهٔ رنگی نباتات که کروتین دارند کروتین بخون آنها داخل شده وذرات روغن شیر آنرا بجود جذب مینماید وشیر که دارای مقدار زیاد ذرات چربی باشد رنگ زرد تیرهٔ را از خود ظاهر میکند.

در بین نباتات ازقبیل گیاه های تازه چراگاها وتریج Forage Crops زردکها - کیل Kale (یك نوع کلم است) کاهها وسایلیج Silage کروتین به مقدار زیادی وجود دارد - اما درکاه سبز وریشه های زرد نباتات، مادهٔ مذکوره باندازهٔ بسیار قلیل بنظر می رسد، پس اگر درعلوفهٔ گاوها مقدار زیاد کیروتین وجود داشته باشد رنگ شیر ومستخرجات آن (ازقبیل، قیماق، ماست وغیره) باندازهٔ ذرات چربی آن دارای رنگ زرد می باشد یعنی اگر ذرات چربی در شیر کمتر وجود داشته باشد زردی رنگ شیر کمتر واگر بیشتر باشد یقیناً زردی رنگ آن بیشتر خواهد بود وهمچنین قیماق شیری که مقدار کیروتین آن بیش است رنگ آن زرد تیره (بالنسبهٔ شیرش) بوده ومسکهٔ آن هم دارای رنگ تیر تری میباشد - علاوه بران یکمقدار کیروتینی که در شیر جذب میشود درنتیجهٔ تزریق علوفهٔ کیروتین دارمقدار دیگری از آن درجسم حیوان نیز جمع شده بصورت ذخیره میباشد.

ولی گاوها عموماً بیك اندازه کیروتین را به شیر بجسم خود تحویل داده می توانند و بهترین آنها که قوهٔ تحویل کیروتین را دارند آنرا به شیر بجسم خود جذب مینمایند نسل جرسی Jersey وگورنسی Guernsey است، ازین جهت است که جسم وپوست بعضی اقسام گاوها بیشتر واز بعضی کمتر زرد بنظر میرسند - از طرف دیگر اگر تغذیهٔ گاوها دارای کیروتین نباشد تا مقدار کمی درآن وجود داشته باشد کیروتینی که درجسم گاو ذخیره شده آهسته آهسته بشیر آن جذب میشود ومتدرجاً رنگ شیر هم مائل بسفیدی گشته قیماق آن نازك ونامرئی میگردد هرگاه گاو مذکور تا مدت مدیدی علفهای کیروتین دار تغذیه نکند البته بعد ازچندی شیر آن کاملاً سفید گشته وقیماق ومسکهٔ که از آن بدست آورده شود نیز رنگ سفید خواهد بود.

بازیهای اولمپیا

اولمپیا یك وادی است در یونان که در آنجا عبادتگاه معروف مشتری که رب‌الارباب اهالی یونان قدیم بود واقع و از ابتدای سنه ۷۷۶ قبل از مسیح تا ۳۹۴ بعد از میلاد یعنی تا مدت ۱۱۶۰ سال بحال خود باقیمانده و بعد از مرور هر چهارسال جشن بزرگی در آنجا انعقاد می‌یافت، و بازیهای از قبیل مسابقه های دویدن، جهیدن، خیز زدن، مشت زدن، کشتی گرفتن، نیزه زدن، حلقه انداختن، عرابهٔ جنگی دواندن، و غیره معمول بوده و اهالی یونان قدیم درین مسابقه ها شرکت داشتند، و علاوه بران از طرف حکومتهای بلاد یونانی نمایندگانی دران میدان های مسابقه اشتراك میورزیدند و برای کسانیکه فاتح این میدانها می‌بودند تاجی از برگ... بطور جائزه اعطا می گردید باوجودیکه از حیث قیمت و ارزش چیزی نبود، ولی در آنوقت از گرانبها ترین و معظم ترین جوائز عالم بشمار می آمد

درآغاز سنه ۱۸۹٤ بارون پیردوکبرتن .Baron Pierre de فرانسوی محرك و باعث گردید که بازیهای اولمپی که متروك وموقوف گردیده بود بعد از شانزده قرن دوباره درمعرض اجرا گذاشته شود. این بود که از سنه ۱۸۹٦ دوباره بازیهای اولمپیك رواج یافته و از هر مملکت بهترین افراد آن بغرض مسابقه درآن بازیها اشتراك میورزد، بازیهای کنونی اولمپیك قرار ذیل است.

دویدن، جهیدن، خیز زدن، سنگ (یکسیره) و چکش (یکسره) انداختن، نیزه انداختن، حلقه انداختن، مشت زدن، شنا کردن، شمشیر بازی، کشتی گیری، بایسکل دوانی، نشان زدن با تفنگ و تفنگچه (پنت ایتلان) وورزش پنجگانه (یعنی اشتراك یکنفر درپنج بازی از بازی های مذکور). (دیك ایتلان) وورزش ده گانه، یعنی اشتراك یکنفر در ده بازی مذکور فوق، سپس چوگان، بازی تینس، فت بال، هاکی، مکراس، جمناستیك، بازیهای زمستانی از قبیل مسابقهٔ پتانك باندازهٔ ۱۵۰۰ متر ۵۰۰۰ متر، ۱۰۰۰۰ متر در روی یخ مسطح. وبذریعهٔ سکای (آلهٔ که بواسطهٔ آن روی برف راه میروند) روی برف مسافه های ۱۸، ۵۰ کیلومتر راپیمودن، وخیز زدن بواسطه سکای، و سورجه خوردن.

اینست که بعد از ان سال بازیهای المپیك بتاریخ های ذیل بمقامات مختلفه اجرا یافته است.

شهر	مملکت	سنه	
آتنه،	یونان	۱۸۹٦	میلادی
پاریس،	فرانسه	۱۹۰۰	»
سنت لوئی،	جماهیر متحدهٔ امریکه	۱۹۰٤	»
لندن،	برطانیه	۱۹۰۸	»
ستاکهلم،	سویدن	۱۹۱۲	»
در سنه ۱٦ بواسطهٔ حرب عمومی اجرا نیافت.			
انتورپ،	بلجیم	۱۹۲۰	»
پاریس،	فرانسه	۱۹۲٤	»
امستردام،	هالیند	۱۸۲۸	»
لاس انجلس،	جماهیر متحدهٔ امریکا	۱۹۳۲	»
برلین	جرمنی	۹۹۳٦	» اجرا خواهد یافت.

درآخرین مسابقه اولمپیك که درسنه ۱۹۳۲ بمعرض اجرا گذاشته شده ایطالیا بدرجهٔ اول جماهیر متحدهٔ امریکا بدرجهٔ دوم، فنلند سوم، مجارستان چهارم، جاپان پنجم بوده اند و در سایر بازیها اشخاصیکه حائز نمرهٔ اول دران حال بوده اند، اسامی شان قرار ذیل است.

نتائج دهمین مسابقهٔ بین‌المللی اولمپیا

دویدن

مسافه	اسم شخص نمره اول	تابعیت	ریکارد ثانیه	ریکارد دقیقه	ملاحظات
۱۰۰ متر	ای تولان	جماهیر متحدهٔ امریکه	۱۰٫۳		ریکارد عالم بشمار میرود.
۲۰۰ »	» »	» »	۲۱٫۳		» »
۴۰۰ »	دبلیو کار	» »	۴۶٫۲		» »
۸۰۰ »	تی ـ همپس	» »	۴۹٫۸	۱	» »
۱۰۰۰ »	ایں ـ بیچالی	ایطالیه	۵۱٫۲	۳	ریکاردعالم ۱۰ ثانیه ۵ دقیقه میباشد
۵۰۰۰ »	ایل ـ لهتینن	فنلیند	۳۰	۱۴	» ۲۸٫۲ ـ ۱۴ »
۱۰٫۰۰۰ »	جی ـ کوسوکنسکی	پولیند	۱۱٫۴	۳۰	» ۶٫۲ ـ ۳۰ »
۳۰۰۰ (رزمین ناهموار)	وی ـ ایسوهولو	فنلیند	۳۳	۱۰	» بشمار میرود
۱۱۰ »(با موانع)	جی ـ سالنگ	جماهیر متحدهٔ امریکه	۱۴٫۶		» ۱۴٫۴ ثانیه »
۴۰۰ »(» »)	آر ـ تسنن	آیرلیند	۵۱٫۸		ریکارد عالم است.
۴۰۰ »(چاپار چار نفری)		جماهیر متحدهٔ امریکه	۴۰		» بشمار میرود.
۱۶۰۰ »(» »)		» »	۸٫۲	۳	» » »

پیاده رفتن

مسافه	اسم شخص نمره اول	تابعیت	ریکارد ثانیه	دقیقه	ساعت	ملاحظات
۵۰٫۰۰۰	تی گرین	برطانیه	۱۰	۵۰	۴	
۲۶۴ متر ـ ۴۲ کیلومتر	مراتون جی زابالا	ارجنتائن	۳۵	۳۱	۲	

خیز زدن

اقسام	اسم شخص نمره اول	تابعیت	مسافه	ملاحظات
بلند	وی مکناتن	کانادا	۱٫۹۷ متر	۲ سوت ۸۰ انج ریکارد عالم
دراز	ای ـ ایل ـ گوردون	جماهیر متحدهٔ امریکه	۷٫۶۴ »	۱ سوت ۲۶ فت » »
سه رقم(هاپ ستیپ جمپ)	سی نمبو	جاپان	۱۵٫۷۲ »	ریکارد عالم شمار میرود.
به معاونت نیزه	دبلیو میلر	جماهیر متحدهٔ امریکه	۴٫۳۱۵ »	» » »

انداختن (پرتاب کردن)

	اسم شخص نمره اول	تابعیت	مسافه	ملاحظات
قرص	جی اندرسن	جماهیر متحدهٔ امریکا	۴۹٫۴۹ متر	۶ سوت ـ ۸ انج ۱۶۳ فت ریکارد عالم
جریده	ایم ـ جارویی	فنلیند	۷۲٫۷۱ »	۵ سوت ۱۱ ـ انج ۲۳۲ فت » »
گلوله	ایل ـ شکستن	جماهیر متحدهٔ امریکا	۱۶٫۰۰۶ »	۴ سوت ۷ ـ انج ۵۲ فت » »
چکش	پی ـ روکالاگان	آیرلیند	۵۲٫۲۷ »	۲ سوت ۸ ـ انج ۱۷۹ فت » »

متفرقه

	اسم شخص نمبر اول	تابعیت	نمره
دیکه تولان (یکتنر ده‌بازی)	جی باش	جماهیر متحدهٔ امریکه	۸۴۶۲٫۳۳
پنتاتلان (یکتنر پنج‌بازی)	جی آکسن ستیرنا	سویدن	۳۲

سالخوردگان

بعضی اوقات در جراید از اشخاص سالخورده بحثی وخبری انتشار میابد مردم در اطراف این چنین اشخاص سالخورده بهت زده دچار گردیده وحیرت میکنند، مثلاً وقتی جراید خبر فوت یکنفر چینی را (لی چنگ یون) که بعمر ۲۵٦ سالگی در ۱۹۳۳ فوت شده نشر کرد کمتر کسی باور نمود.

وجود چنین اشخاص سالخورده موجب حیرت نیست، تورات بسیار پیغمبران را یاد میدهد که از صد سال بیشتر زندگانی کرده اند. یکی از سالخوردگان بعد از طوفان حضرت ابراهیم است صلوة الله علی نبینا وعلیه السلام. وحضرت اسحق و یعقوب وموسی علیهم السلام. حضرت ابراهیم ۲۷۵ سال وحضرت اسحق ۱۸۰ سال وحضرت یعقوب ۱٤۷ سال وحضرت موسی ۱۲۰ سال عمر نموده اند.

در وقت حاضر نیز بسی اشخاص موجودند که عمر زیادی دارند، زارو آغای ترك ۱٦۰ سال عمر دارد وتاحال ۹ زن گرفته ودر صدد زوجهٔ دهمین که از خودش ۷۵ سال خورد تر است افتاده شاید این زن را نیز کهنه نماید. هکذا در افغانستان اشخاص موجود اند که در حدود ۲۰۰ و ۱۸۰ سال عمر نموده و اکنون در قید حیات میباشند. و اشخاص دیگر یکه از ۱۸۰ سال کمتر ومتجاوز از یکصد سال عمر دارند در نقاط افغانستان بکثرت وجود دارند که در ذیل اسامی چندی از ایشان ذکر میشود:

۲۰۰ ساله؟

مرهٔ کی قوم کاکری ساکن ملاخان تاکنون نکاح نکرده است سنش در حدود ۲۰۰ سال وازوقت اعلیحضرت احمدشاه وتیمور شاه وغیره حکایه می کند هر شخص ریش سفید که عمرش صد ساله شده باشد نامبرده را بریش سیاه دیده است ـ دندانهای او بعضی که افتیده بود نو پیدا شده.

۱۸۰ ساله

در سمت جنوبی درعلاقهٔ ارگون موضع میدانك حاجی گل ولد احمد شاه ولد سکندر قوم دولت زائی بعمر ۱۸۰ سالگی درقید حیات است، این شخص هنوز بکلی از کار نمانده، حرکت کرده میتواند دید چشمش ضعیف گردیده، در عمر خود یك زن گرفته واز آن ۹ اولاد تولد شده که ٤ نفر آن حیات دارند وصاحب نواسه میباشد. از قراریکه بیان میکند دربطن مادر از موعد معینه قدری بیشتر مانده وهنگامیکه تولد یافته است موهای سرش آنقدر طویل بوده است که تابازوهایش میرسید. این شخص حیات منزویانه وکناره گیری را دوست دارد.

۱۷۰ ساله

بهادر نام، در نازیان شنواری سمت مشرقی که سنش بالغ بریکصد وهفتاد سال گردیده حیات دارد، این شخص واقعات گذشته را بوضاحت حکایت می کند.

❀❀❀

رمضان نام ساکن کتوت هزاره که سنین عمرش به یکصد وهفتاد سال رسیده، ولی کنون نسبت به ضعف بدن ازجا حرکت کرده نمی تواند.

۱٦۰ ساله

درقریهٔ ده نابی که بفاصله ۳ میلی کوهات است باز گلخان نام که رئیس آن قریه میباشد بعمر ۱٦۰ سالگی رسیده است، این شخص افغان واز قوم ختك است شغل او زمینداری است دو پسر یکی بعمر ۹۹

... [illegible] دارد ...
[illegible] دید چشم او هنوز خوب است .

۱۵۰ ساله

در [illegible] مشرق افغانستان در (کنر خاص) شخصیکه سنین عمرش به ۱۵۰ سال رسیده است و قید حیات دارد . اسم این شخص یار محمد خان است . مشاهدات خود را خوب یاد دارد .

***

ملا حبیب خان در شنواری سمت شرقی که یکی از علمای جید و در علوم حدیث و تفسیر عالم است بسن ۱۵۰ سال رسیده است .

۱٤٥ ساله

میر جان نام پسر فیروز قوم سنگر خیل ساحه نازیان شنواری علاقه سمت مشرقی که کنگ و لالپور است بسن ۱٤٥ سال رسیده است و اشخاص مسن نیز کبر سن او را تصدیق نموده اند .

۱۲۰ ساله

در موضع بند سمت مشرقی اس سنگ هندو که عمرش به ۱۲۰ سال بالغ گردیده است وجود دارد ، اما اعضایش محکم و ریشش هنوز بکلی سفید نشده و قوه اش زایل نگردیده از یک قریه بدیگر قریه تردد می نماید .

***

محمد عباس نام افغان ساکن میرداد اشتر شهر غوربند سنین عمرش به ۱۲۰ سال بالغ گردیده است .
محمد عباس در مدت عمر خود چهار مرتبه تأهل نموده که سه از آن فوت گردیده و عیال آخرین او حیات دارد .
این افغان مسن صاحب ۳۰ اولاد بوده ده نفر آن فوت شده و ۲۰ نفر حیات دارد که ۱٤ مرد ذکور و ٦ نفر اناث اند .
اولاد مذکور نیز صاحب اولاد میباشد که فعلاً تعداد شان خیلی زیاد است . محمد عباس تا پنج کیلو متر مسافه را مکرراً پیاده طی نموده میتواند ، پیشه اش دهقان بوده است .

* * *

حاجی شاه ولی مقارن به اوائل ماه ذی حجة الحرام سنه ۱۳۵۲ هجری قمری ، مرحلهٔ سال یکصد و بیستمین حیات را طی می کند ، حواسش مانند اشخاص جوان سالم ، و هیچگونه آثار ضعف قلبی و دماغی در وجودش مراغ نمیشود کلمات را بترتیب مناسب ادا کرده سوالات را به بهترین صورت ادراک و بطور معقول جواب می دهد .
مشار الیه تا سن پانزده سالگی عمر خود را تحت تربیهٔ والدین خود گذرانده و بعد از آن الی زمانیکه سنین عمرش به سی می رسد پانزده سال یک استقامت مصروف شبانی بوده و در طی زحمات مدنی یک سرمایه اندوخته و در سال سیم حیات ازدواج کرده و بهمین ترتیب با پنجنفر عیال شرعی وصلت کرده است . از آنجمله چهار نفر عیالش فوت شده و یک زوجه اش تا کنون حیات و هردو بکمال مسرت عمر بسر می برند
این شخص والد (۲۹) نفر اولاد است که از آنجمله بیست و دو نفر ذکور و هفت نفر اناث میباشند تعداد واسطه و تعداد نواسه اش به پنجاه و چهار نفر می رسد که سی و هشت نفر آن ها متعلق به اولادهای ذکور و ۱٦ نفر مربوط دختران او هستند ، دو سال قبل یعنی در ۱۳۱۰ هجری شمسی یکنفر پسر و یکنفر دختر او سن طفولیت بمرض چیچک وفات کرده اند . مع ذالک فعلاً خانه اش عامره و عنقریب وضع حمل می نماید .
از همه مهمتر چیزیکه انسان را بدانستن سوانح این شخص معمر مائل میسازد این است که این شخص در طول [illegible] یکصد و بیست سالهٔ حیات خود یک ساعت هم مریض نشده و با کمال مسعودیت در سایهٔ صحت جسم و ثروت و [illegible] در دورهٔ استمرار حیات می نماید قوای جسمی را به اندازهٔ خوب مالک است ، مانند اشخاص جوان و [illegible] غذا تناول کرده و بقدر کافی از لذائذ خواب تمتع جسته هر روز بدون استانه یکهزار قدم

بعضی از معمرین افغانستان

Quelques Cas Rares de Longevité en Afghanistan.

حاجی شاه ولی پنجشیری ۱۲۰ ساله
120 ans

حاجی گل قوم دولت‌زائی ۱۸۰ ساله
180 ans

مره کی قوم کاکری در حدود ۲۰۰ ساله
Environ 200 ans

محمد علام خان پنجشیری ۱۱۱ ساله
111 ans
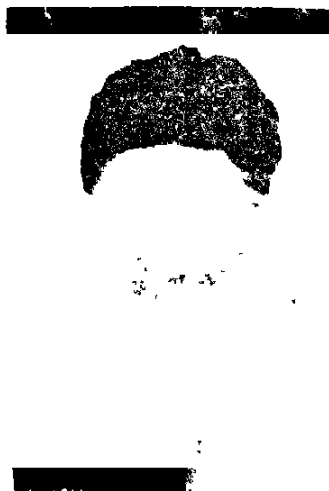
محمد علم خان پنجشیری ۱۱۹ ساله
119 ans

راه می‌رود در فصول زراعت با یاری اراضی خود رعتاً پرداخته هکذا بسواری اسپ از علی‌آباد الی خان آباد آمده و این فاصله را که تقریباً ده کروه میشود پیموده باز واپس بخانهٔ خود میرود، خلاصه این شخص بکمال تندرستی و قوای ذهنی و بدنی در قریهٔ علی آباد مسکون و تحت فامیل و منسوبین خود که یك قریه مختصری از وجود شان تشکیل شده بکمال خوشی اوقات خود را میگذرانند

* * *

مراد بی ولد سنگی بیك ساکن دراز خوست اندراب مربوط ولایت قطغن عمرش (۱۲۰) سال است قوی او سالم و به خوشی امرار حیات مینماید

۱۱۵ ساله

بابه نام ساکن (خانقاه) علاقهٔ مربوط حکومت اشکمش قطغن، سن عمرش در حدود ۱۱۵ اولاد ذکور واناث او بالغ به ۱۲ نفر و نواسه و نبیره اش تا ۶۰ نفر میباشد، وفعلاً هم تندرست است

* * *

مسماة ... ساکن چهاردع خوست مربوط حکومت اندراب عمرش به ۱۱۵ سال میرسد ... از ۱۲ پسر و یك دختر خود که زنده اند (۵) نفر ذکور واناث و ... نواسه و ... دارد و ۳۰ نفر ... مرده اند که مشارالیه والدهٔ ۹۳ نفر اشخاص شده و فعلاً حیات میباشد

* * *

بی مراد ولد ... قومش هزاره قاضی خیل سکونتش در چهاردع خوست سنش در حدود (۱۱۵) وفعلاً دارای ۷ نفر اولاد ذکور واناث و ۴۰ نفر نواسه ذکور واناث میباشد

۱۱۳ ساله

... ولد حیات خان قومش هزاره فاطول مربوط ولایت قطغن سنش در حدود ۱۱۳ میباشد اولادهٔ مذکور واناث این شخص معمر بالغ بر ۳۱ نفر می شود که فعلاً همهٔ شان در قید حیات زیست مینمایند

۱۱۲ ساله

ملاخدا بخش ... سکونتگزین خوست اندراب عمرش ۱۱۲ ساله مشارالیه ۳ نفر دختر و ۴ نفر پسر ۱۵ نفر نواسه و نبیره دارد که عموماً در عرصهٔ حیات وجود داشته وقت بسر می برند

۱۱۱ ساله

... ولد محمد رضا قوم تاجك سکونت ... علاقه داری خوست قطغن سنش بالغ (۱۱۱) ۶ نفر پسر و ۵ نفر دختر و ۲۲ نفر نواسه ذکور واناث دارد.

* * *

محمد غلام ولد محمد جعفر ساکن قریهٔ نوراهٔ پنجشیر که سن عمرش به یکصد و یازده سال رسیده است، و قوای جسمی او بهایت درست و کار زراعتی خودرا بخوبی اجرا میتواند، درفکر او چیزی نقص عاید نشده، و در هنگام ... و ... آب از دریای پنجشیر باسانی عبور می نماید صحتش خیلی خوب است

۱۱۰ ساله

سید غلام نبی ساکن چهار درهٔ غوربند که حدوداً یکصد و ده سال عمر دارد صاحب ۲۱ اولاد بوده واز جمله پسر آخرین او در سال ۱۳۱۲ تولد شده است. چهارده نفر از جمله اولادش مرحوم شده باقی در قید حیات اند.

سید غلام هنوز بکلی سفید نشده. تا ۷ کیلومتر راه را پیاده بپیماید میتواند چشمهایش قدری کم
اسطهٔ عینک میتواند کتب را مطالعه نماید. شغلش دهقانی بود.

❀ ❀ ❀

ماه بنت نفس محمد قوم هزاره شادی خال سکونتش در بهارك خوست سنین عمرش در حدود
از ۶ پسر و ۲ دختر نواسه و نبیره پسری و دختری ذکور و اناث (۴۰) نفر نواسه و ۳۰ نفر نبیره
د.

۱۰۷ ساله

صاحبزاده ولد جناب مراد علی صاحبزادهٔ مرحوم که سنین عمرش به (۱۰۷) سال رسیده پنج پسر
پسر بزرگ او ریش ماش و برنج گردیده.
بزادهٔ مذکور شخص عالم و فاضل بوده چندین کتاب درعلم تصوف تالیف کرده و حالا هم کتاب
ای باریك‌کتاب ها را بدون عینك مطالعه‌و مکاتبه کرده میتواند، و اززمان‌سلطنت امیردوست محمدخان
وزیر محمد اکبرخان حکایات مینمایند.

۱۰۵ ساله

ی میرجان قوم صافی ساکن‌الاصل لغمان حال باشندهٔ خان‌آباد سکونت‌گزین قریهٔ کشم قندوز که
درحدود (۱۰۵) سال است فی‌الحال وجودش سالم و قوهٔ روحی و بدنی آن خوب است اولاد
ن تا ۱۳۰ نفر تخمین شده که فی‌الحال اکثری از اولادهای او شامل خدمات رسمی بوده اما
ی موصوف به شناختن اکثر اولادهای ذکور و اناث خود موفق نمی شود. و علاوتاً درهمین روزها
یك دختر تولد شده.

❀ ❀ ❀

ن علی ولدمحمدرضا قوم تاجك ساکن ایچانی خوست مربوط اندراب سنین عمرش درحدود (۱۰۵)
۰ نفرپسر و ۶ نفر دختر و از پسران ودختران مذکور خود ۳۰ نفرنواسه و نبیرهٔ ذکور واناث زنده و
رد.

۱۰۳ ساله

ی محمدولد دولت ساکن‌اندراب‌عمرش درمرحلهٔ ۱۰۳ واز ۸ نفر پسر ودختر ۶۱ نفر نواسه و نبیره دارد.

۱۰۰ ساله

. قدم بای ولد نیاز محمد قوم تاجك سکونتش درقریهٔ خوست اندراب عمرش ۱۰۰ سال و از ۱۰ نفر
دختر (۴۸) نفر نواسهٔ ذکور واناث و ۵ نفر نبیره دارد که جمع اولاد او (۷۹) نفر می شود فعلاً
حیاتند. شخصاً توانا وهنوز ۴ نفرعیال زنده وحیات تحت نکاح دارد.

❀ ❀ ❀

ل‌الدین ولد هاروت ساکن کلی خیل وردك که سنین عمرش بصد سال رسیده، و هنوز بقوت بوده
این متوسط مقابله و زورآزمائی کرده می تواند، کاملاً صحت و تندرست می باشد.

❀ ❀ ❀

القدوس ساکن برکی راجان لوگر که سن مذکوربصد سال رسیده، فعلاً صحتش کاملاً خوب
دارد.

ع. امین اللہ خان زمرلای، عضو انجمن ادبی

پښــــتو

پښتونوم د ژبې : له تکي څخه د نظر د هغه ملت چه پدې ژبه وینکي دي پښتو ژبه د پښتنو ده او دا ملت خان پښتون یا په صورت د جمع پښتانه او خپله ژبه پشتو یا په لهجه د مشرق او شمال مشرق د خلقو پښتو بولي او په لهجه د اهالی د مشرق او شمال مشرق پښتانه چه نوموړ دے قوم دي پښتانه تلفظ کیږي او دا کلمه د پښتانه هغه ملت ښئي چه دوه نیم زره کاله پخواه هرودوتس په نامه د پاکتویس[1] یاد کړي دي او په «رګویدا»[2] کښ په نامه د پکته راغلي دي، یعني پشتانه یا پښتانه او پشتو یا پښتو په هغه پخوانی زمانه کښ مرادف له نامه څخه د پاکتیا او پکتانه او پکته دي، بیلوا و بار تولدا و نور محققین عینًا په دا عقیده تصدیق او ملګرتیا کوی.

نو پدې مفهوم سره دا غیور قوم له پخوانی زمانے نه د آریان، او سیدونکی د دے مځکی دی نه په اسرائیلی مهاجرینو او نه په نورو مختلفو تکرانو اره او ارتباط لري او دا ژبه ئې خپله اصلی او پخوانی ژبه ده.

مبدأ د ژبې : له دیرے مدے څخه پدے اعتراف سوی دی چه دا مذکوره سوے ژبه د آریان د ژبو څخه یوه ژبه ده اما څه مدة کیږي چه پدے باب کښ چه آیا دا ژبه د «ایرانی آریه» توك ده یا د «هندی آریه» شاخ ده بحث او جګړه ده نو نظریات د جینو محققینو پدے باب

(1) ПáKTves

(2) زموږ د تقدیم کتاب د هندیانو.

محترمینیکه درسال سوم مجلهٔ کابل کمک قلمی فرموده اند

جناب جلال‌الدین خان طرزی — جناب حبیب‌الله خان متعلم مکتب عالی استقلال — جناب میر محمد صدیق خان متعلم مکتب عالی استقلال — جناب صفرعلی خان (امی)

جناب عبدالعظیم خان « عظیمی » — ع، خیر محمد خان تولی مشر پیلوت — جناب عبدالغفور خان عضو مطبعه عروی
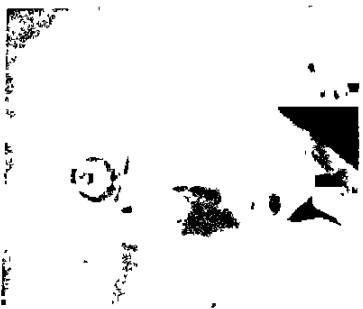
Les Collaborateurs de la « Revue de Kaboul » (3eme année de Publication).
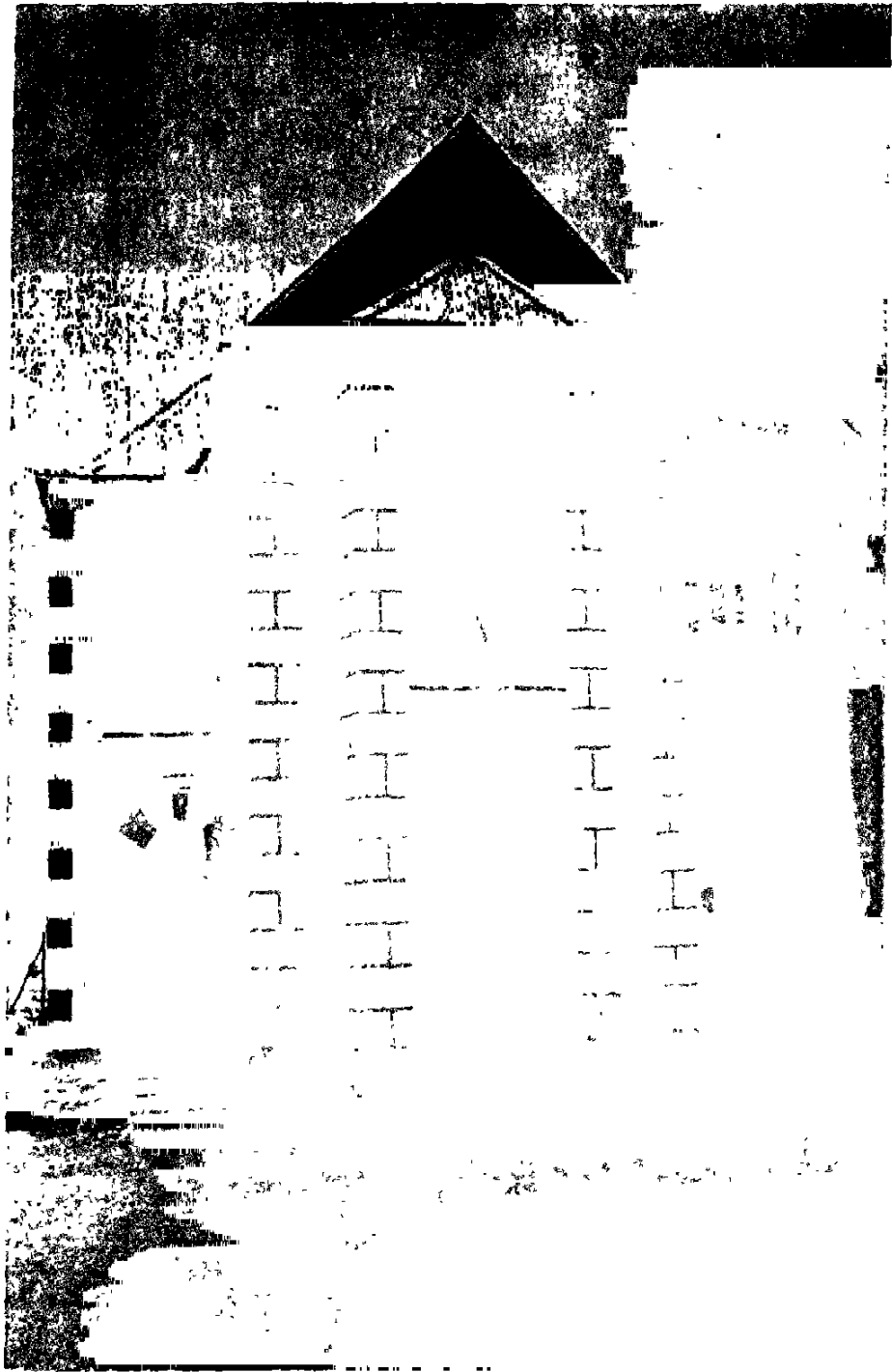
محل ادارهٔ مجله و سالنامهٔ کابل

Siége du Bureau de la "Revue de Kaboul" et de l'"Almanach de la Revue de Kaboul"

کښې په لاندې صورت سره ليکل کيږي: محققين او علما، ايراني يا آرياني ژبې په دوو لويو برخو ويشلي او توضيح کوي ئې: غربي او شرقي لوئي او عمده نمونې د مغربي ژبو، نوې پارسي بولي چه بالواسطه د زړې پارسي څخه د هغې منشيا او اختلاط شوې ده، زړه نمونه د مشرقي توك، هغه معروف ژبه د ژند[1] کښې او واني چه لاندې توك څخه ابين د نورو ژبو، د غلچه ژبې چه او س په پاميرات کښې خبرې باندې کيږي پيدا شوې دي او د بلوڅو ژبه هم په دې دسته اړه لري او پښتو هم له هغه توك څخه راوتلې ده.

نظريات د محققينو:- پروفيسر مولر په خپل اثر کښې (راجع و ژبې ته د پښتو[2]) اول واري خپله نظريه ظاهره کړې ده چه پښتو په دسته د مشرقي اړه لري ١٨٦٢ع، ډاکټر "ترومپ" په خپل پښتو ګرامر کښې چه په ١٨٧٣ع کښې ليکلې شوې دی په قوي دليلو سره ئې د اخپله علمي نظريه ښکاره کړې ده چه د پښتو ژبه هيڅکله له رويه د صحت په ايراني اړه نلري بلکه د هند د آرين د کورني يو توك ده او زيات نيږدې والی د سندی د ژبې سره لري او مذکور ډاکټر علاوه پر پورته بيان وائي چه د اثر به د هند د آرين د کورني يو صحيح توك نه بلکه يوه قديمي و مستقله ژبه ده چه اولين ذريعه د نقل او انتقال ئې د هند د آرين د کورني نه د ايرانيانو کورني ته تشکيل کړي، او له دې جهته خصائص او نشاني د دواړو ژبو لري او غوره مميزات د پراکرت[3] يعني د هندي د کورني نشانې زياتې پکښې کوي، دا علمي نظريه د پروفيسر فون سپيکل له خواه څخه په اثر کښې ئې موسومه په (مليت د ايران[4]) هم قبوله شوې او د ډاکټر "هارنل" له خواه هم په ګرامر کښې ئې موسومه په (ګودين لينګوجز[5]) دا نظريه منلې شوې ده او هم هغه (ميسو دار مستتر) هم په خپل اثر کښې موسومه په (راپورت د هيئت فيلولوژي په هندوستان کښې[6]) چه په ١٨٨٧ع کښې چاپ شوی دی دا نظريه ئې منلې وه اما پس له دره کلونو په خپل بل اثر کښې چه موسومه په (راجع و ملي نشيد و ته د افغان[7]) دی له خپلې اولی نظريې نه ګرزيدلی او په دا نوی کتاب کښې ئې دا نظريه ظاهره کړې ده چه پښتو حتماً په دسته د مشرقي، د ايرانين په کورنی اړه لري او له "ژند" څخه يا له يوې محلي ژبې څخه چه ژند ته نيږدې دي يا متحد دی مشتق شوې ده په واقع کښې د اثر به يعني پښتو د ژند د ژبې سره د لېږ نسبت لري

(١) (Zend) (٢) Uber die Sprache der Afghanen (٣) باخوند سانسکرت ژبه (٤) Eranische Alterthumskunde

(٥) Gaudian Languages (٦) Rapport sur une Mission philologique dans l'Hindoustan.

(٧) Chants populaires des Afghans.

لکه په ښو خالصه قدیم دغه رسم الخط چه پکښې کړې یعنې خطوط د هغه منشیانو ضبط شوي) او له هغې پر دا منځ کوري
ښه پوه د اقع صورت یې په هند شمال مغربي برخه او ټولو اوښانو ذکر یې دی مرحوم چه خپل ذات کښې یوه شهپار اینی ده.

داوه لنډ نظریات د بعضو محققینو چه په باب د اشتقاق د پښتو ژبې ولیکل شول مګر نو لیکونکي په دې مقالې تر هغه اندازې چه په لغات او ادبیات د پښتو کښې یې تحقیق کړی او هم د اوښتاعو رڼې شوې ده په هغه آخر نظریه د داکتر «ترومپ» چه وائی (دا ژبه د هندو آرین د کورنۍ یو صحیح توک نه بلکه یوه قدیمي او مستقله ژبه ده چه اولنۍ د نقل او انتقال له هندو آرین د کورنۍ نه د ایرانین و کورنۍ ته تشکیل کړی) ملګرتیا او تصدیق کوم او خپل مدعا قدامت د دې خاورې او هغه پرلونو چه د دې خاورې څخه سوځي شاهد او ګواه دی، سړی چه تر هغو سپکو ولاړت کېږي چه مهد د آسایش او مدنیت د آریاد دی د دوی حفریات ته کښې چه د خرابو نو له هغه آثار او شواهد چه قدامت د دې خاورې پوهوونې را وزې مګر یا هم تر هغه ځایه چه حفریات علماؤ مخصوصاً علمي میشنونه د فرانسې په هغه اندازه چه د «بلخ» په خرابو کښې (چه زانګو د آریان بایده وشي ولیل شي)، تدقیقات کړي او خپله نظریه یې ظاهره کړې ده معلومېږي چه د اڅکه له دېر قدیم وخته مهد د ژوندون د انسانانو وه چه کله او د آثو تمدن پرانګو د علامې کي لابیده وه او یقین دی کړا اصولي حفریات په دې خاوره کښې اجرا شي دیر مهمه آثار او شواهد به هم لاسته راشي چه تمدن د آریائی قوم اصلي او سیدونکي د دې خاورې په نسبت د کلاه او آثو ډېر پخواه ثابت کي.

نو په یوه شي پوه تاریخ د علماؤ ویلي سوه مرکز د ژوندون او اول مهد د پرورش د آریائی قوم چه بود غږ مملکت شمالي خواه وه او په مختلفو زمانو کښې لوی لوی ټکران له دې خاورې څخه مه نسبت د زیات والی د نفوس او یا نورو حوادث چه مهم سوه انسان په ژوندون کښې طبعاً حادث کېږي وهجرت ته مجبور سوه او په پراخو ځلکو او د پښتو د هند او فارس او غربي ممالک کښې ځای ونیوه او یو قسمت هم په دې خپلو خاورو او تاریخي ځکه کښې پښتو کنه اختیار کړه.

نو په دې صورت چه اصلي ځای د غه ځکه او مهاجرت هم له دې ځایه و هند ته سوي وي او هم دوه نیم زره کاله پخواه د دې ژبې ذکر سوی وي څه رنګه کېږي چه پښتو له بناخه د غربي (فارسي) یا له بناخه د شرقي (د هند)

مشتق او آخستل سوي وي؟ بلکه د پښتو خونه لدې ژبې څخه باید وتلي وبولو.

افغان :- په وجه د تسمیئې کښ د افغان د کلمې رنګارنګ روایات موجود دي، بعضې سم لهٔ ضرب المثلو او متلو له روایتو سره دا کلمه له «افغانا» څخه مشتق بولي لکه چه وائي افغانا نومي د (طالوت) پادشاه د اسرائیلو او افغانان هم نسل د هغه پادشاه دي او بعضې وائي چه معنی د دې کلمې شور و غوغا ده هغه وخت چه د دوی په دین اسلام مشرف سول شیطانان په ژړا او چیغو نسکور سول، او بعضې بل تعبیر و تدتراشي چه هغه اضطراب و اغتشاش چه دائمي او لاینقطع په مینځ د دوی کښ په علت د جنګو او بدیو موجود دي او څکه ئې په شور او غوغا یې بولي دا د دوی نوم «افغان» سو. او قس علیٰ هذا لدې رنګه روایات او علل زیات له پاره د وجه د تسمیئې د دې کلمې موجود دي او خلقو ترجیح کړي دي مګر دا یو صحیح هیئت او مصدر د دې کلمې ته نسي پیدا کېدای، اګرچه اسم د افغان دیر پخواه استعمال سوی دی مګر کمان چه یقین ته نیږدې دی دادی چه دا نوم په ټولو پښتونو باندې اطلاق سوی، نو د افغان لکه سوري، غوري، لودي، خلجي او نور په اول کښ یوازې قبیله وي نوم وه، پس تر ادبي نوم وګرځېده لکه چه آغاز د فتوحات د عرب کښ په جمله د نورو نومو د افغانستان د طوائفو، په غور کښ لکه سوري او غوري کامې هم د بعضو قبیلو نوم په بني افغان یا د سوی او د اسلام په تاریخو کښ ئې ذکر سوی او «پراما میهیرا» هندي منجم هم په شپږم قرن د میلادي کښ ئې په نامه د اواکانه یا آواکانه نوم وړی دی او په شپږم قرن د هجري نوم د افغان په هغو طوائفو د پښتانه اطلاق سوی چه د سلیمان په غرو کښ ئې استوګنه درلوده او البروني او لاکه د بعضو قبیلو چه د سند و وادي ته نیږدې وه په نامه د افغان یاد کړي او د بریتانیا اسلامي انسکلوپیډي لیکي چه ربورتي ساکنین د جنوب د «کرم» او شرق د غزني په نامه د افغان یاد کړي، او فردوسي په (۱۱) قرن کښ د افغان د طائفې نوم وړی او ابن بطوطه هم په (۱۲) قرن کښ د افغان د نامه ذکر کړی.

د پنځم قرن څخه د هجري وړدي خواه ته وروړو نوم د افغان د پښتانه د لویو طائفو په ردیف کښ داخل او پس له هغه مدې په خارج کښ نوم د افغان، نه دا چه ادبي نوم وګرځېده بلکه نوی راتلونکي او مهاجرین

په هند کښې د طوایفو هم له هر قبیلې او عشیرې چه وه بلا استثنا په نامه د افغان یاد سول او لوی طایفې د پښتنو چه پخوا له دې ګوزنی (نامیل)، او د قبیلې په نامه مشهوره وه او په هندوستان او د نورو ځایو کښې نې استوګنه کړله دې نو په دې نامه څخه خلاص سول. نو اکثرو مورخینو او لرې خلقو ته په معرفت او پېژندګلوۍ والي د لویو طائفو شبهه پېښه سوه او دوی نو دې نامه د افغان تر عنوان لاندې نې قول پښتانه قول نکړل. لکه چه سلاطین د غلامانو د جملې ګڼل کېدونکي د قطب الدین، التمشیه، بلبنیه، خضرخانیه، خلجیه (غلجي)، او تغلقیه په هندوستان کښې د پښتو څخه بېل او سوا بولي، یوازې نه او عموده له مورخینو او محققینو د اروپا او آسیا په حقیقت رسیدلي دي لکه مستر ملسن، مستر براون، مستر ولیم بیل، مستر مارسدن، خاوندان د سیر المتأخرین او حیات افغاني او خورشید جهان او نور لکه چه برون مورخ د تاریخ د ایران د سلسلې سلاطین د غور، د فیروزکوه له پښتنو څخه بولي او ملسن قطب الدین اول فاتح د دهلي یو نامدار پښتون ګڼي او مستر مارسدن په خپل کلاسیکي تاریخ کښې سلسله د غلامانو. التمشیه، بلبنیه، خضرخانیه، غلجه (غلجي)، تغلقشاهیه په هندوستان کښې واضحاً له سلسلې څخه د پښتون نې شماري، او تامس ولیم بیل (صاحب د مفتاح)، د تغلقشاهیه د پادشاهانو نسب هم د غور د پښتنو څخه بولي.

علی ای حال پس له (١٦) قرن څخه د مسیحي نو تر افغان عمومیت پیدا کی او پس له هغو چه (درانیو) کوی او عظیم سلطنت د افغانستان تشکیل کی، کلمه د افغان د قول اهالي د افغانستان ملي نوم سه او نوم د مملکت هم افغانستان کښېښودل سه.

وجه تسمیه د افغان او ماهیت د دې کلمې په نزد د محققینو لا تر هوسه مجهول او نا معلوم دی او دا چه روایاتو څخه معرب د افغانا، او بني اسرائیل نسبت کوي او یا د املت له فراهو څخه د بخت نصر وغیره شماري محض غلط او غلط محض دی لکه چه د آثوري او کلداني سامي سلطنتو حدود چه په (٥٣٨) ق ٠ م کښې د کوروش له لاسه خاتمه پیدا کړه)، په هغې د ترقي او کمال کښې هغه اګروس

رسیدلي وه ، له جهته د دے چه په مشرق کښ قوي کوچي (چادرنشین ، د آریائي واقع وه او آشوریانو کلدانیانو) په مغرب کښ مدام د مصر سره چه یو لوي قوي دولت وه جنګید لهٔ د مشرق و خواه ته متوجه کیدای نشوي او نفي د یهود یانو چه په عهد کښ د دوم سارګون ۷۲۱ ق.م وه او په عصر د بخت نصر کبیر پادشاه د کلدانیانو کښ ۵۸۲ ق.م واقع سوه علی الترتیب په علاقه د میدیا او د بابل په شهر کښ وه د میدیا د یهود یانو فرار یان په نیږدے او همسایه ملتو کښ تول منحل سول او د بابل یهود یان پس له د وو نسلو په زمانه کښ د کوروش کبیر موسس د هخامنشي سلطنت ، بیرته خپل وطن ته (فلسطین) ولاړل او خپل خراب سوي مساکن او معابد ئي جوړ کړل او بعضے له قبائلو څخه د یهود یانو په مصر او مدینهٔ منوره کښ ځای د استوګنې اختیار کړی .

پټان یا پټهان یا پهټان :-

د پټان وجه تسمیه هم نامعلومه ده او د یري اساسه روایات او موضوعي قصے پدے باب کښ کیږي بعضے رضي اشتقاق او موهومي اخراج دڅ کلمے پڅ موضوعي قصه باندبرابروي چه حضرت سرور کائنات صلی الله علیه وآله وسلم قیس نامي په نامه د پټان یاد کړي او نوموړئ عبد الرشید ایبي دي او معنی د پټان په باد بان د کښتي کوي او بعضے ئي لاندني برخه د جهاز روائي او بعضے دا روایت کوي چه پښتون په اول وار کښ چه داخل د هندوستان سه په پټنه کښ ئي ځای و نوي پدے سبب په نامه د پټان مسمی سه و علیهذا . اول الذکر روایت تماماً جعلي او بي اساس لیده کیږي[1] ځکه چه هغه زمانه د عربي وه او په عربو کښ (پ) نسته او که هغه (ب) فرض کوو هم یقین دي چه دا معنی مفهوم د دے کلمے کیدای نسي بلکه بتان یا بتهان به د عرب په لغاتو کښ موجود نوي ، او هم دا خبره نه په حدیث شریف او نه په نورو دیني او مذهبي روایاتو کښ چا ته په نظر ورغلی .

[1] (۱) پدے بحث دي چه قیس په حضور د حضرت رسول الله صلی الله علیه وسلم باریابي پاتلي نه دي بلکه یقین کیږي چه تلل دي دي . ځکه چه هغو په پښتو دیره اسلام خپور کړ او دي او اسلام د هرکله ظهور شو هم د هغه په پښتو قصد د شفیعي په نامه د پټان کښ دي

دوم روایت که څه هم ترېوې اندازې داډ ور کوونکې دی مګر تحقیقات او تدقیقات چه پکښې شوي دي دا نوم معروف د پښتانه یا پشتانه څخه دی څکه چه هندیانو د پشتانه یا پښتانه کلمهٔ معرب کړې او په خپل تلفظ او لهجې ئې موزون او برابره کړې ده او په خپل ملکت کښې ئې رواج ور کړې دی اودا نوم د پټهان یا پټان هم له (۱۶) قرن څخه په دې خوا د هند مؤرخینو او مؤرخینو استعمال کړې دی چه تر هو سه پښتون ته پټان وائي.

تلفظ او لهجه :-

مغتول ملت چه د پښتو په ژبه خبرې کوي من حیث العموم هغه یوه د پښتو ژبه ده، مګر په لهجه او تلفظ کښې بعضو پر لږ اختلاف دی چه موږ هغه په دوو برخو ویشوا او په پشتو ژبان او پښتو ژبان تعبیروبرته کوو، مغرباً وشمال مغرب پشتو ژبان او مشرق او شمال مشرق پښتو ژبان ویل کیږي، پشتو ژبان په تلفظ کښې حرف د «ښ» ش او حرف د «ږ» ژ وائي او پښتو ژبان حرف د «ښ» په خ او حرف د «ږ» په ګ تلفظ کوي، او ځای د استوګنې د قولو پښتو فرښته په (سره) یاد وي او هغه د سره علاقه عبارت ده چه شمالاً جنوباً لصوات او باجوړ څخه تر سوي او بکرا و شرقاً او غرباً له حسن ابدال څخه تر کابل چه قندهار هم پکښې دي شامل دي.

لیکونکی امین الله «زمرلای»

نوټ د جناب فاضل مولوي جمال الدین خان او د جناب عبدالباقي خان سرکاتب د انجمن څخه ډیر تشکر کوم چه جناب مولوي صاحب بعضو مآخذ راښودلي دي او سرکاتب صاحب په ترجمه د بعضو مآخذ و کمک را سره کړې دی.

سالنمای ۱۳۱۲ هجری شمسی

تعداد ایام بروج	اسمای بروج	ایام هفته که روز اول هر برج شروع شده						
۳۱ روز	حمل	چهارشنبه	پنجشنبه	جمعه	شنبه	یکشنبه	دوشنبه	سه‌شنبه
۳۱ روز	ثور	شنبه	یکشنبه	دوشنبه	سه‌شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	جمعه
۳۱ روز	جوزا	سه‌شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	جمعه	شنبه	یکشنبه	دوشنبه
۳۲ روز	سرطان	جمعه	شنبه	یکشنبه	دوشنبه	سه‌شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه
۳۱ روز	اسد	سه‌شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	جمعه	شنبه	یکشنبه	دوشنبه
۳۱ روز	سنبله	جمعه	شنبه	یکشنبه	دوشنبه	سه‌شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه
۳۱ روز	میزان	دوشنبه	سه‌شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	جمعه	شنبه	یکشنبه
۳۰ روز	عقرب	پنجشنبه	جمعه	شنبه	یکشنبه	دوشنبه	سه‌شنبه	چهارشنبه
۲۹ روز	قوس	شنبه	یکشنبه	دوشنبه	سه‌شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	جمعه
۲۹ روز	جدی	یکشنبه	دوشنبه	سه‌شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	جمعه	شنبه
۳۰ روز	دلو	دوشنبه	سه‌شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	جمعه	شنبه	یکشنبه
۳۰ روز	حوت	چهارشنبه	پنجشنبه	جمعه	شنبه	یکشنبه	دوشنبه	سه‌شنبه

۱	۲	۳	٤	۵	۶	۷
۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱٤
۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱
۲۲	۲۳	۲٤	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸
۲۹	۳۰	۳۱	۳۲			محمد داود [illegible]

بسبب عید اضحی رخصتی چهار روز
بسبب دهم محرم الحرام رخصتی یکروز
بسبب مولود سعادت آمود ۱۲ ربیع الاول رخصتی یکروز
بسبب جشن استقلال رخصتی هشت روز در برج اسد
بسبب افتتاح شورای ملی ۲۰ سنبله رخصتی یکروز
ولادت باسعادت اعلیحضرت محمد ظاهر شاه ۲۰ میزان ۱۲۹۳
بسبب جشن نجات در ۲۳ میزان رخصتی یکروز
جلوس میمنت مانوس اعلیحضرت محمد ظاهر شاه ۱۶ عقرب ۱۳۱۲
بسبب اول رمضان المبارک رخصتی یکروز
بسبب عید فطر رخصتی سه روز
بسبب عید اضحی رخصتی چهار روز

هیئت انجمن ادبی کابل

Le Directeur et les Membres Actifs du Cercle Littéraire de Kaboul

عالیقدر صداقتمآب شهزاده احمد علی خان درانی

« مدیر انجمن ادبی »

عالیقدر حفیظ الله خان « مهتمم سالنامه »

عالیقدر علامه جیلانی خان اعظمی

« معاون انجمن ادبی »

عالیقدر سرور خان گویا « عضو انجمن ادبی »

عالیقدر امین‌الله خان زمریالی
«عضو انجمن ادبی»

عالیقدر محمد کریم خان نزیهی
«عضو انجمن ادبی»

فاضل قاری عبدالله خان شاعر شهیر
«عضو انجمن ادبی»

عالیقدر محمد سرور خان صبا
«عضو انجمن ادبی»

عالیقدر غلام جیلانی خان جلالی
«عضو انجمن ادبی»

عالیقدر سید قاسم خان رشتیا
«عضو انجمن ادبی»

هیئت تحریر دفتر انجمن ادبی کابل

Le Bureau du Cercle Littéraire de Kaboul.

فهرست مضامین سالنامهٔ کابل

سال ۱۳۱۲

فهرست تصاویر سالنامهٔ کابل

سال ۱۳۱۲

و

غلطنامه

از قارئین محترم خواهش میشود که نخست اغلاط ذیل را تصحیح نموده بعد بمطالعه آغاز بفرمایند:

صفحه	سطر	غلط	صحیح
١	٢	دار لسلطنه	دار السلطنه
١٨	٣	دو کاوش ها	وکاوش ها
٢٠	١٩	صفحامنشی های	صفحامنشی ها
			باورق
٢٢	٨	هندی ـ ایک	انگلیسی ـ ایک
٢٥	١٥	یگویم	بگویم
٢٥	١٨	٨٠٠٠٠	٨٠٠
٣٢	١٣	٤٦٠ متر	٩٤٠ متر
٣٣	٣٣	ردمتر	دو متر
٤٤	١٧	باجود	موجود
٣٥	٥	مفتاوت الاصلاع	متفاوت الاضلاع
٣٦	٢٤	اورالو ری شن	ارالو ری شن
٣٦	٢٦		
٣٦	٢٧		
٣٧	٣١	دره کلبه	دره کلیم
٣٨	٣	خاواك سندان	خاواك بسندان
«	٣٤	وتل خاواك	کوتل خاواك
٣٩	٣١	کوتل بارون	کوتل بارون
		٤ هزار متر	٤٦٠٠ متر
٤٠	٧	خاریت	خاصیت
٤٨	٩	نبدر ٥٢ ونیم	بقدر ٥٢ ونیم
٤٨	٣١	سوشه	شوسه
٥٦	٢٢	اشجار این حصص	در اشجار این حصص
٥٨	٣٦	طیورنکه	طیوریکه
٥٩	٩	تمییر خان آباد	تمیر خان آباد

صفحه	سطر	غلط	صحیح
٥٩	١١	شورتیه	بشه بیه
٦٧	٢٣	که درخشندگی	که بدرخشندگی
٦٧	٣٣	معلوم بشد	معلوم شد
٦٨	١٨	بطرول دار اشت	بطرول را دار است
٧١	١١	مستقی	مستهٔ نی
نقشه مقابل	٤٠	اشکال وخصوص رنگها	را اشکال مخصوص
٧٩	١٩	سمت مشرق مغرب	از طرف غرب بشرق
٨٠	٢٥	مشرقاً غرباً	غرباً بافغانستان
			امتداد یافته
٩٥	٥	مدیت	مدیریت
٩٧	٩	لسی	اسی
١٢٢	١٣	رگمرك	گمرك
١٢٨	٧	٢٨	١٢٨
١٢٨	٧	جمیت العلما	جمعیت العلما
١٧٢	٢٢	خش گواری	خوش گواری
١٣٢	١٠	ارغستان	ارغسان (اراکوسیا)
١٣٣	٢٤	میرفضل احمد خان	میر فضل احمد خان
١٣٤	٢١	مرکز و علاقه داریها	مرکز و علاقه داری
		بیرون سوند	های بیرون سونه
١٤٥	٢	افرادوخوردضابطان	افراد وخورد ضابطان
			و ضابطان
١٤٦	٢٦	تبدیل فورم البسه	فورم البسه
١٤٦	٢٦	ساخته شده	تبدیل شده
١٤٨	١	نعلیم	تعلیم
١٥٢	٢٦	علی نگار	النگار
١٥٤	٧	اسکان	سکونت

غلط نامه

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۱۵۶	٤	دین داد	دین دار
۱۵۶	۸	صادره را	صادره
۱٦۰	۲۲	زیا اد	زیاد
۱٦۳	٤	فوائد عامه	امور فوائد عامه
۱٦٤	۵	فایکه	فاریکه
۱٦٤	۱۸	گامسکوت	دامسکوت
۱٦۵	۲	اشغال	استخدام
۱٦٦	۳	ناز	تاسیس
۱٦٦	۵	سلسهٔ	سلسله
۱۷۵	۸	ار	را
۱۸۳	۳	زروها	دروه های
۱۸۵	۸	بوند	بودند
۱۸٦	۱۰	تصطیح	تسطیح
۱۹۸	٦	ذیعدخل	ذیدخل
۱۹۸	۱۰	میوانتم	میوانیم
۱۹۸	۱۲	آوال	اوائل
۱۹۸	۱٤	کرده	کردند
۱۹۸	۱۵	عکسهای	عکسها
۱۹۹	۲۳	یوگریته یا	یوگراتیدیا
۲۰۰	۲	روزآستر	روراسترا
۲۰۰	۵	فاق	طاق
۲۰۰	۸	شاختمان	ساختمان
۲۰۲	۲	چهاز	چهار
۲۰۲	۹	می‌بردند	می ردند
۲۰۲	۱۲	ابه	ابنیه
۲۰۲	۲۲	اتثنا	استثنا
۲۰۳	۲٤	بایقاره	بایقرا
۲۰۵	۱	خانه	خامه
۲۰۵	٤	بااواخر	تااواخر
۲۰۸	۱۰	رسمها	رسمهای
۲۰۸	۱۲	امریکا ناکام	امریکاو پارهٔ مسائل دیگر ناکام
۲۰۸	۲۳	میثان	میثاق
۲۰۹	۱٤	کومیه	کومیتهٔ
۲۰۹	۲٤	اوپاساس	وپاساس
۲۰۹	۲۳	تسلیات	تسلیحات
۲۱۳	۱۷	پیشتهاد	پیشنهاد
۲۱۵	۲	موحبات	موجبات
۲۱٦	۲۸	والائی لامه‌پیشوای	د الائی لامه پیشوای
۲۱۷	۱۰	مدحس	مدهش
۲۱۸	۱۱	واضع	واضح
۲۱۸	۱۵	تحدید	تهدید
۲۱۹	۱	وارسی	دارسی
۲۱۹	۸	بانر	راجع به
۲۱۹	ماقبل آخر	تحت	سمت
۲۲۳	۱۱	بروبیک	برونیسک
۲۲۵	۱۳	دوبین	دومبین
۲۲۵	۱۹	ها	را
۲۲۵	۲۰	Suine Feines	Suin-Feiner
۲۳۱	۲٤	۱۹۸۱	۱۸۹۱
۲۳۲	۲۸	رسیج	دسیج
۲۳٤	۱۹	(وجیهول)	جیهول ،
۲۳۵	٦	مراکرات	مداکرات
۲۳۵	٦	دولت	ملت
۲۳۵	۱۹	سبه	شبه
۲۳٦	۲۳	سیابا	سینایا
۲٤۳	۲٦	میادله	مبادله
۲٤۳	آخر	رسید	ترسید
۲٤٤	۲۳	صعیحی	صحی
۲٤٤	۳۲	«فیدرل‌ریزروبانك»	«فیدرل‌ریزروبانك
۲٤۵	۲	قوص	قوس
۲٤۹	۱۱	فولکین	فوکین
۲۵۲	۱۲	حربی	حزبی
۲۵۲	۱٦	مشاراليه موسیو	مشاراليه رئیس جمهور موسیو
۲۵۷	عنوان	بافغانستان‌آمده‌اند	بکابل آمده اند
۲٦۲	۲	امین آف	امین اوف
۲٦۳	۸	شواند	شده اند
۲٦٤	۹	به تعداد	تعداد
۲٦۵	۳	گدشت	گذاشت

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۳۵[illegible]	۲۸	کنی برتگال	کنی پرتگالی
۳۵[illegible]	۲۱	نیو فاوند ابند	نیو فاوند لیند
۳۵۹	[illegible]	نتوزیلند	نیوزیلند
»	۲۷	لاتویا والتویه	لاتویا ولتوانیا
۳۵۸	۱۳	درکستان	در ترکستان
۳۵۹	۱۲	حتی ترکها	تا که ترکها
»	۲۸	شعار خود گرفتند	شعار خود ساختند
۳۶۰	۸	ناشی بود	مشهور بود
۳۶٤	۱۹	عمزاد	عمو زاده
۳۶۵	۱	مساحهان (۰۰۰۰) را	مساحهان (۰۰۰۰)
»	۱۲	در زمان داریوش مقلب ساخت .	در زمان دارای سوم مقلب ساخت .
»	۲۵	سلطنت صفوی هارا انقلابات داخلی ایران خاتمه داده	را خاتمه داده
۳۶۹	۲٦	در سنه ٦٦٤	در سنه ٦٦٤ میلادی
»	۳۰	ضعف داخلی	ضعف داخلی
»	۳۳	متفرقات	متصرفات
۳۷۰	۲	مکدان	مکران
»	۱۸	ناصرخان پسرش را	پسر ناصر خان را
»	۲۱	فوتید	فوت کرد
۳۷۳	۱۰	سلاسله	سلاله
۳۷٤	۲	ارشا	ارثا
۳۸۰	۲۸	شول ادر	شول اورا
۳۸۲	۲۵	Tounshend	Townshned
۳۸۳	۲۸	Richard Son	Richardson
»	۳٤	بشهر بودو	بشهر بدو
۳۸٦	۱	رفت وآمد تبلیغ داشته و اشاعة	رفت و آمد داشته و تبلیغ و اشاعة
»	۳	ماجاپاهه	ماجاپاهت
»	٤	ماجاپاهد را	ماجاپاهت را
»	۱۰	دولت ماتارام	دولت ماتارام
»	۲۸	وزیرحاکمی باسرالله	وزیر حاکم باسرالله
»	»	این سلاله بود	این سلاله درمصر بود
۳۸۱	۱۷	المعترش را	الاحرش را
»	۲٦	هرار	هراران
۳۸	٥	رسم الخط آنها	رسم الخط آن
»	۱۰	میگلی	میگلن پرتگالی

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۳۸۸	۱۱	جولاکار	جولاکا
۳۸۹	٦	نبادر	بنادر
»	۹	عل	عمل
»	۱۱	مفتوح شدن بدست او	مفتوح شدن هالیند بدست او
»	۱۲	اغرام	اعزام
»	۱۷	با چین	با آچین
»	»	تصرف	متصرف
۳۹۱	٥	مهن	من
»	٦	»	»
»	۱۷	ودابیات	و ادبیات
»	۱۹	تسخیراهند	تسخیر هند
»	»	مخمس	مخمس
۳۹۲	٤	کون فی سش	کنفوسیوس
»	»	مذهب بدها	بودائی ها
»	۱٦	کرد نمود	کرد
»	۱۷	با سگ	با ستونک
۳۹۷	٤	صالح	صالح
۳۹۸	۲۹	رویك	روق
»	۳۳	راجاه	راجا
»	۳٦	کوجنك	کوچنك
۳۹۹	۹	اوکروسمویدها	اوغزوسموی ها
»	»	ازاستعمال مضرع	
»	۱۳	اوکروسمویدها	اوغزوسموی ها
»	۲٦	به تا	تا به
»	۳۱	لنا	لینا
»	۳۳	خابروف	خابروف
»	»	کاسکهای	قزاقهای
٤۰٥	۱٥	کزاف	کزاف
	۳٥	سلبون	سیلون
٤۱۰	٤	عمان است	امان است
	۱٦	لاحج	لاهیج
»	۲۱	مربوط میباشد و با هندوستان هیچ رابطه ندارد البته از سنه ۱۹۲۷	مربوط میباشد ولی از طرف حکومت مرکزی هند اداره میشود البته از سنه ۱۹۲۷
٤۱۳	۸	شوسه	سوسها

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۴۱۳	۸	شوسه	سوسها
»	۱۰	»	»
»	۱۳	پتولمی سوم	بطلیوس
»	۲۴	اوریلیان	وریلیان
۴۱۵	۴	قبوتلی	قبوتلی
»	»	»	»
»	»	»	»
»	۱۲	تونستند	نتوانستند
۴۱۷	۲۱	فحتان	قحطان
»	۲۵	»	»
»	۲۶	قبائل ازدی	قبائل حمیری
»	۲۸	عمان	سوغسان
»	۲۹	فحتانی	قحطانی
۴۱۸	۱		
»	۹	مفر	مصر
»			
»	۱۰	قهر	قهر
»	۱۱	مخزوم	محروم
»	۱۷	شها معرفت	شهارمعرفت
»	۲۴	اکتفا نکردهٔ امپراطوری	اکتفا نکرده قسمت بزرگ امپراطوری
۴۱۹	۳۳	مقامات ذیل	مقام ذیل
۴۲۰	۱۵	یکی بعد	یکی بعد از
۴۲۱	۱۹	اسرئیل ها	اسرئیلی ها
۴۲۲	۱۱	بتولمی	بطلموس
»	۱۴	»	
۴۲۴	۲۲	عسکه	عکه
»	۲۶	متخیلین مصر	مبلغین نصرانی
»	۳۲	مغلهای آسیا	مغلهای چنگیزی در آسیا
۴۲۵	۱	مملوك	ممالیك
۴۲۶	۷	که ازبان	که از زبان
»	»	ماخوذ است در کتب چینی شاهد این مدعاست	ماخوذ است شاهد این مدعاست،
»	»	و شرحی از مسافرتهای تجار	در کتب چینی شرحی از مسافرتهای تجار
»	۱۲	میگلین هسپانوی بدین جزائر	میگلین پرتگالی الاصل باقوهٔ بحری بدین جزائر

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۴۲۶	۱۸	موروپاوی نامیدند	مورو تا میدند
۴۲۷	۲	بوگتی	بگتی
»		توشکی	نوشکی
»	۱۱	قریشی است (حام)	رئیس قریشی است و (جام)
»	۱۹	تحایف	تحایف
۴۲۹	۸	رقم	مبلغ
۴۲۹	۹	کراف	گراف
»		رقم	پول
»	۱۱	زبیر	زنبیر
»	۱۲	دیگر	سوم
»	۱۷	شبول	سیول
۴۳۱	۷	شهنشاه	و شهنشاه
»		وکوریا	کوریا
»	۱۲	کاتقلیوسی	کاتقیسوس
»	۲۰	......	۳۴ر۰۷۴ر۹۸۰
»	۲۱	قدیم عابان	قدیم مقام نمایان
۴۳۳	۵	(بکسرها)	(بوکسرها)
۴۳۴	۱۷	تجارت تریاك	و منع تجارت تریاك
۴۳۶	۳	.... کیلومتر ..... نفراست	۱۴۳ر۷۵۷ کیلومتر ۳ر۸۸۸ر۱۸۲ نفر است
»	۲۸	درقرن ( )	درقرن (۱۴)
»	۲۹	مسلمانان جزیره بود	مسلمانان این جزیره نابود
۴۳۷	۱۰	(پیانگ)	(پیناگ)
»		شنگاپور	سنگاپور
»	۱۴	پراك	پیراك
»	۱۰	پراك سیلانگور	پیراك، سیلانگور
»	۲۱	کنده	کیده
»	۲۳	مسافهٔ آن	مساحهٔ آن
۴۳۸	۱۹	کله ها	گله ها
»	۲۳	درحائل	درحیل
»	۲۹	عشیر را	عسیر را
»	»	حائل ودیگر	حیل و دیگر
۴۳۹	۱۳	Kni loch	Kinloch
۴۴۰	۱	هند چین	هند چینی
»	۲۵	کامبودجیه	کامبودیا

غلط نامه

صفحه	سطر	غلط	صحیح
٤٦١	٨	ساعت ١١	ساعت ١٣
»	١٠	پرتکال	پرتگال
»	١٣	.	مملکت مکسیکو
»	١٦	متحدهٔ امریکای شمالی	جماهیر متحدهٔ امریکای شمالی
»	١٨		» » »
	١٩	ونکودر	ونکوور
»	٢١	ویی پیك	وینی پیك
٤٦٢	١٣	ابر	لیره
»	١٦	بولیئوه	بولیوه
		بولیوه بو	بولیوه بو
»	٣٤	لیو	لیوا
٤٦٣	٤	سکا بور	سنکا بور
»	١٥	گواتمالا	گواتیمالا
»	٢١	کندا ر(فلورین)	گندر (فلورین)
	٢٧	هاندوارس	هاندوراس
»	٣٢	بوروگوی	یوروگوی
٤٦٤	١	ومقیاسات	مقیاسات
»	٧	سوبو	تسوبو
٤٧١		بالای خط زهریات و جلوگیری معلومات صحی از تاثیر آنها	
	١		
	١١	در معده از تحلیل در معده سم یك مرکب	سم در ان چنان کیمیاوی کیمیاوی بوجود آورد یك ترشحی بوجود آید
	١٥	تنها آب شیرگرم نیز کافی است چهار از کافی است و طریق در کاملا بطور استعمال آن چنین	تنها آب شیرگرم نیز کافی خوردن آب است شیرگرم بوده و طریق استعمال آن چنین است
»	١٧	استغراق	استفراغ
»	١٨	تیزمقی بوده	تیزمقی و حل کننده سمیات بوده
٤٧٣	١٠	(کرم)	(گرم)
»	١٩	سکه	سرکه

صفحه	سطر	غلط	صحیح
٤٧٢	٢٢	سلفید	سلفات
٤٧٣	١	تریاك افیون	تریاك ـ افیون
»	١٤	مصالح	ومصالح
»	١٦	سلفید	سلفات
»	»	مکث یشن ادویه مقوی	مگنیشیا داده شود و بالاخره ادویهٔ مقوی
٤٧٤	٤	سعوف	مسفوف
»	٦	وی ر و نال اوپی نال	وی ر و نال ، لوپی نال
»	١١	الك رالك	اگر الك
	٢١	قی ولی برای	برای قی آوردن
»	٢٣	بهترین معلومات صحی	
٤٧٥		بالای خط بهترین معلومات صحی	معلومات صحی
٤٧٦	٣	نکردند	گردند
»	١٩	نوده	نمود
»	٣٤	مریضا یکه	مریضا نیکه
٤٧٧		بالای خط بهترین معلومات	معلومات صحی
٤٧٨	٦	جود رنده گی	جمك ردگی
»	٨	یك مراته	یك مرتبه
	١٣	رئوی	ریوی
»	٣١	پش در جمع	پس در جمیع
٤٧٩		بهترین معلومات	معلومات صحی
٤٨٠	١٣	Papilla	Papillae
٤٨٣	٧	معلوه	معلومات
»	٢١	قس	نفس
٤٨٥	٧	اروالده	ازوالده
»	٣٣	اروص چچك	ارص حچك
٤٨٥	٢٥	بهترین معلومات زراعی	زراعت و فلاحت
٤٨٩	٧	ناحی ازرگ .. بطور حائز	ناحی از برگ غاز بطور حائزه
»	١٠	Baron Pierre du	Baron Pierre de Coubertin
»	١٠	اولمی	اولمپیا
»	١٢	نفواد	وجود
»	١٨	مکراس	ایکراس
٤٩٤	٩	اولاد ذکو	اولاد ذکور
»	١٣	(٥)	(٥٠)
»	٢١	اولادهٔ مذکور	اولادهٔ ذکور